UNIVERSAL
LIBRARY

OU_190208

UNIVERSAL
LIBRARY

OSMANIA UNIVERSITY LIBRARY

Call No. د - ف / ۰۱۷۵۰۹۱ RCG Accession No. ۳۷۵۳

Author دانشگاه تهران - کتاب خانه مرکزی

Title فهرست کتابخانه مرکزی - دانشگاه تهران - جلد سوم

This book should be returned on or before the date last marked below.

فهرست گفتار های این دفتر

گفتار نخستین

منطق — که ٤٤ کتاب در ٥٠ نسخه در آن شناسانده شده است .

(کتاب ازشمارهٔ ١ تا شمارهٔ ٤٤ و نسخه از شمارهٔ ١ تاشمارهٔ ٥٠ ص ٣ — ٦٧)

گفتار دوم

فلسفه الهی وطبیعی — ٣٦٥ کتاب در ٤٦٩ نسخه .

(کتاب ازش ٤٥ تاش ٤٠٩ و نسخه ازش ٥١ تاش ٥١٩ ص ٧٠ — ٤٠٠)

گفتار سوم

عرفان — ١٧٥ کتاب در ١٩٨ نسخه .

(کتاب ازش ٤١٠ تاش ٥٨٤ و نسخه ازش ٥٢٠ تا ٧١٧ ص ٤٠٢ — ٥١٩)

گفتار چهارم

کلام — ١٢٥ کتاب در ١٣٩ نسخه .

(کتاب ازش ٥٨٥ تاش ٧٠٩ و نسخه ازش ٧١٨ تاش ٨٥٦ ص ٥٢٢ — ٦٣٨)

گفتار پنجم

فلسفه عملی — ٥٦ کتاب و ٦٤ نسخه .

(کتاب ازش ٧١٠ تاش ٧٦٥ و نسخه ازش ٨٥٧ تاش ٩٢٠ ص ٦٤١ — ٦٨٩)

(٧٦٥ کتاب در ٩٢٠ نسخه رویهم دراینفهرست شناسانده شده است) .

سرآغاز

وانزل‌الله علیك‌الکتاب والحکمة وعلمك
مالم تکن تعلم
(قرآن—سورهٔ نساء - آیهٔ ۱۱۳)

این‌دفتر بخشی‌است‌ازفهرست کتابهای کتابخانه‌ایکه فرزانه ارجمند واستاد دانشمند دانشگاه تهران جناب‌آقای سیدمحمد مشکوة بیرجندی بدانشگاه تهران اهدا کردند و ازاینراه کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران‌را بنیادگذاردند. بیگمان ازاین‌کار پسندیده و بسیارنیکوی ایشان‌همهٔ ایرانیان وهرکس‌که جویای دانش‌وهنراست خرسند وسپاسگزار میباشد. این کتابخانه‌درسالیان درازگردآوری شده‌است وهمهٔ کتابهای آن دارای‌برتری ومزیتی‌است‌که گواه بردانـائی وآگاهی‌گرد آورندهٔ دانشمندآن تواند بود ومیتوان مزایای‌کتابها را چنین شمرد :

۱ـ نسخه‌های شاهانه‌باآرایشهای‌دلپسند ۲ـ متنهای‌نادرفلسفی‌وکلامی۳ـ متن‌هائی که در روزگار مؤلف نوشته شده‌است ٤ـ نسخه هائیکه دارای خط دانشمندان یا بلاغ واجازهٔ‌آنهاست ٥ ـ متنهای اخبارکـه دانشمندان تصحیح نمودند ٦ـ متنهای چاپ نشده ۷ ـ متنهای فقهی بخط مؤلفان ۸ـ ترجمهٔ پارسی متنهای فلسفی وادبی وفقهی و اخبار .

این‌بخش ازفهرست مربوط بکتابهای فلسفی وعرفانی‌واخلاقی وکلامی است و از چگونگی۷٦٥کتاب در ۹۲۰ نسخه در آن سخن رفته است .

بر کتیبهٔ یکی از کاخهای اوزیمندیاس، فرعون خاندان
شانزدهم نزدیك بدو هزار پیش از مسیح ، که گنجینهٔ
کتابهای مقدس بوده نوشته بودند:

« داروی جانها »

(ترجمهٔ دیباچهٔ کون و فساد ارسطو از لطفی سیدص٦٧)

دیباچه

یادآوری

شماره‌ایکه در آغاز سطر و برابر نام کتاب میان دو کمانه دیده میشود شماره کتابی است که در این فهرست آمده و پس از شناساندن کتاب شماره نسخه‌ها میآید که درمیان سطر نوشته‌شده و نسخه ها پس از آن شناسانده میشود درهمین‌جا در گوشه‌راست شماره‌ای درشت تر و سیاه تر هست که نمایندهٔ شمارهٔ ثبت نسخه در این کتابخانه میباشد و بااین شماره باید کتاب خواسته شود. این شماره دفتری‌را میرساند که کتاب و نسخه مورد بحث شاید همه آنرا گرفته باشد یااینکه یکی ازرساله‌های مندرج در آن دفتر و جنگ ومجموعه بشمار آید که درهنگام شناساندن نسخه شمارهٔ رساله وشماره برگ آن در همین دفتر نیز گفته شد.

پیش‌ازاینکه بفهرست کتابها بپردازم ناگزیرم سخنانی چنددرباره فهرست‌نگاری بیاورم :

درباره فهرست چنین گفته‌اند : «تفصیلی باشد در ابتدای کتاب که درآن اظهار آنچه ازباب وفصل درآن کتاب‌شده بیان کنند»و«نوشتهٔ راگویند که‌درآن‌اسامی کتابها باشد» (برهان قاطع) نیز «الفهرست‌الکتاب‌الذی تجمع فیه‌الکتب» ابن‌منظورافریقی درلسان‌العرب وفیروزآبادی درقاموس هردو این تعریف‌را از«لیث»آورده وگفته‌اندکه این واژه از«فهرست» فارسی گرفته شده است .

واژهٔ«فهرست»برابراست با«پیناکس=Pinax» یونانی که ازآن لوح‌نوشتنی وسیاهه وفهرست خواسته‌میشود. ابن‌ندیم (س۲۳چاپ۱۳٤۸) گوید: «وقدذکره‌جالینوس فی (فینکس) کتبه ومعنی هذه‌اللفظة ثبت‌الکتب» خزرجی درعیون‌الانباء (ج۱ص۵-۸٤ و ۹۰و۱۰۳) درسرگذشت جالینوس از«فینکس کتبه» و« کتاب بینکس وهوالفهرست» و «فهرست کتبه‌المسمی بینکس» یادمیکند(۱) وازآن، دوفهرستی‌رامیخواهد که این‌پزشك درباره نگارشهای خویش نوشت .

فهرست دوگونه است یکی کتاب شناسی‌یا «بیبلیوگرافیا» که درزبانهای اروپائی آنرا Bibliographie یا Bucherverzeichnis یا Bibliography یا Book Writing میخوانند .

آنراچنین‌شناسانده‌اند:«The systematic description and history of books , their authorship printing , publication , edition etc» شناساندن‌بقاعده وسرگذشت کتابها وصحت استنادآن بنگارنده‌وچاپ ونشرآن وجز اینها .

این فهرست یا(Bibliographie) هم دوگونه‌است : یکی شمارش ورده‌بندی دفترها (Bib.Méthodique = فهرست روشی)دیگری سنجیدن و یافتن سرگذشت آنها (Bib Crittque = فهرست سنجشی)

فهرست سنجشی‌را چنین‌شناسانده‌اند : رده‌بندی‌نوشته‌ها هرگونه که باشد روی‌یك پایه‌وبنیادراهنما (Cbassifieation des livres de toute espèce selon

---

۱ ـ درفرهنگ دوزی ومحیط‌المحیط دارد : «فنکش‌الامتعة» (درکلاها جستجو کرد تاچیزیرا بیابد) .

. (un principe directeur

و نیز چنین : سیاهه نگارشهای یك نگارنده یایك چاپ کننده و نشر دهندهٔ آن یا یك کشور یا سیاهه نوشته‌ها و نگارشهائیکه ازیك چیز باز شناخته‌ای درآن گفتگو میشود

La liste des livres d'un auteur 'd' un éditeur ou d'un) pays donnés ' ou celle des ouvrages traitant d'un sujet . (Particulier

باگردآمدن ایندو تعریف چنین میشود گفت: سیاهه دفترها (هرگونه نوشته خطی وچاپی و کنده کاری وجز آن)روی یك پایه و بنیادراهنمای همیشگی (Liste de livres établie suivant un prinipe directeur constaut) .

پس آنچه برای کتابخانه‌ها نوشته شده سیاهه Catalogue است نه فهرست اگر چه آنهم یك فهرست کوچکی خواهد بود .

(بنگرید بآغاز Les débuts de la bibliographie méthodique از Th.Besterman چاپ ۱۹۵۰ پاریس) .

دوم نسخه‌شناسی خواه خطی یا چاپی که آنرا Catalogue (گرفتهٔ از Kata سراسر و Lego سیاهه کردن دریونانی)میخوانند ودرآن نوشته‌های یك کتابخانه شمرده وشناسانده میشود وگاهی آنرا Hand list یا liste میخوانند .

اینگونه فهرست یا سیاهه شایسته است که برروی یك پایهٔ عملی و قاعدهٔ یکنواخت منطقی بوده وهرچه شماره کتابها بیشتراست گسترده‌تر وروشن‌تر باشد .

این گونه سیاهه‌را در برگه‌هایافیش ازروی نام‌نگارنده کتاب وهمکاراو و نویسنده نسخه وحاشیه نگار و ترجمان‌ودیباچه نویس ومطلبهای کتاب(تحلیلی) وشماره ثبت کتابخانه وردیف درجایگاه کتابهامینویسند ودر کتاب بیشتر ازروی‌نام کتابها مینگارند وبافهرست نامهای کسان وجایها که درپایان هرفهرست بایدباشد آنچه راکه میباید نشان میدهند .

درنگارش فهرست دفترها ونسخه‌های خطی که گاهی بی‌آغاز وانجام و نابسامان و بی‌نام و ازگمنام میباشد و بساخت گوناگونی هم در میآید و نویسندگان نیز درآن دست می‌برند باید آنها را دید وبچندین نسخه نگریست و بموضوع کتاب آشنا بود از اینروی در بارهٔ نام کتاب بساید همهٔ آنرا خواند و دیدکه شاید در دیباچه یا میانه یاپایان‌آن نام کتاب‌آمده باشد وگرنه‌باید بسرگذشت نگارنده وفهرستها نگریست وصفحه عنوان‌خود نسخه‌را هم دید و بنام کتاب برخورد اگر این جستجوها بجائی نرسید بهتر است با خواندن کتاب نامی بزبان فهرست نگار تا بدانند از اوست بدان داد یا بزبان خود کتاب . در بارهٔ نام نگارنده بهترین راهنما خود کتاب است و اگر نشانی از او در نسخه ها نباشد باید بسرگذشت ها و فهرستها نگریست و با سنجیدن

آغاز وانجام یافصلها یا موضوع کتاب باآنچه دراینها آمده بجائی راه برد. آغازوانجام کتاب و نسخهٔ خطی ناگزیر است که درفهرست بیاید مگردر کتابهای چاپ شده که دسترس همه است وباید نشان داد که آغاز وانجام نسخه باچاپ شده چه‌جدائی دارد.

باید نوشت که در کتاب سر آغاز ودیباچه وجدولی هست و بخشهای آن چگونه‌است و کی ودر کجا و برای که و برای چه نگاشته شده وچندگزارش دارد و گزینی ازآن شده وخرده گیری ازآن کردند و ترجمه نمودندیانه تاتاریخ کتاب بدست آید ودرشناساندن نسخه باید شهروتاریخ و نویسنده واملا کننده ومقابله کننده وخواننده وشنونده ازمؤلف یااستاد وبلاغی که هست ودارنده ونگرنده و کسی که برای او نوشته شده وسجلها ونشانه هـا و مهرها (Ex libris) که درآن هست وچاپی که ازروی آن شده بایدیادگردد اگرنشانه های تاریخی وعلمی و نام‌دانشمندانیکه در کتاب و نسخه آمده درفهرست بیاید هم برای تاریخ کتاب وسرگذشت علمی نگارندهٔ آن وهم برای شناساندن آن گاهیکه بی نام و گمنام و ناقص باشد بسیارسودمند است و کتابخانه‌های دیگر با خواندن‌چنین فهرست میتوانند نسخه کامل یا ناقص خودرا با نسخه ناقص یاکامل این کتابخانه سنجیده بشناسند درهمه اینها ناگزیر بایستی در کتاب و نسخه درست نگریست و نسخه‌ها رابا هم سنجید وچاپهای گوناگون را دیدوفهرستهای کتابخانه‌ها راخواند تابجائی‌راه برد. گذشته ازاینها نوع خط وحاشیه‌وجای آن‌راو کاغذ وشمارهٔ برگها وستونها ونگارو رنك آمیزی وجدول وسرلوح ونشانه های نسخه وجلد ونشانه وآرایش آن واندازه وسطر نیزباید یادگردد.

چنانکه گفته شد درشناساندن نسخه خطی بایدکاغذ وخط و آرایش وجلد واندازه آن‌را شناساند. اینك اندکی درباره تاریخ کاغذ وانواع آن گفتگو میشود:

سرگذشت کاغذ

پیشینیان دربرگ خرما وپوست‌درخت ولوحهای آغشته بموم وانگم وروی‌وسرب وپارچه وکاغذ ساختهٔ ازپوست نی کرانه‌های نیل بنام پاپیروس (بردی=دوخ) که واژه Papier وPapar از آن گرفته شده مینوشتند. نوشته‌هـای بابلیان روی آجر بوده و چینیان روی کاغذ ساخته ازگیاه (حشیش‌وکلا) می‌نوشتند وکاغذ سازی نخستین از آنها است. بگفتهٔ سالشماران چینی پیش ازدوهزار سال آنها ازتوت ونارون وپنبه وبیشتر از بامبو یاخیزران کاغذ میساختند وکاغذ چینی برای گراور بهتراز کاغذ های دیگر است. گویند که در۱۲۳م تسائی‌لون Tsaï-Lun وزیر کشاورزی دستور ساختن کاغذرادادا.

دیری بود که درتبت از پوست درختی که اندرونش مانند کتان و کنف Etoupe میبود کاغذ میساختند. ژاپونیها ازخیلی‌پیش بساختن کاغذ ازپوست درخت توت آشنا بودند.

مگزیکیان باستان ازبرگ صبرزرد یاعود (aloès) وپوست درخت خرما که از پیش آماده‌اش میکردند درکاغذسازی بکارمیبردند.

هندیها روی مس‌وسنك و پرنیان سفید وطومار مصری مینوشتند. اینگونه پرنیان

که مردم دیگر نیز بکار میبردند گاهی باانگم آلوده شده و پس اززدودن وروشن‌ساختن آن برای نوشتن بکارمیرفت(۱) .

هندیها درگذشته برای نوشتن برگه های نازك وسفید پوست درخت سندر (غان) بنام«bhoy-patr» که بفراوانی در کوهستان پربرف هیمالیامیروئیده نیز بکارمیبردند چنانکه بومیان امریکا نیزروی چنین پوستی نگارمیکردند. نویسندگان هندپیش ازسده چهارم پیش ازمسیح روی‌پارچه پنبه‌ای نیزمینوشتند وگویا روی‌آن‌را ازخمیری ساختهٔ از تخم تمرهندی (Imli) پوشانده وبا ذغال چوب سیاه کرده وبارنك سفیدی مینگاشتند. تاریخ‌نگار رومی کوئینتوس کورتیوس Quintus Curtius ازپوست درخت نوشتنی درروزگار یورش اسکندر بهند یاد میکند که درهند بکار میرفت . اکنون هم‌آن پوست برای طلسم وپیپ تنباکو بکارمیرود. هندوها وبودائیان شمال بدان نام«لخان» که نوشته را میرساند وبنویسنده ودفتردار«لخاك» وبخامه«لخانی» میداده‌اند. آنهاروی‌آن‌پوست را روغن‌مالیده وروشن‌میساختند مگراینکه این‌پوست‌درگرما خشك میشد ومیشکافت و رویش کنده میشد وبانم کشیدن هم‌دانه‌ها و قارچهائی‌روی‌آن میروئید که پاك نمیگشت این‌بود که‌دانشمندان وبازرگانان کشمیر بزودی‌کاغذ رابکار بردند .

در هند وبرمه وسرندیب روی برگ درختان نیزمینوشتند چنانکه درمدرس و جنوب هند امروزه نیز برای کتابهای خطی همان برگ‌بکارمیرود .

درآسام برگ‌داربو(agar) ودرسرندیب روی برگ خرمای هندی(bal-tar) و سرندیبی (tali) نیزمینوشتند بدینگونه که باخامهٔفلزی روی برگها خراشیده‌وشکافته وبا انباشتن شکافها بایك رنك‌سیاه روغنی‌نوشته رامی‌نمودندآنگاه برگها رادوسوراخ کرده ونخ میکشیدند وبساخت کتابی درمیآمد . همینکه مرزهای کشمیر بروی بیگانگان بازشده وایرانیان بدانجاراه یافتند ساختن‌کاغذ راکه ازچینیان فراگرفته بودندنخستین باربدانجا برده وزین‌العابدین فرمانروای کشمیر نزدیك ۸۵٤ (۱٤۵۰) در باغ شاهانه نوشر Nowsher کارخانه‌ای بنیاد نهاد(۲) .

مصریها پاپیروس یابردی بکارمیبردند وهمین نوع‌کاغذ بود که بیونان‌رفت. درسده ۷پیش از مسیح بگـواهی هرودتس وتوکودیدس وکسینوفانس و افلاطون وارسطو در

---

۱ ـ بنگرید : فهرست ابن ندیم ـ خططالشام کرد علی ج ٦ص ۱۸۵ ـ فرهنگ تاریخ Dictionnairdes dates از M.A.-L.D'Harwonville چاپ‌پاریس در دوجلد بسال۱۸٤۵ درواژه «Papier» .

۲ـ بنگرید به‌دیباچهٔ: Papermaking by hand in India.byDard Hunter چاپ نیویورك بسال۱۹۳۹ .

یونان وایران بآسانی روی آن می نوشتند ویونانیان پوست بزوگوسفند نیز بکار میبردند وازدیرباز آنها بکتاب «دفتر» و «پوست» میگفتند و نام «بیلبیا» هم که بکتاب داده‌اند گرفته از نام «بردی» مصراست که‌از آن بادبان وبوریا وپارچهٔ پوشیدنی وپرده وموزه و ریسمان و کاغذ میساختند. کتاب در آنروزگار باندازه ای فراوان بود که پیزیستراتس فرمانروای آتن درسده٦ و پلیکراتس فرمانروای ساموس کتابخانه‌ای بنیاد کردند .

درروزگار سقراط هم کتاب فراوان بوده وارسطو ازاندازه‌های گوناگون کتابها واینکه چرا خواندن برخی‌را بخواب میبرد ودسته‌ای اگر بخواهند بیدار بمانند بکتاب‌می نگرند یاد میکند .

کاغذهای یونان هم ازبردی بوده‌و آن در آبگیرها ودررودخانهٔ نیل آنجاهائیکه آب میایستاد میروئید وگودی آن ازدو ارش بیشتر نبود و کلفتی ریشهٔ خمیدهٔ آن نزدیك بیك ارش میرسید وتنهٔ آن سه‌پهلو وازپائین ببالا نازك‌تر وگاهی آنهم خیلی کم ، ازده ارش بیشتر میگردید. ریشه آنراهیزم‌میکردندوگاهی هم‌آوند ازآن میساختند. ازتنه‌چوبین آن کشتی کوچك واز پوست‌آن بادبان وبوریـا وپوشاك وپرده وریسمان میساختند . بردی مصر ازبردی سوریا و کنار فرات نزدیك بابل درساخت کاغذبهتر بود. بردی را بچندین نوار بسیارنازك وپهن بخش میکردند وبهترین نوارها ازمیانهٔ آن بود وبهمینگونه تابرسد بکنار آن. نوارهای درونی برای کاغذ کتابهای دینی بکار میرفت که پهنایش بیش از ۱۱ انگشت نبوده است پس ازآن نوارهای دیگر که کاغذهای پست‌تری درست میشدتامیرسید بنوارهائیکه برای کاغذ بازرگانی برای آوند وپیچیدن کالا بکار میرفت سرانجام میرسید بپوست بردی که‌مانندخیزران برای ریسمان بکارمیرفت ودرآب فرسوده نمیشد.

ازهمه این نوارها بدینگونه کاغذ میساختند که آنهارا روی خوانی خیس شده باآب نیل دارای لای(طمی) میگستردند تابهم‌بچسبد ودنباله‌های آنهارا می‌بریدند که دردرازا یکسان شوند سپس نوارهای دیگری بپهناروی آنها میگذاردند تـا بمانند داربست شود آنگاه‌آنها رازیر منگنه میگذاشتندکاغذیکه بدست میآمد درآفتاب گذارده خشك میشد سپس رویهم میگذاشتند تابندهای آن که هریك بیست برگ بیشتر نبود بدست آیدبهترین کاغذها آن‌بود که بپهنای۱۳انگشت باشدکاغذبنازکی وسختی‌وسفیدی وروشنی‌وزدودگی آن سنجیده میشد. امپراتورکلودیوس درنیکو ساختن‌کاغذ اوگوستوس کـه نازکترین و روشنترین پاپیروس بوده‌است کوشید بدینگونه که تارآن‌را ازدرجـه دوم وپودش را از درجه یکم کرد وبدینروش پهنای آن در«فرخ» بزرك بیك ارش‌میرسید. کاغذکلودیوس را درکتاب واوگوستوس‌را درنامه بهترمی‌پسندیدند .

کاغذرا باپاره عاج یاگوش ماهی نرمی مهره کشیده روشن میساختند آنهم‌تااندازه

ایکه حبریا مرکب روی آن نلغزد ونوشته شود وحرفها زودپاك نشوند. آب نیل گلناک (حمئی) اگر درریختن آن روی کاغذ درآغاز کاردقت نمیشد بوئی درآن میگذارد که شناخته میگردید وپیسه ولك درآن میماند که ناگزیر بایستی جای آنرا شکافت تالك برود وطوری دوخت که خریدار درنیابد مگر پس از بکار بردن که مرکب درجاهای دوخته خورد شده ونوشته درست خوانده نمیشد . اینگونه کاغذ اگر خوب درست میشد دیری میماند چنانکه درتابوت نوماپومپلیوس نوشته‌ای ازهمین کاغذ پس از ۵۳۵ سال یافته‌اند وپیداستکه درآن روزگار رومیها آنرا بکار میبردند(۱)

رومیها ازپیش روی پوست درخت می نوشتند و مردم پرگامس نخستین بار رق یا پوست جانوران رابکار بردند وتا پیدائی کاغذ دادسند آن رایج بوده است .

ایرانیها روی پوست برآمده گاومیش وگوسفند وجانوران بیابانی وسنگهای سفید نازك (لخاف) وشاخ خرما (عسیب) وشانه شتروگوسفند مینوشتند .

از ۶۵۲م کاغذ ابریشمی نیز بکار میبردند. اسکندر گاهیکه پارس را بگشود نوشته هائی روی سنك وچوب یافت وآنچه‌را میخواست بگرفت وبازمانده را سوزاند .

تازیان که نزدیك بآنان بودند نیزازآنها پیروی نموده روی اینها می نوشتندچنانکه پیامبر نامه‌های خویش‌را روی پوست وچرم(ادم) می نوشت ویاران اوقرآنرا روی پوست نازك شده (رق) وعسیب ولخاف می نوشتند تااینکه معاویه پسرابی سفیان دردیوان انشاء کاغذ (ورق) بکار بردتا دیوان خلافت ازدیگر دیوانها جداباشد. هارون رشیدچون دید که کاغذ (ورق) فراوان شده وکارخانه‌های آن بسیار گشت دستور داد جزدرکاغذ ننویسندچه پوست سائیده میشود و میتوان درش دوباره نوشت ونیرنك بکار برد وکاغذ باسائیدن و پاك کردن نوشته آن رخنه میپذیرد واگر کنده (کشط) شودآشکار خواهد بود و نوشته بجاهای دیگر پراکنده میگردد .

میگویند که تازیان همینکه در ۷۰۴(۸۵) بخارا راگرفتند ساختن کاغذ پنبه‌ای را ازمردم آنجا آموختند. درهمین زمان کارخانه کاغذسازی بزرگی درسمرقند بود. در ۷۰۶ (۸۸) یوسف عمرو درمکه کارخانه‌ای برای کاغذ پنبه‌ای بنیادگذارد ودر ۷۹۴ (۱۷۸) کارخانه کاغذسازی در بغدادسپس دردمشق براه افتاد. تازیان درسده ۱۱ مسیحی کارخانه‌هائی درسبته (Cevta،Septa امروزی) افریقا وسپس دربلنسیه (Valence) و طلیطله (Tolede) براه انداختند درJativa بسال ۱۱۵۴(۵۴۹)کارخانه‌ای بود.کاغذ تازیان

۱ــ تاریخ طبیعی پلینوس‌ك۱۳ب۲۱ چنانکه دردیباچه کون وفساد ترجمه لطفی سید ص۵۳ــ۷۷ آمده است .

بیشتر از کتان بوده‌است اینگونه کاغذ از افریقا و اسپانیا بایتالیا و فرانسه رفته و ماشین آنرا در ۱۷۹۲ ساختند .

اروپائیان بگفتهٔ پلینیوس کاغذ پاپیروس را در زمان همیروس میشناختند و همینکه اسکندر بزرگ در ۳۳۳ پیش از مسیح اسکندریه را ساخت بکار بردن آن روائی یافت. فرانسویها و آلمانیها پیش از سده ۵ آنرا میشناختند و در سده ۵ و ۶ تنها همان را بکار میبردند و پس از یورش تازیان ناسده ۷ و ۸ ناگزیر شدند که روی پارشمن بنویسند تا اینکه در سده ۱۱ و ۱۲ بپاپیروس بازگشتند و در سده ۱۲ توانستند از شیفن (پارچه و کهنه) کاغذ بسازند . این کاغذ در نیمهٔ سدهٔ ۱۳ در دسترس همه بود و کارخانهٔ آن در فرانسه در ۱۳۵۰م کار میکرد . سازندگان نخستین اینگونه کاغذ را آلمانیها یا ایتالیائیها یا یونانیان پناهندهٔ ببال میدانند.

اروپائیان از سده نهم روی کاغذ پنبه‌ای هم می نوشتند و بکاغذ کمابیش نیز در ۱۴۱۵ آشنا بودند نخستین کارخانهٔ ساخت کاغذ از شیفن در آلمان در ۱۳۱۲ و در سوئد در ۱۳۲۳ و در پادو در ۱۳۶۰ و در انگلستان در ۱۳۸۸ و در بال در ۱۴۷۰ بنیاد گرفت . کاغذ پوست گوساله Vélin را شاهان پرگامس ساختند و انگلیسها هم آنرا میساختند و در ۱۷۵۷ Virgile را روی آن چاپ کردند .(بنگرید بهمان فرهنگ تاریخ)

ابن ندیم از نوشتنی‌ها گل وچوب وسنگ ومس و برگ وتوز (درختی است) و پوست پیراسته و پرنیان (حریر) سفید و قرطاس مصری که از نی بردی یا دوخ ساخته میشده و طومار مصری و فلجان (پوست گوره خر) یاد میکند و میگوید که ایرانیها در پوست گاو میش و گاو و گوسفند و تازیان در شانه شتر و سنگ سفید نازک (لخاف) و شاخه خرما (عسیب) مینوشتند و چینیان روی کاغذ چینی ساخته از گیاه خشک (حشیش) و هندوان روی سنگ ومس و پرنیان سفید. باز می گوید که ورق خراسانی از کتان است که چینیان بمانند ورق چینی در خراسان ساختند (چنانکه گفته‌اند زندانیان چینی در ۷۵۱م که بسمرقند آمدند این هنر را در آنجا آوردند) و دیری در بغداد روی طرس می نوشتند و در آنجا دیوانها را روی پوست نوشته آنگاه پاکش کرده دوباره بکار میبردند (طرس در فرهنگها همین بازنوشته‌ها است) کتابها در پوست پیراسته بانوره نوشته میشد و آن سخت بود تا اینکه در کوفه بپیراستن آن با خرما (تمر) پرداختند (ص ۳۱) .

ابن خلدون در فصل ۳۱ باب ۵ کتاب ۱ ص ۳-۴۲۱ از صناعت وراقت گفتگو نموده و میگوید که در روزگار پیشین بنسخ و تجلید و تصحیح (از روایت وضبط) دیوانهای علمی و سجلها می پرداختند و روی گسترش تمدن در عراق واندلس هنر وراقت (انتساخ و تصحیح و تجلید) روائی یافت نخست روی رق (پوست) مینوشتند سپس بدستور فضل پسر یحیی کارخانه کاغذسازی بنیاد یافت و دانشمندان هم کتابها را از روی روایت بنگارندگان نسبت میدادند

تا اینکه هنرخط درمغرب ومصر کاهش گرفت وهنر روایت درمشرق بجاماند و ایرانیانند که بخوشنویسی آشنا میباشند .

نام کاغذ بتازی چنین است : قرطاس، لوح، رق (پوست نازك شده) ، صحیفه، کاغذ (از بردی مصر) ، ورق،طرس، مهرق (مهر کرد) که پارچه‌هائی بود که بامهره(خزر)روی آن سائیده وهموار وروشنش میساختند (جمهره ابن‌درید چاپ دکن ج۳ص ٤٩٩) بگفتهٔ قلقشندی بهترین کاغذ آنستکه سخت‌سفید وپیراسته وزدوده وروشن وازهمه سوی هموارو ویکنواخت ونفرسودنی باشد وبهتر آن بغدادی است که نرم وکلفت وکناره‌های آن نازك بوده ویکنواخت میباشد وبیشتر در آن قرآن می نویسند وگاهی هم نامه‌های خانها(قانات) سپس شامی آنگاه حموی درقطع شامی پس ازاینهاورق مصری درقطع منصوری که بزرك‌تر وگاهی درهردوروی زدوده وروشن میباشدودرقطع عادی که آنهم گاهی درهردوروی زدوده ومهر کرده میباشدووراقان آنرا «مصلوح» میگویند وجز مصلوح آنهم دوگونه‌است :عالی ووسط. قطع کوچك مصری کلفت‌و درشت‌و کم‌پیراسته‌است که برای شیرینیهاو بوهای‌خوش بکارمیرود. ازهمه پست‌تر کاغذ باختریان وفرنگیها است که‌زودفرسوده‌می‌شود. (قلقشندی)

اندازهٔ کاغذ بنوشتهٔ قلقشندی

الف ــ اندازهٔ برگهای کاغذ دردیوانخانه های مصر:

۱ ــ قطع بغدادی کامل (عرض درج یك ذراع قماش مصری وطول وصل هر درج یك ونیم همان ذراع) برای پیمانها وبیعت‌نامه‌های خلفا و نامه‌های شاهان . در روزگار ملك مؤیدورق مصری بپهنای یك ونیم‌ذراع ساخته‌اند. دربغدادی کامل بقلم مختصرطومار می نویسند .

۲ ــ قطع بغدادی ناقص (باندازهٔ‌چهارانگشت پیوسته درپهنای‌درج کم دارد)برای نامه‌های پادشاهان دستهٔ دوم .

۳ ــ دوثلث ورق مصری‌یا دوثلث طومـارکامل منصوری (دوسوم ذراع در پهنای درج) برای فرمانروایان ووزیران وداوران بقلم ثلث ثقیل .

٤ــ نیمهٔ طومارمنصوری (نیم‌ذراع درپهنای درج)برای دیوانیان پائین‌تر بقلم‌خفیف

٥ــ یك‌سوم قطع منصوری (یك‌سوم ذراع درپهنای درج) برای‌دستهٔ چهارم‌شاهان وفرمانروایان بقلم‌توقیعات.

٦ــ قطع‌منصوری (یک‌چهارم ذراع درپهنا) برای‌فرمانهای دیوانی .

۷ــ قطع کوچک وعادی (یك‌ششم‌ذراع) برای‌کارهای کوچک دیوانی ونامه‌های مردم بقلم رقاع .

٨ـ قطع شامی کامل (بدرازا وپهنای طومارشامی) کـه دردیوان کم بکار میرفت و نزدیك بثلث بلدی بودو بقلم توقیع در آن می نوشتند .

٩ـ قطع کوچك (بپهنای سه انگشت پیوسته) از «ورق طیر» واین یك گونه از کاغذ شامی بوده و بسیار نازك که نامه‌های ریز و لطیف و «بطائق حمام» یا «نوشتهٔ خرد که بکبوتر می بستند» در آن نوشته میشد .

ب ـ ورق شامی:

١ـ قطع شامی کامل (بپهناودرازای طومار شامی کامل) برای گرانمایگان .

٢ـ قطع نصف حموی (بپهنای نیم طومـار حموی ودرازای خود آن) برای دسته دوم و بقلم رقاع .

٣ـ قطع عادی شامی (بدرازای یك طومار یا کمتر و بپهنای یك ششم ذراع قماش مصری) برای دسته سوم نیز بقلم رقاع و گاهی هم سرخ ریك آن بکار میرفت .

٤ـ «ورق طیر» برای «ملطفات و بطائق» بقلم جناح وغبار.

(درخاور نیز همین گونه بود. در باختر وسودان وفرنگستان در طوماری مینوشتند که درازای آن اندکی از پهنای آن بیشتر بود کوچك یا بزرك) .

ج ـ کاغذهای قطع عادی و بلدی در مصر و شام .

اندازه ایکه در بالای کاغذ سفید میگذاردند چنین بود: درقطع بغدادی٦ وصل ودردو سوم٥ودر نیم٤ودر یك سوم و نیز درشامی کامل٣ ودرمنصوری وعـادی و نیم حموی وشامی عادی٣یا٢وصل ـ در کنار کاغذ بدلخواه نویسنده بوده و گاهی دویاسه یاچهار انگشت وجز آن. درروزگار قلقشندی در هروصل قطع عـادی ومنصوری سه سطر ودرجز آن دوسطر می نوشتند .

طومار یك ورق کامل را گویند وآنرا درروزگار قلقشندی «فرخه» میگفته اند و گویا از آن طومار بغداد خواسته میشد که تختگاه بودنه شامی آن . خلفا پس از معـاویه همیشه قرطاس بکار میبردند واندازهٔ آن برای خود آنها دوسوم طومار و برای امیران نیمهٔ طومار و برای کارکنان و نویسندگان یك سوم و برای بازرگانان ومانند آنهـا یکچهارم و برای حسابداران ومهندسان یك ششم طومار بوده است(١) .

در «سرگذشت» ابن سینا بگفتهٔ خود اووجوزجانی از «جزء أمقدار الثمن» و «الربع الفرعونی» ودرقابوسنامه نوشتهٔ سال٤٧٥ درفصل دبیری از «قطع منصوری» و درعیون الانباء (ج١ص١٩٧) از «تقطیع مثل ثلث البغدادی» ودرسعدالسعود از «قالب نصف الورقه

١ـ بنگرید به : صبح الاعشی ج٢ص٧ـ٤٧٢ وج٣ ص٥٣ـ١٣٢ و١٥ ـ ١٨ وج٦ص ٩٦ـ١٨٩ وضوء الصبح المسفر ص٤ـ١٨٣و٧ـ٤١٢ هردو ازقلقشندی .

وثلث وربع وثمن» و«قالب الطالبی» (ص۵-۶۴-۱۲۱-۲۳۱-۲۴۷-۲۵۳) یادشده‌است.

این بود اندازه کاغذ درخاور که کتابها هم درهمانها نوشته میشد . کتاب در آغاز بساخت‌طومار بوده که آنرا میپیچیدند و گاهی هم میله‌ای میان آن بود. رومیان که دریگرویه پارشمن(پوستهای پیراسته و نازك و سفید شده شهر پرکامس)مینوشتند هر بندانرا بساخت‌طومارهای پیچیده درصندوقچه یا لوله‌ای(Serinium)میگذاشتند ازاینجا واژهٔ طومار یا Volumen (Volume)پیداشد که پس ازاین «جلد» از آن خواسته شد. سپس بندهای یك اندازهٔ پارشمن رادورو نوشته واز چندتای آن دفتری میساختند ودوسوی آنرا چوبی میگذاردند. پس ازاین که چندی گذشت ته‌دفترها را میدوختند ازاین‌جا تاریخ جلدسازی آغاز میگردد .

تا نیمهٔ سده۱۵ اندازهٔ کتابها یکنواخت نبودو پس از پیداشدن چاپ اندازه‌ها یکسان گردید. گرچه دراروپا هم اندازه کاغذ گوناگون میباشد مگراینکه درتاه کردن وچاپ روی آن قاعده‌ای درکاراست و برروی آن قاعده اندازهٔ کتاب بدست میآید(۱)

کاغذ قطع بزرك اروپا Colombier نام دارد و اندازهٔ معمولی آن ۶۳×۹۰ میباشد . پائین‌تر ازآن Jesus است که‌در کنار آن نشان J.H.S دارد واختصار نام‌عیسای پیامبر میباشدواندازه۵۶×۷۲ آن‌در پاریس بوده‌واندازهٔ DoubleJesus ۷۶×۱۱۲ می‌باشد. پائین‌تر ازآن Raisin میباشد که نشانه خوشه‌دارد و باندازهٔ ۵۰×۶۵میباشد. پائین‌تر Carré میباشد باندازهٔ ۴۵×۵۶

اندازه کتاب – Format

اندازه کتابها بیشتر ازاندازه چهار نوع کاغذ یادشده بدست میآمد. کاغذیکه زیر چاپ میرفت وبساخت یك برگ درمیآمد آنرا in — plano مینامیدند ازهر کدام کاغذچهار-گانه که‌بود. اگر آن‌را ناه میکردند ودارای۴صفحه میشد in – folio اگر هشت‌صفحه میداشت in — quarto و۱۶ صفحه‌ای‌را in – octavo و۳۲صفحه‌را in-16میگفتند اندازهٔ همه‌اینها درچهار گونه کاغذ یکنواخت نبود درجدول آینده اندازهٔ کتاب جلدشده‌در هریک ازاین کاغذها بدست میآید .

---

۱ – بنگرید بـه : Manuel pratique de l'ouvrier relieur از Ch.Chanat چاپ گارنیه درپاریس ص۱۹ .

	In—plano		ni—folio		in—4		in—8		in—16		in—18		in—32	
Colombier	84	6I	6I	42	42	30 1/2	30 1/2	2I	«	»	»	»	»	»
Jésus	70	54	54	35	35	27	27	I7 1/2	I7 1/2	I3 1/2	I8 1/2	I1 1/2	I3 1/2	8 1/2
Raisin	64	49	49	32	32	24 1/2	24 1/2	I6	I6	I2 1/2	I6 1/2	I0 1/2	I2 1/2	8
Carré.....	56	44	44	28	28	22	22	I4	I4	II	I4 1/2	9	II	7

اینست نام قطع کتاب درفارسی ولاتین ونشانهٔ آن

شماره عددی یاحرفی فرم درص۳			
A=in-plano A=in-folio	رحلی بزرگ {	الف ـ دو برگی الف ـ یک برگی	۵ =
B=in-4o		ب ـ رحلی	۹ =
C=in-8o		ج ـ وزیری	۱۷ =
D=in-8o		د ـ خشتی	۱۷ =
E=in-16		ه ـ ربعی یارقعی	۳۳ =
F=in-16		و ـ بغلی	۳۳ =

قطع (بیاضی Format oblong ou à l' italienne) نیز در کتابها هست که ازعرض نوشته‌شده وازعرض هم‌صحافی میشود .

در کتابها اندازهٔ in-12 و in-18 و in-24 هم هست که شمارهٔ فرم درص ۲۵ و ۳۷ و ۴۹ نوشته میشود . دراندازه in-18 گاهی یک برگ‌را به ۲۴ وبرگ دیگررا به ۱۲ بخش میکنند ولی نشانهٔ سوم روی‌ص۳۷ میافتد. در کتابخانه‌ها برای آسانی کار اندازه ها را بدینگونه نشان میدهند: A=in-folio وB=in-4o وC،D=in-8o وE،F=in-16 (۱) .

این هم گفته شود که دراروپا کاغذی بودبنام Tellier باندازهٔ ۴۴×۳۴ میلیمتر که Le Tellier (۱۶۰۳-۱۶۸۵) مهردار ووزیر دربار هانری۴ دستورداده بودآن را بسازند وبرای کارهای رسمی بکاربرند آنرا papier ministre میخواندند گویا قطع وزیری ایران هم‌ازاینجا باشد (بنگرید به: لاروس سده۲۰ درهمین واژه) .

اندازهٔ کتاب برحسب اصول صحافی که اکنون روی‌آن‌کار میکنند چنین‌است :

قطع	اندازه
یک برگی =	۳۵×۴۵ سانت
نیم برگی =	=۳۵×۲۲/۵
ربعی =	=۲۲/۵×۱۸/۵
یک هشتم =	=۱۷/۵×۱۱/۲۵
یک‌شانزدهم =	=۱۱/۲۵×۸/۷۵

---

۱ ـ بنگریدبه : کتاب‌یادشده شانا وکتاب کرزه‌ص۱۱۷ واصول فن کتابداری‌استاد محترم‌آقای‌دکترصبا ـ درلاروس‌سده۲۰ در کلمه Papier اندازه‌کاغذهای‌گوناگون اروپا دیده میشود .

قطع کتاب و اندازهٔ تقریبی آن

بازوبندی .	نزدیک ۳۰ × ۲۰	میلیمتر
بغلی .	« ۴۰ × ۶۰	«
جانمازی	« ۸۰ × ۱۲۰	«
حمایلی دارای قطر بیشتر ازجانمازی و باندازهٔ همان		
نیم ربعی :	« ۱۰۰ × ۱۸۰	«
ربعی	« ۱۲۰ × ۱۹۰	«
وزیری کوچک	« ۱۳۰ × ۲۰۰	«
وزیری	« ۱۴۰ × ۲۲۰	«
وزیری بزرگ	« ۲۰۰ × ۲۶۰	«
خشتی	« ۱۷۰ × ۲۱۰	«
خشتی باریک	« ۱۴۰ × ۲۱۰	«
سلطانی یاشاهانه‌روزگارمغول‌وتیموری	« ۳۰۰ × ۴۰۰	«
رحلی کوچک	« ۱۶۰ × ۲۷۰	«
رحلی	« ۲۲۰ × ۳۷۰	«
رحلی بزرگ	« ۳۴۰ × ۵۸۰	«

نام کاغذ در ایران : خانبالغ ـ سمرقندی ـ خطائی ـ بخارائی ـ سپاهـانی ـ دولت آبادی ـ بغدادی ـ ترکی ـ مصری ـ کشمیری ـ ترمه ـ فسنقی ـ فرنگی قدیم وجدید. شناختن اینگونه کاغذها درفهرست نسخه‌ها بسیارسودمند میباشد .

پس ازیاد کردن کاغذهای گوناگون اندکی از خط چنانکه در کتابها دیده‌شده سخن بمیان میآید. قلمهای گوناگون چنین است : قلم طومار یا فرخه که درزمان عمرعبدالعزیز یا معاویه بوده و باندازه ۲۴ موی ستور (برذون) میباشد. قلم مختصرطومارمیان ۱۶ و ۲۴ موی. ثلث ثقیل باندازهٔ ۸ موی . ثلث خفیف کمی نازکتر. توقیع یاقلم ریاسی ساختهٔ یوسف برادر ابراهیم شجری و نازکتر از «جلیل» که ذوالریاستین ازآن خوشش میآمد ومانند ثلث است وگرد مانند . رقاع که دررقعه‌ها وبرگهای کوچک نوشته میشد وگردتر ونازکتراست. غبار که ازرقاع ونسخ آمده ونازك است. اصول این قلمها ثلث ورقاع و توقیع و نسخ و

۱ـ بنگرید بسخنرانیهای آقای دکتر مهدی بیانی درباره فهرست کتابهای خطی در کلاس کتابداری و همچنین بفهرست مجلس و مدرسه سپهسالار و کتابخانه معارف که در اینها درباره نسخه‌ها هم نام قطع وهم اندازه آنها دیده میشود .

مخفف میباشدوفروع آنها غباراست ومشعر ومنثور وحواشی وجزآن . این‌قلمها درآغاز روزگار عباسیان وپایان‌کار امویان ازقلم کوفی درآمده وآنهم بچند قلم‌است وهمه آنها برمیگردد بدوریشه «مقورولین» یانرم و(مبسوط ویابس) یا خشک (قلقشندی) .

نام خطوطرا بدینگونه نیز یادکرده‌اند کوفی : نسخ ـ ثلث ـ محقق ـ ریحانی ـ تعلیق ـ رقاع ـ توقیع ـ نسخ جدید ـ نستعلیق .

درخط نیزچند قلم یادکرده‌اند : قلم شش، چهار، سه، دو، نیم‌دانگ ـ قلم کتابت، عالی،جلی، ممتاز، خفی، خفی‌عالی، خفی ممتاز، خوش‌ـ قلم‌زر، لاجورد، شنگرف(۱).

رنگها و آرایش در کاغذ

کاغذ : متن وحاشیه(که‌میانه آن نوشته میشده و کناره آن جداگانه وبدان می ـ چسباندند)ورنگارنگ وزراندود وزرافشان ودارای جدول یاکمندزرین‌باحاشیهٔزرافشان یاابری‌وتشعیرسازی‌شده ومعرق‌ومرصع ومذهب‌ومنقش باجدول، سرلوح، ترنج‌وطلاکاری شده در میان سطر ها

رنگهای آن : مشکی، آبی، سبز، نگارشده باسفیدآب، کبود، سرخ .

جلدها بدینگونه است : ساغری (کیمخت) که ازپوست اسب یاخر میساختند و دانه دانه است ـ تیماج کـه از پوست گوسفند است و درشت وگاهی نازك میباشد ـ چرمی که‌گاهی کلفت میباشد ـ میشن که پوستی است نرم ـ سختیان یا پوست بز ـ مقوائی از کاغذ ـ پارچه‌ای. جلدآراسته‌روغنی‌ـضربی ـ سوخت میباشد و همچنین ممتاز و عالی و مرغشی وزرین ، منقش، معرق، مشکی ،سرخ، زراندود ، منگنهٔ منقش یا مذهب ، باترنج ونیم ترنج، ولچکی ، حاشیه‌بند رومی و اندرون سوخت وقابسازی شده(۲) .

---

۱ ـ درباره خط طاشکبری زاده ۹۶۲۰ درمفتاح‌السعاده ومصباح‌السیاده‌چاپ‌دکن در۳جلد بسال۵۶ ـ ۱۳۲۸ گفتگو نمود ادوات خط ـ تحسین حروف ـ تولد خطوط از اصول‌وترتیب‌حروف‌تهجی‌ـ املاءخط عربی‌ـ خط عروض ومصحف ـ تصحیف‌ـرسم کتابت قرآن‌درمصاحف ـ آداب کتابت مصحف‌ص۷۶و۷۹و۸۰و۸۴ ازج۱ وص۲۲۷ و۲۲۹و۴۰۳ج۲ همچنین کرد علی درخطط‌الشام جلدج۶ص۶ ـ ۱۹۵ نیز آملی درنفائس‌الفنون.

۲ ـ مقدسی دراحسن التقاسیم میگوید که مراوراق و مجلد میخوانده‌اند و صحافی میکرده‌ام ومزد میگرفتم (ص۴۰ـ۴۳ چاپ‌دوم) امیرعدن مصحفی برایم فرستاد تاجلدبرای آن سازم ومن‌سرپیش (اشراس) خواسته‌ام و پیدا نشد. عدنیهارا ازتجلید زیباخوش‌میآمدو مزد فراوان میدادند ومن گاهی برای مصحف دودینارمیگرفتم. دریمن کاغذها (دروج) را با نشاسته میچسبانند و باهمان برای دفترها (دفاتر) آستر میسازند (بطانه) (ص۱۰۰) .

پانزده

مرکب

قلقشندی دربار مرکب چنین میگوید که دوده را از مواد چرب میگیرفتند مانند تخم ترب و کتان بدینگونه که روغن اینهارا درچراغهائی میسوزاندند ودوده آن را که در طاس روی چراغ گرد میآمد میگرفتند و با آب موردمیآمیختند تا کمی سبزرنك هم باشد و صمغ عربی در آن میریختندتا پراکنده نشود. گاهی دوده دیگهائیکه در آن نخود ومانند آن بومیدادند باریختن آب در آن می گرفتند و باب مورد و انگبین و کافور وصمغ عربی و نمك میآمیختند.

اودربارهٔ ساختن «مداد» که خوشنویسان پیشین با آن می نوشتند میگوید:

سه رطل ازدوده (سخام) نفت را بیخته و پاکیزه ساخته در پاتیلی (طنجیر) میگذارند وسه برابر آب ویك رطل انگبین و ۱۵ درهم نمك و ۲۵ درهم صمغ کوبیده وده درهم مازو در آن میریزند وروی آتش کمی گذارده با کوبه آن اندازه میزنندتا مانند گل سخت گردد سپس درجائی نهاده بکارمیبرند. کافورهم در آن میریزندتا خوشبو شود وصبرهم تامگس روی آن ننشیند.

سپس میگوید که «حبر» دوگونه است:

۱ــ حبر برای کاغذ که از دوده میسازند بدینگونه که یك رطل مازوی شامی را نیم کوب میکنند و با کمی مورد (آس) درشش رطل آب میخیسانند تا یکهفته آنگاه آنرا روی آتش میجوشانند تا بنیمه یا سه یك رسد سپس درلنگی شیره آنرا میکشند وسه روزش می گذارند ودوباره شیره میکشند آنگاه درهر رطلی ازچنین آب مازوچند اوقیه (۷ مثقال یا ۴۰ درهم) ازانگم تازی وزاج قبرسی باندازهٔ آن میریزند سپس آن اندازه ازدوده بر آن میافزایند که سیاه کننده شود. صبرهم باید در آن ریخت که مگس از آن بگریزد وانگبین نیز تا دیری بپاید. درهریك رطل ازحبر سه اوقیه دوده بایدریخت آنهم پس ازاینکه دوده را با کف دست باشکر نبات وزعفران شعر وزنگار بسایند نه اینکه درهاون ریخته با دستهٔ آن بکوبند که تباه میگردد.

۲ــ حبر برای رق یا پوست نازك که آنرا «حبر الراس» گویند ودوده در آن نمیریزند ازاینرو استکه درخشندگی دارد وخیره کننده است وچشم را زیان میرساند.

(صبح الاعشی ج۲ ص۶-۴۶۴)

این بود نمونه‌ای از آنچه که دربارهٔ نسخه‌شناسی ازهنروراقت وصحافت بایددانست ودانشمندان جسته گریخته ازاین دوهنر گفتگو کردندازآنهاست ابن الحاج ابوعبدالله محمد بن محمدبن محمدعبدری فاسی عارف مالکی (م درقاهره بسال ۷۳۷ درهشتاد واندسالگی) در «مدخل الشرع الشریف علی المذاهب» که در ۷۳۲ بپایانش رساند. او ازبسیاری ازهنرها

وپیشه‌ها ازرهگذر فقه واخلاق گفتگو نمود ازآنها است وراقت وصحافت (ص۱۲۶-۱۳۷ ج۳چاپ دوم چاپخانه وطنیه اسکندریه در۳ جلد بسال۱۲۹۳) .

شماره گذاری کتابها

ملویل‌دیوئی Melvil Dewey امریکائی (۱۸۵۱- ۱۹۳۱)بنیادگذارد ودبیر انجمن کتابداران در۹۰-۱۸۷۶ وکتابدار کالج کلمبیا ومدیر کتابخانه‌دولتی نیویورک‌در ۶-۱۸۷۴ روش دهدهی راآورد ودر کتاب کلان خویش :-Decimal classification and relative index (چاپ۱ در ۱۸۷۶ و ۱۴ در دو جلد بسال۱۹۴۲)

دانشها وهنرهارا بده ده‌بخش کرد از۰تا۹ وشماره اصلی آنهارا به۱۰۰۰رساند و شماره هر کتابی‌را ازروی موضوع‌آن نوشت وکتابدار میتواندبا خواندن آن شماره هر کتاب‌را بیابدودر آن‌بگذارد. این‌روش گرچه ازیك‌سوی دشواراست ولی ازرهگذر برگه نویسی که فروشندگان وناشران کتابها ومجله‌ها وکتابخانه‌ها برگه‌های فهرستی دهدهی با شماره بچاپ‌میرسانند بسیارآسان‌است وکتابخانه‌ها دیگرنیازی بنوشتن برگه‌های‌تازه ندارند.مگراینکه‌شماره کتاب‌گاهی رقم‌بسیاری‌دارامیشود. این‌بود که بسیاری‌از کتابخانه ها آنرا پذیرفتند وهمینکه نهادن کتاب روی‌اندازه Format در کتابخانه گسترش‌یافت ازآن برگشتند مانند کنگرس امریکا وبنگاه جهانی کشاورزی رم. دربرخی جاهـا آنرا کوتـاه ساختند وعلمها را بهمان ۱۰۰۰ بخش کردند وکاررقم شماره راآسان ساختند و نمونهٔ آن‌درص۱۶وپایان کتابY.Oddonjpetit guide du biliothécaire چاپ پاریس ۱۹۴۸ دیده میشود .

ل. کرزهL.Crozetدرص۷۹و۱۴۹و۷۸و۸۱ Mnuel du Bibliothécaire چاپ پاریس بسال۱۹۳۷ میگوید که این روش دهدهی نادرست است چه

۱-دانشهاوهنرهاده‌ده بخش نمیشودومانند کم‌منفصل‌جدااز هم‌نبوددو پیوستگی‌دارند.

۲ - اینگونه بخشبندی باگسترش دانشها نمیسازد .

۳ - گاهی‌هم موضوع کتاب‌آمیختگی دارد وبسادگی نتوان آنرا ازیکی ازآن بخشها دانست .

۴ - پیداکردن‌شماره کتاب برای کتابدار وخواننده‌فرهنگی که دیوئی برای‌شماره ها نوشت دشوار ودیری باید درپی‌آن بیهوده گشت .

۵ - شماره کتاب هم‌گاهی باندازه‌ای دراز میشود که نمیتوان بیاد سپرد وبآسانی نوشت .

۶ - اگرهم بخواهند این روش‌را درهمه‌جاروا بدارند ناگزیر بایستی دستورآنرا

دیگرگون ساخت. پس‌شایسته است کتابها راروی اندازه درجایشان گذارد تاهم‌جائی در گنجینه تهی نماند وهم چشم‌انداز زیبائی‌داشته‌باشد. پس از گردکردن کتابهای‌یك‌اندازه شایسته است کتابهای یك‌موضوع ومانند همرا پهلوی هم گذاشت آنگاه شماره گذارد تا اگر کتابی سرجایش نباشد بدانند.

درکتابخانه علمی میتوان کتابها رابه نه‌بخش نمود: A تا I بترتیب کمتر از۶و۱۴و ۱۹ و۲۳ و۲۹ و۴۰ و۵۶ و۸۰ وبیشتر از۸۰سانتی‌متر دردرازا ودرکتابخانه خواندنی‌و همگانی به‌شش بخش ازA تاF (کمتر از۲۰و۲۵و۳۰و۴۰و۶۰ وبیشتر از۶۰ سم) در کتابهای خطی چنین است اندازه درازا برای چیدن درگنجینه: ازA تاD (کمتر از ۱۵ و۳۰ و۵۰ وبالاتراز۵۰).

چیدن کتابها در روزگار پیش

از «سرگذشت» شیخ‌رئیس پیداستکه کتابخانهٔ نوح‌منصورسامانی(۳۶۶-۳۸۷)دربخارا درخانه‌ای‌بوددارای اطاقها ودرهریك صندوقهائی رویهم گذارده دریک‌اطاق‌نگارشهای ادبی دردیگری فقه وهمچنین دراطاقهای دیگر ازعلمهای دیگر وفهرستی داشت که شیخ بدان نگریست و کتابهائیرا که نیازداشت خواست.

بنوشته مقریزی (۷۶۴-۸۴۵) درخطط (چاپ۱۲۷۰ مصرج۱ص۴۰۹ و۴۵۸) از روزگارعزیز(۳۴۱-۳۶۵) تا۴۶۱ دانشگاه‌فاطمیان‌درقاهره‌بنام(دارالعلم - دارالحکمه) درکاخ شاهی بوده ودارای چهل گنجینه که‌یکی ازآنهادارای‌هیژده‌هزار جلدکتاب‌ازعلوم قدیم‌داشت. گنجینه چندین رف داشت ودریک تالاربرزك وهررفی دری‌داشت که بسته‌می شد وبرهردری برگی میچسباندند و روی آن نوشته میشد که چه کتابهائی درآنجاهست شماره کتابهای ادبی ودینی وفلسفی آنجا باجلد وبی‌جلد (مجرد) به‌پیش از دویست هزار رسیده‌بود وگاهیکه صلاح‌الدین کرد آنجارا گرفت به۱۶۰۰هزارمیرسید که بفروش‌رفت. حاکم خود درروزشنبه۱۰ج۲سال۳۹۵ دانشگاه‌را بگشود ودستورداد که کتابهای‌کاخ را بدانجا برند.

ابن‌جماعه بدرالدین محمدکنانی حموی شافعی (۶۳۹ - ۷۳۳) در تذکرةالسامع والمتکلم فی‌ادب‌السامع والمتعلم (چاپ ۱۳۵۳ دکن ص۵-۱۷۰) بسال ۶۷۲ وشهیدثانی زین‌الدین شامی‌عاملی‌شیعی(۹۱۱-۹۶۶) درمنیةالمرید فی‌ادب‌المفیدوالمستفید (چاپ‌ایران ۱۳۰۷ص۷۰) بسال ۹۵۴ مینویسند که‌کتابها را رویهم که میگذارنددرروی تختی بچینند یازیرآن جوپی باشد یادررفی بنهند نه‌اینکه روی‌زمین باشد ونم‌بکشد وفرسوده گردد. میان‌کتابها وچوپ یاتخت ودیوارهم باید چیزدیگری باشد وهمچنین‌روی‌آنها تاجلدآنها خورد نشود وکتابهارا بدینگونه: نخست قران که بهتراست بدیوار بیاویزند سپس‌حدیث

وتفسیر وشرح حدیث واصول‌دین واصول فقه‌وفقه وادب رویهم بچینند واندازهٔ کوچك باید درروی‌باشد. تاکتابها نریزند ونام‌کتاب‌را باید زیرهرصفحه نوشت وآغاز کتاب باید در روی باشد اگر کتاب چندجلد است باید درپایان هریك نوشت که این‌جلد انجام گرفت و پس ازآن‌جلد دیگری هست (چنانکه دربسیاری از کتابها دیده میشود ودرپایان‌جلدآخر مینویسند که بااین جلدکتاب بپایان رسید).

کتابهای گنجینه‌ای

کرزه (ص۸۵) کتابهای گنجینه‌ای راچنین میشمارد:

۱ ـ دارای جلد maroqiun armorié یاپوست بز پیراسته ودارای نشانه که همان سختیان باشد وگوزگانی هم‌گویند چون ازاین شهربدست میآمد (ترجمه قاموس وبرهان قاطع).

۲ ـ کتابهای دارای پیکره وتصویر پیش از۱۸۰۰م.

۳ ـ مصوربسیارزیبای پس‌ازاین تاریخ.

٤ ـ چاپهای نخستین éditions princeps.

٥ ـ دارای حاشیه‌های سودمند خطی.

٦ ـ چاپهائی که کمتر ازدویست نسخه بچاپ‌رسیده باشد.

۷ ـ چاپهای شهرستانها پیش از۱۸۰۰ (بجزپاریس).

۸ ـ کتابهای‌دارای Ex ـ libris یامهر ونشانه ـ درکتابهای خطی‌خاوری‌نسخه های اصل‌یا دارای خط‌نگارنده بااجازهٔ اویابلاغ بخط اویاشاگردش‌یادارای خط‌واجاره وبلاغ وحاشیه ازیك دانشمند وهمچنین نسخه‌های یگانه یابسیارکهن یادارای خط‌خوش‌و آرایش وجلدزیبارا باید درگنجینه گذارد. نیز کرزه میگوید که کتاب نادروبیمانندیا زیبا ودارای‌آرایش خواه درخط یادرجلدرا برای اینکه گم نشود وندزدند وفرسوده نگرددو آسیبی بدان نرسد درگنجینه میگذارند وآن بایدصندوق‌یا اشکافی باشد شبکه‌دارکه با کلید بسته شود ونباید اینگونه کتابهارا درکشوی بسته وبی‌سوراخ گذاشت که اگرهوای آن تازه نشود خواهدگندید.کلید بایدهمیشه نزدیکی چنین‌گنجه باشد تـا درآتش‌سوزی بتوانند زود بازش کنند. کتابها راروی کهنگی وزیبائی درقفسه‌های گنجینه بایدچید.

اندکی از تاریخ فهرست نگاری

ازفهرست های کهن یکی فهرست نگارشهای افلاطون است که دانشمندان بـدان می پرداختند. خود اوگویا میخواست نوشته‌های خودرا بچهارتائی بخش کند وازآنها ثئایتتوس وسوفسطائی وسیاسی وفیلسوف‌را یادمیکند بـا اینکه «فیلسوف»را ننوشت و همچنین میخواست برجمهوری وتیمائوس وکریتیاس گفتگوی دیگری بیافزاید که اینراهم

نوشته بود این بود که اریستوفانس بوزنتیائی ادیب اسکندریه (سده۲ پیش ازم) پاره‌ای از آنهارا پنج بخش سه‌تائی کرده و بازمانده رایك یك برشمرد. در کولیداس Derkylidas (Dercylidès) فیلسوف یونانی سده۱ و نگارندهٔ دفترهائی دربارهٔ فلسفهٔ افلاطون که پاره‌هائی ازآنها برجای مانددر روزگار قیصر روم(۱۰۱-٤٤ پیش‌ازم) وهمچنین ثراسولس Thrasylle رودسی ستاره‌شناس نامور یونانی (م۳٦م) که تیبریوس(۱٤-۳۷)اورابرم آورده بودآنهارا بچهارتائی (رابوع) بخش کردند.

ثراسولس آنهارابه نه‌چهارتائی بخش نمود که ۳۵ گفتگوو نامه‌ها باشد. دیوگنوس لائرسیوس آنها را ازروی روش‌وسبك رده‌بندی کرد. نسخه‌های سده‌های میانین ازروی رده‌بندی ثراسولس ودیوگنوس میباشد و بهمین روش هم آنها رابچاپ رساندند. ابن‌ندیم وقفطی ازگفته ثاون (ازمیری ریاضی‌دان یونانی سده ۲ گزارنده نگارشهای افلاطون که آنهارا باندیشه نوپوثاگورسی بیامیخت و نویسندهٔ کتابی درستاره‌شناسی) مینویسند که افلاطون نگارشهای‌خودرا چهاربچهار (رابوع) بخش‌میکرد تابهمان روش‌بخوانند. ایندو آنهارا بروش همان ثاون فهرست‌داده‌اند. خزرجی میگوید که نگارشهای فیلسوف ٥٦ دفتراست وهرچهارچهار آنها بنام «رابوع»دارای یك‌غرض میباشند. او٤٥ نگارش‌ازاو میشمارد ونزدیك است بفهرست ثراسولس.

دررده‌بندی‌سه‌یاچهارتائی گفتارهائی که‌مانندهم‌نیستند پهلوی‌هم گذارده‌میشودو نمی رساند که‌فیلسوف‌درزندگی‌خویش چگونه میاندیشید و کدام‌دفتر رادر چه‌هنگامی نوشت این بود که‌پلاتونیان باستانی میگوشیدند که در خواندن آنها ترتیبی گذارند مگر اینکه آنها روی‌سلیقه وغرضی که‌داشتند کار کردند ومیخواستند آنهارا گذشته ازترتیب رسمی نسخه‌هادرجه‌بندی کنند. این‌هم تحول واقعی‌اندیشهٔ فیلسوف‌رانمی‌رساندو آنهاکاری‌بتاریخ فکر اونداشتند گواهیهائی‌هم که گذشتگان‌درباره ایندفتر ها داده‌اند پنداری و بی ارزش است. ازاینروی‌هوشمندان اروپا درباره آنها بچنددسته‌شده برخی ازروی پیوستگی‌آنها با یکدیگرو نشانه‌های‌ساخت وسبك عبارتهاوتطور اندیشه فیلسوف واشاره‌هائیکه‌بحادثه های تاریخی درآنها شده است‌آنها را از روی یقین یـا حدس بچند دسته وگروه بخش کردند (۱).

۱ـ بجز۳۵ گفتگوو۱۳ نامه که برخی مشکوك‌است شش گفتگوی کوچك(دادگری برتری- دمودکوس Demodcos . - سیسوفس Sisuphos واریکسیاس Erixias وآکسیوخوس Axiochos)وتعریفهائی‌هم ازفیلسوف دانستند که‌نگارش اونیست گذشته ازهمهٔ اینها شش گفتگوی مرتبی هم‌هست : (الکیبیادس دوم - هیپارخوس - همچشمان -

بقیه حاشیه در صفحه بعد

برای نگارشهای ارسطو هم سه فهرست هست : ازدیوگنوس لائرسیوس وهسوخیوس ملیتوسی و بطلیموس رومی که قفطی وخزرجی ازاو گرفته‌اند چنانکه درص ٦٤١ همین فهرست یادگردید .

این‌هم گفته شود که سرگذشت نویسان یونانی مانند همان دیوگنوس وفرفوریوس ودیگران نگارشهای فیلسوفان ودانشمندان باختری‌را فهرست داده‌اند. حنین‌اسحاق وابو سلیمان سگزی وابن‌ندیم وبیهقی وقفطی وخزرجی‌ازآنها پیروی نمودند . بجزدفترهائی که گاهی برای‌شمارش کتابهای یك فیلسوف یابرای چگونگی آموختن‌یك اندیشهٔ فلسفی مینوشتند چنانکه همان حنین‌دفتری‌دارد بنام «کتاب‌فیمایقرء قبل کتب افلاطون» ودفتری دربارهٔ نگارشهای ترجمه شده ونشدهٔ جالینوس و نیز دربارهٔ نگارشهای‌همین جالینوس که درفهرست‌خود یاد ننمود . (خزرجی ج۱ص ۲۰۰و۱۹۸)

جالینوس نیز برای نگارشهای خویش دوفهرست نوشت‌یکی دردوگفتار و در ۲۷ فصل(یکی کتابهای پزشکی دزمی کتابهای فلسفی وادبی) بنام «پری‌تن ایدیون‌بیبلیون= De libris propriis» یا «نگارشهای خوداو» که ابن‌ندیم‌وخزرجی ازافینکس‌و بینکس‌خوانده‌اند. اودرآن‌روشن کرد که‌این کتابهارا چگونه‌وچرا وبرای چه‌نوشته است ودردیباچه آن کتابهائیکه باو بسته‌اند برشمرد.دیگری دریك گفتار بنام «پری‌تس‌تاکسئوس تن ایدیون‌بیبلیون= De ordine librorum suorum» یا«رده‌بندی‌نگارشهای خود او» که آنـرا خزرجی ج۱ص ۷۱و۹۰ « کتاب فی مراتب قراءة کتب جالینوس » خوانده است ودرآن روشن گردید که کتابهای اورا چگونه باید بخوانند. جالینوس‌برای نگارشها ابقراط نیزفهرست‌نوشت وروشن کرد که کدام ازخوداواست وکدام‌را باو بستند بنام «کتاب فی کتب ابقراط‌الصحیحه وغیرالصحیحه» دریك گفتار (خزرجی ج۱ص۹۹) و همین راحنین اسحاق (۱۹٤-۲٦٤) بنام «جوامع کتاب جالینوس‌فی کتب ابقراط الصحیحه وغیرالصحیحه» درآورد (خزرجی ج۱ص۹۹ و۱۹۹وابن‌ندیم ص٤٠٥) .

بقیه حاشیه ازصفحه قبل

ثاگس ـ کلیتوفون ـ مینوس) که مشکوك میباشد. اپی‌نمیس که دنبالهٔ نوامیس باید باشد گویا نگارش Philippe d'Opunt دوست ورازدار افلاطون باشد. درنامه‌ها هم بندهائی بی‌ارزش بابندهای دیگرآمیخته شده ازاین‌روی درآنها هم‌شك کرده‌اند .

بنگرید به: لاروس سده۲۰ ـ ابن‌ندیم ص۳٤۳ ـ قفطی ص۱٤ـ خزرجی‌ج۱ص۵۰و ۵۳ـ دیباچه‌های E.Chambry(چاپ گارینه) وM.Croïset (چاپ بوده) برج۱دوره نگارشهای افلاطون .

همین حنین میگوید که نویسندگان گاهی از روی نادانی یا برای اینکه بگویند ما بسیاری از نگارشهای جالینوس را داریم دفترهائی از آن او نشان میدهند که دیگران پیش از او بپرداختند یا کسی از نوشته‌های او گزین نمود یا در جنگی دارای چندین گفتار که نخستین آنها از او بوده‌است دیده‌شده و آنان نتوانستند آنها را ازهم بازشناشند. همو کتابهائی را که بسبك وشیوائی جالینوس نیست فهرست کرد و نیز آنچه را که ترجمه شده و پاره‌ای که نشده برای علی بن یحیی ستاره شناس سیاهه‌داد و گفتاری دارد که در آن کتابهائیکه در « فهرست نگارشهای » جالینوس نیامده نشان داده است و خزرجی از روی همهٔ اینها فهرست کتابهای جالینوس را نوشت (ج۱ص۱۰۱و۱۰۲و۱۹۸) ،

متن فهرست نخستین جالینوس و پـارهٔ باز ماندهٔ از دومین فهرست نخستین‌بار در ونتکیا بسال۱۵۲۵ جزء دورهٔ نگارشهای او بچاپ رسید .

فهرستی که حنین اسحاق (Johannitius ۸۰۹-۸۷۳) نوشته بنام«ترجمه‌های سریانی و تازی نگارشهای جالینوس» ازروی دو نسخه استانبول با ترجمهٔ G.Bergstrasser در Ahhandlungen für die Kunde de Morgenlandes ج ۱۷ و ۱۹ بسال‌های ۳۲-۱۹۲۵ چاپ‌شد . در آن آگاهیهائی از نگارشهای ابقراط هم‌هست .

فهرست دیگری از نگارشهای جالینوس در ۱۴۸۳ بنـام بخش ورده‌بندی و شماره نگارشهای جالینوس بچاپ رسید که از کهن‌ترین فهرستهای چاپ‌شده میباشد .

(بنگرید به Les débuts de la bibliographie méthodique ترجمه Th.Besterman ازانگلیسی چاپ پاریس بسال ۱۹۵۰ ص۱۴) .

پیش از پیدا شدن چاپ دراروپا درسده۹ فهرست یا سیاهه‌ای از سرگذشت نامـهٔ قدیسان و پاکان نوشته ودردیر Saint Gall گذاردند . کهن‌ترین فهرست چاپ شده دو فهرستی است از Saint Jerom و de Gennad که در ۱۴۶۷ بچاپ رسید (همـان کتاب Besterman ص۱۶) .

کهن‌ترین فهرستی که در اسلام یادشده همان فهرست کتابخانهٔ مأمون عباسی است که مشکویهٔ رازی درداستان«جاویدان خرد» نامبرده است(ص۲۱) ابن‌ندیم ازدفتر کهنی یاد میکند که مانا از گنجینهٔ مأمون بوده ودر آن کتابهای آسمانی راشمرده‌اند(ص۳۲).

یکی‌هم‌فهرست کتابخانه (بیت‌الکتب)صاحب اسماعیل بن عبادطالقانی(۳۲۶-۳۸۵) است دری که کتابهای آن باندازهٔ چهارصدیاهفتصد بارشترمیشده است و۱۱۷هزار نسخهٔ گرانبها درآنجا بود. محمود سبکتکین ترك(۳۸۸-۴۲۱) هنگامی که بری رسید بدو گفته اند که درآنجا نگارشهای رافضیان و بدعت گذاران هست اوهم هرچه دفترهای کلامی در آنجا بود بیرون آورد ودستور داد بسوزانند (نزدیك ۴۲۰) .

ابوالحسن علی‌بن‌زید بیهقی(م۵۶۵) میگوید که من آنجارا پس از سوزاندن محمود دیدم فهرست آن بده‌جلد میرسید. (معجم‌الادباء چاپ اروپا ج۲ص۳۱۵) .

دیگر فهرست کتابخانهٔ فناخسرو بویه‌ای (۳۳۸-۳۷۲) درشیراز که مقدسی(زنده در۳۷۵) دراحسن‌التقاسیم (ص۴۴۹)میگوید: این کتابخانه حجرهٔ جداگانه‌ایست‌وگماشته وگنجور وبازرس ازنکوکاران شهر درآنجایند وکتابی نوشته‌نشده تااین هنگام که در آن نباشد . این‌حجره دالان درازی است دریك صفهٔ بزرگ . درآن ازهرسوی گنجینه هائی (خزائن) است وبهمهٔ دیوار های دالان وگنجینه‌ها خانه‌ها یا اشکافهائی از چوب آراسته ونگارین بدرازای یك‌قامت وبپهنای سه ارش چسبانده‌اند که هریك‌را دری‌است که ازبالا بپائین میآید ودفترها(دفاتر) روی‌رفها چیده وگذارده‌شده‌است وبرای‌هرگونه ازآن دفترها خانه‌هائی است وفهرست‌هائی که نام‌کتابها درآن‌آمده . (نیز : خزائن ـ الکتب‌القدیمه ص۱۲۶) .

دقت دانشمند دربارهٔ استناد کتابها

دانشمندان‌اسلامی دردرستی‌استناد کتاب‌بنگارندهٔ آن‌بسیارموشکاف‌بوده‌اند کتاب‌را مانندحدیث‌نمیپذیرفتند مگراینکه‌ازآورنده وراوی‌آن بشنوندیا ازگفتهٔ‌اوبنویسند(سماع واملاء)یااینکه‌شیخ وپیرآنرانوشته بدست خویش بآنهادهد(مناوله)یادرکتاب واصل‌خوداو یادفتریکه براو خوانده شده واودرستی آنرا برروی‌آن نوشته‌باشدیا شاگردانش آن‌را درست بدانند بیابند اینگونه شروط را در دفترهـای درایةالحدیث می بینیم و همچنین در کتابهائیکه درباره سرگذشت بزرگان و رهبران مانند شافعی واحمد حنبل واشعری و دیگران نوشته‌اند رشتهٔ روایت وسماع درباره کتابها دیده میشود ودرنسخه های کهن هم مانند «الرساله» شافعی‌نام‌کسانیکه آنرا ازاستاد شنیده‌اند نوشته شده است .

همچنین درسرگذشتها وطبقات کـه برای دانشمندان نوشته‌اند فهرست نگارشهای آنها هست وبرخی مانند سبکی ازکتابها عبارتی‌آورده‌اند .

برخی ازدانشمندان مانند اشعری در«العمدفی‌الرؤیة» (ص۵۴۸ همین‌فهرست) و ابوالحسن محمدبن‌یوسف عامری نیشابوری م۳۸۱در«الامدعلی‌الابد» (ص۳۴۷جاویدان خرد) نگارشهای‌خود رافهرست میدادند. یااینکه شاگرد نوشته‌های استاد را برمیشمرد مانند جوزجانی در«سرگذشت» شیخ رئیس .

اینك نمونه‌ای ازفهرستها که نوشته‌اند :

۱ـ الفهرست ازابوالفرج محمدبن اسحاق وراق بغدادی ابن‌ابی یعقوب‌ندیم (م۲۰ شعبان ۳۸۵) نزدیك بشعبان سال ۳۷۷ که در آن بجز تاریخ علم، فهرست نگارشهای دانشمندان یونانی وایرانی واسلامی نیزهست فلوگل‌آنرا درلیدن بسال۲ ـ۱۸۷۱ دردو

جلد بزرگ بابررسیهائی بآلمانی بچاپ‌رساند ودرمصر نیز چاپ شد .

بارون روزن‌خاورشناس روسی سرگذشت ابن‌ندیم‌را نوشت (گاهنامه سید جلال تهرانی سال۱۳۱۰ ص۹۹) درمجلهٔ Die Kundes Morgenlandes بسال۱۸۸۹ نیز پاره‌هائی ازهمان فهرست بچاپ رسید که آن در پایان چاپ۱۳٤۸مصرهم‌دیده‌میشود .

۲ـ الفهرست شیخ‌طوسی (۳۸۵-٤٦۰) که در دیباچهٔ آن میگوید : «پیش ازمن فهرست نگارشهای یاران‌مارا نوشته‌اند مگراینکه‌همهٔ کم‌وکاستی‌داشت مگر نوشتهٔ ابوالحسن احمدبن الحسین غضائری که دوفهرست نگاشت یکی دربارهٔ مصنفات دیگری دراصول و کسی آنهارا رونویس‌نکرد واوبمرد وآن‌نوشته‌ها ازمیان برفت» چاپ‌نجف‌بسال ۱۳٥٦

۳ ـ رجال ابوالعباس، احمد بن عباس نجاشی (۳۷۲ ـ مطیرآباد ٤٥۰) که در سرگذشت دانشمندان شیعی نگارش های آنان را یاد نمود و آن در بمبئی بسال ۱۳۱۷ بچاپ رسید .

٤ـ سعدالسعود ازعلی‌بن طاوس حلی(٥۸۹ـ٦٦٤) نگارش یکشنبه ذی‌قعدهٔ ٦٥۱ که کتابهائی راکه خریده وبرفرزندانش وقف‌کرده بود برشمرد وعبارتهائی ازآن‌ها با نشاندادن شماره برگ وکراسه وجزء درآن‌آورد تااگر ازمیان برود نشانی از آن‌ها بماند واگر دستبردی شده ونشانهٔ وقف‌آنها بریده شده بتوانندآنهـا را بشناسند واگر کسی هم‌نخواند یانتواند آنهارا ببیند همین‌گلچینی هاکه او کرده است برایش سودمند خواهد بود. اواین‌کتاب‌را دردنبال «الابانة فی‌اسماء کتب‌الخزانة» خودکه رازکتابهارا درآن شناسانده بود وبمانندآن نگاشته‌است. اواین‌کتابها رادرآن شناساند: «قران ـ تورات ـ انجیل ـ تفسیرهای تبیان وجوامع‌الجامع وتفسیرهای علی‌بن ابراهیم وحجام‌وابن عقده و امام محمد باقر ع ـ قصص‌الانبیاء راوندی وفقه او ـ کشاف ـ تفسیرهای جبائی و عبدالجبارهمدانی وابوالقـاسم‌بلخی وکلبی‌وسلمی (حقائق‌التفسیر) وابن‌جریح وابن بحر سپاهانی واخفش وفراء وازهری ورمانی وجراح»چاپ نجف $\frac{۱۳٦۹}{۱۹٥۰}$ـاونگارش‌دیگردارد بنام فرج‌المهموم فی‌تاریخ علماءالنجوم بسال٦٥۰ که نگارش‌های ستاره‌شناسان رادرآن برشمرد وآن درص٥۹۸ همین‌فهرست شناسانده شده است .

٥ـ معالم‌العلماء ازابن شهرآشوب ساروی (٤۸۹-٥۸۸) نوشتهٔ پیش از ٥۸۱ که سرگذشت وفهرست هردواست . چاپ‌تهران در۱۳۳٥خ .

٦ـ فهرست شیخ منتجب‌الدین ابی‌الحسن علی‌بن ... بابویه قمی(٥۰٤ ـ ٥۸٥) که دنبالهٔ فهرست طوسی است ودرجلد ۲٥(اجازات) بحارمجلسی آمده است .

۷ـ خلاصة‌الاقوال فی‌معرفة‌الرجال ازعلامه حلی(٦٤۸-۷۲٦) که گذشته ازفهرست

نگارش‌های دیگران آنچه خودهم تاتاریخ ع۲سال ۶۹۳ نوشته بود برشمرد (ص۴-۴۳) چاپ تهران در۱۳۱۰- اودر اجازه‌خود بمهنابن سنان‌دربارهٔ روایت‌نگارش‌های‌خویش‌در محرم(۷۲۰) ٥٤ کتاب‌ازخودروی‌بخشهای علمهایادنمود واین اجازه دردفترشماره۱۰۲۲ گ۶۸الف۷۰ب بخط سیدحیدرآملی‌بسال۷۶۲ دیده میشود ودرص۲٥ج۲٥ بحارهم‌بچاپ رسید .

۸- امل‌الامل ازشیخ حرعاملی م۱۱۰٤ که در۲ج ۲سال ۱۰۹۷ بپایانش رساند و سرگذشت نامه وفهرست‌هردو است ودردنبال منهج‌المقال‌میرزا محمد درچاپخانه کربلائی محمد حسین تهرانی بسال۱۳۰۷ بچاپ سنگی رسید .

عاملی درآغاز «تفصیل وسائل‌الشیعة الی‌تحصیل مسائل‌الشریعة» که درپایان‌جمادی دوم سال۱۰۸۲ بانجامش رساند هم کتابهائی راکه ازآنها بهره برد برشمرد ودر پایان جلدسوم آن از بسیاری از کتاب‌های دانشمندان شیعی بررسی نمود (چاپ امیربهادر در تهران درسه جلد بسال٤-۱۳۲۳) .

۹-لؤلؤتی‌البحرین ازشیخ‌یوسف‌بحرانی م۱۱۸٦ که‌رشتهٔ سندروایت‌واجازه‌خویش راآورده وسرگذشت دانشمندان ونگارش‌های‌آنهارا یادنمود(۱۱ع۱سال۱۱۸۲). چاپ سنگی ابوالقاسم خوانساری در۱۲٦۹ .

۱۰ - بحارالانوار مجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۰) که در آغاز آن ازکتابهائی که بهره بردیاد نمود ودرآن ازبرخی بررسی نمودودرجلد۲٥ اجازه‌های دانشمندان شیعی‌راآورد که بهترین سنداست برای فهرست کتاب‌ها .

۱۱- مستدرک‌الوسائل ازحاج میرزا حسین‌بن محمد تقی‌نوری (یالو۱۲٥٤ - نجف ۱۳۲۰) که در۹-۱۳۱۸ آنرا بپایان رساند ودرجلد سوم‌آن درباره بسیاری ازکتاب‌ها کاوش وگفتگو نمود. چاپ تهران۲۱-۱۳۱۸ درسه جلددرحلی .

ناگفته نماندکه درکتاب‌های رجال هم‌فهرست کتاب‌ها آمده و بهترین وگسترده ترین‌آن‌ها تنقیح‌المقال فی‌احوال‌الرجال شیخ‌عبدالله مامقانی است که دربارهٔ صحت‌استناد کتاب‌ها هم کاوش کرده است (چاپ نجف درسه جلدسال۵۲-۱۳٤۹) .

او درمقیاس‌الهدایه فی‌علم‌الدرایة پیوست جلدسوم همین‌تنقیح ص۱۱٦-۱۲۳. رجال شناسان شیعی را برشمرد و کتابهای رجال را فهرست داد .

این هم‌گفته شودکه دربرخی ازکتابهای اصول فقه نیزدرباره صحت استناد برخی از کتاب‌ها گفتگو شده ازآنها است فصول شیخ‌محمد حسن سپاهانی (م نزدیک۱۲٥٤ یا ۱۲٦۱) چاپ سنگی ایران ازخوانساری که‌درپایان مبحث‌خبردرمقاله دوم از«فقه‌الرضا» گفتگو نمود وازرهگذر تاریخ نشروسبک‌ومندرجات آن‌کاوش‌کرد وروشن‌ساخت که‌آن ازامام نباید باشد .

درچاپخانهٔ دائرةالمعارف دکن بسال۱۳۲۸ جنگی‌چاپ شده دارای اینها :

۱ـ الامم‌لایقاظ‌الهمم‌از برهان‌الدین ابراهیم‌بن‌حسن‌بن‌شهاب کردی کورانی شهرزوری مدنی شافعی صوفی(۱۰۲۵ـ۱۱۰۲) درباره اسناد دوصحیح وچهارسنن وچند کتاب‌حدیث و کلام وتصوف وتفسیر بسال ۱۰۸۶ .

۲ـ بغیةالطالبین شیخ‌احمد بن‌محمد نخلی‌مکی دربارهٔ مشایخ اجازه درحدیث وعلم بسال ۱۱۱۴ .

۳ـ الامداد بمعرفة علوالاسناد ازشیخ جمال‌الدین عبدالله‌بن‌سالم بصری‌مکی‌عارف شیعی (۱۰۴۹ـ۱۱۴۳) که پسرش شیخ‌سالم گردآورده دراجازه‌های اودرباره کتاب‌های حدیث و کلام وتفسیر وتصوف ونحو بسال۱۱۲۲ .

۴ـ قطف‌الثمرفی رفع اسانیدالمصنفات فی‌الفنون والاثر از شیخ صالح‌بن محمدبن نوح عمری‌فلاتی مسوفی مغربی م۱۲۱۸ .

۵ـ اتحاف‌الاکابر باسناد‌الدفاتر ازقاضی ابی‌علی محمدبن علی شوکانی زنـده در ۱۱۷۲ و م۱۲۵۵ نگارندهٔ نیل‌الاوطار روی حروف تهجی نام‌کتاب بسال۱۲۱۴ .

نکته‌هائی ازابن‌طاوس

درسعدالسعود بنام‌هائی برخورد میشودکه درکتابشناسی سودمنداست. کتاب های، کتابخانهٔ اوبرخی چند«مجلد» هریك چند«جزء» هریك چند«کراس» بوده و مجلد او برابراست‌با Volume وجزء همان Tome میباشد و کراس نزدیك است به Forme یا Fascicule یا Brochure که گویـا نزد او بیش ازده برگ‌نبوده‌است چنانکه زمخشری دراساس‌البلاغه میگوید: فی‌هذه‌الکراسة عشرورقات. عدة کراریس. قرأ کراسة من کتاب سیبویه (ص۱۷۱ج۲چاپ۱۳۲۷مصر) ونسخه کهنه ش۳۵۰ اینکتابخانه (تحریر شرح‌لمع) هم‌درروبهٔ برگ‌های‌یازدهم‌شماره دارد(ص۵۵۹اینفهرست). درسرگذشت‌شیخ رئیس‌دارد: «خمسة اجزاء کل واحد عشرة اوراق» واین«جزء» بایدهمان باشدکه کراس می‌خوانند. گرچه‌درمحیط‌المحیط‌وفرهنك‌دوزی آمده که کراس‌جزئی‌است‌از کتاب‌و بیشتر هشت برگ‌است. این‌واژه‌درشعر کمیت‌هم‌آمده : «حتی کان‌عراص‌الدارادیة — من‌التجاویز او کراس اسفار» کردعلی‌درخطط‌الشام (ج۶ص۱۹۷)میگوید: «آنچه پیشینیان‌جزء ومجلد ومجلده میگفتند پیش ازچندکراسهٔ مانبود و کراسه هم‌گاهی بیشتر ازهشت‌صفحه نمی‌شد پس هزارمجلد روزگار پیش بیشترازپنجاه یاهفتاد جلدکنونی نمیشده وبرگ های یک مجلدآنها کم بودچه ورق‌یا رق‌آنهاکلفت بوده واگربرگ‌های یکجلد بدویست تاپانصد میرسید سنگین میشد وبرداشتن وباخود داشتن‌آن دشوارمیگشت» .

ابن‌طاوس بازدرنشان دادن‌جائیکه مطلبی از آنجا میآورد واژه‌های قائمه (برگ

یاFolio) ووجهه اوله (رویه‌یا Recto) ووجهه ثانیه (پشت‌یاVerso) وصفحه‌وسطر بکارمیبرد. پیداست که صفحه‌ها و برگ‌ها درآن هنگام شماره نداشت و با شمردن‌قائمه‌ها وسطرها وشماره دادن کراسهای‌ده‌برگی وجزء ومجلدپیدا کردن هرجائی از کتاب‌آسان بوده است. اوگاهی نیزاز «ورقة کبیرة - ربع‌الورقه- نصف‌الورقه- قالب‌ثمن» و«معظم -لطیف‌صالح‌للتقلید» یادمیکند ومیرساند که‌گاهی نصف‌الورقه وربع‌الورقه را بنکجاجلد میکردند (ص٦٤) .

فهرست عمومی یا Catalogue Collectif

۱ - کشف‌الظنون عن‌اسامی‌الکتب والفنون ازحاجی خلیفه مصطفی‌بن عبدالله‌کاتب چلبی قسطنطینی (١٠٠٤ذی‌حجهٔ ١٠٦٧) که ازکتابها آنچه خودگرد آورده و آنچه‌در کتابفروشی‌های حلب ودر کتابخانه‌های عمومی استانبول دیده و یا درکتابهای طبقات و تراجم خوانده بودیاد نمود.

فلوگل‌آنرا باترجمه لاتینی در ۷ جزء بزرگ درلایپتسیك ولیدن در۵۸ - ۱۸۳۵ چاپ کرد .

چلبی کشف‌الظنون‌را تاکلمه«دروس» پاکنویس نمود وخود درگذشت وبازمانده درمسوده‌ماند وشش تن‌آنرا پاکنویس کردند. سپس سیدحسین‌عباسی نبهانی حلبی(م پس از۱۰۹۵ درحلب)آنراگزین وکوتاه نمود ونامهای بسیاری هم برآن افزود ونسخهٔ آن بنام «التذکارالجامع‌للاثار»هست. محمدعزتی افندی عریف‌وشنه زاده م۱۰۹۲ ذیلی‌برای کشف‌الظنون‌نوشت که درمسوده‌ماند. احمد طاهر افندی حنیفزاده م۱۲۱۷هم ذیلی‌برآن افزود که بیش از پنجهزارکتاب درآن یادشد و بنام آثارنومیباشد. شیخ‌الاسلام عارف حکمت بك م۱۲۷۵ تاحرف«ج» نیزذیلی نوشت وبهترین ذیل‌آن «ایضاح‌المکنون» اسمعیل پاشای بغدادی م۱۳۳۹ است که نزدیك بسی سال درش کارکرد و نام ۱۹۰۰۰ کتاب‌برش‌افزود.او«هدیة‌العارفین فی‌اسماء المؤلفین وآثارالمصنفین»هم‌دارد دردوجلد که میخواهد درآن نگارندگان ونگارشهای آغاز اسلام تاروزگار خویش رادرش نام برد. اسماعیل صائب سنجر مدیرکتابخانه عمومی استانه ومدرس جامع بایزید دوم نیزذیلی بر کشف‌الظنون داد . ذیل‌اسماعیل پاشا باخودکتاب در٤جلد بزرك دراسلامبول بسال٦ - ١٣٦٠(٧-١٩٤١) بچاپ‌رسید- Petisdfla Croix معلم عربی مدرسه پاریس کشف الظنون‌را بفرانسه‌ترجمه کرد .

ترجمه فارسی کشف‌الظنون‌در بنگال هست (فهرست‌فارسیهای انجمن‌آسیائی بنگال ازایوانف بانگلیسی ج۲س٤٤٦ش٦٦٣) وترجمان‌آن دیباچه‌ای ازخود در آن نگذارده واز ترجمهٔ خطبه : « بهترین نطق که ظاهر میشود انوارالطاف ... » آغاز نمود وپایان

آن برابراست باص۵۱۰ج۶چاپ فلوگل وخاتمه‌ای Colophon هم برای آن نوشت و شناخته نشد که کیست . درپایان نسخه بنگال مهری‌هست بتاریخ۱۲۵۳ـ شیخی ابراهیم افندی‌بن علی‌عربه‌چی باشایا (عربه‌جلر شیخی) م۱۱۸۹این کتابرا تصحیح وپاکیزه نمود وپاره‌ای ازتاریخ‌درگذشتهای دانشمندان که‌چلبی نیاورده بودروشن نمودوافزوده‌های‌عربه چی درچاپ فلوگل‌میان دو کمانه گذارده شده‌ولی دردوچاپ بولاق‌دردوجزء بسال۱۲۷۴ وآستانه‌آنهم دوجزء بسال۱۱-۱۳۱۰ درجزء متن‌آمده است‌درپایان‌چاپ فلوگل‌فهرست های کتابخانه‌های ازهر قاهره ومدرسه ابی‌الذهب محمدبك مصرومکتبه ردوس وسلطان سلیم درآستانه وقلیج باشادرتوپخانه قسطنطنیه وتصحیح وشرح‌شش‌جزء پیشین وفهرست افزوده عربه‌چی باشی وحنیف‌زاده وفهرست لاتینی نویسندگان‌آمده ودر پایان‌جزء ششم آن‌چاپ «آثارنو = Nova Opera» احمد طاهرحنیف‌زاده درفهرست نگارش‌های تازی وپارسی وترکی که در کشف‌الظنون نیامده است ونیز برنامه کتاب‌های متداول در مغرب وفهرست نگارش‌های جلال‌الدین سیوطی‌دیده میشود .

۲ـ کشف‌الحجب والاستار عن‌اسماءالکتب والاسفار از اعجاز حسین نیشابوری کنتوری‌برای کتاب‌های شیعی‌چاپ Baptist Mission Press بسال۱۳۳۰(1935) در۵+۶۰۷+۱۱۸ص

۳ـ الذریعه الی‌تصانیف‌الشیعه ازدانشمند حاج شیخ‌آقا بزرگ محمدمحسن تهرانی برای کتابهای‌شیعی وایرانی که‌ازسال $\frac{۱۳۵۵}{۱۹۳۶}$ تاکنون هشت جلد در نجف وتهران بچاپ رسید، دراین کتاب اجازه‌های دانشمندان ودفترهائیکه درآنها اجازه ها راگرد آوردند فهرست‌شده ودربیشتر این‌اجازه‌ها نام کتاب‌ها هم‌هست .

۴ـ تذکرةالنوادر من‌المخطوطات‌العربیه ازسید هاشم‌ندوی (رفیق دائرةالمعارف) چاپ دکن در۲۲۴ بسال۱۳۵۰ .

۵ ـ مؤلفات ابن‌سینا ازاب‌جورج شحاته قنواتی چاپ دارالمعارف قاهره در۱۹۵۰ در۳۱+۴۳۵+۲۰ص

فهرست کتابخانه‌های ایران

۱ـ فهرست کتاب‌های کتابخانه آستانه‌طوس (قدس‌رضوی) درپایان جلددوم‌مطلع الشمس ازمحمد حسنخان صنیع‌الدوله چاپ۱۳۰۲ص ۴۶۹-۵۰۰ که سیاههٔ کتاب‌ها است و روی علمها بخش‌شده وفرمانها واسناد وتصویرها هم‌درآن یادگردید .

۲ـ فهرست همانجادرپایان‌فردوس‌التواریخ نوروزعلی‌پسرحاجی محمدبافر بسطامی چاپ‌کارخانهٔ آقا اسدالله درتبریز ذی‌قعده ۱۳۱۵ که کتاب‌های موجود درآنجا درتاریخ

۱۲۹۷ نامبرده شده .

۳ـ فهرست چاپی و خطی همانجا بنام «فهرست کتب کتابخانه مبارکه آستان‌قدس رضوی» که پنج جلد آن تاکنون بچاپ رسیده وچهارم و پنجم آن بهتر کتابها رامیشناساند جلد یکم آن دارای ٤ فصل است (فلسفه و کلام در ۹۵ + ۲۳ص ـ منطق ٤٦ص ـ تفسیر ۷٤ + ۱۲ص ـ اخبار ۱۰۸ + ۳۲ص)

دوم آن ازفصل ۵ تا ۱۱ است (فقه ـ اصول ـ تجوید ـ ادعیه اخلاق ومواعظ ـ رجال وانساب ـ لغت) در ۳۹۲ ص

سوم آن ازفصل ۱۲ است تا ۱۷ (صرف ونحو ـ معانی وبیان ـ تاریخ وافسانه ـ ادبیات طب ـ ریاضی) در ۳۷۰ص هرسه جلد چاپ‌دارالطباعه طوس ازمیرمرتضی‌الموسوی‌مشهد مقدس در $\frac{\text{تیر } ۱۳۰۵}{\text{محرم } ۱٤٤۵}$

چهارم در حکمت و کلام و فلسفه ـ منطق ـ تفسیر و ۵٤٤ ص چاپ مشهد چاپخانه طوس (روئین تن) $\frac{۱۳۲۵}{۱۳٦٦}$

پنجم دراخبار وفقه و ٦۸٤ص چاپ همانجا بسال ۱۳۲۹خ وهمهٔ ۵ جلد باندازهٔ رحلی .

٤ـ فهرست کتب کتابخانهٔ مدرسهٔ فاضلیه در ۱٤ فصل ازآقای‌اوکتائی چاپ‌شهریور ۱۳۰۹ در مطبعهٔ خراسان .

۵ـ فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی ازیوسف اعتصام‌الملك‌دردوجلد. نخستین سیاههٔ کتابهای خطی وچاپی آنجا است وبسال $\frac{۱۳٤٤}{۱۳۰۵}$ در ۳٦٤ص‌ودومی‌فهرست کتابهای خطی آنجا در ۲٦ بخش و۵۳۹ ص بسال ۱۳۱۱خ. جلدسوم فهرست آنجا از آقای ابن یوسف شیرازی‌است درباره کتاب‌های خطی ادبی بسال ۲۱ـ ۱۳۱۸ و ۸۱٤ ص هرسه‌جلد چاپ‌مجلس‌میباشد

٦ـ فهرست کتب خطی کتابخانه عمومی معارف ازآقای عبدالعزیزجواهر کلام در دوجلد وزیری چاپخانه مهرتهران (۲٤۱ص بسال ۱۳۱۳ و ۲٤۸ص بسال ۱۳۱٤خ)

۷ ـ فهرست کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار ازآقای ابن‌یوسف شیرازی دوجلد نخستین درقرآن و دعا وتفسیر وتجوید وحدیث وفقه و ۷۰۰ص بسال ۵ ـ ۱۳۱۳خ دوم‌در ادب پارسی وتازی وترکی و ۷۹۱ص بسال ۸ـ۱۳۱٦هردو درچاپخانه مجلس بچاپ‌رسید وباندازهٔ وزیری بزرگ .

۸ ـ فهرست کتاب‌های فارسی وتازی واروپائی چاپی کتابخانه ملی‌ایران که روی بخشهای نوین علمها نگاشته شده .

۹ـ فهرست نمایشگاه خطوط نستعلیق کتابخانه ملی ازآقای دکتربیانی چاپ‌تابان تهران نوروز ۱۳۲۸خ وزیری ۷۸ص کتابهائیکه درباره خط وخوشنویسان نگاشته شده دردیباچه آن یادگردید .

۱۰ـ راهنمای گنجینهٔ قرآن درموزه ایران باستان درباره گردآمدن قرآن و نوشتن آن وفهرست قرآنها از دکتر مهدی بهرامی ودکتر بیانی تهران فروردین ۱۳۲۸خ .

۱۱ـ فهرست نمونه خطوط خوش کتابخانه شاهنشاهی ایران از آقای دکتر مهدی بیانی چاپ تابان تهران ۱۳۲۹خ که کتابهای راجع بخط وخوشنویسان در پایان نامبرده شده (وزیری ۳۵۹ص) .

این بود فهرستهائیکه از پارهٔ از آنها دراینفتر بهره برده‌شد ونام آنها درآن دیده میشود .

نگارنده و گردآورنده فهرست: محمدتقی دانش‌پژوه

تهران ـ اردی‌بهشت ۱۳۳۲

خواهشمنداست پیش ازخواندن این فهرست غلطهای زیررا درست نمائید
که شمارهٔ نسخه در کتابخانه ودرفهرست است .

صفحه	سطر	غلط	صحیح
٤٤	٢٩	١٠٥٣	١٠٣٥
١١٢	شمارهٔ[٥٨] بایدمیان دوسطر ١٨و١٩ گذارده شود		
١٦٧	١٦	١٠٣٨	١٠٣٧
٢٠٧	شمارهٔ[١٧٠]سطر٦میان دوسطر٣و٤ گذارده‌شود		
٢٢٣	٢٦	٧٨٠	٨٧٠
٢٤٧	١٣	٩٢٩	٩٢٦
٢٦٥	٢	٣٧٣	٣٧٤
٤٨٨	١٦و٢٠	٧٦٧	٨٦٧
٦٦١	٢٠	٨٦٢	٨٦٣
»	٢٦	١٣٠٨	١٠٣٨
٦٧٢	٢٤	١٣٠٨	١٠٣٨

گفتار نخستین

منطق

[۱] **آداب البحث** [عربی]

یکی از فروع علم منطق آداب مناظره و بحث است واین فن پس ازرواج منطق و گسترش علم کلام وفقه میان دانشمندان خاوری آشکار گردید، چه‌متکلمان وفقیهان ناگزیر بودند هنگام اثبات آراء خود استدلال کنند و در اینجا از منطق ارسطو بهره برده از رموز فنی این علم آداب بحث و مناظره را استخراج کردند ومرحلهٔ عملی آنرا علم خلاف نام نهادند.

در فن بحث ومناظره یا جدل کتابهای بسیاری نوشته شده و از آنها است همین رساله که قاضی عضدالدین عبدالرحمن ایجی (م۷۵۶) متکلم نامور ایرانی نگاشته است. این رساله بسیار کوتاه ولی جامع است ودانشمندانی چندمانند میرسیدشریف گرگانی (م۸۱۶) و محمد حنفی تبریزی (م ۹۰۰) ومحیی الدین محمدبن‌محمد بردعی (م۹۲۷) وعصام الدین محمد بن ابراهیم اسفرائینی (م۹۴۳) و مولانا احمد جندی ومولانا عبدالعلی بیرجندی بر آن شرح نوشتند.

آغاز: بسمه لك‌الحمد والمنة . . . اذاقلت بكلام ان كنت ناقلا فيطلب الصحة،

انجام: وانما جعل الكلام على الفؤاد دليلا، تمت الرسالة العضديه.

[۱]

۸۸۳ این نسخه بخط نسخ وشماره دوم این دفتر است وازبرگ ۹ (الف) تابرگ ۱۰ (الف) ونویسندهٔ آن محمدعلی است که درمدرسهٔ سپهسالار محمد خان میزیسته است وهمهٔ این دفتر که دارای شش رساله میباشد نوشته او است وبسال ۱۳۰۰ و ۱۳۰۱ آنرا نوشه است. در این نسخه حواشی هست بخط نستعلیق که برمز (س سره) پایان مییابد.

(همه این دفتر ۸۴ برگ) — کاغذ فرنگی — جلد تیماج سرخ ضربی

اندازه: ۸/۵×۲۲ و ۴×۱۶ س ۱۷

[۲] آداب بحث و مناظره [فارسی]

این رساله بفارسی است و نگارنده آن چنانکه در دیباچه میگوید بدرخواست یکی ازدوستان بارتجال نوشته است .

آغاز : بسمله الحمد لمن لامانع لحکمه ولاناقض لقضائه . . ، بدان. ..که بحث از روی لغت تفتیش وجستجو کردن است ودراصطلاح علما آنست که اثبات حکم ثبوتی یاسلبی کند بدلیل .

انجام : اولی مقترن نیست بلکه بوضع ثانی مقترن است، تمت الرساله.

نسخه‌ای ازاین درکتابخانه آستانه طوس (شماره ۸ صفحه ۳ بخش منطق جلد۱ فهرست) هست ونوشته استکه شاید ازابن کمال پاشا شمس الدین احمد بن سلیمان (م۹٤۰) باشد این رساله در سالنامهٔ پارس سال ۱۳۲۳ از ص ۲۷ ـ ۳۱ بچاپ رسید .

[۲]

۳۳۹ این نسخه شمارهٔ سوم این دفتر است که دارای ۳۱رساله میباشد وبخط شکسته و نستعلیق ودرتاریخ ۱۰۷٦ نوسته شده‌است واین تاریخ درپایان شماره ۲و۲۹ و ۳۰ دیده میشود ونویسنده آن نصیرالدین‌حسین‌الحرالحسینی میباشد واین‌رساله ازبرك ۵۷ (الف) است تابرك ۵۸ (الف) .

(همهٔ‌دفتر ۱۳٦ برك) - کاغذ ترمهٔ سمرقندی — جلد تیماج ساده مقوائی

اندازه : ۱۳×۳۰ و ۱۰×۱۸ س ۲۱ تا ۲۸

[۳] آداب مناظره [عربی]

درجلد۱ ذریعه ص ۱۳ از آداب البحث علامهٔ حلی یاد میکند وگوید که‌نسخه‌ای از آن‌درکتابخانهٔ‌مولی‌محمدعلی‌خوانساری نجفی‌هست ولی درفهرست

کتابهای علامه دیده نشده است.[۱] و این رساله چون در نسخهٔ این کتابخانه دنبال شرح حکمةالعین علامه و هردو بیك خط هستند شاید ازعلامهٔحلی باشد. افسوس که این نسخه پایان ندارد تاشك ازمیان برود.

آغاز: بسمله الحمدلله الذی انقذنا من الحیرة والضلال و هدانا الی مناهج النظر والاستدلال . . . وبعد فهذه مقدمة فی‌معرفةالجدال مجموعة لتشحیذالاذهان وتوجیه‌المقال مرتبة علی فصول مختتمة بخاتمة .

[۳]

۴۲۳ این نسخه شماره‌دوم دفتری اسکه نخستین آن شرح حکمةالعین علامهٔحلی میباشد و بخط نسخ و بهمان خطی است که شرح حلی با آن نوشته شده واین رساله دربرگ ۱۳۷(ب) این دفتر است وبپایان نمیرسد واز انجام آنچه هست اینست: « والسئوال کلام یستدعی الجواب عن الغیر والجواب کلام » و چنانکه ازدیباچهٔ رساله پیداست باید چندین فصل و یك خاتمه دراین رساله باشد واین عبارت ازبحث یکم فصل یکم است، پس بحثها وفصلهائی را ندارد.

نشانه های نسخه دردنبال « شرح حکمةالعین » بنام «ایضاح‌المقاصد فی‌شرح حکمة عین‌القواعد» خواهد آمد.

[۴] آداب مناظره [عربی]

این رساله از میرزا فخرالدین محمد بن حسین حسینی استرابادی زنده در ۹۴۱ و ۹۶۵ و شاگرد غیاث الدین منصور دشتکی (م۹۴۷) میباشد ودردریعه ج۱

---

۱ دیده شود: فهرست کتب علامه حلی در خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال همو چاپ تهران بسال ۱۳۱۰ ص۲۳-۲۵ که ازنگارشهای خود آنچه‌را که تاتاریخ ع۲ سال۶۹۳ نگاشته است در آن آورد واجازه او بفخر الدین مهنا بن سنان بتاریخ محرم ۷۲۰ که نگارشهای‌خودرا روی موضوع بخش نموده فهرست‌داد ونسخه‌ای ازآن‌بخط سیدحیدرآملی بتاریخ ۷۶۲ در دفتر شماره ۱۰۲۲ برگ ۶۸-۷۰ همین‌کتابخانه هست و این اجازه در جلد ۲۵ «اجازات» بحار مجلسی ص ۵۲ نیز آمده است. نیز لؤلوتی‌البحرین شیخ یوسف بحرانی (چاپ سنگی) و روضات الجنات ص ۱۷۲-۱۷۵ و ریحانة الادب ج۳ ش ۱۹۰ ص ۱۰۶-۱۱۴

ص ۳۱ ش ۱۵۵ از آن یادگردید .

آغاز. بسمله و به‌نستعین الحمد لله الحکیم الوهاب . . . . فهذه خلاصة مالابد منه فی مسائل المناظرة لمن خاض فی شئی من‌العلوم .

انجـام . اعرضت عن‌التمثیل المفضی الی‌التطویل والله الهادی الی سواء السبیل وهو حسبی ونعم‌الوکیل .

[٤]

این‌نسخه شماره یکم این دفتر است که دارای شش رساله میباشد ودربرگهای ۸۸۳ ۳(الف) تا ۸(ب)آن نوشته شده است ونویسنده‌همهٔ دفتر که‌محمدعلی نام‌دارد درپایان این رساله مینویسد که آنرا درماه رمضان سال ۱۳۰۰ بپایان‌رساندم

۱ واین نسخه بخط نسخ است وحاشیه هائی بخط شکسته نستعلیق دارد که درپایان آنها عبارت «منه‌مد ظله‌العالی» دیده‌میشود وپیداستکه حواشی نگارنده خود رساله‌دراینجا آورده شده وبی‌واسطه‌یاباواسطه ازروی نسخهٔزمان‌نگارنده رساله نوشته شده‌است.

(همه دفتر ۸۴ برگ) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج سرخ ضربی

اندازه : ۸٫۵×۲۳ و ۴×۱۶ س ۱۷

[٥] اصطلاحات جدل وخلاف [عربی]

چنانکه درآغاز «آداب‌البحث» گفته شد هنر جدل وخلاف ازشاخه های منطق وعلمی استکه فقیهان ازمنطق ارسطو برگرفته‌اند و درآن روشی را که در بحث وگفتگوی فقهی باید بکار برد آشکار ساختند و این هنر همان جدل ارغنون ارسطو است که‌تنهامثال وشاهدآن ازفقه میباشد ودراین‌باره‌فارابی ومحمدزکریای

۲ رازی را باید از پیشروان این هنر دانست که برهـان و استدلال منطقی را ریخت علم‌کلام دادند و بجای مثالهای یونانی ارسطو امثلهٔ فقهی وکلامی بکار بردند و گویند نخستین‌کسی که در هنر جدل و خلاف نگارشی دارد ابوبکر محمد قفال چاچی‌شافعی(م۳٦٥)است.سپس‌ابی‌جعفرمحمدنخشبی‌حنفی(م٤١٤) وابوزیدعبدالله دبوسی سمرقندی حنفی (م٤۳۰) و ابی‌بکر احمد بیهقی (م٤٥۸) که در این هنر

کتاب نگاشتند .

فقیهان درجدل دو گروه شدند: یکی تنها دلیل شرعی را میپذیرند و رهبر آنها ابوالحسن علی بزدوی (م۴۸۲) میباشد. دستهٔ دیگر که پیرو ابی حامد محمد عمیدی سمرقندی (م۵۱۵) هستند هرگونه دلیلی را می‌پسندند . ازاین پس تاسده هشتم دانشمندان خاوری کتاب ها در این هنر ساختندکه در فهرست ها نام برده شده است .

این رساله در بیـان اصطلاحاتی است که در جدل واستدلال فقیهان‌را بکار میرود وتعریف‌هریك‌را میآورد ونگارنده‌آن شیخ تقی‌الدین ابوالعزمقترح‌میباشد.

آغاز: بسمله...قال‌الفقیه‌الامام‌الشیخ‌تقی‌الدین‌ابوالعزالمقترح ..الحمدلله‌الکریم الوهاب هادی ذوی‌الالباب الی سبیل‌الصواب . . . فقد سالنی بعض الطلبة ان اوجز لهم‌کلمات یستعین بها علی مصطلحات فهم‌الفقها .

انجـام : فهو من قبیل المؤاخذات فلیستدل بهذه النبذة علی امثالها والله الموفق للصواب .

[۵]

۹۰۲ این نسخه شماره ٤ دهری است که دارای شش رساله میباشد :

۱ـ ازهارالریاض (جلد٤) که کشکول مانند است (۱ ب ـ ٤۲الف) بخط نسخ وازهارالریاض از شیخ سلیمان ماحوزی (۱۰۷۵-۱۱۲۱) میباشد.

۲ـ النقایه درموضوعهای ادب واصول وفقه (٤۲ب ـ ٦۵ الف) بخط نسخ

۳ـ درةالبحرین‌فی‌مرثیةالحسین (٦۵ب ـ ۲۷۳الف) بخط نسخ

٤ـ همین رساله ازبرگ۱۵۲ (الف) تابرگ۱۵۵(ب)

۵ـ رسالهٔ حدود (خواهد آمد)

٦ـ رسالهٔاسطرلاب (خواهد آمد)

بجزاین شش‌رساله دراین دهدربرگهای ۷۲ (الف) تا۱۵۲ (ب) موضوعهای گوناگون ادبی وفلسفی وتاریخی وخبر دیده میشودکه فراهم‌آورنده دفتر نوشته‌است ودرچندجا ازخود بنام «جامع‌کتاب» یاد میکند .

نیز دربرگهای (۱۵۷ الف تا۲۱۷ الف) باز موضوعات گوناگون است . نویسندهٔ دفتر در برگ ۱۲۸ (الف) از سال ۱۱۱۷ یاد میکند و در برگ۱٤۸(ب) ازشیخ سلیمان علامه بمانند زنده یاد میکند و دربرگ ۱٤۷ (الف) از او بمانند مرده نام میبرد ومینویسد: «وله‌قدس‌الله‌نفسه ورمسه» . سپس اشعاری بعربی از او میآورد و در ۱٤۸ الف اجازه ای را میآورد که شیخ بهائی بسید عبدالمختار حسینی موسوی در میانهٔ شوال سال ۱۰۱۱ داده باینکه میتواند کتاب الحبل المتین و دیگر مرویات اورا روایت کند واین اجازه را نوح بن هابیل بن احمد بحرانی نویسنده نسخه از روی خط شیخ بهائی نوشته است .

دربرگ ۱٤٦ از سخنان شیخ سلیمان بن عبدالله ماحوزی آورده و در باره او میگوید «قدس‌الله سره» ودر برگ ۱٦۵ الف بازازاو بمانند زنده نام‌میبرد ومانا نویسنده نسخه شاگرداو بوده وقصیده‌ای ازوی میآورد ودربرگ ۱٦۵ب مینویسد که شیخ‌ابوالحسن سلیمان بن عبدالله بن علی بن احمد بن یوسف بن عمار بحرانی ماحوزی نگارشهای بسیاری دارد ودر۱۱۰۱درگذشت ودرهمین‌جا از«معراج‌الکمال الی معرفة الرجال» او عبارتی میآورد که در آن از اخوان صفا نکوهش کرده و آنانرا اسمعیلی ملحد باطنی دانست . باز می نویسد : شیخ سلیمان بن صالح بن عصفور بحرانی درازی در ۱۱۸۵ بمرد وشیخ‌سلیمان‌بن علی بن سلیمان‌بحرانی ماحوزی شیخ شیخنا السلیمان ابوعبداله‌ماحوزی‌در۱۱۰۱ بمرد وشیخ‌علی بن‌سلیمان بن‌حسن بن‌سلیمان بن‌درویش بن‌حاتم بحرانی‌در۱۱٦٤ بمرد ومینویسد که‌عم‌من‌شیخ‌ابراهیم‌بن‌احمد بن‌صالح‌در۱۱۲۵ درگذشت.

دربرگ ۲۲٦ الف باز از همان شیخ سلیمان ماحوزی شعر هائی میآورد و تا برگ ۲۲٦ ب ازتفسیر سید هاشم بن سید اسمعیل توابلی بحرانی نقل میکند و این سیدهاشم نگارنده تفسیر برهان است ودر۱۱۰۷ درگذشت. ۱

این‌رساله‌بخط نستعلیق‌ریزاز نوح‌بن‌هابیل‌بن احمدبن‌صالح بن‌عصفور بحرانی‌درازی است که‌همه این‌دفتر بخط اوست‌وبرخی رابه‌نسخ وبرخی‌را به‌نستعلیق نوشته‌است.

(همه دفتر ۲۲٦ برگ) ــ کاغذ ترمه سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ ضربی حاشیه‌دار مقوائی اندازه . ۱۴×۲۱ و ۸×۱۰ س۲۵

---

۱ ــ برای‌شرح‌حال این دانشمندان دیده شود: لؤلؤتی‌البحرین‌نگارش شیخ‌یوسف بحرانی و امل الامل شیخ حر عاملی‌وپیداستکه‌تاریخ زادومرگ‌شیخ‌سلیمان بحرانی‌ماحوزی چنانکه در این نسخه آمده درست نیست و درست آن همان است که در لؤلؤتی البحرین آمده و در بالا یاد شده است .

[٦] امتناع الحکم علی المعنی الحرفی (رسالة فی...) [فارسی]

در دستور زبان تازی یانحو وصرف ،کلمه را بسه گونه بخش میکنند : اسم وفعل وحرف . این سه بخش نخستین بار در ارغنون ارسطو آشکارا دیده میشود وپیداستکه دستور نویسان زبان تازی پایه و بنیاد این علم‌را ازمنطق گرفته‌اند .

ارسطو درفصل۱ مقولات وفصلهای ۲و۳ عبارات وفصل۲۰شعر ازاسم وکلمه (فعل) و ادات (حرف) گفتگو نموده‌است[1] . ازدانشمندان خاوری فارابی دراوسط ودیگر کتب منطقی خود وهمچنین ابوعلی بن زرعه در آغاز (باری‌ارمنیاس) وشیخ رئیس درفصلهای۲و۳و٤ مقاله۱ فن‌عبارت وفصل۷ فن‌شعرشفاازاینها کاوش نمودند.

مسئله جدائی این سه بخش از یکدیگر و ابراز فرقهای آنها نزد ادیبان و اصولیان‌نیزدشوار آمده‌و آنهاهرچه میتوانستنددر آن‌دقت کردندتابجائی که‌هنوزدر کتابهای‌اصول کنونی‌مسئله‌وضع‌حروف‌وچگونگی مفهوم آنهاموردگفتگومی‌باشد.

این مسئله که آیا حرف استقلال مفهومی دارد یاندارد وبر آن حکم میشود کرد یانه گرچه در نگارشهای پیشینیان روشن است ولی مایه‌گیر و دار ابواسحق شبانکارهٔ و محقق دوانی‌شده است ، قاضی ابواسحق بن‌عبدالله نیریزی شبانکاره‌ای رسالهٔ دراین باره نگاشته وثابت نمودکه معنای حرف محکوم علیه میشود .

وی درآن ازرساله حرفیه افضل‌المتأخرین نام میبرد وگویـا از آن رساله حروف پورسینا را میخواهد و باز از شریف‌گرگانی یاد میکند .

نیز مینویسد : ا رسطو در تعلیم اول نامی ازحروف نبرد و ادات را از اسم دانست ولی شارحان‌که پور سینا برتر ازهمه آنها است حرف‌را بجز اسم‌دانستند پیداست‌که شبانکارهٔ ازارغنون چندان آگاه نبوده است .

آغاز: بسمله تیمنا بذکره بمقتضی فرمان واجب‌الاذعان صاحب‌کمال ....

چند حرفی در تحقیق محکوم علیه بودن حرف مرقوم میگردد .

۱ــدیده‌شود: ترجمهٔ‌فرانسوی ارغنون از Tricot ص۲و۷۹تا۸۲[ج۱] و جلد منطق ارسطوچاپ بدوی ص۳ و ص ٦۰ تا٦۲ وترجمهٔ فرانسوی شعر از Hardy ص٦۰ و ترجمه فارسی آن ازسهیل افنان ص ۱۳۰ــ۱۳۱

انجام : وحرف کافی باشد والله اعلم قال ذلك وکتبه. . . . ابواسحق بن عبدالله النیریزی شبانکاره بالتفویض السلطانی بالخلق السبحانی .

[٦]

۱۰۲۱ این نسخه رساله ۱۵ دفتری استکه ۱٦ رساله ازمحقق دوانی وجز او در آن است وعلی بن مسافر قاضی بخط نستعلیق آنهارا نوشته و رساله ۳ ازآنها درتبریز در۱٤جمادی۲ٔسال۹۳۹ (نزدیك بسی‌سال‌پس ازمرك دوانی) نوشته شده است‌این رساله دربرگ ۱۱۷ الف تابرگ ۱۲۰ب این دفتر نوشته شده است .

نشانه نسخه در ص ٤۲ و ٤۵ و ۵۲ و ۵۷ و ۷۵ بخش نخستین این فهرست آمده است ،

[۷] امکان الحکم علی المعنی الحرفی (رسالة فی ...) [فارسی]

این‌رساله ازمحقق جلال‌الدین محمد دوانی (مرده نزدیك ۹۰۷) میباشد که درآن‌شبانکاره‌ای را رد نمود و ثابت کرد که حرف نمیتواندمحکوم علیه گردد. دوانی این‌رساله‌را بفرمان‌سلطان‌ابوالفتح سلطان‌خلیل‌بهادرخان پسر امیرحسن‌بیك از پادشاهان خاندان آق قوینلو که ششماه بسال ۸۸۲ و ۸۸۳ شاهی نموده است نگاشت . دوانی دراین رساله ازفارابی یاد میکند و عبارتی ازاو میآورد و نیز از شیخ رئیس وشارح مفتاح نام میبرد .

آغاز: بسمله اللهم ارنا الحق و ارزقنا اتباعه و ارنا الباطل باطلا وارزقنا اجتنابه . الهی غشاوت غفلت وعلی ابصارهم غشاوة ازبصر بصیرت‌ما بگشا ... نموده میشود که چون جمعی ازافاضل درمحکوم‌علیه‌بودن‌حرف برحرف بودند وکلماتی چند پریشان چون زلف دلبران جمع نموده .... از صوب صواب ... منحرف گشته ... بخاطر رسیدکه .. . دفع این یاوه فاسد نموده

انجام : زیراکه ازاجل جلیاتست انکه هیچ حرف در هیچ سئوال کافی نیست والله اعلم تمت وآلاء ربنا عمت . محرره علی بن مسافرالقاضی م

[۷]

۱۰۲۱ این نسخه رساله ۱۶ دفتری است که ۱۶ رساله درتفسیر وفلسفه ازدوانی وسمرقندی و شبانکاره‌ای در آن آمده است و این رساله در برك ۱۲۰ ب تا برك ۱۲۷ ب این دفتر بخط تعلیق علی‌بن‌مسافرقاضی نوشته شده‌وی همه‌این۱۶ رساله رانوشت وتاریخ آن۹۳۹ میباشد ونشانه نسخه دربخش۱ این‌فهرست یادگردید.

[۸] الاوسط [عربی]

این کتاب یکی‌ازنگارشهای منطقی فیلسوف بزرگوارایرانی ابونصرمحمدبن محمدبن‌اوزلغ‌بن‌طرخان فارابی میباشد وی ازمردم فاراب خراسان است که اترار مینامیدند وشهری‌بود بالای رود چاچ نزدیك بلاساغون. فارابی در۲۵۹ در وسیج که دژی‌است‌درشهرستان‌فاراب‌زاده‌شد و در۳۳۹دردمشق ازاینجهان‌رخت بربست. این دانشمند نحو را از ابی‌بکربن‌السراج فراگرفت و دربرابر باومنطق آموخت. فارابی از یوحنابن حیلان بخش خواندنی منطق راکه تا پایان اشکال وجودی میباشد فراگرفته و بخش دیگر آنراکه‌کلیساناروا میدانست تا پایان برهان پس از این خوانده است. وی دربغداد ازشاگردان متی‌بن‌یونس قنائی‌نیز بوده وبانجمن او میرفته است وسپس بحران رفته از یوحنابن حیلان نصرانی منطق آموخت.فارابی بجزترکی‌که زبان مادریش بود وعربی‌که بدان نگارشها دارد، چنانکه از (کتاب الحروف) او برمیآید بیونانی و سغدی نیز آشنا بوده است ویونانی دانستن او از دیباچهٔ (الاوسط) هم برمیآید. این دانشمند ایرانی که در زیرکی و هوشمندی و روان وشیوانویسی یگانه روزگارخود بود، گذشته‌ازبخشهای طبیعی و ریاضی‌والهی فلسفه،درمنطق سرآمد بوده تا بجائی‌که آنچه راکندی بغدادی و دیگران ازهنر تحلیل و روشهای تعلیم فراموش کرده بودند آورده و پنج ماده منطق و سودهای آنهارا آشکار نموده و راه بکار بردن آنها را شناساند و در احصاءالعلوم بخشهای منطق وغرض‌آنها را بخوبی روشن ساخت و در (ماینبغی ان‌یقدم قبل‌تعلم‌الفلسفه) آنچه‌راکه درآموختن فلسفه میبایست آشکارا آورد.

ازنگارشهای منطقی اوپیداست که‌وی دراینداتش بسیار آگاه‌بودوتاریخ پیدایش آراء منطقی را بخوبی میدانست و در اینکه منطق را که آورد ، وکتابهای‌ارغنون کدامیك ازارسطوهست ، و دراینکه آرائی که وی دارد وکاوشهائی که کرده‌است، در برابر کدامیك از آراء فیلسوفان پیشین‌است، در(الاوسط) ونیزدر (شرح عبارت‌و قیاس ارغنون) اوبنکاتی برمیخوریم که هوشمندان اروپائی مانند Hamelin و W.D.Ross و دیگران ازنگارشهای‌یونانی‌و لاتینی گرفته ونوشتند. مانافارابی از ترجمه‌های نخستین وکتابهای پیشینیان نسخه‌هائی را داشته بود که‌اکنون‌بجانمانده است. تنهاکتابی که‌دردست است منطق‌ابن زرعه‌است که ازاین نکته‌هااندکی‌دارد. آنهم دونسخه‌ازآن سراغ‌داده‌اندکه‌یکی در آستانه طوس ویکی دیگردرهنداست

۱۰ باری فارابی درهمه بخشهای منطق نگارش دارد و بسیاری از بخشهای ارغنون را شرح‌نمود که‌درفهرستهایاد گردید . اینك ازنگارشهای منطقی‌او آنچه‌در کتابخانه‌ها هست در اینجا یاد میشود :

۱ شرح ایساغوجی‌فرفوریوس: نسخه‌از آن‌دراسکوریال بشماره۶۱۲ هست‌وابن باجه (محمدبن‌الصائغ م ۵۳۳) تعلیقی بر آن نوشت که ترجمهٔ عبری آن هست‌واز

۱۵ روی آن بلاتینی‌ترجمه شده و نسخه لاتینی درمونیخ بشماره36bi–21oa هست

۲ شرح‌المقولات لارسطو علی جهة التعلیق : نسخه شماره ۶۱۲ اسکوریال ـ ترجمه عبری آن درمونیخ بشماره ۳۰۷ هست .

۳ شرح‌المواضع‌المستغلقة من کتاب قاطیغوریاس لارسطالیس که ابن ابی‌اصیعه گوید این‌شرح‌معروف به (تعلیقات‌الحواشی)بوده است : ترجمه عبری شماره ۳۰۷

۲۰ مونیخ‌که مقاله ٤ (این) را ندارد ـ نیز نسخه پاریس

٤ شرح باری ارمنیاس علی جهة‌التعلیق : نسخه شماره ۶۱۲ اسکوریال

ابراهیم‌بن ابجدوریهودی میگویدکه فارابی برخی از آراء ارسطو راکه درکتاب قیاس‌دیده میشوددراین شرح آورده است وابن‌میمون فیلسوف‌یهودی(۵۲۹ـ۶۰۱) از آراء فارابی‌که در این بخش آمده است گـرفته و درفصل ۱۳ کتاب « المجوع

۲۵ فی‌المنطق» یاد نمود . ابن رشد فیلسوف اندلسی (۵۲۰ — ۵۹٤) سخن فارابی‌راکه

در کتاب عبارت او آمده در تعلیق خود که در مجموعه عبری کتابخانه مونیخ شماره ٤٦ هست آورد .

٥ کتاب المقائیس : ترجمه عبری آن در مونیخ بشماره ٦٣٠ و بودلیان اکسفورد بشماره ٤٠٢ و وین بشماره ۱۳۰ وپاریس بشماره ۳۳۳ هست.

٦ تعلیق علی کتاب القیاس یا تعلیقات انالوطیقا الاولی لارسطو : نسخه شماره ٥ ٦۱۲ اسکوریال — ابن باجه شرحی بنام «ارتیاض فی التحلیل» بر آن نوشته است .

۷ شرائط القیاس: متن عربی بخط عبری نسخه شماره ۷۰۳ پاریس و ترجمه عبری نسخه شماره ٦۲٥ اسکوریال

۸ القول فی شرائط الیقین : متن عربی بخط عبری و با ترجمه عبری نسخه شماره ۳۰۳ پاریس ۱۰

۹ کتاب الجدل : ترجمه عبری نسخه شماره ۳ وین

۱۰ کتاب المغالطین : ترجمه عبری نسخه شماره ۱۱۰ مونیخ

۱۱ کتاب مختصر فی السفسطه: عمادالدین مراکشی آنرا شرح کرد و ترجمه عبری آن در اسکوریال بشماره (S36, 56) و در کتابخانه Parma, De Rossi بشماره (90²:S.56) و در وین بشماره (CXD S.30,50) و در مونیخ بشماره ۱٥ (S.94,56) هست .

۱۲ صدر لکتاب الخطابه :ترجمه لاتینی در بودلیان بشماره ٥۱ هست — ابن رشد از این کتاب مانند دیگر نوشته‌های فارابی بسیار بهره برد

۱۳ التوطئه فی المنطق: دو ترجمه عبری دارد یکی در Cod Bislechis No 77 بنام (رساله ابو نصر فارابی در دیباچه نوشته‌های منطقی) دیگری در مونیخ بشماره ۳۰۷ ۲۰ بنام رسالهٔ فارابی از توطئه در علم منطق

۱٤ فصول یحتاج الیها فی صناعة المنطق: متن عربی بخط عبری در پاریس بشماره ۳۰۳ هست (نسخه شماره ۲٤۰ دانشگاه تهران) این کتاب سه ترجمه عبری دارد ۱ — از موسی بن لادخیس یهودی ۲ — از صموئیل بن طبون ۳ — از شالوم بن ایوب

۱٥ المختصر الصغیر فی المنطق علی طریقه المتکلمین : نسخه شماره (۲٤۰) ۲٥

دانشگاه ابن ابی‌اصیبعه درعیون‌الانباء (ج ٢ ص ١٣٤ س ١٩) از این کتاب یاد نموده است

١٦ کتاب فی‌الاشیاء التی‌یحتاج ان‌تعلم قبل‌الفلسفه یاماینبغی ان‌یقدم قبل تعلم الفلسفه:دتیریسی در(الثمرة) درلیدن بسال١٨٩٥ بنام (کتاب ماینبغی ان یقدم قبل تعلم‌الفلسفه)چاپ کرد و چاپخانه سلفیه مصر آنرا بسال $\frac{١٣٢٨}{١٩١٠}$ چاپ نمود .

١٧ کلام فی‌معنی اسم‌الفلسفه و سبب ظهورها و اسماء المبرزین فیها وعلی من‌قرء منهم:ابن‌ابی‌اصیبعه آنرا درعیون‌الانباءجلد ٢ص ١٣٤ - ١٣٥ آورده و باز در همین جلد دردوجا (ص ١٣٩ س ٩ و ص١٣٩ س ١٢ -١٣) از آن یادکرد .

١٨ الاوسط‌الکبیرفی‌المنطق: نسخه شماره ٥٩٥ کتابخانه مجلس شورای‌ملی‌در تهران‌ونسخه ٢٤٠ دانشگاه-درفهرستها ازاین‌کتاب بدین‌نام یاد نشده جز اینکه‌در عیون‌الانباء (ج٢ ص١٣٨ س١٩ - ٢٠) بنام «المختصرالکبیرفی‌المنطق»و «المختصر الاوسط فی‌القیاس» و در قفطی (ص ١٨٣) بنام «الکتاب‌الاوسط» و «کتاب‌المختصر الکبیر» و در بیهقی (ص١٧) بنام «المختصرالاوسط فی‌المنطق» برمیخوریم ولی از خودکتاب‌دردونسخه که‌درتهران دیده‌شد پیداستکه ازفارابی است وریخت‌نگارش فارابی رادرروانی وشیوائی دارد این‌کتاب چنانکه از آغازدیباچه نسخه‌ما برمیآید باید نه بخش منطق را دارا باشد .

١٩ مقالةفی‌قوانین‌صناعة‌الشعراء: نسخه‌ازاین‌درمجموعه تاریخ٦٧٧ کتابخانه‌استاد دانشمند آقای‌شیخ‌الاسلام‌زنجانی‌هست‌ودرمجله Rivista d. studi orientali جلد ١٧ ص ٢٦٦ بچاپ‌رسید .

٢٠ درایران‌نسخه ازشرح‌کتاب عبارت ارغنون ارسطو درکتابخانه مجلس شورای ملی هست که متن ارسطو نیزدر آن‌آمده وهمان متنی است‌که درمصر درجزء ١ منطق ارسطوبسال١٩٤٨ بچاپ رسید دیگر بخشی از شرح قیاس ارغنون‌که تنها دارای مبحث خلف و تقابل ومصادره میباشد و متنی‌که درآن آمده برابراست با آنچه که در جزء ١ منطق ارسطو در همان چاپ از ص ٢٦٤ س ٢ تا ص ٢٨٤ س ١١ (فصل ١١ تا ١٨ مقاله ٢) آمده است و هردو در دفتری‌است بشماره ٩٤٩ از

کتابهائی که آقای طباطبائی بخشیده است و عبارت از برگ اب تا برگ ۱۷۲ و قیاس از برگ ۱۷۳ تا برگ ۳۲۲ میباشد چنانکه گفته شد یك نسخه از (الاوسط) نیز درهمان کتابخانه بشماره $\frac{۵۹۵}{۲۱}$ هست که دارای یك دیباچه در مبحث الفاظ و کلیات وانحاء تعالیم میباشد ودر آنجا بکتاب دیگری که پیش از آن است اشاره میشود ودر پایان آن از تاریخ پیدایش منطق گفتگو میکند ومیگوید گرچه همیروس در شعر و پروتاگوراس در مغالطه و ثراسوماخوس درخطابه اثری گذاشتند ولی قانون این هنرها تنها از ارسطو بیادگارماند وارخوطس فیثاغورسی که درمقولات کتاب نوشت پس ازارسطو بوده است واین دیباچه درنسخه این کتابخانه نیست سپس ایساغوجی و قاطیغوریاس و باریرمینیاس و آنالوطیقای یکم و دوم و همه اینها درنسخه ماهست هنرمغالطه نیز دراین نسخه میان قیاس وبرهان هست که درنسخه مانیست وفارابی درچهارجای برهان بدان بازگشت میدهد. پس این بخش هم از (الاوسط) میباشد. درنسخه این کتابخانه که دارای (فصول یضطرالیها عندالشروع فی المنطق) و (المختصر الصغیر فی المنطق علی طریقة المتکلمین) نیز میباشد پس ازاین دو دیباچه‌ای دارد در تعریف و تقسیم منطق و اندکی از ایساغوجی ومبحث تعریف که در نسخه مجلس نیست و پس ازبرهان هنرجدل درنسخه ما هست ودر آنجا نیست و این بخش تحقیق کلی است که فارابی میکند و بمبحث مواضع نمی‌پردازد. درنسخهٔ ماهنرجدل نیمه کاره گذارده شده، و نویسنده نسخه همه را ننوشت یا اینکه فارابی آنرا بپایان نرساند.(۱)

بخشهای الاوسط

الف ـ دیباچه نسخه ما و نسخه مجلس که بخش بندی نشده مگر اینکه دیباچه نسخه مجلس چهار مطلب دارد:

۱ مبحث الفاظ و معانی حروف که میرساند فارابی به نحو یونانی و تازی بخوبی

---

۲ ـ دیده شود (الفارابی) عباس محمود چاپ مصر که فهرستی از کتابهای موجود فارابی در اروپا را آورد.

آگاه بود .

۲ـ مبحث کلیات ۳ ـ انحاء تعالیم ورؤس ثمانیه ٤ ـ تاریخ منطق . و دیباچه نسخه‌ما دومطالب دارد یکی تعریف و تقسیم منطق دیگری کلیات وتعریف باجمال

ب ـ ایساغوجی دارای : (کلی وجزئی ـ جنس ونوع ـ فصل ـ خاصه ـ عرض کلیات مرکب یا حد و رسم)

ج ـ مقولات: تعریف جوهر وعرض ـ ده مقوله ـ حمل طبیعی و جز آن ـ ذاتی وعرضی ـ تقابل ـ تلازم ـ تقدم و تأخر ـ معیت

د ـ عبارت که بخشهای جدائی ندارد ولی همه مباحث ارسطو را داراست

ه ـ قیاس دارا ۱۸ فصل است

و ـ مغالطه که مغالطات معنوی ولفظی را دارد ومثالهای بسیاری ازفیلسوفان پیشین میآورد و از آنها نام میبرد

ز ـ برهان پنج بخش است : (دیباچه ـ اقسام برهان ـ اقسام حدود ـ برهان و حد درصناعات نظری ـ اصناف مخاطبات برهانی

ح ـ جدل که تعریف جدل و فوائد واقسام آنرا دارد و چند بار بفلسفه‌رواقی اشاره میکند .

از دیباچه این کتابخانه که بنام (مقاله صدر بها الفارابی کتابه فی المنطق) است پیدا است که (الاوسط) باید دارای نه بخش منطق باشد .

اینك آغاز و انجام بخشهای (الاوسط) دراینجا آورده میشود .

۱ـ دیباچه نسخه مجلس شورای ملی ـ **آغاز** : قال ابو نصر الفارابی ان الالفاظ الدال منها ماهو اسم، منه ماهو کلم .

انجام: ویبتدی بالنظر فی الکتاب الذی یشتمل علی اول اجزاء هذه الصناعة وهو کتاب المقولات

۲ ـ دیباچه نسخه اینکتابخانه ـ **آغاز** : مقاله صدر الفارابی بها کتابه فی المنطق .. . وهو کتاب الاوسط الکبیر .... قال ابو نصر قصد نا النظر فی صناعة المنطق

انجام : وکذلك قد یکون لهخواص کثیره تمت المقدمة التی قبل الفصول

٣ — ايساغوجى يا مدخل ـ **آغاز** : قال ابونصر ان قصدنا فى هذا الكتاب هو احصاء الاشياء التى عنها يأتلف القضايا

انجام : ومالم يوجد له اسم استعمل حده اورسمه مكان اسمه. آخر الكتاب... ويتلو هذا الكتاب كتاب قاطيغورياس من الاوسط الكبير.

٤ — قاطيغورياس يا مقولات ـ **آغاز** : كتاب قاطيغورياس لابى نصر الفارابى وهو كتاب المقولات ـ الكليات ضربان .

انجام : الجنس الذى عنه انقسمت رتبة واحدة بعينها. تم كتاب قاطيغورياس وهو المقولات.

٥ — باريرمينياس يا عبارت — **آغاز** : كتاب باديرمينياس ومعناه العبارة الالفاظ الدالة منها مفردة يدل على معانى مفردة .

انجام : غير ان الممكن الحقيقى هو المعنى الرابع من معانيه ... تم كتاب بارى ارمينياس .

٦ — آنولوطيقاى يكم ياقياس — **آغاز** : كتاب انولوطيقا الاول و هو القياس قال ابونصر قصدنا ان نحصى الاقاويل

انجام : والاستقراء ابلغ منه. تم كتاب انولوطيقا.

٧ — مغالطه (نسخه مجلس) — **آغاز** : الامكنة التى فيها يغلط الناظر فى كل مسئلة و اذقلنا فى القياس ماهو

انجام : لم يقع علينا غلط اذا تاملنا ولامغالطة اذا خوطبنا. تم الكتاب

٨ — كتاب برهان — **آغاز** : كتاب البرهان خمسة فصول .... فى صدر الكتاب واذقلنا فى الاشياء التى

انجام : فالزمان اذن هو كرة العالم و اشباه هذه الاقاويل. تم كتاب البرهان تأليف .... الفارابى

٩ — جدل (آنچه كه درنسخه ماهست) — **آغاز** : قال ابونصر . . . الفارابى صناعة الجدل هى الصناعة التى

انجام : ويبطل الاراء التى تصادقتها الفلاسفة فيها بينهم اوصار الجمهور فيها

[۸]

این نسخه در دفتری استکه دارای چندین نگارش فلسفی و منطقی فارابی
۲۴۰ است و بخشهای (الاوسط) بدینگونه در آن آمده است
۱ ـ دیباچه از برگ ۱۲۳ ب تا برگ ۱۲۵ الف
۲ ـ مدخل از برگ ۱۲۵ ب تا برگ ۱۲۹ الف
۳ ـ مقولات از برگ ۱۲۹ ب تا برگ ۱۴۱ ب
۴ ـ عبارت از برگ ۱۴۱ ب تا برگ ۱۴۹ ب
۵ ـ قیاس از برگ ۱۵۰ ب تا برگ ۱۵۹ ب
۶ ـ برهان از برگ ۱۶۰ ب تا برگ ۱۸۴ الف
۷ ـ جدل از برگ ۱۸۵ ب تا ۲۰۱ ب

نسخه بخط نسخ خوش‌وروشن و گاهی مغلوط که از نادانی نویسنده آنست. در برخی جاها حواشی دارد بخط تعلیق وعنوانهای مطالب و نسخه بدلها گاهی درهامش دیده‌میشود
(همه‌دفتر ۲۰۱ برگ) ـ کاغذ ترمه سمرقندی ـ جلد تیماج زرد حاشیه‌دار مقوائی
اندازه : ۵ر۱۳×۵ر۲۲ و و ۸×۱۵ س ۲۱

[۹] البضاعة المزجية فی اثبات وجود الكلی الطبيعی (عربی)

افلاطون فیلسوف یونانی فلسفه خویش را برپایه کلی طبیعی موجود که آنرا مثال نامیده است نهاده و شاگرد وی ارسطاطالیس وجودکلی را انکار نموده افراد جزئی را موجود دانست و مسئله وجود کلی و مثال افلاطونی میان پیروان ایندو فرزانه هماره مورد بحث و گفتگو بوده است. یکی ازدانشمندان باختری بنام فرفوریوس (۲۳۲ یا ۲۳۳ ـ ۳۰۴ م) در دیباچه‌ای که برای منطق ارسطو بنام ایساغوجی (ایساگوگه) یا مدخل نگاشته است در آغاز آن چنین گفت : « درباره اینکه جنس و نوع موجود واقعی مادی محسوس یا مجرد هستند یا جز مفهومی ذهنی بیش نیستند گفتگو نخواهیم کرد زیرا این مسئله‌ای است بسیار ژرف که بررسی دیگر و کاوش دامنه‌داری میخواهد [۱] » همین‌گفته فرفوریوس مایه این شد که از روزگار بوئسیوس فیلسوف و سیاسی روم و شارح کتابهای منطقی ارسطو (۴۸۰ ـ ۵۲۴) تا زمان تجدد (Renaissance) مسئله وجودکلی مورد اختلاف گردد و دانشمندان باختری بسه دسته بخش شوند :

۱ ـ دیده‌شود ترجمه فرانسوی ایساغوجی از تریکو J.Tricot چاپ پاریس سال ۱۹۴۷ ص ۱۱ ـ ۱۲

۱ ـ واقعیان پیرو افلاطون ۲ـ اسمی‌های پیرو آنتیستنس ۳ تصوری‌های پیرو ارسطو. این عبارت فرفوریوس بدانشمندان خاوری نیز رسیده و آنها نیز بچنین بحثی پرداختند چنانکه ابوعلی بن زرعهٔ نصرانی (۳۳۱ ـ ۳۹۸) در کتاب «اغراض ارسطو طالیس المنطقیه» در آغاز «معانی ایساغوجی» میگوید: «والمطالب الصنعیة فی هذه الخمسة بان ینظر فیها هل هی موجودة ام لیست بموجودة. فان قوما قالوا لا وجود فی الامور الکلیة. فان کانت موجودة فاما ان یکون اجساماً او غیر اجسام، و ان کانت غیر اجسام فهل هی مفارقة اصلا للمادة فی الوجود والوهم کالباری تبارك وتعالی، او لها تعلق بالمادة ضرباً من التعلق. وفرفوریوس یتجنب هذه باسرها، ویتسلم تسلیما ان الصور فی النفس موجودة ... وذلك انه لیس لصانع من الصناع ان یتکلم فی موضوع صناعته. یتسلمها تسلیما من غیر ان یبحث عنه.» پیداستکه ابوعلی دراینجا بگفتار فدفریوس مینگرد وازاختلافی که در این مسئله میان دانشمندان هست بیگانه نیست.

خواجه ابوعلی سینای بلخی بخاری ایرانی درفصل ۱۲ مقاله ۱ـ فن ۱ـ منطق شفا ودیگر نگارشهای خویش ازاین مطلب سخن راند ودر کتب حکما ومتکلمان نیز درباره وجود کلی بحث شده و اشراقیان و صوفیان هم در برابر مشائیان باعیان ثابت و ارباب انواع ومثل معلق قائل شدند.

صدرالدین محمد شیرازی فیلسوف بزرگ در کتابهای خود بویژه در اسفار (جلد ۱ آغاز مرحله ٤) از وجود کلی ومثل گفتگو نمود. چنانکه امام رازی در مباحث مشرقی در فصل ۲ باب سوم کتاب ۱ در این باره سخن راند. درست میتوان گفت بهترین کتابیکه در این زمینه نوشته شده همین البضاعة المزجیة است که دانشمند ابوالحسن بن محمدهادی حسینی تنکابنی درشب ۱۵ ماه ربیع دوم سال ۱۲۵۵ آنرا پرداخته و در روزچهارشنبه ۵ ماه جمادی یکم سال ۱۲۵۵ بخط خود نوشته است این کتاب دارای یك مقدمه در ۵ کلمه و دو باب است:

۱ ـ ابطال سخن مانعان در ۲۰ دلیل ودردلیل یکم گوید که «کلی موجود، فرد خارجی نیست، تا ناگزیر شود که درچندجاباشد وصفتهای گوناگون وناسازگار پذیرد و درواحد نوعی همچنین چیزی «محال نیست» ودراین جا باعتراضی می‌نگرد

که شیخ درفصل ۱ مقاله ۵ الهی شفا (ص ٤٨٦-٤٨٧ چاپی) و دررسالهٔ که درباره گفتار دانشمند همدانی نوشته است آورده و آنرا رد میکند.

باب ۲ اثبات وجودکلی طبیعی در ٤٠ قاعده که دراین چهل قاعده بسیاری ازمطالب مهم منطق و فلسفه را میآورد و آنها را دلیل وجود کلی میگیرد مانند: بداهت، ایجاب وسلب، تضایف، سبر وتقسیم، وجود، معرفت، صدق، انتاج، تکرر اوسط، ترکیب ماهیت، غیر معلل بودن ذاتی وجز اینها و در پایان این باب بدلایلی که دانشمندان آورده‌اند اشاره میکند.

بی‌هیچ گفتگو این نگارش را میتوان ازشاهکارهای دانشمندان ایران بشمار آورد

آغاز - بسمله لك الحمد یاذاالمن والجود والعلا... فیقول .. ابن محمد هادی الحسینی ابوالحسن التنکابنی انه لما اشتهر فی الالسن ان الحق عندالمحققین هووجود الکلی الطبیعی

انجام: فتدبرحتی تعلم ان ذات الجزء قدیتقدم. هذا آخرما اردنا ایراده مع قلة البضاعة. وکان اکثره مماتفردت به. وعلیك النظر بعین الانصاف. لا بعین الاعتساف وقد وقع الفراغ من التألیف فی لیلة الخمیس والخامس عشر من شهر ربیع الثانی فی سنة خمس وخمسین بعدالمأئتین والالف فی العتبات العالیات. ووقع الفراغ من الاستنساخ فی یوم الاربعا فی خامسة شهر جمادی الاولی بید مؤلفه ابی الحسن بن هادی الحسینی فی ۱۲۵۵.

ازگفته تنکابنی پیداستکه وی این کتاب را درنزدیك به بیست روز پاکنویس نموده و بیشتر آن اندیشه خود او است

[۹]

۸۹۲ این نسخه بخط نگارنده کتاب و بنسخ و خط خوردگی‌ها دارد و نسخه اصل است و شماره ۱ دفتری است که دوم آن معیارالعقول درجرثقیل است و از برگ ۱ الف تا برك ۲۹ ب میباشد برك ۱ وصالی شده واند کی از عبارات رفته است عنوانها شنگرف وشماره مطالب درهامش نوشته شده

(برگهای همه‌دفتر ۷۰) - کاغذ فرنگی - جلد مقوای پارچه‌ای وگوشه‌ها و ته آن تیماج اندازه ۱۴×۲۱ و ۵ر۹×۵ر۱۵ س ۲۲

[۱۰] پاسخ پورسینا بپرسش میهنه‌ای (عربی)

ارسطو در فصل ۳ و ۵ عبارت ارغنون گفته که هرچه برمحمول روا باشد برموضوع هم روا خواهد بود و درفصل ۲۱ کتاب ۲ قیاس وفصل ۱ کتاب ۱ برهان بازگفته‌استکه‌شایسته است وصفی برکلی حمل شود اگرچه ندانیم که برجزئی آن حمل‌میشود یانه ودراینجا اختلاف باجمال و تفصیل یاتغایر وصفی را بسنده دانست و سخن این فیلسوف بشکی می‌نگرد که منن کرده و افلاطون آنرا در رساله منن (بند ۸۱) آورده است ولی در اینجا ازپیش شکی راکه سکستوس امپریک‌وس (Sextus Empiricus) فیلسوف پزشك ستاره شناس یونانی سده دوم و سوم کرده است پاسخ داد. سکستوس میگوید کبری جز باستقراء افراد اوسط ثابت نمیشود زیرا شاید یك فرد محکوم بحکم کلی نباشد پس قضیه کلیه کبری دروغ خواهدبود پس شکل نخستین نتیجه نخواهد داد مگراینکه‌مصادره‌برمطلوب ودور معیب لازم آید این شك را ستوارت میل انگلیسی(۱۸۰۶ – ۱۸۷۳) دوباره‌ازسر گرفت و پنداشت که با آن بنیاد منطق ارسطو را ویران میسازد.

اصلی‌که ارسطو شکل نخستین را بر روی آن نهاده است قاعدهٔ اندراج یا انسحاب‌نامیده‌میشودو بلاتینی‌چنین درمیاید:(Dictum de omni et nullo) که هرچه برکلی رواست یا ازآن برداشته میشود برجزئی نیز روا میباشد یاازآن برداشته است دانشمندان خاوری نیز درنگارشهای خود باین‌قاعده وپاسخ‌این‌شك اشاره میکردند چنانکه در اوسط فارابی و منطق ابن زرعه و منطق شفا (قیاس مقاله ۹ فصل ۱۹ و برهان مقاله ۱ فصل ۳ و ٦) والمعتبر ابی‌البرکات بغدادی(فصل ۱۷ مقاله ۳ قیاس، ج۱ ص ۸–۱۹۷) واساس الاقتباس خواجه طوسی (فصل ۱۰ فن ۲ مقاله ٤ درقیاس و فصل ۱ فن ۲ مقاله ۵ دربرهان) این قاعده و این شك وپاسخ آنراباجمال می‌بینیم ابن تیمیه حرانی در(الردعلی‌المنطقیین) درمقام ٤ و۵و٦ (ص ۳–۳٦۲ چاپ بمبئی) سخنی‌میآورد که مانندگفتار میل است و سیوطی در اختصار خودبراین کتاب‌نیز گفته‌ابن‌تیمیه راآورده‌است (چاپ‌مصر بسال۱۹٤۷ ص۲۹۱و۲۲۲)

پیش از ابن تیمیه که دشمن منطق و عقل است ابوسعیدبن ابی الخیر میهنه‌ای (م ٤٤٠) عارف بزرگوار برشکل نخستین همان شك سکستوس را وارد کرده است مگر این‌که نمیدانیم آیا این عارف که خود را آسمان بین مینامید و چیزها را بگمان خویش میدید نه اینکه میدانست این شك را از کتابهای فیلسوفان بدست آورد یا اینکه خود بدان آگاه شده و به‌شیخ‌رئیس بنمود و پاسخ خواست؟

باری میهنه‌ای میگوید : شکل ۱ پایه دوشکل دیگراست و کبرای آن تا نتیجه را ندانیم کلی نخواهد بود و این خود محال است و نارواچه نتیجه باید پیرو کبری باشد نه پایه آن

شیخ‌رئیس در پاسخ‌دوراه حل باومینماید یکی اینکه حکم کلی نیازی‌ندارد که ازجزئی گرفته شود دیگراینکه تنها دراستقراء است که چنین است و در قیاس حکم کلی پیش از جزئی دانسته میشود .

این شك را شارح مطالع درمبحث شکل ۱ بعنوان لزوم دور فاسد طرح کرده و باختلاف اوصاف پاسخ داده است و فرزانه سبزواری در منظومه منطق (ص ۷۸ چاپ ناصری) باز همان گفتار رازی را آورد . در نسخه شماره ۱۰۳۵ همین کتابخانه درص ۱۰۷ و٤۱۷ دوبار این عبارت راکه گزیده‌ای است از پاسخ و پرسش میهنه‌ای و بوعلی می‌بینیم : «کتب الشیخ ابوسعید ابی‌الخیر الی‌الشیخ‌ابی علی‌بن سینا : ایاك ان‌تعتمد علی‌العقل (العلوم‌الرسمیه) فان اول (اجلی) البدیهیات الشکل الاول وفیه دورلان ثبوت النتیجة یتوقف علی کلیة کبراه (الکبری) و لایصیر کبراه کلیة حتی‌یکون‌الاکبر صادقا علی‌الاصغر لان‌الاصغرمن‌جملة افراده. واجاب الشیخ ابوعلی: بان کلیة کبراه (الکبری) موقوفة علی‌اندراج الاصغراجمالافی‌الاکبر والمقصود من‌النتیجه ثبوته تفصیلا فلادور»[1]

باز ازکسانیکه ازاین پرسش و پاسخ یادکرده‌اند شیخ عبدالرحیم ومیرزا محمدعلی فرزند احمد قراچه‌داغی تبریزی (م۱۳۱۰) میباشندکه هر دو درحاشیه

---

۱ — آنچه میان دو کمانه گذادره شده نسخه بدل است ودرهر دوجا غلط نحوی نیزهست که بقیاس درست شد

خود برحاشیه ملاعبدالله یزدی شهابادی (م ۹۸۱) بر تهذیب‌المنطق تفتازانی این شك را آوردند و عبدالرحیم آنرا از برخی صوفیان دانسته و گفت که شیخ رئیس بعام اجمالی و حدسی کبری وعلم تفصیلی نتیجه این شك را حل نمود و محمدعلی از میهنه‌ای و شیخ‌رئیس نام برده و گفت که شیخ‌باجمال و تفصیل پاسخ داد و باتغایر وصفی هم دوری نخواهد بود .

گفتار اینند و درهامش حاشیه یزدی چاپ عبدالرحیم بسال ۱۳۰۶ در ص ۱۲۵ بچاپ رسید

دیگر فرزانه دانشمند میرزامحمد طاهر تنکابنی است که در حاشیه خود بر الجوهرالنضید فی‌شرح منطق‌التجرید از علامه حلی (چاپ تهران ۱۱ ـ ۱۳۱۰) همین اشکال دور را آورده و بتغایراجمال وتفصیل پاسخ داد

قنواتی در فهرست خود ازاین پاسخ و پرسش بنام قیاس (سئوال ابی‌سعید ابی‌الخیر وجواب الشیخ الیه) بشماره ۳۵ درص ۱۰۷ یادکرده و سه نسخه از آن نشان داد که در آستانه هست [۱]

آغاز : کتب‌الشیخ سلطان‌العارفین خاتم المشایخ ابوسعیدبن ابی‌الخیر الی الشیخ‌الرئیس ... اتوقع‌الجواب من حضرة‌الشیخ‌الرئیس ... اذاکان‌الغرض من‌القیاس الوصول الی‌العلم ... فاجاب‌الشیخ الرئیس عن‌هذابجوابین وقال قدفهمت الرقمه‌اطال بقاه

انجام : وکك فی‌المثال‌الثالث ولعل هذاالبیان یکفی فی‌هذه‌الشبهة هواعلم

[۱۰]

این نسخه‌شماره چهارم دفتری است که دارای۲۸رساله وگفتار وده‌پاسخ ۳۳۱ وپرسش از ایندو دانشمند است و بشکسته وتعلیق در تاریخهای ۱۰۷۶ و ۱۰۸۶ نوشتهٔ شده و این نسخه ازبرك ۵۸ ب تا برك ۵۹ ب میباشد

(همه دفتر۱۳۶ برك) ـ کاغذ ترمهٔ سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ ساده مقوائی اندازه ۱۳×۲۰ و ۱۰×۱۸ س ۲۱ تا ۲۸

[۱۱] **پاسخ بدبیران قزوینی** (عربی)

نجم‌الدین عمرکاتبی دبیران قزوینی دراینکه نقیض عام باید اخص از نقیض

۱ ـ برای شك سکستوس و شبهه میل دیده شود : تاریخ مسائل و نحل فلسفی Paul Janet ص ۶ ـ ۶۴۵ و تاریخ فلسفه Albert Rivaut ج ۱ ص ۲۵۱

خاص باشد شکی کرده وخواجه طوسی از آن پاسخ گفته است. شارح مطالع در مبحث چهار نسبت همین شك دبیران را آورده و رد نمود.

آغاز · هذا شك اورده الحکیم الامام نجم الدین المعروف بدبیران علی قولهم ان نقیض العام مطلقا ..... فان نقیض العام لایجب ان یکون اخص من نقیض الخاص مطلقاً . . . اجاب عنه نصیر الملة والدین محمد بن محمد الطوسی . . . الممکن العام ینقسم الی قسمین هما مانعة الخلو دون الجمع

انجام : ومع الداخل فی طرفی النقیض ای الواجب ذاته والمتنع لذاته ولایراد بکونه اعم الاهو والله اعلم وحکم

[١١]

١٠٣٥ این نسخه شماره بیستم دفتری استکه دارای ٥١ رساله است و بخط تعلیق شکسته مورب و در ص ١٨٦ نوشته شده است ـ نشانه نسخه در بخش ١ این فهرست یادگردید

[١٢] **تحریر القواعد المنطقیة** (عربی)

نجم الدین عمر کاتبی دبیران قزوینی (م ٦٧٥) شمسیه خود را که متنی است کوتاه و گزیده‌ای از منطق بروش متاخران برای خواجه شمس الدین محمد جوینی (کشته در ٦٨٣) نگاشته است و چندشرح بر آن نوشتند یکی از آنها شرح علامه حلی (٦٤٨ ـ ٧٢٦) است بنام (القواعد الجلیه) که برای شاگردان خود نوشت و درفهرست نگارشهای خود که درخلاصه (تاریخ ع ٢ سال ٦٩٣) ودراجازه بمهنابن سنان (تاریخ محرم ٧٢٠) آورده است از آن یاد نمود ونسخه‌ای از آن که در روزگار علامه در ع ٢ سال ٦٧٩ نوشته شده در کتابخانهٔ آستانهٔ طوس هست (دیده شود فهرست آنجا ج ١ بخش منطق ص ٤٣ شماره ١٥١) وپیداستکه حلی این شرح را نزدیك بسی سالگی خود نگاشته است.

دیگر شرحی است از فرزانه فیلسوف ایرانی قطب الدین محمد بن محمد ورامینی رازی بویه‌ای (م٧٧٦) شاگرد قاضی عضد ایجی (م ٧٥٦) وعلامه حلی که در ٧١٣ ازاو اجازه گرفت.

قطب رازی این شرح راکه (تحریرالقواعدالمنطقیه) نام دارد برای صاحب غیاث‌الدین محمد در آغاز ج ۲ سال ۷۲۹ نگاشته است[۱]

این غیاث‌الدین فرزند خواجه رشیدالدین فضل‌الله است که وزیر خدابنده بوده و در ٦٤٥ زاده و در ۱۷ ج۱سال۷۱۸ویرا بکشتند و خود غیاث‌الدین در ۷۲۸وزیر ابوسعید بهادر خان (۷۱٦— ۱۳ع۲ سال ۷۳٦) شده و در ۲۱ رمضان ۷۳٦ کشته گردید.

قطب رازی چندین رساله و کتاب درمنطق دارد:

۱— رساله تحقیق دلالت

۲— رساله تحقیق تصور وتصدیق

۳— رساله تحقیق کلیات که بچاپ رسیده و نسخه‌ای از آن بشماره ۲۷۷ دراین کتابخانهٔ هست که درتاریخ پایان ع ۲ سال ۷٦٤ مقابله گردید.

٤— رساله تحقیق محصورات و نسخه از این چهار رسالهٔ در آستانه طوس بشماره‌های ۹۷-۹٦-۹۵-۹٤ هست (ج ۱ فهرست آنجا، بخش‌منطق،ص۲۸-۲۹)

قطب رازی برمنطق (مطالع‌الانوار) ابوالثنا یا محمودبن ابی‌بکر ارموی آذربایگانی (۵۹٤—٦۸۲) هم شرحی بنام (لوامع‌الاسرار) برای همین وزیر در تاریخ سه‌شنبه ۱۰ ج ۱ سال ۷۲۸ در مدرسه غازانیه شنب تبریز نگاشته است[۲].

شرح مطالع رازی دوبار درایران بچاپ رسید یکی چاپ عبدالرحیم بسال ۱۲۹٤، دیگری چاپ تهران درکارخانه آقاسید اسدالله بسال ۱۳۱۵ و یکبار در آستانه در دوجزء بسال ۱۳۰۳چاپ گردید.

رازی درمبحث محصورات شرح مطالعه برساله (تحقیق محصورات) خود بازگشت میدهد و در آغاز آن‌ازرساله (تصوروتصدیق) یاد میکند و میرسیدشریف

---

۱ — درپایان نسخه شماره ۱۱۹ کتابخانه طوس (ج۱ فهرست،بخش‌منطق، ص ۳٤) دارد:(وقد فرغ من تحریره العبد الراجی‌الی رحمة ربه‌الهادی قطب‌الرازی فی‌اوائل‌جمادی الاخرة سنة‌تسع وعشرین وسبعمائة

۲ — دیده شود، پایان شرح مطالع نسخه چاپ تهران بسال ۱۳۱۵ وفهرست‌طوس ج ۱ ص ۳۷ شماره ۱۲۸

گویا آنرا ندیده ودرحاشیه میگوید که این رساله در دست کسی بوده واو بجائی میرفته و این رساله را با خود میبرد و آن ازمیان رفته است .

ولی چنانکه گفته شد نسخهٔ از آن در آستانه طوس هست و نسخه دیگر هم در مدرسه سپهسالارتهران بشماره ۳۸۷۸ هست و دوبار نیز بچاپ رسیدیکی درتونس بسال ۱۲۸۱ دیگری درکانپورهند بسال ۱۲۱۷

رازی درمبحث وجود کلی طبیعی و درمبحث فصل از (تحقیق کلیات) یاد میکند .

پس دانسته شدکه رازی این سه رساله را پیش‌ازشرح مطالع نگاشته و شرح شمسیه را نزدیك بیك‌سال‌ونیم پس‌ازآن بپایان رساند .

شرح شمسیه رازی دوبار درایران (یکی بسال ۱۲۸۲ دیگردرتهران‌بسال ۱۳۱٤) و چهار بار درهند و دوبار در مصر و سه بار در آستانه بچاپ رسید

پس‌ازرازی سعدتفتازانی (م۷۹۲) شمسیه را شرح کرد وازرازی خرده گیری‌هانمود و این شرح چندی میان‌دانشجویان‌رواج‌بودتااینکه‌میرسیدشریف گرگانی‌حاشیه‌ای برشرح رازی نوشت و ازآنها پاسخ گفت وبشرح تفتازانی دیگر نمی‌پرداختند

[۱۲]

۳۳۰ این نسخه بخط تعلیق مجدول بطلا و لاژورد با عنوانهای شنگرف است و جدولهای منطقی آن نیزشنگرف ولی چیزی نوشته نیست و محمدشریف‌بن عبدالحق سبزواری درتاریخ ۱۰۰۸ آنرا نوشته است

(۱۵٦ برك) - کاغذ ترمهٔ سمرقندی — جلد تیماج ساده مشکی

اندازه : ۸×۱۹ و ۴×۱۳ س ۱٦

[۱۳]

٤٥٨ این نسخه اندکی ازآغاز کتاب را ندارد و آغازآنچه هست اینست « سبب ایراد رسم‌العلم فی‌مفتح‌الکلام» و علی‌نقی اردکانی در ۱۹۳ (؟!)آنرا بخط تعلیق نوشت

(۸۸ برك) — کاغذ فرنگی — جلد تیماج زرد

اندازه : ۱۲/۵×۲۰ و ۷×۱۴ س ۱٦

[۱۳] تعلیق درمبادی قیاسات [فارسی]

منطقیان درمبحث موادقیاس، مبادی آنرا برحسب هنرهای پنجگانهٔ منطق (برهان ـ جدل ـ مغالطه ـ خطابه وشعر) بچندگونه بخش نمودند، و شماره آنها درکتابها باختلاف دیده شده و این اختلاف ازاینروستکه درارغنون ارسطو مبادی قیاس جسته گریخته و پراکنده دیده میشود و دانشمندان هم هریك برأی‌خود آنها را بخش نمودند. دراین رساله مبادی را پانزده‌گونه دانست و نگارنده این تعلیق گویا قوام‌الدین رازی شاگرد مولی رجبعلی تبریزی سپاهانی میباشدکه در سال ۱۰۸۵زنده بود .

آغاز: تعلیق مبادی قیاسات پانزده صنف است

انجام : و مشهورات مطلق و محدود ومسلمات مبادی قیاس جدلی‌بود

[۱٤]

۳۷٤ این نسخه شماره پنجم دفتری‌استکه دارای ۷ رساله از خواجه طوسی و قاضی‌محمد سعید قمی ومولی رجبعلی تبریزی و قوام‌الدین رازی میباشد نویسنده آن ازشاگردان قوام‌الدین رازی است و دردنبال رساله ششم این دفترمی‌نویسد: «هذه تعلیقات لاستادنا ... قوام‌الملة والدین طاب‌ثراه ... »

و در دنبال این رساله مینویسد : «من‌استادنا ادام‌ظله واله اعلم» وچنانکه در پایان رساله شماره یکم این دفترنوشته شده‌در ذی‌حجه سال ۱۰۸۵ هنگامی که‌قاضی سعید قمی میزیسته است‌آنرا نویسنده‌آن نوشت ولی این رساله در روزگارقوام‌الدین رازی و رساله ششم که بازتعلیق‌فلسفی است ازهمان رازی پس ازمرگ اونوشته‌شده است پس میتوان گفت که رازی نزدیك بسال ۱۰۸۵ درگذشت مگراینکه نویسنده این رساله‌ها یکی نباشد این رساله‌دربرگ۶۲ب‌تابرگ۶۳ب این دفتراست وبخط تعلیق شکسته میباشد :

(همه دفتر ۹۴ برك) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج ساده
اندازه : ۱۱×۱۹ و ۱۹×۱۴ س ۱۶

[۱٤] تلخیص [عربی]

قاضی‌ابوالولیدمحمدبن‌احمدبن محمدبن‌احمدبن احمدبن رشد درقرطبه‌از

خاندانی که بکارداوری میپرداختندو بسیارمشهور بودند، بسال ۵۲۰زاده و درمراکش درماه ربیع یکم بسال ۵۹۵ درگذشت. این دانشمند از فیلسوفان و پزشکان اندلس است و کتابها در فلسفه وپزشکی ازخود بیادگارگذارد و شرحها برکتب ارسطو نوشته و درآنها ازفارابی و پورسینا و متکلمان خرده گیری نمود و درتهافت‌التهافت ازاعتراضهای غزالی پاسخ‌داد. شرحهای این فیلسوف، درسده‌های میانین فرزانگان اروپا را تنها منبعی بود که با آنها بآراء ارسطو آشنا میشدند. تا اندازه‌ای که میگفتند: «جهان را ارسطو شناسانده و نگارشهای ارسطو را ابن رشد روشن ساخته است»

این‌فیلسوف شیفته‌نگارشهای‌ارسطو بوده است وبا اینکه‌یونانی‌نمیدانست و ترجمه عربی نادرستی از آنها دردست داشت، روی‌هوش و زیرکی خویش و با کمك ترجمه شروح مشائیان همه‌کتب ارسطو را شرح کرده است. ویرا پادشاه روزگارش امیریعقوب منصورموحدی (۵۸۰ ـ ۵۹۵) و فقها تکفیرنمودند وناگزیر شدکه درسال ۵۹۱ بشهر الیسانه (Lucena) که یهودیان می‌نشستندگوشه‌گزینند و شاه فرمودند که‌کتابهای این دانشمند را آنچه فلسفی است بسوزانند. فرمان تحریم فلسفه نیز ازهمین شاه درهمین هنگام صادر شده است.

دانشمندان ترسای اروپا نیز پس از این، شرحهای فلسفی او را بسال ۱۲۰۹ م تحریم کردند و درسال ۱۲۶۹ م در انجمن پاریس روی همان آرائی که دانشمندان اسلام کفر میپنداشتند ابن‌رشد را تکفیرنمودند.

نسخی ازکتابهای ابن‌رشد راکه نزدیك به ۸۰۰۰۰ هزار میرسد، کزیمنز (Ximenez) دستور دادکه در میدان غرناطه بسوزانند. این بودکه نسخه آنها بسیارکم شد و بیشتر ترجمه لاتینی و عبری، آنهم فراوان، بجا مانده است

ابن‌رشدکتابهای ارسطو را سه‌گونه شرح کرد

۱ — شرح کوچك‌یا جوامع که درآن گزیده‌ای‌ازمباحث ارسطورامیآورد بی‌آنکه ازآراء پیشینیان یادکند و بجای آنها عقاید خویش و فیلسوفان خاوری‌را آورده وگویا میخواهد روش مشائیان راباجمال بگذراند و این‌گونه‌شرح‌نگارش

خوداوست و بترتیبی که خودمی‌پسندد، نه بترتیب متن کتاب. بااینکه آراء مندرج در کتب ارسطو را تحلیل و گزین میکند باز از آن میکاهد و بر آن میافزاید و از کتابهای دیگرارسطو آورده آنرا کامل‌میسازد. این شرحها همان‌نام کتابهای ارسطو را دارند.

۲ ـ شرح میانین یا تلخیص که هربندی بکلمه (قال) آغاز میشود ولی‌شرح و متن با هم آمیخته است وازهم نتوان جدا نمود. مگر اینکـه پیش چشم باشد. آنگاه دیده میشود که ابن رشد مانند ابن‌سینا درشفا، گاهی‌متن رابا عبارت دیگر که‌خود می‌پسندد میآورد. دراین شرح‌بندبه‌بندمطالب ارسطوودر آغازهربنداندکی ازسخن ارسطو با عبارت دیگری دیده میشود و ابن‌رشد از ترتیب ارسطو در این شرح بیرون نمیرود و دراین شرح بیشترمطلب را روشن میسازد. نشر دهندگـان ترجمه لاتینی این‌شرحها، چون ترجمه لاتینی ترجمه عربی متن یونانی ارسطو را دردست‌داشتند، درهربندی‌متن کامل‌را میآوردند. دراین ترجمه‌های‌لاتینی دوشرح میانین و بزرگ را بدشواری میتوان ازهم جدا نمود.

۳ ـ شرح بزرگ یا تفسیر که نخست متن آغاز وسپس شرح میآید و پس ازهربندی ازمتن باز پاره‌های آنرا آورده تفسیرمیکند و آراء دیگران را نیز یاد کرده گاهی از آنها انتقاد می‌نماید و گاهی نیز ازتفسیر مشائیان یونانی که دردست داشت‌میآورد. دراین شرح متن کامل ارسطو دیده میشود و هرکتابی بچند بخش وفصل و بند تقسیم میگردد و این بخش‌بندی را در مدارس مشائی ایتالیا پذیرفته بودند.

ارنست رنان میگویدکه جوامع ابن رشد روی هم یکجلد و باندازه ۱۵۰ صفحه ولی تفسیرها باندازه چهارجلد میگردد و این را ازعبدالواحد مراکشی‌نقل میکند (ص۶۳ حاشیه۲) بازمیگویدکه پیش از ابن‌رشد دانشمندان،مانند فارابی وپورسینا،همان جوامع مینوشتند. چنانکه آلبرتوس‌ماگنوس (۱۱۹۳ـ۱۲۸۰) همین کار راکـرد وآنها متن و شرح را ازهم جدا نمیساختند. در باره شفای ابن سینا بخصوص درمنطق اواین را شاید بتوان پذیرفت وآنرا جوامع بلکه تلخیص نام‌داد

ولی دربارهٔ همهٔ نگارشهای فارابی این سخن درست نیست زیرا الاوسط او خود کتاب جداگانه‌ایست و نمیتوان آنرا ازجوامع یا تلخیص بشمار آورد وشرح‌عبارت و قیاس او که در کتابخانه مجلس هست درست شرح بزرگ یا تفسیراست ومیتوان گفت که ابن‌رشد اینگونه شرح را ازفارابی آموخته ومانند اوهمه متن رامیآورد و سپس شرح میدهد و اینگونه شرح‌میان دانشمندان خاوری متداول‌بوده وقرآن را بهمین روش تفسیرمیکردند و سخن خدا را با سخن خویش نمی‌آمیختند.

این سه‌گونه شرح درمدارس اسلامی متداول بوده کوچك‌را نخستین‌بار، سپس‌میانین، آنگاه شرح بزرگ را فرامیگرفتند.

شرحهای بزرگ‌را ابن‌رشد درپایان زندگی خود نوشته و درشرح‌بزرگ طبیعی گویدکه درجوانی شرحی کوتاه نگاشته‌ام ودرشرحهای میانین نوید میدهد که شرح بزرگتری‌خواهد نوشت. این بودکه درسده‌های میانین تا روزگار تجدد میگفته‌اندکه ابن‌رشد در جوانی جوامع نوشته و درسن کمال تلخیص‌کرده و در پیری شرح بزرگ نگاشته است

چنانکه گفته شد البرتوس ماگنوس بشرح بزرگ نپرداخته است ولی شاگردش تماس آکوئینی از ابن‌رشد پیروی نموده‌شرح و تفسیر کرد.

ابن‌رشد را درسده‌های میانین و روزگارتجدد تا آغازسده ۲۰بنام‌شارح می‌شناختند و از این کلمه همورا میخواستند و دانتی در کمدی خدائی (سرود ٤ بیت ۱٤۲ Inferno) از وی بنام شارح‌نام میبرد. وی درمیان دانشمندان بزرگ باو پایگاهی بلند داده و از اوبنام ابن‌رشد شارح یادکرده‌است. ابن‌رشد در منطق بجزشروح، کتابهای‌دیگری هم داردکه درفهرست مندرج در عیون‌الابناء (ج ۲ ص ۷۵-۷۸) و متنهای عربی که ازنسترنان در پایان‌کتاب خویش آورده است آمده وبرخی ازآنهاکه هست اینها است :

۱ ـ مختصرالمنطق بزبان عربی وخط عبری

۲ ـ رساله درمنطق پیوست بدوشرح خطابه وشعربزبان وخط عربی

۳ ـ مقدمات فلسفه‌که بعربی و در اسکوریال بشماره ٦۲۹ هست و ۱۲

رساله میباشد (۱ — موضوع ومحمول ۲ — تعریفات ۳ — قیاس و برهان ٤ ـ قضایا ٥ — قضیه صادق و کاذب ٦ — قضیه ممکن و ضروری ۷ — استدلال ۸ — نتیجه صحیح ۹ ـ رای فارابی درباره قیاس ۱۰ — صفات ذهن ۱۱ — حس واستماع ۱۲ — چهارصفت

٤ — مسائلی درباره بخشهای گوناگون ارغنون که پس از شروح آنها را میآورند و دونسخهٔ عبری آن‌هست. ابن‌رشد مسائل منطقی را هنگامی که مطرود شده بود (۱۱۵۹ م) نگاشته است

٥ — موجزمنطق که بعبری در Riva di trento بسال ۱۵٦۰ بچاپ‌رسید و نسخهٔ از آن بعربی وخط عبری درپاریس هست

چنانکه گفته شد ابن رشد همه بخشهای ارغنون ارسطو را سه‌گونه شرح کرد و متن عربی وترجمه عبری یالاتینی‌برخی‌از آنها درکتابخانه‌های خاورو باختر هست بدینگونه :

۱ — ایساغوجی فرفوریوس دوشرح کوچك و میانین آن هست

۲ — مقولات ، شرح کوچك و میانین آن هست

۳ — عبارت ، دوشرح کوچك و میانین آن هست

٤ — قیاس ، دوشرح کوچك و میانین آن هست

٥ — برهان ، هرسه شرح آن هست. وی شرح میانین برهان را در اشبیلیه بسال ۱۱۷۱ م نگاشته است

٦ ـ جدل. دوشرح کوچك و میانین آن هست وشرح میانین را در۱۹رجب ٥٦۳ نگاشته است .

۷ ـ مغالطه ، دوشرح کوچك و میانین آن هست

۸ — خطابه ، دو شرح کوچك و میانین آن هست و در پایان شرح میانین مینویسد که آنرا در ٥ محرم سال ٥۷۰ با اینکه درمانده و بیمار بودم بپایان رساندم

۹ — شعر ، دوشرح کوچك و میانین آن هست

نسخه‌ای از تلخیص در فلورانس و دانشگاه لیدهست که همه بخشهای ارغنون را دارد و نسخهٔ هم در قاهره هست که مانند نسخه این کتابخانه میباشد

ترجمه عبری نگارشهای منطقی ابن رشد

۱ — ربی شمشون آنتولی در ناپل بسال ۱۲۳۲ م برای فریدریك دوم شرح ارغنون ابن رشد را بعبری ترجمه نمود و نیز همو موجز منطق اورا بعبری کرد

۲ ـ کالونیموس فرزند کالونیموس فرزند مایر Maestro Calo (۱۲۸۰ ـ ۱۳۲۸) که در آرلس زاده شده، در ۱۳۱٤ م شرح جدل ومغالطه و برهان را بعبری ترجمه کرد

۳ — تدرس تدرسی (تئودوروس فرزند تئودوروس) آرلسی در ۱۳۳۷ م درشهرك ترینکتای شرح جدل ومغالطه وخطابه وشعر را بعبری در آورد و همین شرح است که گلدنتهال آنرا نشر نمود

٤ — یعقوب بن شمتوب قیاس را ترجمه بعبری نمود

۵ — یعقوب فرزند اباماری آناتولی نابلسی زنده در ۱۲٦۵ و ۱۱۹٤ م پنج کتاب نخستین ارغنون را ترجمه بعبری نمود و در کتابخانه ملی پاریس و فلورانس نسخه آن هست

٦ — لاوی بن جرسن (۱۳٤٤ — ۱۲۸۸) همین متن عبری را شرح نمود که نسخهٔ از آن در پاریس هست و ترجمه لاتینی این شرح در سده ۱٦ بچاپ رسید

ترجمهٔ لاتینی نگارشهای منطقی ابن رشد

۱ — هرمانوس المانوس تعلیقات فارابی برخطابه و موجز ابن رشد را در طلیطله در ۷ مارس ۱۲۵٦ بلاتینی ترجمه نمود وی میگوید :

در ترجمه شعر برای اختلافی که در وزن شعر یونانی وعربی هست دچار اشکال شدم و نزدیك بود نومید شوم. ناگزیر از این شعر آنچه دریافتم ترجمه کردم و آنچه رامیتوانستم بلاتینی در آوردم . ترجمه هرمانوس از تلخیص ابن رشد دشوار

نیست و میتوان آنرا دریافت .

۲ ـ ابراهام بالمس که تلخیص را از عبری بلاتینی کرد و ترجمه او با متن مخالف است و در ترجمه عبری هم مثالهای تازی بمثالهای عبری تبدیل شده‌است

از نگارشهای منطقی ابن رشد آنچه بچاپ رسید

۱ — متن تلخیص قاطیغوریاس که در بیروت بسال ۱۹۳۲ موریس بوئیژ آنرا چاپ نمود

۲ — متن تلخیص خطابه و شعر که فاوستولاسی‌نیو (Fausto lasinio) آندو را از ۱۸۷۲ تا ۱۸۷۵ در فیرنتس (Firenze) با ترجمه‌عبری و ایتالیائی شعر بچاپ رسانده ولی خطابه آن ناتمام ماند

۳ — همین دو تلخیص را لویس شیخوبسوعی در (کتاب علم‌الادب مقالات لمشاهیرالعرب) درجلد دوم در بیروت بسال ۱۹۲٤ چاپ نمود .

٤ — ترجمه عبری موجزمنطق ابن‌رشد در (Riva di Trento) بسال ۱٥٦۰ بچاپ رسید

٥ — ترجمه عبری شرح خطابه درلایبتسیك در ۱۹٤۲ چاپ شده است

٦ — ملخص شعر با تعالیق فارابی برخطابه بلاتینی در ونتسیا بسال ۱٤۸۱ بچاپ رسید

دوره کتب ابن‌رشد بلاتینی در لیون بسال ۱٥٤۲ بچاپ رسیده و ترجمه لاتینی ارغنون بوئسیوس نیز با آن هست و تلخیص ابن‌رشد هم‌جزء آن میباشد

آثـار ابن‌رشد بلاتینی در ونتسیا و پادو و دیگرشهرها از۱٤۷۲ تا ۱۸٤۲ چندین بارچاپ شده است و ترجمه‌ای که یعقوب مانتینوطرطوسی (م ۱٥٤۹) از ترجمه‌عبری تلخیص بلاتینی کرده است بسال ۲ـ۱٥٥۰ و سال ۱٥٦۲ و سال ۱٥۷۳ بچاپ رسید و در چاپ ۲ — ۱٥٥۰ ترجمه لاتینی شرح لاوی بن جرسن نیز با آن هست[1]

۱ ـ برای نگارشهای منطقی ابن‌رشد دیده شود : عیون‌الابناء ابن ابی‌اصیبعه ج ۲ **بقیه پاورقی درحاشیه صفحه بعد**

آغاز و انجام بخشهای تلخیص

مقولات ـ آغاز : الغرض فی هذا القول تلخیص المعانی التی تضمنها کتب ارسطو فی صناعة المنطق

انجام : وهی بحسب هذه الجهة مستوفاة انقضی تلخیص کتاب المقولات والحمد لوهب العقل یتلوه... تلخیص کتاب بارارمنیاس ای العباره

عبارات ـ آغاز : الفصل الاول قال وینبغی ان نقول ماهو الاسم وماهی الکلمه

انجام : اذا کان لایتعری الموضوع منها وهنا انقضی تلخیص المعانی التی تضمنها هذا الکتاب بانقضاء المعانی التی تضمنها هذا الکتاب تیلوه کتاب انالوطیقی وهو کتاب القیاس

قیاس ـ آغاز : المقاله الاولی ینبغی ان نبتدی اولا فنخبر ماهو الشیء الذی عنه الفحص فی هذا الکتاب

انجام: لم یکن عظیم الاطراف علامة خاصة بالشجاعة وهنا انقضی تلخیص معانی هذا الکتاب وهو القیاس

برهان آغاز : المقالة الاولی من البرهان قال کل تعلیم و کل تعلم فکری فانما یکون بمعرفة متقدمه للمتعلم

انجام : اعنی قوة العلم للمعلوم و قوة العقل للمبادی تم تلخیص المقالة الثانیة من معانی کتاب البرهان لارسطوطالیس

[١٥]

٣٧٥ این نسخه بخط نسخ بسیار پاکیزه . عنوانها و نشانه‌ها و رقمها بشنگرف میباشد مقولات از برك ١ تا برك ١٧ وعبارات از برك ١٨ تا برك ٣٦ وقیاس از برك ٣٧ تا برك ١٢٤ وبرهان از برك ١٢٥ تا برك ١٦٧

(برگهای همه دفتر ٧٠)ـ کاغذ ترمه سپاهانی جلد تیماج مقوائی تازه اندازه ١٥×٢٢٫٥ و ١٢×١٨٫٥ س ٢١

ص ٨٥ـ٧٨، پیوست تاریخ ادبیات بروکلمن ج ١ ص ٣٧١ وابن رشد ارنست رنان چاپ پاریس بسال ١٩٤٩ (جلد ٣ از نگارشهای رنان) وابن رشد لئون گوتیه Leon Gauthier چاپ پاریس بسال ١٩٤٨ و اندیشندگان اسلام کارادوو (B.Carra de vaux) جلد ٤ ص ٧ ـ ٦٦ چاپ ١٩٢٣ پاریس وفهرست کتابهای چاپی کتابخانه ملی پاریس ج ٥ ص ٧٨١ شماره‌های ١١ و ٢٣ تا ٢٨ و دیباچه موریس بوئیژ بر تلخیص مقولات ابن رشد چاپ بیروت ١٩٣٢

[۱۵] حاشیه بیتکاری (عربی)

شمس‌الدین محمدبن حمزه فناری (م ۷۳٤) بر ایساغوجی ابهری شرحی نوشت‌واحمدبر آن حاشیه کرد و بیتکاری براین حاشیه ، حاشیه نگاشت که همین رساله باشد

آغاز : الحمدلله‌العلی‌الکریم . . . فلمانظرت وتاملت فی حاشیه‌الفنارية

انجام : هذا لیکن‌هذا آخرماکنافیه

[۱٦]

۹٤۳ این نسخه‌شماره چهارم‌دفتری‌استکه دارای‌شش‌رساله میباشد ودردنبال‌حاشیه عبدالرحیم‌برشرح فناری نشانه‌های‌آن یاد میگرددداین‌رساله از برك ۲۵ب‌تا ۳۹ الف است و بخط تعلیق با عنوانهای شنگرف و حاشیه (منه) دارد و اسماعیل‌بن‌علی‌بن عثمان‌درمدرسه فیضیه ارز روم بسال ۱۱۲۲ آنرانوشت .

[۱٦] حاشیه برتهذیب‌المنطق [عربی]

سعدالدین مسعودبن عمربن عبدالله تفتازانی ادیب متکلم ایرانی (م ۷۹۲) شاگرد قطب رازی و قاضی عضدایجی کتابی درمنطق بنام تهذیب‌المنطق‌بسال ۷۸۹ نوشته که میان دانشجویان آن روزگار تاکنون متداول گشت .

دانشمندان برآن حاشیه‌ها نوشتند ازآنها است محقق دوانی وحاشیه او تا مبحث جهات (مطلقه عامه) میباشد و در لکناهور بسال ۱۲۹۳ و درتهران درکنار حاشیه ملاعبدالله بسال ۱۲۸۰ بچاپ رسید .

آغاز: تهذیب‌المنطق‌والکلام‌توشیحه‌بذکر المفضل‌والمنعام‌فهذه‌عجالة‌وغلالة رایعة تروی‌غلیل‌طالبی صناعة‌المیزان

انجام : فی‌ملتقی‌الخطین‌الخارجین بین‌کلیها تسهیلا للضبط علی‌المبتدی

[۱۷]

۲٦۷ این نسخه شماره یکم این دفتر است و دوم آن حاشیه‌ای است برهمین دوانی و بخط نستعلیق ومجدول بطلا وشنگرف ولاجورد وعنوانها وبرخی حواشی شنگرف است وازبرگ ۱ ب تابرگ ٤۰ ب تاریخ نوشتن ۱۰۵۷

(همه‌دفتر۸۶ برگ) ـ کاغذ ترمه سمرقندی ـ جلد تیماج ضربی زرکوب
اندازه : ۱۵×۲۴ و و ۷×۱۴ س ۱۷

[۱۸]

۸۸۳ این نسخه شماره ششم دفتری است که دارای شش رساله میباشد ونشانه‌های آن دردنبال (آداب مناظره) استرابادی و (آداب‌البحث) ایجی یادگردید وبخط نسخ محمدعلی وبتاریخ ۱۳۰۱ که درمدسه سپهسالارمحمدخان آنرا نوشت وازبرگ ۳۸ الف است تا برگ ۸۳ الف

[۱۷] حاشیه بر حاشیه تهذیب المنطق [عربی]

این حاشیه ازمولانا سید آقاحسین حسینی خلخالی سنی اشعری شاگرد میرزاجان حبیب‌الله باغنوی شیرازی‌میباشدکه برحاشیه دوانی نوشته‌استوچنانکه در ذریعه (ج ٦ ص ٤١) آمده خلخالی این حاشیه را در ۱۰۲٤ برای پسر خود نگاشته است . ازکتابهای وی پیداستکه او سنی‌اشعری میباشد درآغازاین حاشیه پس ازیادکردن نام دوانی ونام خود میگوید : این حاشیه را برای‌تأییدگفتاردوانی وبرای‌پسرم برهان‌الدین نگاشته‌ام . این‌حاشیه‌تا بمبحث دائم ومشروط میرسد .

آغاز : بسمله‌نحمدك یامن‌نورقلوب‌العارفین‌بانوارالمعارف‌الالهیه ... فهذه تنبیهات علی‌التحقیقات‌المختفیة فی‌صفحات حاشیة التهذیب

انجام : سائرالجداول الطولیه والعرضیه علی هذه‌الهیئة . در نسخه این کتابخانه درپایان این حاشیه نوشته شده (تمت‌الرساله فی‌تاریخ‌سنة‌ثلث عشروالف) پس‌گفتار نگارنده دریعه‌خواه این تاریخ ۱۰۱۳ تاریخ‌نگارش‌خلخالی باشد یاتاریخ نوشتن نسخه درست درنمی‌آید نسخهٔ‌ازاین حاشیه درکتابخانه استانه‌طوس هست که درهامش حاشیه دوانی بسال ۱۰۷۷ نوشته شده است .

[۱۹]

۳۱۲ این نسخه شماره‌یکم دفتری است که‌بجزاین‌رساله‌دورساله‌دیگرنیزداردیکی حاشیه‌برشرح دوانی برعقایدایجی‌ودیگری‌اثبات‌واجب وهردوازهمین‌خلخالی میباشد وهمه‌بخط تعلیق‌شکسته با عنوانهای‌شنگرف است و درتاریخ۱۰۱۳ در روزگار خلخالی نوشته شده است این رساله از برگ ۱ ب تا برگ ۷۸ الف میباشد .

(همه دفتر ۱۷۹ برگ) ــ کاغذ ترمه سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ ساده
اندازه . ۵ر۱۱×۱۹ و ۶×۱۳ س۱۳

[۱۸] حاشیه بر حاشیه تهذیب المنطق (عربی)

حاشیه‌ای است بر حاشیه دوانی بر تهذیب المنطق تفتازانی و نگارنده آن پیدا نیست که کیست

آغاز : قال و حیدزمانه تغمده‌الله بغفرانه (یقال مدحت اللؤلؤ علی صفائها)

انجام : واما الی امکان الحمل دون الفعل . تم الکتاب بعون‌الله سبحانه القوی فی تاریخ سنة ۱۰۵۷

[۲۰]

این نسخه شماره دوم دفتری که نخستین آن حاشیه دوانی است و بهمان خط وحواشی نیز دارد واز برگ ۴۱ ب تا برگ ۸۶ ب میباشد. ۲۶۷
نشانه نسخه دردنبال (حاشیه دوانی) یادگردید

[۱۹] حاشیه بر حاشیه تهذیب المنطق (عربی)

این حاشیه‌ای است که سیدمیرزا ابوالفتح بن محمدعلی مشهور بمیرمخدوم بن سید شمس‌الدین محمد بن سیدشریف گرگانی بر حاشیه دوانی نگاشته است وی باب حادیعشر علامه حلی را یکبار بتازی بنام مفتاح‌اللباب یامفتاح‌الباب و باره دیگر بپارسی و پس از آن و درمراغه درلشکرگاه شاه بسال ۹۵۷ شرح کرد و در ۹۷۶ یا ۹۷۷ درگذشت . این حاشیه را برای سلطان ابی‌الغازی احمد بهادرحسینی نگاشته‌است و نسخهٔ ازاین در آستانه طوس هست که درع ۱ سال ۹۷۲ پاکنویس گردید

ازنشانه‌هائی که در ذریعه (ج ۶ ص ۵۹) و درفهرست آستانه طوس (ج ۱ بخش منطق ص ۱۲) یادگردید پیداستکه نسخه این کتابخانه اندکی از خطبه را ندارد . ابوالفتح درمیانه این رساله میگوید پس‌ازپایان یافتن حاشیهٔ دوانی جاهائی که ازمتن تهذیب دشواراست شرح میدهیم وهمین نشانه درفهرست آستانه هم یاد شد و ازتطبیق با حاشیه دوانی پیداستکه این رساله حاشیه‌ای است برآن .

نام محشی درفهرست آستانه میرابوالفتح سیدمحمدبن ابی‌سعید حسینی معروف بتاج سعیدی (م ۹۵۰) شاگرد موسی‌بن محمدقاضی‌زاد رومی یادشده‌است و درست نیست

آغاز : الحمدلله علی تهذیب المنطق والکلام عن غیاهب الشکوک والاوهام ... هذه تعلیقات بل تحقیقات علی قسم المنطق من التهذیب وحاشیته المشهورین عندکل لبیب (ذریعه وفهرست آستانه)

آغاز در نسخه این کتابخانه : الحمدلله علی تهذیب المنطق والکلام والصلوة والسلام علی اعرف المعرفین بطریق الاسلام واله الحجج الموصلین الی کل مرام قوله هوالوصف بالجمیل آه الباء اماصلة للوصف (مانا نویسنده اندکی ازخطبه راکاست)

انجام : والیه‌الرجعی و حسن مآب (در نسخه آستانه این عبارات را میافزاید) انتقل من السواد الی البیاض فی شهر ربیع الاول سنة اثنتین وسبعین وتسعمأته.

پس تاریخ نگارش میرابوالفتح سال ۹۷۲ میباشد .

[۲۱]

۳۰۶ این نسخه بخط نستعلیق با عنوانهای شنگرف است و روی بسیاری ازسطور خط کشیده شده وگاهی هم بی‌نقطه است

(۱۲۳ برگ) ـ کاغذفرنگی ـ جلد مقوا

اندازه ۱۲٫۰×۲۰٫۵ و ۷×۱۲٫۵ س ۱۹

[۲۰] حاشیه برحاشیه برشرح مطالع‌الانوار [عربی]

حاشیه‌ایست ازقاضی‌زاده رومی موسی پسرقاضی ملامحمود دانشمندسده نهم برحاشیه میرسید شریف گرگانی (م ۸۱۶) بر دیباچه شرح قطب‌الدین رازی (م ۷۷۶) برمطالع‌الانوار سراج‌الدین محمود ارموی (م ۶۸۹)

آغاز : قوله‌الفیاض‌الوهاب عشیر الی انه شبه اولا موهبته

انجام : عماهوصا درعنه والفرق بین . هذا غایة‌التحقیق فی‌هذا المقام ونهایة‌التدقیق فی‌حل‌المرام‌والله الهادی‌الی‌سبیل‌الرشاد وملهم‌الصواب

[۲۲]

۱۰۳۳ این نسخه شماره نهم دفتری‌استکه چهارده رساله ازطوسی و حکیم محمد باقر و رازی پزشك و سلمی و کاشی ودیگران درآن‌آمده واین‌رساله بخط شکسته ریزدر برگهای۲٦ الف تا ۲۷ الف این دفترنوشته شده است درپایان این رساله نوشته است : لقاضی‌زاده رومی حشره‌الله مع‌من‌تیولاه

(همه‌دفتر۹۹برك) ــ کاغذ ترمه سپاهانی ـ جلدتیماج حنائی ضربی یك‌لا

اندازه۵ر۱۰×۱۹ و ۷×۵ر۱۴ س۱۵

[۲۱] حاشیه برشرح شمسیه [عربی]

این حاشیه‌تنها مربوط بآغازشرح قطب‌رازی برشمسیه دبیران قزوینی است و خرده گیریهاکه برآن شده و پاسخهاکه داده‌اند فراهم آورده است تا بآسانی دریابند ونگارنده آن پیدا نشدکه کیست

آغاز : الحمدلله الملهم بالتحقیق والمعلم‌بالصدق ... فانی اردت اجمع ما ... علی شرح الشمسیه‌المنسوب الی‌القطبیة من‌الایرادات والاجوبة حتی یکون تسهیلا للاستحضار

انجام : فلایردشئی من‌الاشکالات

[۲۳]

۸۸۳ این نسخه شماره پنجم و دربرگهای ۲۷ الف تا ۳۵ دفتری است که دارای شش رساله میباشد و نشانه‌های در دنبال (آداب مناظره) استرابادی یاد گردید این رساله بخط نسخ است از محمدعلی که روز سه‌شنبه ۱۰ج ۲سال ۱۳۰۱ آنرا نوشت

[۲۲] حاشیه برشرح‌فنادی (عربی)

این حاشیه ازعبدالرحیم است‌که برشرح فناری (محمدبن حمزه م ۸۳٤) نگاشته است،برمبحث جهت‌وحدت نه‌برهمه آن.

آغاز : بسمله . حمدلمنه . هوواجب الوجود و مفیض الخیروالجود

انجام : فی‌کل من‌التصوروالتصدیق فتأمل والله اعلم بالصواب

[٢٤]

این نسخه دردفتری نوشته شده که دارای شش رساله است و نخستین علم قوافی
٩٤٣ است از ابن جنی و دوم شرح ابیات الضوء وسوم این رساله وچهارم حاشیه بیتکاری و پنجم شرح ربع المجیب وششم شرح اشکال التاسیس . این رساله
٥ در برگهای ١٥ ب تا ٢٣ ب نوشته شده است خط دورساله نخستین تعلیق و نسخ است که در ١١٢٠ اسمعیل بن علی بن عثمان در ارز روم آنها را نوشت و این رساله بخط تعلیق با عنوانهای شنکرف میباشد و چهارمی را همین نویسنده در مدرسه فیضیه ارزروم درتاریخ ١١٢٢ نوشت و پنجمی را در رمضان ١١١٧ باز درهمانجا وششمی را نیز درهمانجا بسال ١١٢٢ نوشته است و این رساله‌هم باید درهمین تاریخها نوشته
١٠ شده باشد

(همه دفتر ٨٩ برگ) - کاغذفرنگی - جلد مقوا کناره آن تیماج
اندازه . ١٦×٢١ و ٦×١٦٫٥ س ٢٥

[٢٣] حاشیه شرح مطالع (عربی)

این حاشیه ازمیرسیدشریف گرگانی (م ٨١٦) متکلم و ادیب و فیلسوف
١٥ و عارف ایرانی است برشرح قطب رازی برمطالع الانوارقاضی سراج الدین محمود ارموی (م٦٨٩) و از آغاز کتاب است تا پایان فصل ششم درتعریف از باب دوم در کلی وجزئی ازبخش نخستین درمنطق ومیر آنرا هنگامیکه نزد مبارکشاه منطقی درس میخواند نوشته است این حاشیه درکنارشرح مطالع از ص١تا ص ٧١ در تهران چاپخانه آقاسیداسدالله بسال ١٣١٥ بچاپ رسید

٢٠ **آغاز** : قال وحیدزمانه تغمده‌الله بغفرانه: الحمدلله‌الفیاض‌ذوارف‌المعارف، الفیاض‌الوهاب من‌فاض‌الماء فیضا و فیضوضة اذا کثرحتی سال عن جانب‌الوادی

انجام : وهذا جار فی‌الذاتیات والعرضیات اذا کان افرادها محسوسة لامعقولة

[٢٥]

این نسخه بخط تعلیق بی‌نقطه است وبنابرعبارتی که درپایان نسخه دارد :
٨٥٨ (وقدتم‌الکتاب فی‌ثانی‌عشرشهررمضان سنة٩٨٧ سبع‌وثمانین وتسعمائه) بسال ٩٨٧ نوشته شده است .

(همه دفتر ۱۰۵ برگ) ـ کاغذ ترمه سپاهانی ـ جلد تیماج سرخ‌ضربی مقوائی فرسوده
اندازه : ۱۲×۲۰٫۵ و ۸٫۵×۱۴ س ۱۷

[۲٤] الحدود (رسالة فی...) (فارسی)

ارسطو دردفتر پنجم تامتاتافوسیکا یا ماوراءالطبیعه که بنام دلتا یا دال میباشد ٤١ مفهوم منطقی وفلسفی را تعریف کرد و آنها عبارت میباشند، از : «مبدء ـ علت عنصر — طبیعت — ضرورت — واحد — وجود — گوهر — عین وغیر ومخالف ومشابه ـ مناقض و مضاد ومخالف درنوع ـ مقدم ومؤخر — قوه و سزاوار وعدم‌قوه و ناسزاوار ـ کمیت — کیفیت — مضاف — کامل — حد - ازچه‌وبرای چه وچرا — وضع — حالت انفعال — فقدان — داشتن — پیدایش ـ جزء ـ کل ـ ناقص ـ جنس ـ خطا — عرض)[1] وی دراین دفترشالوده علم الهی را ریخته است و آن بمانند دیباچه‌ای است برای این‌علم و درنگارشهای دیگرخود مانند دفترهای ششم وهفتم ونهم و دهم الهی‌ونیز کتاب طبیعی و کون و فساد بدان بازگشت داده است و دیوگنوس‌لائرسیوس از این دفتریاد نمود بنام «معینهای گوناگون» و قفطی درتاریخ حکما شش کتاب درتحدید و حدود از ارسطو نام میبرد

این رساله بپارسی است که بارسطو نسبت داده شد و در آن ۱۱۵ پرسش اسکندر ازاو کرده و پاسخ گرفت . مانا این پرسش وپاسخها را ازکتابهای ارسطو گرفته ویکجا گرد آورده از آندوتن استاد وشاگرد دانستند . این پرشها از علم طبیعی والهی است

آغاز: بدانکه این چند فصل است اندر صد و پانزده مسئله که اسکندر از استاد خویش پرسیده . . . میگوید که پرسیدم از استاد خود که جوهرچیست گفت آنچه بذات خود قائم است

انجام : گفتم : یکی را اندرعیان نشانی هست ؟گفت ؛ دائره . گفتم : در اونشان هست ؟گفت : نقطه وپرگار از دائره .

---

۱ ـ دیده شود الهی ارسطو ترجمه فرانسوی Tricot .کتاب دلتا و نیز تفسیر مابعدالطبیعه ابن‌رشد چاپ بیروت سال ۱۹٤۲ کتاب دال

[٢٦]

٤٢٢ این نسخه شماره سوم دفتری‌استکه دارای رساله (اضحویه) نیزهست‌وبخط تعلیق وبسال ١٣١٥ نوشته شده است و ١٢ صفحه میباشد — این مجموعه با شماره ٤٣٤ یکجا تجلید گردید
(همه دفتر ٤٦+٣٨ برگ) — کاغذ فرنگی — جلد تیماج ساده تازه
اندازه : ١٦×٢١٫٥ و ١٢×١٦ س ٩

[٢٥] الحدود (رسالة فی ...) [عربی]

شیخ‌رئیس پورسینا دانشمند بزرگوارایرانی در مقاله چهارم فن برهان و مقاله پنجم فن جدل‌منطق و فصل ٧تا٩ مقاله پنجم الهی شفا از حد وتعریف گفتگو نمود و درکتاب نجات و ارجوزه منطق و اشارات ومنطق‌مشرقی نیز ازآن کاوش کرد مگراینکه درشفا ازارسطو پیروی نموده گفته‌ها و پژوهیده‌های او را آورد ولی درنگارشهای دیگر شالوده‌ای ریخت‌که متاخران مبحث قول شارح را روی آن نهاده‌اند دراین‌کتاب (حدود) ازدشواری تعریف یادکرد وعلل آنرا بطوبیقا بازگشت داد و یکباردیگرنیز درتعریف (حد) ازطوبیقای ارسطو نام برده است و در دیباچه میگوید‌که یاران از من درخواستندکه چیزهائی راکه میخواهند بآنان بشناسانم وبرای آنها تعریف‌کنم چون میدانستم‌که این‌کاردشواراست ولغزش‌پذیر سرباز زدم آنها نپذیرفتند و این‌کمك را از من خواستند که من لغزشگاه تحدید را برای آنان آشکاربدارم . شیخ پس ازدیباچه‌که درباره دشواری ولغزش‌تعریف آورد ٧٢ اصطلاح فلسفی ومنطقی را آورده وتعریف کرد[1]

این رساله در(تسع رسائل)درمصربسال ١٩٠٨(١٣٢٦) بچاپ رسید و آ.م. گواشن A.M. Goichon خاورشناس‌فرانسوی‌آنرا بفرانسه ترجمه‌کرده ودرپاریس‌بسال ١٩٣٣ بچاپ رسید

---

١ — درباره تعریف نزد پورسینا گواشن گفتاری داردکه در مجله قاهره La Revue du Caire شماره ١٤١ جلد ٢٧ سال ١٩٥١ ص ٩٤–١٠٦ بچاپ‌رسیده‌است

[۲۷]

۳۹۸ این نسخه شماره ۱ دفتری است که شرح خبر (العلم نقطه کثرها الجاهلون) از خواجه طوسی نیز در آن هست و در برگ ۱ب تا برگ ۱۲ الف نوشته شده و بخط نسخ با عنوانهای شنگرف میباشد و تاریخ آن ۲۵ ج ۱ سال ۱۰۰۶ میباشد

(۴۸ برگ) - کاغذ ترمهٔ سمرقندی — جلد تیماج مشکی

اندازه : ۱۲×۱۷٫۵ و ۷×۱۲ س ۱۸

[۲۸]

۱۰۲۲ این نسخه در دفتری است که دارای ۱٤ رساله و گفتار میباشد یکی مسائل مدنیات که مهنا بن سنان بن عبدالوهاب حسینی از علامه حلی پرسیده و پاسخ گرفته است و بخط سیدحیدر عارف آملی مورخ ۱۰ ع ۲ سال ۷٦۱ میباشد و فخر المحققین پسر علامه چندجا بخط خود تصدیق کرده است و اجازه‌ای که علامه حلی بمهنا داده درباره روایت کتابهای خود و ٥٤ کتاب خود را در آن برحسب تقسیم موضوعی آورده است بخط سید حیدر آملی مورخ ۱ ذی‌قعده ۷٦۲ در آن دیده میشود و آملی خود در اچنین نام میبرد: حیدر بن علی بن حیدر علوی حسینی آملی . این اجازه در جلد ۲۵ بحار مجلسی ص٥۲ بچاپ رسید

۲ ــ پرسش سید حیدر آملی از فخر المحققین در حله سیفیه بتاریخ پایان رجب ۷٥۹ در مسائل کلامی و فقهی. پرسش بخط آملی و پاسخها بخط فخر المحققین است

۳ـ رساله حج متمتع فخر المحققین بخط سیدحیدر که در حله در مدرسه صاحب الزمان نوشت

٤ - اجازه فخر المحققین بآملی در پایان ربیع ۱ سال ۷٦۱ که بخط فخر المحققین است و صحت انتساب (مسائل مدنیات) را در آن تصدیق نموده است (برگ ٦ الف)

٥ ــ معراج السلامه و منهاج الکرامه جمال الدین علی بن سلیمان بحرانی که در فلسفه خواهد آمد

٦ ـ التنبیه علی بعض الاسرار المودعة فی بعض سور القرآن از فخر رازی (٥٥٤ ـ ٦۰٦) که در ص ٦۷ـ۷۰ بخش ۱ این فهرست یاد گردید

رازی در فصل ۳ (معاد) این رباعی را از خیام میآورد : (دارنده چو ترکیب چنین خوب آراست ـ باز از چه سبب فکندش اندر کم و کاست ـ گر خوب نیامد این بنا عیب کراست ـ و رخوب آمد خرابی از بهر چراست) و میگوید بیشتر خردمندان چنین خرده گیر برا میکنند و جزدینداران نتوانند آنرا پاسخ گویند . درهمین‌جا (برگ ۱۰۱)

درهامش این رباعی خیام دیده میشود : «ترکیب پیاله کی درمی‌پیوست ـ بشکستن این روا نمیدارد مست ـ چندین سروپای‌نازنین و برو دست ـ ازبهر کی پیوست و زبهر کی شکست »

این یادآوری که یك متکلم ومفسر از یك فرزانه روشن‌اندیش آزاد میکند بسیار گرانبهاست و پس از کتابهای الزاجر للصغار عن معارضة الکبار دانشمند خوارزم زمخشری (٤٦٥-٥٣٨) وتتمه صوان‌الحکمه بیهقی (م٥٦٥) که پس‌از٥٤٨ نگاشته‌شده و چهارمقاله نظامی عروضی که میان ٥٥٠و٥٥١ نوشته شده باید آنرایکی‌ازسندهای سرگذشت خیام شمرد و پس ازهمه این‌ها استکه نجم‌الدین دایه رازی (م ٦٤٥) در مرصادالعباد (نوشته ٦٢٠) همان رباعی که امام فخرالدین رازی آورده است نقل نمود و پیداستکه این رباعی بسیارمشهورشده و اثرانتقادی آن شدید بوده است

٧ ـ عیون‌الحکمه فخررازی که خواهد آمد

٨ ـ پرسش وپاسخ گیلی وطوسی

٩ ـ رساله عقیده طوسی

١٠ ـ پرسش وپاسخ بحرانی وطوسی

١١ ـ پرسش وپاسخ قونوی وطوسی

١٢ ـ قضاء وقدرحسن بصری

١٣ ـ الرحمة فی‌اختلاف‌الامه گرگانی

همه این رساله‌ها بخط آملی است وبنسخ ریز با عنوانهای شنگرف‌جزرساله حدود پورسینا که مانا بخط دیگری است و بنسخ درشت‌تر و روشن‌تر مگر اینکه در فهرست آغازمجموعه بخط همین آملی نام(اصطلاحات‌الحکماء) ابوعلی‌برده شده‌است. درچندجا نوشته شده که آملی مقابله نموده است این مجموعه در ١٢٩٤ از آن کاظم حسینی عاملی بوده است و در ١٣٦٦ واقف محترم کتابخانه آنرا که ازکتابهای آقا ضیاءالدین نوری بوده است خرید

رساله حدود دربرگ ١٨٨ الف تابرك ١٩٥ ب این دفتراست وآغازوانجام را ندارد وآنچه هست برابر است با س ٧ ص ٧٥ تا س ٥ ص ص ١٠٨ نسخه‌چاپ‌مصر نشانه نسخه دربخش ١ این فهرست یادگردید

[٢٩]

١٠٥٣ این نسخه شماره ٤٣ دفتری‌است که دارای ٥١رساله است وازص ٣٨٦ تا ص ٣٨٦ تا ص ٣٩٣ میباشد وبخط تعلیق درشت وگویا همان شهاب‌الدین‌حسینی که در دیه فیض آباد خبیص در پنجشنبه ١٧ شعبان ١١٠٤ رساله شماره ٤١

(رساله عرفانی جامی) را نوشته همین را نوشته باشد وخط ایندویکی استواین مجموعه بخط او ومحمدناصرالدین میباشد و از۱۰۹۷ تا ۱۱۰۹ گرد آورده شده است دربخش ۱ این فهرست نشانه های آن یادگردید

[۳۰]

۱۰۷۹ این نسخه شماره ۲۵ دفتریست که دارای ۳۵رساله میباشد و رساله ۳٤ (اثباتواجب) بخط تعلیق استازمرادتفرشی که در۱۰٤۷ برای مولی محمد صالح کرامی نوشته است واین نسخه نیز بخط تعلیق و از ص ۱٤۵ تا ص ۱٦۰ میباشد

(همه دفتر۲۸۲)ـ کاغذ سپاهانی زرد — جلدتیماج سرخ ضربی مقوائی
اندازه : ۱۵×۳٦ و ۹×۱٦ س ۲۳

[۲٦] الحدود (رسالة فی...) (عربی)

نگارنده این رساله پنج کلی و ده مقوله را تعریف میکند و شاید این رساله از همان کسی باشدکه رساله (اصطلاحات جدل و خلاف) را نگاشته است و پیش از این یادگردید

آغاز: فائدة : العلم حصول صورةالشئی فی‌الذهن

انجام : انینفعل هوکونالشئی متاثراعن غیره . . . فهذه المقولات شاملة لجمیع‌الموجودات الخمسة

[۳۱]

۹۰۲ این نسخه رسالهٔ ۵ دفتری استکه دارای شش رساله میباشد و در دنبال رساله (اصطلاحات جدل وخلاف) نشانه‌های آن گفته شده استاین نسخه ازبرك ۱۵۵ ب تا ۱۵٦ ب میباشد وبخط تعلیق ریزاست .

[۲۷] حیرة الفضلاء فی حل شبهة جذرالاصم (عربی)

ارسطو درفصل ۹ کتاب عبارت ارغنون در مبحث تناقض قضایاء ممکن استقبالی و درفصل ۳ دفتر۱۱ الهی درمبحث امکان و استعداد باگروه مگارا مانند

اوبولیدس و دیودروس کـرونوس و فیلون مخالفت نموده است و این اوبولیدس در زمان افلاطون و ارسطومیزیسته ومیان آنها پیوسته جنگ وستیز بوده وگاهی کاربدشنام‌میکشیدوفیلون‌دیالکتیکی‌شاگرداوبوده‌استوفیلون‌هم‌ازبزرگان‌جدلیان گروه مگارا بشمار میآید وچند مغالطه ازاینها بیادگارمانده است مانند : (پوشیده شاخدار — نهفته — کچل — ارزن — پیدایش — دروغگو) مغالطه اخیرچنین است : کسی دروغ میگوید وسپس میگوید دروغ میگویم آیا راست گفته است یا دروغ چنانکه اپیمنیدس کریتسی گفته است : همه مردم کریتس‌دروغگویند آیاخودراست گفته یا دروغ ؟

این مغالطه بدانشمندان خاوری رسید و بدان شبهه جذراصم نام دادند وکتابها درحل آن نوشتند چنانکه‌افضل‌الدین محمدترکه درطوس برای‌شاگردان خود رسالهٔ بنام انموذج‌العلوم درحل مسائل دشوارنوشته و در آن از این شبهه‌که بشکل (کل‌کلامی کاذب) درآمده پاسخ گفته و فهرست نگار آنرا دیده است و صدرالدین دشتکی و دوانی هردورساله در رد یکدیگر درباره‌گشودن‌این مشکل نوشته‌اند و در آستانه طوس بشماره ۲۱۸ و۷۱۹ (ج ٤ ص ۳۷۹ وص ۳۸۰فهرست آنجا)هست وسیدداماد در الافق‌المبین نیزبحل آن‌پرداخت و درالذریعه‌بنام‌بسیاری از رساله‌هاکه دراین باره نوشته شده برمیخوریم

محقق خفری شمس‌الدین‌محمدبن‌احمد شاگرد صدرالدین‌محمددشتکی شیرازی و زنده در۹۳۲که ازفیلسوفان ومتکلمان بوده است دورساله در این باره دارد یکی عبرة الفضلاکه خواهدآمد و دیگری حیرةالفضلاء یا حل مالاینحل که در دومقصد است دریکی راه حلهائی که آورده‌اند یادکرده و از آنها خرده گیری نمود و در دومی‌که نیم‌این رساله است حلی کـه خود کرده است آورده وی از تفتازانی‌وسیدالمدققین‌وصاحب قسطاس وکاتبی‌یاد میکند وتاریخچه حل‌این مسئله ازاین رساله بخوبی‌بدست میآید

آغاز: بسمله‌الحمدلله رب‌العالمین . . فیقول‌الفقیر . . . محمدالخفری هذه رسالة فی‌بیان حل‌المغلطه المشهورة التی اعیت علماء الامصار

انجام :ولایخفی علیك الاجراء فی باقی التقریرات فلنختم الرسالة المسماة بحیرة الفضلاء بالحمد والصلوة فالحمدلله علی افضاله والصلوة علی محمد واله

[٣٢]

٨٦٨ این نسخه دردفتری است که دارای ٣ رساله‌است: انموذج العلوم دوانی دوم همین رساله که از ص ٨٦ است تا ص ١١٣ وبخط تعلیق باعنوانهای شنگرف وسومی تلخیص المفتاح جمشید کاشی است همه‌این رساله‌ها بیك خط ونخستین درتاریخ ١٠٢١ درسپاهان نوشته شده وسومی در روز سه‌شنبه ٢٨ ج ١ سال ١٠٢١ نوشته شده است

(همه دفتر ١٦٨ ص) کاغذ ترمه سمرقندی — جلد مقوا

اندازه : ٩×٥ر١٦ و ٥ر٤×١٢ س ١٦

[٣٨] رسالة بعض الافاضل الی علماء مدینة السلام (عربی)

درفهرست نگارشهای شیخ‌رئیس که ابن ابی‌اصیبعه در عیون‌الابناء فی‌طبقات الاطباء آورده است در ج ٢ ص ٢٠ س ٤—٦ دو رساله از شیخ بدین دو نام : « رسالة الی علماء بغداد یسألهم الانصاف بینه وبین رجل همدانی یدعی الحکمة » و«رساله‌الی‌صدیق‌یسأله‌الانصاف بینه و بین‌الهمدانی‌الذی یدی یدعی‌الحکمة» آمده است و درنامه دانشوران‌ج١ص٨-٨٢درسرگذشت‌شیخ‌الرئیس‌این‌رساله‌یادگردید: « جواب مسائل علماء بغداد که سئوال‌کرده بودند از کسی‌که در همدان مدعی حکمت بود» پس پیدا شدکه پورسینا چنین نگارشی دارد گرچه در نسخه این کتابخانه این رساله چنین نامیده شده : « رسالة‌بعض‌الافاضل الی علماءمدینة‌السلام فی‌مقولات‌الشیخ» وگویا شیخ نخواسته است نشان دهدکه این نگارش از اوست و ازخود بنام (مردی ازبخارا) دردیباچه یادکرده‌است ودرنامه دانشوران مینویسد که این رساله را شیخ درسپاهان نوشت . رساله دیگری هم درتاریخ حکماء قفطی (ص٢٧٢) وبیهقی (ص ١٨٨) و ابن‌ابی‌اصیبعه (ج٢ص١٩س٣٠) ازشیخ‌دانسته‌شده بدین نام : «رسالة فی‌ان‌علم زید غیرعلم عمر» و دراین نسخه‌ها هم‌این عبارت آمده است : «انسانیة‌کانت فی‌خیال زید واخری‌کانت فی‌خیال عمر» ولی بسیاردور است

که ایندورساله یکی باشند زیرا مسئله علم خود درفلسفه و کلام طرح میشده و برسر آن گفتگوها بوده است گرچه دومبحث وجود وعلم درمورد کلی طبیعی بایکدیگر بستگی دارند

باری در دیباچه این رساله میگوید : « درود برخواجگان دانشمند بغداد بدانید که مردی بخاری دانش را دوست داشته و آنچه میتوانست در اندوختن آن کوشید تااینکه گذارش باین شهرها افتاد وبه پیروان شما برخورد و آنان وبرا از دانشمندان بشمار آوردند واواز آنهاچیزهائی می‌شنید که بگفته‌های استادانش مانند بود تا اینکه بشهرهمدان رسید خواجه‌ای بزرگوار ونیکمرد و فرزانه ودانای همه دانشهای فلسفی و دینی در آنجا بدید که دانسته‌های وی با دانش پیشینان همانند نبود و میگفت که آنرا ازشما فراگرفته است ومن گفتار او وسخن خودم را در خرده گیریهاکه از او کرده‌ام برای شما فرستادم وی میگوید که در جهان هستی یك (مردمی) جداگانه‌ای هست که گاهی بر یخت این و گاهی بساخت آن درمیآید وخودبخود پایداراست وتنها ریختها و ساختهای آن دیگرگون میگردد ».

میدانیم که دراین دفترسخن از وجود کلی طبیعی میرود و خواجه همدانی مانابرأی افلاطون رفته است وشیخ که مشائی پیروارسطواست میخواهدآنرانپذیرد وهمدانی رانزد بغدادیان شرمنده سازد . اکنون ببینیم که خواجه همدانی کیست؟ میدانیم که شیخ درفصل ۱۲ مقاله ۱ فن ۱ منطق وفصل ۱ مقاله ٥ الهی شفا ازبودکلی گفتگو کرده ودرالهی شفااین شبهه وشك رابدستهٔ ازفیلسوف منشان بسته است واز آنها چنین تعبیر نمود: «طائفة ممن یتشحط فی التفلسف» ولی کسی رانام نبردمگراینکه دانشمند احمدبن زین العابدین عاملی شاگرد و داماد میرداماد (م میان ۱۰٥٤ و ۱۰٦۰) در حاشیه خود برشفا درهمین جا میگوید . « وفیه کنایة الی ابی القاسم الکرمانی » . از سرگذشت کرمانی جز آنچه که درقفطی و ابن ابی اصیبعه آمده است این راهم در بیهقی ص ۳۲ مینگریم که مردی دانشمند بوده ومیان او وشیخ رئیس گفتگوئی شده وکاربستیزه و دشنام کشید وشیخ اوراگفت که بمنطق کم می‌پردازی واو بشیخ گفت

توهم فریب میخوری وهم فریب میدهی و این گفتگو را شیخ بوزیر امین ابی‌سعد همدانی نوشته است و روزی کرمانی بشیخ گفته استکه حق روشن است و انصاف از میان نرفت چرا سخنان دیگران را خوار میداری تا گفته‌های خود را ثابت سازی .

باز درمباحثات شیخ می‌بینیم که یکی از پرسندگان همین کرمانی است و باز میبینیم ده پرسش است که همین کرمانی از شیخ کرده و پاسخ گرفت و در مجموعهٔ آثـار کیوان قزوینی درتهران بسال ۱۳۰۸ خورشیدی ص۱٦۲ — ۱۷۱ بچاپ رسید. نیز میدانیم که خرده گیریها که دانشمندان شیراز از « المختصر الاصغر فی المنطق » یا منطق نجات کرده‌اند نزد کرمانی فرستاده‌اند تا بشیخ برساند و پاسخ گیرد و دراینجا ابن ابی‌اصیبعه از گفته ابوعبید می‌نویسد که وی یار ابراهیم بن بابای دیلمی بوده و بعلم تناظر (یا بگفته قفطی. علم باطن) می‌پرداخت پس چنین بدست آمد که کرمانی با شیخ گفتگوها داشت وخرده گیریها از وی میکرد واگرسخن عاملی درست باشد همو است که این رای را داشته و سخنان او در نزد شیخ شگفت انگیز میآمد و شیخ دانشمندان بغداد را از گفته‌های وی که با آراء دانشمندان ناسازگار بوده‌است آگاه ساخت

آیا میشود که این مرد شیخ ابوالفرج باشد ؟ فهرست نگاران و سرگذشت نویسان از دو دانشمند یاد میکنند که درروزگار شیخ رئیس میزیستند و بنام ابوالفرج بوده اند یکی ابوالفرج بن ابی‌سعید یمامی که نزد شیخ میآمد و از گفته‌های وی بهره‌مند میشد وشیخ بپرسشهای وی پاسخ میگفت و از پرسشها و پاسخهای ایندو بنام (تعلیقات) یاد کرده‌اند و این ابوالفرج فرزند ابی‌سعید فضل پسر عیسی یمامی پزشکی دانشمند وفیلسوف بوده ومیان اووشیخ رئیس در پزشکی وجز آن گفتگوها شده است . درباره او کسی نگفت که چنین رای را داشت . دیگر ابوالفرج عبدالله بن الطیب ترسای بغدادی (م۴۳۵) که باشیخ گفتگوها داشت واورا آزارها کرد. وی در ٤۰٦ پزشك بیمارستان عضدی بوده و ازوی پزشکی میآموختند و بر کتب ارسطو شرحها نوشت

ابوالفرج گفتاری درباره نیروهای طبیعی دارد که شیخ‌رئیس در برابر آن رسالهٔ بنام (ابطال حجج رسالة ابی‌الفرج‌بن‌الطیب) نوشته و درباره او گفته است، «انه قدکان‌یقع علیناکتب یعملها ابوالفرج‌بن الطیب ادام الله عزه فی‌الطب و نجدها صحیحة مرضیة خلاف تصانیفه التی فی‌المنطق والطبیعیات ومایجری‌معها». شیخ پزشکی اورا می‌پسندد ولی از نگارشهای منطقی و طبیعی اونکوهش میکند. باز شیخ درباره نگارشهای او در (مباحث) میگوید که سزاواراست آنهارا بفروشنده آنها برگرداند.[1] رساله‌اقوای‌طبیعی ابوالفرج و رد شیخ هردو در همین کتابخانه دردفترشماره۱۰۷٤ هست. ابوالفرج رسالهٔ درعقل دارد که در دفتر شماره ۲۵۳ این کتابخانه هست واین عبارت در آن دیده میشود: «فاذا وصلت‌الیه (العقل) الحواس صورالاشخاص من‌خارج بتوسط القوة المتخیلة یسمی عقلا بالفعل منطبع بالاشخاص فاذا فصل‌العقل تلك‌الصور و استخرج الکلی‌فیها تسمی قوة ممیزة» و پیداستکه وی درست رای مشائیان دارد وکلی‌را گرفته ازصورتهای‌محسوس‌میداند نه موجود جداگانه درخارج، پس نمیتوان گفت که شیخ دراین نامه ابوالفرج‌بن الطیب را میخواهد رد کند

این نکته را نیز باید گفت که شیخ دراین نامه که بدانشمندان‌بغدادنوشت نمیگوید که آن دانشمند همدانی بوده وهمین اندازه میگوید که او را در همدان دیده است پس از این رهگذر اشکالی نیست که آن دانشمند کرمانی یا بغدادی باشد ولی باید جستجوی بیشتری کرد دید که چه کسی در آن روزگار چنین رای شگفت‌انگیز را داشته بود. گرچه عاملی دراینکه او را ابوالقاسم کرمانی دانست سندی نشان نداد ولی تا مدرك دیگری بدست نیاید سخن اوارزشی خواهدداشت

اکنون باید دید که‌جنگ وستیز ایندو بر سرچیست؟ ازاین‌رساله‌پیداستکه همه گفتگوهای شیخ ومرد همدانی دربارهٔ بودکلی طبیعی برروی این نکته‌استکه

۱ــ دیده‌شود بیهقی ص۲۷ــ۲۸ــ۱۸۹ وابن ابی‌اصیبعه‌ج۱ ص ۲۳۹-۲٤۰ وج۲ ص۲۰ و شهر زوری درتاریخ حکمانسخه شماره ۸۵٦ این کتابخانه برك ۱۲۵ الف‌وترجمه آن بشماره ٤۲۷ برك ۱۷۲ الف و قنواتی شماره ۱٤۵ و طریحی ص ۱۰۷ و ۱۱٦ و غنی ص ۸۳

آیا میشود یك چیز درچندجا باشد و بچندگونه درآید شیخ میگوید چنین چیزی نمیشود وپس‌ازشیخ هم‌حاشیه‌نگاران و شارحان و دانشمندان دودسته‌شدند برخی مانند محقق خوانساری درحاشیه الهی شفا درهمین مسئله میگوید: «آنچه راکه بتوان شمرد ویکی دانست درچندجانخواهد بود و بچندگونه درنخواهدآمد ولی چیزی‌که مانند (مردمی) شمردنی نباشد و درمعنی یکی‌باشد میتواند در چند فرد پیدا شود» بازمیگوید: «شیخ نتوانست اشکال را پاسخ‌گوید وگره مطلب را بگشاید وی نتوانست درباره‌کلی طبیعی بررسی‌کند وسخنانش پیوستگی ندارد وخود درشك است» و پیرزاده محمدرفیع شاگرد مولانا رجبعلی در (المعارف ـ الالهیه) میگوید: «کلی درجزئیات هست وطبیعت متکثر میتواند درچندجای‌باشد و چندین صفت ناسازگارپذیرد»

دانشمند ابوالحسن تنکابنی در(البضاعةالمزجیة)گوید: «کلی‌موجود واحد نوعی است ومیتواند درچندجا باشد وچندصفت پذیرد».

دسته دوم کسانی هستندکه‌کلی را موجود خارجی نمیدانندو روا نمیدارند که یکچیز دردوجا باشد یا دوصفت‌ناسازگارپذیرد وازآنها است ابن‌رشد اندلسی که درکتاب (مابعدالطبیعه) چاپ دکن بسال ۱۳۶۵ ص ۵۵ — ۶۰ و در (تفسیر مابعدالطبیعه) چاپ بیروت بسال ۱۹۴۲ جلد۲ ص ۹۷۶ — ۹۸۲ دراین‌باره گفتگو نمود.

بازمحقق سبزواری و دیگرانندکه بود یك‌چیز را درچندجا ودرآمدن آن بچند صفت را محال میدانند. خود شیخ در دانشنامه چنین میگوید. «تا قومی پنداشته‌اندکه یکی نفس است، که وی بعینه اندر زید واندرعمرو است... و اما نشایدکه بیرون‌نفس ووهم‌واندیشه یکی‌مردمی بعینه بود یایکی سیاهی بعینه‌،وی اندرهرچیزی ازمردمان و ازسیاهان موجود بود».

باز درنجات این عبارت دیده میشود: «انسانیه‌فی‌الوجود وهی‌بعینهامحمولة علی‌کل واحد .... فهذا غیرموجود ....»

بهمنیار آذربایگانی درتحصیل میگوید: «کلی در ذهن است و بس وگرنه

می‌باید یك فرد هم دانا وهم نادان باشد» .

سبزواری درحاشیه‌الهی‌شفا به‌پیروی ازشیخ‌این‌امررا محال میداندوسخنان خوانساری را رد میکند و درچندجـا باین نامه شیخ و مخالف او اشاره میکند و میگوید «ومذهب‌الشیخ انه لیست انسانیة واحدة موجودة یعرض له خصوصیات ـ الاشخاص ویزول مع بقائهابحالهاکماهورای بعض معاصریه وقد ذکرذلك‌فی‌مواضع وفصله فی‌رسالة انفدها الی دارالسلام»ـ«هذا رد علی من‌زعم‌ان‌انسانیةزیدوانسانیة عمرومعنی واحد . ... کماهورای جماعة کبعض معاصریه وغیرهم» ـ « و نقل‌الشیخ عن بعص معاصریه ان فی‌الوجود انسانیة واحدة ...» دراین‌جا اندکی‌ازعبارت‌همین نامه را میآورد وپیداستکه سبزواری نامه‌شیخ‌را دردست داشت ولی‌هیچ‌نمیگوید که آن مرد کیست

در رساله (وجود واجب) شماره ٨٤٩ همین کتابخانه (برگ ٦—٧) عبارتی ازخواجه‌طوسی دیده میشود که‌درپاسخ قونوی گفته است ودرپرسش‌وپاسخ آندو که درهمین‌کتابخانه هست (شماره ١٠٢٢ برگ ١٦٦ الف، پاسخ‌وپرسش ٣) آنرا می‌بینیم وخلاصه آن اینست : « معین برچندتاگفته نمیشود زیرا اگر درهمه باشد پس یکی‌نیست بلکه چند تا است .... بلکه اشتراك کلی بحمل است و آنهم عقلی‌است» باز درهمانجا ازشرح مفتاح‌الغیب شمس‌الدین فناری سخنی میآورد که خواجه را رد میکند ومیگوید : «یك چیزمیتواند چندصفت‌پذیرد. کلی رابا جزئی و دیده را با نادیده نباید سنجید و حقیقتهای همانند می‌توانند یك هستی داشته باشند» مانند این عبارت درشرح مفتاح‌الغیب چاپ تهران بسال ١٣٢٣ ص ١٨٤ دیده میشود

فیلسوف شیرازی درحاشیه شفا چنین می‌نگارد ؛ «گمازعمه بعض‌معاصریه ان‌المهیة من‌حیث هی‌واحدة فی‌الخارج قدعرض لها جمیع‌التشخصات الخارجیة ... حتی‌انسانیة زیدبعینها انسانیة عمرو» باز از پیشینیان ابوالعباس لوکـری فیلسوف خراسان‌دربیان‌الحق‌بضمان‌الصدق همان گفته‌های شیخ وبهمنیار رامیآوردوپذیرفتن یك‌چیزچندین عرض را محال میداند از دانشمندان اخیرفرزانه سبزواری است که

که درمنطق شرح منظومه چنین می‌نویسد :

« وقدصادف الشیخ فی مدینة همدان رجلا من العلما کبیر السن غریز المحاسن یقول ان الطبیعی موجودبوجود واحدعددی فی ضمن افراده» [۱]

نگارنده (المثل العقلیة الافلاطونیة) که پس‌ازمرگ عبدالرزاق کاشی م ۷۳۶ وگویا پیش‌از ۷۴۰ نگارش یافته باشد در راه سوم برای اثبات مثل گفتار ابن‌سینارا درمقاله ۵ فصل الهی شفا (ص۷ — ۴۸۶) میآورد و در برابر گفتهٔ او، « قدوقع منه الشبهة فی زماننا هذا الطائفة ممن یتشحط فی التفلسف» چنین میگوید: «وهذا الوجه لبعض معاصری الشیخ اورد علی سبیل القدح فی الحکمة لاعلی انه مثبت لوجود المثل وهودال علی وجودها» میگوید که این مرد از طرفداران مثل افلاطونی نیست ولی سخن او آنرا ثابت میکند. گویا نگارنده این کتاب نامه شیخ‌را ندیده وهمین اندازه استکه وی دردلیل دوم برای نبودن مثل بمبنای سخنان شیخ و مرد همدانی اشاره میکند ومیگوید : «ان الشئی الواحد وحدة عقلیه یجوزان یکون موصوفا بالصفات المتقابله معا » [۲]

از آنچه تاکنون گفته شد آشکار میگردد که این نامه چنانکه محقق سبزواری وحکیم سبزواری نشان‌داده‌اند ازپورسیناست واوهم بسیاربدین مطلب ارج می‌نهاد چنانکه درفصل ۱ مقاله ۵ و فصل ۲ مقاله ۷ الهی شفا بدان پرداخته‌است ومیرساند که سخن مرد همدانی در گروهی اثر کرده بودوشیخ میخواسته بطلان آنرا هویدا سازد

---

۱ — دیده شود الهی شفا چاپ تهران مقاله ۵ فصل ۱ ص ۷-۴۸۶ ونجات الهی مقاله ۱ فصل تحقیق کلی و تحصیل بهمنیار کتاب ۲ مقاله ۳ فصل کلی وجزئی و بیان الحق لوکری شماره ۲۵۰ این کتابخانه برگ ۱۸۶ تا ۱۸۸ (فصل ۲۵ مابعدالطبیعه) و دانشنامهٔ علائی آغاز علم برین دانستن کلی وجزئی و حاشیه شیرازی چاپ تهران ص ۱۸۸ حاشیه خوانساری شماره ۲۶۴ برگ ۱۲۴ ب و ۱۱۸ و ۱۱۹ و حاشیه سبزواری شماره ۲۴۳ برگهای ۱۱۳ تا ۱۲۴ و شرح منظومه چاپ تهران ۱۲۹۸ ص ۲۲ والمعارف الالهیه شماره ۲۹۰ برگ ۹۶ — ۱۰۲ و شرح وترجمه فارسی سپاهانی برشفا مقاله ۵ فصل ۱ شماره ۲۵۱ برگ ۱۸۲ ب از این کتابخانه

1 — دیده شود : المثل العقلیه الافلاطونیة چاپ بدوی در مصر بسال ۱۹۴۷ ص ۴۳ دیباچه وص ۲۹ و ۵۰

و بداشمندان بغداد می‌نویسد . که این مرد این رای‌شگفت‌انگیزرا ازشما میداند و دراین نامه وهمچنین درشفا و در دیگر کتابها دلائل او را میآورد و رد میکند

این هم گفته شود که پایه سخنان‌شیخ و ابن‌رشد دراین زمینه ازخود ارسطو است و این فیلسوف دردفتر ۷ (Z) الهی فصل ۱۳ و۱٤ ازکلی و مثال‌گفتگو نمود و دربند ۱۰۳۹ ب فصل ۱٤ گفته است : ٥

«اگر ذات حیوان در دوپا وچند پا باشد محال خواهد بود زیراکه صفتهای متضاد دریك‌زمان و دریك جوهر و دریك شخص فراهم خواهند آمد[1]

اینك آغاز و انجام رساله را میآوریم

آغاز: سلام‌الله علی مشائخ‌العلم والحکمة بمدینةالسلام مدالله فی اعمارکم و زاد فی‌الخیرات لدیکم... ان‌رجلا من‌اهل‌بخارا احب‌الفلسفة ... حتی بلغ مدینة همدان فصادف بها شیخاً کبیرا غریزا بمحاسن وافرالعلوم ١٠

انجام : فهذه صورة المسئلة التی جرت (بینی) وبین هذاالشیخ فی مذهب نفسه . مقالة انفذت الی مدینةالسلام فی‌یوم‌الجمعه . والحمد لواهب‌العقل‌والحیوة

[۳۳]

۳٦۷ این نسخه شماره سومی دفتری‌استکه دارای ٤رساله میباشد و ازروی دو نسخه‌ای که دردومجموعه شماره۱۲۱٦(برگ۱۱۲الف تابرك۱۱٤ب) وشماره ۲۹۱۲(برك ۲٦۸ تا برك ۲٦۹) مدرسه عالی‌سپهسالار تهران هست رونویس شده وباهر دوبرابر گردید وبجزاین دو نسخه درتهران کسی نسخه دیگر نشان نداده وقنواتی درفهرست خود هم نامی ازاین نبرد ١٥

این نسخه بخط نسخ تازه و ۲٦صفحه میباشد ٢٠

(همه‌دفتر۱۱۷ ص) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد مقوا

اندازه ۵ر۱۰ × ۱۷ و ۹ × ۱۲ س ۷

[۲۹] رساله فی تحقیق الکلیات (عربی)

ازقطب رازی فیلسوف ومنطقی نامورایرانی که دراین دفتر ازقواعد مربوط بکلیات پنجگانه منطق گفتگومیکند و درپنج فصل است و درهرفصلی یك قاعده ٢٥

۱ــ دیده‌شودترجمه فرانسوی الهی‌ارسطواز تریکو ج۱ص۲۹٦وتفسیرمابعد الطبعه ابن‌رشد ج۲ص۹۸۸ترجمه عربی‌در اینجا مانندیگرجاها بسیار نارسا میباشد وآمیختگی‌دارد

میباشد وپس ازاین فصلها یك‌خاتمه دارد در رد سه شبهه آنگاه یك‌وصیت است‌و رساله بپایان میرسد و این رساله درهامش شرح مطالع رازی درایران درچاپخانه سیداسدالله بوسیله محمدرحیم‌بن حاج محمدباقرخوانساری در ۱۳۱۵ بچاپ رسید و آغاز وانجام چاپی ونسخه خطی ما نزدیك بهم است و درنسخه ما عنوان فصل ندارد وتنها همان (القاعده‌الاولی ... والثانیه ...) آورده شده است

[۳٤]

۲۷۷ این‌نسخه بخط نسخ‌ازهمان عبدالواحد سیواسی نویسنده نسخه محاکمات قطب رازی است ومحاکمات شماره یکم واین رساله شماره دوم این مجموعه میباشد و ازبرك ۲۲٦ الف‌نا برك ۲۲۸ ب است وبرك‌آخرین آن‌ازبالاوصالی شده وچندسطری خوانده نمیشود ومحمدبن سدیدالدین‌اسنوی‌دمشقی درپایان مینویسد که این رساله استاد (ادام‌الله ایامه) را هم درپایان ع۲سال۷٦٤ مقابله نمودم

نشانه‌های نسخه درزیرعنوان محاکمات خواهدآمد

[۳۵]

۸۵٤ این نسخه شماره دوم دفتری است‌که شرح منازل‌السائرین نیز درآن هست وازبرك ٤۲ تا برك ٤٦ ب این دفتر که بخط تعلیق ریزدرمدرسه سلطانیه سمرقند درپنجشنبه ۲۰ شوال ۸۱۳ نوشته شده است

(۳۰۳ برك) ــ کاغذ ترمهٔ سمرقندی جلد تیماج‌زرد مقوائی

اندازه ۱۳×۱۷ و ۱۰×۱۳ س ۲۱

[۳۰] رسالة فی حل شبهة جذرالاصم (عربی)

پیش از این درشرح (حیرةالفضلاء) خفری‌گفته‌ایم‌که شبهه‌هائی درمیان دانشمندان مکارا رواج داشته و ارسطوبکشودن برخی از آنها پرداخته‌است. در کتاب مغالطه ارغنون و درفن مغالطه شفاکه‌گزیده ازآن است پاسخ برخی‌ازآنها و نیزشبهه‌های پارمنیدس و زنون و پروتاگوراس را می‌نگریم‌فارابی در (اوسط) بویژه در(مغالطه) بسیاری‌ازاینهارا آورده وگره‌گشائی‌کرد. درباره‌شبهه(دروغگو) که ازمکارا آمده است فارابی درشرح فن قیاس ارغنون ارسطو از این شبهه یاد

۹۳۶۵۳

میکند و بدین‌عبارت آنرا میآورد : (کل مانکلم به فهوباطل) [1]

این رساله نیز درگشودن این شبهه است و ازمحمدسراب پسرعبدالفتاح تنکابنی است . وی ازفیلسوفان بوده و درسالهای ۱۰۸۸ و ۱۱۰۶ میزیسته و این رساله را در میانه ماه جمادی یکم سال ۱۰۹۷ نوشته است . وی دراین رساله از نقدالتنزیل خواجه‌طوسی میآوردکه در آنجاگفته :

دراین قضیه (کل کلامی کاذب . هرچه میگویم دروغ است) خبر با مخبر عنه دوتا نیستند تا احتمال راست ودروغ در آن برود . باز مینویسدکه ابن‌کمونه دراینجاگفته است‌که : احتمال حکم براست یا دروغ بودن با این ناسازگار نیست که قضیه خودبخود نه راست باشد نه دروغ و خود تنکابنی درگشودن این شبهه چنین میگوید کـه خبرهای متداول یـا راست است یا دروغ و این قضیه و خبر استثنائی است

آغاز: الحمدلله رب‌العالمین . . . شبهة مشهودة بشبهة جذرالاصم تقریرها ان‌یقال اجتماع‌النقیضین واقع

انجام . قد عرفت مافیه من ان‌مانع‌الاتصاف مانع‌الامکان ایضا هذاماتیسر للعبد ... محمدبن‌عبدالفتاح‌التنکابنی فی‌حل هذه‌الشبهه حرره فی‌اواسط‌شهرجمادی الاولی من شهورسنة۱۰۹۷سبع وتسعین بعدالالف من حجرة خیرالبریةعلی‌هاجرها الف الف‌السلام‌والتحیه

[۳٦]

۸۸۸ این نسخه شماره ششم دفتری‌استکه دارای ۹ رساله است : اسطرلاب طوسی و آملی وهفت رساله ازهمین تنکابنی درفقه واصول وطبیعی والهی‌ومنطق . این رساله از برك ۹٦ ب تا ۹۹ الف میباشد و محمدبن حبیب‌گیلانی در ۱ ذی‌حجه۱۱۰۵درروزگارتنکابنی بخط‌نعلیق نوشته‌است وحاشیه (منه‌مدظله‌العالی)دارد.

(همه دفتر ۱۸۷ برك) کاغذ فرنگی . جلد نیماج سرخ ضربی

اندازه : ۱۴×۲۲ و ۶ر۵×۱۴ر۵ . س ۱۸

۱ـ دیده‌شود: نسخه شمارهٔ ۹٤۹ کتابخانه مجلس‌شورای‌ملی‌در تهران(بخشیده‌آقای طباطبائی) که‌شرح‌فن‌عبارت(برگ‌۱تا برگ۱۷۲)وشرح‌قیاس(برگ۱۷۳تا برگ۳۲۲)درآن هست‌و این شبهه در برگ ۲٤٦ آن آمده است

[۳۱] رساله وضعیه (عربی)

مسئله وضع الفاظ از روزگار باستان تاکنون مایه گفتگو و گیرودار فیلسوفان و ادیبان میباشد. نخستین بار دمکریتس یونانی گفته که لفظها را مردم وضع میکنند وشاگردش هرموگنس وضع الفاظ را اختیاری دانست ولی کراتولس وضع آنها را ذاتی و توقیفی پنداشت. افلاطون کتابی درمسئله الفاظ بنام کراتولس نوشته ودر آن رأی آندو را نپذیرفت و ارسطوهم بوضع بشری قائل شده و در آغاز عبارت از آن یادنمود و پیروان او نیز بدین رای بوده‌اند. این مسئله میان همه دانشمندان یونانی و اروپائی گفتگومیشده تااینکه امروزه در روانشناسی جائی برای خود باز نمود وکتابها در آن نوشته‌شد. دانشمندان خاوری ازفیلسوفان و ادیبان و اصولیان این بحث را از کتابهای افلاطون و ارسطو گرفته‌اند و برخی بپیروی از شاگردان هراکلیتوس که میگفته‌اند خدایان لفظها را بمردم داده اند وضع الفاظ را خدائی دانستند و دستهٔ وضع را ذاتی پنداشته‌اند و بیشتر آنها وضع تخصیصی یا تخصصی گفته‌اند وسیوطی در(المزهر) از وضع حکائی Onomatapé نیزیاد نمود که امروزه زبان‌شناسان اروپامیگویند و بنابر آن الفاظ مردم در آغاز گرفته‌از آوازهای طبیعی و نمایش آنهاست. مسئله وضع درکتب اصولی امروز نیز دیده میشود و بهترین رسالهٔ که درباره وضع اسم وحرف و تقسیم الفاظ موضوع نوشته شده‌رساله ایست کوتاه ازقاضی عضدالدین ایجی که بسیارمعروف میباشد.

آغاز: هذه رسالة افادتهاالمولی الاعظم عضدالمله والدین ... حیث قال هذه فائدة مشتمله علی‌مقدمة و تنبیه وتقسیم. المقدمه: اللفظ قدیوضع لشخص بعینه

انجام. بعضهامکان بعض اذاالمعتبرالوضع

[۳۷]

۸۸۳ این نسخه رساله چهارم دفتری است که دارای شش رساله میباشد و بخط نسخ محمدعلی است که در ۱۳۰۰ این رساله را نوشت و ازبرگ ۲۰ ب است تا برگ ۲۶ ب وحواشی دارد بتعلیق شکسته و درپایان آنها رمز (س سره) نوشته شده وگویا از میرسید شریف باشد که حاشیه براین رساله نگاشت نشانه نسخه دنبال (آداب‌البحث) ایجی یادگردید

[٣٢] شرح آداب البحث (عربی)

این شرح ازقاضی میرحسین بن معین‌الدین میبدی یزدی (م ٩١٠) است که بر (آداب البحث) سمرقندی نگاشته است و دراین شرح ازبهشتی یاد میکند(برگ ٤ الف) سمرقندی رساله خود را برای نجم‌الدین عبدالرحمن سمرقندی ساخت و چندتن برآن شرح نوشتند.

١ — قطب‌الدین گیلانی زنده در ٨٣٠ که‌شرح آمیخته‌وی درتاشکند بسال ١٨٩٤ بچاپ رسید

٢ — کمال‌الدین مسعود شیروانی رومی‌شاگرد شاه فتح‌الله زنده در سده نهم که آنهم شرحی آمیخته نوشته است

٣ ـ فاضل علاءالدین ابی‌العلا محمدبن احمد بهشتی فخرخراسان‌شرحی به (قال واقول) بنام (مآرب) نوشته است

٤ ـ ابی‌حامدکه شرح مبسوطی دارد

٥ ـ علامه شاسی‌که شرح آمیخته‌ای دارد

٦ ـ عبداللطیف‌بن‌المومن‌بن اسحاق‌بنام (کشف‌الابکار)

٧ ـ برهان‌الدین ابراهیم‌بن یوسف بلناری که شرحی به (قال و اقول) دارد[١]

آغاز متن : المنةلواهب‌العقل

آغاز شرح : الحمدلله‌الذی جعلنا باحثین عن ذاته ناظرین فی‌صفاته....

یقول... حسین‌بن‌معین‌المیبدی ...ان‌اشرح‌الرسالة‌المشهوره فی آداب‌البحث‌للمولی...

شمس‌الدین‌السمرقندی

انجام متن : وان‌یکن‌یلزم‌العلیة‌وبهایحصل‌المقصودکمامر

انجام‌شرح : فی‌الشق‌الاول‌من‌الترديد و هذامثال ثالث لماذکرنافی‌التنبیه الاول‌ولله‌الحمداولا و آخرا و باطنا وظاهرا

---

١ ـ دیده‌شود کشف الظنون — معجم‌المطبوعات

[٣٨]

این نسخه بخط تعلیق و متن بشنگرف است و عبداله بن شمس‌الدین بن
٤٢٩ نجم‌الدین درمحرم ٩٤٦ آنرا نوشته و درپایان چنین مینویسد : (منع عن
نقلها سائلامعلل نقضه ملازمه سنداللازمه الیقین و معارضه مناقض الدین
عبداله بن شمس‌الدین بن نجم‌الدین اواسط محرم ٩٤٦) وزیرمهر یکه زده‌شده عبارتی از
نویسنده هست که میرساندوی شیعی است و درست خوانده نمیشود

(٣٠ برگ) کاغذ ترمه سمرقندی -- جلد تیماج مشکی ساده
اندازه ١٣×١٩ و٥ر٧×١١ س ١٧

[٣٣] شرح آداب البحث (عربی)

یکی ازنگارشهای معروف در (آداب بحث) رساله‌ای است از شمس‌الدین
محمدبن اشرف سمرقندی (م نزدیک ٦٠٠) نگارنده (قسطاس‌المیزان) و(صحائف)
که درسه فصل است

١ ـ تعریفات ٢ـ ترتیب بحث ٣ ـ مسائلی که خود در آن آورده
است . این رساله را شرحها است یکی همین است که گویا از کمال‌الدین مسعود
شیروانی رومی (سده ٩) باشد و شرحی‌است آمیخته با متن .

آغاز: الحمدلله‌رب العالمین ... قال ... شمس‌الملة‌والدین محمدالسمرقندی
المنة علینامن من‌عدلواهب‌افضل‌النعم

انجام .کمافی‌الشق‌الاول من‌الترددالمذکور والله اعلم‌بالصواب

[٣٩]

این نسخه شمارهٔ سوم دفتری استکه دارای هفت رساله است و از برگ
٨٨٥ ١٦ب است تا برگ ٣٦ ب وبخط نسخ و درشهر امامیه درمدرسه‌چله‌خانه
در ١٠٩١ نوشته شده و روی متن خط کشیده است وحواشی دارد

(همه دفتر ١١٣ برگ) -- کاغذ فرنگی -- جلدتیماج مشکی ضربی
اندازه ٥ر١٥×٥ر٢١ و ٥ر٥×١٤ س ١٥

[٣٤] شرح آداب البحث (عربی)

قاضی‌عضدالدین عبدالرحمن ایجی (م ٧٥٦) متکلم نامور ایرانی در آداب

بحث رسالهٔ نگاشته که در شماره ۸۸۳ (۲) یاد گردید و مولانا محمد حنفی تبریزی مرده در بخارا نزدیك ۹۰۰ آنرا شرح نموده و در آن بحواشی میرسید شریف نگریسته است واین شرح آمیخته بامتن میباشد

آغاز: الحمدللهالعظیم حمدایلیق بذاته . الحمدلك جعل‌الله مخاطبا تنبیها علی‌القرب

انجام : وباالجمله‌الفرق‌لیس‌علی ماینبغی ولنختم‌الکلام علی‌هذاالقدر لئلا ینجر الی‌الملال‌اعلم‌ان‌الحواشی‌المنسوبة‌الی‌المحقق‌الشریف...لهذه‌الرسالة‌لمالاحظتها فی‌نسخ متعددة وجدت بعضها سقیما ولم‌یبق‌اعتمادعلیها لم‌التزم نقلها بل‌قررت‌الکلام علی وجه‌لاحظته ووقع‌تقریراتهاموافقا‌لتقریره... وبعضها غیرموافق‌له، .... فان‌وجدته حقا فاتبعه والافاصلحه فان‌اللهلایضیع اجرالمحسنین

[٤٠]

۸۸۳ این نسخه شماره سوم دفتریست که دارای ٦ رساله میباشد و در برگهای ۱۰ الف تا ۲۰ ب و بخط نسخ محمدعلی است که در رمضان ۱۳۰۰ آنرا نوشت و حواشی دارد بخط تعلیق شکسته

نشانه نسخه دردنبال (آداب البحث) استرابادی و ایجی یادگردید

[۳۵] **شرح آداب‌البحث** (عربی)

این‌کتاب شرحی است‌بررساله (آداب‌البحث) و (حسینیه) نام دارد و نگارنده شرح و متن دانسته نشد . این‌شرح بامتن آمیخته است

آغاز: یامن وفقنا لوظائف‌البحث وکلمه یامشترکة بین‌الاحوال‌الثلث

انجام : مع‌ان‌هذا اشنع وجوه‌الالزام وعلی‌اللهالتوکل‌والاعتصام

[٤١]

۸۸۵ این نسخه شماره چهارم دفتری است دارای هفت رساله و از برك ۳۹ب‌تابرك ۵۸ ب میباشد و بنسخ نوشته شده و مجدول بشنگرف است و روی متن خط سرخ‌کشیده وحواشی دارد . در پایان این نسخه نوشته شده : (تمت‌الحسینیه

فی‌سنهٔ احدی وستین و مأته والف فی‌رجب ۲۰) پس این نسخه در ۲۰ رجب ۱۱٦۱ نوشته شد

نشانه همه دفتر در دنبال شرح (آداب‌البحث) سمرقندی نوشته شد

[۳٦] شرح تهذیب‌المنطق (فارسی)

این شرحی است بر تهذیب المنطق تفازانی (م ۷۹۲) که ملا عبدالرزاق‌بن علی‌بن حسین گیلانی لاهیجی (م۱۰۷۲) متکلم فیلسوف شیعی بفارسی نوشته است

آغاز: الحمدلله الملهم‌الصواب...فیقول ... عبدالرزاق‌بن علی‌بن‌الحسین اللاهیجی .. .که این‌کلمه چنداست در شرح تهذیب‌المنطق

انجام . یعنی ذکرش مقاصد مناسبتی است از ذکرش درمقدمه . هذا آخر ما اردناایراده فی‌شرح هذاالمختصر والحمدلله الذی و فقنا للا تمام ... . برحمتک یا ارحم‌الراحمین

[٤۲]

۳۱۹ این نسخه بخط نسخ و روی متن خط سرخ کشیده شده و در ۱۰۹۹ عبدالواحدبن حاجی محمدامین شیرازی آنرا نوشت

(۸۷برگ)- کاغذ ترمه سمرقندی — جلدتیماج سرخ ساده

اندازه ۹×۱۹ و ٦×۱۲ س ۱۷

[۳۷] شرح تهذیب‌المنطق (فارسی)

شرحی است‌که مولوی عنایت‌الله هندی بر تهذیب‌المنطق سعدالدین مسعود هروی‌تفتازانی خراسانی (م ۷۹۲) نوشته است

آغاز: بك ثقتی...الحمد، حمد درلغت وصفی است‌بجمیل اختیاری برجهت تعظیم و تبجیل نه بطرین سخریه و استهزاء

انجام . وهذا بالمقاصد اشبه یعنی آنچه مذکورشد درثامن از رؤس ثمانیه بمقاصد اشبه است واین ظاهرشد ازبیان مذکوره

[٤٣]

این نسخه بخط تعلیق ومتن بشنگرف ودر نیمه روز یکشنبه بسال ۱۲۰۸ نوشته
۳٦٥ شده است وشرح از برك ۱ ب است تا برك ۷۷ ب و در برك ۱ الف چنین
نوشته شده ، «شرح تهذیب المنطق مولوی میا عنایت‌اله هندی من متملکاتی
۵ وانا العبد الاقل بن مرحوم مبرور نجم الملة والدین القندرهای عبداله الشهیر بحاجی آخند» در
برك ۷۷ ب دارد : «مالکه هبة الدین محمد اسمعیل ابن محمد عابد» در برك ۸۰ الف
عبارتی بی نقطه دارد که درست خوانده نشده و برخی از آن چنین است : «شرح تهذیب
میا عنایت‌اله ازیاران ... محمدشفیع مدرس که در مسجد محموری درس ... حواشی ملا
عبدالغفور...»

۱۰ در برك ۷۹ ب از (مختصر کتاب النفس) منسوب بارسطوچندسطری نوشته شده
و دراین کتابخانه چندین نسخه کامل ازآن هست

(۸۰ برك) — کاغذ ترمه سمرقندی — جلد مقوا
اندازه ۱۲×۱۹٫۵ و ۷٫۵×۱۲٫۵ س۱۸

[۳۸] شرح شمسیه (عربی)

۱۵ سعدالدین تفتازانی (م ۷۹۲) بدرخواست دوستان شمسیه دبیران قزوینی
را شرح نمود و درآن بشرح قطب رازی نگریسته آنچه را که می‌پنداشت رازی
نگفته است آورد وی این شرح را در روزگار رازی نگاشته است

شرح تفتازانی درآستانه بسال ۱۳۱۲ چاپ سنگی شده (معجم المطبوعات
ص ٦۳۷)

۲۰ [٤٤]

مقاله ۱ این نسخه بنسخ وبا عنوانهای شنگرف است و عبداللطیف بن ابی
۳۹۱ عبداله محمدالقاضی آنرا نوشت ومقاله ۲ آن بخط تعلیق وحیدربن اسمعیل بن
احمدالمختارالحسینی الحوروقی در روز چهارشنبه ششم رمضان سال ۹۲۷ آنرا
نوشته است

۲۵ (۱۲۰ برك) — کاغذ ترمه سمرقندی ـ جلد تیماج سبزساده
اندازه ۱۳×۱۸ و مقاله ۱ (۷٫۵×۱۲٫۵ س۱۹) ومقاله ۲ (۸×۱۲ س۱۷)

[۳۹] شرح گبری (فارسی)

میرسید شریف علی بن محمد گرگانی حنفی متکلم و فیلسوف عارف ادیب

ایرانی (م٨١٦) که شاگرد قطب رازی و استاد دوانی بوده است کتابی بفارسی بنام کبری در منطق دارد که بارها درایران بچاپ رسید وطلاب مدارس قدیم در آغاز کار آنرا میخوانده ومیخوانند

عصام الدین[1] ابراهیم بن محمد بن عربشاه اسفرائینی م ٩٤٣ دانشمند ادیب منطقی اشعری حنفی و شاگرد جامی شرحی بر کبرای گرگانی نوشته است

آغاز: . . . شریعت او متحیرند و به متابعت او مستظهرند چنین گوید خادم کمین اهل دانش و یقین ابراهیم بن محمد بن عربشاه الاسفرائینی معروف بعصام الدین که این فوائدی است ... برفارسی منطق ... سید شریف

انجام: وگفته اند که این قسم مجرد احتمال عقلی است ومعلوم نیست که در اقیسه یافت شود والله تعالی اعلم والحمدلله رب العالمین علی الاتمام والوصول الی المرام

[٤٥]

٤١٤ این نسخه بخط تعلیق شکسته و اندکی از آغاز را ندارد وشرحی است آمیخته با متن که روی آن خط سرخ کشیده شده

(٩٨ برگ) ـ کاغذ فرنگی — جلد تیماج سبز سادهٔ مقوائی

اندازه ١٠×١٥٫٥ و ٥×١١٫٥ س١٤

[٤٠] عبرة الفضلا فی حل شبهة جذر الاصم (عربی)

محقق خفری این رساله را در حل شبهه (دروغگو) که از نحله مگارا بدانشمندان خاوری رسید و بشبهه جذر اصم مشهور گردید نوشت و بدان نام عبرة الفضلا داده است و دراین رساله بحل دوانی اشاره میکند

آغاز: قد اجاب الحضرة الجلالية المحمدية حلت افادته عن هذه الشبهة بان قول القائل كل كلامي في هذه الساعة كاذب

انجام: فان صار هذا الجواب مقبولا عند العلما صار حقيقا بان يسمى عبرة الفضلاء

[٤٦]

این رساله شماره ۱۱ دفتری استکه دارای ۵۱ رساله است و بخط شکسته
۱۰۳۵ تعلیق ریز میباشد و با عنوانهای شنکرف و ازص ۱۱۰ تا ص۱۱۱ نشانه‌های نسخه در (بخش ۱ این فهرست) یادگردید

[٤١] فصول یضطرالیها عندالشروع فی‌المنطق (عربی)

این رساله را فارابی در ۵ فصل نگاشته و اندکی ازمطالب منطقی که پیش ازپرداختن بآن هنرشایسته است بدانند در آن آورد درفصل۱ میگویددرهرهنری باید بزبان همان هنر گفتگونمود و در۲ مبادی قیاس را برشمرد و در ۳ آشکار ساخت که دوچیز بچندگونه میشود با هم پیوندند و در ٤ اقسام تقدم را آورد و
۱۰ در ۵ که از همه فصلها درازتر است لفظ مفرد و مرکب و اسم و کلمه وادات را شناساند

متن عربی این رساله بخط عبری در پاریس بشماره ۳۰۳ هست و سه ترجمه عبری دارد ۱ـ ازموسی‌بن لادخیس‌یهودی ۲ـ ازصموئیل‌بن طبون ۳ـاز شالوم‌بن ایوب

آغاز. فصول یشتمل‌علی‌جمیع‌مایضطرالی‌معرفته من‌ارادالشروع فی‌صناعة
۱۵ المنطق من‌کلام‌المعلم‌الثانی ... الفارابی . قال هذه‌المقالة یشتمل علی‌خمسة‌فصول **انجام** . فاالقول‌الاول هوحدالحائط والثانی رسمه وکذلك الامر فی‌سائر الاشیاء

[٤٧]

این نسخه دردفتری است که چندین نگارش فلسفی و منطقی فارابی در آن
۲۴۵ نوشته شده واز برك ۱۰۷ ب تا برك ۱۱۰ الف و بخط نسخ خوش میباشد . نشانه‌های نسخه دردنبال (الاوسط) یادگردید

[٤٢] الفوائدالفنارية (شرح ایساغوجی) (عربی)

فرفوریوس صوری (۲۳۲ یا ۲۳۳ـ۳۰٤ م) رساله‌ای بنام ایساغوجی که

که دیباچه‌ای است بر ارغنون أرسطو نوشته و در آن از پنج کلی گفتگو نموده دانشمندان خاوری آنرا یکی از دفتر های ارغنون بشمار آورده و در آغاز کتابهای منطقی آنها مباحث فرفوریوس دیده میشود و ابی‌العباس احمدبن محمدبن مروان سرخسی کشته در ٢٨٦ و موفق‌الدین عبداللطیف بن یوسف بغدادی کتاب ایساغوجی نوشتند اثیرالدین ابهری رومی (م ٦٦٠) شاگرد فخر رازی که در روزگار زین‌الدین کشی وقطب‌الدین مصری خراسانی وافضل‌الدین خونجی مصری وشمس‌الدین خسروشاهی دمشقی میزیسته است و ازفیلسوفان ایران بشمار است رساله دارد درمنطق بروش متاخران که همهٔ بابهای این علم را در آن آورد و بدان نام (ایساغوجی) داده است و این رساله را دانشمندانی چندشرح کردند :

١ — حسام‌الدین حسن کاتی (م٧٦٠) به (قال و اقول) که نسخهٔ از آن در کتابخانه مجلس بشماره ١٢٧ (ج٢ فهرست ص ٦٦) و در کتابخانه آستانه طوس بشماره ١٣٣ (ج١فهرست فصل ٢ درمنطق ص٣٨) هست

٢ — شریف نورالدین علی‌بن ابـراهیم شیرازی شاگـرد میرسید شریف گرگانی (م ٨٦٢)

٣ — شیخ زکریابن محمدانصاری قاهری م ٩١٠

٤ — حکیم شاه محمدبن مبارك قزوینی م ٩٦٦

٥ — مصلح‌الدین مصطفی‌بن شعبان سروری م ٩٦٩

٦ — فاضل عبداللطیف عجمی که برای علاءالدین کیقباد نوشته است

٧ — شیخ‌شهاب‌الدین ابی‌العباس احمدبن محمد آمدی (شرحی است آمیخته ومبسوط)

٨ — خیرالدین تبلیسی به (قال و اقول)

٩ — عمادالدین یحیی‌بن علی فارسی که نسخهٔ ازشرح وی بشماره ١٣٨ در کتابخانه آستانه طوس (ج١ فهرست فصل‌منطق ص ٣٩) هست

١٠ — خیرالدین خضربن عمرعطوفی

١١ — محمدبن ابراهیم حنبلی حلبی

نورالدین علی‌بن‌محمد اشمونی ۹۰۰ م ایساغوجی ابهری را بنظم درآورد و عبدالرحمن‌بن‌سیدی‌محمد و شیخ ابراهیم شبستری ۹۲۰ م نیز آنرا بنظم درآورده، سپس آنرا شرح کردند[1]

شمس‌الدین محمدبن حمزه فناری (۷۵۱ ـ ۸۳٤) حکیم عارف و دانای علوم نقلی و از نزدیکان وشناختگان سلطان بایزید و نویسنده مصباح‌القدس درشرح مفتاح‌الانس قونوی نیزشرحی برایساغوجی ابهری نوشت و آن شرحی است دقیق که دریکروز آنرا بپایان رساند. نسخهٔ ازاین شرح درآستانه طوس بشماره۱۳۷ ج ۱ فهرست فصل منطق ص ۳۹) هست این شرح را درکشورعثمانی میخواندند و حاشیه‌ها وشرحها برآن نوشتند و درآستانه بسال ۱۲٦۸ و۱۳۰۹ بچاپ‌رسیدومتن ابهری در رم با ترجمه لاتینی‌بسال ۱٦۲۵ م ودرهند بسال ۱۲٦۸ و درمصرهفت‌بار از ۱۲۷۳ تا ۱۳۲۳ بچاپ رسید وخود ابهری هم براین‌کتاب شرحی نوشته‌به(قال و اقول) که درکانپور بسال ۱۲۹۳ و درلکناو بسال ۱۸٤۰ م و چندبار دیگر در هند چاپ شده است

[٤۸]

این نسخه‌از شرح‌فناری‌شماره۱دفتری استکه‌دارای٤رساله‌است‌واز برگ۱ب‌تا برگ۲۱ الف وبخط نعلیق ودر۱۰۲۵ ادهم‌بن فاضی بیك‌هرآبادی خلخالی آنرا نوشت

(همه دفتر ۹۱ برك) ـ کاغذ ترمه سماهانی ـ جلد تیماج ضربی در یکسوی

اندازه : ۱۱×۵٫۱۹ و ۵×۵٫۱۳ س ۱۹

[٤۳] المختصر الصغیر فی المنطق علی طریقة المتکلمین (عربی)

ابن ابی‌اصیبعه درعیون‌الانباء (ج ص ۱۳٤ س۱۹) درفهرست نگارشهای فارابی‌ازاین (مختصر) یاد میکند. فارابی این رساله را برای اینکه برساند منطق‌با دین سازگاراست نوشت و دردیباچه میگوید: ناگزیر نیستیم برای دریافتن‌سخنان ارسطوبمثالهای یونانی که او درنگارشهای خودآورد بنگریم بلکه قواعدی‌راکه‌او آورده است با مثالهای فقیهان ومتکلمان میتوان فراگرفت. پیش از فارابی محمد

۱ ـ دیده‌شود: کشف‌الظنون

زکریای رازی فیلسوف پزشك ایرانی (۲۵۱-۳۱۳) همین کار را کرده و رساله‌ای بنام (فی‌المنطق بالفاظ‌المتکلمین) نوشته است واین کار را فلاسفه از ترس دشمنان فلسفه میکرده‌اند . چنانکه فارابی رساله دیگری بنام (کلام جمعه من‌اقاویل‌النمی یشیرالی‌صناعة‌المنطق) نوشته است این‌رساله فارابی درده گفتاراست : ۱ — قضایا ۲ — تقابل قضایا ۳ — مبادی ٤ — قیاس جزمی ٥ - قیاس شرطی ٦ — خلف ۷ - قیاس مرکب ۸ - استقراء ۹ - تمثیل ۱۰ - قیاس فقهی - فارابی در پایان گفتار ٥ از(الاوسط) خود یاد میکند و در آغاز گفتار ۱۰ ازفصل ۲۳ کتاب ۲ قیاس ارغنون ارسطوعبارتی میآورد

آغاز : الف - القول‌الاول‌فی‌القضایا‌علی‌الاطلاق ... کتاب...الفارابی‌الذی‌خرج فیه ادلة‌المتکلمین و عبارات‌الفقهاء الی‌القیاسات المنطقیه علی مذاهب القدماء قال ابونصر نبین اولا کیف‌القیاس

انجام : فقدظهر کیف یرجع ... المقائیس‌الفقهیة الی‌مقائیس‌الاشکال الجزمیه فهذا منتهی غرضنا ... ولیکن هذاالموضع آخر کتابنا

[٤٩]

۲٤٥ این نسخه در دفتری استکه چندین نگارش فلسفی و منطقی فارابی در آن هست وبخط نسخ وار برگ ۱۱۰ ب تا برگ ۱۲۲ الف میباشد . نشانه آن دردنبال (الاوسط) یادگردید

(٤٤) مقولات عشر (فارسی)

ازخواجه طوسی است و همان نه فصل مقاله دوم اساس‌الاقتباس میباشد که درتهران بسال ۱۳۲٦ خورشیدی بچاپ رسید (ص٤۲ — ٥۹)

[٥٠]

۱۰۸۸ این نسخه شماره ۱۱ دفتری استکه دارای ۱٥ رساله و چندین گفتار میباشد و ازبرك ٦۳ب تا برك ۷٥ الف وبخط تعلیق وعنوانها نسخ‌است ومحمدعلی‌بن محمدیوسف آنرا نوشت و نام وی در پایان رساله شماره ۳ یادگردید

(همه دفتر ۹٥ برك) - کاغذ فرنگی - جلدتیماج سبز یك‌لا
اندازه . ٥ر۱۱ ٥ر۱٦ و ۸ . ٥ر۱۳ س‌ر۱٥

گفتار دوم

فلسفهٔ الهی و طبیعی

[٤٥] الابانة عن وحدانية الله (عربی)

این رساله ازابویوسف یعقوب‌بن اسحق کندی بغدادی (۱۸۸-۲۵۸ه = ۸۳۷م)[1] است این فیلسوف خاوری را تازی پنداشتند و فیلسوف عرب نامیدند ولی باینگونه نسب‌ها درسدهای نخستین اسلام چندان وثوقی نیست زیراخوی برخی از فرمانروایان تازی این بود که مردم را برده میگرفتند و نام خاندان خود را بنام نسب و لائی به بردگان خویش میدادند و در کتب رجال شیعی و سنی اینگونه نسب ولائی بسیار دیده میشود بویژه آنکه برخی کندی را یهودی و برخی نصرانی نومسلمان خواندند[1]. آنچه درست میدانیم اینستکه وی در بصره بزرگ گشته و در بغداد پرورده شد و ازفرهنك ایران ویونانی آن دوشهر برگرفت وی با دربارهٔ مأمون (۱۹۸-۲۱۸) ومعتصم (۲۱۸-۲۲۷) واحمدبن معتصم ومتوکل (۲۳۲-۲۴۷) شد آمد داشت ومیان او و ابی‌معشر بلخی (م۲۷۲) دشمنی بود و محمدبن موسی بن شاکر خوارزمی ستاره‌شناسی نیز باوی دشمنی داشت. این فیلسوف خاوری نگارشهای بسیاری داردکه برخی از آنها یافت میشود و چندتائی بچاپ رسید از آنها است همین رساله که محمد هادی ابوریده با سیزده رساله دیگر او درمصر بسال ۱۹۵۰ بچاپ رساند و سرگذشت اورا هم در دیباچه آورد واین رساله درص۲۰۱ تاص ۲۰۷ این چاپ دیده میشود. درآغاز این رساله درنسخه چاپی ازعلی‌بن جهم یاد شده است وی همان علی‌بن جهم‌بن بدربن جهم خراسانی شاعر دربارمتوکل۲۳۲-۲۴۷) است که در۲۴۹ بمرد و دوست ابوتمام بوده است ولی درنسخه مامحمدبن جهم یاد شد. کندی در این رساله بدلیل تطبیق تناهی جسم را ثابت میکند، سپس

۱ــ چنانکه جاحظ را نیز تازی پنداشتند ولی سید مرتضی علم‌الهدی (۳۵۵-۴۳۶) در امالی (ج۱ ص ۱۳۸ چاپ $\frac{۱۹۰۷}{۱۳۲۵}$ مصر) از وی چنین نام میبرد:

«جا حظ ابوعثمان عمرو بن بحر بن محبوب مولی لابی‌القلمس عمرو بن قلع الکنانی ثم‌الفقیمی» واز گفته اسفرائینی(م۴۷۱) درالتبصیر فی‌الدین (ص ۵۰ چاپ مصر $\frac{۱۹۴۰}{۱۳۵۹}$ پیداست که کعبی معتزلی بلخی (م ۳۱۷) او را از نژاد تازی پنداشت و از دودمان کنانه ولی خود اسفرائینی این رانمی‌پذیرد. نام‌نیای وی «محبوب» هم مانند کلمات «سهل» و«سعید» وجزانیها از نامهائی است که بیردگان میسازد

زمان را متناهی نشان میدهد و ازحدوث جهانی پی بآفریننده میبرد وی این‌رساله را برای پسر جهم نوشت. نسخه ما با نسخه چاپ شده اندکی فرق دارد. اینک آغاز وانجام رساله چنانکه درنسخه ما هست:

آغاز: رساله یعقوب بن اسحق الکندی الی محمدبن الجهم فی الابانة عن وحدانیة الله جل ثناؤه و عن تناهی جرم الکل وانه لایمکن ان یکون شئی بالفعل لانهایة له...

فهمت ماسئلت من وضع ماکنت سمعتنی اوضحه بالقول من وحدانیة الله

انجام: واقتنها لحیوة نفسك الزکیة واصبر نفسك علی اقتفاء آثارها الخفیة تقض بك الی سعة اقطار المعرفة والله اعلم

[۵۱]

۴۲۲ این نسخه رساله دوم دفتری استکه دارای چهار رساله میباشد و بخط تعلیق و نونویس است واین رساله ۸ صفحه میباشد

(همه دفتر۹۲ برك) وبا شماره ۴۳۴ یکجا تازه جلد شده — کاغذ فرنگی — جلد تیماج زرد ساده متوالی

اندازه: ۱۷×۵ر۲۱ و ۱۲×۱۶ س ۹

[۴۶] **ابطال تسلسل** (عربی)

این رساله ازنگارنده «قصص العلما» ملامحمد تنکابنی (م۱۳۰۲) است و در آن ازشبهه «دروغگو» که بنام جذراصم» مشهورشده است پاسخ میگوید و ازروی تعریف خبرباحتمال صدق وکذب تسلسل عالم و قدم آنرا باطل میسازد و حدوث آنرا ثابت میکند

آغاز: الحمدلله ... قال بعض الفضلا اعلم ان امتیاز الخبر عن نظائره من الکلام انما هوباحتمال الصدق والکذب

درهامش داردکه این فاضل اقارضی قزوینی است

انجام: وقد عرفت مافیه وظهر بماذکرته مافی قوله فظهربما قررنا الخ

[۵۲]

این نسخه شماره سوم دفتری استکه دارای سه رساله میباشد:

۱۳۶ ۱ ـ معارج دراصول فقه ازمحقق حلی (۱ ب ـ۵۲ الف)

۲ ـ تخلف ازسپاهیان اسامه (۵۳ـ۱۰۱ ب)

۳ ـ ابن رساله که از برگ ۱۰۲ الف تا برگ ۱۰۵ الف میباشد و بخط تعلیق است وهمه رساله‌ها بیك خط میباشند و در برك ۱ الف نوشته شده که این دفتر را محمدابراهیم‌بن محمدمعصوم حسینی برای خود نویساند وبسفارش سید مهدبن سیدابراهیم حسینی قزوینی بردانشجویان دینی در ج ۲ سال ۱۱۶۳ وقف گردید باین شرط که ازآن شهر بیرون نبرند

(همه‌دفتر۱۰۸برگ) ـ کاغذ ترمه سمرقندی ـ جلد ئیماج سرخ ساده یك لا اندازه : ۱۲٫۵×۱۹ و ۷٫۵×۱۴ س ۱۷

[۴۷] ابطال حجج ابن‌الطیب (رساله...) (عربی)

ابی‌الفرج عبدالله‌بن‌الطیب‌الجاثلیق پزشك‌فرزانه‌ترسای بغداد گفتاری‌درباره نیروهای‌طبیعی‌دارد دربرابر،شیخ‌رئیس‌ابوعلی‌سینا،این گفتاررادرخرده گیری‌ازسخنان اونگاشته و درآغاز میگوید: «ازنگارشهای ابوالفرج‌بن‌الطیب‌که خدای‌شکوهش را پاینده دارد آنچه‌که درپزشکی پرداخته است درست واستواروبدلخواه‌ماست مگراینکه نگارشهای منطقی و طبیعی وی‌ومانندآن چنین نیست[1] سخنانی از وی درباره نیروهای طبیعی بما رسیده‌کـه نه آنچه خواست در آن ثابت کند درخور پزشکان است و نه دلیلهائی که بر آن آورد درست میباشد مانا این سخنان را پیش ازاینکه پزشکی فرابگیرد فراهم آورده است» آنگاه شیخ‌رئیس‌بردگفته‌های ابوالفرج می‌پردازد و دراین‌گفتارازشفای‌خود یادمیکند» . ابوالفرج گفتارخویش را برای شیخ نگاشته و اوهم این رد را درپاسخ وی نگاشته است شیخ میگوید: « ما دلیلهای اورا سست نشان داده‌ایم گویا وی پزشکی نخوانده و اینها راگفت یا اینکه اینهاازسخنان زشت پزشکی‌اواست وهیچ‌کاوش و بررسی درآنها نکرد وی دراین‌گفتاربا اصول‌علمی ناسازگاری نمود .

---

۱ ـ ابن ابی‌اصیبعه درج۱ ص ۲۳۹ عیون‌الانباء تا اینجا را آورد و بیهقی‌درتتمه ص ۷۷ مینویسد : ابوعلی وی را بدمیگفت و نگارشهایش را نکوهش می‌نمود ودر«مباحث» میگوید که نگارشهایش را شایسته است بهمانکه فروخته است برگرداند . نیز دیده شود تاریخ‌حکماء شهر زوری نسخه شماره ۸۵ برك ۱۲۵ الف و ترجمه آن بشماره ۴۲۷ برك ۱۲۷ الف ازهمین کتابخانه

آغاز: ابطال حجج رسالة ابن الطیب ابی الفرج، المقدمة للشیخ الرئیس . انه کان قدیقع علینا کتب یعملها ابو الفرج بن الطیب ، ادام الله عزه ، فی الطب ، و نجدها صحیحة مرضیة ، خلاف تصانیفه التی فی المنطق والطبیعیات ومایجری معها ثم قدوقع الینا کلام له فی القوی الطبیعیه، مشتملة علی دعوی وعلی حجج

انجام: کانه لایعرف ان الحار بسوء مزاج خارة . . . فلنذکر هذا القدر هذا یسترح (؟!) والحمدلله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد والله الطاهرین

[۵۳]

این نسخه رساله نهم این دفتر و پس از رساله ابو الفرح در قوای طبیعی و در برگ ۱۳٤ الف تا ۱۳۸ الف نوشته شده و بخط نستعلیق ریز میباشد . در این دفتر رویهم ۱۸ رساله فلسفی و پزشکی است

۱۰۷٤

(همه دفتر ۲۳۲ برگ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج سرخ ضربی
اندازه . ۱۰٫۵×۲۰ و ۵٫۵×۱۴ س ۱۸

[٤۸] **ابطال الزمان الموهوم** (عربی)

افلاطون در کتاب تیمائوس بند ۳۸ میگوید : «زمان با آسمان هردو با هم آفریده شدند تا اینکه باهم از میان بروند، اگر نابود شدن آندو ناگزیر باشد. وزمان از روی نمونه طبیعت پایدار ساخته شده تا هر اندازه‌ای که میتواند مانند آن باشد، زیرا آن نمونه (خدا یا هستی زنده) همیشه پایدار هست ولی آسمان بوده است و تا زمان هست خواهد بود» [۱]

---

۱ ــ دیده شود ترجمه فرانسوی از Emile chambry ص ٤٦۹ ج ۵ از دوره کتب افلاطون چاپ پاریس بسال ۱۹۳۹ ــ درباره زمان نگاه کنید به ترجمه سماع طبیعی ارسطو بفرانسه از Henri Cateron ج ۲ ص ٤۰۳-۱ چاپ پاریس ۱۹۳۱ و ترجمه انگلیسی آن از Hardie و Gaye جلد دوم دوره کتب ارسطو چاپ اکسفورد بسال ۱۹۳۰ ص ۲۵۱: درباره زمان همه کس بجزیکی ، گویا میگویند که نیافریدنی است و دمکریتس گوید ناروا است همه آفریدنی باشند مگر اینکه زمان نیافریدنی است تنها پلاتون است که زمان را آفریده پنداشت وی زمان را با آسمان آفریده پنداشت و آسمان نزد او آفریده شده میباشد. و نیز شفای شیخ رئیس فصل ۱۰ تا ۱۳ مقاله ۲ فن ۱ طبیعی ص ٦۸ تا ۸۱ چاپ تهران والزمان الوجودی از عبد الرحمن بدوی چاپ مصر ۱۹٤۸ ص ٤۸ و پس از آن و دو کتاب افلاطون (ص ۲-۱۹۱ چاپ مصر ۱۹٤٤ و ارسطو (ص ۲۱۷ ــ ۲۲۱ چاپ مصر ۱۹٤٤) از همو و معتبر بغدادی چاپ دکن ج ۲ (طبیعی) بسال ۱۳۵۷ ص ٦۹-۹۰

ارسطو در کتاب سماع طبیعی (مقاله۸ بند ب ص ۲۵۱ س۱۷-۲۰) ازاین گفتار چنین دریافت که زمان نزد افلاطون آفریده است ولی خود او در بند ۳۷ تیمائوس بازمیگوید که: «آفریننده، جهان جنبنده زنده را مانند خود کرده و کوشید که آنرا تا اندازه‌ای که میشاید همیشگی و پایدار سازد ... وی اندیشید که پیکر جنبنده‌ای ازابدیت بیافریند وهمینکه آسمان را سامانی داد ازابدیت پایدار در وحدت این پیکر همیشگی‌را که از روی شمار پیش میرود، بیافرید وهمین‌است که‌ما آن‌را زمان می‌نامیم»[1]

از این سخنان افلاطون پیداستکه وی زمان را نمونه‌ای از همیشگی و پایندگی آفریننده می‌پندارد شاید ازاینجا باشد که متکلمان معتزلی و اشعری زمان موهومی پنداشتند و ابی‌البرکات زمان را اندازه هستی دانست[2]

سید داماد استرابادی سپاهانی فیلسوف روزگارصفویان درمسئله حدوث جهان رای تازه‌ای آورد و گفت که میان گیتی و آفریننده او نیستی‌بود که‌ازهر گونه کشش بیگانگی داشت نه‌اینکه کشش و امتداد موهومی پیش‌ازپیدایش گیتی بوده است چنانکه متکلمان پابند سنت پنداشته‌اند. داماد در صراط مستقیم و افق مبین وقبسات‌ازهمین‌مسئله گفتگو نموده وبدان عنوان حدوث دهری داده است. وی در رساله «مذهب ارسطاطالیس» برخلاف فارابی در رساله جمع بین رایین میگوید سخنان ارسطو دراین باره‌با هم‌سازگار نیست و گشودن‌رازاین مطلب‌را از آن خود میداند. مانادامادا فلسفه خود را روی همین حدوث دهری که بسیار بجستن آن مینازد نهاده وباید هم گفت که وی داد سخن را در این زمینه داده است.

پس از وی شاگردش فیلسوف شیرازی صدرالدین محمدچندان بحدوث دهری‌ارجی ننهاد وخودهمه هستیهای مادی را جنبنده‌دانست و گفت که‌چون گوهر همه چیزها در جنبش بوده و زمانی میباشد پس سراسرجهان حادث زمانی خواهد

---

۱ — دیده شود ص ٤٦٨ همان ترجمه

۲ — دیده شود قبسات سیدداماد ص ۸ و ۲۲-۲۳ چاپ تهران ۱۳۱۵ و داماد این سخن بغدادی‌را ازمطارحات سهروردی‌میآورد

بود بجز جهان عقل مجرد که پرتوی است ازخدای وچندان جدائی ازجهان خدائی ندارد و نتوان گفت که حادث میباشد . این هم ناگفته نماند که بیشتر فلاسفه پیروی از ارسطو نموده برای زمان آغازی نپنداشتندوشیخ رئیس درشفا ودررساله «الحکومة فی حجج المثبتین للماضی مبدأ زمانیا» ازاین مطلب کاوش نموده و دراین رساله دلائل فیلسوفان مشائی رابساخت قیاسهای منطقی در آورد . شیخ رئیس دلیلهای متکلمان را نمی‌پذیرد. وازآنها خرده میگیرد بازشیخ در « المبد والمعاد» هم بگشودن این مشکل میپردازد. از متاخران شیخ حسین‌بن ابراهیم تنکابنی بسال ۱۲۱۹ رساله کوتاهی در اثبات حدوث واقعی جهان نگاشته و در آن گفته که نارواست زمان موهومی ازهمیشگی و پایداری خداوند انتزاع نمود و جهان را برپایه آن حادث زمانی دانست . این رساله درهامش مشاعر رعرشیه ملاصدرا درتهران بسال ۱۳۱۵ بچاپ رسید .

دانشمند جمال‌الدین خوانساری (م۱۱۲۵) درحاشیه‌ای که برحاشیه خفری برالهیات تجرید نگاشته (نسخه شماره ۱ر۳۰۸ همین کتابخانه) عبارتی از قبسات سیدداماد که درص ۳ — ۲۲ چاپ تهران دیده میشود آورد . وازآن خرده گرفت و درپایان گفته‌استکه حدوث جهان باین چیزها درست نمیشود وباید دید که شرع دراین‌باره چه میگوید ؟ اگربآنچه‌ازبرخی‌اخبار برمیآیدپابندباشیم بایدچیزی‌دراین باره نگفت تا خدای گشایشی دهد.[1] خوانسای در این رساله تنها میخواهد دلائل داماد را بی پایه نشان دهد .

مولی محمد اسمعیل‌بن محمد حسین‌بن محمد رضابن علاءالدین محمد مازندرانی سپاهانی خواجوئی که در کوی خواجوی سپاهان می‌نشست و در ۱۱ شعبان ۱۱۷۳ از اینجهان درگذشت . بسخنان خوانساری برخورد و خواست از خرده گیریها که وی‌ازداماد کرده‌است پاسخ گویدواین‌رساله «ابطال‌الزمان‌الموهوم» را نوشت وی در آغاز ازخود بنام «محمداسمعیل‌بن حسین مازندرانی» یاد میکند ومیگوید : چون دیدم‌دلیلی که داماد‌برای ابطال زمان موهوم آورد درست‌میباشد،

۱— دیده شود برگهای ۲۵ الف تا ۲۹ الف رساله یکم شماره ۳۰۸ این کتابخانه

مگر اینکه برخی از آن خرده گیریها کرده اند، خواستم راه درست و استوار را بنمایانم و در آشکارساختن آن خود راه بیداد نپویم آنگاه سخنان دامادوخوانساری را بندببند میآورد سپس خود بررسی و کاوش میکند و تا پایان بهمین روش پیش میرود . وی میگوید که آقا حسین خوانساری پدرجمال الدین خوانساری گفت : اشعریان پنداشتند که پیش ازپیدایش جهان زمان موهومی بوده است ولی متکلمان دانشمند واز میان آنها خواجه طوسی چنین زمان موهوم را نپسندیدند . (برگ ۱۱۵ ب این نسخه)

درباره یکی از خرده گیریهای جمال الدین مینگارد که وی این را از «بهجة الدارین» نگارش «مولی محمدطاهربن محمد حسین قمی» گرفته است و او میگفت که پیش ازجهان امتدادی بود نامتناهی (برگ ۱۲۰ الف) . این دانشمند شیرازی وشیخ الاسلام قم بود و در۱۰۹۸ بمرد . دانشمند مازندرانی این رساله را پس ازمرگ جمال الدین نگاشته است

این راهم باید گفت که یکی ازشاگردان آقاحسین خوانساری بنام شیخ علی فراهانی کمره‌ای که به «آقاشیخ» نامبردار بوده و درکاشان میزیسته و در همانجا در هزار وصد واندی درگذشت رساله در حدوث زمانی جهان نگاشته و هشتصد حدیث در آن گـواه آورد [۱] .

آغاز : بعد حمدالله المتفرد بالقدم والازلیة ... یقول . . . محمدبن الحسین المدعو باسماعیل المازندرانی

انجام : وارشدنا الی مافیه صلاحنا فی البدایة والنهایة ... والحمدلله اولا و آخرا

[٥٤]

۳۰۸ این نسخه شماره دوم دفتری استکه شماره یکم آن حاشیه نامبرده جمال الدین خوانساری است وازبرك ۱۰۱ (ب) تا برك ۱۲۷ (الف) میباشد وبخط نسخ روشن نوشته شده ودرپایان آن دارد :(قدتمت هذه الرسالة الجلیله من تصنیفات...

۱ — دیده شود ذریعه ج ۳ ص ۱۶۲ و ج ۱ ص ۶۸—۶۹ و ۸۸ — ۸۹ . این رساله ما رد برمیرداماد نیست چنانکه در ذریعه آمده بلکه تایید اواست و رد برجمال الدین

مولانا محمد اسمعیل المازندرانی بعون‌اله تعالی سنة ۱۱۹۷) پس این نسخه درسال ۱۱۹۷
۲٤ سال پس‌ازمرك نگارنده نوشته شده

(همه دفتر ۱۴۷ برك) ـ کاغذفرنگی ـ جلد تیماج سرخ‌ضربی
اندازه: ۱۴× ۲۱ و ۷×۱۴ س ۱۷

[٤۹] اتصاف الماهیة بالوجود (رسالة فی...) (عربی)

یکی از مباحث مهم فلسفی مبحث هستی است و ریشه آنرا در سخنان فرزانگان باستانی مانند میلیسوس وافلاطون وارسطاطالیس ومانند آنهاباید جست فارابی در «رسالة الحروف» و شیخ‌رئیس در شفا وتعلیقات ازهستی و وجود گفتگو کردند پس‌ازایندو ابی‌البرکات بغدادی در «المعتبر» و شیخ اشراقی سهروردی در نگارشهای خود از بود و نبود هستی سخن راندند. سهروردی ماهیت را اصیل پنداشته هستی‌را اعتباری دانست. سیدداماد به‌پیروی ازاودر «افق مبین» و «قبسات» هستی را موجود ندانست پس‌ازوی شاگردش صدرالدین محمدبن ابراهیم‌بن‌یحیی شیرازی قوامی م ۱۰۵۰ بپیروی ازمشائیان وعارفان مانند قونوی و دیگران هستی را اصیل دانست وی‌چنانکه در آغاز «مشاعر» مینگارد گشایش بسیاری‌ازمسئله‌های دشوارفلسفی‌را برپایه اصالت وجود میگذارد. فرزانه شیرازی چنانکه درمشعر ٦ فاتحه کتاب «مشاعر» مینویسددر آغاز کارماهیت‌را اصیل‌میدانست‌سپس‌از آن‌برگشت وهستی راا‌صیل پنداست (ص٤٥ چاپ‌تهران‌بسال۱۳۱۵) وی‌درهمین «مشاعر» و «شواهد ربوبی» و «اسفار» دراین‌زمینه‌دادسخن‌داده‌وهرچه‌میبایست گفت‌تابجائیکه فیلسوفان پس‌ازاوهمه‌دراین‌مسئله‌ازوی‌پیروی کردند. فرزانه‌شیرازی این‌رساله «اتصاف‌الماهیته بالوجود» رادرباره‌پیوستگی‌هستی‌وچیستی‌باوجودوماهیت‌نگاشته‌است‌ومیخواهد بمشکلی که‌درباره‌حمل‌هستی‌برچیستی‌پیش‌میآید پاسخ گویدو آن‌اینست که‌میگوئیم:

(سنك هست) وثبوت چیزی برای چیزدیگر آنگاه رواست که خود آن چیز باشد وماهیت هستی دیگری ندارد بجزهمین هستی‌که برآن حمل میگردد پس بایدیا این قاعده روشن عقلی رانپذیریم ویااینکه نگوئیم‌چیزی هست. دراینجا دانشمندان مانند دوانی و دیگران راههائی برای گشایش این دشواری پیشنهاد کرده‌اند. شیرازی همه را یاد میکند ونمی‌پسندد وخود از سه راهی که نشان میدهد سومین

را بهترازهمه می‌پنداردکه اگر درست بنگریم چیستی برهستی و ماهیت بروجود حمل میشود نه اینکه وجود برماهیت بارگردد واین راه برپایه اصیل بودن‌هستی میباشدشیرازی دراین رساله از «اسفار» خود یاد میکند وبدان بازگشت میدهد

این رساله نخستین بار درایران درکارخانه آقامیرزا عباس ، بسال ۱۳۰۲ باهشت‌رساله‌دیگرشیرازی(ازص۱۱۰تا ۱۱۹) بچاپ‌رسید وباردیگردرکنارِرساله « تصور وتصدیق » همودنبال « الجوهرالنضید » علامه حلی در تهران بسال ۱۳۱۱ چاپ شد

[۵۵]

این نسخه شماره سوم دفتری است که دارای پنج‌رساله درتفسیروعرفان وفلسفه میباشد وچهارم‌آن «رسالةفی‌فهم‌متشابهات‌القرآن» فیلسوف شیرازی است که در ص ۱۹٤ بخش ۱ این فهرست شناسانده شد . این رساله بخط تعلیق و ازبرگ ٤۳ (الف) تا برگ ۵۰ (ب) این دفتر میباشد نشانه دفتر در بخش ۱ ص ۱۹٤ این فهرست یادگردید و این رساله بخط همان محمد علی کرمانشاهی است که رساله یکم این دفتر را نوشت

[۵۰] اثبات‌العقول (عربی)

این رساله‌ازشیخ‌رئیس‌است که‌در آن‌نخست‌خدارااثبات‌میکندوسپس‌برای گشایش مسئله دشوارپیدایش چندین آفریده ازخدای یگانه خردها و عقول را میانجی میسازد تا اینکه بعقل فعال میرسد و رشته آفرینش را بمردمی میرساند آنگاه از روی نیازمردم‌بآئین و دادگستری بودپیامبردارای اعجازرا ناگزیرمیداند و ستایش ونیایش خدا و پرده‌پوشی زنان را ازکارهائی بشمار میآوردکه پیامبران دستورمیدهند . بازمیگویدکه پیامبران قانونهای‌کلی میآورند وامورجزئی‌باندیشه و دانش مجتهدان برگذار شده است و پاداش و کیفرتن از روی تخیل و پیوستن بجرمهای آسمانی نیست بلکه جان‌های نیکوکاران همین‌که بآن جرمها بپیوندند روی تخیل وپندار مستقلی‌که دارند چیزهائی را درمی‌یابندکه هیچ چشمی ندیده وهیچ‌گوشی نشنیده است . این سخنان را شیخ درپایان الهی شفا نیزآورد ودلیلی

که برای ناگزیربودن ازپیامبران یادکرده همان است که پس از شیخ فرزانگـان خاوری یاد نموده‌اند و پایه و ریشهٔ آن سخن ارسطو است که گفته است مردمان بطبع اجتماعی وشهرنشین میباشند وهمین دلیل را ابن‌خلدون درمقدمه خویش در کتاب ۱ باب ۱ مقدمه۱ (ص ۴۳ـ۴۴ چاپ معرب مصر) ناتمام دانست و گفت که اجتماع بشری بابودپیامبر بستگی نداشته و ندارد و ناگزیربودن ازپیروی آنهاسمعی است نه عقلی چنانکه پیشینیان گفته‌اند . درباره خردها وعقول که شیخ آنهارامیان آفریننده و آفریدگان میانجی میسازد باید گفت که ازنگارشهای ارسطو بویژه‌فصل هشتم دفتر لاندا (لام) از الهی گرفته است و ارسطو دراین فصل که ثامسطیوس و شیخ‌رئیس و ابن‌رشد آنراشرح کردند[1] ازعقول آسمانها گفتگو کرده و آنهارامیان نخستین‌جنباننده وجنبندگان نهاده‌است .

درباره اثبات نبوت از روی مدنیت طبیعی انسان چنانکه گفته شد شیخ در پایان الهی‌شفا (فصل ۲ مقاله ۱۱) باین‌گونه استدلال پرداخت و گفت کـه مردم ناگزیرند گرد هم آیند و شهر بنشینند ویکدیگررایارباشند واین‌همکاری‌وبیوستگی خواهان آئین وداد است و آئین گذارهم ازسوی خدای باید باشد که همان پیامبر خواهد بود پیداست که‌شیخ‌دراینجا از(آراء مدینه‌فاضله) و(سیاست) و(شرح‌رساله زنیون) فارابی گرفته است و ریشه سخنان اوهم گفتارافلاطون و ارسطومیباشد چه افلاطون درجمهوری آئین گذار را چنان‌نشان‌میدهد که درست با پیامبر و پیشوای دینی یکی میگردد و ارسطو در اخلاق نیقوماخوس و سیاست و جدل و ارغنون روشن میسازد که مردمی ناگزیر است که باهمکاری و شهرنشینی زیست کنند این سخن را ارسطوسه بار در اخلاق (ك۱ف ۷ بند ۱۱،۶ ، 1097 b ـ ك۸ ف ۱۲ بند ۷ ، 1162 a 17 ـ ك ۹ ف ۹ بند ۳ ، 1169 b 18) و دو بار در سیاست

۱ـ دیده شود : تفسیرمابعدالطبیعه ابن‌رشد (مقاله لام) و ارسطوعندالعرب‌عبدالرحمن بدوی که ترجمه تازی بخشهائی ازدفترلاندا وشرح ثامسطیوس برآن و نیز شرح شیخ رئیس برمقاله لام که پاره‌ای ازکتاب انصاف او است درآن آمده است نیز ترجمه الهی ارسطواز تریکو بفرانسه

(ك ۱ف۲، 30 – 2 a 1253 – ك۳ف٦، 20 b 1278) و دوبار درجدل (ك ٥ ف۱، 17 b 128 – ك٥ف۳ – 8 a 132 [1]) گفته است

این استدلال شیخ رئیس را غزالی دربایان بخش طبیعی (مقاصدالفلاسفه) باختصار آورد و ابن خلدون چنانکه یاد شد از آن انتقاد نمود با اینکه وی در مقدمه ششم باب نخستین کتاب نخستین مقدمه خویش وحی و نبوت را روی مبانی فلسفی تفسیر نموده است

آغاز : الحمد لواهب العقل بلانهایة . کل شئی فی عالم الکون والفساد ممالم یکن فکان کان قبل الوجود ممکن الوجود لذاته

انجام : جل جناب الحق عن ان یکون شریعة لکل وارد او یطلع علیه الاواحد بعد واحد ـ فمن سمع واشمأز فلیتهم نفسه فلعها لایناسبه . وکل میسر لماخلق له . والحمدلله رب العالمین والصلوة علی محمد واله اجمعین . للشیخ الرئیس قدس سره

[٥٦]

۳۳۹ این نسخه شماره ۱۹ دفتری است که دارای ۳۱ رساله میباشدو بخط شکسته نستعلیق از برک ۸۳ الف تا برک ۸٤ الف نوشته شده است . در این دفتر تاریخهای ۱۰۷٦ و ۱۰۸٦ دیده میشود و نام نویسنده رساله ۲۹ این دفتر «نصیر الدین حسین الحر الحسینی» میباشد

(همه دفتر ۱۳٦ برک) — کاغذ ترمه سمرقندی — جلد تیماج سرخ مقوائی ساده

اندازه : ۱۳×۲۰ و ۱۰×۱۸ س ۲۱ تا ۲۸

---

[1] دیده شود : اخلاق نیقوماخوس ترجمهٔ فرانسوی J. Volquin چاپ پاریس بسال ۱۹٤۰ و ترجمهٔ تازی آن ازلطفی سید (ك۱ب٤ف٦ — ك۸ب۱۲ف۷ – ك۹ب۹ ف۲) — سیاست ترجمه انگلیسی E-Barker چاپ آکسفرد بسال ۱۹٤۸ وترجمهٔ فرانسوی Thurot چاپ کارنیهٔ فرر درپاریس ونیز ترجمهٔ تازی لطفی سید (ك ۱ب۱ف ۹ تا ۱۳ — ك۳ ب ٤ ف۲) – ترجمه تازی جدل درجلد دوم منطق ارسطوچاپ عبدالرحمن بدوی وترجمه فرانسوی تریکوچاپ پاریس جلد ۲ بسال۱۹۳۹ . درترجمه عربی جدل (حیوان آنس بالطبع) آمدهٔ وتریکو آنرا به (Animal naturellment doux) ترجمه کرد

[۵۱] اثبات المفارقات (عربی)

دکتر عثمان امین در تعلیق خود بر احصاء العلوم فارابی ص ۱۱۹ مینویسد که از این فیلسوف چهل رساله بجای مانده سی و یکی از آن بتازی و شش رساله بترجمه عبری و دو رساله بترجمه لاتینی میباشد و این را بفهرست بروکلمن (ج ۱ ص ۲۱۳ — ۲۱۰) باز گشت میدهد ولی در این فهرست (ج ۱ همانجا و ج ۱ پیوست ص ۷-۳۷۵) ۶۵ نگارش از فارابی یاد می‌شود که ۱۱ کتاب در منطق و ۸ کتاب در اخلاق و سیاست و ۱۷ کتاب در ستاره شناسی و ستاره شماری و کیمیا و موسیقی و ۲۳ کتاب در مسائل فلسفی و چهار کتاب در باره فلسفه مشائی ارسطو و ۲ کتاب در فلسفه افلاطون میباشد. لطفی جمعه در تاریخ فلاسفة الاسلام در سر گذشت فارابی میگوید که از فارابی نه کتاب در ریاضی و کیمیا و موسیقی در کتابخانه های اروپا و آستانه در متن عربی یا ترجمه عبری و لاتینی هست و ۱۴ کتاب در منطق در اروپا بویژه در اسکوریال بعربی یا عبری و لاتینی هست و برخی از ترجمه های لاتینی در بند قیه (ونتسیا) و دیگر جاها بچاپ رسید و ۳۱ کتاب دیگر در فلسفه و سیاست و ادب است که از آنها هم برخی بچاپ رسیده و از برخی نسخه خطی در کتابخانه ها هست باز وی نگارش های فارابی را می‌شمارد و میگوید که از آنها ۱۷ شرح و ۶۰ کتاب و ۲۵ رساله میباشد که رویهم ۱۰۲ کتاب میشود ولی در فهرست نگارش های فارابی که در عیون الانباء و تاریخ الحکماء قفطی دیده میشود نزدیك به ۱۲۴ کتاب یاد گردید.

خاور شناس آلمانی شتینشنیدر Steinschneider کتابی کلان در باره نگارشهای فارابی نوشته و در یادگار های فرهنگستان امپراتوری علوم سنت پترسبورك (VIIe s, t. XIII, No. 4) بسال ۱۸۶۹ بچاپ رسید. اکنون از کتابهای فلسفی فارابی یاد کرده نخست از چاپهائیکه چندین نگارش را در بردارد گفتگو میکنیم.

۱- دیتریسی استاد دانشگاه برلین (۱۸۲۱-۱۸۸۸) رساله هائی از فارابی را از روی نسخه های لیدن و لندن و برلین بسال ۱۸۶۰ در لیدن بچاپ رساند.

۲ - ا. شمولدرس Schmoelders دو رساله (ماینبغی ان یقدم قبل

تعلم‌الفلسفه) و(عیون المسائل) را باترجمه لاتینی دربن (Bonnae) بسال ۱۸۳۶ چاپ نمود .

۳ ـ همان دیتریسی بازایندورساله‌را بارساله‌های دیگرفراهم آورده‌وبسال۱۸۹۵ و ۱۹۲۵ بچاپ رسیده است .

۴ ـ نیز دتیریسی رساله های (جمع بین رایین ـ فی اغـراض الحکیم فی کل مقالة من الکتاب الموسوم بالحروف ـ مقالة فی معانی‌العقل ـ فیما ینبغی ان یقدم قبل تعلم الفلسفة ـ عیون المسائل در ۲۲ بند — فصوص‌الحکم — جواب مسائل سئل عنها — فیما یصح و مالایصح من احکام النجوم) را از روی نسخه‌ای که از سپاهان بدست آمد بنام « الثمرة المرضیة فی بعض‌الرسالات الفارابیه » فراهم آورده و در لیدن بسال ۱۸۸۹ — ۱۸۹۰ با دیباچه‌ای بآلمانی بچاپ رسیده‌است .

۵ ـ همین‌رساله‌های « الثمره » درمصر بسال $\frac{۱۳۲۵}{۱۹۰۷}$ بانصوص الکلم علی فصوص الحکم‌ونیز دوباردیگردر همین‌تاریخ و درهمان‌شهر و باز یکبار دیگر بسال $\frac{۱۳۲۷}{۱۹۰۹}$ بچاپ رسید .

۶ ـ دورساله از فارابی (ما ینبغی ان یقدم قبل تعلم الفلسفة — عیون‌المسائل در ۲۲ بند) در چاپخانه سلفیه مصر بسال $\frac{۱۳۲۸}{۱۹۱۰}$ بچاپ رسید و چاپخانه مؤید در مصر نیز این دورا بنام « مبادی الفلسفة القدیمه » درهمین سال چاپ کرد .

۷ ـ سه رساله فارابی (نکت فیمـا یصح من احکام النجوم در ۳۰ بند و بنام مختصر الفصول الفلسفیة — عیون المسائل در ۲۴ بند — فصوص الحکم در ۶۱ بند) نیز بچاپ رسید و ناشر ندانسته ۱۲ بند از (نکت) را دوبار درآن آورد اکنون ازیکایك کتابهای فلسفی فارابی گفتگو کنیم :

۱ ـ اراء المدینة‌الفاضله :

این کتاب را دتیریسی فراهم آورده و در لیدن بسال ۱۸۹۵ چاپ گردید و در چاپخانه نیل بسالهای۱۳۲۳ و۱۳۲۵ و در چاپخانه سعادت بسال ۱۳۲۴ در مصر

بچاپ رسید .

۲ ـ ابطال احکام النجوم :

نسخه از این در دفتری نوشتهٔ محمود تبریزی شاگرد صدرالدین دشتکی میان سالهای ۹۰۳ و ۹۱۹ در کتابخانه حاج سید نصرالله تقوی در تهران هست (ذریعه ج ۱ ص ٦٦ ش۳۲٦)

۳ ـ اثبات‌المفارقات که در دکن بسال ۱۳٤٥ در۸ صفحه بچاپ رسیدو بحث در آن خواهدآمد .

٤ ـ احصاء العلوم : این کتاب را نخستین بار عارف‌الزین از روی نسخه‌ای که محمدرضا شبیبی در نجف جسته است درمجله‌العرفان درجلدچهارم بسال۱۹۳۱ بچاپ رساند سپس دکترعثمان امین آنرا با دیباچه وتعلیقات درقاهره بسال ۱۹۳۱ چاپ کرد آنگاه آنگل گونسالس پالنسیا Angel Gonzalez Palencia درجزء انتشارات دانشکدهٔ فلسفه و ادبیات دانشکده مادرید درجلد یازدهم بسال ۱۹۳۲ بادوترجمه‌لاتینی‌ژرارد کر مونا Gerard de Cromona و دمینیکوس گوندیسالینوس Domnicus Gundissalinus وبانرجمه اسپانیائی خوددر مادرید بچاپ رساند .

سرانجام بازدکترعثمان امین از روی نسخه‌های چاپ شده وخطی وترجمه لاتینی آنرا بسال ۹ـ۱۹٤۸ در قاهره چاپ کرد .

احصاءالعلوم سه ترجمه لاتینی دارد :

۱ـ ازدمینیکوس گندیسالینوس که در نیمه نخستین سده ۱۲ مسیحی زنده بود و از مترجمان بزرك تازی بلاتینی است وی در کتاب خویش که بنام De Division Philosophiae میباشد نزدیك بدو سوم از بخشهای احصاء العلوم را آورد و پاره‌ای‌مانند (فصل‌مربوط بعلم کلام) راانداخت ودرجاهائی‌هم بکوتاهی پرداخت .

این‌ترجمه را گیلیموس کامراریوس Guiliemus Camerarius استاد

الهی دانشگاه پاریس در آنجا بسال ۱۸۳۸ بچاپ رساند .

۲ ـ از ژرارد کرمونا که در کرمونا از استان لمبارد یا نزدیك ۱۱۱۴ زاده و در طلیطله بسال ۱۱۸۷ درگذشت و ازمترجمان بزرك تازی بلاتینی بشمار میآمد و ۷۱ کتاب عربی دردانشهای گوناگون را بلاتینی ترجمه کرد وی احصاء العلوم را نیز بلاتینی درآورد ونسخهٔ ازآن بنام De Scientiis بشماره ۹۳۳۵ درکتابخانه ملی پاریس هست وپالنسیا آنرا درمادرید بامتن تازی چاپ کرد .

۳ ـ از یحیی بن داود اشبیلی طلیطلی مرده نزدیك ۱۱۵۷ که آنرا بلاتینی کرده و نسخه‌ای از آن در موزه بریتانیا هست و کلهراریوس آنرا در ۱۸۳۸ بچاپ رساند .

احصاءالعلوم فارابی را دوبار بعبری ترجمه کردند :

۱ ـ ازکالونیموس پسر کالونیموس (م ۱۳۲۸) که گزیده از آنرا بعبری ترجمه کرد ونسخهٔ ازآن درکتابخانه De Rossi دربارما بشماره ۴۵۸ و ۷۷۶ هست وموسی بن عزرا (م ۱۱۴۰) ازاین کتاب بهره برده است .

۲ ـ ترجمه عبری دیگری از احصاء العلوم که آنرا میش روزنشتاین Mich Rosonstein در بروسلاو بسال ۱۸۵۸ بچاپ رساند .

احصاء العلوم چنانکه از نام آن برمیآید بخش بندی و شمارش دانشها است و دانشمندانی چند در این زمینه کار کردند خواه تنها بشناساندن دانشها پرداخته باشند یا دریك دفتر چندین دانش راآورده باشند . مانند :

۱ ـ فیلسوف کندی بغدادی کتابی بنام (کمیة کتب ارسطو و مایحتاج الیه فی تعلیم الفلسفه) دارد که در مصر در رسائل فلسفی او بسال ۱۹۵۰ بچاپ رسید ودرآن علوم مشائی ونمرض آنها راروشن ساخت .

۲ ـ اخوان صفا وخلان وفا با اینکه دررسائل و رساله جامعه ازبیشتر دانشهای روزکار خویش سخن راندنددررساله هفتم بخش ریاضی ازدانشهای گوناگون گفتگو نموده هر یك را شناساندند .

۳ ـ خوارزمی (م ۳۸۷) در مفاتیح‌العلوم گزیده ای از بسیاری ازدانشهای روزگارخویش راباندازه که یك نویسنده رامی‌باید آورد .

٤ ـ ابن‌حزم اندلسی (م ٤٥٦) در(مراتب‌العلوم و کیفیة طلبها) از بخشهای دانشها سخن راند .

٥ ـ ابوعلی مشکویه رازی (م ٤٢١) در (ترتیب السعادات) که در کنار (تهذیب الاخلاق او درتهران بسال ١٣١٤ بچاپ رسید ازنگارشهای علمی ارسطو ودانشهای مشائی گفتگو نمود .

٦ـ ابوعلی محمدبن هیثم بصری مصری (م نزدیك ٤٣٠) در (مقالة فیماصنع و صنف من علوم الاوائل) که ابن ابی‌اصیبعه در عیون الانباء (ج ٢ ص ٦ — ٩١) آنرا آورده است ازغرض کتابهای ارسطو یادکرده ونوشته‌های خود راکه تا پایان سال ٤١٧ بپایان رسانده بود نشان داد .

۷ ـ خواجه رئیس ابوعلی سینا گذشته ازاینکه در شفا و دانشنامه علائی و نجات چندین دانش راآورده دررساله (اقسام‌العلوم العقلیه) که در تسع رسائل درمصر بسال ۱۹۰۸ بچاپ‌رسید بمانندکارفارابی‌پرداخت وی‌در آغازحکمت‌مشرقی نیز ازاینگونه سخنان دارد .

۸ ـ شمس‌الدین محمد سنجاری (م ۷٤۷) نیز (ارشاد القاصد الی‌اسنی المقاصد) نگاشته ودرآن ازبخشهای دانشها یاد نمود واین کتاب دربیروت ۱۳۲۲ چاپ شد .

۹ ـ خواجه طوسی رساله کوتاهی بنام (اقسام‌الحکمه) دارد که نسخهٔ‌از آن بشماره ۱ر۱۰۳۳ دراینکتابخانه هست .

۱۰ ـ قطب شیرازی (٦٤٤ ـ ۷۱۰) در(درة‌التاج لغرة‌الدباج) ازچندین دانش فلسفی وعرفانی سخن راند و دو بخش آن در تهران بسالهای ۱۷ — ۱۳۲۰ و ۱۳۲٤ بچاپ رسید وی در دیباچه آن دانشها را بخش نموده و در خودکتاب منطق وطبیعی والهی وریاضی وکلام وفقه واخلاق وسیاست و تدبیرمنزل وعرفان

وتصوف آورده است

١١ـ شهاب‌الدین احمدمصری قلقشندی در(صبح‌الاعشی فی صناعة‌الانشاء) بسیاری ازدانشهائی راکه نویسنده را بکار میرود آورده است واین کتاب در مصر بسال ١٣٣٨ تا ١٣٤٠ در ١٤ جلد بچاپ رسید و خود او آنرا بنـام ضوءالصبح المسفروجنی‌الدوح المثمر گزین، وجلد ١ آن درمصر بسال ١٣٢٤ بچاپ رسید .

١٢ ـ ابن خلدون اندلسی (م ٧٨٤) در مقدمه خویش بسیاری از دانشهای ادبی و فلسفی وعرفانی را شناسانده وسرگذشت کوتاهی ازآنها راآورد .

١٣ ـ مولی محمد آملی در نفائس الفنون از ١٦٠ علم ٨٥ از علوم اواخر و ٧٥ ازعلوم اوائل سخن راند .

١٤ ـ طاشکبری زاده (م ٩٦٨) در (مفتاح‌السعاده) خود در باره دانشهای گوناگون وشناساندن آنها دادسخن‌داده است واینکتاب دردکن بسال ١٣٢٨ بچاپ رسید .

١٥ ـ میرفندرسکی استرابادی (١٠٥٠) دررساله صناعیه ازبخشهای گوناگون دانشها یاد نمود واینکتاب دربمبئی با اخلاق ناصری بسال ١٢٦٧ ودرتهران بسال ١٣١٧ خورشیدی بچاپ رسید

١٦ ـ حاجی خلیفه (م ١٠٦٨) درکشف الظنون که بارها بچاپ رسیدگذشته ازیادکردن نام کتابها ازبخشهای دانش نیزسخن راند .

١٧ ـ صدیق حسن خان فرمانروای بهوپال هند (م ١٣٠٧) در (ابجدالعلوم) که در چاپخانه صدیقیه در بهوپال هند بسال ١٨٩٦ بچاپ‌رسیدنیز بچنین کاری پرداخت .

١٨ ـ مولوی تهانوی هندی کشاف اصطلاحات الفنون نوشته و در آن دانش های را بخش نموده وهریك را شناسند و این کتاب درکلکته بسال ١٨٦٢ در دو جلد بچاپ رسید .

١٩ـ دانشمند شیخ آقابزرك تهرانی درالذریعه الی‌تصانیف‌الشیعه که نگارش‌های

دانشمندان شیعی وایرانی را در آن فهرست میکنند نیز بچنین کاری پرداختند.

۲۰ ـ شهاب الدین احمد نویری (م نزدیك ۷۳۳) نهایة الارب فی فنون الادب خویش را در ۵ فن در علوم طبیعی (آثـار علوی و آسمان و جهـان و جغرافیـای ریاضی و طبیعی) و انسانی (ادب و اخلاق و سیاست) و حیوانی و ونباتی وتاریخی در ۳۰ جلد نوشت و ۱٤ جلد آن تا باب ۲ قسم ٤ فن ۵ در مصر از ۱۳٤۲ تا ۱۳٦۲ بچاپ رسید و بـاب ۳ تا ۵ قسم ٤ و ۱۲ باب قسم ۵ فن ۵ مانده است.

در باره بخش بندی دانشها در اروپـا فرنسیس بیکون فیلسوف انگلیسی (۱٦۲٦ — ۱۵٦۱) رای تازه‌ای آورده و علوم راازروی نیروها حفظ وتخیل وتعقل بتاریخ مدنی و طبیعی، شعر منظوم و منثور، فلسفه الهی و طبیعی[1] و انسانی و اجتماعی بخش نموده است وی در کتاب ارجمندی و فزونی دانش در این زمینه سخن راند.

سپس اگوست کنت فیلسوف ریاضی فرانسوی آورنده فلسفه تحققی (۱۸۵۷ ـ ۱۷۹۸) دراین باره رای دیگری آورده و در کتاب Cours de philosophie positive که از شاهکارهای سده ۱۹ میباشد دانشها را از روی کلیت و سادگی یا پیچیدگی آنها بخش نمود آنگاه هربرت سپنسر H. Spencer (۱۹۰۳ — ۱۸۲۰) فیلسوف انگلیسی بنیادگذار فلسفه تطور دراین زمینه کتابی نگاشته که ترجمه فرانسوی آن بنام Classification des sciences در پاریس بسال ۱۹۳۰ بچاپ رسید وی دانشهارا روی تجرد و عینیت‌رده بندی‌نموده است

امروزه در روش شناسی نوین از بخشهای دانشهای بشری کاوش میگردد چنانکه درمنطق صوری ارسطو نیزدرفن برهان دراین زمینه گفتگو میشده است ودرهمه کتابهای منطقی که بروش پیشینیان نوشته شده این سخن رامیبینیم.

ابن ندیم درفهرست (ص ۳٦۸) از این کتاب فارابی بنام (مراتب العلوم)

یاد نمود .

قاضی صاعد اندلسی در طبقـات الامم (ص ۸٤ چاپ مصر) از احصاء العلوم بسیار ستایش نموده و گفت هیچ دانشجوئی از آن بی‌نیاز نخواهد بود .

قفطی (ص ۱۸۲) از آن بنام احصاء العلوم یاد کرده و عبارت صاعد را آورده است و بازدر (ص۱۸۳) در فهرست نگارشهای او از (احصاءالعلوم)یاد کرد .

ابن ابی‌اصیبعه (ج۲ص۱۳٦) نیز همان عبارت‌صاعد را آورد .باز در(ص۱۳۸) از آن بنام (احصاءالعلوم وترتیبها) یاد نمود .

٥ ـ اغراض مابعدالطبیعه :

این کتاب را دیتریسی در الثمره بچاپ رساند و در المجموع للمعلم الثانی بسال ۱۳۲٥ و درهند بسال ۱۳٤۳ نیز بچاپ‌رسیدوابن‌ابی‌اصیبعه در فهرست نگارش‌های فارابی از آن یادنموده است .

فارابی در این دفتر مانند کندی و دیگران بدانشهای گوناگون روزگار خود اشارتی نموده غرض ارسطو را دردوازده مقاله کتاب الهی نشان داده است .

این کتـاب بعبری ترجمه شده و نسخه آن در اکسفورد و لایبتسیك و لیدن هست .

٦ ـ الالفاظ الافلاطونیه وتکوین‌السیاسةالملوکیة والاخلاق :

این کتاب در کتابخانه ایاصوفیا بشماره ۲۸۲۰ هست .

۷ ـ بغیةالامال فی‌صناعة الرمل و تقویم الاشکال یا الحیل الروحانیه و الاطیار الطبیعیه فی‌دقائق‌الاشکال الهندسیه : ازاین‌کتاب نسخه‌ای در اوپسالا بشماره ۳۱۷ و در بادلیان(I,956) هست و از فارابی دانسته شد ولی در صحت انتساب آن شك کردندزیرا فارابی در «نکت» ستاره شماری واحکام نجوم را نکوهش نموده وبی پایه‌اش دانست وی میگوید :

« میتوانیم در برابر حوادث جهان و سرگذشتهای مردم که بد و نیك وزشت وزیبا و ستوده ونکوهیده و سودمند و زیانبخش در آنها هست بچیزهائی مانند جنبشها ورفتارهای جانوران و آوازهای پرندگان یاسخنانی که بنگارش در آید یاتیرهائیکه بپراکنند یا نامهائی که یادکنند یا جنبش و گردش ستارگان و مانند اینها بنگریم آنگاه می‌بینیم که اینها با آنها گاهی یکنواخت وسازگار درمیآیند و گاهی دراینها بنامهائی برمیخوریم که مایه شگفتی است مگر اینکه اینگونه هماهنگی همیشگی نیست وخردمند نبایدبدان بنگرد ودرستش بداند و کودکان وفرومایگان و آنانکه روی برخی از رنجها و بیماریهای روانی مانند کامپرستی و خشم و اندوه و ترس وسرخوشی ومانند اینها ازخرد وهوش آنها کاسته شد بدینها میگرایند » پس بسیار دور است که کتاب یادشده از آن فارابی باشد

۸ـ پیدایش دانش (de ortu scientiarum) : بروکلمن میگوید که بلاتینی است ونسخه آن درپاریس بشماره ۶۲۹۸ و بادلیان بشماره ۵۶۲۳٫۲۹ هست . وی باز رساله دیگری درفهرست خویش (ج ۱ ص ۲۳۵ شماره ۹ D) از فارابی بنام Alfarabi de tempore نشان میدهد .

۹ـ تحصیل‌السعاده :

این کتاب در دکن بسال ۱۳۴۵ بچاپ رسید ودر کتابخانه مصر بشماره ۱۲۰ (حکمت) بنام (رسالة فی‌السعاده‌الموجودة) هست وبعبری نیز درآمده است .

۱۰ـ التعلیقات :

این رساله در دکن بسال ۱۹۴۶ بچاپ رسید و با تعلیقات خواجه رئیس ابوعلی سینا بی رابطه نیست و گویند که شاید آنرا از کتابهای گوناگون فارابی فراهم آورده باشند .

۱۱ـ تفسیراسماءالحکماء : بروکلمن (ج ۱ پیوست ص۳۷۷شماره ۱۶ D) از آن یاد میکند .

۱۲ـ تلخیص نوامیس افلاطون :

این کتاب درلیدن بشماره ۱۴۲۹ هست .

۱۳ ـ التنبیه علی اسباب‌السعاده : این رساله بعبری ترجمه شده و نسخه از آن بشماره ۷۷ درموزه بریتانیا هست .

۱٤ـ التنبیه علی سبیل‌السعاده یا رساله‌السعاده :

این کتاب دردکن بسال۱۳٤٦چاپ شده وترجمه عبری داردکه درموزه بریتانیا بشماره ٤۲۵ هست .

۱۵ـ الجمع بین‌الرایین :

این کتاب چندین بار بچاپ رسیده است :۱ـ درالثمره دیتریسی بسال ۱۸۹۰ .

۲ـ درالمجموع للمعلم‌الثانی بسال ۱۹۰۷ درمصر ونیز چندبار دیگردرهمانجا

۳ـ درهامش شرح حکمت‌الاشراق‌چاپ تهران‌بسال ۱۳۱۵ص۵۳۷ تاپایان‌کتاب .

فارابی درین کتاب کوشیدکه میان رایهای افلاطون وارسطو سازش دهد . آنرا بنام (کتاب فی اتفاق آراء ارسطوطالیس وافلاطون) نیزخوانده‌اند و از نگارشهای فارابی (کتاب الفلسفتین) نیز نام برده‌اندکه شاید همین‌کتاب باشد. فارابی‌دوست نداشت‌که میان دانشمندان ناسازگاری باشد چنانکه دو کتـاب دیگر مانند اینها درفهرست نگارشهای او یاد کرده‌اند : (کتاب فی اتفاق آراء بقراط وافلاطون) و (کتاب‌التوسط بین ارسطو وجالینوس) ـ فارابی ارسطورا بسیار بزرك میداشت این بود که از جالینوس ویحی نحوی خرده‌گرفته ودو کتاب (الردعلی جالینوس فیما تاوله من‌کلام ارسطوعلی غیرمعناه) و (الرد علی یحیی‌النحوی فیما رد به علی ارسطوطالیس) نوشته است .

فیلسوف سید داماد استرابادی نیز از فارابی پیروی کرده (رسالة فی مذهب ارسطاطالیس) را نگاشته و درآن‌گفته که افلاطون جهان را حادث دانسته ولی سخن ارسطو روشن نیست ولی فارابی دراین رساله هردورا همرای پنداشت .

۱٦ـ جوامع السیرالمرضیه فی اقتفاء الفضائل الانسانیة :

ازاین‌کتاب یك نسخه درلیدن بشماره۱۹۳۲هست وشاید همان (السیرةالفاضلة) باشدکه درفهرستها یادکردند زیرا مورخان نامی ازاین‌کتاب نبرده‌اند .

۱۷ـ جوامع کتب النوامیس لافلاطون :

نوامیس افلاطون را حنین و یحیی بن عدی ترجمه کردند و فارابی مانند جالینوس که بربرخی ازنگارشهای افلاطون جوامع نوشته و تنها ترجمه تازی آنها درجهان هست ، ازاین کتاب گزین کرده است و نسخه آن درلیدن بشماره ۱۴۲۹ هست .

۱۸ـ الحیل الروحانیه والاسرار الطبیعیة فی دقائق الاشکال الهندسیة :

نسخه آن در اوپسالا بشماره ۳۲۴ هست :

۱۹ـ الدعاوی القلبیه المنسوبة الی ارسطو مجردة عن الحجج :

این رساله دردکن بسال۱۳۴۵بچاپ رسید فارابی دراین کتاب بیشترمسائل الهی و طبیعی نحله مشائی و نوپلاتونی را فهرست وار یاد میکند و دلائل آنها را نمیآورد وبخوبی میرساند که مسائل فلسفی که بدانشمندان خاوری رسیده کدامند .

۲۰ـ رساله فی الاخلاق .

۲۱ـ رسالة افلاطون فی ردمن قال بتلاشی الانسان .

۲۲ـ رسالة فی التصوف .

۲۳ـ رسالة فی تعریف الفلسفه : بروکلمن (ج ۱ ص ۲۳۲ شماره‌های ۱۸و ۱۹و۲۰ D وص ۲۳۶ شماره ۲ F) نسخه‌هائی ازاین چهار رساله را نشان میدهد که هست .

۲۴ـ رسالة فی تفسیر کتاب المدخل فی صناعة المنطق : بروکلمن دو نسخه با نشانه (As ۴۸۵۴/۵ و As ۴۸۳۹) نشان میدهد .

۲۵ـ رسالة فی تقسیم الواحد .

۲۶ـ رسالة فی حدوث العالم : نیز وی ازاین دو رساله یاد نموده وگفته که دومی دررامپور بنشانه (I,303،1575) هست .

۲۷ ـ رسالة الحروف .

ابن ندیم درفهرست درسر گذشت فارابی ص ۳۶۸ نامی ازاین کتاب نبرد ولی قفطی درتاریخ الحکماء ص ۱۸۴ نام (تعلیق کتاب الحروف) را برده است . ابن ابی

اصیبعه (ج۲ص۱۳۹س۲و۲۶و۳۰) ازسه کتاب فارابی یاد میکند : ۱ـ (الالفاظ والحروف) ۲ـ (کتاب فی اغراض ارسطوطالیس فی کل واحد من کتبه) ۳ـ (مقالة فی اغراض ارسطوطالیس فی کل مقالة من کتابه الموسوم بالحروف وهو تحقیق غرضه فی کتاب مابعدالطبیعه) . دوم وسوم این کتابها همان است که درلیدن ومصر و هند بچاپ رسیده است ونخستین آن همان است که برو کلمن (پیوست ج۱ص۷ — ۳۷۶) درباره آن بکتاب المزهر سیوطی[۱] بازگشت داد وگویا نسخه‌ای از آن در کتابخانه‌ها نباشد بجز همین (رسالة الحروف) این کتابخانه واز آنچه که سیوطی در المزهر (چاپ عیسی البابی الحلبی درمصر جزء ۱ ص ۲ — ۲۱۱) ازاین کتاب میاورد پیدا است که نسخه (رسالة الحروف) ما همان (الالفاظ والحروف) فارابی میباشد .

سیوطی مینویسد که ابونصر فارابی در (الالفاظ والحروف) میگوید : قریش شیواترین مردم عربستان هستند وزبان تازی تنها ازدودمانهای قریش وقیس وتمیم واسدوهذیل و کنـانه و طی گرفته شده نه از شهرنشینان و بیابان گردانی مانند خاندانهای لخم وجذام همسایه مصریان و قبطیان واز قضاعه وغسان و ایاد همسایه شامیان که بیشتر ترساوعبری خوانند ونه‌ازتغلب ویمن که درجزیره زیست میکنند وهمسایه یونان هستند ونه از بکرهمسایه قبطیان وپارسیان ونه ازعبدالقیس وازد عمان که دربحرین بوده وبا هندیها و پارسیان آمیزش دارند ونه از یمنیان آمیخته با هندیان وحبشیان ونه از بنی‌حنیفه و یمامیان و ثقیف و طایفیان که با بازرگانان یمن آمیزش میکنند و نه از شهرنشینان حجاز زیرا زبان اینها را آورندگان زبان تازی آمیخته بازبانهای بیگانگان وتباه شده یافتند . آنانکه زبان تازی را آوردند و نگارشها در آن دارند و آنرا هنر و دانشی ساختند تنها همان بصریان وکوفیان میباشند .

این سخن را دراین رسالة الحروف فارابی (نسخه اینکتابخانه برك ۲۴) می‌بینیم این فیلسوف نخست قاعده کلی بدست میدهد ومیگوید : زبان پاك وسره را بایداز بیابان گردان وخانه بدوشان که با بیگانگان نمیامیزند گرفت نه ازدهگانان

(۱) برو کلمن بدین نشانه (728 و2I) بآنکتاب بازگشت داده است

و شهرنشینان چنانکه درباره زبان تازی همین‌کار راکردند و بصریان و کوفیان از سال ۹۰ تاسال ۲۰۰ زبان تازی شیوا و رسا را ازبیابان گردان میان خاك عربستان که بیشترمردم‌گریز ودرشتخوی بودند وکمترفرمان می‌بردند واز دیگران پیروی نمیکردند گرفتند واینها دودمانهای قیس وتمیم واسدوطی وهذیل هستند ودیگران که با بیگانگان ازحبش وهندی وپارسی و سریانی و شامی و مصری رفت و آمد داشتند زبان آنها آمیخته است وسره نیست .

از برابرکردن سخن فارابی وگفتار سیوطی پیداست که وی گفته فارابی را گسترده ومشروح آورده است نه اینکه همان گفته اورا درالمزهر گنجانده باشد. فهرست نگار گفتاری بنام (متافیزیك ارسطوورسالةالحروف فارابی) درمجله جلوه سال۱شماره۲ تاریخ مرداد ماه سال۱۳۲٤خورشیدی ص ۷٦-۸۲ نگاشته واندکی آنرا شناساند این کتاب گرانبها گذشته ازمطلبهای دقیق فلسفی وتاریخی که دارد ازچندین اصطلاح فلسفی گفتگومیکند و با شرح آنها دشواریهای الهی ارسطو را برمیدارد وگویاهمین کتاب باشدکه خواجه ابوعلی‌سینا درسرگذشت خویش ازآن نام برده وگفته‌که آنرا خریده وخوانده و دریافت سخنان ارسطو برای او آسان گردید اگرچه درسرگذشت شیخ که خود برای جوزجانی املا نموده است چنین آمده است :(کتاب‌ابی‌نصرالفارابی‌فی‌اغراض‌مابعدالطبیعه) ونامی ازرسالةالحروف برده نشد .

شاید چون بکتاب الهی ارسطو (کتاب‌الحروف) میگفته‌اند این رساله هم که تعلیقی است برآن چنین نامیده شده باشد .

چنانکه یادشد این کتاب شامل تعریف وبررسی پاره‌ای‌ازاصطلاحات فلسفی است وگفتگو درباره‌اصطلاحات فلسفی وشناساندن آنهارا نخستین‌باردر(تعاریفی) می‌بینیم که بافلاطون نسبت داده‌اندگرچه بسیاری‌از آنهاازنحله‌های مشائی ورواقی والئائی‌میباشد ولی‌چندین تعریف را ازکتابهای افلاطون گرفته وباسخنان دیگران یکجافراهم آورده‌اند وبسیاری از آنهارادیوگنوس لائرسیوس بافلاطون نسبت داده

است . ترجمه فرانسوی این (تعریفات) درجلد ۸ دوره کتابهای افلاطون درمجموعه Budé بسال ۱۹۳۰ با متن یونانی بچاپ رسید و مترجم آن J. Souilhé میباشد وبازهم E.Chambry آنرا ترجمه کرده درجلد ۸ دوره کتب او بسال ۱۹۳۹ چاپ شد این دومترجم دردیباچه و حاشیه تعریفات تاریخ و منشأ آنرا نشان داده‌اند پس از افلاطون چنانکه پیش گفته‌ایم ارسطو دردفتر دلتا (دال) ازالهی از الفاظ فلسفی کاوش نموده است ومانا پایه کارفارابی همین کتاب باشد .

درمیانه دانشمندان خاوری کندی بغدادی کتابی درحدود نوشته که درجزء ۱۰ رسائل او بسال ۱۹۵۰ چاپ شد باز اخوان صفا در رساله دهم قسم ۳ (نفسانیات عقلیات) اصطلاحاتی را تعریف کردند پس ازاینها شیخ رئیس دررساله حدود الفاظی راتعریف نمود که پیش یاد گردید .

میر سید شریف گرگانی نیز کتابی بنام تعریفات دارد که درقاهره بسال ۱۲۸۳ بچاپ رسید .

مندرجات رساله حروف فارابی بجای خود گزارش داده خواهد شد .

اکنون ببینیم دانشمندان پیشین چه آگاهی ازاین کتاب داشته‌اند : ابن رشد اندلسی گویا همین رساله را دردست داشته که درتهافت التهافت درمسئله هفتم (چاپ بوئیژ در بیروت بسال ۱۹۳۰ ص ۳۷۱) میگوید : فارابی درکتاب الحروف روشن نمود که مراد از « موجود » معنی اشتقاقی آن نیست بلکه مترجمان از آن معنی « ذات » و « شیء » میخواهند نه معنی عرضی وچون درزبان تازی لفظ دیگری نیافتند کلمه « موجود » مشتق را دراین معنی بکار بردند . برخی برای رساندن این معنی کلمه « هویت » را از « هو » ساختند ولی این تکلفی بیش نیست .

این مطلب دربحث از وجود و موجود برگ ۱۵و۱۶ کتاب الحروف نسخه این کتابخانه یافت میشود و فارابی دراینجا میگوید در زبان تازی لفظی نیست که بجای « هست » فارسی و « استین » یونانی و « استی » سغدی آورده شود ناگزیر برخی بجای آن «هو» را بکاربرده و از آن « هویت » درست کردند و برخی دیگر بجای آن « موجود » مشتق را بکار بردند ازاینجا است که می‌پندارند « موجود »

فلسفی مشتق وعرضی‌است . بازمیگوید من روامیدارم هم « هو » وهم « موجود » بکار برند ولی باید « هو » را ادات دانست نه اسم . فارابی در اینجا داد سخن را میدهد و آنچه بایست میگوید و پیداست که ابن‌رشد آنچه گفته است از وی گرفت بازابن‌رشد درتفسیرمابعدالطبیعه دفتردال (ج ۲ص ۸ـ۵۵۷ چاپ بوئیژ) ودرجامع مابعدالطبیعه مبحث موجود و هویت (چاپ دکن ۱۳۶۵ ص ۱۰ — ۲۱) همین سخنان را آورد .

فارابی در (فصول یشتمل علی جمیع مایضطر الی معرفته من اراد الشروع فی صناعة المنطق) بازبهمین آوردن « هو » بجای « است » اشاره‌ای نمود و گفت : « یقوم مقام الکلمة الوجودیة فی الحاضر هذه اللفظة » .

پس‌ازابن‌رشد سعد تفتازانی درشرح شمسیه خود سخن فارابی را دررابطه بودن « هو » درقضیه حملیه عربی آورد[۱] وی درتهذیب‌المنطق خویش در آغاز مقصددوم‌هم‌میگوید : «قداستعیر لهاهو» وشهابادی‌درحاشیه خودبراین کتاب آشکارا این‌مطلب را بفارابی نسبت میدهد مانا همین کتاب حروف را دردست داشته بود . قطب‌رازی‌درشرح‌مطالع‌سخن‌رئیس (درشفا فصل۶ مقاله‌ٔ یك فن عبارت‌منطق) را دراینکه «هو» رابطه قضیه حملیه درزبان تازی است میآورد ومیگویدکه این‌لفظ ضمیراست‌وربطی‌رانمی‌رساندورابطه‌درزبان‌تازی‌همان‌اعراب‌میباشدواگر قضیه‌ای ازدولفظ مبنی‌ساخته شود ثنائی وگرنه ثلاثی خواهد بود . رازی دراینجا اشاره‌ای بگفتار فارابی ندارد[۲] . سخن رازی درست نیست زیرا همین اعراب درزبانهای دیگرمانند یونانی وجزآن هست ورابطه غیرزمانی درقضیه حملیه هم دارند .

۲۸ـ رسالة فی‌الحکمة : بروکلمن ازاین رساله یادنمود .

۲۹ـ رسالة فی‌السیاسه :

---

۱ - بنقل عبدالرحیم در حاشیه برحاشیه شهابادی چاپ تهران سال ۱۲۸۰ در هامش همین‌حاشیه .ـ نیزدیده شود شرح شمسیه تفتازانی برك ٤٦ نسخه شماره ۲۹۱ دانشگاه‌تهران ولی نامی ازفارابی نمیبرد. تفتازانی پس‌ازآوردن این سخن ازآن خرده گیری کردواعراب‌را رابطه‌دانست و از قطب رازی که درشرح شمسیه گفته که درزبان پارسی رابطه همیشه هست نیزخرده گرفت و گفت رابطه درقضیه‌ای که محمول‌آن فعل باشد لازم نیست

۲. دیده شود . شرح مطالع فصل۲ باب۱ قسم۲ (اکتساب‌تصدیقات)

ازاین رساله نسخه‌ای درواتیکان رم هست که ا ب شیخو ازروی آن بچاپ رسانده‌است ودر کتابخانه‌دانشگاه مصر نیز نسخه‌از آن‌هست.[1] ازاین (رسالة‌السیاسة) پاره در سال ۱۲ مجله (الطبیب) و همه آن در مجله (المشرق) بسال ۱۹۰۱ چاپ شد.

۳۰ـ رسالة فی‌العقل :

ابن‌ابی‌اصیبعه(۶۰۰=۱۲۰۳م — ۶۶۸=۱۲۷۰م)(ج۲ص۱۳۹س۹) ازدو کتاب یاد میکند (کتاب فی‌العقل کبیرو کتاب فی‌العقل صغیر) ولی دردیگرفهرستها یکی یاد گردید ودر نسخه های چاپی وخطی بجز نسخه فاتح که بوئیژ بچاپ رساند درپایان، مبحث‌بود عقل فعال وعقول فلکی را ندارد و گویا چون باعقیده متکلمان نمیساخت ازنسخه‌ها برداشتند ولی بایستی جزء نسخه باشد و اگرنه مطلب ناقص میماند این افزوده تنها در ترجمه های لاتینی وعبری سده‌های‌میانین دیده میشود این رساله را یك ترجمه لاتینی است کامل که مترجم آن شناخته‌نشد و گویا ازسده ۱۳و۱۴ باشد و نسخه‌ای از آن در برسلو هست و دو ترجمه عبری یکی تلخیص یداعیاپنینی Jedaja Pennini فیلسوف یهودی (۱۲۷۰ ـ ۱۳۴۰) نسخه پاریس ۹۸۴ عبری . دومی ترجمه کالونیموس بن‌کالونیموس در۲۷ آوریل سال ۱۳۱۴م که نسخه از آن درلایپتسیك بشماره ۳۹ هست ونیز درمونیخ بشماره ۱۲۵ عبری. ترجمه لاتینی که درسده ۱۳و۱۴ شده در۱۴۹۵ودر۱۵۰۰ویکباردیگردرمجموعه ازفلسفه ابن‌سینا ونیز در۱۶۳۸ بچاپ رسید .

از فلاسفه یهودی هلال بن صموئیل واسحق لطیف‌درسده ۱۳ و لاوی بن جرشون در سده ۱۴ و ابراهام بیاجو و یوسف بن سنتوب درپایان سده ۱۵ براین رساله تعلیق نوشتند .

چنانکه گفته‌شداین رساله بلاتینی ترجمه شده‌است وماسینیون آنرابامتن تازی برابرساخته سپس بفرانسه ترجمه کرده و در جلد ٤ Archive d'histoire doctrinal et litteraraire du Moyen Age با تعلیق ژیلسون بچاپ رسید .

ربانی جوان میکائیل روشن شتاین Mich Rosostein ترجمه عبری و لاتینی

این رساله را در برسلاو بسال ۱۸۵۸ بچاپ رساند و ترجمه عبری دیگری از آن که شاید از سموئیل بن تیبون (۱۲۳۰ ـ ۱۱۵۰) باشد در پاریس هست (بشماره ۱۸۵ عبری) این رساله در (الثمره) دیتریسی و درمصر بسال ۱۹۰۷ سه بار و نیز یکبار در۱۳۲۷ چاپ شد و نسخه کامل آنرا موریس بوئیژ از روی نسخه کتابخانه فاتح دراسلامبول مورخ ۵۹۰ درچاپخانه کاتولیکی بیروت بسال ۱۹۳۸ بچاپ رساند و ازاین بخش که برپایان رساله افزوده است و باندازه شش صفحه میباشد دردلالة الحائرین موسی بن میمون فیلسوف یهودی (۵۲۹=۱۱۳۵-۶۰۱=۱۲۰۴) آمده است (بخش ۲ فصل ۱۸ چاپ مونك درپاریس۱۸۶۱ ج ۲ برك ۳۷ ب س ۱۰-۱۳ متن وص ۱۳۹ ترجمه) .

۳۱ـ رسالة فی العلم الالهی درکتابخانه تیمور (۱۷حکمت) هست

۳۲ـ رسالة فی علم الفلسفه : بروکلمن ازاین رساله یاد میکند .

۳۳ـ رسالة فی علم الفراسة :

نسخه‌ای از آن درکتابخانه مجلس بشماره ۶۳۴/۶ (ج۲ فهرست ص ۳۹۶ هست .

۳۴ـ رسالة فی ماهیة الروح : لطفی مینویسد (ص۱۸) که نسخه‌از آن هست .

۳۵-۳۶ـ رساله فی ماهیة النفس : ازاین رساله نسخه‌ای دربودلیان بشماره (1980) هست وبعبری نیز ترجمه شده است ونیز رساله‌ای بنام (شرح رسالة النفس لارسطوطالیس) دررامپور هست .

۳۷ ـ رسالة الماهیة والهویة : نسخه‌ای از آن در کتابخانه مجلس بشماره ۶۳۴/۴ (ج ۲ فهرست ص ۳۹۵) هست که همان فصوص الحکم میباشد .

۳۸ـ السیاسات المدنیة یا مبادیء الاجسام یا مبادیء الموجودات .

این کتاب دربیروت بسال ۱۹۰۲ ودردکن بسال ۱۳۴۶ بچاپ رسید وبعبری نیز ترجمه شده وگویا موسی بن طبون آنرا ترجمه کرده و نزدیك بسال ۱۲۴۸ م بپایان رسانده باشد . موسی بن میمون فیلسوف بزرك یهود (۵۲۹ ـ ۶۰۱) در «دلالة الحائرین» از آن یاد کرد وبشاگردخود ابن طبون سپرد که درفلسفه جزآنرا

نخواند و ترجمه عبری آن در کتابخانه پادشاهی در سه نسخه گوناگون هست و M. PHilippowski آنرا درمجموعه‌ای که بدان Sepher ha AsiPh نام داده بسال ۱۸۴۹ در لایپتسیك بچاپ رساند (دائرةالمعارف اسلامی) ومتن عبری با آنچه را که قاضی صاعد اندلسی (۴۲۰ ـ ۴۶۲) در طبقات الامم (چاپ مطبعه سعادت مصر بی‌تاریخ ص ۸۵) درباره السیاسة المدنیه گفته است سازکار میباشد .

فارابی دراین کتاب نخست از شش مبدء (سبب نخستین ـ سببهای دوم ـ عقل فعال ـ نفس ـ صورت ـ ماده) یاد میکند و رشته سخن را از جهانشناسی بشناخت مردمی میکشاند تا اینکه باخلاق و سیاست میرسد و مانند (اراءالمدینة الفاضله) ازمدینه فاضله واضداد آن گفتگومیکند وپیداست که ازجمهوری افلاطون بسیارمتأثراست .

۳۹ـ شرح رسالةالملاالاعلی لزینون یا شرح رسالة فی‌العلم‌الاعلی لزینون الکبیرالیونانی :

این کتاب دردکن بسال ۱۳۴۹ بچاپ رسیده ودرآغاز آن فارابی میگوید از زینون بزرگ‌شاگرد ارسطو واز شیخ یونانی (پلوتینوس) نگارشهائی دیدم که ترسایان شرحهابرآن نوشتند مگراینکه چیزهائی ازآنهاکاستند وچیزهائی برآنها افزودند و من چنانکه بر یك شارحی می باید برآنها شرح نوشتم و نخستین آنها رساله زینون‌بزرك یونانی‌است آنگاه سخنان زینون راکه‌ازشش‌چیز کاوش میکند : (خداشناسی ـ شناخت صفات او ـ بستگی آفریدگان باو ـ درباره پیامبری ـ درباره دین و آئین ـ درباره روز رستاخیز) کزین کرده گزارش میدهد این کتاب بروش مشائیان اسکندرانی نوشته شده است .

درتاریخ الحکماء شهرزوری (برك ۹۳ـ۹۵ شماره ۸۵۶ و ترجمه پارسی آن بشماره ۴۲۷ برك ۱۱۶ ب تا برك ۱۱۹ ب وترجمه آن ازدری بخش۱ص ۴ـ ۱۸۰ و ترجمه گزیده آن بشماره ۲۸۳ برك ۳۳ ب ۳۴ ب) و در محبوب‌القلوب قطب‌الدین محمدبن شیخعلی شریف دیلمی لاهیجی (چاپ ایران بسال ۱۳۱۷ ص ۸ ـ ۱۳۴) سرگذشت زینون آمده و پیداست که ازآن زنون‌الثائی را میخواهند

زیرا درتاریخ فلسفه از سه تن فیلسوف بنام زنون یادکرده‌اند :

۱ـ زنون Zenon الئائی که درالئامیان ۴۸۵ و ۴۹۰ پیش‌ازمسیح زاده و از آزاریکه جبار شهروی درباره او رواداشت درگذشت وی شبهاتی دارد که فارابی درکتاب مغالطه «الاوسط» برخی ازآنها را آورده است .

۲ـ زنون رواقی که در سیتیوم Citium قبرس نزدیك بسال ۳۶۲ پیش از مسیح زاده ودر آتن نزدیك بسال ۲۶۰ درگذشت . وی یکی‌ازفلاسفه رواقی میباشد .

۳ ـ زنون سیدونی کـه در نزدیك بسال ۱۰۰ پیش از مسیح رهبری دسته اپیکوریان را داشته واستاد سیسرون وفیلودمس بوده است .

فارابی‌دراینکتاب که درست از فلسفه نوپلاتونی که رنك اسلام گرفته است گفتگومیکند گویا اززنون همان دانشمند رواقی را میخواهد مگراینکه برخی از مسائل‌مانند نبوت ازکلام یهودی ومسیحی واسلامی برآن افزوده شده است .

لاهیجی دو فصل اخیر این شرح فارابی را در محبوب القلوب آورده و از سخنانیکه شهرزوری ازوی دانسته برآن افزود .

۴۰ـ شرح‌المجسطی .

درموزه بریتانیا بشماره (۷۳۶۸ خاوری) هست .

۴۱ـ شرح‌المستغلق من مصادرة‌المقاله‌الاولی والخامسة من اوقلیدس :

این کتاب را موسی‌بن طبون نزدیك بسال۱۲۷۰م بعبری درآورد ونسخه‌ای ازآن درکتابخانه مونیخ بشماره ۲۶۰و۳۶ هست .

۴۲ـ شرح مقالة‌الاسکندرالافرودیسی فی‌النفس علی جهة‌التعلیق :

نسخه‌ای ازاین درکتابخانه بادلیان اکسفوردبشماره ۸۹۰ ودربرلین بشماره ۴۱۷۸ هست .

۴۳ـ عیون‌المسائل علی رای ارسطوطالیس .

ابن ابی اصیبعه (ج ۲ ص ۱۴۰) میگوید که این کتاب دارای ۱۶۰ مسئله ارسطاطالیسی‌است‌این کتاب درلیدن‌در الثمره‌دیتریسی‌بسال۱۸۹۰م‌ودرمطبعه‌السعاده مصر بسال ۱۳۲۵ ودرالمجوع ودرمکتبه سلفیه مصر بسال۱۳۲۸ چاپ شد ونسخه

چاپی مصر دارای ۲۲ مسئله میباشد و ذیتریسی و المجموع نیز آنرا در ۲۲ بند گذارده‌اند و یك بار دیگر نیز درمصر با دو رساله‌دیگر بچاپ رسید و در ۲٤ بند گذارده شده است و از چاپهای دیگر درجدا کردن مسائل بهتر است .

٤٤ـ الفصوص .

ابن‌ندیم (۲۹۷ ـ ۳۸۵) درفهرست و قاضی صاعد اندلسی (م ٤٦۲) در طبقات‌الامم و بیهقی (م ٥٦٥) درتتمه صوان‌الحکمه وقفطی (٥٦۸ـ٦٤٦) درتاریخ الحکماء (وترجمه آن بشماره ٤۲٤ برگهای ۱۲۲ و ۱۲۳) وشهرزوری درنزهه‌الارواح و روضة‌الافراح (نسخه شماره ۸٥٦ برك ۱۳۱ـ۱۳۲ و ترجمه پارسی آن بشماره ٤۲۷ برك ۱٦۹ تا برك ۱۷۱ دراین کتابخانه وهمچنین ترجمه دری از آن ص۳٦ـ ٤۰ بخش۲) وابن‌ابی‌اصیبعه (٦۰۰ـ٦٦۸) درعیون‌الابناءوابن‌خلکان (٦۰۸ـ٦۸۱) در وفیات الاعیان از کتاب فصوص‌الحکمه یاد نکرده‌اند و خوانساری (م ۱۳۱۳) درروضات‌الجنات نیزاز آن یادننمود تنهاحاجی خلیفه کاتب چلبی (۱۰۱۰ـ۱۰٦۸) درکشف‌الظنون ازفصوص فارابی وشرح آن یادکرده است .

شهاب‌الدین یحیی‌بن حبش سهروردی تعلیقی برفصوص دارد بنام عجائب النصوص فی‌تهذیب‌الفصوص. فصوص‌الحکم‌را امیر سید اسمعیل حسینی شام غازانی تبریزی (م ۱۸ محرم ۹۱۹ در ٦۹ سالگی) شاگرد دوانی بنام سلطان یعقوب بهادرخان بایندری آق قوینلو (۸۸۳ـ۱۱صفر ۸۹٦) شرح کرده ودر نیمه روز آدینه ۲٥ ربیع دوم سال ۸۹٦ آنرا بپایان رساند . این شرح درتهران بسال ۱۳۱۸ بچاپ رسید و نیزدرچاپخانه العامردر ۱۲۹۱ بچاپ رسیده است وهمان است که هورتن Horten بر آن تعلیقی‌نوشته وبسال ۱۹۰٦ چاپ نمود .

ابوجعفرمحمدتقی‌استرابادی (م۱۰٥۸) نیزفصوص‌الحکمه را شرح نموده ودر۱۰٥٦ آغاز کرده ولی آنرا بپایان نرساندونسخه‌از آن بشماره ۸۳٥ درکتابخانه آستانه طوس‌هست وشرح دیگری هم‌بشماره ۸۳٦درآن کتابخانه هست که آغاز وانجام نداردوگمنام است (فهرست طوس ج ٤ ص۱۸۷ـ۱۸۹) درالمجموع للمعلم الثانی . . . الفارابی چاپ چاپخانه سعادت درمصر بسال $\frac{۱۳۲٥}{۱۹۰۷}$ در ص ۱۱٥ ـ ۱۷٦

گزیده‌ای ازشرح تبریزی بچاپ رسیده‌است که سید محمد بدرالدین حلبی عبارات تبریزی را جسته جسته گرفته و گرد هم آورده بدان نام (نصوص الکلم علی کتاب فصوص‌الحکم) داده است وی از شرح تبریزی بسیاریرا انداخت و درآغاز و انجام‌گزیده خود میرساندکه این شرح از وی نیست و او تنهاگزین نموده است وازبرابر کردن دونسخه چاپ ایران ومصراین امر آشکارخواهد بود ـشرحی‌قطب شیرازی برفصوص نوشته‌که دررامپورهست (بروکلمن ج ۱ص ۲۳۵ شماره ۷D) شگفت این است که بند ۳۰ تا بند ۵۰ فصوص (درشماره‌گذاری دیتریسی) درست همان رساله (القوی‌النفسانیة وادراکاتها) است که بخواجه‌ابوعلی‌سینانسبت داده‌اند و در تسع رسائل در مصر بسال ۱۰۹۸ و در مجموع رسائل در مصر بسال ۱۳۲۸ بچاپ رسید .

ازدانشمندان سید داماد (م ۱۰۴۱) است که درقبسات (قبس ۱۰) صفحه ۲۹۹ چاپ ۱۳۱۵ ایران بند ۱۱ از فصوص فارابی (فص‌انفذالی الاحدیة تدهش الی‌الابدیة . . . . جری‌القلم علی‌اللوح بالخلق) را میاورد و نیز در قبس یکم (ص ۱۴) بند ۳ آنرا آورده است : «المهیةالمعلولة لها عن ذاتها ان لیست ولها عن غیر ان توجد . . . . فهی‌محدثة لابزمان تقدم» .(۱)

پس‌ازوی صدرالدین شیرازی درمبدء ومعاد درمقاله ۱ فن ۱ (ص ۲۹ چاپ تهران بسال ۱۳۱۴) پاره‌ای از بند ۲۲ فصوص فارابی : (ان لك منك غطاء افضلا عن لباسك من بدنك) را آورد ولی درمقاله ۲ آن (ص ۵۳) عبارت (وجودکله وجوب کله علم کله قدرة کله حیوة کله . . . را میآوردو بفارابی‌نسبت میدهد و نامی ازفصوص‌نمیبرد مگراینکه این عبارت درنسخه‌های چاپی‌فصوص دیده‌نشده اگرچه بسیارشبیه بسبك فصوص میباشد .(۲)

۴۵ـعلوم‌المسائل ونتایج‌العلوم:

بروکلمن (ج ۱ ص ۲۳۵ شماره ۲۳ D) از آن یادکرد .

۱ـ دیده شود ، فصوص چاپ دیتریسی ص ۶۷–۶۹ و درالمجموع ص۱۲۸-۱۳۵

۲ـ دیده شود فصوص چاپ مصر ص۱۴۳ وچاپ برلین ص۷۱

٤٦ـ الفصول : در بودلیان (I،102) نسخه‌ای از آن هست و بعبری نیز ترجمه گردید.

٤٧ـ فی مسائل متفرقه :

ابن ابی‌اصیبعه (ج ۲ ص ۱٤۰) از آن بنام (جوابات لمسائل سئل عنها) یاد میکند و میگوید که دارای ۲۳ مسئله میباشد و دیتریسی آنرا درالثمره بسال ۱۸۹۰ در ٤۰ بند بچاپ رساند و در دکن بسال ۱۳٤٤ در ۳۱ پرسش وپاسخ و ۵ فصل وچندین بند دیگر که درست جدا نشده است چاپ گردید و نیز درمصر بسال ۱۹۱۷ بچاپ رسید.

٤۸ ـ کتاب فی علم‌المزاج :

بروکلمن از آن با نشانه (Landberg Brill 1484) یادمیکند.

٤۹ـ کتاب‌الملة الفاضله : نسخه ازاین در کتابخانه تیمورپاشابشماره ۲۹۰ اخلاق هست.

۵۰ـ کلام فی‌العلم‌الالهی : نسخه خطی آن در کتابخانه تیمورپاشا بشماره ۱۱۷ حکمت هست.

۵۱ـ ماینبغی ان یقدم قبل تعلم‌الفلسفه : این کتاب بارها بچاپ رسیده و ترجمه عبری نیزدارد.

۵۲ـ المقالات الرفیعه فی اصول علم‌الطبیعه : بروکلمن (ج ۱ص۲۳٤ شماره ۵ C) نسخه‌ای ازاین رساله را نشان میدهدکه هست.

۵۳ـ مقالةالاسکندرالافرودیسی : بروکلمن (ج ۱ ص۲۳۵شماره۲۲ D) مینویسدکه در پاتنا هست ودرشمارنگارشهای فارابی میاورد.

۵٤ـ مقالة فی‌وجوب صناعةالکیمیاوالردعلی‌مبطلیها: نسخه ازاین‌درلیدن بشماره ۱۲۷۰ ودربرلین بشماره ٤۱۷۸ هست.

۵۵ـ الملتقطات لافلاطون : نسخه ازاین دررامپور II، 841 هست.

۵٦ـ منتخبات من‌المدخل فی‌الحساب : در رامپور بشماره 68 ،418 ،1 نسخه ازاین هست.

۵۷ـ الموسیقی :

ابن‌ابی‌اصیبعه (ج ۲ ص ۱۳۹) گوید که فارابی (الموسیقی‌الکبیر) را برای وزیر ابی‌جعفر محمد بن القاسم الکرخی نگاشته است .

این کتاب در لیدن بشماره ۱۴۲۳ هست و بارون رداف در لانژه Baron Rodelphe d'Erlanger موسیقی‌بزرگ فارابی‌وموسیقی‌شفای‌خواجه‌رئیس و موسیقی ارموی را بفرانسه ترجمه کرده و درسه جلد بنام La Musique Arbe بسالهای ۱۹۳۰ و ۱۹۳۵ و۱۹۳۸ در پاریس بچاپ رساند[۱] .

از کتاب موسیقی کبیر فارابی پیداست که وی از بزرگترین موسیقی‌دانهای سده‌های میانین‌است . باز ابن‌ابی‌اصیبعه‌از کتاب دیگر فارابی بنام (کلام فی‌الموسیقی) یاد میکند .

پنج کتاب موسیقی درفهرستها نشان داده وازفارابی دانستند :

۱ـ (کتاب علم‌الموسیقی) که دراسکوریال بشماره S40 هست .

۲ـ (کتاب‌المدخل فی تعلیم الموسیقی) که درکتابخانه رامپور (366 ،1) وکتابخانه راغب پاشا در استانبول بشماره ۸۷۶ وکتابخانه کوپرولی بشماره ۹۵۳ هست واین کتاب را درزبان عبری می‌شناختند .

۳ـ (صناعة علم‌الموسیقی) که نسخه‌ای از آن درکتابخانه کوپرولی بشماره ۹۵۳ و درکتابخانه مصر نسخه عکسی ازآن بشماره ۵۱۲ (هنرهای زیبا) هست .

۴ـ (کتاب فی‌الموسیقی) که درکتابخانه تیمور نسخه‌ای ازآن هست ولی درص ۲۰۹ آن از ابن سینا یاد میشود پس‌ازفارابی نخواهد بود .

۵ـ (اسطقسات علم‌الموسیقی) که بگفته بروکلمن ازفارابی‌است ونسخه‌ای

1— La Musique Arabe, traduction par . . . .

T. I Alfarabi, Grand traité de la musique paris 1930.

T. II Kitab al-Shifá, Mathematique ch. XII Paris 1935.

T. III, Safiyu-D.Diu Al-Urmawi Paris 1928.

(دراین جلد شرفیه وادوار ارموی هردوترجمه شد)

از آن درمادرید بشماره ۶۰۲ هست .

لاند Lande خاورشناس هلندی پاره‌ای‌ازرساله موسیقی‌فارابی را درنامه ششمین انجمن خاوری درلیدن بسال ۱۹۰۳ بچاپ رساند .

دانش وهنرموسیقی را دانشمندان خاوری ازایران ویونان گرفته‌اند واز آغاز موسیقی دانهای ایرانی بدربارهای فرمانروایان تازی راه یافته در این هنر سرامد بوده‌اند . نگارشهای موسیقی یونانی بزبان تازی درآمده بود . ساختمان‌و روش این‌فن ازریاضی یونان واصطلاحات این هنر بیشتر بپارسی میباشد و نشانه‌های ایرانی دراین هنر آشکاراست .

نخستین بار نگارشهای‌اقلیدس (کتاب‌النغم‌معروف بموسیقی) ونیقوماخوس (الموسیقی‌الکبیر) بزبان تازی درآمده آنگاه دانشمندانی چند دراین دانش‌کار کرده‌اندکه بیشترآنها ایرانی هستند :

۱ـ اسحق ارجانی موصلی (۱۵۰ـ۱۳۵)که مادرش شاهك رازی و پدر وی ابراهیم پسر ماهان پسربهمن پسرنسك بوده‌است . این‌هنرمند چندین‌نگارش در موسیقی و سرود دارد و از آنها است : اغانی کبیر ـ مجموعه اغانی ـ اغانی معبد ـ الاختیارمن‌الاغانی للواثق. یحیی‌بن علی درنگارشی‌که بنام موصلی ساخته از (کتاب‌النغم) او گرفته است .

۲ـ فیلسوف کندی بغدادی (۱۸۸ـ۲۵۸)که ابن‌ندیم (ص ۳۵۹) هفت نگارش موسیقی از وی یاد میکند یکی از نگارشهای موسیقی اورالاخمان وحفنی بچاپ رساندند .

۳ـ ثابت بن قره حرانی (۲۲۱ـ ۲۸۸)که قفطی (۸۲) دو کتاب موسیقی از او یاد میکند .

٤ـ قسطابن لوقا ترسای بعلبکی شامی رومی (مرده درارمنستان نزدیك ۳۱۰)که ابن‌ندیم میگوید وی درموسیقی‌آگاه بوده است .

۵ـ ابی‌طالب مفضل‌بن سلمه نحوی لغوی (م ۱۹۰ = ۹۰۱)که (الملاهی نوشته است .

۶ـ پسرخرداذبه (م نزدیك ۳۰۰) نویسنده (اللهو والملاهی) .

۷ـ فارابی (۲۵۹ـ۳۳۹) که چندکتاب موسیقی دارد .

۸ـ خوارزمی (م ۳۸۷) که درمفاتیح العلوم (باب۷مقاله۲ص۱۲۶ـ۱۴۱چاپ منیریه مصر) ازموسیقی سخن راند .

۹ـ اخوان‌صفا (سده ٤) که در رساله ٥ بخش ریاضی‌رسائل ورساله٤بخش ریاضی‌الرساله‌الجامعه این هنررا آورده‌اند . ٥

۱۰ـ خواجه رئیس ابوعلی سینا (۳۷۰ـ٤۲۸) که درفن چهارم ریاضی‌شفا و رساله موسیقی این هنررا آورد . این دومی را استاد محمود حفنی‌ازروی نسخه اکسفورد دربرلین‌بسال۱۹۳۱چاپ کرد ودرمجموعه هفت رساله دردکن‌بسال $\frac{۱۹۳۴}{۱۳۵۳}$ نیز بچاپ رسید . ۱۰

۱۱ـ ابوعبید جوزجانی‌شاگرد شیخ رئیس که برنجات ودانشنامه اورساله موسیقی افزود .

۱۲ـ ابی‌منصورحسین‌بن‌محمدبن‌عمربن‌زیله(م٤٤۰) که‌الکافی‌فی‌الموسیقی‌را درسه فصل (نغم ـ ایقاع ـ تألیف اللحون) نوشته و نسخه از آن درموزه بریتانیا و رامپورهست . ۱۵

۱۳ـ ابی‌الصلت امیه اندلسی (م۵۲۹) پزشك شاعرموسیقی‌دان که عودخوب میزد و (رسالة فی‌الموسیقی) دارد .

۱٤ـ ابن باجه ابوبکرمحمدبن‌الصائغ‌اندلسی (م۵۳۳) پزشك موسیقی دان که عود خوب میزده است .

۱۵ـ امام فخرالدین تبرستانی رازی (م ٦۰٦) که درجامع‌العلوم یاستینی پارسی درشماره ٤۷ ازموسیقی سخن راند . ۲۰

۱٦ـ ابوالمعالی‌بدرالدین محمدعلی‌خطیب‌شافعی‌فرزند احمد اربلی موصلی (زاده ٦۸٦) سراینده (ارجوزةالانغام) بسال ۷۲۹ که عزاوی دربغداد بسال $\frac{۱۳۷۰}{۱۹۵۱}$ چاپ کرد ونیز درمجله مشرق (ج ۱٦ ص ۸۹۵) بنام جواهرالنظام فی‌معرفةالانعام ازروی نسخه۸۷۷چاپ شد وشرح آن بنام برءالاسقام فی‌شرح قصیدةالانعام دربرلین ۲۵

بشماره۵۵۱۵ هست.

۱۷ ـ صفی الـدین ابوالمفاخر عبدالمؤمن بن یوسف بن فاخر ارموی آذربایگانی که قطب شیرازی درموسیقی درةالتاج (چاپ تهران ص۵) درباره آن (افضل ایران) گفته است وی نزدیك بسال ۶۱۳ زاده و در ۸یا۲۰ صفر سال ۶۹۳ درزندان بگناه تهی دستی و بدهکاری درگذشت. این دانشمند ازمردم بلخ بوده و باادب وتاریخ وخلاف آشنائی داشت وشعر میسرود وخوش می‌نوشت ودرموسیقی سرآمد بوده است. وی درتبریز و بغداد میزیست وکارکتابداری نیز کرده است، این موسیقی دان ایرانی با آمیختن قانون و رباب و نزهه ساز مغنی را ساخت و چندین نگارش درشعر وموسیقی دارد:

الف ـ العروض والقوافی والبدیع که نسخه‌ای از آن در (بودلی) هست.

ب ـ الکافی من‌الشافی که در (کتابخانه عمومی دمشق) هست

ج ـ ایقاع در مـوسیقی بپارسی که شکرالله احمد اوغلو آنرا بترکی در آورده بخشی از کتاب بزرك خویش ساخت ودرمجله ترکی (شهبال) در استانبول چاپ شد واحمد بن‌عبدالرحمن موصلی آنر بعربی درآورد.

د ـ الرسالة الشرفیه فی‌النسب التألیفیه یاکتاب الموسیقی که برای شرف الدین هارون پسر شمس‌الدین محمد جوینی نوشت ونسخه‌هائی از آن درآستانه ومصر و برلین (مورخ ۶۷۶) و مجلس شورای ملی وکتابخانه ملی ملك در تهران هست وترجمه فارسی آن درکتابخانه حاجی محتشم السلطنه بوده است وکارادوو خاور شناس فرانسوی گزیده آنرا بفرانسه درآورده ودرمجله آسیائی بچاپ‌رسید

ه ـ الادوار که ارموی آنرا پیش ازگشودن بغداد نگاشته ودر۱۵ فصل میباشد و نسخه مـورخ ۶۳۳ آن در نـور عثمانیه بشماره ۳۶۵۳ و نسخه نوشته عبدالکریم بن‌السهروردی درتاریخ۷۲۷ درمصر بشماره ۳۴۹ (هنر های زیبا)هست این کتاب راچندین بار بپارسی ترجمه وشرح کردند:

I ـ ترجمه پارسی نسخه ملی ملك که گویا ازخود صفی الدین است

II ـ شرح شهاب الدین صیرفی.

III شرح یحیی‌بن احمدکاشی موسیقی‌دان‌که بدستور شاه شیخ ابواسحق اینجو (۷۲۱-۷۵۸) نگاشته و نسخه‌ای از آن درمجلس تهران هست و در آن گاهی ترجمه و گاهی تفسیر نمود .

IV شرح نصرالله قاینی .

V شرح خواجه عبدالقادر غیبی مراغی آذربایگانی (۷۵٤ - ۸۳۸) بنام زبدةالادوار. وی‌رساله‌زوایدالفوایدخویش‌را پس‌از آن‌نوشته و بر آن افزود و ایندو با رساله موسیقی بترکی در سپهسالار تهران هست . مراغی دیباچه‌ای براین شرح نوشته وبنام شاهرخ ساخته است وعزاوی نسخه آنرا دید .

VI شرح لطف‌الله سمرقندی .

VII ترجمه محمداسماعیل سپاهانی که‌برای میرزا آقاخان نوری صدراعظم ناصرالدین شاه نگاشت و نسخه آن درمجلس ومسجدسپهسالارهست .

الادوار چندین شرح وترجمه بعربی وترکی دارد :

I شرح عربی مولانا مبارکشاه که برای جلال‌الدین ابوالفوارس شاه شجاع مظفری (۷٦۰-۷۸٦) نگاشته و نسخه آن درموزه بریتانیا هست .

II شرح عربی فخرالدین‌محمدبن محمدبن‌ابی‌نصرخجندی (موزه بریتانیا)

III شرح عربی گمنام (موزه بریتانیا) .

VI ترجمه ترکی‌شکرالله احمداوغلواماسیه‌ای در آغازسده نهم که ۲۱فصل بر آن افزود . این ترجمه درجلد آخر مجله ترکی شهبال بچاپ رسید و دوره‌ای از آن را مخبرالسلطنه بکتابخانه آموزشگاه عالی موسیقی بخشیده است .

۱۸- قطب شیرازی (٦۳٤ - ۷۱۰) که در درة التاج (بخش ۲ چاپ تهران بسال ۱۳۲٤ در ۱٤۹ صفحه) درفن ٤ جمله ٤ (علم اوسط) ازموسیقی سخن راند وی درآغاز ازخرده گیریهای ارموی برفارابی وابن سینا پاسخ گفته و باز درجاهای دیگر ازفارابی وارموی یاد نموده است .

۱۹- شهاب‌الدین‌عبدالله صیرفی خنیاگرخوشنویس (م۷٤۲) که خلاصة‌الافکار فی معرفة الادواررا برای سلطان اویس (۷۵۷ - ۷۷٦) نوشت (نسخه آقای همائی

که درتاریخ ادبیات ایران خود ج ۱ ص ۲۱٤ و ج ۲ ص ۸۸ از آن یادکرد) .

۲۰ـ شمس‌الدین محمدآملی (م ۷۵۰) که درمدرسه غازانیه تبریز درس میگفت وسپس درروزگارشیخ ابی‌اسحق بشیرازرفت شیرازی درشدالازار (چاپ تهران بسال ۱۳۲۸ ص ۱ـ ٤۵۰) مینویسد که او را دیدم و بـا او آمیزش داشتم واو دوستدارخاندان پیامبربوده است ودرشیرازدرگذشت . آملی درنفایس‌الفنون (چاپ تهران بسال ۱۳۰۹ وسال ۷ ـ ۱۳۱٦) درفن ٤ مقاله ۳ قسم ۲ از موسیقی سخن راند و درآغاز این فن در دو جا از فارابی و ابن سینا یاد کرد وی درآنجا بخرده گیریهای صفی‌الدین ارموی درشرفیه ازفارابی همان پاسخهائیکه قطب شیرازی دردرةالتاج داده است میدهد .

۲۱ـ صفدی نگارنده الوافی بالوفیات (م ۷٦٤) کـه « الکتاب الجامع فی‌الموسیقی » نگاشته ونسخه‌ای ازآن دربرلین بشماره ۵۵۲۵ (ج ۵) هست .

۲۲ ـ خواجه کمال الدین ابوالفضائل عبدالقادر بن غیبی حـافظ مراغی آذربایگانی (۷۵٤ـ۸۳۸) که این نگارشها ازاواست :

الف ـ جامع الالحان بفارسی که کتابی است بزرك و در یك مقدمه و ۱۲ باب ویك خاتمه وهمه مسائل را دارد وبرای شاهرخ نگاشته‌است نسخه‌هائی‌ازآن درنورعثمانیه هست دردانشمندان آذربایجان ص ۲٦۲ گوید وی این کتاب را برای پسرخود نورالدین عبدالرحمن بسال ۸۱٦ نگاشته است .

ب ـ کتاب‌الموسیقی که نسخه‌ای ازآن درنورعثمانیه هست .

ج ـ مقاصدالالحان که برای‌سلطان‌محمدبن‌سلطان مرادنگاشته ونسخه‌ای مورخ ٤ ج ۲ سـال ۸۳۸ در طوپقپو بشماره ۱۷۲٦ هست نگارنده دانشمندان آذربایجان (ص ۲٦۱) از نسخه‌ای بخط خود او و مورخ ۸۸۱ که برای شاهرخ میرزا نوشته بود یاد میکند .

د ـ زبدةالادوار که نسخه‌ای ازآن را منیف بیك مستشار پیشین سفارت عثمانی درتهران درآنجا جسته و باستاد رؤف بیك موسیقی دان ترك ارمغان داد .

ه ـ شرح ادوارارموی که‌عزاوی‌نسخهٔ‌ازآن رادیده وآنراجزءزبدةالادوارمیداند .

و ـ کنز الالحان فی علم الادوار .

۲۳ـ محمدبن عبدالحمید لاذقی (م نزدیك ۹۰۰) که زین الالحان فی علمی التألیف والاوزان را در ۸۸۸ نگاشته ونسخه‌ای از آن بشماره ۳۶۵۵ درنورعثمانیه هست . وی الفتحیه فی الموسیقی را برای سلطان بایزید پسرسلطان محمد نگاشته ونسخه‌ای از آن درکتابخانه عمومی اوقاف بغداد درگنجینه خالدیه بشماره ۲۱۲۹ هست و در آستانه طوس هم نسخه‌ای بتاریخ ۹۵۷ (فهرست انجاج ۳ ص ۳٤٤) بشمارهٔ ۱٤۲ هست [۱] .

۱ـ دیده شود: مجله موسیقی سال۱ شماره ٤ و ٥ تاریخ ۱۳۱۸ ص۱۱-۱۸ و سال۳ تاریخ ۱۳۲۰ شماره ۸و۹ ص۳۱ وشماره ۱۰و۱۱ همین سال ص۱۲ ـ ۲۳ که در اینجا ازرساله موسیقی گمنامی یاد میکند که درنزدیك بسال ۹۱۰ نوشته شده‌است وص۲٦-۲۷ همین شماره .

نیز مجلة المجمع العلمی العراقی جزء ۱ سال ۱ چاپ بغداد بسال ۱۹٥۰-۱۳٦۹ که کتاب النغم ابواحمد یحی بن علی بن یحیی بن (ابی منصور مجوسی ستاره شناس پارسی) درص ۱۱٤ـ ۱۲٤ این مجله چاپ شده است. ابـواحمد (۲٤۱ـ۳۰۰) ادیب شاعر متکلم معتزلی بوده است . جواد علی در دیباچه‌ای که براین کتاب النغم نوشته است ص ۱۰٤ ـ ۱۱۲ ازمجموعه‌ای درموسیقی یادمیکند که در موزه بریتانیا بشماره ۸۲۳ هست ومینویسد که درآن چندین رساله است :

۱رساله‌ای بفارسی ازمحمد بن خلال رضوی مورخ ۱۰۲۸ درباره اراء فقیهان و صوفیان درباره موسیقی ۲ـ رساله جواز سماع از عبدالجلیل بن عبدالرحمن که برای نواب مسیح الزمان نگاشته‌است ۳ـ الادوار ارموی ٤ـ شرح ادوار ٥ـــ شرح ادوارمبارکشاه ٦ـ شرح ادوار خجندی ۷ـــ موسیقی دانشنامه یاحکمت علائی ۸ـــ رسالهٔ فی خبر تالیف الالحان ازکندی که گویا همان باشد که لاخمان (Lachman) ومحمود حفنی بهمین نام در لایپتسیك بسال ۱۹۳۱ شرح وچاپ کردند و از آن رساله نسخه عکسی درقاهره هست ۹ـ رساله گمنام درموسیقی که ازشفا وادوار وشرفیه ارموی ومقاصد الالحان مراغی یادمیکند وبرای سلطان محمود بن سلطان مراد عثمانی (۸٤۷-۸٤۹) نگاشته شد ۱۰ ـــ الکافی فی الموسیقی ابن‌زیله ۱۱ـ رساله یحی ندیم که ازخاندان دانش بوده وازاسحق بن ابراهیم موصلی پیروی میکرده است این‌رساله بچاپ رسید . ندیم چند رساله دیگر درتاریخ شعرا وخنیاگران دارد ۱۲ بخشی از (المدخل فی‌الموسیقی) فارابی ۱۳ـ کشف الاوتار ازقاسم فرزند دوستعلی بخاری که بپارسی است و برای امپراتور جلال الدین اکبر نگاشته است ۱٤ کنزالتحف درموسیقی که بپارسی است ودریك مقدمه و٤ مقاله است و بیت هائی در

بقیه حاشیه درصفحه بعد

۵۸ـ نکت فیمایصح ومالایصح من احکام‌النجوم .

این رساله درالثمره دیتریسی و درالمجموع بنام (نکت ابی‌نصر فیمایصح و مالایصح من احکام‌النجوم) بچاپ رسید و در ۳۰ بند شماره گذاری شده است . درچاپ دیگرمصر که سه رساله فارابی بادعوةالاطباء ابن بطلان درآن است بدان (مختصرالفصول‌الفلسفیه) نام داده شده و عنوانهای فصل دارد و در ۳۰ فصل است این رساله دردکن بنام (رسالة فی‌فضیلة العلوم والصناعات) بسال۱۳٤۰ بچاپ رسید آنهم عنوانهای فصل دارد .

در مدرسه سپهسالار تهران دو نسخه بشماره های ۱۲۱٦ و ۲۹۱۲ هست و دومی رسالة الفصوص‌الصغیر نامیده وسر هربندی (فص) دارد ودردیگری رسالة (النکت لابی نصرالفارابی) نامیده شده و بیك واسطه از خط فـارابی نقل گردید ودیباچه ازابواسحق ابراهیم‌بن عبدالله بغدادی داردکه درچاپ دیتریسی‌والمجموع دیده میشود ولی درچاپ دیگرمصر ودرچاپ هند نیست .

درنسخه این کتابخانه (شماره ۳۳۹)که بدوواسطه از روی خط فارابی نوشته‌شده عنوان فصل دارد و۳۰فصل میباشد واین‌دیباچه را هم دارد ودرپایان‌هم

---

۱۵ مانده حاشیه صفحه پیش

آن هست که برای سید غیاث الدوله والدین حسینی سروده شد شد این کتاب در۷٤٦ بنگارش درآمد .

نیز: الموسیقی العراقی فی‌عهد المغول والترکمان ازمحامی عبـاس عزاوی که‌پس ازدیباچه‌ای درتاریخ موسیقی‌عراق(که‌درآن همه موسیقی دانهای‌ایرانی‌را ازعراق‌دانست!!)

۲۰ سه‌رساله ملاهی‌ابن‌سلمه ولهوو‌ملاهی پسرخرداذ به‌ازروی مروج الذهب مسعودی وارجوزة الانغام اربلی رادربغداد بسال ۱۳۷۰ـ۱۹۵۱ بچاپ رسانند .

ملاهی ابن‌سلمه راجیمس روبس بانگلیسی ترجمه کرده و در مجله انجمن همایونی آسیائی بـاعکس نسخه خط یاقوت مستعصمی بسال ۱۹۳۸ چاپ نمود وچاپ عزاوی ازروی آن‌است و نسخه‌اصل درسرای طوپقپودراستانبول‌میباشد. عزاوی دردیباچه ازالعودوالملاهی

۲۵ یحی‌بن‌ابی منصورموصلی، وقصیدةفی‌آلات‌الطرب از نویسنده گمنام (فهرست مصرج۳ص۲۸۷) یاد میکند وی‌باز میگوید که عبدالعزیز نوادهٔ خواجه عبدالقادر مراغی برای سلطان‌سلیمان نقاوة الادوار نگاشته ونسخی ازآن درآستانه هست .

با دو نسخه سپهسالار و چاپ مصر و هند نزدیك است دردو نسخه چاپی دیتریسی والمجموع نکته‌ای که بایستی ازهمان دیباچه نگار باشد نیست (۱) .

اکنون از اثبات المفارقات گفتگو کنیم : فارابی دراین کتاب میگوید که مفارقات چهارند (خدا ـ عقلهای فعال ـ نیروهای آسمانی ـ روان مردمان) آنگاه خدا را با برهان نیازمندی رشته ممکنات بهستی بی سبب از روی دلیل « وسط وطرف » که متأخران آنرا یکی ازدلایل امتناع تسلسل دانستند اثبات میکند وبرای اثبات عقلها شش دلیل میاورد که یکی از آنها برهان (آفریننده یگانه و یکتا را آفریده‌ای یگانه و یکتا خواهد بود) میباشد و درهمین دلایل نیروهای آسمانی و روان را مجرد نشان میدهد و در پایان دلیلهای دیگری برای تجرد روان میاورد که یکی از آنهاهمان دلیل حضور ذاتی است که شیخ رئیس درمباحثات با بهمنیا را آورده است . امام رازی در مباحث مشرقی و صدرالدین شیرازی در مبدء و معاد واسفاراین گفتگوی استاد وشاگرد آورده ترتیبی بدانها دادند ودانشمند سبزواری درمنظومه بدان اشاره نمود . فارابی درانجام این کتاب بعقل هیولائی و بفعل ومستفاد اشاره میکند .

[۵۷]

۲۴۵ این نسخه شماره سوم دفتری است که دارای چندین رساله ازفارابی میباشد و از برك ۸ ب تا ۱۰ ب بخط نسخ نوشته شده است . نشانه نسخه دردنبال «الاوسط» یادگردید .

۱ــ دیده شود :

۱ــ متن فرانسوی دائرةالمعارف اسلامی در کلمه فارابی .

۲ــ دیباچه وخاتمه احصاءالعلوم چاپ مصر بسال ۱۹۴۹ ازدکتر عثمان امین .

۳ــ الفارابی عباس محمود چاپ مصر بی‌تاریخ

٤ــ تاریخ فلاسفه الاسلام لطفی جمعه چاپ مصر بسال $\frac{۱۳۴۵}{۱۹۲۷}$ درشرح حال فارابی .

۵ــ دیباچه موریس بوئیژ برر ساله فی‌العقل فارابی چاپ بیروت بسال ۱۹۳۸ بفرانسه .

٦ــ شرح حال فارابی در دنباله نکت فارابی که با دو رساله دیگر اویکجا چاپ گردید ص ٦٤ .

۷ــ معجم المطبوعات

[۵۲] **اثبات النبوة** (عربی)

خواجه رئیس ابوعلی سینا دراین رساله که در (تسع رسائل) چاپ قاهره بسال ۱۹۰۸ ص ۱۲۰-۱۳۲ آمده است پیامبری را ثابت میکند وپرده ازروی راز ورمز پیامبران برمیدارد وفرشته آسمانی را نیروی عقلی می‌پندارد و مسئله دشوار وحی را با روش فلسفی میگشاید آنگاه پیامبری پیامبر اسلام را روی سنجش با پیامبران دیگر اثبات میکند وی دراینجا میگوید که پلاتون درنوامیس می‌نویسد: «هرکه رازپیامبران را درنیابدبجهان خدائی نخواهد رسید» بازمیگوید که پیامبران یونانی همه رمز بکار می‌برده‌اند ازاین روی بود که پیامبر توانست تازیان نادان را دانا سازد. شیخ دراینجا آیه نور را تفسیرفلسفی میکند چنانکه دربند ۱۱ نمط ۳ اشارات همین کاررا کرده و آیه را بچهارعقل تأویل نمود آنگاه میگوید که اسکندر افرودیسی دراینکه عقل کلی را همان خدای ارسطو پنداشت نادرست گفته است. سپس برعرش بودن خدا وفرشته بودن آسمانها و پاداش و کیفر وصراط وهفت در دوزخ و هشت در بهشت را تأویل فلسفی میکند روش شیخ دراینجا مانند باطنیان اسمعیلی میباشد و تأویلهای ناصرخسرورا بیاد میآورد. شیخ میگوید که فیلسوفان بزرك یونان همه برمز می‌نوشتند جز ارسطو که افلاطون اورا دراین باره نکوهش کرده و او گفت اگرچه من دانش را دردسترس همه گذارده‌ام ولی درنگارشهایم شکافهائی است که همه بدان راه نمی یابند قنواتی (ش ۲۴۵) مینویسد که ترجمه پارسی این رساله درنورعثمانیه بشماره ۴۸۹۴ هست.

این نسخه شماره بیست ششم دفتری است که دارای ۳۵ رساله میباشد و بخط تعلیق از ص ۱۶۰ تا ص ۱۶۷ است ودرپایان نسخه نام (عبدالرحمن بن‌محمودبن عبدالکریم‌الحاری‌الطبیب) نوشته شده که گویا دارنده نسخه بوده‌است. نشانه نسخه دردنبال رساله (حدود) شیخ یادگردید. ۱۰۷۹

[۵۳] **اثبات واجب** (عربی)

این‌رساله همان رساله‌اثبات‌العقول شیخ رئیس (شماره۳۳۹/۱۹) است که درآن بروش مشائیان رفته خدا راثابت میکندورشتهٔ آفریدگان را چنانکه آنان

گفته‌اند گزارش میدهد و از پیامبری وروز رستاخیز نیز یاد میکنند.

آغاز :«بسمله الحمدالله رب العالمین والصلوة والسلام علی محمد واله اجمعین کل شیء فی عالم الکون والفساد مما لم یکن فکان قبل الکون ممکن الوجود».

انجام : جل جناب الحق عن یکون شریعة لکل وارد اویطلع علیه الاواحدا بعد واحد فمن سمع و اشمأز فلیتهم نفسه فلعلها لا یناسبه و کل میسر لما خلق له

عبارتی که درپایان رساله دیده میشود همانست که شیخ رئیس دراشاره ۲۸ نمط ۹ اشارات آورد.

[۵۹]

این نسخه شماره چهل و ششم دفتری است که دارای ۵۱ رساله میباشد ودرص ۱۰۳۵ ۲–۱۴۰۱ این دفتر که بخط نسخ وتعلیق شکسته باجدول بزرولاژورد میباشد و صفحه شماری دارد و سه تن آنرا فراهم آوردند یکی ناصرالدین حسین بن نورالدین محمد کرمانی بسال ۱۰۹۷ (ص۷۷–۱۵۲–۱۶۷–۱۷۲) وسال ۱۰۹۹ (ص ۴۵–۷۲) وسال ۱۱۰۱ (ص ٤٦) وسال ۱۱۰۲ (ص ٤۰۲) . دیگر سالك الدین یزدی (۲۹۹) .

دیگر شهاب‌الدین علی حسنی حسینی دیباجی درشعبان ۱۰۹۸ (ص ٦ – ۲۸۵) ودرر باط کرمان بسال ۱۰۹۹ (ص۲۱۹و۳۰۰) ودرشعبان سال ۱۱۰۰ (ص۴۵۰و۴۵۵) و شب ۱۸ ج ۱ سال ۱۱۰٤ (ص۴۵۰) ودردیه فیض‌آباد خبیص درپنجشنبه۱۷ شعبان همین سال (ص۳۵۱) و بسال ۱۱۰۹ (ص ٤۲۵) . بازنام همین شهاب‌الدین درص۴۱۳ دیده میشود درص ۲۹۹ نوشته است که سالك‌الدین یزدی اصل نسخه را نوشت .

درص۴۵ دارد : «کتبه ابن نورالدین محمد ناصرالدین شنبه۲٤ رجب ۱۰۹۹» ودرص ٤٦ : «حرره الاخ الاعز ناصرالدین محمد فی شهرشوال ۱۱۰۱» ودرص۷۲ : «ابن نورالدین محمد ناصرالدین حسین کرمانی درفیضاباد خبیص کرمان بفرموده مخدوم شها با علیا سه شنبه ۲۵ ج ۲ –۱۰۹۹» ودرص ۷۷و۱۵۲و۱۷۲ سال ۱۰۹۷و درص ۱٦۷ نیزشعبان همین سال خوانده میشود و درص ٤۰۰ دارد : « ابن نورالدین محمد ناصرالدین » باز درص ٤۰۲ همین نام یاد شده ودارد : « بدستور سیادت شهابا علیا درسه شنبه ۲٤ رجب ۱۱۰۲» – بازتاریخ ۱۱۰۱ درص ٤۱٤ دیده میشود .

درص ٤۱٦ دارد : «نقلتها من مجموعة . . . مولانا عبدالحسین البافقی سلمه فی قصبه بافق ۱۱٤۲ پس این دفتر را این سه تن از سال ۱۰۹۷ تا ۱۱٤۲ بنگارش درآوردند و درکرمان نوشته شده و پیداست که ناصرالدین آنچه را نوشت بدستور همان شهاب‌الدین بوده است .

درص ۱۸۵ این دفتر پاره‌ای ازسخنان ابن‌الطیب درباره عشق دیده میشود که از رهگذر روانشناسی و پزشکی ازآن گفتگومیکند وچنین آغاز میشود : «فصل من کلام ابی‌العباس احمدبن‌الطیب فی‌العشق ذکرفی کتابه فی‌تثبیت امرالنجوم واجزاء الحکمه و اسرارالنفس » باز در همین جا سخنی آورده شده از دیگری در همین مسئله عشق .

درص ۲۱۹ محمد قاسم حسینی دوبخش ازسخنان شرف‌الدین علی یزدی را میآوردبدینگونه : «من حلل مطرزفی‌تعریف کمال‌اسمی کل عدد ، من مصنفات مولانا شرف‌الدین علی یزدی . . . » آنگاه خود ازاین مسئله ریاضی‌کاوش میکند .

درص ۲۲۰ نیزگفتارهائی است درریاضی ودرص ۲۲٤سخنانی است ازشیخ اقرائی ودیگران درباره نشانه‌های آبستنی وسترونی . ودرص ۲۳۲ چند بیتی بتازی از ابن‌سینا . درص ۲٤٦ خرده‌گیری‌که دبیران قزوینی از سخن خواجه رئیس درشفا درباره شناساندن فصل «الذی یمیزالماهیة عما یشارکها فی‌الجنس» کرده است آمده ونیزتعریف امکان خاص وواجب است وممتنع .

درص ۲٦۳ : سخن حلاج دردم مرگ وگفتگوی او با شبلی و نمازخواندن وخندیدن اوهنگام دیدن چوبه دار ومیخهای‌آن چنانکه ابراهیم فرزند فاتك میآورد.

درص ۲٦۷ : بیتهائی از و طواط و شیخ رئیس و مغاربه و ابوسعید رستمی وخبزرزی .

درص ۲٦۸ :گفتگوی اوحدالدین ابی‌حامدکرمانی با مستنصر بالله درربا‌ط مرزبانیه .

در ص ۲۷۱ : راز و نیـاز شیخ رئیس با ستاره عطـارد هنگامیکه میخواست مسئله دشواری برای وی‌آسان‌گردد درسه بیت .

در ص ۳۱٤ : سه نامه پارسی‌که‌کلمات همانند و بی‌نقطه (جناس خطی) درآنها بسیار آمده نخستین از قاسم نوربخش است بپادشاه غیاثاشاه عبدالعلیا دومی پرسشی است‌که از امیرعلی شیرکرده‌اند وپاسخ او سومی نامهٔ دیگری است .

ص ۳۱٦ : از باب دوم «مفیدالمستفید» درشناختن تن و جان بپارسی‌که از محمد غزالی دانسته شد ولی از باباافضل‌کاشی است .

ص ۳۳٦ : ازنگارشهای میرزا سعید وزیرملك حمزه خان .

ص ۳۷۷ـ۳۸۵ :گفتار یزدی درعرفان و علم حروف بفارسی شیوا و چنین آغازمیشود : « من حلل مطرز من مصنفات مولانا شرف‌الدین علی یزدی » .

ص ٤۱۳ : سخنی از پلاتون . ص ٤۱٤ : سخنی از خواجه طوسی درآغاز

وانجام جهان بروش عرفانی وباطنی وبفارسی‌ازبرخی رساله‌های اووآغازوانجام آن چنین‌است : «درصفت راه‌آخرت وذکرسالکانش واسباب اعراض مردم‌ازآن ـ وتمسك بکلمات تامات اووتمت کلمه ربك صدقا وعدلا . . . وهادیا ونصیراً .

ص ٦ـ٤١٥ : پاسخ شیخ بهائی بشاه عباس دربرخی مسئله‌های فقهی وتاریخی بفارسی که درآن از پیدایش آبله فرنکی (آتشك) یاد شد .

ص ٤١٧ : پاسخ شیخ زین‌الدین عاملی بکسی که میپرسد چرا صوفیان کرامتها دارند ودانشمندان ندارند . وی میگوید : صوفیان مانند بندگان همدم شاهند وازراز او آگاهند و دانشمندان مانند نمایندگان شاهند درکشورداری ودورند از وی مگر اینکه از بندگان برترند .

ص ٤١٨ : پاسخ خواجه طوسی بکسی درباره جدا ساختن وحدت و توحید و اتحاد بپارسی .

ص ٤ـ٤٣٣ : گفتار از مایشگران و پزشکان درباره درجه‌های نطفه دررحم .

ص ٤٣٥ : سخن دوانی‌درباره توحید (من افادات محقق‌الدوانی‌فی کلمة‌التوحید اعلم ان محصل‌التوحید اثبات وجود فرد واحد للواجب) .

ص ٧ـ٤٣٦ : ازرساله اثبات واجب جدید دوانی درباره توحید بپارسی .

ص ٤٤١ : درباره معنی وجود بپارسی که درآن از حاشیه شرح جدید میرسید شریف‌الدین علی گرگانی که درشیرازدرگذشت‌آورده شده وترجمه گفتار اوبپارسی .

ص ٤٥١ : نامه قاضی میرحسین میبدی بمولانا جامی بپارسی .

ص ٤٦٠ : ازعجائب‌المخلوقات قزوینی دراعداد وفق ومربعات بپارسی .

ص ٤٨٨ : پندهای لقمان بپارسی ـ ص ٤٩٦ : نامه سالك محمد بملازین‌الدین طبیب بپارسی با اصطلاحات پزشکی وتاریخ نوشتن آن ٢٢ شوال ١١٠٣ میباشد .

ص٤٩٩ـ٥٠٣ : گزیده‌ای ازقرابادین شفا . ص٥٤٢ ترجمه پندهای شیخ رئیس بنظم پارسی .

نشانه نسخه در بخش یکم یادگردید ودرص ٢٤و٥٤و٦٤ این بخش نیز ازآن یاد شد .

[٥٤] اثبات واجب (عربی)

خواجه رئیس ابوعلی‌سینا این رساله را درسه فصل (اثبات آفریننده ـ علتها ومعلولها ـ دانائی خدا) نوشته ودرآن ازخدا وصفتهای اووآفرینش‌او گفتگونمود.

این رساله همانست که قنواتی درفهرست خود بنام « الفصول‌الثلثة » بشماره

۱۸۷ یاد نمود وجزرساله‌ایست که پیش شناسانده شد .

آغاز : قال‌الشیخ‌الرئیس - بسمله الحمدلله رب‌العالمین . . . . الفصل‌الاول فی اثبات الصانع و ایراد البرهان القاطع علیه کل جملة من علل و معلولات فلا بد وان ینتهی الی طرف هو علة لیس بمعلول .

انجام : انت‌المرجوع الیه والمعول علیه فی‌تفسیر هذاالامر العظیم والانزال فی هذا المنزل المبارك الکریم . . . . والمشتاقین منهم الی مرتبه‌العشق . انك انت الرحیم والحمدلله رب‌العالمین .

[۶۰]

۸۷۶ این نسخه شماره چهارم دفتری است دارای ۱۶ رساله وبخط شکسته تعلیق از از برك ۴۳ ب تا برك ۴۷ ب میباشد .

(همه دفتر ۲۰۵ برك) - کاغذ فرنگی - جلد مقوا گوشه‌ها وته‌آن میشن
اندازه : ۱۱×۱۸ و ۹×۱۵ س ۱۸

[۵۵] **اثبات‌الواجب** (عربی)

دانشمند بزرگوار ابوجعفر محمد فرزند علی طوسی که در ۷۵ سالگی در نجف بسال ۴۶۰ درگذشت ازرهبران نامورشیعی بشمارمیآید وبشیخ یاشیخ‌الطایفه یا شیخ الامامیه یا الشیخ الطوسی نامبردار میباشد . وی شاگرد شیخ مفید و سید مرتضی وابن‌الغضائری وابن عبدون بود وبیشتراز ۳۰۰ شاگرد سنی وشیعی داشت فرمانروایان عباسی او را مانند دیگر رهبران مذهبها کرسی تدریس داده بودند و آزادانه درس میگفت . طوسی درحدیث ورجال وادب وتفسیروکلام واصول وفقه سرآمد روزگارخویش‌بوده ونزدیك به۳۷۰نگارش دارد وی درکلام «اصول‌العقاید که در آن ازتوحید وعدل گفتگونمودونیز» مایعلل ومالایعلل «که دیباچه‌ای است بی‌مانند برای کلام نوشت در پیروی دانشمندان شیعی از طوسی همین بس که شیخ سدیدالدین محمود فرزند علی فرزند حسن رازی حمصی (زنده در ۵۸۱ و۵۸۳) دانشمند متکلم اصولی فقیه و استاد فخررازی و شیخ منتخب‌الدین و امیرورام بن ابی‌فراس (م۶۰۵) [۱] میگوید : «پس‌ازشیخ طوسی برای‌امامیان دیگرفتوادهنده‌ای

۱ - نگاه به : ریحانة‌الادب ج۲ص ۳۹۹ - ۴۰۱ وج ۱ ص ۷ - ۳۴۶ وهدیة‌الاحباب قمی ص ۹

نمانده وهمه از او نقل میکنند » . این سخن را زین‌الدین شهید ثانی عاملی جبلی (۹۱۱-۹۹۶) درالرعایة فی درایة الحدیث (چاپ سنگی ایران از آقامیرزا حسین کجوری بسال ۱۳۰۹ ص ۳-۳۲) وابومنصور جمال‌الدین حسن (م ۱۰۱۱) فرزند شهید ثانی درمعالم درمطلب ٥ دراجماع اصل ۱ (چاپ سنگی تهران بسال ۱۳۱٦ بی‌صفحه شماری) ازهمان « الرعایة فی درایة الحدیث » پدرخود از« البهجة لثمرة المهجه » سید رضی‌الدین ابوالقاسم علی‌بن طاوس (م ٦٦٤) ازامیرورام‌بن ابی‌فراس (م ٦٠٥) از سدیدالدین رازی حمصی آورده است . واینمومی‌نویسندکه متأخران هرچه فتوا میدادندگرفته ازسخنان طوسی بوده وازروی خوشی‌گمانی ازاوپیروی میکردند پس بشهرتی در فقه میتوان نگریست که پیش‌از طوسی میان دانشمندان پیدا شده باشد نه شهرت میان دانشمندان پس از شیخ که همگان از وی پیروی میکردند نه اینکه ازخود چیزی آورده باشند [۱] .

باری طوسی درروزگار ترقی علم‌کلام و رواج بازار جدل و بحث میزیست ومسئله اثبات خداکه فیلسوفان و متکلمان همه بدان مینگریستند او را هم بخود کشید واودراین گفتار کوتاه که گویا ازنگارشهای کلامی‌او گرفته شده‌است‌بی آنکه نیازی بابطال دور وتسلسل باشد خدا را ثابت نمود .

آغاز : برهان شریف علی اثبات الواجب . . . غیر متوقف علی ابطال‌الدور والتسلسل‌وهومما (ذکره) شیخ (؟!) الطوسی . . وبیانه موقوف علی‌تقدیرمقدمتین

انجام : ولیس بتمام فی‌التأثیر فیسقط النقصان .

۱ــ این سخنان راالندو دانشمند آورده ومیخواهند ازمتاخران نکوهش کنند، دربرابر دانشمند میرزا ابوالقاسم فرزند محمد حسن گیلانی قمی (۱۱۵۱- ۱۲۳۱) در « القوانین المحکمه» درمبحث اجماع درتنبیه ٤ قانون۱ (چاپ سنگی عبدالرحیم درایران دردوجلد ۱ بسال ۱۳۰۲و۲ بسال۱۳۱۹ج۱ ص ۳۷٤و۳۷۷ از گفتار آنان خرده‌گرفته وگفت: اگر چنین بگوئیم متاخران راتفسیق کرده‌ایم وآنان برترند ازاینکه ازشیخ تنها پیروی کنند و خود رأیی نداشته باشند نیز دانشمند شیخ محمد حسن فرزند عبدالرحیم سپاهانی (م نزدیك ۱۲٥٤یا۱۲٦۱) در «الفصول» درالقول فی‌الاجماع (چاپ سنگی ایران از غلامحسین بن محمد خوانساری بی‌تاریخ وشماره) همین‌گونه ازگفته آنان خرده‌گیری کرده‌است

[٦١]

این نسخه شماره ششم دفتری‌است که دارای۱۵رساله وچندین گفتاراست و بخط ۱۰۸۸ تعلیق میباشد ودر برك ٣٤ الف ونشانه نسخه درص ٦٧ یادگردید .

آنچه دراین دفتر آمده بدینگونه است :

۱ــسخنی‌ازقاضی نجم‌الدین عمربن‌محمدبن‌الکریدی بالشویك (؟!) درباره اینکه«س» ودرپایان کلمات یونانی مانند تنوین عربی‌است (برك۱ب). درباره حرف «س» یونانی لاهیجی درمحبوب‌القلوب (چاپ سنگی ایران بسال ۱۳۱۷ ص١٤) نیز گفتگو نمودوهمان را دری درترجمه نزهة‌الارواح شهرزوری‌بنام کنزالحکمه (چاپخانه دانش تهران بسال ۱۳۱٦ خورشیدی دردیباچه ص ٢٦) آورد .

۲ــ لغات متضاد و مثنی (۲ الف) .

۳ــ رساله نفی حیز وجهت از فخررازی .

٤ــ ازکتاب آداب‌المریدین شیخ ضیاءالدین ابی‌النجیب عبدالقاهربن عبدالله السهروردی م ٥٦٣ دراینکه بی‌نوائی بهتراز توانگری است (۳ ب) .

٥ــ ازفنوحات محی‌الدین اندلسی وازشرح خطبه طوالع دوانی (٤ الف) .

٦ــ ترجمه تازی فصول خواجه طوسی .

۷ــ تسلسل اسباب ومسببات ابن‌سینا .

۸ــ رساله وجیزه درنفس ناطقه .

۹ــ نهایة‌البیان فی درایة‌الزمان از امام داودبن محمد قیصری م ۷۵۱ .

۱۰ــ اثبات واجب شیخ طوسی (رساله ششم) .

۱۱ــ رساله عروس ابن‌سینا .

۱۲ــ برهان توحیدگیلانی .

۱۳ــ از «منتخبات انوارالشریعه» ازعارف آملی که درآن ثابت میکندکه ماهیات مجعول نیستند (۳۷ ب ــ ٤٥ الف) و بروش عرفانی است وآغاز وانجام آن چنین است :

« بسمله و به نستعین من منتخبات انوارالشریعه من افادات سید حیدر بن علی‌الآملی ساکن مشهدالغروی طاب ثراه : ما وقع‌الخلاف بین‌الانبیاء والرسل علیهم السلام فی اصول‌الدین و ارکان‌الاسلام وان وقع‌فی‌الفروع والاحکام‌الجزئیه ــ ولذلك خلقهم والله اعلم و احکم والسلام علی من اتبع‌الهدی » آملی درآن از فصوص شیخ اعظم وازمقدمات شارح فصوص یاد میکند .

۱٤ــ ازکتاب‌الروح شمس‌الدین محمدابوعبدالله‌بن قیم جوزیه حنبلی م ۷۵۱

که بدینگونه آغاز میشود : « اعلم ان‌الله سبحانه و تعالی جعل‌الدور ثلثة دارالدنیا ودارالبرزخ ودارالقرار» وانجام‌آن چنین است : «فمن سوء فهم وقلة عقله ـ والسلام علی من‌اتبع‌الهدی » (٤٥ ب ـ ٤٦ الف) .

۱۵ـ ازروضة‌الجنان در۱٤رأی که درباره نفس‌آورده‌اند (٤٦ ب ـ ٤٧ الف) و از حاشیه شرح حکمة‌العین محقق شریف درباره جدائی میان علم‌الیقین و عین‌الیقین وحق‌الیقین (٤٧ الف) و برهان تجرد نفسها بفارسی (٤٧ ب ـ ٤٩ الف) که بهمان خط تعلیق ومورخ ۱۱۹۸ میباشد . واثبات اینکه شناختن خدا نه‌بدانگونه که ملحدان گویند نیازی بآموزنده ندارد . این عبارت از «نقدالمحصل» طوسی است (٤٩ـ٥٠ الف) و سخنی از فارابی درپیوستن نفسهای متوسط بجرمهای آسمانی و نیز از همو درخرده‌گیری ازجالینوس دراینکه دماغ و مغز جایگاه نیروی مدبر هست (٥٠ الف) و باز از همو در شرح معینهای « ذات ـ جوهر ـ طبیعت » (٥٠ ب) بهمان خط و همان تاریخ .

۱٦ـ رساله وجود مطلق سیدعلی همدانی که دردنبال‌آن سخنانی از پلاتون درباره یگانگی خدا وجهانها وجهان مثالی (بهمان تاریخ و برك ٥٢ ب تا برك ٥٣ الف) واز ارسطو (از شهرستانی) (٥٣ ب ٥٤ الف) آمده است ونیز از حواشی فصوص فارابی دراینکه از «وجه» ذات را میخواهند (٥٤ الف و ب) .

۱۷ـ اعتقادات شیخ بهائی که در ۱۳۲٦ بچاپ رسید (دزیعه ج ۲ ص ۲۲۸) دردنبال‌آن اینهاهست : گفتارفیلسوفان درباره‌آمیختن عنصرها (٥٩ الف) وگفته‌های دانشمندان درباره فرشتگان و دیوان که درآن از (اکلیل) همدانی یاد میشود (٥٩ الف وب) وسخن میرفندرسکی دراین‌که رهروان یکتاپرست نباید وابسته یکی‌بودن هستی یا چندتابودن‌آن باشند وتفسیر گفتار ارسطو ، «المحرك‌الاول فی‌المحیط دون المحاط» (٥٩ ب) و سخنانی از فیلسوفان درباره تجرد نفس (٦٠ الف) و اثبات اعتباری‌نبودن هستی (٦٠ ب ٦١ الف) و درتوحید حقیقی و اینکه این جهان آشکارا یکی بیش‌نیست (٦١ب ـ٦٢ الف) وسخن‌ترسایان درخداشناسی وخرده‌گیری ازآنها (بهمان تاریخ و ٦٢ ب ـ ٦٣ الف) .

۱۸ـ مقولات عشرطوسی .

۱۹ـ رساله نفس ارسطو و دردنبال آن این سخنان دیده میشود : دراینکه تندرستان هرروز ۲٥۸۰۰ بار نفس میکشند و درهربار نبض پنج بار میزند و بگفته علامه شیرازی در تحفه شاهی درگفتن هرلفظی فلك اطلس ٦۰۰۰ فرسنك می پیماید وهرلفظی برابر است با زدن یك نبض پس درهرشبانه‌روزی نبض۱۲۹۰۰۰بارمیزند

(۷۶ ب) نیزاز « رسالةالتوضیحات » حسام‌الدین لاهیجی درآگاه شدن بمغیبات (۷۷ ب ـ۷۸ الف) واز « مرآت‌الحقایق ومجلی‌الدقایق » میرغیاث‌الدین منصور دراینکه وضو وغسل و زکوة و روزه و حج چیست (۷۸ الف و ب) که درآن حکمت فلسفی وطبیعی وخلقی اینها را میآورد .

۲۰ـ رساله در نسبت مؤلفه دردنبال آن از حاشیه نفحات درتحقیق انبساط وانقباض زمان آورده شده وبفارسی است (۸۱ الف) .

۲۱ـ علوم‌غریبه (نفس‌ووهم) ودربرگ۸۸الف سخنی‌ازامام در«السرالمکتوم» درباره اینکه فرشته همان رب‌النوع است آمده .

۲۲ـ شرح دوانی بربیتی ازگلشن راز و دردنبال آن اینها است . پاره‌ای از « تحفةالاحباء » و « درج‌الدرد » که هردوعرفانی‌است (۹۰ الف) وسخنانی عرفانی ازسید ابراهیم قزوینی وصدرالدین شیرازی (۹۰ ـ ب ۹۱ الف) ومطالبی‌گوناگون درعرفان و حدیث و ادب (۹۱ ب ـ ۹۲ ب) و قصیده‌ای در۱۲ بیت‌که به ۴۲۰ گونه میشود آنرا خواند (۹۳ الف) وسخنانی از صدرالافاضل و عارف‌کاشی دراصطلاحات وازشرح فصول نصیریه وازعلامه حلی درعرفان وفلسفه و کلام .

[۵۶] اثبات واجب (فارسی)

خواجه طوسی دراین رساله فارسی بروش مناظره خدا را ثابت میکند و اندکی مفصل است نسخه‌ای از آن دردفتر بشماره ۲۹۱۲ در مدرسه سپهسالار هست . درآستانه طوس (ج ٤ ش ۲۹٦ ص ۲) نسخه دیگری از خواجه هست‌که این نیست در ذریعه (ج ۱ ص ۱۰۸) می‌نویسد که خواجه این رساله را برای نجم‌الدین‌کاشی فرستاده بود .

آغاز : مسئله در اثبات واجب‌الوجود بطریق مناظره . اگر واجبی نبود هیچ موجود نبود .

انجام : و برتقدیرتسلیم حصرفساد لازم بیاید . والسلام .

[۶۲]

این نسخه شماره ۱۹ دفتری است دارای ۳۵ رساله ودرص ۱۰۳-۱۱۳ ونشانه آن درص٤٥ یاد شد شماره‌سوم‌آن بخشی است ازآغازرساله «ردبرجالینوس دراین که وی فیلسوف نبوده است » از موسی بن میمون بن عبدالله قرطبی اسرائیلی پزشك فیلسوف‌نگارنده دلالةالحائرین (۵۲۹-۶۰۱) وی دراینجامیگوید :

جالینوس درریاضیات ورزیده شده ومنطق هم خوانده وبهمه نگارشها طبیعی و الهی ارسطو نگریسته سخنانیکه درپزشکی دارد درست میباشد ولی درنگارشهای طبیعی والهی ومنطق خویش بسیار کوتاه آورد . او درباره رایهای ابقراطس و افلاطون کتابی نوشت و ردی برارسطو دارد مگراینکه شایسته چنین نگارشها نبوده است . آغاز وانجام آن چنین است :

« قال موسی بن عبدالله القرطبی المعروف بموسی بن میمون فی اول رسالة کتبها رداعلی جالینوس فی انه لیس فلسفیا . . . من العلوم قول الفلاسفة ان للنفس صحة ومرضا کما للجسم صحة ومرض وکتابا یضمن الرد علی ارسطو » .

امام طوسی (گویا خواجه باشد) نکته‌ای در سه سطر درباره تفسیر سخن ابن میمون دارد بدینگونه :

« قال الامام الطوسی بعد مطالعة هذه الرساله اما بیان المرض الذی لا یکاد ان یسلم منه احد . . . فهو کما ذکره و هوالذی یسمی بالعجب . . . اشد من ذلك العجب المعجب » (ازص٦تا ص٨) شماره ۱۳ این دفترچنانکه درفهرست آن یاد شده بایستی «رخش» سهروردی باشد که درص ۳۲ بوده ودرآوردند وشماره ۱۸ آن (از ص۹۰ تا ص ۹۲) نامه رشیدالدین و طواط است بحسن قطان در پاسخ وی که میگفته است توهنگام گشوده شدن مرو بدست اتسزخوارزمشاه کتابهایم را ربوده‌ای . یاقوت حموی در سرگذشت حسن بن علی الکافی درمعجم الادبا (چاپ گیپ قسم ۱ جلد۳ ص ۱٦۹–۱۷٦) این نامه را آورد . نیزچند خبر ازپیامبر (ص۹۲–۹۹) وازنثراللئالی ازعلی ع (ص ۹۹–۱۰۳) و شماره ۳۳ این دفتر کلمات قصار است بترتیب حروف تهجی و نیز حدیث (ص۹–۲۳۸) دردنبال شماره۳٤ سخنانی است ازعارفان وپارسایان وفیلسوفان وادیبان درتصوف وپارسائی وکیمیا وجزآنها ونیزخبر و حدیث (ص۲٤۲–۲۸۱) نیز نامه‌ای از ارسطو که از عیسای مسیح میپرسد آیا راهی هست که با آن مردم بآنچه میخواهند، برسند وپاسخ عیسا که می‌نویسد : تنها خردبسنده نیست این پرسش وپاسخ مانند نامه‌ای است که میگویند جالینوس بعیسا نوشته وپاسخ گرفت و پیداست که همه اینها ساختگی است ایندونامه درمحبوب القلوب ص ۵و۱٦۰ آمده است نیزنامه‌ای از شاه مصر بشریف مکه (ص ۲۷۰) . شماره ۳۵ سفارشنامه سید داماد است .

[۵۷] اثبات الواجب (عربی)

دبیران قزوینی نجم الدین علی بن عمر کاتبی (م۶۷۵) فیلسوف منطقی ریاضی دان وشاگردخواجه طوسی واستادعلامه حلی این رساله رانگاشته ودر آن ازبرهانی که

پیشینیان برای بودن خدا ازراه نیازمندی ممکن بواجب و ناروائی دور و تسلسل آورده‌اند، خرده گرفت. وی آنرا بدرخواست یکی از دانشمندان همکار خود نوشت.

در آستانه طوس (ج ٤ فهرست ش ۲۹۷ص۳) نسخه‌ای هست که در آن شش رساله و نامه از دبیران وطوسی درهمین مسئله آمده است.

آغاز: بسمله قال الامام . . . الکاتبی القزوینی رحمه‌الله: «امابعد حمدالله والثناء علیه بما هو اهله . . . فهذه رسالة حررتها بالتماس من شارکته فی البحث من العلماء . . . فی مباحث یتعلق بالبرهان الذی ذکره الاوائل فی اثبات موجود واجب لذاته.

انجام: لم قلتم بانه لیس کذلك، لابد له من دلیل ولیکن هذا آخر ما اردنا ایراده فی هذه الاوراق. الحمدلله لواهب العقل بلا نهایة والصلوة علی محمد بغیرعدد وغایة وصلی‌الله علیه و آله اجمعین الی یوم‌الدین.

[٦۳]

۸٦۳ این نسخه شماره پنجم دفتری است که دارای ٦ رساله میباشد و بخط شکسته تعلیق با نشانه‌های شنگرف است از برگ ٥۹ ب تا برگ ۷۳ ب.
(همه دفتر ۸۱ برگ) ــ کاغذ ترمه سمرقندی ــ جلد تیماج سبز ضربی
اندازه: ۹ × ۱٦ و ٥ × ۱۰ س ۱۱

[٥۸] **اثبات الواجب** (عربی

محقق دوانی (۸۳۰-۹۰۷ یا ۹۰۸) دورساله دراثبات خدا نگاشته است ویکی راکه نخستین بارنوشته و (قدیم) نامیده میشودبنام سلطان بایزید۲ (۸۸٦ - ۹۱۸) ساخته ودردوروزازکوتاهترین روزهای تابستان آنرابپایان رساند دردیباچه اثبات واجب جدید میگوید که ده سال پیش درجوانی بدرخواست یکی‌ازبزرگان گیلان رساله‌ای درباره اثبات واجب در ده فصل نوشته‌ام (کشف‌الظنون) ولی از دیباچه اثبات واجب قدیم پیداست که این رساله دردومقصداست. دوانی دردیباچه این رساله میگوید که بجز برهان تطبیق تا پایان رساله را دردوروز ازکوتاهترین

روزهای تابستان نوشته بودم و پس‌از مدتی که فراموش شده بود و گرفتاری‌های روزگار از نشر و اتمام آن باز میداشت از یك پایگاه پاکی دستوری رسید و مرا یارشد واین دفتربنگارش درآمد آنگاه‌نام آن پادشاه (بایزید) را میبرد ورساله را بنام اومیسازد .

این رساله که اثبات واجب قدیم میباشد در دو مقصد است دریکی دلیلهائی که وابسته‌بابطال دوروتسلسل‌است‌میاورد ودردومی دلیلهائی رابرای اثبات‌خدایاد میکند که نیازی بابطال آندو ندارد بلکه نخست خدا با آنها ثابت میشود سپس بطلان آندو روشن میگردد .

درمعجم‌المطبوعات ص۸۹۲ می‌نویسد که رساله‌اثبات واجب‌دوانی‌در آستانه چاپ سنگی شده است ولی نمیرساند که قدیم است یا جدید .

آغاز : سبحانك ما اعظم شأنك و اظهر برهانك انت المشاهد فی العین ولا یشاهدك العین .

انجام : الحسنی والیه الرجعی و لهذه‌المباحث مزید تفصیل ربما یعتبرعلیه فی تعلیقاتنا . . .

[٦٤]

۳۰۳ این نسخه شماره دوم دفتری اسب که دارای ٤ رساله میباشد و نشانه آن درص٦٦ یادگردیداین‌رساله نیز بخط تعلیق‌ادهم‌بن‌قاضی‌بیك هرابادی خلخالی واز برگ ۲۱ ب تا برگ ٤۹ الف میباشد ودرشامگاه پنجم رمضان سال ۱۰۲۵ نوشته شدوحاشیه‌هائی دارد ازخود دوانی که در کنارنسخه دیده میشود .

[۵۹] **اثبات واجب** (فارسی)

دوانی رساله دیگری دراثبات واجب دارد که بنام جدیدنامبرداراست واین گفتارترجمه بخشی‌از آنست بپارسی ومترجم درپایان آن میگوید که نخواستم همه کتاب را ترجمه‌کنم و پس‌از ترجمه‌آن بخش از سه‌گونه آفرینش یاد میکند یکی آفریدن هستی که لازم ماهیت است و مشائیان مانند ارسطو و ابن‌سینا و خواجه طوسی‌وهمه متأخران بدین‌رأی هستند . دیگری‌آفریدن ماهیت که اشراقیان مانند

سهروردی میگویند سوم آفریدنی که آفریده بهستی حقیقی یاخدا بپیوندد که ذوق متالهان مانند دوانی همین است دراین ترجمه از « بهجة السعاده » بهمنیارشاگرد شیخ یاد میشود .

آغاز : در بحث توحید از رساله اثبات واجب جدید میگوید که « این مطلب یعنی اثبات واجب ادق مطلب الهیه است و احق است بآنکه طالب در آن صرف سازد اوقات خودرا » .

انجام : وموجودات اعم است ازین وجود قائم بنفس خود و آن وجود منسوب الیه است بانتساب خاص ـ مترجم کلام میگوید که مقصود محقق دوانی . . . اثبات ذوق حکماء متالهین وصوفیه متشرعین که قایل بوحدت وجودند . . . دیگر شك وشبهه درتحقیق حقیقت این طریقه حقه نماند . والله المستعان والیه التکلان .

[٦٥]

۱۰۳۵ این نسخه در ص ۷ـ٤۳٦ این دفتر اسب که دارای ۵۱ رساله میباشد و بارها ازآن یادگردید .

[٦٠] **اثبات الواجب** (عربی)

دانشمند فیلسوف شمس‌الدین محمد بن احمد خفری شیرازی (م ۹۳۵ یا ۹۵۷) ازشاگردان صدرالدین محمد دشتکی (۸۲۸ ـ ۹۰۳) بوده و درروزگار شاه اسماعیل یکم صفوی (۹۰۷ ـ ۹۳۰) میزیسته و درکاشان و شیراز بسرمیبرده است وی تذکره خواجه طوسی را بنام تکمله بسال ۹۳۲ شرح نمود قاضی نورالله شوشتری درمجلس هفتم مجالس‌المؤمنین اورا از فرزانگان شیعی بشمار آور[1] .

---

۱ ـ شوشتری می‌نویسد که درروزگارشاه اسماعیل شهربانان و سران هرشهری مردم را آئین شیعی میآموختند و ناگزیر میساختند که از جانشینان سه گانه پیامبر بیزاری جویند وبرآنها نفرین فرستند روزی داماد خفری هراسان نزدوی رفت و گفت که سرگذشت چنین است چه باید کرد خفری بدو گفت برو وبرآنها نفرین کن که (دوسه عرب عامی جلف) بوده‌اند . بازمیگوید : هنگامیکه این شاه شروان وآذربایگان بگرفته بود دانشمندان سنی

بقیه حاشیه درصفحه بعد

خفری چندین رساله در اثبات خدا و بحث از صفات او دارد و در آنها مشرب اشراقی و عرفانی وی پیداست یکی از آنها رساله‌ای است که برای ابوالفتح سلغرشاه بن توران شاه بن محمد شاه بن تهمتن بهادرخان نوشت و نسخه‌ای از آن در آستانه طوس هست (ج ٤ ش ۳۰۱ ص ٥) و یکی از آنها رساله‌است که برای مبارزالدین حسین خان نگاشته است و دارای یك مقدمه در اصول موضوعه و سه مقصد (دلیلهای بودخدا ـ دلیلهای یگانگی او ـ اثبات دانائی او) و یك خاتمه درسخنان فیلسوفان پیشین یونان درباره بود و یگانگی خدا که در آن گفته های آنان را میآورد وشرح میدهد.

آغاز: بسمله الحمدلله الذی کان ولازمان ولامکان فاوجدالخلائق بقدرته.

انجام: والکواکب وحرکاتها الطولیه والعرضیه (تمت الرساله بعون الملك الوهاب والیه المرجع والمآب).

[٦٦]

۹۲٦ این نسخه شماره هفتم دفتری است دارای ۱۵ رساله و گفتار و بخط تعلیق درشت با عنوانهای شنگرف از برك ۱۱۳ ب تا ۱۱۸ الف.

[٦١] **اثبات الواجب** (عربی)

این رساله نیز از خفری است وچنانکه در دیباچه نوشته‌است باید درده مقصد باشد ولی از خود نسخه که کامل می‌نماید پیداست که سه مقصد بیش نیست (اثبات

مانده حاشیه صفحه پیش

عراق از ترس میگریخته از شهری بشهری میرفته‌اند چنانکه در کاشان کسی نماند که داوری کند وفتوا دهد ناگزیر مردم نزد خفری رفته پرسشها میکردند و او از روی هوش وخرد خویش بااینکه فقه نخوانده بود بپرسشهای آنان پاسخ میداد. شیخ علی بن عبدالعالی محقق کرکی عاملی (که درنزدیك بهفتادسالگی بسال ۹۲۷ درگذشت) درآن هنگام بکاشان رفت و خفری را بدید وبنوشته‌های او نگریست دید که همه سخنان او باگفته‌های دانشمندان شیعی سازگار میباشد. سپس شوشتری ازاین‌جا نتیجه میگیرد که خرد زشت وزیبا ونیك وبد را ازهم بازمیشناسد چنانکه معتزلیان وامامیان نیز بهمین رأی هستند.

درریحانة‌الادب تبریزی (ج ۱ ش ۹۲ ص ٤٠٤) نوشته است که کرکی درروزگار شاه تهماسب صفوی (۹۳۰ – ۹۸٤) میزیسته واوگاهیکه میخواست بزیارت برود خفری را جانشین خویش ساخت و دراین هنگام بود که وی بکار فتوا و داوری پرداخت و کرکی همینکه برگشت و دید که سخنان خفری همه ازروی دین است بیشتر بدو بگرائید.

خدا ـ یگانگی او ـ دانائی او) و یك خاتمه هم دارد بس درازکه درآن سخنان فیلسوفان یونانی واسلامی را درباره دانائی خدا میآورد و درهریك از مقصدهاهم از سخنان فیلسوفان یونانی یاد میکند و بیشتر این رساله درباره دانائی خداوند است . خفری در آن ازنگارنده « فتوحات مکیه » و از فصوص فارابی (برك ۱۲۹ الف) یادمیکند خفری دردیباچه نوید میدهدکه ۱٤دلیل برهانی و ٥ دلیل عرفانی برای اثبات خدا بیاورد ولی در رساله جز ۱۲ دلیل بروش مشائی دیده نمیشود .

آغاز : بسمله‌الحمدلله الفردالذی لم یلدولم یولد . . . فیقول . . . محمدبن احمدالخفری هذه رسالة فی‌الالهیات وقدر تنباها علی عشره مقاصد .

انجام : ولماکان مبحث‌العلم بحر اعمیقالا ساحل له (اقتصر ـ ظ) علی مناذکر . الحمدلله رب العالمین والصلوة والسلام علی محمد وآله‌الطاهرین .

[٦٧]

۹۲٦ این نسخه شماره هشتم دفتری است دارای ۱٥ رساله و گفتار و بخط تعلیق درشت وازبرگ ۱۱۸ب تا برك ۱۳۳ الف است .

[٦۲] **اثبات‌الواجب** (عربی)

این‌رساله نیزازخفری‌است ودارای‌یك مقدمه وسه‌مقصداست و یك‌خاتمه که‌درآن سخنان فیلسوفان مانندتالیس ملیتوسی وانکسیمانس وامپدکلس وپلاتون درباره دانائی خداوند را میآورد و پس‌ازآوردن رأی پلاتون درباره مثل و شرح دادن آن بمشرب خویش میگویدکه ارسطو نیز با او همرأی است و اعتراضی را که‌نگارنده شفاکرده است رد میکند خفری دراین رساله ازدانائی خداوند بیشتر گفتگومیکند ـ نسخه ازاین رساله درآستانه طوس (ج ٤ ش ۳۰۰ ص ٤) هست

آغاز : بسمله الحمدلله رب‌العالمین . . . . فیقول احوج خلق (عباد) الله الیه محمد الخفری هذه رسالة فی اثبات واجب الوجود بالذات و صفاته بالدلائل القطعیه‌التی تقررت عندی قطعیتها .

انجام : وامامراتب هذاالعلم‌التفصیلیه فهوعلی اربعة علی‌التفصیل‌المذکور ولما (کان)مبحث‌العلم بحرالعلم‌اعمیقالاساحل‌له‌اقتصرعلی‌ماذکروالحمدلله‌علی‌افضاله

والصلوة علی محمد و آله علیهم‌الصلوة والسلام ـ تم بحمدالله سبحانه .

[۶۸]

۱۰۷۴ این نسخه شماره پنجم دفتری است دارای۱۸رساله وبخط تعلیق ریز وکاهی بی‌نقطه است وازبرك ۷۶ الف تا برك ۱۲۲ الف میباشد .

(همه دفتر ۲۳۲ برك) کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج ضربی

اندازه: ۵ر۱۰ × ۲۰ و۵ر۵×۱۴ س ۱۸

[۶۹]

۱۰۳۰ این نسخه شماره هیجدهم دفتری‌است که دارای۲۳رساله وگفتارمیباشد ومحمد سلیم ودرویش‌بن علی ومحمد حیدر ومحمد مؤمن و دیگران بسالهای ۱۰۸۴و ۱۰۹۱و۱۰۹۳و۱۰۹۴و۱۱۸۷ آنرانوشته‌اند وبرکهای ۱ تا ۶ و۲۰۱ تا۶۰۶ سفید است .

این رساله بخط تعلیق باعنوانهای شنگرف است وبپایان نرسیده وازانجام آنچه که هست اینست :

« فکذلك الوجودالحقیقی غیر ان الکثرة فی‌الوجود الحقیقی انما یکون فی الظهور» برابر با سطر۱۵ برك ۹۶ الف شماره ۱۰۷۴ .

(همه دفتر ۲۰۸ برك) کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج ضربی

اندازه : ۱۴ر۱۵×۲۰ر۵ و ۸×۴ س ۱۸

[۶۳] **اثبات‌الواجب** (عربی)

این رساله‌کوتاه نیز از خفری است و بسیارشیوا وشیرین وروان نگاشته است و درآن با دوگونه دلیل مشائی و اشراقی‌که رویهم بشش دلیل میرسد بود و یگانگی وسادگی (بساطت) خدا را روشن میسازد و بسه دلیل مشائی عنوان «لمحه» وبسه دلیل اشراقی عنوان لمعه میدهد خفری در اینجاباینکه هستی‌محض یکی بیش نیست اشاره دارد وهمانستکه ملاصد را درنگارشهای خود یاد میکند .

آغاز بسمله قال العلامه الخفری : « رب افض علینا بفضلك یا فیاض ـ « لمحة مشائیه » فی اثبات الواجب . مجموع الممکنات بالامکان الخاص فی حکم ممکن واحد . . . »

انجام : والامکان اظهر منه وهو باطل . تم والحمدلله واهب‌العقل .

[۷۰]

این نسخه شماره پنجم دفتری است دارای ۱۹ رساله وچندین گفتار که بخط
۱۰۳۸ محمد درویش بسال ۱۰۵۵ ومحمد باقر سپاهانی در۱۰۵۶ میباشد . ازبرك
۳۱ الف تا برك ۳٤الف سخنانی است بنظم ونثر ازخواجه احرار و بوذرجمهر
وناصرخسرو باباافضل ومؤیدالدین جندی درشرح فصوص ودیگران ودر۳۷ ب تا٤۱
الف نظم ونثری است از نظامی و قونوی درتبصرة المبتدی و تذکرة المنتهی بپارسی
وازشیخ عبدالعلی درنورالثقلین و از ابی الفتوح رازی وامام فخررازی هردو درتفسیر
خود. دربرکهای ٤۱ ب تا ٤۸ الف بازسخنان گوناگون دیده میشود ورساله ششم آن
دربدیع است بپارسی (٤۸ ب ـ ۵۰ الف) و در ۵۰ الف تا ۵٤ ب همچنین سخنان
دانشمندان است دربرك ٦۵ ب شعرهائی ازمولانا لطف‌الله نیشابوری ودربرك ٦٦ب
تا برك ۷۱ ب سخنان شیخ اشراقی سهروردی و عارف صوفی سهروردی و دیگران
دربرگهای ۷۲ الف تا پایان دفتر بجز رساله‌هائی که هریك درجای خود یاد میشود
نیز خبر ونظم ونثردانشمندانی مانند محقق گرگانی وازمرزبان‌نامهٔ و شرح حورائیه
امیرحسین میبدی دیده میشود چنانکه در۱۱٦ ب تا۱۳۲ ازمبدء ومعاد وشواهد ربوبی
شیرازی وشرح فاضل‌قزوینی درمباحث فلسفی ودربرك۹۹ الف سخن فارابی دردروغ
بودن احکام نجوم وگفتار سنائی آورده شده دربرگ ۱۳٦ ب تا ۱۳۷ الف پایان
لوامع‌الاشراق فی مکارم‌الاخلاق دوانی برابر با ص ۳۳۲ تا ص ۳۳۷ چاپ هند بسال
۱۲۸۳ نوشته شد .

این رساله خفری بخط تعلیق شکسته ومورب ودربرك٤۱ ب نوشته شده وباید
بخط همان محمد باقر سپاهانی باشدکه رساله دوم این دفتر را دراکبرآباد و رساله
سوم را درحیدرآباد بسال ۱۰۵٦ نوشت .

(همه‌دفتر ۱٦۳ برك) کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ضربی

اندازه : ۱۱ × ۲٦ و۹٫۵ × ۱۹٫۵ س ۳۱

[٦٤] **اثبات الواجب** (عربی)

در مجلس هفتم مجالس المؤمنین قـاضی نورالله شوشتری (م ۱۰۱۹) در
سرگذشت میر غیاث‌الدین منصور دشتکی می‌نویسد که وی بررساله اثبات واجب
پدرخود میرصدرالدین کبیر محمد (زاده‌دربامدادروز۲شعبان۸۲۸وکشته دربامداد
آدینه۱۲رمضان۹۰۳) شرحی نوشت وخود غیاث‌الدین‌هم رساله‌ای دراثبات واجب

بنام« مشارق » دارد ودر کشف‌الظنون (ج۱ص۵۳۹) نوشته است که میرصدرالدین محمد شیرازی اثبات واجب نگاشته و آغاز آن چنین است : « الله لااله الا هو له الاسماء الحسنی » باز در آنجا (ج ۲ ص ٤۳۸) نوشته است که « مشارق النور و مدارك السرور فی الکلام» ازشیخ ابی منصور فرزند محمد حسینی است در کشف‌الحجب (ص٤) می‌نویسد که اثبات‌الواجب ازغیاث‌الدین شیرازی است و آغازش چنین‌است : «سبحانك اللهم یامن تفرد بالوجوب والوجود وتوحد بافاضة الخیر والجود» درالذریعه (ج ۱ ص ۹ ـ ۱۰۸) چنین آمده : که اثبات‌الواجب از میرصدرالدین محمد شهید بدست ترکمانها و معروف بصدرالحقیقه و صدرالعلما والحکما میباشد و او فرزند میرغیاث‌الدین منصور پسرصدرالدین محمد پسر ابراهیم پسرصدرالدین محمد پسر اسحق پسرعلی پسرعربشاه حسینی دشتکی شیرازی است وتاریخ زاد و مرك او را ازشرح پسر وی استادالبشر میرغیاث منصور (م ۹٤۸) برهمین اثبات‌الواجب آورده است . بازمیگوید نسخه‌ای ازمتن اثبات‌الواجب در کتابخانه تقوی درتهران هست و بخط حاج محمود پسر محمد پسر محمود نیریزی و بتاریخ ربیع یکم سال ۹۰۳ میباشد ودر آن اجازه‌ای است ازهمان میرصدرالدین و بخط او برای همین نیریزی که درماه محرم نوشته است و آغاز اثبات‌الواجب در آنجا چنین است : « الله لااله الا هو له الاسماء الحسنی منه‌الابتدا و به‌البقا » نیز می‌نویسد که غیاث‌الدین منصور بجزشرح براثبات الواجب پدرخود کتابی بنام « مشارق » دراثبات واجب دارد .

این غیاث‌الدین دشتکی ازدانشمندان وفیلسوفان بوده ودرسال۹۳٦صدراعظم شاه طهماسب یکم صفوی (۹۳۰ ـ ۹۸٤) شده و در شیراز بسال ۹٤۸ درگذشت وپسری داشت بنام صدرالدین محمد که اوهم‌ازدانشمندان بشمارمیآمد وازنامهای این خاندان پیداست که بسیاری از آنها همنام بوده‌اند .

این رساله گویا همان مشارق باشد و دربیشتر جاها شکهای رازی بزرك را میآورد و دربرابر آن ازسخنان رازی کوچك یاد میکند وگاهی ازکتابهای ابوعلی و از طوسی در آن یاد میشود گویا خطبه آغاز رساله راکه درکشف‌الحجب آمده دراین نسخه نیاوردند

آغاز : بسمله . هذه الرسالة مرتبة علی‌ستة مقالات امـا المقالة الاولی ففیهـا اربع مسائل . المسئله‌الاولی‌فی‌اثبات واجب‌الوجود . اماالبرهان‌الذی اقامه‌الحکماء علیه

انجام : و حکم‌الکلی علی الجزئی لیس بقادح فی هذا و نحن قد قررنا فی ماسلف هذاالمعنی فلا نعیدها .

این رساله شش مقاله است : (۱ اثبات واجب در ٤ مسئله ۲ صفات خدا در ٤ مسئله ۳ افعـال او در ۳ مسئله ٤ احوال اجسام در ٤ مسئله ٥ اقسام اجسام در ۲ مسئله ٦ درنفس که بسیار کوتاه است) از خود کتاب نام آن و نگارنده آن دانسته نمیشود .

[۷۱]

۳۱۸ این نسخه بخط تعلیق ریز و بسیار جاها بی‌نقطه وعنوانها و نشانه‌ها بشنگرف است دربرك ۲٦ الف حاشیه‌ای از قاضی میرحسین دارد دراینکه چرا نگارنده هنگام‌آوردن خبر «اول‌الدین‌معرفته» قال‌علیه‌السلام گفته بااینکه درودفرستادن بر جز پیامبران بتنهائی نکوهیده است آنگاه سخنان فقیهان بزرك سنی را درباره این میآورد . این رساله از برگ ۱ ب است تا برگ ۳۷ الف . دربرك ۱ الف و برگهای ۳۷ الف تا ۳۹ ب سخنانی‌ازعارفان وفیلسوفان مانند رینون اکبروهمیروس وسولون وبقراط و ذیمقراطیس وسقراط و دیگران و از تأویلات‌کاشی و تعلیقات شیخ و تاریخ و صاف و از احادیث شیعی آمده است و دربرك ۱ الف دنباله کتاب دیگری است بخط همین نویسنده وهمین تاریخ ودرهمینجا . نویسنده‌نسخه عبدالقادراردوبادی است که درروستای فاروق شیراز درنیمه ذی‌قعده سال ۱۰۲۰ آنرا نوشت .

(۴۰ برك) ـ کاغذ ترمه سپاهانی ـ جلد تیماج سرخ ساده
اندازه : ۱۲×۲۱ و ٦×۱۳/٥ س ۲۳

[٦٥] اثبات‌الواجب (عربی)

این رساله از مولانا سید آقا حسین خلخالی است که برای شاه روزگار خود حسن پاشا نگاشته است .

آغاز : بسمله . . . لك‌الحمد یامن تفرد بوجوب‌الوجود والقدم .

انجام : ولیکن هذا آخرالکلام فی‌اثبات‌الواجب وصفاته . . . . من‌لدنك رحمة انك انت‌الوهاب . تمت‌الرساله .

[۷۲]

۳۱۲ این نسخه شماره سوم دفتری است که دارای ۳ رساله میباشد و در ص ۳٦ نشانه آن یادگردید این رساله از برك ۱٥٤ب است تا برك ۱۷۸ب و بخط شکسته تعلیق با عنوانهای شنگرف میباشد و درتاریخ ۱۰۱۳ نوشته شد .

[٦٦] **اثبات واجب** (عربی)

این رساله از میرنظام‌الدین دشتکی شیرازی (احمدبن ابراهیم بن سلام‌الله حسینی ۱۰۱٥۴) است ودر آن بروشی تازه بود خداوندرا روشن میسازد ودرپایان آن میگوید که بگفته استاد نخستین (ارسطو) درالهیات بیقین نتوان رسید و تنها میتوان گفت که بهتر وشایسته تر چنین است . دشتکی دراین رساله از ارسطو (۸۲ ب) وازشرح « منافع الاعضاء » جالینوس (۸۱ الف) وازخصوص (فصوص) استاد دوم فارابی (۷۸ب) وازشرح حکمت اشراق شیرازی (٦٥الف) وشجره‌الهیه شهرزوری (۷٦ ب) واز محقق شریف (٦٥ ب) و شارح تجرید (۷۸ ب) و از شرح زوراء یاد میکند ودرپایان ازشیخ رئیس نام می‌برد این‌رساله دارای یك مقدمه وبیست فصل و یك‌خاتمه‌در کلام‌نفسی است‌این‌نظام‌دشتکی نیای‌سیدعلیخان‌مدنی(پسرمعصوم‌پسر نظام‌الدین) است و دورساله اثبات واجب میانین و کوچك دیگری هم دارد (ذریعه ج ۱ ص ۱۰۳) .

آغاز : بسمله و به نستعین . سبحانك اللهم یا من تفرد بالوجوب والوجود وتوحد بافاضة الخیر والجود . . . فهذا نمط جدید وطرز سدید فی اثبات الواجب وسلب المثالب منه .

انجام : وقد قال الشیخ الرئیس : جل جناب الحق عن ان یکون شریعة لکل وارد . . . ونقل عن المعلم الاول انه لاسبیل فی الالهیات الی الیقین وانما الغایة القصوی فیها الاخذ بالالیق والاولی واعلموا انی وان لم ابلغ درجة الصنیف . . . لکن من نظر فیه . . . یجد فیه اشارات الی فوائد وتلویحات الی زوائد خلت عنها الکتب المتعارفه والزبر المتداولة والله ولی الافاضة والیه الرجوع فی البدایة والنهایة ومنه التوفیق وبیده ازمة التحقیق .

[۷۳]

این نسخه شماره چهارم دفتری است دارای ۸ رساله (۱ فوزاصغر مشکویه ۲
۸۹۷ اوائل‌التحریر از اختیار فرزند غیاث‌الدین حسینی دربیان و انشاء که در ۸۹۰
نگاشته است از برك۲۰ الف تا برك۵۱ ب ۳ فصوص فارابی بخط نسخ تاریخ
۱۰۹۶،٤ اثبات واجب دشتکی ٥ عرشیه فیلسوف شیرازی ٦ اطباق از شرف‌الدین
عبدالمؤمن سفر وی بخط نسخ معرب بتاریخ ۱۰۹٦ از برك ۹۷ ب تا ۱۲۹ الف ۷
ترجمه فارسی سه نمط آخر اشارات ۸ دره فاخره جامی بنسخ تاریخ۱۰۹۷) این رساله
مانند دیگر رساله‌ها بخط نسخ وهمه‌از یك نویسنده است واز برك ۵۹ ب تا برك ۸۹
الف میباشد وبایستی درهمین سالهای ۱۰۹٦ و۱۰۹۷ نوشته شده باشد .

(همه دفتر ۱۵۹ برك) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد روغنی و یك سوی فرسوده
اندازه : ۵ر۲۱ × ۵ر۳۴و۱۳×۲٦ س ۲۸

[٦۷] **اثبات واجب** (فارسی)

مولانا رجبعلی تبریزی سپاهانی (م ۱۰٦۵ یا ۱۰۸۰) که از فیلسوفان منطقی روزگارخویش و از نزدیکان و شناختگان شاه عباس دوم (۱۰۵۲ـ۱۰۷۷) و درباریان و بزرگان کشور بشمار میامده استاد حکیم کوچك قاضی محمد سعید
۱۵ قمی (۱۰۴۹ ـ ۱۱۰۳) و برادرش حکیم محمد محسن قمی نویسنده تفسیر بزرك فارسی ومیرزا قوام‌الدین رازی ومولی محمد تنکابنی سراب ودیگران بوده است .

این فیلسوف رساله «اثبات واجب» بفارسی نگاشته ودر آن بود ویگانگی خدارا آشکارساخت وروشن کرد که لفظ بود ووجودمیان واجب وممکن مشترك لفظی است واین رساله او دارای یك مقدمه و پنج مطلب و یك خاتمه است و در
۲۰ دیباچه آن میگوید : درباره اشتراك لفظی وجود نباید از اینکه کسی بدین رأی نیست بیم داشت چه رسد باینکه استاد نخستین در « اثولوجیا » وحکیم مسلمة‌بن احمد مجریطی (ازمادریداندلس که در ۳۹۵ یا ۳۹۸ درگذشت) و صوفیانی مانند شبستری (محمود فرزند امین‌الدین تبریزی م ۷۱۹ یا ۷۲۵) و شیخ صدرالدین قونوی (م ٦۷۳) درنصوص وتفسیرسوره حمد وبرخی از فیلسوفان ونیز فرزانگان
۲۵ هند همگان چنین میگویند . مولانا در مطلب پنجم با دلیلهای فلسفی ثابت میکند

که وجود میان واجب وممکن مشترك معنوی نیست بلکه لفظی ودرمطلب چهارم میرساندکه صفت جزذات میباشد ودرپایان میگویدکه خدارا صفتی نیست وگرنه یاخود اواست یا جزاووهردوناروا است وبرای این مطلب وهمچنین برای اشتراك لفظی وجودسخنان پیشوایان شیعی را دلیل میاورد ـ نسخه ازاین‌رساله درآستانه طوس (شماره ۷۲۰ ج ٤ ص ۱۵۱) هست وبرساله وجودیه نامیده شد

آغاز : پس‌از نامبردن خدا و ستودن او : بدانکه این رساله مشتمل است برمقدمه و پنج مطلب و خاتمه . مقدمه در بیان معنی وجود و معنی اشتراك لفظی ومعنوی .

انجام : پس اطلاق وجود برالله تعـالی باین معنی است که معدوم نیست واطلاق واجب براوباین معنی‌است که ممکن‌نیست . . . چنانچه درممکنات است . سبحانك رب‌العزة . . . والحمدلله رب‌العالمین .

[۷٤]

۳۷٤ این نسخه شماره دوم دفتری است که دارای هفت رساله میباشد ونشانه آن درص ۲۷ یادگردید . این رساله بخط شکسته تعلیق است وازبرك۵۲ الف تا برك ۵۸ ب میباشد .

[٦۸] **اثبات‌الواجب** (فارسی)

مسیحای شیرازی یامحمد مسیح‌بن اسمعیل فدشکوئی‌فسائی شیرازی که درنزدیك به ۹۰ سالگی بسال ۱۱۲۷ درگذشت این رساله را دریك فاتحه و دومقصد نگاشته است . وی شاگرد دانشمند خوانساری آقاحسین بوده و بتازی وپارسی شعرمیسرودوشیخ‌الاسلامی فارس را داشت . نسخه ازاین‌رساله درآستانه طوس بشماره ۳۰۲ (ج ٤ ص ۵) هست .

آغاز : بسمله و به ثقتی . یامن منه‌المبدء و الیه المنتهی . . . . چنین گوید . . . ابن‌اسمعیل‌الفسائی محمدالمدعوبمسیح . . . این چندکلمه‌ایست مختصر دربیان اثبات واجب وتوحید او .

انجام : چنانکه اورا شریکی درواجبیت بالذات و درایجاد ممکنات نیست

والله اعلم بحقیقة الحال .

[۷۵]

۸۵۵ این نسخه بخط نسخ و دارای سرلوح زرین و جدول بزروشنگرف و لاجورد وعنوانها بشنگرف است .

(۷۳ برك) ـ کاغذ ترمه سپاهانی ـ جلد تیماج زرد حاشیه‌دار

اندازه : ۱۱×۱۸٫۵ و ۶٫۵×۱۲ س ۱۴

[۷۶]

۸۷٤ این نسخه شماره هشتم دفتری است که دارای نه رساله وگفتار میباشد و بخط شکسته تعلیق از برك ۲۳۳ ب تا برك ۲۹۲ ب است وآنچه دراین دفتر نوشته شده بدینگونه است :

۱ـ حواشی میرفندرسکی برشرح لمعه بخط شکسته تعلیق (۱ ب ـ ۷۲ ب) .

۲ـ رساله در رد رساله نماز جمعه ملاخلیل قزوینی از ملامحمد طاهر شیرازی بفارسی وبهمان خط (۷۳ ب ـ ۹٤ الف) .

۳ـ خطبه شقشقیه وخطبه‌های دیگر بخط نسخ وتعلیق (۹٤ ب ـ ۱۱۶ الف) .

٤ـ شرح زوزنی بربرخی ازقصیده‌های هفتگانه بخط شکسته تعلیق (۱۱۶ب ـ ۱٤۰ ب) .

۵ـ ابطال وحدت وجود ملامحمد سعیدگیلانی (۱٤۱ ب ۱۷۰ الف) بهمان خط و عنوانها درهامش بشنگرف و صفحه (۱٤۷ الف) این رساله را نویسنده بار دیگر دربرك ۱٤۱ الف دوباره نوشت .

۶ـ درشرح حدیثی که برخی با آن استدلال کردند که وجود مشترك معنوی نیست بهمان خط (۱۷۰ الف ـ ۱۷۱ ب) .

۷ـ رساله ملامحمدطاهرشیرازی دررد بررساله ملاحسن‌علی درناروابودن نماز آدینه بفارسی وبتاریخ ۱۰۶۸ بهمان خط (۱۷۲ب ـ ۲۳۳ ب) .

۸ـ همین رساله فسائی ۹ـ خطبه نکاح از برخی‌دانشمندان بخط نسخ(۲۹۲ب ـ ۲۹٤ الف) .

همه این نوشته‌ها از یك نویسنده است .

(همه دفتر ۲۹۴ برك) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی

اندازه : ۱۰×۱۹٫۵ و ۷ × ۱۵ س ۱۴

[۶۹] **اثبات الواجب یا قواعد التوحید** (عربی)

جعفربن محسن الحسینی برای یکی از بزرگان روزگار خود که همنام « خلیل‌الله » میخواندش این رساله را نوشت ودر یك مقدمه ودومقاله ویك خاتمه

است او از ابن کمونه (دربرك ۲۳ ب) یاد میکند .

آغاز : الهم یامن عجزعن تصورهویته عقول العقلاء .

انجام : واما امکان احدالفردین المفروض واجبیتهما .

[۷۷]

۲۸۵ این نسخه بخط نسخ خوش از درویش علی فرزند حاجی شمسی کازرونی بتاریخ روز آدینه ۱٤ ذی‌قعده سال ۱۱۱۸ میباشد ودرپایان آن دارد : «تم الرسالة نسخا و مقابلة . . . . ابن حاجی شمسی ، درویش علی‌الکازرونی غفرالله ذنوبه وسترعیوبه » .

(۳۱ برك) - کاغذ ترمه سپاهانی --- جلد تیماج کهنه
اندازه . ۱۳×۱۸ و ۵ر۷×۵ر۱۲س ۲۰

[۷۰] **اثبات واجب** (عربی)

نگارنده این رساله دودلیل برای اثبات خدامیآورد که در آن نیازی بباطل ساختن دور و تسلسل نیست و در پایان آن بکتاب خود بنام (الرضیةالحسینیه) بازگشت میدهد .

آغاز : هوالموفق والمعین . الموجود اما واجب او ممکن ، لانه من حیث هو ، مع قطع النظرعما یغایره ، موجود ، لایقبل العدم ام لا .

انجام : فلم یکن واجبا، وذلك خلاف المفرد (و) ض . وقدبسطنافی الدلیلین فی « الرضیةالحسینیة » . فمن یردالاطلاع علیه ، فلیرجع الیه . والله تبارك و تعالی هوالموفق والمعین .

[۷۸]

۱۰۷۹ این نسخه شماره ۳٤ دفتری است که دارای ۳۵ رساله است و بخط تعلیق ازص ۲٤۰تا۲٤۱ میباشد ومرادتفرشی درذی‌حجه سال۱۰٤۷ این رساله را برای مولی محمد صالح کرامی نوشت .

[۷۱] **اثبات الواجب** (عربی)

دراین رساله از بود خدا ونامهاوصفتهای او واز اینکه چگونه چندین چیز ازخداوندیکتا آفریده شده‌است کاوش میگرددودر آن‌ازفتوحات مکیه محیی‌الدین

اندلسی (م ۶۳۸) واز خواجه طوسی (م ۶۷۲) وقونوی (م ۶۷۳) وقطب رازی (م ۷۷۶) یاد میشود و بسیارشیوا ورسا نوشته شده است .

آغاز : بسمله و به نستعین . الحمدلله‌الذی تجلی بذاته لذاته ، فتعین فی باطن علمه بمجالی‌ذاته اوصفاته . . . امابعد ، فهذه : رسالة فی‌تحقیق‌مذهب‌الصوفیه والمتکلمین والحکماءالمتقدمین ، وتقریرقولهم فی وجوب‌الواجب وحقایق اسمائه وصفاته وکیفیة صدورالکثرة من وحدته .

انجام : وقال‌الحکماء هی واقعة علی سبیل‌الوجوب . . . وارتفاع‌الموانع .

[۷۹]

۸۴۹ این نسخه شماره نخستین دفتری‌است که دارای پنج رساله میباشد وبخط تعلیق و عنوانها بنسخ درشت‌تر، ازبرك ۱ الف تا برك ۲۸ ب. رساله دوم این دفتر گزیده‌ای است ازمثنوی عرفانی صدرالمتالهین شیرازی بخط نسخ (۳۱ الف - ۵۰ ب) و سوم مقامات میرمرشدی درعرفان و منظوم بهمان خط (۵۰ ب - ۵۵ ب) چهارم مشواق فیض کاشانی بخط تعلیق (۵۵ ب - ۶۰ ب) پنجم قضا و قدر فیلسوف شیرازی بهمان تعلیق (۶۱ الف - ۱۷۴ الف) .همه اینها را محمدعلی نوشته و نام خودرا درپایان رساله نخستین‌آورد بدینگونه : «تمت‌الرساله‌الشریفه ... بیداقل‌الطلبه محمدعلی قلمی گردید سنه ۱۳۰۰» ورساله پنجم را در ۱ صفر۱۳۰۰ بپایان رساند .

(همه دفتر ۱۷۴ برك) -کاغذ فرنگی - جلد تیماج سرخ ساده مقوائی

اندازه۱۰٫۵×۱۷٫۵ و ۶×۱۴ س ۱۱

[۷۲] اثبات وحدةالواجب (عربی)

فیلسوف مولی‌شمس‌الدین محمدگیلانی (ملاشمسا) که درروزگارفیلسوف ملاصدرای شیرازی (م ۱۰۵۰) ودانشمندآقاحسین خوانساری (م ۱۰۹۸) میزیسته از شاگردان فرزانه ایرانی میرداماد استرابادی سپاهانی (م ۱۰۴۱) بوده است وی در۱۰۴۵ درشهرطوس بود و رساله حدوث عالم را در آنجا نگاشته (نسخه شماره ۹۲۶/۵ برك ۱۱۰ الف این کتابخانه) ودر۱۰۴۷ درحجازمیزیست وفوائدی فلسفی درآنجاگردآورد[۱] شمسارساله‌ای بسیارشیوادرعلم‌داردودردزیعه (ج۱ص۱۰۵)

۱ — این فوائد درنسخه شماره ۹۲۶٫۱۱ این کتابخانه هست وازسبك نگارش و روش نوشتن نسخه پیداست‌که از شمسا است و دربرك ۱۵۱ الف مینویسدکه در۱۰۴۷ اینها را درحجازنگاشته‌ام ودر ۱۴۷ ب ازاستاد او بنام «الاستادالفیلسوف‌الکبیر» یادگردیدچنانکه درحدوث عالم (نسخه یاد شده برك ۱۲۴ ب) از استاد او سید داماد یاد میشود .

ازرساله فارسی اودراثبات خدا یاد میشود که پاره‌ای است ازکتاب « التحقیقات فی احوال‌الموجودات» او. شمسا نامه‌ای بصدرانوشته وچند پرسش فلسفی ازوی کرده است واو درپاسخ بسیار از شمسا ستوده ونوید داده که اگر ازسفر برگرد بازنامه نویسد واورادیدار کند. پرسشها وپاسخهای شمسا وصدرا درکنار «المبدء والمعاد» شیرازی درایران بسال ۱۳۱٤ ص ۵۹-۳٤۰ بچاپ رسید این رساله (اثبات وحدة الواجب) بتازی و ازهمین شمساميباشد ودرآن بروش مشائیان خاوری یگانگی خداوند آشکارگردیدوگاهی شعر پارسی وتازی نیز در آن آمده است.

آغاز: بسمله .... الحمدلله الواحدالاحدالصمد ... فیقول ... محمدالشهیر بشمساالجیلانی ... هذه رسالة فی بیان لزوم‌الفساد علی‌تقدیرتعددالواجب بالذات.

انجام: تتجلی علیه انوارالتحقیق والله ولی‌التوفیق.

[۸۰]

۹۲۶ این نسخه شماره دوم دفتری است دارای ۱۵ رساله وگفتار: ۱ حواشی براصول‌کافی بنام الدرالمنظوم من‌کلام‌المعصوم از علی‌بن محمدبن حسن‌بن زین‌الدین شهید ثانی عاملی جبلی که در۱۰۱۳یا۱۰۱٤ زاده واین رساله‌را درپایان ذی حجه ۱۰۶۱ نوشته وبخط تعلیق‌میباشد ۱ ب - ۹۲ ب درکنار برك ۹۲ ب اجازه‌ایست بخط همو که درتاریخ ۱۸ ربیع یکم سال ۱۰۸۵ بشیخ علی‌بن زین‌الدین (بن محمدبن حسن‌بن زین‌الدین شهید ثانی) شاعرادیب برادرزاده خود میدهد ۲ همین رساله که بخط تعلیق ریز وحاشیه (منه دام ظله) دارد و از برك ۹۳ الف تا برك ۹۶ الف میباشد و پیداست که درروزکارنگارنده رساله نوشته شده است ۳ ردبراعتراض رازی وکاتبی برشیخ رئیس درباره پاسخ اوبه بهمنیاردراینکه یکی جز یکی نیافریند از ابراهیم حسینی همدانی ٤ - عبارتی از لمحات شیخ شهید اشراقی (لمحه چهارم) دراثبات تجرد نفس بدلیل حضور ذاتی و بی‌نیازی ازچیزهای دیگر درنه سطردربرك ۹۶الف بهمان خط ۵ - رساله حدوث عالم‌شمساکه درروزکاراونوشته شده ۶- رساله وجود شمسا نوشته درروزگار او ۷- رساله از خفری بخط تعلیق دیگر و درشت‌تر وبشنگرف ۸- رسالهٔ دیگرازهموبهمان خط ۹- مرآة‌الحقایق ومجلی‌الدقایق دشتکی بهمان خط ۱۰- اظهارالکمال شمسابخط تعلیق ریزتر۱۱- گفتارهای‌گوناگون فلسفی که درپایان‌آنهارمز(س م س رحمه‌الله) دیده میشود وگویا ازسید داماد باشد دربرك ۱٤٤ب نیزسخنانی فلسفی دروجود خدا وآفریدگان دیده میشود که‌گویا ازشمساباشد

(برك ۱٤٥ الف تا ۱۵۱ الف) و درآن از استاد خود چنین یـاد میکند : « و جمیع ما ذکرنا تفصیلا هومختارالاستادالفیلسوف الکبیر قدس سره فی تصانیفه القدسیه و کتبه النوریه» (برك ۱٤۷ ب) ودرپایان دارد که این برگهارا بروش پیروان تاله واشراق در۱ صفرسال ۱۰٤۷درحجاز نوشته‌ام ودرآن ازشرح هیاکل دوانی (۱٤٥ الف) واز خلق اعمال همو (۱۵۱ الف) یاد میشود وآغازوانجام این سخنان چنین است : «اعلم ان‌الوجود بلاعلة یجب ان یکون وجود اقائما بذاته ـ وقد وقع‌الفراغ من‌تسوید هذه الاوراق ... فی‌اول شهرصفر ... فی بلدةالحجاز ... فی سنة سبع واربعین بعدالالف» این‌گفتارها بهمان خط رساله شماره ۲ است و حاشیه (منه دام ظله) دارد و از برك ۱٤٥ الف است تا برك ۱۵۱ الف .

۱۲ـ رساله وجودواجب ۱۳ـ شرح دوانی بررساله عقل طوسی ۱٤ـ حاشیه براین شرح ۱۵ـ رساله علم ـ چنانکه‌گفته شد خط رساله ۲و۱۲ یکی است و هردو درروزگارشمسا نوشته شد .

(همه‌دفتر ۱۵۵ برك) کاغذ ترمه سپاهانی ـ جلد مقوا

اندازه : ۲۰ × ۲۷ و۱۳ × ۲۰ س ۲۵

[۷۳] اثبات وجودالواجب (عربی)

علی‌بن شیخ فضل‌الله گیلانی‌زاهدی دراین‌رساله سخن‌ابن کمونه بغدادی‌را دراینکه درگفته‌های فیلسوفان‌برهانی‌ازروی اختلاف ماهیت دیده نمیشود ، آورده وازآن خرده میگیرد وخود برهانی میآورد که هیچ شبهه‌ای در آن راه ندارد .

آغاز : اعلم‌انه قدنقل‌عن‌ابن کمونه قال : لانجدالی‌الآن‌فی کلام‌المتقدمین والمتأخرین برهان‌التوحید باختلاف‌المهیته .

انجام : وبه یندفع‌هذاالشبهه عن کلام‌المحققین . . . من‌المتلفظات اضعف عبادالله الغنی علی‌بن شیخ فضل‌الله الجیلانی‌الراهدی

[۸۱]

۱۰۸۸ این نسخه شماره هشتم دفتری است که دارای ۱۵ رساله وچندین‌گفتار میباشد وبخط تعلیق ازبرك ۳٦ ب تا برك ۳۷ب است . نشانه‌آن درص ٦۷ یادگردید

[۷٤] الاجزاءالمحمولة (رسالة فی ...) (عربی)

یکی ازمباحث دشوارامورعامه فلسفی الهی مسئله جزءهای محمول است که با جزء بودن برکل حمل میگردد میرزا محمد رستمداری شیعی این رساله را

برای شاه‌سلطان محمد (۹۰۵-۹۸٤) فرزندشاه‌تهماسب‌صفوی (۹۳۰-۹۸٤) درگشودن راز این مسئله دشوارنگاشته است وی همان‌کسی‌است‌که درهنگام جنگ طوس نامه‌ای باوزبکها نوشته وآنها پاسخ داده‌اند .

رستمداری دراین‌رساله میگوید که اشراقیان ماهیت را ومشائیان اتصاف را آفریده دانستند (۳٤ ب) وی دلیلهائی که برای بود و نبود کلی طبیعی آورده‌اند (از ۳٦ تا پایان) و پاسخی راکه طوسی بقونوی داده است میآورد و دلیلی راکه طوسی برای حمل یك چیزعینی برچیند چیز آوردوخرده گیری که شارح مفتاح‌الغیب کرد یاد نموده سپس خود بررسی میکند و میگوید یك چیز اگرچه کلی هم باشد روا نیست که درچندجا باشد واین را روشن وبدیهی میداند (۳۹ الف) . اودراین رساله ازاین دانشمندان وازاین نگارشها یاد میکند : تجرید طوسی و شرح جدید آن وگفتار دوانی (۳۹ الف تا پایان) نیز دوانی (۲۳ ب و ۳۰ ب) وسیدالمحققین (۱۲ ب) و«سید قدس سره» بسیاردارد نیزازفاضل لاری (۲۰ الف) ومحقق شریف و حاشیه او برشرح قدیم تجرید (۳۲ الف) حاشیه برشرح حکمه‌العین (۳٤ ب) ـ رستمداری درترکیب ماهیت‌ازجزئهای محمول چهارراهی‌راکه دانشمندان رفته‌اند یاد میکند وازآنها بحث می‌نماید .

آغاز : بسمله یامن دل بجوده علی‌وجوده واستقل بوجوده علی جوده . . . فیقول ... محمدالرستمداری ان مبحث‌الاجزاءالمحمولة من غوامض مباحث‌الحکمة والکلام .

انجام : ولا تنظر الی من قال وانظر الی ماقال و اعرف‌الرجل بالعلم لاالعلم بالرجال . ولنختم‌الرساله بهذاالمقال متوکلاعلی‌الکریم‌المتعال الحمدلله علی جزیل نواله والصلوة علی سید انبیاء محمد و آله .

[۸۲]

این نسخه بخط نسخ ازمحقق کرکی کوچك حسین‌بن حیدرحسینی کرکی
۹۰۵ عاملی‌است که میگوید جزچهارصفحه (برگهای ۲٦الف و۲۷و٤٥ که بچهار صفحه وپنج سطرمیرسدو بخط تعلیق شکسته میباشد) همه را من‌درمشهدرضا

(طوس) درپسین روز دوشنبه ۱۳ رمضان سال ۱۰۱۰ نوشته‌ام ودرکنار صفحه باز می‌نویسد که من درطوس این نسخه را با نسخه‌هائی که از روی خط نگارنده رساله نوشته شده بود برابر کردم وتانوانستم جزآنچه راکه ازپیش چشمم رفته باشد درست نمودم (۱) ـ عنوانها بنسخ درشت‌تر و بشنگرف است و حاشیه (منه رحمه‌الله) دارد .

(٤٥ برگ) کاغذ ترمه سمرقندی ـ جلد مقوا

اندازه : ۱۳ ×۱۹٫۵ و ۹×۱۴ س ۲۰

---

۱ ـ چهارکس بنام حسین کرکی درروضات‌الجنات (ص۱۸٦ـ۱۹۱) وامل‌الامل (٤۳٤) و سلافة‌العصرسید علیخان (٦۷ ـ ۳۵۵) یاد شد :

۱ ـ امیرسید حسین بن سید بدرالدین حسن بن سید جعفر اعرجی حسینی موسوی کرکی عاملی که درسپاهان میزیست .

۲ ـ امیر سید حسین مجتهد پسر سید ضیاءالدین ابی‌تراب حسن فرزند سید ابی جعفرمحمد موسوی کرکی عاملی که درقزوین بوده وبدستورشاه عباس یکم (۹۸۵ـ۱۳۰۸) باردبیل رفته وشیخ‌الاسلام آنجا شد گویند که درسال ۱۰۰۱ درقزوین بطاعون درگذشت وی در ۹۵۹ « دفع‌المناواة من‌التفصیل‌والمساواة » نوشت ودر روزگار شاه اسمعیل دوم (۹۸٤ ـ ۹۸۵) میزیست این دانشمند نواده دختری محقق‌دوم شیخ علی بن عبدالعالی کرکی (م ۹٤۰) بوده است .

۳ـ شیخ حسین بن شهاب‌الدین بن حسین فرزند خاندار شامی (بگفته سلافه) یا فرزند محمدبن حیدرعاملی کرکی فیلسوف پزشك شاعر ادیب نویسنده که ارجوزه درنحو و منطق دارد وی درسپاهان میزیست آنگاه بحیدرآباد رفت ودرآنجا بسال ۱۰۷٦ در ٦۸ (امل‌الآمل) یا ٦۷ (روضات) یا ٦٤ سالگی (سلافه) درگذشت وی نگارشهائی درادب ومنطق و پزشکی دارد .

٤ ـ سید عزالدین ابوعبدالله حسین بن سید حیدر بن حیدر بن قمر بن علی حسینی گرکی عاملی که بمجتهد یامفتی یامفتی سپاهان نامبردار بوده است وی درروزگار تهماسب صفوی (۹۳۰ ـ ۹۸٤) درسپاهان داور ومفتی بود و از سید حسین کرکی (دومی) روایت میکرد وازاو اجازه داشت . وی در ۲۲ رمضان سال ۱۰۲۱ اشراق‌الحق من مطلع‌الصدق (نسخه شماره ۲۹۳ این کتابخانه) را نگاشته است ودرپشت کتاب بخط خود نام خویش را نوشت (برك۱ الف) ونیزاجازه‌ای راکه به‌نصیرالدین محمد داد بخطاودربرك (٦۹ب)همین اشراق‌دیده‌میشود . اودراشراق‌ازشیخ‌علی بن‌عبدالعالی(م ۹٤۰)وازشیخ بهائی(۹۵۳ـ۱۰۳۰) بعنوان شیخنا یاد میکند ومیرساند که‌این‌اجازه پس ازمرگ شیخ علی بن عبدالعالی ومولی لطف‌الله نیشابوری(شاگرد پسرشیخ‌طوسی) ودرروزگاربهائی نوشته‌شده‌است . او بازدراین دفتر ازمعین‌الفکرمحمدبن جمهور(گویانویسنده مجلی در۸۹۵) وکفایة‌الطالبین‌احمدبن‌متوج بحرانی(استادابن‌فهدوشاگردشهیدوفخرالمحققین)وتفرید(تمرید)الاعتمادفی‌شرح‌تجریدالاعتقاد شمس‌الدین محمد بهشتی (اسفرائینی بیهقی که درنزدیك بروزگارطوسی میزیست ـ ذیعه ج ۳ ص ۳۵۳وج٤ص۲۱٤) وشرح نجات‌العباد محمدبن ابی‌طالب استرابادی (زنده درنزدیك ۹٤۰) یاد میکند ـ اودر۱۲۰۹ زنده بود وهمواست که در۱۰۱۰ نسخه « الاجزاءالمحموله » ما را نوشته است .

[۷۵] اسباب حدوث الحروف (عربی)

قنواتی درشماره ٤۹ فهرست خویش ازالنیروزیه یارسالةالحروف یارسالة فی فواتح‌السورالکریمه یادمیکندکه شیخ آنرابرای شیخ امیرسید ابی‌بکرمحمدبن عبدالرحیم درمعانی حرفهای هجاء آغاز سوره های قرآن نگاشته و در نوروز باو ارمغان داد ودرپایان میگوید رازهائی مانده‌که باید زبانی گفت سپس ازامیرستوده ازخدای میخواهدکه بتواند ازدهشهای اوسپاسگزاری کند ـ این رساله جزرساله ماست ودرسه فصل میباشد (ترتیب هستی‌هاواثر آنها ـ چگونگی دلالت حرفها ـ غرض) وبروش باطنیان وحروفیان‌نوشته شده ودرتسع رسائل‌بنام الرسالةالنیروزیة فی‌معانی‌الحروف الهجائیة بسال $\frac{۱۳۲۶}{۱۹۰۸}$ بچاپ رسید بازقنواتی درشماره ٤۷ ازحدوث الحروف یا فی تحقیق‌الحروف یا اسباب‌الحروف یا فی‌اسباب‌الحروف یاد میکندکه محب‌الدین خطیب درقاهره بسال $\frac{۱۳۳۲}{۱۹۱٤}$ بچاپ رساند وم . براومان (M.Brauman) آنرا در Mater.und Unters.zu den phonetischen Lehren der Araber (۱۱۲-۱۳۱) در برسلاو Breslau بسال ۱۹٤۳ بچاپ رساند در معجم‌المطبوعات نیزازاین دوچاپ مصریاد گردید ومی‌نویسدکه رساله دوم شش فصل‌است (پیدایش آواز- پیدایش حرفها ـ تشریح حنجره ـ سببهای جزئی هرحرف تازی ـ حرفهای همانندکه درزبان تازی نیست ـ اینکه این حرفها ازکدامیك ازجنبشهای غیرنطقی شنیده میشود) درکشف‌الظنون نیز ازرساله دوم وشش فصل‌آن وازرساله نخستین یاد شده است (ج ۱ ص ٥٤۸ ج ۱ ص ٥٦۸) این رساله نیز جز رساله ما است شیخ دراین رساله نخست از پیدایش آواز سپس ازحرفها از رهگذر دستور زبان آنگاه ازرهگذرتجویدکاوش میکند پس‌ازآن بروش فیثاغورسیان وصوفیان درباره حرفهاسخن میراند ودرپایان این مسئله راکه لغت وزبان ساخته مردم است یااینکه خدا آنرا ساخته وبمردم آگاهی داد (اصطلاحی وتوقیفی) میآورد .

این رساله ما فصل بندی نشده است .

آغاز : بسمله امابعدحمدالله‌الذی‌افاض‌علی‌الانسان سجال‌الجودوالاحسان . . . فاعلم یااخی . . . ان‌الصوت قرع فی‌الهواء تدرکه حامسة‌السمع .

انجام : کما یفعل الابوان بالولد الرضیع حذو القذة بالقذه . هذا آخر ما اردنا تقریره وتحریره من مراتب الحروف . والله الموفق للصواب والیه المرجع والمآب .

[۸۳]

۳۶۷ این نسخه از روی نسخه شماره ۱۲۱۶ کتابخانه مدرسه سپهسالار نوشته شده ودر دفتری است دارای ٤ رساله که نونویس و بنسخ است و هریك صفحه شماری دارد واین رساله ۲۳ صفحه است .

(همه دفتر ٦۰ برك) کاغذ فرنگی ــ جلد مقوا

اندازه : ۵ر۱۰×۱۷ و ۹ × ۱۲ س ۷

[۷٦] **استضائة الجو** (عربی)

۱۰ این رساله از خواجه رئیس ابوعلی سینا است درباره روشنائی و در آغاز میگوید که در نگارشهای دیگر خود بتفصیل سخن رانده‌ام قنواتی در شماره ٥٦ بنام « استضائة النور » از آن نام برده ودو نسخه نشان میدهد .

آغاز : بسمله رسالة استضاء الجو للشیخ الرئیس ــ سالتنی وفقك الله وایانا الصواب ان اعتذر بالاختصار عما افترق من مخالفة فی امر استضائة الجو وامر الطول والعرض

۱۵ والعمق المأخوذ جمیع ذلك فی حد الجسم فاجتبك الی ذلك تارکا التدقیق والتحقیق فیه .

انجام : فامر ما یحتاج الآن الی شرحه فقد بالغنایة فی مواضع اخری ــ تمت الرساله .

[۸٤]

۱۰۷٤ این نسخه شماره ۱٤ دفتری است دارای ۱۸ رساله و بخط تعلیق ریز از ۲۱٤ الف تا ۲۱۵ ب میباشد نشانه نسخه درص ۷۳ یاد شد .

[۷۷] **اشارا** (عربی)

ابن ابی اصیبعه (ج ۲ ص ۱۸) گوید که اشارات بهترین و آخرین نگارش فلسفی شیخ رئیس است و آنرا بهمه کس نشان نمیداد درفهرست پایان سرگذشت (السیره) نیز چنین آمده است شیخ در دونامهٔ [۱] خود که گویا ببهمنیار یا دیگری

۲۵ ۱ــ دیده شود : ارسطو عندالعرب بدوی (۲٤۰ و ۲٤۵) . نامه دومی گویا پس از تاراج سپاهیان مسعود غزنوی بسال ٤۲۵ نوشته شده باشد .

نوشته باشد میرساندکه نسخه از آن را نزد خود نگاهمیدارد وجزابن زیله ومانند اونباید بدان بنگرند از دیباچه وپایان اشارات نیزبدست میایدکه شیخ بسیاربدان ارج مینهاد وسفارش میکردکه بدست هرکس نیافتد .

نامی که شیخ بدان داده در دفترهای اخوان صفـا (رساله ٤ و ٩ بخش نفسانیات ـ ج ۳ ص ۲۲۷ و ۳۳٤ چاپ مصر) دیده میشود و آنان بروش آموزش خویش نام (اشارات وتنبیهات) میدادند .

ازگفتاررژربیکن Roger Bacon (۱۲۱٤ـ۱۲۹٤) برمیآیدکه اشارات را درسده ۱۳ دراروپا میشناختند .

اشارات را یعقوب فرژه Forget درلیدن بسال۱۸۹۲بچاپ رساند ومهرن سه نمط آخرآنرا باگزیده‌ای ازشرح طوسی درجزء رسائل عرفانی شیخ دربریل با تعلیقهای فرانسوی خود بسال ۱۸۹۱ چاپ کرد وسلیمان دنیا همه سه بخش آنرا درمصر بسال ۹ـ۱۹٤۸ (۸ـ۱۳٦۷) چاپ نمود ودرایران با شرح طوسی همه آن بسال ۱۳۰۵ وطبیعی و الهی آن بسال ۱۲۷۱ چاپ گردید شرح طوسی درهند نیز بسال ۱۲۸۱و۱۲۹۳و۱۲۹۷و۱۳۱۸ و در اسلامبول بسال ۱۲۹۰ چاپ شد چندین دانشمند براشارات شرح و محاکمه و حاشیه نوشتند مانند شرحهـای شیخ شهید سهروردی بفارسی وانوری وفخررازی وابن کمونه وارموی ونخجوانی وسمرقندی وآمدی وبیهقی وطوسی وحلی (سه شرح) ومانند محاکمات قطب رازی وشوشتری و سپاهانی ومانند حاشیه های سید شریف گرگانی و قطب شیرازی و دوانی و ملا میرزاجان شیرازی[۱] وترجمه پارسی اشارات درتهران بسال ۱۳۱٦ بچاپ رسید .

[۸۵]

۲۸۸ این نسخه بخط نسخ‌وعنوانها درشت‌تروبسال ٦۹۳ نوشته شده است بسیاری ازجاها اعراب‌دارد ونویسنده‌آن چنین نام برده شده : «محمود بن حسین‌بن محمد افحانی‌الرسری» .

(۸۰ برگ) کاغذ ترمه سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ

اندازه : ۱۳٫۵ × ۱۹٫۵ و ۱۰×۱٤ س ۱۷

نگاه‌به : فهرست قنواتی‌که چندین نسخه ازاشارات نشان میدهد وچهارده‌تای از ۵۸۳ تا ۸٦۹ نوشته شده است وهفت نسخه ازاینها بیش‌ازنسخه ماست .

[۷۸] اشراق هیاکل‌النور لکشف ظلمات شواکل‌الغرور (عربی)

شیخ شهیداشراقی شهاب‌الدین یحیی‌بن‌حبش‌بن امیرك سهروردی (۵۴۹-۵۸۷) فیلسوف بزرگوار ایرانی که بدست مشتی مردم نادان و بدستور صلاح‌الدین ایوبی (۵۶۴-۵۸۹) بگناه آزاداندیشی کشته گردید تنها دانشمندی بود که گذشته ازدیگرگون ساختن بنیاد فلسفه مشائی سخنان فلسفی خویش را با اندیشه مزدا - پرستان ایران بیامیخت و فلسفه خود را برروی دوپایه روشنی و تاریکی نهاد وی نگارشی بنـام هیاکل‌النور دارد در هفت هیکل : ۱- جسم ۲- روان ۳- جهات ٤- خدا ٥- نامتناهی بودن حوادث ٦- جاوید بودن روان ۷- پیامبری .

این کتاب را نخستین بارجلال‌الدین محمدبن‌اسعددوانی (م ۹۰۸) شرحی آمیخته بنام « شواکل‌الحور فی شرح هیاکل‌النور » در سال ۸۷۲ نگاشته است .

سپس غیاث‌الدین‌منصور(م ۹٤۸) فرزندصدرالدین‌محمد دشتکی شیرازی (۸۲۸-۹۰۳) نیزشرحی آمیخته بنام یاد شده در بالا نگاشت ودر آن بشرح دوانی نگریسته از آن خرده‌هاگرفت وی دردیباچه آن آشکارا میگویدکه دراین شرح میخواهم لغزشهای دوانی‌را نشان‌دهم وبآنچه خرده گرفت پاسخ گویم وی دربیشتر جاهاسخنان دوانی‌رامیآورد ولغزش‌های آنها را روشن‌میسازد . دوانی‌شرح خویش را «شواکل‌الحور» نامیده ودشتکی‌بشرح‌خود «اشراق هیاکل‌النورلکشف ظلمات شواکل‌الغرور» نام‌داده ودرآن شرح دوانی‌را نکوهیده ونگارش خویش را ستوده و زیبا چون روشنائی دربرابر تاریکی نشان داد چنانکه درآغاز آن دیده میشود . دشتکی میگوید دراین شرح من نمیخواهم سخن بدرازکشد و آنچه را که نمی‌پسندم آشکار بدارم تنها این را میخواهم که لغزشهای دوانی را بگویم .

آغاز : بسمله افتتح فاقول : یاغیاث‌المستغیثین ! نجنا باشراق هیاکل‌النور عن ظلمات شواکل‌الغرور . . . یقول . . . منصوربن محمدالحسینی .

انجام : الذی نجانا بانوارالهدایة عن ظلمات‌الضلالة والغوایة و آله‌الکرام الابرار وصحبه‌العظام‌الاخیار ، ماتعاقب‌اللیل والنهار .

[۸٦]

این نسخه بخط تعلیق پاکیزه و تصحیح شده با عنوانهای شنگرف میباشد
۳۵۱ و روی متن خط سرخ کشیده شده است در کناره چپ نخستین برك، پایان
برخی ازسطرها رفته وخوانا نیست ـ نسخه در ۱۳۲۰ بدستیاری مجدالادبا
خریده شد .

(۱۳۷ برك) ــ کاغذ زرد سپاهانی ـ جلد تیماح سرخ ضربی
اندازه : ۱۳×۲۳ و ۷×۱٦ س ۱۷

[۸۷]

این نسخه دردفتری‌است دارای سه‌رساله ۱ــ رساله حج میرزای قمی ۲ـ جبر
۸۵۲ ومقابله ملك محمدبن سلطانحسین سپاهانی ۳ــ همین شرح که‌ازبرك ۳۵ب
است تابرك ۱٦۱ ب وبخط تعلیق ودرپایان دارد : « وقع منا الفراغ من
تسویده وتحریره یوم‌الاربعاء من شهررمضان‌المبارك سنة‌تسع‌وتسعین وتسعمائه‌الهجرة
النبویة فی‌دارالسلطنة قزوین علی یدمالکه وراقمه . . .» پس نویسنده نسخه که نامش
خوانا نیست درروزچهارشنبه رمضان سال ۹۹۹ درقزوین آنرا برای خود نوشته است

(همه دفتر ۱٦۱برك)ــ کاغذ ترمه سمرقندی ـ جلد مقوا
اندازه : ۱۰×۱۸ و ۷×۱۳٫۵ س ۱٦

[۷۹] **اصالت وجود** (فارسی)

یکی ازمسئله های دشوارفلسفی مبحث وجود وماهیت و اصالت آنها است
که متکلمان وعارفان وفیلسوفان خاوری همه ازآن گفتگوکردند و اصالت یکی
ازایندودرنگارشهای خواجه رئیس وشیخ اشراقی بحث شده وملاصدرای شیرازی
بخصوص آنرا یکی از پایه های فلسفه خویش ساخت .

این رساله چنانکه درآغاز آن آمده برای این نوشته شده که بتوان مسئله
وجود ماهیت واصالت یکی از آندو را بآسانی دریافت نگارنده رساله ازمتأخران
است ودرآن از شیخ اشراقی و خواجه طوسی و علامه حلی و سراینده گلشن راز
وجامی (۷ ب) ومحقق لاهیجی (۸ الف و ۹ الف) ومنظومه فرزانه سبزواری (۸
الف) یاد میکند وشعری ازمنظومه میآورد (۷ ب) .

آغاز : حمدالجاعل‌نورالوجود وظلمةالمهیة ... این چندکلمه‌ایست دربیان
مراد ازوجود ومهیت .

انجام : آنچه که دارد آورده شد چومافی‌الخارج هویت وجودیه میباشد و بس .

[۸۸]

۸۷٦ این نسخه شماره یکم دفتری است دارای ۱٦ رساله و نشانه آن در دنبال « اثبات‌الواجب » ابن‌سینا یاد شد این رساله از برك ۱ ب است تا برك ۲۹ ب و بخط تعلیق شکسته و بگواهی خط خورده گی‌ها باید نسخه اصل باشد . پس‌از این آغاز رساله دیگری میاید بپارسی درهمان موضوع و گویا دیباچه دیگری است ازنگارنده برهمین رساله و چنین آغاز میشود : «پس‌از نام خدا و ستایش او ودرود برپیامبر ـ چون اهم مسائل علم معقول که مبتنی میباشد براومعرفت مبدء و معاد . . . مسئله اصالت وجود واصالت مهیت میباشد . . . . ومهیت امری است اعتباری» (برك ۳۰ ب) ودرست با برك ۲ الف از رساله ما مربوط میشود آنگاه از برك ۳۱ الف تا ٤۰ الف سخنانی است بعربی درباره مفهوم منطقی و طبیعی و وجود ذهنی و جبر واختیار بهمان خط وباید ازهمین نگارنده باشد .

[۸۰] **اصول‌الفوائد فی اصول المسائل الحکمیه** (عربی)

این نگارش‌ازعباس مولوی‌شاگردملا رجبعلی تبریزی میباشد که در آن از وی با احترام یاد میکند وسخنانی از وی میآورد وپیداست که پس‌ازمرك استاد آنرا نگاشت (برگهای ۹ ب و ۱۸ ب و ٤۲ ب و ۵۰ الف و ۵۲ الف) . مولوی در آن ازاثولوجیا وازابن‌سینا وابی‌البرکات وخواجه طوسی یاد میکند این نگارش درهفت مقاله است (۱ـ بود ویگانگی خدا ۲ـ آفریدن چیزها ۳ـ آفرینش وجعل چیست ٤ـ دراینکه گوهرهای عقلی و آسمانی بسیارند وجهان مثالی وهستی ذهنی هست ۵ ـ جسمها چیستند ٦ـ مقوله های دهگانه ۷ـ امورعامه) ودر ۱۰۹۷ پایان یافت مولوی دراین کتاب بپیروی ازاستاداشتراك لفظی وجودرا ثابت میکند ویکی بودن صفت وموصوف را محال میداند .

آغاز : بسمله الحمدلله‌الذی فاق عن‌مدح‌المادحین فخرمدحه وعدا وصف الواصفین مآثر حمده . . . فیقول عباس‌المولوی . . . اریدان اکتب مختصراً یشتمل علی عدة اصول‌المسائل .

انجام: انتهاءالمرکبة الی البسیطة . قد وقع الفراغ من تسویده فی شهر ذی‌الحجةالحرام سنة سبع وتسعین بعدالالف .

[۸۹]

۳۳۱ این نسخه بخط نسخ باعنوانهای شنگرف است ومحمدباقر هزارجریبی آنرا درشب سیوم رجب ۱۱۱٤ نوشت ونسخه‌ای است مقابله شده .
(۸٦ برگ) — کاغذ ترمه سپاهانی - جلد تیماج سرخ حاشیه‌داردولا
اندازه . ۱۲×۱۹٫۵ و ۷×۱۴ س ۱۴

[۸۱] **اضحویه** (عربی)

این رساله خواجه ابوعلی سینا چنانکه در آغاز و پایان نسخه (۱۰۷٤/۲) ما دیده میشود « رسالةالمبدءوالمعاد » ودردونسخه موزه بریتانیا ومصر و همچنین درآغازنسخه ٤۲۲ این کتابخانه « اضحویه » نامیده شده است . شیخ این رساله را برای شیخ امین یا امیر سید ابی بکربن محمدبن عبدالله بگواهی نسخه‌ها و ذریعه و بگفته ابن ابی‌اصیبعه (ج ۲ ص ۱۹) برای ابی‌بکر محمدبن عبید و بگفته بیهقی (ص۳۳) برای شیخ وزیرامین ابی‌سعد همدانی نگاشته است ماناکه درروز« اضحی » بدو ارمغان دارد واین ابوبکر همانست که شیخ « رساله نیروزیه » را نیز برای او نگاشته‌است (ذریعه ج۲ص ۲۱٤ونسخه چاپی نیروزیه) وابوسعد همدانی همانکس است که شیخ گفتگوئی راکه میان او و حکیم ابوالقاسم کرمانی شده وکار بستیزه ودشنام کشیده وشیخ اورا بیگانه ازمنطق واو شیخ را فریبخوار و فریبکار خوانده بود ، نوشته و برای اوفرستاد (بیهقی ص۳۳) . شیخ در آغاز این رساله از «الشیخ الامین» نام میبرد و اورا میستاید و از سختیها و گرفتاریهای خویش مینالد و از او میخواهدکه ویرا بدست بخت نگذارد و از وی چشم نپوشد شیخ درپایان رساله (نسخه ۱۰۷٤/۲) باز از شیخ امین درخواست میکندکه بچشم خوشنودی بدان بنگرد ولغزش آنرا درست سازد .

این‌رساله درهفت فصل‌است ۱- رستاخیزچیست ۲- گوناگون‌بودن سخنان دانشمندان در آن ۳- ناسازگاری رأیهای باطلی که درباره آن آمده است ٤- آنچه درمردمی پایدار است اگرچه همه چیزها از میان بروند (دراینجا سخن دکارت

میاندیشم پس هستم بیاد میاید) ۵ـ آنچیز پایدار گوهری است جاوید وهمیشگی ٦ـ دراینکه بایست رستاخیزی باشد ۷ـ دسته‌های گوناگون مردم پس‌از مرگ و بررسی و کاوش از جهان دیگر . این فهرست را شیخ در آغاز پس‌ازدیباچه میآورد این رساله را استاد سلیمان دنیا درمصر بسال $\frac{۱۳٦۸}{۱۹۴۹}$ از روی دو نسخه موزه بریتانیا ومصر با دیباچه‌ای بچاپ رساند (۱) .

این شیخ امین‌که گاهی وزیر ابی‌سعد همدانی و گاهی ابی بکر محمدبن عبید و گاهی ابی‌بکربن محمدبن عبدالله و گاهی ابی‌بکربن محمدبن عبدالرحیم (آغازرساله نیروزیه) خوانده شد ماناکسی بود که شیخ میتوانست رازهای خودرا بدو گوید چنانکه شیخ درنیروزیه که بدو درنوروزارمغان داده‌است بروش باطنیان و حروفیان سخن راند و گفت رازهائی ماند که باید زبانی گفت و دراین رساله هم که بنام اوساخت رستاخیزجسمانی را انکارکردو آشکارا باپیروان سنت ناسازگاری نمودو گفت چون‌تن نابود میشود وجان درتن دیگری هم نمیرود پس‌رستاخیز تنها از آن جان خواهد بود شیخ رستاخیز جسمانی را در آغازفصل دوم از آن دسته‌ای از تازیان اهل جدل دانست .

شیخ در آغاز فصل پنجم این رساله گوید دربسیاری از نگارشهای خویش بویژه درشرحی که برکتاب نفس ارسطو نوشته‌ایم گوهر جان را روشن ساختیم که چیست (۲) .

وی درپایان سخن ثابت بن قره را که میگوید جانها ازتن جدا میشوند وبجسمی‌لطیف می‌پیوندند شگفت و بی‌پایه میخواند مگراینکه رمزی گفته باشد .

شیخ در فصل سوم میگوید آنچه دردینها آمده از روی تشبیه واستعاره است نه اینکه آنچه آشکارا از لفظ درمییابند خواسته شده باشد و دراینجا است که تحریف تورات را انکارمیکند . ملاصدرا درمبدء ومعاد (ص ۲۹۵) گوید برخی ازفیلسوفان آیه های قرآن که درباره رستاخیز تن آمده تأویل نمودند وخود این را نمی‌پذیرد و پیدا است که او دراینجا بگفتارشیخ درهمین اضحویه مینگرد .

۱ـ برای برخی ازآنچه درباره اضحویه گفته میشود باین دیباچه بنگرید
۲ـ شرح نفس اودرارسطوعندالعرب بچاپ رسید .

گرچه شیخ رئیس درالهی شفا (ف ۷ م ۹ ص ۲٦٥) ودرنجات درفصل معاد (ص۲۹۱) بازگشت تن را پذیرفت ولی ازهمان شفاونجات پیداست که وی دراینده کتاب نمیخواهد با ظاهریان بستیزد این است که اودررساله اثبات نبوت ودرپاسخ ابوسعید ودر « الحکومة فی حجج المثبتین للماضی مبدء ازمانیا » ودررساله فارسی معراج که بگواهی سید داماد درصراط مستقیم (شماره ۲۷۹/۱ برك ٤ الف) ازآن اواست روش تأویل پیش گرفت و آشکارا با پیروان سنت ناسازگاری نمود. ازآغاز منطق مشرقی و دیباچه طبیعی و پایان اشارات پیداست که وی شفا را برای توده مردم نوشت ونخواست که با مشائیان ومتکلمان نسازد . پس هیچ دور نیست که همین شیخ رساله اضحویه بنگارد و درآن سخنانی مخالف ظاهریان بیاورد . غزالی در تهافت الفلاسفه درمبحث معاد ازاین کتاب بهره برده است این را هم باید دانست که غزالی دربسیاری ازنگارشهای خودمانند شیخ باظاهریان خلاف کرد وآرائی آورد که اوراهم نگاهبانان سنت بمانند شیخ بیدین خواندند .

آغاز : بسمله افاض الله علی روح الشیخ الامین فی الدارین انوار الحکم وطهر نفسه من ادناس الطبیعه .

انجام : الا ان یرمز رمزاً کسائر الرموز واذ بلغنا هذا المبلغ فیلتئم (فلنختم) المقالة (الرسالة) ولنحمدالله تعالی علی ما وفقنا له من ذلك ولنسئل الشیخ الامین ملاحظة بعین الرضا و اصلاح ما وقف فیه الزلة منعما انشاءالله تعالی ـ تمت الرسالة المسماة برسالة المبدء والمعاد والحمدلله رب العالمین والسلام علی رسوله محمد و آله اجمعین .

[۹۰]

٤۲۲ این نسخه شماره یکم دفتری است دارای چهار رساله وبخط تعلیق ونونویس است ودر ٦۰ صفحه نشانه نسخه درص ٤۲ و۷۱ یاد شد .

[۹۱]

۱۰۷٤ این نسخه شماره دوم دفتری است دارای۱۸ رساله وبخط تعلیق ریزوگاهی بی نقطه ازبرك ۱۸ب تا برك ٤۳ ب (دیده شود ص ۷۳) .

[۸۲] اظهار الکمال علی اصحاب الحقیقة و الحال (فارسی)

این رساله ازشمس‌الدین محمد گیلانی است دراینکه خیرهستی است وشر نیستی ودلیل برای آن میآورد .

مسئله شر و آفرینش یکی از مباحث دشوار فلسفه است اینجا است که پیروان زردشت بدو اصل گفتند ولی فیلسوفان و عارفان مانند غزالی طوسی وابن عربی‌اندلسی وشیخ اشراقی سهروردی وقطب شیرازی وصدرای شیرازی ودیگران دستگاه آفرینش را بهترین دستگاه پنداشتند و شر را عدمی دانستند [۱] شمسا دراین رساله ازحدیث (کنت کنزا مخفیا) یاد میکند .

آغاز : بسمله . . . بدان اسعدك الله فی الدارین . . . که کمال خیرمؤثر است ونقص شر منفی است .

انجام : که خدای تعالی گنج مخفی بود یعنی غیرخدای تعالی بر آن گنج کمالات سرمدی ابدی واقف نبود .

[۹۲]

۹۲۶ این نسخه شماره دهم‌دفتری‌است دارای۱۵رساله وگفتاربتعلیق‌ریز بانشانه‌های شنگرف دربرك ۱۴۳ الف و ب . نشانه نسخه دردنبال «اثبات وحدة‌الواجب» شمسا گفته شد این رساله دراین نسخه‌ازپایان ناقص‌وبرك ۱۴۴ب سفیدگذارده شده است .

[۸۳] اغراض ارسطوطالیس (عربی)

فارابی دراین‌نگارش که درص۸۸و۹۲شناسانده شده غرض‌الهی‌ارسطورا آشکارمیدارد. وآنرا دوازده‌گفتارمیداند از سنجش‌گفتار فارابی با آنچه درهریك دفترهای چهارده‌گانه الهی‌آمده چنین برمیآیدکه وی دفتر آلفای بزرك وکوچك

---

۱ — دیده شود شرح حکمة‌الاشراق وحاشیه صد را برآن‌که درآندودلیل براین مسئله آمده است ص ۲۳ — ۵۱۹ صدرا درحاشیه ص ۵۲۱ گوید افلاطون درپاسخ دوگانه پرستان‌گفت‌که جهان سراسر زیباست ونیکوولی ارسطو میگویدکه دراینجهان خیرمحض داریم وخیراکثری — نیزنگاه به : فصل ۶ مقاله ۹ الهی شفاوقبس دهم قبسات سیدداماد وشواهد ربوبی صدرا ص ۱۰۳ ومبدء ومعاد او ص ۱۰۰

الهی را در گفتار نخستین و بتا را در دوم و گاما را در سوم و دلتا را در چهارم و اپسیلون را در پنجم و زتا و ئتا را در ششم و ثتا را در هشتم و یوتا را در نهم و کاپا را در دهم و لاندا را در یازدهم گذارده است و از گفتار هفتم دفتر مو و از دوازدهم دفتر نورا را میخواهد.

در آغاز میگوید که چون برخی پنداشتند که الهی ارسطو تنها از خدا و خرد وجان و چیزهائیکه بدانها میپیوندد سخن میراند و مابعدالطبیعه و خداشناسی یکی میباشند بااینکه جز در یازدهمی که نشانه لام (لاندا) دارد یادی از آنها نشده است و همین مایه گمراهی گروهی گردید این بود که این دفتر بنگارش در آمد. سپس میگوید پیشینیان بر الهی ارسطو شرح شایسته ننوشتند جز اسکندر که شرح وی بر دفتر لام نانمام و ثامسطیوس که شرحی کامل بر این دفتر دارد و بر دفترهای دیگر یا شرحی ننوشتند یا بما نرسید اگرچه متأخران مشائی میگویند که اسکندر بر همه دفتر های الهی شرح نگاشته است.

[۹۳]

۲۴۰ این نسخه شماره یکم دفتری است دارای چندین رساله فلسفی و منطقی فارابی از برگ ۲ ب تا برگ ٤ الف و نشانه آن در ص ۱۸ گفته شد.

[۹٤]

۲۵۳ این نسخه شماره ششم دفتری است دارای ۲۲ رساله و گفتار از برگ ۷٤ب تا ۷٦ الف و بخط تعلیق ریز و نویسنده این دفتر حیدر بن علی بن اسماعیل بن عبدالعالی هاشمی کرکی عاملی است که بسالهای ٦ - ۱۰۷۵ نوشته است شماره هفتم این دفتر سه فائده دارد در نخستین گفته شده که در نگارشهای فلسفی هر گاه بگویند شاعر او میرس و شاعر ة ساقفو (گویا سافو) که زنی بود شاعر مانند همیروس میان مردان، و الهی بقراط، و فاضل افلاطون، و منفرد دیوجانس، و زاهد سقراط را میخواهند او فرفوریوس سها سه اند یکی از صور دیگری سفل سوم از لوبیقی در دومی چنین آمده که ارسطو از افلاطون و او از سقراط چنین آورد: دانشجو باید جوان باشد و آسوده دل و تندرست و بگیتی ننگرد و چیزی را بر دانش برتری ننهد و راستگو باید و خود بخود دوستدار داد باشد و دیندار و امین و باتوده مردم در روشها و خوهای زمانه بسازد و خوشخوی و مهربان باشد. و کم خورد و پرده ندرد و از مرگ نترسد و خواسته نیاندوزد جز آنچه که بدان نیازمند باشد چه دانشجوئی

باگردگردن خواسته نمی‌سازد درسومی‌دارد که بقراط ازسقراط پرسید بااینکه‌ازگیتی درگذشتی ومرد مرادوست میداری چراترا دشمن میدارند وی گفت چون نادانی‌دشمن دانش است .

(همه دفتر ۱۵۶ برگ) - کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج سرخ ساده
اندازه : ۵ر۱۲×۵ر۱۹ و ۶ × ۵ر۱۱ س ۱۸

[۸۴] (الافق المبین) (عربی)

یکی ازنگارشهای فلسفی میرداماد[۱] «الافق المبین» است که درآن ازوجودوزمان ودهرسخن‌رانده بنوشته عالم آراء پیش‌از۱۰۲۵ نگاشته‌استودردوصرح که هریکی

۱ــ فرزانه‌فیلسوف میرمحمد باقربن شمس‌الدین‌محمد داماد فندرسکی استرابادی
۱۰ فرزند دختری دانشمند محقق ثانی نورالدین علی‌بن عبدالعالی کرکی (م ۹۴۰) و خود را گاهی فرزند داماد وگاهی نیز داماد میخوانده است درکودکی درطوس بوده و درآنجا دانش اندوخت و اندك زمانی پیشرفت نمود ودر روزگار شاه عباس یکم (۹۸۵–۱۰۳۸) بسپاهان رفت واز مرك محمد شاه (۵ ــ ۹۸۴) تاسال ۱۰۲۵ بمباحثه می‌پرداخت وی از نزدیکان و شناختگان شاه عباس و شاه صفی (۱۰۳۸–۱۰۵۲) بوده با شیخ بهائی (۹۵۳–
۱۵ ۱۰۳۰) آمیزش داشت میرابوالقاسم فندرسکی (۱۰۵۰) ومیرمحمد باقر طالبان استرابادی شاگرد بهائی نیز درروزگار او میزیستند .

داماد شاگرد دائی خود شیخ عبدالعالی (۹۲۶–۹۹۳) و شیخ عزالدین حسین‌بن عبدالصمد پدر بهائی (۹۱۲–۹۸۴) ومیرفخرالدین محمد سماکی استرابادی وسیدنورالدین علی‌بن ابی‌الحسن عاملی شاگرد شهید ثانی بوده است .

۲۰ حسین بن حیدر کرکی (زنده در۹۸۴ تا۱۰۲۹) مفتی سپاهان وصدرای شیرازی (م ۱۰۵۰) وسید احمد عاملی داماد و پسرخاله او (م ۶۰–۱۰۵۴) که نرد وی برهان شفارا خوانده است و ملاخلیل‌بن غازی قزوینی (۱۰۰۱–۱۰۸۹) شاگرد شیخ بهائی و محمدحسن زلالی خوانساری شاعر (م ۱۰۲۴) ستایشگراو و عادل‌بن مراد اردستانی از شاگران داماد بشمارند .

۲۵ شاه عباس ازوی می‌ترسید که مبادا نافرمانی کند و بروی بشورد وچندبارخواست اورا آزارکند ولی نتوانست .

داماد گاهکه باشاه صفی ازسپاهان بنجف میرفته بسال۱۰۴۱درمیان نجف و کربلا درگذشت ودرنجف بخاکش سپردند .

برای سرگذشت و فهرست نگارش میر دیده شود : الکنی والالقاب قمی ج ۲
۳۰ ص ۳–۲۰۲ وهدیةالاحباب همو ص ۱۳۴ وروضات‌الجنات ص ۶–۱۱۴ و قصص‌العلماء ص ۱۷۵ و ۴۰–۲۳۸ وامل‌الآمل ص۴۹۸ ولؤلؤتی‌البحرین‌چاپ سنگی‌وعالم‌ارای‌عباسی‌اسکندر بیك ترکمان چاپ تهران ۱۳۱۴ ص ۱۰۹ و۶۵۸ وفهرست سوم مجلس ص ۴۶۰وفهرست سپهسالار ج ۱ ص ۶۹ و ۲۶۵ و سلافةالعصر فی محاسن‌الشعراء بکل مصر از ابن معصوم سیدعلی خان مدنی (م ۸یا ۱۱۱۷) چاپ مصر۱۳۳۴ ص ۷–۴۸۵ وفهرست کتابخانه بوهار
۳۵ هند چاپ کلکته بسال ۱۹۲۳ ج ۲ (نسخه‌های تازی) وفهرست آستانه طوس ج ۴ ص۲۰۴ شماره۸۸۸ وفهرست مجلس‌ج۲شماره ۱۳۸ص۷۳وفهرست معارف‌ج۱ص۶۰–۶۶–۷۳–۹۸

چند مساقه وهریکی ازآنهاهم چند فصل و هرفصلی چند عنوان است میباشد وی درچهارجای این کتاب از « الصراط المستقیم » خود یاد میکند ودرمساقه ٦ صرحه یکم زیرعنوان « اعضال طاج و مخرج ضاج » (۳۳۸ الف) که از تناهی زمان سخن میراند عبارتی میآورد کـه تاریخ نگارش کتاب تا اندازه‌ای روشن‌میشود : « وانی وقدکنت و کدت الفصیة عنها حتی مازال ذلك و کدی برهة من‌العمر فلم یستبن‌لی فی هذه‌الثلثین سنة الاما اومض احایین‌الاشتغال بکتاب‌الصراط المستقیم فضمنته ایاه والآن . . . استأنف نمطا غیبیا و اسلوبا قدسیا . . . واقتصرتا صیل اصل الحکمة . . . واماالبسط والتفصیل . . . فعسی ان یکون فی آخرین من‌الحکما لما یلحقوابنا من ینوب عنی نیابة تامه روعیة عقلیه . . . قد اثقل ظهر قریحتی فما وحمت وحم‌الفروع ولاالتفت لفت‌الجزئیات » ازاینجا برمیآیدکه داماد افق مبین را پس‌ازصراط مستقیم نوشته و بیش از سی سال داشته وی دراین‌کتاب از فروع و جزئیات‌کاوش نمیکند وآنرا بفیلسوفان آینده واگذار می‌نماید دردزیعه (ج۲ص۱٦۱) از « الافق‌المبین » دیگری یاد میکندکه درفقه است وشاید از میر باشد .

آغاز : بنوشته کشف‌الحجب ص۵۵ وذریعه همانجاودرنسخه کتابخانه بوهار (فهرست آنجاچاپ کلکته بسال ۱۹۲۳ج ۲ ش ۳۲۷ ص ۳۵٤) : سبحانك‌اللهم جل حمدك وعزمجدك یا رب‌العاقلات العالیه والسافلات‌البالیة . تلویح استناری . . . .

آغاز نسخه ما : بسمله و منك‌الاستیفاق یا علیم یا حکیم . تلویح استناری — عسیت ان‌اثبتك (لك) علی‌التفطن‌لان‌لیس‌الوجود حقیقةالانفس‌الموجودیة ... لامعنی ماینضم الی‌المهیة .

[۹۵]

این نسخه بنسخ وتعلیق و عنوانها درشت‌تر و شنگرف وگاهی درهامش .

۲۸۹ چند برك درپایان سفید است وکتاب ناتمام و بدینجا « فص‌انی‌لست‌استصح ارسال‌التقدم‌الزمانی . . . وهو التقدم بالزمان وعلی مایتصف به‌الباری‌الاول تعالی وهو » پایان میبابد . نسخه پاکیزه و ناتمام دیگری دیده شدکه نزدیك بهفت برك ازنسخه ما بیشترداشت : (دنباله بندآخرنسخه ما وهفت بند دیگر و ده سطر از بندی) دیگر و پایان آن چنین بود : « شك و توهین تحقیقی ـ قال مثیرفتة‌التشکیك

فی المباحث المشرقیة فان قیل تقدم العلة علی المعلول . . . . امتنع ان یکون للمجموع تقدم فنقول انا لا نعنی بهذا» .

حاشیه‌هائی درهامش نسخه مادیده میشود که به (منه دام ظله العالی) یا (ادام الله افضاله) یا مانند اینها پایان میابد پس این نسخه درروزگار داماد نوشته شده است

(۳۷۸ برگ) — کاغذ ترمه سمرقندی - جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی
اندازه : ۱۳×۲۰ و ۶هر×۱۳ س ۱۴

[۸۵] اقسام الحکمه (عربی)

خواجه طوسی (۵۹۷-۶۷۲) دراینددفتر کوچك دانشهای گوناگون را یاد کرده هریك را شناساند و پیداست که از احصاء فارابی و اقسام العلوم بوعلی گرفته است وی ازاخلاق وعلم المنزل وعلم السیاسه آغازسپس هشت بخش منطق را آورد ونامهای یونانی آنها را نیز باتحریف یاد نمود وگویا نسخه غلط است آنگاه علمهای دیگر را شناسانده و میگوید از فروع الهی یکی علم وحی است که معقول درآن بریخت محسوس درمیآید درهمینجا از الهام و روح الامین تعریف میکند دیگرعلم معاد روحانی است دراینجا میگوید رستاخیز جان را خرد درمییابد و بازگشت تن از آئین اسلام گرفته شده است در پایان میگوید حکمت ٤٤ بخش است و اگر منطق را بشمار نیاوریم ۳۵ میشود ازاینجا برمیآید که جدل را بایست بشمار بیاورد ودرنسخه یاد نشد .

آغاز : فصل فی بیان اقسام الحکمة علی سبیل الایجاز من فوائد . . . خواجه . . . الطوسی . . . « الحکمة قسمان نظری وعملی فالعملی ثلثة اقسام .

انجام : فجمیع اقسام الحکمة اربعة و اربعون قسما مع اقسام المنطق والافخمسة وثلثون قسما .

[۹۶]

۱۰۳۳ این نسخه شماره یکم دفتری است که درص ۳۹ شناسانده شده و بخط شکسته تعلیق مورب دربرك ۲ ب میباشد .

[۸۶] اکسیر السعادة الرضویه (عربی)

این دفتر درمسائلی چند از فلسفه طبیعی واصول وفقه در یك مقدمه و ٤

باب ویك خاتمه میباشد و بسیار ساده است و علی بن احمد بن قریش حسینی برغانی قزوینی بدرخواست بزرگی در روز آدینه ۱۰ رمضان ۱۲۹۶ نگارش آنرا بپایان رساند در برگ ۹۳ الف ازمحقق سبزواری یاد میشود .

آغاز : بسمله الحمدلله الذی اتقن بحکمته نظام العالم .

انجام : لکن الله . . . من علی . . للاتمام . . . وتهیأ الفراغ من نقله الی البیاض فی یوم الجمعه العاشر من شهر رمضان المبارك فی الحول السادس والتسعین بعد المائتین والالف من الهجرة . . . بمحروسة دار الخلافة الباهرة صانها الله عن الافات والبلیة .

[۹۷]

۳۵۷ این نسخه بنسخ روشن و دردوجدول بزر و لاجورد و شنگرف با سرلوحی زیبا دردوصفحه نخستین ومیان سطرها طلاکاری شده و نویسنده آن عبدالعلی بن حاجی محمد رحیم برغانی میباشد .

(۱۱۵ برك) ـ کاغذ ترمه سپاهانی زرد ـ جلد تیماج ضربی عنابی

اندازه : ۱۳×۲۲ و ۸×۱۳۵ س ۱۱

[۸۷] **الف صغری** (عربی)

کتاب الهی ارسطو که بنام (تامتاتافوسیکا) خوانده میشود چهارده بخش میباشد واز آغاز هریك ازاین بخشها بیکی ازحرفهای یونانی از آلفا تا نو نامیده شده است اسطاث Eustache که در روزگار حنین پسر اسحاق میزیست و نظیف پسر ایمن (م نزدیك ۳۶۰) از ۲۴ پزشك بیمارستان فنا خسرو در بغداد و اسحاق پسر حنین (م ۲۹۸) وابوبشر متی ویحیی پسر عدی آنها را ازیونانی یاسریانی بتازی در آوردند

این رساله که بخش دوم الهی ارسطو است و بنام الف صغری (آلفاالاتن) خوانده میشود باگزارشی است از یحیی بن عدی ترسای فیلسوف ترجمان سریانی (۲۶۳ـ۳۶۴) ومتن از ترجمه اسحاق است که در تفسیر ما بعدالطبیعه ابن رشد باترجمه دیگری از اسطاث در بیروت بسال ۱۹۳۸ بچاپ رسید . پیشینیان این بخش را از پاسیکلس ردسی Pasielès de Rodes دانستند ولی اسکندر افرودیسی میگوید که از ارسطو است واودموس آنرا نشرنمود. این بخش دیباچه ای است برفلسفه

و در آن از دشواری طبیعی و شایستگی دانشمندان و ارزش دانش و بود مبـادی نخستین یاد میگردد [۱] . از پایان الف صغری عربی پیداست که باید پیش‌از الف کبری باشد بااینکه درچاپها وترجمه‌های‌اروپائی پس‌از آن است ابن سینا درفصل ۲ مقاله ۸ الهی شفا یادی از الف صغری نمود و از گفته ملا اولیا در حاشیه آن پیداست که شیخ در « مبدء و معاد » باینکه الهی ارسطو روی الفبای یونانی مرتب شده اشاره نمود سیداحمد عاملی درحاشیه شفا دراینکه چرا الف‌صغری نامیده‌اند مناسباتی عرفانی یادکرد .

آغاز : متن « ان النظر فی الحق صعب من جهة سهل من جهة والدلیل علی ذلك انه لم یقدر احد من‌الناس علی‌البلوغ بقدرمایستحق » .

آغاز شرح : « قال یحیی‌بن عدی : لماکان غرض‌الفیلسوف فی‌هذاالکتاب باسره‌اعنی فی کتابه ذی‌المقالات‌المرسوم بمطاطافوسیقاای فیمابعدالطبیعیات انماهو فی‌الجزءالثالث فی اجزاءالجزءالنظری من جزئی‌الفلسفه » .

انجام متن : « ظهرلناالاشیاء التی یبحث عنهابالنظرالطبیعی » آنگاه‌دارد « وهل ینبغی ان ینظر فی علل واوائل‌العلم واحداولعلوم اکثرواحد » .

ابن عدی دراینجا میگویدکه این عبارت را در ترجمه اسحاق یافتم ودر ترجمه‌های سریانی وترجمه های دیگرعربی نبود و باید آغاز « الف کبری » باشد نه انجام « الف صغری »

انجام شرح : « والاوائل کلهاالعلم واحد ولعلوم‌اکثرمن واحد . تم تفسیر یحیی‌بن عدی لمقالة الف‌الصغری من‌کتاب ارسطو فیما بعدالطبیعة .

[۹۸]

۲۹۲ این نسخه شماره یکم دفتری است که دوم آن ترجمه نهایه شیخ طوسی است بپارسی کهن ازیکی ازیاران طوسی که نزدیك بروزگاراومیزیسته است وباید ۲۲ کتاب و ۲۱۵ باب و ۳۶۰۰۰ مسئله باشد (ذریعه ج ٤ ص ٤-۱٤۳) دراین نسخه ازترجمه «وصیت» آغازمیشود . الف صغری وتفسیر آن در۲۳ برك است وبنسخ

۱ — دیده شود گفتارفهرست نگار درشماره ۲ سال ۱ مجله جلوه ص ۷٦ تا ۸۲ —فهرست ابن ندیم ص ۳۵۲- ترجمه فرانسوی الهی ارسطو از نریکو — اندیشه ارسطو از هاملن بفرانسه .

وروی‌عنوان «قال» خط کشیده شده و جناب‌آقای مشکوة آنرا با نسخه شماره ۸۷۵ مدرسه‌خان مروی تهران مقابله کردند. رستم نامی این نسخه را برای برادرش افراسیاب بیك درشام روز سه شنبه۲۰رمضان سال ۱۳۰٤فرستاد ومهررستم نیزدیده میشود (۲ الف) .

(برگها ۸۷) جلد ندارد ــ کاغذ ترمه سمرقندی
اندازه : ۱۲×۱۸ و ۶٫۵×۱۳ س ۱۶

[۸۸] امتناع صدور الکثیر عن الواحد (عربی)

یکی ازمسائل مهمی که مشائیان بدان می‌پرداختند این است که ازیك چیز جز یك چیز برنیاید ویك آفریننده جزیك آفریده نخواهد داشت ورشته موجودات ودستگاه‌جهان هستی برأی آنان‌بر پایه این‌قانون‌نهاده شده وشیخ رئیس‌درکتابهایش بدین قانون اشاره نمود وامام رازی از آن خرده گیری کرد از متأخران سید داماد وملاصدرای شیرازی از آن گفتگونمودند . این رساله کوتاه نیزدرهمین مسئله است که دانشمند شادروان میرزا یدالله نظر پاك کجوری بخط خود در ۲٦ محرم سال ۱۳۱٤ خورشیدی نوشته است .

آغاز : بسمله الحمدلله رب‌العالمین . . . فیقول‌العبد . . . یدالله . . . ان هذه نبذة من‌المباحث تتعلق بالمسئله المبحوث عنها فی‌العلوم العقلیه والاصول الکلامیه وهی امتناع صدورالکثیر عن‌الواحد .

انجام : فیسدباب‌اثبات الصانع فضلا عن توحیده والله ولی‌الافضال تمت‌علی یدمؤلفها... یدالله فی‌السادس‌والعشرین من‌شهرمحرم‌الحرام‌من‌السنة‌الشمسیه ۱۳۱٤

[۹۹]

۲٤۹ این نسخه بنسخ از خود نگارنده کتاب و مورخ ۲٦ محرم سال ۱۳۱٤ خورشیدی میباشد .

(۳۹ صفحه) کاغذ فرنگی جلد تیماج زرد مقوائی
اندازه : ۱۱×۱۸٫۵و ۸٫۵×۱۳ س ۸

[۸۹] انفساخ الصور بعد الموت (عربی)

این رساله دراین است که آنچه درنفس صورت می‌بندد و نادرست میباشد

پس‌از مرك تباه میگردد وشیخ رئیس آنرا برای بزرگی‌که « سیدناالاستاذالرئیس الاجل » میخواند نوشته ومیگویدکه چون خیال و پندار با مرك ازمیان میرود از صورتهای ذهن آنچه نادرست وبد باشد نخواهد ماند تنها آنچه درست وراست و نیکوباشد چون از روان می‌تراود پایدار میماند .

آغاز : پس‌ازستایش ودرود ـ قداتفق‌النظرفیما امربه‌سیدالاستاذالرئیس الاجل ادام‌الله علمه وهوانفساخ‌الصورالموجودة فی‌النفس‌المخالفة للحق فی‌النفوس البشریة بعدالموت .

انجام : فقدصح‌ان‌الصورالمعقولة‌المخالفة للحق ینفسخ عن‌النفس‌البشریة بعدمفارقة‌التخیل. درنسخه قنواتی (۸۱) پس‌از این عبارتی داردکه شیخ باز درآن از آن بزرك یادکرد و پوزش خواست .

[۱۰۰]

این نسخه شماره ۵ دفتری دارای ۷ رساله وگفتارفلسفی است و از برك ۲۰۷ الف تا برك ۲۰۵ الف و نسخه بخط نستعلیق و بیاضی میباشد شماره دوم آن (۲۱۶ الف تا ۲۱۵ب) پاره‌ای است از «حدود» ابن‌سینا برابر با ص۷۹-۸۲ چاپ مصر درتسع رسائل‌بسال ۱۹۰۸ که درص۴۲ این‌فهرست شناسانده شده وشماره سوم آن همان «اثبات‌النبوة» شیخ است که در ص ۱۱۲ این فهرست شناخته شده از برك ۲۱۴ الف است تا برك ۲۰۸ الف ودرپایان آن دارد «تمت فی شهرربیع‌الثانی سنه ۱۷۱» .

۱۰۳۷

(همه دفتر ۲۲۹ برك) کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج مشکی ساده وفرسوده اندازه : ۶ر × ۱۶ و ۴×۱۲ر س ۲۲

[۹۰] **انموذج‌العلوم** (عربی)

دانشمند دوانی (م ۹۰۷) این دفتررا برای سلطان محمود بپرداخت ودر ده مسئله فقه‌وکلام‌ومنطق وریاضی‌بطورنمونه میباشد. دوانی رساله اثبات‌الواجب را نیزبرای همین محمودکه یکی ازپادشاهان هند است نوشت وی شرحی برعقاید عضدالدین ایجی داردکه درتاریخ چاشت چهارشنبه ۱۸ربیع یکم سال ۹۰۵درشهر جیرون بپایان رساند ودرلکهنوه بسال $\frac{۱۳۲۸}{۱۹۱۰}$ بچاپ رسید و آخرین نگارش اواست

آغاز : بسمله و به نستعین‌الله‌المحمود فی کل فعاله وهوالمشکورعلی جزیل نواله . . . فیقول . . . محمدبن اسعدالدوانی . . . انی کنت مشعوفاً بان اسلك فی سلك خدام حضرت من فاق سلاطین‌الانام .

انجام : هذا آخرما قصدنا ایراده‌فی‌هذه الرسـالةجعلته‌انموذجالتلك العلوم (فیلاحظ خدام‌العتبةالعلیة . . . وغایةالمنی ... ونجوم‌الهدی والحمدلله رب‌العالمین)

[۱۰۱]

۸۶۸ این نسخه شماره‌یکم دفتری‌است که درص۴۷ این‌فهرست شناسانده شده واز ص ۲ است تا ص ۸۳ و بخط تعلیق با عنوانهای شنگرف ودرسپاهان بسال ۱۰۲۱ نوشته شده‌است نسخه ماخطبه وسرگذشتی که دوانی ازخوددردیباچه میآورد ندارد وآغازش چنین است : «پس‌ازستایش ودرود ـ المسئلةالاولی فی‌اصول الفقه» ودرپایان نیزعبارت میان دو کمانه درآن نیست .

[۹۱] **انوارالحکمة** (عربی)

فیض‌کاشانی (۱۰۰۷ ـ ۱۰۹۱) این‌کتاب را از علم‌الیقین خودگزین نموده وچیزهائی برآن افزود و درچهار بخش هریك باعنوان « نور » کرد : ۱ـ شناختن خدا ۲ـ فرشتگان ۳ـ پیامبران وکتابها ٤ـ رستاخیزودرسال۱۰٤۳ آنرابپرداخت

آغاز : نحمدك‌اللهم وانت للحمد اهل ونستهدیك وهدایتنا علیك یسیرسهل (دزیعه ج ۲ ص ٤۲۵) .

[۱۰۲]

٤۳۳ این نسخه شامل‌کتاب نخستین و اندکی از کتاب سوم است و بدینجا پایان میپابد : « ان‌الروح‌الانسانی کمرآة فاذ اصقلت . . . ولم یمنعها حجاب عن ذلك وذلك » و درآغاز از حاشیه‌هائی ازلطف‌الله دیده میشود وبخط نسخ وگاهی معرب وبرخی ازعنوانها بشنگرف وجای برخی دیگرسفید است .

(۹۱ برك) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج زرد

اندازه . ۱۲×هر۱۸ و ٦ × هر۱۱ س ۱۵

[۹۲] **الانوارالقدسیه** (عربی)

قاضی محمد سعید قمی (۱۰٤۹ـ۱۱۰۳) شاگردفیض‌کاشانی وفیاض لاهیجی

وفیلسوف متشرع وشارح توحید صدوق این کتاب را درسه «نور» که هریك درچند «فتوح» است نوشته وازهیولی وصورت ونفس بروش عرفان شیعی کاوش نمود وی دردیباچه ازنادانان مینالد وبپیامبروخاندان او پناه میبرد وگاهی درمطالب فلسفی خبرهای شیعی گواه میآورد وتأویلهای شگفتی میکند. (۱محرم ۱۰۸۵ درقم)

آغاز: الحمدلله الذی آتانا الحکمة لکی نتوصل بها الی ما لدیه ... فالفقیر ... محمدالمدعو بسعیدالقمی یقول تلك انوارقدسیه افضیت علی روعی اوقات المذاکرة.

انجام: هذا ماارد نا ایراده فی ذکر الهیولی وشرفها ... وسیرها الانواری ... واتفق مساعدة توفیق الله لاتمام تلك الرسالة علی یدی مؤلفها غرة شهرمحرم ... خمس وثمانین من الالف الثانی ... فی وطنه قم ... مصلیاً مستغفراً.

[۱۰۳]

۱۰۳۰ این نسخه شماره ۱٦ دفتری است دارای ۲۳ رساله وگفتار که درص ۱۲۷ شناخته شد و بخط شکسته نستعلیق و در ۹ شوال ۱۰۹٤ ۹ سال پس از نگارش قمی نوشته شد برك ۱۵۹ ب ـ ۱٦٦ ب.

[۹۳] **ایزد شناخت** (فارسی)

این رساله درسه باب (شناخت خدا، مردمی ورستاخیز، پیامبری) میباشد ودوبار در تهران بچاپ رسید یکی در ۱۳۱٦ خ ازروی ۵ نسخه که در دو نسخه بنام «ایزد شناخت» مانند نسخه ما ودر سه تای دیگر بنام «یزدان شناخت» و در چهارتا از عین القضات ودریکی آنهم مانند نسخه ما از سهروردی شهید (۵٤۹ـ۵۸۷) دانسته شده بود ازدیباچه این چاپ پیداست که کتاب برای صدر الفضلا جمال الدین محمدبن محمود داری بنگارش در آمد. باره دیگر در ۱۳۲۷ خ بنام «یزدان شناخت» از روی نسخه تاریخ ۷۳۱ بچاپ رسیده واز عین القضات ابوالفضائل عبدالله بن محمد میانجی همدانی فیلسوف عارف تند بی پروادانسته شد وی شاگرد دانشمند روشندل احمد غزالی (م ۵۲۰) وفیلسوف آزاد اندیش خیام (۴۵۵ـ۵۱۵) بوده است او را بگناه سخنانیکه آزادانه بنظم ونثر گفته است وبدستور قوام الدین در گزینی وفتوای

فقیهان پس‌از اینکه یار او عزیزالدین مستوفی وزیر سلطان محمود بن محمدبن ملکشاه (۵۱۱-۵۲۵) ازسلجوقیان عراق ازکارافتاد دستگیر کرده ببغدادفرستادند سپس بهمدانش آورده در ٤ شنبه ۷ ج ۲ سال ۵۲۵ بدارش آویختند آنگاه پوست کنده ودربوریائی نفت آلود پیچیده بسوختند . شهرزوری‌درنزهه یکی‌ازنگارشهای سهروردی را «یزدان شناخت» بشمار آورد ودراین‌رساله نیزازشعرسنائی (م ۵۳۵) آمده و دور است که همدانی معاصر او از شعرش یادکند مگر اینکه عزیزالدین نسفی عارف (سده ٦و۷) درکشف‌الحقایق‌ازهمدانی سخنی‌میآوردکه دراین رساله هست وروش آن هم روش فلسفه مشائی آمیخته با عرفان است و از خواندن آن سخنان فارابی و ابن سینا بیشتر بیاد میآید تا اندیشه اشراقی سهروردی دردیباچه نسخه ما وچاپ ۱۳۲۷ ازکسی نام برده نشده وتنها « مجلس عالی » دیده میشود ودرآغاز وانجام داردکه « این تحفه‌ای است روحانی » ودرپایان میگویدکه این مختصربیادگاربزرگی نوشته شده ومیخواهدکه بناشایستگانش ندهند بازمیگوید گزیده و راز حکمت طبیعی و الهی راکه تاکنون نهفته میدانستند آشکار ساختم اینگونه سفارشها نیزسخنان ابن‌سینا و محمد غزالی را بیاد میآورد و همدانی هم درآغازکار بنگارشهای غزالی مینگریست آنگاه نزد برادرش احمد رفته و از او آموخت بااینهمه شناختن نگارنده رساله نیاز ببررسی بیشتری خواهد داشت[۱]

[۱۰٤]

۱۰٤٦ این نسخه شماره ۱۷ دفتری است دارای ٤٤ رساله که درجلد یکم شناسانده شده و بخط تعلیق رجبعلی بتاریخ ۱۰٦۱ از ۷٤ ب تا ۸۱ الف میباشد .

[۹٤] **بقاءالنفس بعد بوارالبدن** (عربی)

این‌رساله را خواجه‌طوسی (۵۹۷-٦۷۲) برای مؤیدالدین‌فیلسوف مهندس بنگارش درآورد ودرآن از پایداری روان‌کاوش نمود ودرمصر با شرح اباعبدالله زنجانی و تعلیق شهرستانی بسال ۱۳٤۲ بچاپ رسید و آقای زین‌الدین کیائی‌نژاد

۱ — نگاه به : تاریخ شهرزوری (ش ۸۵٦ ک ۱۷۰ ب) و ترجمه آن (ش ٤۲۷ ک ۲۱٤ ب) وترجمه دری بخش ۲ ص ۱٤۵ نیز دیباچه دوچاپ ایزد شناخت .

متن و شرح را بپارسی کرده و درسال یکم مجله جلوه چاپ شد . خواجه در آغاز وانجام آن از مؤید یاد میکند .

[۱۰۵]

۸۶۳ این نسخه شماره دوم دفتری است که دارای شش رساله میباشد (ص ۱۲۲ این فهرست) وبخط تعلیق شکسته با عنوانهای شنگرف از برك ۹ ب تا برك ۱۷ الف است .

[۱۰۶]

۸۷۱ این نسخه شماره ۲۲ دفتری است دارای ۲۵ رساله (ص ۱۰۱ جلد ۱) از برك ۱۶۱ الف تا ۱۶۴ ب و بخط تعلیق محمدعلی میباشد که در ۱۲۹۹ و ۱۳۰۱ این دفتررا نوشت .

[۱۰۷]

۸۷۶ این نسخه شماره دهم دفتری است دارای شانزده رساله که دردنبال « اصالت وجود » نشانه آن یاد شد از برك ۷۶ ب تا ۸۱ الف و بخط شکسته تعلیق تاریخ شب دوشنبه ع ۱ سال ۱۰۳۶ .

[۹۵] **بیان الحق بضمان الصدق** (عربی)

این دفتر نگارش ابوالعباس فضل بن محمد لوکری مروی ادیب شاعر فیلسوف[۱] است

---

۱ — لوکر بضم (سمعانی) یا فتح (یاقوت) لام دیهی بود درخاور رود مرومیان پنجدیه وبرکدز (در باختر آن رود) ودرروزگار سمعانی (م ۵۶۲) ویران شده بود ویاقوت در ۶۱۶ بدانجا گذشته نشانه‌های آن را بدید (انساب — معجم‌البلدان) — لوکری در روزگار خیام (۴۵۵ — ۵۱۵) وابوالفتح بن کوشك ومیمون بن نجیب واسطی خوزی هروی میزیسته واز آندو برتر بوده است وی شاگرد بهمنیار مجوسی آذربایگانی (م ۴۵۸) شاگرد شیخ بوده وازشاگرانش اینان را نام برده‌اند : ۱ — افضل‌الدین غیلانی استاد سید صدرالدین سرخسی استاد فریدالدین داماد نیشابوری استاد خواجه طوسی دراشارات ۲- فیلسوف قطب‌الزمان محمدبن ابی‌طاهر نصیری طبسی مروزی (م ۵۳۹) ۳— قاضی فیلسوف مجدالافاضل عبدالرزاق ترکی ۴ — امام اسعد میهنی استاد نظامیه بغداد (م ۵۲۷) ۵— فیلسوف ادیب عین‌الزمان حسن قطان مروزی بخارائی (۴۶۵- کشته غزان درمرو در ۵۴۸) نگارنده گیهان شناخت بسال ۴۹۸ واخترشناخت . همین لوکری باهمکاری خیام وعبدالرحمان خازنی (زنده در ۵۲۵ ومیمون واسطی وابوحاتم المظفر اسفزاری (م میان ۵۰۶ و ۵۱۵) بسال ۴۶۷ بدستور ملکشاه زیجی بپرداختند و در رمضان سال ۴۷۱ آغاز فروردین را باغازم حمل بردند .

بقیه حاشیه درصفحه بعد

ودر آغاز آن میگوید که از نگارشهای فارابی وشیخ رئیس ودیگر فرزانگان گزین نمودم واین دفتر که گزارش آنهاهم هست بپرداختم بی آنکه سخن را بدراز کشانم یا بکوتاهی بپردازم و ایندفتر برای خودم دستورو آیندگانرا یادگاری است ازمن واگر نمیرم بخش ریاضی را نیز برآن میافزایم . او این کتاب را بآستان صدراعظم روزگارخویش ارمغان داد . بیان‌الحق در ۵ بخش‌است : ۱ـ منطق درنه فن و۳۸ مقاله ودرست برابرشفا است مگر دربرخی جاها چنانکه تعریف را مانند اشارات پس‌ازکلیات آورد و نیز فن شعررا در یك فصل کوتاه نوشت (۱ ب ـ ۸۷ الف) ـ آغاز: « بسمله الحمدلله واهب‌الصورللمواد . . . . اجمع کتابا . . . علی سبیل‌الشرح والتلخیص معا مستخرجاً من جمیع کتب‌الحکمة المنسوبة الی‌الشیخ‌الرئیس . . . و الی الشیخ الحکیم ابی نصرالفارابی . . و من سائر کتب المحدثین والمتقدمین الموجودة » .

انجام : « ونوع آخر یبین به صناعة‌الموسیقی لایستعمل فی غیره والله تعالی اعلم بالصواب والیه‌المرجع والمآب ـ تم کتاب الاقاویل الشعریة وبتمامه تم‌المنطق والحمدلله . . . » .

۲ـ طبیعی که مانند منطق درازتر از بخشهای دیگر ودر ۸ فن و ۳۵ مقاله وگزیده‌ای است ازشفا و بروش آن (۸۷ ب ـ ۱۷۱ ب) ـ آغاز : « ستایش ـ هذا هوالجزءالثانی من‌الکتاب المؤلف فی قوانین‌العلوم الحکمیة‌الذی سمیناه کتاب بیان الحق بضمان‌الصدق » .

بقیه حاشیه ازصفحه قبل

لوکری بود که دانشهای‌فلسفی را درخراسان دردسترس مردم گذاشت وی درپایان زندگی نابینا شد ومیگفت چون‌ناتوان شدم ونابینا دیگر ازافزودن بردانش خویش نومید گشتم ومرك را برمیگزینم . اورا بجز بیان‌الحق رساله‌هاو تعلیقهاو گزیده‌هااست وقصیده‌ای دارد با شرح آن بپارسی . نگاه به مجالس‌المومنین مجلس ۷ سرگذشت طوسی ـ لؤلؤتی البحرین ـ روضات‌الجنات ص ۵۸۲ ـ گاهنامه تهرانی سال ۳۰۸ ص ۷۶ و ۳۱۱ ش ۱۳۲ و ۱۸۴ و ۲۰۶ ـ ابن‌اثیر ج ۱۰ ص ۳۷ ـ بیهقی ص۱۲۰ و ۲۰۴ نیزفهرست نامهای‌آن‌ـ دره ش ۷۷ ـ شهرزوری ش ۸۵۶ گ ۱۴۴ الف و ترجمه آن ش ۴۲۷ گ ۱۸۲ الف وترجمه گزیده آن ش ۲۸۳ گ ۶۱ ودربخش ۲ ص ۷۸ .

انجام : « واما حدیث الاسنان و منافعها فقد علمت فی مواضع اخر والله تعالی اعلم . . . تم کتاب الحیوان و بتمامه تمت الطبیعیات والحمدلله . . . کثیرا » .

٣ـ الهی دریك فن و ده مقاله و ٥٤ فصل در دیباچه آن میگوید که الهی دو بخش است یکی مابعدالطبیعه و علم کلی دیگر علم الربوبیة واثالوجیا . باز می‌نویسد که چون درمعاد بسزا سخن نراندند من از آن بیشتر کاوش میکنم وخردها وروان را نیز هیشناسانم (١٧٢ الف ـ ٢١٢ الف) ـ آغاز : « نام خدا و ستایش او ـ هذا الجز الثالث من الکتاب المؤلف فی العلوم الحکمیة . . . (مانند آغاز طبیعی) وقصد نافیه ان نتکلم فی الاصول (من) العلم الالهی علی سبیل التلخیص والشرح معاً .

انجام : « فیما یبقی فیهم السنة والشریعه التی هی اسباب وجودهم وبما یقربهم عندالمعاد من الله زلفی بزکائهم والله تعالی اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب » .

٤ـ خداشناسی که در آن ازدانائی وتوانائی وخرد وبخشایش خدا و یکی‌بودن آفریده او (الواحد لایصدرعنه الاالواحد) وازخردها وقدمت و آفریدگان آنها وخرد ستارگان واز روانشناسی عقلی ورستاخیز گفتگو نمود وچنانکه خود در آغاز گفته است دراینجا رازها را آشکار بداشت وپیداست که دراینجا مانند شیخ بامتکلمان و پیروان سنت خلاف نمود و بیشتر از ثئولوگیا یاگزیده انئاد پلوتینوس گرفته و این بخش را بنام « الرسالة الملحقة بعلم الربوبیة » خوانده است (٢١٢ الف ـ ٢١٨ الف) .

آغاز : « فی ذکر بیانات مسائل من علم مابعدالطبیعه تجری مجری الاسرار » .

انجام : « تقتنص من الرصد وبالحس والله اعلم بالصواب . تمت الرسالة الملحقة »

٥ ـ « الفصول المنتخبة من رسالة الاخلاق » که در آن گزیده‌ای ازاخلاق وتدبیر منزل وسیاست در ٥ باب آورد (٢١٨ الف ـ ٢٢٣ الف) ـ .

آغاز : « بسمله هذه جمل وفصول منتخبة من علم الاخلاق یشتمل علی اکتساب فضائل النفس الانسانیة والاجتناب عن رذائلها » .

انجام : آنچه که در نسخه ما خوانده میشود درمبحث عدل ومحبت : « فی ثلثة احدها فی المبدء وفی المنتهی وفیما بینهما واتفاق الرأی فی المبدأ » .

[۱۰۸]

۲۵۰ این دفتر از گرانبهاترین نسخه‌های این کتابخانه است وتا آنجا که جستجو شدهٔ نسخه دیگری نشان نداده‌اند . خط آن نسخ خوش روشن و عنوانها شنگرف و با اعراب بخط سیاهتر و نشانه‌های فواصل در برخی جاها نیز نیز بشنگرف است و عثمان‌بن محمدبن عثمان شهر آبادی برای خود بسال ۶۰۱ درسپاهان آنرا نوشته ودردوجا (۸۷ الف و ۱۷۱ ب) ازتاریخهای (۱۵ع۲) و (روز پنجشنبه ۲۸ رمضان) همین سال یاد میکند . نزدیك بیك صفحه از پایان کتاب چون دور برك بهم چسبیده شده خوانده نمیشود و باید باوسیله علمی بازنمود . خط برخی ازدارندگان نسخه در برك۱ الف دیده میشود : ۱ـ هبة‌الله یزدان‌بخش فرزندبدرالدین پسر آدم بسال ۸۳۱ـ۲ـ فضل‌الله پسرمحمد حسینی در ۹۸۷ـ۳ـ عبدالله پسر شیخ محمد ۱۰ اردکانی یزدی در۱۰۱۷ با مهر .

(برگها ۲۲۳) - کاغذ ترمه سمرقندی - جلد تیماج ضربی کهنه

اندازه : ۱۹٫۵×۳۱ و ۱۵×۲۶ س ۲۹

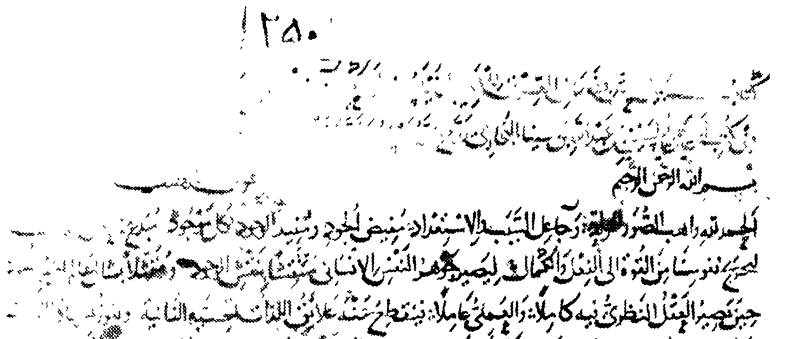

آغاز (بیان‌الحق لوکری) ش ۲۵۰ گ ۱ ب

ثقيلاً وتصرّفت فيه تصرفاً جيداً من القوة كان الصوت حادّاً بسبب الضعف لهذا ما تحدّ اصوات المشايخ والنائمين واما اذا كانت
آلة يقوى لشدة القوة على تحريك الهواء الكثير كان الصوت ثقيلاً للقوة. واما حديث الاسنان وما فيها فقد علمت في مواضع اخر
والله تعالى اعلم بالصواب واليه المرجع والمآب. تم كتاب الحيوان بتمامه من الطبيعيات
والحمد لله اولاً وآخراً وظاهراً وباطناً وصلى الله على محمد وآله الطاهرين
لم تسليماً دائماً كثيراً.

۲۵۰

وقع الفراغ بعون الله وحسن توفيقه عصر يوم الخميس
الثامن والعشرين من شهر الله المبارك رمضان سنة
احدى وستماية ببلدة اصفهان حماها الله تعالى على يد
صاحبه محمد بن عبد الرحمن الشهرزوري والحمد لله رب العالمين

بایان طبیعی (بیان الحق لو کری) ش ۲۵۰ ک ۱۷۱ ب

[۹۶] **پاسخ ابن سینا بسه پرسش** (عربی)

این پرسشها دراین است که چرا و ازکجا باینجهان آمده‌ایم و پس‌از مرگ بکجاخواهیم رفت وچگونه خواهم‌بودوشیخ بروش نوپلاتونیان وعارفان و باطنیان همه را پاسخ میدهد .

آغاز : بسمله وستایش ودرود- هذا نبذ من‌المسائل الرفیعه اوردها الشیخ الرئیس فی‌جواب من قال انامن ای موضع جئنا‌الی‌هذاالعالم ، اعلم‌انامن ذلك‌العالم جئنا الی هذاالعالم (من فوق فلك‌الزهره الی فلك البروج) من فوق فلك البروج تحت‌الفلك‌المستقیم الی هذه‌الارض .

انجام : و کالاجزاء له فی‌الکل والصورة فی‌الشخص و کالشخص فی‌الصورة و کالعلة فی‌المعلول و کالشیء فی‌التمام-این گفتگو در کنار شرح هدایه شیرازی ص ٤-۲۷۲ (تهران ۱۳۱۳) بچاپ رسید وچهار پرسش و پاسخ است و پایان آن چنین میباشد : « علی ما توافق علمه عمله والله اعلم » و نزدیك است به نسخه‌ایکه قنواتی در ش ۱۹۶ شناساند و آنهم چهار پرسش است مانند چاپ قاهره (مجموعه رسائل تاریخ ۱۳۲۸ ص ۵-۲۵۰) .

[۱۰۹]

۱۰۳۸ این نسخه شماره یکم دفتری دارای ۷ رساله و بخط تعلیق از ۲۱۸ ب تا ۲۱۶ الف .

[۹۷] **پاسخ ابن‌سینا بپرسشهای بیرونی** (عربی)

دانشمند فرزانه ایران بیرونی (۳۶۲ - ٤۳۰) هجده پرسش از فیلسوف ابن‌سینا کرده در ده تای آنها از« آسمان وجهان» ارسطوخرده گرفت ودرهشت تای دیگرخودچیزهائی پرسید . بیرونی درآغاز پرسشها ازشیخ بسیار بستود وازخوارزم آنهارابرایش فرستاد. شیخ نگارش پرسشهارا بفقیه معصومی (٤۵۰ه) شاگرد خود که با بیرونی نامه نگاری داشت واگذاشت و هرگاه از کارها میآسود معصومی پاسخها را برای اومینوشت این بودکه پاسخها دیر به بیرونی رسید وشیخ درپایان آنها نوشت‌که امیدوارم اگردوباره چیزی بپرسی دردادن پاسخ شتاب کنم وبفقیه

وانگذارم ودرخواست که اگر بازهم چیزی برتودشواراست دوباره بپرس تاروشنش سازم. بیرونی از بیشتر پاسخهای شیخ خرده گرفت وسخنانی زننده در آن گنجاند واورا (ای جوان) و (ای فرزانه) خواند که شیخ دیگر نمی‌یارست بدان ارجی نهد واینها پس‌از مرگ او رسیده ناگزیر معصومی بپاسخ بیرونی پرداخت و بدونوشت که اگر درنوشته خود روش دیگر برمیگزیدی درپیشگاه خرد ودانش شایسته‌تر میبود بیرونی درنامه‌ای که برای اوفرستاد ازاین لغزش پوزش خواست شیخ دراین گفتگودرست خودرا یکتن مشائی پیرو ارسطو نشان میدهد و از سخنان ارسطو درسمع الکیان یا طبیعی وکون وفساد و آسمان وجهان و آثارعلوی و نفس و حس گواه میآورد ونمیگذارد رخنه‌ای درگفتاراستاد پیدا شود نیزازتفسیرخود برمقاله یکم ماطافوسیقا و جمع رائین فارابی یاد میکند و به بیرونی میگوید گویا دراین سخنان از رازی پزشک که از پیشهٔ خودگذشته بالهی پرداخت و از یحیای نحوی ترساکه درکون و فساد خود تنها برای دین از ارسطو خرده گرفت پیروی کردی. بیرونی یحیی‌را ستوده و گفت ماناتوردی راکه او بر پرکلس درباره همیشگی‌جهان نوشته وخرده گیری که او از ارسطو کرده وتفسیری که گرد آورده نخوانده‌ای وتو گاهی از رازی پیروی میکنی با اینکه اورا شایسته ندانستی.

این گفتگودر «جامع البدایع» ش۱۲ بچاپ رسید وحاج میرزا ابوالفضل ساوجی حکیم همه آنهارا باخرده گیریهای بیرونی بپارسی کردودرنامه‌دانشوران درسرگذشت معصومی (ج ۲ ص ۵۸۵-۶۰۴) همه اینها ودر (ج۱ ص ۱-۷۰) فهرست آنها آمده است این فهرست درفرهنك دهخدا درسرگذشت ابن‌سینا (ص ۶۴۹) وآن پارسی درسرگذشت بیرونی (ص ۸۱-۶۷۰) درهمین فرهنك نیز دیده میشود سرگذشت بیرونی بازجداگانه درمجله آموزش وپرورش (ش ۳-۷ سال ۱۵ تاریخ مهر ۱۳۲۴ خ) چاپ شد (۱).

آغاز: «هذه الرسالة الی ابی الریحان البیرونی فی جواب مسائل انفذها الی من خوارزم حاطك الله مغبوطا بنیل مانهواه واسعفك بجمیع مانتمناه وقسم لك سعادة الدارین

۱ - نگاه به: بیهقی ص ۹۵ - شهرزوری گ ۱۳۹-۱۴۰ - دری بغش ۲ ص ۶-۶۳

وصرف عنك جميع ماتكره فی المحلين سألت ادام الله سلامتك الابانة عن مسائل ماتراه جدير ابان يؤخذ على ارسطوطاليس ادتكلم منها فی كتابه الموسوم بالسماء والعالم ... ولم يتأخر اصدارها الى هذه المدة الا لماعسى ان يقرره الفقيه المعصومی .

انجام : ذلك لان الماء عند جموده تنحصر فيه اجزاء هوائيه تمنعه عن الرسوب الى اسفل فهذا جواب جميع ماسالتنيه من المسائل و نحب ان اشكل عليك شیء من هذه الفصول ان تمن علی بمطالبة المعاودة بشرحها حتی اعجل فی ايضاحها وانفاذها اليك وماعسی يتأخر اجوبة هذه المسائل فانی لاانمنی عليها الفقيه المعصومی اذا خذنی بالفراغ من نسخها كما فعل هذه المرة وبالله التوفيق والعون وعليه التكلان .

[١١٠]

اين نسخه شماره ٢٢ دفتراست و بتعليق با عنوانهای شنگرف گ ١٤٣ ب ٢٥٣ ١٥٥ الف (ص ١٥١ اين فهرست) قنواتی درش ٥٤ اين گفتگورا شناساند و نسخه ما نزديك بنسخه‌هائی است كه او نشان ميدهد او درش ١ شانزده پرسش و پاسخ نشان ميدهد و آنها را از آن بيرونی و شيخ ميداند بااينكه ازمباحثات است (برابر بانسخه ايا صوفيا ٢٣٨٩/٢ درش ١٩) ودرش ٢ پاسخ و پرسشی ديگر ازايندو دانشمند نشان ميدهد با اينكه گفتگوی شيخ و كرمانی است (نسخه ش ٤٢٢/٤ ما) باز درش ٩٩ نسخه‌ای را ميشناساند كه در آن پرسش ابن زيله و پاسخ شيخ آمده ودرعنوان آن يكی از پرسندگان را بيرونی بشمار آورد .

[٩٨] **پاسخ ابن سينا بده پرسش گرمانی** (عربی)

دانشمند ابوالقاسم كرمانی ده پرسش از ابن سينا كرده و پاسخ گرفت واين گفتگوها كه درالهی وطبيعی است درمجموعه نگارشهای ملاعباسعلی كيوان قزوينی كه از آنها « ثمرة الحيوة » است درتهران بسال ١٣٠٨ خ ص ٧١-١٦٢ بچاپ رسيد در كتابخانه سپهسالار نسخه ازاين بشماره ٢٩١٢ گ ٥٠-٥١ هست ودر آغاز آن مانند نسخه ما ابوالقاسم جرجانی يا كرمانی نوشته است قنواتی درش ٢ نسخه‌ای را نشان ميدهد كه بايد همين پرسش و پاسخ باشد واو آنرا گفتگوی ابن سينا و بيرونی دانست .

[۱۱۱]

۴۲۲ این نسخه شماره ٤ دفتری دارای ٤ رساله و نونویس است و ۱۲ص (نشان آن درص ٤۲ و ۷۱).

[۹۹-۱۰۸] پاسخ ابن‌سینا بپرسشهای میهنه‌ای (عربی)

ابوسعید ابی‌الخیردانشمند روشن بین میهنه (۳۵۷-٤٤۰) ازفرزانه بخارا ابن سینا یازده پرسش کرده و پاسخ گرفت ایندو بسیار بیکدیگر ارج می‌نهاده و در گفتگو همدیگر را بسی میستودند و پیداست که میهنه‌ای بنگارشهای شیخ می‌نگریست تا رازفلسفه براو آشکار گردد(۱). اینك پرسش و پاسخها:

۱- در «حالات وسخنان شیخ ابوسعید» چاپ ژوکوفسکی درپترسبورك $\frac{۱۸۹۹}{۱۳۱۸}$ ص۷ -٦٤ چنین آمده: «میهنه‌ای و شیخ باهم نامه‌نگاری‌داشتندوشیخ ناشناس‌بمیهنه رفت تااورا‌ببیند وهنگامی‌بدانشهررسید که‌میهنه‌ای درانجمن سخن میراند همینکه اورا بدید بشناخت و گفت اکنونکه آسمان دانی نزدآسمان بینی‌بیامد باید بروش‌فیاسوفان سخن‌راندوهفته ایندوباهم بودندگاهیکه‌جداشدندازشیخ رئیس پرسیده شدمیهنه‌ای راچگونه دیدی‌گفت اگرروامیبود پس‌ازمحمد ص پیامبری‌بیاید بجزاو کسی سزاوار‌بودومن جزسه چیزهرچه ازاودیدم‌همه را فلسفه‌می‌پذیرد» - دراسرارالتوحید (تهران ۱۳۱۳ خ ص ٦۰ — ۱۵۹) دارد: «ابن‌سینا درنیشابوربنزد میهنه‌ای رسید و آندوهمدیگررا نمی‌شناختند سه روز باهم بودند پس‌ازاین ازشیخ پرسیده شدکه ابوسعید را چگونه یافتی‌گفت «هرچه من میدانم او می‌بیند» ازاو که پرسیدند شیخ را چگونه دیدی‌گفت «هرچه ما می‌بینیم او میداند» این بودکه شیخ شیفته ابوسعید شد و کم روزی بودکه نزدش نمیرفت‌ودرکتابهای‌فلسفی‌خود مانند اشارات وجزآن بخشی‌ازکرامتهای عارفان یاد میکرد یا جداگانه‌درآن‌کتاب‌می‌نوشت» - درنامه دانشوران (ج ۱ ص ٦۱۳) از برخورد و گفتگوی آندو درباره دور شکل ۱ یاد شد و نوشته است‌که ابوسعید دراین هنگام‌کاسه‌ایرا بهوا انداخت وآن درهوا بماند پس‌گفت اینکار باآن میل طبیعی که درفلسفه ثابت‌کرده‌اید نمیسازد شیخ گفت خواست و نگاه شما آنرا درهوا نگاه بداشت. اینجابودکه ابوسعید بپیروان خویش گفت این‌کورباعصا درپی ماکه بینائیم‌بیامد. شیخ رئیس‌درپاسخ۲ (ش۱۵ر۳۳۹ گ ٦۹ب) بمباحثات خویش‌بازگشت میدهد و میهنه‌ای درپرسش ۳ (ش ۳۳۹/۵ گ ٦۰ الف) میگوید که شما برای دریافت اینکه طبیعت بنیاد چیزها نیست بمباحثات بازگرداندید ومن هنوزآنرانديده‌ام‌همینجاستکه شیخ از (فیض الهی) یاد میکند. میدانیم‌که شیخ شفا را در٤۲۰ (قنواتی ش ٤ ص ۷۳) نگاشته ودراشارات آخرین‌کتاب خود ازآن یادنمود ودرمباحثات ازهردویادکرد پس‌این پرسش وپاسخها باید یکی دوسال پیش‌ازمرك شیخ چنانکه درنامه دانشوران یاد شده (ج۱ ص ٦-۷۲) بنگارش درآمده باشد.

۱ـ میپرسد شکل نخستین بااینکه دوری است چگونه نتیجه میدهد (ص ۲۱ـ۲۳ این فهرست) .

۲ـ می‌پرسد آیا جان بهمه نیروهای تن می‌پیوندد یا ببرخی از آنها ـ شیخ رئیس در پاسخ از مباحثات خود یاد میکند و میپنه ای را بدان بازگشت میدهد (۶۹ ب) .

آغاز : وکتب الشیخ سلطان العارفین خاتم المشائخ ابوسعید ابی‌الخیر . . . الی‌الشیخ الرئیس . . . تعلق‌النفس بالبدن بجمیع قواها ام ببعضها فان کان بجمیع قوی‌البدن فلایمکن عدم قوةالاوینعدم‌التعلق‌ولیس کذلك ... فاجاب‌الشیخ‌الرئیس. . وصل خطاب‌الشیخ الاعظم سلطان العارفین خاتم‌المشائخ ابی‌سعید . . . هذاالسؤال یحتاج الی مزید تحریرفنقول ونورد مایجب فیه وان‌کان‌الامریطول .

انجام : فقد اندفعت شبهةالمسئلة مع وضوح اشیاء اخری . . . . فافهم وفقت للسداد والله اعلم بالصواب .

[۱۱۲]

۳۳۹ این نسخه شماره ۱۵ دفتری است دارای ۳۸ گفتارو بخط شکسته تعلیق‌گ ۶۸ الف ـ ۷۰ الف قنواتی در ش ۸۳ ازاین گفتگو یاد نمود .

۳ـ می‌پرسد چرا طبیعت نمیتواند آغاز و بنیاد چیزها باشد و شما این را بکتابهای دیگر و مباحثات بازگشت دادید باز از فیض الهی می پرسد که چیست ومیگوید من هنوزکتاب مباحثات راندیده‌ام . شیخ درپایان یادی ازفیض الهی‌خود میکند ومیگوید من آنرا نوشته‌ام واکنون بازآنرا میاورم دراینجا عبارتی از آغاز رساله « فیض الهی » یا « الفعل والانفعال واقسامهما » چاپ دکن بسال ۱۳۵۳ (ش ۱۹۰ قنواتی) میآید و پاسخ پایان مییابد ولی باید همه آن دردنبال باشد واگرنه سخن بریده خواهد ماند . پیداست که شیخ این رساله راکه پیش نوشته بود چون باپرسش میپنه‌ای میساخت دردنبال پاسخ او گذارده‌است وسخن شیخ بدین گواهی میدهد این پرسش و پاسخ با پرسش و پاسخ شماره ۲ (۳۳۹/۱۵ گ‌ـ ۶۸ ـ ۷۰) وابستگی دارد و پس‌ازآن است .

آغاز : فکتب الشیخ . . . ابوسعید . . . اسبغ الله تعالی نعم الشیخ الرئیس . . . علی الخادم اشکالان امالاول قد ذکرت فی خلال الکلام . . . فاجاب الشیخ الرئیس وقال وبعد فقد وصلت المسئلة والمعاودة فی امر النفس والفیض .

انجام : وهذا ما اردنا ان نبین وبعدها نذکر رسالة الفیض الالهی وقد کتبناها... الفیض الالهی فی اول السئوال الثانی من امر النفس فاقول الافعال والانفعالات .

[۱۱۳]

۳۳۹ نسخه شماره پنجم دفتر است وبخط شکسته تعلیق گ ۶۰ الف-۶۱ الف. قنواتی آنرا در ش ۲۶۹ یاد کرد .

٤- می پرسد اینکه صوفیان میگویند « هر که راراز سرنوشت را بشناخت از بگشت » دین از آن چه میخواهند . شیخ در پاسخ گفتار پیامبر ص « القدر سر الله فلا تظهروا سر الله » و پاسخ علی ع بپرسندهٔ قدر « بحر عمیق فلا تلجه - انه طریق وعر فلا تسلکه انه صعود عسر فلا تتکلفه » را گواه میآورد ودر اینجا پاداش و کیفری را که متکلمان میگویند نمی پذیرد و پس ازسه مقدمه (دستگاه جهان - پاداش و کیفر - رستاخیز) رازسرنوشت را روشن میسازد این گفتگو در مجموع رسائل (دکن ۱۳۵۳) و (مصر ۱۳۲۸ ص ۹-۲٤۵) ودر کنارشرح هدایه شیرازی ص ۳-۳۳۰ بچاپ رسید .

آغاز : بسمله وسأل ایضا (الشیخ سلطان العارفین . . . شیخ ابوسعید . . . عن الشیخ الرئیس - بعض الناس الشیخ الرئیس ابی علی بن سینا) قدس سره عن معنی قول الصوفیه من عرف سر القدر (الله) فقد الحد فقال فی جوابه ان هذه المسئله فیها ادنی غموضة .

انجام : و یختل نظام امور العالم بتولیة المتحلی (المنحل - بسبب الحل) عن القیدین (والله اعلم واحکم) فهذا ما حضرنی علی هذا السئوال والله اعلم بالصواب والسداد رب اجعل خاتمة امورنا خیرا انشاالله تعالی

[۱۱٤]

۳۳۹ این نسخه شماره دهم دفتر است و بشکسته تعلیق گ ٦۳ الف و ب قنواتی درش ۱۸۱ این گفتگو را یاد نمود ومانند نسخه‌های چاپی پرسنده برای او ناشناس است نیز در کتابخانه مجلس تهران بشماره ٦۳۰/٤ (ج ۳ فهرست ص ۳۸۹) هست ونسخه‌ها یکسان نیستند .

[۱۱۵]

۸۷۶ این نسخه شماره ۵ دفتری‌است که درص ۱۱۶ شناسانده شد وبخط شکسته تعلیق گ ٤۸ ب ـ ۵۰ ب میباشد .

[۱۱٦]

۱۰۳۵ این نسخه شماره ٤۵ دفتری است که درص ۱۱۳ شناسانده شده ودرص ۱ـ ٤۰۰ آن میباشد .

۵ـ میهنی دراینجا ازفرمان و قضاء خداوندی می‌پرسد و این گفتگو پس‌از آنست که ازقدر پرسیده و پاسخ گرفت .

آغاز : وکتب الیه ایضا . . . فهمت ماکتبه‌المولی افضل‌المتأخرین سومه‌الله بسیماءالسعادة والسلامة . . . . فی سرالقدر ومالیق بهذاالموضع حقیقة قضاءالله ... فکتب‌الشیخ‌الرئیس قضاءالله هوحکمه‌الاول‌الواحدالذی یشتمل‌علی کل شیء ویتفرع عنه کل شیء علی ممرالزمان .

انجام : ولیس شأنه‌شأن‌غیره ولا حکمه‌حکم‌من سواه‌جل‌عن ذلك لایسال عما یفعل وهم یسالون وصلی‌الله علی محمد وآله . . . . الی یوم‌الدین انتهی

[۱۱۷]

۳۳۹ این نسخه شماره ۱۱ دفتراست وبخط شکسته تعلیق گ ٦٤ الف

[۱۱۸]

۸۷٦ این نسخه شماره ششم ایندفتر است و از برك ۵۱ الف تا ۵۲ الف و بخط تعلیق شکسته میباشد ودردنبال‌آن چند بند درمعنی قضاوقدر وتقدیر و امر ومشیت واراده است .

٦ـ میهنه‌ای دراینجاازشیخ سرنوشت وفرمان وخواست خداوندرا میپرسد

آغاز : و کتب ایضاً . . . کیف امر بین القضا والقدر والمشیة والارادة . . فاجاب وقال‌المشیة‌والارادة الالهیة اختیار انفاذالقدرة بالجود علی مقتضی‌الرحمة

انجام : لانه لیس لغایة بل هو تبع ضروری والله تعالی اعلم بالصواب .

[۱۱۹]

۳۳۹ این‌نسخه شماره‌نهم دفتراست وبخط م شکسته بی‌نقطه گ ٦۲ب

۷ـ می پرسد چرا بنده اگر از خدا چیزی بخواهد او می پذیرد و زیارت چیست و اثر آن درمردم چه میباشد شیخ پس‌از مقدمه‌ای فلسفی بروش فیلسوفان پاسخ میدهد ـ سید داماد درقبسات قبس دهم ص ٥ـ۳۰٤ نیمه دوم این گفتگورا آورد و آنرا بسیار بستود . این گفتاردر کنارشرح هدایه شیرازی ص ٥ـ۲۹۰ ودر جامع البدایع شماره٦ص٦ـ۳۲ بسال $\frac{۱۹۱۷}{۱۳۳٥}$ ودرمجموعه‌مهرن ج۳ ش٦ بچاپ‌زسید .

[۱۲۰]

۳۳۹ این نسخه شماره ششم دفتراست وبشکسته تعلیق گ٦۱ الف ـ٦۲الف. قنواتی درش ۲۱۳ این نسخه را شناساند وآنرا ازتعلیقات دانست .

[۱۲۱]

۸٦۱ این نسخه شماره ۲ دفتری است دارای ۱٦ رساله و همه بخط نسخ محمدبن حاجی نادعلی است که درمشهد در۲۱ محرم سال ۱۲۸٤ برای حاجی محمد شریفخان مستشارلشکرازروی‌نسخه‌خط شیخ (درآستانه‌طوس) نوشت‌وعنوانها بشنگرف است گ ۲ ب ـ ٤ الف .

(همه دفتر ۱٥۱ برگ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی ضربی

اندازه : ۱٥×٥ر۲۱ و ٥ر۱۰×٥ر۱٥ س ۱۹

[۱۲۲]

۸۷۱ این نسخه شماره ۱٥ دفتری استکه دردنبال (بقاء نفس طوسی) شناسانده شده وبخط محمدعلی میباشد .

۸ـ می‌پرسد ازاینکه درکتاب نفس گفته‌اندکه صورت معقول اگردرجسمی باشد بخش پذیرخواهد بود چه میخواهند .

آغاز : وکتب ایضاً . . . اسال سیدناومولاناالشیخ‌الرئیس ... عن‌شرح‌قوله فی‌کتاب‌النفس ان‌کان محل‌الصورة المعقولة جسمافانها تنقسم بانقسامه . . . فاجاب وقال‌الصورةالمعقولة انما هی معقولة علی مافی‌الجوهر العاقل .

انجام : وینقسم الی غیرمتشابهین ولایشابهان‌الکل‌فی‌المعنی‌لیس فی‌القدر والشکل والعدد ولیس کك وهواعلم .

[۱۲۳]

۳۳۹ این نسخه‌شماره هفتم‌دفتراست‌وبخط‌تعلیق‌شکسته بی‌نقطه گ٦۲ الف. قنواتی‌درش ۸۸ این گفتگورا یاد نمودودرش۲٦۱ از گفتاری‌یادمیکند که‌شیخ‌در آن بجوزجانی و ابی‌سعیددرباره نفس خطاب‌میکندوعنوان فقیه‌میرساند که‌خطاب بجوزجانی است نه‌میهنه‌ای

۹ـ می‌پرسد آیا در گیاهان وجانوران جسمی هست که پایدار باشد

آغاز : وکتب ایضاً قدس‌الله‌روحه‌العزیز سرمدالله تعالی فی بقائه لیرتع الخدم فی ریاض فضائله ویکرع الحشم فی حیاض منائحه وفواضله ماالبرهان علی ان (فی) کل حیوان ونبات ثباتاوان ذلك الثبات جسم وان فی اجزاء الجسم ماهواولی بالثبات من الآخر فاجاب الشیخ الرئیس . . . وقال اسأل الله تعالی ان یمتعنی ببقاء الشیخ سلطان العارفین خاتم المشائخ . . . کل حیوان معناه کل حیوان بالفعل یبقی حیواناً بالفعل اما آنا واما زمانا .

انجام : ولامانع ان یکون للشیء شخصیتان من جهتین یعرف هذا من باب التشخص فی الکتب المطولة والله تعالی اعلم بالصواب .

[۱۲٤]

۳۳۹ این نسخه شماره هشتم دفتراست وبشکسته تعلیق بی نقطه گ ٦۲ الف وب

۱۰ـ میپرسدکه راه را بمن بنما و شیخ میگوید درکفر حقیقی شو واز اسلام مجازی بیرون آی اینجا است که میهنه‌ای در «مفانیح» یا «مصابیح» خودنوشت این سخن مرابدان جای که مردمان باپرستش صدهزارساله میرسندرسانده است .

این پرسش و پاسخ مرموز را سعدالملة والدین کازرونی[۱] گزارش نوشت ودرآن از قرآن و گفته حلاج (کفرت بدین‌الله والکفر واجب لدی وعندالمسلمین قبیح) و بیت پارسی .

(بحور بهشتم همی وعده دادند چه جای بهشت است وصل ولقاکو)

گواه آورد (ش ۱۰۳۰) دانشمندی دیگر بر یك بند از پاسخ مرموز شیخ گزارشی نوشت (ش ۳۳۹) . لوئی ماسینیون در « متون » ص ۹۰ ـ ۱۸۹ از زبدة عین‌القضات همدانی ازروی نگارشی ازاحمد غزالی (راوی ابوسعید) همه این پرسش و پاسخ را آورد وقنواتی درش ۲٥٦ نیز این گفتگو را آورده و نسخه‌هائی که او نشان میدهد با نسخه ما یکسان نیست .

آغازمتن : «کتب الشیخ العارف ابوسعیدالمیهنی الی الشیخ ابی علی سینا دلنی علی الدلیل (ارشدنی) فقال فی الرسالة علی طریق الجواب (فکتب فی جوابه) الدخول

۱ ــ ماسینیون کازرونی خوانده در نسخه ما کلمه خوانا نیست و کالونی یا کانونی خوانده میشود.

فی الکفر الحقیقی والخروج عن الاسلام المجازی » .

انجام آن : « فانك تعلم ان لاقیامة لك ولا بعد (فقد) لك من جمیع الموجودین (الموجودات) فاورد الشیخ ابوسعید . . . فی کتابة المصابیح (المفاتیح) اوصلنی هذه الکلمات الی ما اوصل الیه عمر مأته الف سنة من العبادة » .

آغاز گزارش : « کتب المولی الفاضل الکامل سعد الملة والدین الکازرونی (الکابوی) رحمه الله فی حل هذه الکلمات وماتوفیقی الا بالله علیه توکلت والیه انیب اعلم ایها الخائض فی لجج هذه الحجج الا یتیسر لك سلوك هذه الطریقة الا بالدخول فی الکفر الحقیقی .

انجام آن : « فهذا ماسخ به الوقت وجار به الحال وساعد علیه الزمان والیه المستعان وعلیه التکلان والصلوة علی محمد وآله .

آغاز گزارش برعبارت شیخ (وان کنت تحت هذا فانت مشرك مسلم) : « ای وان کنت بعد ذلك جامعا لمرتبتی الاطلاق والتقیید فانت مشرك مسلم » .

انجام آن : « فهو العماء المطلق وفقنا الله للنجاة فی هذه المراتب العلیة بمنه وجوده » .

[۱۲۵]

۳۳۹ این نسخه شماره ۱۸ دفتر است و بخط شکسته تعلیق میباشد در گ ۷۲ ب و پرسش و پاسخ در آن با گزارشی است که از کازرونی نیست .

[۱۲۶]

۱۰۳۰ این نسخه شماره ۷ دفتری دارای ۲۳ گفتار و بخط تعلیق سلیمان بن جمشید با نشانه‌های شنگرف ومورب گ ۷۲ الف وب و گزارش کازرونی در این نسخه میباشد .

۱۱ـ میهنه‌ای میگوید من ازهرجوینده‌ای میپرسم که حقیقت چیست شماهم آنچه میدانید بمن بگوئید . شیخ بدو میگوید که خدا را بشناس و با دانائی نیك بیاندیش .

این گفتگو درعیون الانباء ابن ابی اصیبعه (ج ۲ ص ۹ـ۱۰) وحالات وسخنان

شیخ ابوسعید (چاپ ژوکوفسکی در پترزبورگ بسال ۱۸۹۹/۱۳۱۷ ص ۷-۶۴) و کشکول بهائی (ایران ۱۲۹۶ ص ۶۲۳) و در آغاز نجات چاپ قاهره بسال ۱۳۳۱ ص ۵-۱۲ و با ترجمه در نامه دانشوران (ج ۱ ص ۶-۷۲) و فرهنك دهخدا در سرگذشت شیخ ص ۲-۶۵۰ بچاپ رسید و نسخه‌ها یکسان نیستند و قنواتی در ش ۲۶۰ آنرا شناساند و در ش ۲۶۸ گفت که ابن زیله گاهیکه میخواست گوشه گزیند نامه‌ای بشیخ نوشت و پاسخ گرفت که همین پاسخ و پرسش باشد و گویند که از ابی سعید و شیخ است باز در ش ۲۶۶ آنرا نامه‌ای دانست که شیخ بابی الحسین بن محمد بن مرزیله(!) نگاشت

آغاز : بسمله وحمد وصلوة هذه رسالة کتبها الشیخ الزاهد المحقق ابوسعید ابن ابی الخیر قدس الله روحه الی الشیخ ابی علی سینا . . . وفقك الله لما ینبغی ورزقك من سعادة الابد ماتبتغی انی من الطریق المستقیم علی یقین الا ان اودیة الظنون علی الطریق الواحد لمتشعبه. . . جواب الشیخ الرئیس . . . وصل کتاب الشیخ الزاهد منبأ عن جمیل صنع الله لدیه .

انجام : واسئله ان یقربنی الیه انه قریب مجیب الحمدلله رب العالمین وواهب العمل وصلوته علی . . . محمد . . مبارکا طیبا .

[۱۲۷]

۸۶۱ این نسخه شماره یکم دفتری است دارای ۱۶ رساله که در دنبال پرسش و پاسخ ۷ شناسانده شدگ ۱ ب - ۲ ب .

[۱۲۸]

۱۰۷۹ این نسخه شماره ۵ دفتری است که پیش شناسانده شده و از ص ۱۳ تا ۱۶ و بخط تعلیق میباشد .

[۱۰۹] **پاسخ سبزواری بپرسشهای بجنوردی** (عربی)

دانشمند محمد اسمعیل بجنوردی هجده پرسش دینی و فلسفی از فیلسوف حاج ملاهادی سبزواری (۱۲۸۹ - ۱۲۱۲) کرده و پاسخ گرفت اشعار پارسی هم در این گفتگو دیده میشود .

آغاز : بسمله الحمدلله الودود فیاض الوجود فاتح ابواب الخیرات معطی المسئلات

انجام : واستمسك بالله الودود الرحيم وقد فرغت عن تسويد هذه الاوراق . . . فی سبزوار . . . وهی اولی ارض مس جلدی ترابها و ان آثرت برهة من الزمان اغترابها . . . حين كان من مدة العمر غضاضة شبابها حتی عشش بفرق هامتی بومها وغرابها وبلغت من العلوم الحقيقة باتم نصابها فعطفت عنان عزيمتی الی تلك الدار نازلا قبابها . . . وسكنت زاويه داری مغلقا بابها . . . و اشتغلت بابانة العلوم . . . فازاحت الاشعار وافاضت الاسرار . . . وقد تم هذا الخطاب يوم الاربعا رابع شهر ذی القعدة من سنة اربع وسبعين وماتين بعد الالف من الهجرة علی هاجرها الف سلام وتحية (تاريخ نگارش چهارشنبه ٤ ذی قعده ١٢٧٤) .

[١٢٩]

٣٢٤ این نسخه شماره ٢ دفتری است دارای سه گفتار وهمه بخط نسخ و نستعلیق محمد علی فیروزکوهی باعنوانها ونشانه‌های شنگرف میباشد اخبار وعنوانها دراین گفتگو بنسخ است وفیروزکوهی آنرا درسمنان ٢٧ رمضان ١٢٨١ نوشته است گ ٩٩ ب - ١١٩ ب .

(همه دفتر ٣١٢٩ ـ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد مقوا

اندازه : ١٥×٢٢ و ١٠×١٦٫٥ س ٢ .

[١١٠] **پاسخ و گفتار سبزواری** (عربی)

دراین گفتار پاسخها وسخنانی است ازفیلسوف سبزواری درباره ازل ـ جهان مثالی ـ هستی ـ حدیث طینت وحدیثهای دیگر که نویسنده نسخه (فیروزکوهی) آورده وچنین برمیآید که ازشاگردان او بوده ودرزندگی استاد این سخنان را گرد کرده است دربند آخرین شعرهای فارسی دیده میشود وبند پیش از آن بپارسی است

آغاز : قال الشارح ره فی شرح رسالة العلم للعلامة الكاشی ... وقال استادنا . . زبدة متالهة الاسلام الهادی الی دار السلام .

انجام : وبين القلة والكثرة المدلول عليها بلفظ قديما فعل كما بين الادبار .

[١٣٠]

٣٢٤ این نسخه شماره ٣ دفتر است و نزدیك بیك صفحه از پایان کم دارد گ ١٢٠ الف - ١٢٩ ب خط تعلیق وخبرها بنسخ .

[۱۱۱] **پاسخ شیرازی بپرسش طوسی ازخسروشاهی** (عربی)

خواجه طوسی (۵۹۷ ـ ۶۷۲) از شمس‌الدین خسروشاهی (۵۸۰ ـ ۶۵۲) دانشمند کلامی فیلسوف وشاگردفخررازی (م ۶۰۶) درباره پیوستگی جنبش وزمان وحامل امکان بود ونبود روان و چگونگی پیدایش چند چیز از یك چیز پرسیده وخسروشاهی بدانها پاسخی نداده بود فیلسوف صدرای شیرازی (م ۱۰۵۰) همه اینها را پاسخ گفت و این گفتگو درکنار مبدء و معاد شیرازی (تهران ۱۳۱۴ ص ۹۱-۳۷۱) وشرح هدایه همو (تهران ۱۳۱۳ ص ۹۳-۳۸۳) بچاپ رسید.

[۱۳۱]

۱۰۳۰ این نسخه شماره نهم دفتر وبخط نسخ ازگ ۷۴ ب تا ۷۰ الف میباشد

[۱۱۲] **پاسخ شیرازی بپرسش کاشانی** (عربی)

دانشمند مظفر حسین کاشانی از صدرای شیرازی درباره خود آگاهی و پایداری روان پنج پرسش کرده وشیرازی بدانها بروش خویش پاسخ داده وازایات واخبار گواه آورده وتأویل نمود ودر آن ازشرح هدایه خود یاد کرد.

آغاز: یارب کل عقل ونفس وغایة کل حیوة وحرکة وحس . . . فقدسالنی بعض اجلة الاخوان . . . مسائل عویصة . . . فاجبت علی ذلك مسئوله .

انجام: وظهربطلان قول هؤلاءالمتشبثین باذیال افکارالفلاسفة . . . وهذا . لمعة یسیره مما آنست به من جانب‌الطورالایمن . . . وتمامها یطلب بالمراجعة الی الاصل. .وبیده مقالیدالوصل والفصل والسلام‌علی‌من‌اتبع الهدی ونهی النفس‌عن‌الهوی.

[۱۳۲]

۱۰۳۰ این نسخه شماره دهم دفتر وبنسخ ک ۸۰ الف ـ ۹۴ ب

[۱۱۳] **پاسخ شیرازی بپرسش گیلانی** (عربی)

صدرای شیرازی بپرسشهائیکه ملاشمسای گیلانی فیلسوف (م۱۰۹۸) ازوی کرده (که اگر جنبنده درهنگام جنبش باید پایدار بماند پس جنبش کمی چگونه

خواهد بود واگر نیروی گیاه مادی است پس پایدار نخواهد بود واینکه چیزها در ذهن چگونه درمیآیند وادراك جزئی جانوروم‌دمی چگونه است و آیانفس حادث است؟) پاسخ‌داد ودراینجا اورا ازگرانمایه‌ترین برادران‌خویش میخواند ومیگوید اکنون که او نامه نگاری آغاز کرد من اگر ازاین سفرکه درپیش دارم برگردم باز نامه می‌نویسم ومن باآشفتگی‌که دارم بدین پرسشهاپاسخ میگویم . این گفتار درکنار مبده ومعاد شیرازی (ص ۵۹ـ۳۴۰) بچاپ رسید ودرآن ازجنبش گوهری یاد شد وروش نگارش آن‌هم ازآن شیرازی است .

[۱۳۳]

۱۰۳۰ این نسخه شماره ۱۱ دفتراست و بنسخ گ ۹۵ الف ـ ۱۰۰ الف

[۱۱۴] پاسخ طوسی بپرسش بحرانی (عربی)

جمال‌الدین علی‌بن سلیمان بحرانی ستراوی نزداستادخود کمال‌الدین ابی‌جعفر احمدبن علی‌بن سعیدبن سعاده بحرانی ستراوی میرفته و درباره علم با وی گفتگو می‌نمود استاد ۲۴ رشته ازاین مسئله را فهرست‌وار یادکرد بی‌آنکه درباره آنها بررسی نماید و خود درگذشت این بودکه بحرانی چگونگی را بخواجه طوسی نوشت وهمه آن مسئله هارا بدوبنمود ودرخواست‌که طوسی‌آنها را روشن سازد بحرانی‌دراینجامسئله‌راطرح میکند وسخن کمال‌الدین رامیاوردسپس‌خرده‌گیریهای خویش را یاد میکند خواجه درپاسخ بحرانی بیتها و عبارتها درستایش جمال‌الدین گفت و بند ببند سخنان اورا در پیرامون همان ۲۴ مسئله گزارش‌کرده است (۱)

۱ـ جمال‌الدین فیلسوفی بود دانای علوم نقلی وآرامگاه او درروستای مستره بحرین ایران پهلوی خوابگاه کمال‌الدین‌است وی قصیده نفس ابن‌سینارا شرح کرد و بررسالة‌الطیر اوشرحی بنام مفتاح‌الخیرنوشت ودر فلسفه وکلام « اشارات » نوشت وکمال‌الدین میثم‌بن علی‌بن میثم بحرانی فیلسوف متکلم شارح نهج‌البلاغه‌که در ۶۷۹ درگذشت (آرامگاهش درهلتادیهی درماحوزمیباشد) وشاگرد اووطوسی واستاد علامه حلی وعبدالکریم‌بن طاوس وخواجه طوسی (درفقه) بوده است .راین اشارات شرح نوشت ابن‌میثم ازاین جمال‌الدین اجازه دارد .

نگاه به : امل‌الآمل ص ۴۸۷ ـ لؤلؤتی‌البحزین ـ هدیة‌الاحباب والکنی‌والالقاب قمی ج۱ ص ۴۱۹ ـــ ریحانة‌الادب ج ۳ ص ۳۸۴ ـ ذریعه ج ۲ ص ۹۶و۹۸

آغاز : بسمله الحمدلله علی ما اولانا من ملامح مناهج . . . وهدانا من مطارح مدارج التحقیق . . . اعلم . . . ان المتکلمین اطلقوا القول بان العلم تابع للمعلوم ـ قال . . . نصیر الملة والدین ... الطوسی «اتانی کتاب فی البلاغة منته ـ الی غایة لیست تقارب بالوصف » . . . وردت رساله شریفة .

انجام : قال فینبغی ان یتکلم فی هذه المسائل . . . اقول الاصل الذی هو ممهد فی هذا الباب مستغن عن ایراد هذه المسائل وانما اوردت هذه المسائل اقتفاء لکلام اهل البحث عن هذه المسائل ولنختم الکلام ههنا والله ولی التوفیق والحمدلله وصلواته علی محمد وآله والسلام علی من اتبع الهدی .

[۱۳٤]

۳۸۹ این نسخه شماره ۳ دفتری است دارای پنج رساله و از گ ۱۷ ب تا ٤۲ الف است و پرسش بحرانی بندبیند پس از (قال) زیرخط سرخ درمیان پاسخ طوسی پس از (اقول) آمده واینهو عنوان بشنگرف است و خط آن تعلیق وعنوانها شنگرف ودرروز ۲٤ صفر سال ۱۱۰۲ نوشته شد .

(همه دفتر ۴۸ برگ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد گیماج سرخ ساده
اندازه : ۹هر×۱۷ و ٥×۱۱ س ۱٦

[۱۳٥]

۱۰۲۲ این نسخه شماره ۸ دفتری است دارای ۱٤ رساله از گ۱۳۰ الف تا ۱٤۷ ب و بخط نسخ سید حیدرآملی میباشد نخست پرسش بحرانی است آنگاه پاسخ طوسی که درمیان آن بازبندبیند میان (قال) و(اقول) ازهمان پرسش با انداختن میانه هر بندی آمده است درکنارصفحه‌ها نوشته شده که با اصل برابر گردید درگ ۱٤۸ الف گفتاری است دراینکه ممتنع درذهن هست پس درخارج نخواهدبود و پاسخ آن .

*

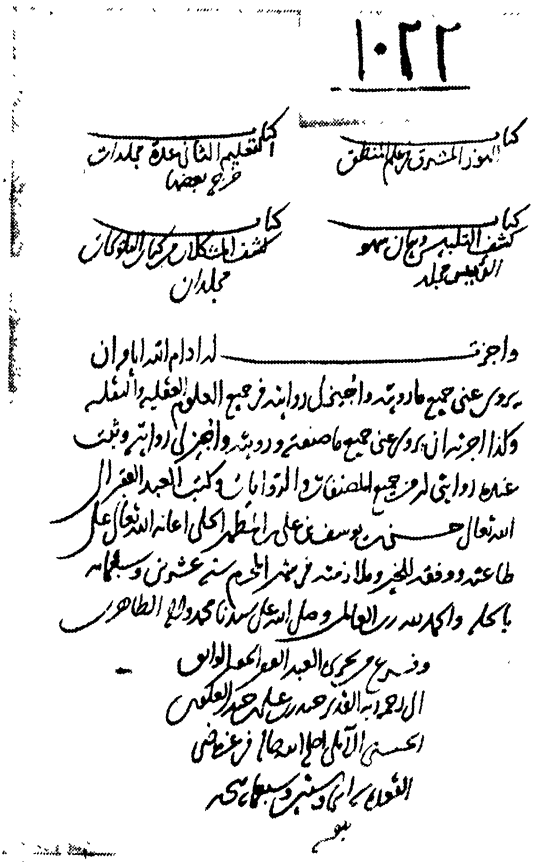
۱۰۲۲

پایان اجازه علامه حلی بمهنا بن سنان که در اجازات بحار مجلسی ج ۲۵ ص ۵۲ بچاپ رسیده و بخط آملی بتاریخ ۱ ذی‌قعده ۷۶۲ در برگ ۷۰ دفتر شماره ۱۰۲۲ دیده میشود

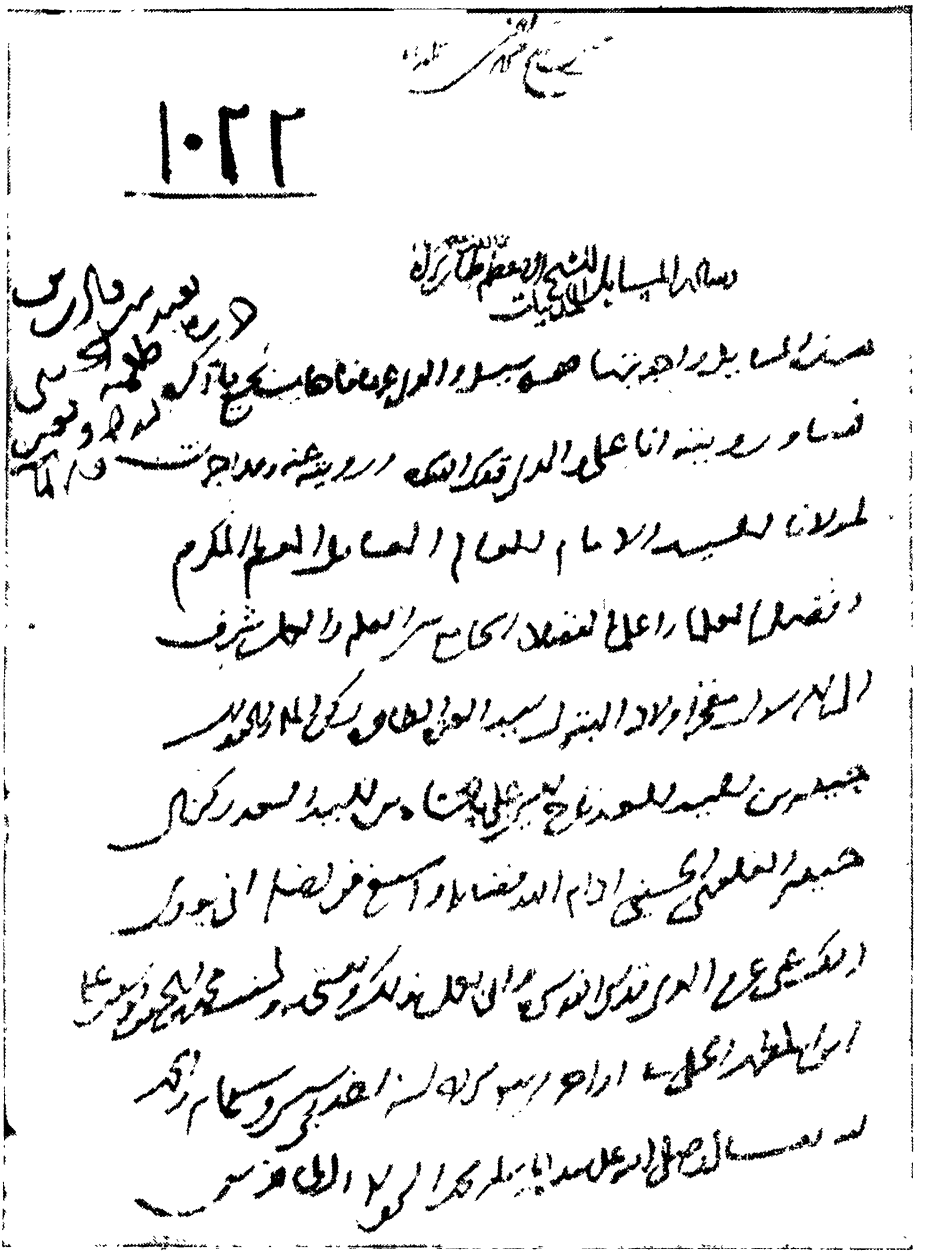

۱۰۲۲

اجازه فخرالمحققین بآملی در پایان ربیع یکم ۷۶۱ برگ ٦ الف ش ۱۰۲۲

[۱۱۵] پاسخ طوسی بپرسش دبیران قزوینی (عربی)

دبیران قزوینی از خواجه طوسی میپرسد کـه شیخ رئیس از گفته خویش دراینکه گرما درترمایه سیاهی و درخشك مایه سفیدی است و سرما تر را سفید و خشك را سیاه میکند چه میخواهد و طوسی از آن پاسخ داده درخواست که اگر سخنش نادرست است برگوید و دردیباچه میگوید من بایستی ازشما بهره برم مگر اینکه چون فرمودید من می‌نویسم تا بدان بنگرید واستوارش سازید.

آغاز : قال مولانا . . الطوسی . . . سئل مولانا علامة العصر نجم‌الدین مد ظله العالی داعیه‌المخلص عن قول‌الشیخ الرئیس ان الحرارة تفعل فی‌الرطب سوادا وفی ضده بیاضا والبرودة تفعل فی‌الرطب بیاضا وفی ضده‌سوادا .

انجام : فهذاماعندی فی‌هذه‌المسئله‌والمتوقع من کرمه‌ان‌یرشد داعیه‌المستفید علی یری مافیه من‌الخلل والنقصان والله‌الموفق وعلیه‌التکلان .

[۱۳٦]

۳۸۹ این نسخه شماره ٤ دفتراست و بخط تعلیق باعنوانهای شنگرف ازگ۴۲ ب تا ٤۵ الف .

[۱۱٦] پاسخ طوسی بدبیران قزوینی درباره مزه ها (عربی)

خواجه طوسی در پاسخ دبیران قزوینی (م ٦۷۵) درباره مزه های گوناگون این گفتاررا بنگارش درآورد و درخواست که او درآن بنگرد و آنچه میاندیشد برگوید .

آغاز : من فوائد مولانا . . . الطوسی . . : فی تحقیق الطعوم ـ اشار مولانا علامة‌العصر نجم‌الملة والدین افضل‌العالم‌ادام‌الله علوه ، الی‌داعیه‌المستفید بان یکتب مانسخ له علی قول بعض‌الحکماء « الجسم اما لطیف او کثیف اومعتدل » .

انجام : وغیرملائم عند بعضهم فهذا ماعندی فیه ومولانا ینظرفیه ویفید مایسخ بخاطره‌الشریفة الوقادة‌انشاءالله .

[۱۳۷]

این نسخه شماره یکم دفتراست و بخط تعلیق ص ۱ـ۲ دردنبال آن پاسخی
۱۰۷۹ است از قاضی فخرالدین الیای بپرسش دبیران درباره نه مزاج و از روی
خط او نوشته شده ص ۲ـ۳ و گفتاری از طوسی درباره حرارت غریزی ص
۳ـ٤ و در کنار ص ۳ حاشیه‌ایست ازغیبی گرگانی بر آن و بخط شکسته تعلیق که
درشب دوشنبه ۲۱ ج ۱ سال ۱۲۹۹ نوشته است .

[۱۱۷] **پاسخ طوسی درباره تنفس** (عربی)

شیخ رئیس درفن ۱۰ کتاب ۳ قانون از تنفس سخن راند و دانشمندی گویا دبیر ازاز آن خرده ها گرفته وازخواجه درخواست که پاسخ گوید وی این گفتار را نوشت و گفت اگر بازهم دشواری هست برگوید .

آغاز : ذکر الشیخ الرئیس فی الفن العاشر من الکتاب الثالث من القانون کلام کلی فی التنفس ـ التنفس یتم بحرکتین و وقفتین بینها . . . المسئول من انعامه . . . ان یبین هذه الاشکالات .. تاملت هذه الاشکالات فاقول اما قول الشیخ الرئیس فی التنفس

انجام : فهذا ما عندی ... فان کان موافقاً للحق فهو المطلوب والافلینعم بالانعام عما یخالفه . . . والله اعلم بالصواب .

[۱۳۸]

۱۰۷۹ این نسخه شماره ۷ دفتر و بخط تعلیق ص ۱۸ـ۲۰

[۱۱۸] **پاسخ طوسی درباره مزاج اندامها** (عربی)

شیخ رئیس در فصل ۲ تعلیم ۳ در مزاج اندامها از قانون چهار دلیل برای خشکتر بودن مواز استخوان آورد و دانشمندی (گویا دبیران) این را از خواجه میپرسد و او پاسخ میدهد و میخواهد که او بدان بنگرد و اندیشه خویش را برگوید .

آغاز : سئوال بعض الافاضل من . . . الطوسی . استدل الشیخ الرئیس . . . فی الفصل الثانی من التعلیم الثالث فی امزجة الاعضاء . . . ان ینعم ببیان هذه الشبه . . . وقف الداعی والمخلص علی هذا السئوال و اجاب عنه . . . اما فی الاستدلال فمعلوم

ان الدم السودائی .

انجام : فهذا ما یحضرنی فیه ولینعم النظر فی ذلك ویخبر بما یخطر بباله علی ذلك انشاالله وهو ولی التوفیق .

[۱۳۹]

۱۰۷۹ این نسخه شماره ۲ دفتر و بتعلیق درص ٤-٦ ودردنبال آن گفتاری است درباره «نشف» که درسخن شیخ دراینجا آمده وآنهم پرسش وپاسخ گونه است ونیز درباره «مخ» ص ٦

[۱۱۹] پاسخ طوسی درباره نیکوئی هستی (عربی)

ازخواجه طوسی پرسیده شد که فیلسوفان گفته‌اند هستی نیکوونیستی زشت است پس چرا گاهی مردم آرزوی مرگ میکنند طوسی پاسخ میدهد و سخن آنان را استوار میدارد .

آغاز : الحکماء اعطونا «ان الوجود خیریة وکمال الوجود خیر الوجود وان الشر لاذات له . . .» الجواب عنه اقول « ما نقله عن الحکما فهو کما قاله . . . »

انجام : اذلولا ذلك لما اقتضت الحکمة الالهیة وجوده کذلك فهذا ما حضرنی فی هذه المسئله والله تعالی ولی التوفیق .

[۱٤۰]

۸۷۱ این نسخه شماره ۲۵ دفتر است و بخط تعلیق محمدعلی بسال ۱۲۹۹ گ ۱۷۱ الف - ۱۷٤ الف .

[۱۲۰] پاسخ طوسی بپرسش رومیان (عربی)

شرف الدین محمود رازی ۲۳ پرسش درریاضی وطبیعی والهی ازروم آورده وخواجه طوسی همه آنهارا پاسخ داد وبکی ازنکته هاکه اودراینجا آورد اینستکه آفریده را خود چیزدانست نه هستی آن ونه ماهیت چه ایندورا عقل میسازد .

آغاز : اسئولة وردت من الروم علی ید شرف الدین محمود الرازی علیه بردالله مرقده (الاسئولة الواردة من الروم واجوبتها للمحقق الطوسی طاب ثراه - هامش) السئوال ۱ العلة (یؤثر) فی وجود المعلول اوفی ماهیته .

انجام : اما کرات متناهیة بینها خلاء فذلك محال . تمت المسائل و اجوبتها

بحمدالله تعالی .

[۱٤۱]

۸۷۱ این نسخه شماره ۱۲ دفتر است و بخط تعلیق محمدعلی گ ۱۳٦ الف ـ ۱۳۹ ب .

[۱۲۱] **پاسخ طوسی بپرسش شمس‌الاسلام** (عربی)

خواجه طوسی در سال ٦٦٦ نزد قاضی‌القضاة فخرالدین شمس‌الاسلام رفت و او ازطوسی درباره آفرینش و گفتارفیلسوفان در آگاه بودن خدا بجزئیات پرسید وی پاسخ داد و درپایان آن نوشت که اگر بازهم دشواری هست بگوید تا روشن سازد .

آغاز : بسمله الحمدلله حمدالشاکرین ... یقول ... محمدبن محمدالطوسی سالنی مولانا قاضی‌القضاة . . . فخرالملة والدین شمس‌الاسلام والمسلمین . . حین استسعدت بخدمته فی سنة ست وستین وستمائة .

انجام : وان توقف فی‌شیء من ذلك اعادبفضله ذلك‌الموضع لاوضح ماعندی فیه انشاالله وهوولی‌التوفیق وملهم‌الصواب منه‌المبدء والمآب فرغ من کتابته مسودة فی‌ذی‌القعدة ستة (و) ستون وستمائه هجریة حامدا . . . ومستغفراً .

[۱٤۲]

۱۰۷۹ این نسخه شماره ٤ دفتراست و بخط تعلیق ص ۸-۱۳

[۱۲۲] **پاسخ طوسی بپرسش قونوی** (عربی)

ابوالمعالی صدرالدین محمدبن‌اسحق قونوی عارف شافعی (م ٦۷۳) درباره عینیت بود خدا و آفریده بودن مهیات ممکنات وهستی عام وحقیقت روان مردمی و چیزهای دیگر از خواجه طوسی پرسید و پاسخ گرفت دیباچه دو نامه قونوی و طوسی بپارسی شیوائی است ومطلبها بتازی .

آغاز :

مازال سمعی من طیب لذکرك ما یزری
علی الروض غب العارض المتن
حتی حللت حمی قلبی ولاعجب
فرب ساع الی قلب من الاذن

گوش ایام ولیالی باستماع مآثر ومعالی مجلس خواجه معظم . . . نصیرالملة والدین مشنف وحالی باد خدمت و دعا ازمنبع صفا و مشرع ولا رسانیده می آید بسمله و علیه اتوکل و هو حسبی . اتانی کتاب ما اراه مشابها ؛ لغیر کتاب‌الله من سائر الکتب .

خطاب عالی مولانا امام اعظم . . . صدرالملة والدین . . . بخادم دعا و ناشر ثنامرید صادق ومستفید عاشق محمد طوسی رسید .

انجام : کماسبقت الاشارة الیه فی بعض الاسئلة المتقدمة والسلام . تمت الاسئلة بحمدالله وحسن توفیقه والسلام علی من اتبع الهدی ـ فهذا ماخطر ببال داعیه ومستفیده ... والحمدلله ذی الجود الفائض والکرم العام وصلی الله علی محمد خیرالانام .

[۱۴۳]

این نسخه شماره ۹ دفتراست و بخط نسخ آملی وچنین می نویسد : «تم الجواب
۱۰۲۲ فی غرة ربیع الاول سنة اثنین وستین وسبعمائه ببغداد بمدرسة الامامیة الغروية »
گ ۱۴۸ ب - ۱۷۱ الف در گ ۱۷۲ دو گفتار است درباره تأویل آیه نور بخردهای گوناگون (هیولانی - بالملکه ـ بالفعل ـ مستفاد ـ فیاض) .

[۱۲۳] **پاسخ طوسی بپرسش کیشی** (فارسی وعربی)

شمس‌الدین محمدبن احمدبن عبداللطیف کیشی فیلسوف عارف شاعرپارسی وتازی (م۶۹۴) [۱] گاهیکه درسپاهان بوده بخواجه طوسی نامه‌ای نوشت ودر آن ازجدائی میان موجب معدول وسالب بسیط و پایداری صورنوعی آمیخته و اینکه وجود خاص جوهرمفارق همان معقولیت اواست پرسید و طوسی بدانها پاسخ داد ودرپایان از کتاب مجسطی وجز آن که کیشی خواسته بود پوزش خواست .

آغاز : نسخه کتاب کتبه‌الاستاد . . . شمس‌الملة والدین . . . الکیشی . . . حین کان باصفهان الی . . . الطوسی . . . پرتوخورشید ضمیرمنیرمخدوم . . . که سبب اهتداء سالکان طریقت . . . است . . . بواسطه دریچهای حواس برمحبوسان چهار دیوار طبایع فایض باد . . . سه مسئله القا میافتد تا ابتدا مواصلات از غایت آنکه استفادت علمی است عاطل نماند . . . اجاب عنه . . . نصیرالملة والدین . . . تا ذکر مناقب ذات شریف . . . خداوند ملك‌العلما والحکما . . . شمس‌الملة والدین افضل ومفخرایران . . . بمسامع دعاگوی مخلص او محمدالطوسی رسیداست مرید صادق بل محب عاشق شده است .

انجام : اینست آنچه برین سئوالها درخاطر آمد انشاالله که پسندیده باشد واگر بمعاودت محتاج باشد توقع است که اعلام فرماید . . . فیمابعد اگرخدای . . . فراغتی کرامت کند آن خدمت بجای آورده شود . . . کامرانی وشادمانی . . . میسر باد با بقاء جاودانی وصلواته علی سیدنا محمد و آله . . الطاهرین .

[۱۴۴]

۱۰۳۵ این نسخه شماره ۲۶ دفتراست وبخط تعلیق ص ۲۳۹–۲۴۲ نسخه‌ای ازاین گفتگو درجنگی در کتابخانه ملك تهران هست .

[۱۲۴] پاسخ عاملی بپرسش طوسی ازخسروشاهی (عربی)

دانشمند احمدبن زین‌العابدین عاملی جبلی (م میان ۱۰۵۴ و ۱۰۶۰) شاگرد وشوهردختر میرداماد بدستور محمد صالح کرامی بسه پرسشی که خواجه طوسی ازخسروشاهی کرده بود پاسخ گفت ودر آن از شرح اشارات طوسی (نمط ۵ فصل زمان) ومقاله ۲ الهی شفا (بحث عقل و نفس) و تعلیقات ابن‌سینا و تعلیقات خود برجواهر واعراض تجرید یاد نمود

آغاز : بسمله الحمدلله علی الائه . . . فیقول ... احمدبن زین‌العابدین (بریده

---

۱ – نگاه به : گفتار آقای نفیسی درمجله ارمغان سال ۱۵ ش ۶ شهریور ۱۳۱۲ خ ص ۱۳–۴۱۸ - گفتارقزوینی درمجله یادگارسال ۲ ش ۲ تاریخ ۱۳۲۴ خ ص ۵۹–۷۰ – شدالازار شیرازی ص ۳– ۱۱۰ و گفتارهمو درهمینجا درص ۸ – ۴۹۲

شده) انه لما صدر عن منبع زلال الافضال . . . مولانا محمدالصالح الکرامی . . . . مخلصه‌الداعی یتصدی للجواب عن‌الاسئلة التی‌ارسلهانصیر . . . (بریده شده) الی ... شمس‌الدین (ابو) محمدالخسروشاهی . . . الاولی لما امتنع وجود حرکة من غیر ان یکون علی حد معین من‌السرعة والبطوء .

انجام . فان‌الفاعل‌الواحد قد یفعل بسبب اختلاف امور عقلیه اوعدمیه افعالا کثیرة .

[۱۴۵]

۱۰۷۹ این نسخه شماره ۲۹ دفتراست وبخط تعلیق درشت‌تر ومورب ص ۱۷۸–۱۸۱ از بالا وپائین صفحات کمی بریده شده است .

[۱۲۵] پاسخ غزالی بپرسشهای پیروان سنت (فارسی)

درسال ۵۰۳ تنی چند ازپیروان ابوحنیفه ومالك وشافعی چون دیدند غزالی (۴۵۰–۵۰۵) درالمنخول‌ازابوحنیفه بدگفت وبپیروی صوفیان وفیلسوفان سخنانی بیاوردگردهم آمده وازمشکوة‌الانوار وکیمیای سعادت این گفتارها : « لااله‌الاالله توحیدالعوام » و « لااله الاهوتوحیدالخواص » و « الله هوالنور » و « روان مردمی دراینجهان بیگانه است وشیفته جهان بالا» و « افشاء سرالربوبیة کفر» را درآورده وگفته‌اندازاینهاچه میخواهی؟ ودراینکه‌خدارابروشنی مانند ساختی مجوس شدی ودرباره روان آنچه گفتی بترسایان وفیلسوفان نزدیك گشتی .

آنها این سخنان را بشاه (محمد سلجوقی ۴۹۸ – ۵۱۱) رساندند غزالی که دراین هنگام پنجاه و سه سال داشت و گوشه‌گزیده بود بدستور او ناگزیر بلشگرگاه طوس رفته و از همه خرده‌گیریها پاسخ داد و بدانشمندان طوس گفت که درمعقولات تنها برهان می‌پذیرم و درشرعیات پیرو کسی نیستم وقرآن را بکار می‌بندم شاه همینکه پندهای غزالی را بشنود و سخنان اورا استوار بدید نوازشش نمود وبدشمنانش ارجی‌ننهاد. این گفتگو در«فضائل‌الانام من رسائل حجة‌الاسلام» که‌پس‌ازمرگ‌اوبرادرش احمد گردآوردودراکبرآبادهندبسال ۱۳۱۰ بچاپ‌رسید. دیده میشود .

[۱٤٦]

۳٤۰ این نسخه شماره ۲ دفتری است دارای ۸ گفتاروهمه بخط تعلیق ریز خوش با عنوانها و نشانه‌های شنگرف که درسال ۱۲٦۰ نوشته شدگ ۲۷ ب ـ ۳۷ ب ـ نام ومهردارندگان نسخه (محمد باقر پسرابراهیم حسینی لواسانی رازی تهرانی وشیخ‌العراقین) درآغاز وپایان دفتردیده میشود .

(همه دفتر۳۱۳۶) ـ کاغذ ترمه سمرقندی رنگارنك - جلد تیماج ضربی زیبا
اندازه : ۵ر۱۲×۵ر۲۰ و ۷×۱٤ س ۱۵

[۱۲٦] پاسخ فندرسکی بپرسش کاشی (فارسی)

این پرسش و پاسخ میان آقا مظفر حسین کاشی و میرابوالقاسم فندرسکی استرابادی (م نزدیك ۱۰۵۰) شده است وفندرسکی ازدانشمندانی است که دیری در هند بزیست و بدانش زردشتی و بودائی آشنا شده بود و روش اشراقی دارد . مسئله تشکیك ذاتی میان مشائیان واشراقیان مطرح بوده وفندرسکی‌دراین گفتار آنرامحال‌میداندچنانکه رفیع‌الدین محمد حسینی رساله درتشکیك نوشته وبهمین رأی بود (چاپ شده درکنارشرح هدایه شیرازی ص ۸ـ۳٦۳) .

آغاز : آنچه فرموده‌اند درذاتی وتشکیك وعدم تشکیك او برآنچه ذاتی است اورا معتقد این ضعیف آنستکه نشایدکه ذاتی مقول بتشکیك باشد .

انجام : وچون خواهندکه این فصل را مأخذ بدانند بکتاب مابعدالطبیعه رجوع کنند وبالجمله هرچه بجزحضرت رب‌العزة است ازموجودات غیبی اورا از ترکیب چاره نباشد .

۱۴۷

۱۰۳۸ این نسخه شماره ۷ دفتر است و بخط شکسته تعلیق مورب گ ۵۵ ب ـ ٦۵ الف .

[۱٤۸]

۱۰٤٦ این نسخه شماره ۷ دفتراست و بخط شکسته تعلیق محمد شریف پسرمحمد قائمی نزدیك بسال ۱۰٤۰ گ ٤۳ الف ـ ٤٤ الف .

[۱۲۷] پاسخ کاشانی بپرسشهای هراسکانی (فارسی)

منتجب یا منتخب‌الدین هراسکانی که از شاگردان و پیروان باباافضل کاشانی بوده است چون از استاد دورشده بود یازده پرسش در عرفان و اخلاق از استاد کرده و پاسخ خواست واین بازپسین سخنانی بود که بابا بنگارش درآورد تااینکه درگذشت وازمرق برای هراسکانی فرستادند وگفتگوی ۷و۸ آن درباره گفته‌های غزالی است درکیمیای سعادت که درآنجا آمده که روان پایداراست وبرخی اینرا نپذیرفتند وبرغزالی نفرین میکردند ونیز آمده که خدادراینجهان دانستنی ودرآن جهان دیدنی ولی نه با دیدار اینجهانی و همین را مردم نپسندیدند و گوینده را بدکیش خواندند هراسکانی ازاستاد که کیمیای سعادت راگزین‌نموده بود میخواهد روشنش سازد .

درهمین جااست که هراسکانی از استاد تفسیر چند آیه وخبری را میخواهد واومیگوید سخنی راکه برزبان من نرفته تفسیر گفتن گزاف است مگر اینکه من آنچه ازاین سخنان دریافتم برگویم .

آغاز : منتخب اشکالی چند که از جناب خواجه شخصی سئوال کرد و او جواب آنها نوشت . . . سئوال نماید بنده داعی‌که چون آدمی از مادر بزاد طالع اومیگیرند .

انجام : و ازجهان نام‌گذشتگان بردن خاصه جز پندو فائده بار ندهد تلك امة قدخلت . . . عماکانوا یعملون .

[۱۴۹]

۴۲۸ این‌نسخه شماره۲ دفتری است دارای ده رساله وگفتار باباافضل‌کاشی که بخط شکسته نستعلیق خوش با عنوانهای شنگرف میباشد و در ۱۰۸۳ نوشته شده است ازگ ۱۰ ب تا ۱۴ ب .

(همه دفتر ۷۲ ۳) - کاغذ سمرقندی . جلد تیماج زرد ساده

اندازه : ۱۲×۱۷ و ۵×۱۲٫۵ س ۱۷

[۱۵۰]

۴۳۱ این نسخه شماره ۷ دفتری است دارای ۲۳ رساله و نامه و گفتار ازکاشی و فیلسوف شیرازی و همه بخط تعلیق محمدعلی است که در مدرسه سپهسالار تهران بسال۱۳۰۲ آنها را نوشت ازگ ۱۲۴الف تا ۱۳۲ب . این دو نسخه باهم یکسان نیستند .

(همه دفتر ۴۰۱ ۳) - کاغذ فرنگی . جلد تیماج سرخ ضربی
اندازه : در۱۰×۱۸ و ۶ر×۵ر۱۳ س ۱۴

[۱۲۸] **پاسخ گرگانی بپرسش میرزا اسکندر** (فارسی)

میر سید شریف گرگانی (م ۸۱۶) فیلسوف متکلم در پاسخ میرزا اسکندر پسر عمرشیخ درباره شماره طبقات بهشت و دوزخ این گفتار را بپرداخت و بروش فیلسوفان آنرا تأویل نمود واین گفتگو از پاسخ وپرسشهای میرگرفته شده است .

آغاز : سیدالمحققین میرسید قدس‌سره دررساله‌ای که دراجوبه‌اسؤله میرزا اسکندربن‌عمرشیخ نوشته فرموده «تاویل عددطبقات دوزخ وبهشت چنین کرده‌اند که عناصر بسیط ٤ است ومرکبات عناصر ۳ وعدد افلاك نه .

انجام : واعراف اشاره بآن مرتبه‌است ودرتأویل معراج روحانی رسول‌الله سخنان بسیار بزرك فرموده .

[۱۵۱]

۱۰۳۷ این نسخه شماره ٤ دفتر است و بخط تعلیق گ ۲۰۸ الف ـ ۲۰۷ الف

[۱۲۹] **پاسخ همدانی برازی قزوینی** (عربی)

شیخ‌رئیس‌درپاسخ پرسش‌بهمنیار براینکه یکی‌جزیکی‌نیافریندبرهانی آورد امام رازی‌ودبیران قزوینی‌ازآن خرده گرفتند. ابراهیم حسینی همدانی دراین گفتار برهردو رد نوشت .

آغاز : یقول‌الفقیرالفانی ابراهیم‌الحسینی الهمدانی . . . نقل ان بهمنیار لما طلب‌البرهان من‌الشیخ .

انجام : ومساعدةالتوفیق من ذوی‌الافضال .

[۱۵۲]

این نسخه شماره ۳ دفتراست وبخط تعلیق گ ۹٦ الف دردوسطر ودرهمین‌جا
۹۲٦ سخنی ازلمحات سهروردی شهید (لمحه ٤) در ۹ سطر و بهمین خط آمده که درآن‌روی‌خودآگاهی وحضورذاتی‌نفس وبی‌نیازی آن ازچیزهای دیگر تجرد
۵ آنرا ثابت میکند .

[۱۳۰] **پرسش طوسی ازجیلی** (عربی)

خواجه طوسی از شیخ علامه جمال‌الدین عین‌الزمان جیلی سه پرسش کرد یکی‌اینکه‌چیزیکه‌امکانش‌را حاملی نیست‌باید قدیم باشد وهمیشگی واین‌قانون با حدوث نفس‌نمیسازد همین پرسش را طوسی ازخسروشاهی نیزکرده بود ودراینجا
۱۰ کوتاه‌تر است . دیگراینکه ادراك چیست سوم از « توحید اسقاط اضافات است » چه‌میخواهند خواجه در اینجا بسیار از جیلی میستاید و گویا او بخواجه پاسخ نداده است .

آغاز : سلام علیکم و رحمةالله و برکاته تحیة مشاهد معاین بالبصیرة . . . فهذه‌اسئولة قد تداولتهاالنظار . . الاول لما ثبت ... ان کل مالاحامل لامکان‌وجوده
۱۵ وعدمه .

انجام . . . ولسنا من ان یتم اجتماع‌الشمل بنیل حلاوة بآیسین وهو حسبنا ونعم‌المعین سبحان ربك رب‌العزة . . . رب‌العالمین .

[۱۵۳]

این نسخه شماره ٦ دفتراست وبخط تعلیق آملی گ ۱۲٤ ب ۱۲۵ب وعنوانها
۱۰۲۲ بنسخ و درپایان (گ ۱۲۵ ب) ۳ گفتار است دراین که عین ثابت درعلم ازلی یا ماهیت، آفریده نیست ومعقول و محسوس یکی نخواهند شد وجدایی‌میان حکمت وغرض

[۱۳۱] **پرسش و پاسخ درخداشناسی** (فارسی)

نگارنده این گفتار دانسته نشد و چنین آغاز میشود : « بسمله و به نستعین
۲۵ سئوال واجب‌الوجود چه چیزاست ؟ ـ جواب واجب‌الوجود موجود آنچنانی‌است

که ازعدم او محالی لازم آید » وانجام آن چنین : « و این اقوی است هم دراینجا وهم درسایرقوای ظاهره .

[۱۵٤]

این نسخه دردفتری است دارای «زادالزائرین» ودرص۱۲۲ ج ۱ شناسانده
۱۰۲٦ شده وبخط تعلیق با عنوانها ونشانه‌های شنگرف درگ ۱٦۳ـ ب ـ۱۹۲ الف میباشد .

[۱۳۲] تحدید نفس کلی مطلق (عربی)

شیخ رئیس دراین گفتار پس‌از کاوش از هیولی و صورت و جسم روان را میشناساند .

آغاز : اماالقول فی تحدیدالنفس الکلیةاعنی المطلقةالجنسیةفیتضح بمااقول .

انجام : کمال اول لجسم طبیعی ذی حیوة بالقوة ... فقد قسمناالنفس الجنسیة وحددناها وذلك ما اردنا ان نبینه .

[۱۵۵]

۸۷۱ این نسخه شماره ۱۸ این دفتر و بخط تعلیق محمد علی گ ۱۵۳ الف ـ ۱۵٤ الف .

[۱۳۳] تحصیل (عربی)

کیا رئیس ابوالحسن بهمنیار فرزند مرزبان فیلسوف مجوسی آذربایگانی (م ٤۵۸) شاگرد شیخ رئیس و استاد لوکری که بیشتر سخنان شیخ در مباحثات درپاسخ او است تحصیل را درسه بخش پس‌ازمرك استاد ازروی حکمت علائی یا دانش نامه برای خال رئیس ابی منصور بهرام فرزند خورشید فرزند یزدیار نوشته وازنگارشهای دیگرشیخ و گفتگوهائیکه میان آندوشده وازسخنان خویش برآن افزود وبسیارساده وشیوا و گسترده تر ازدانشنامه است میگویند تحصیل درقاهره

بسال ۱۳۲۹ بچاپ رسید (۱) .

آغاز منطق : ستایش ودرود ـ قال بهمنیار بن المرزبان وبعد فانی محصل فی هذه الرسالة للخال الرئیس الاجل ابی منصور بهرام بن خورشید بن یزدیار . . . کتاب الحکمة التی اهداها الشیخ الرئیس ابوعلی . . . مقتدیا فی الترتیب بالحکمة العلائیه انجام آن : مبتدئین بعلم مابعدالطبیعة تم الکتاب الاول فی المنطق ـ آغاز امورعامه : ستایش ـ الکتاب الثانی فی المقدمات التی یحتاج الیها فی جمیع العلوم وهو العلم الموسوم بعلم مابعدالطبیعه ـ انجام آن : والنفس لیس کذلك تم الکتاب الالهی من کتاب التحصیل ـ آغاز الهی اخص : ستایش ـ الکتاب الثالث فی الاشاره الی اعیان الموجودات ـ انجام آن : وهذا القدر اذا احکم سهل السبیل الی مابعده من التدقیق والتفصیل والبسط والتحقیق ونسال الله التوفیق .

[۱۵۶]

۲۶۲ این نسخه بخط تعلیق ریز باعنوانهای شنگرف که سلطانعلی بن حسنعلی در ۲۵ ج۱ سال ۹۷۱ تا امورعامه ودر ۳ ع ۱ همین سال الهی اخص را بپایان رساند منطق از گ ۳ ب تا ۱۱۶ الف و دوبخش دیگر از نو شماره گذاری شده و تا برك ۱۷۴ ب میباشد .

(همه دفتر ۲۹۱ ص) . کاغذ سمرقندی . جلد تیماج سرخ ضربی

اندازه : ۱۴×۱۸٫۵ و ۶×۱۱ س ۱۷

[۱۳۴] تحفه (فارسی)

این دفتر درشناخت روان وسرگذشت او پس ازجداشدن ازتن دررستاخیز است که درنسخه مانند روضة القلوب ازخواجه طوسی دانسته شد و روشن باطنی

---

۱ ـ بهمنیار مراتب الموجودات (لیدن ۱۴۸۲ مورخ ۵۱۴ و ۱۴۸۳) ورسالة فی موضوع العلم المعروف بمابعدالطبیعه (چاپ مطبعه کردستان ۱۳۲۹ وچاپ سلمون پوپر S. Poper درلایپتسیك در ۱۸۵۱ با مراتب الموجودات و ترجمه آندو بآلمانی) نوشته و نسخه‌هائی ازاینها و ازتحصیل درخاور وباخترهست نیز البهجة والسعادة والزینة فی المنطق والموسیقی دارد همچنین نامه‌ها که او وشیخ بهمدیگر نوشتند و آنهاهم هست نیز اثبات العقول الفعالة والدلالة علی عددها واثبات النفوس السماویة که بخشی ازآن درآستانه هست .

نگاه به بیهقی ص ۹۱ ـ ارسطوعندالعرب بدوی ص ۳۷ دیباچه ـ فهرست دوم مجلس ش ۱۱ ـ قنواتی ش ۷

وتأویل در آن پیداست .

آغاز : بسمله شکر بی نهایت وسپاس بی عنایت ذاتی را که بلبل روح وروان را بعشق چمن جبروت واغصان عالم ملکوت مزین ومشرف گردانیده است . . . سبب تحریر این کلمات ربانی وزکوة روحانی آن بوده است که این ضعیف خواست تا آنچه بمعرفت نفس تعلق دارد چگونگی احوال اوازالم ولذت بعدازمفارقت دراین نسخه تمام کنم .

انجام : بنده ضعیف این رساله ازهرجای جمع کرد تا اخوانی که بعداز ما باشند ازین معنی بهره مند گردند وما را بدعا یاد دارند ربنااغفرلنا ولاخواننا الذین سبقونا بالایمان . . . . انك رؤف رحیم تمت الرسالة الموسمة بالتحفة حامداً ومصلیا .

[۱۵۷]

۱۰۸٤ این نسخه بخط تعلیق با نشانه وعنوانهای شنگرف واز برك ٤۷ ب تا ۷۷ ب ودفتر دوم این شماره وبا روضة القلوب خواجه میباشد .

(۷۷ برك) کاغذ ترمه سپاهانی . جلد تیماج سرخ ساده مقوائی

اندازه : ۱۱٫۵ × ۲۰ و ٦×۱۲ س ۱۱

[۱۳۵] **تحقیق معنی قابلیت** (فارسی)

این دفتر گویا از فیض کاشانی است و بروش عرفان شیعی از قابلیت گفتگو می کند .

آغاز : بعداز سپاس بیحد وقیاس پروردگاریرا که بپرتك آمادگی وقابلیت هرچیزرا درکارگاه جمعیت پناه صبغة الله . . . چنانچه بایست نقش بست .

انجام :

آنکس که ز شهر آشنائی است
داند که متاع ما کجائی است

بیش ازاین حاجت نمیداند بیان . والسلام علی من تم بوجوده الاتم کل تمام علیه وعلی آله السلام .

[۱۵۸]

این نسخه شماره ۵ دفتری است دارای ۵ رساله ازفیض و جزاو گ ۷۲ - ب ۷۷ الف و درپایان آن دارد « تم‌الکتابة فی شهررجب‌المرجب سنة ۱۰۶۱ » و پیداست که درروزگار اونوشته شد .

۳۱٤

(همه دفتر ۷۷ ص) . کاغذ ترمه سپاهانی . جلد تیماج زرد
اندازه : ۵ر۸×۱۷ و ۵×۵ر۱۱ س ۱۲

[۱۳۶] **تحقیق‌الهیولی** (عربی)

فیلسوف محمدبن احمد خفری این دفتر را درباره هیولی در یك مقدمه و دومقصدنوشته ورأی ارسطورادر آن اثبات و گفته افلاطون وشیخ اشراقی را ابطال کرده است و در آن از شیخ رئیس و سهروردی و شارح مواقف سیدالمحققین نام میبرد .

آغاز : الحمدلخالق‌الوری .... فاقول هذه رسالة فی تحقیق‌الهیولی وثوابعها قدالفها تذکرة لاولی‌النهی .

[۱۵۹]

این نسخه بتعلیق ریز و دوبرك پایان سفید و ناقص است وبدین‌جا « فالصورة الجسمیة التی تکثرت افرادها انما تکون کثرة افرادها و تشخصاتها بالمادة ولاخفاء فی ان » انجام میپابد .

۳۲۲

(۹۸ ص) . کاغذ ترمه سپاهانی . جلد تیماج دولاحاشیه‌دار
اندازه : ۵ر۱۰×۵ر۱۹ و ۵×۵ر۱۱ س ۱۶

[۱۳۷] **تحقیقات دربیان احوال موجودات** (فارسی)

ملاشمسای گیلانی فیلسوف این دفتررابرای کسانیکه فلسفه میجویند وتازی نمیدانند نوشته ودر آن ازمباحث مهم هستی و شناخت بروش اشراقی کاوش نمود وخود بدان این نام را داد

آغاز : بسمله والتوفیق من‌الله العلیم الحکیم سپاس تقدس اساس و ستایش بیرون ازقرینه وقیاس مهیمنی را سزدکه ایجادعالم کرد لامن شیء ولامن لاشیء ...

چنین گوید . . محمد مشهور بشمساگیلانی .

انجام : مسلك حکما دراثبات واجب‌الوجود بالذات مسلك لم است ومسلك متکلمین مسلك ان یبین تفاوت ره از کجا است تابکجا (تم یوم‌الاثنین ثالث عشرین من شهر شعبان‌المعظم سنة الف واثنین وخمسین) .

[۱۶۰]

۲۷۸ این نسخه بخط تعلیق و حاشیه‌هائی دارد که بعبارت (منه سلمه‌الله) پایان میپابد وپیداست که درروزگارشمسا درروزدوشنبه ۲۳ شعبان ۱۰۵۲ نوشته شده یا اینکه شمسا آنرا دراین تاریخ نگاشته است .

(۳۰۲ × ۳) . کاغذ سمرقندی . جلد تیماج متوالی

اندازه : ۹٫۵×۱۷۵ و ۵×۱۱ س ۱۵

[۱۳۸] **ترجمه اشارات** (فارسی)

دراین دفتر سه نمط پایان اشارات شیخ بپارسی شده و مترجم گاهی ازخود سخنانی افزوده ودرداستان سلامان وابسال از رازی و طوسی افسانه‌ها را آورده است این ترجمه درشیوائی بپایه ترجمه گمنام دیگر از اشارات که درتهران بسال ۱۳۱۶ خ بچاپ رسیده است نمیرسد .

آغاز : بسمله و به‌نستعین نمط ثامن در بهجت وسعادت‌بدانکه‌بهجت درلغت بمعنی سرور ونضرت است وسعادت مقابل شقاوت . . . وهم وتنبیه دروجود لذات باطنه .

انجام : و شیخ بعد از وجود شرایط مذکور امر کرده باحتیاط تمام عقلا ورسماً چنانچه گفته‌وکتاب بآن‌ختم‌کرده است .

[۱۶۱]

۸۹۷ این نسخه شماره ۷ دفتر ازگ ۱۳۰ ب تا ۱۵۳ الف میباشد .

[۱۳۹] **ترجمه الهیات شفا** (فارسی)

سید علی‌بن‌محمدبن‌اسدالله امامی عریضی سپاهانی مترجم‌اشارات که شاگرد آقاحسین خوانساری (م ۱۰۹۸) بوده ودرروزگارنگارنده ریاض‌العلما (م ۱۱۳۰)

درگذشت شفای شیخ را بپارسی کرد (ذریعه ج ٤ ص ۹-۷۸و۱۱۰) نسخه ماکه بند ببند سخنان شیخ درآن آمده و ترجمه لفظی و سپس گزارش شده گویا از همو باشد .

آغاز : بسمله وبه‌نستعین حمدی که عندلیبان گلستان ابداع میسرایند مبدعی را باد ... این رطب ویابس ترجمه فن‌ثالث عشر کتاب شفاء رئیس‌الحکماء شیخ ابوعلی سیناست که عبارات وی بالتمام مذکورمیگردد وترجمه مطابقه الفاظ بیان میشود

[۱٦۲]

این نسخه بخط تعلیق ومتن بنسخ زیرخط سرخ ازعبدالظهیر بن‌المعصوم کرهرودی
۲۵۱ درسپاهان بدستور امیر صدرالدنیا میباشد گ ۱ ب - ۳۹۰ الف ونسخه بدلها درکنار صفحه‌ها است و ترجمه درگ ۳۸۰ ب بدینجا « فانه کیف کان فحـوثه متعلق بالحرکة لایمکن غیرهذا (فصل۱مقاله۹ ص۱۰۱ چاپ تهران) پس دراینصورت ازدیاد بصیرت میگوئیم ما بدرستی که تو بتحقیق که دانستهٔ آنکه هر » پایان مییابد وگ ۳۸۱ الف سفید است آنگاه درگ ۳۸۱ ب عبارت « وقوم آخرون لم یرو بهذه‌الصورة مفارقة بالوجود . . . . (فصل۲مقاله ۷ ص ۵۵۷) وقومی گمان نکرده‌اند
۱۵ ازبرای صورطبیعیه مفارقی را» دوباره میآید ونسخه بعبارت «وهذا هوخلاف ماعقلوه (عقدوه درنسخه ما) وبنواعلیه اصل رأیهم (فصل۳ مقاله ۷ ص۵٦۲) . . . ووی خلاف آن چیزی‌است که عقد کرده‌اندایشان آنرا ، وعقیده بسته‌اند باو، بناگذاشته‌اند برواصل رأی و مذهب خود را . حاصل که این فصل در بیان ابطال گفتار قدماء سابق است درتعلیمات ودرمثل افلاطونیه پس میگوئیم ... وملتفت نمی‌شویم بجانب آنچه که گفته‌اند
۲۰ و عمل کرده‌اند ایشان از دوام استغناء اینها از اثباتشان . تمام شد بعون پروردگار عالم آنچه یافت شد از ترجمه مزبوره بتاریخ هفتم شهر رجب‌المرجب من شهور اربع وثمانین والف من‌الهجرة‌النبویة‌المحمدیة » پایان مییابد .

وآنچه درگ ۳۸۱ ب تا ۳۹۰ الف آمده همان است که درس۲۲گ ۲۹٦ب تا س۳ ازپائین گ ۳۰۵ب‌نوشته شده ومکرراست‌نویسنده‌نسخه را بهمان اندازه‌ایکه
۲۵ یافته بود در ۱۰۸٤ نوشت ودرکنارگ ۳۱٦ب نوشته است که نسخه‌ای که ار روی آن مقابله میشد مقاله دوم تاآخرفصل ۷ مقاله ۸ « فی‌نسبة‌المعقولات الیه . . . . وفی تفصیل حال‌اللذة‌العقلیه ـ ص ۵۹۱ » را نداشت . مانا نسخه نویسنده آشفتگی داشت وخودهم نمی‌توانست آنرا دریابد وازروی‌آن نوشت .

متن دراین ترجمه (گ ۳۱۵ ب س۱ـ٤) نسبت بنسخه ش ۲٤۳ گ ۵۷۱ الف (پایان فصل ۳ مقاله ۷) افزوده دارد .

ازدارندگان نسخه محمدکریم سپاهانی درهمان شهرمیباشد .

(۳۹۰ گ) . کاغذ ترمه سپاهانی . جلد تیماج سرخ ضربی رنك‌آمیزی شده

اندازه : ۱۴٫۵×۲۶ و ۸٫۵×۱۷٫۵ س ۲۶

[۱٤۰] تعبیرالرؤیا (عربی)

این رساله در نسخه ما بنام تعبیرالرؤیا (گ ۱۱۰ الف) وتفسیرالرؤیا (گ ۱۱۰ ب) یادگردید و از ابن‌سینا دانسته شده وجزنسخه‌ای است که درمجلس (ج ۲ ش ۷۵٦) وآستانه طوس (ج ۱ ص ۲۵ ش ٦۰) هست و قنواتی در (ش ۱۵٦) بنام « الرؤیاوالتعبیر ـ المنامیه » شناساند این نسخه ما تنها در خوابگزاری است و ۱۱ باب میباشد .

۱ـ آنچه درآسمان است .

۲ـ آب وزمین و آنچه دراینده است .

۳ـ کشت ودرخت

٤ـ آتش وکانها .

۵ـ ساختمان و پوشاك و پاکیزگی .

٦ـ خوردنی و زن‌گرفتن ودیدن اندامها .

۷ـ تخت و بازرگانی .

۸ـ گریه وخنده وبازی .

۹ـ رمنده وخزنده ودونده و پرنده .

۱۰ـ پوشش وآرایش جنك .

۱۱ـ زدن وکشتن وبیماری ومرگ وگور .

ودرآن ازخواب وچگونگی آن از رهگذرفلسفه و پیش بینی که درخواب میشود و پایه فلسفی آن که با بحثهای روانشناسی عقلی وابسته است هیچ یاد نشده با اینکه در نسخه مجلس هست و همین بخش فلسفی که بده فصل میرسد بپارسی

ترجمه شده ودرتهران بسال ۱۳۱٦ خ بچاپ رسید .

آغاز : کتاب تفسیرالرؤیا منسوب لابن‌سینا وهوعلی احد عشربابالباب‌الاول فی‌العلویات من‌السما ومافیها والرعد والبرق . ضوء السماء خیر ورزق .

انجام : والخلاص من‌الحبس خلاص من شدة . والله اعلم بالصواب هذا آخر هذه‌الرسالة والحمدلله رب‌العالمین .

[۱٦۳]

۱۰٤۵ این نسخه شماره ۱۰ دفتری است دارای ده رساله و گفتار: (العویص فی‌الاحکام شیخ مفید ـ صد سخن ازعلی‌ع ـ حدیث ـ پرسشهای عبدالله‌بن سلام از علی‌ع ـ تفسیر عسکری ع ـ داستان تولد علی ع بخط محمدبن عبدالحسین حسینی نجفی‌در۲۳محرم ۱۰۵٦ درسپاهان٦۳ب ـ رساله رجعت ـ زیارت رضا ع ـ گفتارهای گوناگون)وازگ ۱۱۰ب‌تا۱۲۲ب‌بخط نسخ باعنوانهاو نشانه‌های‌شنگرف‌ودرگنارگ ۱۲۲ ب‌گفتاری است از ابن‌سینا بتازی که پارسی آن اینست : « زنان تا ده سال بازیچه‌اند و از ده تا ۱۵ فراخ و سیاه چشم و از ۱۵ تا ۲۰ پیه وگوشت و شیر واز ۲۰ تا ۳۰ مادر پسران و دختران و از ۳۰ تا ٤۰ پیر فرتوت مردنی و از ٤۰ تا ۵۰ باید باکاردشان کشت و از ۵۰ تا ٦۰ نفرین خدا وفرشتگان و همه مردم برآنها باد

(همه دفتر ۱۲۲) — کاغذ سپاهانی - جلد تیماج زرد ضربی مقوائی
اندازه : ۱۲×۱٦ و ۴٫۵×۱۲ س ۱۸

[۱٤۱] تعبیرسلطانی (فارسی)

قاضی اسمعیل‌بن‌نظام‌الملك ابرقوهی این دفتررابرای جلال‌الدین‌ابوالفوارس شاه‌شجاع مظفری (۷٦۰ ـ ۷۸٦) ووزیر اوخواجه قوام‌الدین محمد بسال ۷٦۳ نگاشته ومیگویدکه آنرا ازروی گفتارآگاهان دراینهنر ونگارشهای خوابگزاران بپرداختم و از آنها اینانرا نام میبرد : « موبدانی مانند هرمز پسر آذرشیب (؟!) و بزرگمهر وانوشیروان وکشمروجاماسب – ازمشرکان وکاهنان تازی و جادوگران مانند عبدالله‌بن هلال ومرط بن زید و عباب‌بن سمررازی – ازآشنایان بهنرفراست مانند سعیدبن سنان و ایاس‌بن معاویه وجندل‌بن حکیم ومعویة‌بن‌کلثوم و نکلة‌بن نصاب – چند تن از فیلسوفان یونانی » باز میگویدکه از سخنان پیامبران و یاران

و پیروان پیامبر اسلام و فقیهان و پارسایان و دانشمندانی مانند محمدبن سیرین و ابراهیم‌بن‌عبدالله کرمانی و عبدالله‌بن‌مسلم‌بن‌قتیبه و ابواحمد خلف‌بن‌احمد و محمدبن جماد الحبار الرازی و یعقوب کندی و ابوزید بلخی و بختیشوع واهرن و محمد زکریا وحنین اسحق مترجم و ابومحمد زرب (؟!) طبری (دواسقف) بهره بردم و از تعبیر قادری که حکیم ابوسعد نصربن یعقوب دینوری در ۳۹۷ برای خزانه ابوالعباس احمد قادر بالله (۳۸۱ - ۴۲۲) نوشته و در آن از طبقات المعبرین حسن‌بن حسین الحلال یاد کرده است و نیز از التحبیر فی علم التفسیر فخررازی و کامل التعبیر شیخ ابوالفضل تفلیسی که برای عزالدین قلج ارسلان پادشاه روم (۵۵۱ - ۵۸۴) نوشته و اصول دانیال وجوامع ابن سیرین و تقسیم امام جعفر صادق ع ودستور کرمانی وارشادجابر مغربی و تعبیرابن‌اشعث و کنزالرؤیاء ملمونی گرفته‌ام. کتاب دریك مقدمه وده نکته و بروش التحبیر میباشد ودردیباچه ازخواب ازرهگذرفلسفه و کلام و نیزازاستخاره و زجر وفال وازقانون خوابگزاری کاوش میکند سپس بترتیب حروف تهجی تعبیر هرچیزیرا میگوید و در پایان از این شاهزادگان (قطب‌الدین ابوالحارث سلطان اویس، مظفرالدین سلطان شبلی، ابواللیث معزالدین ابوالقاسم جهانگیر، شمس‌الدین سلطان زین‌العابدین) میستاید.

آغاز : بسمله الحمدلله الذی خص خواص الانام بمبشرات الاحلام . . . چنین گوید . . . اسمعیل‌بن نظام‌الملك ابرقوهی . . . موجب تحریر تعبیر که مسمی است بتعبیرسلطانی .

انجام : وثمره شاخ نبوت وسلطنت شمس‌الدنیاء والدین سلطان زین‌العابدین اسلح الله احوالهم . . . برحمتك یا ارحم‌الراحمین (آمرزیده بادکه چون این کتاب بنظرمبارکش . . . مزین شود ... مصنف وکاتب را بدعای خیر یاد فرمایند اللهم‌اغفر لمصنفه وصاحبه وکاتبه واعف عنهما وارحمهما) .

[۱۶۴]

۸۳۴ این نسخه بنسخ وعنوانها و آیه‌ها بشنگرف وبرك ۱ آن از پائین باندازه شش سطر بریده شده وکاغذ چسبانده و دوباره نوشتند ودرپایان دارد : « تمام شد کتاب تعبیر . . . فی وقت صلوة العصر فی یوم الرابع عشرین مبارك

جمادی‌الثانی سنه اثنین و تسعمائة کتبه . . . علی بن محمدبن حاجی مقیم ولدات » ونسخه را درتاریخ ج ١ سال نهصد وگویا هشت (گ ٤١٩ الف که بریدگی دارد) عطاءالله بن علی بپسرخود محمد بخشید ازگ٤٢٠ ب تا ٤٢٢ ب رساله خواص قرآن است ازگفتار امام جعفرصادق ع .

(٤٢٢ گ) . کاغذ سمرقندی . جلد نیماج زردکهنه ضربی مقوالی
اندازه : ٥ر١٢×٢١ و ٨×١٦ س ١٧

[١٤٢] تعریف اراده وقدرت وحیات وحکمت (عربی)

این گفتار ازشیخ رئیس دانسته شده واین چهارچیزدر آن شناخته میگردد .

آغاز : الارادة عبارة عن کون الفاعل عالما بفعله .

انجام : مع القصد الی ایصاله الیه .

[١٦٥]

٨٧١ این نسخه شماره ٢٤ دفترودر ١٧٠ ب ونه سطر بخط تعلیق محمدعلی ونزدیك بسال ١٢٩٩ نوشته شد .

[١٤٣] تعلیق فی نسبة الصورة الی المادة (عربی)

دراین گفتار روشن میگردد که میان ماده وصورت چه پیوندی هست .

آغاز : تعلیق نسبة الصورة الی المادة . . .

انجام : یتصف النفس بجاعلیتها مقصورة .

[١٦٦]

٣٧٤ این نسخه شماره ٧ دفتر وگ ٩٢ ب ـ ٩٣ الف بتعلیق شکسته

[١٤٤] تعلیقات (عربی)

فارابی بیشتر سخنان خویش را دربرگها می‌نوشت وکمتر آنها را دردفترها می‌نگاشت ازاینروی بیشترنگارشهای او بساخت مقاله و فصول و تعلیقات میباشد ابن ابی‌اصیبعه (ج ٢ص ١٣٩) درشمارنگارشهای فارابی از « تعالیق فی الحکمة » یاد میکند ودرنام چندین کتاب فارابی که فهرست داده‌اند کلمه تعلیق دیده میشود و پیداست که وی آنهارا یادداشت مانند می‌نگاشت و بسیاری ازنگارشهای فارابی

بساخت یك کتاب کاملی نیست وماناشاگردانش آنها را یکجاگردکرده نامی بدانها دادند این تعلیقات نیزچنین است ومانند فصوص مسئله‌های گوناگونی را دارا است (ص ۸۹ این فهرست) .

[۱۶۷]

۲۵۳ این نسخه شماره ۳ دفتر و بخط نستعلیق کرکی ازگ ٤٥ ب تا ٥٤ الف میباشد ومحمد قاسم گویا اردستانی و شاگرد مجلسی و دارای نگارشهای فلسفی درهامش گ ٥٠ ب حاشیه دارد .

[۱۶۸]

۳۳۹ این نسخه شماره ۳۱ دفتر و بخط شکسته روشن گ ۱۲٦ ب - ۱۳۳ ب و پایان آن برابراست با س ٦ ص ۲۱ چاپ ۱۳٤٦ دکن وکم دارد و سه برك آن سفیدگذارده شده .

[۱٤٥] تعلیقات (عربی)

در فهرست نگارشهای شیخ رئیس از « تعالیق فی‌المنطق » و « تعالیق علق عنه تلمیذه ابومنصوربن زیله » و « تعلیقات ابوالفرج‌بن ابی‌سعید یمامی ازگفتگوی شیخ با او در مجلس درس و پاسخ شیخ بدو یا رسالة الی ابی الفرج‌الیمامی » و « تعلیقات استفادها ابوالفرج الطبیب الهمدانی من مجلسه و جوابات ابن سینا له » و « مناظرات له فی‌النفس مع ابی‌علی‌النیسابوری » و «مباحثات» که پاسخ پرسشهای بهمنیار و کرمانی است و « مسائل ترجمها بالتذاکیر » و « مسائل جرت بینه و بین بعض‌الفضلاء فی فنون‌العلوم » و « اجوبة لسئوالات سأله عنها ابوالحسن (محمدبن یوسف) العامری وهی اربع عشرمسئلة » یادگردید(۱) .

و چنین برمیآید که شیخ در بسیاری از مسائل مانند فارابی یادداشتهائی (تذاکیر) می‌نوشت یا اینکه باشاگردان خود ودانشمندان روزگارمانند نیشابوری وعامری (شاگرد ابوزید بلخی) و یمامی و همدانی گفتگو می‌نمود و پاسخهائی که

۱ — نگاه به : ابن ابی‌اصیبعه ج۲ ص۱۹ — ۲۰ — بیهقی ص۱۸۹ — نامه دانشوران ج۱ ص۸۸ فهرست طوس ج٤ ش ٤۱٥ و٤۱٦ ص٥۱ — فهرست پایان سرگذشت (السیرة) شیخ ش صبح .

میداد آنها می‌نوشتند و بنام « تعالیق و تعلیقات » یا « مناظرات » ویا « مباحثات » نامیده میشد . واین تعلیقات نیز از همین ها است وآنرا بهمنیار مرزبان ازنگارش فارابی وگفتار شیخ فراهم آورده و روایت کرد و لوکری بسال ۵۰۳ برای آن فهرست نوشت (نسخه۳۲۰۴ احمد ۳ ونسخه مورخ۵۲۱ شماره ۳۹۰ ایاصوفیا ـ قنواتی ش ۸) .

شیخ دراین کتاب بیشتر از خدا وعلت و معلول و شناخت و علم کاوش نمود ودرهربندی که گاهی بسیار کوتاه وگاهی هم درازاست یك مسئله راگنجاند وبسیار شیوا وشیرین نوشته شده‌است تعلیقات ومباحثات ازبهترین کتابهائی است که در آن ازمبحث علم کاوش شد .

آغاز : تعلیق ان العالم انما یصیر مضافا الی الشیء المعلوم بهیئة تحصل فی ذاته ولیس الحال فی العالمیة کالحال فی التیا من والتیاسر .

انجام : وذلك المبدء هو التصور البسیط العقلی وهذا هو الملکة المستفادة من واهب الصور ویخرج به عقولنا من القوة الی الفعل .

[۱۶۹]

۲۶۱ این نسخه بخط تعلیق زیبا ودارای سرلوح و درجدول زرین ودرست برابراست با نسخه ش ۶۲۱ کتابخانه مدرسه خان مروی تهران و ش ۴۱۶ طوس ونسخه ش ۳۲۰۴ احمد (ش ۸ قنواتی) و فهرست لوکری را ندارد درمروی نسخه دیگری هست بشماره ۸۷۵ که آغاز آن (موضوع المنطق هو المعقولات الثانیة المستندة الی المعقولات الاولی من حیث یتوصل بها من معلوم الی مجهول) میباشد وبرابراست با ش ۴۱۵ طوس (ج ۴ ص ۱ـ۵۰) واین بند درپایان نسخه ش۶۲۱ مروی ودرگ ۱۶۰ الف نسخه ما دیده میشود .

(۱۸۷ ۴) . کاغذ سمرقندی . جلد تیماج سرخ زرکوب

اندازه : ۱۱×۲۰ و ۵×۱۳ س ۱۶

[۱۴۶] تعلیقات (عربی)

این گفتار نیز بساخت تعلیقات ومباحثات است وازشیخ دانسته شده .

آغاز : بسمله للشیخ الرئیس فی الالهی ـ الحمدلله رب العالمین . وجود کل موجود

فهوالاول (گویاللاول) لانه فایض عنه. ووجوده هوله. فوجوده مباین لسایرالموجودات

انجام : الاول لایدرك کنهه وحقیقته العقول البشریة وله حقیقة لااسم لناعندنا .. والوحدة مساویة للحقیقة المطلقة . ومن الله التوفیق ولواهب العقل بلانهایة (؟)

۸۷۶ این نسخه شماره ۷ دفتر است و بخط شکسته تعلیق گ ۵۲ ب ـ ۷۰ الف ودرشب شنبه ع ۱ سال ۱۳۰۶ نوشته شد .

[۱۷۰]

[۱۴۷] **تعلیقات** (فارسی)

قوام‌الدین رازی، دراین‌جا چند مسئله ازامورعام را بعنوان تعلیق یاد میکند واز آن کاوش می‌نماید وگاهی بکوتاهی میپردازد .

آغاز : درتفسیرقول حکیم الممکن فی حد ذاته لیس وله عن علته ایس یعنی ممکن را بجهتی که ممکن است چیز نیست ووجود ندارد .

انجام : دانسته شد کیفیت عالم عقل بموجودات واحساس عقل موجودات را بعون الله . . . اتبع الهدی .

[۱۷۱]

۳۷۴ این نسخه شماره ۶ دفتر است و بخط نسخ با عنوانهای شنگرف (گ ۶۴ ب ـ ۹۲ الف ۹×۱۴ س ۱۶) و درپایان دارد : « هذه تعلیقات لاستادنا ومولانا ومقتدانا قوام الملة والدین طاب الله ثراه وجعل الجنة مثواه » وپیداست که نسخه بخط شاگرد اواست (ص ۲۷ این فهرست) .

[۱۷۲]

۱۰۳۰ این نسخه شماره ۳ دفتر است و بخط تعلیق درویش بن علی بن حاجی میرزا که برای حاج شریف بسال ۱۰۹۲ نوشته و درآستان شاهزادگان گرامی « باوره » مقابله این نسخه آغاز و درروستای « فردو » با ملا محمدعلی دربالاخانه محمد ظهیر در ۲۰ شعبان ۱۰۹۳ بپایان رسید وسزاوار دانسته شد که این گفتار (قوام‌الحکمه) نامیده شود ـ گ ۳۹ ب ـ ۶۳ ب ـ نسخه‌ای ازاین تعلیقات درآستانه طوس (ج ۴ ش ۴۱۷ ص ۵۱) هست وازملارجبعلی تبریزی متخلص بواحد درشعروهمدم عباس دوم صفوی (۱۰۵۲-۱۰۷۷) ومرده در۱۰۶۵ یا ۱۰۸۰ دانسته شد

[۱۴۸] تعلیقات اثولوجیا (عربی)

قاضی سعید قمی (۱۰۴۹ - ۱۱۰۳) براثولوجیا (ئئولوگیا) گزیده انئاد پلوتینوس شرحی نوشته وگزارش او که بروش عرفان شیعی است تا بپایان میمر چهارم میرسد . قمی درآغاز آن ارسطورا پیامبردانست [۱] وگفت که این کتاب را ازراه رسمی نتوان دریافت چه رمزهای آن ازمنبع نبوت وولایت گرفته شده وباید ریاضت کشید و بخاندان پیامبر نزدیك شد تا آنرا دریافت میگوید اصول آن از پیامبران واصحاب رصد روحانی گرفته شده است ومیگویند که سید داماد میگفت من اثولوجیا را هفتاد بارخواندم تا دریافتم. بازمیگوید که افلاطون میگفت :

هزارهامسئله برایم روشن شد که برهانی بر آن نیست وازروی کشف است .

قمی پس از دیباچه پاره هائی از اثولوجیا را میآورد و از آن گفتگو میکند و گاهی نظم و نثر پارسی میآورد درگ ۱۷۲ ب س ۹ هامش از صدرای شیرازی بنام « الاستاد صدرالمتالهین » یاد نمود .

آغاز : هوملتقطات - نحمدك یامغیث النفوس و نشکرك یا مبدع العقول و خالق المحسوس ... فیقول محمدالمدعو بسعیدهذه تعلیقات علی رسالة معلم الحکمة ارسطاطالیس .

---

۱ - علی بن طاوس (۵۸۹ - ۶۶۴) درفرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم (چاپ نجف ۱۳۶۸ ص ۱۵۱) از ریحان المجالس و تحفة الموانس احمدرخجی که درروزگار سید مرتضی میزیست از ابوالحسن الهیثم میآورد که هوشمندان مانند هرمس مثلث بحکمت (ستاره شناس و پزشك وکیمیاگر) یا ادریس وابرخس وبطلمیوس و بیشترفیلسوفان دیگر پیامبربوده اند ومردم روی اینکه دانشمندانی دیگر نیز بهمین نامهای یونانی خوانده میشدند و از پیکان نبوده اند درباره اینها باشتباه رفته اند شیخ بهائی درحدیقه هلالیه ولاهیجی درمحبوب القلوب ص ۱۴ همین را از ابن طاوس آورده اند درصناعیه میرفندرسکی (چاپ هند همراه اخلاق ناصری بسال ۱۲۶۷ ص ۱۰ وتهران بسال ۱۳۱۷ خ ص ۱۸) خبری که ساخته اند دیده میشود و سپهر در ج ۱ ناسخ التواریخ در سرگذشت ارسطو همین خبر را آورد ولی آلوسی در بلوغ الارب ج ۲ ص ۲۷۸ نوشته است که این خبردرباره خالدبن سنان آمده است بعبارت (ذاك بنی اضاعه قومه) این خبر درکتاب قمی چنین است : قال النبی فی شان ارسطو انه کان نبیا قد جهله قومه لوادرکنی لاستفادمنی» درص ۱۴ و ۱۰۷ محبوب القلوب نیز همین سخنان دیده میشود . دربرابرمجلسی درج ۵ بحار ص ۱۶۹ ، ایران ۱۳۰۳) از گفته امام رازی ارسطورا از بدکیشان میشمارد .

انجام : المراد ان الکل فی الکل والنفس المحیط بالمعقولات مرکز محیط لیس فیها اختلاف فعل ومراتب ذوقوی . الی هنا تم المیمر الرابع . . . (خوانده نشد) (الی هنا . . . المصنف ره) پیداست که قمی بیش ازاین ننوشته است .

[۱۷۳]

۱۰۳۰ این نسخه بخط شکسته ریز و بی نقطه ومورب ودرهامش دفتر ودر شوال ۱۱۷۷ در کربلا نوشته شده گ ۱۵۹ ب - ۲۷٤ ب

[۱٤۹] **تفسیر حی بن یقظان** (عربی)

دانشمند ابومنصور حسین بن طاهر بن زیلای سپاهانی مجوسی ازشناختگان شاگردان شیخ رئیس وهمدم او که درجوانی بسال ٤٤۰ درگذشت ودرریاضی وموسیقی توانا بوده گزارشی بر « حی بن یقظان » استاد نوشت (بیهقی ص ۳۰ - ۹۲) ورمزهای آنرا بگشود . وی سخنان اورا بند بند درگزارش خویش میاورد وروشن میسازد .

آغاز : مختصر فی تفسیر معانی رسالة « حی بن یقظان » من تعلیق ابن زیله صاحب شرح الشفا . قوله : « انه قد یتسرت لی حین مقامی ببلادی برزه برفقائی - بلاده بدنه واعضائه التی هی محال قواه . . . ورفقائه قواه التی فی البدن » .

انجام : فی الوجود الممکن من العجز و نقصان القوة التی یستطاع ذلك التعقل . تمت الرموز وایضاحها ولله المنة هذا آخر ماعلق علیه من تفسیر الشیخ ابی منصور بن زیلة رسالة حی بن یقظان للشیخ الرئیس ابی علی سینا .

[۱۷٤]

۱۰۷٤ این نسخه شماره ۱۷ دفتر وبخط تعلیق گ ۲۲۷ الف-۲۳۲ الف. درپایان دارد « فی شهر شوال ختم بالخیر والاقبال »

[۱۵۰] **تقویم الایمان** (عربی)

نگارش میرداماد ودرچند رصد که در آن ازهستی و آفرینندگی و پاکی خدا و ازدانائی گفتگو نموده دربرهان تطبیق شك میکند (ش ۲۷۹/۲ گ ۸٦ ب) و از ماطاطافوسیقا واثولوجیا (۱۱۸ الف) وایماضات وتشریقات یاصحیفه ملکوتیه (۱۳۳ ب) وصحف حکمیه خود (۱۲۲ب) وتقدیسات (۱۳۷ب) یاد میکند .

آغاز : بسمله والاستیفاق من العزیز العلیم والثقة بالعلی العظیم تقدست یامن الانوار ظلالك وتمجدت یامن الذوات افعالك ... محمد باقر الداماد . . . یقول معاشر روادالحق انی قدالقیت الیکم کتاباً من کتب الدین .

[۱۷۵]

۲۷۹ این نسخه از برك ٦٥ ب تا برك ۱٤۰ الف وشماره دوم این دفتر است وشماره نخستین آن الصراط المستقیم میباشد و بخط نسخ و چند صفحه بتعلیق وشکسته وبی نقطه وحاشیه دارد که به (منه دام ظله العالی) پایان میپابد و درانجام نسخه مهر (محمدباقرداماد) دیده میشود پس این شماره درروزگار او نوشته شده و ازآن او بوده است و کتاب دراین نسخه بپایان نمیرسد انجام آن چنین است :

« انما قال فی کتبه الشفاوالنجاة والمباحثات والتعلیقات وغیرها ... البسیط الذی عرفته فی کتاب النفس . . . علی المعنی الذی مضی فی کتاب النفس فهولذلك یعقل الاشیاء دفعة واحدة من غیر ان یبا کر» جای عنوانهادرانجام آن سفید گذارده شده وپیدانیست که تا رصد چندم را دارد .

(۱٤۰ برك) کاغذ سپاهانی - جلد مقوای ته میشن

اندازه : ۱۳×۲۰ و ۷×۱٦ س ۱۸ تا ۲۰

[۱۷٦]

۳۷۲ ابن نسخه از برك ۱ ب تا برك ۳ الف این دفتر وشماره یکم آن است وشماره دوم آن معلقات برتقویم الایمان میباشد انجام آن چنین است : «المرصدالاول وفیه تقویم ان فی الوجود من هوالقیوم . . . ومبداء سلسلة الوجود» برابر باگ ۱٤۰ الف س۱۲ شماره ۲۷۹ وابن نسخه دوصفحه بیش نیست وخطبه وتقدمه ودوسطر ازمرصد یکم را دارد ودر برك ۲ حاشیه‌ای ازخود داماد نوشته شده که به (منه قدس سره) پایان میپابد .

نسخه بخط نسخ با عنوانهای شنگرف است

(۱۰۵ برك) - کاغذ سپاهانی - جلد تیماج سبزساده مقوائی تازه

اندازه : ۱٦×۲۵ و ۹×۱۵ س ۱۷

[۱۵۱] تفسیر قنامه ایلخانی (فارسی)

این دفتر را خواجه طوسی برای هولاکو (٦٥٤-٦٦۳) درشناختن سنگهای بهادر وکانها وفلزها نگاشته و ٤ بخش است (جسمهای ساده - گوهرها وسنگهاو پیدایش

آنها ـ پیدایش وسود وزیان هفت فلز ـ بوهای خوش ومانند آنها) .

آغاز : الحمدلله فاطر الصنایع و مبدع البدایع . . . چنین گوید . . . محمدبن محمدبن الحسن الطوسی .

انجام : وهمه با وی بیامیزند وبآن اعتبار آنرا مثلث گویند . . . والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب والحمدلله رب العالمین .

[۱۷۷]

۸۱۵ این نسخه بخط تعلیق با عنوانهای شنگرف و بتاریخ ۲۳ رمضان ۱۰۶۷ میباشد و کم دارد و ازمقاله یکم چنین آغارمیشود : «که خیر عالم کون و فسادند وآن خاك است وآب وهوا وآتش . . . درمنفعت طبیعت چهارعنصر بحکم فائده علت غایت انسانی که صورت ایشان قابل تبدل باشد» این دفتر درذریعه (ج ٤ ش ۳۰٤٦ ص ٤٥٨) شناسانده شده ونسخه‌ای ازآن درمجلس (ج ۲ ش ۷۰٦ ص ٤٤۷) هست . مهر محمد هاشم درپایان نسخه ما دیده میشود ودوبرك اول آن وصالی شده است .

(۳۷۹) - کاغذ سپاهانی . جلد تازه شده

اندازه : ۱۳×۲۳ و ۷٫۵ × ۱۹ س ۱۴

[۱۵۲] **التنقیحات فی شرح التلویحات** (عربی)

تلویحات ازشیخ‌شهیداشراقی(٥٤٩-٥٨٧)رهبراشراقیان است که نوشته‌های بسیاری از خود با اینکه بیش از ۳۸ سال دراین جهان نزیسته بیادگار گذارد و از آنهااست همین تلویحات که بخش الهی آن دراستانبول بسال۱۹٤٥ باالهیات مقاومات ومشارع ومطارحات هموبچاپ رسید . کتابی‌است بسیاردقیق وشیوا وشامل منطق وطبیعی والهی میباشد و پیش‌ازمشارع ومطارحات ومقاومات نوشته شده وچنانکه خود شیخ دردیباچه مشارع و مطارحات (ص ۱۹٤ چاپی) میگوید باید پیش‌از آن خوانده شود و آن یکی هم پیش‌از حکمت‌الاشراق که در پایان روز سه شنبه ۲۹ ج ۲ سال ۵۸۲ نوشته شده است . مشارع و مطارحات هم در نزدیك بسی سالگی او (نزدیك ۵۷۹) بنگارش درآمد .

تلویحات دوگزارش دارد یکی از شمس‌الدین محمدبن محمود شهرزوری

نگارنده نزهة الارواح و رسائل الشجرة الالهیه والاسرار الربانیه در روز شنبه ۲۳ ذی حجه ۶۸۰ که تا تاریخ ۶۸۷ نیز زنده بود . شرح شهر زوری در نسخه تاریخ ۱۱۱۸ نورعثمانیه «التنقیحات فی شرح التلویحات» نام دارد وهمه متن در آن نمیآید - دیگر از عزالدوله سعدبن منصوربن کمونه اسرائیلی (زنده در ۶۶۷ - ۷۰۶) که در آغازسال ۶۶۷ آنرا بدرخواست گروهی بپرداخت و دردیباچه میگوید که من ندیده‌ام کسی تلویحات را شرح کرده باشد (۱) .

ابن کمونه در شرح خود نامی بدان نداده ولی نویسنده الذریعه بدان نام التنقیحات داده است .

شرح او نه چنانکه در کشف‌الظنون نوشته شده آمیخته با متن نیست وهمه متن را بندببند میآوردو آنگاه شرح میدهد و باشتابزدگی آن را نوشت و نتوانست دوباره بدان برگردد و پاکیزه‌اش سازد و تنها کاری که کرد این است که سخنان سهروردی را روشن ساخت و با بهره بردن از نوشته‌های او از روش وی دور نگشت .

آغاز منطق : بسمله وبه نستعین بعدحمدالله تعالی علی‌الآئه‌المتواتره والرغبة الیه ان یوفق للهدایة .

انجام آن : فهذا ما حضرنی من شرح المنطق . . . فأسألك اللهم ان تهدینی السبیل .... هذا آخرشرح المنطق من الکلام علی التلویحات والحمدلله رب‌العالمین

آغازطبیعی : بسمله . . . قال نستعین بالله واهب‌العقل عزسلطانه . . . اقول‌انما

---

۱ - درذریعه (ج ٤ ص ٤٦٧) از نسخه‌ای ازشرح طبیعی همین کتاب بخط ابن کمونه که درگنجینه غروی نجف هست یادمیشود . درتذکرة‌النوادر ص ۱٤٤ میگوید که نسخه آصفیه در ۷۳۶ مقابله گردیدو نسخه‌دیگری بشماره ۸۸۰ درکوپرولی هست ونوشته است که ابن کمونه در ۶۹۰ درگذشت ولی عبارتی که ازدیباچه آن میآورد در نسخه ما نیست و نسخه سرای احمد مورخ روز یکشنبه ۱۶ ج ۲ سال ۶۸۷ بیست سال پس‌از نگارش ابن کمونه و یکسده پس‌ازمرك سهروردی میباشد وازآن قطب شیرازی بود و او آنرا در ۶۹۲ بیك شاهزاده‌ای بخشید. درطوس نسخه کاملی ازاین شرح بتاریخ ۷۰۵ هست و دردیباچه از وی بمانند زنده یاد میشود وچندین نسخه ناقص دیگر (ج ٤ ش ۷۷٤ تا ۷۷۷) نیزنگاه به : حکمة‌الاشراق چاپ تهران ص ۵۶۱ - تلویحات چاپ کربن ص ۱۲۱ و ۵۰۵ و دیباچه فرانسوی او ص ٦٤ و ٦٥ و ٦٨ - ۷۱ .

قدم الكلام فی هذا العلم علی الكلام فی الالهی .

انجام آن : و هذا ما آخر سمح به الخاطر من شرح العلم الطبیعی من كتاب التلویحات . . . تم الجزء الثانی و لواهب العقل الحمد و المنة .

آغاز الهی : بسمله قال المنصف رحمه الله تبارکت ربنا خالق النور و مبدء الوجود اقول انما قدم علی هذا العلم ذكر تقاسیم العلوم .

انجام آن : وهذا آخر شرح التلویحات . . . وقع الفراغ . . . فی اوائل سبع و ستین و ستمائه هجریة .

[۱۷۸]

۲۷۳ این نسخه دارای بخش منطق وطبیعی شرح ابن كمونه است و یك صفحه از الهی آنرا هم دارد و بخط نسخ بسیار پاكیزه نوشته شده و بی نقطه است و در پشت برك ۱ نوشته است : ملكه الراجی ... محمد بن محمد بن بركات فی سنة ۹۶۱»

(۲۱۴ برك) منطق از برك ۱ ب تا برك ۱۱۴ الف و طبیعی از برك ۱۱۵ ب تا برك ۲۱۴ الف الهی در ۲۱۴ ب . كاغذ ترمه سمرقندی جلد تیماج زرد ساده مقوائی اندازه : ۱۶×۲۴٫۵ و ۱۲٫۵×۲۰٫۵ س ۲۳

[۱۵۳] توحید (عربی)

دانشمند محمد سراب تنكابنی (زنده در ۱۰۸۸–۱۱۱۵) در اینده فتر از صدرای شیرازی در حاشیه بر الهیات شفا و از شمسای گیلانی در ردی كه بر شبهه ابن كمونه كرده‌اند خرده میگیرد و از گوهر مراد لاهیجی نیز آورده رد میكند وی آنرا در ذی حجة ۱۱۰۳ بپایان رساند .

آغاز : بسمله الحمد لله رب العالمین .. اما بعد فقد قال الفاضل المحقق مولانا صدر الدین محمد الشیرازی فی حاشیته علی الهیات الشفا و العالم الربانی مولانا شمس الدین محمد الجیلانی فی بعض رسائله .

انجام : فی دفع شبهة مشهورة و تقویة دلائل فی الكتب مذكورة قد فرغ من تحریره فی اواخر شهر ذی الحجة الحرام من شهور سنة ۱۱۰۳ ثلث ومأته والف مؤلفه . . . محمد بن عبد الفتاح التنكابنی غفر الله ذنوبهما وستر عیوبهما .

[۱۷۹]

۸۸۸ این نسخه شماره ٤ دفتری است دارای ۹ رساله و بخط تعلیق محمد بن حبیب تاریخ پنجشنبه نزدیك بپایان محرم ۱۱۰٤ میباشد گ ۹۰ ب – ۹۳ الف و شماره ۳ رساله فصول از آن همین تنكابنی است بتاریخ شعبان ۱۰۹۸ بخط تعلیق محمد

جعفر از دوستان او درآدینه ۲۲ رمضان۱۱۰۱ وشماره ۷ رساله رؤیت هلال رمضان پیش‌اززوال که موجب افطار است یا نه از همو بتاریخ ۲٦ محرم ۱۱۰٦ وی در ۷ رمضان ۱۱۰۹ بران بندهائی افزود ومحمدبن حبیب گیلانی نوشتن نسخه را درباماداد آدینه صفر ۱۱۰٦ درچهارباغ قهوه‌ئی برابرشبکه آغاز ودرمدرسه مرحوم ملاعبدالله شامگاه همانروز بپایان رساند و دردوشنبه ۱۳ صفر درزمان (دهی درسپاهان) آنرا مقابله نمود ودر۹ صفر ۱۱۰۹ افزوده‌ها را بدان پیوست . شماره ۸و۹ حجیت اجماع واخبار بتاریخ رمضان ۱۱۱۵ ازهمو ورساله نمازآدینه اواست که بهمان خط وناقص است (ص ٥٦ همین فهرست) .

[۱٥٤] توحید (عربی)

این گفتار ازامام جعفرصادق ع (۸۳-۱٤۸) دانسته شده که درچهارنیمه روز برای ابی‌عبدالله یاابی‌محمد مفضل‌بن عمرجعفی کوفی (۱) فرموده واونوشت برخی

---

۱ — شیخ طوسی درفهرست (نجف ۱۳٥٦ ص ۱٦۹) از «وصیت» و «کتاب» او یاد کرد ودررجال (ش ۹۷۹ گ ٥٦) اورا ازیاران صادق ع برشمرد ودرغیبة اورا ثقة دانست و مفید درارشاد (ایران ۱۳۱۷ ص ۲٦٤ نیز ترجمه آن از محمد مسیح کاشانی بنام تحفه سلیمانیه ایران ۱۳۰۳ ص ٦-٤۳٥) ازشناختگان ونزدیکان صادق ع و از فقیهان نیك که نص برامامت کاظم ع را روایت کرده‌اند بشمارآورد ولی علامه دررجال (تهران۱۳۱۱ص ۱۲٦) او را در بخش ضعیفان یاد کرده و گفت « فاسدالمذهب مضطرب‌الروایة لایعبأبه متهافت مرتفع‌القول خطابی وقد زید علیه شیء کثیر و حمل‌الغلاة فی حدیثه حملا عظیمـا ولایجوز ان یکتب حدیثه » و کتابی از او یاد نکرد ابن شهر آشوب در معالم‌العلماء (تهران ۱۳٥۳ ص ۱۱۰) از « وصیت » و « کتاب» و«اهلیلجة» که صادق ع درتوحید برای او فرمود یاد نمود . علی‌بن طاوس درکشف‌المحجة لثمرة‌المهجه (نجف ۱۳۷۰ص ۹) از کتاب او درنشانه‌های آفرینش که امام بدوگفته واز اهلیلجة یاد کرد ودرامان‌الاخطار (ش ۱۰۱۸ گ ٥٦ الف) گفت که اهلیلجه (گفتگوی صادق ع با دانشمندی هندی) وتوحید مفضل ومصباح‌الشریعه ومفتاح‌الحقیقه را باید درسفرها همراه داشت . نجاشی وکشی وابن الغضائری مفضل‌را غالی وخطابی وضعیف وفاسدالمذهب ومضطرب‌الروایه‌دانستند ونجاشی کتابهای او را فهرست داد و گفت بدانها نتوان گرائید و از چندکتابی که نام میبرد : (کتاب‌الفکر — بدءالخلق والحث علی‌الاعتبار - وصیت) شاید یکی از اینها همین توحید باشد ابن‌الغضایری میگوید که غالیان حدیثهای اورارویت میکردند . مجلسی در ج ۲ بحار ص۱۷ تا٦۲ توحید واهلیلجه که امام صادق ع بدرخواست مفضل دررد‌ملحدان‌زمان نگاشته است آورد وبند‌بند گزارش کرد و گفت که ایندواگرچه مرسل هستند ولی شهرت آندورا ازمفضل میداند وابن طاوس ودیگران بدان گواهند . وضعف محمدبن سنان و مفضل راهم نمی‌پذیریم آنهم متن ایندو بر درستی آنها گواهی میدهد گذشته از اینها دراینده گفتار برهانهائی‌است که با ورداشتن‌آنها بدرستی خبر بستگی ندارد (بحار ج ۲ ص ۱۸)

نیز نگاه به : ذریعه ج ۲ ص ٤۸٤ ج۳ ص۳۱۰ ج ٤ ص۹۱ — ٤۸۲ — رجال مامقانی ج ۳ ش ۱۲۰۸٤ ص ٤۲ — ۲۳۸ .

آنرا «کنز الحقایق والمعارف» نامیدند ودر پایان بخش یکم «کتاب الادلة علی الخلق والتدبیر والرد علی القائلین بالاهمال ومنکری العمد» خوانده شده (ص ۳٤) داستان آن چنین است : مفضل بگفته محمدبن سنان شامگاهی در آرامگاه پیامبر میان قبر ومنبر نشسته بود ودرباره بزرگواریهای او میاندیشید ابن ابی العوجاء (۱) با یاران خویش دررسید اینان نیز درباره برتری و پیشرفت پیامبر گفتگو میکردند یارش گفت اوفیلسوفی بود که خودرا از گرانمایگان خواند وخردمندان وسخنوران ازاو پذیرفتید ودین اودرهمه جا رواگردید ابن ابی العوجاء گفت من درریشه دین وخدای جهان سخن دارم تا چه رسد بپیامبر مفضل این را که بشنید بااو پرخاش کرده بیدینش خواند وی گفت اگر متکلمی با توسخن خواهیم گفت واگر ازشاگردان صادقی ع اومردی است بردبار است ودشنام نمیگوید وبنرمی سخن میراند تا برماچیره گردد . مفضل اندیشناك ازمسجد بنزد امام رفت وسرگذشت بگفت امام این گفتار را برای او گفته واو بنوشت. درآغاز جهان را شناساند ودربخش یکم آن که کالبدشناسی است ازمتکلمان وفیلسوفان ناتوان یاد شده وازسخنان آنها خرده گیری گشت دردومی وسومی ازجانوران وگیاهان وکانها وکائنات جو وستارگان سخن بمیان آمد واز معطلان یاد گردید درچهارمی ازبخت واتفاق وازخرد وگفتار فیلسوفان ومهندسان درباره آفتاب سخن رانده شده و از اصحاب طبایع ومعطلان ومانی و مانویان یاد

---

۱ — عبدالکریم بن ابی العوجاء ربیب حمادبن سلمه و دائی معن بن زائده بود و از شاگردان حسن بصری (۲۲ — ۱۱۰) که از او برگشت. اززندیقان و مانویان بشمار میآمد وبتناسخ میگرائید گویند که رفض را دوست میداشت ومردم سادهرا با اصل تعدیل وتجویر بدوگانه پرستی میخواند وازروش مانی میستود اورا قدری نیز پنداشتند با ابن مقفع وابن طالوت و ابن الاعمی و زندیقان دیگر یار بود و با صادق ع گفتگوها نمود سخنانی ازخود ساخته وبپیامبر بست وچهارهزارحدیث بساخت وشیعیان را ازدیدن ماه بازگرداند وحسابی برای هلال رمضان درست کرد و بصادق ع بست . ابوجعفر محمدبن سلیمان هاشمی م ۱۷۳ پسرعم وفرمانداری منصور (۱۳٦ — ۱۵۸) دربصره همینکه داستان این حساب را بشنید دستورداد که درکوفه اورا بسال ۱٦۰ کشته و بدار آویختند — نگاه به : امالی مرتضی مصر ۱۳۲۵ ج ۱ ص ۹۵ — الهند بیرونی ص ۱۳۱ — الفرق بغدادی مصر ۱۳٦۷ ص ۱٦۳ — التبصیر اسفرائینی ص ۸۱ — من تاریخ الالحاد فی الاسلام ص ۳٦ — ۳۷ — ۳۹ ٦۸ — ٦۹ الکنی والالقاب وهدیة الاحباب قمی درهمین کلمه .

گردید و گفته شد که یونانیان جهان را «قوسموس ـ آرایش» مینامند و از چهار گونه شناخت (۱) (ص ۹۲) واز خرده گیری که ارسطو از بخت و اتفاق کرده است (۲) (ص ۹۳) یاد شد .

امام در پایان بخش چهارم نوید میدهد که سخنانی درباره آسمان و زمین و شگفتیهای آفرینش و فرشتگان برای او بگوید این راهم که مانند خود توحید در دسترس نبوده اخیراً میرزا ابوالقاسم ذهبی شیرازی جسته وهمه را در تباشیر الحکمه فارسی خود (ایران ۱۳۱۹) آورده و گفت گرچه همه اینها با سندهای معتبر بمن نرسید ولی می‌نماید که از امام باشد (ذریعه) .

[۱۸۰]

این نسخه شماره ٤٤ دفتر است و بخط تعلیق خوش و مورب گ ۲۱٦ الف ـ ۱۰٤٦ ۲٤۲ ب . توحید درایران و بغداد بچاپ رسید و مجلسی دوم آنرا بپارسی کرد (چاپ ایران ۱۲۸۷) و محمد صالح بن محمد باقر قزوینی روغنی در ۱۰۸۰ و شیخ فخرالدین ترکستانی ورارودی قم‌نشین که شیعه گشت در ۱۰٦۵ آنرا ترجمه کردند وهمین ترکستانی باز آنرا برای حاج نظرعلی بپارسی شرح کرد و باقر بن اسماعیل واعظ کجوری تهرانی (م طوس ۱۳۱۳) آنرا شرح نمود واسماعیل بن حسین تبریزی بنظم درآورد نیز در $\frac{۱۳٦۹}{۱۹۴۹}$ در نجف با اهلیلجه بچاپ رسید .

[۱۵۵] ثئولوجیا (عربی)

ثئولوجیا (ثئولوگیا) گزیده‌ایست از انئاد (تاسوعات) شیخ یونانی پلوتینوس فیلسوف عارف نوپلاتونی (۲۰۵ـ۲۷۰ م) که فرفوریوس صوری (۲۳۳ - ۳۰۲ م) آنرا فراهم آورد این گزیده با دیباچه‌ای درسده ششم بنگارش درآمده وابن ناعمه حمصی نزدیك بسال ۲۲٦ (۸٤۰ م) آنرا ازیونانی یاسریانی بتازی درآورد وکندی (۱۸۸ - ۲۵۸) برای مستعین (۲٤۸ - ۲۵۲) پسر معتصم (۲۱۸ - ۲۲۷) اصلاح نمود فهرست دیباچه آن نزدیك بهمان فهرستی است که فرفوریوس در (زندگی پلوتینوس) برای انئاد نوشت ترجمه لاتینی ازاین گزیده هست که از ترجمه تازی

---

۱ ـ بنگرید : آغاز مقاله ۲ برهان ارغنون ارسطو وفصل ۱ مقاله ٤ فن ۵ منطق شفا
۲ ـ نگاه به : فصل ٤ و ۵ و ٦ کتاب ۲ طبیعی ارسطو

دیگری فراهم آمده یا گزیده است ازهمین ترجمه . گر چه کندی در (کمیة کتب ارسطو) از ثئولوجیا یاد نکردمگر اینکه فارابی در(جمع) واخوان صفا در(دفتر۳ بخش ریاضی چاپ مصر ج۱ ص ۹۲) وشیخ رئیس درنامهٔ بکیا (ارسطوعندالعرب ص ۱۲۱) که ازشرح خود بر آن یادمیکندوسید داماد درقبسات وصدرای شیرازی از آن بهره برده از آن ارسطویش دانستندجزاینکه ابن سینا در آن نامه میگوید (علی مافی اثولوجیامن المطعن) قاضی سعید قمی بر آن تعلیق نوشته (ش۱۰۳۰/۱۵) وتقی الدین فارسی آنرا تحریر و فاضل عیلقلی شرح کرد (ذریعه ج ۱ ص ۱۲۰) . باری این دفتررا فیلسوفان خاوری از ارسطو میدانستند. دیتریسی این کتاب را بنام اثولوجیا بسال ۱۸۸۲ و ترجمه آلمانی آنرا در ۱۸۸۳ درلایپتسیك بچاپ رساند و درکنار قبسات داماد درایران بسال ۱۳۱٤ نیز چاپ شد .

برهیه درفلسفه سده های میانین (ص ۷-۸۳) اثولوجیا وتاسوعات را باهم سنجیده ودرترجمه خویش از انئاد (ج ٤ ص ۲۱۸ حاشیه ش ۱) میگویدکه من دراینجا متن یونانی انئادرا ازروی ترجمه آلمانی اثولوجیادرست کرده‌ام. ماسینیون در (متون ص ۱۷٦) نیز بند۱ بخش ۸ انئاد ٤ (ص ۲۱٦ ج ٤ برهیه) را با میمر۱ آن (ص۱۷۱چاپ تهران) وبند ٥ بخش ۸ انئاد ٥ را با میمر۱۰ سنجید وچنانکه خود سنجیده‌ام آغازسخن پس‌ازفهرست درمیمر۱ اثولوجیا (ص ۱٦۸ س۱٥) برابر است با بند ۱۳ بخش ۷ دفتر ٤ انئاد (ج ٤ ص ۲۰۹ ترجمه برهیه) و بهمین‌گونه میتوان دومتن را باهم سنجید تا پایان اثولوجیاکه برابر است با نیمه بند ۷ بخش ۸ دفتر ٥ انئاد (ج ٥ ص ۱٤۳ س ۲٦ برهیه) (۱) .

۱ — نگاه به : فرهنك دهخدا در ثئولوجیا — ترجمه فرانسوی انئاد از برهیه و Philososihie du moyen age ازهمو ص۸٦حاشیه ش۱وص۷-۸۳-ملل و نحل‌شهرستانی (ص ۷ — ۷۲و۸۸ — ۹۳ج۳) وترجمه آن ص٤٤۷و٤٦۷ — قفطی ص ۷۰ — ۱٦۹ — ابن ندیم ص ۳٥٤-شهرزوری (ش ۸٥٦ گ ۷۷ب) — محبوب‌القلوب ص۱٥۱و۹ — ۱۲۷ — خریف الفکرالیونانی بدوی ص ۱٦۸ — تاریخ فلسفه برهیه بفرانسه ج ۱ ص ٤۹۹و٤۷۱وتاریخ فلسفه آلبرریو و بفرانسه ج۱ ص۵۲۱ و ۵٤۱-دائره‌المعارف اسلامی(اثولوجیا)معجم‌المطبوعات. میمرواژه‌ای است سریانی برابر با پند وسوگند وکتاب‌المیامر جالینوس وامپدکلس ومیمر ثیودورابی‌قره یادشده‌است. سید داماد درحاشیه قبسات‌ص۹ میکوشدکه آنرا تازی بسازد!!

[۱۸۱]

این نسخه شماره یکم دفتری است دارای ۱۳ رساله و گفتار که ششم آن خبر «سئل
۴۰۲ امیرالمؤمنین عن العالم العلوی ...» در گ ۵۶ ب میباشد و گفته‌اند از علی ع پرسیده
شد جهان برین چیست و او در پاسخ فرموده است : « صور عاریة عن المواد عالیة
۵ عن القوة والاستعداد تجلی لها فاشرقت وطالعها فتلالات فالقی فی هویتها مثاله فاظهر عنها
امثاله » « وخلق الانسان ذا نفس ناطقة ان زکاها بالعلم والعمل فقد شابه جواهر اوائل العلل
واذا اعتدل مزاجه وعدم الاضداد شاکل بها السبع الشداد » این پاسخ دو بند از گفتار شیخ
رئیس است که در ستایش و نیایش خداوند ساخته و دانشمند عمر بن ابراهیم خیام
نیشابوری (۴۵۵ ـ ۵۱۵) آنرا بدرخواست گروهی از یاران خویش در سپاهان بسال
۱۰ ۴۷۲ بپارسی درآورد . گویا این دو بند را بهم پیوسته و پاسخ علی ع بچنان پرسشی
دانسته‌اند. از ریخت و ساخت آن هم پیدا است که چنین گفتاری از سده نخستین اسلام
نیست و اینگونه خبرها چندتائی در کتابها دیده میشود که بسبك سخنان صوفیان و باطنیان
وفیلسوفان نزدیکتر میباشد و از آنها است خبر کمیل درباره چهار گونه نفس که مجلسی
در آسمان وجهان بحار (ج ۱۴ ص ۴۱۱) آورده و از یاوه‌های صوفیان دانست نه فرموده
۱۵ امام . پس از این خبر « اذا تم العقل نقص الکلام » و گفتار فارابی درباره تعقل خداوند
وخبر کمیل درباره نفس (۵۶ ب ـ ۵۷ الف) . و ۱۳ آن دو بند است در نجوم نخستین
دراحکام و اسرار حالات ستارگان و دومی درشناختن اوج سال ۶۷۳ تازی (۶۴۴
پارسی) که گفته‌های بطلیموس و اصحاب الممتحن و ابن یونس درزیج حاکمی درباره
اوقات با قیاس بدرجه درآن آمده است (۱۴۰ ب ـ ۱۴۱ الف) .

۲۰ همه این رساله‌ها و گفتارها بخط تعلیق است و اثولوجیا از برك ۱ ب تا برك
۵۲ الف در تاریخ ۱۰۸۰ نوشته شده است .

(همه این دفتر ۱۴۴ برك) ـ کاغذ ترمه سمرقندی - جلد تیماج مشکی
اندازه : ۱۲×۱۹ و ۸×۱۴٫۵ س ۲۳

[۱۵۶] **جام جهان نما** (فارسی)

۲۵ ازغیاث الدین منصور دشتکی در اینکه مردمی چیست و درخوشبختی دوجهانی
و پاکیزه ساختن خوی ورفتار . دشتکی در دیباچه از دوانی ببدی یاد میکند و این
بخش که رساله یکم وجه سوم جام جهان نمای اواست در دومجله میباشد نخستین
دارای ۴ تجلیه ودوم ۳ تجلیه .

آغاز : بسمله . . .

حمد بیحد ز ازل تا بابد

احدی را که جز او نیست احد

منشی هرحرف که ازمبدء انشابواسطه قلم اعلا برسرلوح هستی آمده رقیم اسمی است از اسماء حسنی او . . . باعث . . . غیاث مشهور بمنصور برتحریر این سطور .

انجام : وارباب براعت این صنعت . . . بعبارات تعبیرنمایند ودرمعانی آنرا خارج کلام . . . خوانند ودربدایع آنرا . . . اعاده نامند .

[۱۸۲]

۱۰٤٦ این نسخه شماره ۲ دفتر بخط شکسته تعلیق بتاریخ ۱۰٤۳ درتبریزگ ۲ ب ـ ۲٤ الف .

[۱۵۷] **جامع‌الافکار وناقدالانظار** (عربی)

نگارش دانشمند مهدی‌بن ابی‌ذر نراقی (م ۱۲۰۹) درشناخت خدا که درکاشان درع۱سال ۱۱۹۳ آنرا بپایان‌رساند وبزرگترین کتابی‌است که دراین‌باره نوشته شده و در یك مقدمه وچند مقصد است. نراقی در پایان‌کتاب از مردن شاه و درگذشت فرزندان و بیماری وبا و زمین لرزه سخت مینالد . دردیباچه از خود و نام‌کتاب یاد میکند و میگوید که درآن از حواشی شرح جدید تجرید و آراء دیگران خرده میگیرم ازاینرو آنرا « جامع‌الافکار » نامیدم .

آغاز : الحمدلله الذی دل علی ذاته بذاته و تجلی لخلقه ببدایع مصنوعاته .

انجام : ونسئله‌ان یکون ذلك آخرالرزایاوالمصائب وخاتمةالبلایا والنوائب وان یصلح جمیع امورالمسلمین بمحمد و آله سادات‌الخلق اجمعین .

[۱۸۳]

۲٦٦ این نسخه بخط تعلیق با عنوانهای شنگرف در متن و هامش و روی آغاز هرگفتاری خط سرخ کشیده شده ومحمدبن‌الحاج طالب طاهرآبادی‌ازروی نسخه خط نراقی ودرزمان او درمحرم سال ۱۱۹٤ آنرا نوشت و درگ ۱

الف همو نوشته‌است : « کتاب جامع‌الافکارمن مؤلفات افضل‌المتأخرین‌المحقق‌النراقی زید احترامه حرره بیمناه‌الداثره اقل تلامذته محمدالطاهر آبادی فی سنة ۱۱۹۲ » ازاینجا برمیآید که نراقی ازاین تاریخ یا پیش‌ازآن بنگارش کتاب پرداخت وشاگرد اوهم ازروی‌آن می‌نوشت . طاهر آبادی درپایان نسخه نیزخودرا شاگرد نراقی‌نشان داده وازاین کتاب بستود .

(۳۴۹ برگ) — کاغذ فرنگی — جلد تیماج سرخ ساده
اندازه : ۱۷٫۵×۲۸ و ۱۰×۱۸٫۵ س ۲۹

[۱۵۸] جاودان نامه (فارسی)

ازافضل‌الدین محمدبن‌الحسن‌بن‌الحسین‌بن‌محمدبن‌خوزه مرقی‌کاشانی‌فیلسوف عارف پارسای شاعر(م نزدیک۶۶۷) (۱) که درفارسی‌نویسی بسیارتوانا ودرنگارش مطلبهای باریك عرفان و فلسفه از بکاربردن تازی بی‌نیاز بوده است و نوشته های او بسیار شیرین وشیوا میباشد دفترها وگفتارها ونامه های چندی بپارسی و تازی از او بیادگارمانده که بیشتر آن دراین کتابخانه هست (۲) آیات‌الصنعه اودرجامع البدایع درمصر بسال ۱۳۳۵ بچاپ رسید . جاودان نامه او در ٤ باب ودرشناختن دانش و روان و آغاز و انجام میباشد و درتهران بسال ۱۳۱۲ خ و در بخش یکم نگارشهای کاشانی شماره ۱۳۸ دانشگاه بسال ۱۳۳۱ خ بچاپ رسید . نسخه های آن یکسان نیستند مانا چند بار بنگارش‌درآمده یا اینکه نویسندگان در نسخه ها

۱— برای سرگذشت بابا‌افضل نگاه‌کنید به : احوال و آثار او در دیباچه رباعیات همو بخامه دانشمند سعید نفیسی چاپ تهران ۱۳۱۱ — ریحانة‌الادب تبریزی ج ۱ ص ۱۳۰ گفتار دکتر خطیری در رسالة‌الاسلام ش ٤ سال۱ص۱۰ — ٤۰۳ — سید قطب‌الدین محمد نیریزی.(م نزدیك ۱۱۷۳) درفصل‌الخطاب (ش۳٦٤ص ۷۱) میگوید : « ومنهم (الفضلاء العارفون) خال نصیرالدین الطوسی بابا افضل‌الکاشی » در هامش دارد : « وهوالشیخ حسن‌بن محمدالنامقی له رسائل کثیرة والمشهور ببابا افضل‌النامقی‌الساوجی رحمه‌الله‌الکاشی سکن کاشان مدة » - نیزذریعه ج۵ ص ۷۷

۲— یکی ازنگارشهای او که دراینجا نیست منهاج‌المبین لاصابة‌الیقین درمنطق‌است که بسیارساده وشیوا میباشد ومانا ازروی « العلم والنطق » شیخ رئیس (ش ۲۹۱۲ گ ۳۰۳ — ۳۱۵ سپهسالار) بپارسی پرداخته شد ونسخه پاکیزه‌ای ازآن درکتابخانه مروی ش ۸۷٤ هست ونسخهٔ ش ۱۲۱۵ ص ۳۱ — ۱۷۷ سپهسالارازپایان کم دارد رأی درباره خلف که درشرح اشارات طوسی آورده شد درهمین کتاب هست .

دست برده‌اند . بابا درباره این کتاب میگوید :

« گر جان دلت بجاودان نامه رسد
گر جان بدل تو جاودان نامه رسد
خود را زدرون بوی رسان چون بیرون
چشمت بنگار و کاغذ و خامه رسد »

(هامش صفحه ۱ ش ۴۲۸/۹) .

[۱۸٤]

۴۰۲ این نسخه شماره ۱۲ دفتر و بخط شکسته تعلیق ریز گ ۱۲۲ ب ـ ۱۴۰ الف میباشد .

[۱۸۵]

۴۲۸ این نسخه شماره ۹ ذفتراست و بخط شکسته تعلیق خوش گ ۳۱ ب ـ ٦٤ ب وفهرست درگ ۳۱ الف· کتابرامصطفی تهرانی در ٤ صفر ۱۳۰٦ خوانده و دوست او محمد نسخه را درهمین سال بدو بخشید درهامش ص ۱ شرحی کوتاه درباره کاشی نوشته شده وشعرخواجه درباره اویادگردید.

[۱۸٦]

۴۳۱ این نسخه شماره ۲۲ دفتر وبخط تعلیق محمدعلی درمدرسه سپهسالار میرزا محمد خان قاجار سال ۱۳۰۳ که در ج ۲ این سال نسخه‌های این دفتر را مقابله نمودگ ۳٤۰ ب ـ ۳۹٦ الف .

[۱۸۷]

۱۰۳٦ این نسخه شماره ۸ دفتری است دارای یازده رساله و بخط تعلیق خوش تاریخ ع ۲ سال ۱۱۰٤ گ ٥٦ ب ـ ۷۷ ب

(همه دفتر ۱۴۴ ۳) ـ کاغذ سمرقندی - جلد تیماج مشکی ساده

اندازه : ۱۳×۱۹ و ۸×۱۵ س ۱۵ .

[۱۸۸]

۱۰٤٦ این نسخه شماره ۳۲ دفتر است و بخط تعلیق رجبعلی در ۱۲ ج ۱ سال ۱۰٦۲ گ ۱٤۳ ب ـ ۱۵۹ الف .

[۱۵۹] **جبر واختیار** (عربی)

این گفتار ازخواجه طوسی است و در آن از آزادی خواست و اراده مردمی گفتگومیشود .

آغاز : افعال العبد ینقسم الی ما یکون تابعاً لقدرته وارادته والی مالایکون

انجام : واذالم یکن للعلم اثر فی العقل فلا یکون الفعل بالجبر والایجاب والله اعلم.

[۱۸۹]

۳۷٤ این نسخه شماره ٤ دفتر و بخط تعلیق شکسته سال ۱۰۸۵ گ ٦۰ الف ـ ٦۱ الف .

[۱۶۰] **جبر وقدر** (فارسی)

این گفتار نیز ازطوسی است ودر ده فصل میباشد و میرداماد فصل نهم آنرا در پایان ایقاظ ٥ ایقاظات (هامش قبسات ص ٤۲ ـ ۱۳۸) آورده است در آستانه طوس عربی همین رساله نیزهست (ج ٤ ص ۱۲۱) .

آغاز : بسمله الحمدلله رب الارباب ر مسبب الاسباب . . . بحکم آنکه بعضی برادران دینی برسبیل حسن الظن بمحرر این سواد تصور آن داشتندکه درمباحثه چشم ودیداری دارد اقتراح کردندکه . . . درمسئله جبروقدر . . . برسیاقت تقریر وتفهیم نه برطریق جدل ونظر تحریر کند .

انجام : هرچه کهمعقول وموهوم ومتخیل ومحسوس خلق باشدازو تعالی مسلوب باشدواواز آن منزه وواوازین تنزه هم منزه اذابلغ الکلام الی الله فامسکو. تمت الرسالة والحمدلله رب العالمین (والسلام علی خیرالانام محمد وعلی آله واصحابه اجمعین) .

[۱۹۰]

۳٤۰ این نسخه شماره ٤ دفتر است و بخط تعلیق ریز تاریخ ۱۲٦۰ گ ۳۹ ب ـ ٥٦ الف .

[۱۹۱]

۸٦۳ این نسخه شماره ۳ دفتر وبخط شکسته تعلیق گ ۱۸ ب ـ ٤۹ ب میباشد .

[۱۶۱] **جذوات** (فارسی)

ازمیرداماد که بدستورشاه عباس(۹۹۶-۱۰۳۸) نوشته ودردیباچه‌اورا بسیار میستاید و دراین باره است که چراگوه طور هنگام آشکار شدن خداوند سوخت و تن موسی نسوخته است و میخواهد این مسئله راکه مورد گفتگوی دانشمندان هند شده وازدربارشاه عباس پرسیده بودند بگشاید وکتاب در۱۲جذوه ودوازدهم آن ۲۴میقات‌استودر بمبئی بسال۱۳۰۲ بچاپ رسید دامادداین جا بروش فلسفی خودکاوش نموده وازعلم حروف هم آورده است وسبك فارسی‌آن هم بسیاردشوار میباشد و همان کلمات تازی که درکتابهای خود بکار میبرد دراینجا آورد و تنها رابطه‌ها فارسی است .

[۱۹۲]

۳۸۲ این نسخه شماره۲دفتری است دارای دورساله بخط تعلیق ریزخوش ومورب ونشانه‌ها وعنوانها شنگرف‌گ ۱ ب ـ ۱۱۶ الف بیشترآن ازروی نسخه خط داماد نوشته شده و دوباره همه آن با خط او برابرگردید چنانکه دربرك ۱۱۶ الف این نکته یادگردید و سه صفحه آغاز نسخه فهرست است (برگ ج و د) .

(۶ + ۱۱۶ + ۲ برك) کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج زرد
اندازه : ۵ر۹×۵ر۱۹ و ۶×۱۵ س ۱۹

[۱۶۲] **جلوات ناصریه** (فارسی)

از ملامحمد اسمعیل‌بن محمد جعفرسپاهانی که برای ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۶۴—۱۳۱۴) دروحدت وجود نوشته است .

آغاز : بسمله سبحانك‌اللهم یامن تحیرت‌العقول فی کنه‌ذاته ... چون مسئله توحید از اشرف مسائل الهیه واهم مقاصد ایمانیه بود .

انجام : هذاکتابنا ینطق علیکم بالحق‌الموسومة بالجلوات الناصریة .

[۱۹۳]

۷۸۰ این نسخه شماره ۱ دفتری است دارای ۵ رساله و بخط شکسته تعلیق محمد علی کرمانشاهی بتاریخ ذی حجه ۱۲۸۷ گ ۱ ب ـ ۲۶ ب وبرگهای ۱۳ ب تا ۱۶ ب سفید ومیانه این رساله را ندارد (نشانه در ص ۱۹۴ ج ۱) .

[١٦٣] الجمع بين الرأيين (عربی)

نگارش فارابی است که درص ٩٠ شناسانده شده ودر آن پیروی ازفیلسوفان اخیر یونان کوشید که میان سخنان افلاطون وارسطو سازش دهد .

[١٩٤]

٢٤٠ این نسخه شماره ٤ دفتر است و بخط نسخ گ ١٠ ب - ٢٢ ب

[١٩٥]

٢٥٣ این نسخه شماره ٤ دفتر است و بخط تعلیق ریز حیدر بن علی کرکی گ٥٤ب ٦٩ الف .

[١٦٤] جوابات لمسائل متفرقه (عربی)

١٠ نگارش فارابی است که در ص ٤٧ یاد شد و فیلسوف در آن از ٤١ مبحث گوناگون فلسفی سخن راند .

[١٩٦]

٢٤٠ این نسخه شماره ٧ دفتر و بخط نسخ گ ٣١ ب - ٣٨ الف .

١٥ [١٦٥] جوامع ( )

ابن رشد اندلسی (٥٢٠ - ٥٩٥) بسیاری از کتابهای فلسفی ارسطو را گزین نموده که بنام شرح کوچك یاجامع یادمیگردد (ص ٢٨ این فهرست) واز آنهااست گزیده سماع طبیعی و آسمان وجهان و کون وفسادو آثارعلوی و نفس ومابعدالطبیعه که دردکن بسال١٩٤٧ بچاپ رسید ومابعدالطبیعه آن را نیزخانجی در مصرچاپ

٢٠ کرد چهارکتاب نخستین را ابن رشد در روز دو شنبه ١٦ ع ١ سال ٥٥٤ بانجام رساند (پایان آثار علوی) مابعدالطبیعه او چهارگفتار بیش نیست و گفتار پنجم را که مبادی علوم بایستی در آن گزین شود و خود اوهم نوشتن آنرا نوید داده بود چون ناگزیر ندانست بنگارش درنیاورد (پایان چاپ هند) ابن رشد در برابر کسانیکه نادریافته بر کتابهای ارسطو رد نوشتند یا اینکه مانند غزالی در مقاصد نتوانستند

٢٥ بخوبی آراء ارسطو را آشکار سازند این کتابها را گزین نموده و سفارش میکنند

که پیش‌ازآن کتابهای منطقی فارابی یا « مختصر سغیر » خود او را ببینند (آغاز طبیعی) بازدرطبیعی از « موجودات متغیره » فارابی یاد میکند ودرالهی ازابن‌سینا وتهافت غزالی خرده میگیرد ودرآثار علوی ازشکاف و لرزش زمین‌که دربااندوجز قرطبه رخ داد یاد میکند .

[۱۹۷]

۲۷۵ این نسخه بخط تعلیق با عنوانهای شنگرف فریدون بن محمد بتاریخ روز یکشنبه ۲۹ ج ۲ سال ۱۰۶۱ و ۱۷ ع ۲ سال ۱۰۶۳ وبرابر است با چاپ هند ولی کتاب نفس را ندارد وازکتابخانه صنیع‌الدوله بوده ومهران دیده میشود . سماع طبیعی گ۲ ب ـ ۳٤ ب وسماء وعالم ۳٤ ب ـ ٥٤ الف وکون وفساد ٥٤ الف ـ ٦۲ ب و آثار علوی ٦۲ ب ـ ۸۹ الف و الهی ۹۰ ب ـ ۱۲٥ الف . نسخه را همین فریدون مقابله نمود ـ نسخه شماره ۱۲۸ مجلس (ج ۲ ص ٦٦) همه بخشها را دارد .

(۱۲٥ ۳) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج ساده
اندازه : ۱۳×۲٥٫٥ و ۹×۱۹ س ۲۲

[۱٦٦] جوهریة‌النفس (عربی)

شیخ رئیس این رساله را برای برخی از یاران خویش درباره گوهربودن وپایندگی وسعادت وشقاوت روان نگاشته و ده دلیل برای گوهربودن روان‌آورد و درمجموع رسائل دکن بنام رسالة فی‌السعاده بسال ۱۳٥۳ بچاپ رسید و قنواتی در ش ۸٤ آنرا شناساند .

[۱۹۸]

۱۰۷٤ این نسخه شماره ۱ دفتر و بخط تعلیق ریزو گاهی بی‌نقطه ازگ ۱ ب تا ۱۸ الف میباشد ودررجب ۱۰٦۱ نوشته شد .

[۱٦۷] چگونگی دانائی خدا (فارسی)

عبدالرحیم رضوی حسینی علوی دراین رساله ازدانائی خداوند گفتگو نمود ودرآن ازکلمات مکنونه فیض (٦۱ الف) یادکرد و ازآیات واخبار گواه آورد .

آغاز : بسمله الحمدلله رب‌العالمین . . . و بعد عبد سقیم . . . و اذل سادات

داعی دولت بهیه عبدالرحیم الرضوی الحسینی العلوی بعرض عالی میرساند که مسئله کیفیت علم خداوند . . . باشیا ازجمله مسائل ضروریه درمذهب نیست .

انجام : زیاد نوشتن مورث ملال ناظرین است و کفایت نمودم بهمین . . . وقدتم بید مؤلفه السقیم عبدالرحیم الرضوی الحسینی العلوی فی مدة اربعة عشرساعة .

[۱۹۹]

۸۸۷ این نسخه شماره ۳ دفتری است دارای چهاررساله در کلام وفلسفه وبخط تعلیق ک ٥٤ ب ـ ٦٦ الف .

(همه دفتر۸٦ ک) - کاغذ سپاهانی ـ جلد مقوائی
اندازه : ۱۷×۲۲ و ۱۲×۱۸ س ۲۴

[۱٦۸] **چهارعنوان** (فارسی)

دانشمندبابا افضل کاشانی کیمیای سعادت غزالی (نگارش نزدیك ٥۰۰) را درچهار عنوان گزین نموده ودر آنها خود وخدا وگیتی ورستاخیزرا شناساند وآن در کنار جنگی دارای اشعة اللمعات جامی ومقصد اقصی ومبدء ومعادنسفی وجواهریامنتخب مفتاح الاسرار آذری وجزاینها درص ۳٦٥ـ۳۸۱ درایران بسال ۱۳۰۳ بچاپ سنگی رسید .

[۲۰۰]

۳٤۰ این نسخه شماره ۸ دفتری است بسیار پاکیزه افسوس که نویسنده آنرا با «ره‌انجام نامه» بیامیخت وبارنجی ازهم جدا میتوان کرد وآغاز آن‌چنین است : « این سخنان کیمیای سعادت است که خواجه افضل‌الدین کاشی از کتاب کیمیای که امام محمد غزالی ساخته انتخاب کرده وچنین که گوید که نامه مردمی بچهارعنوان تمام بود عنوان اول آنکه حقیقت خودرا بشناسد ... » گ ۱۱۱ ب. اندکی ازعنوان ۱ این‌رساله‌هست ومیرسد به عبارت «ومعدن اصلی ومأوای اوحضرت الهی وازآنجااست وبدان بازگردد» گ ۱۱۳ الف (برابر باس ۱٦ ص ۳٦۸ چاپی) نسخه خطی فارسی تراز چاپی‌است. در مجلس نسخه‌ای ازاین بشماره ٦۲۱/۱٦ هست. پایان آن درچاپی چنین است : « و آن کوری روح است و تخم شقاوت ابدی اجارك‌الله وایانامنه بلطفه ورحمته » .

[۱۶۹] **حاتمیه** (عربی)

دراین رساله سخنان ارسطو با سروده های ابوالطیب احمدبن حسین متنبی کندی جعفی کوفی (۳۰۳–۳۵٤) سنجیده میشود .

آغاز : قال ارسطو « اذاکانت الشهوة فوق القدرة کان هلاك الجسم قبل بلوغ المراد » المتنبی :

« و اذا کانت النفوس کبارا
تعبت فی مرادها الاجسام »

انجام : الحکیم « آخر افراط التوانی اول مواردالخوف » المتنبی :

« و غایة المفرط فی سلمه
کغایة المفرط فی حربه »

[۲۰۱]

۱۰۳۵ این نسخه شماره ۳۰ دفتراست و بخط نسخ با نشانه‌های شنگرف وحاشیه‌هائی بشکسته تعلیق ودرپایان دارد تمت الرسالة الحاتمیة . . . فی ۱۸ شهر شعبان سنة ۱۰۹۷ – هو فی بعض النسخ بعد قوله کالحکم : الحکیم « لاغنی لمن ملکه الطمع واستولت علیه الامانی » المتنبی « امسیت اروح مثرخازناویدا – اناالغنی واموالی المواعید » . . . فجعل اللطیف من الهواء والکثیف من التراب ص ۲۵۷–۲۶۱

[۱۷۰] **حاشیه اثبات عقل** (عربی)

این رساله حاشیه‌ای است بر «اثبات عقل» خواجه طوسی وگویا ازشمسای گیلانی باشد .

آغاز : ملخص استدلاله قدس سره « ان احکاماً کثیرة صادقة بیقین » .

انجام : فلایکون الحادث منحصراً علی الحادث الزمانی علی ماعرفت مشروحا

[۲۰۲]

۹۲۶ این نسخه شماره ۱٤ دفتر وبخط تعلیق ریزگ ۱۵۰ ب – ۱۵۲ الف ودر پایان رمز « س م س دام ظله » دیده میشود و پیداست که نویسنده درروزگارشمسا آنرا نوشت .

[۱۷۱] **حاشیه اثبات واجب** (عربی)

ملامیرزاجان حبیب‌الله باغنوی شیرازی (م ۹۹٤) شاگرد خواجه جمال‌الدین محمودشیرازی این حاشیه را بر اثبات واجب قدیم دانشمند دوانی در نیمه ذی‌حجه ۹۸۳ نگاشته است .

آغاز : بسمله . . . جل جلالك اللهم یا واجب‌الوجود وعم نوالك یا صاحب الافضال والجود . . . فهذه تعلیقات علقها حبیب الله الشهیر بمیرزا جان الباغنوی علی الرسالة القدیمة . . . للعلامة . . . استادی . . . جلال‌الملة والدین محمدبن اسعد الدوانی .

[۲۰۳]

۳۰۳ این نسخه شماره ۳ دفتر واز پایان کم دارد و بدینجا «موجوداً فی‌الذهن بنفسه لابوجهه اجمالا والثانی ان یکون» میانجامد و بخط تعلیق شکسته همان هرابادی خلخالی است که بسال ۱۰۲۵ شماره ۱و۲ ایندفتر را نوشت گ ٤۹ ب ـ ۹۰ ب دونسخه ازین کتاب درطوس (ش ٤۵۸ و ٤۵۹ ج ٤ ص ٦٦) هست .

[۱۷۲] **حاشیه اثبات واجب** (عربی)

ملامیرزاجان باغنوی یکبار دیگر این حاشیه را بر اثبات واجب قدیم دوانی نگاشته است .

آغاز : بسمله‌وبه نستعین قال المنصف ره اعلم البراهین المؤدیة الی هذا المطلوب آه اشار الی ان المط برهانی یجب ان (یستعمل) فی اثباته المقدمات الیقینیة .

انجام : لوسلم من القدح ولایقدح فی منع المصنف ولایلزم منه استدراك .

[۲۰٤]

۳۵٤ این نسخه پاکیزه بخط شکسته تعلیق محمد حسین‌بن سلطانحیدرحسینی بتاریخ صفر ۱۱۱۰ است وحاشیه منه قدس سره دارد .

(۹۸ برك) کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج مشکی وحاشیه آن بسرخی

اندازه : ۱۲×۱۹ و ۷×۱۲٫۵ س ۱۸

[۱۷۳] **حاشیه اشارات** (عربی)

دانشمند آقاحسین‌بن جمال‌الدین محمدبن‌حسین خوانساری (۱۰۱٦ـ۱۰۹۸)

که « استاد الکل فی الکل ذوالجمالین » میخواندندش این حاشیه را براشارات و شرح طوسی وحاشیه دانشمند ملامیرزاجان باغنوی برمحاکمات رازی بسال ۱۰۷۱ نگاشته‌است وازمبحث ماده وصورت وجسم آغازوبمبحث لذت والم پایان مییابد .

آغاز : قال المحقق قد عرفت فیما سبق ان الاشارة الخ ای الحکم المصدر بها .

انجام : سواء کان بالنسبة الی الجمیع او البعض المدفوع فافهم هذا آخر ماتیسر لنا من الکلام علی الشرح وشرح الشرح وحاشیة المحقق الشیرازی الباغنوی . . . تمت بعون الله وحسن توفیقه والاکرام .

[۲۰۵]

۲۸۰ این نسخه بخط تعلیق ریز خوش با عنوانهای شنگرف وگاهی درهامش عنوان مطلب دیده میشود ودر ۱۷۳ الف نشانه (بلغ) دارد و برك آخری نونویس است نسخه ازآن درطوس هست (ج ۱ ص ۲۸ ش ۷۰) .

(۳۲۵۰ک) - کاغذ سپاهانی . جلد تیماج سرخ ضربی

اندازه : ۱۵×۲۹ و ۹×۲۰ س ۲۹

[۱۷٤] حاشیه شرح تجرید (عربی)

دانشمندملامیرزاجان باغنوی م۹۹٤ برحاشیه قدیم دوانی برشرح جدید تجرید این حاشیه را نگاشته وگاهی بمتن وشرح تجرید نیز درآن نگریسته است .

آغاز : قال المصنف رحمه الله امابعد حمد واجب الوجود علی نعمائه .

انجام : فان المیل الطبیعی یشتد بحسب القرب من الخیر الطبیعی فیه نظر لان الاشتداد انما هو لطول الحرکة . . . مرتفع جدا . . . ان یکون الحرکة فی الاول اشد من الحرکة فی الثانی .

[۲۰٦]

۳۷۱ این نسخه بخط شکسته تعلیق ریز شمس الدین علی بن شمس الدین محمد حسینی گرگانی درنزدیك بپایان ج۲ سال ۹۹۹ که دارنده نسخه‌هم بوده ودرگ۱ الف نیز نام او دیده میشود وحاشیه‌هائی ازخود باغنوی درنسخه هست .

(۳۲۳۱ک) کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج مقوائی

اندازه : ۱۰×۲۰ و ٦×۱۲٫۵ س ۲۴

[۱۷۵] حاشیهٔ حاشیهٔ شرح تجرید (عربی)

فیاض لاهیجی برحاشیهٔ خفری برالهیات شرح تجرید این حاشیه را هنگام درس و با شتابزدگی و بخواهش دوستان نگاشته است .

آغاز الحمد لصانع السماوات العلی وخالق الارضین السفلی والاسماء الحسنی

انجام : فاثبات اصل العلم الحضوری لایغنی عن اثبات الاحساس الذی المراد به هو انکشاف الخصوصیات الزایدة علی اصل الوجود .

[۲۰۷]

۳۱۷ این نسخه بخط نسخ است باعنوانهای شنگرف وحاشیه هائی ازلاهیجی باعبارت (منه دام ظله العالی) بشکسته تعلیق و پیداست که درروزگار او نوشته شد .

(۵۸ ص) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج مشکی ضربی

اندازه : ۱۳×۲۰ و ۷×۱۴٫۵ س ۲۰

[۱۷۶] حاشیه حاشیه شرح تجرید (عربی)

دانشمندجمال الدین خوانساری م ۱۱۲۵ برحاشیه خفری برالهیات شرح تجریداین حاشیه‌را نوشته ودر آن ازحدوث دهری میرداماد خرده گرفت (ص ۷۵ این فهرست) .

آغاز : نام خدا وستایش او ـ اعتبر فیه حدوث الخلق هذا اشارة الی طریقة جماعة من المتکلمین الذین قالوا علة الحاجة الی المؤثر انما هی الحدوث .

انجام : هومرادهم فلا یرد الاشکال علیهم فافهم .

[۲۰۸]

۳۰۸ این نسخه شماره ۱ دفتری است دارای ۲ رساله و بخط روشن و در پایان دارد « هذه من تصنیفات مولانا جمال الملة والدین آقاجمال طاب ثراه علی الخفری تمت . . . فی شهر ذی حجة الحرام سنة ۱۱۹۷ » و حاشیه هائی از خوانساری دیده میشود با عبارت (منه رحمه‌الله ـ منه طاب ثراه) گ ۱ب ـ ۱۰۰ الف (ص ۷۶ همین فهرست) .

[۱۷۷] حاشیه حاشیه شرح تجرید (عربی)

دانشمند شیخ ابو عبدالله محمد بن حاج محمد زمان کاشانی که در سپاهان

میزیسته ودرنجف درگذشت و«القول‌السدید ـ نورالهدی ـ هدایة المسترشدین» نوشته و بفقه و فلسفه آشنا بود (روضات ص ٦٥٢) برحاشیه جمال‌الدین محمد خوانساری (م ۱۱۲٥) برتجرید این حاشیه را نگاشته و درآن از حدوث جهان وزمان بسزا گفتگو نمود ودرآن از سخنان صدرای شیرازی وداماد و طوسی وابن سینا آورده است .

آغاز : بسمله یقول احوج‌المربوبین ... ابوعبدالله یدعی‌الشیخ وهومحمدبن الحاج محمدزمان ... فقدقال‌جمال‌الدین‌محمدالخوانساری ره‌فیماکتبه‌علی‌التجرید .

انجام : اذلیس‌الاعتبار ازلیافتامل ولاتبادر بالانکار قبل‌النظر والاعتبارفاعتبر یا اولی‌الابصار .

[۲۰۹]

۸۷۳ این نسخه دردفتری است دارای چند رساله ازهمین کاشانی و بخط شکسته تعلیق ریز خوش وگاهی مورب با نشانه‌ها و عنوانهای شنگرف از علی‌بن محمد سپاهانی که درروزگار کاشانی آنرانوشته وبدستور اودرتاریخ۱۱٦۲ دفتررا بپایان رساند وحاشیه‌هائی بهمان خط دارد با عبارت (منه مد ظله) وخط متن گاهی نسخ است و حواشی دیگران هم هست نسخه یك سرلوح زیبا در آغاز دارد ودرجدولهای زر ولاجورد ـ گ ۸۳ ب ـ ۱۰٤ الف .

(همه‌دفتر ۱۹۸ گ) کاغذ ترمه سمرقندی رنگارنگ ـ جلد تیماج سرخ ضربی اندازه : ۱۰٫٥×۱۷ و ٦×۱۱ س ۱۲

[۱۷۸] **حاشیه شرح تجرید** (عربی)

دانشمند میرسیدشریف گرگانی (۷٤۰ـ۸۱٦) برشرح قدیم شیخ شمس‌الدین محمود سپاهانی (٦۹٤ـ۷٤۹) برتجرید طوسی این‌حاشیه را نگاشته که درکشور عثمانی بحاشیه تجرید نامبردار شده و بدستور برخی از شاهان از کتابهای درسی بشمارمیآمد . فیلسوف کلامی فقیه نصیرالدین علی‌بن محمدکاشی حلی که درنجف بسال ۷۷٥ درگذشت براین شرح حاشیه‌ای نوشته بودکه پایه و مایه کارگرگانی گردید .

آغاز : بسمله . . . اما بعد حمد واجب الوجود علی نعمائه ـ خص بالذکر

من صفاته العلی ماهو اخص به .

انجام : الی ان یتأثر المتأثر بقبول تلك الصفة فیکون هناك متأثریة اخری وهکذا ویلزم التسلسل والحمدلله علی وصول الکلام الی هذا المقام (درمبحث فعل وانفعال جواهر واعراض وبرابر با ش ۹۲ طوس) .

[۲۱۰]

۳۶۰ این نسخه بخط نسخ و دارای سرلوح زرین با شنگرف و لاجورد و هرصفحه درجدول زرین ولاجوردی وحاشیه‌های گرگانی درآغاز نسخه هست که بعبارت (منه) میانجامد برك ۱ فرسوده وکاغذ دیگری بدان چسبانند واندکی ازمتن وحاشیه رفته است ـ چند نسخه ازاین درطوس هست (ج ۱ ش ۶۶ـ۶۷ـ۹۲ـ۱۱۵ ص ۲۷ـ۳۳ـ۳۸ و ج ٤ ش ۵۱۱ ص ۸۲) .

(۴۸۷ ۳) ـ کاغذ سمرقندی — جلد تیماج سرج ضربی

اندازه : ۱۰×۱۹ و ۵ر۵×۱۲ س ۲۱

[۱۷۹] حاشیه شرح تجرید (عربی)

شمس‌الدین محمد خفری برشرح الهیات تجرید قوشچی این حاشیه را نگاشته است .

آغاز : نام خدا و ستایش او ـ اما بعد فیقول . . . محمد بن احمد الخفری هذه تعلیقات اتفقت منی علی شرح الهیات التجرید .

انجام : کان واجب‌الوجود بذاته واجب‌الوجود بغیره

[۲۱۱]

۳۳۲ این نسخه بنسخ با عنوانهای شنگرف ازمحبعلی کازرونی است که در ۱٤ ذی‌حجه ۱۱۱۰ آنرا نوشت .

(۹۱ ص) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج ضربی مقوالی

اندازه : ۵ر۱۲×۵ر۲۳ و ۷×۱۶ س ۲۱

[۱۸۰] حاشیه شرح تجرید (عربی)

دانشمند جلال‌الدین دوانی (۸۲۸ ـ ۹ع۲ سال ۹۰۸) برشرح تجرید قوشچی حاشیه‌ای بسیارخوب نوشت وبنام سلطان یعقوب بایندری آق قونیلو (۸۸۳ـ۸۹۶)

یا برادر اوسلطان ابوالفتح خلیل بیك (۸۸۲ ـ ۸۸۳) کرد و آن‌میان دانشجویان، قدیم، نام‌گرفت (نسخه‌ها) وفیلسوف صدرالدین محمد دشتکی (۸۲۸ ـ ۹۰۳) هم حاشیه‌ای زیبا بر آن شرح نوشته و بسلطان ایلدرم بایزید خان‌دوم (۸۸۶-۹۱۸)و مولی‌بن‌مؤیدارمغان‌دادودر آن‌ازدوانی‌خرده گرفت‌این‌بود که‌اودر ردشتکی‌حاشیه جدید رانوشت‌باردیگر دشتکی‌حاشیه‌دوم‌خودرا نوشته ودر آن‌فریفتگی‌های‌دوانی و گرایشی که‌دانشجویان‌بسخنان‌وی‌دارند وپیشرفتهائی راکه‌پسرخوداوغیاث‌الدین منصورکرده‌است یاد نمود و آنرابنام همان بایزیدکرد بازدوانی حاشیه اجدخودرا در رد او نوشت . این حاشیه‌هارا طبقات جلالیه وصدریه نامند پس‌ازمرك دشتکی پسر او غیاث‌الدین (م ۹۴۸) بیاری پدر برخاسته و حاشیه‌ای بنام تجریدالغواشی در رد بردوانی نوشت (۱) .

آغاز : نام خدا وستایش ودرود. قوله فی‌الحاشیه قیل لم یرد به معینا اقول مراده بالزیادة بوجه ما .

انجام : ثم استدل علیه بنمط آخر و اطال الکلام فیه علی ماهودابه (تمت الحاشیة القدیمة (۲) .

(ازامورعام وجواهر واعراض تا مبحث عناصر) .

[۲۱۲]

۳۵۵ این نسخه بخط تعلیق با عنوانها ونشانه‌های شنگرف است و روی سطرها گاهی خط سرخ‌کشیده شده وحاشیه‌هائی ازدوانی درهامش هست باعبارت (منه) ومحسن‌بن محمد طاهر درقزوین روزسه شنبه ۱۹ شعبان ۱۱۱۹ آنرا برای خود نوشته وحاشیه‌هائی‌ازنویسنده ودیگران درآن هست وعنوانهای مطلبهای

---

۱ ــ نگاه به : کشف‌الظنون ج ۱ ص۲۵۲ــ فهرست طوس ج۱ ص ۳۵ ش ۱۰۱ و۱۰۲ وص ۳۸ ش ۱۱۲و۱۱۳ و ج ٤ ص۱ــ ۸۰ ش ۵۰۳و۵۰٤ .

۲ ــ همین حاشیه در ج ۱ فهرست طوس (ش ۱۱۲) دوم ودر ج ٤ (ش ۵۰۳) نخستین حاشیه دوانی دانسته شد و نسخه ۵۰۳ آنجا تا مبحث مزاج درفصل۲ مبحث جواهر است و افزوده‌های کمال‌الدین حسین لاری شاگـرد دوانی نیز درآن هست و تا بآغاز فلکیات میرسد .

مهم درهامش آمده و نسخه تصحیح گردید واز گ ۱ تا ۲۳۸ حاشیه دارد .

(۲۴۰ برگ) - کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج تازه

اندازه : ۱۲×۱۹ و۶×۱۲ س ۱۴

[۱۸۱] حاشیه شرح تجرید (عربی)

ملا میرزا جان باغنوی بربخش جواهر و اعراض شرح تجرید این حاشیه را بنگارش درآورد .

آغاز : بسمله قوله فناسب ذلك آه حاصل وجه المناسبة انه لما كان وجود الاعراض متوقفا على وجودالجوهر .

انجام : قوله قال صاحب المواقف آه لايخفى ان كلام صاحب المواقف لايضر المنصف لانه من الذاهبين الى بطلان الجزء الذى لايتجزى .

[۲۱۳]

۳۱۱ این نسخه بخط شکسته تعلیق با عنوانهای شنگرف میباشد .

(۳۴۹) ــ کاغذ سپاهانی - جلد تیماج سرخ ضربی

اندازه : ۵ر۱۱×۲۳ و ۷×۱۶ر۵ س ۲۰

[۱۸۲] حاشیه شرح تجرید (عربی)

قاضی علاءالدین عبدالخالق قاضی زاده کرهرودی شاگرد شیخ بهائی (۹۵۳ ۱۰۳۰) که درروزگارشاه عباس یکم (۹۸۵ ــ ۱۰۳۸) میزیسته و تحفه شاهی را در امامت بفارسی برای او نوشت بر بخش جواهر و اعراض شرح تجرید قوشچی و حاشیه قدیم دوانی این حاشیه را نگاشته است. در طوس دو نسخه ازاین هست (ج ۱ ص ۳۹ ش ۱۲۰ ج ٤ ص ٦٦ ش ٤٦٠) .

آغاز : لان تعريف الجوهر هوالموجود لافى موضوع ومعناه مهية اذا وجدت كانت لافى موضوع .

انجام : كالنسبة بين الاجزاء عددية كماسبق نقله من خامس عاشرة الاصول ـ تم .

[۲۱٤]

۳۰۱ این نسخه بخط شکسته تعلیق ریز و حاشیه‌هائی از کرهرودی دارد که به (منه مد ظله العالی) میانجامد و پیداست که درزمان او نوشته شد .

(۴۹ برگ) — کاغذ فرنگی — جلد مقوا
اندازه : ۹٫۵×۲۰ و ۵×۱۲٫۵ س ۱۷

[۱۸۳] حاشیه شرح تجرید (عربی)

دانشمند شمسای گیلانی برالهیات تجرید وشرح جدید آن وحاشیه خفری بر آن این حاشیه را نگاشت .

آغاز : بسمله الحمدلله ذی‌المجد والبها . . . امابعد فیقول افقرخلق‌الله الغنی محمدالمدعو بشمسا‌الجیلانی . . . هذه معلقات علی مبحث الهیات‌التجرید و شرحه الجدید والحاشیة التی علقها العلامة الخفری علیها .

انجام : قوله و سایر الاوصاف ای بشرط سلب سایرالاوصاف . . . عین ذاته تعالی وهذا اشارة الی نفی‌الکثرة بعدالذات .

[۲۱۵]

۳۰٤ این نسخه شماره ۱ دفتری دارای ۲ رساله و بخط شکسته تعلیق محمدقاسم حسینی است که دررمضان سال ۱۰۵۸ دومین رساله ایندفتر (علم شمسا) را نوشت و اجازه‌ایکه شمسا درباره روایت همین رساله بدو داده بخط خود درنزدیك بپایان شوال ۱۰۵۸ درطوس در برگ ۱۹۸ الف برای او نوشت ـ گ ۱ ب ـ ۱۹۷ الف. دربرخی جاها حاشیه‌هائی از خود شمسا دیده میشود که بعبارت (منه دام ظله ـ منه سلمه‌الله) میانجامد .

(همه‌دفتر۲۱۰ برگ) کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج ساده مقوائی
اندازه : ۸٫۵×۲۰ و ۵٫۵×۱۴ س ۲۰

[۲۱۶]

٤۰۰ این نسخه بخط تعلیق باعنوانها ونشانه‌های شنگرف است ودرپایان دارد : «تمت بعون‌الله وحسن توفیقه فی‌سنة ۱۱۲۰» وحاشیه‌هائی ازشمساودیگران درآن دیده میشودویحیی‌فرزند شاهقلی‌قزوینی بسال۱۱۲۳ آنراتصحیح‌نمود

(۱۰۷ص) - کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج زرد
اندازه : ۱۲٫۵×۱۸ و ۷×۱۴ ص ۱۹

[۲۱۷]

۸۲۷ این‌نسخه بخط تعلیق شکسته وعنوان (قوله) بشنگرف است ونسخه تصحیح گردید ودرپایان دارد : «تمت بیمین‌افقرالعبادالی‌الله صدرالدین» ونویسنده

اوست و یکی ازدارندگان نسخه حسنعلی بن حاجی عبدالغفار ایروانی بوده و مهر او (عبده الراجی حسنعلی) دیده میشود .

(۱۴۰ برگ) کاغذ سپاهانی - جلد تیماج سرخ ضربی

اندازه : ۱۳×۲۱ و ۸×۱۴ س ۱۷

۵ [۱۸٤] حاشیه شرح تجرید (عربی)

فیلسوف کلامی مولی عبدالرزاق فیاض لاهیجی شاگرد و داماد صدرای شیرازی و شارح تجرید و هیاکل النور و نگارنده گوهرمراد و سرمایه ایمان که درمدرسه قم درس میگفت ودر ۱۰۵۱ درگذشت حاشیه‌ای برجواهرواعراض شرح جدید تجرید دارد (ش ٤۹۸ص ۷۸ج ٤ فهرست طوس) واین حاشیه بریك عبارتی

۱۰ از طوسی در مبحث علم خدا از الهیات تجرید است و درآن سخنان انکسیمانس و ثالیس ملطی و پلاتون و ارسطو و فارابی وشیخ و سهروردی را میآورد و گفته شیخ اشراق درتلویحات درباره دیدار اودرخلسه ازارسطو و پرسش ازدانائی خدا ومانندکردن اوآنرابخودآگاهی جان درنزدیك به نیمی‌ازاین حاشیه دیده میشود

آغاز : من حاشیة مولاناعبدالرزاق اللاهیجی علی الهیات التجرید « قوله اعلم

۱۵ ان للملطیین آه لاباس بان نحرر اختلاف الحکماء فی علم الواجب .

انجام : و لعلك تعذر لی فی نقل هذا الکلام الطویل فان فیه شفاء العلیل ورواءالغلیل . تمت

[۲۱۸]

۳۸۹ این نسخه شماره ۲ دفتر وبخط تعلیق وحاشیه‌های (منه) داردگ ۱۲ب ۱۵ ب

۲۰ [۱۸۵] حاشیه شرح تجرید (عربی)

مولی محمد جعفر بن محمد صادق لاهیجی که در روزگار محمد شاه قاجار (۱۲۵۰-۱۲٦٤) میزیسته بربخش الهی شرح تجرید قوشچی و حاشیهٔ خفری این حاشیه را نگاشته است .

آغاز : اعظم حلیةٌ للکلام حمدالله الملك العلام . . . فیقول . . . محمدجعفربن

۲۵ محمد صادق اللاهجی .

[۲۱۹]

۳۰۵ این نسخه بخط نسخ خوش با نشانه‌های شنگرف و بپایان نمیرسد و بدینجا « فی من کان ذاته عین‌الوجود کما تحققه اذجاء وقته » میانجامد .

(۳۱ س) ـ کاغذ فرنگی - جلد تیماج مشکی ضربی

اندازه : ۱۴×۲۱٫۵ و ۶٫۵×۱۴٫۵ س ۴۰

[۱۸۶] حاشیه شرح تجرید (عربی)

سلطان‌العلماء محمد قاینی برشرح جدید تجرید این‌حاشیه‌رانگاشته ودرآن نکته هائی‌که هنگام درس میگفت فراهم آورد و از آغاز جواهر و اعراض است تا بحث مکان . نسخهٔ اصل‌و بخط مؤلف است .

آغاز : بسمله الحمدلله‌الذی عرفنا‌الخلاص عن‌العلائق‌الجسمانیة وعرفنا‌النجاة من‌العوائق‌الظلمانیة .

انجام : بل قد یکون هواء وقد یکون ترابا وقد یکون ماء الی غیرذلك .

[۲۲۰]

۳۳۳ این نسخه بخط نسخ وگاهی شکسته تعلیق ازخود قاینی چنانکه درگ ۱ب دیده میشود وحاشیه‌هائی داردکه بعبارت (منه) میانجامد وبرخی جاها روی سطرها خط‌کشیده شده ودرست را پس‌ازآن نوشت وجای (قوله) درهرجا که متن را میآورد سفید است .

(۲۳۹ ص) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج ساده

اندازه : ۱۱×۲۰ و ۶×۱۳ س ۱۵

[۱۸۷] حاشیه شرح حکمة‌الاشراق (عربی)

دانشمندصدرای شیرازی‌برشرح‌قطب‌شیرازی‌برحکمة‌الاشراق‌شیخ‌سهروردی این حاشیه را نگاشته است .

و در هامش همین شرح در تهران بسال ۱۳۱۶ بچاپ رسید شیرازی درآن از اسفار وشواهد ربوبی خود ص ۳۰۹ و ۵۳۵ یاد میکند .

آغاز : قوله دلالة اللفظ علی‌المعنی آه الدلالة مطلقاً کون‌الشیء بحیث یعلم منه شیء آخر .

انجام : والخواطر فهو ملکی لان‌الجن لایقدرعلی ذلك وامثاله (ص ۵۳۶

درباره سخن سهروردی فانها قد ترد علیهم فی اسطرمکتوبة درص ۵۳۵) .

[۲۲۱]

۲۸۱ این نسخه بخط تعلیق شکسته ملا علی نوری است که گویا همان فیلسوف (م ۱۲٤٦) باشد .

(۳۹۷ف) . کاغذ فرنگی . جلد تیماج مشکی
اندازه : ۱۵×۱۹ و ۱۰×۱۶ س ۲۷

[۱۸۸] حاشیه شرح حکمة العین (عربی)

مولانا کمال الدین مسعود شیرازی م ۹۰۵ برشرح آمیختهٔ شمس الدین محمد بن مبارکشاه شهیر بمیرك بخاری برحکمت العین دبیران قزوینی م ۶۷۵ و حاشیه آن این حاشیه را نگاشته است .

قطب شیرازی برحکمة العین حاشیه نوشت و شمس الدین آنرا درشرح خویش آورد و میرسید شریف گرگانی م ۸۱۶ نیز براین شرح حاشیه دارد و غیاث الدین منصوردشتکی و ملامیرزاجان باغنوی هم برآن حاشیه نوشتند (ش ۵۱۶ و ۵۱۷ ج ٤ و ج ۱ ش ۱۰۲۱ و ۱۰۵ فهرست طوس) .

آغاز : بسمله ومعتصماً بلطفه العمیم ـ الخ (رمز الشرح است) اذالاحظه بما له من صفات الجلال ای مع ما له من تلك الصفات .

انجام : علی قیام مبادیها بالنوع ـ ثم قال المؤلف قد بلغ ما التزمه من التعلیقات علی الشرح والحاشیة الی هذا المقام ومن الله الاستعانة فی التوفیق للاتمام .

[۲۲۲]

۲۹٤ این نسخه بخط تعلیق ملك حسین بن محمودشاه اردکانی در ۱۰۳۲ میباشد و برخی جاها حاشیه (منه) دارد وچنین بپایان میرسد : «فی شهر رجب المرجب سنة ۱۰۳۲ عن یداقل عباد الله الغنی ملك حسین بن محمودشاه اردکانی» دراین نسخه مطلبها پس ازعبارت الخ میآید و باسفیدی ازهم جدا هستند .

(۳۳۱۱) - کاغذ سپاهانی - جلد تیماج سرخ ضربی
اندازه : ۱۰٫۵×۱۸٫۵ و ۵٫۵×۱۱٫۵ س ۲۱

[۱۸۹] حاشیه شرح حکمة العین (عربی)

حاشیه ای است بر شرح آمیختهٔ شمس الدین محمد بخاری برحکمة العین

دبیران از آغاز تا مبحث وجود وماهیت ونگارندهٔ آن بدست نیامد .

آغاز : بسمله قال قدس‌سره انماقال‌فاطرذوات‌العقول‌ولم یقل فاطرالعقول ... مرادهم بالتوهم‌المنفی امکانه و بیان امکان‌التوهم .

انجام : وعلی‌التقدیرین یحصل‌الاستغناء عن‌الفکرالذی اربکه انتهی م .

[۲۲۳]

۸۵۰ این نسخه بخط تعلیق وعنوانهای « قال ـ اقول » ونشانه‌ها بشنگرف است وحاشیه‌های (منه سلمه‌الله ومنه دام ظله) دارد .

(۹۸ ۴) . کاغذ سپاهانی . جلد تیماج سرخ ضربی

اندازه : ۱۰×۱۷ و ۵×۱۰ س ۱۵

[۱۹۰] **حاشیه شرح منظومه** (عربی)

دانشمند حاج ملاهادی بن مهدی سبزواری (۱۲۱۲ ـ ۱۲۸۹) برهمهٔ شرح منظومه فلسفی خود این حاشیه را نگاشته ودرهامش همین شرح چندبار درایران بچاپ رسید .

آغاز : الحمدلله المتجلی بنورجماله علی‌الملك والملکوت .

انجام : قولنا کل الامانات آه اقتباس من‌الکتاب الالهی ان الله یأمرکم . . . اهلها وفی‌الفقرات‌متناوشرحاًحسن‌الخاتمه‌اللهم‌اجعل‌خاتمةامورتاخیراًبمحمدوآله... والصلوةعلی‌محمدوآله.

[۲۲۴]

۳۲۴ این نسخه شماره۱ دفتروبخط تعلیق ریزمحمدعلی فیروزکوهی بسال۱۲۸۱ میباشدگ ۱ ب ـ ۹۹ ب .

[۱۹۱] **حاشیه شرح هدایة** (عربی)

سید امیر فخرالدین محمدبن حسین حسینی (۱) برشرح مورخ ۸۸۰ قاضی

---

۱ ــ اوجزفخرالدین محمدبن حسین‌حسینی سماکی استرابادی گفتگو کننده بامیرداماد م ۱۰۴۱ است که درسالهای ۹۴۱ و ۹۵۰ و۹۶۵ برشرح تجرید حاشیه نوشت و شاگرد غیاث‌الدین دشتکی م۹۴۸ بوده‌است ودر ۹۷۰ یا ۹۸۴ درگذشت درطوس نسخه‌ای ازهمین حاشیه هست (ش ۱۰۶ و ۵۲۶ تا ۵۲۸) که از سماکی پنداشته وگفته که او آنرا برای ابوالغازی نظام شاه هندی نوشته است. بنگرید به : ذریعه ج ۶ص ۱۳۹ و فهرست طوس ج ۱ ص ۳۶و۳۷ و ج ۴ ص ۷۷ و ۷۸و۸۷ .

کمال‌الدین میرحسین بن معین‌الدین میبدی م ۹۱۱ برهدایه اثیرالدین ابهری رومی م ٦٦٠ این‌حاشیه‌را نگاشته و تابمبحث فلکیات رساند وازخدای درخواست که آنرا بانجام برساند . او نخست این حاشیه را نوشته و پاکنویس نکرده چون دید که دانشجویان آنرا میخواهند نوشته پیشین را گسترده و روشن نموده و چیزهائی بر آن افزود و بدینگونه که هست در آورد ودرتبریزدر١٤شعبان ۹۲۸ ازپرداختن آن بیاسود .

آغاز : بسمله الحمدلله العلیم الحکیم والصلوة علی محمد المبعوث بالخلق العظیم . . . فیقول . . . محمدبن‌الحسین‌المدعو بفخرالدین‌الحسینی .

انجام : ومنه‌الاستعانه لتحقیق‌الفنون‌الباقیة انه‌الموفق ونعم‌المعین .

[٢٢٥]

۳۰۹ این نسخه بخط شکسته تعلیق ریز وخیلی جاها بی‌نقطه است وحاشیه‌هائی دارد با عبارت (منه) وعنوانهادربسیارازجاها بشنگرف است وعنوان (قوله) درآغاز بسرخی نوشته شده و در پایان جای آن سفید است و نظام‌بن درویش محمد گونابادی (جنابذی) در ۱۰ ع ۲ سال ۹۸٦ درآستان طوس آنرا نوشت .

(۳۱۰۳ک) کاغذ سمرقندی . جلد تیماج تازه شده

اندازه : ۱۲×۱۹ و ۷×۱۰ س ۱۹

[۱۹۲] حاشیه شفا (عربی)

فیلسوف صدرای شیرازی (م۱۰۵۰) برالهی شفاحاشیه‌ای‌نگاشت که درتهران بسال ۱۳۰۳ بچاپ رسید و در آن ازکتابها و رساله‌ها (ص ۱۲٦) و اسفار او (ص ۱۲٦و۲۱۱) وازحکمت مشرقی شیخ (ص۲) یاد میشود .

[۲۲٦]

۳۲۷ این نسخه بخط تعلیق ریزعبدالرشید شوشتری است که درمدرسه آصفیه شیراز درروز شنبه ۱۲ ذی‌قعده سال ۱۰۵۳ ازروی نسخه خط شیرازی برای دانشمند بزرگی بنام شمسامیرزامحمد هادی نوشته ومقابله وتصحیح کرد برگها باجدول زرین ولاجورد وعنوانهاشنگرف میباشد وسرلوحی بزرولاجورد در آغاز نسخه هست

(۳۲۲٦ک) کاغذ فرنگی . جلد تیماج ضربی زرکوب

اندازه : ۱۳×۲۲٫۵ و ۷×۱۵٫۵ س ۲۵

[۱۹۳] حاشیه شفا (عربی)

دانشمند فیلسوف مولی محمدباقر بن مولی محمد مؤمن سبزواری، سپاهانی (م۱۰۹۰) درروزگارشاه‌عباس‌دوم امام جمعه‌وجماعت وشیخ‌الاسلام بودودرمدرسه مولی عبدالله شوشتری درس میگفت وی شاگرد شیخ بهائی و استاد سید حسین‌بن حیدرعاملی و آقاحسین خوانساری شوهر خواهر خود و مولی محمد سراب بوده و بفارسی شعر میگفت این دانشمند برای شاگردان خود برالهی شفا حاشیه ای نگاشته ودر آن ازخرده گیریهای شارحان پاسخ گفت و مانند خواجه طوسی بهمان روشن کردن گفتار شیخ برداخت و خود از آن خرده نگرفت و این را در آغاز گفته است .

آغاز : بسمله‌الحمدلله رب‌العالمین . امابعد فان کتاب‌الالهیات مماقدکثرت مراجعةالمحصلین وطال نظرالعلماء فی مباحثه .

انجام : وکل جزء من‌اجزاءالنظام له غایة والمرجع اخیراالی‌العنایة الاولی ویرجع الی نفس‌الذات الاحدیة (دربیرامون گفته شیخ « حتی یکون له فیما یکون عنه غرض » ازنیمه فصل ۷ مقاله ۸ الهی دردانائی خدا س۱۱ ص۵۹٤ چاپی وس ۵ گ ۵۷٦ ب ش ۲٤۳ خطی) .

[۲۲۷]

۲٦۳ این‌نسخه بخط تعلیق ریز وازگ ۷۹ تا ۱۳٤ب شکسته تعلیق میباشد ویك برك درآخرسفید است .

(۳۱٦٦ک) - کاغذ فرنگی . جلد تیماج سرخ مقوائی

اندازه : ۱۲×۱۹ و ۸×۱۴ س ۱۹

[۲۲۸]

۱۰۱٦ این نسخه بخط نسخ بی‌نقطه تاریخ ۱۱۹۰ وجای (قوله) سفیدگذارده شده و درگ ۱۱ ب حاشیه‌ای از محمد مهدی حسینی هست و درآن ازگفتار صدرالافاضل (صدرای شیرازی) که سبزواری ازآن خرده گرفت استوار میگردد و باز درگ ۸۵ ب حاشیه‌ای است گویا ازهمو. برك۱ موریانه خورده وچند کلمه ناخوانا است ـ دربرك ۱ الف مهر میرزاعبدالجواد دیده میشود که کمی سوراخ شده ونسخه ازکتابخانه اوبوده است بازدرگ ۱٤۳ ب مهردارنده دیگری بنام محمد حسین هست .

(۱۴۳ برگ) کاغذ سپاهانی زرد - جلد تیماج سرخ ضربی گل و بوته‌دار مقوائی
اندازه : ۱۵×۲۲ و ۹×۱۵ س ۱۲

[۱۹۴] **حاشیه شفا** (عربی)

دانشمند آقاحسین خوانساری (۱۰۱۶ - ۱۰۹۸) برالهیات شفا یکبار حاشیه نوشته و هنگامیکه بحج میرفته است آن از میان رفت و باره دوم این حاشیه را نگاشته ودر ۲۰ رجب ۱۰۹۶ از پرداختن آن بیاسود وی در آن از گفتارسبزواری خرده گرفت وازسخنان صدرای شیرازی نیز آورد (ذریعه ج ۲ ص ۱۴۲) .

آغاز : نام خداوستایش - قوله فی ابتداء موضوع الفلسفه . اقحام لفظ الابتداء بناء علی ان الفصل التالی ایضاً فی ذلك الطاب .

انجام : ویکون محصل کلامه ان الایجاد الذی یکون بعد العدم المطلق اولی بان یکون ایجادا وهوایضا کماتری فتدبر قد وقع الفراغ . . . فی عشرین شهر رجب المرجب من شهورسنة ست و تسعین بعد الالف من الهجرة النبویة ...

حاشیه خوانساری از آغاز الهی است تانزدیك بپایان، فصل ۳ مقاله ۸ درمعرفت مبدء اول، عبارت (المحدث هو الذی کان بعد مالم یکن) از شفا (سطر آخر گ ۵۷۳ الف شماره ۲۴۳ و س ۶ ص ۵۷۸ چاپی) ازسنجیدن سخنان سبزواری وخوانساری (گ ۱۱۷ و ۱۱۸ ش ۲۶۳ و گ ۱۲۴ و ۱۲۵ ش ۲۶۴) درمبحث وجود کلی طبیعی درفصل ۱ مقاله ۵ چنین برمیآید که خوانساری گفتار اورا با عنوان (بعض الاعلام) میآورد وخرده میگیرد . خوانساری پس از پایان کتاب گفتاری شیوا دارد که در آن پس از نیایش و درود از شیخ رئیس وشفا وحاشیه خود میستاید و نگارش خویش را بشاه سلیمان بهادرخان (۱۰۷۷-۱۱۰۵) ارمغان میدهد و آغاز و انجام آن چنین است « بسمله الحمدلله الذی نزل من القرآن ماهوشفا - ثم رزقه البلوغ الی اقصی ماانطوی علیه بضمیره ... والحمدلله رب العالمین » .

[۲۲۹]

۲۶۴ این نسخه بخط تعلیق خوش ومتن با (قوله) آغازوازحاشیه گاهی بانشانه سرخ وگاهی با رمز (آه) یا (الخ) یا با فاصله سفیدی جدا میشود و جای (قوله)

نیز گاهی سفید گذارده شده . حاشیه از گ۱ ب تا ۱۵۱ الف و گفتار پیوست از ۱۵۱ ب تا ۱۵۲ ب در مجلس (ش ۱۲۱ ج ۲ ص ۶۱) و در آستانه طوس (ش ۳۰-۵۲۹ ج ٤ ص ۸۷-۸۸) نسخه از این حاشیه هست و اندکی از آن در هامش الهی شفا ص ۳ چاپ تهران دیده میشود

(۱۲۵ گ) - کاغذ سپاهانی ــ جلد تیماج سرخ مقوائی

اندازه : ۸٫۵×۱۶٫۵ و ۱۵٫۵×۲۴٫۵ س ۲۰

[۲۳۰]

۳۸۹ این نسخه شماره ۵ دفتر است و بخط تعلیق مورب گ ٤۵ ب ٤۶ الف و آغاز و انجام آن چنین است :

«قال الحبر المحقق العلامه آقاحسین رحمه الله فی تعلیقاته علی الهیات الشفا فی مبحث الوجود : اما الاولی ای العینیة فامرها مشکل اذلو بنی علی طریقة ذوق المتالهین کما قاله علامة الدوانی ـ فلاشك انها اقوی من براهین الحکماء و بالجملة الامر واضح تعالی الله عما یقول الظالمون علواً کبیرا » .

درهامش ٤۵ ب عبارتی از حکمة عرشیه (س ۲۲) آورده شده و در ٤۶ ب ـ ٤۸ الف باز چند قاعده از حکمت عرشی صدرای شیرازی دیده میشود .

[۱۹۵] حاشیه شفا (عربی)

دانشمند جمال الدین محمد خوانساری (م ۲۶ رمضان ۱۱۲۵ در نزدیك بهشتاد سالگی در سپاهان) شارح اشارات بر آغاز طبیعیات شفا تا فصل ۱ مقاله سوم فن سماع طبیعی حاشیه‌ای نگاشته که در هامش طبیعی شفا بچاپ رسید (ص ۲-۸۲) و در فهرست مجلس (ج ۲ ش ۱۲۰) نیز بهمین گونه یاد شد ولی در فهرست طوس (ج ۱ ش ۷۵) این حاشیه از آن پدر او آقاحسین خوانساری دانسته شد چنانکه در پایان نسخه ما نیز نویسنده آن چنین پنداشته است در ذریعه (ج ۶ ص ۱٤۲ نیز آنرا از پدر پنداشت با اینکه در ص ۱٤۳ باز از حاشیهٔ پسر یاد نمود در حاشیه نسخه ما (گ ۷ ب) از استاد محقق یاد میشود و پیداست که پسر از پدر یاد میکند . خوانساری در این حاشیه بیشتر بمباحث مشرقی رازی می‌نگرد و یادی از حواشی اشارات باغنوی میکند (حاشیه گ ۳۷ ب) باز از حاشیه اشارات پدر خود میآورد و از آن خرده میگیرد (حاشیه گ ۲ ب) پدر او برشرح اشارات حاشیه نوشته و روز

دوشنبه ٤شعبان١٠٧١ آنرابپایان رسانده بودوهمین جمال‌الدین بازبرآن حاشیه‌ای نوشت آقاحسین حاشیه دومی‌هم برآن شرح داردکه پس‌ازدوسال نگاشته ودرآن برحاشیه سبزواری‌که پس‌از اونوشته است پاسخ داد (ذریعه ج ٦ ص ١ ـ ١١٠) پس بیکی ازاین دوحاشیه پدراست‌که پسر بدان می‌نگرد .

[٢٣١]

٤١٦ این نسخه بخط نسخ خوش با عنوانهای شنگرف ولاجوردی در متن وهامش بتاریخ روزآدینه ٢٥ محرم ١١١٦وحاشیه (منه مد ظله) دارد وهمین میرساند که حاشیه از پسراست ودرروزگاراونوشته شد نه پدرکه در١٠٩٨درگذشت ونویسنده نسخه ما ازاوبمانند مرده یادکردنسخه ما ازآغازندارد وآنچه هست ازاینجا است : «لایلزم ان یکون متحرکا . قوله : طبیعة غیرمحدودة .کان‌المرادبهاقابلة للقسمة الی غیرالنهایة ولاینتهی قسمتها الی حد .» که درپیرامون عبارت شیخ «وقال قوم انها طبیعة غیرمحدودة » درفصل١ مقاله٢ سماع طبیعی درباره حرکت س٢٠ ص ٣٥چاپی کاوش میشود واین‌آغاز در س٢٢ هامش ص٣٤ چاپی دیده میشود . این حاشیه مانند چاپی تا عبارت « ثم لایخفی مافی حمل قوله اومعها علی ماذکره من‌التکلف بخلاف ماذکرنا فتدبر » (ص ٨٢) در پیرامون سخن شیخ « والاحوال‌التی تعتبر للاجسام من کمیتها» از فصل ١ مقاله ٣ سماع طبیعی درباره جهت‌کمی طبیعیات (س ١٦ ص ٨٢) پایان مییابد وآغازحاشیه درچاپی چنین‌است : « قوله‌الفن‌الاول‌فی‌السماع‌الطبیعی الخ قال بعض سادة‌المحققین طاب ثراه هومایذکرفیه‌المبادی‌العامة لابواب‌العلم (ص ٢) .

(٥٦ ٣) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج زرد مقوائی تازه

اندازه : ٥ر١٣×٥ر٢٤ و ٧×٥ر١٧ س ٢٤

[١٩٦] حاشیه الشواهد الربوبیه فی‌المناهج السلوکیه (عربی)

ازمولی علی‌بن جمشیدنوری مازندرانی سپاهانی فیلسوف (م‌درسپاهان رجب بسال١٢٤٦) که جسته جسته وپراکنده ازاشراق سوم شاهدیکم مشهدیکم تااشراق شانزدهم شاهد دوم مشهد چهارم عباراتی را میآورد و نکته هائی از خود میگوید و درآن بورق و سطر نسخه‌ایکه دردست نوری یا نویسنده حاشیه بوده هم اشاره میشود .

آغاز : بسمله‌وبه‌نستعین‌فی‌کتاب شواهدالربوبیة‌فی‌المناهج‌السلوکیه درورق

اول قوله الاشراق الثالث ان شمول الوجود لیس کشمول الکلی قوله لیس کشمول الکلی للجزئی تستهدیه قوله تعالی الا انه بکل شیء محیط وتلك الوحدة یسمی عند قوم بالوحدة فی الکثرة نوری نورالله رمسه .

انجام : حاشیه یك سطر بعد قوله و اشتدت نقمته وربما فی ظاهرالامر ان بین ماذکرناه اولا . . . وبین انقطاعه عن کل واحد من اهلها منه .

[۲۳۲]

۸۷۰ این نسخه شماره ٥ دفتر و بخط تعلیق محمدعلی کرمانشاهی نویسنده شماره یکم میباشد . گ ۷۳ ب - ۱۰۲ ب .

[۱۹۷] **حاشیه مشاعر** (عربی)

میرزااحمدبن محمدابراهیم‌بن الحاج نعمةالله اردکانی شیرازی چنانکه خود در دیباچه نسخه ما میگوید باره سوم که مشاعر صدرای شیرازی را خوانده است اندیشید که آنچه ازاستاد خود مولانا مصطفی‌العلماء یا دیگران شنیده و یا در کتابها دیده و یا خود درهنگام خواندن و آموختن آن بدان برخورده است گرد آورد این بود که این حاشیه را دربود استاد نگاشته و گاهی هم ازاوخرده گرفت (ص۲-۹-۲٦-۱۷۳ نسخه ما) او دراینجا ازسروده‌های فندرسکی گواه آورد (ص ۱۷۰ خطی و ۷٥ چاپی) . باز پس‌از مرك استاد دیباچه آنرا گسترش داده و چیزهائی برخود متن افزوده و آنرا « نورالبصائر فی حل مشکلات‌المشاعر » نامیده و بنام وکیل‌الدوله ساخته واز وی بسیار بستود (دیباچه) و همین دومی است که درکنار مشاعر درتهران بسال ۱۳۱٥ ص ۲-۱۰٤ بچاپ رسید .

[۲۳۳]

۲۹٦ این نسخه بخط شکسته تعلیق و عنوان (قوله) شنگرف و حاشیه هائی از اردکانی باعبارت (منه) دارد وآغازآن نزدیك بچاپی‌است : «بسمله‌احمدك اللهم یامفیض‌الخیروالجود» وانجام آن چنین است : « قوله‌السادس فی ان واجب‌الوجود مرجع کل الامور الخ یعنی انه تعالی کل‌الاشیاء وله احتمالات ... انتزع من زید عدم‌الکتابة علی ان‌یکون ذلك‌الفقدالواقعی‌علة(نزدیك بآن درص۷٥چاپی دیده

میشود) وکم دارد وص۱۷۵ تا ۱۷۷سفید بازدر ۱۷۹ اندکی ازهمان بند اخیردوباره آمده (۱۳ س ستون ۱ ص ۷۵ چاپی) ودر ص ۱۸۳ تا ۱۸۷ سخنانی است درباره دانائی خداکه از ابن‌سینا وفارابی وبهمنیار وطوسی درآن یاد میشود .

(ص ۱۹۳ ص) - کاغذ فرنگی . جلد تیماج ساده مشکی
اندازه . ۱۰×۱۵ و ۵×۵ر۱۰ س۱۴

[۱۹۸] حدوث اجسام (عربی)

دراین نامه سخنان فیلسوفان و پیروان دینها آمده وازحدوث جسمها گفتگو گردید .

آغاز : هوبسمله اختلف اهل العلم فی حدوث الاجسام والوجوه المحتملة بحسب الفرض اربعة .

انجام : ثم حدث من الحرکات السماویة امتزاجات هذه العناصر و منها هذه المرکبات .

[۲۳٤]

۱۰۳۵ این نسخه شماره ۱۰ دفتر وبخط شکسته تعلیق گ ص ۱۰۸

[۱۹۹] حدوث عالم (عربی)

دانشمند صدرای شیرازی دراین نامه ازحدوث زمانی جهان بروش خویش گفتگو ودرآن سخنان فیلسوفان یونانی را آورد وازشواهد ربوبی خود (ص ۷۹ و۱۰۲چاپی) واز رساله کلی طبیعی شیخ (ص۵۰) والامد علی‌الابد شیخ ابی‌الحسن عامری (ص ۸۳) یادکرد . ازاین رساله است که دراسفار او یاد میشود این رساله درمجموع رسائل شیرازی درایران بسال ۱۳۰۲ بچاپ رسید .

[۲۳۵]

۱۰۳۰ این نسخه شماره ۱۳ دفتر و بخط شکسته گ ۱۱۷ ب ـ ۱۱۹ الف و بپایان نمیرسد و بدینجا (و اثبات الحرکة الجوهریة لکل صورة طبیعیه والاشارة الی نحو) میانجامد .

[۲۰۰] **حدوث عالم** (عربی)

دانشمند شمسای گیلانی دراین نامه بروش فلسفی حدوث جهان را روشن نمود و در آن از حواشی خویش برالهیات تجرید و شرح جدید آن و از حواشی خفری (۹٦ ب) یاد نمود و از قبسات استاد خود میرداماد آورده و خرده گرفت (۱۰٤ ب) گیلانی آغاز ذی‌قعده ۱۰٤۵ درطوس آنرا بنگارش در آورد.

آغاز: بسمله . . . الحمدلله الذی تفرد بالقدم والازلیه ... فیقول . . . محمد المشتهر بشمساالجیلانی . . . هذه رسالة فی اثبات حدوث‌العالم.

انجام: ای شمع بهرزه‌میگدازی‌خودرا. تمت‌فی‌المشهدالمقدس‌الرضوی ... فی‌اوائل شهر ذی‌القعدةالمندرج فی سنة خمس واربعین والف وکتب مؤلفهابیده ... محمدالشهیربشمساالجیلانی غفرالله له ولوالدیه ولجمیع من له حق علیهماوعلیه تم

[۲۳٦]

۹۲۹ این نسخه شماره ۵ دفتر وبخط تعلیق ریزگ ۹٦ ب ـ ۱۱۰ الف و بهمین خط درهامش حاشیه‌هائی با عبارت (منه دام ظله) دیده میشود و در هامش نوشته است که از روی خط نگارنده نوشته شده پس نسخه را در روزگار شمسا فراهم آوردند.

[۲۰۱] **حدوث وقدم وسرمد** (فارسی)

عبدالرحیم رضوی حسینی علوی دراین گفتار واژه های (حدوث و قدم و سرمد) را میشناساند تامطالبی که دررساله (دانائی خدا) آورده روشن گردد.

آغاز: بسمله والحمدلله رب‌العالمین . . . بخواطرم (؟!) رسید آنکه باین عبارات و بیاناتی که دراین اوراق ثبت گردید.

انجام: عبارتش اینست که خدا وخلقش بالتمام (کم دارد).

[۲۳۷]

۸۸۷ این نسخه شماره ٤ دفتروبخط تعلیق گ ٦٦ ب ـ٦۷ ب ازاین پس تاپایان شعرها ونیایش است.

[۲۰۲] **حروف (رساله ...)** (عربی)

فیلسوف فارابی دراین رساله که در ص ۵ ـ ۹۱ شناخته شده نخست از مقولات

سپس ازمعانی لغوی وفلسفی عرض سخن رانده آنگاه از « مابالعرض ـ مابالذات ـ جوهر ـ مابذاته ـ محمول بذاته ـ منسوب بذاته ـ موجود ـ شی با اشاره برأی پرمانیدس که لاشی ولاموجود را یکی میداند ـ لغانی که درخطابه و شعر وفلسفه و بکار میرود مانند : ما ـ ای ـ کیف ـ هل ـ الف استفهام ـ نعم ولا ـ لم » بسزا گفتگو نمود ودرپایان ازهنرهای پنجگانه منطق و پرسش هریك و پیدایش مجازات واستعارات کاوش کرد. ازدین وسیاست نیزدر آن یادگردید واز آن پیداست که فارابی بزبانهای یونانی وسریانی وفارسی وسغدی آشنائی داشت ولی هیچ یادی از ترکی نمیکند.

آغاز : بسمله الحمدلله رب العالمین . . . امابعد فان معنی ان الثبات والدوام والکمال والوثاقة فی الوجود والعلم بالشیء (۱) .

انجام : فالسئوال الجدلی یکون بتصریح المتقابلین او یکون قوة ما صرح به قوة المتقابلین و کاك فی کثیرمن الصنایع واما السئوال الخطبی فمن ضروب سئوالاته ان یکون ماخذ المتقابلین فقط .

[۲۳۸]

این نسخه شماره ۲ دفتر وبخط شکسته بی نقطه درنیمی و درنیمه دیگر شکسته تعلیق روشن بتاریخ سه شنبه ۷ ج ۲ سال ۱۰۷٦ وبی غلط هم نیست گ۳ ب ـ ۵۲ ب س ۲۵ ـ عنوان رساله درنسخه ما : «رسالة الحروف لابی نصر الفارابی وهومن اکبر مصنفاته واعظمها » و درپایان دارد : « تمت رسالة الحروف للفیلسوف ابی نصر الفارابی » .

۳۳۹

[۲۰۳] **الحرکة** (عربی)

میرفندرسکی دراین گفتار که برای پیر واستاد خویش در ۵ بند نوشته است

۱ ـ پس ازاین دارد : « وموضع ان وان فی جمیع الالسنة بین وهوفی الفارسیة کاف مکسورة حینا وکاف مفتوحة حینا واظهرمن ذلك فی الیونانیة ان واون وکلاهما تاکید الا ان اون الثانیة اشد تاکیدا لانه دلیل علی الاکمل والاثبت والادوم فلذلك یسمون الله اون ممدودا الواو وهم یخصون به الله فاذا جعلوه لغیر الله قالوا ماباون مقصورة وکاك یسمی الفلاسفة الوجود الکامل انیه الشی وهو بعینه مهیته ویقولون ماانیة الشیء ویعنون ماوجوده الاکمل وهومهیته الاان حرف ان وان لایستعمل الافی اخبار فقط دون السئوال .

[۲۰۳] **الحرکة** (عربی)

میرفندرسکی دراین گفتار که برای پیر واستاد خویش در ۵ بند نوشته است از جنبش سخن راند و روشن ساخت که همه جنبندگان بیك جنباننده یگانه‌ای بازمیگردند ودرجهان هستی بمثالهای پلاتونی نیازی نیست ومثالها بیهوده‌اند .

آغاز : بسمله قال سیدالافاضل قدوة الفلاسفة الراسخین امیر ابوالقاسم . . . وبعدفانی اریدفی مقالتی هذه ان ابین امر الحرکة ... وان المثل المنسوبة الی الافلاطون فضل لایحتاج الیها .

انجام : فاذن المثل الافلاطونیة فضل لایحتاج (الیها) الموجودات . فهذا آخر ماارادت ایضاحه بایجاز و اختصار مستقیم والحمد لواهب العقل تمت بالخیر .

[۲۳۹]

این نسخه شماره ٦ دفتر و بخط شکسته تعلیق گ ٤۲ ب - ٤۳ الف گویا **۱۰٤٦** از محمد شریف بن محمد قائمی و باید درلاهیجان میان ۱۰٤۰ و ۱۰۵۱ نوشته شده باشد .

[۲۰٤] **حظیرة الانس من ارکان ریاض القدس** (عربی)

دانشمند احمدبن زین العابدین جبلی عاملی (م میان ۱۰۵٤ و ۱۰٦۰) که در ۱۰۱۲ از بهائی ودر ۱۰۱۷ ازداماد اجازه گرفت برشرح تجرید این حاشیه را نوشته ودر آغاز آن گفت که پیشها برحواشی خفری برالهی تجرید تعلیقاتی بنام ریاض القدس نوشتم . چون خوانندگان کم مایه را خسته میکرد از آن گزین نموده واز گفته‌های فیلسوفان بویژه شفا در آن آوردم و آنرا « حظیرة الانس من ارکان ریاض القدس » نامیدم ودر آغاز ذی حجه ۱۰۳۷ است که بنگارش آن میپردازم . او بروش کلامیان ومشائیان و اشراقیان دراین حاشیه سخن رانده و از فارابی و ابن سینا وبهمنیار و سهروردی وامام رازی وداماد وسماکی (۸۰ الف و ۵۸۵ ب) و تفسیراو (٤۰۵ب) ودیگران یادکرد وبروش داماد نگاشته است (۱) .

---

۱ — او درپایان از سه نگارش فارسی خویش « مصقل فی تجلیة آینه حق نمافی رد مذهب النصاری — اللوامع الربانیة فی ردالشبهات النصرانیه من کتب الاناجیل الاربعة — صواعق الرحمن فی رد مذهب الیهود ان نقلا من التوریة » یاد میکند . وی کتابی در تفسیر بفارسی بنام لطائف غیبی دارد ش ۷٤ و ۲٤ که دز ۱۰۳۳ و ۱۰٤٤ آنرا نوشت .

آغاز : بسمه عونك یاواهب الحیات و ملهم الخیرات . . . فیقول . . . احمدبن زین العابدین العلوی .

انجام : نقلا من التوریة فقد (تم) کتاب الموسوم بخطیرة الانس من ارکان کتاب ریاض القدس ویتلوه کتابنا الموسوم بروضة المتقین فی مبحث امامة الائمة المعصومین .

[۲٤۰]

۳۱۰ این نسخه بخط نسخ وشکسته تعلیق روشن بتاریخ ۱۰۵٤ ودرگ ۲۱ ب حاشیه‌ای دارد باعبارت (منه مد ظله العالی) ودرخیلی جاها عنوانها بشنگرف است درپایان دارد : (تمت سنة ۱۰۵٤) و نسخه نوشته روزگار اوست .

(۵۸٦ ک) ــ کاغذ سپاهانی - جلد تیماج سرخ مقوائی
اندازه : ۱۳×۲۲ و ۷٫۵×۱۴ س ۱۷

[۲۰۵] حقیقت و کیفیت سلسله موجودات و تسلسل اسباب و مسببات (فارسی)

شیخ رئیس دراین گفتار بروش پرسش و پاسخ رشته هستی ها را چنانکه مشائیان میگویند گزارش داد .

آغاز : بسمله ولله الحمد دائماً وکفی جوده . . . با کرم دوستی که دوستی وی خدای را بودنه ریارا درخواست تاحقیقت وکیفیت سلسله موجودات وتسلسل اسباب ومسببات بیانی رود بفارسی .

انجام : و شرح ایندو طریق عمرها باید و وقتهای مساعد تا برسبیل اجمال اینقدر گفته شد والله اعلم بحقائق الامور .

[۲٤۱]

۱۰۸۸ این نسخه شماره ۳ دفتر و بخط تعلیق محمدعلی بن یوسف باعنوانهای شنگرف ۱۳ ــ ب ـ ۲۰ ب نسخه از آن درطوس هست (ج ٤ ش ٦٤۳ ص ۱۲۵) .

[۲۰٦] حکمت عرشیه (عربی)

شیخ رئیس (حکمة عرشیه) راکه خزر جی (عیون الابناء ج۲ص ۱۹س ۲۹) درباره آن « وهو کلام مرتفع فی الالهیات » گفته و بیهقی آنرا (حکمة قدسیه) نیز خوانده است (ص٤٦و٥٦) بدرخواست برخی از نزدیکان درباره حقایق خداشناسی

درسه اصل (بود خدا ـ یگانگی او ـ نبود علتها برای او) نگاشته و میگوید از دیگران دراین نامه هیچ پیروی نکردم نسخه‌ای از آن با (حکمة مشرقیه) در کتابخانه مسعود غزنوی، درغزنین که از تاراج شهر سپاهان در ۴۲۷ فراهم آورد بوده وعلاءالدین حسین جهانسوز غوری بسال ۵۴۶ آنها را بسوزاند (بیهقی ص ۵۶) .

این حکمت قدسی یا عرشی ومشرقی را گویا شیخ پس از نگریستن بسخنان پلوتینوس درتئولوگیا (گزیده انئاد) و آشنائی باگفته های صوفیان و نگارشهای باطنیان فراهم آورد. دانشمندان خاوری (مشرقیون) که او در برابر باختریان (مغربیون) یادمیکند نه چنانکه دکتر بدوی درارسطوعندالعرب (ص۲۴) پنداشته است مشائیان بغداد دربرابر شارحان یونانی نیستند چه شیخ آنها را ناتوان وترسایان آنها را بی‌خرد میخواند وتازه آنها بجز گفته‌های همان شارحان چیز دیگری ندارند. و میتوان از سنجش سخنان عرفانی و تأویلی شیخ که فراوان هم هست باگفته های صوفیان و باطنیان چنین پنداشت که او از خاوریان دانشمندان ایرانی عارف یاباطنی را میخواهد نه متکلمان ومشائیان بغداد که از آنها نکوهش میکند. این نامه دردکن بسال ۱۳۵۳ بچاپ رسید .

[۲۴۲]

۱۰۳۵ این نسخه شماره ۴۴ دفتر است و بخط تعلیق زیبای محمد ناصرالدین بن نورالدین ص ۳۹۳ — ۴۰۰ .

[۲۴۳]

۳۸۴ این نسخه شماره ۱ دفتری است دارای ۷ رساله که همه آنها بخط تعلیق و نونویس ازروی نسخه تاریخ ۱۲۶۶ بدستوردانشمند بزرگوار واقف فراهم آمده. پایان نامه چنین است : والحمد لواهب العقل وملهم الصواب (مانند ۱۰۳۵) اللهم افض من نورهدایتك علینا ... حتی نرزق جوارك فی المقام الاعلی والالتذاذ بمشاهدة جمالك فی المقصد الاقصی انك اهل التقوی واهل المغفرة برحمتك یاارحم الراحمین ص ۱ — ۲۷ .

(۴۰ گ) کاغذ فرنگی جلد مقوا ـ جلد مقوا

اندازه : ۷×۲۱ و ۱۴×۱۶ س ۹

[۲۰۷] حکمة العین (عربی)

نجم‌الدین ابوالحسن علی‌بن‌محمد دبیران کاتبی قزوینی ۶۷۵ه‍ فیلسوف منطقی نامور ایران این نامه را درطبیعی والهی پس‌از رسالة‌العین درمنطق نگاشته است .

آغاز : سبحانك یا واجب . . . . ان جماعة من اخوانی . . . . لما فرغوا من بحث الرسالة المسماة بالعین فی‌المنطق . . . . التمسوا منی ان اضیف الیها رسالة فی‌العلمین‌الالهی‌والطبیعی .

انجام : وهی قوة مجردة عن‌المادة لماهر ولیکن هذا آخر ما اردنا ایراده فی هذه‌الرسالة ولواهب العقل‌الحمد بلانهایة والصلوة والسلام علی محمد و عترته بغیر عدد وغایة .

[۲۴۴]

این نسخه شماره ۲ دفتر و بخط نسخ و محمد موسی‌بن محمد رضا مشهدی آنرا درپنجشنبه دهه سوم ع ۱ سال ۱۱۰۴ نوشته است برك ۶۱ ب تا برك ۱۱۲ الف و نخستین آن تلخیص‌المفتاح وسوم آن مشاعر شیرازی میباشد .

۱۴۸

(۱۵۲ برگ) ـ کاغذ ترمه سمرقندی ـ جلد تیماج‌سرخ ساده یك لا

اندازه : ۱۲×۱۷ و ۹×۱۴ س ۱۷

[۲۰۸] الحکمة المتعالیة فی‌الاسفار الاربعة العقلیة (عربی)

فرزانه دانشمند صدرای شیرازی (م ۱۰۵۰) این کتاب را درفلسفه مخصوص خویش که آمیخته‌ایست از سخنان مشائیان و اشراقیان و عارفان نگاشته است او برخلاف استادخودمیرداماد که شاید ازترس ظاهریان بسیاردشوارو پیچیده مینوشت روان وشیوا وساده ولی پرمغز نگاشته فلسفه را دردسترس همه گذاشت گرچه این فیلسوف بمانند استاد در نگارشهای خود نصوص دینی را گواه میآورد و آنها را با قواعدفلسفی سازش میدادولی شاید روی همین ساده نویسی‌بود که از آزاروشکنج دشمنان نیاسود چنانکه در دیباچهٔ برخی از کتابها از سختگیریها که درباره اش روابداشتند مینالد ودر « الواردات القلبیه » ص ۲۵۸ ازفقیهان وستایشگران دربار نکوهش میکند . او دردیباچهٔ همین « الحکمة‌المتعالیة فی‌الاسفار الاربعة العقلیه » که آنرا چنین نامیده ردر« اتصاف الماهیة بالوجود» آنرا الاسفارالابعه خوانده‌است .

میگوید که درجوانی بفلسفه‌الهی پرداخته وبنگارشهای فیلسوفان پیشین ویونانیان می نگریستم و میخواستم کتابی جامع بنویسم ولی روزگاریکه بدان دچار شدم نمیگذاشت ناگزیر گوشه‌ای گزیدم و چیزی ننوشتم تا اینکه بنگارش این کتاب پرداختم (۱) . شیرازی دراین کتاب ارجمند از کلیات طبیعی و الهی گفتگو کرده ودرآن ازنگارشها فیلسوفان وعارفان بهره‌برد ولی روش استدلالی مباحث مشرقی رازی درآن بسیارپیدا است اودراینجااستدلال را باشهود بیامیخت وبرخی مسائل (اصالت وجود ـ حرکت جوهری ـ اتحاد عاقل و معقول ـ حدوث عالم ـ تجرد خیال ـ مثال افلاطونی ـ عالم مثال ـ رستاخیز) را با برهان روشن ساخت .

این کتاب درچهار بخش است (هستی ـ گوهروعرضها ـ خداشناسی ـ روان) وهریك برابراست با یکی ازچهارسفر که عارفان را است .

[۲۴۵]

۲۵۷ دراین نسخه بخش نخستین (الحکمة المتعالیه) است وبخط تعلیق زیبادرجدول زرین با سرلوح زیبا بزر وشنگرف و لاجورد میباشد و عنوانها بشنگرف است ودرسپاهان بسال ۱۲۴۵ نوشته شده است .

(۲۴۲ برگ) کاغذ فرنگی . جلد تیماج قهوه ضربی‌مقوائی

اندازه : ۱۴×۴۴ و ۸٫۵×۱۷ س ۲۴

---

۱ ــ ازاینجاپیداست که شیرازی نخستین بار بنگارش اسفار پرداخت ولی از بازگشتهائیکه درهریکی ازنگارشهای خود بدیگری میدهد پیداست که بسیاری از کتابها را باهم نوشته است. اودراسفار (چاپ تهران در ٤ بخش بسال ۱۲۲۲ و ۱۲۸۲) ازرساله حدوث یادنمود ودرفصل ٦ منهج ۱ مرحله ۱ آن ازحشر العوالم یاطرح الکونین ودرهمان حدوث ص ۷۹ و ۱۰۲ ازشواهد ربوبی (چاپ تهران ۱۲۸٦) ودرآن ص ۱٤۸ ازمبدء ومعاد که بسال ۱۰۱۵ بپایان رساندودردیباچه آن ص ۳ از اسفار یادگردید چنانکه درهمان حشر ص ۳٤۳ از اسفار یاد میشود. دردیباچه مشاعر ص ۷ از کتابها ورساله‌ها ودرعرشیه ص ۱۱۹ ازکتابهای بزرك وازاسفار ص ۱٤٤ وازکتابهاورساله‌ها وحدوث ص ۱۲۷ و ۱٦٦ وازحواشی شرح حکمة الاشراق ص ۱۳۳ ودراین حواشی (چاپ شده درکنارهمان شرح ص ۳۰۹ و ۵۳۵) از اسفار وشواهد ربوبی یاد میشود دررساله تصوروتصدیق اوکه همراه الجوهرالنضید درتهران بسال ۱۳۱۱ با رساله اتصاف الماهیة بالوجود چاپ گردید درص ۸ از اسفار یاد شد و در حاشیه شفای او چاپ ۱۳۰۳ تهران ص ۱۲٦ و ۲۱۱ ازکتابها ورساله‌ها و ازاسفار یادگردید .

[۲٤٦]

۲۵۸ بخش دوم (الحکمة المتعالیه) است با همانگونه خط شماره ۲۵۷ و بتاریخ ۱۲٤٤ نوشته شد .

(۱۵۳ برگ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد روغنی و هردو سویش کتیبه وگل وبوته دارد ورنگارنك وزمینه مشکی است .

اندازه : ۱۴٫۵×۲۴٫۵ و ۹×۱۷ س ۲۴

[۲٤۷]

۲۵۹ بخش سوم (الحکمة المتعالیه) است با همانگونه خط شماره ۲۵۷ و درتاریخ ۱۲٤٤ نوشته شد .

(۱۵۴ برگ) کاغذ فرنگی ـ جلد روغنی مانند شماره ۲۵۸

اندزاه : ۱۴٫۵×۲۴٫۵ و ۹×۱۷ س ۲۴

[۲٤۸]

۲٦۰ بخش چهارم (الحکمة المتعالیه) و پایان آنست با همانگونه خط شماره ۲۵۷ ودر۱۲۳۹ نوشته شد ودرهامش برگ (۱ب) نوشته‌است(...یوم‌الاثنین‌سابع‌شهر رجب‌المرجب من شهور ۱۲۳۷) .

(۱۴۴ برگ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد روغنی ومانند شماره ۲۵۸

اندازه : ۱۴×۲۴ و ۹×۱۷ س ۲۴

[۲٤۹]

۳۸۵ این نسخه نیز بخش چهارم (کتاب نفس) است وبخط نسخ باعنوانهای شنگرف وحاشیه‌ها بخط شکسته میباشد ودرپشت کتاب بخط و مهرعلم‌الهدی محمد پسر فیض کاشانی درتاریخ ۱۰۸۷ نوشته شده که ازروی نسخه نوشته‌شده‌ازروی نسخه فیلسوف شیرازی این نسخه را نوشته‌اند .

(۲۸۸ برگ) کاغذ ترمه سمرقندی – جلد تیماج سبز مقوالی تازه

اندازه : ۱۷×۲٦ و۱۰٫۵×۱۸ س ۲۵

[۲۵۰]

۳۸٦ این نسخه نیز بخش نخستین است وبخط تعلیق شکسته ریز باعنوانهای شنگرف وحاشیه‌هائی‌هم دارد ونویسنده آن‌محمدرضا بن‌محمد قدیم‌بن محمد کریم تبریزی است که درسپاهان درشب ۲۹ صفرسال ۱۲۳۲ ازنوشتن آن بیاسود .

(۲۴۳ برگ) — کاغذ ترمه سمرقندی جلد تیماج مشکی ضربی مقوالی

اندازه : ۱۸–۲٦٫۵ و ۹–۱۹ س ۲۵

[۲۰۹] **الحکومة فی حجج المثبتین للماضی مبدءاً زمانیا** (عربی)

خواجه ابوعلی سینا دراین رساله که یازده فصل است پس‌از آوردن چندین مقدمه منطقی وفلسفی از حدوث و قدم زمانی جهان بروش مشائیان گفتگو میکند ودلیلهائی که دسته‌ای آوردند وبرای گذشته آغاززمانی نپنداشتند میسنجد وآنهارا بساخت قیاسهای منطقی برمیگرداند وروشن میکندکه زمان وگیتی‌را آغازی‌نیست چنانکه درمبدء ومعاد ونجات وفصل ۱ مقاله ۹ الهی وفصل۱۱مقاله ۳ سماع طبیعی شفا نیزچنین گفت سید داماد درقبس ۷ قبسات بسخنان شیخ نگریسته ودرص۱۸۰ ازاین رساله یاد نمود .

آغاز : قال ابوعلی الحسین‌بن عبدالله بن سینا البخاری هذه رسالة عملتها فیما تقرر عندی من الحکومة فی حجج المثبتین للماضی مبدءاً زمانیاً وبیان تحلیلها الی القیاسات بصورها وبمادة مقدماتها معها .

انجام : فاذا بلغنا هذا المبلغ فلنختم المقاله و ههنا شبه اخری لم اتعرض لها اذاکان المشغول شرحه وایضاحه هو هذا النمط من الشبه والحمدلله رب العالمین .

[۲۵۱]

این نسخه شماره ٤ دفتر وبخط تعلیق نونویس از روی نسخه تاریخ ۱۲٦٦ **۳۸٤** میباشد قنواتی درش ۷۵ بنام (النهایة واللانهایة) ازآن یاد نمود ودرآغاز نسخه او پس‌ازعبارت بالا دارد : « وقدقسمت هذه‌المقاله الی فصول عشر » ودرفهرست طوس (ج ٤ ش ٦۹٤ ص ۱٤۲) ازآن بنام (رساله درمبدء زمان ماضی) یادگردید .

[۲۱۰] **حل مشکلات الاشارات** (عربی)

اشارات شیخ رئیس ابوعلی سینا چون دشوار بوده و باعباراتی کوتاه معـانی فراوان و باریك درآن گنجانده شده بود دانشمندان روزگار بشرح آن پرداختند . یکی ازآنها خواجه طوسی (۵۹۷ـ٦۷۲) میباشد .

او چنانکه در دیباچه شرح خود مینگارد این کتاب را برای روشن ساختن اشارات شیخ و رد اعتراضات فخررازی نوشته است ودرنیمه صفر ٦٤٤ آنرابپایان

رساندوروایت نخستین سلامان وابسال راپس ازاین و روایت دوم آنرا پس از بیست سال (٦٦٤) بر آن افزود .

[۲۵۲]

۲۴۷ این نسخه شمارهٔ ۱ دفتر وهمه شرح اشارات را دارد ودر انجام آن چنین آمده: «والله ولی السدادوالرشاد ومنه المبدء والیه المعاد وهومعین صالحی‌العباد و حسبنا الله ونعم الوکیل نعم المولی ونعم النصیر فرغ المصنف اعلی الله محله من تصنیفه فی اواسط صفر سنة اربع واربعین وستمأئة» وعبارت « رقمت اکثرها فی حال صعب» تاپایان نسخه چاپ تهران (۱۳۰۵) را ندارد. گ ۱ الف تا ۱٦۷ الف ـ شماره ۲ گزیده کمال الدین بحرانی است ازداستان سلامان وابسال ترجمه حنین بن اسحاق

۱۰ این نسخه بخط نسخ نوشته شده وتاریخ نوشتن شرح اشارات ٤ ج ۲ سال ٦۷۲ میباشد ونویسنده آنرا برای خود نوشته و۲۸ سال پس ازنگارش خواجه و۱٤ روز وشش ماه پیش ازمرك وی که در روزغدیر ۱۸ دی‌حجه ٦۷۲ رخ داده بود بپایان رساند. از آغاز تابرك ۱۹ بنسخ ریز وازبرك ۲۰ تا ۲٤ بنسخ درشت‌ترمیباشد واین دوخط مانا تازه‌تر است وازبرك ۲٤ تابرك پایان بنسخ درشت وبا اعراب است عنوانها بشنگرف ودرشت‌تر

۱۵ ازمتن میباشد حواشی دارد بتعلیق ودرشرح لغتها بفارسی وبخط تازه‌تری است وحواشی دیگری بازی دارد .

از دارندگان نسخه نام اینها دیده میشود : فضل‌الله حسینی — نجم الدین بن عبدالعلی‌ـ محمدتقی بن شیخ احمد جوهری درتاریخ ج ۱ سال ۱۹۱ (؟!)
(۱٦۸ برگ) . کاغذ ترمه سمرقندی . جلد تیماج سرخ زرکوب مقوائی
۲۰ اندازه : ۱۷×۲٦ و ۱۲× س ۳۵

(۲۱۱) حی بن یقظان (عربی)

شیخ رئیس سه داستان مرموزفلسفی وعرفانی (سلامان وابسال ـ حی بن یقظان ـ طیر) دارد و دومی را درفردجان نوشته و در آن گفته که بدرخواست یاران آنرا نگاشته و گزارش داده‌ام .

۲۵ گویا این داستان برسر زبانها بوده یا اینکه خود او درجای دیگر از آن یادکرده وشاگردان گزارش آنرا ازوی خواستند گویند شیخ دررسالهٔ قدرازحی بن یقظان و ابسال یاد نمود

بگفته ابن سبعین م ٦٦۹ شیخ در اینداستان از آئین (نوامیس) پلانون

و گفتار صوفیان پیروی نموده از تمدن و شهر نشینی و فلسفه کاوش کرد ابن سخن تا اندازه‌ای هم درست است چه پلاتون در آنجا خود را بنام یك بیگانه ناشناس آتنی نشان داده دربارهٔ ریشهٔ قانون با یاران خویش گفتگو کرد . فیلسوف فارابی که از جمهوری و آئین گرفته است درسیاسات مدنیه (ص ۵۷) ازنوابت ودر آراء مدنیه فاضله ص ۱۰۹ ازمتوحد یادنموده ودرتحصیل السعاده ص٤٦ گفته‌است که رهبر شایسته کشور خودبخود رهبر است خواه کسی ازش بپذیرد یاکسی اورا یار نباشد وناشناخته بماند همه اینها کسی را بیاد میآورد که خود بیاندیشد و بجهان بنگرد و براز آن برسد ونیك وبد را ازهم باز شناسد ابن باجه هم که تدبیر المتوحد نوشته‌است اندیشه چنین کسی را در آن نمایانده ودرص ۱۰و٥٤ از دو واژه « نوابت یا خودرو ومتوحد » یاد نمود. شیخ رئیس دراین داستان هم اندیشه و پندار یك مرد گمنام آزموده را نشان میدهد وشاید درنگارش آن از داستانهای ایرانی و بودائی که دراخوان صفا دیده میشود نیز بهره برده باشد میگویند ریشه آن همان داستان نوپلاتونی قبطی « ایمن ذریس ـ مردمدار » است که ازهوملس دانسته شده (۱) .

[۲۵۳]

۱۰۷٤ این نسخه شماره ۱۵ دفتر وبخط تعلیق گ ۲۱٦ الف ـ ۲۲۰ب میباشد .

---

۱ ـ حی بن یقظان را مهرن با ترجمه و گزارش گزیده آن بفرانسه بسال ۱۸۸۹ درلیدن بچاپ رساند ودرجامع البدایع و درمصر بسالهای ۱۲۹۹ و ۱۳۲۷ و ۱۳٤۰ و با حی بن یقظان ابن طفیل وسهروردی در۱۹۵۲ بچاپ رسید و بعبری نیز ترجمه شد (طریحی ۱۰۲) ابن زیلای مجوس سپاهانی و جوزجانی (بیهقی ص ۹٤) و بابا افضل کاشی برآن گزارش نوشتند .

نگاه به : ذریعه ج ۷ ص ۱۲۹ ـ سرگذشت جوزجانی - شرح طوسی براشارات ـ دیباچه احمد امین برچاپ اخیر این داستان ص۱۷ ـ متون ماسینیون ص ۱۲۹ ـ دیباچه‌ساز وپیرایه کاشانی چاپ۱۳۱۱ ـ ابن‌طفیل اندلسی بپیروی ازشیخ حی بن یقظان دیگری نوشته ودرپایان آن داستان سلامان را آورد وریشه آن گویا افسانهٔ (بت وشاه دخترش) باشد که درپیرامون اسکندرساخته‌اند ونسخه آن با حروف لاتینی آراگون سده۱٦دراسکوریال هست و اورنك فلسفی بدان داد . Gracian Balthazar در Critieon (سرقسطه Saragozza ۱٦٥۱)هم‌ازاین‌افسانه بهره‌برده‌است(دیباچه احمدامین ص ۹ ـ ۱۳ ـ ۱٤) داستان ابن‌طفیل را فضل‌الله بن جهان هیجی‌اصفهانی بپارسی کرد (دیباچه صلیبا برچاپ۱۹۳۵)

[۲۱۲] **حی بن یقظان منظوم** (عربی)

دراین بیتها داستان حی بن یقظان بنظم در آورده شده وسراینده آن دانسته نشد

آغاز:

حی بن یقظان ما حی بن یقظانا

سبحان موجد ذاك الشیخ سبحانا

شیخ من البلد القدسی منشأه

سری الینا فحیا و احیانا

انجام: لاشیء الطف منها ان من عرف القدیم اصفی جمیع الخلق اذهانا.

[۲۵٤]

این نسخه شماره ۱۸ دفتر و بخط نسخ خوش درچهارستون چلیپا ص ۱۶۸-۱۷۲

۱۰۳۵ و در پایان دارد « تمت القصیدة والحمدلله علی نعمائه الحمیدة فی شهر شعبان سنة ۱۰۹۷ ».

[۲۱۳] **خزائن** (عربی)

دانشمند مولی احمد بن مولی مهدی نراقی م ۱۲٤۵ این کتاب را که مانند کشکول بهائی جنگی است درهمه دانشهای آن روزگار نگاشته دنباله مشکلات العلوم پدرخود دانشمند مهدی نراقی م ۱۲۰۹ ساخته است و چندین بار یکی در ۱۳۰۸ بچاپ رسید.

[۲۵۵]

این نسخه بخط نسخ با نشانه‌ها و شکلها و عنوانهای شنگرف و محمد مسیح موسوی خوانساری در ۱۲۵۰ آنرا نوشته است و از دیباچه کمی ندارد و چنین آغازمیشود: « ونقلیة و فوائد عجیبة ودقائق غریبة ولکنه طاب ثراه اقتصرفیه علی المشکلات . . . وسمیتها بالخزائن ».

۸۳۷

(۳۱۳ ف) - کاغذ سپاهانی ــ جلد تیماج زرد ضربی

اندازه: ۱۵×۲۱ و ۱۰×۱۴ س ۲۲

[۲۱٤] **خلق اعمال** (عربی)

دانشمند دوانی (۸۲۸ ـ ۹۰۸) درباره آزادی خواست واراده این رساله را

نوشته و در آن از گفتار اشعری یاری نموده و گفت که او باندیشه خویش یا از روی سخنان پیامبر بتوحید افعال رسید دوانی در اینجا از شفا و تحصیل بهمنیار و رساله طوسی و رساله دقیق عمر بن الخیام شاگرد شیخ رئیس که همه از توحید افعال گفتگو کردند یاد میکند و میگوید که اگر عازم سفر نمی بودم برخی از سخنان خیام را گزین میکردم وی در پایان بخبر کلیات خمس علی (ع) اشاره میکند و میگوید که توحید افعال وصفات وذوات در آن آمده است.

آغاز: بسمله اما بعد حمدالله فتاح القلوب مناح الغیوب . . . فقد سالنی . . . مولانا سعید الملة والدین محمد السدنی الاسترابادی ... ان اکتب ماحضرنی فی الوقت من الدقائق المتعلقة بمسئلة خلق الاعمال.

انجام: ویکفی فی تحقیق هذه المراتب الکلیات الخمس المأثورة عن امیر المؤمنین ویعسوب الموحدین علی بن ابی طالب . . . فی جواب کمیل بن زیاد . . . فلینظر بنظر دقیق ویتفکر فیه بفکر عمیق ستجلی علیه انوار التحقیق والله ولی التوفیق.

[۲۵۶]

این نسخه شماره ۱۱ دفتری است دارای ۱۳ رساله و گفتار که بیشتر بنسخ

۸۸۱ با عنوانهای شنگرف و گاهی بتعلیق است و نویسنده آنها محمد بن فتح‌الله بسطامی میباشد که درمدرسه رزم ساریه قزوین ودرباغ قایدحسن در تاریخهای ۱۰۰۳ وروز آدینه ۱ وروز یکشنبه ۲ ع ۱ (؟) وروز شنبه ۱٤ وروز پنجشنبه ۱۷ ع ۲ (؟) وروز شنبه ۱۹ ج ۲ سال ۱۰۰٤ وروز دوشنبه ۵ ذی‌حجه سال ۱۰۰۵ ودرسال ۱۰۱٤ برای دارنده نسخه صدرالدین محمد تبریزی نوشته است واین نسخه بخط نسخ تاریخ روز یکشنبه ۲ ع ۱ سال ۱۰۰٤ ازهمان نویسنده است ازگ ٤۵ ب تا ٤۸ ب وگ ٤۹ الف ـ ۵٦ الف گفتارهای پراکنده است. نسخه ازاین نامه دوانی درطوس هست (ج ٤ ص ۱۲۷ ش ٦٤۷).

(همه دفتر ۳۳۳ گ) کاغذ سپاهانی ـ جلد مقوا ته میشن

اندازه : ۵ر۱۲×۵ر۷ و ۵ر۱۲×۱۲ س ۲۱

[۲۱۵] **خلق اعمال** (عربی)

دانشمند صدرای شیرازی بمانند استاد خویش فیلسوف داماد که ایقاظات و خلق اعمال (ش ٦٤۷ ص ۱۲۷ ج ٤ فهرست طوس) نگاشته است این گفتار را بپرداخت وی در آغاز میگوید که چون سخن درباره سرنوشت و آزادی دشوار

و مایه سرگشتگی بود ما این نامه را نگاشتیم و گفته های دانشمندان (اختیار ـ جبر ـ امر بین‌الامرین یا علیت خدا وقابلیت مستقیم وغیرمستقیم موجودات دربرابر فیض او) را در آن میاوریم سپس روش اهل‌الله یا وحدت وجود را یاد میکنیم این نامه دررسائل شیرازی بسال ۱۳۰۲ ص ۷ـ۳۷۱ ودر کنار کشف‌الفوائد حلی بسال ۱۳۰۵ بچاپ رسید .

[۲۵۷]

۴۳۱ این نسخه شماره ۱ دفتر وبخط نسخ محمدعلی بسال ۱۳۰۱ میباشدگ ۱ ب ـ ۱۱ الف

[۲۵۸]

۸۷۱ این نسخه شماره ۸ دفتر و بخط تعلیق محمدعلی که درمدرسه سپهسالار میرزا محمدخان قاجار بسال ۱۲۹۹ آنرا نوشت گ ۹۱ ب ـ ۹۳ ب این هردو نسخه تمثیل پایان رساله (س ۱٦ ص ۳۷۵ ـ ص ۳۷۷ چاپ ۱۳۰۲) را ندارد .

[۲۱٦] داستان سلامان وابسال (عربی)

این داستان فلسفی را حنین‌بن اسحاق (۱۹٤ـ۲٦٤) ازیونانی‌بتازی در آورد و آن‌در تسع رسائل درمصر بسال ۱۹۰۸ودر آستانه‌با روایت ابن خلکان ازسلامان وابسال شیخ بسال ۱۲۹۸ بچاپ رسید . سپس کمال‌الدین علی‌بن سلیمان بحرانی فیلسوف روزگارطوسی آن ترجمه را بااندك افزایش و کاهشی درعبارت گزین نمود (نسخه‌ها)و آن‌در کنارشرح‌اشارات طوسی‌چاپ۱۳۰۵(نمط نهم)بچاپ‌رسیدبی آنکه نامی از بحرانی در آن‌برده شود. شیخ رئیس بگواهی جوزجانی درسرگذشت نیز همین داستانرا نوشته و در آغاز نمط ۹ اشارات از آن یاد کرد رازی چون از این داستان آگاه‌نبودنتوانست درشرح اشارات سخن شیخ راروشن کند. طوسی‌دراینجا نخست ازافسانه‌های تازی یاد نمود آنگاه روایت نخستین (۱) راکه گزیده کوتاهی

۱ـ این روایت را جامی (۸۱۷ـ ۸۹۸) بنام یعقوب بیك پسراورن حسن آق‌قوینلو (۸۸۳ـ ۸۹٦) بنظم درآورد که رشید یاسمی‌درتهران بسال ۱۳۰٦خ بچاپ رساند و نظم جامی را اگوست بریکتو Aug.Bricteux بنثرفرانسوی ترجمه کرده وباسرگذشت جامی وترجمه روایت نخستین طوسی وبادیباچه‌ای درفلسفه وادب فارسی درپاریس بسال۱۹۱۱ چاپ کرد .

است از ترجمه حنین و پس‌از پایان دادن شرح خویش یافته بود بر آن افزوده و گفت‌که این را فیلسوفی نادان برای گزارش سخن شیخ ساخته است . پس‌از بیست سال (٦٦٤) روایت دومی از آن‌که جزداستان حنین است جسته و برشرح افزوده وگفت که این از شیخ است وگویا همان باشد که جوزجانی یاد نمود و شیخ نیز دررساله قضا وقدراز آن (وازحی‌بن یقظان(۱)) نامبرده است وعبارت اشارات هم با همین روایت میسازد و من گفتار شیخ را درباره این داستان نیاورده‌ام تا سخن بدرازانکشدشیخ‌در آغازرساله(طلسمات و نیرنجات) میگوید : ازمن‌داستان ابسال وسلامان‌که برتوده مردم پوشیده است پرسیده‌ای و من پس‌از آن از جادو وطلسم ونیرنگها وشگفتیهاکه کمتر از طبیعت سرمیزند آوردم و روشن میسازم‌که هریك چیستند تابتوان براز پوشیده رسید (۲) .

درداستان حنین‌که بحرانی از آن گزین نمود اندیشه یونانی و قبطی با هم آمیخته ومردی را نشان میدهدکه نه از پدر ومادر آفریده شده است . ابن طفیل م ۵۸۱ حی‌بن یقظان خویش را برپایه سرگذشت چنین مردی نهاده ودرپایان آن این داستانرا بریخت دیگری آورده است .

[۲۵۹]

۲۴۷ این نسخه شماره ۲ دفتریست دارای شرح اشارات طوسی گ ۱٦۷ ب تا ۱٦۸ب وبهمان خط نسخ شرح اشارات وبی‌حاشیه وساده‌میباشد وپیداست‌که درروزگارخواجه نوشته شده است .

آغاز نسخه : « هواللطیف ـ قال‌الحکیم کمال‌الدین‌البحرانی رحمه‌الله تعالی (تااینجا درنسخه چاپ تهران نیست) هذه قصة سلامان وابسال اللذین‌کانا فی زمن هرمانوس الملك‌بن هرقل السو فسطیقی انتجنت من نقل حنین ابن اسحاق من‌الیونانی الی‌العربی والکتاب‌الذی انتخبت منه کان بخط‌الشیخ ابی‌الحسین (ابی حسین ـ درچاپ تهران) اللوکری قال‌کان فی‌الزمن‌القدیم قبل طوفان النارملك یقال له هرمانوس » وانجام داستان درچاپ‌تهران چنین است : « وکان‌آخرما کتب‌الالواح من لسان‌سلامان

---

۱ ـ دیباچه حی‌بن یقظان چاپ دمشق ۱۳۵٤ ص ت .

۲ ـ چاپ تهران درکنارشرح هدایه شیرازی‌ص ۳٤۵

ان اطلب العلم والملك من العلويات الكاملات فان الناقصات لاتعطى الا ناقصا . و آخر دعوانا ان الحمدلله . . . وسلم » .

انجام نسخه ما این است : « ان يهلك ابسالاحتى يستريح منها فقال له هرمانوس ايها » وبرابراست با سطر ۱۳ ص ۱٦۳ ترجمه حنين وسطر ٦٦ هامش صفحه ۲ نمط ۹ شرح اشارات چاپ تهران وبيشتر از نيمه اين داستان در نسخه ما نيست .

[۲۱۷] **دره ناخره** (عربی)

فرزانه روشن بين عبدالرحمن دشتى فارسى جامى (۸۱۷-۸۹۸) اين نامه را درباره آئين صوفيان ومتكلمان وفيلسوفان باستانى وسخن آنها درباره هستى خدا وچگونگى آفرينش اين همه هستى‌ها ازخداوند يكتا نگاشته است .

آغاز : بسمله وبه نستعين الحمدلله الذى تجلى لذاته بذاته فتعين فى باطن علمه مجالى ذاته وصفاته ... فهذه رساله فى تحقيق مذهب الصوفيه والمتكلمين والحكماء المتقدمين وتقرير قولهم فى وجود الواحب . . . وكيفية صدور الكثرة من وحدته .

انجام : وقال الحكماء افعال العباد واقعة على سبيل الوجوب . . . اذا قارنت حصول الشرايط وارتفاع الموانع والله اعلم .

[۲٦۰]

۸۹۷ این نسخه شماره ۸ دفتر است وبخط نسخ تاريخ ۱۰۹۷ گ ۱۵۳ الف ـ ۱۹۵ الف . درطوس شش نسخه بشماره‌های ۱۷ (ج۱ ص ۱۵) و ٥٦٦ تا ٥۷۰ (ج٤) ازاين نامه هست كه درپايان يكسان نيستند ونسخه مامانند شماره ٥٦۷ ميباشد . ميرزا محمدحسين رئيس الكتاب ازدارندگان اين دفتر بوده ومهر او ديده ميشود (۹۷ الف و ۱۳۰ الف) .

[۲۱۸] **الدعاوى التنبيهية** (عربی)

اين نگارش فارابى درص ۹۱ شناسانده شده است .

[۲٦۱]

۱۰۳۰ اين نسخه شماره ٦ دفتر و بخط تعليق با نشانه‌های شنگرف گ ٦۷ ب ـ ۷۲ الف. ده‌پند ازافلاطون وسه پند ازسقراط و۲ پند ارسطو دردنبال ديده ميشود عنوان رساله در نسخه ماچنين است : « الدعاوى التنبيهية المنسوبة الى ارسطاطاليس الحكيم محررة عن الحجج لابى نصر الفارابى » .

[۲۱۹] **ذکر** (عربی)

فیلسوف کندی بغدادی دراین گفتار از تذکر که افلاطون آنرا با تعلم یکی میداند کاوش میکند وروشن میسازد که روان از جهان عقلی چه چیز را و چگونه درجهان حسی بیادمیآورد ونیزیادآوری ازجهان حسی درجهان عقل چگونه است وبکسی که این نگارش را ازاودرخواست واوآنرادرخورهوش وی وبروش پرسش و پاسخ نوشته است میگوید که این مسئله دشوار وبرای پست تر از تو نیازبشرح بیشتری دارد. دراینجا باتحاد عاقل ومعقول اشاره میشود.

آغاز : والفصل العاشر رسالة فی شرح ما للنفس ذکره مما کان لها فی عالم العقل اذصارت فی عالم الحس ومالها ذکر مما فی عالم الحس ان صارت فی عالم العقل. سددك الله سبیل الخیرات وحصنك من شبك الخیرات وهداك الی اغراض الخفیات.

انجام : وهذا القول فیماطلبت کاف فکن به سعیدا والحمدلله کفانعمه ومنتهی امالنا وهوحسبنا وبه نستعین.

[۲۶۲]

۳۸٤ این نسخه شماره ٦ دفتراست ص ۱ـ۸

[۲۲۰] **ذکر اسباب الرعد والبرق** (عربی)

شیخ رئیس دراین نامه که در دکن بسال ۱۳۵۳ بچاپ رسید از رعد وبرق وصاعقه گفتگو نمود.

[۲۶۳]

این نسخه شماره ٦ دفتری است دارای ۱۱ رساله ادبی وعرفانی وفلسفی بخط

۱۰۸۹ تعلیق محمدتقی تفرشی بسال ۱۳۵۵ وحسن تقدیسی بسال ۱۳۵٦ که ۱ آن فرهنك منظوم تازی بپارسی است گ۲ ب ـ ۸ الف و۵ آن تفسیرعین الحیوة بهائی است گ ۳۷ ب ـ ٤۲ الف و ۹ تفسیر باطنی و عرفانی و فلسفی سوره اخلاص ابن سینا که درآن از شناساندن چیز بی سبب وبسیط بلازم قریب یاد میکند و آنرا از تعریف مرکبات بمقومات کمتر نمیداند وبمنطق شفای خویش بازگشت میدهد (ص۳۰٤ چاپی در کنار شرح هدایه شیرازی) وازهمین پیداست که این تفسیر از شیخ است. گ۷۱ب ـ

٧٤ ب و ١٠ تفسیرسوره فلق شیخ است گ ٧٤ ب ـ ٧٦ الف این رساله بخط تعلیق تقدیسی است گ ٥٧ ب ـ ٥٩ ب قنواتی در ش ٥٥ ازآن یاد نمود .

(همه‌دفتر ٩٦ گ) ـ کاغذ فرنگی — جلد مقوا

اندازه : ١٣×٢٠ر٥ و ١٠×١٦ر٥ س ١٩

٥ [٢٢١] **راحله توفیق** (فارسی)

این‌رساله بدستورشاه عباس‌دوم‌صفوی(١٠٥٢ـ١٠٧٧)ازروی‌خبرهای شیعی که ترجمه بپارسی میشود درباره اسب نوشته شده و یك مقدمه (سبب رام شدن اسبان) ودومقاله(سوداسبها – نشانه خوبی وبدی آنها) وخاتمه (آداب سوارشدن اسب) میباشد .

١٠ **آغاز** : بسمله . سمند باد پای اندیشه را که بهمعنانی ادهم قلم از قید ذلت وامکان جسته مطلق‌الیمین درساحت عزت ووجوب جولان نماید

انجام : هرگاه این کلمات را بگوید محفوظ خواهد بود نفس اووچهارپای او تاوقتی که فرودآید . والسلام علی من‌اتبع‌الهدی .

[٢٦٤]

این نسخه شماره ٤ دفتراست وبخط شکسته‌تعلیق‌ازروی نسخه نگارنده نوشته
١٠٣٨ شده گ ٣٤ ب ـ ٣٧ الف درپایان‌دارد : «بلغ‌من‌اوله الی‌آخره من‌نسخة بخط مؤلفه رحمه‌الله بقدرالوسع والطاقة » .

[٢٢٢] **ربط‌الحادث بالقدیم** (عربی)

خواجه طوسی دراین رساله از ربط آفریده حادث با آفریدگارقدیم گفتگو
٢٠ کرده از استاد خود امام سعید فریدالدین محمد نیشابوری با عنوان (رحمه‌الله) (گ ٥٩ الف) و از دوری که او درباره عدم لاحق و سابق موجود آورده است یاد میکند .

آغاز : بسمله قال‌الحکماء العله التامه‌لاتنفك عن معلولها بتمامه

انجام : فهذا ما تقررعندی من مذهبهم فی الموضع والله ولی التوفیق للخیر وهوالملهم للصواب . تم‌الکلام .

[۲۶۵]

۳۷۳ این نسخه شماره ۳ دفتر و بخط تعلیق شکسته تاریخ ۱۰۸۵ ک ۵۸ ب ـ ۶۰ الف میباشد .

[۲۲۳] رساله درباره تجلی خداوند بر کوه طور (فارسی)

از خواجه سلطان محمد نواب سپاهانی بروش عرفانی و علم حروف درحل مسئله پاشیده شدن کوه طور و برجای ماندن تن موسای پیامبر درهنگام تجلی خداوند

آغاز : هو ـ حلی که نواب اصفهانی خواجه سلطان محمد نمودند ـ تجلی حضرت بر کلیم‌الله درطورسینا .

انجام : پس براین تقدیرحرف ثالث بترقی حرف رابع بوده باشد والسلام .

[۲۶۶]

۳۸۲ این نسخه شماره یکم دفتر است و بخط تعلیق در ۳ صفحه رویه برگ ب ـ رویه برگ ج .

(۶+۱۱۶+۲ برگ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج زرد

اندازه : ۵ر۹×۵ر۱۹ و۶×۱۵ س ۱۹

[۲۲۴] رساله فلسفه (عربی)

نگارش ابن کمونه اسرائیلی است که در آن ازمنطق بروش متأخران درباب ۱ ودر۷ فصل وازالهی درباب ۲ تا ۷ (امورعام ۷ فصل ـ اعراض وجودی واعتباری ۹ فصل ـ جسمهای طبیعی ٤ فصل ـ نفسها ۷ فصل ـ عقلها ۷ فصل ـ خدا ۷ فصل) گفتگو نموده ودفتریست سودمند وروان و شیوا که برای امیرعزالدین فخرالاسلام والمسلمین معتمدالدولة مجدالملك مفخرالعراقین دولتشاه پسر امیرسیف‌الدین سنجر صاحبی هنگامیکه نزد پسرش بسر میبرده‌است بنگارش درآورد ودربامداد پنجشنبه ۱۹ ذی قعده سال ۷۰۶ بپایان رساند (۱) .

---

۱ ـ درالحوادث الجامعه ابن الفوطی بغدادی ص ٤٤١ می‌نویسد که ابن کمونه را پس از تکفیر فقیهان بسال ٦٧٣ نهانی بحله بردند ودر آنجا درگذشت و آشکار نمیسازد که درچه سالی بمرد . از تاریخ کتابهایش پیداست که وی درسالهای ٦٦٧ و ٦٧٠ و ٦٧٩ و ٦٩٠ و ٧٠٦ زنده بود .

نگاه به : گفتار نگارنده درمجله جلوه سال ۲ شماره ٦ و ۷ تاریخ ۱۳۲۵ ص ۹ ـ ۳۰۸ ـ ذریعه ج ۲ ص ۷ ـ ۲۸٦ و ج ٤ ص ٤٠٦ و ٤٢٥ و ۸ ـ ٤٦۷ ـ دیباچه آقای کربن بر تلویحات ومقاومات ومطارحات ص ٦٥ ـ تذکرة النوادر ش ۲۰۷ ص ۱٤٥ که از نسخه ش ۲٤٤۷ ایاصوفیا یاد میکند و گویا همین کتاب باشد .

ابن کمونه درفصل ۲ باب ۷ (ص ۱ـ۲۵۰) این دفتر ودرلمعه (ش ۸۶۱/۱۶ گ۱۳۹ب ـ۱۴۰الف) ازشبهه‌ای که ازاو پنداشتندیاد کرده‌وردنمود وپیدانیست که چرا دانشمندانی مانند داماد و صدرای شیرازی و محقق سبزواری درباره او این اندازه بدگمان شده وگاهی نکوهش کردند .

آغاز : بسمله قال‌العبد . . . سعدبن منصور بن سعیدبن الحسن بن هبةالله بن کمونة . . . احمدالله تعالی . . . وبعدفقداتفق ارباب‌العقائدالعقلیه والدیانات‌النقلیه .

انجام: اوجب له التامل وثوقاتاماوطمأنیة الی سعة رحمةالله تعالی فی‌الاخرة فاسئلك اللهم ان تجعلنی من‌اهلها وتدخلنی فی زمرة عبادك‌الصالحین . . . والحمدلله حمدالشاکرین تم بالغدیوم‌الخمیس‌التاسع عشرمن‌ذی‌القعدة من سنة ست وسبعمأئة

[۲۶۷]

۲۴۸ این نسخه بخط تعلیق‌خوش‌دانشمندشادروان میرزایدالله نظرپاك کجوری است که در۱۳۵۰ بخش منطق ودر۳ ع ۲ سال۱۳۵۱ الهی را بپایان رسانده . عنوانها بشنگرف وحاشیه‌هائی از کجوری‌درهامش‌هست ـ درطوس نسخه‌ای هست (ج۴ ش ۱۰۰۷ ص ۲۴۵) که مانا همین رساله ما باشد .

(۴۹۰ ص) ـ کاغذ فرنگی — جلد تیماج سرخ ساده مقوائی
اندازه : ۱۶×۲۰٫۵ و ۱۱×۱۷ س ۱۳

[۲۲۵] رساله فلسفی (فارسی)

این‌رساله را سیدشریف گرگانی (۷۴۰ـ۸۱۶) درپاسخ پرسشهای‌اسکندربن عمر شیخ بن تیمورگورکانی که ازسپاهان بسال ۸۱۵ برای اوفرستاده‌است نگاشته ودرده فصل میباشد (پوزش‌خواهی برای کوتاهی‌ادراك ـ حکمت آفرینش ـ آفریده نخستین ـ آمیزش جان و تن و جدائی آنها ـ پاداش و کیفر رستاخیز ـ فرشته ـ اهریمن ـ صراط و پرسش وترازو ـ معراج پیامبر ـ پند بزرگان) .

آغاز : حمد بیحد مرحضرت باری راکه عین بصیرت انسان را جهت دریافتن حقایق ودقایق منور وروشن گردانید .

انجام : واشاره بتوحید از آنجاناشی میشود والله اعلم‌بالصواب والیه‌المرجع والمآب .

[۲٦۸]

این نسخه شماره ۳۷ دفتر است و بخط تعلیق ۲۰ ذی‌قعده ۱۰۹۷ ص ۳۱۲
۱۰۳۵ این رساله درنسخه ما ۷ فصل و یك خاتمه است وچنین آغازمیشود : « هو رساله میرسید شریف که بجهت سلطان طغرل تصنیف کرده . فصل درتمهید معذرت جهت قصورادراك . درعبارت اکابرعلما بحث وفکرت تصریح کرده‌اند » اینکه رساله برای سلطان (ابوسعید) طغرل نگاشته شده باشد چنانکه در ش ۱۲۹ (ج ۱ ص۴۱فهرست‌طوس) هم یادشده نادرست‌است. درطوس‌شش نسخه دیگر (ج ٤ ش۳٤۰ تا۳٤۵) هست‌واسکندریه نامیده شده. بنگرید بشماره ۱۰۳۷/٤ص۱۹۳ این‌فهرست .

[۲۲٦] رساله وجیزه درنفس ناطقه (فارسی)

دراین گفتار شش دلیل بربود نفس ناطقه آمده و در سه فصل پس‌از آن از پایداری وخوشی روان گفتگومیگردد .

آغاز : بسمله . بدانکه معرفت مطلوب که حق تعالی است سهل است جدا ازقبل خود .

انجام : و بنورقدس واصل نمیشود و درظلمات بعذاب الیم معذب میگردد واعوذ بالله .

[۲٦۹]

۱۰۸۸ این نسخه شماره ٤ دفتراست وبخط تعلیق گ ۲۱ الف ـ ۲۵ الف .

[۲۲۷] روان شناسی (فارسی)

این رساله بفارسی‌است ودرروانشناسی عقلی ودر آن از« حس ومحسوس » ارسطو یادمیشود وگفتار او درباره خواب میاید (۱۰۳الف ـ ۱۰۹ب ـ ۱۱٤ب) .

[۲۷۰]

این نسخه شماره ۱۸ دفتر وبخط تعلیق کرکی با عنوانها بعربی وشنگرف
۲۵۳ بسال ۱۰۷۵ گ ۱۰۳ الف ـ ۱۱٤ ب و از آغاز ندارد و چنین است : « دارد . دوازدهم چیزآنست که عرش قوی بود برآنچیزی که بباید کردن و دلیر و پیشرو بود بکردن آن چیز ـ لایلحق‌الباری شبهة وکثرة وقدتمت الرسالة . . . فی اواخرشهرذی حجةالحرام ۱۰۷۵ والحمدلله وحده‌العزیز» وفصلهای

رساله دراینها است : « اندامها و نیروها وجانهای آنها - جانها و پایه‌های آن - نیروی پندار وخواب و اثرهای آن - خواب - کار نیروی پندار درخواب و بیداری - نیروی خدائی - نیروها بزبانهای گوناگون - کار نیروها درخواب - عقل فعال - جسمهای هیولانی - نیروی دریابنده جان - چگونگی دریافت - دانسته‌های گوناگون و آنچه اولی وروشن است - سعادت - نیکی و بدی وزشتی و زیبائی - صفتهای خدا و توانائی و یگانگی او » فصل پایان کتاب بتازی است .

[۲۲۸] روانشناسی وخداشناسی (فارسی)

دراین رساله روان وخدا شناخته شده است .

آغاز : یا واحد . بسمله . اما بعد بدانکه این مختصر کتابی است در بیان معرفت نفس وعلم خداشناسی ودانستن لقای حق .

انجام : سودا سرد وخشك است ، چنانکه درزمستان سرد و تر است خاك سرد وخشك است .

[۲۷۱]

۱۰۳۸ این نسخه شماره ۸ دفتر وبخط شکسته تعلیق گ ۵۵ ب - ٦۵ الف .

[۲۲۹] روائع الکلم وبدائع الحکم (عربی)

این کتاب دارای دومقدمه دردومطلب ودوباب است (۱ هستی‌های گوناگون ۲ - طبیعیات در ٤ مقصد) ودر آن ازطوسی ودوانی (۲۰۸ب) یادشده واخبارشیعی دیده میشود .

آغاز : بسمله وبه نستعین الحمدلله صمدا خالدا مع خلوده حمدایوافی دوام جوده . . فانی کنت قبل هذا قد صنعت لابواب خزائن الحکمة مفاتیح المنی .

[۲۷۲]

۸۸٦ این نسخه شماره ۲ دفتر است و نخستین آن شمائل ترمذی (۱ ب - ٦۳ الف) میباشد وبخط نسخ با عنوانهای شنگرف ودر پایان باب ۱ (۱٦۰ ب) دارد که محسن بن علی موسوی درشام پنجشنبه ۸ ذی‌قعده ۱۲۷۰ آنرا نوشته‌است ونسخه در مشکوة ۵ مقصد ۳ باب ۲ پایان میابد بدینگونه « مشکوة . اذاکان دورة واحدة اواجتماع عدة دورات ... ولم تعیره الحرکات والادوارفیحدث مثل ماسبق لاعینه» ودر

شوشتر نوشته شده واز آن کتابخانه احتشام‌الدوله بوده است گ ۶۵ ب ـ ۲۲۲ ب
(همه دفتر ۳۴۵ گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ضربی
اندازه : ۱۵×۲۱٫۵ و ۸×۱۵ س ۱۵

[۲۳۰] روح (رساله در تحقیق ...) (عربی)

دراین‌رساله که ازبرخی‌از صوفیان دانسته شده از « روح اعظم » که پرتو ونمایش پروردگار است گفتگو گردید .

آغاز : بسمله وحمد وصلوة . واعلم‌ان‌الروح‌الاعظم‌الذی‌فی‌الحقیقة‌هوالروح الانسانی مظهرالذات الالهیة من حیثیة ربوبیتها .

انجام : فمن‌تحقق له حال‌الرب مع‌المربوب تحقق له ماذکرناه وهوالهادی الی سواء السبیل .

[۲۷۳]

۱۰۳۸ این شماره ۱۰ دفتر وبخط شکسته تعلیق مورب گ ۷۳ ب ۷۴ الف

[۲۳۱] روضة‌القلوب (فارسی)

دفتری است بپارسی واز مسئله های طبیعی و الهی که بدو جهان تن و جان بستگی دارد گفتگومیکند و در نسخه ما از خواجه طوسی دانسته شدکه بمشرب تأویل و روش اسمعیلیان در آن سخن راند خواجه کتابهای دیگری هم دارد مانند آغاز وانجام وسیر و سلوك که بچاپ رسیده و روش تأویل در آن پیداست و کتاب دیگری بنام روضة‌التسلیم یا تصورات هم ازاو دانسته شدکه دربمبئی بسال ۱۹۵۰ بچاپ رسیده وروش اسمعیلی در آن پیدا است .

این کتاب را خواجه طوسی برای گروهی ازمردم سپاهان که با آنها نشست وخاست داشت وبدرخواست آنان نوشت وروضة‌القلوب نام‌نهاد نسخه‌ای درمجلس ش ۶۳۹/۳ هست .

آغاز : بسمله سپاس خدایراکه بی‌واسطه بجودخود وجودمارا پیداکرد ... جماعتی اصحاب دل ازاهل سپاهان که مرا بایشان نشست وخاست بود درخواستند تاکلمه چند برحقیقت جمع کنم و این را روضة‌القلوب نام نهادم .

انجام وسخنی که ازبزرگان باشد باخود میگوید که آنرا اثری عظیم باشد و این ضعیف را اگر اتفاق افتد یاد کند انشاءالله تعالی تمت الرساله روضة القلوب بالخیر والظفر .

[۲۷٤]

۱۰۸٤ این نسخه شماره ۱ دفتر وبخط تعلیق با نشانه‌ها وعنوانهای شنگرف است وازبرك ۲ ب تا ٤٥ ب. دوم آن تحفه خواجه طوسی میباشد .

[۲۳۲] **الرؤیا** (عربی)

از نگارشهای کوچك ارسطو «کتاب الذکر والنوم» درقفطی و خزرجی یاد شده ومورخان ازطبایع صغری Parva Naturalia «النوم والیقظه ـ الاحلام. الکشف فی النوم» (۱) را بشمار آوردند واین رساله کوتاه باید از اولی یا دومی گرفته باشد .

آغاز : مقالة من کلام ارسطوطالیس فی الرؤیا . قال الرؤیا حرکة للبقایا التی بقیت من المحسوسات .

انجام : وربما رکبت هذه الصور ترکیبا عبثا و یسمی اضغاث احلام .

[۲۷۵]

۲۵۳ این نسخه شماره ۱۳ دفتر وبخط تعلیق کرکی گ ۹۰ ب ـ ۹۱ الف میباشد .

[۲۷٦]

۳۳۹ این نسخه شماره ۲۳ دفتر ودربرك ۷۹ است.

[۲۷۷]

۸۸۱ این نسخه شماره ۷ دفتر وبخط نسخ دربرك ۳۲ ب میباشد .

۱- حس ومحسوس وحافظه وتذکرهم ازطبیعیات صغری‌است وچنین‌است نام‌لاتینی آنها :
De seusu et sensilibus—De memoria et reminscentia—De somno et vigilia - De somniis—De divinatione per somnum
همه اینها را ابن‌رشد پس‌ازبرخورد دوم بسال ۱۱٦۹ با یوسف موحدی و ابن‌طفیل گزین نموده ودرآنها ازسال ۱۱۵۹ یادکرد .

[۲۳۳] **ره انجام نامه** (فارسی)

از افضل‌الدین کاشانی است درشناخت هستی وخود و آگاهی ودانش وسود آن دو . این کتاب در ۱۳۱۵ خ (ش ۵ انتشارات دانشکده معقول) ودر۱۳۸نشریه دانشگاه بسال ۱۳۳۱ بچاپ رسید .

[۲۷۸]

۳۴۰ این نسخه شماره ۷ دفتری است بسیار پاکیزه بخط تعلیق زیبا با عنوانها ونشانه‌های شنگرف گ ۱۰۵ ب - ۱۲۳ ب ودرمیان آن (گ۱۱۱-۱۱۳ الف) چهارعنوان یاگزیده کیمیای سعادت غزالی‌است ازکاشانی بدینگونه : دیباچه - در۱و۴و۵و۶و۱۰ گفتار ۱ - گفتار ۲ - اندکی ازچهارعنوان - بازگفتار۲- در۱و۳ گفتار۳- در۶و۷و۸و۹و۱۰ گ ۱ - در۲و۳ گفتار ۳ از س ۴ گ ۱۱۸ الف تا س ۸ گ۱۲۱ب بازازجای دیگراست این نسخه دراینجا بسیار آشفته وآمیخته میباشد

[۲۷۹]

۴۳۱ این نسخه شماره ۲۱ دفتراست وبخط تعلیق گ۳۲۱ الف -۳۴۰ ب وجناب آقای مشکوة آنرا با دونسخه تاریخ ۱۱۰۴و۱۳۳۰ برابرنموده است .

[۲۸۰]

۱۰۳۶ این نسخه شماره ۷ دفتراست و بخط تعلیق خوش ملامحمد مهدی رودباری پایان ع۲ سال۱۱۰۴ گ۵۰ب-۵۶الف درپایان دارد : « تمام‌شدسه گفتار خواجه افضل‌کاشی مسمی بره انجام » .

[۲۳۴] **زوراء** (عربی)

دانشمند دوانی (۸۲۸ - ۹۰۸) این رساله را در نجف بسال ۸۷۲ نوشت درچندمسئله فلسفی (علت درخود ذات معلول اثر میکنند نه درظهور آن و معلول جز علت نیست و پرتوی است ازآن و استحاله نابود شدن است یا نه و صورتها درنیروهای خرد وشعورچگونه هویدا میشوند . . .)که بنام‌گزیده‌آورده وباروش نوینی ازآنهاکاوش‌کرده است .

آغاز : بسمله . . . الحمد لذاته لولیه بذاته . . . فهذه نبذة من الحقایق بل زبدة من‌الدقایق .

انجام : ولایفلح الساحرحیث اتی ولا تنسی فی اوقاتك واشرکنی فی صوالح دعواتك والصلوة . . . علی آله و صحبه‌اجمعین والحمدلله رب‌العالمین حمدا کثیرا مبارکافیه .

[۲۸۱]

۱۰۴۶ این نسخه شماره ۲۷ دفتر و بخط تعلیق شکسته رجبعلی بن جواد علی مازندرانی بسال ۱۰۶۲ گ ۱۳۰ ب - ۱۳۲ الف. زوراء درچاپخانه‌حسینیه بسال ۱۳۲۶ بچاپ رسید - فهرست طوس ش ۷۴۴ .

[۲۳۵] سخنان فلسفی (عربی)

گفتارهائی است درباره هستی خدا و آفریدگان از شمسای گیلانی ودر آن از استاد خود چنین یاد میکند « وجمیع ماذکرنا تفصیلا هومختارالاستادالفیلسوف الکبیر قدس سره فی تصانیفه‌القدسیة و کتبه‌النوریة » گ ۱۴۷ ب و از خاق اعمال دوانی (۱۵۱ الف) و شرح هیاکل او (۱۴۵ الف) نام میبرد درپایان میگوید : این برگها را بروش اهل تاله واشراق در ۱ صفرسال ۱۰۴۷ درحجاز نوشته‌ام .

آغاز : اعلم ان‌الوجود بلاعلة یجب‌ان یکون وجود اقائماً بالذاته .

انجام : وقدوقع‌الفراغ من تسوید هذه‌الاوراق . . . فی اول شهر صفر . . . فی بلدة‌الحجاز . . . فی سنة سبع واربعین بعدالالف .

[۲۸۲]

۹۲۶ این نسخه شماره ۱۱ وبخط تعلیق‌ریز باحاشیه (منه‌دام‌ظله) ۱۴۵ الف-۱۵۱ الف دربرك ۱۴۴ب رمز « س م س رحمه‌الله » دیده میشود واشاره بشمسا میباشد .

[۲۳۶] سلسله موجودات (فارسی)

دراین رساله رشته هستی‌ها ازخدا تا طبیعت یاد میشود .

آغاز : بسمله الحمدلله رب‌العالمین . . بدانکه جمله حکما میگویند که واجب‌الوجود لذاته موجب بالذات است از ذات واجب‌الوجود یك جوهر صادر شد .

انجام : و بکمال ندارند بمرور ایام از آن خلاص یابند والسلام علی من اتبع الهدی فی ۱۷ شهر رجب ۱۲۹۲ .

[۲۸۳]

۸۷۶ این نسخه شماره ۱۱ دفتر و بخط تعلیق گ ۸۲ ب ـ ۸۶ الف میباشد .

[۲۳۷] **سواد العین فی حکمة العین** (عربی) ۵

شمس الدین محمد خفری برشرح شمس الدین محمد بن مبارکشاه مشهور بمیرك بخاری جنگی برحکمة العین دبیران قزوینی وحواشی آن تعلیقهائی نگاشته سپس همه راگرد آورده وچنین نامید .

آغاز : بسمله الحمدلله رب العالمین . . . فیقول . . . محمدبن احمد الخفری قد اتفقت منی فی سالف الزمان تعلیقات علی شرح حکمة العین و حواشیه و سمیتها ۱۰ سواد العین فی حکمة العین .

انجام : الوجود الحقیقی الذی اثبته المحققون فاعلم ذلك انه دقیق . تمت الرسالة

[۲۸۴]

۳۸۰ این نسخه شماره ۱ دفتر و بخط نسخ با عنوانهای شنگرف گ ۱ ب ـ ۳۷ الف ـ درطوس نسخه‌ای بشماره ۱۴۲ (ج ۱ ص ۴۵) هست . ۱۵

(همه دفتر ۹۵ ۳) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج مشکی ساده

اندازه : ۱۲×۱۸ و ۸×۱۲ س ۲۱

[۲۳۸] **سواد العین فی حکمة العین** (عربی)

این حاشیه برمبحث طبیعیات است و از همان خفری و باید دنبال حاشیه ۲۰ پیش باشد .

آغاز : بسمله و به نستعین فی العلم الطبیعی هو الذی موضوعه الجسم الطبیعی . . . وفیه مقالات اختار فی عددها اول الاعداد الدائره وهو خمسة اختارها فی القسم الاول .

انجام : وقد تقرر ان التحت فی غایة البعد عن الفوق و ثالثها ماذکره المحشی .

[۲۸۵]

۳۸۰ این نسخه شماره ۳ دفتر و بخط تعلیق ریز و بی‌نقطه و جای عنوانها سفید ۲۵ میباشد گ ۶۲ب ـ ۹۵ ب ـ درگ ۶۱ الف درباره این حاشیه نوشته‌است :

«کتاب سوادالعین وهوحاشیة حکمةالعین صنفه المولی ... محمدالخفری ...» ودوصفحه بعدی سفید است .

[۲۳۹-۲٤۰] سیب نامه (فارسی وعربی)

این گفتار بمانند فادن پلاتون نگاشته شده و گفتگوی ارسطو را دردم مرگ باشاگردان خویش نشان میدهدو بنام رساله تفاحه یاتفاحیه Liber de pomo خوانده میشود. در آن ازهرمس پروردگارافسانه‌ای یونان بنام پیامبریاد شده‌است . چنین گفتگوئی میان ارسطو و شاگردانش نشده و پیدا است که آنرا ساخته‌اند چنانکه گاهی آنرا از سقراط دانستند (نسخه ۲۹۰ اخلاق کتابخانه تیموری قاهره بنام مختصر کتاب التفاحة لسقراط) متن درمجله مقتطف در ۲۰-۱۹۱۹ بچاپ رسید(۱) بابا افضل کاشانی آنرا بپارسی کرد و مارگلیوث این پارسی را در روزنامه انجمن آسیائی همایونی با ترجمه انگلیسی و بررسی درباره مترجمان آن بسال ۱۸۹۲ ص۱۸۷-۲۵۲ بچاپ رساند بی آنکه بداند ازکاشانی است بازهمین پارسی درتهران بسال ۱۳۱۱ ودرنشریه ۱۳۸ دانشگاه بچاپ رسید و نسخه‌ای درمجلس (۶۰۳/۵) هست .

[۲۸٦]

٤۰۲ این نسخه بپارسی از کاشانی و شماره ۷ دفتر بخط تعلیق سال ۱۰۷۹و۱۰۸۰ گ ۵۷ ب - ٦۲ الف .

[۲۸۷]

٤۳۱ این نسخه نیز پارسی کاشانی وشماره ۳ دفتر وبخط شکسته تعلیق محمدعلی بتاریخ ۱۰۳۱ گ ۸۰ ب - ۱۱٦ ب میباشد .

---

۱ - اخوان صفا (ج ٤ ص ۱۰۰ مصر) و بیهقی ص ۱۸۹ وابن سبعین درنامه خود بفردریك ۲ ازآن یادکردندوموسی بن میمون آنرا ساختگی دانست وبعبری ولاتینی وآلمانی ترجمه شد - بفکرید به : تاریخ فلسفه اسلامی دبوئر ازابوریده ص ۲۰ — متون ماسینیون س ۱۷۸ - دکترخضیری دررسالة الاسلام ش ٤ سال ۱ ص ۱۰-۴۰۳- دیباچه ارسطوعندالعرب ص ۸ - دائرة المعارف اسلامی کلمه ارسطو

[۲۸۸]

این نسخه بتازی وشماره ۲۲ دفتر ص ۱۸۸–۱۹۶ وآغاز وانجام آن چنین
۱۰۳۵ است : « هو بسمله . مقالة للحکیم ارسطا طالیس لتلامذته فی حال النفس
فی المنقلب قالها عند ماحضرته الوفاة . لماقرب لارسطا طالیس اجله اجتمع
الیه اصحابه و تلامذته . فاخذ بید قریطون فوضعها علی وجهه و قال اسلمت نفسی الی
قاتل انفس الفلاسفة ثم قضی . نجزت . ولله الحمد کثیرا والصلوة . . . السلام .

[۲۴۱] سیر وسلوك (فارسی)

نگارشی است از خواجه طوسی که بدرخواست وزیر قطب الدین مظفر بن محمد گردآورده واعتقاد خویش را درآن نوشت و بناصر الدین مظفر بن مؤید داد تا بدربار رساند و پاسخ گیرد . طوسی میگوید پدرم از دائی خویش که شاگرد داعی الدعاة تاج الدین شهرستانه بوده است بیاموخت وخودم از کمال الدین حاسب شاگرد باباافضل کاشی هنر ریاضی آموختم واو هماره ازظاهریان و متقلدان اوضاع شریعت نکوهش میکرد ومرا این سخنان دلپذیر میآمد مگر اینکه ازاودرخواستم لب حقیقت را برایم هویدا سازد مراکودك دانسته وشایسته شنیدن آن ندید . باز از مخدوم سعید شهاب الدین و صلاح الدین حسن و فصول مقدس علی ذکره السلام (۵۵۷–۵۶۱) ص ٦٤ ومجلس عالی ناصر الحق والدین (همانکه اخلاق ناصری را برای او نوشت) ص ٦٥ یاد میکند و درست بروش اسماعیلیان نگاشته و بایستی میان ۵۵۷–۵٦۳ پرداخته باشد (۱) . این رساله درتهران بچاپ رسید .

آغاز : بسمله رب انعمت فرد ربنا آتنا من لدنك رحمة . . . بزرگترین نعمتی وجسیم ترین موهبتی که عموم بندگان خداوند زمان .

انجام : بزرگوار تا منقرض عالم پاینده باد و آفتاب جلال افق کمال تابنده والسلام .

[۲۸۹]

۱۰۷۹ این نسخه شماره ۵ دفتر وبخط تعلیق در ص ۵۹–۷۹ میباشد .

---

۱ – طوسی تا ۱۷ ج ۱ سال ٦۵۳ درزندان ملحدان بوده است .

[۲۴۲] **شرح آداب البحث** (عربی)

گزارشی است آمیخته از میبدی بر آداب البحث سمرقندی که در ص ۵۸ شناسانده شده .

[۲۹۰]

این نسخه شماره ۱ دفتراست وبخط نسخ وتعلیق محمدعلی درمدرسه سپهسالار ۸۷۱ میرزا محمدخان قاجار در ۱ ج ۱ سال ۱۳۰۱ گ ۱ ب ـ ۵۸ الف. در کنار گ ۲۰ الف حاشیه منه دیده میشود .

[۲۴۳] **شرح اثبات عقل** (عربی)

خواجه طوسی گرچه در تجریدالکلام خود شاید برای خوشنودی متکلمان ۱۰ دردلیلهای اثبات عقل مجردشك نموده ولی دراین رساله ازراه قطع ببودن حکمهائی یقینی وواقعی عقل مجردرا ثابت میکند. محقق دوانی همینکه بدین رساله نگریست بنکته هائی برخورد وآنها را دراین شرح آمیخته آورد در پایان میگوید که مرا درباره نفس امر سخنی ژرف است امیدوارم که آنرا بنگارش درآورم . او دراین گزارش ازطوسی خرده میگیرد (۱) .

۱۵ **آغاز** : بسمله وبه نستعین بعدحمدالله مبدع الحقایق . . . فیقول . . . محمدبن اسعدالصدیقی لماانفق لی مطالعة الرساله التی اخترعها . . . الخواجه نصیرالملة والدین محمدبن الحسن الطوسی . . . فی اثبات الجوهر المفارق المسمی بالعقل الکلی سنح لی فی اثناء المطالعة دقائق . . . فاردت ان اثبتها . . . والتزمت ایرادلفظه فی تلك الرساله ممزوجاً بماسنح لی من الزواید. قال شکرالله سعیه : انالانشك فی کون الاحکام الیقینیة ۲۰ التی قد حکم بها اذهاننا .

انجام : از خواجه « وتارة بالکتاب المبین المشتمل علی کل رطب و یابس وذلك ما اردناه والحمدلله رب العالمین » از دوانی « اقول انما یثبت کونه عقلا . . . ولی فی تحقیق نفس الامر کلام بعیدالغورارجوامن عنایة الله وحسن توفیقه تیسر تحقیقه وتنقیحه انه خیر من اعان وهوالمستعان وعلیه التکلان وله الحمد فی کل آن وزمان

۲۵ ۱ ـ دونسخه (ش ۳ر۶۱۱ و ۸ر۶۴۴) درمجلس هست .

[۲۹۱]

۲۶۹ این نسخه شماره ۲ ایندفتر و میرزا یدالله کجوری آنرا بخط تعلیق خوش خویش درمدرسه ناصری تهران بسال ۱۳۵۸ نوشته است ودر۹صفحه میباشد نشانه‌های آن دردنبال « مصارع المصارع » نوشته شد .

[۲۹۲]

۲۹۰ این نسخه شماره سوم دفتری است که دارای سه رساله میباشد و بخط نسخ با عنوانها شنگرف نوشته شده وروی متن خط سرخ است ودرپایان آن دارد : (تمت الرساله فی تحقیق نفس الامر فی یوم الخمیس من شهر جمادی الثانی سنة ۱۰۹۹) گ ۱۵۱ ب ـ ۱۵٤ الف و دورساله دیگر بخط تعلیق است و ابوصالح حسینی مشهدی در مدرسه فخریه سپاهان در ۱۰۹۸ آنها رانوشت. مانا نویسنده این رساله نیزهمو باشد .

(همه دفتر ۱۵۴ برك) ـ کاغذ ترمه سمرقندی - جلد تیماج حاشیه‌دار
اندازه : ۱۰×۱۸٫۵ و ٦×۱۴ س ۱۹

[۲۹۳]

۳۳۹ این نسخه شماره یکم دفتراست وبخط شکسته بی‌نقطه و مورب نوشته شده و روی متن خط کشیده شده است گ ۱ الف ـ ۳ الف .

[۲۹٤]

۹۲٦ این نسخه شماره سیزدهم دفتری است که دارای ۱۵ رساله وگفتار میباشد گ ۱۵۲ الف و ب وبخط تعلیق وروی متن خط سرخ کشیده شده است .

(همه دفتر ۱۵۵ برك) کاغذ ترمه سپاهانی ـ جلد مقوا
اندازه : ۲۰×۲۷ و ۱۳ ـ ۲۰ س ۲۵

[۲٤٤] شرح حکمة العین (عربی)

نجم الدین علی بن عمر دبیران کاتبی قزوینی دانشمند منطقی و فیلسوف ریاضی‌دان شافعی (۶۷۵۶) که شاگردخواجه‌طوسی واستادعلامه حلی (٦٤۸ـ۷۲٦) بوده و حلی او را دراجازه پسران زهره بسیار ستوده و از داناترین روزگار خود بمنطق‌دانست کتابی‌درفاسفه داردبنام حکمة العین که علامه حلی آنرا به (قال واقول) شرح نموده ودرتاریخ ٦۹٤ آنرا بپایان رساند .

آغاز : بسمله الله وبه نستعین الحمدلله ذی العز الباهر والسلطان القاهر . . . فهذا کتاب ایضاح المقاصد فی شرح حکمة عین القواعد شرحت فیه ما اجمله شیخنا المعظم ... الکاتبی القزوینی تغمده الله تعالی بالغفران واسکنه منازل الرضوان .

انجام : انها لیست جسماً ولا حالة فی جسم علی ما تقدم والله اعلم بالصواب والحمدلله وحده وصلی الله علی سیدنا محمد وآله الطاهرین فرغ من تألیف هذا الکتاب مؤلفه ... فی ثامن شوال سنة اربع وتسعین وستمائة .

[۲۹۵]

۴۲۳ این نسخه شماره ۱ دفتر وبخط نسخ وعنوانها درشت ترکه حسین بن محمد بن حسین بن سلیمان درروز شنبه ۱ رمضان سال ۷۳۱ آنرا نوشته است گ ۲ ب - ۱۳۷ الف - نصیر گلپایگانی و سید ابی القاسم موسوی وسید محمد باقر از دارندگان نسخه بوده اند و در محرم ۹۰۳ این نسخه خریده شده گ ۲ الف (ص ۵ همین فهرست) .

(همه دفتر ۳۱۸) - کاغذ سمرقندی - جلد تیماج سرخ ضربی
اندازه : ۱۳×۲۱ و ۱۰×۱۶٫۵ س ۲۳

[۲۹۵] شرح حکمة العین (عربی)

شمس الدین محمد بن مبارکشاه منطقی معروف بمیرك بخاری بر حکمة العین دبیران قزوینی شرح آمیخته وسودمند نگاشته وحاشیه ای را که قطب شیرازی (۶۳۴-۷۱۰) بر آن نوشته بود آورد .

آغاز : بسمله - امابعد حمدالله فاطر ذوات العقول النوریة و مظهر خفیات اسرار الربوبیة .

انجام : قوه مجردة عن المادة لما مر فی الالهی ولیکن هذا آخر ما اردنا ایراده فی هذه الرساله والحمدلله رب العالمین والصلوة ... علی سیدنا محمد ... واله واصحابه اللذین من اقتدی بهم اهتدی .

[۲۹۶]

۲۴۵ این نسخه از آغاز کتاب است تا مبحث ۲ (نفس حیوانی) از مقاله ۵ (نفس نباتی وحیوانی) در آنجا که از نفس انسانی گفتگو میکند و در برك ۲۰۵ ب بدین عبارت پایان

میباید : «اجیب عنه بعد تسلیم ان العرض لیس له رتبة التحریك وان القوة» ونیمی ازاین برك سفید گذارده شد ونزدیك بدوصفحه از پایان دراین نسخه نیست . خط تعلیق ریز وبسیاری ازجاها نقطه ندارد وعنوانها گاهی درهامش بشنگرف دیده میشود و روی متن خط سرخ کشیده شده وحواشی دارد بتعلیق ریزتر .

(۲۰۵ برك) ــ کاغذ ترمه سپاهانی ـ جلد تیماج سرخ ضربی تعمیرشده

اندازه : ۱۳×۱۸ و ۸×۱۲٫۵ س ۱۹

[۲۴۶] شرح رساله زینون کبیر (عربی)

این نگارش ازفارابی است که در ص ۹۸ این فهرست شناسانده شده .

[۲۹۷]

۳۳۹ این نسخه شماره ۳۲ دفتر وبخط تعلیق میباشدگ ۹۰ الف ـ ۹۱ الف .

[۲۴۷-۲۴۸] شرح زوراء (عربی)

دانشمند دوانی (۸۲۸-۹۰۸) بر « زوراء » خویش دوشرح نگاشته است .

۱ـ گزارشی است بربیشتر آن کتاب و در دیباچه میگوید : « چون دیدم « زوراء » دشواربود بدرخواست یکی ازدانشجویان درست کار آنرا گزارشی کوتاه نوشتم ودر آینده گسترده ترازاین خواهم نوشت . دراین گزارش مانند متن آنچه را که تازه دریافتم آوردم» آنگاه درباره «زوراء» میگوید: «در کرانه (زوراء) در پیرامون بغداد امیرمؤمنان علی ع را دیدم که بمن با روی گشاده می نگریست ومهر میورزید وهمین مرا واداشت که بنام او نامه‌ای بنگارم و گاهیکه بآستان اوروم وخاك درش را ببوسم آنرا برخوانم نمیدانستم چه بنویسم گفتم خوب است درباره دانائی بنگارم چه پیامبر درباره او (انا مدینة العلم و علی بابها) گفته است. گاهی چیزهای دیگر میاندیشیدم تااینکه بآستان بوسی اورفتم وبرگشتم یاری هوشمندنیکخوی خوشنام که (حکمة الاشراق) سهروردی نزدم میخواند و آنچه خوددرمیافتم هنگام گفتگو بدو میآموختم از من درخواست که آنها را درنامه‌ای گردآوردم. این بود که این نامه را نگاشتم و آن سخنان را در آن گنجاندم درآغاز نمیدانستم چه می نویسم بپایان که رسید دریافتم همانست که خواسته‌ام بنام علی سازم وباورم شد که این نامه

بکمك شهردانش و کشتی بخشش که بردریای فرزانگی نهاده شده‌است گرد آمده وبنام (زوراء) که همان (دجله) باشد نامیدم تا برسانم که آن نشانی است ازدیدار آستان پاکان » دوانی بندهائی از آن کتاب را آورده گزارش داد و شرح همه آن نیست .

آغاز : بسمله . . . امابعدالحمد لولیه والصلوة علی نبیه فانی لمافرغت من تهذیب الرسالة الموسومة بالزوراء ... وکانت مجملة ... التمس من بعض الصادقین فی الطلب ... ان اکتب عنها حواشی یرفع منها الغواشی .

انجام : اعاذنا الله و سائر المسلمین من الضلال والزلل وفقنا لما یعیننا من العقد والقول والعمل وله الحمد حمدا یوافی عتید نعمه ویکافی مزید فضله وکرمه والصلوة والسلام علی سیدنا محمد وآله واحبابه .

این گزارش را دوانی در پایان ربیع دوم سال ۸۸٤ دوازده سال پس از زوراء بانجام رساند (ش ۸۱٦ ج ٤ ص ۱۸۲ طوس) .

۲ـ گزارشی است برعبارتی ازخطبه زوراء : « والصلوة منه علی المرتبة الجامعة لجمیع صفاته » دربرخی از نسخه ها « مرتبته » که ملا قطب الدین محیوی انصاری آنرا دشواردیده واز آن خرده گرفت واز دوانی خواسته شد درباره آن کاوش کند او با روشی عرفانی این گزارش را نوشت ودر آن شعرهای فارسی آورد. شوشتری درمجالس المؤمنین آنرا « حاشیه صغیرخواند » ـ ش ۷۹۷ و۷۹۸ ج ٤ ص۷ـ۱۷٦ طوس .

آغاز : بسمله . . . سئلت ایدك تعالی بروح منه وحسن التوفیق . . . عماورد فی خطبة الزوراء .

انجام : وعلی اصحابه المزکین من کل شین الفائزین سعادة النشأتین وسیادة المنزلتین

[۲۹۸ـ۲۹۹]

۱۰٤٦ این دو نسخه شماره‌های ۲۸و۲۹ دفتر وبخط تعلیق شکسته رجبعلی بن جوادعلی مازندرانی بسال ۱۰٦۲ میباشد گ ۱۳۲ ب ـ ۱۳٦ ب وگ ۱۳٦ ب ـ ۱۳۸ الف .

[۲۴۹] **شرح فصوص** (عربی)

شرحی است ازشنبی شام غازانی تبریزی برفصوص فارابی . اوازدانشمندان تبریز است ودیری درهرات نزد قوشچی ومولانا حسین منطقی وسپس درشیرازنزد دوانی بیاموخت. اودرگورستان کجیل برسر راه روستای خسرو شه بخاك سپرده شد . دوانی شاگرد دیگری داشت بنام امیر جلال استرابادی م ۹۳۱ که او هم گزارشی برفصوص نوشت استاددرباره آندو گفت : « این سیدزاده تبریزی ازدرخت طبیعت ما میوه های رسیده چیده و با خود برد و آن سید زاده استرابادی رسیده ونارسیده را چید وبرد (۱) » بنگرید به ص ۱۰۰ همین فهرست .

[۳۰۰]

۲۶۸ این نسخه شماره ۲ دفتراست و بنسخ باعنوانها ونشانه‌های شنگرف وتصحیح شده ومتن زیرخط سرخ نوشته پیرپاشاه بن محمدیساری بسال ۹۸۶ که درروز شنبه ۲۳ شوال آنرا با نسخه فاضل اردبیلی ونسخه نگارنده (شنبی) برابر ودرست نمود ودرنسخه شنبی نوشته بود که او درنیمه روز آدینه ۲۵ ع ۲ سال ۸۹۶ آنرا بپایان رساند ـ درگ ۲۱ ب و ۳۵ الف حاشیه « منه » دارد ـ گ ۱۷ ب ـ ۱۴۱ الف .

(همه دفتر ۱۴۱ ۳) ـ کاغذ سمرقندی زرد — جلد تیماج مشکی ضربی اندازه : ۹×۱۸ و ۵ر۴×۱۲ س ۱۷

[۲۵۰] **شرح قصیده عینیه** (عربی)

شیخ رئیس درباره پیوند جان باتن قصیده عینیه‌ای دارد که جوزجانی و محیی‌الدین عرابی وداود انطاکی وجمال‌الدین علی‌بن سلیمان بحرانی (۲) و سید شریف گرگانی یا دوانی وسیوطی وفیلسوف سبزواری (دراسرارالحکم) ودیگران آنراگزارش نوشتند وچندین بار بچاپ رسید (قنواتی ش ۹۳) .

---

۱ — کشف‌الظنون — فهرست طوس ش ۸۳۳ ص ۱۸۷ ج ٤ — دانشمندان آذربایجان ص ۳۹ .

۲ — بنگرید به : ص ۱۸۰ همین فهرست . شرح او « النهج‌المستقیم علی‌طریقة الحکیم » نام دارد : قنواتی شرحی دیگر ازسلیمان محوزی بحرانی یاد میکند .

این گزارش پیدا نیست که از کیست و در پایان دارد که روش خود شیخ را در آن بکار برده‌ایم .

آغاز : قال الشیخ الرئیس . . هبطت الیك من المحل الارفع ... الهبوط هو الحرکة من علو الی سفل مع الشعور و بالشعور یباین السقوط .

انجام : انعم برد جواب ما انا فاحص عنه فنار العلم ذات تشعشع . اقول هو غنی عن الشرح وهذا آخر ماقصدناه من الشرح ... وراعینا قانون مذهبه والله اعلم بالصواب والحمدلله علی سوابغ نعمه . . وسلم تسلیماً کثیرا .

[۳۰۱]

۸۷۱ این نسخه شماره ۲۳ دفتر و بخط تعلیق میباشد گ ۱۶۵ الف ـ ۱۷۰ الف .

[۲۵۱] **شرح مشاعر** (عربی)

گزارشی است آمیخته که حاج مولی محمد جعفر بن محمد صادق لنگرودی لاهیجانی برمشاعر صدرای شیرازی نگاشته سپس آنرا بنام حاج میرزا آقاسی عباس پسر میرزا مسلم بیات ایروانی م ۱۲۶۵ ساخته است این ایروانی از ۱۲۵۱ تا ۱۲۶۴ نخست وزیر محمد شاه قاجار (۱۲۵۰ـ۱۲۶۴) بود . مشاعر را مولی زین العابدین بن محمد جواد نوری نیز گزارش کرده وملاعلی نوری و آخوند ملا اسمعیل سپاهانی ومیرزا احمد اردکانی شیرازی بر آن حاشیه نوشتند و پاره‌ای از آنها در کنار مشاعر در تهران بسال ۱۳۱۵ بچاپ رسید .

آغاز : بسمله الحمدلله الذی تجلی لذاته بذاته فظهر صفاته . . . فیقول محمد بن محمد صادق اللاهیجانی فان الزمان لما تقاصرت .

انجام : وان کان فوق کل ذی علم علیم وبعد مرتبه عین الیقین وحق الیقین مراتب کثیرة لاتقف الی حد وهو العزیز العزیز الحکیم .

[۳۰۲]

۳۴۸ این نسخه بخط تعلیق با عنوانهای شنگرف و روی متن خط سرخ کشیده شده ودر آدینه ۹ ج ۲ سال ۱۲۵۵ نوشته شده است .

(۷۷ برگ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی ضربی مقوائی
اندازه : ۱۴×۲۱ و ۷×۱۴ س ۲۱

[۳۰۳]

۳۸۳ این نسخه بنسخ باعنوانهای شنگرف وروی متن خط سرخ کشیده شده ودر ۱۲۷۶ میرزا حسین‌بن احمد گرجی برای دانشمندی بنام آقامیرزا ابوتراب آنرانوشته است ودرتاریخ ۱۳۶۹ بانسخه تاریخ ۱۲۵۰ برابر گردید دراین نسخه نامی ازمیرزا آقاسی برده نشده است .

(۸۴ برگ) – کاغذ ترمه سپاهانی - جلد تیماج مشکی

اندازه : ۱۵×۲۳ و ۸×۱۵٫۵ س ۲۱

[۲۵۲] شرح منظومه (عربی)

فرزانه دانشمند حاج ملاهادی سبزواری (۱۲۱۲–۱۲۸۹) دو منظومه یکی درمنطق بنام‌اللئالی‌المنتظمه ودیگری درفلسفه الهی‌وطبیعی‌بنام غررالفرائد سروده و هردو را چون دشوار بود خود شرح کرده است منطق او بروش متأخران است وتنهادربرهان ومغالطه‌بیشتر گفتگو کردودرفلسفه وی درست پیروصدرای شیرازی است وازخود چیزتازه که آشکارا اورا از روش فرزانه شیرازی جدا سازد نیاورده است وی دراین منظومه که یکدوره منطق وفلسفه را دارد دچارتنگنای قافیه شده واز روانی وشیوائی که درتعبیرات فلسفی ناگزیراست بیرون رفت .

[۳۰۴]

۲۷۰ این نسخه همان چاپ ۱۲۹۸ تهران است ودرکنار صفحه‌ها و دربرکهای جداگانه وچسبانده بکتاب حواشی است بخط دانشمند شادروان میرزایدالله نظرپاك کجوری که ازاستادان دانشگاه‌تهران بوده‌است واودراین حاشیه‌ها بیشتر ازسخنان فیلسوفان دیگر که بامطالب فرزانه سبزواری سازگاربودآورده‌است

(ص ۳۴۶) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج سرخ مقوائی .

اندازه : ۱۷×۲۹

[۳۰۵]

۴۱۸ این نسخه همان بخش فلسفه (غررالفرائد) است و بخط تعلیق با عنوانهای شنگرف میباشد و روی شعرها خط سرخ کشیده شده و محمدتقی‌بن حاجی میرزاحسن صفی‌آبادی بسال ۱۲۶۴ آنرا نوشت .

(۱۲۷ برگ) – کاغذ فرنگی – جلد تیماج زرد مقوائی

اندازه : ۱۵٫۵×۲۳ و ۸×۱۵ س ۱۷

[۲۵۳] شرح هدایه (عربی)

گزارشی است آمیخته از قاضی کمال‌الدین میرحسین بن معین‌الدین حسینی میبدی یزدی (م ۹۱۱) که در ۸۸۹ (پایان نسخه ۳۱۵) بر بخش طبیعی و الهی هدایه اثیرالدین ابهری (م نزدیک ٦٦۰) نگاشته و بارها بچاپ رسید و از کتابهای درسی بود

[۳۰٦]

۳۱۵ این نسخه بخط نسخ پاکیزه با عنوانهای شنگرف ومتن زیرخط سرخ میباشد وحاشیه‌های خوبی بنسخ وشکسته در کنار صفحه‌هاهست وشاهمیر بن شاه حسین بن محمد طباطبا درروز شنبه ۳ ذی‌قعده ۹۰۵ آنرا نوشت.

(۱۲٦ ۳) — کاغذ سمرقندی — جلد تیماج سرخ

اندازه: ۱۰×در۱۸ و در۵×۱۰ س ۱۷

[۳۰۷]

۳۵٦ این نسخه بنسخ و متن و عنوانها وبشنگرف و درجدول زرین بشنگرف ولاجورد و در ع ۲ سال ۹۹۳ نوشته شده و حاشیه‌هائی از میبدی و دیگران در هامش دیده میشود.

(۱۴۲ ۳) — کاغذ سمرقندی - جلد تیماج تازه

اندازه: ۱۳×۲۱ و ۷×۱۳ س۱۵

[۲۵٤] شرح هدایه (عربی)

هدایة اثیرالدین مفضل بن عمر ابهری درسه بخش است (منطق - طبیعی - الهی) وصدرالدین محمد فیلسوف شیرازی بخش دوم وسوم آنرا بدرخواست شاگردان خودکه نزدش هدایه میخواندند شرح کرد ودرآن ازاسفار اربعه یادمیکند وکاوش دردلیل تجرد نفس (ص ۲۱۲ چاپی) و وجود کلی (ص ۲۲۳) را بدانجا بازگشت میدهد این کتاب درتهران بسال ۱۳۱۳ بچاپ رسید.

[۳۰۸]

۲۵٤ این نسخه بخط شکسته نستعلیق و نوشته خودملاصدرا است و سه صفحه نخستین ودو صفحه پایان آن زرکوب وحاشیه‌سازی شده است ودرانجام نسخه چنین نوشته شده: «کتب بیده الجانیة الفانیة مؤلفه محمد المشتهر بالصدرالشیرازی» در بسیاری از آنچه که نوشت برگشت و آنرا نادرست دانست وروی آن خط کشید وخیلی جاها در کنار برگها عبارتهائی بیافزود وهمه اینها بخوبی میرساند که نسخه ما بخط فیلسوف شیرازی

یك صفحه از نسخه شماره ٢٥٤ (شرح شیرازی برهدایه ابهری)

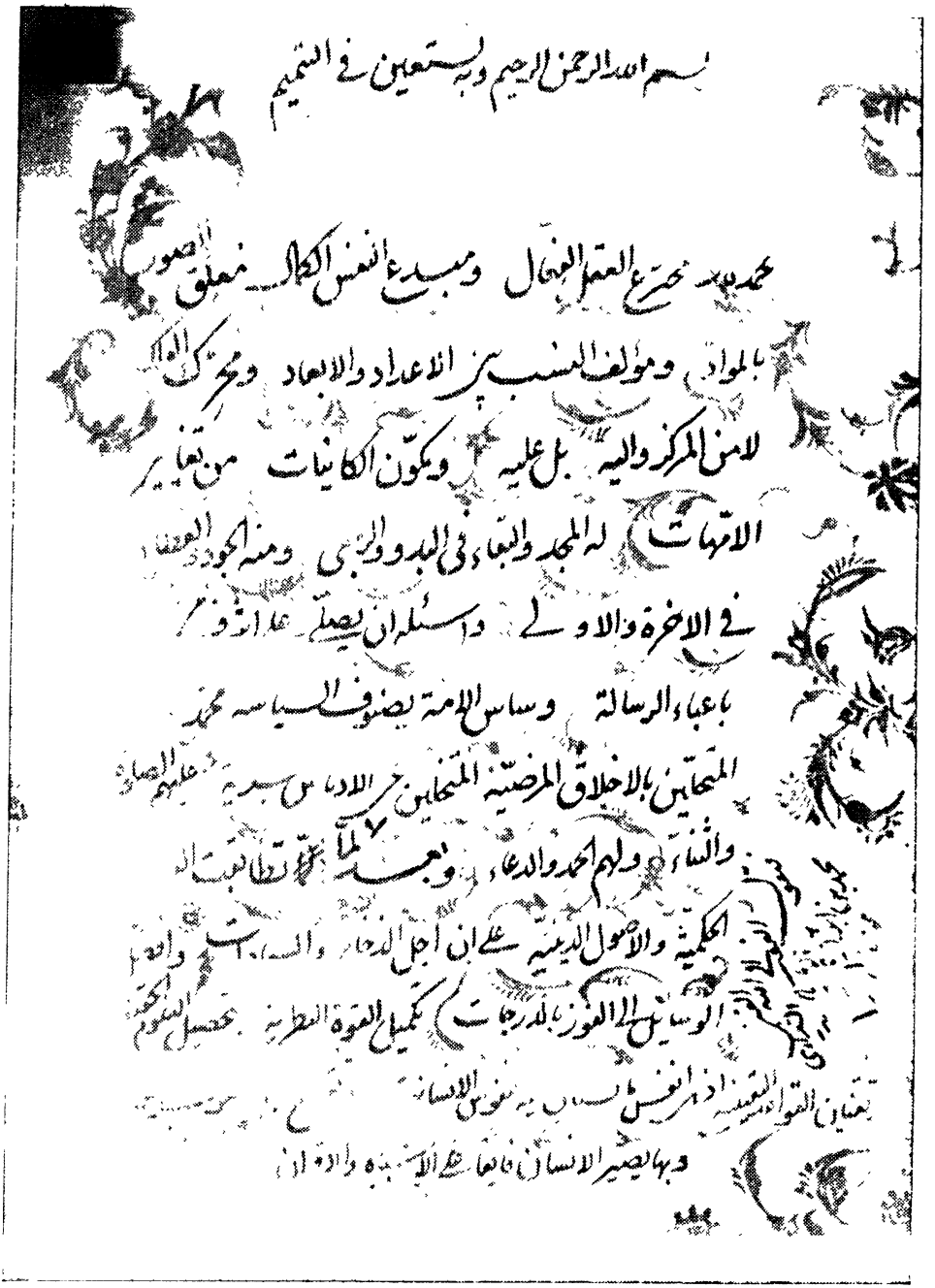

بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين في التتميم

آغاز شرح شیرازی برهدایه ابهری بخط خود او ش ٢٥٤

واصل است ودرپایان دارد : وکتب بیده ... مؤلفه محمدالمشتهر بالصدرالشیرازی ...
(۲۹۲ برك) ــ کاغذ ترمه سپاهانی - جلد تیماج سرخ از بیرون و خاکستری از درون وضربی متوالی .
اندازه : ۱۴٫۵×۲۲ و ۵٫۵×۱۴ س ۱۵

[۳۰۹]

۲۹۵ این نسخه بخط تعلیق وروی متن خط سرخ کشیده شده وعبدالرزاق بن محمد یوسف رضوی شاگرد سلطان‌العلماء بسال ۱۰۴۶ درشهر قم گاهیکه حاشیه قدیم تجرید وشرح مختصرعضدی را نزد اومیخواند آنرا نوشت .
(۳۶۲ ۳) - کاغذ ترمه سپاهانی ــ جلد تیماج سرخ ضربی
اندازه : ۱۲٫۵×۱۹٫۵ و ۸×۱۳ س ۱۹

[۲۵۵] شفا (عربی)

شیخ رئیس شالوده شفای خویش را که در بیست یا هجده مجلد است، بدرخواست جوزجانی، درهمدان، هنگام وزارت دوم، میان ۴۰۵ و ۴۱۲، بنام کتابی جامع نه گزارش نگارشهای ارسطو، و بی آنکه ازمخالفان خرده گیری کند، ریخته، نخست نزدیك به بیست برك از بخش طبیعی آنرا نگاشته است. وپس ازمرك شمس‌الدوله در ۴۱۲ در خانه ابوغالب عطار نهان شده، بی آنکه بکتابی بنگرد و نزدیك بدو روز رؤس مسائل رادر ۲۰ جزء ازبر نوشت . آنگاه روزانه آنها را در ۵۰ برك گزارش نمود. تا در ۲۰ روز طبیعی رابجز گیاه وجانورشناسی وهمچنین الهی رانوشته است . سپس بنگارش سرآغاز و دیباچه منطق شفا بپرداخت و پس‌از بازداشت در دژ فردجان بهمدان که آمد، درخانه علوی، درهمین سال، باز بمنطق شفا پرداخت و در آن از نگارشهای فیلسوفان پیروی نمود و بروش آنان برفت. این بود که منطق گسترده‌تر از بخشهای دیگر درآمده‌است . منطق را همینکه بسپاهان رسید درخانه عبدالله بن بیبی، در کوی گنبذ، بپایان رساندوریاضی راکه پیش نوشته بودبر آن افزود. وسالیکه علاءالدوله بشاپورخاست میرفت وشیخ را همراه داشت او دو کتاب گیاه وجانوررا نیز نوشت ودرجانورشناسی، بیشتر ازارسطو گرفت ودیده‌ها وشنیده‌های خویش را نیز بر آن افزود. ودراین هنگام نزدیك بچهل سال داشت (سرگذشت شیخ ودیباچه جوزجانی برشفا وسرآغاز آن) خود شیخ درطبیعیات شفا از سالهای ۳۹۰ و ۳۹۱

و۳۹۳و ٤١٠ وازهرمز یارمشکوار و محمدبن دشمنزیار و شاگرد خود جوزجانی ومحمودسبکتکین وازکودکی خویش درکناررود آمویه وازبودن خود درجاجرم و ازکوهستان طوس و ویمه طبرستان و بیابان دهستان و شاهان فراوه یاد می‌کند و نشانه‌های تاریخی و جغرافیائی دیگر نیز در آن میتوان جست و درهمین طبیعی درچندجا ودردیباچه الهی ببخش منطق بازگشت میدهد وهمچنین در آغاز طبیعی از پایان یافتن منطق و در آغاز الهی از پرداختن آن و طبیعی و ریاضی یاد میکند ازهمه این نشانه‌ها و بازگشتها که در آن فراوان است برمیآید که شفا را اگرشیخ در آغازجسته و گریخته نگاشته باشدپس ازاین آنرا بساخت یك نگارش باسروسامانی در آورد. ازنگریستن همه بخشهای شفا این نکته آشکاراست. پس میتوان از روی نسخه ش ۸۲۲ داماد (قنواتی ش ١٤ ص ۷۳) گفت که شیخ آنرا در ٤٢٠ بپایان رساند و شاگردان در ٤٢٢ آنرا نزدش خوانده و با نسخه خود او سنجیدند (۱) این هم یادآوری شود که شیخ رئیس چنانکه دراشاره ۳ نهج ۳ و اشاره ٦ نهج ٤ اشارات ودرفصل ٦ مقاله۱ عبارت منطق شفا میگوید تنهابزبان پارسی وتازی آشنا بود وازروی نوشته خود او در (بیان‌الجوهرالنفیس) (مجموعةالرسائل ص ۲۵۸) کتابهای گذشتگانرا درترجمه‌های تازی میخواند وبگواهی فصل٤ مقاله۲ فن‌جدل وفصل۲ مقاله٤ فن۸ ازمنطق‌شفا (که درهمینجا ازترانه های خسروانی یادمیکند) یونانی نمیدانست واز سنجش منطق شفا با ترجمه ارغنون، وفن حانورشناسی آن با طبایع‌الحیوان ارسطو (ش۱۱٤۳ مجلس گویا ترجمه ابن بطریق) پیداست که او اینگونه ترجمه‌هارا دردست داشت وخودهم بارهابدان گواهی داد ومیتوان بخش آسمان و جهان طبیعی شفا را با آسمان و جهان ارسطو در چهار مقاله نسخه ش ۱۱٤۹ طوس ترجمه مهران بن منصور بن مهران ترسا از یونانی بتازی بسال ۵۵۳

۱- نگاه به : طبیعی شفا ص ۲٤۸ و ۲٤۹ و ۲۵۹ و۲٦٤ و ۲۷٤ و ٤١۷ و٤۲۵ و نیز ص ۲-۳ - ۱۹ — ۷۵-٤۳۱ — برای شناختن این کتاب شماره١٤ قنواتی را ببیند که فهرست مطالب و نسخه‌ها وچاپها و ترجمه‌ها و گزارشهای آنرا یاد نمود. نیزفهرست مجلس ش ۱۳۵ تاریخ ۸۷۱ و ش ۱۳٦و۱۳۷ ص ۲ — ۷۰ ج ۲ و نسخه کهنه آنجا بخشیده‌آقای طباطبائی و نسخه تنکابنی — فهرست طوس ج ٤ ص ۱۹۹ — ۲۰۰ ش ۸۷۲ تا ۸۷۸ ج ٤

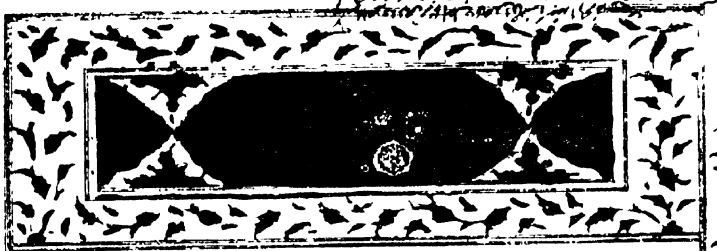

آغاز طبیعی شفا (۲۶۸ ب نسخه شماره ۲۴۱) با حاشیه های
میرزای جلوه - پیوست ص۲۸۹

الهی شفا (برك ١٤١ الف نسخه شماره ٢٤٢) باحاشيه ميرداماد
بخط خود او — پيوست ص ٢٨٩

(ج ۲ ص ٤٦ فهرست) و نسخه ش ۸۷۵ کتابخانه مروی تهران سنجید . خود او درفصل ٤ مقاله ۹ قیاس میگوید که همه را از استاد گرفته‌ام و در فصل ۱ مقاله ۹ قیاس از انولوطیقای قدیم ودرفصل ۲ مقاله ۸ الهی ازالف صغری یاد میکند وازاین اشارات منبع شفابدست میآید مگراینکه درمنطق او هرچه ازارسطومیآورد بنقل بمعنی مانندهترمیباشد . درفن‌نفس طبیعی ودرالهی‌نوشته‌های نوپلانی واسکندرانی وشارحان نیز دردست داشت ودرریاضی پیداست ازنگارشهای اقلیدس وبطلیموس ودیگران بهره برده است .

[۳۱۰]

دراین نسخه دیباچه جوزجانی وفن‌منطق (پایان در۲٦۷ الف) وطبیعیات
۲٤۱ (۲٦۸ب-۳٦۹ الف)هست و ٤۹ برك پس‌ازبرك یکم که منطق باآن‌آغاز
میشود بنسخ درشت روشن و نونویس است برك یکم (دیباچه جوزجانی)
وازبرك ۵۱ تا پایان بخط نسخ کهنه‌تر ومعرب ومحشی درتاریخهای ۱۰۷٤ و۱۰۷۵
نوشته شده و در جدول زرین بشنگرف میباشد و میرزا ابوالحسن جلوه فرزند محمد
طباطبائی زواره‌ای نائینی (۱) فیلسوف نامور ازروی‌آن درس میگفت وبرآن حاشیه
نوشت وعبارات فیلسوفان‌را برای حل مطالب شفاآورد وحاشیه‌ها بخط خوش روشن
است درصفحه یکم سرلوحی هست ودرآغازطبیعی سرلوحی دیگر که زمینه آن طلا
و کتیبه بلاجوردوحاشیه کل‌وبوته‌دارمیباشدفیلسوفمیرزاطاهرتنکابنی‌درگ ۲٦۸ الف
بخط خود در٤ آذر۱۳۱۸خ نوشت که این‌نسخه را دانشمند جلوه ازمباحث کم تاپایان
کتاب تصحیح کرده است .

(۳+۳٦۹+۵ ك) - کاغذ آغازآهارمهره فرنگی وپس‌ازآن‌ترمه سمرقندی -جلد تیماج زرد زرکوب
اندازه : ۱۹×۲۸ر۵ و ۱۳×۲۱ر۵ س ۳۳

[۳۱۱]

این نسخه الهی شفا است بنسخ روشن درشت وگاهی بی‌نقطه وگاهی معرب
۲٤۲ که بتاریخ نیمه روزسه شنبه رجب ۹٤۹ درسپاهان نوشته شده وحاشیه‌های
میرداماد فیلسوف بخط نسخ سیاه یا شنگرف او درآن است و رمز (مح ق)
درپایان حاشیه‌ها دیده میشود واونسخه را تصحیح ودرهامش قید نمود درپایان حاشیه

---

۱ — جلوه دراحمدآباد گجرات بسال ۱۲۳۸ زاده شده و در شب آدینه ٦ ذیقعده ۱۳۰٤ درتهران درگذشت ودر گورستان ابن‌بابویه دررری آرامگاه اواست

گ ۱۴۰ الف‌ازخلسة‌الملکوت نام میبرد. خط حواشی باخط اجازه‌ای که دامادبکسی داده و در ص ۳۴۲ صحیفه سجادیه (ش ۲۸) نوشته شده و با خط میر دربرك ۱ الف شرح مختصرعضدی (ش ۱۰۱۰) سنجیده شده‌است. دربرخی‌جاها حاشیه‌های سیداحمد عاملی هست دربرك ۲۰۰ ب حاشیه میر با رمز (م ح ق دام ظله‌العالی) وبخط دیگری است ودر۲ الف حاشیه او بارمز (م ح ق سلمه‌الله) پایان میبابد واینهم ازدیگری‌است

(۳۷۲ ۳) – کاغذ سمرقندی - جلد تیماج سرخ‌کهنه حاشیه‌دار ساده
اندازه : ۱۸×۱۲٫۵ و ۸×۱۲ س ۱۴

[۳۱۲]

۲۴۳ دراین نسخه دیباچه جوزجانی ومنطق وطبیعی وریاضی والهی شفا است وبخط تعلیق خوش دارای دو ترنج درگ ۱ الف و پشت برك‌پیش‌ازآن ۲درگ۱ ب و ۱۲۹ ب و ۲۵۷ ب و ٤٤٤ ب و ۵۳۵ ب سرلوح بسیار زیبا وزرین بلاجورد وشنگرف هست و همین برگها و برگهای‌پیش‌از آنها با زر وشنگرف حاشیه دارد. ازآغازمنطق تاپایان مقاله ۳ فن ۲ (مقولات) منطق را جناب آقای مشکوة با نسخه تاریخ دهه یکم ذی‌حجه سال ۵۳٦ بخط احمدبن هبة‌الله‌بن احمدبن‌الکزایه وبرابرشده با اصل مقابله کردند (دیباچه جوزجانی۱ ب ـ منطق۲ الف، ۲۵٦ ـ طبیعی ۲۵۷ ب ، ٤٤۳ ب هندسه ٤٤٤ ب ، ٤٦۸ الف ـ ارثماطیقی ٤٦۹ ب ، ٤۷۸ الف ـ موسیقی ٤۷۸ ب ٤۹۱ الف ـ مجسطی ٤۹۱ ب ، ۵۳٤ ب ـ الهی ۵۳۵ ب ـ ۵۸۹ الف) .

(۵۹۱ گ) ـ کاغذ ترمه سمرقندی جلد تیماج مشکی زیبای زرکوب
اندازه : ۱۸×۳۱٫۵ و ۱۲×۲۴ س ۳۱

[۲۵٦] **شواکل‌الحور فی شرح هیاکل‌النور** (عربی)

مولی جلال‌الدین‌محمدبن‌سعدالدین اسعدصدیقی دوانی کازرونی (۸۲۸–۹۰۸) فیلسوف متکلم شرحی آمیخته بنام یادشده دربالابرهیاکل‌النورفیلسوف سهروردی بسال ۸۷۲ نگاشته است (۱) . وی دردیباچه آنرا بغیاث‌الدین محمود خواجه‌جهان

---

۱ – درکتابخانهٔ آستانه طوس چندین نسخه ازشرح هیاکل دوانی هست درپایان نسخه شماره ۸٦٦ آنجا چنین آمده : « نجزتحریره بیمین مؤلفه بعدالعشاءالاخرة من لیلة‌الخمیس الحادیعشر من شهرشوال ... لسنة اثنین وسبعین ثمانمائه . . . فی تبریز فی‌الزاویة‌المبارکة المظفریة شکرالله سعی‌بانیها السلطان‌السعیدالغازی‌ابی‌المظفرجهان‌شاه ورفع درجته فی‌علیین وکان‌نهضته الی‌جانب دیاربکرفی‌اوائل‌هذه‌السنة ووقع هجوم‌الاعداء علیه واغتیاله فی‌الثالث عشر.من ربیع‌الاول للسنة‌المذکورة » (فهرست آستانه طوس ج۱ ص ۵۹ ش ۱۹۸ وص٦۰ ش۱۹۹ وج٤ ص۹ – ۱۹۷ ش۸٦٦ تا ۸٦۹ وش ۸۷۰ که دوشرح هیاکل دوانی ودشتکی درآن شناسانده شده) .

بخشیده و اورا باشعرهائی ستود وستایش فراوانی که درخور یك فیلسوف اشراقی نیست ازاو کرد. درحاشیه نسخه (۸٦٦) آستانه طوس بجای آن شاه نام (ابوسعید گورگان(۸۵۵ ـ ۸۷۲) آمده است . درمجالس المؤمنین شوشتری (مجلس هفتم) آمده که دوانی این شرح را یکبار برای یکی ازشاهان هند بنام ملك التجارساخته سپس بنام یکی از پادشاهان ایران کرد دوانی انموذج العلوم و اثبات الواجب را نیز بنـام سلطان محمود پادشاه هند ساخته است وی شرحی برعقـاید عضدی بتاریخ چاشت چهارشنبه ۱۸ربیع یکم سال ۹۰۵ درشهرجیرون نگاشته (۱) که درلکهنوء بسال $\frac{۱۳۲۸}{۱۹۱۰}$ بچاپ رسید و بازپسین نگارش اواست دوانی دراین شرح روش اشراق پیش گرفت و کوشید که بروش سهروردی سخنان او را شرح کند وی براین شرح حاشیه نوشته که دربرخی از نسخه‌ها دیده شده(۲) ودر آنجاازرساله البروج سهروردی و نیزازپرتو نامهٔ او یاد میکند وی درپایان میگوید که این شرح را درگرفتاری و دوری ازشهرخویش نوشته‌ام .

آغاز : بسمله یامن نصب رایات آیات قدرته علی کواهل هیاکل الممکنات ... فهذا ایهاالذکی المتوقد شرح لهیاکل النور یحاکی بحسن دقائقه شواکل الحور .

انجام : المنصف . . . ختم الرسالة بذکرالله ... کماافتتحها بها فجاءت وردیة المفتتح مسکیة الختام (هذا ماتیسرلی فی شرح هذه اللمعة ... وهذه تحقیق المطالب والامال والسلام علی القدیسین خصوصاً علی سیدنا سیدالکل فی الکل و آله وصحبه اجمعین والحمدلله رب العالمین) وصلی الله علی سیدنامحمدو آله وصحبه وسلم (آنچه میان دو کمانه گذارده شده درنسخه ما نیست و نزدیك بیك صفحه میباشد .

---

۱ ـ دیده شود : نسخه دانشکده حقوق که دارای رساله‌های شرح هیاکل و شرح عقائد عضدی و انموذج العلوم و اثبات الواجب دوانی و حاشیه همین اثبات الواجب میباشد وابوالحسن علی بن طاهر استرابادی آنها را نوشت نخستین درکاشان ۲۰ ج ۲ سال ۹۳۷ ودومی درهمانجا درآدینه ۲۰ رجب ۹۳۷ وسومی درهمانجا بسال ۹۳۸ وچهارمی درهمانجا در ۵ ع ۲ سال ۹۳٦ نوشته شد و پنجمی که در چهارشنبه ۹ شعبان ۹۲٦ تألیف شده نیز بهمین خط است

۲ ـ نسخه دانشکده حقوق

[۳۱۳]

۸۵۱ این نسخه بنسخ خوش وپاکیزه وعنوانها ونشانه‌ها طلائی وروی متن خط زرین کشیده شده است در برك ۵۱ ب حاشیه دارد و از محمد داود حلبی بعرسی . در برگهای ۹۸ ب و ۹۹ الف تاریخ زایجه محمد هاشم برادرزاده شمسا محمد کاظما درشب شنبه ۲۵ ع ۱ سال ۱۰۸۵ و نیز تاریخ ۲۵ ع ۱ سال ۱۱۰۶و۲۵ ع ۱ سال ۱۱۲۹ خوانده میشود که همه اینها بخط شکسته دیگراست . دربرك ۱ الف نام دارنده نسخه (محمد حسین‌بن فضل‌الله حسینی تفرشی) نوشته شد ـ بالای برگها ۱۱ تا ۱۷ بریده شده و کاغذ دیگری چسبانده‌اند ازاینرو دربالای برك ۱۲ الف سه سطر ازمیان رفته است ـ این نسخه حاشیه خود دوانی را ندارد .

(۹۹ برك) ـ کاغذ ترمه سپاهانی ـ جلد تیماج سرخ ضربی

اندازه : ۱۰×۱۷ و ۵٫۵×۱۲ س ۱۹

[۲۵۷] الشواهدالربوبیة فی‌المناهج‌السلوکیه (عربی)

ازصدرالدین محمدبن ابراهیم شیرازی (م ۱۰۵۰) است و چنانکه دردیباچه میگوید آنچه ازرازنهانی‌فلسفه خود دردفترهاجسته‌وگریخته نگاشته و برخی‌راهم از ترس نتوانست آشکارسازد درآن آورده است و پنج مشهد آن را تا اشراق نهم شاهد دوم‌مشهد پنجم‌نوشت وازنسخه‌اصل که عکس‌صفحه آخرهمراه‌نسخه ماهست پیداست که اشراق دهمی ازهمین شاهد مانده ونتوانست بنویسد .

وکتاب بدینگونه است : مشهد۱ معانی عامه در۵ شاهد ـ مشهد ۲ هستی خدا وآفرینش او در۲ شاهد ـ مشهد ۳ شناختن رستاخیز در ۳ شاهد ـ مشهد ٤ معاد جسمانی و بهشت و دوزخ در ۳ شاهد ـ مشهد ۵ نبوات در ۲ شاهد و هرشاهدی برچند اشراق است . ابوالقاسم احمد یزدی بدرخواست شاهزاده محمد ولی میرزا پسر فتحعلیشاه آنرا دریکشنبه ۱۰ ج ۱ سال ۱۲٤۵ بپارسی درآورد (ش ٤۰٤ ص ٤۷ ج ٤ فهرست طوس) .

[۳۱٤]

۲۷٤ این نسخه همان چاپ سنگی سال ۱۲۸٦در۲٦٤ صفحه است که حاشیه فیلسوف سبزواری را نیزدارد واین نسخه را چهاربار جناب‌آقای مشکوة با نسخه اصل فیلسوف شیرازی برابر نموده و اختلافها و غلطهای چاپی را درمیان سطرها

وکنارصفحه‌ها یادداشت کرد وعکس وفیلم صفحه یکم وصفحه پایان اصل همراه همین نسخه هست وچهارصفحه بخط جناب آقای مشکوة درباره اختلاف دو نسخه در آغاز کتاب دیده میشود .

ازعکس برك پایان کتاب درنسخه اصل پیداست که نسخه چاپی کامل نیست و نسخه اصل بعبارت (الاشراق العاشرفی) پایان میابد پس فیلسوف شیرازی اشراق ۱۰ شاهد ۵ ۲ مشهد ۵ را ننوشته و شاید اشراقها یا شاهدها یا مشهدهای دیگری هم میخواست بنویسد وننوشت. عبارت(الاشراق العاشر) درپایان نسخه شماره ٤٠٦ این کتابخانه نیز دیده میشود .

(۲٦۴ صفحه) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج سرخ ضربی

اندازه : ۱۷ × ۲٦ و ۱۰ × ۱۸ س ۱۹ ـ اندازه نسخه اصل ۴ر۲۵ × ۳ر۱۲

[۳۱۵]

این نسخه بخط تعلیق و عنوانها بنسخ و شماره دوم دفتری است که نخستین ٤٠٦ آن کشف المحجة لثمرة المهجة از ابن طاوس میباشد و کمال بن محمد در ۱۵ رجب سال ۱۰۳۹ بشکسته تعلیق آنرا نوشت واین نسخه از برك ۹۷ب تا برگ ۲٦۹ الف میباشد و خط ایندو شماره مانند هم است وحواشی دارد که در پایان آنها ۱۵ نام احمد دیده میشود ـ گ ۲۷۰ الف ـ ۲۸۰ ب گفتارهائی است از شیرازی درفلسفه

(۲۸۰ برك) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سبزمقوائی ضربی

اندازه : ۵ر۱۰ × ۵ر۱۹ و ۵ر۷ × ۵ر۱۲ س ۱۹

[۲۵۸] صحیفه (رساله ـ) (فارسی)

۲۰ نگارشی است درتجرد نفس و پایداربودن آن ودر آن ازجالینوس وازنسفی بنام شیخ عزیزنسفی یادمیکند ودرباره هردو (رحمهماالله) میگوید .

آغاز : بسمله وبه نستعین آفتاب عنایت ازفلك ولایت وبرج هدایت براراضی قلوب مستعدان قبول افیاض حکمت و درایت خاصه در بستان روح آباد قلب سلیم جناب حکمت پناه ملك الحکماء مقبول قلوب الاولیاء پاینده باد بعد اعلام میرود که ۲۵ حکمای طبیعی بسبب ممارست مقدمات طبی .

انجام : حضرت الله تعالی توفیق تحقیق معانی ببرکت انفاس شریفه مرشدان صمدانی رفیق گرداناد بحرمة کمال اولیا من الاقطاب والافراد .

[۳۱٦]

۱۰۳۵ این نسخه‌شماره ۳۵ دفتر ص ٤۱۱–٤۱۳ بخط تعلیق تاریخ محرم ۱۱۰۱ میباشد

[۲۵۹] **الصراط المستقیم** (عربی)

ازدانشمنددامادااسترابادی‌است که بدرخواست شاگردان خود درباره ارتباط حادث‌بقدیم‌پیش‌از۱۰۲۵ (عالم‌آراص۱۰۹) نوشته‌وبشاه عباس یکم (۹۹٦–۱۰۳۸) ارمغان داد . داماد در دیباچه از نادانی مردم و از روزگار می‌نالد و پس‌از ستایش بسیار از آن شاه میگوید :

« نقص در باشد ار بهاکنمش
هم بانصاف شه رها کنمش

این نگارش درچند مساق است و نخستین آن درمقدمات و در آن از جنبش وزمان گفتگومیشود (۱) .

آغاز : بسمله البقاء دون افق عزك و جلالك والحمدوالثناء وراء سرادق قدسك وكمالك . . . محمد بن محمدالمدعو بباقر داماداالحسینی . . . یلقی علیکم اخوان‌التجرید ویملی علیکم خلان‌التفرید .

انجام درنسخه ما : تشبیه وتمثیل ـ الست اذا اخذت خیطایختلف اجزائه لونا . . . وموقعاهما هناك واحد ومعذلك فانه یشاهد مابینهما من‌الامتداد .

[۳۱۷]

این نسخه شماره ۱ دفترگ ۱ ب ـ ٦٤ ب و بخط تعلیق با عنوانهای شنگرف **۲۷۹** میباشد وحاشیه‌هائی دارد که به (منه سلمه‌الله) پایان مییابد و درروزگار داماد نوشته شده است نسخه ما همان‌مساق نخستین است و آنهم بپایان نمیرسد

۱ ـ داماد درآن ازنگارشهای فخررازی و سهروردی و طوسی بسیار میآورد و از تعلیقات وشفا ونجات وکلمه الهیه شیخ رئیس (۵۸ ب) یاد میکند وگفتارفارابی درفصوص « آخرمن جهة ان کل زمانی ... اول‌من‌جهة ... اعنی‌الحق‌الواجب ... معه لافیه » (۳٤الف) وگفتار شیخ درمعراج « اذاتقرب‌الناس الی خالقهم بانواع‌البرتقرب الیه بانواع‌العقل . . . قال‌امیرالمؤمنین قیمة کل‌امرء مایحسنه یعنی قدرالانسان فی‌العلم ـ انتهت عبارته مترجمة » برابر با ص ۱۵ معراجنامه چاپ رشت در ۱۳۱۲ خ (٤ الف) را میآورد نیز از اثولوجیا و اسماء حسنی غزالی (۳٤ الف) یاد میکند . درباره آنست که گفته‌اند : « صراط‌المستقیم میرداماد‌مسلمان نشنود کافرمبیناد » .

در کتابخانه بوهارهند (ج ۲ فهرست ش ۳۲۹ ص ۳۵۶) و درمجلس تهران (ج ۲ ش ۱۳۸ ص ۷۳) نسخه‌ای هست که آغاز آنها مانند آغاز نسخه ما میباشد در کتابخانه طوس (ج ٤ ش ۸۸۸ ص ۲۰٤) نیزهست وآغاز وانجام‌آن جز نسخه ما است .

محمد باقربن احمد سپاهانی بسال ۱۲۰۵ از دارندگان نسخه ما بود و خط او درگ۱ الف ومهراو بچندگونه درهمانجا ودرگ ٦۵ الف و۱٤۰ الف دیده میشود. دارنده دیگرمحمد تقی بن‌محمدکاظم است که بخط خود درگ۱ الف‌نوشت . در۱۲۵۰ این نسخه وقف گردید .

(همه‌دفتر ۱۴۰ گ) ــ کاغذ سپاهانی - جلد مقوا

اندازه : ۱۳×۲۰ و ۷×۱٦ س ۱۸-۲۱

[۲٦۰] صنایع (فارسی)

میرابوالقاسم‌فرزند میرزابزرك فرزندمیرصدرالدین‌فندرسکی‌استرابادی فیلسوف پزشك‌ریاضی‌دان(۱)این‌نگارش‌رادرباره‌هنرهای‌گوناگون‌وسودهای آنهاوشناساندن کسانیکه‌شایستگی‌هریکی از آنها رادارند بپرداخت ودارای یك دیباچه و۲۳ باب است‌ودرهندبااخلاق ناصری طوسی‌بسال ۱۲٦۷ ودرتهران‌بسال ۱۳۱۷ بچاپ‌رسید.

[۳۱۸]

۱۰٤٦ این نسخه شماره ۸ دفتر و بخط شکسته تعلیق محمد شریف‌بن محمد قائمی بسال ۱۰۵۱ میباشدگ ٤٤ ب ـ ۵۵ الف .

[۲٦۱] ضرورةالموت (نکته فی ـ) (عربی)

این گفتار ازخواجه طوسی است دراینکه مرگ ناگزیرمیباشد .

آغاز : نکتةاخری‌له . . . فی‌ضرورةالموت . الموت ضروری‌امره . والوجه فیه ان‌السبب‌الموجب .

انجام : فحصل‌المراد وذلك ماارد‌نابیانه .

[۳۱۹]

۱۰۷۹ این نسخه شماره ۱۱ دفتراست وبخط تعلیق ص ۲۵-۲٦

۱ فندرسکی بسال ۱۰۵۰ چنانکه در سنگ ارامگارش نوشته است یا ۱۰٤۹ چنانکه در پایان نسخه ش ۸۸۹ طوس آمده در سپاهان درگذشت و در تخته فولاد بخاك سپرده شد (ج٤ص ۲۰٤ فهرست انجا) نسخه‌ای ازاین‌درمجلس‌ش۵ر٦٤٤ (ص٤۱۱ج ۲) هتت

[۲۶۲] ضیاءالعین (عربی)

حاشیه ایست از غیاث الدین منصور دشتکی م ۹۴۸ برشرح میرك بخاری برحکمة العین دبیران ودر آغاز بدو کتاب «تعدیل المیزان وتبیین البیان» خودباز گشت میدهد واین رساله را برای یادکردن ایرادها و پرسشها مینگارد وعبارت شارح را پس از قال الشارح آورده سپس حاشیه خودرا مینویسد.

آغاز: اللهم ارنا بعین حکمتك حکمة العین وزدنا نورا من فیض عین هو للکونین عین.

انجام: بان الخصوصیة مطلقا.

[۳۲۰]

این نسخه شماره ۲ دفتر است و بخط تعلیق یعقوب بن اسماعیل مازندرانی درمدرسه خانیه درنیمه روزدوشنبه ۱۸ ج ۲ سال ۱۰۳۱ گ ۳۸ ب - ۵۱ الف. نسخه‌ای ازاین حاشیه درطوس ش ۸۹۰ (ج ٤ ص ۲۰۵) هست. ۳۸۰

[۲۶۳] طرائف الحکمه (فارسی)

ازملاباشی عبدالرحیم بن حسینعلی هروی که درنیمه دوم سده سیزدهم میزیسته است و بسیاری از مباحث امور عامه را بروش صدرالمتالهین شیرازی بزبان پارسی آورد و در یك مقدمه وسه باب و یك خاتمه است.

آغاز: بسمله و به نستعین - بهترین کلام مر متکلم را آنستکه زبان ذل و شرمساری درحکمت حکیمی گشاید که در اشیا بطور نفی واثبات مستتر است.

انجام: وجهالت برحقیقت وانیت اوست که مثنوی:

با دو عالم عشق در بیگانگی
واندرو هفتاد و دو دیوانگی
کاشکی هستی زبانی داشتی
تا زهستان پرده ها برداشتی

هذا آخر ما اردنا ایراده فی هذاالمجلدالاول من کتاب طرائف الحکمة وستیلوه المجلدالثانی فی باب النفس ان شاءالله تعالی تمت بید مؤلفه . . ابن جسینعلی الهروی

عبدالرحیم ... فی یوم الاربعاء خامس عشر ذی قعدة الحرام من شهور سنة ست وثمانین ومائتین بعد الالف من الهجرة النبویة علی هاجرها الالف التحیة والسلام .

از پایان پیداست که این کتاب جلد دیگری هم باید داشته باشد که از نفس در آن گفتگو کردد (۱) .

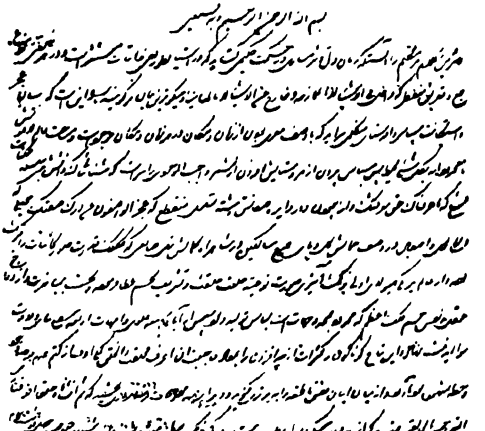

آغاز طرائف الحکمه هروی ش ۳٤٤

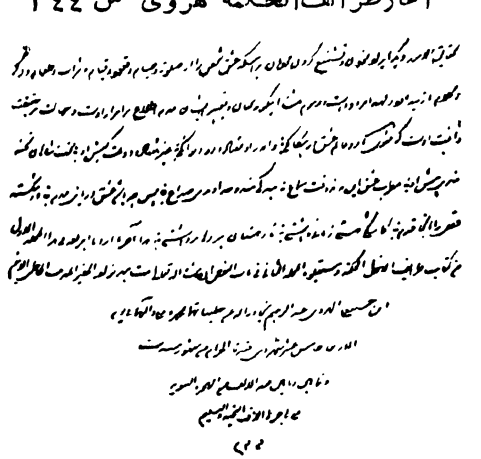

پایان طرائف الحکمه هروی ش ۳٤٤

---

۱ — نسخه دیگری از این کتاب دیده شده که در پایان آن چنین آمده بود : « قد تم ... فی غرة شهر ربیع الاول من شهور سنة ۱۲۸٦ وهذه النسخة اول نسخة انتسخت من خط مبارك (؟!) المصنف زید فضله وتأییده ... وقد کتبته لنفسی ... محمد علی بن محمد نبی الکزازی فی قصبة سنقر من امالی الکرمانشاهان » . بیت نخستین که در پایان نسخهٔ ما غلط نوشته شده در این نسخه درست دیده میشود (بنگرید به مثنوی)

[۳۲۱]

این نسخه بخط شکسته نستعلیق باعلامتهای شنگرف میباشد ودرتاریخ چهارشنبه
۳۴۴ ۱۵ ذی قعده سال ۱۲۸٦ نوشته شده است وخط خود هروی است .
چون هروی روش فیلسوف شیرازی را داشته بود برخی درپشت کتاب نوشته‌اند
که این ترجمه اسفار است یکی از دارندگان نسخه بنام احمدبن محمود قراگوزلو
درتاریخ ۲۰ ع ۱ سال ۱۲۸۸ در کرمانشاهان برپشت کتاب نوشته که طرایف‌الحکمه
ازملاباشی است وترجمه اسفار ملاصدرا است ومهر اوهم هست بعبارت (عبده احمد) .
(۳۰۵ برگ) ــ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج زرد ضربی متوالی
اندازه : ۱۴×۲۲ و ۹×۱۷ س ۱۸

[۲٦٤] طرح‌الکونین فی حشر العالمین (عربی)

دانشمند صدرای شیرازی دراین نگارش روشن نمود که همه هستی‌ها را رستاخیزی است وهمگان بجهان خدائی بازمیگردند و درمجموعه رساله شیرازی بسال ۱۳۰۲ ودر کنار کشف‌الفوائد حلی بسال ۱۳۰۵ ودر کنارمبدء ومعاد شیرازی بسال ۱۳۱٤ بچاپ رسید ودر آن از اسفار یاد میشود .

[۳۲۲]

۱۰۳۰ این نسخه در برگ ۱۰۰ تا ۱۱۵ این دفتراست وبخط تعلیق و عنوانها زیر خط سرخ ازمحمد مؤمن که درشوال ۱۰۹٤ آنرا نوشت .

[۲٦۵] طیر (رساله ...) (عربی)

یکی ازسه داستان فلسفی شیخ رئیس‌است که سهروردی شهید آنرا بپارسی کرد وقاضی عمربن سهلان ساوی (۵٤۰) بفارسی وشیخ کمال‌الدین علی‌بن سلیمان بحرانی بنام « مفتاح‌الخیر فی شرح رسالة‌الطیر » بتازی بر آن گزارش نوشتند (۱) غزالی نیزازروی آن داستانی بزبان مرغان ساخت .

آغاز : رسالة عرف برسالة‌الطیر کتبها ابوعلی‌بن‌سینا الی کافة اخوانه واصدقائه

---

۱ ــ داستان شیخ رامهرن با ترجمه فرانسه در لیدن بسال ۱۸۹۱ چاپ کرد و در جامع‌البدایع ومجله مشرق ج ٤ سال ۱۹۰۱ ص ۷ ــ ۸۸۲ وترجمه فرنگی یسوعیان ازآن دربیروت بسال ۱۹۱۱ بچاپ‌رسید. پارسی سهروردی وگزارش عمربن سهلان ساوی با صفیر

بقیه حاشیه درصفحه بعد

(فی وصف یوصله الی العلم الحق عملها قبل حصوله بالجمل . ماانت دائب فی الطلب منهمك فی نیل أمر متعب ـ قنواتی) هل لاحد من اخوانی ان یهب لی من سمعه قدر ما القی الیه طرفا من اشجانی عساه ان یتحمل عنی بالشرکة بعض اعبائها .

انجام : وبالله الاستعانة وعن الناس البرائة ومن اعتقد غیرهذا خسر فی الآخرة وسیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون .

[۳۲۳]

۱۰۷٤ این نسخه شماره ۷ دفتر و بخط تعلیق گ ۱۲٤ الف ـ ۱۲۷ الف میباشد.

[۲٦٦] **عرش التقدیس** (عربی)

این نگارش از میرداماد است و در آن شبهه ابن کمونه که «شاید در جهان هستی دو آفریننده بی هیچ قدر مشترکی باشند» ردشده ومیگوید که پیش از ابن کمونه هم بگشودن این شبهه پرداخته بودند سپس میگوید که برخلاف رأی شیخ علت ومعلول باید تنها در وحدت وکثرت همانند باشند نه درنحوه وحدت شخصی ونوعی ومیشود یك چیز دارای دو علت باشد و این انعکاس تنها در علت آفریننده بایستنی است ـ صدرای شیرازی دیباچه‌ای بر آن نوشته وآنرا شناسانده و بسیار بستود .

دیباچه صدرا : هوالحکیم العلیم هذه رسالة شریفة الهیة ومقالة جلیله ربانیة

مانده حاشیه ازصفحه قبل

سیمرغ ولغات موران باسر گذشت سهروردی از شهرزوری را Otto Spies و K. Khattak در سه رساله فلسفی (Three treatises on mysticism) بچاپ رساندند. در کتابخانه طوس گزارشی بفارسی ش ۸۰۷ وداستان طیر دیگری ش ٦٥٥ (ج ٤) هست درمجلس نیز همان گزارش فارسی طوس در ش ٦٤٠/۲ هست (ج ۲ ص ٤۰٥) وبگواهی نسخه شماره ۱۲۱٦ سپهسالار ص ۳٤ـ٥٤ ایندو از ساوی هستند .

نگاه به : شخصیات قلقه س ۹۸ — ۱۳٤ — ابن سینا از طریحی ـ معجم المطبوعات در ابن سینا وغزالی — درذریعه ج۷ ص۱۳۰ ازجنگی یادمیکند که شهاب بحرانی ۱۵ رساله در آن نوشت مانند حی بن یقظان شیخ وشرح طیر هموازبحرانی والغربة الغربیة (حی بن یقظان) والمنظرة التجریدیة که آغازش این بود : (هذه کلمات کتبتها بالتماس بعض اخوان التجرید) هردو ازسهروردی- قنواتی ش ۲۹۹ — رساله طیرغزالی در مجموعه رسائل او در مصر بسال ۱۳۲۸ بچاپ رسید .

مسماة بعرش التقديس فارق بين الحق والتدليس طلعت عن مطلع العرفان والتحقيق ولمعت عن منبع الايقان والتدقيق .

انجام آن : ولكن الكل ميسر لماخلق له وكتب هذه الاحرف خادم القوى العالية الروحانية محمد بن ابراهيم الشهير بالصدر الشيرازى احسن الله احواله حامدالله مصليا على نبيه مستغفر الذنبه .

آغاز رساله : اللهم اجعل رضاك عنى فيما تشغلنى به ولاتشغلنى عن ذكراك بما تشوقنى اليه ـ بسم الله الرحمن الرحيم والاستيفاق من العليم الحكيم ـ ياهو يامن هو يا من لاهو الاهو يافوق الفوق ويا وراء الوراء ويا عالياً عن سمك الوصف ويا رفيعا (ويا متقدسا) عن افق الثناء . . . وبعد فاحوج المربوبين الى الرب الغنى محمد بن محمد يلقب باقر الداماد .

انجام در نسخه ما : لكنى لست اجد مساق البرهان اليه اللهم الا فى العلة الجاعلة (تشريق) فاذن ليس يصح .

[۳۲٤]

این نسخه بخط تعلیق صدرای شیرازی ودارای دیباچه او (گ ۱ الف) میباشد
۱۰۹۰ عنوانها و نشانه‌ها شنگرف یا سیاه درشت است. داماد در آغاز از خود ستوده ومیگوید که خدا مرا برهمسرانم برتری داد که فلسفه را پخته وسخته ساختم وآنرا بادین سازگار کردم آنگاه زیر عنوان « اخاذة » شبهه ابن کمونه رد میکند و درعنوان (تشریق) اثبات میکند که علت و معلول باید در حدت و کثرت همانند باشند پس ازاین تشریق دوم میآید ونسخه پایان میابد وناقص است . این رساله را داماد بدرخواست یاران از نگارشهای خویش گزین نمود ـ گ ۱ ب ـ ۳ الف .

(۳ گ) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد ندارد

اندازه : ۱۳٫۵×۱۹٫۹ و ۸٫۵×۱٤ س ۱۴

[۲٦۷] عرشیه (عربی)

نگارش دانشمند صدرای شیرازی است که درتهران با نیمی ازشرح سپاهانی و با مشاعر بسال ۱۳۱۵ بچاپ رسید نیمه دیگر این شرح در سال ۱۳۱۹ دردنبال اسرارالایات او بچاپ رسید وی درديباچه آنرا « الحکمة العرشیه نامیده و درآن ازکتب مبسوط واسفار اربعه وکتب ورسائل ورساله حدوث وحواشی حکمة الاشراق

(ص ۱۲۷-۱۳۳-۱۴۴-۱۶۶) یاد نمود و اندیشه فلسفی خویش را درباره شناخت خدا ورستاخیزدر آن آورد. شیخ احمد احسائی بر آن شرحی نوشت وشیرازی را رد کرد و ملا محمداسمعیل بن‌محمدسمیع سپاهانی در گزارش‌خود بر آن و مولی زین‌العابدین بن محمد جواد نوری نیز در شرح مشاعر شیرازی از احسائی خرده گرفتند.

[۳۲۵]

۸۹۷ این نسخه شماره ۵ دفتر و بخط نسخ گ ۸۹ ب ـ ۹۷ الف میباشد

[۲۶۸] عرضنامه (فارسی)

این دفتر از بابا افضل کاشانی ودرطبیعی والهی‌است ودر۱۳۸نشریه دانشگاه بچاپ رسید ونسخه‌ها یکسان نیستند.

[۳۲۶]

۳۴۰ این نسخه شماره ۶ دفتر است وبخط تعلیق پاکیزه تاریخ ج ۲ سال ۱۲۶۰ گ ۵۸ ب ـ ۱۰۴ ب.

[۳۲۷]

۴۳۱ این نسخه شماره ۱۸ دفتراست و بخط تعلیق محمد علی بسال ۱۳۰۲ گ ۱۸۱ الف ـ ۲۶۴ الف.

[۲۶۹] العروس (عربی)

این‌نگارش ازشیخ رئیس‌است که در آن ازنفس قدسی پیامبریادکرد ودرباره آن گفت « یکاد زیتها یضیئی . .) (۱) ونیز گفت که عقل فعال برنیروی نطفی آن افاضه میکند و پرتو او ازنیروی نطق بنیروهای حفظ و تخیل وحس مشترك سپس بحس ظاهر میرسد ودر آن نگاشته میشود و در آن هنگام پیامبر فرشته زیبائی را

۱ــ شیخ رئیس در بند ۱۱ نمط ۳ اشارات و در بیتهائیکه خزرجی (ج ۲ ص ۱۵ س ۶ ــ ۸) از او میآورد بتفسیر باطنی آیه نور اشاره نمود. بنگرید به ص ۱۱۲ این فهرست.

درهوا می‌نگرد که درباره آئین گذاری با او گفتگو میکند (۱) .

[۳۲۸]

این نسخه شماره ۷ دفتر و بخط نسخ و تصحیح شده در کنار صفحه‌ها گ ۵۵ الف
۸۶۱ ۵۶ الف وچنین پایان میبابد : « و اشرف من کانت نفسه النطقیه (الناطقة) عقلا بالفعل من له النفس القدسیة النبویة والله الملهم للصواب ـ تمت رسالة العروس » مانندش ۶۶۶ طوس .

[۳۲۹]

این نسخه شماره ۲۰ دفتر و بخط تعلیق گ ۱۵۶ الف ـ ۱۵۸ الف و رسالة
۸۷۱ عرش نامیده شده و پایان آن چنین است : « ... النفس القدسیة النبویة والحمدلله والصلوة علی جمیع النفوس الطاهرات والذوات الزاکیات خصوصاً محمد و آله الطاهرین » درگ ۱۵۸ الف و ب گفتاری است ازشیخ درباره بستگی نحو و منطق نزدیك بآنچه که درپایان فصل ۳ مقاله ۱ فن ۱ منطق شفا آمده است : « المناسبة بین النحو والمنطق ان نسبة صناعة النحو الی الالفاظ کنسبة صناعة المنطق الی المعانی ... فالنحو ینظر فی الالفاظ بالذات وبالقصد الاول وینظر فی المعانی بالعرض والقصد الثانی والمنطقی بالعکس . تم »

[۳۳۰]

این نسخه شماره ۷ دفتر و بخط تعلیق گ ۳۴ ب ـ ۳۶ الف بدین نام «رسالة
۱۰۸۸ العروس » و چنین است پایان آن : « النفس القدسیة النبویة ولواهب العقل حمداً لایتناهی والصلوة علی سیدنا محمد . . . والسلام علی من اتبع الهدی » نزدیك به ش ۶۶۷ طوس درفهرست آنجا ش ۵۹۰ باز از العروس یاد گردید .

[۲۷۰] العقل (عربی)

این رساله ازفیلسوف کندی بغدادی است ودوبار بلاتینی درآمده است یکی

---

۱ ـ قنواتی این رساله را درش ۱۸۴ «العروش ـــ العرش ـ الحکمة العرشیة ـــ السلسلة الفلسفیة » خواند و درش ۵۷ « سلسلة الفلاسفة » را چیزدیگری پنداشت دوشماره طوس بنام « العروس » و ش ۲ر۶۱۱ مجلس بنام «العرش» است . همه اینها بجز یك بند پایان همانستکه در ص ۷۸ ش ۲۶ر۳۳۹ و در ص ۱۱۲ ش ۴۶ر۱۰۳۵ همین فهرست شناسانده شده است . در بیهقی ص ۹۰و۱۸۷ از « حکمت قدسی ـ مشرقی عرشی و رسالة العروش » یاد شده است در ص ۲ جنك ش ۱۲۱۶ سپهسالار نسخه‌ای بنام سلسلة الفلاسفه وبرابر با سه نسخه آینده ما و در ص ۹۷ ـــ ۹۹ همین شماره آنجا باز نسخه دیگری بنام « فردوس » وبرابر با دوشماره گذشته ما دیده میشود .

از ژرار دو کرمونا Gerard de Cremon (۱۱۱٤-۱۱۸۷) بنام (گفتار کندی درباره اندیشه پیشینیان درباره خرد) دیگری بنام (نگارش کندی درباره خرد ودانسته) که گویا از یوحناء اسپانیائی است و آلبینوناژی Albino Nagy ترجمه لاتینی این رساله و دورساله دیگری کندی (خوابیدن و خواب دیدن و گوهرهای پنجگانه) در مونستر بسال ۱۸۹۷ بچاپ رساند. کندی این رساله را بطور گزارش و بدرخواست کسی نگاشته ومیگوید رأی افلاطون وارسطوودیگر فیلسوفان ستوده یونان را در آن میآورم. وی عقل را چهاربخش میکند : بقوت و بفعل وملکه وظاهر. این رساله نسبت برساله فارابی بسیار کوتاه است ودر رسائل فلسفه کندی ازص۳۵۳ تا ص ۳۵۸ بسال ۱۹۵۰ درمصر بچاپ رسید .

آغاز : رسالة التاسع من یعقوب اسحق الکندی فی العقل ـ فهمك الله جمیع النافعات واسعدك فی دارالحیات والممات . فهمت الذی من رسم قول فی العقل . هو خبراخبرنا علی رأی المحمودین من القدماء الیونانیین ومن احدهم ارسطاطالیس ومعلمه افلاطون .

انجام : وقدر هذا القول فیه اذاکان ماطلبت القول المرسل الخبری کاف فکن به سعیدا .

[۳۳۱]

۳۸٤ این نسخه شماره پنجم دفتری است که دارای ۷ رساله میباشد وهمه رساله‌ها بخط تعلیق تازه و ازروی نسخه مورخ ۱۲٦٦ بدستور واقف محترم نوشته شده‌است وهر رساله جداگانه صفحه شماری دارد واین رساله ٤ صفحه است

(همه دفتر۴۰ برك) — کاغذ فرنگی ـ جلد مقوا

اندازه : ۱۷×۲۱ و ۱۳×۱٦ س ۹

[۲۷۱] العقل (عربی)

این رساله از فارابی است و در ص ۹٦ شناسانده شده و در آن از عقلهای گوناگون سخن رانده و روشن ساخت که درجات آن در نفس چیست و ارسطو درنگارشهای خویش ازعقل چه میخواهد .

[۳۳۲]

۲٤۰ این نسخه شماره ۲ دفتری است که‌دارای چندین رساله فلسفی ومنطقی ازفارابی میباشد وبخط نسخ ازبرك ٤ ب تابرك ۸ الف نوشته شده ونسبت بچاپ بیروت کم دارد .

[۳۳۳]

۲۵۳ این نسخه شماره پنجم دفتری است که دارای ۲۲ رساله میباشد ودربرگ ٦۹ ب تابرگ۷۳ ب وبخط تعلیق حیدربن علی کرکی عاملی میباشد که این دفتررا درسالهای ۱۰۷۵و۱۰۷٦ نوشته است .

(همه دفتر ۱۵٦ برك) ــ کاغذ ترمه سمرقندی ــ جلد تیماج سرخ ساده

اندازه : ۱۲٫۵×۱۹٫۵ و ٦×۱۱٫۵ س ۱۸

[۳۳٤]

۳۳۹ این نسخه شماره ۲۵ دفتر وبخط شکسته تعلیق مورب و بی‌نقطه واز برك ۸۰ (الف) است تا برك ۸۲ (ب) .

[۲۷۲] العقل (تعلیق فی ...) (عربی)

ابوالفرج‌بن‌الطیب دانشمند ترسای بغدادی م ٤۳۵ این‌رساله را مانندکندی وفارابی و بپیروی از ارسطو واسکندر افرودیسی نوشته ونیروهای روان ودرجات خرد را درآن شرح داد و پیدا است که از روش مشائیان متأثرگشت .

ابوالفرج دراین‌رساله عقلی راکه‌بذات خود وبفعل درك میکند فعال مینامد و عقلی راکه شایستگی دانش دارد هیولانی نام میدهد و برای آن چندین درجه از هیولانی صرف و بالفعل وممیز وظان وعامل وفکری وذاکر یاد میکند .

آغاز : تعلیق للشیخ ابی‌الفرج بن الطیب ــ قال الحکیم ابوالفرج : ان القوة علی‌الاطلاق ضربین ، قوةالحس وقوةالعقل .

انجام : فهذه اسماءالعقل‌الهیولانی عندالفلاسفه مشروحة .

[۳۳۵]

۲۵۳ این نسخه شماره ۱۷ دفتری است که دارای ۲۲ رساله میباشد ودربرك ۱۰۲ب بخط تعلیق عاملی در ع ۱ سال ۱۰۷٦ نوشته شده است و درپایان آن دارد : تمت‌الرساله ... علی ید حیدربن علی بن اسمعیل‌بن عبدالعالی الهاشمی الکرکی العاملی فی شهر ربیع‌الاول ۱۰۷٦ .

[۲۷۳] عقل (رساله اثبات ...) (عربی)

خواجه طوسی دراین رساله از این راه که باید حکم ذهنی با واقع برابر باشد ببودن عقل کلی پی‌میبرد ومعنای نفس امررا مثبت عقل میداند. دوانی براین رساله گزارش نوشت .

آغاز : من کلام مولانا . . . نصیرالحق والدین محمدبن‌الحسن‌الطوسی . . . اقامةالبرهان علی‌وجودالجوهرالمجردالمسمی بعقل‌الکل انالانشك فی‌کون‌الاحکام الیقینیه .

انجام : المشتمل‌علی‌کل رطب ویابس‌وذلك مااردناه . والله‌الموفق والمعین

[۳۳۶]

این نسخه شماره دهم دفتری‌است که دارای ۳۵ رساله وگفتارمیباشد وبخط ۱۰۷۹ تعلیق درص ۲۳ تا ۲۵ نوشته شده است . این دفتربخط چندکس است یکی ازنویسندگان میرمحمد مقیم‌بن میرشاهمیررضوی است که رساله ۳۱ (اسرار الاطباء از نظام‌الدین احمدگیلانی) این دفتر را در روز دوشنبه ۱۳ رمضان ۱۰۵۲ بپایان رساند .

دیگرمراد تفرشی که درذی‌حجهٔ سال ۱۰۴۷رساله ۳۴ (اثبات واجب) را برای مولی محمد صالح کرامی نوشته است وی همان‌کس است که سید احمد عاملی (مرده میان ۱۰۵۴ و ۱۰۶۰) برای او بپرسشهای خواجه طوسی از خسروشاهی پاسخ داده که همان رساله ۲۹ این دفتر میباشد . باز نام همین محمد صالح در ص ۳۷۳ دیده میشود و نیز خط سلطان محمود که در۲۵ رمضان ۱۰۳۴ و محمد مؤمن‌بن هدایت‌الله تبریزی که هردو بدستورهمان مولانا محمد صالح کرامی نوشته‌اند درص ۲۶۳و۲۶۹ دیده میشود . پیداست که این دفتر برای کرامی فراهم آمده است و تاریخ آن از ۱۰۳۴ تا ۱۰۵۲ میباشد .

(همه دفتر۲۸۱صفحه) ــ کاغذ ترمه سپاهانی زرد ــ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی اندازه : ۱۵ ×۲۶ و ۹×۱۶ س ۲۴

[۲۷۴] العلل والمعلولات (رسالة فی ...) (عربی)

این نگارش از خواجه طوسی است که درآن بروش ریاضی از رشتهٔ علتها ومعلولها گفتگونمود .

آغاز : بسمله . مسئلة . قالت الحكماء : المبدء الاول لجميع الموجودات واحد تعالى ذكره .

انجام : وذلك ما اردت بيانه فى هذه المسئلة والله اعلم بالصواب .

[۳۳۷]

۱۰۷۹ این نسخه شماره ۱۲ دفتراست وبخط تعلیق ص ۲۶-۳۱

[۲۷۵] **العلم الاكتسابى (رسالة فى ...)** (عربى)

خواجه طوسى دراين گفتار بروش عرفانى دو مرتبهٔ تعليم اكتسابى و تعليم ربانى علم را روشن ساخت .

آغاز : اعلم وفقنا الله تعالى و اياك انه لابد من معرفة العلم والعالم والمعلوم . فالعلم تصور النفس الناطقة المطمئنة الكلية حقايق الاشياء المجردة عن المواد كمية وكيفية مفردة كانت اومركبة .

انجام : فيعبر النفس عنه كما يشاء بلا انقطاع و نسيان. ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء من عباده و م حسبنا الله ونعم الوكيل .

[۳۳۸]

۱۰۳۵ این نسخه شماره ۸ دفتراست وبخط شکسته تعلیق ریز ص ۱۰۳

[۲۷۶] **علم جمجميه** (فارسى)

دراين رساله كه درمغزشناسى Phrenolegie ياعلم قيافه‌جمجميه ميباشد از جايگاه بيست ونه حس درمغز از روى سخنان گال (F . G . Gall) و لاواتر G . G . Lavater وديگر دانشمندان فرنك گفتگو گرديد (۱) .

آغاز : ربى . بسمله . مقدمه . علم انسانى بردونوع است علم جسمانى وعلم

۱ — درفرنولوژى صفات وكارهاى عقلى برپايهٔ ساختمان مغزنهاده شده وگال پزشك آلمانى (۱۷۵۸ — ۱۸۲۸) آنرا آورد اين علم كالبدشكافان را درباره ساخت وكردار مغز بخود كشيده بود وامروز فراموش گرديد . گال مغزرا جايگاه نيروهاى روانى ميدانست وبراى هريك ميخواست جائى درمغز جداسازد — لاواتر فيلسوف شاعرالهى پرتستان سوئيسى (۱۹۷۵—۱۸۰۱) آورنده علم قيافه Physiognomie يا هنر استدلال از خطوط چهره بخويها ميباشد .

غیرجسمانی .

انجام : جهت فهم و تربیت خود نه جهت شهرت و مضمون گوئی بیحاصل بتکمیل درعلم قیافه مشغول گردد. العلم عندالله ـ دریوم شنبه ۱۹ شهرجمادی‌الاولی بید اقل‌الجانی شیخ باقر فاضل‌الکاشانی فی سنة ۱۲۸۹ .

[۳۳۹]

۹۵۳ این نسخه بخط نسخ شیخ باقرفاضل‌کاشانی بسال ۱۲۸۹ میباشد ص۱ـ۱۱۳

(۶۸ برگ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج تازه

اندازه : ۱۲٫۵×۲۱٫۵ و ۷٫۵×۱۵ س ۱۶

[۲۷۷] علم‌الله (رسالة فی کیفیة ...) (عربی)

این گفتار کوتاه از شیخ رئیس دانسته شده ودر آن روشن گشت که خداوند بهمه چیز آگاهست نه اینکه تنها کلیات را بداند چنانکه مشائیان میگویند .

آغاز . رسالة للشیخ‌الرئیس ابی‌علی‌بن‌سینا فی کیفیة علمه تعالی . وبه ثقتی . قال : علم‌الباری لذاته فهو یعلم‌الاشیاء جزویها و کلیها علی ما هی علیه .

انجام : ویعرف باسبابها ویعرف عدمها باسبابها‌المعدمة لها .

[۳۴۰]

این نسخه شماره ۱۷ دفتر است و بخط تعلیق مورب گـ ۸۹ ب . نویسنده

۱۰۷۹ درپایان آن چنین‌افرود «وقال‌الاشیاء‌التی نسمیها اتفاقیات وهی‌واجبة عندالله وقال‌الاول یعرف‌الشخص و احواله‌الشخصیة ... ولایعزب عن علمه مثقال ذرة فی‌السموات ولافی‌الارض اننهی وهوصریح فی علمه تعالی بالاشیاء » وگفت پس آنچه غزالی‌درباره شیخ گفته واورا کافرخواند بی‌پایه است. خود غزالی برگشته باشد یا نه درمقاله چهارم سرالعالمین درباره غدیرچنین گفت : « ولکن اسفرت‌الحجة . . بین ذوی‌النهی وذلك فضل‌الله یؤتیه من یشاء » نویسنده میخواهد بگواهی این گفتار وآن سخنان شیخ را ازتهمت کفر بیرون بیاورد .

[۲۷۸] علم‌الله (رسالة فی ...) (عربی)

دانشمند شمسای گیلانی دراین گفتار از دانائی خدا سخن رانده و آنرا هنگامیکه درمکه بسرمیبرده است بسال ۱۰۴۸ نگاشته است .

آغاز : بسمله . اعلم ان العالم بالغیر قسمان .

انجام : الصفات الثبوتیه الکاملة الثابتة فی مرتبة ذاته بذاته مع قطع النظر عن کل ماعدا ذاته (در پایان میگوید : وقع تحریر هذه الرسالة البرهانیة علی ید مؤلفها... المجاور بمکة . . . محمد الشهیر بشمسا الجیلانی فی تاریخ سنة ثمان و اربعین بعدالالف) .

[۳٤۱]

۳۰٤ این نسخه شماره۲ دفتراست و بخط تعلیق شکسته محمدقاسم بن سید محمدحسینی شاگرد شمسا ازروی نسخه استاد ودرروزگار او بسال ۱۰۵۸ گ ۱۹۹ب-۲۱۰ الف و یك حاشیه (منه) دراین نسخه هست . شماره ۱ نیز نوشته حسینی میباشد .

[۳٤۲]

۳۸۹ این نسخه شماره ۱ دفتر و بخط تعلیق تاریخ ۱۲۵۲ میباشد گ ۱ ب - ۱۲ ب ودرصفحه ۱و۲ دوحاشیه دارد که یکی به (منه) ودیگری به (منه ره) پایان میپابد. دو نسخه ازابن رساله درطوس ش ۶۸۰و۶۸۱ (ج ٤ ص ۱۳۷) هست .

[۲۷۹] علم الله (رسالة فی . . .) (عربی)

این گفتار نیز از گیلانی است که اندیشه فلسفی خویش را در آن باسخنان معصومان سازگار نمود .

آغاز : و اعلم ان ما برهنا علیه باذن الله تعالی من ان علم الله تعالی بالاشیاء لایجوز ان یکون حضوریا ولاحصولیا بل لابدان ان یکون نحواً ثالثاً .

انجام : یجب حمل کلام الشارع علی المتفاهم العرفی مالم یصرفه صارف عقلی اوشرعی ولیس فلیس .

[۳٤۳]

۹۲۶ این نسخه شماره ۱۵ دفتر و بخط تعلیق ریز میباشد ودرپایان دارد « س م س رحمه‌الله» گ۱۵۳ الف-۱۵۵ الف. دردنبال آن گفتاری‌است ازشمسا درجدائی میان ذاتی وعرضی درموجود خارجی با رمز (س م س رحمه‌الله) و عبارتی از حاشیه شفای شیرازی گ ۱۵۵ الف .

[۲۸۰] علم واجب (رساله . . .) (عربی)

دانشمند داماداسترابادی دراین‌رساله بروش خویش ازدانائی خداکاوش‌نمود

آغاز : بسمله . ولاثقة الابالحکیم بعدالحمد لمفیض العلم وواهب العقل . . . یقول محمدالمدعو بباقر الداماد الحسینی . . . وضابطة مقام التحقیق فی علم الواجب ان یقال .

انجام : کما ارتکب من مدارك المحققین علی مافصل فی زبرهم فتامل والیه یعلم حقیقة الحال .

[۳٤٤]

۱۰۳۸ این نسخه شماره ۱٦ دفتر است و بخط شکسته تعلیق گ ۱۳۰ب - ۱۲۹ الف

[۲۸۱] **علم الیقین** (عربی)

نگارشی است فلسفی وعرفانی از فیض کاشانی محمدمحسن بن مرتضی فیلسوف عارف محدث شیعی (۱۰۰۷-۱۰۹۱) که در ۱۰٤۲ بپایان رساند و در تهران بسال ۱۳۰۳ با عین الیقین همو بچاپ رسید .

[۳٤٥]

[۲٤٤] این نسخه بخط تعلیق وعنوانها در آن بشنگرف است ودر برك (۱ الف) چنین نوشته شده : «کتاب علم الیقین فی اصول الدین املاء العبدالضعیف محمدبن مرتضی المدعو بمحسن القاسانی ثبته الله بالقول الثابت فی الحیوة الدنیا وفی الاخرة» وسه مهر دارد که دوتا ازاواست ویکی چنین خوانده میشود : «الراجی محسن الفیضی محمد» و باز درهمانجا نوشته است که اسحق بن محمد علم الهدی از پسر عموی خود بسال ۱۱۲۵ این نسخه را خریده است .

درآغاز نسخه مهر محمد ابراهیم بن محمد صادق موسوی و درآنجا و درپایان مهر محمدبن صادق بن زین العابدین موسوی دیده میشود .

(۲۸٦ برك) ــ کاغذ ترمه سمرقندی - جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی

اندازه : ۱۳×۲۰ و ۷ر۱۳×۱۹ س ۱۹

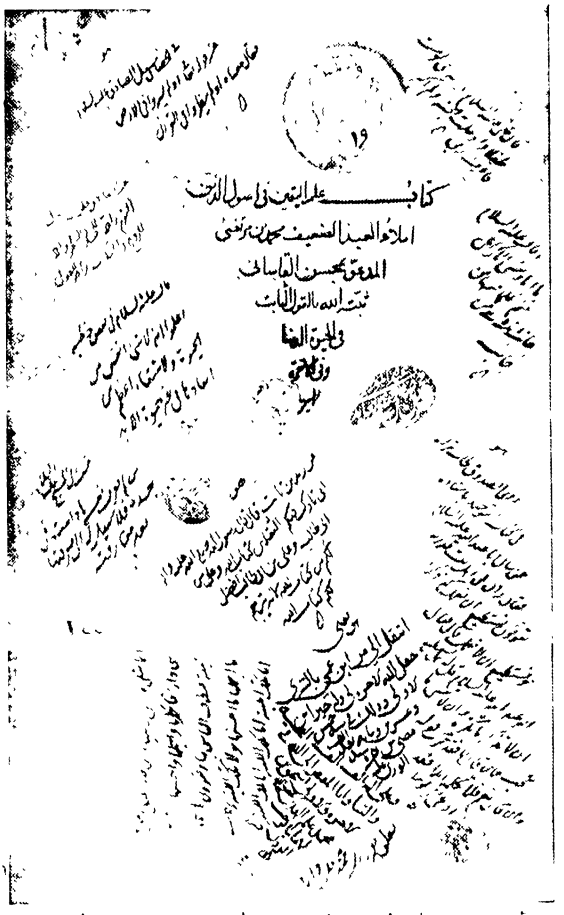

صفحة عنوان علم اليقين فيض بخط ومهر خود او ش ٢٤٤

وقد قال عن من قائل جل علاؤه انه ارحم الراحمين فلا شك انه ارحم منا بخلقه ونحن عرفنا من نفوسنا هذه المبالغة في الرحمة حتى قيل قد قام الدليل العقلي على ان الباري عز وجل لا تسعه الطباعات ولا يضره المخالفات وان كل شيء جار بقضائه وقدره وان الخلق مجبورون في اختيارهم فكيف يسوغ العذاب عليهم وجاء في الحديث وارحم من شيء سمع ارحم الراحمين وربما قال ان كون الشيء عذابا من وجه لانسان قد يكون رحمة من وجه آخر وفي الكلام لطيف لكن هذا الكتاب لا يحتمل ذكره وقد اوردناه في كتاب عين اليقين وفي النبي صلى الله عليه وآله ان الله خلق يوم خلق السموات والارض مائة رحمة فجعل في الارض منها رحمة بها تعطف الوالدة على ولدها والبهائم بعضها على بعض والطير آخر تسعة وتسعين الى يوم القيمة فاذا كان يوم القيمة اكملها بهذه الرحمة فبسبعين من التسعة وتسعين رحمة الاولياء في شدة نقمته واشتدت نقمته الاعداء في سعة رحمته هذا آخر الكلام في العلم باليوم الآخر وبهذا تم علم اليقين بمقاصده الاربعة ووقع الختم على رحمة الله تعالى لكل من حصل الله خاتمتنا ويوم آخر نا الى رحمته وغفرانه انه غفور رحيم وفرغ منه مؤلفه العبد الضعيف المسكين المذنب المفتقر الى رحمة ربه الغني محسن المعروف بمحسن حسن الله حاله وجعل الى الرفيق الاعلى مآله وتاريخ اتمامه وايام التصنيف يعرف من هذه الابيات. تم علم اليقين في عاشر شهر ربيع الآخر صار تاريخ عامه الآخر مصرع الصدر من هذه الكلمة بدوه كان في الشهر الحرام فكذا الختم صار في الحرم بحث باذا الذكاء بالبشرين بخصوص لصاحب الحرم تبع الله

طالبيه به وبافيه ثبتت قدمه

والحمد لله اولا وآخرا وظاهرا وباطنا

وصلى الله على محمد وآله اجمعين

٢٤٤

[۲۸۲] **عین‌الیقین** (عربی)

این نگارش عرفانی از دانشمند فیض کاشانی است که عین‌الیقین فی اصول اصول‌الدین یا الانوار والاسرارنامیده شده ودرسال ۱۰۳۶ بپایان رسید و باعلم‌الیقین درتهران بسال ۱۳۰۳ چاپ شد .

[۳٤٦]

۳۷۳ این نسخه بخط نسخ خوش تاریخ ۱۱۲۷ در جدول زرین ولاجورد باسرلوحی زیبا بزر و لاجورد و میان سطرها و کنار دو صفحه نخستین طلاکاری است و حاشیه دارد ازفیض با (منه قدس سره) .

(۳۸۳ ۳) – کاغذ سمرقندی -- جلد تیماج مشکی مقوائی دورو ودرون آن سرخ اندازه : ۱۴×۲۱ و ۹×۱۹ س ۱۸

[۲۸۳] **عیون‌الحکمه** (عربی)

نگارشی است بروش عرفان وعلم حروف از امام فخرالدین تبرستانی رازی که درفهرست آغاز نسخه ما (رسالةالتوحید) یاد شد .

آغاز : بسمله . ورب یسر. الحمدلله المستحق للحمدذی الجلال والبهاء والسناء والمجد . . . هذاکتاب صنفناه فی الشرایع الالهیه و القواطع الدینیة علی آراءالعقلاء ذوی‌الشریعه .

انجام : تمت المنافع یتلوها الاصول الفقهیات اندر ماقیل واعز مانیل والعون والتوفیق بالله علیه اتوکل و الیه انیب والحمدلله وحده والصلوة علی نبی الرحمة وآله الطاهرین .

[۳۰۷]

۱۰۲۲ این نسخه شماره ۵ دفتراست و بخط نسخ سید حیدر آملی که خود آنرا مقابله نمود گ ۱۰٤ ب - ۱۲٤ الف

[۲۸٤] **عیون‌المسائل** (عربی)

نگارشی است از فارابی که درص ۹۹ شناسانده شده ودرآن چندین مطلب منطقی وفلسفی آمده است .

[۳٤۸]

۲٤۰ این نسخه شماره ٥ دفتراست وبخط نسخ گ ۲۲ ب ـ ۲٥ ب .

[۳٤۹]

این نسخه شماره ٥ دفتر است و بخط شکسته تعلیق محمد شریف بن محمد
۱۰٤٦ قائمی دررجب ۱۰٤۰ درلاهیجان گ ۳۹ب ـ٤۱ ب وعنوان آن چنین است : ٥
«هذه کتاب عیون المسائل للشیخ الاجل الاقدم ابی نصر الفارابی وهی مأته وستة وستون مسئلة » .

[۲۸٥] فصوص الحکمة (عربی)

نگارشی است که ازفارابی دانسته‌اند ودرص ۱۰۰ شناسانده شده ودرفلسفه آمیخته با عرفان است . یکی از دانشمندانیکه از آن یاد نمود خفری (م ۹۳٥ یا ۱۰ ۹٥۷) است که در «اثبات الواجب» ش ۹۲٦/۸ گ ۱۲۹ الف از آن نام برد . دانشمند داماد نیز در ص ٦۷ قبسات بند ٥۸ آنرا آورد و درصراط مستقیم او (ش ۲۷۹/۱ گ ۳٤ الف) نیز بندی از همین فصوص دیده میشود بااینهمه گواهیها دراینکه این گفتار ریخته خامهٔ فارابی است یا نه جستجوی بیشتری باید .

۱٥ [۳٥۰]

۲٤۰ این نسخه شماره ٦ دفتر وبخط نسخ میباشد گ ۲٦ الف ـ ۳۱ ب

[۳٥۱]

۲٦۸ این نسخه شماره ۱ دفتر وبخط نسخ تاریخ ۹۸٦ از پیرشاه بن محمد یساری گ ۱ ب ـ ۱۷ الف .

۲۰ [۳٥۲]

این نسخه شماره۳ دفتراست وبخط نسخ تاریخ ۱۰۹٦ گ٥۲ الف ـ ٥۹ ب
۸۹۷ عنوان « فص » بشنگرف است و ٦٥ فص میباشد و در پایان دارد « تمت الرسالة المنسوبة الی المعلم الثانی » .

[۳٥۳]

۲٥ این نسخه شماره ۱ دفتراست و بخط تعلیق خوش با عنوانهای شنگرف از
۱۰۳۰ ملامحمد سلیم که برای حاج محمد شریف بسال ۱۰۹٤ نوشته است گ ۷ب ـ ۱۷ب

[۲۸٦] فوز اصغر (عربی)

فیلسوف ابوعلی مشکویه رازی (م ٤۲۱) این رساله را درمسئلهٔ خداشناسی و پیامبری و روانشناسی هریك در ده فصل نگاشته‌است. در آغازمیگوید: با اینکه هیچ کتابی دردستم نبود و برسرسفر بودم و آسایشی نداشتم چون بمن دستوردادند بنگارش آن بپرداختم. مشکویه دراین کتاب ازسخنان افلاطون وفرفوریوس و از گفته جالینوس دراینکه چیز از چیز پیدا میگردد و ازرد اسکندر براو یاد میکند (مسئله ۱ فصل ۲ و ۱۰) در فصل ۱ مسئله ۲ میگوید: بدشواری میتوان درباره روان سخن راند چه کتاب نفس ارسطورا سخت میتوان دریافت وناقص است زیرا او دشوار وکوتاه سخن میگفت تا پیروان ورزیده شوند. مفسران هم بیشتر مانند اسکندر افرودیسی و ثامسطیوس و پیروان آنها اختلاف کردند و ترجمه از یونانی نیز کسی را میشاید که درهردو زبان سرآمد و آگاه باشد. تنها ابوالخیر حسن‌بن سوار که خدا ما را ازاو بهره‌مند سازد بجستجوی گفتارارسطودرباره نفس پرداخت وازکتابهای‌سریانی که‌بمانرسیده‌بود وازتفسیرهای‌مفسران گردآورد وخودهم‌خوب مترجمی است وخستگی‌ناپذیر. او در دریافت بسیاری ازدشواریها با ترجمه‌ها که کردبماکمك‌نمودو بسیاری راروشن‌ساخت‌وازسخنان‌خوداوواز گفته‌های گذشتگان که میآورد اگر در دست میداشتم دراینجا یاد میکردم. در پایان فصل ٤ مسئله ۲ باز از تفسیر ابی‌الخیرمیاورد ودرفصل ٦ مسئله۲ دردلیل سوم ازسه دلیل افلاطون درپایداری‌روان ازنگارشهای‌اووابرقلس (پرکلس) وجالینوس یادمیکند ودرفصل۹ مسئله ۲ سرودی از همیروس میاورد. ایندفتر از بهترین کتابهاست که درباره خدا وروان وتجرد و پایداری وخوشی آن ووحی وکهانت و پیامبری بروش فیلسوفان نوشته شده‌وبرای تفسیر کتاب‌نفس ارسطوبسیارسودمند میباشد. اوچون میخواست (فوزاکبر) بنویسد دراینجا بکوتاهی پرداخت و بدان نوید داد (پایان) این کتاب بسال ۱۳۲۵ در مصر و ۱۳۱۹ در بیروت بچاپ رسید، خواجه عبدالحمید استاد فلسفه مدرسه‌دولتی‌لاهور بدان‌نگریسته وگزین‌نموده وکتابی بانگلیسی بدین‌نام: Ibn Maskawiaih , A study of his Al – Fauz Al – Asghar درهمانجا

بسال ۱۹٤٦ بچاپ رساند .

آغاز : بسمله وبه ثقتی ورد علی امر الامیر المظفر السید المؤید من السماء ... علی المسائل الثلثة التی یشتمل علی العلوم کلها .

انجام : فهذا مبلغ مایجب ان یتکلم فیه علی هذه المسائل الثلث ... والدلالة فیما احتاج الی بسط وشرح الی اماکنه من کتاب الفوز الاکبر الذی یستانف بمشیة الله عمله وبالله التوفیق الحمدلله وحده والصلوة علی النبی محمد وآله الطاهرین . تم الفوز الاصغر عن ابی علی المسکویه .

[۳٥٤]

این نسخه شماره ۱ دفتر وبخط نسخ باعنوانهای شنگرف میباشد گ الف ـ ۸۹۷ ۲۰ الف. نسخه خطی وچاپی آن درفهرست طوس (ج۱ ش۲۱۲ ص٦٤ وج ٤ ش ۲ـ٤٦۱ ص ۳۳٦) شناسانده شده و یك نسخه آن درمجلس هست (ج۲ ش ٦۳٤/۳۱ ص ۳۹۹) .

[۲۸۷] **فیض الهی** (عربی)

نگارش ابن‌سیناست که دردکن بسال ۱۳٥٤ بنام رسالة الفعل والانفعال بچاپ رسید ودر آن از وحی والهام واعجاز وکرامت وخواب وجادو ونیرنك گفتگو میشود و شیخ آن را دردنبال پاسخ خود بپرسش سوم میهنی نیز گذارده است (ص ۱۷۱ این فهرست) قنواتی در ش ۱۹۰ نیز آنرا شناساند .

[۳٥٥]

۳٦۷ این رساله شماره ٤ دفتراست وبخط نسخ تازه در ٤۷ ص میباشد. درطوس دونسخه ازآن هست ش ۱۰٥ (ج ۲ ص۳۱ منطق) و ۹۱۹ (ج ٤ ص ۲۱٥)

[۳٥٦]

این نسخه شماره ۷ دفتر است و بخط تعلیق نزدیك ۱۳٥٦ گ ٦۰ الف ـ ۱۰۸۹ ٦۲ الف و بدینجا پایان میپابد «علی تصریف العین ولخیالات الناس » برابر با س ۲ ص ۷ چاپی .

---

۱ ـ برای شناختن این فیلسوف و گفته‌های او بنگرید به : ابن‌مسکویه فلسفته الاخلاقیة ومصادرها ازدکتر عبدالعزیز عزت چاپ مصر بسال ۱۹٤٦ که ازاینکتاب در ص۱۳٥ یادکرد

[۲۸۸] **قراضه طبیعیات** (فارسی)

این دفتررا ازشیخ رئیس پنداشته‌اند و در دیباچه آن چنین آمده که نزد فرمانروا سخنی ازطبیعیات و نوشته‌های ارسطو بمیان آمده ناگزیر این کتاب را درمسئله‌های طبیعی بروش پرسش و پاسخ بپارسی نوشتم و ازنگارشهای دیگران مگر گاهی آنهم برای آسانی دریافت آنچه خود نگاشته‌ام نیاوردم اوخود این کتاب‌را چنین نامید و کتاب در ٤ فصل است : « مسئله‌های حیوانی در۱٦ باب و نباتی در ۸ باب ومعدنی در ده باب و نوادر در۱٦باب » نگارنده درفصل۳ باب ۹ (ص ۲۸) ازصنوان‌الالوان خود یادمیکند مانااین کتاب ازروی « مسائل » یا «مابال» ارسطو نوشته شده‌است.

آغاز : بسمله . سپاس بیقیاس آفریدگار همه اشیاء را و بخصوص کننده نوع انسانرا ازجمله جانوران . . . آغازسخن امرا وسلاطین ووزوا وخواقین آنست که شغلهای خواهند که شهر گشادن بود .

انجام : که دیدن سراب خویش ترك وبیخ خویش بکنی .

[۳۵۷]

۱۰۹۱ این نسخه بخط تعلیق شادروان شیخ اسدالله فرزند هادی کرمانشاهی کتابدار مدرسه سپهسالار میباشد که در۱۵ صفر۱۳۵۰ درهمانجا ازروی نسخه‌ایکه بدین عبارت « تمت‌الرسالة فی یوم‌الجمعه دهم شهرمحرم‌الحرام۱۲۳۹ » پایان میبافت نوشته است .

(۴۴ ص) – کاغذ فرنگی – جلد تیماج سرخ

اندازه : ۱۱×۱۷٫۵ و ۷٫۵×۱۳ س ۱۳

[۲۸۹] **القضاء والقدر (رسالة . . .)** (عربی)

ابوسعید حسن بصری (دررق۲۲– دربصره رجب۱۱۰) پارسای صوفی سخنور دانشمند از پدری بنام ابی‌الحسن میسانی برده زیدبن ثابت انصاری و مادری بنام خیره کنیزام سلمه زن پیامبر(ص) بوده وچهره‌ای زیباداشت ودر وادی‌القری بزرك شد . وی در روزگار معاویه (٤۱ – ٦۰) برای ربیع بن زیاد فرمانروای خراسان نویسندگی میکرد. ازشعبی (م۱۰٤) وابن سیرین (م۱۱۰) وفقیهان ومفسران دیگر

بیاموخت وعمربن عبدالعزیز (۹۹-۱۰۱) اورابزرك میداشت سلیم‌بن قیس میگوید که اوسرانجام شیعی شد. دانشمندان شیعی برخی‌اورابدودسته‌ای خوب میدانند. او از خونریزیها وکشتارهاکه سران تازی میکردند نکوهش می‌نمود و گوشه‌ای گزید. شاگردش ابن‌ابی‌العوجاء چون سخنانش را درجبروقدرباهم ناسازگاربدید ازاوبرگشت و خداناپرست شد. برخی او را سازشکار و خواهان بزرگی و رهبر قدریان خوانده‌اند. گویند ابن‌سیرین برمرده او نماز نگذارد. از نگارشهای او « الاخلاص » نام برده‌اند. پندها واندرزهاوسخنانی‌شیوا ازاودرکتابهادیده میشود. وی نامه‌ای بعمرعبدالعزیزو بصوفیان نوشت (۱) این گفتارنامه‌ای است ازاوبحسن‌بن علی (ع) (۲-۵۰) وپاسخ امام بدو درباره قدروسرنوشت سپس‌نامه همو بعبدالملك مروان (۶۵-۸۶) در پاسخ نامهٔ این فرمانرواکه بدو نوشت : « درباره قدر سخنی ازتو شنیده‌ایم که گذشتگان و یاران پیامبر نگفته‌اند وامیرمؤمنان ازمانند تودیندار وفقیه چنین گفتاری را دور می‌بینند. خود چنین میگوئی یا از یاران پیامبر آموختی ویا ازقران گرفتی؟ماتاکنون‌چنین سخنی‌نشنیده‌ایم. بایدچگونگی‌رابرای‌مابنویسی. بصری درآغازمیخواهدکه او از فرمانبران خدا باشد وسپس درباره قدر و آزادی خواست مردمی سخن‌میراند واز آیتهای قرآن‌گواه میآورد که‌بدی ازبندگان است وخدای دادگر ومردمی درگروکردارخویش میباشد.

آغاز : بسمله و به نستعین. قیل کتب‌الحسن‌البصری رحمةالله علیه الی‌الامام ابی‌الحسن بن علی . . . یابن رسول‌الله ان‌الله جعلکم‌السفن الجاریة . . . وقیل کتب عبدالملك بن مروان الی حسن‌بن ابی الحسن البصری رحمةالله علیه من عبدالملك امیرالمؤمنین الی حسن‌بن ابی‌الحسن .

انجام : ولیلبسوا علیهم دینهم وقال الهدهد الذی انطق‌الله بالصواب وجدتها (کم دارد) .

۱ــ نگاه به : تذکرةالنوادر من‌المخطوطات‌العربیة ص ۱۲۰ چاپ دکن ۱۳۵۰ــ روضات‌الجنات ص ۲۰۸ ــ ۲۱۱ــمیسان شهرکی بود پائین بصره . نسخه‌ای از نامه‌های بصری درایاصوفیا ش ۳۹۹۸ هست .

[۳۵۸]

۱۰۲۲ این نسخه شماره ۱۰ دفتر است و بخط نسخ آملی گ ۱۷۳ ب ـ ۱۸۶ ب ودردنبال آن چهار گفتار فقهی گ ۱۸۷ الف و گفتاری از فخرالمحققین دراعتقاد واجب ۱۸۷ ب میباشد .

[۲۹۰] **قضا وقدر** (عربی)

نگارش دانشمند صدرای شیرازی است که درمجموع رسائل اوص ۱۴۸ـ۲۳۷ درایران بسال ۱۳۰۲ بچاپ رسید .

[۳۵۹]

۸۴۹ این نسخه شماره ۵ دفتر است و بخط تعلیق محمد علی ۱ صفر ۱۳۰۰ گ ۶۱ الف ـ ۱۷۴ الف .

(همه دفتر ۱۷۴ گ) ـ کاغذ فرنگی — جلد تیماج سرخ ساده مقوائی
اندازه : ۱۰٫۵×۱۷٫۵ و ۶×۱۴ س ۱۱

[۲۹۱] **قضا وقدر (رساله . . .)** (عربی)

ابومحمدبن عنایت‌الله مشهور ببایزید بسطامی برای امیرسیدعالی مظفربروش کلام شیعی دراین رساله از قضا وقدر گفتگو نموده و آنرا درروزسه شنبه ۱۴ ج ۲ سال ۱۰۱۱ بپایان رساند .

آغاز : بسمله و به نستعین الحمدلله الذی اوضح البینات والهدی . . . یقول ابومحمد بن عنایت‌الله الشهیر ببایزید البسطامی ان مسئلة القضاء والقدر لما کان من غوامض العلوم .

انجام : والتجنب عن اعتقادالمذاهب الزائفه وقدفرغ من تسوید هذه الرسالة مؤلفها ابومحمدبن عنایت‌الله البسطامی . . فی تاریخ یوم الثلثا رابع عشرجمادی الثانی من شهور سنة احدعشر والف بیدالعبدالضعیف احمدبن عبدالحی عفی عنهما .

[۳۶۰]

۲۹۳ این نسخه شماره ۳ دفتر وبخط شکسته تعلیق احمدبن عبدالحی شریف میباشد گ ۷۲ ب ـ ۱۳۰ الف ومهر « المتوکل بالملك اللطیف عبده محمد شریف » درپایان این رساله ودومی دیده میشود .

(همه دفتر ۱۳۰ ۳ب) ـ کاغذ لرمه سمرقندی- جلد تیماج مشکی ضربی زرکوب مقوائی
اندازه : ۵ر۹×۱۹ و ۶×۵ر۱۴ س ۲۰

[۲۹۲] **القوی الانسانیه و ادراکاتها** (عربی)

این رساله که از ابن‌سینا دانسته شد با پاره‌ای از فصوص فارابی یکی است (ص۱۰۱ این فهرست) ودرتسع رسائل $\frac{1908}{1326}$ وکنارشرح هدایه شیرازی ص ۳۳۸- ۳۴۵ بچاپ رسید . قنواتی در ش ۹۵ از آن یاد نمود. درفهرست بیهقی ص۱۸۸ نیز این نام دیده میشود .

[۳۶۱]

۸۷۱ این نسخه شماره ۱۶ دفتر و بخط تعلیق محمدعلی درمدرسه سپهسالار نزدیك ۱۲۹۹ گ ۱۴۷ ب ـ ۱۵۲ ب .

[۳۶۲]

۱۰۸۹ این نسخه شماره ۸ دفتر و بخط تعلیق حسن تقدیسی نزدیك ۱۳۵۶ گ ۶۴ ب ـ ۶۵ ب .

[۲۹۳] **القوی الجسمانیه (رسالة فی . . .)** (عربی)

بیهقی در فهرست خویش ص ۱۸۹ درشمار نگارشهای شیخ از همین نام یاد کرد وقنواتی در ش ۱۰۹ بنام « النفوس » آنرا شناساند .

آغاز : نقول : القوی الفعالة فی الاجسام بذاتها ینتهی بها القسمة الی اربعة اقسام.

انجام : فهذا هو حد النفس والله اعلم والحمد لواهب العقل بلانهایة والصلوة الدائم علی محمد منبع الحکمه والشریعة و آله اجمعین .

[۳۶۳]

۳۶۷ این نسخه شماره ۲ دفتر است و بخط نسخ تازه و تصحیح شده ۲۱ صفحه

[۲۹۴] **القوی الطبیعیه (مقالة فی . . .)** (عربی)

نگارشی است از فرزانه پزشك ابی الفرج عبدالله بن الطیب جاثلیق همدانی بغدادی آشنای بیونانی وورومی م۴۳۵ استاد ابن‌سینا که بربسیاری از کتابهای ابقراط وارسطو وجالینوس شرح نوشت وچهار انجیل (دیاتسارن) را بتازی گزارش نمود .

او گفتگوهای ابن سینا و بیرونی راکه بدید گفت : کسی که بردیگران بخل ورزد آنها هم بر وی بخل ورزند. بیرونی بجای من بدو دشنام داد ـ همین گفتاراست که ابن‌سینا بر آن ردی نوشت (۱).

آغاز: مقالة لابی الفرج عبدالله بن الطیب فی القوی الطبیعیة ـ قال اقتضی تصنیفی لهذه المقالة المحبة التی بیننا وغرضی فیها البیان علی ان القوة الجاذبة والماسکة والهاضمة والدافعة هی قوة واحدة فی الموضوع وافعالها اربع .

انجام : فالقوة التابعة له واحدة فهذا یجزی و یغنی فی مطلوبنا هذا و عنده فلیقطع الکلام فی مقالتنا هذه ولواهب العقل مستحق الحمد الحمد بلانهایة وهو حسبنا وصلی الله علی سیدنا محمد . . . والحمدلله رب العالمین .

[۳٦٤]

۱۰۷٤ این نسخه شماره ۸ دفتر و بخط تعلیق میباشد گ ۱۲۷ ب ـ ۱۳۳ ب

[۲۹۵] **قیافه** (فارسی)

دراین رساله از قیافه که یکی ازفرعهای طبیعی قدیم است گفتگومیشود .

آغاز : بسمله و به نستعین . این مختصر بست در بیان علم قیافه وحلیه و ظاهر صورت انسان .

انجام : کدام ازخواص وعوام اشغال واعمال مناسب فرمایند . والسلام .

[۳٦٥]

۸۷٦ این نسخه بخط نسخ درگ ۹۰ ب ـ ۹۳ ب میباشد و ازگ ۹۸ ب تا ۱۰٦ ب سخنانی است پراکنده درافسون و جادو و کیمیا وافسونی از میرداماد برای توانگری .

[۲۹٦] **کلمات طریفة** (عربی)

رسالهٔایست کوچك وبسیارشیوا ازفیض کاشانی در ۱۰۱ بند که در آن ازسنیان

---

۱ ـ نگاه به : خزرجی ج ۱ ص ٤۱ـ۲۳۹ وج ۲ ص ۲۹ـ۲۰ـ بیهقی ص ۲۷ـ۳۲ـ همین فهرست ص ٤۹ ۵۰ و ۷۲ ـ قنواتی در ش ۹٤ این رساله را شناسانده ودرش ۱٤۱ رد آنرا .

و متکلمان و صوفیان و فیلسوفان و فقیهان و پارسایان ظاهری خرده گیری میکنند ودرایران میرزا محمد هاشم قمی بسال ۱۳۱۶ آنرا بچاپ رساند.

[۳۶۶]

این نسخه شماره یکم دفتر است که دوم آن اختصار شواهد مغنی‌اللبیب عن
۱۴۳ کتب‌الاعاریب ابن‌هشام جمال‌الدین عبدالله‌بن یوسف نحوی حنبلی مصری
۷۶۱م است که گویا ازشمنی تقی‌الدین ابوالعباس احمدبن محمدحنفی قسطنطینی
م ۸۷۲ باشد واین یکی بخط نسخ است با عنوانهای شنگرف از برك ۱۰ ب تا برك
۱۶۷ب ونام شمنی دربرك ۱۱۰ الف برده شده‌است وسومین شماره این دفترفرهنگی
است از تازی بترکی آنهم بنسخ ازبرك ۱۶۸ ب تا برك ۱۹۷ الف و نوشته ناصربن
حسین در مدینه بتاریخ ۲۵ رمضان سال ۱۲۰۸ میباشد و چهارم شرح خلاصة‌الحساب
شیخ بهائی میباشد ازبرك ۱۹۸ ب تا برك ۲۵۲ الف.

کلمات طریفه فیض ازبرك ۱ ب این دفتراست تا برك ۹ ب وبخط نسخ و جای عنوان سفیدگذارده شده وازآغاز کتاب تا نیمی ازبند ۴۲ زیرعنوان «تنزیه» رادارد وانجام آن چنین است: «ان حکماءالاوائل کانوا اولی‌الفضائل . . . فی کلماتهم شفاء لما فی‌الصدور وفی مقالاتهم نجاة من‌الجهل والغرورغیران عباراتهم» برابر با س ۶ ص ۵۴ چاپی.

(همه دفتر۲۵۲ برك) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج سرخ مقوالی
اندازه: ۱۶×۲۳ و ۱۱٫۵×۱۸٫۵ س ۲۳ دراین شماره

[۲۹۷] گلید بهشت (فارسی)

نگارش قاضی محمد سعیداء قمی است که در چاپخانه مجلس تهران بسال ۱۳۱۵ خ بچاپ رسید.

[۳۶۷]

این نسخه شماره ۱ دفتر وبخط تعلیق شکسته تاریخ ذی‌حجه ۱۰۸۵ میباشد
۳۷۴ ودرپایان دارد که درروزگارقاضی نوشته شده گ۱ب ـ ۵۱ ب (۷×۱۲/۵
س۱۵) نسخه در۱۲۲۹ ازآن فتحعلی نواده سلطان کریمخان‌زند درسپاهان بوده است (بنگرید بفهرست طوس ص۳۴۳ ج ۴).

[۲۹۸] **کیفیة صدورالموجودات عن مبداها وعلمه بالجزئیات** (عربی)

قاضی‌القضات هرات‌هنگامی که خواجه‌طوسی بسال۶۶۶ نزدش رفت دوپرسش

ازوی کرد یکی اینکه هستی‌هارا برای فیلسوفان خداوند چگونه آفرید؟ دیگر اینکه آنان درباره آگاهی خداوند بجزئیات چه میگویند؟ طوسی این پاسخرا داد بامید اینکه دوباره گسترده‌تر بنویسد وازاو درخواست که اگر بازهم دشواراست برگوید. درپاسخ دوم (گ ۵۵ ب) ازشرح اشارات یاد میکند.

آغاز: بسمله من کلام . . . خواجه نصیرالملة‌الدین قال سألنی قاضی القضاة ملك‌العلماء قدوة‌المحققین فخرالملة‌والدین سیدافاضل‌المتأخرین ... حین استسعدت بخدمته واستفدت بنتایج فکره ... فی‌شهورسنه ست وستین وستمائه عن‌قول‌الحکماء فی کیفیة صدورالموجودات عن مبدأها الاول و عن مذهبهم فی علمه بالجزئیات . . . فاردت ان اجیب عن سئواله . . . فحررت ما اقتضاه‌الوقت . . رجیا ان اعود واکتب فی اوان‌الفراغ ذکراوافیا بما طلبه وشرحاً کافیا.

انجام: لاعلی وجه جزئی‌زمانی. فی ذلك ما اردت ایراده فی‌الجواب سئوال مولانا العالم فخرالملة والدین شمس الاسلام والمسلمین . . . سید افاضل المتأخرین قاضی‌القضاة .. وان توقف فی شیء من‌ذلك اعادتفصیله لاوضح ماعندی فیه انشاءالله. وهوولی‌التوفیق‌وملهم‌الصواب. منه‌المبدء والیه‌المآب الحمدلله رب‌العالمین.

[۳۶۸]

۸۶۳ این نسخه‌شماره ٤ دفتراست وبخط تعلیق شکسته گ ۵۰ ب ـ ۵۹ الف. نسخه‌ای ازاین درطوس (ش ۶۹۱ ص ۱٤۱ ج ٤) هست.

[۲۹۹] **گفتار درباره رستاخیز** (عربی)

گفتاری است ازصدرای شیرازی‌که درباره رستاخیز نگاشته است.

آغاز: من افادات صدرالافاضل فی ان عذاب‌القبرحق بقول مجمل. کل من شاهد بنورالبصیرة باطنه فی‌الدنیا.

انجام: ولولا ان صینهاالله لاحرقت السموات والارض.

[۳۶۹]

۴۲۱ این نسخه شماره دوم دفتراست. گ ۲۶۳ مکرر ب تا ۲۷۵ الف و بخط نسخ ازمحشی‌دوشماره این دفترکه در۱۱۹۵ درکوی‌نیم‌آورد سپاهان نوشته است. در پایان دارد: «تمت‌الرسالة المتعلقة بالکتاب یوم الاثنین من ربیع‌الاول سنة

۱۱۹۵» شماره یکم مبدء ومعاد شیرازی است و این گفتار با آن میپیوندد .

(۲۷۵ برگ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج قهوه ضربی

اندازه : ۱۵×۲۵٫۵ و ۱۰٫۵×۱۹ س ۲۱

[۳۰۰ـ۳۰۵] گفتارهای افلاطون (فارسی وعربی)

از ۴۱ گفتگو و ۱۳ نامه وچندین گفتار که از افلاطون دانسته‌اند برخی بزبان تازی درآمده و از ترجمهٔ تازی چندگزین که جالینوس از آنها کرده و بنام جوامع خوانده میشود پاره‌ای در دست هست و گزیده تیمائوس او بچاپ رسید(۱) نگارشهای او چندان پسند دانشمندان خاوری نشده چه آنها بفلسفه منظم ارسطو خوی گرفته بودند واز سوی دیگر سخنان افلاطون بساخت گفتگو و پرسش وپاسخ هست و آثار بت پرستی یونانی هم در آن آشکار میباشد وبا بود دولت تازی خواندن اینگونه کتابها چندان آسان نبوده ازینروی دستورهای کلی فلسفی و اخلاقی را از نگارشهای او بیرون میکشیدند و بساخت سخنانی کوتاه درمیآوردند تامسلمانان بتوانند آنها را بخوانند(۲)

---

۱ ــ پول گراوس وریشاردوالزر گزیده جالینوس از تیمائوس پلاتون را بسال ۱۹۵۱ در ۶۷ + 118 : II × ص بنام Plato Arabus (vlumen I) چاپ کردند (مجله Orjens ج ۵ ش ۱ تاریخ ۳۱ر۷ر۱۹۵۲ ص ۱۰۹) .

۲ ــ نگاه به : ابن ندیم ص۳۴۳ ــ خزرجی ج۱ ص ۷۶ ــ بدوی در دیباچه ارسطو عندالعرب ص ۸ ــ اخوان صفا در بخش چهارم از نگارشهای افلاطون آورده‌اند : رساله ۳ و ۵ ج ٤ ص ۱۰۰ ــ ۱۳٤ چاپ مصر درباره مرگ سقراط از کریتن بند ۱۱ ورساله ٤ از فادن درباره مرگ سقراط ورساله ۱۱ از بند ۳۶۰ کتاب ۲ جمهوری ونیز درباره هند وسردسیر شمال ج ٤ ص۳۰۹ و۳۲٤ و٤۴۰ ــ بیرونی درهند ص ۵۱ ازمقاله ۱ و۲ وص ۵۹ ازمقاله ٤ نوامیس آورد ــ ازسخنان او درجاویدان خرد (الحکمة الخالدة) مشکویه نیز آمده است (چاپ شده دررسائل البلغاء کردعلی و چاپ اخیر بدوی و پارسی آن چاپ سنگی ۱۲۴۶ یزدگردی / ۱۲۹۶ ه ــ طوسی درپایان اخلاق ناصری پندهای افلاطون بارسطورا یادکرد. درعیون الانباء خزرجی ج۱ ص۴۷ ــ ۵۱ ــ ۵۲ نیز از آنها هست. درکنوزالودیعه من رموزالذریعه پارسی ش۳۹٤ درنمط ۲ پایان کتاب از همین پندها دیده میشود ــ ابن رشد برجمهوری یا جوامع سیاسة افلاطون شرحی نوشته ودردیباچه آن گفت که چون نگارشهای سیاسی ارسطو بمن نرسید این کتابرا گزارش کردم وگرنه از آن بی نیاز میبودم (تاریخ فلسفه لطفی جمعه ص۹ ــ ۱۴۸ ــ ارنست رنان ص ۵۵) ــ ابن سینا درپایان هنر مغالطه منطق شفا ازسوفسطیقای افلاطون یاد میکند ومیگوید که «او درآن هم براهی که میبایدنرفت ومنطقی وطبیعی والهی را باهم

بقیه حاشیه درصفحه بعد

ازین گلچینی‌ها شش نسخه دراین کتابخانه هست بدینگونه :

۱- بندهائی است که از جمهوری گزین شده است و چنین است نام آن :

« فقر التقطت وجمعت عن افلاطون فی تقویم السیاسة الملوکیه والاخلاق الاختیاریة »

آغاز : لا تصحبوا الاشرار فانهم یمنون علیکم بالسلامة . . . قال لاتقسروا اولادکم علی آدابکم فانهم مخلوقون لزمان غیرزمانکم (۱) .

انجام : و قال لاتصحبن من هودونك حتی تکون دونه فی المعرفة اوفی فضیلة اخری. ولاتخرجن عماجری الرسم فی المملکة التی انت فیها الا بعداظهار عذرك واشاعته فانك تکف بذلك همس الحاسد وشعب المعاند - تمت الکتاب الافلاطونیه. العلم عندالله- درعیون الابناء خزرجی ج ۱ ص ٤۷ و ۵۰ ازاین سخنان دیده میشود .

[۳۷۰]

این نسخه شماره ۱ دفتر بخط تعلیق عباس حکمت بتاریخ ۱۳۱٦/۲/۸ خ

٤۲۵ با مقابله جناب آقای مشکوة و در رویه صفحات نوشته شده گ ۱ الف - ۹۳ الف . نسخه‌ای ازاین درجنك ش ۲۹۱۲ سپهسالار هست .

۲- سخنانی است کوتاه درفلسفه واخلاق گرفتهٔ ازکتاب السیره وطیمائوس (۲)

---

۱ مانده حاشیه ازصفحه قبل

بیامیخت وآنهارا نتوانست ازهم بازشناسد وهم درهنرمغالطه کوتاه آورد. اگرنگارشهای اوهمین‌است که مادیدیم پس‌اوچندان‌مایه‌ای نداشت » - درفهرستها ازسیاست بافوایطیقوس افلاطون نامبرده‌اند و نوامیس اورا مسعودی ده و خزرجی ۱۲ گفتار دانستند و آنرا حنین ویحیی‌بن عدی ترجمه کردند. سیاست مدنیه یا جمهوری را حنین تفسیر نمود . درکتابخانه سرکاری رامپورترجمه حنین هست (گزارش سفرهند آقای دکترصدیقی ص ۳۲) ثابت‌بن قره رمزهای جمهوری را تفسیری نوشت و سنان پسر او در نامه‌ایکه برای دوستی نوشته پاره‌ای از ده مقاله سیاست مدنیه را آورد . درکشف‌الظنون از نوامیس یاد شده وجوامع المقالات الثلاث لافلاطون فی‌النوامیس درمجلس (طباطبائی) هست (گفتار آقای خوئی درمجله دانش س ۹۳ ش ۲ سال ۱) — دائرة‌المعارف اسلامی کلمه افلاطون - مروج‌الذهب چاپ اروپا ج ۱ ص ۱۹) .

۱ — این بند اخیر درشرح نهج‌البلاغه مدائنی (ج ٤ ص ۵۳٦ بند ۱۰٤) ازسخنان کوتاه علی‌ع دانسته شد .

۲ — درش ۱۰۲۸ طوس (ج٤ص۲۵٤) از گزیده‌ای ازگفتگوی تیمائوس بدینگونه : « اقاویل افلاطن فی کتاب طیماوس من کتبه فی‌امرالنفس والعقل » یاد شده که درده سطر است وآغاز وانجام آنراهم ننوشتند ! !

وفاذن واقراطلس (کراتولس) ومقالة الحروب ودر آن ازمفسران یاد گردید. در نسخه طوس (ش۱۰۳٤ج٤) «کتاب ملتقطات ازفصول افلاطون الهی» خوانده شده است .

آغاز : من طلب الحکمة من طریق طلبها ادرکها وانمایخطی اکثرمن طلبها لانه یطلبها من غیرطریقها فاذا طلبها من طریق آخرلم ینلها .

انجام : وقال ینبغی ان یکون للانسان من المال الکفاف ولاینتقی ؟ به وقال لتلامذته الاحداث اتقوا (اقتنوا) ثلثة اشیاء فانها تسود مقتنیها. من اخلاقکم العفة ومن السنتکم الصمت ومن اعینکم الاغضاء .

[۳۷۱]

۱۰۳۰ این نسخه شماره۲ و بخط تعلیق بی نقطه محمد سلیم بن حمید درمدرسه معصومه بسال ۱۰۹٤ گ ۱۷ ب ـ ۳۸ ب و آغاز هر بند زیرخط سرخ میباشد .

۳ـ بازسخنانی است کوتاه .

آغاز : بسمله رسالة للافلاطون ـ قال افلاطون ان الفلسفة معناها التشبه بالله بقدر الامکان .

انجام : فاذا نطق نطق بماینفع القائل والسامع بقدرماینبغی. ولایقصر ولایهذر. ویناطق من ینبغی ان یناطق ـ انشاءالله تعالی .

[۳۷۲]

۱۰۳۰ این نسخه شماره ٥ دفتر و بخط تعلیق گ ٦٥ الف ـ ٦۷ ب میباشد

٤ـ باز از پندها وسخنان کوتاه :

آغاز : من وصایاافلاطون . بسم الله الحق العالی عن کل صفة واقعة تحت الحس والعقل مبدع الکل بلااله ولامدة ولاحاجة الی حرکة بل الارادة الالهیة . . . معشر طلاب الحکمة ومحبیها واظبوا علی طلبها .

انجام . یریدون تعظیمه وفی ذلك تقصیر وهواعلم .

[۳۷۳]

۱۰۳٥ این نسخه شماره ۲٤ دفتر ودرپائین ودرطول ص ۱۹۸ نوشته شده است .

۵ ـ سخنانی است از افلاطون و سقراط و ارسطو و ابوسلیمان سگزی از ذیمقراطیس و پیامبر .

آغاز : قال ارسطاطالیس محبة المال وتدالشر .

انجام . لن تسعوا الناس باموالکم فسعوهم باخلاقکم . صدق رسول‌الله ص م

[۳۷٤]

۲۵۳ این نسخه درشماره ۱۳ وبخط تعلیق کرکی گ ۹۱ الف میباشد .

[۳۷۵]

۳۳۹ این نسخه شماره ۱٤ دفترمیباشدگ ٦۷ ب

٦ـ ازپندهائی‌است که‌بگفته خواجه درپایان اخلاق‌ناصری افلاطون بارسطو داده است .

آغاز : نصایح افلاطون . معبود خویش را بشناس و حق اورا نگاه دار .

انجام : با دوست ودشمن نهان و آشکار بیك قسم معامله کن .

[۳۷٦]

۸٦۷ این نسخه شماره ٦ دفتر است وبخط تعلیق گ ۱۱۸ ب ۱۲۰ الف .

(همه دفتر ۲۷۰ گ) ـ کاغذفرنگی‌کبود ـ جلد تیماج مشکی حاشیه‌داردریکسوی. اندازه : ۱۰٫۵×۱۷ و ٦٫۵×۱۲ س ۱۵

[۳۷۷]

۱۰۳۸ این نسخه شماره ۱٤ دفترگ ۱۰۵ الف و ب و بخط تعلیق میباشد بدینگونه : « وصایای افلاطون که شاگرد ارسطاطالیس خود را فرمود که عموم خلق را نافع بود اینست . گفت : معبودخویش را بشناس وحق اورابشناس ـ هواء دنیارا ازخود دور کن و از آداب ستوده امتناع مکن و درهیچ کار پیش‌از وقت آن‌کارمپیوند وچون« بپایان نیرسد ونیم صفحه سفید است (بنگرید باخلاق ناصری) .

[۳۰٦ـ۳۳۵] **گفتارهای کاشانی** (فارسی وعربی)

از افضل الدین کاشانی ۳۰ گفتار کوتاه عرفانی و فلسفی دراین کتابخانه

هست (۱) واینك یاد میگردد :

[۴۱۶-۳۷۸]

۱ــ درباره شناخت روان که از وی درخواستند بنگارد .

آغاز : چنین گوید گوینده این سخنان افضل الدین کاشانی (قدس الله تعالی روحه) بعداز ستایش کردگار که هرمفلس و کم مایه که ازمفلسی و کم مایگی خودرنجد آنگه از رنج برهد که مایه‌دار شود و توانگر .

انجام : تااو راتمام و آراسته و بی‌خلل و نقصانی بمرجع ومعاد اصلی که سرچشمه دوام و بقاء ازل و ابد است باز رساند والله علی مانقول وکیل و کفی بالله شهیدا .

۸۸۰ این نسخه شماره ۱ دفتری است دارای چهار رساله و گفتار و بخط تعلیق تازه گ ۱ الف ــ ۵ الف .

(همه دفتر ۱۰۸ ك) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد مقوائی
اندازه : ۱۳×۲۰ و ۹×۱۷ س ۱۷

۲ــ درپایداری روان پس‌ازمرك تن و بهره‌بردن آن ازدانشهای خود .

آغاز: موجودات یاجزوی‌اند یا کلی. و نفس یامتصرف امور کلی بودیامتصرف امورجزوی. بخش اول را دانائی بفعل خوانند ودوم را دانائی بقوت .

انجام : که نیز آسیب هیچ تغییر بوی نپیوندد وفسادنپذیرد. تلك الجنة التی نورث من عبادنا من کان تقیا فی مقعد صدق عند ملیك مقتدر .

۴۲۸ این نسخه درشماره ۱ ودر گ ۲ الف ــ ۳ الف بخط تعلیق تاریخ ۱۰۸۳ میباشد .

۴۳۱ این نسخه شماره ٦ و بخط تعلیق محمد علی بسال ۱۳۰۲ گ ۱۲۲ ب ــ ۱۲۳ ب میباشد.

۳ــ درپندهائی عارفانه بنام « رساله بیست هشت کلمه فی نصیحة الاخوان ــ ش ٦۹٤۱ مجلس » که دستور رفتار رهروان است .

آغاز : ای جویندگان حکمت وپویندگان طریق سعادت باید که بسیاردعاباشید درامور اخروی و دنیوی. چه نسبت دعا با مطالب همچون نسبت فکر بود بانتیجه. وهمچنانکه‌درعقب فکروصول نتیجه ممکن بود درعقب دعا وصول بمطلب ممکن بود. (بنگرید به بند ۳٦٤ ص ۲۰۲ مباحثات چاپ مصر) .

---

۱ ــ آقای سعید نفیسی دردیباچه رباعیات کاشانی ۳۲ گفتار (تقریر) برشمرد ص ۷۲ــ۷۸ و آغاز نسخه‌های گونا گونی که دردسترس داشت آورد ومی‌نویسد که شماره‌های ۱ تا ۵ و ۷ تا ۱۲ اینها دردفترشماره $\frac{۶۲۳}{۶۹۴۱}$ مجلس هست .

انجام : که هر کس را قدرت برخلع بدن و معزول گردانیدن حواس حاصل گردد صعود بعالم قدس وجهان ملکوت معین بود و بسعادت ابدی مسعود و بلذات سرمدی محظوظ و ملتذ گردد. رزقنا الله وایاکم بحرمة سیدالانبیاء وسندالاولیا محمد صلی الله علیه وسلم (سیدالاصفیاء والانبیاء محمد وآله الطاهرین) .

۴۳۱ این نسخه شماره ۵ دفتر و بخط تعلیق محمدعلی در محرم سال ۱۳۰۲ میباشد گ ۱۲۱ الف ـ ۱۲۲ الف .

۸۷۱ این نسخه شماره ۲ دفتر است و بخط تعلیق محمدعلی در ۱۰۳۱ گ ۶۳ب ـ ۶۵ب

۴ـ درچگونگی جان پس ازمردن تن .

آغاز : بدانکه چون خواهی که آگه شوی از حال نفس بعداز مرك تن . . .

۱۰ نخست بباید دانست .

انجام : گردش جسمانیان حالی درحقیقت و اصل و گوهر بنگرداند که هستی ذات اورا خلل آید و بالله التوفیق .

۴۲۸ این نسخه درشماره ۱ دفتر گ ۱۰ میباشد .

۵ـ درگونه گون مردم (تنومندان ـ کارگران ـ روحانیان ـ روشنان) ودانشهای

۱۵ گوناگون .

آغاز : خجسته نام نخستین که آغاز هر سخن است گویند مایه و پیرایهٔ وطراز گفتار مردم گردد .

انجام : وهمچنین رونده ودانده وصفتها پاره‌های دانسته مرکب بود تم الفصل

۴۳۱ این نسخه درشماره ۱۱ ازبرك ۱۴۱ الف تا برك ۱۴۵ الف میباشد .

۲۰ ۶ـ درباره چیز وهست نسخه ازاین درطوس (دنبال ش ۹۶۹) هست .

آغاز : بدانکه نخست لفظی که معنی وی برهمه معانی عام بود لفظ چیز وهست و موجود .

انجام : ونخست‌ترین چیز که نادانستهارا بوی توان یافت معنی لفظ شیء بود. وچون نخستین معلوم نبود بازپسین را نتوانست دانست والسلام .

۴۲۸ این نسخه درگ ۸ الف ـ ۱۰ الف ایندفتر میباشد .

۷ـ درموسیقی (نسخه ازاین دردنبال ش ۹۷۰ طوس هست) .

آغاز : لحن آوازهائی چند بود بهم آورده ازنغمهای مختلف که نفس ازشنیدن آن لذت یابد .

انجام : وایقاعهای مختلف را ازپس یکدیگرشاید یافت وباهم نباشند تمام شد سخن درآنچه (غرض بود) التماس کرده بودند وغرض دراین دوسه کلمه آنکه ماهیت لحن واجزای او پیدا شوند . . . باهم چگونه افتد و درین معنی کتب بسیار ساخته‌اند وچگونگی بیان این بشرح وشرط کرده‌اند وداده .

٤٢٨ این نسخه درگ ٤ الف ـ ٥ الف نوشته شده .

٤٣١ این نسخه شماره ۱۰ دفتر ودرگ ۱۳۷ الف ـ ۱۳۸ الف نوشته شده .

۸ـ در بی کرانه‌بودن جسمها (نسخه‌ای ازاین دردنبال ش ٦٨٢ ص ۱۳۸ ج ٤ فهرست طوس یاد شد) .

آغاز : بباید دانست که کنارو نهایت هرچیز آنست که جدائی افکند میان آنچیز وآنچه جزاو بود .

انجام : چنانکه روشن شده‌است برعلما ومردم وبگفته وبنموده. تمام‌شد سخن دربیان تفضل باری تعالی وهدایتش .

٤٣١ این نسخه شماره ۸ دفتر ودرگ ۱۳۲ ب ـ ۱۳۵ ب میباشد .

۹ـ درباره دهروزمان .

آغاز : اولیت کارها بردوگونه است یکی اولیت بغیروآن غیرزمان بود .

انجام : چون زمان ومحدثان بفاعل‌الدهر وامثال آن تأویل کرده‌اند .

٤٣١ این نسخه درشماره ۱۱ دفتر وگ ۱۵۱ الف ـ ۱۵۲ الف میباشد .

۱۰ـ درباره اینکه درخواب چرا رنجی نمی‌بینند که ازاوپرسیدند وپاسخ داد .

آغاز : فصلی دیگر دروقت خواب چرا هیچ المی و سختی نمیرسد . . . جواب مرك بطلان استعداد حیات است .

انجام : ازآنست که خواب بی‌درد بود ومرك وقت باشد که با درد بود .

٤٢٨ این نسخه در شماره ۸ دفتر درنامه خواجه زین‌الدین بقاضی صفی (حنفی) دربرك ۳۰ ب آمده است .

۱۱ـ دراینکه مبدء وغایت هستی‌ها را حقیقت وذاتی هست .

آغاز : پرسندهٔ که مبدء موجودات و علت (غایت) هستی‌ها را حقیقتی و ذاتی هست یا نه .

انجام : و ذوات بوی ذواتند و حقایق بوی حقایق و او بخود ذات و حقیقت همه والسلام .

۴۳۱ این نسخه درشماره ۱۰ برك ۱۳۸ ب ـ ۱۳۹ الف میباشد .

۱۲ـ دردانش وآگاهی .

آغاز : داننده وآگه ازعالم چنانکه هست . . . جز ازهستی عالم وجزازهستی خودکه آگهی (آگه) است ازاو ازهستی سیمی آگه نتواند بود .

انجام : اثرعقل شوق وخواهش نفس ، اثرنفس زندگی طبیعت ، اثرطبع زنده جنبش جسم ، والله اعلم بالصواب .

۴۲۸ این نسخه درشماره ۱ گ ۵ الف و ب .

۴۳۱ این نسخه درشماره ۱۰ گ ۱۴۰ ب ـ ۱۴۱ الف .

۱۳ـ درجدائی جان وتن .

آغاز : جمله نفس اعنی نفوس نباتی ونفوس حیوانی ونفوس مردم همه جدااند ازاجسام جدائی عقلی .

انجام : ازآنکه فعلش بذات بود نه بآلت بحمدالله والمنة .

۴۲۸ این نسخه درشماره ۱ دفترگ ۱ ب ـ ۲ الف .

۱۴ـ دراینکه هستی کلی دیگرگون نمیشود وروان خود آگاه وتوانا و زنده با مردن حسهای جزئی وافزارهای آن نمیمرد ودانشش پایدار است .

آغاز : برهان براینکه در چه رتبه یقین شود انسانراکه ازفنا ایمن است گوئیم آنگه ایمن شودکه بداندکه هستی وجودکلی است وهیچ کلی محسوس نتواند بود ونه مخیل ونه موهوم. وجزعقلی نتواند .

انجام : بدان سبب که ادراکات حسی نماند وبدوزخ ابد پیونددوقاناالله منها... بفضله وکرمه (واحشرنا مع محمدالمصطفی واهل بیته الابرار فی الجنة) .

۴۲۸ این نسخه درشماره ۱ دفترگ ۶ ب ـ ۷ الف .

۴۳۱ این نسخه شماره ۹ دفترگ ۱۳۵ ب ـ ۱۳۷ الف .

۱۵ـ درسه چیزیکه رهروان را میبایدند .

آغاز : سالك را سه چیز ضرور است یکی همت عالی دوم خاطر قوی سوم ارادت نیکو .

انجام : بضرورت این سه گانه متعین است .

٤٣١ این نسخه درشماره ۷ ودرگ ۱۲٤ الف میباشد .

۱٦ـ درکوشش برای رهیدن .

آغاز : آدمی در کوشش از برای نجات جستن‌است. اکنون ما را دانستنی‌است که آدمی نجات از چه میجوید .

انجام : وچون بدین‌مرتبه رسید اورادرجه ملکوت حاصل شد سعی کند تابیابد انشاالله وحده‌العزیز (و افعال خیر و اعمال برعاقبت توان دانست : . . اگرچه صورت عبادت وغیرآن دارد والسلام علی اهله) .

٤٢٨ این نسخه درشماره ۱ گ ٥ ب ـ ٦ ب

٤٣١ این نسخه درشماره ۱۱ گ ۱٤٥ الف ـ ۱٤۷ ب .

۱۷ـ درهستی جزئی بحقیقت کلی وجزئی شدن آن با افزار .

آغاز : شخص جزوی بحقیقت کلی وجوددارد ... وحکم کننده برصدق این گفتار چون خواهی که نامه نویسی . . . نوشتن کلی است .

انجام:واگر نه آنستی که‌دروقت‌عمل نوشتن گماشته برهر آلتی از آلات بودی‌الفاظ رقوم غلط شدی .

٤٢٨ این نسخه درشماره ۱ گ ۳ الف و٤ الف (دراین‌نسخه دو گفتاردانسته شده وبنددیگری(ش۱۸)درآن گذارده‌اند) .

٤٣١ این نسخه درشماره ۱۱ گ ۱۳۹ ب ـ ۱٤۰ الف و ب .

۱۸ـ پایگاه مردم دردوخرد عملی ونظری .

آغاز : مردم درپایه عقلی بردومرتبه‌اند اول‌مرتبه اهل‌حرفت وحاذقان درصنعت و پیشه‌وران واستادان ماهر دوم مرتبه زهاد واهل تعبد ومشتاقان سرای آخرت

انجام : وآن عمل وخلق وعلم است که انبیا علیه‌السلام بوده است .

٤٢٨ این‌نسخه درشماره۱ گ ۳ .

۱۹ـ درتوحید کثیر .

آغاز : لفظ توحید را چون مترجم کنی بلغت دری یك کردن بود و شامل بود همان (مران) چیزها راکه بعمل وصنعت ترکیب کنی تابجمع وترکیب یك چیزشوند .

انجام : واین معنی یقین ومشاهده شد آغازوانجام وجود برخاست وبی‌انجامی و بی‌آغازی (بی‌آغاز وانجام) ماند والیه یرجع‌الامر کله .

٤٢٨ این نسخه شماره ۱ گ ۷ الف ـ ۸ الف .

٤٣١ : این نسخه درشماره ۱۱ گ ۱٤۹ ب ـ ۱۵۰ ب .

۲۰ـ دراینکه زنده ذاتی،جسم نیست و بازگشت همه چیزها بآنست که بخوددانا است.

آغاز : اجسام زنده از دو بیرون نباشد یا حیوة دریشان اصلی و ذاتی باشد یا غریب وعارضی .

انجام : و بازگشت همه موجودات باو . رباعی :

آن کیست که آگاه ز حس و خرد است
بیزار ز کفر و دین و از نیك و بد است
کارش نه چو عقل و نفس داد و ستد است
آگاه بدو عقل و خود آگه بخود است

٤٢٨ این نسخه درشماره ۱ گ ٤ الف .

٤٣١ این نسخه درشماره ۱۱ گ ۱۳۸ الف و ب .

۲۱ـ دراینکه عقل چون دانائی او جزاو نیست جوهر نمیباشد چه ذات جوهر جز دانائی اوست .

آغاز : بدانکه هیچ عقل جوهر نیست.هرجوهری جوهر بودن اوجزدانا بودنش است

انجام : وچون هیچ جوهرعقل نبود هیچ عقل جوهر نبود .

٤٢٨ این نسخه درشماره ۱ گ ۲ الف میباشد .

۲۲ـ درآگاه و ناآگاه .

آغاز : موجود یا آگه بود یا نه آگه بود و آنچه نه آگه بود پایه جسمست ومرتبه طبع .

انجام : و بوجود روحانی روشن پیوندد و پیدا شود والسلام .

٤٣١ این نسخه درشماره ۱۱ گ ۱۳۹ ب میباشد .

۲۳ـ دراینکه کلی در ذهن یکی است و در بیرون آن بسیار .

آغاز : وجود کلی که آن وجود باشد که در نفس مدرك اگرچه یك چیز است در بیرون نفس تواند بود که دربسیارچیز بود .

انجام : پس روشن است که جزمعلوم ومعقول نباشد والسلام .

۴۳۱ این نسخه درشماره ۱۱ گ ۱۳۹ الف و ب میباشد .

۲۴- درنفسها ونکوئیهای آن .

آغاز : گروهی گویند روح دو است یکی روح حیات دیگر روح تمیز .

انجام : وخوارداشتن دنیا است اصول سیاست واخلاق که گفته شد .

۴۳۱ این نسخه درشماره ۱۱ گ ۱۴۷ الف - ۱۴۹ الف میباشد . ۵

۲۵- درپایندگی روان (بتازی) .

آغاز : النفس الدراکة تمنع ان تفسد بفسادالبدن وتموت بموته .

انجام : ولیس بعد هذه الرتبة رتبة اخری .

۴۳۱ این نسخه درشماره ۱۱ ص ۱۵۲ میباشد .

۲۶- دربهشت و دوزخ جویندگان (بتازی) ۱۰

آغاز و انجام : جنة الطالبین ان تصیر نفسه عالماً عقلیا یفیض علیهامادامت هی هی انوارمبدأها . . . وانفصالها من مبدأها .

۴۳۱ این نسخه درشماره ۱۱ گ ۱۵۲ ب - ۱۵۳ الف میباشد .

۲۷- دراینکه جان خود آگاه آفریننده خرد است (بتازی) .

آغاز و انجام النفس من حیث هی عالمة بذاتها تکون مبدعة للعقل . . . فهی ۱۵ فاعلة لها وخالقة .

۴۳۱ این نسخه درشماره ۱۱ گ ۱۵۳ الف است .

۲۸ - دراینکه هر کس بخواست خود بمیرد زنده خواهد بود

آغاز وانجام: الموت موتان ارادی وطبیعی... وقدقیل مت بالاراده تحیی بالطبیعة

۴۳۱ این نسخه در شماره ۱۱ ك ۱۵۳ الف میباشد ۲۰

۲۹ - دراینکه هفت گونه قرائت هفت مقام نفس است : امر - نهی - قصص - تمثیل - حکمت - موعظه- وحدت که وصول بکل وتوحید کثرات است .

آغاز وانجام: القراآت التی قیل هی سبعة من القرآن . . . وعددته واحداوهو الحق

۴۳۱ این نسخه درشماره ۷ گ ۱۲۴ الف میباشد

۳۰- درکمال وسعادت جان مردمی . ۲۵

آغاز : فائدة من افضل الدین القاشانی - ان النفس الناطقة اذا اکتسبت ملکتی العلم والعمل بواسطه خروجها الی کمالها الممکن .

انجام : ومتعوا بالنظر الی ذات الملك . . . فاذافصلت هذه . . . (بپایان نمیرسد)

۳٦۸ این نسخه درپایان ایندفتر وبخط شکسته گ ۱٦۰ ب میباشد .

این بود ۳۰ بند ازسخنانی کاشانی که درهریك ازمطلبی کاوش شد وهشت بند دیگر نیز آقای نفیسی نشان داده‌اند (ش ۱۰و۱۱و۱۵و۱۹و۲۰و۲۱و۲۷و۳۲) وش ۲۵ ایشان دنبال ش ۲۳ وهردو رویهم یك گفتار بشمارمیایند . در ج ٤ فهرست طوس ش ۵۷۳ ص ۱۰۱ دوگفتاراز کاشانی بتازی یاد شده یکی درباره پیوستگی جان وتن که براثر اعتدال مزاج است دیگری درباره سبب ترس ازمرك . درجنك شماره۲۹۱۲ سپهسالار پاسخ‌وپرسشهای کاشانی وگفتار های او که آخرین آنهارا در ٦۰سالگی نوشته است (گ ۱۳۷-۱٤٤) هست .

[۳۳٦] **اللئالی المستخرجة من الکلمات المکنونه** (فارسی وعربی)

فیض کاشانی کلمات مکنونه را درفلسفه وعرفان آمیخته باآیات واخباردرصد کلمه بسال ۱۰۵۷ نگاشته و آن دربمبئی بسال ۱۲۹٦ودرتهران بسال ۱۳۱٦بچاپ رسید سپس بسال ۱۰۵۹ چهل کلمه از آن برگزیده و نام بالارابدان داد او در پایان رموزی‌را که‌درآن برای این‌سرایندگان (سنائی - حافظ - سعدی - شبستری - فیض-بابافغانی - عرفی-عراقی - مولوی رومی - میبدی - گمنام - باباافضل کاشی - سعدالدین حموی - ملاضیاءالدین محمدکاشی - صدرای شیرازی) بکار برده است آشکار بداشت ودر کلمات مکنونه چنین‌کارنکرد . این کتاب باخود کلمات مکنونه دربسیاری ازجاها مانند همند و دنباله کلمه ۹۵ و همه کلمات ۹٦ تا ۱۰۰ دراینجا گزین نشده است .

آغاز : هوبسمله الحمدلله‌الذی منه‌المبدء والیه‌المعادعرف بجمعه بین‌الاضداد فیقول . . . محمدبن مرتضی‌المدعو بمحسن . . . وطائفة من‌الکلمات‌المکنونة التی کنت الفتهافی‌لباب معارف‌العارفین . . . لکن سمیتها باللالی من احکمت له وحقت لدیه خلص من‌الشبه والشکوك (ازاین پس مانندکلمات مکنونه است) .

انجام وفی‌احتجاج‌الطبرسی . . . فهذا مسلم ضعیف (برابر با س ۹ ص ۲۱۱ کلمات‌مکنونه چاپ‌تهران) هذا آخرالکلام‌فی کتاب‌اللئالی‌المستخرجة من‌الکلمات المکنونة وهی اربعون کلمة اخرجهاالله علی یدی عقدامنظوما . . . بهر تاریخ نظام

این درر ـ بی الف نظم لئالی میشمر ـ سراخفای الف رمزی بدان ـ کان احد اندر عدد باشد نهان .

[٤١٧]

این نسخه شماره ۱۹ دفتر است و بخط تعلیق شکسته ریز باعنوانهای شنگرف

۱۰۳۸ ازمحمد باقر بن محمد جفر اصفهانی باغاتی در ۸ ذی‌حجه ۱۱۲۳ گ ۱٤٤ ب ـ ۱٥٤ الف س ٤۳ .

[۳۳۷] اللمعه (عربی)

نگارش ابن کمونه اسرائیلی است که در دیباچه میگوید چون صدر کبیر شمس‌الدین محمد مؤمن قزوینی مستوفی ببغداد آمد ازمن خواست چیزی درعقلیات بنویسم تا آنرا باخودبرده در گنجینه صاحب دیوان شمس‌الدین محمدبن بهاءالدین محمد جوینی بگذاردومن اینرا دردوجمله هریك دوباب وهریکی ازآنها دره فصل نوشتم جمله ۱ درخدا و روان شناسی است وجمله ۲ دراخلاق وسیاست است .

آغاز : قال الشیخ . . . عزالدولة سعدبن منصوربن سعدبن‌الحسن‌بن هبةالله کمونة . . . احمد حمد مسترشد بنورهدایته مسترفد من جوده وعنایته .

انجام : و ان یوفقنا جمیعاً لاصلاح العلم والعمل و یعصمنا من الزیغ والزلل وان یجعلنا لسبله من‌المنتهجین و برضائه فی دارالابد من‌المبتهجین انه لطیف کریم والحمدلله رب‌العالمین .

[٤١٨]

این نسخه شماره ۱٦ دفتر گ ۱۳۷ ب ـ ۱٥۱ ب و بخط نسخ تاریخ ۱۲۸٤ میباشد ـ

۸٦۱ نسخه‌ای ازاین لمعه درطوس (ج ٤ ش ۹٦٥ ص ۲۳۱) هست وفهرست مطلبها در آنجا آمده وگویا نسخه ش ٥۹٥/۱ (ج ۲ ص ۳٥۰) مجلس نیز همین لمعه باشد .

[۳۳۸ـ۳۳۹] مابال (عربی)

کتابی بنام مسائل یا (پربلماتا) درشماره نگارشهای ارسطو آورده و بچاپ رساندند و بزبانها نیز ترجمه گردید و آن ۳۸ گفتار است که هریك چندین بند میباشد ودرهربندی از یك مسئله ریاضی یاطبیعی یاخلقی پرسش شده وپاسخ داده

میشود. درنوشته های ارسطو و دیگران بازگشتها و یادآوریهائی شده که برخی درهمین مسائل دیده میشود و برخی دیگردر آن نیست ومیتوان گفت که این کتاب ازروی نگارشهای ارسطومانند تاریخ طبیعی اووازنوشته های ابقراط وتئوفرسطس ساخته شده و بازگویه ها و ناسازگاریها که در آن هست میرساندکه چندین کس آنرا فراهم آوردند وازروی آخرین ساخت واژه‌ها که در چند عبارت بکار برده شده چنین پنداشتند که تا اندکی پس‌از آغاز تاریخ مسیح این کتاب‌بپایان رسید. برخی آنرا از سده ۵ یا ٦ میدانند. روش مشائی و بحثهای گوناگون این دسته در آن‌دیده میشود.درفهرست قفطی وخزرجی کتابهائی یاد شده که نام مسائل دارد وخزرجی از « مسائل طبیعی معروف بمابال » یاد نمودکه در۱۷ مقاله است (۱). مانا از همین‌گونه « مسائل » است که چند مسئله‌ای گزین نموده و بنام « مابال » و بروش پرسش و پاسخ در نسخه ها دیده میشود دراین کتابخانه دو گونه از آن هست :

۱ در ٤۲ مسئله طبیعی و پزشکی میباشد. مانند : « رفتار و پرورش کودك ـ گریستن اندوهناك ـ جدائی‌میان نوکر وخواجه ـ درگذشتن تشنه‌ایکه بکرمابه رود ازخواستن آب ... » درمجلس‌نسخه‌ازین (٦۳٤/۱۵ ص ۳۹۷ ج۲) هست.

آغاز : مسائل طبیعیة للفیلسوف الاعظم ارسطاطالیس وهی المسماة مابال. مابال الحیوان الغیر الناطق یمشی ویدب حین ولدوالانسان لیس کذلك لان الحرارة والبرودة فی جمیع اعضاءالحیوان یتکافیان واماالصبیان فیفوق الرطوبة التی فی ادمغتهم علی الحرارة بکثیر.

انجام : فلذلك النبت الذی ینبت فی الشتاء ینم فیه والذی ینبت فی الصیف یبتدأ

۱ـ بنگرید به : دیباچه ترجمه انگلیسی مسائل چاپ اکسفرد در ۱۹۲۷ ـ قفطی ص ۳۳ـ ۳۵ وخزرجی ج ۱ ص ٦۷ـ٦۹ : مسائل (بریلماطن) ۳ مقاله، نیزهمان در٦۸ مقاله ومسائل هیولانی ۱مقاله ومسائل طبیعی ٤مقاله ومقدمات مسائل ۳مقاله ومسائل دوری برای استادان ٤ مقاله ومسائل پزشکی ۵ مقاله.

نشوه فیه . تمت المسائل الطبیعیة المسماة بمابال لارسطوطالیس الفیلسوف بعون‌الله الکافی .

[٤١٩]

۲۵۳ این نسخه شماره ۱۵ دفتراست و بخط تعلیق کرکی گ ۹۱ ب ـ ۹٤ ب .

[٤٢٠]

این نسخه شماره ۳۱ دفتر و بخط تعلیق گ ۸۸ الف ـ ۸۹ ب وچنین است **۳۳۹** پایان آن : « یبتدء نشوه فیه تمت مابال ارسطو بعون‌الله تعالی والحمدلله رب‌العالمین...وآله اجمعین » .

۲ـ گزیده دیگریست که پرسش و پاسخی در آن نیست و از چندین مسئله پزشکی گفتگو میکند و نسخه ما ازروی خط قطب شیرازی نوشته شد .

آغاز: منتخب من ثمار ارسطوطالیس الطبیب المعروفة بمابال . تزیل القدمین من الجوع واکل الطین لضعف الماسکة بانعدام البدن الغذاء للسدة فی الطین والعوز فی الجوع وميل الاخلاط بنقلها الی اسفل .

انجام : ضعف السکر لتناوب الحلاوات فی اثناء الشرب لتغلیظها الشراب ومنعها اياه من الاستحالة والصعود الی الدماغ . هذا ماوجدنا بخط المولی السعید قطب الدین الشیرازی تغمده‌الله .

[٤٢١]

۱۰۷۹ این نسخه شماره ۲۱ دفتراست و بخط تعلیق ص ۱۱٦ـ۱۲۳

[۳٤۰] **مباحثات** (عربی)

شیخ رئیس ازهنگامیکه در ری میزیست و گاهیکه بکارورزارت می‌پرداخت تا پایان زندگی با شاگردان خویش مانند بهمنیارمرزبان آذربایگانی مجوسی (۱) و ابن زیلای سپاهانی مجوسی (۲) و شیخ ابوالقاسم کرمانی (۳) گفتگوها میکرده

۱ ـ خزرجی ج ۲ ص ۱۹ س ۱۹ـ۲۰ ـ نسخه ما ـ بیهقی ص ۹۱

۲ ـ نسخه استاد بزرگوار ودانشمند بیمانند آقای میرزا فضل‌الله شیخ‌الاسلام زنجانی (ص ۳۵ دیباچه ارسطو عندالعرب دکتر بدوی) وخزرجی ج ۲ ص ۱۹ س ۱۹

۳ ـ بند ٤٤ برگ ۱۹۷ نسخه ما ـ نسخه نواب درطوس .

بپرسشهای آنان پاسخها میداد. ازهمین سخنان است که گردآوری شده ونام مباحثات گرفته است. گرچه دربرخی ازنسخه های آن ازبهمنیار (م۴۳۰) وابن زیلا (م۴۴۰) بمانند درگذشته یاد میشود (۱) ولی خود شیخ در پاسخ پرسش دوم میهنی او را بدین کتاب بازگشت میدهد و میهنی درپرسش سوم میگوید من هنوز مباحثات را ندیده‌ام (۲) وهمین میرساند که نسخه‌ای ازمباحثات درروزگارخود شیخ بنگارش درآمده بود.

شیخ درمباحثات از اشارات خویش که آخرین کتاب اواست یاد میکند (۳) ونیز ازشفاوطریق عرشی (۴) واصول مشرقی ومشرقیان وبرهان عرشی ومشرقی (۵) ومسائل مشرقی وحکمت عرشی وکتاب انصاف (۶) و یکی از مسائل عشر (گویا گفتگوی دهم ازپرسش وپاسخ شیخ و کرمانی ش ۴۲۲/۴ ما ص۱۶۹ این فهرست) که میگوید همراه نامه است (۷) نام می‌برد و بازمیگوید «همین گونه مباحثات» و «مباحثات صدیقی یا صدیق» گاهی هم از بودن در ری و از پری کار و گرفتاری خود (۸) یاد میکند ونیز از دربار علائی و تاراج رفتن نگارشهای او (در ۴۲۵) و ربودن انصاف و بیماری سخت و ننوشتن یکی دو سال چیزی بدست خود (۹) وهمه اینها میرساند که این گفتگوها میان ۴۰۳ و۴۰۵ تانزدیك بپایان زندگی شیخ میان استادوشاگردان میشده ونسخه یانسخه‌هائی از آنهاهم بساخت کتابی درآمده بود. پیداست که شاگردان آنها را فراهم میآوردند چه دربرخی ازجاها «الجواب بخطه» داردودربرخی جاهاهم «الجواب من الشیخ ابی منصوربن زیله رحمه‌الله (۱۰) وچنین برمیآید که پاسخها گاهی بخط شیخ و گاهی بخط ابن زیلا بوده وازروی آنها

---

۱ — بدوی دردیباچه ص ۳۹ ۲ — ص۱۷۱ همین فهرست ۳ — ص ۲۴۰ چاپی و بند ۱۱۶ نسخه ما ونیز نسخه نواب ۴— بند ۲۶۴—۲۷۵—۳۵۴—۳۷۰—۴۸۴ چاپی ۵— بند ۴۵۸—۳۳۳—۱۰۷ چاپی ونیز نسخه نواب ۶— ص ۲۴۵ چاپو ونسخه نواب و مروی ۷— بند ۴۸۷ چاپی و بند ۱۳۳ نسخه ما ۸— نسخه نواب و ص ۲۴۶ چاپی و برك ۱۷۱ ب نسخه ما و بند ۲۶۹ و ۲۷۴ چاپی ۹— نامهٔ بکیا در ص ۱۱۹ ارسطو عندالعرب ۱۰— بند ۲۶۶ و ۲۶۸ چاپی.

نوشته میشد . میتوان گفت که مباحثات درچندین نسخه گوناگونی که هست بهتراز نگارشهای دیگرشیخ رأیها واندیشه های خود اورامیرساند وسرگذشت گفتگوهای اوبا شاگردانش از آن بخوبی برمیآید (۱) وبسیاری ازسخنان دشوارفلسفی دراین مباحثات آمده است چنانکه مسئله اعدادی بودن انتاج قیاس که رأیی است دربرابر اشعری ومعتزلی درآن دیده میشود (گ ۱۹۳ بند ۷۸ نسخه ما وبند ۳٦٤ ص۲۰۲ چاپی) و همچنین درباره تجرد نفس و خود آگاهی آن موشکافی شده است (۲)

۱ــ شیخ گاهی میگوید : « این را نتوان نوشت » (بند ۳۵۳ چاپی) بازمیگوید : « یا اینکه نمیدانم باید ازتفسیرآنها بشناسیم » (۳٦۰) ونیز : « این پنداری است ازمن و راهی برای اثبات یا نفی آن نیست . شاید ازجزمن برآید » (۳۵۵) و « این برترین چیزی است که من میدانم » (بند ۱۵ نسخه دانشگاه) وشیخ باندازه‌ای فروتنی میکند که پرسنده میگوید : « زشت است که رهبران خودرا نادان نشان دهند » (بند ٦۰ دانشگاه) درمباحثات(بند ٤۸٤) ازابی‌حامد اسفزاری یادنمود و از اثولوجیا (ص۱۲۱ چاپی) نام‌برد

۲ ــ امام رازی درمباحث مشرقی ج ۱ ص ۳٤۲ درباره شخصیت ازآن سخنی آورد که مانندش درگ۵۳ نسخه‌دانشگاه دیده میشود.بازرازی در ج۲ص۲۵۲ درباره خودآگاهی نفس واثبات تجرد آن ازاین راه آنچه شیخ درپاسخ خرده‌گیریهای شاگردان گفت آورده و گفته است که این گفتگوها پراکنده بود و من سروسامانی بدانها دادم آنگاه آن برهان را با شش پرسش و پاسخ که هریکی هم چند بند است بیاورد ومیگوید آنچه شیخ درپاسخ اینها گفته است روشن وسودمند نیست ومن آنها رانیاوردم و هرکه بخواهدبدانجا بنگرد . همه اینها را بند بند صدرای شیرازی‌دراسفار (ج٤ سفرنفس باب ٦ فصل۱ حجت۲ برک ۳۳ ــ ۳۵ چاپ تهران) ودرمبدء ومعاد (۲۰۸-۲۱۲) آورده گفت که این گفتگوها دردفتری دارای نامه‌های شیخ و شاگردانش پراکنده بوده و من آنها گردکردم و چیزها برآن افزودم ومیگوید سخنان شیخ دراینجا درست واستوار نیست و او درپاسخ بهمنیار از بازشناختن مردمی و جانور درخودآگاهی آنها درمانده و دشوارش دانست. گرچه‌سخنان رازی وشیرازی دراینجا بسیارنزدیك بهم هستند ومانا ازاوگرفته واوهم درسفر۱ اسفار مرحله عقل و معقول طرف ۱ فصل ۱۲ در حل شکوك برتعقل ذات گوید انی‌مارایت نسخة المباحثات. مگراینکه شیرازی‌آشکارا درمبدء ومعاد میگوید که نسخه مباحثات نزدم هست وآنرا دراینجا ازپراکندگی درآوردم . آنچه درمباحث مشرقی واسفار ومبدء ومعادآمده درمباحثات نسخه مروی شماره ۸۷۵ بهترمیتوان یافت .

نگارنده المثل‌العقلیة الأفلاطونیه (چاپ بدوی ص ٦۸) نیز گوهربودن نیروی وهم را از مباحثات شیخ ومباحث مشرقی رازی‌آورد . غیاث‌الدین منصوردشتکی دراثبات الواجب (ش ۳۱۸ گ ٦ ب) درمسئله ۲ مقاله ۱ می‌نویسد که رازی بزرك گفته که شیخ درمباحثات آشکارا میگوید که من بکنه هستی نرسیدم . درکنارنسخه نوشته‌است که مباحثات را شیخ بدرخواست بهمنیارنوشت واوتحصیل را برروی‌آن گذارده است .

دانشمندان ازاین کتاب سودها برده‌اند و بسزا است که بیهقی ص ۹۱ درباره آن میگوید « والمباحث التی لابی علی اکثرها مسائل بهمنیار وکان یبحث عن غوامض المشکلات » (۱) .

[٤۲۲]

این نسخه شماره ٦ دفتر است بخط تعلیق گ ۲۰۵ ب - ۱٦۲ ب و چنین است
۱۰۳۷ آغاز و انجام آن : « هذه نبذ من الرسالة المسماة بالمباحثات للشیخ الرئیس ابی علی بن سینا فی جواب مسائل سئلها عنه تلمیذه الحکیم بهمنیار بن مرزبان . قال الحکیم : بسم الله الرحمن الرحیم . الخادم بهمنیار بن مرزبان خادم مولانا الرئیس ... شرف الملك فخر الکفاة اطال الله بقاه ... خدم ینهی الحضرة بکتاب مطوی علی اوراق واسئولة وشکوك یرجو وصول الجمیع الیها واحاطة العلم الشریف بها .. قیل ان المزاج متغیر والشخص الواحد ثابت بالعدد ... (پرسش) ثبات الشی الواحد بالعدد ... بل بجوهره (پاسخ) - هل ههنا برهان علی ان لکل شخص ... شیئا ثابتا... لعل هذا فی غیر الحیوان صعب . . . ولعلنا اذا فکرنا وجدنا السبیل الی القول الجزم فی هذا الباب انشاء الله تعالی تمت المباحثات وهی اجوبة مسائل سئل الشیخ عن بعضها تلمیذه بهمنیار وعن بعضها الشیخ الکرمانی وعن بعضها غیرهما » این نسخه درشش فصل و۲۱۷ بند وآغاز آن برابر است با نسخه ش ۲۱۸۸ فیض الله استانبول (که پایان آن بند ۱۸۳ این نسخه و بند ۲٦٦ چاپی است) وپایان آن در نزدیك بآغاز سخه نواب وپایان نسخه ش ٤٥٤٥/۱ اونیورسیته استانبول دیده میشود . دیباچه آن نامه بهمنیار است بشیخ که میگوید : « پرسشهارا دربرگهائی نوشته فرستادم ومیخواهم پاسخ هریك رادرهمان برگ بنویسید تامباداچیزی فراموش

---

۱ - نیز بنگرید به خزرجی ج ۲ ص ۱۹ س ۱۹ - بیهقی در تتمه ص ۲۷ میگوید که شیخ درمباحث ازابوالفرج جاثلیق بد گفت ونگارشهای اورا شایسته دانست که بفروشنده آنها برگرداند وازبها درگذشت ودرص ۲۲ میگوید که شیخ درهیچیك ازنگارشهای خویش یادی از ناتلی ننمود مگر در « کتاب المقتضیات السبعه » که دردره « مقتضیات الحکمة » ودر کشف الظنون «مقتضیات الکبر السبعه» یاد شد . ناشر تتمه آنرا همان کتاب المباحثات پنداشت (ص ۲۲ حاشیه ۹) چه بیهقی درفهرست نگارشهای شیخ بازاز « کتاب المقتضیات مجلدة» یاد نمود ص ٤٦ و بجای آن در تاریخ حکماء قفطی ص ۲۷۲ « کتاب المباحثات مجلدة » آمده است (نیز در ج ۲ ص ۵ س ۱۰ خزرجی) گرچه درفهرست پایان تتمه ص ۱۸۷ هم « کتاب المباحثات» ودم « مقتضیات الکتب السبعه » یاد گردید ودرفهرست میان سرگذشت شیخ (نسخه ش ۱۲۱٦ ص ۱٦-۲۲ سپهسالاروش ٦ر٤٦۹٤ کتابخانه ملی ملك) نیز ازاین دو یاد گردید .

شود ودستوردهید که دربانان پیك را بازندارند وبآسانی نزد شما باریابد وامیدوارم پرکاری شما را ازپاسخ این پرسشها بازمدارد » (مانا هنگام وزیربودن شیخ است) درپایان‌نسخه چنانکه میبینیم دارد که پرسنده بهمنیار وکرمانی ودیگرانند. نامه شیخ بکیا (دیباچه چاپی ـ میانه نسخه نواب) دراین نسخه نیست و باآن دونسخه درعبارت وترتیب مسئله‌هاجدائی دارد. دربیشترجاها پرسشها و پاسخها دریك بند آمده وبندها با دائره‌ای از یکدیگرجدا میشوند و روی آغاز هربندی خط سرخ کشیده شده است وگاهی یك بند همان پاسخ تنها است وبند۱ برابر است بابند٤٥۳ چاپی. انجام‌نسخه ۸٦۹/۱۱ کوپرولی درگ ۱۸۳ ب این نسخه دیده میشود .

نسخه دیگری ازمباحثات درارسطوعندالعرب دکتر بدوی‌ص۲۱۹ـ۲۳۹ ازروی نسخه ٦ م حکمت و فلسفه دارالکتب مصر در ٥۰۰ بند بچاپ رسید و دیباچه آن نامه شیخ است بکیا (ابوجعفر محمدبن حسین‌بن مرزبان ـ دیباچه بدوی ص ۳٦ و مباحثات ص۱۱۹) که درآن ازعلاءالدوله (۳۹۸ـ٤۳۳) یادگردید ونیز ازیحیی نحوی ورد او برارسطو . شیخ دراین نامه میگوید که درکتاب انصاف میان خاوریان و باختریان داوری نمودم ودرآن ازفارابی بسیارمیستاید و آرزوی دیدار او میکند اینجااست که بیهقی ص۱۳ وشهرزوری ش ۸٥٦ گ ۷۷ بجای‌آن ابوالخیرخوانده‌اند تا معاصرشیخ باشد (بدوی ص ٤۱ دیباچه) این نامه را قنواتی در ش ۲٥۹ نیز جداگانه یاد نمود و مانا نسخه ش ٦۳٤/۳٦ مجلس همین است . بدوی دو نامه پس‌از مباحثات آورد که نخستین درآغازمباحثات نسخه ش ۸٦۹ کوپرولی میباشد .

نسخه دیگری از مباحثات درمدرسه نواب طوس بوده که آغاز آن برابر است با نسخه ده برگی ش ۲۳۸۹/۲ ایا صوفیا بنام « رسالةالاسئلة والاجوبة » و دونامه شیخ (چاپ‌بدوی پس‌ازمباحثات) درمیان‌این‌نسخه‌دیده میشودودرآن شیخ ازکارهائیکه شایسته اونیست و از دوری ازدانش سخت مینالد وازری وازگفتگوها که میان استاد و شاگرد درآنجا شده است و از همین پرسشها که اکنون میکند و پاسخ میگیرد یاد میکند و میگوید « بیشتر بپرس » چنانکه یاد شد نسخه‌ای از مباحثات بشماره ۸۷٥ درمروی هست ودکترغنی در «ابن‌سینا» ص ۷۸ ازنسخه شماره ٤۰ آنجایاد میکند. این‌هم ناگفته‌نماند که شیخ بجزنامه‌ها که ببرخی‌نوشته یاپاسخها که بنامه‌ها وپرسشهای بیرونی‌وجوزجانی‌وابوالفرج همدانی وابوالفرج یمامی ومیهنی ودیگران داده بسیاری از رساله‌هارا برای فرمانروا یاوزیری نگاشته‌است .گذشته ازاینهادرفهرست قنواتی گفتارهائی شناسانده شده که‌مانند مباحثات میباشد : پاسخ ده پرسش بیرونی نه‌آنکه بچاپ رسید ـ پاسخ شیخ عامری (مجالس سبع) ـ پاسخ ۲۲ و۲٥و۱۰و۲۰ پرسش ـ

بندها و پرسشها ـ دو گفتار در منطق ـ پرسش و پاسخ ـ پاسخ بپرسشی درباره حدوث که میگوید نخستین چیزی است که بدست خود نوشتم ـ دو مسئله ـ پاسخ ابن زیلا مسأله پزشکی ـ نامه‌ای بابی‌الفرج بن ابی‌سعید یمامی در پزشکی ـ چند مسأله ـ گفتگوی شیخ با شاگردی درباره زاویه ـ پاسخ چند پرسش ـ پاسخ بجوزجانی درباره شفا و معارضه با قرآن ـ فائده ها و نکته ها (ش ۲ـ۲۰ـ۲۱ـ۲۲ـ۳۸ـ۳۹ـ۱۷ـ۳٦ و ۳۷ـ٦۳ـ٦۱ـ۷۱ـ۹۹ـ۱٤۳ـ۱٤٥ـ۱٤٦ـ۱٦۰ـ۱۷٦ـ۲۰٤ـ۲۳٤) و بهمهٔ اینها و نسخه‌های گوناگون مباحثات باید نگریست تا دریافت که سرگذشت گفتگوهای شیخ باشاگردان چگونه بوده و مباحثات چگونه بنگارش درآمده‌است ـ نیز بنگرید بشماره ۱۹ قنواتی .

۱ [۳٤۱] مباحث فلسفیه (رسالة فی ...) (عربی)

این گفتار بروش عرفانی درباره قوه وفعل نگاشته شده و در آن (٤٦ ب) از رسالة‌التسلیه ابن‌سیناکه در آن گفته است « ان‌الموت لا الم فیه ابدا » واز مجلسی یاد میشود .

آغاز : بسمله . فصل فی معنی‌القوة والفعل. اعلم ان‌القوة هی استعداد‌التصورای
۱۰ استعداد قبول‌الصورة .

انجام : فمن رام تشبیت الاعرار بالکباریت وسایرالارواح فقد خبط وسهی .

[٤۲۳]

۸۸۷ این نسخه شماره ۲ دفتر و بخط تعلیق میباشدگ ۹ الف ـ ٤٦ ب .

[۳٤۲] مبادی موجودات (فارسی)

۲ این گفتارفلسفی از بابا‌افضل کاشانی (۱) است وازموجود ومعلوم ومدرك گفتگو میکند ودرمجله جلوه شماره ۳ سال ۱ تاریخ شهریور ۱۳۲٤ خ ص ۱۲۱ ـ ۱۲۸ ازروی دونسخه تاریخ ۱۰۸۳ و۱۰۹۲ بچاپ‌رسید. درجنك شماره ۲۹۱۱ سپهسالار

۱ـ سید حیدرآملی عارف زنده در ۷٦۱ درجامع‌الاسرار (ش ۳٤۱ گ ۲۳٦ الف) میگوید : « ومنهم‌الامام‌الفاضل والحکیم‌الکامل افضل‌الدین‌الکاشی رحمة‌الله علیه . فانه
۲۰ بعدرسوخه فی‌الحکمة‌الفلسفیة والعلوم‌الرسمیة رجع‌الی‌طریق اهل‌الله وصارمن‌کبارهم وصنف فی هذاالفن کتبا ورسائل واحواله مشهورة وفضائله معلومة » .

ص ۸۸–۹۸ نسخه ازاین هست .

[۴۲۴]

۴۲۸ این نسخه شماره ۱۰ دفتر است و بخط تعلیق شکسته خوش با عنوانهای شنگرف تاریخ ۱۰۸۳ گ ٦٥ الف - ۷۱ ب و فهرست آن هم در گ ٦٥ الف دیده میشود .

[۳۴۳] مبدء و معاد (عربی)

شیخ رئیس این کتاب را درسه گفتار (خدا شناسی در ۵۲ فصل - پیدایش و آفرینش هستیها در ۱۱ فصل - پایندگی روان و خوشی آن در رستاخیز در ۲۰ فصل) برای ابی (احمد) محمدبن ابراهیم شیرازی فارسی (۱) درگرگان نگاشته ودر آن گزیدهٔ علم مابعدالطبیعه یا اثولوجیا (الربوبیة) درباره مبدء نخستین ونسبت هستی‌هابا اوازروی ترتیب وگزیدهٔعلم‌طبیعیات در روانشناسی‌ورستاخیز آورد. شیخ درفصل ۷ مقاله ۱ عاقل ومعقول را یکی پنداشت و گفت که آندوبقانون فعل وقوت یکی میشوند وعلم اگر باحصول صورت می‌بود بایستی صورتهای بی‌نهایت در نفس بیاید . او در اشارات وشفا این رأی نپذیرفت و بگفته طوسی درمبدء ومعاد روش مشائیان گرفتهٔ چنانکه‌در آغازهم چنین گفته‌است. شیرازی درفصل ۸ طرف۱ مرحله عقل ومعقول اسفارسخن‌اورا آورد وپذیرفت . شیخ در پایان از رستاخیز وپیامبری ووحی واعجازواثرچشم بروش فیلسوفان گفتگو کرد وازرأی افلاطون درسوفسطیقا یاد نمود .

آغاز : بسمله قال الرئیس ابوعلی الحسین بن عبدالله بن سینا لقاالله احسانه امابعد حمدالله حق حمده والثناء علیه بماهواهله ... فانی اریدان ادل فی هذاالکتاب (هذه‌المقالة) علی حقیقة ماعندالمشائین المحصلین من حال المبدء والمعاد تقربا به

---

۱ — دربیهقی ٦٤ وخزرجی ج۲ ص ۱۸ ابی‌محمد شیرازی که باشیخ آمیزش داشت یاد شد و خزرجی گوید که درآغاز نسخه ابی احمدمحمدبن ابراهیم فارسی خوانده‌ام مانند نسخه ش ۹۷۵ طوس ونسخه مجلس ولی درنسخه ش ۹۷۲ طوس ابومحمدبن ابراهیم فارسی یاد گردید وقنواتی ابی احمدبن ابراهیم فارسی یاد نمود . گویا درست همان باشد که دربالا نوشته شد .

الی الشیخ الجلیل ابی (احمد) محمدبن ابراهیم الفارسی فیتضمن کتابی هذا ثمرتی علمین کبیرین احدهما الموسوم بانه فیما بعد الطبیعیة والثانی العلم الموسوم بانه فی الطبیعیات .

انجام : وتقریب البعیدان مال (یمال) الی الاظهر فهو معذور ونسئل الله ان یجنبنا الزیغ والزلل والاستبداد بالرای الباطل و اعتقاد العجب فیمایری ویفعل (یعقل) تم کتاب المبدء والمعاد .

[٤٢٥]

٨٦١ این نسخه شماره ٦ دفتر است وبخط نسخ با عنوانهای شنگرف و تصحیح شده با نسخه‌های دیگر درهامش. گ١٤ب-٥٤الف . نسخه‌ای درمجلس ش٦٣٤/٣٠ (ج ٢ ص ٣٩٩) وشش نسخه درطوس ٩٧١ تا ٩٧٦ هست وقنواتی درش ١٩٥ چندین نسخه آنرا شناسانده وگفت که ترجمه فارسی آن دربودلیاناش ١٤٢٢/٢ وموزه بریتانیا ٩٧٨/٢٢ هست . درجنك ش ٢٩١٢و١٢١٦ سپهسالار نسخه تازی آن دیده میشود .

[٣٤٤] **المبدء والمعاد** (عربی)

سه پرسشی است که ازشیخ رئیس شده و او پاسخ داد ودرص ١٦٧ یادگردید .

[٤٢٦]

١٠٤٦ این نسخه شماره ٢٠ دفتر است وبخط شکسته تعلیق رجبعلی نزدیك ١٠٦١ گ ٩٥ الف و ب . آغاز وانجام آن مانند ش ١٠٣٨/١ میباشد .

[٣٤٥] **مبدء ومعاد** (عربی)

از صدرای شیرازی م ١٠٥٠ که درست درآن از مبدء و معاد شیخ پیروی نمود و دوبخش کرد و چنانکه دردیباچه (ص ٣ چاپی) می‌نویسد آنرا پس‌ازاسفار نوشته است . درمبحث تجرد نفس ص٢٠٨-٢١٢ دلیلی میآورد که ازمباحثات شیخ رئیس گرفته وهمین دلیل بااندك اختلاف دراسفارهم آمده است ودرمبحث ادراك حسی ص ١٧٤-١٧٧ درباره گفتارشیخ رئیس و مسیحی و فخر رازی درمورد لذت و الم حواس عبارتی داردکه نزدیك بهمان درشرح هدایه هموص١٩٥-٩٧ دیده میشود .

[٤۲۷]

۴۲۱ این نسخه بنسخ باعنوانهای شنگرف و حاشیه‌هائی دارد که درپایان آنها عبارت (ع سلمه‌اه) هست و این نسخه شماره یکم این دفتر است از برك ۱ الف تا برك ۲٦۳ ب ودوم آن گفتاری است ازصدرالافاضل (همین شیرازی) درباره روزرستاخیز. محشی حاشیه‌های این کتاب ورساله دوم‌را هنگامی که درسپاهان نزد ملامحراب آنها را میخوانده است نگاشت. این نسخه تصحیح شده ومقابله گردید وخط و مهرفیلسوف شیرازی درپایان کتاب بخط شکسته آراسته بشنگرف زیر سطر آخر دیده میشود: «کتبه‌الاقل . . . . . محمدبن ابراهیم‌المشهور بصدرالشیرازی سنه ۱۱۵ (؟!)» ازاینجاچنین برمیآید که شیرازی کتاب مبدء ومعاد را در ۱۰۱۵ نوشته‌است دربرك ۱ الف نوشته شده که نسخه را در ۱۱۹٤ خریده‌اند. این کتاب درتهران بسال ۱۳۱٤ بچاپ رسید.

(۲۷۵ برك) – کاغذفرنگی – جلدتیماج قهوه‌ای ضربی

اندازه: ۱۵×۲۵٫۵ و ۸٫۵×۱۷٫۵ س ۲۰

[۳٤٦] مجمل‌الحکمه (فارسی)

تنی چند از دانشمندان ایرانی در سده چهارم انجمنی دربصره بنیادگذارده مانندگروه فوثاغورسیان باستانی وچلیپائیان گل‌سرخ سده پانزدهم مسیحی نهانی درآنجاگردمیآمده درباره فرهنك ودانش‌روزگارخویش میاندیشیدندومیخواستند که میان دین‌وفلسفه سازگاری دهند. آنهاپس‌ازمرك اشعری (۲٦۰–۳۳٤) تارجب سال ۳۷٤ پنجاه وسه یاچهاردفتر بنام (رسائل‌اخوان‌الصفاء وخلان‌الوفاء) و(الرسالة لجامعة) نگاشته بی‌آنکه نامی از خود ببرند آنها را دردسترس گذاشتند. این‌بود که‌مردم آنانرا شیعی یاباطنی یامعتزلی پنداشتندوبرخی آن‌دفترهاراازامام‌جعفرصادق‌ع دانستند. نخستین‌بار ابوحیان توحیدی درامتاع وموانسه نام آنها را آشکاربداشت سپس ابن‌سینا ومعری ازآنها نامبردند وصاعداندلسی وشهرستانی وبیهقی و غزالی وسهروردی وقفطی و خزرجی و ابن سبعین و باباافضل‌کاشی و شهرزوری و دیلمی و ابن‌تیمیه وجنید شیرازی و بیرجندی و آملی و کرمانی‌وجامی. ابن‌حجروصدرای شیرازی‌واشکوری وفیض‌کاشانی ومحمدامین استرابادی وعباسی ازاین‌نام یادکرده یا سرگذشت آنانرا آورده یااینکه ازآن دفترها بهره‌برده‌اند. نام اخوان‌الصفا نیز

پیش‌ازآنها درکلیله ودمنه‌ونظم ونثر باستانی تازی ونیایش فارابی آمده است .

باطنیان نیز بدیندفترها ارج نهاده‌بااینکه دردسترس همه‌بود وتاکنون چندبار بچاپ رسیده از نگارشهای نهانی آئین خویش بشمار میآورند و نگارنده آنها را دومین رهبر نهانی دینی خود بنام امام عبدالله وفی‌احمد (۱۹۷ ـ ۲۱۲) از دودمان امام صادق ع میپندارند .

دانشمندی درروزگار امیرتیمور گورگان (۷۷۱-۸۰۷) برای باره دوم ازاین دفترها گزین‌نموده وبپارسی دری درآورد ودردفتردهم‌بخش سوم درحدود ورسوم از اشارات و تنبیهات بوعلی سینا و نقاوة الحکمة خواجه حسن بن جریر سپاهانی وکتاب‌عبدالله‌بن‌جبرئیل‌بن‌بختیشوع پزشك‌بر آن‌افزودوهمین‌است که‌مجمل‌الحکمه نامدارد و دوباردربمبئی بسالهای ۱۳۰۱ و ۱۳۰٤ باافزودن ترجمه انسان وحیوان که در آن‌نیامده بچاپ‌رسید. ازنسخه ش۱۱۲ مجلس‌چنانکه درفهرست آمده‌است برمیآیدکه پیش‌ازاین در٦٦۷ این‌دفترها بپارسی‌شده‌بود . ولی‌چنین‌نیست چه‌درپایان آن‌نسخه بخشی ازیك کتاب فلسفی‌که درآن تاریخ نوشته شده هست وفهرست‌نگار ایندو را یکی‌پنداشت .

دردیباچه این ترجمه دوم (نسخه ما وچاپی) ازسرود اختران ونام بارخدای ومرزبان (مهربان) نامه ودانشنامه یادگردید (۱) وسه‌تای‌نخستین‌بیهوده وچهارمی دشوار دانسته شد .

[٤۲۸]

۳۰۲ این نسخه شماره۱ دفتراست وبخط تعلیق با عنوانها ونشانه‌ها ورقمها وشکلها بشنگرف از محمدکاظم‌بن محمد حسین‌الحسینی‌المحلاتی در۲۲ رجب ۱۱۱۱ گ ۱ ب ـ ۷۹ ب . نسخه ازآن محمدعارف حسینی‌بوده وخطومهراو درگ۲ الف دیده میشود. دراین نسخه‌که با چاپ شده یکسان‌نیست دفترانسان وحیوان ترجمه نگردید وبخش چهارم‌هم ده فصل است .

آغاز : سپاس ومنت وجودیراکه واجب‌الوجود است .

۱ـ نگاه به : فهرست طوس ش ۵۸۰ ص۱۰۵ ج٤ ـ فهرست مجلس ج ۲ ش۱۰٤ ص ۵۱ که اندکی باجابی جدائی دارد وش۱۱۲ ص۵۷ که دردنبال آن بخشی ازیك کتاب فلسفی‌است وآن‌در ٦٦۷ نوشته شده است نه مجل‌الحکمه‌این نسخه که مانندچاپی‌است ـ گفتار فهرست‌نگار در ش ٦ سال ۸ مجله مهر .

انجام : و درشریعت لذتها را منع میکند یعنی برترك لذت و درحکمت والله اعلم بالصواب (س ۱ ص ۱۵۹ چاپی) و نیم صفحه را ندارد .

[۳٤۷] المحاکمات بین شرحی الاشارات (عربی)

از قطب‌الدین محمدبن محمدبن ابی‌جعفر بویهی رازی فیلسوف فقیه شیعی ازخاندان بویه یا بابویه قمی که در ری زاده وشاگرد علامه حلی بوده است وازاو بسال۷۱۳ اجازه گرفت واین‌اجازه‌را حلی درپشت قواعد خودکه قطب‌بخط خویش نوشته‌بود دردیه ورامین نگاشته‌است. شهیدیکم ابوعبدالله محمدبن مکی دمشقی عاملی جزینی (۷۳٤-۷۸٦) در ۷٦۸ دردمشق نزدش رفته وازاوبهره برده واجازه گرفت . نیز درپایان شعبان سال ۷۷٦ دردمشق ویرا دیده وازاو درمعقول ومنقول اجازه گرفته‌است . وی بگفته شهید در۱۲ ذی‌قعده ۷۷٦ درگذشت و درگورستان صالحیه بخاك سپرده شد (۱) .

قطب رازی دراین کتاب محاکمات میان فخررازی و خواجه طوسی داوری نمود و آن درآستانه بسال ۱۲۹۰ در ٤٦۳ صفحه و دوبار درهامش شرح طوسی براشارات درتهران بسال۱۲۸۱ و۱۳۰۵ بچاپ‌رسید .

[٤۲۹]

۲۷۷ این نسخه نخستین شماره این دفتر است و از برگ ۱ ب تا برگ ۲۲۵ ب میباشد و بخط نسخ نوشته شده و عنوانها در هامش و نشانه ها بشنگرف وحاشیه‌هائی بشکسته تعلیق‌داردوعنوان محاکمات درروبه یکبرك پیش‌ازآن چنین است : هذا شرح علی شرح‌الاشارات لنصیرالدین‌الطوسی اعتنی به والفه استادنا وشیخنا افضل‌المتأخرین‌قطب‌الدین‌ابقاه‌الله ...) ومحمدبن سدیدالدین‌اسنوی دمشق‌نشین

---

۱ ــ قطب‌رساله‌هاوکتابها درادب‌ومنطق وفلسفه نوشت یکی‌ازآنها (تحقیق‌معنی‌التصور والتصدیق) است‌که در تونس بسال ۱۲۸۱ چاپ شد و یك نسخه از آن با شرح محمد زاهد محمداسلم هروی درکتابخانه خدیوی مصرهست واین‌شرح درکانپورهند بسال۱۲۸۷ درمجموعه‌چهاررساله بچاپ رسید . درکتابخانه مدرسه سپهسالار تهران نیز یك‌نسخه ازهمین رساله بشماره ۳۸۷۸ هست پس آنچه میرسید شریف درحاشیه برشرح مطالع گفته است‌که این رساله دریکی ازگردشها که قطب میرفته است ازمیان برفت نادرست است . دیده شود : معجم‌المطبوعات‌ص۹۱۹ ــ فهرست‌کتابخانه خدیوی مصر ج ٦ ص ۸۳

شاگرد قطب و نویسنده عبارت بالا این نسخه را نزد او خوانده وبانسخه اصل برابر کرده‌است وبخط خود بهمین تصحیح گواهی داد. وی یکبار آنرا بانسخه‌معتبری مقابله کرده و در ۲۹ ع ۱ سال ۷٦٤ ازاین مقابله بیاسود و باره دوم آنرا با نسخه استاد خود قطب رازی برابر کرده و درآدینه ۱۸ شعبان ۷٦٥ درخانقاه اندلسی این مقابله را بپایان رساند ومینویسد که این باره حاشیه‌های کتاب را نیز باحاشیه‌های نسخه قطب برابر کردم و هرچه ازاین حاشیه‌ها نشانه (سم) دارد از استاد است . اینها را اسنوی بخط خود درپایان نسخه و درهامش آن نوشته‌است. باز بخط خود مینویسد که درماه ربیع دوم سال ۷۷٤ ازخواندن همه این کتاب بیاسودم ومیگوید که استاد رازی نسخه اصل را در روز چهارشنبه ۱۰ رجب سال ۷۵۵ درشهر گلستان ترکستان نوشته است وعبارت اورا میان پایان کتاب وگفتار نویسنده درباره تاریخ نوشتن نسخه‌ما میآورد. اسنوی بازدرپایان نمط سوم مینویسد که این نسخه را مقابله کردم . قطب مینویسد که منطق را درشب اضحی سال ۷۵٦ بپایان رساندم . اسنوی در همین‌جا باز مینویسد که مقابله نمودم. ونویسنده نسخه‌ماعبدالواحدبن‌عبدالحمیدبن مسعودشافعی‌سیواسی‌سلماسی است که دردمشق درنیمه روز ۲۸ محرم ۷٦٤ آنرا نوشته است .

این نسخه در ع ۱ سال ۹۹۰ دردست میرزا مخدوم حسنی حسینی مدرس مدبه بوده وخط او درپشت کتاب هست و باز خط او درروبه برك پیش از نسخه محاکمات که درتاریخ میانه ع ۱ سال ۹۹۰ در قسطنطنیه نوشته است دیده میشود . ابن‌خاتون محمدبن علی عاملی در ۱۰۲۸ درسپاهان بخط خود درپشت کتاب نوشته که این نسخه بدورسید و مهر اوهم هست . او دانشمندی ادیب وفقیه بوده و شرحی برارشاد نوشته واربعین شیخ بهائی را ترجمه بپارسی کرد ودرعصراو بوده ودرحیدرآباد هند میزیسته است وتا ۱۰٦۸ نیز زنده بود .

پس‌ازهمه آنچه تاکنون نوشته شده چنین برمیآید که :

قطب رازی در ۷۵۵ ازنوشتن نسخه اصل (ناگزیربخش فلسفه) درشهر گلستان ترکستان بیاسود .

وهمو در ۷۵٦ چنانکه خودگواهی میدهد منطق را بپایان رساند .

عبدالواحد سیواسی‌سلماسی در۲۸محرم ۷٦٤ نسخه مارا دردمشق نوشته‌است .

محمدبن سدیدالدین اسنوی دمشقی در۲۹ ع۱ سال۷٦٤ یکباراین نسخه را با نسخه معتبری مقابله کرد .

نیز اسنوی در ۷٦۵ باره دوم آنرا با نسخه قطب برابر نمود .

باز اسنوی در ۷۷٤ ازخواندن همه کتاب بیاسود .

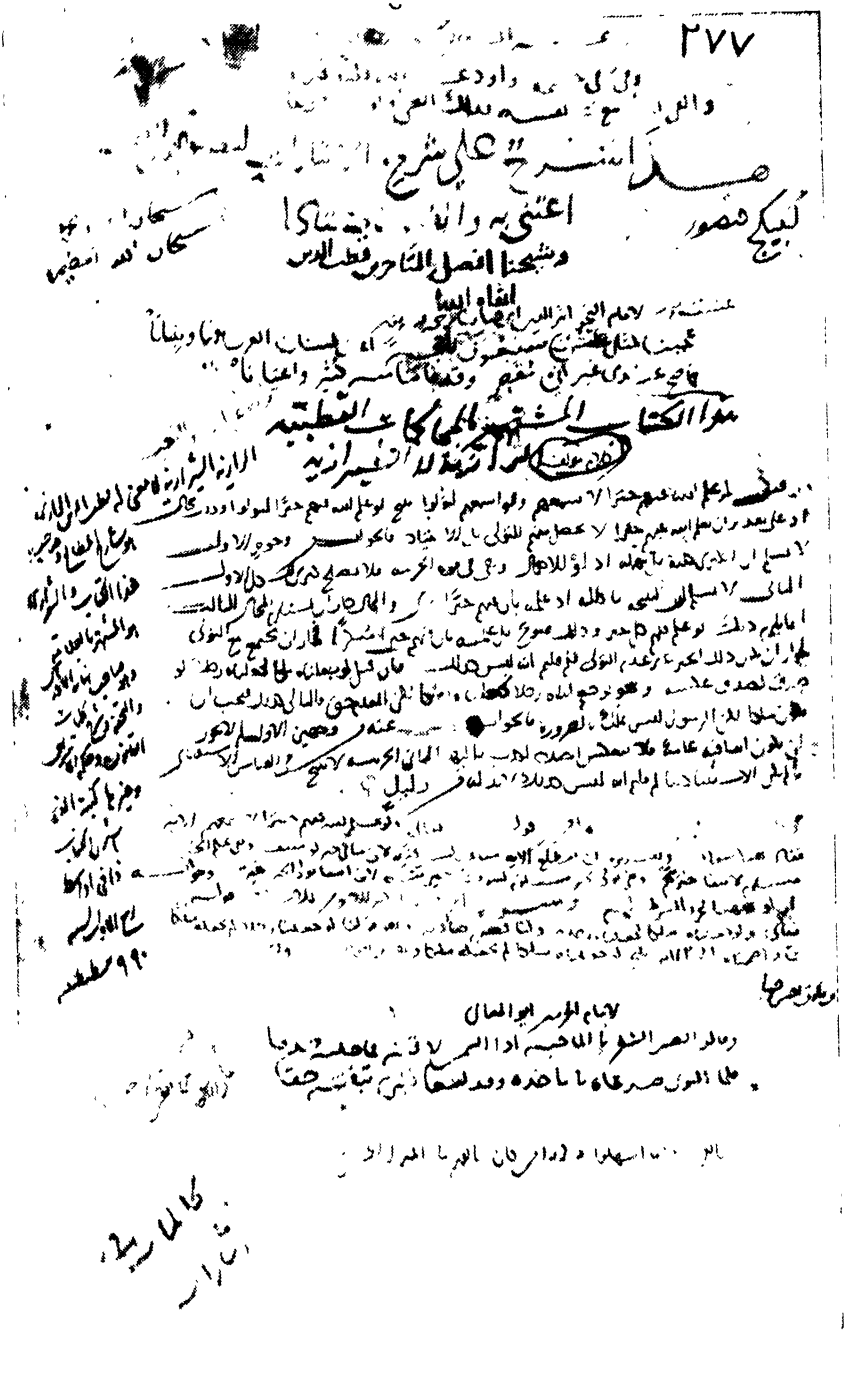

برگ عنوان محاکمات قطب رازی ش ۲۷۷

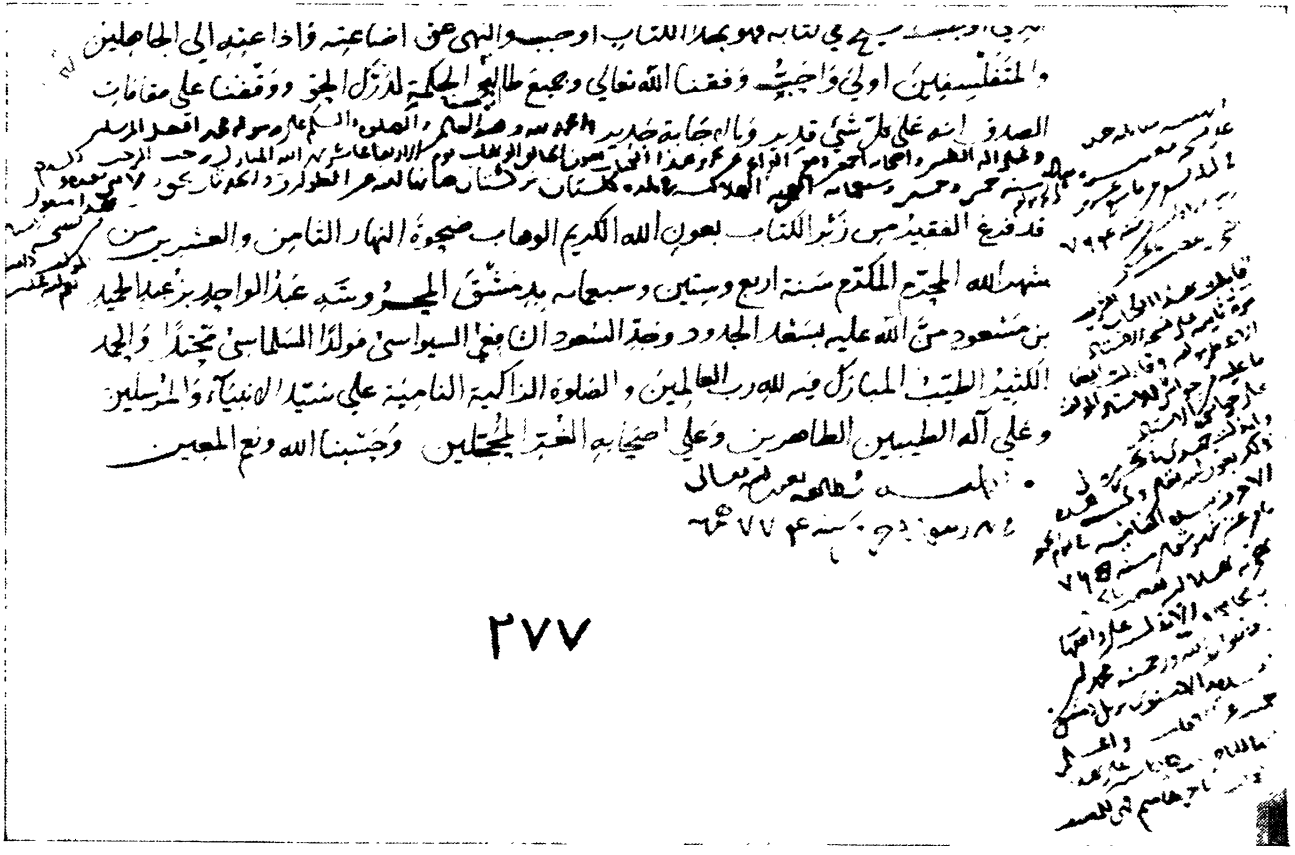

این نسخه در ۹۹۰ درقسطنطنیه دردست میرزا مخدوم بوده است .
درتاریخ ۱۰۲۸ ابن خاتون آنرا داشته بود .
پس نسخه ما پیش‌ازمرك رازی که در ۷۷۶ رخ داده است نوشته شده وچندبار مقابله گردیده است .

یکی ازدارندگان این نسخه ابراهیم‌بن حاجی عوص‌الدساوی بوده که دربرك ۱ الف نامبرده شده .

(۳۲۸+۱ برك) کاغذ ترمه سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ ساده وکهنه مقوائی

اندازه : ۱۹×۲۸ و ۱۴×۲۰ س ۲۷

[۳۴۸ـ۳۴۹] مدارج کمال (تازی و پارسی)

این گفتارفلسفی وعرفانی‌را که‌درخودشناسی‌وشناخت‌شناسی‌است وگشایش نامه هم خوانده شده بابا افضل کاشانی نخستین بار بگواهی خود او در پایان متن پارسی (نسخه شماره ۴۰۲/۹ دانشگاه) بتازی نوشته سپس بدرخواست خواجه شمس‌الدین محمد درواگوش بپارسی‌کرد و تازی آنرا از آن اسعد نسائی‌دانست. کاشانی با درواگوش بسیاردلبستگی داشت ونگارشهائی مانند رساله جامعه (گویا همین مدارج) و زجرالنفس برای او فرستاد (نامه ش ۴۳۱/۱۷) و درنامه ایکه (ش ۴۳۱/۱۴) بدو می‌نویسد ازهمین‌مدارج‌الکمال بنام «فتوح‌هشت‌در» و «ره‌انجام نامه» یادمیکند. متن‌پارسی در۱۳۸نشریه دانشگاه بچاپ‌رسید کاشانی درعرض‌نامه (ص ۱۵۳) ازمدارج‌الکمال یاد نمود .

[۴۳۰]

این نسخه بپارسی وشماره ۹ دفتراست وبخط تعلیق ۱۰۷۹و۱۰۸۰ گ ۸۲ ب ـ ۹۷ الف و در پایان آن سخنی است از کاشانی که در چاپی نیامده وبدینگونه است : « خجسته حال وفرخنده فال ونظم سخنان این‌نامه نخست بلغت تازی بود . . . هم محمد بامحامدان قرین شود وهم اسعد با سعادات این همنشین گردد ان‌الله لرؤف رحیم ولله‌الحمد علی ماهدانا انه ولینا ومولینا » نسخه‌ای ازمدارج کمال فارسی دردفترشماره ۲۹۱۲ مدرسه سپهسالارگ۱۳۰ـ۱۳۷ هست وبند پایان درآن دیده نمیشود .

۴۰۲

[۴۳۱]

۴۳۱ این نسخه بپارسی و شماره ۲۰ دفتر است گ ۲۸۶ ب ـ ۳۲۱ الف وبا نسخه پیشین اندکی جدائی دارد وبهتر وبیشتراز آن است وجناب آقای مشکوة آنرا با دونسخه دیگر برابر ودرست نموده است وسخن پایان کتاب درآن هست .

[۴۳۲]

۱۰۳۶ این نسخه پارسی وشماره ۹ دفتر است و بخط تعلیق رودباری گ ۷۷ ب ـ ۸۹ الف و ازگشایش در یکم آغاز میشود و دیباچه را ندارد و سخن پایان کتاب دراین نسخه هم هست .

[۴۳۳]

۱۰۳۳ این نسخه بتازی بسیار شیوا و روان و درهشت فتح و شماره ۱۱ دفتر و بخط تعلیق ریز سال ۱۰۸۴ گ ۳۰ ب ـ ۵۴ الف میباشد. آغاز آن چنین است : « بسمله... بسم الله الذی لا اله الا هو اول کل شیء فلا اول له و آخر کل شیء فلا آخر له وظاهر لیس فوقه شیء و باطن لیس دونه شیء . . . وبعد فقد سألنی جماعة من اخوانی... وصیة جامعة لخیر الدارین . . . فهذه ثمانیة ابواب نرجوان نفتح جمیعها ... الفتح الاول فی تبیین جوهر الانسان » .

انجام آن چنین است : « حامدین لله علی نعمائه شاکرین لالائه متجهین (متحببین) الی لقائه مصطبرین علی بلائه ینصرکم و یبارك لکم . . . نعم المولی ونعم النصیر ... فانجزت مدارج الکمال ولله الحمد علی کل حال . . . الطاهرین الزاهدین » .

در کشف الظنون از آن بنام «مدارج الکمال الی معارج الوصال» یاد کرده است (ج ۲ ص ۴۰۹) .

[۳۵۰] مرآة الازمان (عربی)

دانشمند محمدبن محمد زمان کاشانی دراین رساله سید داماد را ردکرده زمان را موهوم واعتباری دانست ومانند متکلمان آنرا انتزاعی ازهمیشگی خداوند پنداشت و درآن از فیلسوفان و متکلمان تا مجلسی یاد نمود و آنرا در ۲ محرم ۱۱۶۲ بپایان رساند اودراین رساله برخلاف خواجوئی سخنان آقاجمال خوانساری رادرخرده گیریها که ازداماد کرده است درست واستوار نشان داد (ش ۵۸۷ ص ۱۰۸ ج ۴ طوس ـ ص ۷۳ و ۲۳۰ این فهرست) .

آغاز : بسمله تبارك الذی کان ولم یکن معه شیء ثم شاء فانشأ الاشیاء . . . امابعد فهذه مرآة الازمان بها ینکشف ما اشتبه من امر الزمان الموهوم علی بعض الاعیان .

انجام : ایراد مافیه من القیل والقال . واتفق الفراغ عما امر به . . . محمدبن محمد زمان . . . فی الثانی من الاول للعام الثانی من السابع للثانیة من الالف الثانی ... والحمدلله اولا و آخرا . . . من الایام والشهور .

[٤٣٤]

۸۷۳ این نسخه شماره ۲ دفتر است و بخط نسخ خوش از علی بن محمد سپاهانی بسال ۱۱۶۲ که بدستور کاشانی نوشته است ودرپایان دارد : «وکتب الخاطی ابن محمدعلی الاصفهانی فی ۱۱۶۲ » سرلوحی درآغاز (۱۰۶ ب) هست و عنوانها با مرکب سفید است و شنگرف و حاشیه (منه دام فضله) دارد و سخنان فیلسوفان در برخی حواشی آمده وحاشیه‌ها بخط شکسته تعلیق است. درگ ۱٤۰ الف حاشیه‌ای فارسی از شیخ جعفر نوشته شده .کاغذ برنك سرخ میباشد . گ ۱۰۶ ب ـ ۱۹۸ الف .

[۳۵۱] **مرآة الحقائق ومجلی الدقائق** (عربی)

دانشمند غیاث الدین منصوردشتکی این رساله را برای غیاث الدین ابوالمظفر بهادرخان در۷ مجلی (مبادی فلسفی ـ مسائل طبیعی ـ مسائل فلکی ـ امورعام ـ مقولات ـ خدا و آفرینش ـ رستاخیز) نگاشته است وی درآغاز از خود بنام غیاث مشهور بمنصور یادکرد و میگویدکه درسی مسئله فلسفی با دیگران خلاف کردم و بهمگان رسید. برخی سخنانم را پسندیدند و دسته‌ای نپذیرفتند. آنگاه آنهارا میشمارد مانند اینکه جهان مثال هست و یادآوری بخششی است ازخدای نه نگهداشت صورت در نیروی جرمی بگفته مشائیان و نه انتقاش آن درسطح آسمان بگفته اشراقیان چنانکه درشرح هیاکل گفته‌ام واینکه صورتهای عقلی هستی جدائی دارند چنانکه در معارف منصوری روشن ساختم و آتش اهلیلجی است و شهابها دخانی نیستندچنانکه دررساله‌ای نشان داده‌ام ونیزعلت قوس وقزح را دررساله‌ای نوشته‌ام

واینکه هرنفسی مجرد است وجنبشهای آسمان جبری میباشد ومقوله ها نه چنانند که مشائیان ده واشراقیان ٥ (جوهر وکم وکیف و حرکت و نسبت) و دسته‌ای ٤ (جوهر وکم وکیف و نسبت) دانستند بلکه برخی ماهیت وانیت آنها پیداست (کم وکیف و . .) وبرخی انیت روشنی دارند (اجناس اجزاء جسم) وبرخی ماهیت آشکاری دارند (دیگر مقولات) واینکه مجردومادی وهیولی وصورت ذاتی مشترك ندارند وگوهرذاتی فردهای خود نیست و هرمجردی قدیم و ازلی است و جنبنده عرضی میدارد وچیزهای دیگر . مطالب را عنوانهای (ظل غربی ـ نورمشرقی ـ نورقمری ـ اشراقات شمسی) داده وپیداست که صدرای شیرازی هم درمسائل وهم درعنوانها از اوپیروی نمود . در پایان میگویدکه این اشراقات در ۸۹٥ درخواب شگفتی که دیدم بجهان نور رفته‌ام بمن رسید سپس این رساله را نوشتم . آنگاه عنوانهای مرموزی را که درکتاب آورده بود روشن میسازد و میگوید این کتاب برپایه کشف نهاده‌شده نه برهان درجای دیگر نیزازجهان‌هورقلیا یادمیکندکه‌در آن بوده وکشفها برای اوشده است .

آغاز : بسمله یاغیاث‌المستغیثین نورنا بانوارك وکلمنابمعرفة اسرارك واجعل لنا جناحا نطیر به الی جوارك .

انجام : تکملة و تبصرة انظر ایهاالناظر بعین الانصاف . . . واذا ابتلی ابراهیم ربه بکلمات فاتمهن . تمت‌الکتاب بعون‌الملك‌الوهاب .

[٤۳٥]

۹۲٦ این نسخه شماره ۹ دفتر و بخط تعلیق با عنوانهای شنگرف میباشدگ ۱۳۳ الف ـ ۱٤۲ ب .

[۳٥۲] **مسالك‌الیقین** (عربی)

دانشمند شمسای گیلانی (زنده ۱۰٤۸ درمکه و ۱۰٥۸ درقزوین و ۱۰٦۰ درطوس) این رساله را درباره عینیت وجودخارجی و صفتهای کمال خدا با ذات او بروش مشائی واشراقی نگاشته و خبرهای شیعی نیز درآن آورد و آنرا درآغاز رجمادی یکم سال۱۰٦۰ درطوس بپایان رساند. او در حاشیه خود براینکتاب آنرا

چنین نامید .

آغاز : بسمله . . . الحمدلله خالق البریات وهادی سبل التحقیقات . . . فیقول محمد الشهیر بشمسا الجیلانی . . . هذه رسالة فی اثبات ان الوجود الخارجی عین ذات الواجب .

انجام : بناء علی عینیة الصفات الکمالیة کمامر مشروحاً فلانطول بالاعادة . تمت الرسالة . . . فی اوائل شهر جمادی الاول فی سنة ستین بعد الالف . . . فی البلدة الطیبة الرضویة . . . التحیات .

[۴۳۶]

این نسخه بخط نسخ پاکیزه از یکی از شاگردان گیلانی که درقزین درروزگار
۳۰۷ استاد درروز ۷ ذی‌حجه سال ۱۰۶۰ هنگامی که ازطوس برگشته بود آنرا
نوشت درحاشیه برگ آخر کتاب می‌نویسد که ازشاگردان اواست .
درچندجا حاشیه‌هائی ازگیلانی دارد که به (منه دام ظله یا سلمه‌الله تعالی)
پایان مییابد .

(۱۳۴ گ) — کاغذ سمرقندی — جلد تیماج سرخ ضربی
اندازه : ۱۰ر۵×۲۰ و ۵ر۵×۱۵ س ۲۰

[۳۵۳] **مشاعر** (عربی)

از صدرای شیرازی که دارای یك فاتحه (درمباحث وجود و جعل درهشت مشعر) ویك موقف درسه منهج یکی درهستی خدا ویگانگی او (درهشت مشعر) دیگری دراحوال وصفات خدا (چهارمشعر) سوم درآفرینش و کردارخدا (سه‌مشعر) ویك خاتمه در دیباچه (ص۷ چاپی) این کتاب ازکتابها ورساله‌ها که نوشته است بی آنکه نام ببرد یادمیکند ومعرفت وجودوهستی شناسی را پایه فلسفه خود نشان میدهدوشناسائی خداورستاخیز وعالم مثال واتحادعاقل ومعقول وجامعیت بسیط الحقیقة واشتداد وجود ومانند اینها را برروی همان هستی شناسی میگذارد و پیداست که کتاب آغازجوانی فیلسوف شیرازی نیست چنانکه میگوید پیشها ماهیت را اصیل می‌پنداشتم تااینکه ازآن برگشتم و باصالت وجود گرائیدم (ص ۴۵) این کتاب با عرشیه درتهران بسال ۱۳۱۵ بچاپ رسیده است .

[۴۳۷]

این نسخه شماره سوم دفتری است که در آن تلخیص‌المفتاح (از برگ ۱ ب تا برگ ۶۰ ب بخط نسخ درشت‌تری از موسی بن رضا مشهدی در ۲۹ صفر ۱۱۰۴) ۱۴۸
وحکمة‌العین‌هم نوشته شده است وبخط نسخ است از برگ ۱۱۴ ب تا برگ ۱۵۱ ب وعنوانها بشنگرف است .

[۳۵۴] مصارع‌المصارع (عربی)

امام ابوالفتح محمدبن عبدالکریم شهرستانی (۴۶۷ ـ ۵۴۸) متکلم شافعی دین شناس ونگارنده کتاب ملل ونحل بسال ۵۲۱ ونهایة‌الاقدام که درپایان ماه شعبان سال ۵۴۸ درگذشته است کتاب مصارعات را در رد برفلسفه نوشت ودردیباچه آن میگوید که : « من ملل و نحل را نوشتم و چون همه میگویند که شیخ رئیس هوشمندترین فیلسوف است و نگارشهایش را هرکه بخواند هرچه بیشتر بهره‌مند خواهد شد خواستم از بهترین گفتارهای وی که درالهی شفا ونجات وتعلیقات یافت میشود برگزینم و بیهودگی و یاوه بودن آنها را آشکارسازم » . بازمیگوید : « از هفتاد و اند مسئله منطقی و طبیعی و الهی تنها هفت مسئله دراین دفتر آورده‌ام » خواجه طوسی همچنانکه درشرح اشارات خود سخنان فرزند سینافرزانه ایرانی‌را از خورده‌گیریهای امام رازی نگاه داشت دراین کتاب که مصارع‌المصارع نامیدش خواست اعتراضات شهرستانی راکه برشیخ کرده‌است ردنماید . ازسخن شهرستانی چنین برمیآید که وی مصارعات وملل ونحل را برای بزرگی نوشته است وخواجه میگوید که آن سید مجدالدین علی بن جعفر موسوی نقیب میباشد . فهرست ۷ مسئله که دراین دفتر آورده شده چنین است :

۱ـ حصر اقسام وجود .
۲ـ هستی واجب‌الوجود .
۳ـ یگانگی خدا .
۴ـ دانائی او .
۵ـ حدوث جهان .

۶ـ حصر مبادی .

۷ـ مسئله های دشوار درباره همان .

این کتاب شرحی است بقال واقول ومتن وشرح ازهم جدا است .

آغاز : بسمله الحمد الشاکرین والصلوة علی محمد و آله الطاهرین وبعد فان لشغفی بالعلوم العقلیة والمعارف الیقینیة کنت اوقات فراغی انظر فی کتب علمائها . . . فعثرت فی اثناء طلبتی علی کتاب یعرف بالمصارعات للشیخ تاج الدین ابی الفتح محمد بن عبدالکریم الشهرستانی ـ متن: بعد الحمد والصلوة والثناء علی المخدوم ابتداء اصغر خدمه محمد بن عبدالکریم الشهرستانی یعرض بضاعته المزجاة .

انجام : متن « اولاجوز تم ان یکون من العقول الانسانیة ماهو عقل بالفعل ... هو الافضل فلایتسلسل یاایها النبی انا ارسلناك شاهداً ومبشرا . . . وصلی الله علی نبیه المصطفی محمد و آله الطاهرین » شرح « هذا آخر ماورده المصارع فی مصارعاته والناظر المنصف بحکم باضافة الصرع والانصراع الی من یلیق به . . . انه ملهم العقل وملقن الصواب منه المبدء والیه المآب والحمدلله رب العالمین .

[۴۳۸]

این نسخه شماره ۱ دفتراست بخط تعلیق خوش وعنوانها بشنگرف ازدانشمند

۲۶۹ شادروان میرزا یدالله نظر پاك کجوری که درسال ۱۳۴۸ درمدرسه ناصری تهران نوشته و ۱۶۴ صفحه است و شماره دوم آن شرح رساله اثبات عقل طوسی است ازدوانی . نسخه‌ای ازاین کتاب درطوس (ش ۲۶۷ ص ۸۶ ج ۱) هست .

(۱۶۴ + ۹ صفحه) — کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ مقوائی

اندازه ۰ ۱۹٫۵×۲۱٫۵ و ۱۱×۱۷ س ۱۳

[۳۵۵] **المضنون** (عربی)

غزالی در « الاربعین فی اصول الدین » میگوید : اگر بخواهید بآنچه درست و راست است بی هیچ آلایشی برسید باید ببرخی ازنگارشهای ما که بناشایستگان نباید نشان داد (بعض کتبنا المضنون بها علی غیر اهله) بنگرید وکسی درخور دیدن آنهااست که درعلمهای ظاهری سرآمد ورهبر بوده وازدنیادر گذرد وحق رابخواهد وهوشمند و زیرك باشد (ص۲۸ چاپ مصر ۱۳۲۸) ازاین سخن پیداست که مضنون یکی ودو تانیستند. اودرهمین اربعین وجواهر القرآن وقسطاس مستقیم ومشکاة الانوارهم

برخی از رایهای نهانی خویش را آورد ولی دو کتاب بدین نام از او دانسته شده وچندبار بچاپ رسید یکی المضنون الکبیر که درچهار رکن است (خدا ـ فرشته ـ اعجاز ـ رستاخیز) دیگری المظنون الصغیر که ۱۹ پرسش و پاسخ است درروانشناسی عرفانی و «الاجوبة الغزالیه فی المسائل الاخرویة» نیز نامیده میشود . غزالی درپایان مضنون کبیر گوید : امید است که ازاین پس « المضنون به علی اهله » نیز بنویسم که بهتر از این خواهد بود زیرا دراین چیزهائی گفته‌ایم که در دیگر کتابها هم هست و چیزهائیکه جز در آن نیست و من خواسته‌ام در آن سخنانی بیاورم که درجائی نباشد مگر همان اشاره ها که در احیاء شده است (۱) . مانا این کتاب را غزالی درپایان زندگی میان ۴۹۵ و ۵۰۵ نگاشته است (متون ماسینیون ص ۹۳) .

---

۱ ــ هردو مضنون در کنار انسان کامل جیلی در مصر بسال ۱۳۱۶ ج۲ ص۵۵ و ۸۹ بچاپ رسید و نسخه‌ای از کبیر بنام رسالة الارکان بشماره ۲۰ ۴ ر ۶۳۴ و از صغیر بشماره ۳۴/۴۱۰ ۶ درمجلس هست (ج۲ ص ۴۰۱) ابن رشد در تهافت التهافت (چاپ بوئیژ ص ۱۱۷ و ۲۴۵) میگوید که غزالی در مشکاة الانوار و جز آن در خداشناسی از فیلسوفان پیروی نمود. ابن طفیل درحی بن یقظان از دورای آشکار و نهان غزالی و کتابهای مضنون یاد کرد ولی محیی الدین درمسامره میگوید که مضنون و منهاج العابدین از شیخ ابی الحسن علی بن خلیل سبتی عارف است ازاینجا استکه سبکی درسر گذشت غزالی (ج۴ ص۱۳۱) گفته ابن صلاح را میآورد که «المضنون به علی غیر اهله» را ساختند و بغزالی بستند چه درآن خدا قدیم وناآگاه ازجزئیات و بی‌صفت دانسته شده با اینکه غزالی چنین سخنان را کفر میداند . ابوبکر محمدبن عبدالله مالقی م ۷۵۰ ردی برمضنون نوشته است (نیز بنگرید به : شرح احیاء زبیدی ج ۱ ص ۴۴ و کشف الظنون ج۲ ص ۴۵۱ و ۵۲۲) طرطوشی ومازری وابن سبعین غزالی را صوفی و فیثاغورسی و خواننده اخوان صفا گفته‌اند (متون ماسینیون ص ۱۳۰ و زبیدی ج۱ ص ۹ ــ ۲۸) ابن تیمیه در رد منطقیان (۱۰۳ و ۱۹۵ و ۵۴۴) میگوید که غزالی در «الکتب المظنون بها علی غیر اهلها» از ابن سینا پیروی نموده سخنان فیلسوفان صابئی را برنگ اسلام درآورده ودرآن گنجاند. همودر نقض المنطق ص۵۳ــ۵۵ گفته که گرچه گروهی «المضنون به علی غیر اهله» را ازاو ندانستند ولی آگاهان میدانند که ازاو است و مانند سخنان دیگر او . ابن تیمیه درباره بدایة الهدایه غزالی هم میگوید که عزالدین فقیه آنرا ازوی ندانست (ص ۵۴) . یکی از خوانندگان رد منطقیان درحاشیه آن مینویسد که من «المضنون به علی غیر اهله» راخوانده و کفرها درآن دیدم که اهریمن را یارای ساختن آنها نیست و آنرا با «الانسان الکامل» جیلی سوزاندم وازآتش آن نانی پختم وخوردم وازبیماری که دچار بودم رهیدم چه بااین کار بکیش اسلام کمك کردم (ص ۱۰۳ و ۱۹۵ هامش) ازهمه آنچه گذشت پیداست که غزالی را

بقیه حاشیه درصفحه بعد

[۴۳۹]

این نسخه شماره ۲ دفتراست وبخط تعلیق گ ۵۲ الف و ب و چنین است :

۴۰۲ « رای الحکما ان الدار الجنة الجسمانیه بواطن الافلاك وقال الغزالی فی المضنون اللذة المحسوسة الموعدة فی الجنان من اکل و شرب یجب التصدیق بها ـ ولاتدرك بالفهم البشری وانما تدرك فی مقعد صدق عندملیك مقتدر . »

از رکن چهارم مضنون کبیردراینکه باید بخوشی‌های حسی باور نمود برابر با آنچه درگوهرمراد فصل ۱۰ آمده است .

[۳۵۶] **المظاهر الالهیه فی العلوم الکمالیه** (عربی)

نگارشی‌است ازصدرای شیرازی در یك دیباچه ودوفن ویك خاتمه که‌در آن آغاز وانجام را بروش فلسفی آمیخته با آیات واخبارشناساند . این رساله درکنار مبدء ومعاد شیرازی درتهران بسال ۱۳۱۴ بچاپ رسید .

[۴۴۰]

۱۰۳۰ این نسخه شماره ۱۴ دفتراست و بخط نسخ محمد مؤمن درتاریخ ۱۰۹۴ گ ۱۱۹ ب ـ ۱۵۸ ب .

بقیه حاشیه ازصفحه قبل

مضنونی بوده وبگواهی نگارشهای دیگر وی هیچ دورنیست که او را دو گونه رای نهانی وآشکارا باشد چنانکه صدرای شیرازی درمبدء ومعاد ص۷ـ۲۹۵ میگوید : غزالی‌درآغاز کار برای‌نگاهداشت دین یا ازترس ظاهریان، فیلسوفان را بدکیش‌خواند وتهافت نوشت مگر اینکه درنهان چنین نمیاندیشید چه او درفیصل‌التفرقة بین‌الاسلام والزندقة (ص ۶۳ الجواهر الغوالی من رسائل‌الغزالی چاپ مصر۱۳۴۳) میگوید که برای گفته‌های پیامبراگر هستی پنداری‌هم بگوئیم بسنده است ودرشمارگرایندگان بدین خواهیم بود . دربیشترجاها از فیلسوفان پیروی نمود و میگوید که احمد حنبل بعقلیات آشنا نبود و گرفتار تشبیه شد واشعری ومعتزلی‌هم ازاینگونه سخنان‌نادرست دارند . دررکن ٤ فصل لذت محسوس بهشت مضنون کبیر نیزغزالی چنین گفته وشیرازی پاره‌هائی ازسخنان اورا درهمانجا ص۱۲ـ۳۱۱ آورد (برابر ص ۵ ـ ۸٤ ج ۲ انسان کامل) فیاض لاهیجی درفصل ۷و۹و۱۰ باب ٤ مقاله سوم گوهرمراد پاره‌هائی ازمضنون کبیررا آورد (کنار ج۲ انسان‌کامل ص ۷۹و۸۱ـ۸٤ وص۸ص ۸٤ تا س ۵ ص ۸٦ برابرباآنچه که درنسخه ماهست ودرمبدء ومعاد شیرازی‌هم آمد) باز بنگرید بگفتارمنتگمری وات W. M . Watt درباره صحت‌استناد نگارشهای منسوب بغزالی درمجله آسیائی همایونی سال ۱۹۵۲ بخش ۱و۲ .

[۳۵۷] **المعاد (کتاب ...)** (عربی)

نگارشی است از شیخ رئیس با دیباچه وفهرست در ۱۶ فصل که به «کتاب حال‌المعاد» و «احوال‌النفس» نیزخوانده میشود وشیخ آنرا برای دوستی (ملك مجدالدوله ودرری) درباره روان وماندن آن پس‌ازجدائی‌ازتن ودرباره رستاخیز نوشت. نخست‌ازشناخت روان ونیروها وکردارهای آن سپس از پایداری آن و از پیامبری وخواب راست ورستاخیز و پاداش وکیفر پس‌ازمرك گفتگو نمود درپایان میگوید: من تنها رازهای نهفته روانشناسی را دراینجا آوردم و بدانچه درگوشه دفترهای‌نهانی‌بوده‌است رهنمودم وبرخوانندگان روانیست‌که این‌دفتررابکسانیکه شایستگی دریافت رمزها ندارند و بیدکاران نشان دهند و خدا را دراین باره داور خویش ساختم. بگفته قنواتی ش ۷۷ و ۲۰۱ بیشتراین رساله ازنجات است (۱).

آغاز: قال الشیخ الرئیس ابوعلی بن عبدالله‌بن سیناالبخاری جزاه‌الله خیرا: الحمدلله اهل‌کل حمد ... فهذه رساله عملتها باسم بعض‌الخلص من‌الاخوان مشتملة علی مخ مایؤدی الیه‌البرهان من امرالنفس.

انجام: ثم حرمت علی‌جمیع من‌یقرأهامن‌الاخوان (ان یبذلها) لنفس شریرة اومعاندة اوبطلعها علیها اویضعهافی‌غیرموضعهاوجعلت‌الله خصمه عنی وهو (المسئول) التوفیق انینعم‌به والحق ان یهدی‌الیه وله‌الحمدعلی کل حال‌وصلوته علی‌المصطفین من عباده و خصوصاً علی صاحب شریعتنا محمد وآله المقتدین وهو حسبنا ونعم ـ تم‌کتاب حال‌المعاد.

[۴۴۱]

۸۶۱ این‌نسخه شماره ۹ دفتراست‌گ ۵۷ ب ـ ۷۶ الف. چهارنسخه ش۷۰۳ تا۷۰۶ درطوس هست.

[۴۴۲]

۱۰۳۷ این نسخه شماره ۷ دفتر وبخط تعلیق وبیاضی‌میباشدگ ۱۶۲ ب ـ ۱۳۸ الف. رساله دراین نسخه بعبارت «فان عرض فی بعض‌الاوقات ملال وکلال فذلك

۱ـ نیزنگاه به: بیهقی ۴۶و۱۸۸ وخزرجی ج ۲ ص ۵و۱۹ که ازکتاب‌المعاد یاد کرده‌اند. قنواتی درش ۷۷ مینویسدکه دکتر اهوانی بچاپ این کتاب می‌پردازد.

لاستعانة العقل بالخیال المستعمل الالة التی تکل ولا تخدم العقل » برابر باس ۱۸ گ ٦٦ الف نسخه ۸٦۱/۹ درفصل ۷ پایان مییابد و برگهای میانه‌هم باهم نمی‌پیوندند و گویا افتادگی دارد .

[۳۵۸] المعارف الالهیه (عربی)

پیر زاده محمد رفیع شاگرد ملا رجبعلی تبریزی م ۱۰٦۵ دیری نزد استاد شبانه روز بسر برد تا اینکه او پیرشد ودیگر نمی‌توانست چیزی بنویسد وبشاگرد دستورداد تادرطبیعی والهی نگارشی سازد او بدین کار پرداخت وپاره‌ای را نوشت و باو نشان‌داد. استاد آنرا پسندید والمعارف الالهیه نامید . بخش یکم آن دارای دیباچه‌ای است در منطق و مقدمات حکمت و سه مقاله (امور عام و خدا ـ کلی وجزئی ـ علتها ومعلول) بخش‌دوم در گوهرها وعرضها است که ننوشت. اودراینجا هستی‌را اعتباری نمیداند.

آغاز : بسمله و به ثقتی الحمدلله الذی لااله الاهو عالم الغیب والشهاده . . . الذی انحصرت الاوصاف عن کنه معرفته . . . فیقول . . . پیرزاده محمد رفیع انی لما وفقنی الله تعالی لخدمة . . . مولانا رجبعلی قدس الله سبحانه روحه وسره .

انجام : ولما استوفینا الکلام فی الجزء الاول من المعارف الالهیة . . . فیجب لنا ان نتکلم فی الجزء الثانی منها وهو الاعراض ثم الجوهر انشاءالله تعالی .

[٤٤۳]

این نسخه شماره ۱ دفتراست و بخط تعلیق خوش باعنوانها درمتن وهامش ۲۹۰ بشنگرف ازابوصالح حسینی مشهدی درمدرسه فخریه سپاهان بسال ۱۰۹۸ گ ۱ ب ـ ۱٤۷ ب .

[۳۵۹] معراج (رساله . . .) (عربی)

امام فخرالدین تبرستانی رازی دراین نگارش ازمعراج گفتگو کرد ودرپنج فصل با نظمی بسیار نیکو مسئله را طرح نمود و دلیلهای دودسته را آورد و خود بمعراج جسمانی گرائید ودلیلها وگواهها وحکمتها و سودهای فراوانی برای چنین

معراجی یاد نمود و گاهی شعر پارسی برزبان راند (۱) .

آغاز : باب فی المعراج وفیه فصول. الفصل الاول فی بیان امکانه. اعلم ان المعراج له مرتبتان معراج من مکة الی بیت المقدس ومعراج من بیت المقدس الی السموات .

انجام : لان المعنی ان ما هو المطلوب الاصلی یحصل فی الصلوة والمطلوب الاصلی هو القرب من الله تعالی .

[٤٤٤]

۱۰۳۵ این نسخه شماره ۱ دفتر است و بخط شکسته تعلیق با عنوانهای شنگرف ص ۸۱–۸۸

[۳٦۰] **معراج السلامه ومنهاج الکرامه** (عربی)

نگارشی است از جمال الدین علی بحرانی (ص ۱۸۰ این فهرست) درباره بود و هستی خداوند و بدرخواست یکی از شناختگان، گفتار یکی از دانشمندان روزگار خویش را در آن روشن میسازد . او هستی را مشترك معنوی و کلی مشکك میداند .

آغاز : اللهم یا وحدانی الذات ویا کمال الذات ویا متم الناقصات . . . وبعد فقد سألنی بعض الخواص الخلاص . . ان ابین قول بعض علماء الزمان . . . فیما یتعلق بوجود واجب الوجود .

انجام : ولم یتسع الحال الی اظهار تلك الاسرار ولا لابراز تلك الاغوار وعلی الله قصد السبیل . . . ان آمنوا بربکم فامنا ربنا فاغفرلنا ذنوبنا وکفی .

---

۱ — ابن تیمیه در نقض منطق (ص ۵۳) وردبرمنطقیان ص ٥٤٥ میگوید که امام رازی بپیروی از ابن سینا وعین القضاة همدانی حدیث معراج را در « تفسیر حدیث المعراج » چنان آورد که درهیچ یك از نگارشهای اسلامی نیامده وآنرا بسیار دراز با نامهائی شگفت انگیز و ترتیبی دیگر یاد نمود - اینگونه که او آورده است ساخته برخی از پرسندگان وکوی گردان یا دسته ای از اندرزگران اهریمن خوی یا گروهی از زندیقان میباشد. تازه رازی چنین حدیث را با سخنان صابیان گمراه وستاره شناس وفیلسوفان بیامیخت ورازی میدانست که نباید آنرا بهرکس گفت. دانشمندان ازاین نگارش درشگفت شدند وبرخی آنرا از رازی ندانستند تا اینکه دیگران نسخه خطیکی از بزرگان آشنای برازی را بدانها نشان داد. او این تفسیر را در « المطالب العالیه » که سخنان متکلمان وفیلسوفان را درآن آورد گنجاند .

[٤٤٥]

۱۰۲۲ این نسخه شماره ۳ دفتر است و بخط نسخ آملی نزدیك ۷۶۱ گ ۸۵ الف ـ ۹۰ ب

[۳۶۱] معراجنامه (فارسی)

شیخ رئیس هنگامیکه نزد علاء الدوله میرفت درباره معراج باهم گفتگو میکردند واین رساله را بدستوراوودرخواست دوستان نوشت ودردیباچه درسه‌جا از وی بعبارت (خدمت عالی علائی ـ ذات شریف علاءالدوله ـ مجلس عالی) یاد نمود . شیخ داستان معراج را بروش فلسفی حل‌نموده واین سخنان را بدومی‌سپرد و میداندکه با آشکار ساختن آن برای‌او، آزاری نخواهد دید . اونخست بروش فیلسوفان از پیامبری سخن رانده سپس بمعراج می‌پردازد و آشکارا آنرا روحانی وعقلی میداند (گ ۸۸ ب) نه جسمانی حسی و دلیل برای آن میآورد . آنگاه رمزهای آنرا تفسیر بباطن میکند ودستورمیدهدکه ازنادانان دریغ دارند وگوهر زیرپای خوگان نریزند پس‌از این خبر معراج را از گفته پیامبر بند ببند میآورد و تأویل میکند درپایان‌نیزمیگویدکه «روانیست این کلمات را بجاهل وعامی‌دادن»

آغاز : سپاس خداوند زمین و آسمان را ، ستایش دهنده جانرا ... بهروقت عزیزی از دوستان ما درمعنی معراج سئوالها میکرد و شرح آن برطریق معقول میخواست ومن بحکم‌خطرمحترزمیبودم چون درینوقت بخدمت عالی علائی رسیدم اینمعنی بروعرضه کردم موافق افتاد واجازت داد در آن خوض گردد .

انجام : که برخورداری ازین جز عاقلانرا نیست برمز این کلمات حقیقی . ایزد تعالی توفیق راست گفتن وراست دانستن ارزانی دارد . تم

این‌رساله درچاپخانه عروةالوثقی در رشت‌بسال ۱۳۱۲ خ بچاپ رسید و با نسخه ما اندك اختلاف دارد .

سید داماد درصراط مستقیم این رساله را ازشیخ دانسته و عبارتی را آورد (ش ۲۷۹/۱ گ٤ الف) که‌در ص ۱۵ چاپی دیده میشود. قنواتی در ش ۲۸۵ از آن یادنمود وشکی که ریو Rieu دربودن آن ازشیخ کرده وعلاءالدوله را مرشد دینی پنداشته آورد. بیهقی وخزرجی یادی‌ازاین رساله نکردند. تنهاچلبی‌در کشف‌الظنون

از آن یاد نمود. دو نسخه‌ش ۱۰۱۳ که کهنه‌است و ش ۱۰۱٤ در طوس هست (ج٤ ص٢٤٨).

[٤٤٦]

۲۵۳ این نسخه شماره ۱۹ دفتر است و بخط تعلیق حیدر کرکی نزدیك ۱۰۷٦ با عنوانهای شنگرف و خبر معراج بفارسی و بشنگرف توشته شده گ ۱۱۵ ب ـ ۱۲۹ ب.

[٤٤٧]

۸٦۱ این نسخه شماره ۱۱ دفتراست و بخط نسخ نزدیك ۱۲۸۳ گ۸۳ب ـ ۹٤ الف.

[۳٦۲] معلقات تقویم‌الایمان (عربی)

میرداماد بر تقویم‌الایمان یا تصحیحات و تقویمات خود تعلیقهائی بدین نام نوشت و این را در دیباچه همین معلقات آشکارا گفت. در ذریعه (ج ٤ ص ۳٦٤) میگوید که داماد دیباچه‌ای بنام تقدمة تقویم‌الایمان و شرحی نیز بر آن تقدمه نگاشته‌است. در این معلقات بندهائی از دیباچه تا عبارت (فی حدیث افتراق الامة) از آغاز تقدمه کتاب تقویم‌الایمان را آورده و روشن ساخت سپس باثبات امامت علی (ع) پرداخت و بیشتر کتاب درهمین است. در آن از صراط مستقیم (گ ۷ ب) و خلسة‌الملکوت (٦۷ ب) و تعالیق فقهی او (۱۰۲ الف) و صحف حکمی او (٦۷ الف و ۸٦ ب) و کره وارسطوانه ارشمیدس و درة‌التاج شیرازی و از مؤیدالدین عرضی (۸٤) و از سلم‌السماء مهندس کاشانی (۸۵ الف و ۸٦ الف) درجائیکه خبری میآورد و تحقیق ریاضی میکند یاد میشود.

آغاز: بسمله والاستیفاق من العزیز العلیم والثقة بالعلی العظیم الحمدلله رب‌العالمین . . . وبعد فاخلاء الحقیقة هذه معلقات علی کتاب تقویم‌الایمان وهو کتاب التصحیحات والتقویمات الذی فیه تسویة الفلسفة الایمانیة و تقویم الحکمة الیمانیة وتتمیم المعرفة البرهانیه فی الشطر الربوبی.

[٤۸۸]

۳۷۲ این نسخه از برك ۳ تا برك ۱۰٤ الف این دفتر و شماره دوم آن است و شماره یکم آن تقویم‌الایمان میباشد و بخط نسخ با عنوانهای شنگرف و حاشیه‌هائی ازمیرداماد درهامش هست که به (منه دام ظله‌العالی) یا (منه قدس سره) پایان

میابد ومیرساند که درروزگار او و پس‌ازاو نوشته شده است .
نسخه بانجام نمیرسد و پایان آنچه که هست این است : بثلث من غیرتوسط احد واستحسنه شیخنا الشهید از «تنبیه ماخطب اقوام من العلماء الجمهورية يرون هذه الانوار ويروون هذه الاخبار »
نسخه‌ای ازاین درطوس (ج ۱ ش ۱۱۰ ص۳۷) هست . سیداحمد عاملی برتقویم الایمان شرحی نوشت که دو نسخه درطوس (ج ۱ ش ۲۲۲ و۲۲۳ ص ۹-۶۸) هست .

[۳۶۳] **المفيد للمستفيد** (فارسی)

این کتاب فلسفی که ازروی تنهانسخه کتابخانه سلطنتی درتهران بسال ۱۳۱۰ خ درچاپخانه ارمغان بچاپ رسید از باباافضل کاشانی دانسته شد .

[۴۴۹]

این نسخه در ص ۳۱۶ دفتراست و چنین است آغاز و انجام آن : « هومن
۱۰۳۵ امام محمد غزالی . باب دوم از کتاب مفیدالمستفید درشناختن جسم و جان بیاید دانست . . . الا آن بود که صیاد را چون دام نماند صید نتواند کرد جز آنکه صید کرده است » برابر با ص ۲۷ تا س ۶ ص ۲۸ چاپی . سپس نویسنده میافزاید : «ومثالهای دیگرهست باختصار گراید» پیداست که نویسنده نسخه (نزدیك ۱۰۹۷) این کتابرا ازغزالی میدانست .

[۳۶۴-۳۷۲] **مقالات اسکندر** (عربی)

اسکندر افرودیسی دمشقی (زاده در افرودیسیاس که شهریست در کاری) فیلسوف سده‌دوم و آغازسده سوم‌ازبهترین شارحان سخنان ارسطومیباشد وشاگرد هرمینوس و اریستوکاس بود . او با جالینوس (۱۳۱ - ۲۱۰) گفتگوها داشت ودرانجمنی که بنیاد گذارده بود بمردم فلسفه میآموخت .
بسیاری‌از نگارشهای‌او بتازی درآمد و خزرجی (ج۱ ص ۶۹) چهل و نه کتاب ازاونام میبرد . (۱) ازاو۹ گفتاردراین کتابخانه‌هست که اکنون یادمیگردد :

---

۱ - ابن‌ندیم ۱۵ گفتار وقفطی ۱۱ گفتار ازاسکندر یادکردند ودردفتر ش ۷۹۴ اسکوریال نزدیك به ۱۷ گفتار اوهست وبدوی درارسطو عندالعرب ده گفتار اورا بچاپ رساند وبسیاری ازنسخه‌ها که اکنون هست درفهرست خزرجی نیامده است (ص ۵۱ - ۶۱ دیباچه بدوی) درجنك شماره ۲۹۱۲ سپهسالار شماره‌های ۱و۳و۴و۵و۷و۸ این کتابخانه و ۵ مقاله دراینکه اضداد اوائل اشیاء است واینکه انسان گرامی‌ترین چیزی‌استکه نیروی خدائی جسم‌آنرا هستی می‌بخشد واینکه هیولی جز جسم‌است ودرباره جسم مکون ودرباره صوت دیده میشود .

١ـ مقالة فی اثبات الصور الروحانیة التی لاهیولی لها .

اسکندر در این گفتار که ابوعثمان دمشقی آنرا بتازی در آورد روشن میسازد که با بازگشت بخود وازروی خود آگاهی میتوان پی بتجرد روان برد وصورتهای بی هیولی را با این دلیل ثابت میکند . عبارت « کل من راجع الی ذاته فهو روحانی » آغاز را صدرای شیرازی درمبدء ومعادخود ص ٢٠٨ پایه برهان حضوری مباحث شیخ برای تجرد نفس دانست و آنرا گفته ارسطو در کتاب نفس پنداشت . اسکندر دراینجا از برهان « کل عاقل مجرد و کل مجرد عاقل » گفتگو میکند ونامی از ارسطو در آن نمیبرد ومانا از افلاطون بیشتر پیروی نموده است (دیباچه بدوی ص ٥٤) .

آغاز : قال الاسکندر ان کل مارجع الی ذاته فهو روحانی غیر جرمی ولایمکن شی من الجرمیة ان یرجع الی ذاته .

انجام : وهی صور فقط لیس فیهـا شیء من الهیولی . تمت مقالة الاسکندر الافرودیسی فی اثبات الصور الروحانیة التی لاهیولی لها والحمدلله علی ذلك .

[٤٥٠]

این نسخه شماره ٧ دفتر است وبخط تعلیق ازروی نسخه تاریخ ١٢٦٦ ص ١ـ٤
٣٨٤ این گفتار در ارسطو عند العرب ص٢ـ٢٩١ بچاپ رسید ونسخهٔ آن در اسکوریال ٧٩٤/٩ هست (دیباچه بدوی ص ٥٦) و خزرجی ص ٧١ ج ١ از آن یاد نمود ودرهمه اینها چنین نامیده شده است : « مقالة فی اثبات الصور الروحانیة التی لاهیولی لها »

٢ـ مقالة فی تثبیت العلة الاولی .

اسکندر دراین گفتار روشن ساخت که نخستین علت یگانه و یکتا است .

آغاز : بسمله . قول استخرجه الاسکندر من کتاب اثولوجیـاء الربوبیة فی تثبیت العلة الاولی . قال ان کل کثرة الواحد موجود فیها لامحالة .

انجام : فقد استبان الان وصح ان العلة الاولی هی واحدة فقط وان سائر الاشیاء بما هی واحدة من اجل . . . (دو کلمه بریده شده) لامن ذاتها لانها فی ذاتها کثیرة . کمل القول . تمت بعون الله تعالی .

[٤٥١]

۳۳۹ این نسخه شماره ۲۹ دفتر است و بخط تعلیق گ ۸٦ الف .

خزرجی در پایان ص ۷۰ ج ۱ از «مقالة فیما استخرجه من کتاب ارسطوطالیس الذی یدعی بالرومیة ثولوجیا و معناه الکلام فی توحیدالله تعالی » یاد نمود و در نسخه ش ۷۹٤/۲۲ اسکوریال « کتاب فی التوحید» آمده و چنین گفتاریرا هم ژرارد کریمونی بلاتینی نمود که آنرا دو بخش میتوان کرد و از اسکندرو کندی هردو دانسته شده (نسخه ش ٦٤۷۳ لاتینی پاریس و ش Angelica H lo n . II دررم ـ ص ۵۸ دیباچه بدوی) باید دید که نسخه ما همان است یا نه .

۳ـ مقالة فی الزمان .

خزرجی (ج ۱ ص ۷۰) ازاین گفتار یاد نمود وژراد کریمونا آنرا بلاتینی درآورد (۱) .

آغاز : بسمله وحمد وصلوة (دو سطر سفید است) قال انه کما ان العسرة من اقاویل من خلفنا من المکان هوقول من زعم انه ذو ثلثة ابعاد فکذلك العسرة الملل (؟) هوقول من زعم فی الزمان انه لیس الفلك ولاحرکته ولاءلة حرکة الفلك .

انجام : فاما فی نفسه فهو واحد دائم متصل علی حال واحدة ـ تمت مقالة الاسکندر فی الزمان بحمدالله وعونه وصلوته علی محمد وآله وسلم .

[٤٥۲]

این نسخه شماره ۲ دفتر و بخط عباس حکمت با مقابله جناب آقای مشکوة **٤۲۵** بتاریخ ۱۳۱٦/۲/۸ خ درروبه برگها ـ گ ۱ الف ـ ۲۵ الف ـ نسخه‌ای ازاین دراسکوریال ۷۹٤/۱۹ هست .

(همه دفتر ۱۲۱ گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد مقوا

اندازه : خر ۱۰×۱٦ و ۹×۱۲ س ۷

٤ـ مقالة فی العقل علی رای ارسطوطالیس .

---

۱ ـ دکتر بدوی درص ۵۷ دیباچه ارسطوعندالعرب میگوید که بیرونی در «هند» (ترجمه انگلیسی ج ۱ ص ۳۲۰) ازآن یاد نمود . ولی درمتن تازی آن ص ۱٦۳ سخنی از اسکندر آمده که دراین مقاله نیست و یادی ازاین مقاله هم نمیشود .

ارسطو در فصل ٥ دفتر ۳ کتاب نفس (بند ٤۳۰ الف س ۱۰-۱۹) از عقل هیولانی ومنفعل وفاعل وفعال یادنمود (۱) ونیزدرفصل ۸ دفتر لام الهی ازخردهای آسمانهاگفتگو نمود . اسکندرکتابی در نفس بنام « پری پسوخس » نگاشته است وبخشی‌ازآن‌بنام « De intellctu et intellcecto » ازتازی بنام « فی‌العقل والمعقول » بلاتینی درآمد. این متن تازی در دسترس آلبینوناژی و ا . ژیلسون E . Gilson وابوریده‌چاپ کنندرسائل کندی نبوده وآنها نتوانستند درباره‌ریشه مبحث‌چهارعقل‌فیلسوفان‌خاوری‌درست‌سخن‌برانند. اسکندردراین‌رساله که‌ترجمه تازی آنرا می‌نگریم وبا ترجمه لاتینی نیز تااندازه‌ای برابراست عقل را سه بخش میکند هیولانی‌وبالملکه وفعال ومانامیخواهد سخن ارسطورا تفسیرکند اودراینجا عقل فعال‌را خارج ازنفس‌والهی نشان‌میدهد . دراین‌متن هیچ‌یادی‌ازاریستوکلس Aristocles استاد او که Gilson ازروی ترجمه‌لاتینی یادمیکند ومیگویدکه اسکندربخشهای‌سه‌گانه‌عقل‌را ازاوگرفته‌است نمیشود وهمه‌سخنان او درپیرامون گفتار ارسطو است . شاید کلمه اریستوکلس در ترجمه لاتینی تحریف کلمه (ارسطاطالیس) باشد ومترجمان‌لاتینی ازتازی ازاینگونه تحریفها بسیارداشتند.

این‌ترجمه تازی ازاسحق‌بن حنین‌است . درابن‌ندیم ص ۳٥٤ کتاب‌الفصل (؟) علی رای ارسطالیس وکتاب‌النفس مقالة ودر خزرجی ج ۱ ص ۷۰ مقالة فی‌العقل علی رای ارسطوطالیس ونیز کتاب‌النفس مقالة یاد شد .

چندین‌نسخه ازاین‌ترجمه تازی درتهران هست دردفترشماره۲۹۱۲ کتابخانه مدرسه سپهسالار (برکهای ۱۷۹-۱۸۱) که نسخه کاملی است و ازآن پیداستکه

---

۱ — دیده شود : ترجمه فرانسوی تریکو ازاین کتاب نفس ص ۱۸۱ چاپ پاریس بسال ۱۹٤۳ و ترجمه تازی آن از اهوانی و قنواتی ص ۱۱۲ چاپ مصر بسال ۱۹٤۹ و دیباچه ابوریده بررساله (عقل کندی) دررسائل‌فلسفی کندی‌چاپ مصر بسال ۱۹٥۰ ص ۷-۳۳٤ که این بند را از یونانی بتازی درآورد و ترجمه پارسی باباافضل کاشی از ترجمه گزیده حنین‌بن اسحاق ازکتاب نفس ارسطوچاپ تهران بسال ۱۳۱٦ خ ص ٥٥ .

دو نسخه‌ما ازمیان‌افتاده‌دارد دیگردردفترشماره ۶۴۴ر۸ / ۹۰۱۴ کتابخانه مجلس شورای ملی تهران (ج ۲ فهرست آنجا ص ۳۹۶) ۳ـ دردفتر شماره ۱۳۶۷ (رساله ۱۰) همان کتابخانه از کتابهای بخشیده آقای طباطبائی . در طوس هم نسخه بشماره ۱۰۲٤ (ج ٤ ص ۲۵۲) هست. چنانکه عبدالرحمن بدوی دردیباچه ارسطو عندالعرب ؟! ص ۵۷ دیباچه می‌نویسد در کتابخانه اسکوریال اندلس (فهرست کاسیری Casiri ۲٤۲:۱)دردفترشماره ۷۹٤/۱۳رساله‌ای بنام(مقالة فی‌العقل علی رای ارسطوطالیس میباشدکه اسحق‌بن حنین آنرا ترجمه‌کرد وتعلیقی‌ای هم خودبر آن نوشت.

صدرالدین شیرازی این‌رساله اسکندررا بهمان اندازه‌ای کددر نسخه‌ماهست دراسفارخویش درفصل ۲٤ طرف ۱ مرحله ۱۰ (ج ۱ چاپ ۱۲۲۲ ایران ۱۱ برك مانده بپایان) آورد (۱) .

سخن دراین است که دانشمندان خاوری ازکجا ببخشهای چهارگانه عقل پی بردند بااینکه اسکندرسه بخش بیشترنیاورد . اگربسخن ارسطودرست بنگریم خواهیم دیدکه ریشه سخنان آنها همان گفته او است و این فیلسوف درهمان بند یادشده ازکتاب نفس گرچه‌بکوتاهی‌پرداخت ولی شالوده این‌بخشهای چهارگانه را ریخته است .

۱ــ کندی بغدادی دررساله عقل خویش آنرا برخلاف اسکندرچهارگونه دانست. فارابی دررساله عقل‌نیزآنرا بچهاربخش نمود . شیخ رئیس درنفس شفا (فصل ۵و۶مقاله ۵ ص ۳۵۶-۳۶۱ چاپ تهران) ودرفصل ۲ رساله نفس عربی (برکهای ۱٤۹--۱۵۲نسخه شماره ۱۰۳۷ دانشگاه) ودرمبدء و معاد (فصل ٤ مقاله ۳ دربرك ٤۶ نسخه شماره ۸۶۱ دانشگاه) ودراشارات نمط ۳ بند ۱۱ که درآن مانند اثبات‌النبوه ٤ عقل را بایه نورتاویل نمود ودرنجات ص ۱۶۸ ــ ۱۹۳ نیز ازبخشهای عقل گفتگو نمود وازسخنان اوچنین برمیآید که اگرنفس چیزی را درنیابد عقل هیولانی و اگر معقولات نخستین را بداند عقل بملکه واگر معقولات دوم را دریابد و بدان ننگرد عقل بفعل واگر بدانها بنگرد مستفاد نامیده میشود وعقل فعال‌آنست که آنرا ازقوت بفعل رساند .

ابن‌رشد اندلسی درکتاب نفس (ص ۷۹ــ۸۶ چاپ هند بسال ۱۳۶۶) بعقل مستفاد اسکندر اشاره‌کرده ازدرجات عقل یاد نمود وهمچنین درکتاب حس ومحسوس خود . متن عربی عقل ومعقول ابن رشد دراسکوریال بشماره ۸۷۹ هست (لطفی جمعه ص ۱۵۰) .

ابوالفرج‌بن‌الطیب دررساله کوتاه خود (نسخه‌شماره۲۵۳ این‌کتابخانه‌برك ۱۰۲ب) هم ازبخشهای عقل یاد نموده است .

آغاز : مقالة الاسکندر الافریدوسی فی العقل علی رای الحکیم ارسطوطالیس ترجمه اسحق بن حنین . العقل عند ارسطوطالیس علی ثلثة اضرب .

انجام : ولایکتسب لانه کذلك کان لماصارفینا ـ تمت المقالة بعون الله وحسن توفیقه والحمدلله رب العالمین (۱) .

[٤٥٣]

۲۵۳ این نسخه شماره ۹ دفتری است که دارای ۲۲ رساله میباشد و بخط نستعلیق ریز از برك ۸۰ (ب) تا برك ۸۱ (ب) میباشد و بخط حیدر بن علی بن اسمعیل بن عبدالعالی هاشمی کرکی عاملی که این دفتر را بسال ۱۰۷۵ و ۱۰۷٦ نوشته است :

[٤٥٤]

۳۳۹ این نسخه شماره ۲۰ دفتر است و در گ ۷۵ نوشته شده و بخط شکسته تعلیق است.

نسخه‌ای ازاین گفتار در اسکوریال (ش ۷۹٤/۱۳ ـ دیباچه ارسطو عندالعرب ص ۵۷) و مجلس (ش ٦۳٤/۸) هست .

۵ـ مقالة فی ان القوة الواحدة یمکن ان یکون قابلة للاضداد .

دراین گفتار که ابی عثمان دمشقی آن را ترجمه نمود رأی ارسطو دراینکه یك نیرو چند ضد را شاید بپذیرد روشن میگردد .

آغاز بسمله . مقالة الاسکندر فی ان القوه الواحدة یمکن ان یکون قابلة للاضداد جمیعا علی رأی ارسطو . قال الاسکندران ارسطو ذکرفی کتابه فی الکون والفساد ان القوه الواحدة یمکن ان یکون قابلة للاضداد جمیعا . فنرید ان نلخص قوله ونبینه ونوضحه فنقول .

انجام : وصح ان القوة القابلة للاضداد لیست متضادة لانها یمکن ان یکون

۱ـ چنانکه یاد شد هردو نسخه این کتابخانه ازمیان افتاده دارد ودرنسخه سپهسالار نزدیك بدوصفحه ازقطع بزرك می‌بینیم که دراین دونسخه نیست واین افتادگی دربحث از عقل سوم میان دوعبارت (والمعلوم الذی بالفعل انماهو) و(فی الکل وهذا العقل امان یکون هووحده) میباشد. شگفت اینست که این افتادگی درنسخه‌چاپ شده دراسفارهم هست .

معا . تمت المقاله .

[٤٥٥]

این نسخه شماره ۳ دفتر است و بخط تعلیق نونویس از روی نسخه تاریخ
۳۸٤ ۱۲٦٦ ص۱ـ۲ـ بدوی، این گفتاررا درارسطوعندالعرب ص ٥ـ۲۸٤ بچاپ
رساند ونسخهٔ آن دراسکوریال ش ۷۹٤/۱٦ هست (ص ٥۷ دیباچه بدوی) ٥
وخزرجی نیز در س ۸ از پائین ص ۷۰ ج ۱ ازآن یاد نمود .

٦ـ مقالة فی المادة والعدم والممکن .

دراین گفتار از پیدایش چیزها گفتگومیشود .

آغاز : بسمله . مقالةالاسکندرفی المادة والعدم والکون وحل مسئلة اناس
من القدما ابطلو بهاالکون من کتاب ارسطاطالیس فی سمع الکیان . قال ان الحکیم ۱۰
ذکرفی کتابه المسمی السماع الطبیعی فی آخر المقالة الاولی ان اناسامن القدماء ابطلو
الکون لشك اتوبه : وهوان قالواان کل متکون اماان یکون من شی واماان یکون
من لاشیء .

انجام : فقد استبان وظهر کیف یکون المکون وای شیء الهیولی و ای شیء
(الکون) وان الکون یکون منها اضطرار اعلی ماقاله الحکیم . تمت بعون الله تعالی . ۱٥

[٤٥٦]

این نسخه شماره ۲۷ دفتر وبخط تعلیق گ ۸٤ الف و ب میباشد . خزرجی
۳۳۹ ازهمین گفتار یادنمود (ج ۱ ص ۷۰ س ازپائین) ونسخهٔ آن دراسکوریال
ش ۷۹٤/۱۱ هست .

۷ـ مقالة فی القول فی المبادی الکل علی رأی ارسطوطالیس . ۲۰

این گفتار را یکبار حنین بن اسحق از یونانی بسریانی و ابراهیم بن عبدالله
ترسای نویسنده نیمه نخستین سده چهارم از سریانی بتازی درآورد و آن از روی
نسخه تاریخ ۸٥٥ از روی خط توما درارسطو عندالعرب بچاپ رسید . باره دیگر
سعیدبن یعقوب دمشقی گزیده‌ای ازآن را بتازی کرد و بگواهی دو نسخه ما آنرا
بپایان نرساند . ۲٥

اسکندر دراین گفتار ازجنبش وتعقل سخن میراند و روشن میسازدکه دانا

ودانسته یکی هستند (ص ۲۶۹) چاپی) و درپایان از نظم و خداوند جهان و علت اختلاف رایها یادمیکند درچند جا سخنان خویش راگرفته ازارسطو نشان میدهد.

[٤٥٧]

این نسخه شماره ۱۰ دفتر است و بخط تعلیق کرکی گ ۸۲ ب ـ ۸۶ الف

۲۵۳ وچنین است :

«قال لما تاملت الفحص الذی مخرجه مخرج التوبیخ الجمیل وقعت من التوبیخ اللطیف الموقع منی علی الفحص الکائن عما اکتب الیك فیما التمسته منی و انت بمعرفة ماسئلت عنه من ذلك لیس بدون احد من الناس لم انکاسل عن اظهار اعتقادی فیها لك عند مسئلتك ایای ذلك و مثلت القول فی المبادی الاول علی رای ارسطالیس ـ والافقد یجوزان یکون حرکة المحرك التی یتحرکها المتحرك حرکة ازلیة فاما ای صنف من اصناف حرکة یتحرك عنه الجسم المستدیر ولم صارت اختیارات اصناف حرکة الجسم المستدیر فهل لتلك الاجسام بالجملة اختیار تام اومعرفة بالاشباء التی یتکون فی المواضع التی دون القمر بسبب حرکتها ام لا فالاقاویل التی یمکن ان یقال فی هذه الاشیاء کثیرة. هذا آخر ما رجد (من) هذه المقالة من نقل سعید بن یعقوب الدمشقی. والحمدلله رب العالمین وصلی الله علی نبیه محمد و آله اجمعین تم»

برابر باس ۱۸ ص ۲۶۰ چاپی. این نسخه ترجمه ابوعثمان سعید بن یعقوب دمشقی است که ازمترجمان خوب بغداد بودو بیمارستانهای بغداد ومکه مدینه را بسال ۳۰۲ دردست داشت وچندین کتاب پزشکی وفلسفی ومنطقی ترجمه کرد (ارسطو عندالعرب دیباچه ص ۵۲ ـ خزرجی ج ۱ ص ۲۳٤) نسخه‌ای ازاین ترجمه درمجلس (ش $\frac{۹\text{ر}۶۳۴}{۹۰۱۴}$ ص ۳۹۶ ج ۲) و طوس (ش ۱۰۲۸ ص ۲۵٤ ج ٤) هست و نسخه اسکوریال ش ۷۹٤/۱۲ را پیدا نیست کی ترجمه کرده است (بدوی دیباچه ص ۵۷).

[٤٥٨]

این نسخه نیز ترجمه سعید است وشماره ۲۱ دفتر و بخط تعلیق شکسته گ ۷۵ ب ۷۸ الف ومانند شماره بالا وعنوان آن چنین است : «مقالة الاسکندر الافرودیسی فی القول فی مبادی الکل بحسب رای ارسطوطالیس الفیلسوف».

۳۳۹

[٤٥٩]

این نسخه ترجمه ابراهیم است بخط تعلیق تازه ودر رویه ۳۸ برگ نوشته شده وچنین آغازمیشود : « انی لما تاملت الفحص الذی مخرجه مخرج التوبیخ الجمیل عن الاشیاء التی کنت کتبت الیك جوابا عما سألت اذکانت معرفتك بصعوبة الامر»

۴۳۴

برابر با آغاز چاپ بدوی ص ۲۵۳ و بدین عبارت « وهذا هوالسبب فی بقائهاوثباتها و لزومها للموضع الذی یخصها وان من الاشیاءالتی فیها ماهو فاعل » برابر با س ۸ ص ۲۷٤ چاپی میانجامد ونزدیك بچهارصفحه آنرا ندارد . عنوان آن مانند بالا است .

(۳۸ گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد : با شماره ٤۲۲ یکجا تازه جلد شده .
اندازه : ۱۸ ـ ۵ر۲۲ و ۱۴×۱۶ س ۹

۸ـ مقالة فی ان النشوء والنماء یکونان فی الصورة لافی الهیولی .

اسکندر در این گفتار که ابی عثمان دمشقی بتازی در آورد خرده گیری را که از ارسطو کرده اند رد میکند و روشن میسازد که صورت میروید و می بالد نه هیولی .

آغاز : قال الاسکندران ارسطوطالیس ذکر فی کتاب الکون والفساد ان النشو والنما یکونان فی الصورة لافی الهیولی .

انجام : فقد اتضح قول الفیلسوف ان النشو یکون فی الصورة لافی العنصر تمت المقالة بعون الله تعالی وحسبنا الله ونعم الوکیل .

[٤٦۰]

۳۸٤ این نسخه شماره ۲ دفتر است و بخط تعلیق نونویس ازروی نسخه تاریخ ۱۲٦٦ نوشته شده ص ۱ ـ ۲ ـ نسخه‌ای از آن در اسکوریال ۷۹٤/۱۰ وچهار نسخه از ترجمه لاتینی آن در پاریس وکامبریج هست (دیباچه بدوی ص ٥٦) .

۹ـ مقالة فی الهیولی وانها معلولة ومفعولة .

دراین نگارش روشن میشود که هیولی علت نیست ومعلول است .

آغاز : قال الاسکندران کل کائن بالقوة انمایکون بالفعل من آخر هو بالفعل .

انجام : واستبان ان الهیولی الاولی معلولة مفعولة فانها قابلة للصور بلاحرکة

[٤٦۱]

۳۳۹ این نسخه شماره ۱۳ دفتر است و بخط تعلیق گ ٦۹ ب. نسخه‌ای از این دراسکوریال ش ۷۹٤/۱۵ هست (بدوی، دیباچه ص ٥۷) و خزرجی (ج ۱ ص ۷۰ س ۲۵) هم از آن یاد نمود وعنوان آن دراینصورت چنین است : « مقالة فی الهیولی وانها معلوله مفعولة » ولی در نسخه‌ما عنوان چنین است : « مقالة الاسکندر الافریدوسی فی الهیولی وانها مفعولة »

[۳۷۳-۳۷۵] مقالات سگزی (عربی)

از ابوسلیمان محمدبن طاهر فرزند بهرام سگزی (۱) فیلسوف منطقی سده چهارم سه گفتار دراین کتابخانه هست .

۱ـ مقالة فی ان الاجرام العلویه ذوات النفس الناطقه .

سگزی دراین گفتار روشن میسازد که جرمهای آسمانی جاندار و زنده‌اند .

آغاز : بسمله وبه نستعین . لماکان کل جسم طبیعی له حرکة ذاتیه نحوشیء یخصه دون غیره واعنی بقولی طبیعی ما له سبب من ذاته یحرکه نحوالشیء الخاص به .

انجام : ورجع فی معرفة ذلك الی علم الهیئة ویحکم علیها بحسب ماحکمت به الارصاد الصحیحة . قال ابوسلیمن هذا ماحضرلی من القول فی هذا المعنی بحسب قوتی وارجوان یکون ینفعنا انشاءالله تعالی وتقدس. تمت المقالة .

[٤٦٢]

۲۵۳ این نسخه شماره ۱۱ دفتراست بخط تعلیق کرکی گ ۸٦ ب ـ ۸۸ الف .

۲ـ مقالة فی الکمال الخاص بنوع الانسان .

این گفتاررا سگزی برای عضدالدوله دیلمی درباره کمال ویژه مردمی نگاشته ودرپایان ازوی نام‌برد . در آن ازیعقوبیان ونسطوریان وملکائیان وغالیان وحلولیان وصوفیان وثنویان ومتکلمان وفیلسوفان یاد میشود .

آغاز : مقالة ابی سلیمن محمدبن طاهربن بهرام السجزی فی الکمال الخاص بنوع الانسان . ولما کان الغرض فی هذه الرسالة الابانة عن الکمال الخاص بنوع الانسان ووصف الشخص الذی ظهرفیه جدا منبع ذلك الکمال من هذا الزمان لیتبین مولانا الملك ادام الله دولته وعلوه واید سلطانه واحتج فی ذلك .

[٤٦٣]

۲۵۳ این نسخه شماره ۱٦ دفتراست و بخط تعلیق کرکی ع۱ سال ۱۰۷٦ گ ۹۷ب ۱۰۲ الف. پایان آن درگ ۱۰۱ ب چنین است : « فبین الحق من المبطل آمنة من ان (ینظر) احد علی احد بلسان العصبیة فی الادیان فالحمدالله الذی احطانا

۱ ـ برای سرگذشت سگزی بنگرید به‌رساله شادروان قزوینی‌چاپ فرانسه در ۱۳۵۲ که ده گفتار ازسگزی در ص ۲۷ و ۲۸ برشمرده نیز ش ۱۰۲٤ص ۲۵۲ ج ٤ فهرست طوس و ش ۱۰ر٦۳٤ ص ۳۹٦ ج ۲ فهرست مجلس .

بما جرم به سوانامن عایر» درگ۱۰۲ الف هفت سطردارد وچنین است : «اذااخذت فی‌الوهم مجردة ... فهذا ماعندی فیماسئلت وآثرت معرفته من حق وارجو ان یکون کافیا انشاالله تعالی وتقدس والحمدلله واهب‌العقل والصلوة ... الطاهرین . تم » رابطه صفحات میرساندکه چندبرگی باید افتاده باشد وگویا این عبارت اخیر پایان گفتار سگزی‌است آغاز آن درنسخه ش۶۳۴/۱۲ مجلس(ص۳۹۶ج۲) چنین است : «الحمدلله فالق صبح ظلمة‌العدم بضیاء وجودالوجود » .

۳ـ مقالة فی‌المحرك الاول .

سگزی در آن ازنخستین جنباننده از رهگذرطبیعی والهی سخن راند .

آغاز: بسمله‌وبه‌نستعین. ان اولی‌البحوث‌عن‌المحرك الاول ما ارتبط الکلام فی‌النظرالطبیعی فیه بالنظر فیما بعدالطبیعه

انجام: ولم یکن‌المحرك الاول الذی هوالشایق فی‌المحیط و هذاالمقدارمن الکلام کاف فیمااردنابیانه . تمت‌المقالة والحمدلله رب‌العالمین تم (تمت‌بعونه تعالی)

سگزی در آن‌ازمقاله دوم سماع طبیعی‌ارسطوعبارتی آورد ونیز گفته‌استکه پیشینیان سخن درباره ذاتها و حالها را با مقائیس و دستورهائی‌که درستی آنها را روشن میسازند بیامیختند ولی ارسطومقیاس ودستوروقانون راکه معقول ومظنون ومطبوع و موضوع را فراگیرد از مواد فلسفی جداکرد و فلسفه منطقی آوردکه سخنان‌برهانی‌وجدلی‌وجزایندورا که‌درتحقیق وتصدیق‌نیازبدانهاهست فرامیگیرد.

[٤٦٤]

۲۵۳ این نسخه شماره ۱۲ دفتر است و بخط تعلیق کرکی‌گ ۸۸ ب ـ ۹۰ الف نسخه‌ای ازاین درمجلس (ش ۶۳۴/۱۱ ص ۳۹۶ ج ۲) هست .

[٤٦٥]

۳۳۹ این نسخه شماره۲۲ دفتراست وبخط شکسته تعلیق‌گ ۷۸ الف ـ ۷۹ الف

[۳۷۶] **مقالة فی‌الآثارالمتخیلة فی‌الجو** (عربی)

ابن‌الخمار ابوالخیر حسن بن سوار بن بابابن بهنام یا بهرام فیلسوف ایرانی (۳۳۱ـ میان ۴۰۸و۴۲۱) دراین گفتارازهاله‌وقوس وقزح وقضبان وشموس ومانند اینهاکاوش نموده وروشن‌کردکه از بخار دخانی نیستند بلکه از بخار آبی و خیال

بصری صرف هستندچنانکه ارسطو وسقولاوس واولومقوروس(؟)یاد کرده‌اند. گرچه اسکندر آنهارا امری موجود پنداشت . میگوید نام هاله دریونانی وسریانی ازگرد گرفته شده است . السوس بیونانی و حوعرسه بحبها بسریانی) از ثاوفرسطس نیز یادمیکند (درپایان کتاب نوید میدهدکه درفصل دوم نص سخن ارسطورا ازسریانی بعربی ترجمه کرده بیاورد و چنین کاری را نکرد . خزرجی ازوی « مقالة فی الاثار المخیلة فی الجو الحادثة عن البخار المائی وهی الهالة والقوس والضباب علی طریق المسألة والجواب » یاد میکند ولی این رساله بروش پرسش و پاسخ نیست .

آغاز : بسمله وبه نستعین ـ ابوالخیرحسن سوار . لماکانت جمیع الامورالتی لها علل مبادی انما یعرف حساوعلی مایجب بعدالعلم بمبادیها و عللها و کانت الهالة وقوس قزح والاثارالتی یظهرمن الجو کالقضبان والشموس .

انجام : فهذا مبلغ مانقوله فی هذاالفصل من هذه المقالة ونحن نورد بعدذلك فی الفصل الثانی منها نص کلام ارسطاطالیس بعد ان ننقل من اللغة السریانیة الی اللغة العربیة نقلایتوخی به تادیة المعنی وحفظه بعون الله وحسن توفیقه ومشیته. والحمدلله رب العالمین وصلوته علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین. تم .

[٤٦٦]

۲۵۳ این نسخه شماره ۱ دفتر وبخط تعلیق با عنوانهای شنگرف از کرکی بسالهای ۱۰۷۵ و ۱۰۷۶ میباشد گ ۲ ب ـ ۱۳ ب. در مجلس نسخه‌ای ازاین بشماره ۶۳٤/۱۸ (ج ۲ ص ۳۹۷) هست .

[۳۷۷] ملائکه (رساله...) (عربی)

این رساله ازشیخ رئیس میباشد ودرباره فرشتگان نگاشته ونیایش مانداست .

آغاز : الحمدلله الذی انشانورامحجوبا الاح له جلیته قبل کل شیء

انجام : ان الله هوالجبار ذوالبأس والرحمة من الله غیره فقد سه وکبره و توکل علیه واستسلم له استسلاما .

[٤٦٧]

این نسخه شماره ۹ دفتر است و بخط تعلیق ودرپایان دارد : « تمت الرساله
۱۰۷۹ فی منتصف محرم لسنة ... » ص۲۱ـ۲۳ ـ قنواتی در ش۲۰۳ این رساله را
شناساند .

[۳۷۸] ملخص (عربی) ۵

کتابی است درمنطق بروش متأخران وفلسفه آمیخته ازطبیعی والهی بروش متکلمان ازابن الخطیب امام فخرالدین ابوعبدالله محمدبن عمربن الحسین تبرستانی رازی حکیم متکلم اشعری شافعی (٥٤٤ ـ ٦٠٦) که از هوشمندان و زیرکان دانشمندان خاور بشمار است وی در تشکیك و جدال سرآمد روزگار خود بود تا اندازه که گفته‌اند اوشبهه را نقد میآورد ولی درحل آن بنسیه می‌پردازد ومانند ۱۰ اودرتشکیك کسی نیامده ودربیشتراصول مسلم فلسفی شك کرده وفیلسوفان دیگر مانند خواجه طوسی و میرداماد وصدرای شیرازی بپاسخ شبهات اومی پرداختند . قطب رازی در شرح مطالع ببسیاری از شکوك او که درهمین ملخص و درمحصل آمده پاسخ داده است وازبهترین نوشته های فلسفی وی (المباحث المشرقیه) است وصدرای‌شیرازی درنگارش اسفار از آن بسیار بهره برد . ۱۵

دراین ملخص بسیاری ازشکوکی که قطب رازی ازوی دانست دیده میشود مانند : قضیهٔ که محمول آن مشتق یا فعل است ثلاثی میباشد ونیازی برابطه ندارد (برك۱۷ الف این نسخه) ـ سالبه دائم عکس ندارد (برك۳۰) ـ قیاس منتج نیست (٤١ـ٤٢ـ٦٢) ـ مبادی برهان مخدوش هستند (٦٢ تا ٦٤) که همه اینها درشرح مطالع آمده وازملخص دانسته شد . ۲۰

فخررازی دراین کتاب از (نهایة) خود (٦٤ ب) و « المعتبر » ابی‌البرکات بغدادی م ٥٤٧ (١٦ الف) یادمیکند و میگوید شبهات درباره مبادی برهان را در (نهایة) با طناب آورده‌ایم و پاسخ گفته‌ایم و باز میگوید اینها شبهات سوفسطائیان است. در پایان‌منطق نوید نوشتن کتاب مفصلی در آن میدهد . درمنطق از مباحث الفاظ آغازمیکند وبکلیات میرسد سپس بخش دوم جمله ۱ که مقاصد باشد میآید ۲۵

وآن حدورسم است ودراینجا ازشك مانن Menon یادمی کند وآنرادرتصدیق حل پذیر میداند ولی در تصور راه حلی برای آن نمی‌بیند سپس شکهائی بتعریف میکند و جمله ۲ آن سه باب است (قضایا ـ قیاس ـ برهان) دراینجاهم بمنطق ارسطوبسیارمیتازد وشکهائی که درباره مبادی برهان درپایان منطق ملخص وآغاز محصل آورده تازگی دارد . بخش حکمت ملخص چند دفتر است (امور عامه ـ جواهر واعراض و نفس . . .) وشبهاتی هم میآورد . (۱)

[۴۶۸]

این نسخه دارای همه ملخص نیست وآغاز وانجام را ندارد وآنچه درآن هست ۲۵۶ بدینگونه است :

آغاز : فهو محال لان الغرض من اطلاق الالفاظ افهام المعانی فاذالم یحصل ذلك لم یکن اللفظ مفیدا . الثالث مباحث المفرد والمؤلف .

انجام : ثم لایخلوا اما ان یکون مطلوب الفلك من حرکته افادة الکمال او استفادته والاول باطل لان المستعد به لتلك الاولویة (دلیل هفتم دراثبات عقل از فن ۳ درعقل دردنبال مباحث نفس) خط نسخه نسخ وکهنه و بی‌نقطه است و منطق آن از ۱ الف تا ۶۴ ب وفلسفه از ۶۵ الف تا ۲۴۷ ب است .

(۲۴۷ برك) کاغذ ترمه سمرقندی ـ جلد مقوا ته میشن

اندازه : ۱۴×۱۸ و ۱۱×۱۵ س ۲۵

---

۱ ـ ازملخص نسخه‌ای بشماره ۸۲۷ درکتابخانه مجلس شورای ملی تهران (از کتابهای طباطبائی) هست وبروکلمن درتاریخ وفهرست خویش (ج ۱ تاریخ $\frac{۶۶۸}{۵۰۷}$ و ج ۱ پیوست ۹۲۳) مینویسدکه نسخه‌هائی ازآن درموزه بریتانیا و برلین و لیدن و بودلیان اکسفورد واسلامبول ودیگر جاها هست .

دبیران قزوینی م ۶۷۵ برملخص شرحی کلان نوشته و منصص نامید و این شرح را اندك اندك نگاشته وبازبدان نگریسته وپاکیزه‌اش ساخت ودردوشنبه ۲۸ شعبان سال ۶۷۱ بپایان رساند و بوزیر شمس‌الدین محمد جوینی ارمغان داد ونسخه‌ای ازمنصص که ۱۸ سال پس‌از مرك دبیران درآدینه یکم ج ۲ سال ۶۹۳ نوشته شده درکتابخانه آستانه طوس هست (فهرست آنجا ج ۴ ص ۲۶۰ شماره ۱۰۴۱ و فهرست مدرسه فاضلیه ص ۲۵ ش ۴۷) و بروکلمن میگوید که منصص درلیدن و دیگر جاهاهست (همانجا) ونسخه‌ای ازآن بشماره ۸۵۶ درمجلس (کتابهای طباطبائی) هست . نجم‌الدین محمدبن‌اللبودی دمشقی (م ۶۲۱) ملخص را اختصار وشرح کرد و ابهری برآن حاشیه نوشت . فخر رازی کتاب دیگری دارد بنام (المنطق الکبیر) که درملخص بدان اشاره نمودو بگفته بروکلمن نسخه‌ای ازآن دربرلین هست.

[۳۷۹] **المناظر الحکمیه** (عربی)

از محمد حسین‌بن محمد صالح بن محمد حسین اقرجنلو است و درسه باب (جسم طبیعی و تعلیمی ـ معقولات (منطق) ـ الهی) و اندکی از منطق و الهی را آورده با بحثهای کلامی بیامیخت .

آغاز : بسمله الحمدلله الذی خلقنا وهدانا سواءالطریق بحکمته ·

انجام : فکلها عندنا ثابت الهم ثبت اقدامنا فی‌الدین . . . واقض حاجاتنا برحمتك یا ارحم‌الراحمین .

[۴۶۹]

۳۱۳ این نسخه بخط نسخ باعنوانهای شنگرف میباشد .

(۶۲ ۴) ـ کاغذ فرنگی‌آبی ـ جلد تیماج مشکی
اندازه : ۱۰×۱۶ و ۱۷×۱۲ س ۱۶

[۳۸۰] **نامه ابن سینا به ابن زیلا** (عربی)

این نامه همان پاسخی است که شیخ بمیهنی داده و در ص ۱۷۶ ش ۱۱ این فهرست شناسانده شده ودراین نسخه ودر نسخه های دیگر آمده که شیخ آنرا بابن زیلای مجوسی شاگرد خود نوشت (قنواتی ش ۲۶۰-۲۶۶-۲۶۸) دراینکه شیخ نامه‌ای بمیهنی نگاشته است شکی‌نیست و گویاهمین را درپاسخ ابن زیلاهم نوشته باشد . چنانکه دربسیاری از کتابهای خود عبارات کتابهای دیگر خویش را آورده است (۱) .

آغاز : نسخة کتاب کتبه‌الشیخ جواباللشیخ ابی‌منصور بن‌الحسین‌بن محمد بن عمر زیله . وصل کتاب‌الشیخ منبئا بجمیع صنع‌الله لدیه وسبوغ نعمه علیه .

انجام : واساله ان تقربنی‌الیه انه سمیع مجیب . والسلام علی‌من‌اتبع‌الهدی

[۴۷۰]

۸۷۱ این نسخه شماره ۱۹ دفتراست وبخط تعلیق محمدعلی نزدیك بسال ۱۳۰۱
گ ۱۵۴ الف ـ ۵۶ الف ·

۱ــ گواشن خاورشناس میگوید که بیشتر الهی و بسیاری از کتاب نفس نجات از شفاگرفته شده است (ش ۲۳ قنواتی) .

[۳۸۱] نامه ابن سینا به کاشانی (عربی)

این نامه دوستانه را شیخ بابوجعفر کاشانی نوشته است . قنواتی در ش ۲۶۷ و ۲۷۰ آغاز آنرا چنین یاد نمود : « ایهاالباز الاشهب بل القرم المصعب بل الطود الاکهب اکل من جلس فی الایوان و تصدر فی الدیوان » شیخ نامه دیگر دوستانه‌ای هم بابن طاهر بن حسول نوشته است (قنواتی ش ۲۶۲ و ۲۷۰) .

آغاز : رسالة للشیخ ابی علی الی بعض اصدقائه . اکل من ینشیء للسلطان ویتصدر فی الدیوان یتکبر علی الاخوان .

انجام : بل اهش من طلعة النیروز . قل بلی ولاتقل نعم . مل الی الطبع یاابن عم . کن من الناس لاالنعم . دمت فی العز والنعم .

[۴۷۱]

۱۰۳۵ این نسخه شماره ۳۱ دفتر است و بخط تعلیق ص ۲۶۲

[۳۸۲] نامه جالینوس و مسیح (عربی)

بیهقی درمشارب التجارب (بگفته خزرجی) می‌نویسد که جالینوس (۱۳۱-۲۱۰) درسر پیری بکیش عیسا گرائید و خود چون ناتوان بود خواهرزاده خویش پولس را نزد او فرستاد و پوزش خواست و پولس نیز یکی از حواریان گشت . او درتتمه ص ۳۰ همین را از ابوالفرج بن الطیب آورد و نامه‌ایرا یادکرد که جالینوس در آن نوشته که ازنانوانی نتوانستم نزد توبیایم یکی ازخویشانم را فرستادم تاخوی ورفتار پیامبران بدو بیاموزی. عیسی پولس را پذیرفت وخودکه خواننده ونویسنده بود درپاسخ او نوشت که تندرست نیازی بپزشك ندارد جز برای نگاهداشت خویش و جانها با دوری تنها از یکدیگر دور نخواهند بود . این جزنامهٔ نسخه ما است. پس ابوالفرج پزشك ترسا که خودرا از خاندان پولس میدانست ودوست میداشت هم از دودمان دانشمندی مانند جالینوس و هم پیامبری مانند عیسا باشد این نامه

ساختگی را آورده ودیگران ازاو گرفته‌اند (۱) ونامه نسخه ما نیز ساختگی است

آغاز : یا طبیب النفوس المریضة بداء الجهالة ... فهل الی وصول من سبیل ... (پاسخ عیسی) یامن شرفك الله بالاستعدادات العقلیة .

انجام : فان مجرد العقل غیر کاف فی الهدایة الی الصراط المستقیم .

[۴۷۲]

۱۰۳۵ این نسخه شماره ۴۸ دفتر است وبخط تعلیق نزدیك ۱۱۰۱ ص ۴۲۲

[۴۷۳]

۱۰۷۹ این نسخه شماره ۳۵ دفتر است وبخط تعلیق ص ۲۷۰

[۳۸۳] **نامه طوسی بابهری** (فارسی)

خواجه طوسی هنگامیکه بعراق رفته بود برای اثیرالدین ابهری نامه ای نوشت ودر آن پس‌از ستایش بسیاری از وی سه چیز پرسید : چگونه از یك چیز چندین چیزها پیدامیشود - زمان وجنبش چه بستگی باهم دارند - مراکز دائره‌ایکه حامل مرکز دائرهٔ دیگرباشد چه خواصی دارد وجنبش وضعی یکنواخت دربرابر امتناع خرق والتیام وپیدایش جنبشهای گوناگون ازجرمهای آسمانی چگونه‌است ؟ نخستین الهی ودوم طبیعی وسوم ریاضی میباشد وپرسش ۱و۲را طوسی ازخسروشاهی نیز کرده و او پاسخ نداد وگویا ابهری نیز پاسخی نداده باشد و صدرای شیرازی واحمد عاملی بدانها پاسخ داده‌اند (ص ۱۷۹و۱۸۹ این فهرست) .

آغاز :

هرچند ز روزگار بیدادیها است

یارب که مرا از تو چه بیدادیها است

---

۱ — نگاه به : خزرجی ج ۱ ص ۷۱ — ۷۷ که درباره تاریخ زاد و مرك جالینوس بسزا سخن راند وجاهائیکه او ازموسی وعیسی درنگارشهای خویش یاد نمود آورد (ص ۷۷) - قفطی درسرگذشت جالینوس - اشکوری در محبوب القلوب ص ۵۰ گفتار خزرجی و بیهقی و در ص ۱۰۶ و ۱۰۷ دو نامه نسخه ما را آورد - ابن عبری ص ۱۲۲ از روی نگارشهای جالینوس روشن نمودکه او دیری پس‌ازعیسا میزیست .

بی زحمت امید و غم وصل و فراق
این بس که ز دیدار توام شادیها است

جناب همایون و ذات میمون مخدوم معظم ملك علماءالعالم اثیرالملة والدین قطب‌الاسلام والمسلمین . . . که مقصد آمال افاضل ومطلع انوار فضائل‌است همیشه بکرامات ذوالجلال ... موصوف باد ... دعاگوی مخلص محمد طوسی خدمت ودعا میرساند .

انجام : اگر رای همایون بافادت این نکت تفضل فرماید ازآن وفور لطف (ازالطاف او) عجب نباشد زحمت ازحددرگذشت هم مکارم اخلاق عالیه (مولوی) عذرخواه (تواند) بود والدعا (کمامضی) .

[٤٧٤]

۸۷۱ این نسخه شماره ۲۱ دفتر و بخط تعلیق محمدعلی میباشدگ ـ ۱۵۹ الف ـ ۱۶۱ الف .

[٤٧٥]

۱۰۳۵ این نسخه شماره ۹ دفتراست و بخط تعلیق ص ۱۰۴ـ۱۰۵ ـ دونسخه دربرخی جاها یکنواخت نیستند .

[۳۸٤] **نامه میبدی بمیرعبدالوهاب** (فارسی)

قاضی میرحسین میبدی یزدی (م۹۱۱) بمیرعبدالوهاب نامه‌ای‌نگاشته ودرآن گفته‌که مرا ببهانهٔ اینکه درباره خداهیولی گفته‌ام کافرم خواندند بااینکه من بپیروی از اشراقیان و خواجه طوسی جسم را آمیخته از هیولی و صورت ندانسته و آنرا بسیط میدانم پس بهیولائی نمیگویم تاخداراهیولی بدانم . اودراینجا ازمحیی‌الدین و شبستری و شریف گرگانی سخنانی میآورد و یادی از هستی مطلق و وحدت وجود میکند .

آغاز : (ایضا نامه‌که بحضرت میرعبدالوهاب نوشته است) . شعر

گر من از سرزنش مدعیان اندیشم
شیوه مردی و رندی نرود از پیشم

زهد رندان نو آموخته راهی بدهی است
من که بد نام جهانم چه صلاح اندیشم

شنیده‌ام که عزیزی درمقام تکفیرمن است وازمن نقل کرده که اطلاق هیولی برحضرت حق . . . کرده‌ام وحقیقت حال آنکه من بترکب جسم ازهیولی وصورت قائل نیستم .

انجام : وچه خوب فرموده مولانا نظام‌الدین نیشابوری درتفسیر واذاسالك عبادی عنی فانی قریب . . . مع‌ان‌التعبیرعن بعض ذلك یوجب شنعة‌الجهال . ولنختم بالصلوة علی سیدالمرسلین و آله اجمعین .

[۴۷۶]

۱۰۳۵ این نسخه شماره ۴۹ دفتراست و بخط تعلیق ص ۴۵۱-۴۵۲

[۳۸۵-۳۹۰] **نامه های کاشانی** (فارسی)

از بابا افضل کاشانی شش نامه بجامانده است که اینك یاد میگردد (۱) :

۱- نامه ای که بشاگرد خود خواجه شمس الدین (۲) مجدالاسلام محمد درواگوش که باهم نامه نگاری داشتند می‌نویسد .

آغاز : آثار آفرینی که‌ازجانب‌مجلس‌اسموی‌صدری‌شمس‌الدین‌مجدالاسلامی لازال اسمه بداعی مخلص رسید و میرسد همان باضعاف آن سوی او بارمیگردد .

انجام : و آن(این)بوارمطلق‌بودوهلاك جاوید(جاودان)عصمك‌الله وایانا.... انه ولی‌الخیرات ومفیض‌السعادات .

[۴۷۷]

۴۲۸ این نسخه شماره ۳ دفتر وبخط تعلیق تاریخ ۱۰۸۳ گ ۱۴ ب - ۱۶ ب

۱- آقای سعید نفیسی دردیباچه رباعیات از پنج نامه یاد نمود (بجزسومی) و گفت که دردفتر شماره $\frac{۶۲۳}{۹۴۱}$ کتابخانه مجلس نسخه آنها هست درجنك ش ۲۹۱۲ سپهسالار (گ ۱۴۱ و پس‌ازآن) دو نامه دیده میشود .

۲- کو باشمس‌الدین سپاهانی همدم‌خواجه باشد (فهرست طوس‌ج۲ شماره۸ مسلسل۳۳۵)

[٤٧٨]

٤٣١ این نسخه شماره۱۲ دفتر و بخط تعلیق محمدعلی بتاریخ ۱۳۰۲ گ ۱۵۳ب - ۱۵۷ ب .

۲ـ نامهٔ فیلسوفانهٔدیگردرپاسخ‌نوشته درواگوش که‌در آن‌از« فتوح هشت در یا مدارج الکمال » و « ره انجام نامه » پارسی یاد میکند وعنوانهای فتح ٤و٥و٦و٧ متن تازی مدارج را میآورد .

آغاز : کلماتیکه از اقلام مبارك آن خلاصه اخیار عصر و نوباوه بوستان خرد و نوردیدهٔ ارباب حقیقت شمس‌الدین . . برسید .

انجام : تابرجاده که‌ازازل سوی ابداست مستقیم گردد والذین جاهدوافینا... وان‌الله لمع المحسنین والسلام علی‌من‌اتبع الهدی وصلی‌الله‌علی‌محمدو آله‌الطاهرین. نسخه‌ای از آن درطوس ش ۹ (ج ۲ ص ۳۳۵) هست .

[٤٧٩]

٤٢٨ این نسخه شماره ۷ دفتر گ ۲٦ الف - ۲۹ ب

[٤٨٠]

٤٣١ این نسخه شماره ١٤ دفتر و بخط محمدعلی بسال ۱۰۳۲ گ۱٦۳ ب - ۱٦۸ ب

۳ - نامه عارفانه دیگر بشمس‌الدین ضیاءالاسلام (درواگوش) که در آن از مخدوم مهذب الدین یادمیکند ورساله «جامعه» که برای همین شمس‌الدین فرستاده بود میخواهد برای وی پس بفرستد و میگوید: «بند این مباش که بپایانش رسانی چه آن سخن سر نیاید» ونوید میدهدکه نسخه « زجر النفس » برای او بفرستد تا آنرا بخواند .

آغاز : بسمله رب العزة تعالی جده و تقدست اسمائه آگاهست از مکنون دل وضمیردرون خادم که‌درباره‌احوال‌واقوال‌مجلس‌اسمی شمس‌الدین‌ضیاءالاسلامی برچه صفت نیکوخواه وفضیلت جوی میباشد .

انجام : بیشتراوقات‌قواعد سعادات‌دوجهانی ممهدباد واساس روشن‌دلی‌مؤید

نسخه‌ای ازین درش۱۲ (ج۲ص۳۳۵) وش۷۳۹ (ج ٤) فهرست‌طوس‌شناسانده‌شده.

[٤٨١]

٤۳۱ این نسخه شماره ۱۷ دفتر و بخط تعلیق محمدعلی بسال ۱۳۰۲ کـ ۱۷۹ الف ـ ۱۸۰ ب میباشد .

٤ـ نامه‌ای فیلسوفانه‌ای‌که در پاسخ نوشته دوستی نگاشته . ٥

آغاز : دل عزیز و نفس شریفت مستعد و آراسته نظر الهی و انوار نامتناهی باد .

انجام : و برخواننده و نویسنده و بال و حجت بگرداناد بمحمد و آله . . .

و نعم‌النصیر ـ نسخه‌ای ازاین درطوس ش ۱۱ (ج ۲ ص ۳۳٥) هست .

[٤٨٢]

٤۲۸ این نسخه شماره ٦ دفراست گ ۲۱ الف ـ ۲٦ الف . ۱۰

[٤٨۳]

٤۳۱ این نسخه شماره ۱٥ دفتر ودرگ ۱٦۹ الف ـ ۱۷٦ ب میباشد .

٥ـ نامهٔفیلسوفانه درپاسخ نوشته صاحب سعید صدرالصدوروزیرمجدالدین محمد عبدالله که درشصت سالگی نگاشته است .

آغاز : صباح و مساء مجلس عـالی صاحبی صدری کبیر . . . تاج الوزرائی ۱٥ صدرالصدوری . . . مجدالدین . . . الطاف ازلی و سعادات ابدی را انجمن‌گاه و ارامجای باد .

انجام : جان ازخرد شاد ودل ازهربند آزاد وسیرتت مکارم اخلاق رابنیاد والسلام‌علی اهل الکلام‌والصلوة علی خاتم الانبیاء و آله الکرام ـ نسخه‌ای در طوس (ش ۸ ص ۳۳٥ ج ۲) هست . ۲۰

[٤٨٤]

٤۲۸ این نسخه شماره ٥ دفتر ازگ ۱۷ ب ـ ۲۱ الف میباشد

[٤٨٥]

٤۳۱ این نسخه شماره ۱۳ دفتر بخط محمدعلی بسال ۱۳۰۲ میباشد ك ۱٥۷ب ـ ۱٦۳ الف . ۲٥

٦ـ نامه‌ای در پرسش و دلجوئی ازصدر سعید تاج‌الدین محمد نوش‌آبادی که در آن از « فصول زجرالنفس » یاد می‌کند .

آغاز : (مدد تأیید الهی ازکار واندیشه مخدومی منفصل ومنقطع مباد و دل روشن درسراوضرا ازخورسندی وشکیبائی مایه وروازحوادث جهان‌کون‌استحالت نپذیرند وعبرت گیرد. ایزدعزوعلادر کل احوال رهنما ونگهداربمنه وجوده) داعی خدمت و آفرین میرساند بدرون بامجلس اسمی‌ازرنجی و آسیبی‌که نورسیده است

انجام : اسباب (این) سعادت (میسر باد) و قاعده بیداری و روشنی مقرر (مقصودها حاصل ورنجها زائل ودلها روشن وشکیبا برحوادث ومصائب ولله تعالی تسلیما بالاجابة والانابة) والسلام علی اهل‌السلام و آله‌الکرام ـ درنسخه ٤٣١ از بیدگل و نوشاباد یادمی‌کندکه بجای آندودرنسخه٤٢٨ شهروسرای‌آمده نسخه‌ای ازآن درطوس ش ۱۰ (ج ۲ ص ۳۳۵) هست .

[٤٨٦]

٤٢٨ این نسخه شماره ٤ دفتر است گ ١٦ ب ـ ١٧ ب درآغاز بجای جمله میان دو کمانه این‌عبارت (بعدازذکر القاب میگوید) را دارد که‌از نویسنده نسخه‌است

[٤٨٧]

٤٣١ این نسخه شماره ١٦ دفتر است گ ١٧٦ ب ـ ١٧٩ الف .

[۳۹۱] **نامه نسوی** (فارسی)

دراین‌نامه پاسخ ٥ پرسشی است دربارهٔ جدائی میان مرك وخواب وخوشی وناخوشی تن پس‌ازمرك ونرنجیدن هنگام خواب و رنجیدن هنگام مرك و خوش وناخوش بودن جان نه تن که صفی‌بن علی‌الوندکلی از زین‌الدین نسوی کرده‌است و پاسخ گرفت (۱) .

---

۱ ـ بند ۳ این نامه درگفتار ۱۰ بابا‌افضل کاشانی یاد شده و بگفته آقای نفیسی دردیباچه رباعیات (ص ٧٦ ش ۱۲) نسخه‌ای ازآن در مجلس ش $\frac{٦٩٤١}{٦٢٣}$ هست در ص ۳۸۳ ج ۲ فهرست مجلس نام نسوی ووندکلی‌آمده است (۱۰ر٦۲۳) .

آغاز : مرحوم سعید ملك القضاة والحكام ركن الدین تاج الاسلام صفی بن علی الوندكلی مكتوبی بخدمت سلطان الحكماء زین‌الدین النسوی قدس‌الله روحه نوشته است و آن سئوالها استكشاف كرده و او بخط مبارك هریك را جوابی بخیر فرموده‌اند وهذه نسختها سئوال مینمایدكه فرق چیست میان مرك وخواب .

انجام : و چون مرك جوانان به بیماریهای مختلف و آنرا مفاجات خوانند والله اعلم بالصواب والیه‌المرجع والمآب وصلی‌الله علی محمد . . . یارب‌العالمین .

[۴۸۸]

۴۲۸ این نسخه درشماره ۸ دفتراست وبخط تعلیق تاریخ ۱ ذی‌حجه سال ۱۰۸۳ گ ۳۰ الف ـ ۳۱ الف .

[۳۹۲] **نامهٔ نسوی** (فارسی)

این بند نیز ازسخنانی است‌كه خواجه زین‌الدین (قدس‌الله روحه) درپاسخ نوشته (مرحوم) قاضی صفی درباره دوستی نگاشته است (۱) .

آغاز : هرمحبوب كه‌بوددر نفس‌محب‌باشدوهیچ‌مواصلت قوی‌تراز آن‌نیست

انجام : وتفرقت افتد وغایت ضلالت آنست عصمناالله وایانا وجمیع اخواننا من امثاله بمحمد وآله وهواعلم .

[۴۸۹]

۴۲۸ این نسخه درشماره ۸ دفتر وبخط تعلیق میباشدگ ۲۹ ب

[۳۹۳] **نبوت (رساله . . . .)** (فارسی)

این رساله درسه فصل و یك دیباچه است وازشیخ رئیس دانسته شده وباید پارسی همان اثبات‌النبوه او باشد (ص ۱۱۲ این فهرست) نسخه‌هائی ازآن درنور عثمانیه ش ۴۸۹۴ (۲۵۵ قنواتی) و مجلس ش ۶۳۱/۶ (ص ۳۹۲ ج ۲) و ش ۳۱۷ تنكابنی‌درآنجاوطوس ش ۷۰ (ص۱۴۵ج۴)هست. شیخ‌در آن‌مانندمتن تازی‌بروش فلسفی و باطنی سخن راندو برخی از سخنان او دراینجا مانند است با آنچه در معراجنامه آمده (ش ۲۵۳/۱۹و۸۶۱/۱۱) .

۱ـ آقای سعید نفیسی دردیباچه‌رباعیات كاشانی این گفتاررااز كاشانی‌دانست(ص۷۸ش۳۱) درآنجا بجای صفی حنفی یاد گردید .

آغاز : رسالة للشیخ الرئیس رحمه‌الله ـ سپاس میکنم خداوند آسمان وزمین وستایش دهنده جان ودین را ودرود مر پیغمبر گزین را محمد مصطفی . . . وصیت میکنم ترا که این کلمه چند که درتحقیق شرح میرود ازاغیار ونامحرم دریغ دارند که مدتها ازظهور این کلمات بحکم خطر محترز میبودم که الاسرار صونها عن الاغیار واجب برحسب آنکه سخن آشنا با مردم بیگانه ووضع اسرار نزدیك جاهل خطا بود چنانکه رسول علیه‌السلام فرمود لاتطرح در فی اقدام الکلاب .

انجام : اما چون عاقلی برسد و بعقل خویش ادراك کند داند که گفتهاء نبی همه رموز است اگنده بمعقول و آنرا غذاء روح خود سازد . والحمدلله بل اکثرهم لایعقلون وصلی‌الله علی محمد و آله اجمعین .

[۴۹۰]

۱۰۳۵ این نسخه شماره ٦ دفتر است و بخط تعلیق شکسته ص ۱۰۰ـ۱۰۰۲ـ در کتابخانه سپهسالار نسخه‌ای ازرساله نبوت فارسی بشماره ۲۹۱۱ ص ۸۳ـ۸٤ هست .

[۳۹٤] **نفحات الهیه** (عربی)

قاضی سعیداء قمی (محمدسعید شریف ۱۰٤۹ـ۱۱۰۳) دراین رساله که بسجع نگاشته ومطلبها را با عنوانها نفحه آغاز نمود نخست روشن ساخت که هستی اصیل نیست وماهیت درذات ودر آفرینش اصالت دارد آنگاه آشکار کرد که انسان عقلی ونفسی با همه چیزهای دیگر یکی است و کلی بی‌فرد هستی جدائی ندارد . او آنرا بخششی ازخدا (نفحات الهی) دانسته ودرنوروز وماه ذی حجه سال ۱۰۸٤ بپایان رساند واز روش فصوص فارابی وشواهد ربوبی شیرازی پیروی نمود .

آغاز : بسمله ... بعد الحمدلله واهب العلم والعقل . . . یقول ... محمدالمدعو بسعیدالشریف القمی هذه خواطر الهامیه ونوادر ربانیه .

انجام : وهو آدم جمیع العوالم والعالمین والحمدلله رب العالمین ... هذا آخر ما اردنا ایراده فی تلك المقالة واتفق الفراغ من اتمامها فی یوم النیروز علی ید مؤلفها... وذلك فی شهر ذی‌الحجة الحرام سنة ۱۰۸٤ .

[۴۹۱]

این نسخه شماره ۱۷ دفتر است و بخط تعلیق باعنوانهای شنگرف که در کمتر
۱۰۳۰ از نیمهٔ روز در نیمهٔ روز آدینهٔ دهم شوال ۱۰۹۴ در مدرسه فیضیه فاطمیه
قم نوشته شده گ ۱۶۷ ب ـ ۱۷۲ الف .

[۳۹۵ـ۳۹۶] **النفس (مختصر کتاب ...)** (عربی)

دو رساله بدین نام هست که ازروی عنوان باید گزینی از کتاب نفس ارسطو باشد. مانا گزیننده ۷ یا ۸ مسئله مهم روانشناسی فیلسوف را گرفته و درباره آن گفتگو نمود نه اینکه مانند گزیده حنین وترجمه پارسی کاشانی همه سخنان ارسطو را باختصار آورده باشد . اینك دو رساله :

۱ـ در ۷ گفتار و از روی یك نسخه دیگر در ۸ گفتار است : (دریافت هردانسته‌ای چگونه است ـ روان هست ـ گوهراست ـ جان است نه تن ـ ساده است نه آمیخته ـ زنده‌است و نمردنی ـ دریابنده واندیشنده ـ آسمان وستارگان جانی زنده ودانا دارند) .

در کتابخانه مدرسه خان مروی تهران بشماره ۶۲۹ نسخه‌ای ازاین هست .

نسخه‌ها یکسان نیستند و برخی در آغاز فهرست دارند . (۱)

آغاز : هذا مختصر من قول الحکیم ارسطوطالیس الفیلسوف فی النفس وهو سبعة اقوال (فصول) القول (الفصل) الاول فی درك کل معلوم تفسیره ان کل شیء (موجود) اما معلوم (معقول) واما محسوس .

انجام : وکیف یحس الحواس محسوساتها بحجج مضیئة مقنعة .

---

۱ ـ در گفتار پنجم عبارت « کل من راجع الی ذاته فهو روحـانی » دیده میشود ودر آن ازروی خود آگاهی تجردروان ثابت میگردد وهمان دلیلی‌است که شیخ درمباحثات ازآن یاد نمود ومیان او و بهمنیار درباره‌آن پرسش و پاسخها شده وامام درمباحث مشرقی وشیرازی دراسفار ومبدء ومعادآنها راگردآوردند شیرازی درمبدء ومعاد ص ۲۰۸ درهمین دلیل عبارت بالا را یادکرد و از کتاب نفس ارسطو دانست و این عبارت درآغاز رساله « اثبات‌الصورالروحانیه » اسکندر (ش ۴۸۴) و ص ۲۹۱ چاپ بدوی دیده میشود .

[۴۹۲]

۳۳۹ این نسخه شماره ۲۸ دفتر وبخط تعلیق گ ۸۵ الف وب میباشد وآغازوانجام آن نزدیك بشماره ۴۰۲/٤ است با آن عبارتی که افزوده شده .

[۴۹۳]

این نسخه شماره ٤دفتراستوبخط تعلیق گ ۵۳ ب ـ ۵٤ ب درانجام این نسخه
٤۰۲ پس از عبارت بالا دارد : «کل جسم قد یسکن و یتحرك لابصورته فالحرکة اذن (ایضا) غیرذاتیه فی الجسم فهی اذن غیرمعلومة من غیره . تمت الرسالة والحمد لواهب العقل» مانا این عبارت را افزودند وازرساله نباید باشد .

[۴۹٤]

این نسخه شماره ۲۱ دفتر ص ۱۸۷ـ۱۸۸ و چنین است : هو بسمله وبه نستعین
۱۰۳۵ کلام ارسطاطالیس لبیان سبعة مطالب فکریة فی النفس الاول فی درك کل معلوم ـ (وسنخبرك) کیف تعلم النفس الاشیاء و کیف فعل و کیف یحس الحواس محسوساتها بحجج مضیئة مقنعة . تم الکلام فی بیان المطالب السبعة فی امر النفس بعون الله الملك المقدس عبارت «وسنخبرك» دردیگر نسخه‌ها نیست وجمله عطف است بر پیش وبه «قداستبان
۱۵ لما ذکرنا» یا بجای آن « فقداثبتنا بماذکرنا » می پیوند .

[۴۹۵]

این نسخه شماره ٤ دفتر بخط شکسته تعلیق محمد شریف بن محمد قائمی نزدیك
۱۰٤٦ ۱۰۵۹ گ ۲۷ ب ـ ۳۸ الف و چنین است : « هو بسمله الحمدلله الذی عصمنا من الضلال ... اما بعد هذا الکتاب مختصر من قول الحکیم ارسطاطالیس رحمه الله
۲۰ فی علم النفس وهو سبعة ابواب : فی ادراك کل معلوم . فی وجود النفس ... اما قوله فی ادراك کل معلوم تفسیره ان کل شیء معلوم اما معقول واما محسوس ـ ولیس لها حس الذوق لانها لایغتذی من شی » عبارت « وانها کیف یعلم النفس الاشیاء ... مضیئة مقنعه » را ندارد . پس ازاین چندسطرهست درشمارش نیروهای جان که بااین رساله بستگی ندارد

[۴۹۶]

این نسخه شماره ۱۲ دفتر وبخط تعلیق گ ۷۵ ب ـ ۷۶ ب و چنین است آغاز
۱۰۸۸ وانجام آن :

« هذه رسالة لارسطاطالیس فی النفس هذه الرسالة مشتملة علی ثمانیة فصول الاول فی درك کل معلوم ـ الفصل الثامن افضل الاجسام الحیّ والفلك وکواکبه افضل الاجسام فهی اذن حیة . . . ولاحس البصر والسمع فقط » تنها دراین نسخه هشت
۳۰ گفتاردیده میشود .

۲ـ این رساله که آنهم در ۷ گفتار و درازتر و گسترده‌تر از نخستین است ومطالب و برهانهای دیگری در آن هست گرچه عنوانها باهم نزدیکند : (ناشناختنی بودن روان ـ روان هست ـ گوهر است ـ جان است نه تن ـ ساده نه آمیخته ـ پایدار و نمردنی ـ اندیشنده ودریابنده است) درفهرستهای قنواتی ش ۹۶ ومجلس ش ۱۷ و ۶۳۴/۳۴ و طوس ش ۶۶۴ از مختصر کتاب النفس ارسطاطالیس و مقاله ارسطاطالیس فی‌النفس وهوسبعة اقوال یاد شد . نسخه‌های ماهم یکسان نیستند .

آغاز : مختصر کتاب الفیلسوف ارسطاطالیس وهو سبعة ابواب الباب الاول قال‌الحکیم ان کل موجود اما ان یدرك بالحواس واما ان یدرك بالوهم .

انجام : فـالنفس اذن مفکرة عاقلة اضطرارا کمل ماوضع الفیلسوف فی صفة‌النفس .

[۴۹۷]

۲۵۳ این نسخه شماره ۸ دفتر وبخط تعلیق کرکی گ ۷۷ ب ـ ۸۰ الف وعنوان آن مانند بالا است .

[۴۹۸]

۴۰۲ این نسخه شماره ۵ دفتر وبخط تعلیق گ ۵۴ ب ـ ۵۶ ب وچنین است آغاز آن : « هذامختصر کتاب عن‌الفیلسوف ارسطوطالیس وهوسبعة ابواب ...»

[۴۹۹]

۸۷۱ این نسخه شماره ۱۰ دفتر و بخط تعلیق محمدعلی گـ ۱۳۰ ب ـ ۱۳۵ ب وچنین است آغاز وانجام آن : « الحمدلله کماهواهله ... وبعد فهذا مختصر فی‌النفس لارسطو وبناه علی سبعة ابواب‌الاول منها ذکرالوجوه‌التی یدرك منها علم‌الاشیاء ... (فهرست بابها) الباب‌الاول ذکرالوجوه . . . علم‌الاشیاء ان کل موجود اما ان یعلم بحواس واما ان یدرك بوهم ـ فالنفس‌اذن مفکرة عاقلة اضطرارا وبالله‌التوفیق » .

[۳۹۷] نفس (فارسی)

کتاب نفس ارسطو را که در سه دفتراست حنین‌بن اسحاق (۱۹۴ ـ ۲۶۴) بسریانی و گزیده ای از آن را بتازی درآورد که بنـام « تلخیص کتاب النفس » دراسکوریال بشماره ۶۴۹/۳ عربی هست. اسحاق‌پسرحنین م ۲۹۸ همه آنرا بتازی

کرد و در ایاصوفیا نسخه‌ای بشماره ۲۴۵۰ هست. بابا افضل کاشانی ترجمه گزیده حنین را بپارسی شیوائی درآورد (۱) که درتهران بسال ۱۳۱۶ خ بچاپ رسید.

[۵۰۰]

۴۰۲ این نسخه شماره ۸ دفتراست و بخط تعلیق تاریخ ۱۰۷۹ گ ۶۲ ب - ۸۱ ب درطوس دونسخه ازابن ترجمه هست (ج ٤ ص ٤٦ ش ٤٠٢و٤٠٣).

[۳۹۸] **النفس (رسالة فی ...)** (عربی)

این رساله از فیلسوف کندی بغدادی است که ابوریده آنرا درجلد ۱ رسائل او درمصر بسال ۱۹۵۰ ص ۸۰-۲۷۲ بچاپ رساند. کندی دراینجا نفس ارسطو را گزین نموده واز سخنان افلاطون و افیقورس درآن آورد وبروش پلاتون نزدیك گشت.

آغاز: بسمله سددك‌الله لدرك‌الحق واعانك علی نیل مستودعاته.

انجام: فتفهم ماکتبت‌به‌الیك تکن سعیدا اسعدك‌الله تعالی‌فی‌دنیاك وآخرتك والحمدلله رب‌العالمین - تم وکمل.

[۵۰۱]

۳۳۹ این نسخه شماره ۱۹ دفتر و بخط شکسته تعلیق گ ۷۳ الف - ۷٤ ب میباشد و چنین است عنوان آن: « رسالة ابی‌یوسف یعقوب‌بن اسحق‌الکندی فی‌القول المختصر من کتاب ارسطووافلاطن وسائرالفلاسفة » بسیاری ازغلطها چاپی را بااین نسخه میتوان درست نمود نسخه‌ای ازین در طوس ش ۱۰۲٤ (ج ٤ ص ۲۵۲) هست وازپایان کم دارد ومیرسد تا به س ۲ ص ۲۷۹ چاپی.

[۳۹۹] **النفس (مقالة فی ...)** (عربی)

شیخ رئیس این نگارش را بفرمانروای دانش‌دوست امیرنوح‌بن منصورسامانی

---

۱ - بنگرید به: ص ۱ — ٦ — ۱۵ - ۱۷ — ۲۷ — ۳۲ — ٥٦ — ۵۷ همین پارسی و ص ج — ۳ — ۳۲ — ٤۱ — ٤٤ — ٦۳ — ٦۹ — ۱۱۵ — ۱۱٤ ترجمه تازی کتاب نفس از اهوانی وقنواتی چاپ ۱۹٤۹ مصر که پاره‌های ازتلخیص نسخه اسکوریال را آوردند و برابر آن درپارسی کاشانی دیده میشود وازسنجیدن این پارسی با پاره‌هائی ازترجمه کامل اسحاق که درص‌ی‌ك اهوانی آمده پیدا است که ایندوباهم‌بستگی ندارند - نیزدیباچه ارسطوعندالعرب ص۳٤وگفتارنگارنده در ش ۷ و ۸ سال ۸ مهر.

(۳۶۶-۳۸۷) که ازاو بسیار ستوده است ارمغان داد. چون کاوش از نیروهای جان دشوار بود آنرا برگزید و دراین گفتار از سخنان فرزانگان و کتاب خدا درباره خودشناسی آورد و از وحیی که در هیکل یا پرستشگاه اسقلبیوس پیامبر دارای معجزه و درمان کننده بیماران با افسون، نوشته بود (ای مردمی خودرا بشناس تا خدا را بشناسی) (۱) یادنمود و گفت که کاهنان هیکل او نیز چنین بوده‌اند و فیلسوفان پزشکی را از او گرفته‌اند.

این نگارش کوتاه در ده فصل است و شیخ در آن از نیروهای گیاه و جانور و مردمی سخن میراند و در فصل ۸ مراتب نفس و انواع استدلال (ضروری - اکثری جدلی - مساوی خطابی - اقلی سوفسطائی - ممتنع شعری) را میآورد و در فصل ۹ و ۱۰ تجرد نفس و اتحاد آن پس از مرگ باعقل مفارق را ثابت میکند. در پایان میگوید که مباحث بود جان در تن و خوشی و رنج رستاخیز و شفاعت آورندگان دینها و فرشتگان وعرش و کرسی مانده و سخن در آنها بدرازا خواهد کشید و اگر فرمانروا بخواهد جداگانه یادمیکنیم آنگاه بازازوی میستاید (۲).

آغاز: خیر المبادی ما زین الحمد لواهب القوة علی حمده ... فلولا ان العادة سوغت للاصاغر الانبساط الی الاکابر... ولما وجدت العادة قد نهجت هذه الجادة وشرعت هذه السنة ظفرت بقدر نفسی فی الانبساط الی الامیر الاجل السید اطال بقاه بهدیة.

انجام: لازالت الحکمة به مشعشعة (منتعشة) بعد الخمول نضرة بعد الذبول دائمة بدوام دولته ویرجع بایامه ایامها ویرفع بمکانه مکان اهلها ویعز زطالبی فضلها (ان شاءالله تعالی) بمحمد و آله تمت رسالة النفس.

---

۱ - صدرای شیرازی گویا این رساله را دردست داشت که این عبارت را درمبدء ومعاد ص ٤ آورد.

۲ - خزرجی (ج ۲ ص ۲۰) از «مقالة فی النفس تعرف بالفصول» یادنمود وقنواتی در ش ۱۰۲ این رساله را بنامهای «مقالة فی النفس - مبحث فی القوی النفسانیه - کتاب النفس - العشرة فصول» شناساند و گفت که آنرا س. لاندااور (S. Landauer) درمجله خاورشناسان آلمانی با تعلیق و ترجمه بآلمانی بسال (۱۸۷٦) ۲۹ ص ۳۳۵ و پس از آن و فان دیك Van Dyck درقاهره بسال ۱۳۲۵ بنام «هدیة الرئیس للامیر» بچاپ رساندند وترجمه لاتینی آن بسال ۱۵٤٦ وانگلیسی آن بسال ۱۹۰٦ چاپ شد. شمس الدین علاءالدوله آنرا بپارسی کرد - نیز بنگرید به ش ۳۲۷ ص ۳۱۵ ج ٤ فهرست طوس.

[۵۰۲]

۸٦۱ این نسخه شماره ۵ دفتر است و بخط نسخ محمدبن خیرالحاج نادعلی سمنانی در مشهد (طوس) بسال ۱۲۸۳ گ ۵ الف ـ ۱٤ الف .

[۵۰۳]

۱۰۷٤ این نسخه شماره ۳ دفتر است و بخط تعلیق ریز نزدیك ۱۰٦۱ گ ٤۳ ب ـ ۱٦۵ الف .

[٤۰۰] نفس (رساله...) (فارسی)

نگارشی است بفارسی در شناخت روان که در چاپخانه دانش تهران بسال ۱۳۱۵ خ بچاپ رسید و آنرا شیخ رئیس از روی « کتاب‌المعاد » ش ۸٦۱/۹ برای فرمان عالی علائی (علاءالدوله کاکویه) بپارسی کرد. بیهقی ص۱۸۸ ازترجمه کتاب المعاد بالفارسیه یاد نمود .

[۵۰٤]

۱۰۸۹ این نسخه شماره۲ دفتر است و بخط تعلیق محمدتقی تفرشی بسال ۱۳۵۵ ازروی نسخه تاریخ روزشنبه یکم رمضان سال ۷۰۰ گ ۲۰ ب ـ ۳۱ ب. نسخه‌ازاین درطوس بشماره ۷۰۷ نوشته تاریخ ۷۰۰ دردیه جاورسانی‌هست وقنواتی درش ۷۷ و ۱۹۹ ازآن یاد نمود .

[٤۰۱] نفس (رساله...) (فارسی)

این رساله‌بروش فیلسوفان نگاشته شده وخبرهائی چند درآن دیده میشود .

آغاز : بسمله و به نستعین . فصل اول در معرفت نفس انسانی که آنرا نفس ناطقه خوانند .

انجام : تا سخن بحد اطناب کشد والله المیسر للخیرات للحسنات .

[۵۰۵]

۱۰۳۸ این نسخه شماره۳ دفتروبخط شکسته تعلیق مورب گ ۱۹ب ـ۳۰ ب ودرپایان دارد : « بتاریخ غره رجب‌المرجب سنه ۱۰۵٦ دردارالسلطنه حیدرآباد باتمام رسید . . . خاك قدم فقرای باب‌الله محمدباقر اصفهانی .

[۴۰۲] **النفی والاثبات (تلفیق فی ـ)** (فارسی)

خواجه طوسی دراین گفتار از نفی واثبات و معدوم که آیا چیز هست یا نه گفتگو میکند ودلیلهای دوطرف را میآورد .

آغاز : بسمله. تلفیق لمولانا نصیر الملة والدین محمد الطوسی ادام الله فی السعادة والعز ظلاله فی النفی والاثبات ـ بدانکه خلاف است میان علما که آیا معدوم شی هست یا نه .

انجام : وچون عاقل درین مسئله تأمل کند باید که آنچه عقلش اقتضا کند قبول کند والبته تقلید نکند وهمچنین درهیچ مسائل تا خدای تعالی ببرکات راستی دردل او بازگشاید واورا بحل مشکلات وقوف دهد والله اعلم بالصواب .

[۵۰۶]

۱۰۴۶ این نسخه شماره ۴۱ دفتر است وبخط تعلیق گ ۲۸ ب ـ ۲۰۹ الف

[۴۰۳] **نکت فی مایصح ومالایصح من احکام النجوم** (عربی)

فارابی دراین گفتار ازستاره شماری واحکام نجوم خرده گیری نموده وچنانکه دیباچه آن میرساند بدرخواست ابواسحق ابراهیم بن عبدالله بغدادی آنرا نگاشته است بغدادی میگوید که دیری دراین باره میاندیشیدم و با فارابی گفتگوها کردم تااینکه روزی اودفتری بمن داد ودر آن بندها ویادداشتهائی بود که مانااومیخواست هنگام آسایش آنهارا فراهم آورده بساخت کتاب یارساله‌ای در آوردچنانکه همیشه همین کار میکرده است و من همهٔ آنها را نوشته‌ام و آنچه خواسته‌ام در آن یافتم و آنها را برای تونوشتم که اگر بخواهی در آنهابنگری . درپایان میگوید اینهااست یادداشتهائی که بخط فارابی یافتم وبرای خودنوشتم وبرای تو که اگر بخواهی در آن بنگری (ص ۱۱۰ این فهرست) .

[۵۰۷]

۲۴۰ این نسخه شماره ۸ دفتر است وبخط نسخ گ ۳۸ب ـ ۴۲ الف . دراین نسخه دیباچه بغدادی هست .

[۵۰۸]

این نسخه شماره ۱۲ دفتراست و بخط تعلیق گ ٦٤ الف ـ ٦٧ الف. آغاز و انجام
۳۳۹ چنین است : قال ابواسحق ابراهیم بن عبدالله البغدادی کنت شدید الحرص
علی معرفة الاحکام النجومیه ... کتبتها لك لنناملها ان تنشط لذلك ... فضیلة العلم
۵ والصناعات ـ ان کل مقول محذور منه. هذا ماوجد من التذاکیر بخط ابی نصر اثبتها النفسی
وکتبتها لك لتتاملها ان تنشط لذلك والله الموفق لکل خیر. نقلت من خط نقل من خط نقل
من الفارابی علیه الرحمة تمت .

[٤٠٤] نور البصر بحل مسئلة الجبر والقدر (عربی)

محمد خلیل بن محمد اشرف رساله‌ای راکه شیخ مفید از تحف العقول آورده
۱۰ واز امام علی نقی هادی ع دانسته گزارش نمود ودر آن مسئله جبر و قدر را بروش
فلسفی و کلامی واخبای حل کرد .

آغاز : نام خدا و ستایش ـ فیقول العبد المحتاج الی رب الجلیل ابن محمد
اشرف محمد خلیل انه لما وفقنی الله للتأمل فی مسئلة الجبر والقدر .

انجام : لما یحب ویرضی وجنبنا وایاکم معاصیه بمنه وفضله والحمدلله کثیرا
۱۵ کماهو اهله وصلی . . حسبنا الله ونعم الوکیل .

[۵۰۹]

این نسخه بخط نسخ ودرپایان دارد : « تمت فی سنة ۱۲۵۰ » که تاریخ نگارش
۲۸٦ یا نوشتن رساله میباشد .

(۴۳ گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی

۲۰ ۱٦×۲۱ و ۹×۱۵ س ۱۹

[٤٠٥] فیروزیه (عربی)

شیخ رئیس دراین رساله که سه فصل است از ترتیب هستی‌ها و چگونگی
دلالت حرفها ومعانی باطنی حروف مقطع گفتگو نمود وروش تأویل و باطنی وحروفی
شیخ در آن پیدا است .

۲۵ [۵۱۰]

این نسخه شماره ۱۳ دفتراست و بخط تعلیق محمدعلی نزدیك ۱۲۹۹ گ ۱٤۰ ب
۸۷۱ ۱٤٤ الف وچنین است : « بسمله... الرسالة النیروزیة للشیخ الرئیس. کتب الی الشیخ

ابی (بکر) محمدبن (عبدالرحیم) بسمله کل ینزع همته الی خدمة نیروز مولانا الشیخ الامیرالسید ادام‌الله عزته بنعمة یجود بها ذات‌یده ولمارغبت فی ان‌اکون واحدالقوم - ثم بعد هذا اسرار تحتاج‌الی‌المشافهه . . . » درفهرست طوس (ش۳٤۱ ص ٤٤۱ ج٤) شیخ ابوبکر محمدبن عبدالله یا عبدالرحیم یادگردید و این شیخ کسی بود که ابن‌سینا این رساله واضحویه را برای اونوشته واینگونه رازها را برای اوآشکاربداشت واز پایان رساله پیدااستکه رازهای دیگری مانده که شیخ رئیس بایست زبانی باوبگوید ونوشتن‌آنها شایسته نبود (ص ۱٤۱ و ۱٤۷ این فهرست) .

[٤۰٦] **الواحد لایصدرعنه الاالواحد (قاعدة ...)** (عربی)

دراین‌گفتار نخست روشن‌گردید که از یکی جز یکی نیاید سپس فرعهای این قاعده فلسفی آمده و بسیاری از بحثهای فلسفی روی آن حل‌گردید و درآن وجود ذهنی باطل (۷۷ الف ـ ۸۱ الف) و ماهیت مجعول دانسته شده نه وجود . نگارنده درائبات مطالب فلسفی‌تمسك بالفاظ را نیزروامیداند (۸۰ ب ـ ۸۳ الف) واز اثولوجیا هم یاد نمود .

آغاز : بسمله . سبحانك لاعلم لنا الاماعلمتنا انك‌انت‌العلیم‌الحکیم وبعدفانا اردنا فی هذه‌المقالة اولا ذکر الاصل المشهور من‌الحکما وهو ان الواحد لا یصدر عنه الاالواحد .

انجام : هذا آخرماارداربیانه فی هذه‌المقالة والحمدلله واهب‌العقل والحیوة وصلی‌الله علی محمد وآله وسائل‌النجاة . تمت هذه‌الرسالة .

[٥۱۱]

این نسخه شماره ۲ دفتر است وبخط تعلیق با عنوانهای شنگرف ودرپایان ۸۸۰ دارد : «تمت هذه‌الرسالة فی‌العاشرمن شهرصفر... فی سنة ثمانین بعدالالف من‌الهجرة‌النبویة علیه‌افضل‌الصلوة واکمل‌التحیات۱۰۸۰» گ٥٦ب-۱۰۸ب (۷×۱٥س ۱۹-کاغذ سمرقندی) ودرگ٥٦ الف دارد که درروزگارنگارنده گفتار نوشته شده پس اونزدیك به ۱۰۸۰ میزیسته است .

[٤۰۷] **الواردات القلبیة فی معرفة‌الربوبیة** (عربی)

دانشمند صدرای شیرازی دراین رساله که در مجموعه رسائل او در ایران

بسال ۱۳۰۲ بچاپ رسیده است یکدسته ازمسائل نغزالهی را بنام رازهائی که براو گشوده شده است بی آنکه ازکسی گرفته باشد وبروش عرفان واشراق باعنوانهای (فیض) آورد . در این رساله است که از مدرسان و درباریان و محدثان و فقیهان نکوهش میکند (ص ۲۵۷ چاپی) و بیتهائی بپارسی در آن دیده میشود .

[۵۱۲]

این نسخه شماره ٦ دفتر است و بخط نسخ نورالدین محمدکاشی گ ۳٤۷ ب ـ ۳۵٦ الف س ۲۷ ـ درهامش بخط همو دارد که این چهار کتاب (تفکر ـ مبدء ومعاد ـ کلمات نوریه وواردات قلبیه) را با اصل ومسوده‌های آنها بخط خودم در ج۲ سال ۱۱۱۵ برابر کردم و پیداستکه این دفترهمانستکه همین کاشانی درمنتخب التصانیف خویش یادنمودونسخه اصل‌خوداوست. سپس‌دارد : وقف . بامهر(نورالدین محمد) چنانکه درگ ۱ ب و پشت کتاب تفکر نوشت که برفرزندان دانشمندم وقف کردم و مهر اوهم هست . ۲۵۲

[۵۱۳]

این نسخه شماره۳ دفتری‌است دارای ۵ رساله در۱٦۹ گ که دوم آن حاشیه‌ای است ازفاضل شیرازی برشرح مختصراصول بخط تعلیق ریزومورب درسه ستون نوشته‌شده درشام چهارشنبه سال۱۳۰۱ـ این‌رساله دراین‌نسخه بنام «التسبیحات القلبیة» میباشد وبخط تعلیق باعنوانهای شنگرف که اسمعیل بن حاجی ابراهیم درتاریخ صفر ۱۲۰۰ ازروی نسخه برابرشده با نسخه شیرازی نوشته است وحاشیه (منه مدظله) دارد. گ ۹۸ ب ـ ۱۱۹ ب ـ محمدتقی بن محمدعلی مراغی در ۲٤ رجب ۱۲۵۰ (گ ۲ الف) وجعفرقلی بن‌عباسقلی‌خان امین‌الوزاره‌درمحرم۱۳۰۲(گ۱٦۹) ازدارندگان ایندفتر بوده‌اند (نشانه در ص ٤۱ جلد ۱ یادگردید) . ۸۸٤

[٤۰۸ـ٤۰۹] ینبوع‌الحیوة (تازی وپارسی)

چهارده فصل درعرفان یونانی که ازهرمس تریسمگیستوس یامثلث پروردگار ستاره شناسی و پزشکی و کیمیای یونان پنداشته شده بزبان تازی درآمده و بنام زجرالنفس یامعاتبةالنفس وینبوع‌الحکمة یا ینبوع‌الحیوة خوانده میشد. گاهی آنرا بپیروی ازیهودان از ادریس پیامبر میدانستند و هنگامی هم از سقراط یا افلاطون یاارسطومی پنداشتندوازپیشوایان‌شیعی‌نیز آنرا روایت‌نمودند متن‌تازی‌رابادنهاور

Bardenheuer در بون Bomae بسال ۱۸۷۳ بنام زجر النفس چاپ نمود و چندین بار خوری فیلیمون کاتب تا ۱۹۰۳ آنرا در بیروت چاپ کرد. بابا افضل کاشانی سیزده فصل آنرا بپارسی کرد که در ۱۲۸ نشریه دانشگاه بچاپ رسید. (۱) او در نامه خود بدرواکوش ش ۱۷ ر ۴۳۱ از فصول زجر النفس یاد نمود.

[۵۱۴]

۴۰۲ این نسخه بپارسی و شماره ۱۱ دفتر است و بخط تعلیق ریز گ ۱۰۵ ب - ۱۲۲ الف

[۵۱۵]

۴۳۱ این نسخه بپارسی و شماره ۲ دفتر و بخط تعلیق محمدعلی بسال ۱۳۰۱ گ ۱۳ الف - ۷۵ الف میباشد.

[۵۱۶]

۱۰۴۶ این نسخه بپارسی و شماره ۱۸ دفتر و بخط رجبعلی در ۱۸ ذی‌قعده ۱۰۶۱ گ ۸۱ ب - ۹۳ الف میباشد.

[۵۱۷]

۸۸۱ این نسخه بتازی و درشماره ۵ دفتر بخط نسخ محمد بن فتح‌الله بسطامی بسال ۱۰۰۳ درمدرسه رزم ساریه قزوین گ ۱۳ ب - ۳۰ ب واز دوسطر مانده بآخر برگ ۳۰ می پیوندد بآنچه در برگهای ۳۳ و ۳۴ نوشته شده که نویسنده پس از این جسته و نوشت (بنگرید به ش ۱۱ گ ۸۱ ب جنگ ۱۰۳۳) این است چگونگی آن:

آغاز: بسمله و به ثقتی هذا ماوجد من معاتبة النفس لهرمس الحکیم المثلث بالحکمة ویعنی به ادریس النبی وقد تؤثر عن افلاطون الالهی ورواها بعض عن الائمة الطاهرین ع وهی ثلثة عشر فصلا . . . الفصل الاول یا نفس تصوری واستعملی ما انا مورده لك من المعانی العقلیة الموجودة وجودا دائما فما تصورته فقد عقلته واقتینته وتیقنته.

انجام: وقلیل العمل مع العلم به خیر من کثیر العمل مع الجهل به تم کتاب زجر النفس والله ولی التوفیق (گ ۳۰ ب) در گ ۳۳ و ۳۴ ب چنین است: یتهاون بتدبیرها وینصرف بجمیع قوتة الی التلذذ . . . وقلیل من العلم من العمل به انفع من کثرة العلم مع قلة العمل به تمت الفصول الثلثة العشر فی زجر النفس لهرمس من الهرامسه وهو ادریس النبی ع المثلث

۱- نگاه به دیباچه آقای نفیسی بر رباعیات - گفتار دکتر خضیری در رسالة الاسلام ش ۴ سال ۱ ص ۴۰۳ - ۴۱۰ - دائرة المعارف اسلامی کلمهٔ اخلاق و ارسطو.

بالحكمة والفضيلة اراد بالمثلث بالحكمة والفضيلة يعنى انه يعرف مايعرف به الاشياء ويعرف انه يعرفهاولواهب العقل الحمد بلانهاية .

[٥١٨]

١٠٣٣ این نسخه بتازی و شماره ١٣ دفتر بخط شکسته ریز بی‌نقطه تاریخ ج ١ سال ١٠٨٤ گ ٦٣ ب ـ ٨٤ ب میباشد .

آغاز : ستایش ونیایش ـ هذا ماوجد من زجرالنفس لهرمس‌النبی اعنی‌ادریس المثلث بالفضائل شرکنااللہ فی دعائه وهو ثلث عشر فصلاالفصل‌الاول یا نفس تصوری و تمثلی .

انجام : و قلیل من‌العلم . . . العمل به واللہ اعلم تمت‌الفصول فی زجرالنفس لهرمس‌الهرامسة وهو ادریس‌النبیع وقد یسمی‌الفصول ینبوع‌الحکمة ـ نسخه ازاین متن تازی درمجلس ش ٦٣٤/٤ هست . درکنار برك ٦٥ نسخه مادارد « هرمس همان ادریس مثلث بحکمت ونبوت وسلطنت بودواستاد حکماء الهی‌ومبعوث بخلق ومرفوع بآسمان » .

[٥١٩]

١٠٣٥ این نسخه بتازی وشماره ٢٧دفتر ودرص ٢٤٣ وشش بند است که به «یانفس» آغازمیشود و از افلاطون دانسته شده و آغاز و انجام آن چنین است : « هذه مواعظ مشتملة علی تزکیة‌النفس وتحذیرهامن‌الاخلاق‌الردیة مستخرجة من کلام افلاطون کلها علی طریق مخاطبته مع‌النفس (مع نفسه) یا نفس ان مهلکات النفس ثلثة اجناس‌اولهاالشرك وسائرانواعه وثانیهاالظلم وسائرانواعه وثالثهاللذد وسائر انواعه ـ یا نفس حتی متی انت فقیرةهاربة من ضد الی ضد . . . وجمیع ماانت مشاهدة له فی عالم‌الحس فبینما انت فقیرة » وبرابر است بانیمه دوم فصل دوم (س ٤ ص١٠) قانیمهٔ نخستین فصل ٣ (س ٥ ص ١٣) ینبوع‌الحیوة پارسی چاپی .

گفتار سوم

عرفان

[٤١٠] آغاز وانجام (فارسی)

خواجه طوسی این رساله راکه کتابفروشی جهان درشیراز بسال ۱۳۱۸چاپ نمود وتذکره هم نامیده میشود بروش باطنیان اسماعیلی در ۲۰ فصل نوشته اصول عقائد اسلامی را درآن تأویل فلسفی وعرفانی کرد (۱).

آغاز : بسمله ربنالاتزغ قلوبنا... سپاس آفریدگاری راکه آغاز همه ازاوست وانجام همه بااوست . . . دوستی ازمحرراین تذکره التماس کردکه بندی از آنچه سالکان راه آخرت مشاهده کنند از انجام کار آفرینش شبیه برآنچه درکتاب الهی مسطور است . . . از احوال قیامت و بهشت و دوزخ . . . ثبت کند برآن وجه که اهل بینش بعیان می‌بینند نه برآن وجه که اهل دانش بیان میکنند .

انجام : اهل فوزاکبرند فلاتعلم نفس ما اخفی لهم من قرة اعین ... از ثواب و عقاب منزداند چه آخرت برمردم دنیا حرام‌است. الدنیا حرام علی اهل الاخرة والاخرة حرام علی اهل الدنیا وهما حرامان علی اهل الله . اینست آنچه تحریرش درینوقت دست داد (واصلاح سهوها که قابل اصلاح باشند بجای آورند والله ولی التوفیق سبحانك رب‌العزة عمایصفون و سلام علی‌المرسلین . . . الاخیارالصالحین)

[٥٢٠]

۸۹۰ این نسخه شماره ۹ دفتروبخط تعلیق مورب درگ٤١ ب ـ ٥٤ الف میباشد

(همه دفتر ۱۲۹ گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ ضربی

اندازه : ۵ر۱۵×۲۴ و ۱۰×۱۸ س ۲۴

---

۱ ـ خواجه درآغازاشاره میکندکه اینکونه نوشتن دشوار است زیرا « نه هرچه هست نصیب هرکس‌است، ونه هرچه نصیب کسی‌است بتواندید ، ونه‌هرچه بیندبتواندداانست، ونه هرچه بداندبتواند گفت، ونه هرچه بگویدبتواندنوشت . چه‌اگردیدن بعین‌بود، دانستن‌باثر تواند بود واگر دانستن بتصور بود ،گفتن باختیارتواند بود . واگرگفتن بتصریح بود ، نوشتن بتعریض و تلویح تواند بود . ولیس‌الخبر کالمعاینه . فکیف اذاکان‌الخبر بالایماء والاشارة . » ومیگوید اگرآنچه نوشته‌ام قاصر باشد معذورمیباشم .

[٥٢١]

١٠٤٦ این نسخه شماره ١٦ دفتر است و بخط تعلیق رجبعلی نزدیك ١٠٦١ گ ٦٦ الف ـ ٧٣ الف .

[٤١١] آیة‌النور (فارسی)

محمد علی‌نورعلی شاه رقی طبسی سپاهانی (١٢١٢م) این رساله را دراصول وفروع بروش عرفان شیعی‌نگاشته ودر آن (٦٢ب ـ ص ٦٩چاپی) ازمشکوة‌النجاه فقه خود یاد میکند .

آغاز : بسمله و حمد اما بعد بدانکه برهر مکلفی واجب است که سیـاح نظررا دردریای بی‌انتهای فکرت غوطه‌ور سازد .

انجام :

ز یمن مقدم آن شـاه عـادل
جدا گردد زهم تا حق و باطل

والله اعلم بالصواب والیه‌المرجع والمآب .

[٥٢٢]

٨٦٧ این نسخه شماره ٢ دفتر و بخط تعلیق است گ ٥٨ ب ـ ٦٧ ب . و بدینجا پایان میپابد : «گاهی پروانه سوخته جان وگاهی شمع گهی با یاد» برابر با س ٣ ص ٨٠ چاپی درمجموعه عوارف‌المعارف درچاپخانه مظفری شیراز بسال ١٣١٧ ص ٦ ـ ٩٣ بنام « اصول دین وفروع دین ظاهری و باطنی نورعلیشاه با سیروسلوك » .

[٤١٢] ابداعیه (عربی)

قطب‌الدین محمد حسینی مدنی نیریزی (١) این قصیده را درعرفان سروده

---

١ ـ گویند که نسب نیریزی با٢٣واسطه بامام سجاد(ع) میرسد و نیاکان اوازمدینه آمده در نیریز نشستند . خود او نیز در همانجا میزیست و پس‌از فراگرفتن دانشها برای ریاضت بشیراز نزد شیخ علی‌نقی اصطهباناتی ازبزرگان دسته ذهبی کبروی معروفی رضوی رفته پیرواوشد ودرآرامگاه سیدنظام‌محمود داعی‌الی‌الله بیرون شهرشیرازمقامات سلوك‌را

دنبالهٔ حاشیه درصفحه بعد

است .

آغاز : بسمله .

لله حمدالعالمین جمیعهـا والله جاعل نورها و بدیعها

انجام :

والحمدلله الذی اوحی الی قلبی معارفها لدی توقیعها

[٥٢٣]

٣٦٤ این نسخه شماره ٢ دفتری است که دارای ٣ رساله میباشد و خط دوم و سوم درنظم بنسخ ودرنثر بشکسته تعلیق باعنوانهای شنگرف وتصحیح شده میباشد و حاشیه‌هائی ازخود نیریزی با عبارت (منه) و از دیگران دارد ـ گ ٣ ب ـ ٧ ب .

(همه دفتر ٣١٧٠گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج زرد مقوائی حاشیه‌دار
اندازه : ١٤×٢١ و ٧×١٥ س ٢١

مانده حاشیه ازصفحه پیش

پیمود وداماد وخلیفه او شد و دوست ودشمن بدوسرفرود میآوردند . درگردشهای خویش بسیاری از بزرگان را تعلیم داد مانند ملامحراب گیلانی و شیخ احمد احساوی و سیدجعفر نجفی . مولانا شاه محمد دارابی نگارنده « معراج‌الکمال فی‌معنی‌الشیخ والارشاد والمرید والاسترشاد» ازبزرگان فارس ومولانا محمدعلی سکاکی شیرازی (کشته افغانان بشیراز) و مولانا محمد صادق اردستانی که هفت سال در سپاهان با نیریزی بوده است و آقا خلیل سپاهانی که نیز درهمین سپاهان باوی بود و میر ابراهیم قزوینی و میر محمدتقی خراسانی مشهور بشاهی وفاضل‌عارف مشهورکه درطوس وسپاهان باوی بود وسید میرمحمدهاشم‌عارف بحرانی نجف‌نشین که درسال ١١٢٩ درمسجدکوفه او را دیده (و آنچه نادرشاه نیاز داد ودرخواست کرد نپذیرفت) وبسیاری از دانشمندان دیگر درروزگار نیریزی میزیستند ودر قزوین وسپاهان وکاشان وشیرازاورا درانجمنهادیده وگفتگوها میان آنان شد . نیریزی می‌گوید : همه اینها صوفی بودند مگراینکه ازهمدیگر پرهیز می‌کردند وگروهی نادان متفلسف هم آنانرا نمی‌پسندیدند . آقا محمدهاشم شیرازی ازجانشینان نیریزی بود . پسرش میرزاسیدعلی بادانایان یهودگفتگو نمود وگروهی را مسلمان ساخت . نیریزی درروزگار سلطان حسین صفوی (١١٠٥ ـ ١١٣٥) میزیست ونزدیك بسال ١١٣٧ درگذشت . درآن هنگامی که عارفان بدنام ودند و دشنام می‌شنیدند او بکربلا و نجف رفته بود ودرهمان روزگار افغانان بایران‌آمده (٣٧ـ١١٤٢) وکردند وآنچه کردند . نیریزی نگارشهای خویش را درنجف فراهم آورد و اینها است : فصل‌الخطاب ، شمس‌الحکمه ، کنزالحکمه ، انوارالهدایه ، نورالهدایه ، ابداعیه ، قصیده عشقیه بتازی ، مثنوی انوارالولایه بپارسی ، مثنوی منهج‌التحریربوزن مخزن‌الاسرار بپارسی .

بنگرید به : فصل‌الخطاب نیریزی وسرگذشت همو بخامه هدایت (ش ١و٣ر٣٦٤) هدایت نمونه‌ای از سه‌تای اخیررا میآورد وبریاض‌العارفین بازمیگرداند .

[٤١٣] **ابطال وحدت وجود** (عربی)

ملامحمد سعید گیلانی دراین رساله وحدت وجود را باطل میسازد .

آغاز : بسمله الحمدلله رافع درجات العالمین . . . فانی اریدان اذکر اصل شبه القائلین بوحدة الوجود .

انجام : وباقی الالفاظ والعبارات غیرمحتاج الی التفسیر .

[٥٢٤]

٨٧٤ این نسخه شماره ٥ دفتر است درگ ١٤١ ب - ١٧٠ الف و بخط شکسته تعلیق وعنوانهادرهامش بشنگرف.درپایان دارد : تمت الرسالة التی فی التوحید وابطال وحدة الوجود للفاضل مولامحمد سعید الجیلانی بعون الملك الوفی فی بلدة اصفهان سنة ١١٢٩» (ص ١٣٤ این فهرست) .

[٤١٤] **اثبات واجب** (فارسی)

نگارش دانشمند مولانا رجبعلی تبریزی که درص١٣٢ یاد شد . اودردیباچه گفتار فارابی در « فصول مدنیه » راگواه میآورد .

[٥٢٥]

١٠٣٦ این نسخه شماره ١ دفتر وبخط تعلیق میباشدگ ٢ ب - ٨ ب . آغازوانجام آن مانند نسخه ش ٣٧٤/٢ است .

[٤١٥] **اسرار الصلوه** (عربی)

این رساله که در آن ازنماز درسه فصل ازروی قواعد فلسفی وبروش باطنی و تأویل گفتگو میشود از شیخ رئیس دانسته شدگرچه خزرجی و بیهقی از آن یاد ننمودند . درپایان داردکه آنرا درکمترازنیم ساعت باگرفتاریهای فراوان وآسایش اندك نوشتم وازخوانندگان وخردمندان دادگرمیخواهم که آنرا آشکار نسازند . نیزمیگوید خواستم همه عبادتهارادراینجاگزارش دهم مگراینکه پرداختن بکاریکه هرکس را شایستگی آگاهی از آن نیست دشوارمیباشد وهمین که بدوگونه عبادت تن وجان دراینجااشارت کردیم برای آزادگان بسنده است واین رساله را بهوی پرستان نباید نشان داد .

آغاز : بسمله الحمدلله الذی خص الانسان بشرف الخطاب .

انجام : ولذة النظر لایصدق به الاکمه و کتب هذه الرساله بحمدالله . . . فی مدة اقصر من نصف ساعة مع عوائق کثیرة و فراغة یسیرة واعذر من مطالعی هذه الرسالة ومن اسبغ علیهم فضل العقل و نور العدل ان لایفشوا .

[٥٢٦] ٥

این نسخه شماره ١٦ دفتر و بخط تعلیق در ص ٨٠ ـ ٨٨ و دراین نسخه مانند
١٠٧٩ نسخه‌های قنواتی « رساله فی ماهیة الصلوة » یادگردید آنرا « الکشف عن ماهیة الصلوة » هم خواندند. همه آن در کنار نمط ٩ شرح اشارات چاپ ١٣٠٥ ونیمی ازفصل ١ آن (تا س ١٤ ص ٨٢ این شماره) بنام اسرار الصلوة در کنار شرح
١٠ هدایه شیرازی چاپ ایران بسال ١٣١٣ ص ٧١ـ٣٦٨ و نیز همهٔ آن درمجموعه مهرن وجامع البدایع بچاپ رسید (قنواتی ش ٢٢٧) نام ماهیة الصلوة از عنوان فصل ١ آن گرفته شده است .

[٥٢٧]

این نسخه شماره ١١ دفتر است و بخط تعلیق در گ ٧٦ الف ـ ٧٨ بنام
١٠٨٩ اسرار الصلوة و بدین‌جا پایان میابد : « الفصل الثانی فی ان الصلوة منقسمة الی ظاهر و باطن ... وقسم منها باطن وهو الحقیقی ویلزم» ودیگر برکها سفید است .

[٤١٦] **اسرار الصلوة** (فارسی)

شاه نعمة‌الله ولی دراین رساله بروش عرفانی راز نماز را روشن ساخت .

آغاز : الحمدلله رب العالمین ... امابعد روزی جمعی ازشاه نعمة‌الله ولی پرسیدند
٢٠ که نمازچون میگذارید .

انجام : تا ازملازمت عبودیت محروم ننمایند . والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب .

[٥٢٨]

٨٩٠ این نسخه شماره ١٠ دفتر است وبخط تعلیق گ ٥٤ الف ـ ٥٥ ب

[٤١٧-٤١٨] **اسرار الصلوة** (عربی)

قاضی محمد سعید قمی (١٠٤٩-١١٠٣) دورساله درراز نماز نگاشته است :

١- که در ١٣ شوال سال ١٠٨٤ درقم نوشته ورازهای افعال و اطوار نمازرا بروش عرفانی در آن هویداساخت. این رساله در کنار شرح هدایه شیرازی ص ٣٥٧-٣٦٢ بچاپ رسید .

٢- که در آن ارکان وافعال واوراد واذکار نمازرا اشاره بمقامات و درجات عرفانی پنداشت ودرپایان بشرح توحید خویش بازگشت داد .

آغاز : بسمله بعدالحمدوالصلوه اقول یااخواننا الروعانیین واصدقائنا الروحانیین جعل الله اذانکم واعیة ودرجاتکم متراقیة .

انجام : وقد بسطنا القول فی بیان اسرار الصلوة فی شرحنا لتوحید الصدوق . وهذا آخرما اردنا ایراده فی الرسالة علی سبیل العجالة والحمدلله فی الاولی والآخرة .

[٥٢٩-٥٣٠]

١٠٣٠ این دونسخه شماره‌های ١٧و١٩ دفتراست و نخستین بخط نستعلیق و آغاز مطلبها زیرخط سرخ گ ١٧٢ ب - ١٧٦ الف میباشد . دومی بخط شکسته بسیار ریزومورب ودرهامش وعنوانها زیرخط سرخ وبتاریخ ١١٨٧ میباشد گ ١٩٤ الف - ١٩٧ الف .

[٤١٩] **اصطلاحات صوفیان** (عربی)

عارف بزرگوار عبدالرزاق کاشی (م ٧٣٦) دراین رساله از اصطلاحات صوفیان در دو بخش، نخستین بترتیب ابجدی در ٢٨ باب، دوم بترتیب منازل السائرین، گفتگو نمود و آنرا پس از شرح منازل السائرین و شرح فصوص الحکم و تأویلات القرآن نگاشته است.

آغاز : بسمله وهوالمستعان وعلیه التکلان الحمدلله الذی نجانا من مباحث العلوم الرسمیه .

انجام : تم قسم الاصطلاحات والحمدلله رفیع الدرجات والصلوة علی رسوله صاحب الحسنات .

[٥٣١]

این نسخه شماره ۳ دفتراست و بخط تعلیق ریز باعنوانهای شنگرف از نویسندهٔ
٨٥٤ شماره ۱ (شرح قصیده بوصیری در پنجشنبه ۲۰ شوال ۸۱۳ درمدرسه سلطانیه سمرقند در ٤٢ برك) گ ٥٠ ب - ٧٦ ب وحواشی دارد ازلطائف . این رساله کاشی در کنارمنازل‌السائرین ص ٨٦-١٨٢ بچاپ رسید ودرآن و نیزدر نسخه ما بخش دوم دیده نمیشود وگویا بنگاشتن آن نرسید .

[٤٢٠] اصطلاحات صوفیان (فارسی)

سید نورالدین شاه نعمةالله ولی‌بن عبدالله حلبی کرمانی (کوهبنان کرمان ۲۲ رجب ۷۳۰ یا ۷۳۱ - ماهان کرمان ۲۲ رجب ۸۲۷ یا ۸۳٤) (۱) در این رساله
١٠ اصطلاحات صوفیان را بنثر و نظم پارسی شرح میدهد و مانند ترجمه ایست از اصطلاحات کاشی .

آغاز : بسمله . سپاس بی قیاس حضرت واجب الوجودیرا که خواص امت محمدیه را نجات داد وازمباحث علوم رسمیه بمحض‌افضال بی وسیله کسب واعمال ایشانرا بی‌نیاز گردانید .. بیان اصطلاحات‌استدریاب- که‌تاگویم ترادر بیست‌وهشت
١٥ باب (قال شیخ‌الاسلام کمال‌المتعال رحمةالله علیه) باب‌الالف .

انجام : التوحید در نهایات احدیة فرق و جمع است . . . بشرع محمد درا درسلوك - که یابی زسید طریق هدی .

[٥٣٢]

این نسخه شماره ۱ دفتراست و بخط نسخ والفاظ و نشانه‌ها بشنگرف ودرصفحه
٨٧٥ ۱و۲ درجدول زرین‌ودیگر صفحه‌ها درجدول شنگرف گ۲ ب - ٥٦- درپایان دارد : الحمدلله علی ماافاضه‌الوجود ... هواظهارالنعمة ... ولایعدم . س ل » .

---

۱ — بنگرید به : فهرست طوس ج ٤ ص ۳ ۱۰ که از «تذکره دراحوال‌مولانا» بخامه‌عبدالرزاق ابن‌عبدالکریم بن‌عبدالرزاق کرمانی . یادمیکند. اوسر گذشت‌این‌عارف‌رابدستوراامیر نظام‌الدین عبدالباقی (نواده‌همو وکشته دررجب ۹۲۰ درچالدران)درشوال ۹۱۱ ازروی سیرهٔ‌سدیدالدین
٢٥ نصرالله درشیراز مورخ ۹۰٦ گردآورده و پیرداخت. درموزهٔ بریتانیا(Add16,837 XXII ج۲ ص ۸۳۳) نسخهٔ «مناقب‌حضرت‌شاه نعمة‌الله ولی» از عبدالعزیز بن‌شیرملك بن‌محمد واعظی که بعلاءالدین احمد شاه بن‌احمد شاه‌ولی بهمنی (۸۳۸-۸٦۲)ارمغان‌دادهست. احمدشاه ولی(۸۲۵-۸۳۸) نیزازپیروان گرمانی شده‌بود. نسخهٔ «نسب‌خرقه احمدشاه» درهمانجا هست (ص۸۳۲ش XV)

نسخه‌ای ازاین رساله در ۲۸ باب درمجلس (٦٤٦ ص ٤١٣ ج ٢) هست و گفته نشد ازکیست . درفهرست طوس از نسخهٔ چاپ شدهٔ بمبئی بسال ۱۳۱۲ یاد میشود (ج ٤ ص۲۸۰ نیز ص ۱۰۳) این رساله درکنارجنك دارای اشعه‌اللمعات جامی ورساله‌های نسفی وآذری ص ۲۷٤-۳٦٥ بسال ۱۳۰۳ بچاپ رسید .

(همه دفتر ۱۰۹ گ) کاغذ فرنگی ـ جلد مقوا

اندازه : ۱۰×د۱٦ و ٦×۱۳ س ۲۱

[٤۲۱] اصطلاحات صوفیان (فارسی)

این‌رساله چنانکه ازنسخهٔما پیداست برای روشن شدن‌ترانه‌های‌جلال‌الدین رومی (م٦۷۰) وفریدالدین عطار (۵۱۳-٦۲۷) نوشته شده وازسهروردی دانسته شد (۱) لفظهای پارسی و تازی بی‌ترتیب دراین رساله آمده و شرح کوتاهی داده شد مانند : « آرزو : میل باصل آگاهی . کرشمه : التفات » .

آغاز : بسمله الحمدلله رب‌العالمین . . . نظم :

من معترفم که شاهد دل معنی است

لیکن چکنم کـه چشم صورت بین است

قال‌النبی . . . ان‌الله خلق‌آدم علی صورته . چون بلبلان سرمست وطاوسان شگرف بوی‌گل شنیدند درترنم آمدند .

انجام : جست و جوی خرده‌گیری که از تقصیری در وجود آمده باشد و منازعت را نیز گویند والله اعلم .

[۵۳۳]

این نسخه شماره ۹ دفتر است وبخط نسخ با عنوانهای شنگرف تاریخ روز ۸۸۱ دوشنبه ۵ ذی‌حجه سال ۱۰۰۵ گ ۳۸ب ـ٤۱ الف ودرپایان دارد : «تمام شد اصطلاحات که منسوب است بشیخ شهاب‌الدین سهروردی قدس‌الله روحه العزیز ازبرای بیان ابیات واشعارمولانا جلال‌الدین رومی و خواجه فریدالدین عطار رحمه‌الله وامثال ایشان » .

---

۱ ـ این‌درست نیست‌زیرا سهروردی شهیداشراقی‌در ۵۸۷ وشهاب‌الدین‌عمرسهروردی در ٦۳۲ درگذشتند مگراینکه سهروردی دیگری باشد .

[٤٢٢] اصطلاحات صوفیان (فارسی)

این رساله درسه فصل باید باشد : «لفظهای مخصوص بمعشوق ـ لفظهای متداول میان عاشق ومعشوق ـ لفظهای خاص بعاشق» مگر اینکه همه اینها را آمیخته با یکدیگر گزارش نمود .

آغاز : بسمله وبه نستعین الحمدلله رب العالمین ... امابعد بدانکه ... امام جعفر... دربیان این حدیث که خلق الله آدم علی صورته کشف استار فرموده .

انجام : علف شهوات انسانیت راگویند ... بخاطر رسند محفوظ کردند یاکریم بالحق وبالحق علمنا ... وارنا حقائق الاشیاء کماهی . والسلام .

[٥٣٤]

٨٩٠ این نسخه شماره ٨ دفتراست وبخط تعلیق مورب باعنوانها و لفظها بشنگرف وحاشیه‌هائی دارد بشکسته گ ٣٥ ب ـ ٤١ الف .

[٤٢٣] اصطلاحات صوفیان (فارسی)

دراین رساله یك مقدمه عرفانی است و دو مطلب (١ پنج جهان و شش مرتبه وهفت طور ٢ لفظهای عرفانی پارسی وتازی که گزارش میشود) وبسیارروان وشیوا نگاشته شده و واژه های پارسی آن خیلی لطیف تفسیر گردید . کلمه ها بترتیب حرفهای تهجی ابجدی فراهم آمده ولی نه متداول آن (١) .

١ ـ نمونه‌ای ازاین رساله : بنفشه ، نکته راگویند که ادراك بشری بآن راه نبرد وعقده آن بنظر وفکرانحلال نپذیرد ـ بیداری ، عالم صحوراگویند جهت تکمل نواقص . لمؤلفه:
« ز حد شد ناله شبها و بیداری خوش آن روزی
که در کویت کنم خواب اجل درپای دیواری »

بوستان ، مقام دل گشادگی عارف راگویند اعم ازآنکه بمرتبه و مقامی مخصوص باشد بیت :
دوستان دربوستان چون عزم می خوردن کنید
اول از یاران دور افتاده یاد من کنید »

ترسائی ، تجرد و تفرید باطن را گویند درحالت توجه بحق، از صورکاینات ونسب واضافات . شعر :
«زترسائی غر تجرید دیدم خلاص از ربقه تقلید دیدم »

ترانه ، آئین و راه محبت راگویند بروجهی که موجب اشعار بغیرخود بود . بیت :
« مطرب بساز عود که کس بی‌اجل نمرد
وانکس نه این ترانه سراید خطا کند »

[٥٣٥]

این نسخه یك برك ازدیباچه را ندارد وچنین است آغازوانجام آن : «دربیان
٣٢٦ الفاظ مفرده معتبره وبسایط کلمات متداوله معتوره که میان این طایفه از آن
مقوله کلمه وکلام را بلسان عربی وفارسی درسلك نظم ونثر آورده‌اند ...
امامقدمه ، ائمه علم توحید وعارفان مراتب اطلاق و تقیید ـ درمقصد اقصای دل وجان
قدسی التقا تواند شد لمؤلفه :

ای دیده چو عزم دیدار کنی ازاشك ، توغسل نقش اغیار کنی
آلوده ، بطوف کعبه ، ای دیده مرو پاکیزه زاشك ، عزم دیدار کنی

خط آن نسخ تعلیق ازمحمد حسن بن ابوالملوك بن خاقان درروز آدینه ٢٧ ذیقعده
١٢٧٤ وعنوانها ولفتها وعبارتهای تازی، بشنگرف است .

(١٠٦ گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ساده مقوائی
اندازه : ٥ر١٠×١٧ و ٥ر٦×١٣

[٤٢٤] اقرب الطرق الی الله (رسالة فی ...) (عربی)

شیخ ولی تراش ابوالجناب نجم الدین احمد بن عمر طامه کبری خیوقی (خیوگی)
که در ٥٤٠ زاده وبستم مغولان وتاتاردرخوارزم بسال ٦١٨ کشته گردید وازعارفان
بزرگوار ایران بوده‌است اودراینگفتارمیگوید که راه بسوی خداوند باندازهٔ انفاس
آفریدگان است وازسه راهی که یادمیکند : « راه اهل معاملت وسنت ، اهل ریاضت و
مجاهدت و باطن ، اصحاب سلوك وطیران ومحبت وجذبت » سومی را برمیگزیندواز آن
گفتگومیکندو آنرا برپایهٔ مرك ارادی می نهد وده اصل برای آن یادمیکند : « توبه ،
زهد ، توکل ، قناعت ، عزلت ، ملازمت ذکر ، توجه بخدا ، صبر ، مراقبت ـ رضا »
در آن پاسخی آورده شده که ابراهیم خواص بابومنصور داده است .

آغاز : الطرق الی الله بعدد انفاس الخلایق وطریقنا الذی نشرع فیه اقرب الطرق
الی الله واوضحها وارشد .

انجام : لیس بخارج منها الا بزمرته المؤمنة ... الولایة والنبوة وافهم (تفهم) .

[٥٣٦]

٨٥٤ این نسخه شماره ٤ دفتر وبخط تعلیق ریز نزدیك ٨١٣ گ ٧٧ الف ٧٨ب
و چنین است :

« بسمله انه هوالمستعان‌الکریم الحمدلله رب‌العالمین ... فقال‌المولی‌الاجل قدوة الواصلین نجم‌الملة والدین برهان‌الطریقه محی‌السنة ابوالجناب الخیوقی سلام‌الله‌علیه: الطرق ـ النبوة‌والله اعلم‌بالصواب‌والیه‌المرجع والمآب» در برگ۷۹ الف‌نیایشی‌است بتازی، و ۷۹ ب ـ ۸۰ ب داستان آوردن سیبی سرخ و زیبا برای بایزید و سخنان او بپارسی .

[۵۳۷]

۸۷۱ این‌نسخه شماره ٤ دفتراست وبخط نسخ وتعلیق محمدعلی بسال۱۳۰۱درمدرسه سپهسالارمیرزامحمدخان قاجارگ۶۸ الف ـ۷٤ الف وچنین‌است : «قال‌الشیخ السالك‌العارف نجم‌الدین‌الکبری قدس‌الله روحه: الطرق ـ النبوه نفهم‌انشاالله تعالی وصلی‌الله علی خیرالانام ... والتحیة والاکرام » .

[۵۳۸]

۸۸۱ این نسخه شماره ۱ دفتراست وبخط نسخ با عنوانهای شنگرف گ۱ ب ـ ۲ ب وچنین است : « بسمله وبه ثقتی الحمدلله رب‌العالمین ... فقال‌الامام ... نجم‌الملة والدین ... ابوالجناب‌الکبری‌الخیوقی... الطرق ـ تاسعها‌المراقبة وهی‌الخروج عن حولها وقوتها . . . یزول ظلمة اماریة‌النفس مالایزول بثلثین » نیمی از اصل نهم « مراقبت » را دارد وبپایان نمیرسد .

[۵۳۹]

۱۰۳۸ این نسخه شماره ۹ دفتر وبخط شکسته تعلیق گ۷۱ ب ـ۷۲ الف وچنین است « بسمله‌الطرق ـ النبوة فافهم انشاالله تعالی » .

[٤۲۵] **انموذج الآداب** (فارسی)

یکی از عارفان شیعی دراین رساله برصوفیان رد نمود و در آن از اشراقیان وملای روم (۵۳ ب) وسیدعبدالمالی، رونق علی‌بنگالی، زغال علیشاه ، بنگال‌ولی روسیاه ، بهمنیارهمدانی ، رمز یا هیچ مدانی ، عبدالله بلبانی ، شیخ بدخشانی ، علی حیدرچپلاق ، رحیم علی‌قنبر ، مستعلی ، سرخیلی ، نورعلی قمبرعلی ، شوربنکی ، شفیع زرابی ، مهدی‌کهلانی ، شیربیع ازوانی ، بایزید بسطامی ، منصورحلاج یاد کرد وهمه را «کجرو ودارای چنك و بربط وعود و پیاله نوش باده وحدت وجود وموجود و پیروشیطان » دانست . در (٤۳ ب) از ملامحسن (کاشانی) نام برد .

آغاز ؛ و به ثقتی بسمله و حمد و صلوة اما بعد . پس متکف زاویه گمنامی و رونق بخش اساس بی سرانجامی .

انجام :

با بنده بگو هرچه هوای دل تو است

تا با تو چنـان زیم که رای دل تست

[٥٤٠]

٥٧٥ این نسخه شماره١ دفتریست دارای دورساله و بخط نسخ (١٣١ گ) میباشد

(همه دفتر ٢٩٨ ص) — کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج ساده مشکی

اندازه : ١٠×١٥ و٥ر٦×٥ر١١ س ١٧

[٤٢٦] **الانوار الجلیه** (فارسی)

ملاعبدالله مدرس زنوزی تبریزی این رساله را بسال ١٢٤٧ درشرح حدیث « ماالحقیقة » کمیل‌بن‌زیاد بروش تأویل صدرای شیرازی آمیخته با فلسفه و عرفان شیعی نگاشته و در آن (١٤٣ الف ــ ١٤٤) از شرح ملاعبدالرزاق کاشی براین حدیث یاد میکند و پاره هائی از آن میآورد . این بزرگترین شرحی‌است که‌نوشته شد . زنوزی میگوید که فتحعلیشاه قاجار (١٢١١ ــ ١٢٥٠) درسال ١٢٤٥ بفارس که آمد این‌را ازمن خواست ومن آنرا بنام او وشاهزاده علیشاه ساختم .

آغاز : بسمله جل جلالك وتعالی شأنك . . . اما بعد چون سلطان سلاطین ایران وتوران .

انجام : برازدیاد عمر و دولت و شوکت و سطوت شاهنشاهی دعا نماید . الحمدلله الذی وفقنی علی اتمامه .. والصلوة علی‌خیر خلقه ... وذریته سنة ١٢٤٧ .

[٥٤١]

١٠١٣ این نسخه بخط تعلیق و عنوانهای مطلبها درمتن و هامش بشنگرف نوشتهٔ پسر کربلائی قدیمعلی تفرشی میباشد بسال ١٢٥٠ برك ١ ب ١٥٢ ب .

(١٥٢ ص) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی

اندازه : ٢١×٥ر٣٠ و ١٢×١٣ س ٢٠

[٤٢٧] **انوار حکمت** (فارسی)

سید معصومعلی شاه دکنی این رساله را در چند گفتار و هریك در چند بند با عنوان کلمه نگاشته است .

آغاز : الحمدلله الذی نور مصابیح القلوب بانوار حکمته . . . مناجات : الهی بعزت آنهائی (آنانی) که رخش همت درساحت میدان قناعت تاخته‌اند .

انجام : ایضاً کلمه تمام شد (خاتمه تمام) این رساله که موسوم است بانوار حکمت ومتضمن کلام فقرا وعرفا وحکما و ازعیب وتکلف مبرا ومعرا .

[٥٤٢]

٣٥٨ این نسخه شماره ٨ دفتریست دارای ١١ رساله وبخط تعلیق خوش با عنوانهای شنگرف میباشد ٥٥ الف ـ ١٦٣ ب .

(همه دفتر ١٧٨ گ) ـ کاغذ ترمه سپاهانی ـ جلد تازه شده

اندازه : ١٤ · ٢٢ و ٩×١٦ س ١٥

[٥٤٣]

٨٦٧ این نسخه شماره ٧ دفتراست وبخط تعلیق عباسعلی بن نعمت‌الله کرمانی احمدآبادی در ٢٠ ج ٢ سال ١٢١٣ گ ١٢٠ ب ـ ١٣٠ ب .

[٤٢٨] **بستان المعرفة وطاسین الازل** (عربی)

ازسخنان پیچیده ومرموز دانشمند روشن‌بین شهید ایرانی ابوعبدالله الحسین بن منصورحلاج فارسی (٢٤٤ـ٣٠٩) است که بنام طواسین یاد میشود . شیخ ابومحمد روزبهان بن ابی‌نصر دیلمی بقلی فسائی شیرازی عارف (٥٢٢ ـ ٦٠٦) آن را بسال ٥٧٠ دردفترسوم بخش دوم شطحیات بند ببند بپارسی کرد (١) .

١ـ بنگرید به : شدالازار ص٧ ـ ٢٤٣ ـ وکتاب الطواسین حلاج چاپ ماسینیون در پاریس بسال ١٩١٣ ص XIX ـ IX ـ IV ـ VI و ٨٠ و ١٠٥ و ١٠٧ و متن بستان المعرفة وترجمه پارسی آن درص٦٩ تا ٧٨ میباشد. طواسین درچاپی ١١ بخش است: السراج ، الفهم ، الصفا ، الدائره ، النقطه ، الازل والالتباس ، المشیئة ، التوحید ، الاسرار فی التوحید التنزیه ، بستان المعرفة ـ درنسخه ما بخشی از بستان المعرفه هست .

دنباله حاشیه درصفحه بعد

[٥٤٤]

این نسخه شماره ١٤ دفتر است و بخط شکسته تعلیق گ ٨٥ ب - ٨٧ ب
١٠٣٣ و چنین است : « کتاب بستان المعرفة و طاسین الازل من کلام العالم الغریب ذی الشأن العجیب قتیل الدعوی خریق المعنی ابی المغیث الحسین بن منصور الحلاج قدس الله روحه . بسمله و به ثقتی . قال العالم الغریب وقد سئل عن المعرفة ، فقال المعرفة فی ضمن النکرة مخفیة والنکرة فی ضمن المعرفة مخفیة (برابر باص ٩٦ چاپی) - مصون عن مصون الفکر الا، اجل مصون فکری ان اصنه . قیل لما صلب کان یقول الهی اصبحت فی دار الرغائب انظر الی العجائب ... وما احسن فی مثلك ان ینهتك الستر » .

این بود نیمه نخستین این نسخه . در نیمه دوم گفتگوئیکه در نه روز میان حلاج و ابو بکر شبلی شده میآید وچنین است : « قال ابو بکر الشبلی دخلت علیه یوما فوجدته یتکلم بکلام لا افهمه ... مما حفظته انه قال الهی لکل حق حقیقة ... ثم التفت الی وهو بیکی ویقول من اخذه الحق عن نفسه واوصله الی بساط السیر فقد علا...» تا میرسد بپرسشی که روز نهم شبلی از وی کرد : « قال ثم جئت الیه فی الیوم التاسع و سألته عن التصوف فقال : هو حال اجراه بنسیم القرب الیه ، و باعدما سواه ، فلم یوجد الا ایاه . ثم انشد : مددت الی الرحمن من ناقتی کفی - فخوطب من نفسی النفیسة من نفسی . . . رکبت الیه مرکبا کان بحره - لعین عیون الشوق لجته حسی - وهبت نسیم » و بپایان نمیرسد و کم دارد در برگ ٨٥ الف بجای دیباچه بستان المعرفة سرگذشتی کوتاه از حلاج هست با گفتار ابو سعید ابی الخیر و شبلی درباره او بپارسی وچهار بیت بتازی از حلاج(١) باز در برگهای

دنباله حاشیه صفحه پیش

ابن ندیم در فهرست (نزدیك ٣٧٧) ص ٢٧١ از طاسین الازل یاد نمود ، گروه سالمیان (نزدیك ٣٧٠) که از حلاج میستودند گویا از طواسین آگاه بودند و ابو طالب مکی (م ٣٨٠) در قوت القلوب و ابن شمعون (م ٣٨٧) و ابن باکویه (م ٤٤٢) گزیننده اخبار الحلاج وقشیری (م ٤٦٥) در تفسیر لطائف الاشارات وهجویری (م پس از ٤٦٦) در کشف المحجوب و سهروردی شهید (م ٥٨٧) در کلمة التصوف و روزبهان (م ٦٠٦) در تفسیر وشطحیات وعطار (نزدیك ٦٢٠) در منطق الطیر وتذکرة الاولیا و ابن عربی (م ٦٣٨) در فتوحات و ابن نجار (م ٦٤٣) ومقدسی (م ٦٦٠) و تلمسانی (م ٦٩٠) وجلدکی (م ٧٤٣) وجنید شیرازی (نزدیك ٧٩١) وجیلی (م پس از ٨٢٦) و آلوسی (١٢٧٠) از طواسین بهره بردند یا از آن یاد کردند (ماسینون ص XXIV - XI) .

١ - چنین است : شاهباز سبك سیر سلطان ابو سعید ابو الخیر فرموده : سنجنجل الارواح نور علی نور حسین بن منصور درغلوحال بوده درعهد او ازمشرق تا مغرب عالم کسی مثل او اینوادی را نه پیموده . شبلی گفت روزیکه او را درباب الطاق بغداد بردار کشیده بودند بی تاب شده پس بدرگاه ذوالجلال نالیدم و عرضه داشتم که الهی این بنده‌ای بود از اهل توحید مکاشف باسرار عشق و مقبول درگاه ، حکمت دراینواقعه چه بود ؟ خطاب آمد که

بقیه حاشیه درصفحه بعد

٨٤ ب و ٨٥ الف بیتهائی چند و نیز ده رباعی از ابوسعید دیده میشود . از گ ٨٨ تاپایان برخی برگها سفید ودربرخی شعرها وسخنان گوناگون آمده است .

از همین بستان‌المعرفة نسخه‌ای درطوس (ش ٣٨١ ص ٣٦ ج ٤) هست و تنها آغاز آن مانند چاپی است و چنین انجام میگیرد : « لایعرف‌القدمی‌المحدث‌الفانی » وحلاج درآن السیدالغریب ابوعماره یاد شد .

[٤٢٩] بیان‌التنزیل (فارسی)

شیخ‌عزیزبن‌محمدنخشبی (نسفی) فیلسوف‌عارف‌ایرانی‌درروزگارجلال‌الدین خوارزمشاه (٦١٧ ـ ٦٢٨) میزیست‌گویندکه در ٦١٦ بخراسان بود و از مغولان بفارس و ابرقوه‌گریخت و درهمانسال درگذشت ودر ابرقوه بخاك سپرده شد (١) او بدرخواست یاران بیان‌التنزیل را درعرفان نوشت وآن بزرگتر ازکتاب تنزیل وخوردتر ازکشف‌الحقایق و مانند تنزیل برده اصل میباشد .

آغاز : بسمله بنام خدائی‌که بود وهست وخواهد .

انجام : و چون بمبدء خود رسیدند باز او بمبدء عام خواهد بود . تمام شد بیان‌التنزیل بعون وحسن توفیقه والحمدلله رب‌العالمین .

[٥٤٥]

٤٠٥ این نسخه شماره ٢ ودربرگهای ٤٦ الف تا ٨١ الف دفتری است دارای ٢٢ رساله وهمه بخط تعلیق با عنوانهای شنگرف میباشد .

(همه دفتر ١٥٨ گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مقوائی ضربی

اندازه : ١١ × ١٧ و ٥ر٧ × ١٢ س ١٧

بقیه حاشیه ازصفحه قبل

یادلف کوشف سرمن‌اسرارنافافشاها فنزل به ماتری . عرض کردم چون کشی خونش‌هدراست؟ فرمود لادلف من قتلته فانادیته .

للحلاج . انت بین‌الشغاف والقلب تجری ـ مثل‌جری‌الدموع فی‌الاجفان ـ وتحل‌الضمیر جوف فؤادی ـ کحلول‌الارواح فی‌الابدان ـ لیس من ساکن تحرك الا ـ انت حرکته خفی المکان ـ یاهلالابدالاربع عشر ـ لثمان و اربع واثنتان . عطار :

لیك اندر قمارخانه عشق مثل‌منصورکس نباخت قمار

١ ـ ازکشف‌الحقائق او پیداست که اودرسال ٦٧١ کاهیکه لشکرکفاربماوراءالنهر آمده آنجا را ویران‌کردند دربخارا بود ودر ٦٨٠ آنرا بپرداخت و در ج ١ همین سال درشهر ابرقوه فارس بوده است برخی سال مرگش‌را ٦١٦ (سال یورش‌تاتار) و دسته‌ای ٦٦١ یادکردند (ش ٩٣٦ ص ٢٢١ ج ٤ فهرست طوس) .

[٤٣٠] **پاس انفاس** (فارسی)

دانشمند عارف جامی (٨١٧ ـ ٨٩٧) دراین رساله از عرفان سخن رانده ودربارهٔ « حضور ومشاهده خدا » سه راه ذکروم‌راقبه و رابطهٔ با پیر را یادکرد .

آغاز : هو. رساله پاس انفاس من منشآت مولاناعبدالرحمن جامی . بسمله و به التوسل .

سررشته دولت ای برادر بکف آر
وین عمر گرامی بخسارت مگذار

....بدان‌افناك الله عنك‌وابقاك به‌که حاصل طریقه...خواجه بهاءالحق والدین المعروف به نقش بند ... وخلفای ایشان ... بعداز تصحیح عقیده وتطبیق آن بعقاید سلف ... واتیان‌باعمال‌صالحه واتیان سنن ماثوره واجتناب ازمحظورات‌ومکروهات دوام حضور است مع‌الله .

انجام : همگنانرا ازآنچه‌نشایدنگاهدارد وازآنچه‌نبایددرپناه خود دارد .

[٥٤٦]

١٠٣٥ این نسخه شماره ٤١ دفتراست وبخط تعلیق شهاب‌الدین‌الحسینی درپنجشنبه ١٧ شعبان ١١٠٤ درروستای فیض‌آباد خبیص ص ٣٤٩ـ٣٥١ .

[٤٣١] **پند احمد غزالی** (فارسی)

دانشمند احمد غزالی این پند عرفانی شیوا را بدوستی نوشته و اورا « ای عزیزوای جوانمرد» میخواند . درآن ازاستاد ابوعلی‌دقاق وابوبکرکتانی ومعروف کرخی یاد میشود .

آغاز : هو . این وصیتی است که خواجه احمدبن محمدبن محمدالغزالی یکی‌ازدوستان خودرا خاصة فرموده‌است ، اگرچه فائده اوعامست ـ بسمله وحمد و صلوة . . . وما امروالالیعبدالله مخلصین له الدین . و بعد خلق را از برای بندگی آورده‌اند ، نه برای دنیاپرستی . فرمان نیست‌که جز ببندگی مشغول باشند .

انجام : ایزد تعالی‌آن عزیزرا مهبط انواروم‌نزل اسرارگرداناد ؛ وازآفات روزگاروغفلات دوردارد ؛ تاجلیةالحق‌بعین‌الیقین‌بیندو بنهایت‌کاررسد . بمنه‌وجوده .

[٥٤٧]

١٠٣٥ این نسخه شماره ١٦ دفتر و بخط تعلیق ص ١٦١-١٦٢ .

[٤٣٢] **تحفهٔ شطاریه** (فارسی)

این رساله درعرفان است ودر سه اصل (محبت دنیا ـ طالب عقبی ـ صفت طالبان حق) و یك خاتمه . عبارتهای تازی و بیتهای پارسی در آن هست . از حافظ شیرازی (٢٦٣ الف) در آن یاد میشود .

آغاز : بسمله الحمدلله رب العالمین ... این رساله وصیت‌نامه‌ای است ووصیت آنستکه یکی بیند و یکی داند و یکی گوید و یکی جوید .

انجام : برباد شد رفتارمن . گشتم خجل چون منکسر . الکلام .

[٥٤٨]

٨٦٧ این نسخه شماره ٢٠ دفتر و بخط تعلیق گ ٢٥٩ ب ـ ٢٦٧ ب و برگهای ٢٦٩ و ٢٧٠ نیز سخنانی است عرفانی .

[٤٣٣] **تحفة العابدین** (عربی)

سیدمهدی طباطبائی حکیم این رساله را درپارسائی وتصوف نگاشته است .

[٥٤٩]

٩٩٤ این نسخه چاپ چاپخانه ادبیه بیروت بسال ١٣٠٧ است وشماره ٥ ایندفتر ودر ٤٢ ص از گ ١٢٢ الف تا ١٤٣ ب .

(همه دفتر ١٥٩ گ ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی

اندازه : ٥ر١٠×٥ر١٧ و ٦×١٥ س ٥ تا ٢٤

[٤٣٤] **تحفة العشاق** (فارسی)

درعرفان آمیخته بااخبارشیعی است ازمحمد کریم شریف قمی (گ ٦ب) (١)

---

١ ـ دردیباچه نام کتاب ونگارنده‌آن یاد شد . پیداست که اوشیعی است ویاد میکند از : خواجه طوسی و اربعین ومفتاح‌الفلاح شیخ و مولانا محمد باقر خراسانی که نخست از صوفیان بد میگفت وسپس درمنبرها و مسجدها آنانرا میستود و از شیخ‌الطائفة الاثناعشریه صفی‌الدین و قطب زاهد شیخ ابراهیم گیلانی . درباره رشته سند اجازه و کلاه و خرقه شیخ صفی بدینگونه از شیخ صدرالدین میآورد : شیخ صفی‌الدین ، شیخ ابراهیم گیلانی ، شیخ

دنبالهٔ حاشیه درصفحه بعد

ودریك مقدمه (پند و اندرز) و ١٤ باب (توحید ـ شریعت و طریقت و حقیقت ـ ولایت ـ تصوف ـ عشق عفیف ـ ذکرخفی‌وجلی ـ صوت حسن ـ فقر ـ کم خوردن ـ تنهائی و اعتکاف و کمخوردن حیوانی ـ شال پوشیدن ـ کرامات و خواب ـ شطح وطامات ـ رجال‌الغیب) قمی‌این کتاب را برای پاك ساختن صوفیان از آلایش‌وحدت وجود ودیگرچیزها نوشت وتصوف را باخبرهای شیعی سازش داد وازسخنان شیخ صفی بسیار آورد .

آغاز : بسمله وبه ثقتی . سپاس وستایش پروردگار کریمی که حدایق ریاض ممکنات را از بیداء ظلمت آباد عدم بصحراء وجود آورد .

انجام : اگر . . . شهرت بین‌العوام مردد بوده این ضعفا ارباب بحث نبوده بامباحثه ومجادله رجوعی ندارد . . . وزبان حال و مقال اهل وصول و وصال باین مناجات . . . علی‌بن‌الحسین . . . درهمه احوال ناطق وگویا است سبحانك مااضیق الطریق . . . وان تجعلنا من محبیهم ومواليهم بمنك وکرمك الحمدلله . . . وصلی‌الله علی محمد وآله . . . آل طه ویسن .

[٥٥٠]

٣٨٨ این نسخه بخط تعلیق و عربیها بنسخ و عنوانها شنگرف و بیتهاگاهی زیر خط سرخ وبرخی جاهاحواشی دارد . کوشه پائین ٤ برك نخستین پاره شده وکاغذی ازنو چسباندند وبسیاری ازعبارات آنجا خوانده نمیشود .

(٨١ ٣) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج سفید فرسوده

اندازه : ١٩ ٠ ٢٩ و ٥ر١٢ ٠ ٢١ س ٢٣

مانده حاشیه ازصفحه پیش

جمال‌الدین ابهری ، شیخ قطب‌الدین ابهری ، شیخ نجیب‌الدین سهروردی ، قاضی وجیه‌الدین بکری ، محمدبکری ، پدراو ، احمد اسود دینوری ، ممشاد دینوری ، شیخ جنید بغدادی ، سری سقطی ، معروف کرخی ، داود طائی ، حبیب عجمی ، حسن بصری ، علی‌ابی‌طالب ، پیامبر . دراینجا ناگزیرمیشود اخباری‌راکه‌درکتابهای شیعه‌درنکوهش حسن بصری‌آمده است نادرست بداند وخبرهای کتاب احتجاج راکه دراین‌باره آمده مجهول بشمارد . حدیثهائی ازمجلس ٥١ امالی شیخ درستایش حسن میآورد . درگ ٥٨ب ازعوارف‌المعارف سهروردی‌وشرح دیوان ملامیرحسین ومصابیح‌القلوب‌ملامحمد حسین‌کاشفی نویسنده روضة‌الشهدا و شیخ بهائی یاد میکند .

[۴۳۵] ترانهٔ زرین (فارسی)

از گروه فوثاغورسی (۱) پندها واندرزهائی درباره زندگی اجتماعی وسیاسی

۱ـ فوثاغورس یاپوثاگورس (۵۷۰ـ۵۰۰پ م) فیلسوف ساموسی رهبر گروه علمی ودینی وسیاسی نهانی در کروتن (قروطونیا) نزدیك ۵۳۰ بوده است این گروه مانند دسته‌های ارفئوسی دستور پاکیزه خوئی ونیکرفتاری وپارسائی بکسان خویش میدادند و بجهانشناسی ایونی و دانش ریاضی و طبیعی میپرداختند. اینان دشمن فرمانروایان خودکام (طرانه) بوده از ۵۱۰ با مردم کروتن جنگیده فرمانروائی گرانمایگان خردمند را درآنشهر بنیاد گذاردند و بآرخونها (اراکنه) دستور دادند که کارنامه‌هائی برای جوانان بنویسند وبدانها بیاموزند. زن ومرد بانجمن فوثاغورس میآمده و پندهای او را میشنودند. این گروه تا ۴۶۰ برآن شهر چیره بودند تااینکه میان ۴۵۹ و ۴۵۰ پیش‌ازمسیح مردم شوریده خانه‌آنها راسوزاندند وچهل کس ازآنها بکشتند وبسیاری ازآنها گریختند. گرچه نشانه‌هائی ازجنبش آنان درسیراکوز وثبس پس‌ازاین دیده میشد.

اینان تا ایتالیا وسیکیلیا نیزرفته پیروانی پیداکردند. دستهٔ نخستین این گروه تامرك پلاتون بوده‌اند ودومین دسته فوثاغورسیان که نوپوثاگورسی خوانده میشوند تا نزدیك بسده یکم مسیحی میزیسته‌اند. درگروه فوثاغورسی زنان و بیگانگان (بربرها) نیزراه داشته‌اند مانا میخواستند یك آئین جهانی نه یك کیش شهری بنیاد گذارند.

این بودکه نوکاران را بنام نیوشندگان (نغوشاك = سماعیه) وآزمودگان را بنام یاران (صدیقیه) میخواندند و دستورهای زندگی و برنامه‌کار می‌نوشتند و بآنان میآموختند. بیشتر نوشته‌های این گروه ازخود فوثاغورس نیست وساخته پیروان است و از آنها است همین ترانه زرین. فوثاغورسیان میبایستی بهمدیگر کمك کنند و همه گوش بفرمان استاد ورهبر باشند وتنها سخن اورا داور بدانند. کارآموزان میبایست بآزمایش درآیند و درست آشنا شوند و آنگاه بانجمن راه یابند و پیروان بایست درخوراك وپوشاك وسرودها و نیایش از دستور پیروی کنند. کسانی هم بودند که از بیرون با این گروه وابسته بودند بی‌آنکه بهمه رازها آگاه باشند. این گروه مانند یسوعیان بودند وباطنیان واخوان صفا نیز ازآنان دربسیاری از چیزها پیروی نمودند مانند: انجمن‌نهانی و دستور و کارنامه پیروان و انگیزه بسوی پارسائی و خوشخوئی وگرایش بتناسخ و پرداختن باعداد. چنانکه سرگذشت این‌دو گروه مانند آنها نیز افسانه‌آمیز شده بود.

(بنگرید به: عیون‌الانباء خزرجی ج ۱ ص ۴۰ که سرگذشت آنها را ازگفته فرفوریوس آورد ـ تاریخ فلسفه برهیه ج ۱ ص ۵۰ وآلبرریو و ج ۱ ص۳۲ـ تاریخ

دنباله حاشیه درصفحه بعد

در ۷۱ بیت بزبان یونانی بیادگار مانده که برنامه کار برای پیروان این گروه بوده است. گویا ریشهٔ آنها چکامه هائی بود که شاعران الهی دستهٔ ارفئوسی در سده ۵ سروده وهم درسبك وهم درمعنی بلند وجدی وتند ومانا سرایندهٔ نیکوکاروپاکیزه سرشت و شوریده‌ای آنها را ساخته است (لاروس سده ۱۹ و ۲۰) گویند این پندها که ترانه زرین (خروسا اپی (Les vers dorés) (۱) میخوانده‌اند از لوسیس (Lysis) دانشمند سده چهارم پیش‌از مسیح که در روزگار ارخوتاس فوثاغورسی میزیسته است میباشد و از سخنان امپدکلس و سوگند فوثاغورس و گفته‌های هسیودوس وخیرمون و کریسفوس و اندروکیدس و فیلولائوس گرفته شده است. اثیناوس مصری بسال ۲۰۰ مسیحی آنها را میشناخت (دیباچه جاویدان خرد بدوی

مانده حاشیه صفحه پیش

مسائل فلسفی ژانه ص ۹۲۰ - B.Brasillach از Antlnologie de la poésie grecque چاپ پاریس ۱۹۵۰ ص ۱۰۸ دراینجا پاره‌ای ازمتن وترجمه فرانسوی ترانه زرین دیده میشود و در لاروس سده ۱۹ هم چند بندی ازاین ترانه هست که تا اندازه‌ای نزدیك بمتن پارسی و نازی میباشد.

ابن ندیم ص ۳۴۲ میگوید بوثاغورس نخستین فیلسوف بوده و نخستین بار حکمت را فلسفه نامید واوراست نامه‌هائیکه به «ذهبیات» نامبرداراست چه جالینوس آنها را بس بزرك میداشته بآب زر می‌نوشت وخزرجی برآن میافزاید که «رساله ذهبیه» را جالینوس هرروزه میخواند و بدان می نگریست (ج ۱ ص ۴۳) در کشف الظنون (چاپ تازه ص ۱۴۷۰ و ۲۰۱۲) از «وصایاء» فوثاغورس نگارش ابی‌العباس احمدبن محمدبن مروان بن الطیب سرخسی شاگرد کندی و کشنه در ۲۸۶ که ما ناگزارشی است ازسرخسی برآن ونیز از «وصایافیثاغورس الذهبیة» که برقلس (پرکلس) افلاطونی تفسیرنمود یاد میکند. متن تازی آن درجاویدان خرد (الحکمة الخالدة) مشکویه رازی آمده (چاپ بدوی در ۱۹۵۲) وخزرجی (ج ۱ ص ۴۱) اندکی ازآنرا ازمختارالحکم ومحاسن الکلم ابن فاتك آورده است. الیشمن Elichmann آنرا بالغزقابس Kebes بسال ۱۶۴۰ چاپ کرد و گزارش گسترده‌ای ازاینودراسکوریال بشماره ۸۸۸ هست. ترجمه پارسی آن درجاویدان خرد فارسی (چاپ سنگی ۱۲۴۶ یزدگردی = ۱۲۹۴) ودر کنوزالودیعه الی رموزالذریعه (ش ۳۹۴) در نمط سیم پایان دیده میشود. پارسی دونسخه ما دردانشنامه (شماره ۱ بنگاه پایدار ۱۵ خرداد ۱۳۲۶ خ ص ۱۸ ـ ۱۹) بچاپ رسید.

۱ — Golden verses - Golden Spruche

ص ٤٤ ـ ٤٨) دانشمندان خاوری نیز ازاین ترانه‌ها آگاه بوده و آنها را وصایاء ذهبیه (دونسخه ما) یا رسائل ذهبیه (ابن‌ندیم) یا رساله ووصیة ذهبیة (اخوان صفا) مینامیدند . حنین اسحق درنوادرالفلاسفه ازسفارش و پندیکه جالینوس آنرا زرین « الوصیةالذهبیة » میخوانده است یاد نمود . اخوان صفا که از جهانشناسی ریاضی فوثاغورسیان آگاه بوده و در روش کار انجمن نهانی خویش درست از آنها پیروی میکرده‌اند دردفتر ۱ و ۲ بخش ۳ رسائل سخنان آنها را آورده دردفتر ۳ بخش ۱ ودفتر ۳ بخش ٤ (ج۱ ص ۹۲ و ج ٤ ص ۱۰۰) عبارتی ازهمین ترانه یاد کردند وازسخن آنهاچنین برمیآید که این‌ترانه پندی‌است ازفوثاغورس بدیوجانس . صدرای شیرازی درمبدء و معاد ص ۲۳۳ و مظاهر ۲۸۷ همان عبارت را آورد که درترجمه پارسی ما دیده نمیشود . باز اخوان صفا درالرسالة الجامعة (ج۱ ص۳۰ و ۱۷۳ و ۷۲۲ و ج ۲ ص ۳ و ۲۳) ازاینکه ساختمان جهان بگفته فوثاغورسیان برروی شمارگذارده شده یاد نمودند .

[٥٥١]

۳٤۰ این نسخه شماره ٥ دفتر است و بخط تعلیق ریز خوش نزدیك ۱۲٦۰ گ ٥٦ ب ـ ٥٧ ب .

[٥٥٢]

۱۰۳٥ این نسخه شماره ۱٥ دفتر وبخط شکسته تعلیق ص ۱٦۰ـ این دونسخه اندکی ازهم جدائی دارند .

[٤۳٦] تفسیر آیه دخان (عربی)

این گفتارازشیخ رئیس‌دانسته شده ودرکنارشرح هدایه شیرازی ص ۸ـ۲۹٦ بچاپ رسید و بروش تأویل فلسفی نگاشته شده و از خردهای آسمانی در آن یاد گردید .

[٥٥۳]

۸۷۱ این نسخه شماره ۱٤ دفتراست وبخط تعلیق گ ۱٤٤ الف ـ ۱٤٥ ب (قنواتی ش ۲۰۷) .

[٤٣٧] تفسیر « کنت کنزا مخفیا » (فارسی)

این گفتار درشرح این عبارت بالا است که ازحدیثهای قدسی بشمار آوردند وعارفان بیشتر از آن یاد میکنند .

شارح در آغاز اشکالی بر آن میکند ومیگوید : خدا از که نهان بود وخواست خودرا هویدا سازد ؟ ازخود اگر نهان بود پس بخود آگاه نبود . دیگری هم نبود که او از وی نهان باشد .

آغاز: بسمله . قال الله تعالی : « کنت کنزا مخفیا فاحببت ان اعرف فخلقت الخلق لکی اعرف » قبل ایجاد العالم والآدم از که مخفی بود .

انجام : سئوال روح انسانی از نورذات حق بظهور آمد یا ازصفات ؟ جواب بقول بعضی از نور ذات و بقول بعضی ازصفت جمال و جلال . کماقال قطب الاقطاب شیخ نجم الدین الکبری عن سید العارفین ابوبکر الواسطی رحمة الله علیهما قال : « تصادم صفة الجمال وصفة الجلال فتولد منهما الروح المحمدی . وصلی الله علی سیدنا محمد وآله . تم بعون الله .

[٥٥٤]

٣٣٩ این نسخه شماره ٣٠ دفتر وبخط تعلیق گ ٨٦ الف ـ ٨٧ ب .

[٤٣٨] تفسیر « لااله الاالله » (فارسی)

این گزارش عرفانی ازجامی است .

آغاز: بسمله . من طلب البر من الباری فهو مشرك بالباری . عشق دوئی بر نتابد قبله گاه وی ذات معشوق است و بس .

انجام : شایسته سرلایز الی نکنی . و الحمدلله وحده . . . یهدی من یشاء الی صراط مستقیم

[٥٥٥]

٨٦٧ این نسخه شماره ١٦ دفتر است وبخط تعلیق گ ٢٥١ الف ـ ٢٥٢ الف .

[٤٣٩] التمهید فی شرح قواعد التوحید (عربی)

این دفتر گزارشی است از صائن یا ضیاءالدین علی ترکه خجندی نگارنده

مفاحص برقواعدالتوحید نیای خویش صدرالدین خجندی (۱) و در آن دو توحید عرفانی و وحدت وجود با برهان منطقی روشن میگردد و همچنین آشکار میشود که روش ریاضت صوفیان و علم شهودی آنان راهی است درست . صدر خجندی مانند اسپینوزا که فلسفه و اخلاق را بساخت ریاضی درآورده بعرفان ریخت قیاس

---

۵ ۱ــ خاندان ترکه ازمردم خجند ودانشمندانی شیعی وترك زبان بوده‌اند وچهار تن ازآنها دراینجا یاد میشود :

۱ــ فیلسوف عارف سده هشتم صدرالدین ابوحامدمحمدبن حبیب‌الله ترکه خجندی سپاهانی نگارنده «الاعتمادالکبیر ـ الحکمةالرشیدیة ـ الحکمةالمنیعة ـ قواعدالتوحید وجود مطلق » .

۱۰ ۲ــ نواده او صائن یا ضیاءالدین علی‌بن محمدبن صدرالدین محمد ، فیلسوف عارف و نگارنده « اسرارالصلوة ـ علم‌الحروف ـ شرح فصوص‌الحکم ـ شرح گلشن راز ـ شرح یائیه ابن‌فارض (م ۶۳۲) ـ شق‌القمر ـ مفاحص » و دو کتاب بنام « نفثة المصدور » در رد دشمنان خویش . او درروزگارشاهرخ میرزا (۸۰۷ ــ ۸۵۰) پسر تیمورگورگان درهرات میزیست وی بدستور او بداوری شهریزد گمارده شد و بتهمت
۱۵ تصوف آزارها بدید ودرسال ۸۳۰ درهرات درگذشت .

۳ــ افضل‌الدین محمدصدرترکه خجندی سپاهانی ترجمان مللونحل شهرستانی بپارسی بنام « تنقیح‌الادلة والعلل فی ترجمة کتاب‌الملل والنحل » که درروز یکشنبه ۱۳رجب۸۴۳ درکوی نیماورت سپاهان آنرا ببرداخت گویا برادر یاپسرعم صائن‌الدین بوده است . اورا در ۸۵۰ بفرمان شاهرخ بدارآویختند .

۲۰ ٤ــ افضل‌الدین محمد ترکه قاضی شاه تهماسب صفوی (۹۳۰ـ۹۸٤) که قاضی عسکر صفویان بوده ودر ۹۹۱ درگذشت (عالم‌آرا ص ۱۱۵) .

بنگرید به : ذریعه ج ٤ ص ٤۳٤ ـ ریحانة‌الادب ج ۱ ص ٤۱۲ ـ دیباچه ترجمه ملل و نحل چاپ تهران ـ پشت برك ۱ تمهیدالقواعد چاپی گفتار شاهزاده عمادالدوله از«جامع‌الاسرار» سیدحیدرآملی که درآنجا (ش۳٤۱گ۲۳٦) میگوید : «ابوحامد صدرالدین سپاهانی ترکه ازفلسفه بتصوف پرداخت ونگارشهادرآن دارد ازآنهااست
۲۵ «وجود مطلق» که درآن وجود مطلق و بداهت آنرا ثابت نمود وروشن ساخت که هستی چنانکه صوفیان میگویند درخارج هست ودر آغاز آن گفت : امابعد فان تقریر مسئله‌التوحید علی‌النحوالذی ذهب الیه‌العافون ... وبصلان قول‌الطاعنین‌المنکرین (تا س ۳ ص ۲۸ چاپی) ـ درهامش روضات‌الجنات ص ۲۰۲ ازگفتگوئیکه میان خواجه افضل‌الدین محمد شیر ترکه اصفهانی دانشمند امامی با میرزا مخدوم شریفی و مولی
۳۰ میرزا جان باغنوی وابی‌حامدبن نصرالبیان شیرازی درباره روش جبری صوفیان شده یاد میکند .

واستدلال داده است. شارح گاهی از شیخ رئیس و شیخ اشراق و از نیای خویش بنام «ابو حامد ترکه» یاد میکند.

[٥٥٦]

٤١٣ این نسخه همان چاپ تهران سال ١٣١٥ است که شادروان میرزا یدالله نظر پاك کجوری آنرا تصحیح وحاشیه کرد (١٤×٥ر٢٢ص٢٣٤ جلد تیماج سبز مقوائی) دراین دفتر مفتاح مفاتیح الفصوص المسمی بالنصوص از صدرالدین محمد بن اسحاق قونوی م ٦٧٣ ورساله وحدت وجود حکیم آقامیرزا محمدرضا قمشه‌ای که بفصل نخستین شرح فصوص الحکم قیصری می‌پیوندد واثنی عشریه منسوب بمحیی‌الدین اعرابی (٥٦٠-٦٣٨) نیز بچاپ رسید درهامش رساله طریق التصوف محیی‌الدین است که بدرخواست فخررازی نوشته است وهمچنین مفتاح الغیب (احدیة الغیب) قونوی.

[٤٤٠] جامع الاسرار ومنبع الانوار (عربی)

دانشمند عـارف شیعی سید حیدر بن علی بن حیدر عبدلی (عبیدی) آملی بغدادی حلی (زنده در ٧٣٥ تا ٧٨٧) که از آمل ببغداد آمده ودرروزگار فخرالمحققین محمد حلی و نصیرالدین کاشی حلی میزیست و با آنان آمیزش داشت، ازجوانی در عرفان بروش شیعی دوازده امامی بررسی نموده میان آندو سازگاری داد. او بسیار بمحی‌الدین اعرابی میگرائید و اورا رهبر یکتاپرستان مینامید. آملی بدرخواست فخرالمحققین «رافعة الخلاف فی وجه سکوت امیرالمومنین عن الاختلاف» نوشت(١)

١ ـ بنگرید به: مجالس المومنین مجلس٦ ـ روضات الجنات ص ٢٠٢ ـ الکنی والالقاب در کلمه آملی ـ ص١٨١-١٨٣ همین فهرست ـ آملی «الکشکول فی ماجری علی آل الرسول» دارد و «رسالة الامانة» وچهار تفسیر قران که چهارمین آن بروش تأویل است واینها رابتورات وانجیل وزبور وقران مانند نمود. نیز «جامع الحقایق» و «امثلة التوحید» و «العلوم العالیه» در ٧٨٧ والمحیط الاعظم» در ٧٧٧ و «شرح فصوص یا نص النصوص» که درآن سخنان محیی‌الدین وشارحان همه‌را بجزدرباره وحدت وجود رد کرد. وی‌دردیباچه جامع الاسرار از «رساله منتخب التأویل» خود که درعرفان است (نیز درگ٢٦١ب) و «رسالة الارکان» فی فروع شرایع اهل الایمان بمذاق کل من ارباب الشریعة والعرفان که درفقه وعرفان است و «الرسالة التتریة» خود یادمیکند. میگوید که صوفیان یاپیرو کمیل هستند یاحسن بصری یاصادق٤ که همه اینها شاگرد علی٤ میباشند(٢ب) بازیادمیکند از: کمیل وبایزید بسطامی وجنید بغدادی (٢٩٢ الف) واز صاحب اخوان صفا وعبارتی ازآغاز دفتر١ بخش٣ (ج٣ص٣-١٨٢) درآن آمده (١١١ الف) واز شیخ رئیس که عبارتی ازاو درباره اینکه نمیتوان بکنه چیزها رسید وخدا

دنباله حاشیه درصفحه بعد

آملی درجامع الاسرار عرفان را بروش شیعی ثابت نمود و آنرا «جامع اسرار» خدا بر روی قاعده صوفیان وشیعیان نامید و در آن از سخنان بسیاری از دانشمندان گواه آورد که ازفلسفه بتصوف پرداختند. کتاب دارای سر آغاز ودیباچه ای است درپوشیدن رازها وسه اصل هریك درسه قاعده (۱ درتوحید ۲ سخنان خدا وپیامبران وپاکان وپیران درباره آن ۳ راز دینهای خدائی و دارندگان شریعت و طریقت وحقیقت درهمان توحید).

آغاز: الحمدلله الذی کشف عن جماله المطلق حجاب الجلال المسمی بالکثرة . . .

مانده حاشیه صفحه پیش

را نتوان درست شناخت آورد (۲۲۸) وهمچنین شعریکه شیخ دردم مرگ میخواند و درپایان «سرگذشت» نسخه ش٦/٤٦٩٤ کتابخانه ملی ملك ونسخه ش١٢١٦ص١٦-٢٢ کتابخانه سپهسالاردیده میشود (۲۳۵ب) ونیز ازمحیی الدین درچندین جا وفتوحات او وفصوص او (گ۱۰۸ب و۱۱۳ الف و۱۸۵ب و۱۸٦ب) واورا بسیارمیستاید ودرباره اوشیخ اعظم میگوید (۲۳۱الف) نیز ازمنازل السائرین هروی وشرح کاشی (گ۱۵۵ واز قیصری (۱۸۷ب و۱۹۹ب) وصدرالدین قونوی (۲۰٦الف) وفخررازی وشعر او: «نهایة اقدام العقول عقال...» ۲۲۲ب وازاشراقیان ومشائیان (۲۳۰الف). آملی بسیاری ازدانشمندان را عارف میشمارد ودرباره برخی گوید که ازفلسفه وعلم رسمی برگشتندو بعرفان پرداختندمانند غرالی (۲۳۵الف و ۱۰۸ب) وافضل الدین خونجی وافضل الدین کاشانی وعفیف الدین تلمسانی (۲۳٦الف) وشرح منازل السائرین او (۲۲۳ الف) و صدرالدین سپاهانی ترکه (۲۳٦) وسعدالدین حموی (۱۱۳الف)

او بسیار باین دانشمندان ارج می نهد وازکتابهایشان نام میبرد: فصول طوسی (۲۳٤ الف-۲۲۸ب) وآغاز وانجام واوصاف الاشراف او (۲۳۵الف) ومناهج الیقین ومنهاج الکرامه وشرح النظم علامه حلی وشرح نهج البلاغه صغیر وکبیر کمال الدین میثم بحرانی ومناهج العارفین فی شرح کلام امیرالمومنین الموسوم بالمائة کلمة همو واز استادش علی بن سلیمان بحرانی وازعبدالرزاق کاشی وتأویلات او (۲۳۷الف و۲٦۸الف) وازسمرقندی وطوسی (۱۰۸الف) درذریعه دنبال کلمه تأویلات (ج۳ص ۳۰۸) میگوید که این آملی جزسیدحیدر بن علی نگارنده «الکشکول فیما جری علی آل الرسول» است که در ۷۳۵ نوشته شده وپس ازاومیزیست و نیزجز سید حیدر بن علی بن حیدر مجاز از فخرالمحققین بسال ۷۵۹ میباشد ولی شوشتری درمجالس المومنین «الکشکول» را ازهمودانست. درروضات الجنات مینویسد که آملی جزسید قطب الدین حیدر تونی وفخرالدین حیدر بن علی بن ابی علی محمد بن ابراهیم بیهقی که پسر علامه رسالة النیة را برایش نوشت میباشد.

اما بعدفانی لمافرغت من رسالة منتخب‌التأویل المشتملة علی بیان کتب‌الله الافاقیة والانفسیة .

انجام : اقول ایضا فی آخر الکتاب ماقدقلت فی اوله‌لان‌النهایات هی‌الرجوع الی‌البدایات واقطع الکتاب علیه وهوهذا: لقدکنت قبل‌الیوم انکرصاحبی ـ اذا لم یکن قلبی‌الی‌دینه‌دان ـ لقدصارقلبی قابلا کل‌صورة ـ فمرعی‌لغزلان ودیرالرهبان‌ـ وبیتالاوثان و کعبة طائف ـ والواح تـوراة ومصحف قران ـ ادین بدین‌الحب انی توجهت ـ رکابیه ارسلت دینی وایمانی (نیز گ ٤ب) .

[٥٥٧]

این نسخه بخط نسخ باعنوانهای شنگرف است ازمحمدکریم‌بن محمدصادق
٣٤١ ابهری‌جی وص۱نو نویس است درگ ۱۷۹الف و۱۷۹الف‌حاشیه‌ای‌دارد از «محمد» دونسخه ازاین کتاب درطوس (٤٣٧و٤٣٨ص٥٩و٦٠ج٤) هست .

(۳۲۹۳ف) - کاغذ سمرقندی - جلد تیماج سرخ

اندازه : ۱۲٫۵ × ۱۹٫۵و۸ × ۱۴س۷

[٤٤١] **جامع‌الاسرار** (فارسی)

نورعلی شاه (محمد علی) پسرمیرزا عبدالحسین پسرمحمد علی رقی طبسی سپاهانی (م ۱۲۱۲ درموصل) شاگرد سید معصومعلیشاه دکنی ویکی از رهبران گروه پیرو شاه نعمةالله‌کرمانی این گفتار را بنظم ونثرمسجع درتصوف‌ساخته‌است.

آغاز :

سپاس بیقیاس وحمد بیحد — مرآن کنزخفا راباد سرمد

که‌چون‌روزازل‌زاحببت‌دم‌زد — ز خلوتخانه در بیرون قدم زد

انجام :

قید منه تا ننهی پـا بقید — صیدمکن‌تانشوی‌خویش‌صید

[٥٥٨]

این نسخه شماره ۱۰ دفتر است وبخط تعلیق گ۱۷۰ الف۱۷۱ب وبدینجا
٣٥٨ پایان میابد :

«عشق‌است‌کلید هرطلسمی بی‌عشق نه‌جان‌بود نه‌جسمی» برابر باس۱۳ ص۹۷ عوارف‌المعارف چاپ چاپخانه مظفری شیراز سال۱۳۱۷خ که همین کتاب بنام بالا (مانند فهرست آغازاین‌چاپ) درص ٩٤ـ١٤٨ آن هست. درفهرست انجام‌این‌چاپ

«کنزالاسرار» یادگردید . نسخه‌ای از آن درمجلس ش٦٥٤ هست .

[٥٥٩]

٨٦٧ این نسخه شماره٣ دفتراست و بنام کنزالاسرار بخط تعلیق عباسعلی کرمانی احمد آبادی درهمدان در٢ ذی‌حجه سال١٢١٢ گ ٦٨الف - ٩٢ب

[٤٤٢] جامع الکلیات فی الحکمة والعرفان (فارسی)

این دفتررا فرزند قطب‌الدین محمدنیریزی(م نزیک١١٧٣)ازروی فصل‌الخطاب پدر بپارسی نوشت. وی میگویدکه پس از١٥ سالگی٥ سال درفارس و١٠سال در نجف ازسخنان پدربهره بردم ودر٣٠ سالگی این کتاب را نوشتم . اواین دفتر را راکه دارای ١٤ بیان است درپایان ماه‌شعبان سال١١٨٣ درکربلا نوشته است.

آغاز: بسمله‌حمدوثنا وستایش‌بلامنتها واجب‌الوجودیراکه‌وحدت‌ذاتش‌بتحدید قوه نظری درنیاید ... این کتابی است‌که این‌کمترین ... ملقب بدعا مطالب آنرا اقتباس نموده‌ام ازانوار شموس حکمت عرفا .

انجام : زفرزند بهتر ولی آنجهان - نباشد امیدی بجز حق بدان .

[٥٦٠]

٨٥٧ این نسخه بخط نسخ باعنوانهای شنگرف میباشد .

(٣٧٢ ص) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج مشکی ساده

اندازه : ١٤×٢١ و٥ر٨×٥ر١٤ س١٥

[٤٤٣] جوگ باشست (فارسی)

جوگ باشست Jog Bashishth (Yoga - Vasishtha) گزارشی است ازعرفان هندی وبساخت گفتگوئی میان ریشی واسیشته (Rishi Vasishtha) وراماچاندرا(Ramachandra) که‌پندت (Pandit) کشمیری(Kashmir) انندن(Anandan) یا «اپهندن Bahandan» گزین نموده ونظام‌الدین‌پانی‌پتی بدستور شاهزاده نورالدین محمدجهانگیر سلطان سلیم بهادر (١٠١٤-١٠٣٧) در هنگام ولایت عهدی او وبفرمان جلال‌الدین اکبرشاه هندی (٩٦٣- ١٠١٤) در ١٠٠٦ آنرا ازهندی (سنسکریت) بپارسی درآورد .

میرفندرسکی درباره این کتاب میگوید : همچوآبست این سخن بجهان - پاک‌و

دانش‌فزای چون قران (نسخه ٤٠٠طوس) وخود بر آن حاشیه نوشت (٣٩٩ طوس) و فرهنگی برای آن ساخت(١) . این دفتر در شش باب است . ١ ـ درسرگذشت رامچند وبرگشت اوازاینجهان ودلبستن بجهان دیگر ٢ ـ فناوبقاء ٣ ـ یگانگی‌خدا واین هستی‌های گوناگون که پرتواویند ٤ ـ پیدایش وپایداری اینجهان ٥ ـ گرایش بخدا وننگریستن جزاو ٦ تصوف(٢) .

---

١ ـ نسخه‌ای ازاین جوگ‌باشست در کتابخانه مجلس (ش٦٥١ص ٤١٤ج٢) و دو نسخه درطوس (٣٩٩و٤٠٠ص٤٤و٤٥ج٤) هست و نیز نسخه‌ای در کتابخانه خاوری دانشگاه اسلامی علیگره (فهرست نسخ قلمی چاپ ١٩٢٩ بخش تصوف ش٧٠ تاریخ ١٨٥٠) هست. درمجلس گزیده‌ای است از جوك از فندرسکی (٦٤٠/١٧) و همچنین رساله‌ای درعرفان‌هندی بنازی(٦٣٤/٢٠)نیز بنگرید به‌فهرست بهار هندج١ ش١٠٦ ص ٨١ .

٢ ـ دردیباچه(گ١١) مینویسد: برهمنان بزبان‌دیگر همانسخنان که‌فرزانگان باستانی درباره یگانگی خداوند دارند میگویند . ونگارنده نخست خدایرا ستوده از تجلیات اویاد نمود وگفت که خدای درچهار بار جهان‌را بیافرید ودر هریك نموداری ازاوآشکارگشت‌ونرسنك کشمیری یکی ازآن نمودارها بود. ازهستی‌خدا «برهمان» پیدا شد که همهٔ کمالات رادارا وچهار«بید» یاچهار دفتر اززبان اویدیدآمد ودر هر بیدی‌خدای‌بخوبی شناسانده‌شد. نمودار دیگرخداوند«مهادیو»است که همه«رکهیسر» ها وکاملان ازاوبهره میگیرندوهستی بخشی کاراوست. پس ازاو پسرش«کهن‌راج» است وسپس پسر او «سرستی» که مانند رودگنك هر خورد وکلان وهرنیك وبد که بدرگاه اوروی نهندوخود باوسپارند پاکشان میسازد وبزرگواریست که جمیع‌دیوتها وروحانیان‌نیازدادن استانه اورا سرفرازی خویش‌میدانند. نگارنده‌آنگاه از«بالمیك رکهیسر» یاد میکند وازاوکمك میجوید سپس «رامچند» واستادش«بشسته» را می ستاید تااینکه‌میگوید«بید»هارا«رکهیسران» برزبان رانده وآنها رابمردم‌آموختند بازمیگوید که از«کوسلیا» زن‌پارسای«راجه جسرته»نماینده‌ای ازخداوند پدیدارشد که شاگرد «بشسته‌رکهیسر» شد وبجنك «رکسان» خونخوار رفت وپیروزگشت او آئین«بید» راکه کهنه شده بودتازه گردانید وسخنان «بشسته»را بیادگارگذاشت و درگذشت. دیری‌گذشت«بهرك Bhrigu » شاگرد «بالمیكVarhmiKi رکهیسر» ازاستادخواست که‌سخنان «بشسته‌رکهیسر»را روشن سازد اوآنرابرشاگردبرخواند. بهرك‌آنهارا درسی‌ودوهزار «شلوكSloka» نوشت (هریك درچندسرك Saraga) ومن «نگارنده» همه‌آنهارا درششهزار شلوك درآوردم ودر شش باب Prakarana گذاردم .

(بنگرید بفهرست کتابهای فارسی لندن ص٦١)

آغاز: اده لنك برم‌حوت مران لنك، بسمله شکروسپاس بیقیاس سزاوارحضرت دادار آفریدگار بی‌مثل و مانند و بی‌همتا است .

انجام : که بالمیك رکهیسر باشاگردخود بهر که نام‌مشروح گفت ازاحوال رامچند که بشسته اپدیس کیان نموده. تمت‌الکتاب بعون‌الله‌الملك‌الوهاب .

[٥٦١]

٢٤٦ این نسخه بخط تعلیق روشن تازه وشماره٢ دفترمیباشد گ١٠الف ـ ١٣٣٠الف چهار بیت درستایش جوك باشست ازفندرسکی درسرآغازدیده میشود وحاشیه های اوهم دربرگهای‌آغاز نوشته شده .

(همه دفتر ٣٣٠) ـ کاغذ فرنگی جلد تیماج سرخ

اندازه:١٧×٢٦ و١٠×١٨س١٨

[٤٤٤] **الحث علی التصوف** (عربی)

نگارنده این‌گفتار از کلام وحکمت مشائی و اشراقی نکوهش میکند و روش صوفیان را میستاید .

آغاز: الحمدلله‌الذی خمربیدی جماله وجلاله اربعین صبا حاطینة‌الانسان .

انجام : فهذه تذکرة لمن شاء ان‌یتخذ الی‌ربه سپلا .

[٥٦٢]

٨٧٠ این‌نسخه‌شماره٢دفتروبخط نسخ‌محمدعلی کرمانشاهی بتاریخ‌روز ١محرم١٢٩٦ ودرپایان‌دارد «تمت‌الرسالة فی‌الیوم‌الاول من‌الشهرالاول من‌شهور سنة‌احدی وتسعین بعدالالف‌والماتین‌من‌الهجرة‌الاحمدیة‌علیه‌الاف‌ثناءوتحیة» گ٢٩ب ـ ٤٠ب.

[٤٤٥] **الحث علی الذکر** (عربی)

ابن‌سینا دراین گفتار کـه دردکن بسال ١٣٥٣ بچاپ رسید از اینکه رهروان بایستی بیاد خدا باشندگفتگو نمود .

[٥٦٣]

٨٧٦ این نسخه شماره ٩ دفتر و بخط شکسته تعلیق تاریخ شب پنجشنبه (ع ١ سال ١٣٠٦) گ ٧٥ب ـ ١٧٦الف‌میباشد قنواتی درش٢١٦ بهمین نام ودر٢٢١بنام الخلوة ازاین‌گفتار یادنمود ودرانجام ایندو یکی نیستند .

[٤٤٦] **حقایق** (فارسی)

این دفتر عرفانی ازنورالدین شاه نعمة‌الله ولی‌کرمانی (نزدیك ٧٣٠ ـ نزدیك

۸۲۸ بیش از۷۵سال) میباشد(۱) .

آغاز: بسمله‌اعلم ایدناالله وایاك که باعلایق وعوایق خلایق سراپرده حقایق ذاتیه ازتتق رقایق صفاتیه .

انجام :گوبیا سوی ما که اومـائیم . والله یدعوالی دارالسلام و یهدی من یشاءالی صراط مستقیم وصلی‌الله علی محمدو آله‌اجمعین‌الطیبین‌الطاهرین .

[٥٦٤]

۱۰۸۹ این نسخه شماره۳دفتروبخط تعلیق حسن‌نقدیسی‌درتاریخ ۱٦ج۲سال۱۳۵٦ (۲شهریور۱۳۱٦) میباشد گ۳۲ ب ـ ۳٤ الف .

[٤٤٧] **الحکمة العلویه یا فصل الخطاب** (عربی)

این نگارش عرفانی شیعی ازقطب‌الدین محمد نیریزی (م نزدیك ۱۱۷۳) وبنظم ونثر آمیخته باخبرهای شیعی وآیتهای قران ودر۱۲ تحمید میباشد(۲) در

---

۱ ـ این دانشمند عارف‌گویا دراستنادسخنان بگویندگان چندان دقتی نمیکرد چنانکه دررساله‌النکات (رسائل اوچاپ ارمغان در ۱۳۱۱خ ص۱۲۱) میگوید : قال رسول‌الله«من فقدحسا فقدعلما» بااینکه فیلسوفان این‌سخن‌رااز ارسطودانستند.برای نگارشهای‌اوبنگرید بفهرست طوس‌ج٤ص٤ـ۱۰۳ ش۵۷۷تا ۵۷۹ .

۲ ـ نیریزی دراینجا ازفیلسوفان بسیار خرده‌گرفت وشعرها دراین‌باره سرود (گ۱۳و۸۳) وخواندن‌کتابهای فلسفی مانند اشارات وشفا وحاشیه قدیم شرح تجرید وشرح مطالع‌را بیهوده پنداشت (گ ۸٤) ونیز پس ازبی پایه دانستن اندیشه فلسفی گفت: «ومنطقهم لن‌یعصمن‌عن‌الخطا ـ ولیس بمغن‌بل اساس‌الخطئیة ـ وهم‌اسسوا‌ذاك الاساس لمسجد ـ ضراربنوالا بـالعقول الرزینة ـ وانی بنطق‌العارفین مؤسس ـ لکم منطقاً للحکمة‌العلویة (گ۱۰۹ ـ ۱٤٦ ـ ٤۳ ـ ۷۲) اوپس ازیادکردن مطلبهـائی بنظم وآوردن خبرها وآیه‌ها بنثر می‌نویسد .

درتحمید۱۲ ازعارفان‌گذشته ودانشمندان روزگار خویش ونوشته های عرفانی آنها یاد میکند :

خواجه طوسی (اوصاف‌الاشراف ـ انوارالحکمه ـ آغاز وانجام) ـ بابا افضل نامقی‌ساوجی کاشی(حسن‌بن‌محمد«احمد» هامش گ۷۱ـدائی‌طوسی) ـ دوانی(رساله های پایان زندگی ورباعیات) و علامه حلی (منهاج‌الکرامه ـ شرح تجرید) ـ ابن‌ابی جمهوراحسائی(مجلی‌المرآت ـ غوالی‌اللئالی) ـ علی‌بن هلال استادابن ابی‌جمهور ـ سیدحیدربن علی‌بن حیدرحسینی آملی (المحیط‌الاعظم والبحرالخضم ـ جامع‌الاسرار ومنبع‌الانوار) ـ شیخ زین‌الدین عاملی (اسرارالصلوة ـ منیة‌المرید) که شهید اول‌را

دنباله‌حاشیه درصفحه بعد

آغاز فهرست تحمیدها آمده است .

آغاز: حمدت اله العالمین بوحدة ـ حقیقیة ذاتیة ازلیة... و انوار هذا النظم من لمعاتها فسمیته بالحکمة العلویة ـ و لقبته فصل الخطاب لانه ـ سیفصل بین الحکمة النبویة . ومن بعد حمدالله قال محمد ـ یحاسب من خدام اهل الولایة ... ویدعی بقطب الدین .

---

۵ مانده حاشیه صفحه پیش

از ابدال شمرد ـ نویسنده مصباح الشریعه که همه آن از گفتار صادق ٤ است ـ حافظ رجب برسی (مشارق الانوار) ـ دامـاد (جعلیه ـ خلسه ملکوتیه) در پایان زندگی و پس از برگشت ازروش فلسفی ـ شیخ بهـائی استاد شاه محمد دارابی استاد نیریزی (نوشته‌ها ومثنویهای عرفانی) که از درویشان و عارفان شده پیرو شیخ مؤمن مشهدی شاگرد شیخ محمد عارف گشت ـ شیخ علی اصطهباناتی استاد نیریزی که از پیروان بهائی بوده است (نیریزی دراینجا از طومار گروه ذهبی کبروی رضوی یادمیکند و میگوید که آن بشیخ محمد عارف پیر بالان دوز رسید واودرطوس صومعه‌ای داشت و درآنجا در پائین خیابان درضلع شمالی بخاک سپرده شد. این طومار ازاو بشیخ حاتم زراوندی و ازاو بشیخ محمدعلی مؤذن امام‌رضا وعارف نویسنده « تحفه عباسیه » درسیر وسلوك برای شاه عباس وازاو بشیخ نجیب الدین رضای تبریزی وازاو بشیخ علی نقی اصطهباناتی استاد نیریزی رسیده‌است. رشته پیران اصطهباناتی تابامام رضامیرسد. این طومار نزد نیریزی بوده ومیگوید که از این گروه دراین کتاب یادخواهم کرد) ـ شیخ احمد بن فهد حلی (عدة الداعی ـ التحصین فی صفات العارفین) ـ ابن طاوس (کتابهای دعا) ـ شیخ حر (الجواهر السنیه فی الاحادیث القدسیه) ـ مولی احمد اردبیلی (در برخی از کتابها و آیات الاحکام در تفسیر الذین یتفکرون فی خلق السموات والارض ـ نیریزی میگوید: فصلی که درحدیقة الشیعه درد صوفیان آمده ازملا معز اردستانی دشمن صوفیان است که درآن ازحدیثهای ساختگی خود آورده است وشاه محمد دارابی درمعراج الکمال داستانی ازاین مرد یادکرد) ـ سیدمحمد عارف (معارف الهیه ـ العروة الوثقی ـ حظیرة القدس ـ لطائف غیبیه ـ شرح قبسات و تقویم الایمان داماد ـ نیریزی اینهارا ندید) ـ محمد باقر سبزواری (روضة الانوار که برای شاه عباس نوشته شده) ـ عبدالرزاق لاهیجی (مکارم الاخلاق) ـ مولی حسن گیلانی ـ شیخ حسن سکاکی (تعلیقات) ـ صدرای شیرازی استاد استاد نیریزی (اوبسیاری از نوشته‌هایش را که برخی بخط او بود داشت ومیگوید که درزمان اوفیلسوفان بسیار بودند واو ناگزیر بزبان آنها وبروش منطقی فیلسوفان و متکلمان مسئله‌های عرفانی را نوشته‌است) ـ مولی محسن کاشانی که صد کتاب نوشته وبازپسین آنها «حقائق» است کـه تاریخ آن «ختمنا = ۱۰۹۱» میباشد (تاریخ آن دنباله حاشیه درصفحه بعد

انجام : وذارحمةالرحمن عنداولی‌النهی ـ ومستنداالرحمن عندالهداية .

[٥٦٥]

٣٦٤ این نسخه شماره ٣ دفتر و بنسخ درنظم و بشکسته تعلیق درنثر میباشد. گ ٨ الف ـ ١٧٠ ب .

[٤٤٨ـ٤٥٠] **حورائیه** (فارسی) ٥

ابوسعید ابوالخیر میهنی عارف (٣٥٧ـ٤٤٠) این رباعی‌را سروده است :

حورا بنظاره نگارم صف زد رضوان زتعجب کف خود برکف زد
یك‌خال‌سیه‌بر آن رخان‌مطرف‌زد ابدال زبیم چنگ درمصحف زد(١)

وسه‌گزارش بر آن نوشتند که دراینجا هست :

١٠ ١ ـ خواجه احرار عبیدالله فرزند محمود چاچی (م ٨٩٥) بر آن گزارشی نوشت که دردنبال اسرارالتوحید درپترسبورگ بسال١٣١٧ (١٨٩٩) وازروی آن درتهران بسال١٣١٣ خ بچاپ رسید. درفهرست کتابخانه مدرسه فاضلیه طوس (ش ٦٠ص٣٣) نیز از نسخه‌ای یاد شد .

---

١ ـ چون بوصالح مقری شیخ ابوسعید بیمار و بستری شده بـود بوسعید بشیخ
١٥ خواجه ابوبکر مؤدب فرزندان خویش دستورداد که نوشت‌افزار آورد واین رباعی را براوخوانده واونوشت تابوصالح را افسونی باشد. همینکه آنرا نزدش بردند وبروی زدند هماندم به‌شد وبیرون آمد (اسرارالتوحید ابن‌منور چاپ پترسبورگ ص٣٦٠)

این رباعی راگزارشی است ازشیخ آذری علی‌حمزة‌بن علی‌ملك بن حسن‌طوسی سربداری بیهقی (٧٨٤ـ٨٦٦) عارف شیعی وشاگرد شیخ محی‌الدین طوسی‌غزالی و
٢٠ سید نعمةالله که دوسالی درمکه وچندی درهند بزیست وسرانجام دراسفراین بمرد . در «جواهرالاسرار منتخب مفتاح‌الاسرار» ازهمین حمزه طوسی آذری المنسوب الی‌احمد بن محمدالزمجی‌الهاشمی‌المروزی که در ٨٤٠ گزین شده‌است درسرهشتم فصل‌دوم در بیان‌اسرار کلام منظوم مشایخ ازباب سوم این گزارش دیده میشود (چاپ‌شده بااشعة‌ـ اللمعات جامی ودو رساله نسفی بسال٣ـ١٣٠٢ ص٣٢٩) مگر اینکه نمیگوید که این
٢٥ رباعی از کیست .

مانده حاشیه ازصفحه پیش

١٠٩٠ است ـ ذریعه ج٧ص٢٨) اودر نوشته‌های خویش‌حدیثها راگزارش نمود ودیوان بزرگ او بنام (گلزار قدس) نزدنیریزی بوده‌است. فیض شاگرد شیخ مؤمن مشهدی شاگرد شیخ‌محمد عارف میباشد . شیخ علی‌نقی استاد نیریزی نیز از پیروان اوبود ـ آقا محمد سعیدبن محمدمفید قمی (شرح توحید صدوق) .

آغاز: بسمله. . . الحمدلله الذی جعل قلوب العارفین مرآة جماله. . . بدانکه این فقیررا بسی شغف می‌بود بدانستن معنی رباعی . . . ابوسعید .

انجام : که محب‌را هیچ چیز (لذتی) بهتر از ملاقات محبوب نباشد . تمت الرسالة الشریفة .

[٥٦٦]

این نسخه شماره ٣٤ دفتری است دارای بیش از ٤٦ رساله و بخط تعلیق میباشد ۱۰۱۵ گ ۱۰۵ب-۱۰۸ب. آغاز نسخه چاپی چنین است : «بسمله الحمدلله فیاض الحکم والمواهب ... بدانکه این فقیررا بسی شغف میبود . . . » واندکی با نسخه ما جدائی دارد .

(همه دفتر ۱۷۷ برگ) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج سرخ مقوائی ساده
اندازه : ۱۲×۱۷و۸×۱۲٫۵ س۱۷

۲ ــ گزارشی است آمیخته که در آن از معراج بروش عرفانی گفتگوشده و تأویلی صوفیانه برای آن یادگردید وهیچ نوشته نشده که رباعی از کیست .

آغاز: بسمله حمد بی‌غایت وثنای بی‌نهایت حضرت کبریائی واجب‌الوجودی را که جناب قدس هویت جلالش از ادراك افهام مقدس است . . . بعد باشارت الرفیق ثم‌الطریق برفاقت روح‌الامین درشب معراج سلطان تاجداران ممالك رسالت . . . از غربت بوطن مراجعت فرمود .

انجام : وگفت قف یا محمدفان ربك یصلی یعنی که ابدال زبیم چنگ درمصحف زد . تم بحمدالله . . والصلوة علی سید ابنیائه واکرم احبائه .

[٥٦٧]

این نسخه شماره ٣٤ دفتراست بخط تعلیق وبنام «رساله حورائیه نوریه» (۲) و ۱۰۱۵ درپایان دارد: «تمام شدشرح حورائیه نوریه. والسلام» گ٥٦ب-٥٧ الف .

۳ ــ میرحسین بن معین‌الدین میبدی یزدی (م ۹۱۱) نیز براین رباعی گزارشی نگاشته است .

---

۱ ــ شاید این گزارش از نورالدین شاه نعمة‌الله کرمانی (۷۵۲-۸۲۸) یاسیدمحمد نوربخش بن محمدبن عبدالله قطیفی لحصاوی قاینی (۷۹۵-۸۶۹) باشد مگر اینکه نشانه‌ای یافت نشد که هیچیك ازایندو را برساند .

آغاز: منسوب است به‌هادی مقامات سلوك میرشیخ ابوسعید ابوالخیر قدس سره «حورا بنظاره نگارم صف زد» یعنی خوبان بهشت که مجاوران عالم عقول و نفوس فلکیه‌اند بنظاره آدم که نفس ناطقهٔ انسانیست صف زدند.

انجام: ابدال ارترس عصیان . . . متمسك شوند بقران ومتابعت خاتم الانبیاء صلوات الله علیه والله.

[٥٦٨]

١٠٣٨ این نسخه در برگ ٩٦ الف دفتر و بخط تعلیق با نشانه‌های شنگرف میباشد و درپایان دارد:

« درتذکره شیخ ابوسعید رحمة الله دیدم که استاد ابوصالح کـه مقری شیخ بوحسنه بودوشیخ خواجه ابوبکر مؤدب را که ادیب فرزندان شیخ بودبخواند وفرمود که ازجهت ابوصالح حرزی املا میکنم بنویس واین دوبیت املا فرمود وخواجه ابوبکر بنوشت و نزدصالح برد و بر بازوی او بست درحال صحت یافت ــ فواید امیرحسین میبدی»

[٤٥١] **خصائص المحبة** (فارسی)

عبدالصمد همدانی دراین گفتار عرفانی ازدوستی گفتگو مینماید.

آغاز: الحمدلمن هواه فی هوای . . . شکسته بسته است ازبنده جانی عبدالصمد همدانی که بخواهش برادری ازبرادران روحانی تسوید یافته.

انجام: لم اکلفك عمل غد، فلاتطلبنی رزق غد.

[٥٦٩]

٨٦٤ این نسخه شماره ٥ دفتر و بخط تعلیق محمدتقی بن محمد بسال ١٢٥٣ میباشد گ ١١١ ب ــ ١٢٢ الف.

[٤٥٢] **خلیلیه** (عربی)

این گفتار درانسان کامل و پرستش و نفسهای گوناگون و برخی ازاصطلاحات عرفانی است. سلطان المرشدین الحسین الشالی الاخلاطی آنرا برای خلیل الله الشالی شاه شیروان نگاشته است.

آغاز: بسمله رب یسرواعن واختم لنا بالحسنی. الحمدلله الذی اختار من الموجودات الانسان . . . فهذا کتاب جمعت فیه اطوار الکمل من المجمل والمفصل.

انجام : لاعادل‌لعادل . لاراحم لظالم . لاجار لمن‌جار .

[٥٧٠]

٣٣٩ این نسخه شماره٣٦دفتر و بخط تعلیق نصیرالدین حسین‌الحرالحسینی ج١سال ١٠٧٦میباشد ك١١٣ب-١١٨ الف .

[٤٥٣] **در تحقیق چشمه زنجبیلی و کافوری** (فارسی)

دراین گفتار از «کأس کافوری و زنجبیلی» که دردو آیه ٥ و١٧ سوره ٧٦ (هل اتی) (١) آمده بروش عرفانی بررسی میشود و گویا ازجامی باشد وبنظم و نثر مسجع است .

آغاز: بسمله . پناه میجویم بذات‌مستجمع جمیع صفات‌کمال ازگزندقیودامکانی.

انجام : که تفسیر وتأویل نه حدهرجهول وظلوم است . اللهم اغفرلنا ... برحمتك ونصرتك یا ارحم‌الراحمین .

[٥٧١]

٨٦٧ این نسخه شماره١٣ دفتر وبخط تعلیق بانشانه‌ها وعنوانهای شنگرف گ ٥٩ الف - ٢٠٣ب میباشد .

[٤٥٤] **ده قاعده** (فارسی)

این گفتار درسیر وسلوك رهروان عرفان است وازسیدعلی عارف همدانی(٢) . نسخه‌ای ازاین درمجلس (ش٦١٠/٢) هست .

آغاز: رساله ده‌قاعده سیدعلی همدانی قدس سره . بسمله وبه نستعین . حمد و

---

١ - ان‌الابرار یشربون من کاس‌کان مزاجها کافورا - ویسقون فیها کاسان مزاجها زنجبیلا .

٢ - عارف دانشمند پارسای شیعی سیدعلی فرزندشهاب فرزند محمدهمدانی(٧١٣-٧٨٦) شاگردائی خودسید علاءالدوله در کودکی وپیروشیخ شرف‌الدین محمودبن عبدالله مزدقانی و تقی‌الدین علی دوریستی کتاب اسرارنقطه وذخیره و شرح اسماءالله وشرح فصوص‌الحکم ورساله واردات دارد وبرقصیده خمریه میمیه ابن‌فارض گزارشی بنام «مشارب‌الاذواق» نگاشته‌است. اودرآنورآمویه بزیست و درختلان آرامگاه او است . وی میگوید که پدرم فرماندار همدان بود و ازدرباریان . از اینروی من‌بکار های او ارجی ننهاده بودم . در طوس از دو رساله فارسی عقلیه و منامیه او یاد شد (ش٦٧٦و٦٩٨ص١٣٦ و١٤٤ج٤) (مجالس‌المومنین شوشتری وریحانة‌الادب) .

[٥٧٢]

ثنای نامتناهی پروردگاری را .

انجام : واز لذت حلاوت میوه حکمت وولایت محروم مانده . جعلناالله وایاکم ممن سعد بطاعته . . . والسلام علی من اتبع الهدی تمت الرساله .

١٠١٥ این نسخه شماره ٣٢ دفتراست وبخط تعلیق گ ٩٠ب - ٩٥الف .

[٤٥٥-٤٥٦] **الذکر (فی...)** (فارسی)

دو گفتار کوتاه درذکر وورد وبروش عرفان شیعی میباشد .

آغاز: لابد من اموراربعة : التوبةمن جمیع المعاصی والعهد مع الشیخ یعنی امتثاله من اوامره ونواهیه والـذکر والفکر . . . سه مرتبه توحید بر ارواح ائمه طاهرین واستادان سلسله وبعداز آن زیارتین علیهما السلام تمت علیکم السلام والتوفیق- بجهت کشف علمی الاتی چند قرارداده اند ذکر وفکرومراقبه ورابطه .

انجام : صاحب العصر والامر والزمان صلوات الله وسلامه علیه وعلیهم اجمعین علویه اجمالیة یا علی یا ایلیا . . . کلمه جبرئیل لافتی الاعلی سرمکنون اسم حضرت ولایت است .

[٥٧٣-٥٧٤م]

٣٥٨ این نسخه‌ها شماره ٦و٧ دفتری است دارای ١١ رساله وبخط تعلیق گ ١٥٣ب - ١٥٤ ب .

[٤٥٧] **الرحمة فی اختلاف الائمة (رسالة...)** (عربی)

ازدانشمندرکن الحق والدین محمدبن علی بن محمدفارسی گرگانی استرابادی (م نزدیک ٧٧٠) که چندکتاب طوسی مانند اساس الاقتباس واخلاق ناصری واوصاف الاشراف وفصول وقضا وقدررا بتازی درآورد. اودر این رساله ازافلاطون وارسطو وعلم الهدی وغزالی واحیاء ومشکاة الانواراو ونجم الدین دایه رازی و مرصاد العباد اویاد میکند ودرباره حجب الهی ازمشکاة ومرصاد میآورد ودر پایان میگویدکه من این رازها رابی آنکه بدفتری بنگرم نوشته‌ام . واین نگارش‌را درپایان محرم ٧٢٠ پس ازاینکه دوبـاره درآن نگریست وبرآن افزود وازآن کاست وسامانی

بدان داد وپاکیزه‌اش ساخت بانجام رساند .

[٥٧٥]

۳۳۹ این نسخه شماره ٢٤ دفتر است وبخط تعلیق گ ٧٩ب وبندی است از کتاب گرگانی وچنین است: « فائدة لاخفاء عنداهل الیقین انهمنا مهیة مرکبة من جوهرین متضادین احدهما جوهر روحانی نورانی یسمی بالنفس العاقلة والثانی جوهر جسمانی ظلمانی یسمی بالبدن ـ فلیت شعری ما اسم المرکب منهما» گرگانی دراین بند ازرای افلاطون که انسان تنهاجان است ورای ارسطو که هم‌جان است وهم تن وسخن متکلمان که تنها تن‌است یادنمود . این‌بند درنسخه‌ش ۱۰۲۲/۱۲ دیده‌نمیشود .

[٥٧٦]

۱۰۲۲ این نسخه پاره‌ایست ازباب نخستین وباب‌دوم وخاتمه‌رساله وشماره ۱۲ دفتراست وبخط نسخ سیدحیدرآملی که درنجف (مشهد غروی) در روز یکشنبه ۳ ذیقعده ٧٦٢ نوشته است وبانسخه خط گرگانی برابرنمود . آغاز وانجام چنین است : «وکمال السبب یستلزم المطلوب . هذا فی القابل. و اما بالنسبة الی الفاعل فلما علم ان کمال الفعل بحسب کمال القابل و نقصانه بنقصانه اذلا نقصان من جهته. ـ وعرض اعمال البرایا والنشر ولمثلی قبلی. شعر : و من یك ذا فم مرمریض ـ یجدمراً به الماء الزلالا. فرغ مصنفها الملتجی الی الحرم الغروی ... محمدبن علی بن محمدالجرجانی عن معاودة فکرة فیها بعدوضعها وزیادتها ونقصها وترتیبها وتهذیبها فی سلخ محرم سنة عشرین وسبعمائة الهجریة حامدا ومصلیا ومستغفرا» گ ۱۹۹الف ـ ۲۰۹ب ـ درگ ۱۲۸و۱۲۹ فهرست نگارشهای گرگانی دیده میشود ودرآن از« رسالة الرحمة فی اختلاف الامة و« رسالة الدرالثمین فی السرالدفین» اویادشده . خودگرگانی هم درپایان همین کتاب درچند جا آنرا رساله میخواند وازاختلاف امت هم درآن بحث میشود .

[٤٥٨] رساله در تجلی خداوند بر کوه طور (فارسی)

این گفتار درحل مسئله تجلی خداوند درطورسینا است بروش عرفانی وحروفی ازساطان محمد سپاهانی (بنگرید به ص ٢٦٥ همین فهرست) .

آغاز: (هوتجلی حضرت کلیم‌الله درطورسینا کنایه برحکمت است . . . معدل باشد) حل‌عبارت مزبور که ازنتایج افکار آصف جم‌اقتدارسلطان محمد است. تجلی واجب‌الوجود برحضرت کلیم‌الله در طور سیناکنایه برحکمت است . درینجا کنایه است برآنکه اجساد واجرام خصوص جرم‌خاك‌را استعداد رؤیت ازلی‌وتاب تجلی سرمدی نیست .

انجام : بترقی حرف رابع . مرد باید که بوتواند کرد ورنه عالم پر از نسیم

صبا است .

[٥٧٧]

١٠٣٨ این نسخه‌در برگ ٦٦ب- ١٦٧الف دفتر و بخط تعلیق با نشانه‌های شنگرف است ودر پایان بازهمان عبارت دیباچه با اندك جدائی آمده‌است : (هوایضاتجلی حضرت کلیم‌الله درطورسینا کنایه برحکمتی است - زحل‌معدل باشد . اسرار برون‌می نتوان داد - وگرنه در کوچه هست‌خبرها زشررها) .

[٤٥٩] **رساله عرفانی** (عربی)

دراینگفتار فلسفی وعرفانی از فرشته وجهان آفرینش وخرد بروش عرفانی بررسی میشود .

[٥٧٨]

١٠٤٦ این نسخه شماره١دفتر و بخط شکسته تعلیق تاریخ١٠٤٠میباشد وچنین است «المخلوطة‌الماخوذة من‌الحس وان فارق‌المحسوس‌الروح‌الانسانیة لم‌یبعدان یکون تعالی مرئیاً بعدالقیامة من غیرتشبیه ولاتکیف ولابمسامتة ولامحاذاة تعالی‌عمایشرکون» گ١الف وب چهارفصل آخر این‌رساله دراین نسخه‌هست وپاره‌ای ازفصل پیش‌ازآنها .

[٤٦٠] **رساله عرفانی** (فارسی)

این گفتار کوتاه نیز درعرفان است .

آغاز: بسمله . قال رسول‌الله من قال لااله‌الاالله خالصاً مخلصاً دخل الجنة . چون همه اواست‌غیراو نیست .

انجام : وباین یقین واصل گشت . فالحمدلله رب‌العالمین . . . واله‌اجمعین .

[٥٧٩]

١٠١٥ این نسخه شماره٢١ دفتر و بخط تعلیق میباشد گ٥١الف-٥٢الف .

[٤٦١] **رساله‌عرفانی** (عربی)

در این رساله عرفانی و تأویلی از احیاء العلوم و کیمیاء سعادت یادمیشود و نگارندهٔ آن‌گوید که درباهداد شب پنجشنبه دهه یکم‌جمادی‌دوم سال٨١٦ محیی الدین‌را درخواب دیدم (١١٣الف). رستاخیز جسمانی‌در آن تأویل میشود وعبارتی بپارسی در آن هست (١١١الف) .

آغاز: بسمله . اعلم ان امور الاخرة لیست کما زعم الجهال . فانها من عالم الامر والغیب والملکوت .

انجام : ای له جهة حسن الارتکاب فیه‌می فها والله اعلم به . تمت

[٥٨٠]

٣٣٩ این نسخه شماره ٣٥ دفتر و بخط تعلیق است گ ١٠٣ الف ـ ١١٣ الف.

[٤٦٢-٤٦٩] **رساله‌های کرمانی** (فارسی)

گویند که نورالدین شاه نعمة‌الله ولی حلبی کرمانی (نزدیك ٧٣٠ ـ ٨٣٤) ٣٤٠ نگارش داشته و از آنها ١١٤ رساله را برگزیده و پسندیده بود. در نسخه ش ٥٧٧ طوس ٩١ رساله و درش ٥٧٨ آنجا ٣٧ رساله و درش ٥٧٩ همانجا ١١ رساله هست و ١٣ رساله او در چاپخانه امغان تهران بسال ١٣١١ خ بچاپ رسید در جنگ شماره ٤٣٢

این کتابخانه نیز هشت رساله هست که باید همه از او باشد :

١ ـ رساله تحقیقات (Add 16/837XV I ج ١ ص ٨٣٢ ب فهرست فارسی موزه بریتانیا) .

آغاز: الحمدلله الذی خلق الانسان علی صورته لخلافته وجعل عینه مرآة عینه بشهرته . . . اعلم ان للتوحید لجة وساحلا. فالساحل یعلم واللجة یذاق ... چه تحقیق توحید از تحریر منشی دیوان عنایت و تقریر مدرس مدارس استعارت مستفاد نگردد.

انجام : وازین سبب بود که واقع شد تحویل و تبدل در صور عیون بشر. عبارا تنا شتی وحسنك واحد ـ وکل الی ذاك الجمال یشیر . تمت الکتاب

[٥٨١]

این نسخه شماره ١ دفتری است دارای ٩ رساله وهمه بخط نسخ یکنواخت تاریخ

٤٣٢ ١٢٨٩ ازمحمدعلی کرمانشاهی که برخی از آنها بچاپ رسیده وروی نشانه‌های نسخه باید همه ازعارف کرمانی باشد . گ ٢ب ـ ٢٩ الف . شماره ٢ درهامش برگهای ٢ب ـ ٥٩ب و گلشن راز شبستری است که بخط تعلیق نوشته شده .

(همه دفتر ١٢١ گ) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج زرد ضربی

اندازه : ١١ × ٨/٦ و ٦/٥ × ١٢ س ١٣

٢ ـ رساله سلوك که درص ١ ـ ٣١ جنك سیزده رساله او بچاپ رسید .

آغاز: بسمله الحمدلله علی صفاته العلی . . . قال مظهر الدقائق و مظهر الحقائق...

الطرق الی الله بعدد نفوس الخلائق . یعنی : راه طالبان ... بعدد نفوس خلائق است .

انجام: وبغیر مؤانست گرفتن شر است از جمیع وجوه قال الله تعالی لاخیر فی کثیر من نجواهم. . . بین الناس والله اعلم بالصواب .

[٥٨٢]

٤٠٥ این نسخه شماره ٢٢ دفتر است و بخط تعلیق گ ١٤٨ الف ـ ١٥٦ ب وچنین است پایان آن : «وهرگاه که دل وزبان از کلام غیر خاموش شوند چون» برابر با س ١٣ ص ٣٠ چاپی وچند سطری کم دارد .

[٥٨٣]

٤٣٢ این نسخه شماره ٦ دفتر است وبخط نسخ تاریخ ١٢٨٩ گ ٩١ ب ـ ١٠٩ الف .

٣ ـ کشف الاسرار که شاید از عارف کرمانی باشد ودره باب است : «هستی یگانه ـ احدیت جمعی الهی ـ واحدیت جمعی رحمانی ـ جهان جانها ـ شهادت مطلق» .

آغاز: بسمله و به نستعین . الحمدلله الذی تجلی ذاته لذاته باحدیة جمعه ، فاظهر آدم له بجمیع اسمائه . . . فهذه رسالة فی بیان علم التوحید وسمیتها بکشف الاسرار والفتها علی خمسة ابواب . بدانکه هر بابی از برای خمسه اشاراتست بحضرتی ازحضرات الهیه .

انجام : دیگر آنکه شریعت صورت عدالت توحید بود .

[٤٨٤]

٤٣٢ این نسخه شماره ٩ دفتر و بخط نسخ است گ ١١٧ الف ـ ١٣١ الف . در پایان دارد: «تمت الکتاب... بید الحقیر الفقیر محمد علی کرمانشاهی فی سنة ١٢٨٩» در برگهای ١١٩ ب و ١٢١ الف و ١٢٩ الف باید دائره‌ای کشیده باشد که سفید گذارده شده

٤ ـ محبت نامه که درص ٣٨ ـ ٤٦ سیزده رساله چاپی کرمانی دیده میشود . خود او گوید : «محبت نامه‌اش را یاد کردم . محبانه بمحبوبی نوشتم (گ ١١٦ الف ش ٤٣٢/٨ وص ٤٥ چاپی) .

آغاز: بسمله وبه نستعین . الحمدلله الذی عین عین حبیبه بحبه فی علمه . . . محبت مقام الهی بود ـ محبت به‌از پادشاهی بود . واین مقام‌را القاب اربعه است.

انجام: بشادی نعمة‌الله نوش کن می ـ کجا یابی حریف مست چون وی .

محبت‌نامه‌اش ازدست مگذار ـ محبت خویشتن‌را یاد میدار .

[٥٨٥]

٤٣٢ این نسخه شماره٨ دفتراست. گ ١١٢الف ـ ١١٧الف . درپایان‌دارد:«حرره فی‌یوم من‌شهر ربیع‌المولود سنة ١٢٨٩» .

٥ ـ مکاشفات که از عارف کرمانی است .

آغاز: بسمله. یاحبیبی (من) انت ومن هولست اناولست فمن انا . . . حمد آن حامدیکه محمود است بخشش اواست .

انجام: تجلی صورتی‌ازاین اعدای‌ثلثه سالم‌ماند. درتجارت‌سودیابدبیشمار ـ یادگار نعمةالله یاددار .

[٥٨٦]

این نسخه شماره٤ دفتر وبخط نسخ گ ٣٨ب٨١ الف است ودر پایان دارد : ٤٣٢ «تمت‌الرسالةالشریفة فی‌یوم ربیع‌المولود سنة ١٢٨٩» نسخه‌ای ازاین درموزه بریتانیا Add 76/837XX III ج٢ص٨٣٣) هست.

٦ ـ دفتری است عرفانی که‌گویا ازشاه نعمةالله است .

آغاز: بسمله . باسم‌الاعظم . وله الحمد والکرم . . . حبیبی که ابتدای کارخانه محبت باظهار جمال پرکمال روح بافتوح اوبود .

انجام: این‌سخنرازمن قبول‌کنی گرنمازگذاردی بحضورمن. ومن کلامه‌الشریف تمه . والحمدلله والمنة .

[٥٨٧]

٤٣٢ این نسخه شماره٣ دفترو بخط نسخ است گ٢٩الف ـ ٣٨ب .

٧ ـ این دفتر عرفانی نیزمانا ازعارف کرمانی است .

آغاز: بسمله وبه نستعین . الحمدلله یوجب‌الدنووالتدلی. واشکرله شکر ایدیم لقائله‌التجلی . . . گفته‌اندکه مهمان خلوت خانه آب وگل است وسلطان سراپردهٔ جان و دل .

انجام: ویکی ازسه بدل یکی . نه‌بیش میشوند، نه‌کم .

[٥٨٨]

٤٣٢ این نسخه شماره٥ دفتر و بخط نسخ است گ ٨١الف ٩١الف ودرپایان دارد: «تمت الرسالة الشریفة فی ربیع المولود سنة١٢٨٩» .

٨ ـ ایندفتر عرفانی هم ازعارف کرمانی باید باشد .

آغاز: بسمله وبه نستعین. قالص ... اما بعدالشریعة اقوالی والطریقة افعالی والحقیقة حالی والمعرفة راس مالی ... وفرمود که الفقر سواد الوجه فی الدارین .

انجام: ودر مقام توحید صرف و وحدت محض باشند وذلك المراد من الفقر باتفاق اهل الله . والله اعلم بالصواب .

[٥٨٩]

٤٣٢ این نسخه شماره٧دفتر است وبخط نسخ تاریخ ١٢٨٩ گ ١٠٩ب ـ ١١١ب .

[٤٧٠ـ٤٨٨] **رساله‌های نخشبی** (فارسی)

ازشیخ عزیز نخشبی عارف ١٩ رساله دراینکتابخانه هست که اینك شناخته می شود :

١ ـ در عشق است.

آغاز: بسمله و نستعین چنین گوید اضعف الضعفا وخادم الفقرا عزیز بن محمد نسفی که جماعتی ازدرویشان کثرهم الله تعالی ازاین بیچاره درخواست کردند باید که درباب عشق رساله نویسی .

انجام: ازدل بعد ازاین هیچ کاری نیاید نه دنیوی ونه اخروی و نه مولوی. تمت الرسالة العشق والله اعلم بالصواب (گ٨١الف ـ ٨٣ب) .

٢ ـ درآفرینش جانها وتنها .

آغاز: بسمله وحمد. چنین گوید اضعف الضعفا شیخ کامل محمد نسفی رحمة الله علیه که جمیع فقرا ازاین بیچاره درخواست کردند که میباید درآفرینش ارواح و اجسام ودرمراتب نزول وعروج ایشان رساله جمع کنی .

انجام : وصفت خـوشی بهشت وناخوشی دوزخ معروف و مشهور است . والحمدلله رب العالمت تمت الرسالة (٨٣ ب ـ ٨٧ب) .

۳ ـ درپیامبری و پیشوائی .

آغاز: بسمله وحمد اما بعدچنین گوید شیخ عزیزبن محمد نسفی طاب ثراه که جماعت درویشان ازاین بیچاره التماس کردندکه درنبوت وولایت ووحی والهام و خواب راست رسالهٔ جمع کن .

انجام : اگرقدر نعمت بدانی توانی که آن نعمت را بغنیمت داری و الحمدلله رب العالمین (۸۸ الف ـ ۹۱ب) .

٤ ـ درنخستین آفریده خداوندوانیکه‌از عقل‌وقلم وروح درحدیثهای « اول ما خلق . . . » چه‌خواسته شده .

آغاز: بسمله وحمد امابعد درویشان‌ازاین بیچاره‌عزیز نسفی درخواست کردند که دراحادیث «ماأوله» رساله جمع کنی وبیان کن که‌ازاین احادیث مرادیکجوهر است یا ازهر حدیثی جوهری جداگانه است.

انجام : ایدرویش درقرآن (و) احادیث ذکراین عقل بسیار است .

والله اعلم بالصواب . (۹۱ب ـ ۹۳الف) .

٥ ـ درگفتار اهل منزل‌چهارم دردات وصفات وجهانهای ملکوت وجبروت.

آغاز: بسمله وحمد چنین گوید شیخ وقت عزیزبن محمدالنسفی رحمةالله علیه که جماعتی درویشان ازاین بیچاره درخواست کردندکه میبایدکه بیان کنید اهل منزل چهارم .

انجام : میخواستم که درین بیان ذات وصفات خدای تعالی وبیان عالم جبروت وعالم ملکوت و عالم ملك تمام کنم نتوانستم . باشدکه در این رساله میآید تمام کنم. تمت الرساله فی یوم الجمعه شهرشوال (۹۳الف ـ ۹۹ الف) .

٦ ـ درملك وملکوت .

آغاز: بسمله وحمد. اما بعد بدان اعزك الله فی الدارین که ملك عالم شهادت است وملکوت عالم غیب است.

انجام: میخواستم که درمعرفت ذات وصفات خدای تعالی دربحث ملك وملکوت

وجبروت دراین رساله تمام کنم نتوانستم کرد ، باشد که درین که میآید تمام کنم ایدرویش هر رساله که میآید درین منزل چهارم سخن بلند میشود تـاحاضر باشی . والحمدالله رب العالمین . یافتاح . (۹۹الف ـ ۱۰۱ب) .

۷ ـ نیز درملك و ملکوت

آغاز: بسمله و حمد . بدانکه عالم ملك عالم اضداد است و عـالم ملکوت عالم ترتیب است .

انجام: آنچه ازمفردات ظاهر شوند ازمرکبات نشوند و آنچه از مرکبـات ظاهر شوند ازمفردات شوند . والله اعلم . تمت الرساله (۱۰۱ب ـ ۱۰۶ الف) .

۸ ـ دربهشت ودوزخ وخوشی وناخوشی .

آغاز: بسمله وحمد اما بعدچنین میگوید شیخ وقت عزیزبن محمدالنسفی رحمةالله‌علیه که جماعت درویشان ازاین بیچاره درخواست کردند که میباید که بیان کنی که حقیقت بهشت ودوزخ چیست .

انجام: تمام شد منزل چهارم واصل تصوف دراین منزل‌اند. والله‌اعلم بالصواب (۱۰۶ب ـ ۱۱۱ الف) .

۹ ـ در گفتارصوفیان درباره « ذات ـ وجه ـ نفس ـ صفت ـ اسم ـ فعل » .

آغاز: بسمله وحمد . اما بعد درویشان ازاین بیچاره درخواست کردند که میباید که بیان کنی که اهل تصوف بیان ذات و وجه و نفس چون کرده‌اند .

انجام: دلیل است. بر آنکه دعوی بزرگتری میکردند انکار موسی میکرد. والله اعلم بالصواب (۱۱۱الف ـ ۱۱۵) .

۱۰ ـ درهستی حقیقی و خیالی .

آغاز: بسمله وحمد . اما بعد بدانکه اهل‌وحدت درمنزل پنجم‌اند .

انجام : یك طائفه‌اند ازاهل وحدت. والله‌اعلم‌بالصواب. (۱۱۵ب ـ۱۱۸ب) .

۱۱ ـ درکفر وتوحید واتحاد و وحدت .

آغاز: بسمله‌وحمد ... امـا بعد بدانکه اهل وحدت دو طائفه‌اند . یک

طائفه درمنزل پنجم‌اند .

انجام : ونتوانستم باشدکه دراین رساله که میآید تمام کنم . والله‌اعلم‌بالصواب. (۱۱۸ب ـ ۱۲۲الف) .

۱۲ ـ درهستی .

آغاز: بسمله وحمد . اما بعد . این‌نور نامحدود و نامتناهی .

انجام: ازروی تناسب‌نه ازروی تناسخ این همه راست باشد . والله‌اعلم‌بالصواب. (۱۲۲ب ـ ۱۲۳ب) .

۱۳ ـ درجهان علوی وسفلی .

آغاز: بسمله وحمد . . . امـا بعد درویشان کثرهم‌الله ازاین بیچاره درخواست کردندکه میباید بیان کنی که اهل‌وحدت بیان چون میکنند .

انجام: تابکمال خود رسند باخوددارند والله‌اعلم بالصواب (۱۲۳ب ـ ۱۲۵الف)

۱٤ ـ درآغاز وانجام .

آغاز: بسمله وحمد . . . ای درویش قاعده وقانون سخنان اول دیگر بود .

انجام: وعقل این طائفه پوشیده است ودیوانه‌را بهمین معنی مجنون‌گویند والله اعلم بالصواب (۱۲۵ الف ـ ۱۲۸ب) .

۱۵ ـ در تناسخ .

آغاز: بسمله وحمد . . . بدانکه منزل سیم تناسخ‌است وطریق تناسخ‌قدیم‌است وچندین هزار سال است که میان خلقت است وبیشتر عالم برطریق تناسخ بودند و هستند . اهل‌چهار دانك بلکه زیاده برطریق تناسخ‌اند .

انجام:ورد گرمی‌بسردی‌وسردی‌بگرمی‌وردمکر بمکروردلشگر بلشگر توان کرد. تمت‌الرسالة (۱۲۹الف ـ ۱۳۵ الف) .

۱٦ ـ درلوح محفوظ عالم صغیر .

آغاز: بسمله‌وحمد . . . چنین‌گوید . . عزیز بن‌محمدالنسفی که جماعت‌درویشان کثرهم‌الله ازاین بیچاره درخواست کردندکه میباید که درلوح محفوظ عالم صغیر رساله

جمع کنید .

انجام: که آزاری از تو بکسی نرسد وبقـدر آنکه توانی راحتی میرسان تمام منزل سیم (۱۳۵ الف ـ ۱۳۹ب) .

۱۷ ـ درروان مردمی .

آغاز: بسمله . در بیـان معرفت انسان . نفس انسانی . بدان که جان معنی منبسطی است صفت وی واثروی حیات است .

انجام : سعادت وشقاوت هرگز مبدل نشود . والله اعلم بالصواب (۱٤۰الف) .

۱۸ ـ درسلوك مقامات .

آغاز: بسمه . اوحی الله الی داود . . . فقال یا داود فرغ لی بیتا اسکن فیه . بدانکه جملگی کتب منزل و شرایع انبیا شرح سلوك مقامات است .

انجام : ازدیگران وظلمت خودشان بینند گویندانظرنا نقتبس من نورکم ... فلتمسوا نوراً والله اعلم بالصواب (۱٤۰الف ـ ۱٤٤) .

[۶۰۷-۵۹۰]

این نسخه‌ها شماره‌های ۳تا ۲۰ دفتراست وبخط تعلیق ودرپایان دارد که

٤۰۵ احمدبن عبدالعلی بیك بیوك ابادی‌همدانی درزمستانی سردبسال۱۲۸۳رساله ۲۰رانوشت وهمه رساله‌ها بیك‌خط است. شماره۲۱ فهرستی است‌ازنگارش های فلسفی وپزشکی وعلوم‌غریب وادب ازگ۱٤٤الف تا۱٤۷ب بهمین‌خط ـ نسخه‌ای ازرساله‌های نسفی درکتابخانه‌سپهسالار بشماره $\frac{۱۳۱۶}{۱۳۱۷}$ هست .

۱۹ ـ درلوح محفوظ وجبرواختیار وقضا وقدر .

آغاز: فصل بدانکه این رساله‌ایست ازعزیزبن محمدالنسفی در بیان لوح محفوظ وجبر واختیاروحکم قضا وقدر. قال بدان . . . که مفردات‌عالم لوح‌محفوظ وکتاب خدایند .

انجام : میخواستم . . . درجبر واختیار بحثی مستوفی کنم نتوانستم کرد در رساله دیگرکه میآید شود انشاءالله تعالی .

این نسخه شماره ۱۲ دفتراست و بخط تعلیق در پایان دارد «قدتم فی الخمیس من سابع عشرشهر رجب المرجب ۱۲۹۲» گ ۸٦ب ـ ۸۹الف ـ بر کهای ۸۹ ب و ۹۰ الف سفیداست گویا میخواستندرسالهٔ دیگریرا که نسفی نویدداده بود بنویسند.

۸۷٦

[٤۸۹] رشف النصایح الایمانیه و کشف الفضایح الیونانیة (عربی)

ایندفتر نگارش شیخ شهاب الدین عمرسهروردی(۱) (سهرورد ۵۳۹ ـ بغداد ٦۳۲) است که در روزگار الناصر لدین الله عباسی (۵۷۵ ـ ٦۲۲) نوشت وازشاهکارهای صوفیان پیروسنت است که در آن همه دانشهای فلسفی نکوهیده بشمار آمده ودین ثابت گردید. سهروردی میگوید: «با اینکه درسایهٔ این فرمانروا بازار دین رواست برخی ازجوانان بفلسفه که بادین نمیسازد می پردازند. این است که من ایندفتررا از روی حدیثهائی که خودم روایت میکنم نوشتم و آنچه ازمسانید بیادم آمدبر آن افزودم».

سهروردی درهمه ۱۵ بخش ایندفتر ازروی خبر های معنعن و سخنان صوفیان فیلسوفان رارد میکند ودرباب ۱ میگوید که پیروی کتاب وسنت مایه خوشبختی است ودر۲ قواعد یونانی را باآیه وخبر باطل میسازد ودر۹ غلطهای فیلسوفان را آشکار میدارد ودر۱۲ راه راست را می نمایاند ودر ۱٤ روشن میسازد که یاران پیامبر خردمند و روشن بیش بوده اند. خاتمه یکم آن درشناخت جان ودوم در

۱ ـ سهروردی دفتر دیگری دارد بدین نام « ادلة العیان علی البرهان فی الرد علی الفلاسفة بالقرآن» معین الدین علی بن جلال الدین محمدمعلم یزدی م ۷۸۹ رشف النصایح را برای نصرة الدین شاه یحیی ششمین فروانروای خاندان مظفردر ۷۷٤ بپارسی کرد ونسخهٔ آن در کتابخانهٔ سپهسالار (دیباچه آقای نفیسی برمواهب الهی چاپ تهران بسال ۱۳۲٦خ ص۱۳)ودر موزه بریتانیا (I,23/580 ج۲ص۸۵۳فهرست ریو)ودراسلامبول هست ونسخی ازمتن هم دراین شهریافت میشود (بروکلمن ص ۷۸۹ج۱ پیوست) همین متن درمدرسه جامع الباشای موصل نیزهست (فهرست مخطوطات موصل ش۷۳ تصوف ص۵۲) درفهرست فارسیهای کتابخانه خدیوی ص۵۱۷ ازشرح رشف النصایح الایمانیه وکشف الفضایح الیونانیة ازمعین الدین یزدی یاد شد ونوشته است که در ٦۲٦ بپایان رسید وباید این تاریخ نگارش سهروردی باشد. درکشف الظنون آغاز رشف النصایح چنین یادشده: «الحمدلله رب العالمین اکمل الحمد علی کل حال» وآغاز ترجمه آن چنین: «حمد وثنائی که روح قدسی ازاملاء صحائف بلطائف اسرار» ـ نیز بنگرید به: گفتار نگارنده این فهرست درباره «منطق نزدخواجه رئیس ابوعلی سینا» درمجله دانش ش ۹ سال ۲ اسفند ۱۳۳۰ خ ص۳ـ٤۷۲.

پاداش ومزد دررستاخیز است فهرست بابها پس ازدیباچه گذارده شده. درخاتمه۱ (گ۱۱٦ب) میگوید: همانکه ابن‌سینا درقانون خویش درباره جالینوس گفته‌است که وی «میخواست فیلسوف گردد مگراینکه شایستهٔ آن نبود» درباره خود اوهم درست است. پیمودن این دریای ژرف نه‌درخورابن‌سینا است و نه‌ارسطو که قبله اوست و نه فیلسوفان مقلد دیگر. ابن‌سینا اگر بشفا نمی‌پرداخت ازپیامبران پیروی میکرد. نگارشهای‌اووفارابی که ازاندیشه‌وکارش برخاسته ارزشی‌ندارد. فیلسوفان کافری تقلیدی هستند. از خبرهای معنعنی که دربیشترجاها میآورد مشایخ روایت اوبدست میآید. درباب ۷ دررستاخیز وتکفیرکسانیکه بازگشت تن‌را نمی‌پذیرند (گ۵۵الف)خبری از «ناصرلدین‌الله امیرالمؤمنین»ازعبدالرزاق پسرشیخ عبدالقادر گیلی‌بشتیری م ٥٦١میآورد. این‌ناصر گرچه خودحدیث روایت میکرد وبدیگران اجازه روایت میداد ولی بانگیزه ابن‌ثابت‌بن سابور (م ٥٩٦) بفلسفه آشنا شده و علوم شرعی‌را خوار داشت. گویا سهروردی برای همین بودکه اینکتاب را نوشت.

[٦٠٩]

۳٤٥ این نسخه بخط نسخ معرب است وعنوانها بنسخ درشت‌تر از محمد پسر ابی المعالی ابی‌بکر پسرمحمد ابرقوهی بسال٦٢٧ـ دربرخی جاها مانندگ ۱ بریده ووصالی شده وخاتمه‌دوم بپایان نمیرسد وازآغازهم‌ندارد وچنین‌است «النبوية بعوارف فضلها وعدلها فحنت الی‌جوار اعتاب‌السدةالشريفة ارواح‌العلمافشدو اليهاالرحال (آغاز) ـ قولهم ان‌لايوجد من‌الواحد الاواحد ارتقوا الی اوائل‌العلم‌بان لايوجد من‌الواحد الاواحد ولكن (غفلوا) ان‌ذلك‌الواحد هوالروح الاعظم فسموه (انجام)».

دربـالای گ۱۱۱الف نوشته استکه حسنعلی واعظ ایروانی بسال۱۲۵۵ این نسخه‌را داشت.

(۳۱۲۱ ک) کاغذ ترمه‌سمرقندی—جلد تیماج ضربی.

اندازه: ۱۰×۲۲و۸×۱۷س ۲۱

[٤٩٠ـ٤٩١] **سفارشنامه سهروردی** (عربی)

دوپند وسفارش بنام سهروردی دراین کتابخانه هست که گویا ازشهاب‌الدین سهروردی‌صوفی‌باشدنه‌سهروردی‌اشراقی‌چه‌دریکی(۸۷۱/۳)ازمحدثات‌ونورسیده‌ها می‌ترساندودردیکری(۱۰۱۵/٤٦) ازاندیشه‌وتفکربازمیداردواین گونه‌سخن با

نگارنده رشف‌النصایح سازگارتر است تانویسنده حکمت اشراق وپندهـای ایندو سفارشنامه هم برپارسائی سنت پرست بیشتر می‌زیبد تایك فیلسوف اشراقی آزاد. این است آندو سفارش:

۱ ـ که در آغاز آن میخواهد آنچه راکه برای خویشتن آرزو میکند وبر او روشن است برگوید و آنرا چنانکه درعنوان نسخه ماآمده برای رهروان نوشته‌و آنانرا بپارسائی وپیروی ازسنت میخواند.

آغاز: بسمله. ایهاالطالب، السالك‌الطریق الی‌الله، المجد فی‌الطلب. اذکرلك الحق‌الواضح‌الذی اتمناه لنفسی واتشوق‌الیه.

انجام: فاستمع یـا اخی‌وصیتی، واقبل نصیحتی، تکن من‌الامنین. والحمدلله رب‌العالمین. والصلوة علی‌محمد واله‌اجمعین:

[٦١٠]

۸۷۱ این نسخه شماره۳ دفتراست وبخط تعلیق محمدعلی بسال۱۳۰۱ گ ٦٦الف ـ ٦٧ب. دردنبال آن سخنانی است ازابی‌یزید بسطامی که میگوید مردهرگونه کرامتی داشته باشدباید دید درباره دستورهای کتاب وسنت چون است.

۲ ـ که بیکی‌ازدوستان خویش‌مینویسد وپند بدو میدهد.

آغاز: هذه‌وصیته کتبهاالشیخ‌شهاب‌الدین‌السهروردی لبعض‌محبیه. یابنی‌اوصیك بتقوی‌الله وخشیته و لزوم حق‌الله.

انجام: لاتدری ماسمك غدافی‌القیامة. وفقناالله لمایحب ویرضی. تمت.

[٦١١]

۱۰۱۵ این نسخه شماره ٤٦ دفتراست وبخط تعلیق گ۱۷۵ الف وب. پیش از آن تفسیر «سبحان‌الله ... والله‌اکبر» است ازشمس‌الدین محمدمکی.

[٤٩٥-٤٩٢] سلوك (فارسی)

درنسخه شماره ۳۵۸این کتابخانه چهارگفتاردرسیروسلوك وروش عبادت وسنن صوفیانه و آداب مرید وشیخ است ومشرب‌شیعی در آنها پیدا است وساخته‌عارفان شیعی اخیرمیباشد. نگارنده همه اینها باید همان محمدحسین بن‌محمد باشدکـه در۱۲۵۱ میزیست وسبك همه‌اینها نیزیکی است. گفتارها اینك شناسانده میشود.

۱ ـ درسیروسلوك آمیختهٔ با اخبار ودر آن از بایزید بسطامی و محمدبن اسمعیل‌بن ابی‌القاسم‌بن همشادنوحی وذوالنون مصری‌وشیخ ابوسعید وشیخ‌مغربی ونجم‌الدین رازی ومرصادالعباد اووقطب‌انصاری وپیران‌نقشبندی وشیخ بهائی و آقا محمد بیدآبادی یادگردید .

آغاز: لاجابةالدعاء والفرج روایت است ازحضرت پیغمبر که‌بدرستیکه من میدانم کلمهٔ که نگفته است آنرا تنك دلی مگر آنکه حقتعالی فرجی دهـد تنگ دلی او را .

انجام : و آنچه گفته شد دراخبار و آیات انبیا و اولیا واحوال حکما است وبالله التوفیق .

۲ ـ درآداب خوردن برای صوفیان و درآن ازمفید وسید مرتضی وحکیم غزنوی وخواجه طوسی وابن فهدحلی وعلی‌بن طاوس وشیخ صفی‌الدین و مجلسی یاد شد .

آغاز: آداب طعام خوردن اول آنکه رازق‌را الله داند نه‌فلان .

انجام : و نفوس محدث اند بحدوث ابدان مع‌ذالك هیچ یك یکدیگر را تکفیر نکردند .

۳ ـ نیز گفتاری است درسیروسلوك ونام نگارنده آن‌درپایان (محمد حسین بن‌محمد ـ گ ۱۲۷الف) دیده میشود ودرآن ازلسان‌الغیب (گ۱۲۵ب) و شاه نعمةالله یادگردید ودر دوفصل ویك‌خاتمه میباشد .

آغاز: بسمله‌الحمدلله‌الحلیم‌الکریم... اما بعدچون مقتضای عبودیت‌حقیقی اشتغال قلب وقالب عبداست بعبادت معبود .

انجام : اگر بخودی‌خود چندسال در دوزخ مجاهده سوخته هنگام بیرون آمدن خام خواهد بود .

نظم :

گدائی در میخانه طرفـه اکسیریست
گر این عمل بکنی خاك زر توانی کرد

[٦١٢-٦١٤]

٣٥٨ این سه نسخه شماره‌های ۲ (۱۰۸ب-۱۱۷ب) و۳ (۱۱۷ب - ۱۲۰ الف) و٤ (۱۲۰الف - ۲۷ب) دفتر است وهمه بخط نسخ و عبارتهای تازی زیر خط سرخ میباشد .

٤ - نیزدرروش صوفیانه بمشرب شیعی است وبنام رساله سیدبن طاوس درنسخه یادشده‌ودرست‌نیست. نگارنده آن‌باید همان‌محمدحسین بن‌محمد باشدکه‌نویسنده نسخه٨٦٤/٤ نیزهست بسال۱۲۵۱ .

آغاز: بسم‌الله خیرالاسماء . الحمدوالثناء لعین الوجـود ... ای همسفران ملک سعادت وصفا وای رفیقان راه خلوصیت وفنا .

انجام : بمسجدابن طاوس مشهور است وحال از بنای آن مسجد اثری نیست والله ولی‌الامر کله .

[٦١٥]

٣٥٨ این نسخه شماره ٥ دفتراست وبخط نسخ گ۱۲۷ب۱۵۲ب .

[٦١٦]

٨٦٤ این نسخه شماره٤دفتر میباشد وچنین است‌آغاز وانجام‌آن: «امکثوا انی آنست نارا ... بطریق عدیده ازسیدرسل وهادی سبل مروی‌است (س٤ گ۱۲۷ب‌ش ۳۵۸/٥ ودوسطرآغازرا ندارد) - وسید خود بعد ازآن درآنجا مسجدی‌عظیم بنا نهاد والحال بمسجد ابن‌طاوس علیه‌الرحمة مشهوراست . والله‌ولی‌الامر . وقد فرغ من تسویده فی‌شهرذی‌القعدةالحرام فی‌سنة۱۲۵۱ تراب اقدام اولیاءالله اقل‌الثقلین ابن محمد ، محمدحسین، عفی‌الله عنهما فی‌الدارین. » گ۱۷۸الف - ۱۱۰الف بخط‌تعلیق . مهر عبده حسین‌بن محمد» درپایان دیده میشود .

(همه دفتر۱۲۶گ)کاغذ فرنگی - جلد تیماج حنائی

اندازه : ۱۶×۲۲ و۸×۳٫۵ س۱۵تا۱۸

[٤٩٦] **شرح بیتی ازحافظ** (فارسی)

دوانی این بیت « پیرماگفت خطا برقلم صنع نرفت - آفرین بر نظر پاك خطا پوشش باد » را بروش فلسفی گزارش‌میدهدودرآن اشعریان رارستگار ومعتزلیان را مجوس می‌پندارد ومیگوید که«عمربن‌الخیام» وبهمنیاربن‌المرزبان» ازشاگردان شیخ رئیس بوده‌اند .

آغاز: پیرما گفت.. قبل ازخوض درادامهٔ معنی بیت تمهید مقدمه چند.. خواهد رفت

انجام: پس اگرخطا درواقع بودی وپیر آنرا ندیده بودی پاك بودی.

[٦١٧]

١٠٤٦ این نسخه شماره ١٩ دفتروبخط تعلیق محمد شریف پسرمحمد قائمی بسال ١٠٦١ ك ٩٣ب ـ ٩٥الف میباشد.

[٤٩٧] **شرح بیتی از دهلوی** (فارسی)

جامی براین بیت امیرخسرودهلوی (٦٥١ـ٧٢٥): «زدریای شهادت چون نهنگ لابر آردسر ...» گزارش نوشت.

آغاز: بسمله. یامن لارب غیره ولااله سواه ... دل عشق ترا مرید باداعمر.

انجام: خاموش که مرغ رام رارم ندهی. تمت الکلام بعون الملك العلام.

[٦١٨]

٨٦٧ این نسخه شماره ١٩ دفتراست وبخط تعلیق ك ٢٥٧الف ـ ٢٥٩الف.

[٤٩٨] **شرح بیتی از شبستری** (فارسی)

آغاز: من افادات المحقق الدوانی ـ چون عزیزی التماس معنی این بیت کرد ازگلشن رازکه تصنیف ... محمود شبستر استواجب نمود.. قیام نمودن ... واملاکرد ...

«باصل خویش یکره بازبنگر ـ که مارا پدر شد باز مادر»

انجام: که هرگز شکرگوینده را لذت شکرخائیده نباشد والله اعلم بالصواب.

[٦١٩]

١٠٨٨ این نسخه شماره ٢٢ دفتراست وبخط تعلیق ك ٨٨ ب ٩٠الف ـ پس ازاین تاپایان دفترسخنان پراکنده ایست ازدانشمندان: ازتحفة الاحباء ودرج الدرر که هردو درعرفان است ٩٠الف. ازسید ابراهیم قزوینی وصدرای شیرازی هردودرعرفان ٩٠ب ـ ٩١الف. بازعرفان است وادب وحدیث ٩١ب ٩٢ب. قصیده‌ای در ١٢ بیت که ٤٢٠ گونه میتوان آنرا خواند ٩٣الف. ازصدرالافاضل واصطلاحات عارف کاشی وشرح فصول نصیریه علامه حلی وسخنان عرفانی وفلسفی وکلامی ٩٣ب ـ ٩٥ب. پیش ازاین سخنیست ازامام در «السر المکتوم»: دراینکه فرشته همان پردگار (رب النوع) است ٨٨الف.

[٤٩٩] **شرح بیتی ازمثنوی** (فارسی)

جامی این بیت «بشنو ازنی چون حکایت میکند...» راگزارش میکند.

آغاز: بسمله. عشق جز نائی وما جزنی نه‌ایم ـ اودمی باما وما بی وی‌نه‌ایم...

این سطری چنداست بعضی منثور وبعضی منظوم

انجام:

در بقای او شوی فانی تمام باقی جاوید باشی والسلام

[٦٢٠]

این نسخه شماره١٥ دفتراست وبخط تعلیق باعنوانها ونشانه‌های شنگرف گ ٨٦٧ ٢٤٦ الف ـ ٢٥٠الف. گزارشی ازجامی به‌نثر ونظم برهمین بیت بالا و بیت «کزنیستان تامرا ببریده‌اند ...» درجنك رساله‌های همو ونسفی وآذری‌وکاشی وکرمانی چاپ ١٣٠٣ هست ص ٣٨٢ ـ ٣٨٦ هامش.

[٥٠٠] **شرح حدیث صماء** (فارسی)

جامی براین حدیث بروش صوفیانه گزارشی بنثرونظم نوشته است:

آغاز:

بسمله ای پاك زحیز ومبر ازگمان خالی زتونی درون وبیرون جهان

انجام:

هر حرف خطا که جسته باشد زقلم شویند بآب عفو و باران کرم

[٦٢١]

٨٦٧ این نسخه شماره١٧ دفتراست وبخط تعلیق گ ٢٥٢ب ـ ٢٥٤الف.

[٥٠١] **شرح حدیث الغمامة** (عربی)

دانشمند قاضی محمد سعیداء قمی (١٠٣٨ ـ ١١٠٣) درسپاهان بسال١٠٩٩ که درشصت ویك سالگی بود(١) (دیباچه) گزارشی عرفانی برحدیث‌الغمامه که ازامیر مؤمنان آورده‌اند نوشته ودرآن میگوید که این‌حدیث را صدوق قمی‌درالمجموع الرائق ودیگران آورده وسند بسلمان میرسدو آن حدیثی است عارفانه‌وغلوآمیز.

---

١ ـ ازاین روی باید اودر١٠٣٨ زاده شده باشد نه در١٠٤٩ که درفهرست‌طوس (ج٤ص١٧ـ١٨) یاد شده.

آغاز: بسمله الحمدلله مدبر الادوار و معیدالاکوار طبقاعن طبق و عالما بعد عالم .

انجام : ولیکن هذا آخرما اردنا ایراده من کشف بعض اسرار هذاالخبر... ومن‌الله اسئل‌العصمة عن‌الخطا والی الله‌المشتکی .

[٦٢٢]

٤٠٣ این نسخه بخط نسخ ومتن زیرخط سرخ ازمحمدحسین فرزند حاج‌محمدابراهیم سپاهانی در١٢٦٣ میباشد. اودارنده این نسخه بود وخود درگ ١ الف چنین نوشته ومهراو درهمینجا هست. حاشیه‌هائی ازپدر اودر نسخه هست که او ازآن وی میداند .

(٣١١٩) ــ کاغذ سپاهانی ــ جلد تیماج‌مقوائی

اندازه : ١١×١٧ و٦×١٣ س١٧

[٥٠٢] شرح حکمة الاشراق (عربی)

شیخ شهیداشراقی شهاب‌الدین ابوالفتوح یحیی‌بن حبش‌بن امیرک‌سهروردی (سهرورد٥٤٩ـحلب٥٨٧)حکمةالاشراق‌را درمنطق‌وفلسفه‌بروش‌خویش‌نگاشته و درپایان‌روزسه‌شنبه ٢٩ج٢سال ٥٨٢ (ص٥٦١چاپ‌سنگی‌وص٢٥٨چاپ تازه) آنرا بانجام رساند . اودراین کتاب بدرخواست یاران حکمت ذوقی خویش‌را گنجانده وبدان بسی ارج مینهاده ودر مشارع ومطارحات (ص١٩٤ ـ ٣٦١ و٤٠١ و٥٠٥) ازآن بستود. شمس‌الدین محمدبن محمود شهرزوری (زنده در ٦٨٧) نگارندهٔ «رسائل‌الشجرةالالهیة » در٦٨٠ ونویسنده سرگذشت شیخ اشراقی درپایان «نزهة الارواح» خویش‌مانا نخستین‌بار(١) براین دفترگزارشی نگاشته‌است. آنگاه قطب الدین محمود شیرازی (شیراز ٦٣٤ ـ تبریز ٧١٠) برآن گزارشی آمیخته نوشت که اسدالله‌بن محمدحسن یزدی هراتی درتهران ازذی‌قعده ١٣١٣ تادهه یکم‌صفر ١٣١٦ بدستور حاج ابراهیم طباطبائی و بخط محمدبن میرزا عبدالعلی درگ‌زینی آنرا باتعلیقات صدرای شیرازی ورساله جمع بین‌رأیین فارابی بچاپ‌سنگی‌رساند . متن‌کتاب‌را آقای هنری کربین خاورشناس بادورساله « فی‌اعتقادالحکماء » و«قصة‌

١ ــ بنگرید به : دیباچه خاورشناس دانشمند آقای هنری کربین فرانسوی بر مطارحات‌ص LXXII وبرحکمةالاشراق ص٦٦و٦٩ـ کنزالحکمه بخش٢ص١٦٢ .

الغربة‌الغريبة» و گزارش پارسی کهن این یکی باپاره‌ای از دو گزارش شهرزوری و شیرازی درتهران بسال ۱۳۳۱/۱۹۵۲ بسیار زیبا و پسندیده چاپ نموده دیباچه ای بزبان فرانسه در آغاز آن گذارده‌است. شیرازی گزارش خویش‌را بنام خواجه‌غیاث‌الاسلام جمال‌الدین علی‌بن محمد دستگردانی وزیر باید و کرده در رجب سال٦٩٤ بپایان رساند (ش١٢٩مجلس وش٤٩٨عربی فردوسی ملی) این دستگردانی در ٦٨٣ناظر اوقاف عراق بوده ازماه جمادی یکم تاششماه سال٦٩٤ وزیر باید و(هفتماه٦٩٤ و کشته درهمین سال) ودردوماه سال٦٩٥ وزیر غازان (٦٩٤ ـ ٧٠٣) شده است و درپایان همین‌سال کشته شد (دیباچه چاپ‌تهران درة‌التاج ص‌ه ـ لب‌التواریخ‌ص٥ ـ ١٤٤ ـ دستور وزراء خوندمیر ص٣١٣) .

شگفت اینجا استکه‌قطب شیرازی دردیباچه‌گزارش‌خویش‌ص٣،حکمت‌الاشراق را ازشهاب‌الدین (ابوحفص) عمربن محمد سهروردی (بکری شافعی صوفی‌عارف پیرو سنت ٥٣٩ـ٦٣٢) دانسته و کنیه‌ابوالفتوح بدوداده ولقبهائی برای اویاد کرده که شایسته شیخ اشراقی شهید میباشد .

گویا دراین سده بنگارشهای سهروردی بسیار مینگریستند چنانکه همین‌شهر ـ زوری درنزدیك ٦٨٠ وابن‌کمونه در٦٦٧ وعلامه حلی (٦٤٨ـ٧٢٦) پیش‌از٦٩٣ برتلویحات او گزارش نوشتند. حلی دراجازه‌ایکه بنجم‌الدین مهنابن‌سنان درمحرم سال ٧٢٠ داده است ازگزارش خویش بنام «کشف‌المشکلات من کتاب‌التلویحات مجلدان» یادنمود. همین‌اجازه بخطسیدحیدر آملی درذیقعده٧٦٢ درنسخه‌ش١٠٢٢ گ ٦٨الف ـ ٧٠ب آمده ومجلسی آنرا درجلد ٢٥ (اجازات) بحارص ٢٩ و٣٠ آورده است. اودو اجازه ازعلامه برای مهنا یاد کرده‌که نخستین بتاریخ ذی‌حجه ٧١٩ است واین یکی دومی‌آن وتاریخ آنرا اویاد ننمود. درخلاصه علامه (چاپ ایران بسال ١٣١٠ص٢٤) ونیز درهمان اجازات مجلسی ص٢١ ازهمان خلاصه از «حل‌المشکلات من‌کتاب‌التلویحات للسهروردی» یادشده وازگفته حلی پیداستکه آنرا پیش از٦٩٣ نوشته بود .

ودود تبریزی (سده ۱۰) برحکمة‌الاشراق و گزارش شیرازی حاشیه نوشت.
او پیش ازاین برالواح عمادیه شیخ اشراقی که در جوانی نگاشته و بنام عمادالدین سلجوقی (قره ارسلان پسرارتق فرمانروای خرپوت و سردودمان ارتقی از ۵۸۱) کرده است، در ۹۳۰ گزارش نوشته‌بود.

نجم‌الدین حاجی محمود تبریزی نیز برحکمة‌الاشراق حاشیه دارد چنانکه صدرای شیرازی ودوانی برآن حاشیه نوشتند. محمود شریف‌بن‌الهروی دیباچه و بخش دوم حکمة‌الاشراق را در ۱۰۰۸ بپارسی کرد ودرآن بگزارش شیرازی نیز نگریسته است. دانشمند داماد استرابادی گذشته از اینکه دربسیاری ازنگارشهای خویش‌سخنان‌سهروردی راگواه آورده، در ۱۰۲۹ درپاسخ پرسشی که ازوی‌درباره یك‌بند ازحکمة‌الاشراق (بند۲۶۸ص۲۵۰چاپ تازه) کرده‌اند نامه‌ای نگاشته‌است. فرزانه بهرام پسر فرشاد (زنده در۱۰۴۸) پیرو آذرکیوان اززردشتیان شیراز که‌در هند میزیست حکمة‌الاشراق‌را بپارسی درآورد. تلویحات شیخ اشراق بزبان‌عبری نیز ترجمه گردید (دیباچه فرانسوی آقای هنری کربین برمطارحات VII وبرحکمة الاشراق ص۵۹ـ۶۴) میدانیم کـه سید حیدر آملی وغیاث‌الدین منصور دشتکی و سید احمدعاملی وسعیداء قمی‌وشمساء گیلانی وفیض کاشانی ولاهیجی وپیروان‌اینها همه روش اشراقی داشتند. درروزگار اکبر شاه هندی (۹۶۳ـ۱۰۱۴) گذشته از ترجمه نگارشهای‌هندی‌بپارسی فلسفه ایرانی هم دردسترس‌مردم هندگذارده‌میشد پس میتوان گفت که روش اشراقی سهروردی را بسیاری ازدانشمندان شیعی‌ایرانی پسندیدند وچون ریشه ایرانی داشت سرانجام بعرفان آریائی هند نیز بپیوست(۱)

۱ـ ازمتن حکمة‌الاشراق دو نسخه درسرای احمد اسلامبول یکی (III3252) بتاریخ۱۷ شعبان ۶۷۹ دیگری (III3271) بتاریخ ع۲ سال۷۰۸ و نسخه‌ای‌در کتابخانه راغب همانجا (ش۱۴۸۰) بتاریخ۷۳۴ درمدرسه نظامیه بغداد، هست. ازشرح شیرازی نسخه‌ای بشمارهٔ ۴۹۸ عربی در کتابخانه ملی فردوسی تهران هست که حسین‌بن‌عبدالله النیاربغدادی‌نوشتن آنرا در تبریز یکم جمادی دوم سال۷۳۴ بپایان رساند. دواجازهٔ روایت از قطب شیرازی درد و برك پایان آن هست که به نجم‌الدین دهستانی و ظهیرالدین عسکری درتبریز درپایان ربیع دوم سال۷۰۸ داده تابتوانند همه کتابهای اورا روایت کنند وبخط همان بغدادی میباشد (دیباچه فرانسوی شرح حکمة‌الاشراق

دنباله حاشیه درصفحه بعد

[٦٢٣]

این نسخه بخط یسخ‌خوش‌ومتن وعنوانها بنسخ درشت‌تر وسیاه‌تر زیر خط‌سرخ
١٠٤٧ میباشد وعنوان برخی ازمطلبها درهامش‌آمده است . نویسنده‌آن دانشمندسید رکن‌الدین محمدبن علی‌فارسی استرابادی‌گرگانی میباشد که‌شاگرد علامه‌حلی (٦٤٨ ـ ٧٢٦) وخـواجه طوسی (٥٩٧ ـ ٦٧٢) بوده است. او اوصاف‌الاشراف و اساس‌الاقتباس واخلاق ناصری والفصول فی‌الاصول وشرح کتاب ثمره بطلیموس‌وجبر وقدرطوسی راازپارسی بتازی‌کرد (ص٢١٥ج٤فهرست طوس ـ گ ١٢٨الف ـ١٢٩ الف ش ١٠٢٢ دانشگاه کـه فهرست نگارشهای گرگانی از روی خط او در آنجا آمده است) .

رکن‌الدین نوشتن این نسخه را برای خود درنجف درروز دوشنبه(٩) محرم٧١٨ ازروی نسخهٔ بدی بپایان رسانده سپس‌آنرا بانسخهٔ دیگر (گویـا نسخهٔ اصل) برابر نمود واین مقابله او درروز چهارشنبه ٩ج٢سال، ٧٢٣ بانجام رسید. شرف‌الدین‌حسن بن عبدالکریم فتال غروی خادم روضه غروی استاد ابن ابی جمهوراحسائی و روایت کننده ازجمال‌الدین حسن‌بن حسین‌بن مطرجزائری ازابن فهدحلی (٧٥٧ ـ ٨٤١)این نسخه‌را نگریسته وازآن بهره برد ودربامداد روزسه‌شنبه دوم ربیع یکم سال٨٧٠از خواندن آن بیاسود(١) .

این نسخه دردست جلال‌الدین محمد دوانی (٨٢٨ ـ٩٠٨) بوده وبرآن بخط خود حاشیه‌هائی نوشته که‌درپایان بیشترآنها نشانه«مح»دیده‌میشود ودرسه‌جا نیزبدینگونه نوشته است: لمعلقه محمدبن اسعد ـ للفقیرالجانی محمدبن اسعدالدوانی ـ لکاتبه‌الفقیر الجانی محمدبن اسعدالدوانی» (گ ٩٨الف ـ١١٣الف) دوانی درحاشیه خود (گ٦ الف) از کلمة‌التصوف» سهروردی یاد نمود .

---

١ ـ گرگانی درعراق میزیسته و«الابحاث فی‌نقویم الاحداث» را دررد زیدیان و اثبات تشیع درروز آدینه ٣ج٢ سال٧٢٨ درنجف نوشته است .

(برای‌سرگذشت گرگانی بنگریدبه : روضات‌الجنات چاپ١ص٢٦٥ و٦٠٩ وچاپ دوم ص٢٦٤ و٥٨١ ـ فهرست طوس ج٤ص٣ و٢١٤ و٢١٥ ـ ذریعه ج١ص٦٣ وج٤ ص١٢٢ـ برای سرگذشت ابن‌ابی جمهور بنگرید بآنچه دربارهٔ « مناظره احسائی و هروی» درهمین فهرست خواهدآمد) .

دنباله حاشیه صفحه پیش

ص ٧٥ ـ ٧٨) .

درکتابخانه مجلس سه نسخه ش١٢٩ وش١٣٠ تاریخ١٠٦٢ وش١٣١ تاریخ١٢٩٨ ودر طوس نیزسه نسخه ش١٥٩ (ج١ص٤٩) تاریخ ١٠٢١ وش١٧٠ (ج١ص٥١) وش ٧٨٩ تاریخ ١١٠٩ (ج٤ص١٧٤) ازشرح شیرازی هست .

این نسخه‌رامحمد باقرجهرمی شیرازی کربلائی درکاظمین‌بسال ۱۲۵۳خریداری کرده است. مهرزیبائی بساخت یك‌مربع دریك دائره در۱الف دیده میشود که‌خوانده نشده . چنین است نسخه :

آغاز: «بسمله (وفق‌اللهم لاکماله لمحمد وکرام‌آله) ـ میانهٔ دوکمانه شاید ازگرگانی باشد ـ الاشراق سبیلك ... »

انجام : «متجنبین طریق‌المراء والعناد والله ولی‌السداد».

عنوان‌گزارش درنسخهٔ ما چنین است : کتاب شرح حکمة‌الاشراق للشیخ‌شهاب الدین السهروردی رحمه‌الله تصنیف المولی الکامل والعـارف الواصل قطب‌الحکماء رئیس‌العلماء القطب‌الصمدانی والمکاشف الحقانی مسعودالشیرازی قدس‌الله نفسه‌وطهر رمسه بمحمد وآله‌الطاهرین .

درگ۲۰۲ الف دارد : « فرغ‌ناسخه لنفسه‌الملتجی الی‌الحرم العلوی محمد بن علی‌الجرجانی من نسخة سقیمة یوم الاثنین (تاسع) محرم ثمان عشره وسبعمائه حامدالله تعالی علی‌نعماه ومصلیا علی خاتم‌انبیاه محمدبن عبدالله ومستغفرالذنوبه».

نیز : «وقع‌الفراغ من (قبال) النسخة بغیر (اصلها) بحمدالله تعالی الاما (قذ) البصر وذلك یوم (الاربعاء) . تاسع جمادی‌الاخره لسنة ثلث و (عشرین) وسبعمائة ـ الهجریة وکتب محمدبن علی‌الجرجانی حامدا ومصلیا ومستغفرا » .

در گ ۲۰۲ ب : فرغ من‌مطالعة هـذاالکتاب وتامله ... و استفادمنه مایتسرله الوصول . . . علیه وفقه‌الله وامثالـه لحل مبانیه وا ... حقایقه و معانیه صباح یوم‌الثلثاء ثا(نی ربیع) الاول سنة سبعین وثمانمائه ... الصحه حسن‌بن عبدالکریم الفتال ...

(دو سطر پاك شده و خوانده نمیشود و همچنین کلماتی که بجای آن نقطه گذارده شده) .

در۱ الف: « اشتریته بثمن بخس فی‌الکاظمین علیهما السلام وانا العبد الخاسر محمد باقر۱۲۵۳ الجهرمی‌الشیرازی الکربلائی» آنچه درمیان دوکمانه‌گذارده شده درنسخه بروشنی خوانده نمیشود .

(۳۲۰۲ف)- -کاغذ ترمه سمرقندی جلد مقوا برنك زرد

اندازه : ۸ر۱۷×۲۶ و ۵ر۱۳×۲۰ س۲۴

[٥٠٣-٥٠٧] شرح خبر کمیل (فارسی‌وعربی)

گویند کمیل(۱) که ازشناختگان علی٤ بوده است ازرهبرواستاد خویش درباره «حقیقت» پرسید واو پاسخی عرفانی داد. این پرسش وپاسخ درفصل‌الخطاب‌حاج محمدکریمخان فرزند ابراهیم‌خان‌قاجار ظهیرالدوله(۱۲۲۵-۱۲۸۸) بسال۱۲۸۰

---

۱ - کمیل پسرزیاد پسرنهیك پسرهیثم نخعی راعلی٤ فرمانروای هیت کرد اونمی توانست چپاولگران معاویه را که بمرز عراق میگذشتند براند ودر برابر میخواست بسپاهیان خویش‌دستور دهد که بمرزهای‌دشمن مانندقرقیسا ودیگر روستاهای‌پیرامون فرات‌بتازند.علی‌بدونوشت که اینگونه کارسستی‌است. کمیل درجنك صفین بود.ابوحیان میگوید که اوسخنانی دشوار ازعلی‌آورده وازگفته های او سخت می‌پرهیزند. ذهبی گوید که او گرانمایه وراستگو ورهبر وپارسا وشیعی منش بود وکم‌حدیث دارد. حجاج اورا نزدیك بسال ۸۲ بگناه دوستی علی وبودن باکشندگان عثمان بکشت. (سفینه بحارالانوار قمی ج۲ص٤۹۸- رجال‌مامقانی ج۲ش۹۹۳۸ص٤۲)میگویند کمیل ازعلی(ع) درباره شناخت روان پرسیده وپاسخی عارفانه وفیلسوفانه گرفت. مجلسی درآسمان وجهان بحار(ج١٤ص٤١١) می‌نویسد که صوفیان آنرا ازکمیل نقل کردند سپس میگوید که این اصطلاحات در اخبار معتبریافت نمیشود ومانند یاوه سرائیهای صوفیان است. این‌خبر دراثنی عشریه فی‌المواعظ‌العددیه محمدبن قاسم عاملی(زنده‌در ۱۰٦۸) وفصل‌الخطاب کریمخان ص۲۳۳ دیده میشود.

نیز گفته‌اند که‌اعرابی ازعلی(ع) چنین پرسشی کردوپیشوا پاسخ‌داد. فیض‌درکلمات مکنونه (چاپ۱۳۱٦ص٤-۷۳)آندورا آورده وگفت که پیران ایندو را مرسل دانستند نه اینکه نپذیرفته باشند وهردوا شرح کردند. آذری درجواهرالاسرار (چاپ ۱۳۰۳ ص۲٥٤) گزیده ازمفتاح‌الاسرار بسال ۸٤۰ پرسش کمیل درباره روان‌را یاد کرد. اودرص۲٥۳«من‌عرف نفسه‌عرف‌ربه»را نیزسخن پیامبردانست. پیش ازاو شاه‌نعمة‌اله کرمانی بسیاری ازسخنان دانشمندان‌را بپیامبر وپیشوایان بسته استچنانکه «من فقد حسا فقدعلما» راکه ازارسطووومنطقیان دیگراست ازپیامبرپنداشت (رسالة‌النکات‌در مجموعه رسائل اوچاپ ارمغان بسال۱۳۱۱ خ‌ص۱۲۱) درص۲۱۸ این فهرست یاد شد که عبات «صورعاریة عن‌المواد ...»را ازدوبند نیایش ابن‌سینا گرفته بعلی(ع) بسته‌اند وآن درغررالحکم‌ودررالکلم(فصل‌صاد)سید ابوالفتح ناصح‌الدین عبدالواحد محمدبن محفوظ‌بن عبدالواحدآمدی (م٥۱۰) که بابن شهرآشوب دانشمند شیعی(م٥۸۸)اجازه روایت همین‌کتاب را داد آمده است. کریمخان درفصل‌الخطاب ص۲۳٥ ازهمو آنرا آورده گفت که پیران‌ازآن یادکرده وکسی انکارنکرده‌است .فیض در کلمات‌مکنونه ص۷٥ نیزآنرا آورده است.(نیز بنگرید به: کنی والقاب قمی‌ج۲ص٥ - ریحانة‌الادب ج۱ص۲۹ - معجم‌المطبوعات - ابن شهرآشوب درمعالم‌العلما چاپ تهران ص۷۲).

و١٢٨٢ (چاپ ایران بسال ١٣٠٢ ص ٢٣٣) آمده و او میگوید : که مشایخ آنرا مرسل آورده وشرح کردند . در(ص٢٣١) روضات‌الجنات خوانساری (١٢٦٦ — ١٣١٣) نیزیادی از آن شده است. صائن‌الدین علی‌ترکه خجندی سپاهانی(م٨٣٥) درمفاحص (ش٤٣٠ گ٥الف) ازاین‌خبر یادنمود .

عبدالرزاق کاشی درنامهٔ‌ایکه بعلاءالدوله سمنانی مینویسد میگوید : « ودر سخن‌ساقی کوثرامیرالمؤمنین رض آمده است : الحقیقة کشف سجات‌الجلال من‌غیر اشارة» (نفحات جامی ص٤٢٣) شوشتری درمجالس‌المؤمنین مجلس ششم در آغاز سرگذشت کمیل ازشرح عبدالرزاق کاشی براین حدیث یادنموده وخود آنرا بند ببند آورده وبپارسی گزارش داد. درفهرست‌مجلس (ش١٣-٦٣١/١٢) ازدورساله کمیلیه درگزارش همین‌گفتار یاد شد ونخستین بپارسی است . دراین‌کتابخانه ٥ گزارش هست :

١ ـ ازدانشمند علامه جمال‌الدین حسن پسریوسف پسر مطهرحلی (٦٤٨-٧٢٦) که بدرخواست یکی ازبرادران دینی وبروش تصوف وعرفان نگاشته‌است .

آغاز: الحمدلله الذی بطن ذاته بصفاته وحجب صفاته بافعاله و خفی افعاله بآثاره . . . فقدسال منی اخ‌فی‌الدین ان‌اکتب رسالة وجیزة فی‌شرح کلام .. علی‌بن ابی‌طالب . . . حین سأله کمیل . . . عن‌الحقیقة فقال . . . مالك و الحقیقة .

انجام : و تعمقه فی بحار مراتب الحقیقة والیقین و رزقنالله . . . الثبات علی الصراط المستقیم المعبرعنه‌بالشریعة والدین القویم‌وحشرنافی‌زمرة المؤمنین المتقین العارفین الواصلین‌من‌الانبیاء والاولیاء والائمة والمشایخ‌من‌الاولین‌والاخرین والصلوة والسلام علی نبیه محمد واله‌الطیبین الطاهرین‌اجمعین آمین یا رب‌العالمین .

[٦٢٤]

١٠٣٦ این نسخه شماره٢ دفتراست وبخط تعلیق مورب گ١٠الف ـ١١الف .

٢ ـ ازعارف‌عزالدین محمودفرزند علی‌فرزندابی‌طاهر کاشی نتنزی(م٧٢٥) که بروش‌عرفانی نوشته‌وپس ازیادگردن‌همه خبربندببندآنرا آورده وروشن‌نمود.

آغاز: قال الشیخ العارف عز الملة والدین علی بن ابی طاهر الکاشی «تفسیر الالفاظ التی صدرت عن امیر المؤمنین علی بن ابی طالب . . . فی جواب کمیل . . . علی ماسنح لی وسمح به الوقت ان الحقیقة فعیلة من حق یحق حقیقاً اذا ثبت والتاء فیها للمخروج من الوصفیة الی الاسمیة واللام للعهد الذهنی . . . »

انجام: اذا طلع الصباح استغنی عن المصباح والله یهدی من یشاء الی صراط مستقیم (۱۰۳۶/۳) .

[۶۲۵]

۳۷۹ این نسخه شماره ۱ دفتری است دارای ۵ رساله و بخط نسخ نزدیك ۱۲۷۰ گ ۱ ب ۳ الف . وچنین است : «بسمله . سأل کمیل ... عن امیر المؤمنین کرم الله وجهه عن الحقیقة ... قال الشیخ ... محمود بن علی ... الکاشی ... تفسیر هذه الکلمات علی ماسنح لی وسمح الوقت ـ اذا طلع الصباح ... مستقیم . والله اعلم» .

(همه دفتر ۱۲۷ك) = کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج ،
اندازه : ۱۳٫۵×۲۱٫۵ و ۷٫۵×۱۴٫۵ س ۱۸

[۶۲۶]

۱۰۳۶ این نسخه شماره ۳ دفتر است و بخط تعلیق گ ۱۱ الف وب . در پایان دارد : «تمت فی سنة ۱۱۱۶» .

۳ ـ از کمال الدین عبدالرزاق کاشی عارف (م ۷۳۶) که بروش عرفانی نوشته ودر آن خبرهائی عارفانه از پیامبر وامام صادق (ع) آورد . وی نخست همه حدیث را یاد نمود وسپس بندبند آنرا گزارش نمود . این دانشمند کاشانی باهمشهری خویش هردو شاگرد نورالدین عبدالصمد نتنزی سپاهانی م ۶۹۹ و ظهیرالدین عبدالرحمن فرزند ... بزغش شیرازی م ۷۱۶ بوده اند وهردو نگارشها درعرفان دارند .

آغاز: بسمله . الحمدلله رب العالمین . . . وبعد فهذا مما املاالشیخ الکامل . . . کمال الملة والدین عبدالرزاق الکاشی علی ما اجاب به امیر المؤمنین . . . عن سؤال کمیل بن زیاد عن الحقیقة وهو قوله ماالحقیقة . . . قال الشارح الحقیقة ههنا هو الشئ الثابت الواجب بذاته الذی لایمکن تغیره بوجه ما .

انجام: وعندالابتهاج لایحتاج الی السراج والله الهادی الی طریق الرشاد وهو کل مرجع ومآب وصلی الله علی محمد واله خیرالعباد (۱۰۳۵/۳۳) .

[٦٢٧]

۲۵۲ این نسخه شماره۲ دفتری است دارای۵ رساله و بخط نسخ نزدیك۱۱۱۵ از نورالدین محمدبن مرتضی گ۱۰ب ـ ۱۱الف وچنین‌است آغاز آن:« بسمله وحمد وصلوة فهذا ماامله الشیخ العالم کاشف اسرار الحقیقة هادی ارباب الطریقة کمال‌الملة والدین عبدالرزاق‌الکاشی قدس‌سره ماأجاب به‌امیرالمؤمنین وامام المنقین علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام عن‌سئوال کمیل بن زیادرضی‌الله عنه‌عن‌الحقیقة وهو قوله ماالحقیقه . . . قال الشارح قدس سره‌الحقیقة ههنا هوالشیئی الثابت ... »

وانجام‌آن اینست : «فقدطلع علیك تباشیر نورالحق واوائلها‌التی هی بالنسبة‌الیه کنسبة نورالصبح الی نورالشمس وقت‌الاستواء وعند الابتلاج لایحتاج الی السراج . تمت‌الرسالة‌الکمیلیة بحسن‌توفیقه‌سبحانه .

(همه دفتر ۴۶۱گ) ـ کاغذ سپاهانی- جلد تیماج مشکی

اندازه : ۱۷×۲۵ و۱۱×۱۹٫۵ س۳۰

[٦٢٨]

۸۷۱ این نسخه شماره۷ دفتراست وبخط تعلیق محمدعلی نزدیك ۱۳۰۱ گ۸۸ب ۹۱الف . وچنین است : « بسمله ... الحمدلله رب‌العالمین ... اما بعد فهذا ما املاالشیخ‌العالم کاشف اسرارالحقیقة ... کمال‌الملةوالدین‌عبدالرزاق‌الکاشی قدس سره علی‌ما اجاب به‌امیرالمؤمنین ... عن سئوال کمیل ... عن‌الحقیقة وهو قوله ما الحقیقة... قال‌الشارح ... الحقیقةهناهوالشی‌الثابت ... لایمکن تعبیره باعتبارها ـ وعند الابتلاج لایحتلج‌السراج » .

[٦٢٩]

۸۸۱ این نسخه شماره۱۰ دفتراست وبخط نسخ باعنوانهای شنگرف از محمد بن فتح‌الله بسطامی درمدرسه رزم ساریه قزوین درروز آدینه۱۶ سال۱۰۰۴ گ ۴۲ ب ـ ۴۵ الف . وچنین است:« بسمله. هذاشرح‌الشیخ ... عبدالرزاق‌الکاشی لاجوبة امیرالمؤمنین... عن‌سئوال کمیل بن‌زیاد رض‌لماسأل‌الامام ع عن‌الحقیقة وهوقوله ماالحقیقة... قال‌اطفئی‌السراج‌فقد طلع‌الصبح. قال‌الشارح‌الحقیقة هناهوالشیءالموجود (الواجب) لذاته ـ کنسبة نورالصبح‌الی نورالشمس وقت‌الاستواء وعندالانبلاج‌لایحتاج الی السراج » .

[٦٣٠]

۱۰۱۵ این نسخه‌شماره۱۰ دفتروبخط‌تعلیق نزدیك۹۱۳میباشدگ۲۱ب ـ۲۴الف.و چنین‌است«من‌فوائدالمولی‌العلامة کمال‌الملة.قال‌عبدالرزاق‌فی‌معنی کلام‌امیر- المؤمنین علی علیه‌السلام سال کمیل بن‌زیاد ... امیرالمؤمنین علیا(ع) فقال‌ما الحقیقة فقال امیرالمؤمنین مالك والحقیقة ... الحقیقة هنا هوالشیئی‌الثابت‌الواجب‌الذی لایمکن‌تغیره باعتبارما ـ وعندالابتهاج لایحتاج الی‌السراج والله‌اعلم بحقائق‌اسراره»

[٦٣١]

١٠٣٥ این نسخه شماره۳۳ دفتراست و بخط نسخ ص۲۸۳ـ۲۸۵ از شهاب‌الدین حسینی درشعبان ۱۰۹۸ .

٤ ـ ازقاضی کمال‌الدین امیرحسین میبدی یزدی (م ۹۱۱) .

٥ **آغاز:** سال کمیل . . . فقـال ماالحقیقة ـ هی‌الشئی‌الثابت الواجب‌الذی لم‌یکن تغیر بوجه ما .

انجام فقد طلع‌الصبح و تبین‌الرشد من‌الغی .

[٦٣٢]

١٠٣٨ این نسخه شماره۱۱ دفتراست و بخط شکسته نعلیق گ ۹۷ب ـ ۹۸ الف .

١٠ ٥ ـ ترجمه و گزارش آن بنظمی شیوا وروان در۳۲ بیت که این خبردرپنج بند در آن آورده و گزارش شد .

آغاز: قال امیرالمؤمنین(ع) فی‌جواب کمیل ابن‌زیاد که : ماالحقیقة . قـال (ع) مالك والحقیقة . قال اومثلك یخیب سائلا . قال کشف سبحات‌الجلال من‌غیراشارة .

حقیقت کشف‌انوار جلال است ـ ولیکی دل‌چه داند کین چه حال است ـ فروغ

١٥ روی او ازغیم امکان ـ چو ظاهر شد حقیقت گشت پنهان .

انجام : اطف السراج فقد طلع‌الصبح . جوابش داد گفت‌ای رفته ازدست‌ـچرا گشتی چنین شیدا و سرمست . . . علـم چون برفرازد شاه فرخار ـ چراغ آنجـا نماید چون شب تار .

[٦٣٣]

٢٠ **١٠٣٥** این نسخه‌شماره۳٤ دفتراست و بخط نسخ‌درمتن و تعلیق شکسته ریز درگزارش و نشانه‌ها بشنگرف درپائین صفحه درطول آن در۱۵ سطر ص۲۸۵ .

[٥٠٨] **شرح رباعی‌های دوانی** (فارسی)

دانشمند دوانی (۸۲۸ـ۹۰۸) درجوانی چند رباعی فلسفی وعرفانی سروده سپس آنها را بدرخواست دوستان گزارش نمود و آنرا بسلطان ایلدرم بایزید۲ (۸۸٦ ـ

٢٥ ۹۱۸) ارمغان داد . او این رباعیها را روی مطلبهای فلسفی وعرفانی بخش کرده و گزارش نمود .

آغاز: بسمله . . . حمداً لاله غمر الخلق آلاه . لامعبود سواه بل لیس سواه . ذرات دو کون زاسیب عدم ـ غیر ازحرم حرمت او نیست پناه . . . درسوالف ایام که عنفوان جوانی و ریعان زندگانی .

انجام: توچه دانی زبان مرغـان را ـ که ندیدی می و سلیمان را . نسأل الله تعالی الاطلاع علی حقایق اسراره والاستضائة بلوامع انواره .

[٦٣٤]

١٠٤٦ این نسخه شماره ٢٦ دفتراست وبخط تعلیق رجبعلی بن جواد علی مازندرانی دربار فروشده ودر ٢٠ صفر ١٠٦٢ عنوان رباعی را بنسخ درشت گ ١١٢ب ـ ١٣٠ الف .

[٥٠٩] **شرح رساله تجلی ذاتی** (عربی)

گزارشی است ازخواجه صائن الدین ترکه خجندی سپاهانی م ٨٣٠ بررساله ابن هود مغربی .

آغاز: بسمله . قـال الحکیم الکامل ابن هود المغربی قدس سره لماتجلی الله لذاته بذاته من ذاته فی ذاته عن ذانه علی ذاته تجسد بالجسد فکان الاول عرشا والثانی کرسیا و الثالث سماء والرابع نارا والخامس هواء والسادس ماء والسابع ارضا . . . شرحهـا المولی . . خواجه صائن الدین ترکه قدس سره قـال الفقیر . . . اعلم ان تحقیق الکلام .

انجام: والمحقق مثلنا لانا وایاهم بمیزان الاحسان . تمت الرسالة والصلواة علی خاتم الرسالة محمد و آله .

[٦٣٥]

١٠٣٣ این نسخه شماره ٥ دفتراست وبخط شکسته تعلیق گ ٨ب ـ ١١ب

[٥١٠] **شرح «العلم نقطة کثره الجاهلون»** (عربی)

محمدبن محمدبن محمد طوسی الهی درآغاز این گزارش پس ازیادکردن نام خویش میگوید بآستان علی(ع) رفتم وچیزها درآنجا درباره این حدیث علوی برمن آشکارگشت . سپس بروش فلسفی وعرفانی وباطنی آنرا گزارش میکند .

آغاز: بسمله . شرق نورالالهية فتجلى لاعيان الماهية والبسها الوجود بعناية الجود .

انجام : ان نقطة من وجه الاعداد ان يكون مائة واربع وستون عددا . و افرادها بالحروف ، ومافيها من الخواص ، وتعلقها بالكائنات ، و وجه المناسبة . وانما ختمته للايجاز والاختصار . والى الله المصير . والحمدلله رب العالمين .

[٦٣٦]

٣٩٨ این نسخه شماره ۲ دفتر و بخط تعلیق باعنوانهای شنگرف میباشد گ ١٤ب - ١٩ الف .

[٥١١] **شرح فصوص الحكم** (عربی)

مؤیدبن محمودبن صاعدبن محمد حاتمی صوفی جندی (م نزدیك ۷۰۰) شاگرد صدرالدین محمد قونوی (م ٦٧٣) این گزارش را برفصوص محیی الدین اندلسی (م٦٣٨) نگاشته است(١) .

---

١ ـ اندلسی فصوص را پس از ٦٢٧ که درخواب دید پیامبر آنرا بدوداد وفرمود آنرا بمردم برساند بپرداخت .

عبدالرزاق کاشی در گزارش برفصوص از نسخه‌ایکه مؤید بر قونوی خوانده است یاد نمود .

برفصوص اندلسی دانشمندانی چندگزارش نوشتند که برخی از آنها یادمیگردد : ١ـ عفیف‌الدین سلیمان تلمسانی (م٦٩٠) ٢ـ سعدالدین محمدفرغانی م نزدیك ۷۰۰ ٣ـ مؤیدالدین جندی(م نزدیك ۷۰۰) ٤ـ کمال‌الدین محمدزمکانی(م٧٢٧)٥ـ کمال‌الدین عبدالرزاق کاشی م ٧٣٦ (چاپ سنگی بارونیه١٣٠٩ ومصر١٣٢١) ٦ ـ شیخ داود قیصری م٧٥١ (چاپ ایران ١٢٩٩ وبمبئی ١٣٠٠) بنام مطلع خصوص‌الکلم فی‌معانی فصوص‌الحکم برای‌وزیر غیاث‌الدین محمد . او گزارش دیگری هم برآن دارد٧ـ سید علی‌همدانی (م ٧٨٦) ٨ـ سیدحیدرآملی نزدیك ٧٨٧ بنام نص‌النصوص ٩ـ صائن‌الدین علی سپاهانی(م٨٣٠)١٠ـ عبدالرحمن جامی م ٨٩٨ یکی بپارسی بنام نقدالنصوص‌فی شرح نقش‌الفصوص بسال ٨٦٣ (بمبئی١٣٠٦) که ازقونوی وجندی وفرغانی گزارنده تائیه ابن‌فارض ودیگران مانندگزارندگان دیگر گرفته است. دیگر بتازی بسال٨٩٦ که درآن هم از گزارشهای دیگر گزین نموده است ١١ ـ شیخ بایزید خلیفه رومی (م ٩٠٠)١٢ـ مظفرالدین علی‌شیرازی (م ٩٢٢) ١٣ـ حکیم شریف‌ناصر گیلانی که‌در ٩٢٦ درخواب بدودستور رسید تاگزارش نویسد واوآنرا در٩٤٠ بپایان رساند١٤ـ

بقیه حاشیه درصفحه بعد

جندی در دیباچه میگوید: استادم قونوی خطبه فصوص را برایم روشن نمود و درمعنی برویم بگشود و فرمود که بر آن گزارشی بنویس شایستهٔ جویندگان. من خطبه را بروش او گزارش کردم و دیگر نتوانستم دنبال آنکار گیرم و استاد در وم در گذشت ومن ببغداد شدم. پاره‌ای را در آنچه گزارش نوشتم همینکه از بغداد بیرون شدم آنرا بپایان رساندم. نیز میگوید که شیخ فرمود فصوص را با دیگر کتابها اگرچه از محیی الدین هم باشد یکجا جلد نکنید (گ٤ب) او در آغاز قصیده دالیه‌ای در اصول اذواق توحید آورد (٦ب-٨ب) نام جندی هم در این گزارش دیده میشود (٣٩الف) جندی دو گزارش بزرگ (نسخهٔ ما) و کوچك بر فصوص دارد.

جندی در این گزارش از اندلسی به «قال الشیخ» و از خود به «قال العبد» یاد میکند و در دیباچه ١٦ بحث عرفانی میآورد.

آغاز: بسمله. ابتدات و علیه توکلت فی جمیع اموری حمدا بحمداحق محامد الحق و احمدها فی مجامع الصدق و اجمع مناهج المحقق المحق.

انجام: فی خصوص ختمیة الاولیا المحمدیین و خاتم الولایة العامه المطلقة روح الله و کلمته خاتم الاولیا اجمعین.

[٦٣٧]

٣٤٣ این نسخه بخط نسخ یکم شعبان ٩٨٩ میباشد. در گ١الف یکی از دانشمندان از گزارشهای خوب فصوص گزارش مسبحی را نام می برد.

(٣٢٥٧) — کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ منوالی حاشیه‌دار

اندازه: ١٢×٢٠ و ٨×١٥ س٢٣

[٥١٢] **شرح فصوص الحکم** (فارسی)

گزارشی است بر فصوص عارف نامور محیی الدین ابوعبدالله محمدبن علی

مانده حاشیه صفحه پیش

شیخ بالی خلیفة الصوفیة (م ٩٦٠) ١٥ ـ شیخ ابراهیم حلبی خطیب جامع سلطانمحمد م ٩٩٦ بنام نعمة الذریعه فی نصر الشریعه و در نکوهش آن ١٦ ـ مولی یحیی نوعی م١٠٠٧ بدستور سلطان مراد ترکی ١٧ ـ شیخ علی قاری هروی م١٠١٦ در نکوهش آن ١٨ ـ عبدالله افندی بسنوی م١٠٥٤ بتازی و ترکی ١٩ ـ عبدالغنی نابلسی دمشقی (١٠٥٠ ـ ١١٤٣) بنام جواهر النصوص فی حل کلمات الفصوص که با گزارش تازی جامی در چاپخانه زمان و شرفیه در دو جلد بسالهای ١٣٠٤ و ١٣٢٣ چاپ شد. رکن الدین شیرازی گزارشی بپارسی بنام نصوص الخصوص دارد که از کاشانی و قیصری بهره برد و در سرای آنرا بپرداخت (بنگرید بکشف الظنون).

اندلسی مکی شامی (٥٦٠-٦٣٨) نویسنده الفتوحات المکیه از خواجه محمدبن محمد پارسای بخاری (بخارا ٧٥٦ - مدینه ٨٢٢) نویسنده فصل الخطاب در محاضرات .

خواجه پارسا در دیباچه این شرح میگوید : کسانی این کتاب را شرح کردند وبخوبی از آن بر آمدند مگر اینکه سخن را بدرازا کشاندند ومن گرچه بکوتاهی پرداختم ولی کلید رازرا بدست دادم . پارسا مانند شارحان دیگر پس از سرآغاز دیباچه‌ای دارد که در آن رشته موجودات را شرح میدهد .

آغاز: رب یسر وتمم بالخیر ، بسمله ، حمد بیغایت آن فاطر حکیم راکه آثار انوارصبح وجودرا ازقعر چاه ظلمت آباد عدم برآورد .

پارسا دراین شرح متن فصوص را بندبند میآورد وشرح میکند .

[٦٣٨]

ابن نسخه از آغاز شرح فصوص پارسااست تاشرح فص٢٧ «حکمة فردیة فی کلمة محمدیة» وبدینجا بپایان میرسد «ونزد محققان آن‌الله مجعول وآن مصنوع عبد بود که آن‌الله» خط آن تعلیق ودرجدول شنگرف است سرلوحی دارد که اندکی از آن بریده شده است متن فصوص بنسخ درشت وشنگرف واعراب دارد وبرخی جاها بتعلیق سیاه ومعرب ودرپایان مانند شرح بتعلیق است .

١٠٨١

(٢٩٠ برگ) کاغذ ترمه سمرقندی - جلد تیماج مشکی مقوائی

اندازه : ١٠×٢٥ و٨×١٦ س١٦

[٥١٣] شرح کلمات قصار همدانی (عربی)

دانشمند عین‌القضاة همدانی میانجی (٤٩٢-٥٢٥) دردیباچه براین گزارش خویش برسخنان کوتاه عرفانی باباطاهر عریان همدانی (نیمه‌سده پنجم(١)) میگوید بشهر همدان که گذشتم دیدم مردم آنجا شیفته سخنان بابا طاهر همدانی هستند و ازمن درخواستند گـزارشی بر آن نویسم . او سخنان بابا را بند ببند در اینجا آورد و روشن نمود .

آغاز: یسمله الحمدلله الواحد الاحد الصمد . . . المقدس ذاته وصفاته عن المشابهة و المماثلة .

١ـ متن کلمات قصار همدانی با ٣٨٠ دوبیتی را مجله ارمغان بسال ١٣٠٦ خ چاپ نمود ـ تمهیدات همین عین‌القضات بشماره ٣٨٤٤ درسپهسالار هست ونامه‌ایکه غزالی بدو نوشته بنام تازیانه سلوك بادیباچه مشکان طبسی درتهران بسال ١٣١٩ چاپ شد (نسخه ش٦٥٥ مجلس بنام رساله عینیه) .

انجام : وهذا آخر ماارادت من شرح الكلمات على ماسنح لى من فتوح الغيب وظنى انى فيما رميت غرض القائل مصيب وفيما انتميت الى محيى هذه الطاعة نصيب .

[٦٣٩]

٣٦١ این نسخه بخط نسخ ومتن بشنگرف وپس از «قال» میآید .

(۱۰۸گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تازه شده
اندازه : ۱۴×۱۸ و۷٫۵×۱۳س۱۵

[٥١٤] **شرح «کنت کنزا مخفیا»** (عربی)

حدیث «کنت کنزا مخفیا فاحببت ان اعرف فخلقت الخلق لاعرف» را عارفان درنوشته‌های خویش آورده‌اند . فیلسوف عارف سده۷ شیخ عزیز نخشبی درمقصد اقصی(ص۱۸۷) آنرا سخن خدا میدانست. محیی الدین اندلسی (م۶۳۸) براین گفتار گزارشی نوشت و درآن روشن ساخت که چگونه خداوند با اینکه چیزی هستی نداشت نهان بود و آنگاه هویدا گشت وچگونه این گفتار با «کان الله ولم یکن معه شیئی» میسازد .

آغاز: بسمله . قال الشیخ محیی الدین قدس سره اعلم وفقك الله . . . ان بعض اهل العلم اورد علی هذا الحدیث القدسی وهو قوله سبحانه وتعالی کنت کنزا مخفیا... اشکالا عظیماً .

انجام: فسبحان من جعل الظهور مانعا للادراك والشر والحجاب سببا للظهور. وهو اعلم بحقایق الامور . فتبصر ولاتکونن من الغافلین .

[٦٤٠]

١٠٣٥ این نسخه شماره٤٢٠ دفتر است وبخط تعلیق درشت ص٣٥٢. در ص٣٥٣ گفتگوی خیام است با غزالی درباره قطب آسمانها .

[٥١٥] **شرح لمعات** (فارسی)

عارف کرمانی شاه نعمة الله برلمعات عراقی این گزارش را نوشته و در آن سخنان عراقی بارمز (ع) میآید و گفتار خود کرمانی هر بندی بارمز (ن) آغاز میگردد. کرمانی ازاین عارفان نام میبرد: جنید، ابوبکر وراق، شیخ علی حریری (۹۶ب)، شیخ الاسلام عبدالله انصاری (۸۲ب)، نویسنده قوت القلوب (۸۲الف)، کلمه آدمی فص الهی شیخ (۷۲ب)، ابن فارض (۸دب ـ ۸۷ب) ـ نیز میگوید که عراقی بروش «سوانح»

غزالی این دفتررا بپرداخت (٦٠ب). این گزارش در ٢٨ لمعه است(١) و در دیباچه آن دارد : «نعمت‌الله مااست نعمت او» (٣٠ب) .

آغاز: بسمله . الحمدلله‌الذی نوروجه حبیبه بتجلیات الجمال فتلالانورا . . . بیا چون عارفان نعمت‌الله- بگوحمداله الحمدلله . الحمدهوالوصف بالجمیل‌الاختیاری والمدح هوالوصف بالجمیل اختیاریا .

انجام :گرزانك من وتو ازمیان برخیزیم -- مقصود ومراد ما بکام‌من‌وتواست. تم والحمدلله والمنة .

[٦٤١]

٨٧٥ این نسخه شماره٢دفتراست وبخط نسخ باعنوانهای شنگرف ازعثمان‌بن‌عثمان بن مصطفی ارز رومی درتاریخ ١٢٥٧ گ ٥٧ب-١٠٩ الف . نسخه‌ای ازاین گزارش کرمانی درموزه بریتانیا (ج١ص٨٣١ Add16/837 H) هست .

[٥١٦] **شرح منازل السائرین** (عربی)

منازل‌السائرین(١) نگارش‌خواجه عبدالله‌انصاری‌هروی حنبلی صوفی (٣٩٦ - ٤٨١) میباشد که‌بدرخواست‌درویشان رهروهرات ودیگرشهرهانوشت.عبدالرزاق کاشی (م ٧٣٦) نسخه‌ای ازآنراکه نزد هروی خوانده بودند وتصحیح شده بودو خود هروی اجازه‌ای برآن بخط خویش بسال٤٧٥ نوشته بود داشته گزارشی بر

---

١ - بخشهای بیست وهشتگانه‌آن چنین است: ١-آشکار بودن عشق ٦٣الف ٢- تجلی عشق ٦٣الف) ٣- رؤیت عشق ٦٦ب) ٤- یکی بودن عشق‌با چیزها٦٨ب) ٥- تجلیات‌گونه‌گون عشق٦٩ب) ٦- یکی بودن عاشق ومعشوق ٧٢الف) ٧-سریان عشق درهمه چیزها ٧٢ب) ٨- تجلی اتحادی نه‌حلولی ٧٦ الف، ٩ - جلوه صوری و معنوی محبوب٧٧الف) ١٠- دیدن عاشق همان معشوق‌را ٧٨ب) ١١ - ظهور دائم معشوق٨٠ الف) ١٢- پیوستن عاشق ومعشوق٨٠ب) ١٣- حجابها دربرابر محبوب ٨١الف) ١٤- تغایر اعتباری محب ومحبوب ١٨٤الف) ١٥- تلازم‌آندو ٨٥ب) ١٦ - تطورات محبوب٨٧ب) ١٧- تجلیات‌معشوق٨٨ب)١٨-وجدعاشق٩٢الف)١٩-نزاهت عاشق ٩٣الف) ٢٠- سلطنت معشوق ٩٥الف) ٢١- تسلیم عاشق٩٧ب) ٢٢- رضای او ٩٨ب) ٢٣- محواو١٠٠الف) ٢٤- اتحاد صفات عاشق ومعشوق ١٠١الف) ٢٥- دیدن عاشق درخود معشوقرا ١٠٢) ٢٦- مراقبت محب محبوب‌را ١٠٣ب) ٢٧-فنای عاشق ١٠٥ الف) ٢٨- ابطال عاشق ومعشوق١٠٦ب .

٢-هروی‌درمحبت‌نامه (رسائل‌ص١٠٦-١٤٣)پاره‌ای ازاین منازل‌عارفان رابپارسی آورد. این رساله‌را نیز اوبدرخواست‌رهروان نوشته سپس بنام بزرگی‌ساخت.

آن نوشت ودر روزدوشنبه ۲۰رجب ۷۳۱ درخانگاه ربع رشیدی بپایانش رساند (انجام چاپی) کاشانی آنرا برای غیاث‌الدین محمد (م ۷۳٦) فرزند صاحب‌رشید- الدین فضل الله ابی‌الخیر ساخته است . این گزارش در ایران دهه یکم‌ماه دوازدهم سال۱۳۱۵ بچاپ رسید .

[٦٤٢]

۸٥٤ این نسخه شماره٥ دفتراست وبخط تعلیق نزدیك ۸۱۳ گ ۸۱ب-۲۰۳ب و میان متن وشرح یك نقطه‌سرخ گذارده شده وچنین است: «بسمله. قال المولی الامام ... کمال الملة والدین عبدالرزاق الکاشانی ... شارحالمنازل السائرین. الحمدلله الذی خص العارفین بمعرفة مالایعرفه الا هو- باب التوحید... انما خص بعضی الایة بالذکر لان هذا محض التوحید.... ان لایشهد فی التوحید دلیلا فیکون التوحید عندك اجلی من کل دلیل فان نور الحق ربما» برابر باس۱۱س۲٦۷چاپی در باب دهم (توحید) از بخش دهم در نهایات وباندازهٔ هفت صفحه‌ونیم چاپی کم دارد .

[٥١٧] شرح منازل السائرین (عربی)

شمس‌الدین ابوعبدالله محمد پسرابی بکر فرزند قیم جوزیه دمشقی‌حنبلی (٦۹۱-۷٦۱) شاگردابن تیمیه برنگارش هروی(۱) گزارشی بنام مدارج السالکین بین‌ایاك نعبدو ایاك‌نستعین نوشته است که درسه جلد درمصر بسال ۳-۱۳۳۱ بچاپ رسید. این دانشمند پیروسنت وظاهری سلفی که جز گفته های گذشتگان چیزی را درست نمی‌بیند بارنجی این کتاب را شرح‌نمود وتا توانست روش آزاد وگسترده عرفان خواجه‌را باروش فشرده وتنك خویش هماهنك ساخت .

[٦٤۳]

۳۳٥ این نسخه بخط نسخ باعنوانهای شنگرف محمدبن محمدبن عمربن یوسف‌بن هاشم حنفی درروز شنبه۷ رجب۷۷۲میباشد وچنین‌است آغاز آن : «وحذروا من مفارقته و اخرجوا من فارقه من‌الطریق بالکلیة » دنباله گزارش بند «وهو علی ثلث درجات . الدرجة‌الاولی صفاء علم‌یهذب لسکوك‌الطریق» برابر باس۳ ص۲۰۱ گزارش‌کاشی از باب۳(صفاء) از بخش ۸ (ولایات) انجام نسخه چنین است:«لنا

۱- از گزارندگان دیگرمنازل‌السائرین اینکسانند : شیخ‌امام سلیمان‌تلمسانی صوفی م ٦۹۰ - احمد بن ابراهیم واسطی م ۷۱۱ - محمود بن محمد درگزینی م۷٤۳ بنام تنزل‌السائرین - شمس‌الدین محمد تبادکانی طوسی م ۸۹۱ بپارسی وبنام تسنیم‌المغربین (کشف‌الظنون) .

اعمالنا ولكم اعمالكم. لاحجة بيننا وبينكم واليه‌المصير» وگزارش بپايان ميرسد.
سه برگ آخر سفيداست. حاشيه‌هائی ازصدرالدين‌واعظ پسرعلامه ملامحمدحسن‌قزوينی بخط تعليق وشكسته درهامش هست.

ابن قيم دراينجا يادی ازابن تيميه ميكند وميگويد: شنيدم كه ميگفت ...»(گ٧٥ الف س٣). نيزازكتاب‌المفتاح خودنام ميبرد (٢٢٢ب). «مفتاح السعادة ومنشورالولية العلم‌والارادة» اودرچاپخانه سعادت بسال٥-١٣٢٣ ودرهند بسال١٣٢٩ بچاپ رسيد.

٥ درمبحث مشاهده گويد: اينگونه‌سخنها كفری است‌آشكارا .(٦١الف). درگزارش‌اين بند«توحيده اياه توحيده . ونعت من‌ينعته‌لاحد» ميگويد: دراين سخن‌حق والحادهردو هست. آنگاه ازگزارنده‌ای‌بيدی يادميكند وبدكيشش‌ميخواند (٢٣٨الف-٢٣٩الف) گويا ازآن‌كاشانی‌را ميخواهد چه‌عبارتی كه‌ميآورد وخرده‌ميگيرد مانندش‌درگزارش كاشانی (ص٧٠ - ٢٦٩) دبده ميشود . دراين‌گزارش همه سخنان خواجه نيامده

١٠ بلكه بدهائی ازآن را آورده وگزارش‌كرد.

(٣٢٢٦ك) — كاغذ سمرقندی — جلد تيماج سرخ ضربی مقوائی دريكسوی
اندازه: ١٤ · ١٩ و ٩×١٤س١٧

[٥١٨] صنوف‌الناس فی‌دارالبقاء (رسالة فی‌احوال...) (عربی)

دراين رساله ازچگونگی مردم درروستاخيز گفتگوگرديد

١٥ آغاز: بسمله الحمدلله‌المتوحد فی‌ذاته‌المتفرد فی‌ديمومته . . فقدكنت‌متاملافی بعض‌الاسحار فی‌باب احوال صنوف الناس عند رجوعهم الی دارالبقاء والقرار فلاح علی قلبی ... انه علی‌ستة اصناف.

انجام: فيكون صنوف‌الانسان مع‌حالاتهم علی‌ستة . والله اعلم‌بحقائق‌الامور .

[٦٤٤]

٢٠ ١٠٣٥ اين نسخه شماره٢ دفتراست وبخط تعليق ريز ص٨٩-٩٠

[٥١٩] صيحه وصدا (فارسی)

دانشمند دوانی، اين رساله راكه دارای يك مقدمه ويك صيحه وچندصدا است بروش عرفان نوشته است.

آغاز: بسمله . سبحانك سبحانك. انت انت . تعاليت عن‌مداناة‌الاشباه . وبعد

٢٥ برادری طريقی و دوستی حقيقی فخرالقبائل وذخرالاوائل ... التماس نمود تا . . . بعضی ازسوانح وقت دراين جزو ثبت رود.

انجام : پس ملاك اودين مبين و طريق مستبين تسليم وانقياد است . فلا و ربك لايؤمنون حتى يحكموك فيما شجر بينم ... اللهم وفقنا لاتباع حبيبك فى الفعل والقول والعمل ... اللهم صل وسلم عليه وعليهم اجمعين . تمت .

[٦٤٥]

١٠٢١ این نسخه شماره ١١ دفتراست و بخط تعليق ريز على بن مسافر قاضى در تبريز بسال ٩٣٩ گ ١٧٦ الف ـ ١٨٨ الف .

[٥٢٠] **طريق واجب در معنى حضور (رسالة ...)** (فارسى)

اين رساله كوتاه ازجامى است .

آغاز: بسمله. سررشته دولت، اى برادر بكف آر ـ وين عمر گرامى بخسارت مگذار ... بدان ... كه حاصل طريقة خواجه بزرگوار و خلفاى ايشان ... بعد از تصحيح عقيده ... حضور است .

انجام : جمله سر خواص وعوام گفته شد . والسلام والاكرام . والحمدلله رب العالمين .

[٦٤٦]

٨٦٧ این نسخه شماره ١٨ دفتراست و بخط تعليق باعنوانها ونشانه هاى شنگرف گ ٢٥٤ الف ـ ٢٥٦ ب .

[٥٢١] **طواسين** (عربى)

اين سخنان ازطواسين(١) حلاج دانسته شد ودرشش فصل است .

آغاز: من طواسين شيخ المشايخ ابى منصور الحلاج . فصل. انما الصوفى من تزيد نور روعه بنورمعرفته ويتشعشع نورمعرفته بنور ورعه ولايخالف باطنه ظاهره ويكون نفاعا ينتفع به كل موجود .

انجام : انما الدنيا قال ومقال والعقبى مال ومنال . قيل الصوم على ثلثة انواع صوم الروح وصوم العقل وصوم النفس ... وصوم النفس بالامساك من الطعام والشراب

---

١ ـ طاسين رمز طهارت وسنا ونوال (پاكيزگى ـ سرفرازى ـ دهش) ميباشد (چاپ ماسينيون ص١) .

[٦٤٧]

این نسخه شماره۱۲ دفتراست و بخط تعلیق درص۱۵٤ در۱۹س میباشد. درطوس
۱۰۳۵ نسخه‌ای ازطاسین السراج حلاج (ش۶۶۳ ص۱۳۲ ج٤) هست که آغاز آن برابر
است باص۹ چاپی وچنین است انجام آن : «فبقی التوحید وماوراه کلهاحوادث»
نسخه مادرطواسین چاپی دیده نمیشود .

[٥٢٢] العروة لاهل الخلوة والجلوة فی مایجب الاعتقاد به (عربی)

شیخ علاءالدولة ابی المکارم رکن الدین احمد بن محمد بن احمد بن محمد بن احمد بیابانکی سمنانی سندی (٦٥٩-٧٣٦) ایندفتر راهنگامیکه درمسجد صوفیاباد خداداد دردهه بازپسین رمضان سال ۷۲۰ اعتکاف کرده بود در بامداد روز یکشنبه آغاز و آنچه درباره اعتقاد های واجب دردل او گذشت نوشت وترهات وشطحات در آن نیاورد و آنرا دردوشنبه۲۳ ماه حرام سال ۷۲۱ درهمان صوفیاباد خداداد گاهی که اززندگیش درست هفتاد ودوسال میگذشت (چنانکه درپایان نسخه ما دارد) بانجام رساند و باره‌دوم درهمانجاوهمان سال بااندکی کم و بیش نیز آنرا نوشت باره‌سوم درخانگاه سکاکی سمنان در۱ج سال ۷۲۲ در۶۳ سالگی خودبدان نگریسته و آنچه دردوبار پیش از آن انداخته بود بر آن افزود وبرای پسرخود ابوالبرکات تقی‌الدین علی دوستی سمنانی وبخواهش اوباز نوشته است (پایان کتاب) این عارف وحدت‌وجود را نمی‌پذیرفت . دانشمند عبدالرزاق کاشی ازاین گفتار او وازاین نگارش خرده گرفت ونامه‌ای بدو نوشت وسمنانی بدو پاسخ داد ایندو نامه درنفحات جامی (ص ٤٢٩ - ٤٤٠) آمده وشوشتری درمجالس المؤمنین (مجلس٦ درگذشت کاشی و محیی‌الدین اندلسی) ازاینها یاد نموده(۱) . نسخه‌ای از آن درموزهٔ بریتانیا هست

۱ - بنگرید بگفتار فهرست نگار درمجله دانش درباره منطق نزد خواجه رئیس ابوعلی سینا ش۱ سال۳ تاریخ مهر ۳۱ ص۱۹-۲۱ جامی درنفحات ص۳۹۲ میگوید که سمنانی در۷۷ سالگی در۷۳۶ بمردپس اودر۶۵۹ زاده‌است مگراینکه اوخودمیگوید که در۷۲۱ هفتاد ودوساله بودم بس باید در٦٤٩ زاده باشد ولی باید نسخه نادرست باشد چواو بازمیگوید که در۱ج۱ سال۷۲۲ درست اززندگیم۶۳ سال میگذشت پس او در۶۵۹ زاده است وگفته جامی درست خواهد بود .

(ج٤ص١١ش١٩) درفهرست طوس (ج١ص٦١ ش٢٠٣) همین کتاب بنام «عروة الوثقی» شناسانده شد .

آغاز: بسمله وبه‌ثقتی . ویحمده‌الواجب علی‌کل موجود لنعمة‌الوجود . . . فقد سنح لخاطری بغتة یوم‌الاحد بعد صلوة‌الصبح‌الثانی .

انجام: ان یوفینی غیرمفتون وان یجعل لی‌لسان‌صدق‌فی‌الغابرین والحاضرین والاولین‌والاخرین‌وبنعمته تتم‌الصالحات والحمدلله اولاوآخرا .

[٦٤٨]

١٠٨٠ شنگرف (دربرخی جاها سفید) از کمال‌الدین محمدبن علاءالدین احمدبن جمال‌الدین محمد خفری درشهر کلکند دکن درروز چهارشنبه ١٢ ج١ سال ٩٧٣ گ٢٤٣ب ـ ٣٤٤ب. درخود کتاب (گ٣٤٣ب) العروة لاهل‌الخلوة‌والجلوة یاد شده ودرپشت نسخه (گ ٢٤٣الف) عبارت «فی‌مایجب‌الاعتقادبه» برآن افزودند .

(همه دفتر٣٤٤گ) ـ کاغذ ترمه سپاهانی ـ جلد تیماج ضربی مشکی

اندازه : ١٦×٢٧ وع٨×١٦س١٩

[٥٢٣] العشق (رسالة فی ...) (عربی)

بیهقی (ص٩٥) میگوید که شیخ رئیس «کتاب فی‌العشق» را بنام شاگرد خویش‌ابوعبدالله معصومی(١)حکیم نگاشته است وچند واژه آغاز آنرا هم میآورد. معصومی‌را شیخ‌دربرابر خویش مانند ارسطومیدانست دربرابر افلاطون . در آغاز رساله‌نیزازاویادشداویکی‌ازفیلسوفانی‌بود که‌شاه محمودترك آنهارا بگناه پرداختن بدانشهای گذشتگان کشته‌است. متن‌تازی‌اینکتاب درلندن بسال ١٨٩٤ ودرمجموعه

---

١ ـ گویند معصومی تادم مرك شیخ بااو بود وپس ازاو دربحث ودرس‌جانشین اوگشت ودر ٤٥٠ درگذشت. بنگرید به: ابن‌سینا از طریحی ص٤٠ و١٠٠ ـ معجم ـ المطبوعات ج١ص١٢٩ ـ قنواتی‌ش٢٣٠ ـ ش٦٣٤/٣٩مجلس‌ـش٦٦٨ـ٦٧٠طوس‌ـ نامه دانشوران‌درسرگذشت معصومی (ج٢ص٣ـ٥٧١) که‌ترجمه رساله عشق‌درآنجا آمده است. قطب لاهیجی این‌رساله راگزین نمود وصدرای شیرازی در اسفار مبحث عشق را آورد .

مهرن وجامع‌البدایع بچاپ رسید. ترجمه فارسی کهن آن‌هم درتهران چاپ شد و پیداست که فارسی آن ازخود شیخ نیست (ص١٦) آقای ضیاءالدین دری نیز آنرا بتازگی بپارسی درآورد که درتهران بسال١٣١٨خ بچاپ رسیدشیخ دراینجابروش فیلسوفان وعارفان روشن میسازد که ازعشق همه‌هستی‌ها را بهره‌ایست ودرآن از زیبائی‌وزشتی وزیباپرستی گفتگو نمود .

[٦٤٩]

٨٦١ این نسخه شماره ١٠ دفتراست وبخط نسخ گ٧٦ب ـ ١٨٣الف .

[٦٥٠]

شماره ١٧ ایندفتر همین رساله عشق بوده و عنوان آن درگ ١٥٢ ب دیده ٨٧١١٠ میشود ودر ١٥٣الف‌عبارتی که نویسندگان درپایان نسخه می‌نویسند هست‌ولی خود رساله رابرداشتند .

[٦٥١]

١٠٧٩ این نسخه شماره ٢٤ دفتراست و بخط تعلیق ص١٣٠ ـ ١٤٥ .

[٥٢٤] عشق (رساله ...) (عربی)

١٥ دراین نگارش بروش فیلسوفان ازعشق گفتگو شده وچند خبری هم آمـده و نگارنده آن میگویدکه پیش ازمن چنین کتابی ننوشتند .

آغاز: بسمله وبه‌استعین . الحمدلله العظیم شانه‌العلی سلطانه ... فقد خطر ببالی وسنح‌ببلبالی ان‌احقق معنی‌العشق وماهیته وکیفیته .

انجام : المطلوب الاعلی والغرض الاسنی عشق الحق الواجب الوجود و فائض ٢٠ الکرم والجود . رزقناالله من کنهه شیئاً . والافواشوقاه‌الیه ووا اسفاه علیه . فهذامـا خطرلی من تعلیق هـذه الاسطر . واسئل الله عمازل به‌القدم واخطی به‌القلم ، بمنه وسعة جوده .

[۶۵۲]

۱۰۳۵ این نسخه شماره۲۳ دفتراست و بخط نسخ‌ص۱۹۷-۱۹۸ .

[۵۲۵] **عیوب‌النفس** (عربی)

ابی عبدالرحمن محمدبن الحسین بن محمدبن موسی نیشابوری سلمی (۱) (۳۳۰ - ۴۱۲) عارف بزرگوار ایرانی و نویسنده طبقات‌الصوفیه وحقائق‌التفسیر از نخستین کسانی‌است که‌درباره‌سرگذشت عارفان نگارش‌دادند . او درباره ملامتیان رساله‌ای نوشت. این گروه که ازبدبینان زردشتی وهند آموخته بودند روشی تازه درتصوف آورده وبزرگانی ازآنها پیروی کرده‌اند .

از «عیوب‌النفس ومداواتها» نسخه‌ای دربرلین بشماره۳۱۳۱وگنجینه‌تیموری کتابخانه مصربشماره ۷۴هست . وی درآن ازبزرگان عرفان یـادمیکند وسخنان آنها را میآورد .

آغاز: بسمله ... کتاب عیوب‌النفس من‌تألیف ... ابی عبدالرحمن محمدبن الحسین‌السلمی - الحمدلله‌الذی عرف اهل‌صفوته عیوب انفسهم . واکرمهم بمطالعة غررها . وجعلهم اهل‌الیقظه والانتباه لموارد الاهوال علیهم ... وبعد فقد سالنی‌بعض المشایخ ... ان‌اجمع لهم فصولا فی‌عیوب‌النفس .

انجام: ویزیل عنها مواردالغفلة والشهوات لیجعلها فی کنفه‌وحیاطته وعصمته ورعایته فانه‌الغالب‌علی‌ذلك‌الواهب له. تم‌کتاب معایب‌النفس‌بحمدالله وحسن‌توفیقه.

[۶۵۳]

۱۰۳۳ این نسخه شماره ۱۲ دفتر است و بخط شکسته ریز بی‌نقطه نزدیك ۱۰۸۴ ک ۵۵ب - ۶۲ب .

[۵۲۶] **فوئیه** (عربی)

این نیایش عارفانه که در آن دستورهائی هم هست از خداوند و بساخت

۱ - پدران اورا ازتیرهٔ«ازد» ومادرش راازخاندان «سلم» .پنداشتند. گویا از همان نسب‌ولائی باشدکه تازیان ببردگان ایرانی‌خویش میدادند- بنگرید به:الملامتیة والصوفیة واهل‌الفتوة ازدکتر ابوالعلاعفیفی چاپ مصربسال۱۹۴۵که درآن داستان ملامتیان و سرگذشت سلمی وفهرست نوشته‌های اوبا رساله ملامتیه او هست .

گفتگوئی میان بنده وپروردگارش میباشد درنسخه ما ازدانشمند ابی‌حامد محمد غزالی دانسته شد. زبیدی دردیباچه گزارش خویش براحیاء در فهرست نگارشهای غزالی (ج۱ص۴۲-۴۴) ازآن یاد ننمود(۱) .

آغاز: بسمله ... الحمدلله الکاشف‌الغم ... فقد قال‌الغوث‌الاعظم‌الموحش عن غیر الله‌المستأنس بالله قال‌الله‌لی یاغوث‌الاعظم قلت‌لبیك یارب‌العرش کل طور بین‌الناسوت والملکوت فهی شریعة و کل طور بین‌الملکوت والجبروت فهی طریقة و کل طور بین‌الجبروت واللاهوت فهی‌حقیقة .

انجام: یاغوث لاصلوة لمن لامعراج له عندی . یاغوث والمحروم‌عن الصلواة هو المحروم عن‌المعراج .

[٦٥٤]

۸۷۱ این نسخه شماره ٥ دفتر است وبخط تعلیق محمد علی درمدرسه سپهسالار در ۱۳۰۱ گ ۷۴ب - ۸۰الف .

[۵۲۷) **الشکوك فی‌مسندات حکم‌الفصوص** (عربی)

دانشمند ابوالمعالی صدرالدین محمدبن اسحاق قونوی(۶۷۳) پرورده‌محیی - الدین اندلسی این دفتررا برای روشن ساختن فصوص استاددر۲۷ فك‌نگاشته‌است وآن درکنار شرح‌منازل‌السائرین بسال ۱۳۱۵ ص۱۸۳-۳۰۰ بچاپ رسید .

[٦٥٥]

۸۶۰ این نسخه شماره۲ دفتراست وبخط نسخ خوش با عنوانها ونشانه‌های شنگرف وشماره های «فك» درهامش وبا اصل برابر گردید . گ۱۷ب - ٥۹ب .

(ه‌ـه دفتر۵۹ گ) کاغذ سپاهانی - جلد تیماج مشکی ضربی مقوائی گل و بوته‌دار

زمینه سرخ

اندازه : ۱۲×۲۲ و۵ر۷ - ۵ر۱۶ س۲۷

[۵۲۸] **کشف‌اللغات کلیات‌جوك** (فارسی)

میر فندرسکی واژه های هندی جوك باشست را در این گفتار بپارسی گزارش

---

۱ - و. منتگمری‌وات W.Montgomery Watt درروزنامه انجمن همایونی اسیائی‌سال۱۹۵۲ بخش۱و۲ص۲۴-۴۵ دراینکه نگارشهائیکه‌ازغزالی پنداشتند کدام ازاو هست و کدام نیست گفتاری بانگلیسی دارد. اوهم از این یاد ننمود .

می دهد (۱).

آغاز: باب‌الالف اتمان هستی مطلق واصل آفرینش .

انجام: تیرته معبدتس وبار اسم یکذات ـ تم‌بالخیر .

[٦٥٦]

٢٤٦ این نسخه شماره۱ دفتر وبخط تعلیق میباشد گ۱الف ـ۹ب . ٥

[٥٢٩] **الکلمات النوریه والایات السریه** (فارسی وعربی)

نورالدین محمدبن مرتضی‌بن محمد مؤمن‌بن مرتضی (زنده در۱۱۱٥) نوه برادر فیض کاشانی دراین‌نامه مانند کلمات مکنونه در۷۰ کلمه‌ویك خاتمه ازمسئله های عرفانی وفلسفی و کلامی گفتگو نمود ونظم ونثرپارسی در آن آورد .

آغاز: بسمله وبه‌نستعین . الحمدلله الذی ضاقت سرادقـات عرشه عن قباب جلاله . وتاقت ارواح‌العارفین الی مشاهدة جماله . ١٠

انجام : دربلاهم‌میچشم لذات او ـ مات‌اویم مات اویم مات‌او. تمت‌الکلمات التامات ذوات‌الایات‌البینات . الحمدلله اولا وآخرا وباطنا وظاهرا . کان‌الختم علی ید مؤلفه فی‌سنة الف ومائة وخمس من‌الهجرة .

[٦٥٧]

این نسخه شماره٥ دفتر است وبخط نسخ نگارنده نـامه بسال ۱۱۰٥ گ ١٥
٢٥٢ ۳۱۲ ـ ۳٤٦الف‌س۲۷. نگارنده (نورالدین‌محمد) این‌دفتررا بردانشمندان فرزندان خویش وقف نموده ومهراو نیزدرپایان همین شماره دیده میشود .

[٥٣٠] **کلمة التصوف** (عربی)

این نامه ازشیخ اشراقی ودر چند فصل ونیمی ازآن در حکمت اشراقی و درنیمهٔ دیگرآن‌واژه‌های عرفانی گزارش داده‌شده‌است. سهروردی‌درآن‌از«حکمة ٢٠

---

۱ ـ درفهرست کتابخانه سپهسالار(ج۲ش۳٦٥ص۲٥٥) مینویسد که فندرسکی درگزیدهٔ خویش ازجوك واژه‌های هندی راگزارش نمود سپس دیگری ازروی‌سخنان نظام‌الدین پانی پتی‌ترجمان پارسی جوك وفندرسکی فرهنگی ازآن واژه‌ها ساخته وبدان «لغات‌جوك» نام داده است .

الاشراق» خود وزنده کردن اوفرهنگ پارسیان که روش پلاتونی بر آن گواهست واز دانشمندان پارسی (ص٥٢) و«حکیم العرب علی ع» (ص٤٣)واز طواسین حلاج عارف ایرانی (ص٤٠ و٤١) وجنید یـاد نمود. ماسینیون درمتون (ص١١٢) سخن ابوطالب مکی درباره استادخود ابی‌الحسن بن‌سالم و گفتار حلاج را از این نامـه آورده است که‌دراین نسخه دیده میشود. سهروردی دراین‌جا ارآئین حشیشیان و ملحدان وطبایعیان وترسایان‌ویهودان ومجوسان مشرك نکوهش میکند ومیگوید درپارس مردمی بودندکه بحق‌راه مینمودند وخردمند ودانشور بوده‌اند آنها جز مشبهان‌مجوس‌بودند وماحکمت‌نوری آنهارا که روش‌پلاتون وخردمندان‌پیش‌ازاو بر آن گواه‌است‌درحکمة‌الاشراق‌زنده کردیم (ص٥١) قنواتی درش٢٣٦ آنرا‌ازشیخ رئیس پنداشته و«کلمات‌الصوفیة» نام‌نهاد ومطالبهای آنرادرهشت فصل فهرست‌داد. درفهرست طوس (ش٦١٩) از آن بنام«رسالة فی‌التصوف» و«کلمة‌التصوف» یادشده و نوشته‌است که‌در٢٤ فصل‌میباشد . درفهرست‌مجلس (ش٥ /٦١٠) از«کلمات‌ذوقیة وفلتات‌شوقیة»یادشده که‌بایدجزاین‌باشد. در نسخهٔما‌این نامه‌ازشهاب‌الدین‌سهروردی صوفی دانسته وشهید هم‌خوانده شد و آشکار است که ازسهروردی اشراقی‌میباشد چنانکه درفهرست نگارشهای اواز«کتاب فی‌التصوف» و«کلمة‌التصوف» یادنمودند. درجنگ ش٢٩١٢ سپهسالار ص٣٤ نسخه‌ای از آن هست واز آغاز کم دارد .

آغاز: بسمله . المحمودالله . ومحمدرسول‌الله . لك‌العبادة والتسبیح .. و بعـد ایهاالاخ ... فان‌الصداقة التی تاکدت بیننا ، الزمتنی اتحافك فی‌تحریر کلمات مومیة الی‌الحقایق شارحالمقامات الصوفیة ومعانی مصطلحاتهم .

انجام: و آخرما اوصیك به‌تقوی‌الله ...سبحانك لاعلم لنا ... انك انت‌العلیم‌الکریم

[٦٥٨]

١٠٧٩ این نسخه شماره١٤ دفتراست و بخط تعلیق‌ص٣٤-٥٨ درهامش آن‌سخن‌زرتشت در زوره باستان درباره سه‌خوی اسپهبد ورمزهای زرتشت آمـده واز دسـاتیر یادگردید (ص٤١و٥٠و٤٨) شماره ١٣ ایندفتر چنانکه درفهرست آن آمـده بایستی «رخش» سهروردی باشد ودرص٣٢، که اکنون دیده نمیشود وگویا از همان

نیایش ستارگان و آفتاب بوده است کـه درشمار نگارشهای سهروردی آورده اند صدرای شیرازی درحاشیه شرح حکمةالاشراق ص۳۵۷ میگوید که سهروردی‌را درهر یکی ازروزهای هفته‌ستایشی بودبرای سنارگان هفتگانه وستایش آفتاب اورامیآورد ودرآن‌از«رخش» یادگردید. خودسهروردی درمتن درهمینجا از رخش و شهریر نام برده است .

[۵۳۱] گزارش‌نامه دهگان خداپرست (فارسی)

نامه‌ای دهگان خداپرست بانوشیروان‌نوشته واو آنرابه «اژرژروه»سپاهانی داد تا از آن بکاهد و گزین و گزارش کند .

آغاز: دهقان خداپرست نزدخسرر قبادان‌ساسان نامه نوشته بود ویك‌چیز دوبار وسه بار واگفته .

انجام: و پادشاهی از مردم شما برود پس از هزار واند سال بـاز پادشاهی بفرزندان کیومرث رسد. والله اعلم بحقایق‌الامور .

[۶۵۹]

۲۵۳ این نسخه شما ۲۱ دفتراست وبخط تعلیق حیدر کرکی نزدیک ۱۰۷۶ گ ۱۴۱ب ـ ۱۴۳الف .

[۵۳۲-۵۳۳] گفتار درباره لام الف (فارسی)

دو گفتار عرفانی وبروش علم حروف واعداد درباره «لام‌الف» پرداخته شده و سخن امام صادق (ع) دراینکه آن ازحرفهای ساده‌است نه‌مرکب‌درآنها روشن گردید :

۱ ـ ازسالک‌الدین محمد یزدی حموی پزشك .

آغاز: هو . من تحقیقات حضرت سالك محمدا . نقل من بیـاضه . مشهور چنان است که جمعی ازمحققان ازحضرت امام بحق‌ناطق امام‌جعفرصادق ... سئوال نمودندکه لام الف آیا ازحروف مفرده است . . . فقیر سالك‌الدین محمد ازبندگان حضرت وحیدالزمان شیخ بهاءالدین محمد سلمه‌الله همین‌سئوال کرد .

انجام: واین نیز سری است‌ساری درتنزیه وحدت او. فهمه‌من‌فهم . لمحرره

سالك‌الدین محمد یزدی .

۲ ـ ازمحمد قاسم‌بن تاج‌الدین حسینی خبیصی ودردیباچه داردکه سالك‌محمد درپایان جمادی یکم سال ۱۰۳۲ بکرمان آمد ومن ازاو بهره‌ها بردم وازنوشته های اوبیاضی بمن دادندکه نکته‌ها داشت و گفتار درباره‌لام الف راکه اونوشته بودمن برای‌خود نوشتم وخودم هم‌چیزی دراین باره اندیشیدم وبنگارش درآوردم .

آغاز: هو. دراواخرشهرجمادی الاخرسنهٔ ۱۰۳۲ که حضرت سالك عرفان‌وایقان محمدا دارالامان کرمان‌را بنور حضور مشرف داشتند وچون کمینه محبان محمد قاسم‌بن تاج‌الدین‌الحسینی خبیصی رارتبه محرمیت . . آنچه درخصوصیت‌ومناسبت ترکیب لام‌الف بایکدیگر درسلك حروف مفرده بخاطر این ضعیف رسیده اولا از دلائل قرآنی .

انجام: پیام اهل‌دل است‌این سخن که سعدی گفت: نه‌هر که‌گوش کند معنی‌سخن داند . هوالاول ... وهوبکل شیئی محیط . حرف آب حیات است وسیاهی‌ظلماتش. نقلت من‌خط عالیحضرة‌المرحوم من‌بیاضه فی‌لیله‌العاشر من شهرجمادی۱۰۹۹العبد شهاب‌الدین الحسینی .

همین میرسید محمد قاسم درهامش گفتار نخستین در نسخه ما بتازی می‌نویسد که نگارنده «مفاحص» گفته‌که چنین پرسشی ازپیامبر کرده‌اند و او پاسخ داد .

[٦٦٠-٦٦١]

۱۰۳۵ این دونسخه شماره های ۳۵ و ۳۶ دفتراست و بخط تعلیق مورب شهاب‌الدین حسینی در ۱۰۹۹ ص۲۹۹ـ۳۰۰ .

[٥٣٤] **گفتارهروی** (فارسی)

خواجه عبدالله انصاری‌هروی حنبلی صوفی (کهندژطوس۳۹۶ـ۴۷۱) گازرگاه هرات) سخنانی بنثرمسجع پارسی داردکه درآنها باخدای خویش گفتگو میکند و اورا میستاید وببندگان اوپند واندرز میدهد. پاره‌ای ازآنها بچاپ رسید یکی بنام «مناجات نامه» که کتابفروشی بوذرجمهری درتهران بسال۱۳۶۶ آنرا چاپ کرد و همین‌را باافزوده‌ای درپایان بنام «مناجات‌ومقالات» باپند لقمان ورباعی‌های‌ابوسعید

ابی‌الخیر و باباطاهرهمدانی واندرز های بزرگمهر کتابفروشی علمی اسلامی بسال ۱۳۷۰/۱۳۳۰ درتهران چاپ نمود . این یکی درسه مقاله است نخستین دومکالمه دوم۱۲ موعظه میباشد وعلی‌بن طیفور بسطامی آنرا ازسخنان دلپسند هروی گزین نمود و بدان نام «انوارالتحقیق» داده است . باز درجنگی دارای اوصاف‌الاشراف طوسی‌و خلدبرین وحشی بافقی ورباعیهای باباطاهر لر وابوسعید چاپ بمبئی در۶-۱۲۸٤ وچاپ تهران از علی اصغر کتابفروش بسال۱۳۰۷ سخنان هروی دیده میشود . نیز بدستورمعین‌الملك‌امیرتومان‌سفیرایران‌درکشورعثمانی‌بسال ۱٤۰۱ «نصایح‌ومناجات» اوبابرخی ازرباعیهای‌ابوسعید بچاپ رسید. نسخهٔ ماهیچیك‌ازاینها نیست. رساله‌ای ازهروی درجنگی درچاپخانه نولکشورلکهنوء هندبسال ۱۹۲۵ چاپ گشت. هشت رسالهٔ پارسی او (دل وجان- کنزالسالکین - واردات - قلندرنامه - هفت‌حصار - محبت‌نامه - مقولات - الهی‌نامه» درچاپخانه ارمغان تهران بسال ۱۳۱۹ خ بچاپ رسید و نسخه ما هیچیك ازاینها نیست . دردیباچه این‌چاپ درسر گذشت خواجه‌از رساله‌های آفرینش آدم وبرگزیدن او و ذم‌الکلام بتازی وزادالعارفین (ایندو در موزه بریتانیا است) وانوازالتحقیق ومناجات اویادگردید . سیوطی درصون‌المنطق (ص۱۹و۳۱و۳۲)پاره‌هائی ازذم‌الکلام اوراآورد ودرص۳۳-۸۲از آن گزین‌نموده است. روش‌حنبلی وظاهری او از آن پیداست . نسخه ماچنین است :

آغاز: بسمله . الحمدلله‌رب‌العالمین ... چنین‌گوید مصنف‌هذه‌التحفة ، بعبارة الطرفة : المحتاج الی‌الباری، عبدالله‌الانصاری : بدانك پیری‌کردن معلمی است . از غیب خبر دادن منجمی است .

انجام: خداوندی و کارخداوندان‌کنی . سبحانه وحده ، لاشریك‌له ،که یار راکه‌گوید چنین‌کنی یاچنان‌کنی ... پس‌ختم رساله‌را من‌بدعا - زیراکه دعا بمدعا خوش باشد .

[٦٦٢]

٨٦٧ این نسخه شماره٤ دفتراست و بخط تعلیق گ۹۳ب - ۱۱۶الف .

[٥٣٥] **گلشن (مناظرات خمسه)** (فارسی)

دراین نامه‌فلسفی وعرفانی که بساخت‌مناظره وجدل‌وبشیوه مقامات وبسیارشیوا نوشته‌شده میان عقل وعشق ونیروهای روان ومیان عاشق و معشوق وپایگاههای روانی عاشق گفتگو میشود. نگارنده آن درفصل فرستادن عقل قوه نظری‌رابسوی شاه عشق (۲۹ ب) درباره سنجش میان دوجهان از «تمهید» خویش یاد میکند. از پایان نسخه ما پیداست که نام این کتاب گلشن است ودر کشف الظنون «مناظرات خمسه» نامیده شده (ج۲ص٥٢٦).

آغاز: بسمله‌وبه. الحمدالله‌الذی رتب‌نظام بریةالعالم بخلافة آدم وکلها بحضرة الخاتم محمد ... دوش هنگام آنکه مبشر فالق‌الاصباح.

انجام: ومناظرات سیارات‌امکانی ازمناطق ظهوربمکامن اختفا (خرامدباینجا اختتام رسید. تمت‌الکتاب‌الگاشن بعون‌الملك ذوالمن. اللهم اغفرلنا بحق‌الحسین والحسن) (میان دوکمانه درنسخه مابخط ومرکب دیگری است).

[٦٦٣]

٨٣٥ این نسخه بخط نسخ باعنوانهای شنگرف میباشد. در برگ۱الف چند سطری بخط وامضای مجلسی درباره سماع دیده میشود.

(۸۱ ق) کاغذ سمرقندی--جلدتیماج ساده
اندازه: ۱۰×۱۷و٥×۱۰س۱۴

[٥٣٦] **لب‌المعرفه** (عربی)

حسن گنجوی دراین گفتار ازذکر وفکر قلبی سخن میراند.

آغاز: بسمله الحمدلله رب‌العالمین ... هذه کلمات من بعض الواردات علی فی احقاق الحق.

آغاز: فلادلالة فی‌شیئی منها علی مطلب‌الخصم فتبصر ولاتغفل.

[٦٦٤]

٨٦٤ این نسخه شماره۱ دفتر وبخط نسخ میباشد گ۱ الف ـ ۱۹ب. دومین‌شماره آن تفسیر دوسوره ضحی وشرح ازمحمدبن محمود دهداراست وبخط نسخ‌تاریخ

۱۲۳۳ ازمحمد باقر بن کربلائی اسدالله خوئی درخوی گ۲۳ب ـ ٤٨الف (ص۹ج۱ اینفهرست) وسومین شرح دعای اللهم نورظاهری بطاعتك از محمد جعفر بن صفرخان همدانی گ٤۹ب٧٤ب .

[٥٣٧] لمعات (فارسی)

شیخ فخرالدین ابراهیم فرزند شهریار همدانی عراقی (کمجان همدان٦۰۹ دمشق ۸ذی‌قعده ٦٨٨) در٦٢٨ازهمدان بادرویشان بسپاهان‌رفته واز آنجابمولتان شد و۲٥سال نزدبهاءالدین‌زکریاء مولتانی (٥٧٨ ـ ٦٦٦)شاگردی‌کرد وبدودختر داماد او گشت پس ازمرگ او بعمان ومکه ومدینه رفت از آن پس نزد سهرودی (م٦۳۲) رسیده ودر٦۰سالگی(٦٦۹)ازراه دمشق‌بروم شده‌شاگرد قونوی(م٦٧۲) وهمنشین امیرمعین‌الدین پروانه روم‌دوست مولوی بلخی گشت . اواز درس فصوص قونوی بهره برده درهمان هنگام (از٦٦۹ تا ٦٧۲) لمعات نوشت که استاد آنرا پسندید. پس ازکشته‌شدن پروانه‌بدست اباقاخان بسال٦٧٥ بمصرسپس در٦٨٨بشام رفته وششماه در آنجا بماند ودر گذشت‌ودرصالحیه دمشق پشت سر آرامگاه‌محیی الدین بخاك‌سپرده شد .

عراقی شیفته چهرهٔزیبا بودشاید بهمین انگیزه‌بود که عشاق‌نامه را در۱۰٦۰ بیت ودر ده فصل سروده واز روی سوانح(۱) احمد غزالی (م٥۱۷) لمعات خویش

۱ ـ السوانح فی‌العشق راریتر دراستانبول۱۹٤۲ چاپ کرد ودر تهران نیز در ۱۳۲۲خ ازروی نسخه تاریخ ٦٥۹ بچاپ‌رسید. غزالی آنرا برای دوستش صائن‌الدین هنگامیکه سخت شیفته عین‌القضات همدانی بود بپرداخت و برخی از آن در تبریز و پاره‌ای‌را درمراغه بسال٥۰۸ برای‌خود غزالی نوشته‌اند (دیباچه چاپ تهران ـ نسخهٔ تاریخ ۸۸۲ طوس بشماره٦٦۰ در٦٧ فصل. ایندونسخه یکسان نیستند) درچاپ ریتر دیباچه‌ایست‌بپارسی که‌درچاپ‌تهران بجای‌آن دوسطر بتازی‌آمده‌است ونام صائن‌الدین هم درچاپ ریتر برده نشده‌است دوبیت پایان چاپ تهران نیز درآن نیست . سوانح‌را عین‌القضات شهید (٤۹۲ ـ ٥۲٥) بساخت لوایح پارسی درآورد (متون ماسینیون ص ۹٥ ـ ۹۸ ـ ۱۰۲) .

پیش ازغزالی اخوان صفا دردفتر٦ بخش نفسانیات رسائل والرسالة‌الجامعه از عشق سخن راندند . دنباله حاشیه درصفحه بعد

را بپرداخت . این‌رساله درنسخه‌های کهن مانند فصوص اندلسی در۲۷ بخش است ولی درنسخه‌های تازه ودو گزارش کرمانی وجامی ۲۸ بخش (لمعه) میباشد . صائن الدین علی ترکه سپاهـانی م ۸۳۰ گزارشی برلمعات بنـام ضوء اللمعات نوشت و آغازش چنین‌است: «سپاس‌وستایش پروردگاریرا که‌پرتوی ازلمعات» (16/839III ج۲ص۸۳۳ فهرست موزه بریتانیا) . درهمین زمان شاه‌نعمه‌الله کرمانی (م نزدیک ۸۳٤) گزارشی برآن نوشت (ش۲/۸۷۵ اینکتابخانه) .

لمعات عراقی را جامی بدستور امیرعلی شیرنوائی مقابله وتصحیح کرده و شیفتهٔ آن شده وبا بازگشت بسخنان محیی‌الدین وقونوی ودیگران در ۸۸٦ برای همو بنام‌اشعة اللمعات گزارش نموده درسر آغاز اورا «اجل‌اخوان‌الصفا واعزخلان الوفا» خوانده است وآن در۲۸ لمعه ویك دیباچه است. اشعه جامی بارساله‌های نسفی‌و امیرحسینی و کاشانی و دیگـران در ایران بسال۱۳۰۳ بچاپ‌رسید. درهامش آن حاشیه‌ایست بر آن بنام لمحات . گزارش جامی را بنـام لوایح ایچ ونیفیلد در ۱۹۰٦ ترجمه وبچاپ نمود . درمجلس نسخه‌ایست ازشرح لمعات بنـام لمحات که گزارنده آن شناخته نشد (ش٦٦۷) .

مانده حاشیه صفحه پیش

آنگاه شیخ‌رئیس رساله‌ای درعشق بتازی وپارسی نگاشته است. سهروردی‌شهید دفتری درعشق دارد که Otto Spies آنرا بنام «مونس‌العشاق» باشرح رساله‌عشق دراشتوتگارت بسال۱۹۳٤چاپ نمود بازدر پیام‌نو (ش۷و۸سال۲خرداد ۱۳۲۵) بنام «رسالة فی‌العشق» ازروی نسخه تاریخ٦۵۹ بچاپ رسید . نجم‌الدین دایه فرزند . . . شاه‌آور رازی م٦۵٤رساله عشقی بپارسی دارد (۵۹۸/٤مجلس). رساله عشق‌دیگری نیز بپارسی درمجلس (۵۹۷/٤) هست. دراین زمینه شرف‌الـدین حسن‌بن محمد رامی تبریزی (سده هشتم) انیس‌العشاق وفیض کاشانی مشواق نوشتند وهردو بپارسی است ودرتهران بسال۱۳۲۵خ بچاپ‌رسید. درهند رساله‌هائی دزعشق‌بنام تجلیات ومشاهدات وبوارق وواردات نوشته شده است .

بنگرید به : نفحات جامی ص ۵-۵٤۲ واشعة‌اللمعات ص۳ ـ گفتار نوائی در یادگار ش٦و۷سال۵ تاریخ‌اسفند۱۳۲٦وفروردین۱۳۲۷خ‌ص۳۵-٤٤و۵٦-٦۸-جامی‌ازحکمت تهران ۱۳۲۰خ ص۱۷۰-۱۷۱-۱۸۱- فهرست مجلس ج۲ص٤۱۱ش٦٤٤/۷

عراقی درلمعات ازاینکسان یاد میکند : جنید ـ ابوطالب مکی ـ ابویزید ـ حسین‌بن منصور ـ خواجه‌عبدالله‌انصاری ـ ابن فارض ـ یحیی‌بن معاذ ـ ابوالحسن خرقانی ـ ابوبکر وراق ـ ابوالحسن نوری ـ شبلی ـ شیخ‌علی حریری ـ سهل‌بن عبدالله شوشتری .

آغاز: هوالودود . رب وفقنا للتتمیم والتکمیل . بسمله . الحمدلله الذی نور وجه‌حبیبه بتجلیات‌الجمال فتلالانورا ... کلمهٔ چند درمراتب عشق برسنن «سوانح» بزبان وقت املاکرده میشودتا آئینهٔ معشوق نمای هرعاشق گردد .

انجام : واگرصور ومعانی کلمات را بعضی فهوم مکرر نماید معذورم ... گر زآنکه من وتو از میان برخیزیم . مقصود ومراد مابکام من وتواست .

(جامی درسرگذشت احمد غزالی ص۳۳٦ اندکی ازدیباچه لمعات راکه‌در آن یادی ازسوانح شده است آورد) .

[٦٦٥]

۱۲۰ ۱۲۸۷ درمدرسه فصیحیه سبزوار . عنوانها وبرخی عبارتهای تازی و نشانه ها بشنگرف است گ۸۲ب ـ ۱۰۸الف. جای‌عنوانها درنسخه سفید است و دردوگزارش جامی وکرمانی لمعه دارد .

[٥٣٨] لوامع (فارسی)

دانشمند عبدالرحمن جامی قصیدهٔ میمیهٔ خمریهٔ ابن فارض شرف الدین ابوحفص عمربن علی‌سعدی مصری (٥٧٦ـ٦٣٢) را بپارسی گزارش نموده نخست ازرهگذردستور زبان ونحودرباره هربیتی گفتگوکرده سپس آنرا بنظم‌ونثرپارسی درآورد آنگاه بعنوان «لامعه» ازمسئله عرفانی که درهربیت گنجانده شده بررسی نمود است .

جامی آنرا در۸۷۵ بپایان رساند. اینگفتار دیباچهٔ بسیارشیوا درچند«لامعه» داردکه درآن ازدوستی وعشق بحث شده است .

آغاز: بسمله ونه نستعین . سبحان من‌جمیل لیس‌لوجهه نقاب‌الاالنور ...

رباعی : « ای گشته نهان ازغایت پیدائی ..» الهی بحرمت آنانکه بگام همت پی بسرا پرده وحدت توبرده‌اند... (شربنا علی ذکرالحبیب مدامة ـ سکرنا بهامن قبل یخلق الکرم) الشرب بالحرکات الثلث : آشامیدن آب ... میگوید که نوش کردیم وبا یکدیگر بدوستکامی خوردیم .

انجام : بنهایت رسید وبنهایت انجامید روش قلم تیز کام و جنبش خامهٔ بی آرام در قطع مراحل ترتیب این لوامع و طی منازل تألیف این بدایع فی‌تاریخ یفهم من هذه‌الرباعیة علی سبیل‌الایماء والتعمیة : بی دعوی فضل جامی ولاف هنر ـ درسلك بیان کشید این نظم گهر .

وان لحظه که شدتمام آورد بدر ـ تاریخ مه وسال وی ازشهر صفر (۸۷۵) .

[٦٦٦]

۳۳۹ این نسخه شماره۳۷ دفتراست وبخط شکسته نعلیق برخی‌جاها مورب ومتن بنسخ تاریخ میانه ج۱ ۱۰۸٦ درطوس(مشهد رضوی) گ۱۱۸ب ـ ۱۲۳ب ـ نسخه‌ای ازاین‌درمجلس ٦۱۰/۱هست. این نسخه مادیباچه‌راندارد وشرح نحوی‌ولامعه‌های پس از آن را هم ندارد و چنین است آغاز آن : (شربنا علی‌ذکرالحبیب ... الکرم) میگوید نوش که کردیم ... ـ گویا کسی آنرا گزین نموده و کوتاه ساخت. درپایان با انداختن آخرین‌لامعه همان‌بندآخر «خاتمه‌فی‌المناجات»را داردومانند نسخه۷٦۷/۱٤ میباشد . اندکی ازشرح نحوی گاهی درهامش نسخه آمده است .

[٦٦۷]

۷٦۷ این نسخه شماره۱٤ دفتراست وبخط تعلیق باعنوانها ونشانه های شنگرف گ ۲۰۵ب ـ ۲٤۵ب دراین نسخه دیباچه هست وشرح نحوی ولامعه‌ها دارد .

[۵۳۹] **لوایح** (فارسی)

نگارش عرفانی ازعبدالرحمن جامی ودر آن میخواهد برساندکه پرتو خدائی همه هستی‌ها رافرا میگیرد ودر۳۵ لائحه است دردنبال آن هفت رباعی‌است ازخوداو.

آغاز: بسمله . رب وفقنا للتکمیل والتتمیم . لااحصی ثناءعلیك . کیف وکل ثناء یعودالیك ... خداوندا سپاس توبر زبان نمی‌آریم وستایش تو برتو نمیشماریم.

انجام: لب بگشائی بنطق خاکت بدهن. تمت الرسالة بعون الله وحسن توفیقه.

[٦٦٨]

این نسخه شماره ۱۰ دفتر است و بخط تعلیق گ۱۳۲ب ـ ۱۵۰ الف. شماره ۸
۸٦۷ این دفتر آداب استخاره ذات الرقاع و۹شکیات نماز میباشد . سه نسخه ازاین
لوایح درمجلس ش٦٦٨تا٦٧٠ ودو نسخه درطوس ش٩٦٦و٩٦٧هست. این
رساله درچاپخانه مهر تهران بسال ۱۳۱۲خ ازروی نسخه ش٦٦٨ مجلس ودر چاپخانه
نولکشور لکهنوء هندبسال $\frac{۱۳۵۵}{۱۹۳٦}$ با منهاج العارفین چاپ گردید . نیز درجنگی دارای
شرح قصیده میرفندرسکی ازمحمد صالح خلخالی وهمین لوایح و شرح دعای علی(ع)
از مجذوبعلیشاه محمد جعفر بن صفرخان همدانی کبوتر آهنگی در تهران بسال ۱۳۱۲
چاپ شد .

[٥٤٠] **المبدء والمعاد** (عربی)

نورالدین محمدبن مرتضی دراین کتاب که درمنتخب التصانیف آنرا «الحقائق القدسیه والرقائق الانسیه» هم نامیده است بروش عرفان شیعی ودر دوفن هریك در چندکلمه ازمباحثی فلسفی و کلامی گفتگو نمود. در آغاز میگوید که من آنرا از روی نوشته‌های عم عارف واستادم محمدبن مرتضی المدعو بمحسن فیض وصدر المحققین محمدبن ابراهیم شیرازی وعارفان دیگر نگاشته‌ام. آنگاه درباره این کتاب بیتهائی از تائیه ابن فارض وقصیده عامریه میآورد ودرست بروش نگارش شیرازی وفیض و عبارت پردازی میرداماد میرود وهمان عنوانها که شیرازی وداماد دارند در آن دیده میشود وروش فلسفی وعرفانی اودر اینجا تاکتاب تفکر بیشتر است .

آغاز: بسمله وبه نستعین . الحمدلله الذی قصرت الالسن عن بلوغ ثنائه کمایلیق بجلاله وعجزت الاحلام عن ادراك کنه جماله .

انجام: هذا آخر ماارد نا ایراده فی هذا الکتاب المستطاب. متعنا الله للسراح فی میادین معانیه فی کل باب. و وفقنا لفهم حقایقه ورزقنا نیل رقائقه بمنه ولطفه. والحمدلله اولا و آخرا وظاهراً و باطنا. وکان الختم علی یدمؤلفه فی شهر ربیع المولود سنة خمس و مائة والف من الهجرة المصطفویة علی صادعها الف الف صلوة و تحیة.

[٦٦٩]

این نسخه شماره ٤ دفتراست و بخط نسخ نگارنده درع۱ سال ۱۱۰۵ گ۱۸٦ب ـ ۱۳۱۱الف س۲۷ ـ درگ ۱ب بخط دیگری نوشته شده : « کتاب مبدء ومعاد ملقب بحقاقق قدس ورقائق انس» وبخط ومهر نگارنده دارد که این‌را چنانکه درپشت کتاب تفکرهم نوشته‌ام برفرزندان دانشمندم وقف نمودم .

۲۵۲

[٥٤١] **مجموعه لطائف** (فارسی)

این دفتر عرفانی ازشاه‌نعمةالله کرمانی عارف است .

آغاز: بسمله انا فتحنا لك‌فتحاً مبینا . بیت : «افتتاح سخن بنام ویست . . . » یا اخی . . . معلوم فرماکه فتوح برانواع ثلثه هست .

وبدینجا بپایان میرسد : وبمشاهد شاهدواقع شودنعیم مشاهد . شعر :« مشاهدة الحق من‌علمنا یحصل شاهدهافی‌القلب» وکم دارد .

[٦٧٠]

۱۰۸۹ این نسخه شماره٤ دفتر وبخط تعلیق میباشد گ۳۵الف ـ ۱۳٦الف .

[٥٤٢] **محبت (تحقیق در)** (فارسی)

نگارشی است ازجامی درباره محبت ودوستی عرفانی .

آغاز: ادنی مراتب محبت، محبت آثاریست ومتعلق آن‌جمال آناراست .

انجام : آمد برقی زکوی میخانه پدید درپرتو آن‌حریم میخانه بدید .

[٦٧١]

۸۹۰ این‌نسخه شماره۱۷ دفتراست وبخط تعلیق گ۹۷الف ـ ۹۹الف .

[٥٤٣] **محمودیه** (فارسی)

علی‌بن غلامعلی قزوینی‌این دفتررا برای میرزا محمودامین درراز‌های حج‌بروش عرفانی نگاشته است .

آغاز: حمد بی‌حد مرحضرت کردگاریرا است‌که معمار عنایتش‌برقیمه «قلب ـ المؤمن بیت‌الله» قلوب فقرا و درویشانرا خانه ساخت .

انجام : چون کنم دلها بسی سنك است سنك ـ چون نمایم سینه‌ها تنك است تنك . فبالله العون والحمدلله ... مظهر الکاف والنون و مظهر عین العیون .

[٦٧٢]

٣٢٩ این نسخه بخط تعلیق باعنوانهای لاجوردی میباشد .

(٣١٢٠ـ) - کاغذ فرنگی ـ جلد مقوا
اندازه : ١٥×٢٢ و٧×١٣ س ١٢

[٥٤٤] **مرآت المحققین** (فارسی)

گفتاری است عرفانی بروش شیعی آمیخته با آیات وسخنان بزرگان بتازی با بیتهای پارسی نام آن در پایان گ٥٧ الف دیده میشود. اصول وفروع سیر وسلوك در چهارباب ویك خاتمه آن آمده است : (١ـ شریعت وطریقت ٢ـ معرفت وحقیقت ٣ـ توحید وفناء فی الشیخ ٤ـ فناء فی الله وبقاء بالله ـ خاتمه درمقام قلندری) . نسخه‌ای از آن درطوس بتاریخ ١٢٦١ (ش ٩٩١) هست ونگارنده در آن خودرا محیی الدین نامیده است . درآغاز دارد: «رساله تالیف کن ومرآت المحققین نام آن تصنیف کن» ودر انجام دارد : «این جام جهان نما راکه بمرآت المحققین مسماست» (فهرست موزه بریتانیا) نسخه‌ای ازاین دربرلین بتاریخ ١٢٤٨ هست .

آغاز: العظمة لله العلی العظیم الذی رفع السموات بغیرعمد ووضع المشکوة فیها من النجوم بغیرعدد ـ چنین گوید فقیر مسکین المتوصل بحبل المتین و بطریقة المعصومین حمیدالدین (418III ج٤ ص٢٦٦ فهرست موزه بریتانیا بتاریخ ٨ ع ١ سال ١٢٧٤) نسخهٔ ما اندکی ازدیباچه را ندارد و چنین است .

آغاز: حضرت صاحب مهدی غائب است . گفتم بخدمت آنحضرت میتوان رسید گفتند آرزوئی است بس بعید.

انجام: ازگلزار فیض انوارش چینند . آمین. آمین. یاالله العالمین . ارسل کل طالب الی المطلوب .

[٦٧٣]

٨٦٧ این نسخه شماره ١دفتر وبخط تعلیق بانشانه‌ها و عنوانهای شنگرف است گ ٣٢الف ـ ٥٧ب از١ تا ٣١ درنسخه نیست ورساله ناقص است.

شیخ محمود شبستری نیز «مرآت المحققین» دارد و بپارسی بسیارشیوا کـه در مجموعه عوارف‌المعارف درشیراز بسال ١٣١٧ بچـاپ رسید وپنج نسخه در طوس (ش٢٦٩و٢٧٠و٩٨٨نا٩٩٠) که یکسان نیستند ویك نسخه درمجلس (ش١٤٣) از آن هست .

[٥٤٥] مراتب ادراك (عربی)

این گفتار ازمحیی‌الدین مغربی‌است‌درمراتب ادراك بشری که چهار گونه‌پنداشت ١ ـ مانند صورت در آئینه ٢ ـ احاطه ذات بمدرکات ٣ ـ مشاهده اشیاء درذات خداوند ٤ ـ ننگریستن بذات وفنای آن وبقای مدرك حقیقی که خدا باشد.

آغاز: قال‌الشیخ‌العلامة محیی‌الدین المغربی. فصل‌المعلول‌صورة‌العلة وظاهرها والعلة حقیقة المعلول وباطنها.

انجام : فتغفل‌فی‌هذاالمقام عن کونك‌مدرکاللاشیاء فیظهر لك‌ان‌المدرك‌بالحقیقة هوالله تعالی وتقدس . والله‌یقول‌الحق وهویهدی‌السبیل .

[٦٧٤]

١٠٤٦ این نسخه٢١ دفتراست وبخط تعلیق رجبعلی نزدیك ١٠٦١ ک ٩٥ ب ـ ٩٦ الف .

[٥٤٦] مشاهدیه (فارسی)

نگارنده این نامهٔ بنظم ونثر، هندی وبیگانهٔ ازپارسی و تازی بوده بشهرهـای ایران وعراق آمده چندی درنجف بماند وریاضت کشید ودرخلسه الهامها بدوشده ونامش عبدالله گشت وبکیش شیعی گرائید. آنگاه ازنجف بخراسان رفت‌وبدستور امیرمؤمنان، پیشوای هشتم رازیارت نمود. درمیان راه درشهرك (کارزان ، بلدة‌ـ الخضراء، شهرسبز سلمان فارسی) (گ١٠الف) میرعلی نقی اوحدی پسرمیرحیدر

حسینی‌را بدید واز آنچه ازوی فراگرفت این‌نامـه را بسال ۱۲۶۱ بپارسی سستی فراهم آورد. نام اوعبدالله تابع‌الحسینی اوحدی‌فرزند میرزا مهدی‌نجفی و به«هندی کتاب خان صاحب‌الدیوان» نامبرداراست. رساله‌ایست عرفانی آمیختهٔ باعلم‌حروف و اشکال.

آغاز: استعانت جویم ازرب کریم. بسم‌الله الرحمن‌الرحیم. نامهٔ موسومرا زان شدبدر. که بدید آمد زیر وزبر.

انجام: وعلی‌منا بعهم الی‌یوم‌الدین. یارب‌العالمین‌بلاتمه‌اکتاب(؟)بعون‌الملك الوهاب ... برحمتك یاارحم‌الراحمین.

[۶۷۵]

۳۵۸ این نسخه‌شماره۱دفتراست وبخط نسخ‌وتعلیق بانشانه‌ها وشکلهاوعنوانهای شنگرف گ۱ب ـ ۱۰۶الف.

[۵۴۷] **مشکوة‌الانوار** (عربی)

این‌نامه ازغزالی‌طوسی‌است که‌بروش عرفان‌باطنی‌وتأویل‌فلسفی بدرخواست کسیکه ازاو درباره راز نهانی پرتوخدائی وتاویل آیتها وخبرهای نور پرسیده‌بود نگاشته‌و گفتااودرباره روشنی ونور خواننده‌را بیاد حکمت‌اشراقی میاندازد. این نامه سه‌بخش‌است: ۱ـ اینکه نورحق همان‌خداست وبس. ۲ ـ روانهای نورانی گوناگون و دراینجا آیه نورتأویل میشود. ۳ـ هفتاد هزار پرده روشنی وتاریکی درمیان آفریدگان وخداوند. درآن ازعجائب‌القلب احیاءالعلوم(۵الف) والقسطاس المستقیم (۲۰ب) ومحك‌النظر ومعیارالعلم (۵ب) والمقصدالاقصی فی‌معانی‌الاسماء الحسنی(۹ب)یادمیشود. غزالی آنرا دردوره ذوقی زندگی‌خویش‌میان ۴۹۵و۵۰۵ نوشته است(۱) ابن‌رشد درتهافت (چاپ بوئیژ ص۱۱۷ و۲۴۵) مینویسدکه غزالی گویا درعلوم الهی بسخنان فیلسوفان مینگریست وبهترین گواه آن مشکاةالانوار اواست. دروغتر ازاینکه«یکی جزیکی نیافریند»چنانکه فارابی وابن‌سینا وغزالی

۱ ـ بنگرید به:متون ماسینیون ص۹۳ـ گفتاروات درروزنامه آسیائی لندن‌سال ۵۲ش۱و۲ ص۴۴.

گفته‌اند نیست‌زیرا غزالی درمشکاة درباره‌مبدء نخستین‌بسخنان فیلسوفان گرائیده است ـ ابن سبعین دربدالعارف میگوید کـه غزالی گاهی صوفی و گاهی فیلسوف و باره‌ای اشعری وهنگامی‌فقیه و گاهی سرگشته است‌ودر فلسفه بسیارسست‌میباشد. او بعرفان پرداخت و دربـاره عقل ونفس بگواهی « معارج عقلیه وعجائب‌القلب و مشکاة‌الانوار و کیمیاء سعادت» ازفوثاغورسیان واخوان صفا آموخته است .

(متون ماسینیون ص ۱۳۰).

و. منتگمری وات W.M.Watt درروزنامه انجمن‌همایونی آسیائی 1949، 5 ff گفتاری دارد دراینکه «بخش حجاب» این نامه ازغزالی نیست (همین روزنامه‌سال ۱۹۵۲ شماره ۱و۲ص۳۰و۴۲) زیبدی درشرح احیاء(ج۱ص۴۲)میگوید که‌مشکاة الانوار فی‌لطائف‌الاخیار در۴۸ باب است و آن نزدمن هست ودر آن شك‌نمیکند. دانشمندان خراسان ازاین‌نامه خرده گرفتند و غزالی بدانها پاسخ داد(۱) .

[۶۷۶]

این نسخه شماره۱ دفتراست وبخط تعلیق ریزخوش باعنوانهای شنگرف‌تاریخ **۳۴۰** ۱۲۶۰ گ۱ب ـ۲۷ الف. چنین است آغازوانجام‌آن: «الحمدلله فائض‌الانوار وفاتح‌الابصار ... فقد سالتنی ایهاالاخ ... ان‌ابث‌الیك اسرارالانوارالالهیة ـ و استشفاف‌الانوار الالهیة من‌وراءالحجب‌البشریة عسیرغیرییسیر» این‌نامه چندین باریکی درالجواهرالغوالی بانامه‌های دیگر غزالی درمصر بسال۱۳۴۳ بچاپ رسید. (بنگرید به : ش۳۲۹ و ۳۳۰ طوس برای نامهای گوناگون آن ـ ش۷۷مجلس) .

[۵۴۸] مشواق (فارسی)

فیض کاشانی دراین نامه نخست سخنی عرفانی بمیان آورده سپس ازرخ وزلف وخال وخط وچشم وابرو ولب وشراب وساقی وخرابات و خراباتی وبت وزنار و

۱ـ آغاز وانجام پرسش وپاسخ چنین‌است: «چه گوید خواجه امام‌اجل حجة‌الاسلام درجواب کسانیکه اعتراض کنند ـ که هر که حقیقت روح ندانست خودرا ندانسته باشد خدایرا دشوار تواند دانست . والسلام تمام‌شد مسائل والحمدلله وحده» (ش۲/۳۴۰ـ ص۱۹۰ همین فهرست) .

کفر و ترسائی گفتگو نمود و روشن ساخت که عارفان از اینها چه میخواهند و از گلشن راز گواه آورد تا دشنام دشمنان عارفان را رد کند. این نامه در تهران بسال ۱۳۲۵خ بچاپ رسید.

[٦٧٧]

این نسخه شماره٤ دفتر است و بخط تعلیق محمد علی بسال ۱۳۰۰ گ٥٥ پ- ٦٠ب. آغاز و انجام آن چنین است: بباید دانست که سخن بمنزلهٔ قالب است ومعنی بمنزلهٔ روح (آغاز فصل۲ ص۷ س۱۷ چاپی)- زاسلام مجازی گشت بیزار کرا کفر حقیقی شد پدیدار (ص٢٦ س١٤ چاپی). ٨٤٩

[٥٤٩] مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقة (عربی)

این کتاب که در صد باب است و هر بابی پس از عنوان بعبارت (قال الصادق) آغاز میگردد از بسیاری از مراتب و مقامات عرفانی بحث میکند. دیباچه نگار آنهم پس از یاد کردن عنوان بالا آنرا از صادق(ع) دانست. علی بن طاوس (٥٨٩-٦٦٤) در امان الاخطار (ش۱۰۱۸ گ٥٦ الف) میگوید مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة را باید در سفرها باخود داشت. ابن ابی جمهور احسائی (زنده ۸۹۵) در اللئالی العمادیة بندهائی از آنرا آورد. همچنین تقی الدین ابراهیم کفعمی (م۹۰۵) در مجموع الغرائب و شهید دوم (۹۱۱-۹٦٦) در کشف الریبه و منیة المرید و مسکن الفواد پاره‌هائی از آنرا آوردند. ما اینداانشمندان در اینکه مصباح الشریعه از صادق ع (۸۳-۱٤۸) است شکی ندارند مگر اینکه شیخ حر عاملی (۱۰۳۳-۱۱۰٤) در هدایه بدان ارجی ننهاده و گفت که بامتواترات نمیسازد و برخی آنرا اززین الدین دانسته‌اند نه سخنان صادق ع محلسی (۱۰۳۷ - ۱۱۱۰) در بحار در پاره‌ای از آن شك نمود و گفت که ریخت و اسلوب آن از آن صادق(ع) نمی باشد. میرزا عبدالله افندی (۱۰٦٦-۱۱۳۰) در ریاض العلماء آنرا از کتابهائی دانست که نگارنده آن نادانسته است و گفت که برخی آنرا از هشام پسر حکم پنداشتند و درست نیست و باید از صوفیان باشد. با اینهمه سید حسین قزوینی (م۱۲۰۸) در جامع الشرایع میگوید که بگواهی ابن طاوس و شهید دوم و فیض باید آنرا از صادق(ع) دانست.

حاج‌میرزا حسین‌بن‌محمدتقی نوری (یالو۱۲۵٤ـ نجف۱۳۲۰) . در مستدرك الوسائل که در۱۳۱۹ آنرا بپایان‌رساندپس‌از آوردن سخنان‌این‌دانشمندان‌میگوید که اینکتاب ازسخنان صادق(ع) فراهم گردید ورواست که باگفتار صوفیان همانند باشدچه آنان درسیر وسلوك‌وپارسائی آنچه گفته‌اندبارأی پیروان‌شریعت‌ناسازگار نیست تنها مقامات وکراماتی که برای‌خود میگویند ما نمیپذیریم . او هرچه دراین زمینه میبایست آورد (ج۳ص۳۲۸ـ۳۳۳) .

مگراینکه اگردلیل سبك مجلسی، وشیخ حررابپذیریم باید گفت که دراینکتاب عبارات واصطلاحاتی آمده که ازسده نخستین نباید باشد .

آغاز: بسمله وبه نستعین الحمدلله‌الذی نورقلوب‌العارفین بذکره وقدس‌ارواحهم بسره ... فهذا کتاب مصباح‌الشریعة ومفتاح‌الحقیقة من کلام‌الامام ... جعفربن‌محمد الصادق ... وهو مبوب علی‌مائة باب .

انجام : فالعبادة للعوام والاشارة للخواص واللطائف للاولیـاء والحقایق‌للانبیاء علیهم السلام والحمدلله رب‌العالمین ـ اینکتاب در ایران بسال ۱۲۸۳ بچاپ سنگی رسیده است .

[٦٧٨]

۸۸۱ این نسخه شماره ۱۲ دفتراست واندکی باچاپی جدائی دارد وبخط نسخ خوش با عنوانهـای شنگرف محمدبن فتح‌الله بسطامی در مدرسه رزم ساریه قـزوین پنجشنبه۱۷ع۲سال۱۰۰٤ گ ٥٦ب ـ ۸٤الف ـ وچنین‌است پایان‌آن: « باب‌ـ العبودیة‌قال‌الصادق(ع) العبودیة‌جوهرة کنهاالربوبیة ... و اصول معاملة الدنیا سبعة اشیاءالرضا بالدون ... مـع رفض‌الریاسة‌فاذا حصلت هذه‌الخصال بحقها فی‌نفس فهو من‌خاصة‌الله وعباده‌المقربین واولیائه‌حقا وصدقا در برگهای ۸٤ب ـ ۸٦ الف سخنان پراکنده‌عرفانی‌است

[٥٥٠] مصفاة‌الاشباح ومبلاة‌الارواح (کتاب‌التفکر) (عربی)

. نورالدین محمد بن مرتضی بن محمد مؤمن بن مرتضی کاشانی (زنده در ۱۱۱٥) این‌کتاب را بسال ۱۱۱۰ درعبادات واخلاق وخـدا و روان وجهانشناسی بروش عرفان وازروی خبرهای شیعی نگاشته وآن‌چهارفن است وهریك چندباب ودرست مانند احیاء غزالی والمحجة البیضاء فیض میباشد .

آغاز: بسمله وبه‌ثقتی . الحمدلله الـذی شرح صدورنا بانوار معرفته و نور قلوبنا باسرار طاعته .

انجام: و ماسبغ نعمك فی‌الدنیا والاخرة . هـذا اخرالکلام فی‌الفن‌الاخیر والحمدلله اولا وآخرا وظاهرا وباطنا ـ وقع‌فراغ مؤلفه من‌الجمع والتألیف‌والنظم والترصیف فی‌سنة الف و مائة وعشر من‌الهجرة النبویة .

[٦٧٩]

۲۵۲ این نسخه شماره۳دفتر است وبخط نسخ باعنوانهای شنگرف گ۳۹ ب ـ ۱۸۵ب س۲۷ درآغاز وپایان این‌شماره نورالدین‌بخط ومهر خویش‌نوشت که این کتاب برفرزندان نرینه وشایسته اووقف است وپس از آنهـا بر دانشمندان شیعی ومتولی‌آن دانشمندترین‌وپارساترین آنهااست واگرروشن نباشدکه کدام است باقرعه‌دانسته خواهدشد ومتولی بایدآنرا بخواننده‌شایسته بدهد ونگاهش ندارد. گیرنده نیزبایستی سرسال‌آنرا پس‌بدهد . گزیدهٔ همین بنام (آئینهٔ حقایق نما) درمجلس هست (ش٥٦٥)

[٥٥١] **معیارات‌العارفین** (فارسی)

دراین‌نامه نشانه‌های رسیدن بپایگاه ارجمند درسیروسلوك نموده شده‌ودر ۱٤معیار، نشانهٔ مقامات عرفانی وخلقی بپارسی ساده‌ای بنگارش درآمد. دربیشتر جاها حدیث شیعی و آیتی ازقرآن‌گواه‌آورده شده ودارای ۱٤ معیار ویك خاتمه است. ازمقامات‌العارفین شیخ وشعرهای عطار درآن آمده ونیزشعر پارسی خـود نگارنده(گ۱۹۷الف).

آغاز: بسمله وحمد ... وبعد این ملحقاتی است برکتاب جهاد اکبرکه‌بعد ازاتمام‌کتاب بخاطر قاصرم رسید .

انجام : آنچه مولوی معنوی ... بیـان‌کرده وگفته است: عقل‌است چراغ ماجراها ـ آن‌خواهش عقل ازکجابود ... محولیلی شده‌است مجنون ـ زیرا همه عشق‌بد فنا بود .

[٦٨٠]

این نسخه شماره ۱۹ دفتر است و بخط نسخ و روی عبارتهای تازی خط سرخ
۱۰۳۰ کشیده شده و نویسنده آن محمدمؤمن بن محمدامین تبریزی بسال ۱۰۹۱ میباشد.
درهامش خط جلال‌الحکما اسدالله کجوری لاشکی طبری بتاریخ رجب ۱۳۲۹
۵ دیده میشود . گ۱۹٤ب ـ ۲۰۰الف .

[٥٥٢] مفاحص (عربی)

این دفتر ازشیخ صائن یا ضیاءالدین علی‌بن محمدبن صدرالدین ابوحامد محمد بن حبیب‌الله ترکه‌خجندی سپاهانی دانشمندعارف (م۸۳۰)است ودرعرفان آمیخته باعلم حروف میباشد وجدولها وشکلها درآن دیده میشود . خجندی آنـرا بسال
۱۰ ۸۲۳ بپایان رساند. مطلبها باعنوان «فحص» درآن آغاز میشود ودردیباچه آن از شرف‌الدین علی یزدی (م۸۵۸)(۱) بنام برادرخدائی یاد میشود ودرسه جای پایان (گ۹۵ب۹۸ الف‌وب) ازنام‌کتاب (مفاحص) یاد میگردد بدینگونه : « المفاحص الکتابیه ـ فی‌هـذاالمفاحص والابواب ـ ونختم‌هذاالمفاحص» خجندی درآن از «خمسین» ربیب‌امام صادق (٥الف) ونامهٔ احمد حنبل بمردم نیشابوروگرگان (٥۳
۱۵ الف) میکند .

آغاز: بسمله . الحمدلله الـذی اعد عدید عباده لفهم کمال مراده بـانزال اعداد بینات الکتاب .

انجام : فـان للحروب رجـالا . وکل میسرلما خلق‌له . علی انی غیرآمن عن هفوةالقلم وکبوةالقدم عصمناالله تعالی عن‌ذلك ، بحرمةالفاتح لابواب هذاالطریق ،
۲۰ الخاتم ایاها بختام‌التمام ، محمد، صلی‌الله علیه وعلی‌اله الصلوة والسلام .

[٦٨١]

این نسخه بخط تعلیق ریز با عنوانهای شنگرف بنسخ وبا حاشیه های «منه» و
٤۳۰ تاریخ روزیکشنبه۲ شعبان ۱۰۷۷ میباشد. ازتاریخ نگارش‌خجندی‌دراین‌نسخه نشانی نیست .

---

۲۵ ۱ ـ یزدی نگارنده ظفرنامه تیموری است درشیراز از۸۰۷تا۸۲۸ که‌درکلکته‌در ۲ جلدبسال ۱۸۸۷ بچاپ رسید .

(۳۹۸ک) ـ کاغذفرنگی ـ جلدتیماج سرخ حاشیه‌دار
اندازه : ۱۴×۲۰ و ۹×۱۴ر۵س۲۱

[۵۵۳] **مقامات پیرمرشدی** (فارسی)

نگارشی است در عرفان و بنظم .

آغاز: بهاراست ومن مست ودل درخمار ـ خوشاجام می‌خاصه ازدست‌یار

انجام : که بهرپرستیدن آن‌صنم ـ بملك وجود آمدم ازعدم .

[۶۸۲]

۸۴۹ این نسخه شماره۳ دفتراست و بخط نسخ محمدعلی بسال ۱۳۰۰ گ۵۰ب ـ ۵۵ب.

[۵۵۴] **المقصدالاقصی** (فارسی)

این نگارش ازشیخ عزیز بن محمد نخشبی شاگرد شیخ سعدالدین حموی (م ۶۵۰یا۶۵۸) است که بـا زبدةالحقایق گزیده مبدء ومعاد همو درجنگی دارای اشعةاللمعات جامی ومنتخب جواهرالاسرار آذری وجزاینها در۱۳۰۳ بچاپ‌سنگی رسید(ص۱۲۹ـ۱۹۶)ـ نخشبی منازل السائرین و کشف‌الحقایق نیز نگاشته است(۱)

[۶۸۳]

این نسخه شماره۱دفتر است گ۵ب ـ ۴۶الف واندکی باچاپی جدائی دارد

۴۰۵ وچنین است :

آغاز: بسمله وحمد... اما بعدچنین گوید ... عزیز بن‌محمدالنسفی که جماعتی از درویشان .

---

۱ ـ اودر مقصد اقصی (ص۱۶۰) ازحموی یادمیکند ومیگوید که وی کتابهـا درباره صاحب‌الزمان ساخته وازاو بسیار ستوده و گفت که دراین هنگام که مادرآنیم بیرون‌آید اما بیچاره (نسفی) برآنست که وقت بیرون‌آمدن اودانسته نیست . از سخن حموی بسیار کس بخودگمان بردند که صاحب‌الزمان مائیم وسرگردان شدند . بازمی گوید که‌دردور نبوت‌درمدرسه‌ها بحث‌علم ظاهرمیکنند ودردور ولایت (صاحب‌الزمان) ازحقایق بحث‌میشود ـ روش‌باطنی وتأویل‌این عارف پیدا ودر بسیاری ازجاهاسخنان فیلسوفان‌را نیز میآورد ـ دونسخه ازمقصد اقصی (ش۱/۶۳۹ و۱/۶۴۰ ص۵ـ۴۰۴ج ۲) درمجلس و نسخه‌ای (ش۱۰۳۱ص۲۵۵ج۴) درطوس هست .

انجام : واین است خلاص آدمی . سخن کوتاه شدوالله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب ... تمت الکتاب بعون الملك الوهاب .

[۵۵۵] **مقطعات** (فارسی)

این مقطعات عرفانی ازسید معصومعلیشاه است .

آغاز: درحدیث آمده که بیت حرام ـ زاده دروی علی عمرانی .

انجام : جمله عالم فانی وباقی است او ـ کل شئی هالك الاوجهه .

[۶۸۴]

۳۵۸ این نسخه شماره ۹ دفتراست وبخط تعلیق گ ۱۶۳ب ـ ۱۷۰الف .

[۵۵۶] **منتخب التصانیف** (عربی)

نورالدین کاشانی(۱) دراین نامه کتابهائیرا که برگزیده وخوانده بودبرشمرد و در دیباچه آشکار داشت که علم دین برتری دارد وباید کتابها رانگاهداری نمودو مطلبهای علمیرا نوشت . آنگاه گفت که من چندین سال بفراهـم آوردن کتابهـا پرداختم وراز کتاب وسنترا بشناختم. خواستم نغزحکمت رابیاموزم واز گفتگویها دور باشم پس ازهرهنری بیکی دوسه کتاب بس کردم. این بود که قرآن رابرگزیدم واز تفسیرهای ظاهری آن «صافی» استاد وعم خود محمدمحسن بن مرتضی که آن هم دراز بود خواستم کوتاهش کنم . تفسیرباطن قرآن واحکام آنرا درنوشته‌های

۱ـ ازخاندان فیض ایندانشمندانرا سرگذشت نویسان یادکرده‌اند: ۱ـ شاه‌مرتضی که کتابخانه‌ای داشت ۲ ـ پسرش محمدمحسن فیض ۳ ـ پسردیگرش مولی عبدالغفور که شاگرد استادان برادرخویش فیض مانند سیدماجد بحرانی ومولی نورالدین کاشی دائی آندو بوده است ٤ـ پسرعبدالغفور بنام محمد مؤمن شاگرد عم‌خود فیض که در به شهر (اشرف) درس میگفت ۵ ـ علم‌الهدی محمد پسر فیض که دفتری بپارسی در اصول وفروع دارد ٦ـ نورالدین‌محمد پسرمرتضی پسرمحمدمؤمن پسرمرتضی‌دانشمند اخباری و نویسنده مصفاة الاشباح فی‌الاخلاق وعجائب‌الافاق که بیشتر آنرا از نوشته های استاد اجازه دهنده خویش فیض گرفته است . درروضات ص ۵٤۲ نورالـدین را برادر فیض پنداشت ونادرست است ۷ـ پسرنورالدین مولی محمد هادی محدث‌عارف وشارح مفاتیح فیض .

دانشمندان پراکنده دیدم . از کتابهای اعمال دینی «اهم مایعمل» عم‌واستادم‌را یافتم وخود هم«روح‌الارواح وحیاة‌الاشباح» دردعاها نوشتم. اوباز ازصحیفهٔ کامله سجاد یازبور آل‌محمد وذریعة‌الضراعة استاد(طاب‌ثراه) ومفاتیح‌الاحکام استادکه‌برگزیده است یادمیکند ومیگویدکه کتاب التفکر یامصفاة‌الاشباح ومجلاة‌الارواح درتوحید واخلاق ونیزمبدء ومعاد یاالحقائق‌القدسیه والرقائق الانسیة درفلسفه وعرفان که‌در آن نوشته‌های پیشینیان گزین‌شده است‌نوشتم سپس‌الکلمات‌النوریه والایات‌السریة که درآن رازهائی نوگنجاندم . آنگاه به‌الواردات القلبیه فی‌معرفة‌الربوبیه استاد استادم (شیرازی) که بسیارشیوا وروشن وراز خدائی درآن است برخوردم وآنرا با دوکتاب پیش دریکجلدکردم تابآسانی بتوان نگاهداشت. ازترانه‌های عشقی و عرفانی گزینهاکردم ودر جنگ (منتخب‌الاشعار) نوشتم اوبازاز«نخبهٔ» خود درفقه وکلمات طریفه در منشأء اختلاف اراء امت مرحومه وبشارة‌الشیعه در چهل مژده برای‌شیعه ازروی‌یك آیه قرآن‌وتنویرالقلوب دربرتری‌حکمت پیامبران‌وپیشوایان ورسالة‌الانصاف درراه یافتن‌برازدین نام میبرد ومیگویدکه همه‌یا بیشتر اینهابروش خاندان پیامبر است چه هرچه جزآن باشد بیهوده خواهد بود . این‌رساله درج ۱ سال۱۱۱۱ بپایان رسید.

آغاز: بسمله . الحمدلله‌الواحد الاحدالفردالصمدالذی لم‌یلد ولم یولد . . . فیقول محمدبن مرتضی المدعو بنورالدین .

انجام: لاتفرق بیننا وبینهم‌طرفة عین‌ابدا برحمتك یاارحم‌الراحمین وبکرمك یا اکرم الاکرمین .

[٦٨٥]

۲۵۲ این نسخه شماره ۱دفتر وبخط نسخ خودنورالدین است‌که در ۱۱۱٤ آنرا ازروی اصل نوشته ومقابله نمود گ۲ب ـ ٤ب‌س۳۰ ـ درگ۱الف‌دارد: للسیدالداماد فی‌مدح صدرالمحققین: جاهت‌گرفته صدرا باج ازگردون ، داد است بفضل توخراج افلاطون ، درمسند تحقیق نیامد چون تو، یکسر زگریبان طبیعت بیرون .

درگ۱ الف ـ ۲الف و۵الف ـ ۱۰الف و۱۱ب ـ ۳۶ب و۳۵۷ب ـ۳۶۱ ب
خبرهائی است ازعلی وصادق ع وعبارتی درمعنی قطب وسخنانی ازشیخ بهـائی و افلاطون و کاشی درشرح منازل السائرین وفیض که (عمی الاستاد محمدبن مرتضی المدعو بمحسن) خواندش وازغزالی دراحیاء وعلم لدنی وشیخ اشراق وسیدداماد وصدرا وحسن بن عبدالرزاق لاهیجی واخوان صفا وحدیثها وسخنان فلسفی وعرفانی وکلامی با بیتها وعبارتهائی بپارسی ونیزسخنانی ازخود نورالدین . همه اینها بخط تعلیق ریز و نسخ ودر برخی جاها مورب (س۳۰) درپایان (گ۳۶۱ ب) ودرگ۲الف بخط همین نور الدین نوشته که وقف اولاد است ومهر نورالدین محمد هم دارد .
شماره۲دفترشرح حدیث کمیل و۳ کتاب التفکر و۴ المبدء والمعاد و۵ الکلمات النوریه و۶ الواردات القلبیه است. این دفتر همانستکه درمنتخب التصانیف بدان اشاره نمود.

[۵۵۷] منتخبات انوارالشریعه (عربی)

گزیده‌ایست ازانوارالشریعه نگارش سیدحیدربن علی آملی که درنجف (مشهد غروی) میزیسته است. درآن آشکارمیگرددکه ماهیات آفریده نیستند وازفصوص شیخ اعظم ومقدمات شارح فصوص یاد میشود .

آغاز: بسمله وبه نستعین . من منتخبات انوارالشریعة من افادات سید حیدربن علی الاملی ساکن مشهدالغروی طاب ثراه ـ ماوقع الخلاف بین الانبیاء والرسل علیهم السلام فی اصول الدین وارکان الاسلام وان وقع فی الفروع والاحکام الجزئیة .
انجام: ولذلك خلقهم والله اعلم واحکم والسلام علی من اتبع الهدی .

[۶۸۶]

۱۰۸۸۲۰ این نسخه شماره۱۳دفتر است وبخط تعلیق گ۳۷ب ـ۴۵الف .

[۵۵۸] نامه اندلسی برازی (عربی)

دانشمند عارف محیی الدین اندلسی (۵۶۰ ـ ۶۳۸) این نامه را بفیلسوف کلامی فخررازی (۵۴۴ ـ ۶۰۶) نوشته ودرآن برازی پنددادکه ازبحث وفکر بعرفان و شهود گراید وازعلوم رسمی مانند پزشکی وهندسه که درجهان مینوی بی هیچگونه بیماری و اندازه و شماره سودمند نیستند درگذرد و میگویدکه شنیدم تو روزی

می گریستی که سی سال در مسئله‌ای یقین داشتم و اکنون آشکار شد که درست نیست شاید این یکی هم مانند آن باشد ـ این نامه در کشکول شیخ بهائی (ص۶ـ۳۵۳ تهران بسال ۱۳۲۱) بچاپ رسید .

[۶۸۷]

۱۰۳۵ این نسخه شماره ۲۸ دفتر و بخط تعلیق ص۲۵۱ ـ ۲۵۲ و آغاز و انجام آن چنین است : «الحمدلله وسلامه علی عباده ... وعلی ولی الله تعالی فخر الدین محمد ... اما بعد فانا نحمد الیك الله الذی لااله الاهو ... ویقول الله وتواصوا بالحق ـ الاذعان للحق والتسلیم له ان لم یکن الایمان به. وهذا تمام الرساله . والله ولی الکفایة»(۱) پس ازاین درص۲۵۳ـ۲۵۵ بهمان خط گفتار شهرستانی در نهایة الاقدام برابر با ص۵۰۵ـ۵۱۴ چاپ اکسفورد بسال ۱۹۳۴ دراینکه گوهر فردهست نوشته شده (ش۲۹) .

[۵۵۹] نامه بهائی بهمدانی (عربی)

نامه‌ای است ازشیخ بهائی بمیرزا ابراهیم همدانی که در آن مینویسد چون بدیدار آرامگاه سهل بن علی رفتم از تب «محرقه» رهیدم واموری ذوقی برمن آشکار گشت و آن را ارج مینهم و بسیار بآن آرامگاه معتقدشدم ازمیرزا ابراهیم میخواهد که همواره ازوی یاد کند. درفهرست مجلس (۶۲۰/۲) ازنامه شیخ بهائی بمیرزا ابراهیم همدانی نام برده شده و آغاز وانجام آن یاد نگردید .

آغاز: سواد کتابی کـه حضرت ... شیخ الاسلام والمسلمین طاب ثراه شیخ بهاء الدین محمد العاملی که بحضرت زبدة السادات العظام میرزا ابراهیم رحمه الله نوشته اند : سلام اله علی سیدنا سلطان اعاظم السادات المتالهین وقدوة افاخم الحکماء الراسخین... فقد تشرف المخلص الحقیقی بزیارة المزار القدسی الانوار .

انجام: وان یطهر قلوبنا من دنس التوجه الی ماسواه ... باطناً وظاهراً . حررت هذه ... یوم السبت ثامن شهر جمیدی الاولی فی جوار الحضرة القدسیة المشار الی نبذة

---

۱ ـ آغازچاپی چنین است: بسمله الحمدلله وسلام علی عباده الذین اصطفی وعلی ولی فی الله فخر الدین محمد اعلی الله همته وافاض علیه برکاته ورحمته وبعد فان الله یقول وتواصوا بالحق ـ انجام همان میباشد .

من آثار برکاتها وهی الحضرة المنسوبة الی سهل بن علی سلام من الرحمن نحو جنابه فان سلامی لایلیق ببابه .

[٦٨٨]

این نسخه شماره ١ دفتر است و بخط تعلیق شکسته مورب در پشت برگ پیش از «اشراق الحق» ازروی خط شیخ بهائی نوشته شده است و محمدصادق حسینی بدان گواهی داد (١ الف) شماره دوم این دفتر اشراق الحق من مطلع الصدق حسین بن حیدر بن قمر بن علی حسینی کرکی عاملی است که در پاسخ نامه ایکه از شیراز آمده و پرسیده اند که آیا نامبردن (مهدی موعود ع) رواست ؟ نوشته و آنرا روا دانست و در ٢٢ رمضان سال ١٠٢٠ آنرا بپایان رساند. در دنبال آن اجازه ایست از هموبمولانا نصیرالدین محمد ١٠ درروایت همین رساله و بخط کرکی .

[٥٦٠] نامهٔ بهائی بهمدانی (عربی)

نامه ایست عرفانی از شیخ بهائی بنواب میرزا ابراهیم همدانی که بیتهائی بپارسی در آن آورد .

آغاز: یا غایب عن عینی لاعن بالی ، القرب الیك منتهی آمالی .

١٥ **انجام** : تاعزیز مصر ربانی شوی ـ وارهی ازجسم وروحانی شوی. والسلام علیکم وعلی حالتی لدیکم والمنتسبین الیکم . تم .

[٦٨٩]

١٠٣٥ این نسخه شماره ٣٩ دفتر است و بخط تعلیق ص٣٣٨ـ٣٣٩ .

[٥٦١] نامهٔ تبریزی بهمدانی (فارسی)

٢٠ نامه ایست عرفانی که مولی عبدالباقی تبریزی بمیرزا ابراهیم همدانی نوشته است.

آغاز: بحق بیت و بحق صاحب بیت و بحق دل شکسته و بحق آنکه دل دوستان را شکسته .

انجام : بار دیگر ملازمت آنجناب را روزی مخلص خیر خواه گرداند بالنبی وآله الامجاد .

[۶۹۰]

۱۰۳۰ این نسخه شماره۱۲ دفتراست و بخط تعلیق محمد مؤمن برای حاجی محمد شریف درشوال ۱۰۹۴ گ ۱۱۵ب ـ ۱۱۷الف .

[۵۶۲] نامهٔ زردشت (فارسی)

این نامه که از «ابراهیم» !! زردشت دانسته‌شده بزبان پهلوی‌بوده و«زوره» نام دارد . انوشیروان از «اژرژروه» سپاهانی شاگرد بزرگمهر درخواست که آنرا بپارسی گزارش کند . اودردیباچه میگوید که نامم «اژرژروه» وازسپاهانم وازنژاد کیومرث‌وازساسانیان وازاردشیرنیکوکاروشاگرد بزرگمهرمیباشم. انوشیروان‌از من خواسته است که سخنان«ابراهیم» زردشت پیامبرایران‌بنام «زوره» راکه‌بپهلوی بوده واوآنرا برای فروانروای هند فرستاده وشاه هندی بازآنرا برای انوشیروان فرستاده بود گزارش بنویسم .

این گفتار بروش اشراقی وآمیخته باآئین زردشتی‌است وبرخی ازواژه‌های این فلسفه مانند «اسفهبد» وجزآن در آن دیده میشود.

آغاز: بنام ایزد جان‌بخش روزی‌رسان چنین‌گوید «اژرژوه» .

انجام : وبند دیوکه‌فریب ونیرنك اواست ازجان‌ودل برداشتن وآن‌مردار پلیدرا بجان ودل نگماشتن .

[۶۹۱]

۲۵۳ این نسخه شماره۲۰ دفتر است وبخط تعلیق حیدر کرکی نزدیك ۱۰۷۶ گ۱۳۰ب ـ ۱۴۱الف .

[۵۶۳] نامهٔ حسینی (فارسی)

این نامه ازسید حسینی است که بیکی ازپیروان خویش نوشته وبدو درآن دستور سیروسلوك‌میدهد .

آغاز: الحمدلله ... وصیت آنستکه درجمیع احوال حق جل‌ذکره رامطلع احوال وناظر افعال داند .

انجام: دوازدهم ، درهرکجاکه باشد این ضعیف رابدعای خیریاد دارد .

[٦٩٢]

٨٧١ این نسخه شماره٦ دفتراست وبخط تعلیق محمدعلی بسال١٣٠١ گ٨٠ الف ـ ٨١ب . دورباعی فارسی درهامش دیده میشود .

[٥٦٤] **نامهٔ عرفانی** (عربی)

٥ نگارندهٔ این نامه یادی از پراکندن صوفیان میکند ونوشته است که تو آنانرا گردآوردی ومایه آسایش آنان شدی .

آغاز: هو. سلام علیکم من محب وداده . اذا اخلق الایام ودانجددا ... سلام علی ـ الجناب المنیع والمحل الرفیع العالم الربانی والعارف الفردانی سیف الملة والدین حجة الاسلام والمسلمین ... قدوة المجتهدین سلطان علماء الشریعة مالك ارباب الحقیقة ١٠ بقیة مشایخ الشرق ... علم الهدی شیخ الوری .

انجام: وانسکبت من جفونه عبراته . یبکی دماویحن الما .

ایا ربع احبالی و دار غرامی علیك وان کان البعاد سلامی
فمن مبلغ عنی الاحبة اننی خلعت اصطباری اذ لبست سقامی
سلام علی تلك المنازل انها منازل احباب علی کرام

[٦٩٣] ١٥

١٠٣٥ این نسخه شماره١٩ دفتر وبخط نسخ ص١٧٤ میباشد .

[٥٦٥] **نامهٔ عرفانی** (فارسی)

دراین نامه عرفانی, ازنظر علیشاه وحسینعلی شاه یادمیشود .

آغاز: بسمله ره نوردان طریق فقروغنا وجرعه نوشان رحیق ثبات وبقا .

٢٠ **انجام** : وهرکه درمقام مخالفت نشست ابواب فیوضات را بر چهره خود بست باقی والسلام علی من اتبع الهدی

[٦٩٤]

٨٦٤ این نسخه بخط تعلیق است ودرگ ١٧٣الف ـ ٧٤ب این دفترمیباشد .

[۵۶۶] نامه غزالی (فارسی)

یکی ازشاگردان غزالی پس ازسالها آموختن ازوی ازاو پرسید کدام دانش سودمند است. استاد درپاسخش نامه‌ای نوشت ودانش سودمند رابدو گفت کـدام است. این شاگرد گفته که گرچه درنوشته‌های خویش مانندکیمیا واحیا وجواهر- القرآن واربعین ومنهاج آنرا روشن کردید مگراینکه میخواهم «یك‌تاکاغذی» از شما داشته‌باشم وپیوسته آنرا بخوانم. غزالی دراین‌نامه ازروایتهای شیمی‌نیز آورد.

آغاز: بسمله وبه نستعین. بدانکه ازجمله شاگردان و تلمیذان خواجه ... محمد غزالی ... بعد از آنکه درخدمت وی سالها درس خوانده بود ... پس‌خواجه امام ... این فصل‌بنوشت «بسمله. ای فرزند عزیز وای دوست مخلص.. که منشور نصیحتها ازحضرت محمد ... نویسند».

انجام: واما دعائی که خواسته درصحاح بسیارآمده است ... وهمچنین در طریق اهل‌بیت... دعاهای نیکو بسیاراست ازآنجایگه‌طلب میکن واین‌علی‌الدوام میخوان علی‌الخصوص درعقب نمازها. الدعاء: «اللهم اسئلك من‌النعمة تمامها ومن العصمة دوامها.. واعتق رقابنا ... عن‌النار یا عزیز یاکریم ... یاحلیم یاجبار برحمتك یا رب».

[۶۹۵]

این نسخه‌شماره۱۳ دفتراست و بخط نسخ باعبارات تازی بشنگرف گ۸۷ب

۸۸۱ - ۷۹ الف.

پس ازاین در۹۸الف - ۱۰۰ب سخنانی است فلسفی و عرفـانی چنانکه در ۹۸ب ازدفع‌الاحزان کندی نوشته شده وهمه اینها بخط شکسته تعلیق ومورب است‌از ۱۰۱ب تا۱۰۹الف رباعیهای خیام است وچکامه‌های دیگران و۱۱۰ب‌و۱۱۱ جـدول عرض وطول‌شهرها ازروی‌زیج‌جدید وجدول ظل ومیل اول و۱۱۴-۱۱۷ ب گفتگوی خدا است باپیامبر درمعراج (بخط نسخ بتاریخ۱۰۱۴ درباغ قایدحسن) و۱۱۸الف - ۱۲۲ب‌سخنان‌پراکنده‌ایست مانند داستان‌هرمس از تاریخ حکماوپند پلاتون بارسطو ازکشکول بخط شکسته تعلیق مورب.

[۵۶۷] نزهة‌الارواح (فارسی)

نگارنده این رساله دانشمند عارف فخرالسادات امیرحسینی حسین بن عالم

بن‌الحسین سادات هروی کزیوی غوری (نزدیك۶۸۱ـ۷۲۳ درهرات) بمولتان‌رفته ورکن‌الدین ابوالفتح پسروپیرو شیخ بهاءالدین زکریاء مولتانی اورا بپرورد . وی زادالمسافرین‌وکنزالرموز بنظم وروح‌الارواح وصراط‌مستقیم ونزهـةالارواح بنثر دارد ودیوان شعر. او ۱۷پرسش ازشبستری‌کرد و پاسخ وی بدستور بهـاء الدین یعقوب تبریزی بسال۷۱۷ درگلشن راز داده شد(۱) .

۱ ـ (نفحات جامی ص۵۴۵ ـ ش۶۶۶ مجلس‌ـش۹۵۵طوس) .

این رساله مادر۲۸ مقاله است. بدینگونه: «مبدء سلوك ـ معرفت سلوك‌ـ مقامات سالك ـ نصیحت سالك ـ بـدو خلقت ـ وحدت ـ تجرید سالك ـ قـاعده طریقت ـ کمال استغناء ـ آغاز فطرت ـ اختلاف حالات ـ بیان دل ـ تصفیه دل ـ دیباچـه عشق ـ حقایق عشق ـ حیرت عشق ـ بیان نفس ـ مخاطبت نفس ـ معاملات ـ اجتهاد ـصحبت‌ومتابعت‌ـ ترك‌خلق ـ صبروتسلیم ـ کشف معانی ـ ارشاد وانتباه ـ اشارت اهل طریقت ـ نهایت این طریق ـ ختم کتاب » .

درباب۲۸ دارد : «چنین گوید ... فقیرحقیر حسینی بن‌ابی‌الحسن‌الحسینی ره که این عرایس ابکار یعنی‌افکار برمنصات خدارخاطر ومقصورات خیام ضمیراین ضعیف‌اند... درشهور سنهٔ احدی وعشرین و سبعمائة مشاطهٔ نشاط فکر ... مفرح و موشح ساخت » (گ۸۰ب ـ ۱۸الف) پس سال نگارش نزهه ۷۲۱میباشد . دراین رساله سخنانی از عارفان وپاکان وبیتها بپارسی وتازی وآیه هاآمده وبسیار شیوا است ودرآن یادمی شود از: پیرهرات ـ شبلی ـ بایزید ـ احمد غزالی (۱۶ب) ـ شیخ لقمان سرخسی که با ابوالفضل گفتگو دارد ـ سنائی ـ کاسهٔ سری‌تهی ونگون افتاده که آنـرا دیده و نوشته عبری آنرا خواند (۱۲۷الف) ـ مالك دینارـ سری ـ حسین ـ سهل‌بن‌عبدالله شوشتری ـ جنیدـ ابوتراب نخشبی‌ـ شیخ ابوسعیدـ درجائیکه ازاستدلالیان‌نکوهش میکند ازمختلف وتمهید وهدایه وجامع صغیرنام میبرد (۶۵الف) . بازمیگوید کـه به زمین‌هند رسیدم(۳۱ب) نیزمیگوید: «ای‌شب گرد بدروزعمرت بچهل رسیده»(۷۹ب) پس کزیوی درسال ۷۲۱چهل سال داشت وبایستی نزدیك بسال۶۸۱ زاده شده باشد وسخن جامی که مرگش‌را در۱۶ شوال۷۱۸ دانست‌یا دیگران که۷۱۷ و۷۱۹ گفته‌اند درست‌نیست. دونسخه از این درموزه بریتانیا هست . مانادر آنها سال نگارش نزهه ۷۱۱ نوشته شده .

(ج۱ص۴۰الف Or1229— ج۲ص۸۶۱ الفAdd.26,292I)

آغاز: بتوفیقش چوروشن دیدم آواز ـ سخن راهم بنامش کردم آغاز .
سپاس بیقیاس ومنتهای بی‌منتها ملکی راکه ملکش بی‌انباز است و درگاه لطفش درگاه بیگاه بردربستگان اوباز است .

انجام: از ـ ـ ـال ایشان خبر میدهد محفوظ مانند انشاءالله تعالی والله اعلم بالصواب .

درکتابخانه‌های بنگال وبهار نسخه‌هائی ازنزهة‌الارواح وشرح آن ازعبد ـ الواحد ابراهیم حسینی بلگرامی که در ۹۸۵ بپایان رسانده است هست (فهرست بنکال ش۴۲۱ و۱۱۸۸ ص۲۹۱و۵۶۸ وش۱۱۹۱ص۵۶۹ ـ فهرست بهارش۲ـ۱۷۱ ص۳ـ۱۳۲ .

[۶۹۶]

۱۲۰ این نسخه شماره۱ دفتری است دارای۲رساله وبخط تعلیق زیبا باعنوانهای شنگرف که دومین آنرا محمدعلی تفرشی درسبزواردر تاریخ رمضان۱۲۸۷ درمدرسه فصیحیه نوشته است گ ۱ب ـ ۸۱ب .

(همه دفتر ۱۱۰گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد میشن تریاکی‌گل وبوته‌دار ضربی مقوائی اندازه :۱۴×در۲۱ ودر۶×در۱۳ س۱۴

[۶۹۷]

۱۰۳۸ این نسخه شماره۱ دفتروبخط شکسته تعلیق مورب باعنوانها ونشانه های شنگرف میباشد . گ۱۰ب ـ۱۸ب وچنین‌است: « نزهة‌الارواح. فصل‌پانزدهم درحقایق عشق من نزهة‌الارواح . زهی عشق که هرکه بااوچون تیر راست نشد هرگز درشست او نیامد . وهرکه‌چون توزپی خودپوشیده نداشت کمان او نکشید ـ تمثیل : آتشی دربیخ نی‌افتاده بود و میسوخت. نی‌گفت این آتش چوکرده‌ام که مرا می‌سوزی؟ گفت‌دعوی‌بی‌معنی کرده میگوئی« نیم»وهمچنان‌درند خودماندهٔ وشب‌وروز بابرگ‌خود میسازی . لم تقولون مالاتفعلون؟ والله اعلم» « برارباب حقیقت پوشیده نماندکه این بنده‌را چون ماده‌آنمقدار قابل نبودکه ادراك این گفتگو ها تواند کرد اگر سهوی‌شده باشد براین کمترین نگرفته دراصلاح کوشند ودر پرده درسر عیبهای این‌فقیر پوشند. درتاریخ‌سنه۱۰۵۵حسب‌الفرموده‌خدام‌خجسته اطوارمخدوم‌نیکوسیرت درویش صورت کهف‌الحاج حاجی محمد باقر صاحب سلمه‌الله تعالی باعث وضع این

صحایف شد . اقل الخلیقه بل‌لاشیئی فی‌الحقیقة محمدالدرویش »
پس‌محمد درویش بدستورحاجی محمد باقرصاحب بسال۱۰۵۵ نسخه مارا که۵مقالهٔ نزهةالارواح کزیوی است نوشت. این نسخه دارای مقاله ۱۵و۱۴و۱۲و۱۳و۱۶ است وآمیختگی وافزوده دارد وکهن‌تر از ش۱۲۰/۱میباشد .

۵ [۵۶۸] **النصوص فی تحقیق الطور المخصوص** (عربی)

دانشمند قونوی دراین رساله که (مفتاح‌الفصوص) نیزخوانده شده مسئله‌های باریك عرفان‌را بااستدلال بیامیخت وهربندی‌را عنوان نص داده‌است‌وآن درایران دنبال شرح منازل السائرین کاشانی بسال ۱۳۱۵ ص۲۷۴ ـ ۳۹۹ وبا تمهیدالقواعد ص۱۸۲ ـ ۲۱۶ درهمین سال بچاپ رسید .

۱۰ [۶۹۸]

۸۶۰ این نسخه شماره۱ دفتر وبخط نسخ خوش با عنوانهای شنگرف و۲۱ نص می باشد وشماره‌های نص درهامش دیده میشود وحاشیه‌هائی بنسخ دارد . گ ۱ ب ـ ۱۶ ب .

[۵۶۹] **نهایةالبیان فی درایةالزمان** (عربی)

۱۵ امام داودبن محمد قیصری (م۷۵۱) این رساله‌را درباره زمان وبود وهمیشگی آن درچهار فصل ساخته وبروش عرفانی وفلسفی در آن گفتگو نمود . اوازارسطو وشفا وابوالبرکات بغدادی وخواجه طوسی ونگارندهٔ صحائف وفتوحات وفصوص اندلسی یاد میکند واین بیت سنائی «باوجودت ازل پریرآید بلکه آمد اگرچه دیرآید» راآورد . درفصل۲ آن ازگفتار شیخ درنجات درباره رستاخیز دیده‌می
۲۰ شود . درپایان فصل۱ میگوید: «درمقدمات‌شرح فصوص گفته‌ایم» بازدرپایان‌رساله بشرح فصوص بازگشت میدهد .

[۶۹۹]

۱۰۸۸ این نسخه شماره ۵ دفتر وبخط تعلیق تازه گ۲۵ب ـ ۳۴ الف‌میباشددرعنوان، آن ازصدرالحکماء والمتالهین دانسته شد وچنین نیست . اینست آغاز وانجام
۲۵ آن : «بسمله . سمیتها نهایةالبیان فی در ایة الزمان وجعلتها اربعة فصول ...

الاول فی ماهیة الزمان وحقیقته . الثانی فی وجوده وکونه ازلیا وابدیا . . . الثالث فی انقسامه الی الان والساعة والیوم وغیرذلك . الرابع فی بیان ایام الکبار الالهیة والربانیة والصغار الکونیة - وههنا اسرار اخر لا یحتمل المقام بیانها ولا الافهام اعلانها . والله اعلم بحقائق الامور .»

[٥٧٠] نیایش (عربی) ٥

این نیایش ازحلاج عارف دانسته شد .

آغاز: مناجات منسوب بحسین منصور حلاج ... انت ام انا هذا العین فی العین - حاشای حاشای عن اثبات اثنین ... الهی انت المتجلی لی من کل جهة .

انجام: فلك الحمد فیما تفعل ولك الشکر فیما تزید .

[٧٠٠] ١٠

این نسخه شماره ٣ دفتراست وبخط شکسته تعلیق گ ٤٣ الف در ١١ سطر

٨٧٦ (٦×١٤) درپایان آن حدیث «الا ان لله فی ایام دهرکم نفحات من رحمته الا فتعرضوا لها» دارد .

[٥٧١-٥٧٥] نیایش (عربی)

خزرجی درفهرست نگارشهای شیخ که از گفته جوزجانی آورده است از ١٥ «خطب» یاد نمود (ج ٢ ص ٥) ودر فهرستی که برپایان «سرگذشت» افزود، اندو آن را هم او آورد از «الخطب التوحیدیه فی الالهیات» و «خطب وتمجیدات واسجاع» یاد گردید (ص ١٩) چنین برمیآید که شیخ رئیس درنیایش خداوند سخنانی ساخته و همانها مایهٔ این شد که دشمنان بهانه کنند واورا بددین خوانند که چرا دربرابر قرآن ٢٠ سخنانی درستایش خدای گفت واوهم ناگزیر شد که «رسالة الی ابی عبید الجوزجانی فی الانتفاء عما نسب الیه من معارضة القرآن» (١) یا «جواب یتضمن الاعتذار فیما نسب الیه من الخطب» (٢) بنویسد. ازاین پاسخ که شیخ بدشمنان داده چنانکه در قنواتی (ش ٢٠٤ و ٢٥٧) دیده میشود پیداست که جوزجانی شاگرد وهمدم هنگام زندگی

١- بنگرید به : بیهقی ص ١٨٩ .

٢- نگاه به : خزرجی ج ٢ ص ١٩ که این را بیدرنك پس از «خطب وتمجیدات و ٢٥ اسجاع» یاد کرد. بگواهی قنواتی آنچه دربیهقی وخزرجی آمده یکی هستند .

ومرك(١) او درباره شفا ومعارضه‌ایکه گفته‌اند باقران کرده است نامه‌ای باستاد نوشته وشیخ بدو پاسخ داد . ازاینگونه نیایش وستایش سه‌تا بنام «الخطبةالغراء ـ الدعاء ـ الورد لاعظم » درقنواتی (ش٢٢٠ـ٢٢٢ـ٢٤٤) دیده میشود وپنج نیایش دیگر دراینکتابخانه است .

١ ـ درستایش خدا واینکه او از روی خرد ودانائی جهان را بیافرید .

آغاز: سبحانك الملك الجبار ، الاله‌القهار ، لاتدركه‌الابصار ، ولایمثله‌الافکار ، لاجوهر تقبله‌الاضداد ، فتغیر .

انجام: نسألك‌التوفیق والعصمة ، والتنبیه عن (من)الغفلة ، وافاضةالهدایه ، و کشف‌الشبه . انك ولی‌ذلك (والقادرعلیه . تمت‌الکلمةالالهیة ـ قنواتی) ومبداءه، واوله وآخره.

[٧٠١]

منن تازی این نیایش ش٢٢ گ٩٦الف و ب وترجمه پارسی خیام بدرخواست دوستان اودر سپاهان بسال٤٧٢ ش٢٣ گ٩٦ب ـ ٩٨الف ایندفتر است‌ونسخه ای ازابن پارسی درجنك ش٢٩١٢ سپهسالار ص١١آمده است (خیام دراینجا این ومتی‌را بکجائی‌وکیئیت ترجمه کرد) بنگرید به‌ص١٣٤ج١ اینفهرست‌ـ قنواتی‌این نیایش رابنام «الکلمة الالهیة فی‌ذات‌الله وصفاته» درش ١٩٤ آورده ونسخه نزدیک ٧٠٠ برلین را شناساند ودرش١٧٧ بنام «خطبةالتمجید ـ الخطبة الالهیة ـ الخطبة‌ـ التوحیدیه» بااندك جدائی چندین نسخه دیگرآنرا شناساند .

١٠٤٦

٢ ـ نیایشی است فیلسوفانه ازخدای .

آغاز: مناجات للشیخ‌الرئیس ابی‌علی‌بن‌سینا رحمه‌الله ـ اللهم! لما کان الوجود لذاتك واجب ؛ کان‌الامکان لوجود ذات غیرك ، ضربة لازب .

انجام: والطالب یااله‌المشارق والمغارب .

٣ ـ نیایشی‌است مانند دومی.

آغاز: ایضا مناجات للشیخ الرئیس روح‌الله روحه ـ الهی والـه الموجودات و

---

١ ـ جوزجانی درهمدان بسال٤٣٨ درگذشت ونزد استاد بخاك سپرده شد(الکنی والالقاب قمی ج١ص٣١٢) .

المحسوسات ! یاواهب النفوس و العقول !

انجام : والیك الجود والبقاء . فسبحان الذی بیده ملکوت کلشیئی، والیه ترجعون .

[٧٠٢-٧٠٣]

٨٦١ این دو نسخه شماره٣و٤ دفتر و بخط نسخ میباشد گ٤الف. دومین درطوس دوشنبه ١٨ ذی‌قعده ١٢٨٢ نوشته شد .

٤ ـ دراین نیایش شیخ بخدا بازمیگردد وبدو میگویدکه من پیرو محمدم ومی پذیرم که‌میکساری ناروااست مگراینکه سرنوشت چنین‌است وسرشت‌مردمی چنین میخواهد که بدو بهانه آنرا بنوشم یکی اینکه چون در شهر های ناسازگار وباخیزهستم ناگزیرم خودرا باآن درمان کنم‌دیگر آنکه‌تودر کتاب خویش گفته‌ای « ومنافع‌للناس» ومن میخواهم دریابم که توراست گفته‌ای وبدان گواهی دهم .

آغاز: بسمله وبه نستعین . اللهم لاشریك لك، فارجوه . ولاوزیر، فارسوه .

انجام: وادخلنی‌فی‌زمرة‌المقربین، مقربامن القدس‌الاعظم ، مبعداعن‌حضیض الجهنم ، لانك انت‌العزیزالاکرم ـ تم‌الدعاء .

[٧٠٤]

٨٦١ این نسخه شماره٨ دفتر وبخط نسخ تاریخ ٤ ذی‌حجه سال١٢٨٣ گ ٥٦ ب میباشد اینگفتار درنسخه‌ما ونسخه ش٦٦٦طوس (ج٤ص١٣٣) بنام «دعاء الفدیس» یادگردید .درش٩٧٠طوس از«عاء العریش» ودومناجات ازشیخ یاد شد .

٥ ـ نیایشی است که شیخ برای آسان شدن‌مسئله‌دشواری ازستاره(عطارد) کرده ودر سه بیت است : «نقل بعض‌الافاضل بالسند عن‌بعض قال انشده ابیات‌لابن سینا وذکرانه من‌انشدهاوهوینظر الی کوکب عطارد ویتقدم سبع خطوات وتکرر الانشاد سبع مرات وهویرید معرفة مسئلة اشکلت علیه فانها تتیسر : عطارد قدوالله طال ترصدی‌ـمساوصبا حاکی اراك فاغنما ـ فماانا فامدد نی‌قوی ادرك المنی‌ـ بها والعلوم‌الغامضات تکرما ـ بهافاحجبی بالخیروالسعدکله ـ بامرملیك خالق الارض والسما» .

[٧٠٥]

این نسخه درص۲۷۱دفتروبخط تعلیق ونسخ میباشددرص۲٦۷آن نیزدوبیت از
۱۰۳۵ ابن‌سینا است بنسخ : «صانواجمالك بالتبرقع ضلة ـ واری‌السفورلحسن‌وجهك اصوانا ـ کالشمس یمتنع اجلاءك نورها ـ واذا اکتسی برقیق غیم‌امکنا» .

٥ [٥٧٦] نیایشی (فارسی)

میرزا ابراهیم همدانی دراین نیایش عرفانی درشش بند از: «راز ونیاز ـ دانش وعشق ـ سرگذشت شاه ـ فروتنی ـ چگونگی‌گیتی ـ خاموشی» گفتگو نمود.

آغاز: هو. بسمله. مناجات بطریق السئوال لمیرزا ابراهیم الهمدانی رحمه‌الله . الهی ثبوبات غیبی‌را منبضع بانوار مختلفه آثار واحکام چرا ساخته‌اند .

۱۰ **انجام** : ومصنف این رساله‌را ازجمله پرگویان مشمار . لمصنفه : یارب ز سخن خموشیم ده . توفیق سپرده‌پوشم ده. سر درجیب فراموشی کش. پا دردامن خامشی کش. تمت فی‌شهور ثلث ومائة بعدالف .

[٧٠٦]

۱۰۳۵ این نسخه شماره۳۸ دفترص۳۳۷و۳۳۷م و۳۳۸ میباشد .

۱۵ [٥٧٧] وجود (رساله...) (فارسی)

دراین نامهٔ شیوای پارسی عرفانی که ریختهٔ خامهٔ میرسید شریف گرگانی است ازهستی آفریدگار وآفریدگان برأی فیلسوفان وصوفیان گفتگو شده چند رباعی پارسی وچند بیتی ازمثنوی مولوی وشعری ازسجاد ع وسخنی ازامیرمؤمنان‌علی‌ع آمده است . این نامه در چاپخانه رنگین تهران بسال ۱۳۲۱ بنـام رسالة الوجود

۲۰ بچاپ رسید .

آغاز: بسمله . بدان وفقك‌الله وایانا که اصحاب بحث ونظر ازبرای بیان‌مراتب موجودات درموجودیت تمثیلی کرده‌اند .

انجام : وکفر هیچیك لازم نیاید . والسلام .

[۷۰۷]

۸۹۰ این نسخه شماره ۱٦۰ دفتراست و بخط تعلیق گ ۹٤الف ـ ۹٦ ب بنام رسالهٔ مراتب موجودات .

[۷۰۸]

۱۰۳۳ این نسخه شماره ۱۰ دفتراست و بخط تعلیق شکسته و گاهی بی‌نقطه از آقا جعفر لاهیجانی گیلانی که در لاهیجان زاده ودرهمانجا درگذشت وشاگرد آقااحمدمازندرانی بیدآبادنشین بوده‌است . ایندفتراز آن‌خودنویسنده بوده سپس‌حاج‌محمدزمان خراسانی پسر کلبعلی آنراداشت‌و بخط خود در تهران‌بسال ۱۲۸۲ درپایان این نامه نوشت. گ ۲۷الف ـ ۳۰ الف . پایان چنین است : « اگرآفتاب بر امور خسیسه نتافتی ... ناقص بودی» برابر باس۱۵ص۲۲ چاپی ودو صفحه کم دارد .

[۷۰۹]

۱۰۳۵ این‌نسخه شماره ٤۰دفتراست و بخط‌تعلیق تاریخ‌شعبان سال ۱۱۰٤ درروستای فیضاباد خبیص ص۳٤٦ـ۳٤۸ .

[۵۷۸] الوجود (رسالة فی ...) (عربی)

دانشمند شمسای گیلانی در این رساله ازهستی گفتگو نمود ودر آن شبهه ابن‌کمونه را ردکرد (گ ۱۱۲) .

آغاز: الحمدلله‌الذی جعلنا بتصحیح اعتقاداتنافی اصول‌الدیانات وفروعهامن اهل‌الشفاء والنجاة ... فیقول محمدالشهیر بشمساالجیلانی ... هذه رسالة ملکوتیةفی تحقیق معنی‌الوجود وفروعه ولواحقه .

انجام: فظهر انهما تمسکابالمرجوح وترکاالراجح . وفیه رمز. فتدبرومن الخطاء فاحذر . تم .

[۷۱۰]

۹۲٦ این نسخه شماره٦ دفتراست‌ربخط تعلیق باحاشیه‌های (منه دام‌ظله) گ ۱۱۰ الف ـ ۱۲۲ب نسخه‌ای درطوس (ش۷۱۹) هست که انجام آن چنین است : «لکن فی‌ترکهماالتأسیس رمز» وتاریخ آن۱۰۹۵ میباشد .

[۵۷۹] وجودمطلق (رساله ...) (فارسی)

این گفتار عرفانی که ازوجود مطلق در آن گفتگو میشود نگارش سید علی

همدانی عارف (٧١٣-٧٨٦) میباشد .

آغاز: بسمله‌الحمدلله ... بدانکه نزداهل کشف وشهود وجود مطلق یکی بیش نیست و آن وجود مطلق حق‌است .

انجام : صفات ذات شمرند وباقی صفات فعل والله‌اعلم باسرار صفاته .

[٧١١]

این نسخه شماره٤٥ دفتر است وبخط تعلیق درگ ١٧٤ب و درآغـاز دارد : ١٠١٥ «بسمله ... حضرت امیرسید علی‌همدانی فرماید... ای‌عزیز بدانکه نزداهل کشف وشهود وجود مطلق یکی است» ودر پایان: «باقی صفات فعل‌والله اعلم باسرار صفاته والحمدالله‌وحده والسلام علی‌من اتبع‌الهدی» ـ دراینجا خط ومهر خریدار نسخه «محمد ابراهیم بن‌زین‌العابدین نصیری» دیده میشود .

[٧١٢]

این نسخه شماره ١٦ دفتر وبخط تعلیق تـاریخ ١١٩٨ است گ ٥١الف ـ ١٠٨٨ ٥٢الف وپس ازاین سخنی ازافلاطون درباره توحید وعوالم وعالم مثال(٥٢ب ٥٣الف) وازارسطو (ازشهرستانی) (٥٣ب ـ ٥٤الف) وازحواشی فصوص فارابی دراینکه از«وجه» «ذات» رامیخواهند آمده است (٥٤) .

[٥٨٠] وجود واجب (عربی)

این گفتار ازشمسای گیلانی است که در آن ازهستی خداوند سخن رانده‌سستی شبهه ابن‌کمونه را آشکار بداشت .

آغاز: قدثبت بالبراهین‌العقلیه ان الحقیقة الوجوبیـة موجودة فی‌الخارج وهی علة العلل .

انجام : ومن فاز وتشرف بفهم جمیع ما ذکـرنا... یصیرعنده شبهة ابن‌کمونة المشهورة بالاشکال فی‌نهایة الاضمحلال واوهن‌الجدال واضعف‌القیل والقال س م س دام ظله .

[٧١٣]

٩٢٦ این نسخه شماره١٢ دفتراست وبخط تعلیق روزگارشمساگ١٥١الف ـ ١٥٢ الف . نشانه‌های نسخه میرساند که این گفتار نیزازآن دانشمند میباشد .

[٥٨١] وجود الوجود (عربی)

دراین گفتار که ازعبدالرحمن جـامی (۸۱۷ ـ ۸۹۸) دانسته شده نخست روشن میگردد که هستی هست سپس بخرده گیریها که شده پاسخ داده میشود آنگاه رشته سخن ببود کلی طبیعی درخارج میکشد و گفته شارح مطالع (م۷۷٦) بمیان میآید . درپاسخ این دشواری که اگر کلی باشد باید درچندین جـای یافت شود و بساختهای گوناگون در آید چنین گفته شده که تنهـا طبیعت میتواند چنین باشد و دشوار وناروا هم نیست .

آغاز: بسمله وبه نستعین الوجود ای‌مابانضمامه یترتب‌علیه آثارهاالمختصة بهاموجود. فانه لولم یکن موجود الم یوجد شیئی اصلا والتالی باطل فالمقدم‌مثله.

انجام: لاننقل المنع حینئذ الی‌انحصار الوجود الواحد فی‌کونه قائمابکل واحد منهما وکونه قائما بالمجموع فلایجدی نفعا .

[۸۱٤]

۱۰۳۵ این نسخه شماره٤ دفتراست وبخط تعلیق شکسته شهاب‌الدین دیباجی نزدیك ۱۱۰۰س۹۳ـ۹٤ـ درطوس سه نسخه ازاین هست (ش۷۱٦ـ۷۱۷ـ۷۱۸)

[٥٨٢] وحدةالوجود (مقالةفی . . .) (عربی)

دانشمند خفری در این گفتار ازوحدت وجود واینکه هستی خدایست وبس وآفریدگان پرتو او ووابسته بدویند وازاصالت وجود واصالت عقل وعلیت هستی برای تشخص وتفرد و عینیت دانائی خداکه بنیاد سخنان صوفیان است سخن راند

[۷۱٥]

۱۰۷٤ این نسخه شماره٦ دفتراست وبخط تعلیق ریز گ۱۲۲ ب ـ ۱۲۳ ب . چنین است آغاز وانجام آن: «تتمة من کلام‌الفاضل‌الخفری رحمةالله‌علیه . لقول‌مدار کلام‌الصوفیة علی خمسة احرف احدها ان‌الوجود الحقیقی‌الذی هوامر واحد باعتبار منشأء لظهورجمیع‌الممکنات ـ فهذاحکم‌الممکنات‌بالنسبة الی‌الوجودالحقیقی. والله‌اعلم بالصواب والیه‌المرجع والمآب» .

[٥٨۳] وحدةالوجود (عربی)

شیخ‌حسین‌بن‌ابراهیم تنکابنی(زنده در۱۱۰٤) دراین رساله ازوحدت‌وجود

سخن راند وصرف هستی‌را یکی دانست نه‌اینکه مانند برخی ازعارفان همه‌هستها را موهوم بداند . اومیان وحدت وجود وکثرت تجلیات سازگاری داد .

آغاز: بسمله. الحمدلله‌الذی هونور سموات‌العقول‌والنفوس‌وظهور ارض‌الاجرام واعراضها المحسوس . . فیقول ... شیخ حسین‌بن ابراهیم‌التنکابنی . . . قداختلج فی خاطری ان اکتب شیئاً فی‌باب وحدة الوجود مع کثره تجلیاته وتشعب نزولاته.

انجام: فهو هـائم فی‌تیه الحیرة . ولم یکن من الموحدین بالحقیقة . والله اعلم بحقائق‌الامور . وهو ولی‌دارالسرور ، والمنقذعن اسربلادالغرور .

[٧١٦]

این نسخه شماره٣ دفتر است و بخط شکسته تعلیق شهاب‌الـدین دیباجی نزدیك ۱۰۳۵۱۰ ۱۱۰٤ ص۹۰–۹۳ وچنین است عنوان‌آن : «رساله وحدت وجود شیخ‌العارفین شیخ حسینا سلمه‌الله» درطوس دونسخه ازاین هست ش۷۲٤و۷۲۵ .

[٥٨٤] هربنش(نامهٔ ...) (فارسی)

دراین نامه‌که بساخت پرسش وپاسخ است‌وپرسندهٔ آن ممچهه(Munkshu) وپاسخ دهنده آن بیشنباین Vaisampayana میباشد ۲۵ افسانهٔ هندی آمده و نامهای هندی بسیاری درآن دیده میشود ویکی ازنمونه‌های فرهنك هندو استکه بپارسی کرده‌اند . این نامه هربنش Harivamsa راکه ازگفتار بیاس Vyasa و بیشنباین شاگرد اومیباشد بامهاربهاراته Mahâbârata وراماینهRâmâyana اکبرشاه هندی (۹٦۳ ـ ۱۰۱٤) دستور داده بودکه بپارسی درآوردند . درآغاز آن پس از ستایش نـاراینNârâyana و نر (Nara) و سرستیSarasvati و بیاس(۱) استاد نگارنده نامه ودارای کردارهای شگفت انگیز فراوان ، از افسانه های دیگرهند یاد میشود ونوشته است که هرکس نامهٔ هربنش‌را بشنود یابخواند ویا بنویسد ویانوشته بدیگری‌دهد دررستاخیز بدیدار آفریدگار برخوردارخواهد شد . فهرست ۲۵ افسانه درپایان نامهٔ مادیده میشود .

---

۱ ـ بنگرید به: فهرست فارسیهای موزه بریتانیا ج ۱ ص۳۳۰a ش Add5559 فهرست نامهای هندی کتاب‌الهند بیرونی.

آغاز: به‌جان خویش بگویم که‌ذره بی‌نور- اگرطریقت دیدار آفتاب‌نداری کتاب هربنس‌الهند . بدانکه این کتابیست هربنس نام از گفتار بیاس وبی‌سنبابین‌نام شاگرد اومیخواهدکه پیش‌راجه ممچه بخواند ... میگویدکه سجده میکنم نارابن را بعد از آن ... نررا ... بعد از آن سجده سرستی را ... بعد از آن ... بیاس را.

انجام: تمام شد داستان ترپراده (Trivrit؟) یعنی سوختن سه‌شهردتیان .

[۷۱۷]

۳۴۲ این نسخه بخط نسخ باعنوانهای شنگرف‌میباشد ودرپایان دارد «تمت کتاب هربنس ازگفته بیاس .کتبه من یداحقر العباد هاشم منجم در سنهٔ ۱۲۸۵ » فهرست داستانها درسه‌صفحه پایان دفتر نوشته شده. این‌نسخه ازروی نسخه آستانه طوس‌که ازهند برای صفویان‌آمده ونادرشاه (۱۱۴۸ - ۱۱۶۰) آنرا گرفته وقف‌کرده بود نوشته شده است جای تصویر وپیکره درگ ۱الف سفید میباشد .

(۳۱۷۰ف) ــ کاغذ ورنگی ــ جلد تیماج سرخ ضربی

اندازه : ۱۷×۲۷ و۱۰×۱۹ س۲۱

گفتار چهارم

کلام

[۵۸۵] **آب حیات کبیر** (فارسی)

شریعتمدار حاج ملامحمدجعفر بن ملاسیف‌الدین استرابادی که در تهران میزیست ودرهمانجا بسال۱۲۶۳ درگذشت ودر نجف بخاك سپرده شد این کتـاب را بروش شیعی در کلام نوشت . او «آب حیات» کوچکی هم دارد درپنج اصل دین که یکی ازشاگردانش آنرا در۱۱۶ بیت بنظم درآورد ودر ۱۲۹۶ با برخی از رساله های عملی بچاپ رسید .

آغاز: بسمله . الحمدلله الواجب‌الوجود بالذات . اما بعد چنین میگوید خـادم بساتین جعفری ... محمد جعفر استرابادی .

انجام : وشقی‌شقی درشکم مادربود. والله‌العالم وله‌الحمدالدائم‌والصلوة‌والسلام علی محمد واله‌القائم .

[۷۱۸]

۸۸۹ این نسخه شماره۱ دفتری است دارای چهارساله وبخط شکسته تعلیق وعبارت های تازی وعنوانها بنسخ درشت ازعلی‌اکبر پسرعبدالعلی کرمـانی در۱۸ع۲ سال۱۲۶۸ درکرمان که برای خود نوشته است گ۱ب ـ ۳۲ب .

(همه دفتر ۲۳۰) — کاغذ فرنگی — جلد تیماج مشکی ضربی مقوائی

اندازه : ۱۵×۲۱٫۵ و۱۰×۱۶ س۲۱

[۵۸۶] **اثبات امامت** (فارسی)

دراین گفتار ازامامت بروش شیعی گفتگو میشود .

[۷۱۹]

۱۰۶۵ این نسخه بخط تعلیق بانشانه‌های شنگرف وعنوانها بشکسته درهامش میباشد ونشانهٔ «بلاغ» دارد. ازآغاز وانجام آنچه که هست اینست : « مردمان براتباع یزید پلید و عدم خلع او تحریص و ترغیب مینمود ـ خاتمة‌الرساله ... چنانکه یزیدپلید نزدسنیان‌خلیفه بحق بوده» دوبرگ نخستین وصالی شده‌واندکی ازسطرها خوانده نمی‌شود .

(۲۰۲گ) — کاغذ سپاهانی موریانه خورده — جلدتازه مشکی

اندازه : ۱۵×۳۲و۹×۱۷س۱۶

[٥٨٧] **اثبات التکلم لله و تفسیر الکلام النفسی** (عربی)

دانشمند دوانی دراین گفتار ازسخن خدای و کلام نفسی بحث میکند .

آغاز: بسمله . المبحث الاول فی اثبات کونـه متکلما و تفسیر الکلام النفسی الذی اثبتوه .

انجام: ولاشك ان الخبر الکاذب لو کان من افراده الممکنة بهذا المعنی لم یصح کون جمیع اخباره صادقة. والله اعلم .تمت .

[٧٢٠]

١٠٢١ این نسخه شماره ١٣ دفتر است و بخط تعلیق ریز علی بن مسافر قـاضی بسال ٩٣٩ میباشد .

[٥٨٨] **اثبات حدیث من کنت مولاه (رسالة...)** (عربی)

دراین رساله سندهای مسلسل این حدیث که یکی ازدلیلهای شیعیان برخلافت علی(ع) است آورده شده ، دربیشتر جاها درستی یا نادرستی آنها روشن گردید .

آغاز: الحمدالله حق الحمد و منتهی الحمد کما ینبغی لعظمته ... حدیث من کنت مولاه ... مما تواتر و افاد القطع .

انجام: فاعتموا فان العمائم سیماء الاسلام وهی حاجز بین المسلمین و المشرکین. هذا مرسل . تمت والحمدلله رب العالمین .

[٧٢١]

١٠٨٠ این نسخه شماره ١١ دفتر و بخط نسخ باعنوانهای شنگرف میباشد گ ٢١١ب ٢٢٣ ب .

[٥٨٩] **اختیار (رساله . . .)** (فارسی)

دانشمند محمد باقر بن محمدجعفر فاضل شیخی کوهی (قهی) سپاهانی (١٢٣٩-١٣١٩) دراین رساله ازجبر و تفویض ازروی آیتها وخبرها گفتگو نمود و در دیه لنگر در روز ١٦ ع ١ سال ١٢٨١ آنرا بپایان رساند (فهرست طوس ج ٤ ص ٤١ و ١٣١)

آغاز: بی نهایت حمدیکه برعارفان عالم امکان لازم است مخصوص ذات پاکی

است که ازچند وچون بیرون .

انجام : وهمین قدر ازبیان از برای رفع شکوك وشبهات ازبرای حلال زادگان کفایت میکردواز برای حرامزادگان هم‌حجت‌تمام شد... تمام‌شد این‌رساله‌مختصر در... لنگر... سنه ۱۲۸۱ هزار ودویست وهشتاد ویك. حامدا مصلیا مستغفرا.

[۷۲۲]

۳۷۶ این نسخه بخط تعلیق علی اکبرپسر عبدالله آشتیانی همدانی در۲۵ محرم سال ۱۲۹۰ میباشد (درنسخه ۱۲۰۹ دارد ودرست نیست) .

(۴۶۸) ـ کاغذ فرنگی ـ جلدتیماج

اندازه : ۱۱×۱۸ و۷×۱۲٫۵ س۱۵

[۵۹۰] ارشادالطالبین الی نهج‌المسترشدین (عربی)

جمال‌الدین ابوعبدالله مقدادسیوری حلی (م۸۲۶) دراینکتاب نهج المسترشدین علامه حلی راگزارش نمود ودر روز پنجشنبه۱۱ شعبان۷۹۲ آنرا بپایان‌رساند.این گزارش به(قال واقول) ودر بمبئی بسال ۱۳۰۳ بچاپ رسید .

[۷۲۳]

۲۹۷ این نسخه شماره۲ دفتر و بخط تعلیق وهمه متن درهامش نوشته شده است گ ۸۱ب ـ ۲۶۳ب وچنین است : «ان اولی ماصرفت‌فیه قوة فحول‌الافکار، لاقحة لخرایدابکارالاذکار، مستحدثة فی‌اظهار نتایجها فصیح الاذکار؛ حمد موجود تفرد بوجوب‌الوجود،وصفات‌الکمال، ونعوت الجلال لذاته ـ والحمدلله وحده والصلوة علی من‌لانبی بعده واله وسلم . صورة ماکتبه المصنف تغمده‌الله بغفرانه علی‌مانقل‌عنه وکتب مصنفه‌المقدادبن عبداله ... السیوری وکان‌الفراغ من تصنیفه آخرنهار الخمیس الحـادی والعشرین من‌شعبان‌المعظم سنة اثنین وتسعین وسبعمائة . . . سودفی‌التاسع و العشرین من‌جمادی‌الثانیة ۱۳۲۷ بقلم ... محمد حسین‌الجرباد قانی عفی‌عنه» .

(همه دفتر۲۹۷ گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد مقوا

اندازه : ۱۱×۱۸و۷×۱۴ س۱۷

[۵۹۱] اسلام ابی‌طالب (رسالة ...) (عربی)

یکی ازمباحثی که‌میان پیروان سنت‌وشیعیان گفتگو میشده‌مسئله اسلام‌آوردن ابی‌طالب بود واین رساله در این بـاره است و در آن حدیث « ان اباطالب اسلم

بحساب الجمل» وسخنانی که کلینی وصدوق درباره آن گفته‌اند آمده و در آنها بررسی میشود .

آغاز: بسمله . علی بن محمد... عن ابی عبدالله .. قال ان ابا طالب اسلم بحساب الجمل . قال بکل لسان .

انجام: وحججه بحقایق کلامهم صلوات الله علیهم اجمعین .

[٧٢٤]

٩٤٤ این نسخه شماره ٤ دفتری است دارای ١٢ رساله کلامی وریاضی وتفسیر وفقه وبخط تعلیق گ ١٧٢الف ـ ١٧٣الف . شماره ١ ایندفتر حاشیه شیخ بهائی است بر کتاب من لایحضره الفقیه بهمان خط باعنوانهای شنگرف از محمد شریف پسر ابوتراب داود در پایان محرم سال ١٠٩٤ و٧ آن رساله تسلیم نماز از ابومحمد بن عنایت در پایان رجب ٩٧٩ بهمان خط محمدشریف درروز شنبه شوال ١٠٩٤ و٨ رساله شیخ بهائی درحرمت ذبیحه اهل کتاب درپاسخ سفیرروم که گفت فرآن آنرا حلال ساخت وبهائی این‌را بدستور شاه عباس که سیدش می‌پندارد نوشت بهمان خط همو در ٢٠ شوال ١٠٩٤ گ ٩٩ب ١٠٥الف و٩ تفسیر بهائی برآیه « کلماالقی فیها فوج سالهم خزنتها ...» بهمان خط گ ١٠٥الف ـ ١٠٦ب و ١٠ رضاع محمدنفی مجلسی بپارسی بهمان خط درشوال ١٠٩٤ و١١ وقت نماز از ابومحمد بایزیدبن عنایت‌اله بسطامی بهمان خط محمد شریف در ٣ ذی‌قعده ١٠٩٤ .

(همه دفتر ١٧٦گ) - کاغذ سمرقندی جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی
اندازه : ١٢×١٩و٨×١٢ س١٧

[٥٩٢] **اشراق الحق من مطلع الصدق** (عربی)

درغیبت صغری چون شیعه در تقیه بودند هیچگاه نام امام زمان را برزبان نمیآوردندتامردم آنها رانشناسند (گ٥٨ نسخه‌ما) همینکه چندی گذشت برخی گام فراتر نهاده روی خبرهائی چند نامبردن اورانارواو بلکه کفر پنداشتند .تاجائی که دانشمند فیلسوف داماد استرابادی رساله ای بنام «شرعة التسمیة» نوشته است .

پیش از او کلینی و ابن‌بابویه قمی در عیون اخبار الرضا و شیخ طبرسی نیز چنین میگفته‌اند (گ٤٥) .

من الهجرة النبوية على مشرفها
الصلوة والسلام والتحية

اجزت للمولى الفاضل المحقق والاولى الكامل
المدقق صاحب الفهم الوقاد والطبع النقاد
الفائق والماهر والمحبوب لوجه الله مولانا نصير الدين
محمد سلمه الله تعالى وادامه وبلغه الى اعلى درجات
الكمال وادامه لمن روى عني هذه الرسالة بمشايخي
واحببت ان اعلمه منة عدم النسيان من صالح الاعوات
سميتها مطلع الايجابات وكتب مولفها الحسن الحسيني الكركي
عفى عنه بالنبي وآله

ش ٢٩٣ گ ٦٩ ب

اجازه کرکی به نصیر الدین محمد بخط خود کرکی

دانشمندمجتهد ومفتی‌سپاهان عزالدین ابوعبدالله‌حسین‌بن‌حیدربن‌حیدربن قمربن علی‌حسینی کرکی عاملی‌بسال ۱۰۲۰ درپاسخ‌شیرازیان این‌رساله‌را نوشته‌از روی اصل جواز واخبار واجماع روشن ساخت که چنین نیست ومیتوان نام‌آن‌امام را برزبان آورد وگناه نیست . رسالهٔ او دومقصد است . درنخستین دلیلها بـرای روائی‌آن میآورد ودر دومی ازشبهه‌های طرف‌پاسخ میگوید. اواز رئیس‌المحققین شیخ‌علی (بن‌عبدالعالی ۹۴۰) باعنوان «اعلی‌الله قدره» واز بهاءالدین محمد(۹۵۳ ـ ۱۰۳۰) درمفتاح‌الفلاح وحبل‌المتین با عنوان «مدظله» یا «ادام‌الله برکاته» یـاد میکند. درجائیکه‌باجماع تمسك‌میکند ازاین‌دانشمندان یادکرده وازاین کتابهای آنان گواه میآورد :

مسائل شیخ طوسی ، مهج‌الدعوات ابن‌طاوس، اعتقادات ابن‌بابویه، منهاج ـ الصلاح علامه ،کشف‌الغمه علی‌بن عیسی اربلی ، ارجوزه علم‌کلام تقی‌الدین حسن بن داود حلی، ارشادالمسترشدین فخرالمحققین ، جـامع الاصول فی‌شرح الفصول محقق رازی، معین‌الفکر محمدبن جمهور، احتجاج ابومنصور احمدبن علی بن ابی طالب طبرسی: مزار دروس شهید، کفایـة‌الطالبین احمدبن متوج بحرانی ، مشارق انوارالیقین فی کشف حقایق امیرالمؤمنین رضی‌الدین‌رجب‌بن محمدبن رجب‌حافظ برسی ،کتاب الجوابیة، تفریدالاعتماد فی‌شرح تجرید الاعتقاد شمس‌الـدین محمد بهشتی، شرح‌نجات‌العباد محمدبن ابی‌طالب استرابادی، غایة‌المطلوب فی‌علم‌الکلام مولانا لطف‌الله نیشابوری، رسالهٔ نجمیهٔ شیخ‌علی‌بن عبدالعالی . همه ایندانشمندان یادکردن نام امام زمان را روا میدارند . نیز میگویدکه صلوات خواجه طوسی را چهارصد سال است‌که درانجمنها میخوانند بااینکه آشکارا نام امـام در آن برده شده است .

آغاز: الحمدلله‌الذی یحق‌الحق‌بکلماته ویبطل‌الباطل‌ولوکره‌المشرکون... وبعد فقد وردعلینا من‌اجلاء اخواننا فی‌الدین من محروسة شیرازکتاب ... ذکرفیه ان بعضا من‌الناس زعم انه یحرم ولایجوز ذکرالقائم ... باسمه وکنیته بل‌ذکر ان‌من

نطق به فقد كفر بالله واليوم الآخر وسئل الاستكشاف فى هذه المسئلة... فاجبت مطلوبه.

انجام: فلنقطع الكلام حامدين ... وفرغ من تصنيفها ... الحسين بن حيدر الكركى العاملى ... فى الثانى والعشرين من شهر رمضان المبارك من شهور سنة الف وعشرين.

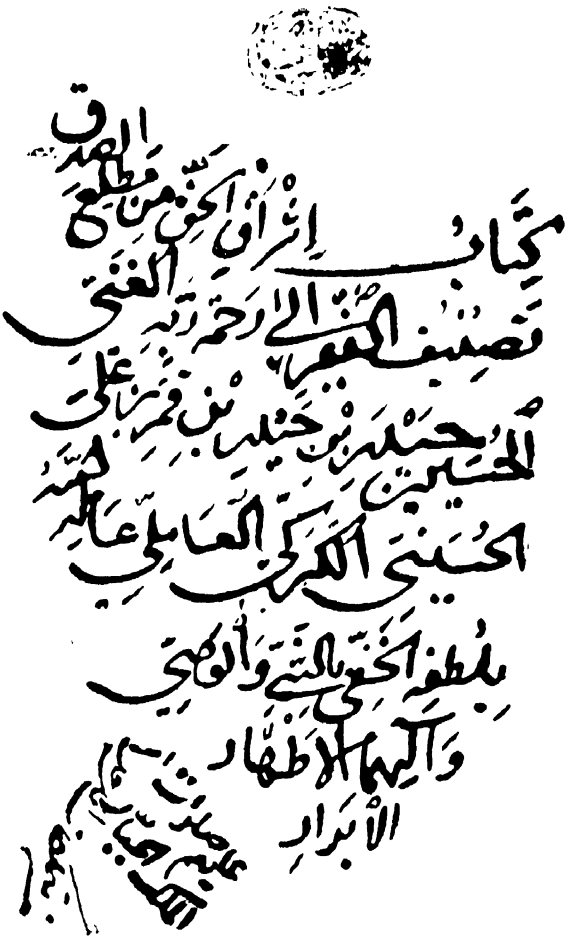

ش ٢٩٣ گ ١ الف

صفحه عنوان « اشراق الحق »

[٧٢٥]

۲۹۳ این نسخه شماره۲ دفتراست بنسخ باعنوانهای شنگرف باحاشیه هائی بخط تعلیق باعبارت«منه»وبنسخ گ۱ب۶۹الف. درگ۱الف بخط نسخ لاجوردی بااعراب شنگرف ازخودکرکی دارد: «کتاب اشراق الحق من مطلع الصدق تصنیف الفقیر الی رحمة ربه الغنی الحسین بن حیدر بن قمر بن علی الحسینی الکرکی العاملی عامله الله بلطفه الخفی بالنبی والوصی والهما الاطهار الابرار» باز بتعلیق دارد: «مصنف اینکتاب والد مرحوم مغفور نواب میرزا حبیب اله صدراست» نیز بشکسته دارد که محمد رضوی این را ازخاندان میرمحمد جعفرهروی خرید. درپایان مهر«المتوکل بالملک اللطیف عبده محمد شریف» هست. درگ ۶۹ب اجازهٔ همین کرکی است بمولانا نصیرالدین محمد بخط تعلیق خودکرکی. (ص۱۴۰همین فهرست).

(همه دفتر۱۳۰گ) - کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج مشکی زرکوب مقوائی

اندازه : ۹٫۵×۱۹و۴٫۵×۱۲٫۵ س۱۱

[۵۹۳] اعتقادات (عربی)

ابوجعفر محمدبن ... بابویه قمی (آغازسده٤ـ ۳۸۱دری) یکی ازرهبران دانشمند آئین شیعی نزدیك بسیصدکتاب دارد. شیعیان روایتهای او را ارج نهاده مراسیل اورا ازمراسیل ابن ابی عمرکمتر نمیدانند. ابن بابویه این رساله را دربیان اعتقادات درست شیعه چنانکه خود میاندیشید نوشته است وآنرا برای بزرگان شیعی نیشابورکه چگونگی دین امامیان را ازوی پرسیده بودند درروز آدینه ۱۲ شعبان سال۳۶۸درانجمن سخنرانی برزبان راند. شیخ طوسی درفهرست، این رساله را «دین الامامیه» نامید. ابن بابویه درپایان آن میگویدکه اگرازاین سفری که درپیش دارم برگشتم وبنیشابور آمدم تفسیری برای آن می‌نویسم. درفهرست نوشته های اونامی ازاین تفسیر نبرده‌اند مانا ننوشته‌است (ذریعه ج۲ص۲۲۶). این رساله درایران بسال۱۲۹۶ باسه رساله دیگرص۶۶ـ۱۱۵ چاپ سنگی شد ابن بابویه در پایان آن بکتاب توحیدخود بازمیگرداند ونوید میدهدکتابی در متشابهات قرآن بنویسد.

آغاز: الحمدلله رب العالمین وحده لاشریك له ـ باب الاعتقاد فی التوحید قال الشیخ ابوجعفر.

انجام: وقـد اخرجت الخبر فی ذلك مسندا بشرحه فی کتاب التوحید وساجرد فی ذلك کتابا بمشیة الله وعونه والحمدلله رب العالمین .

[۷۲۶]

۶۸۹ این نسخه شماره ۲ دفتراست وبخط نسخ بانشانه‌ها وعنوانهای شنگرف ودرشام روز دوشنبه ۲۰ محرم ۱۰۸۱ نوشته شده. درپایان دارد «فی ملك حسن» گ ۱۴۷ ب ـ ۱۸۶ الف .

(همه دفتر ۳۱۸۶ـ) ـ کاغذ سپاهانی جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی
اندازه : ۵ر۱۲×۵ر۱۹ و۶×۵ر۱۲س۱۴

[۷۲۷]

۸۷۹ این نسخه شماره ۷ دفتراست وبخط نسخ با نشانه‌هـا وعنوانهای شنگرف و بدینجا میانجامد : «باب الاعتقاد فی الحدیثین المختلفین... ثم یقول عزوجل وکلم الله موسی تکلیما» وکم دارد گ ۱۶۸ الف ـ ۲۱۲ ب . پیش ازاین درشماره ۵ و۶ «المفید فی علم التجوید» بخط نسخ جمال الدین بن ... عباس گ ۱۳۷ ب ـ ۱۴۴ ب و«اللمعة الحلیة فی معرفة النیة» میباشد بهمان نسخ گ ۱۴۵ ب ـ ۱۶۷ ب و۲۱۳ـ ۲۲۴ الف . درکنار ۲۲۴ الف دارد «کتبه عبدالکریم» و«کتبه مولانا کمال الدین» واین کمال الدین گرگانی وزنده در ۸۷۸ ونویسنده شماره ۱ دفترمیباشد .

(همه دفتر ۳۲۲۵ـ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلدتیماج مشکی ساده
اندازه : ۱۲×۵ر۱۷ و۸×۱۱س۱۳

[۷۲۸]

۹۹۴ این نسخه شماره ۱ دفتراست وبخط تعلیق ریز گ ۱ب ـ ۲۴ الف .

[۷۲۹]

۱۰۸۰ این نسخه شماره ۸ دفتراست وبخط نسخ گ ۱۶۷ ب ـ ۱۹۲ ب.

[۷۳۰]

۱۰۸۵ این نسخه شماره ۱ این دفتراست گ ۱ الف ـ ۸ الف وبخط نسخ مانندشماره ۲ و آغاز کتاب را ندارد وچنین است : «ومن یتولهم فاولئك هم الظالمون وقال ص انی لاسمع الوجل فی المسجد ...» آنگاه «باب الاعتقاد فی اباء النبی ...اعتقادنا فـی اباء النبی انهم مسلمون من آدم الی ابیه عبداله» میآید .

خط نسخ وحاشیه‌هائی بپارسی وتازی دارد ودرپایان ع۱سال۹۰۱ نوشته شد.
دربرگ۳ الف نوشته است که درصفر۱۱۱۶ باچندتن ازمردم استراباد نزدمحمدکاظم خان بسپاهان رفته‌ایم وبهمین خط نام(محمد صالح‌بن محمدحسین استرابادی) دیده‌می شود که دارنده نسخه بوده است ودر۴۷الف نوشته است که ملاعبدالغفور در۱۱۲۹ بآموختن کودکان پرداخت‌وخط‌همان‌دارنده نسخه‌درسه‌جای‌همان‌برگ‌دیده میشودودر برگ ۱۱۸ب خط ومهرهمودردوجا هست ونویسنده نسخه همان لطف‌اله مازندرانی یادشده‌دردو شماره دوم وسوم این‌دفتر میباشد.

(همه دفتر ۱۲۴ ـ) — کاغذ ترمه سپاهانی — جلد دریکطرف وتیماج مشکی ضربی
اندازه : ۱۳ × ۱۸٫۵ و۸×۱۱س۱۲

[۵۹۴] اعتقادات (عربی)

شیخ مفید دراین رساله ازاعتقادات‌بروش پرسش وپاسخ درپنج فصل گفتگو نمود. وآن بنام «النکت‌الاعتقادیه» دربغداد بسال ۱۳۴۳ بارهٔ دوم بچاپ رسید وبا دیباچه‌ای درسرگذشت مفید وترجمهٔ پارسی آن بخامهٔ فهرست نگـار درچاپخانه اقبال‌درتهران‌بسال۱۳۲۴ خ‌درز+۴۱ص نیزچاپ شده ومنابع شرح‌حال مفید هم درآنجا یادگردید.

آغاز: بسمله وبه ثقتی الحمدلله رب‌العالمین ... فهذه عقیده‌تی قادنی‌الدلیل الیها وقوی اعتمادی علیها.

انجام: وحشرالابدان والنفوس والمیزان وتطایرالکتب (وشهادةالجوارح ... فیکون ماالخبر به‌صحقا).

[۷۳۱]

۸۷۸ این نسخه‌شماره۱ دفتریست دارای دورساله‌وبخط تعلیق شکسته باعنوانهای شنگرف وبنسخ میباشدگ۲الف—۱۳الف. نسخهٔ ماعبارت میان‌دوکمانه را ندارد.

(همه دفتر ۱۸۸ ـ) — کاغذ سپاهانی — جلد تیماج مشکی ضربی مقوائی
اندازه : ۱۱×۱۸و۵ر۷×۵ر۱۳س۱۲

[۵۹۵] اعتقادات (عربی)

خواجه طوسی در این رساله آنچه راکه باید بدان عقیده داشت بی‌آنکه

بدلیلهای فلسفی آن نگریست بدر خواست دوستی نوشته و همین اندازه را برای توده مردم بسنده دانست. آنرا فیض کاشانی درحقایق وجز آن آورد و بچاپ رسید.

آغاز: هذه صورة عقیدة صدرت عن ... خواجه نصیرالملة والدین الطوسی . . . (۱۰۲۲/۷) اعلم ایدك‌الله ایهاالاخ العزیز ان‌اقل مایجب اعتقاده علی‌المکلف فهوما ترجمه قوله لااله‌الاالله .

انجام : فهذا تنبیه علی‌منهج‌الحق . واستیفاء ذلك‌شرحناه فی کتاب‌قواعدالعقائد فاطلبه (فاطلب منه) والحمدلله (وحده لاشریك‌له) رب‌العالمین وصلی‌الله علی‌خیر خلقه محمد وآله اجمعین .

[۷۳۲]

۳٤۰ این نسخه شماره۳ دفتراست وبخط تعلیق ریزخوش تاریخ ۱۲٦۰ گ۳۷ ب ـ ۳۹ الف .

[۷۳۳]

۱۰۲۲ این نسخه شماره۷ دفتراست وبخط نسخ سیدحیدر آملی گ۱۲٦ب ـ ۱۲۷ب. فهرست نگارشهای رکن‌الدین محمدبن علی فارسی گرگانی مترجم‌رساله‌های پارسی‌خواجه بتازی که آملی ازروی‌خط همو نوشت‌در گ۱۲۸الف ـ ۱۲۹الف دیده میشود .

[٥۹٦] **اعتقادات** (عربی)

ازدانشمند شیعی فخرالمحققین ابوطالب محمد (نیمه شب دوشنبه ۲۰ ج۱ سال ٦۸۲ ـ شب‌ادینه۱٥ج۱سال ۷۷۱) فرزند علامه حلی (٦٤۸ـ۷۲٦) که درحله و آذربایگان‌میزیست گویند اودر ده‌سالگی باجتهاد رسید ودانشهای عقلی و نقلی را ازپدربیاموخت. وی ازپدر خواست که برایش «قواعد» بنویسد او هم اینکتابرا میان پنجاه وشصت سالگی (میان ٦۹۸و۷۰۸) در۱٦یا۲٦ سالگی پسرنوشت . او بگفته حافظ ابرو باپدر بدربار خدابنده اولجایتو(۷۰۳ـ۷۱٦) میرفت. گویند که

ایندانشمند راگرك درربود و آرامگاه ندارد (۱) .

اودر این‌رساله اصول عقاید را در پنج اصل (خدا ـ عدل ـ وعـد و وعید پیامبری ـ امامت) بادلیل روشن ساخت ودر پایان گفت که من در اینجا تنها اصول را آوردم‌نه فروع‌را زیراپدرم آنچه اجماعی شیعداست وبنقل درست از پیشوایان رسیده وهیچ شکی در آنها نیست آورده بدانها بنگرید واز آنها پیروی کنید .

آغاز: بسمله وبه نستعین‌الحمدلله‌رب‌العالمین ... فیقول محمد بن‌الحسن بن المطهر انی‌املیت‌هذه‌الرسالة‌لارشاد المسترشدین وهدایة‌الطالبین وبینت فیهامایجب علی‌المکلفین‌من‌الاعتقاد فی‌اصول‌الدین .

انجام: فایهاالمؤمنون‌تمکنواواعتمدوا علیه. السلام‌علیکم ورحمة‌الله‌وبرکاته تمت الکتاب .

[۸۳٤]

۸۷۹ این نسخه شماره ٤ دفتراست وبخط نسخ گ۱۲۱ب ـ ۱۳٦الف .

---

۱ ـ بنگرید به: امل‌الامل‌ص۵۰۰ ـ لؤلؤتی‌البحرین ـ مجالس‌المؤمنین‌مجلس۵ ـ هدیة‌الاحباب ص۲۰۸ والکنی والالقاب ج۳س۱۲ هردو ازقمی ـ روضات‌الجنات‌ص۹ ـ۵۸٦ ـ رجال‌مامقانی ج۳ص۱۰٦ ـ پایان قواعد علامه دروصیتی که برای پسر نوشته است. یکی ازشاگردان‌مجلسی گوید که‌حلی‌قواعدرا دردهه‌شصت‌نگاشته وبسال۷۲۰به پایان رساند ودربغداد بدرس‌آن‌پرداخت. اگر بسخن اودرپایان قواعد بنگریم باید در ۵۱ سالگی بدان پرداخته باشدکه سال۶۹۹خواهد بود (اعیان‌الشیعه ج۲٤ص ۳۱٤) عبارت قواعد اینست : « بعد ان بلغت من‌العمر الخمسین ودخلت عشر الستین » از سخن فخرالمحققین درایضاح الفوائد فی‌شرح اشکالات‌القواعد در میان باب وصیت برمیآید که بسال۷۱۲ اوبا پدردر کرانه دریای قلزم نزد سلطان غیاث‌الدین خدابنده‌بودند و قواعددر آن‌سال بپایان‌رسیده بود. فخرایضاح رابخواهش گروهی وبدستور پدرنوشت وجزء۱۰ (ازآغاز تاباب وصیت) را در۱شوال۷۲٤ وجزء دوم (نکاح تاپایان) را در ذی‌حجه۷٦۰ بپایان رساند (نیز بنگرید به: فهرست طوس ج۲ص۷ش۱۹وج۵ص۳۷۲ـ ٤۷۷) .

[٧٣٥]

این نسخه بخط نسخ کهنه میباشد وچنین است پایان آن : «قال البخاری ان ابا
٣٧٧ طالب اول من وضع القسامة وقال ابوطالب للنبی علیه السلام ما اشد» از اصل امامت.
درگ ١ الف بخط تازه تری، اینکتاب ارشاد المسترشدین فی اصول الدین نامیده
٥ شده و بهمان خط باز عقیدة الشیخ فخر الدین یادگردیدگو یا نام نخستین را آغاز دیباچه
گرفته اند .

(٣٢٩ـ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تازه شده
اندازه : ٢٠ر١٣×١٨ر٥ و ٩ر٥×١٤س٢٠

[٥٩٧] اعتقادات (عربی)

١٠ شیخ الاسلام بهاء الدین محمد جبعی عاملی (٩٥٣ـ١٠٣١) دانشمند متکلم عارف
وفقیه ریاضی شیعی دراین رساله اعتقادات شیعه راگزارش میدهد. دوترجمه پارسی
آن ازملا ادهم خلخالی و کس دیگر درطوس هست (ش٣٥٥و٣٥٦) این رساله در
١٣٢٦ بچاپ رسید (ذریعه ج ٢ ص٢٢٨) .

آغاز: الحمدلله علی آلائه ... فالغرض من تحریر هذه الرساله ... انه لما کان لبعض
١٥ الفرق الباطلة الذین سموا انفسهم باسم الشیعه کالزیدیة والواقفیة والکیسانیة وغیرهم
اعتقادات فاسدة .

انجام: هذه عقائدنا التی نصب مخالفونا علینا . والله ولی التوفیق . والسلام علی
من اتبع الهدی .

[٧٣٦]

٢٠ این نسخه شماره ١٠ دفتر و بخط تعلیق سال ١١٩٨ ـ گ٥٤ب ـ ٥٨ب. پس از
١٠٨٨ این گفتاریست از فیلسوفان در آمیزش عنصرها گ٥٩الف وسخنان دانشمندان
درباره فرشتگان و پریان و ازاکلیل همدانی یادمیشود گ٥٩ و گفتار میرفندرسکی
دراینکه رهروان نبایستی بوحدت یا کثرت هستی بنگرند و گزارش گفته ارسطو :
«المحرك الاول فی المحیط دون المحاط» گ٥٩ب وسخنانی درباره تجرید نفس گ٦٠
٢٥ الف واثبات اعتباری نبودن هستی گ٦٠ب ـ ٦١الف و توحید حقیقی و یکی بودن جهان
دیدنی گ٦١ب ـ ٦٢الف وسخن ترسایان درخداشناسی وخرده گیری ازآنها گ٦٢
ب ٦٣الف بهمان خط تاریخ ١١٩٨ .

[٥٩٨] اعتقادات (عربی)

دانشمندبزرگوارمحمدباقرمجلسی (١٠٣٧ـ١١١٠) بدرخواست کسی برای نمودن راه درست این رساله‌را دردو باب نوشته، نخست اعتقادات سپس اعمال‌را نشان داد. اودرپایان میگوید مبادا پدرم (دانشمندمحمدتقی مجلسی ١٠٠٣ـ١٠٧٠) راصوفی پندارید چه اوبسخنان امامان آشنا بود وچنین کسی صوفی نمیباشد. مگر اینکه‌او مردی پارسا بود ودرآغازکار چنین پارسائی‌را تصوف مینامید تـا صوفیان‌را بخود نزدیك کند وازاو نگریزند وآنانرا ازسخنان بیهوده ورفتارهای نکوهیده بازدارد. این بودکه بسیاری ازآنها را راه بنمود. اودر پایان زندگی خویش چون دیدکه دیگر امیدی نمانده وآنها دشمن خدایند وبردیگران پیروز آمدند ازآنـان بیزار شد. من بروش پدرآشناترم ونوشته های اودرهمین‌باره‌نزد من‌هست. این‌رساله‌در کنار اعتقادات صدوق (ص٦٦ـ٩٨جنك دارای‌چهارساله) بسال١٢٩٦ بچاپ‌رسید.

آغاز: بسمله‌الحمدلله‌الذی‌سهل لناسلوك شرایع‌الدین.

انجام: ولیکن هذاآخرماارادنا ایراده.. والتمس منك‌ان‌لاتنسانی.. وفقنا الله وایاك... و یجعلنا وایاك ممن یذکرفتنفعه‌الذکری.

[٧٣٧]

٥٩١ این نسخه شماره٢ دفتری است دارای: «١غررالاخبار دیلمی٣رساله‌رضاع بمامون ٤ تهلیل‌آخرالاقامه» وبخط تعلیق‌که محمد رضاالحردرطوس‌بسال ١١٠١ آنرا نوشت‌گ٩٢ب ـ ١٠٤ب. محمدبن‌الحسن‌الحر (مشغری‌م١١٠٤ نگارنده وسائل) وضیاءالدین نوری ازدارندگان نسخه بودند.

[٧٣٨]

٩٩٤ این نسخه شماره٤دفتر است وبخط تعلیق تاریخ١٢٥٤ گ١٣٨الف ـ ٤٤ب چنین است‌آغازآن: «الیهم علیهم‌السلام وقداوردت‌الاخبارالواردة فیها فی کتاب بحارالانوار» شماره٥ ایندفتر لب‌اللباب محمد جعفر استرابادی است دررجال بخط نسخ قاسم‌بن مسیح‌گیلانی‌حائری در١٢٦٣ گ٥١ب ـ ١٢١الف و٧آن نورالمستبصرین سیدمحمد مرتضی حسینی جون‌فری است درحدیث چاپ‌چاپخانه‌جعفری درجونپور بسال١٣١٣ در٣٥ص گ١٤٤ب ـ ١٥٩الف.

[٥٩٩-٦٠١] **اعتقادات** (فارسی)

ضیاءالدین علی‌بن سدید الدین داود گرکانی سه رساله دراعتقادات نوشت:

۱ ـ خزائن‌الایمان که‌در آن بروش‌پرسش وپاسخ‌ایمان واسلام‌را بمشرب‌امامیان روشن نمود (۹ب ـ ۱۱ب).

آغاز: بسمله وبه نستعین‌الحمدلله رب‌العالمین ... چنین‌گوید ضیاء الدین علی‌بن سدیدالدین داود که این‌رساله‌ایست مختصر درمعرفت واسلام بنابرمذهب‌امامیه... وخزائن‌الایمانش نامیدم ... اگرپرسند که ایمان اجمالی کدام است؟ بگو: که‌ایمان اجمالی ایمانی راگویند.

انجام: جواب‌گوئیم که مراد پیغمبر... دراینجا ازاسلام ثمرات وعلامات اسلام بود نه‌حقیقت اسلام. تمت‌الرسالة الشریفة بعون‌الله وحسن توفیقه والصلوه ...واله الطاهرین.

۲ ـ دراصول وفروعی که باید اعتقاد داشت (۱۲الف ـ ۱۳الف).

آغاز: بسمله قال‌الفقیر الی‌المجید ضیاءالدین بن سدید اگرپرسند که خدایرا شناسی بگوبلی شناسم.

انجام: ورکوع وسجود وتشهد وسلام نبود والله سبحانه‌اعلم. تمت‌الرسالة.

۳ـ دراثبات عقائد شیعی بروش پرسش وپاسخ (۱۵الف ـ ۱۸ب).

نسخه‌ای ازاین درطوس (ش۸۹٤) هست ومیان ۱۰۵۱و۱۰۷۱ نوشته‌شده.

آغاز: بسمله‌الحمدلله رب‌العالمین... چنین‌گوید... ضیاءالدین‌بن‌سدیدالجرجانی که این رساله‌ایست مختصر دربیان واجبات عقلیه.

انجام: وقوع آن واجب بود پس وقوع این همه واجب بود. والله اعلم.

[۷۳۹-۷٤۱]

۱۰۱۵ این نسخه‌ها شماره‌های ۵و٦و۸ دفتراست وبخط تعلیق میباشد.

[٦۰۲] **اعتقادات** (عربی)

دراین رساله کوتاه عقاید کلامی اثبات میشود.

آغاز: بسمله وبه نستعین. اذاسالك سائل وقال ماالایمان قل‌هوالتصدیق‌بالله

انجام: ویجب ان‌یعتقدانه تعالی یعیدالاجسام ... فثبت‌اعادةالاجسام.

[٧٤٢]

٨٧٩ این نسخه شماره٣ دفتراست وبخط نسخ گ١١٧ب ـ ١٢٠ب.

[٦٠٣] افضلیةالائمة علی الانبیاء (رسالة فی ...) (عربی)

حسن‌بن سلیمان‌بن محمدبن خالد حلی‌شاگرد شهید اول(٧٢٤ ـ ٧٨٦) و نگارنده منتخب بصائرالدرجات سعدبن عبدالله اشعری‌قمی (م٢٩٩یا٣٠١) واثبات الرجعه‌دراین رساله میخواهد ازروی آیات واخبار روشن سازدکه پیشوایان‌شیعی ازپیامبران بجزمحمد ص‌برترند. اومیگویدکه مفیددرمقالات (اوائل‌المقالات‌چاپ دوم ص٤٢) ازاین مسئله یاد نمود وگفت‌که برخی ازدانشمندان پیشین وپسین در آن تردیدکردندیانفی نمودند وخودهم‌چیزی نگفت شیخ طوسی درمسائل‌حائریه که ازاوپرسیدندگفت‌که دانشمندان ما دراین‌باره دوگروهند ونزدخرد هم‌روشن نیست .من‌چون دیدم‌که نباید ازاین درگذشت وهرمسلمانی باید بدرست‌آن آگاه گردد این بودکه دراینجا روشن ساختم‌که امامان ازدیگر پیامبران پیشین برترند تاکسی ناآگاه نماند(١).

آغاز: بسمله. یقول عبدالله وفقیره ... حسن‌بن سلیمان انی‌وقفت علی‌کتاب المقالات للشیخ‌المفید.

انجام: ودعاالله عزوجل بهم و تاب علیه وغفرله. تمت الاخبار. والحمدلله رب العالمین.

[٧٤٣]

١٠٨٠ این نسخه شماره٩٠ دفتراست وبخط نسخ گ١٩٣ب ـ ٢٠٠ب.

---

١ ـ نیزبنگرید به: بحارج٧ص ٣٢٨ـ٣٤٠ چاپ١٣٠٣ ومتشابه القرآن ابن شهرآشوب چاپ تهران ص٤٤ج٢.

[٦٠٤] الزام الناصب فی امامة علی بن ابی طالب (عربی)

شیخ مفلح بن حسن صیمری زنده در نیمه دوم سده ۹ نگارنده غایة المرام فی شرح شرایع الاسلام در اینکتاب از امامت بروش شیعی گفتگو نمود. نام کتاب در دیباچه (گ ٦ الف) دیده میشود و آن در تهران بسال ۱۳۰۳ با قواعد العقاید طوسی بچاپ رسید (فهرست طوس ج ٤ ش ۳٦۰ ص ۲۸ ـ ذریعه ج ۲ ص ۲۸۹ و ۲۹۰ ـ کشف الحجب ص ۵۸).

[٧٤٤]

این نسخه شماره ۲ دفتر و بخط نسخ شیخ عابد و منصور حویزی جزائری در مخای یمن ۱۷ ج ۲ سال ۱۱٦۰ میباشد گ ـ ۲ الف ـ ۳۰ ب و بدینجا آغاز میگردد: ۵۷۵

«واحدة تدل علی نقص فی انسابهم» و در گ ۵ ب بدینجا پایان مییابد: «طویل نجاد السیف اجید یعسوب» درباره نگین بودن خاندان ابوبکر و عمر و عثمان و معاویه و یزید و عمر سعد و طلحه و زبیر و امیة بن عبدشمس و این چهار برگ هم گویا از همین رساله میباشد. آنگاه از دیباچهٔ رساله آغاز میشود: «من ردجواب الاخصام و وجدت اخبارهم تتضمن تکذیب ائمتهم و تفسیقهم» گ ٦ الف و پایان آن چنین است: «فیه عبرة لاولی الابصار علمت ان الحق مع علی یدور حیث مادار کما اخبر به النبی المختار فویل للذین کفروا من النار وصلی الله علی محمد و آله الطاهرین و ذریته الاکرمین والحمدلله رب العالمین تمت النسخة المبارکة فی سابع عشر جمادی الاول من سنة ۱۱٦۰ بمخا الیمن علی ید الشیخ عابد و منصور الحویزی الجزائری» در دفتر شماره ٤۹۹ کتابخانه ملی تهران دو کتاب نوشته شده یکی الکشکول سیدحیدر دیگری همین رسالهٔ ما بنام «الزام النواصب بامامة علی بن ابی طالب» که در یك مقدمه و چند باب و چند فصل است و نگارندهٔ آن خود را مردی کتابی نومسلمان میخواند و چنین است: «بسمله الحمدلله رب العالمین و صلی الله... الطاهرین. والحمدلله الواصل الحمد بالنعم والنعم بالشکر ـ ولکن لم اعتمد الاعلی ما روته السنة لعدم الزامهم بها وانما یلزمهم ما اعترفوا به والذی رواه السنة من کلام الشیخین وعایشة وحفصة عند الاختصار فیه عبرة لاولی الابصار والسلام» ص ۳۱۹ ـ ۳۸۸ ـ پیداست که این همان نسخهٔ شمارهٔ ۳٦۰ طوس است و نگارنده آن نه ابن طاوس میتواند باشد نه شیخ مفلح صیمری و نه شیخ ابراهیم بن سلیمان قطیفی (زنده در ۹٤٤) مگر اینکه از عبارت «کتابی نومسلمان» ظاهر آن خواسته نشده باشد. نسخهٔ طوس را سیف بن احمد لیثی حلی در قزوین در ۱٦ ج ۱ سال ۹۷۷ نوشته است. نسخهٔ مادر آغاز و میان برگهای

١٩ و ٢٠-٢٧و٢٨ کم دارد .

[٦٠٥] **الامامیه** (فارسی)

دراین رساله پارسی ازقضا وقدر گفتگو میشود نخست پرسشی که عربی از امیرمؤمنان درباره جنك صفین وقضا وقدر کرده از کافی آمده وروشن گردید. سپس رستاخیز جسمانی در آن ثابت شد .

آغاز: رساله قضا وقدر. فی الکافی عن علی بن محمد عن سهل بن زیاد و اسحاق بن محمد النخعی .

انجام : هر گوهری از آنها جزئی قرار داده بعد از آن طلب کن تا بشتاب آیند فلیتامل . تمت الرسالة الامامیة .

[٧٤٥]

١٠١٨ این نسخه شماره٢ دفتراست وبخط تعلیق چلیپا گ-١٢٦ب - ١٣١ الف . (نشانه دفتر درص١٣ بخش١ فهرست یادشد) .

[٦٠٦] **الانوار الجلالیه فی شرح الفصول النصیریه** (عربی)

خواجه طوسی فصول خویش را بپارسی پرداخت ورکن الدین محمد بن علی فارسی استرابادی گرگانی (نیمه‌دوم سده٧) آنرا بتازی در آورد (دیباچه) و شیخ ابی عبدالله مقداد سیوری حلی (م٨٢٦ج٢سال٨٢٦) این را برای ملك جلال الدین ابی المعالی علی بن تاج الدین المرتضی علوی حسینی آوی بنام بالا گزارش نموده متن را بندبند بروش (قال واقول) آورده وروشن نمود ودر٨رمضان ٨٠٨ آنرا بپایان رساند (ش٣٦٨ طوس - روضات ص٦٣٨) .

آغاز: بسمله سبحانك اللهم واجب الوجود و غایة وجود کل موجود انت اخرجتنا من مرتتق (مرتبق) ظلام العدم الی فضاء ضیاء الوجود .

انجام : اقول ختم المصنف ... رسالته هذه بهذه النصیحته ومضمونها الحث علی عبادة الله ... اذا نظر بعین عقله‌ای بفکره وبصیرته فی خلقته وما اودع فیها من الحکم و الایقان ... ولنقطع الکلام حامدین ولآلائه شاکرین وبالتقصیر معترفین و من الخطاء مستغفرین و علی محمد و آله مصلین والحمدلله رب العالمین وصلی الله علی محمد

و آله الطاهرین .

[٧٤٦]

این نسخه شماره٤ دفتری است دارای٤ رساله و بخط نسخ درشت با عنوانهای
٢٨٢ شنگرف ازعلی اکبرقزنچاهی بسال١٠٣٦ (درنسخه ١٣٦دارد) گ١٤١ب ـ
٢٠٨ الف .

(همه دفتر٢١٢گ)) ـ کاغذ فرنگی‌آبی ـ جلدتیماج سرخ ساده
اندازه : ٥ر١٢×٥ر٣٠و٥ر٧×٥ر١٤س٩١

[٧٤٧]

این نسخه شماره٣٨ دفتراست و بخط تعلیق رجبعلی بن‌جواد علی‌نزدیك ١٠٧١
١٠٤٦ گ١٧٧ب ـ ٢٠٧ب و بدینجا میانجامد : «ای بفکره و بصیرته فی» و باندازه
١٨س نسخه پیش کم دارد .

[٦٠٧] **انوار الملکوت فی شرح الیاقوت** (عربی)

ابواسحق ابراهیم نوبختی (نیمه نخستین سده‌چهارم) از متکلمان نامور ایرانی یاقوت‌را در کلام نگاشته وعلامه حلی (٦٤٨ـ٧٢٦) آنرا بنام بالا گزارش نمود و بسیار روان وشیوا ودارای مسئله‌های مهم کلام در١٥ مقصد هریك چند مسئله می باشد ومتن بندبند پس ازقال وشرح پس ازاقول میآید ودر ٦٨٤ بپایان رسید (ثر ٣١و٣٢طوس و٨١مجلس) پیش ازاو عزالدین عبدالحمید بن‌ابی‌الحدید (٥٨٦ ـ ٦٥٦) نیزیاقوت راگزارش نمود. رکن‌الدین محمدبن علی‌گرگانی شاگرد علامه نیز اشراق‌اللاهوت فی‌شرح‌الیاقوت دارد(١).

آغاز: بسمله وبه ثقتی . الحمدلله ذی‌القدرةالقاهرة والعزةالباهرة ... اما بعدفان الله تعالی کمل‌الانسان بقدرالامکان ... وقدصنف شیخنا . . . ابواسحق ابراهیم‌بن نوبخت. . مختصراسماه‌الیاقوت...فاحببت‌ان‌نضع‌هذاالکتاب‌الموسوم بانوارالملکوت فی شرح الیاقوت .

---

١ ـ سید عمیدالدین عبدالمطلب حلی (٦٨١ـ٧٥٤) میان نوبختی و حلی محاکمه نمود وشیخ شهاب‌الدین اسماعیل‌عودی عاملی (پیش از١٠٩٧) یاقوت‌را بنظم‌درآورد (خاندان نوبختی اقبال تهران ١٣١١ص١٦٦ـ١٨٧ ـفهرست نگارشهای گرگانی در ش١٠٢٢ گ١٢٨الف ـ ١٢٩الف)

انجام : واماالمخالفون فی الفروع کالمسائل الشرعیه فانهم خاطئون غیرفسقة بالاجماع فهذا آخر ماکتبنا والحمدلله رب العالمین وصلی الله علی سیدنا محمدو آله الطاهرین الاخیار وفرغ المصنف ادام الله ایامه من تصنیفه فی جمادی الاخری من سنة اربع وثمانین وستمائة والصلوة علی محمدو آله وسلم تسلیما کثیرا .

[٧٤٨]

٢٨٢ این نسخه شماره ٢ دفتراست وبخط نسخ با عنوانهای شنگرف ازعلی اکبر قزنچاهی بسال ١٠٣٦؟ گ ٢٩ب - ١٢٧ب .

[٦٠٨] **ایضاح احقاق الحق** (فارسی)

علامه حلی (٦٤٨-٧٢٦) « نهج الحق وکشف الصدق » را در هشت مسئله نوشته ودر آن آئین شیعی رااثابت و برسنیان رد نمود . پاشا قاضی فضل بن روزبهان بن فضل الله خنجی شیرازی سپاهانی دانشمند اشعری حنفی (روزگاراسماعیل یکم صفوی) پس ازبیرون شدن ازمیهن خویش سپاهان بکاشان که رسید در رد آن کتابی بنام «ابطال نهج الباطل» نگاشته است و آن را دردوماه بسال ٩٠٩ (ع ١-ج ٣) بپایان رساند وهمه کتاب علامه بجز دیباچه رادر آن گنجاند . قاضی ضیاء الدین نورالله شوشتری مرعشی (٩٥٦ - ١٠١٩) دراحقاق الحق وازهاق الباطل خود از روزبهان خرده گرفت و روی نوشتن این کتاب ومجالس المؤمنین بود که بدستور نورالدین محمدجهانگیر پادشاه مغولی هند (١٠١٤-١٠٣٧) اورا باتازیانه خاردار بکشتند ودر آگره هند بخاك سپرده شد. همین قاضی مجالس المؤمنین را از ١ رجب ٩٩٨ درلاهور تاپنجشنبه ٢٣ ذی قعده ١٠١٠ نوشته واحقاق الحق رادر هفت ماه (بجز شبها) نگاشته و آخر ربیع یکم سال ١٠١٤ در آگره بانجام رساند (١) .

نصیرالدین حسین بن عبدالوهاب بهبهانی بدستور میرزا سعد الدین محمد

---

١ - احقاق الحق درایران بسال ١٢٧٣ ودرمصر پاره ای از آن ودر نجف نیمه نخستین آن بچاپ رسید. شوشتری دررد برصواعق محرقه ابن حجر هیتمی (٩٠٩-٩٧٤) نیز صوارم مهرقه نوشت و آنرا پس ازمجالس المؤمنین ومصائب النواصب واحقاق الحق بپرداخت .

وزیر درروزگار شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۵) احقاق‌الحق‌را بپارسی کرد. ودر دیباچه نام بالارا بدان داد. اودر آغاز متن را هم آورده سپس ترجمه نمود. و ترجمه اولفظی است(۱).

آغاز: بسمله. سعداکبر دولت، ازبرج اقبال سعادتمندی، طالع است که ولای والای اهل بیت نبوت‌را اعظم نعمای الهی دانسته، شکرگزاری این موهبت عظمی را، سرمایهٔ ایمان وگوهر مراد ایقان داند.

انجام: پس ازما هم پیش ازاین رد نموده‌ایم پس بیاد بیاور. تمام‌شد ... مجلد اول ازترجمه احقاق‌الحق پس اینك شروع... درجلد ثانی می‌نمائیم. والحمدلله‌رب العالمین ... والصلوة والسلام علی سیدنا محمد و آله اجمعین.

[۷۴۹]

۳۲۸ این نسخه بخط تعلیق باعنوانها ونشانه‌های شنگرف میباشد ودر جدول زرین ولاجوردی و ٥ برگ نخستین اندکی موریانه خورد وکمی از عبارت ها رفته است.

(۳۱۷۷ک) — کاغذ ترمه سمرقندی — جلد تیماج سرخ ضربی فرسوده

اندازه: ٥ر۱۳×۲۴و۱۱×۲۲س۳۰

[٦۰۹] باب حادیعشر (عربی)

علامه حلی مصباح‌المتهجد شیخ طوسی‌راکه درعبادات و ادعیه است بخواهش

---

۱ ـ قاضی دردیباچه (گ۱۷ب) میگوید که دبیران قزوینی وقطب شیرازی واحمد بن‌محمد کیشی‌ورکن‌الدین موصلی‌متسیدومولی نظام‌الدین عبدالملك‌مراغی باعلامه گفتگو میکرده‌اند. نیز مینویسد که اولجایتومحمدخدابنده پس‌ازگفتگوی پسرصدرجهان‌بخاری حنفی بامولی نظام‌الدین‌عبدالملك‌مراغی شافعی‌روش شافعیان‌پذیرفت وپس‌ازگفتگوئی که میان‌علامه بادانشمندان‌سنی‌شده ونهج‌الحق وکشف‌الصدق که‌اونوشت اوبابسیاری ازفرماندهان وسپاهیان‌وبزرگان ودانایان بکیش شیعی گرائیدند. احقاق‌الحق‌رامیرزا محمد نائینی (م۱۳۰۵) هم بپارسی کرده وچیزهائی افزود یاکاست. نیز بنگرید به: ذریعه ج۱ص۱ـ۲۹۰ وج٤ص۷٥ ـ فیض‌الاله فی‌ترجمه قاضی نورالله آقای محدث ـ فهرست کتابخانه فاضلیه‌طوس ش۱ص٥ ـ روضات‌الجنات درسرگذشت پاشا روزبهان ص٥۰۰ چنانکه ازمقامات سید نعمةالله جزائری میآورد روز بهان نیای پدری میرزا مخدوم شریفی بوده است.

وزیرخواجه عزالدین محمدبن‌محمد کوهدهی درده باب گزین‌نمود و منهاج‌الصلاح فی‌مختصرالمصباح نامید ویکباب‌دراعتقادات‌بااستدلال بنام «الباب‌الحادی عشر فیما یجب‌علی‌عامة‌المکلفین من‌معرفة‌اصول‌الدین» بر آن‌افزودوهمین است که‌دانشمندان بدان مینگریستند و گزارشها بر آن نوشتند و بچاپ رسید .

[۷۵۰]

این نسخه شماره۲دفتریست دارای٤ رساله وبخط نسخ باعنوانهای‌شنگرف ۸۹۳ گ۸٦ب ـ ۱۰۰ب از نعمت بن مسلم‌بن سالم مسلمی حویزاوی درنیمه روز سه‌شنبه نه‌شب‌مانده ازماه‌شعبان‌سال۹۹۲وگ۹۷سفیداست ودنباله‌مبحث‌یکم فصل ششم (امامت) ومبحث‌دوم وآغاز مبحث سوم همین‌فصل‌را ندارد . محمدبن‌یعقوب جزائری‌دارنده‌نسخه بوده‌درآدینه۲۷ع۲سال۱۰۰٦گ۸٦الف. شماره۱جعفریه کرکی است بهمان خط باحواشی بتعلیق ریزگ۱ الف ـ ۸٤الف تاریخ روزیکشنبه۲۱شوال ۹۹۲ ازهمان نعمت و۳الفیه شهیدیکم است بهمان‌خط نعمت درشام شنبه‌پنج روزمانده ازشعبان ۹۹۲ گ ۱۰۲ب ـ ۱۳۸ ب و برگهای۱۱٦ ـ ۱۱۹ سفید و کتاب ناقص‌است و٤فقه شیخ حسن‌بن زین‌الدین عاملی نگارنده معالم بخط تعلیق باعنوانهای شنگرف محمدبن یعقوب جزایری قطرانی گ۱۳۹الف ـ ۱٤۳ب میباشد . در کنارگ۱٤۳ب اجازهٔ روایتی است که علی‌بن احمد بن‌شیخ صالح‌عاملی درآغاز محرم۱۰۱۰ بشاگرد خود میدهد. مهرمحمدحسین‌بن عبدالرحیم درگ۱الف دیده میشود .

(همه دفتر ۱۴۴گ) ـ کاغذ فرنگی جلدتیماج زرده‌قوالی‌ساده

اندازه : ۱۵×۲۱و۷×۹س۹

[٦۱۰] بدا (رساله در . . .) (فارسی)

این نگارش ازمولی محمد شفیع پسرفرج گیلانی وبرادر محمدرفیع گیلانی میباشد . برادرش درطوس‌مدرس بوده ودر۱۰۸۵ ازمحقق‌سبزواری (م۱۰۹۰)ودر ۱۰۸۷ ازامیر ماجد دشتکی (ماجدبن محمدبحرانی قاضی شیراز وسپاهان)اجازه گرفته است. خود اوشیخ‌الاسلام رشت وشیراز بوده وبگواهی پایان کتاب پس از مجلسی (۱۰۳۷ ـ ۱۱۱۰) آنرا نوشته است. اودر این‌گفتار که ۷فصل ویك‌خاتمه میباشد بروش متکلمان شیعی اخباری رفته وگاهی نیزاز فیلسوفان خرده گرفت .

رسالـه بپارسی شیرین و شیوا وروان میباشد و نخست شالودهٔ بدارا(۱) ریخته و اشکالها راآورده ورد نمود . درفصل٤ نیزازمجلسی یادنمود (گـ۱۵۲ الف ش ٥ر٨٨٤) .

آغاز: حمد وسپاس بیقیاس خداوندی را سزدکه وصف کمال ذات بیمثالش از حیطه نعمت و بیان بیرون است .

---

۱ ـ بدا وتقیه ازنشانه‌های آئین شیعی است وهمین دورا دشمنانی مانند سلیمان بن جریررقی رهبر سلیمانیان بهانه گرده از آن خرده میگرفتند ، چنانکه در فرق‌الشیعه نوبختی یاسعدبن عبدالله می بینیم (چاپ نجف ص٦٤) وازآن پیداسنکه ریشهٔ بدا داستان امامت اسماعیل فرزند امام جعفرصادق ع ومردن‌او است.

فرق‌الشیعه را یکبار ربترخاورشناس آلمانی دراسلامبول بسال۱۹۳۱ وباره‌دیگر محمد صادق آل بحرالعلوم درنجف بسال۱۹۳٦ بچاپ رساندند وآن ازابومحمدحسن بن موسی نوبختی(م میان۳۰۰و۳۰۱)خواهرزاده ابوسهل اسماعیل نوبختی‌وفیلسوف ادیب دین‌شناس نگارنده «آراء ودیـانات» دانسته شد وبرخی گفتند شاید از سعدبن عبدالله بن ابی‌خلف نمیری اشعری قمی محدث شیعی (م۲۹۹یا۳۰۰) نگارنده « بصائر الدرجات» باشد (خاندان نوبختی) .

ابوالحسن علی‌بن اسماعیل (۲٦۰ ـ ۳۳۰) رهبراشعریـان درمقالات‌الاسلامیین و اختلاف‌المصلین (چاپ مصر $\frac{۱۳٦۹}{۱۹۵۰}$ ج۱ص۱۰۹) میگوید که رافضیان در بدا سه گروهند ویکی آنرا نمی‌پذیرند. شیخ مفید (۳٦۸ـ٤۱۳) درتصحیح‌الاعتقاد (چاپ دوم ص۲٤) بدارا تاویل پسندیده‌ای کرد وگفت که آن سمعی است. دراوائل‌المقالات نیزگفته که چون ازپیشوایان آنرا شنیده‌ایم پذیرفتیم واگرنه چنین چیزی نمی گفتیم وبرای آنهم معنائی یاد میکنیم که خرد بپسندد ومیان من ودیگرمسلمانان دراین بـاره جز درلفظ خلافی نیست .

این مسئله‌را فیلسوفانی مانندداماد در« نبراس‌الضیا فی‌شرح‌باب‌البداء واثبات‌جدوی الدعاء»وصدرای‌شیرازی‌در«موقف ٤فن۱ ج۳ دربحث ازاراده خدا از اسفار » وفیض کـاشانی در«وافی ج۱ص۱۱۲وعلم‌الیقین ص٤۲ و٤۳» بروش فلسفی‌خویش بررسی نمودند. مجلسی دررساله بدا و بحار ج۲ص۱۳۱ـ۱٤۳ ازآن گفتگو کرد و دیگران هم بروش اخباریان شیعی ازآن گفتگو داشتند وسخنان‌آن فیلسوفان رانپذیرفتند. از

بقیه حاشیه درصفحه بعد

انجام : وبعد از آن تغییریابد و فرماید که بداشد تا اینکه ضعیف‌الایمان و قوی‌الایمان ممتاز شوند (انتهت کلماته‌الشریفة و انتهت بانتهائها تبرکافی‌الاختتام بهاهذه الرسالـة والحمدلله اولا و آخرا وظاهرا وباطنا تمت (بالخیر) بعون‌الله و حسن توفیقه) .

[٧٥١]

٣١٦ این نسخه بخط تعلیق خوش با عنوانهای شنگرف و آینها وخبرها بنسخ وزیر خط سرخ‌میباشد.عنوان مطلبهادرهامش بخط تعلیق باحاشیه‌هائی ازخودگیلانی که به«منه ظله‌العالی» پایان می‌یابد وبهمان خط متن‌است وریزتر .

(٤٧٢ب) - کاغذ ترمه‌سپاهانی—جلدتیماج‌ضربی

اندازه : ١٤×٢٠و٦ · ١١س١٤

[٧٥٢]

٨٨٤ این نسخه شماره٥ دفتر وبخط تعلیق شکسته (گویا ازهمان اسماعیل‌حاجی ابراهیم نویسندهٔ ش٨٨٤/٣ درصفر ١٢٠٠) باعنوانهای شنگرف بـاحاشیه هائیکه به«منه مدظله‌العالی» پایان میبابد گ١٥٢الف ـ ١٦٩ب .

این نسخه ازمیانه فصل٤ آغاز میشود وچنین است: «که اثبات میکنی دروجود چیزیراکه خدا اراده نکرده ...» برابربا س٣گ٢٦ الف‌ش٣١٦ .

[٦١١] **البراهین‌القاطعة فی‌شرح تجریدالعقائدالساطعة** (عربی)

شریعتمدار حاج مولی محمد جعفر (م ١٢٦٢) تجرید خواجه طوسی‌را در شش جلد (امورعام وپنج اصل شیعی)گزارش نمود .

[٧٥٣]

٢٩٨ این نسخه‌بخط نسخ باعنوانهای‌شنگرف موسی بن‌محمدرضا تفرشی‌در١٢٦٤ میباشد وجلد دوم‌وسوم وچنین است:«بسمله‌الحمدلله‌الذی هوالواجب‌الوجود بالذات ... فهـذا هوالمجلدالثانی من‌البراهین القاطعة ـ من‌المعجزات التی

بقیه حاشیه صفحه پیش

سخنان داماد درقبسات (ص٨٥) پیداستکه امام رازی بدارا ازرافضیان دانست وازآن خرده گرفت. اومیگوید که چنین‌نیست ودردو صحیح‌بخاری‌ومسلم ودیگراصول‌سنی‌نیز یادی ازبداشده وآنهم دربرابر یهوداست که گفته‌اند خداازآفرینش بیاسود و شیعیان ازبدا تغیرزمانی میخواهند نه‌دهری. ازگفتاراشعری درمقالات (ج١ص ٢٥٦) برمیآید که همه‌معتزلیان میگویند که بدابرخدا ونسخ دراخباراو ناروا است .

اشرنا الی بعضها فی باب النبوة» و نویسنده مینویسند : «قد تم جلد الثالث من کتاب البراهین تصنیف قدوة المجتهدین الحاج محمد جعفر الاسترابادی » .

(۳۷۵ک) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج سرخ ضربی

اندازه : ۲۰×۵ر۳۰ و ۱۲×۱۲ س۳۰

[۶۱۲] **پاسخ مقابی** (عربی)

کسی ازمحمدبن علی بن عبدالنبی مقابی بحرانی ازدانشمندان سده ۱۲ پرسیده که عذاب قبرچون است . اواین پاسخرا داد .

آغاز: بسمله الحمدلله رب العالمین... فیقول شیخنا الشیخ محمدبن علی البحرانی انه قد وردت علی من بعض منکری عذاب القبر مسئلة اراد الجواب عنها فلما وردت علیه هذه الرسالة استحسنها فاذعن بالحق بعد الانکار .

انجام : کالکفار یخدلهم خدالی النار التی خلقها الله فی المشرق وفیها کمل کفایة والله ولی الهدایة . والحمدلله رب العالمین .

[۷۵٤]

این نسخه شماره ۲ دفتر است و بخط نسخ با نشانه‌ها و عنوانهای شنگرف از بازیاری نزدیك ۱۱۶۹ گ ۳٦٤ ب ــ ۳۷۲ب . دنبال آن در گ۳۷۲ب-۳۷۷ الف رساله‌ایست درسرگذشت چهارده معصوم در ۱٤ باب . **٦٩٥**

(همه دفتر ۳۴۷ک) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج مشکی کهنه ضربی مقوالی

اندازه : ۱۹×۲۱ و ۱۱×۱۷ س۱۷

[۶۱۳-۶۱۷] **پاسخ و پرسش** (فارسی)

درنسخه۸٦۹ اینکتابخانه ۵ پاسخ و پرسش هست که اکنون یادمیکرد :

۱ ــ دراینکه نمیشود بهشت ودوزخ همیشگی و نامتناهی باشند و آنرا محمدبن شیخ امام‌الدین کردستانی پرسیده و پاسخ گرفت .

آغاز: بسمله الحمدلله رب العالمین . . قدارسل الی جناب العالم ... الشیخ محمدبن المرحوم الشیخ امام‌الدین الکردستانی ... بمسائل معضلة وقد امرنی . . انا اجیب عنها بلسان الفرس .

انجام: ودراینجا بهمین قدر اکتفا میشود .

(گ ١ب ـ ٣٤ الف . نوشته در ١٥ ع ٢ سال ١٢٧٢) .

٢ ـ دراینکه «ام‌الکتاب» چیست و پرسش شیخ یوسف‌بن شیخ‌محمد حسن کردی . در کرمان این پاسخ بنگارش در آمد و نگارنده‌در دومی وسومی وچهارمی این پاسخها میگوید که بدرخواست پرسندگان بپارسی نوشتم و گرنه مطلبهای علمی را بپارسی دشوار توان نوشت .

آغاز: بسمله . الحمدلله رب‌العالمین ... انه قدارسل الی ... جناب‌الشیخ یوسف بن‌الشیخ محمد حسن‌الکردی ... بمسائل مشکله .

انجام: وبدا در آن راهبر نیست وممتنع است وقوع بدا در آن .

(گ ٣٥ب ـ ٤٨ ب ویکبرگ بریده شده).

٣ ـ درباره چند مسئله از کلام وفقه و پرسش امان‌الله خان دوم فرمانروای کردستان که در ١٢٧٠ پاسخ داده شد .

آغاز: بسمله‌الحمدلله رب‌العالمین ... چنین ... (سفید است) که درساعتی میمون وزمانی برکت مشحون که در گوشهٔ انزوا غنوده بودم .

انجام: تعلیقه سامی درششم ماه ذی‌حجه بحقیررسید ... واینک‌صبح هشتم است که باوجود اشتغال‌بمشاغل عدیده‌انجام یافت‌بقلم مصنفش درسنهٔ هزارودویست و هفتاد هجری حامد اولاقوة الا بالله العلی العظیم (٤٩ ب ـ ٧٣ ب و شش برگ بریده شده) .

٤ ـ پاسخ بپرسش همودر کلام .

آغاز: بسمله‌الحمدلله رب‌العالمین... چنین گوید بنده ... (سفید است) که‌در بهترین ازمنه وخوشترین آونه‌وارد شد .

انجام: فارغ شدم‌ازتحریر این‌اجوبه درشب‌ششم شهرربیع‌الثانی سنه‌١٢٧٢ هزار ودویست وهفتاد و دوهجری حامدا مصلیا مستغفرا .

(گ ٧٤ب ـ ٩٩الف . دوبرگ بریده است) .

٥ ـ در پاسخ پرسش سپاهانیان‌درباره قرآن که‌حاج محمد صادق آورده‌بود.

آغاز: بسمله الحمدلله رب العالمین ... انه قداتانی جناب الحاج المعظم ... الحاج محمد صادق بمسائل من اصبهان.

انجام: فارغ شد ازتسوید این اوراق مصنفش ... (سفیداست) ابراهیم در عصر یوم الثلثا هشتم شهر شوال سنهٔ هزار ودویست وهفتاد هجری حامدا مصلیا مستغفرا (گ ١٠٠ب ـ ١٢٨ب) درهیچیك ازاینها درست شناخته نشده که پاسخ دهنده کیست.

[٧٥٥-٧٥٩]

٨٦٩ این نسخه‌ها شماره‌های ١ تا ٥ دفتر است وهمه بخط نسخ پاسخ دهنده که شناخته نشد .

(همه دفتر ١٢٨ گ) — کاغذ فرنگی آبی جلد مقوا
اندازه : ١١ · ٥ر١٧ و ٦ · ١١ س ١٤

[٦١٨] **تحریر شرح لمع** (عربی)

گویند که رهبر اشعریان امام ابوالحسن علی بن اسمعیل اشعری متکلم جدلی (٢٢٠ـ٣٣٤) ازدویست تاسیصد نگارش دارد وخود اودر «العمد فی الرؤیة» نوشته های خویش را که تاسال ٣٢٠ بپرداخت برشمرد واز آنجا چنانکه ابن عساکر دمشقی (٤٩٩ـ٥٧١) در «تبیین کذب المفتری فیمانسب الی الامام ابی الحسن الاشعری» چاپ دمشق بسال ١٣٤٧ ص ٣٠ـ١٢٩ آورده است برمیآید که او «الموجز» رادر ١٢ دفتر نوشته ودر آن از آئینها وامامت گفتگو نموده ونص و عصمت را رد کرده است سپس «ایضاح البرهان فی الرد علی اهل الزیغ والطغیان» نگاشته وهرچه را که در موجز بررسی نمود دراین‌هم یادکرد و آنرا دیباچهٔ ومدخل موجز ساخت آنگاه «اللمع الکبیر» را بپرداخت و آنرا دیباچهٔ «ایضاح البرهان» نمود پس ازاین «اللمع الصغیر» نوشته و آنرادیباچهٔ «اللمع الکبیر» ساخته‌است. بازمیگویدکه من «اللمع فی الرد علی اهل الزیغ والبدع» نوشته‌ام ودرباره آن «کتاب لطیف» گفته وشاید این جز آندو «لمع» نباشد چه سبکی در طبقات (ج ٢ ص ٣ ـ ٢٥٢) جزاز دو «لمع» اشعری(١) یاد نکرده است . قاضی ابوبکر محمدبن الطیب باقلانی متکلم اشعری

١ ـ برای تاریخ زاد ومرك اشعری بنگرید بهمان «تبیین» ص ١٤٦ که میگوید او

بقیه حاشیه درصفحه بعد

(م٤٠٣) بر «لمع» گزارشی نگاشته است و این گزارش را کسانی در شیراز تختگاه فنا خسرو نزد باقلانی میخوانده‌اند. هنگامیکه او بشیراز آمده بود ابن‌خفیف (ابو عبدالله محمدبن خفیف بن اسکفشاذ دیلمی نیشابوری شیرازی صوفی شافعی شاگرد جنید نهاوندی بغدادی وحلاج که در نزدیك بصدسالگی در ۳۷۱ در گذشت) «لمع» را درس میگفت (التمهید باقلانی چاپ مصر در ۱۹٤۷ ص ٥٠-۲٤۸-شدالازار ش ۱) قاضی عبدالجبار معتزلی چنانکه خواهیم دید نقضی براین لمع دارد(۱).

نگارندهٔ ایندفتر (نسخهٔما) چنانکه در دیباچه آن میگوید گزارشی را که باقلانی بر لمع اشعری نگاشته است گسترده و واژه‌های دشوار آن را روشن ساخت

بقیه حاشیه صفحه بعد

در ۲٦۰ زاده و در ۳۲۰ یا ۳۲٤ یا میان ۳۲۰ و ۳۳۰ در گذشت. از نوشته‌های او «النوادر فی دقائق الکلام» و «الادراك فی فنون من لطائف الکلام» و «نقض لطیف الاسکافی» و «کتاب علی اهل المنطق» میباشد (ص ۱۳۲-۱۳٥) - یکی ازدو «لمع» اشعری که پاسخ و پرسش است و بدرخواست کسی نگاشته درموزه بریتانیا (ش ۱۷۲ ص ۱۰٤) هست (برو کلمن تاریخ ج ۱ ص ۱۹٥ ش ۳).

۱ - دانشمندانی چند بنام لمع نگارش دارند:

۱ - اللمع فی النصوف از ابی نصر عبدالله بن علی سراج طوسی م ۳۷۸.

۲ - اللمع فی النحو از ابی الفتح عثمان بن جنی موصلی م ۳۹۲.

۳ - اللمع فی الاعتقاد از امام عبدالکریم بن هوازن قشیری نیشابوری اشعری شافعی صوفی م ٤٦٥.

٤ - اللمع فی اصول الفقه از شیخ ابی اسحق ابراهیم بن محمد شیرازی فیروزآبادی م ٤۷٦ که خود بر آن گزارش نوشته وضیاءالدین ابوعمر عثمان مارانی کردی م ٦۲۲ وابومحمد عبدالله بن احمد بغدادی نیز آنرا گزارش کردند.

٥ - اللمع فی الکلام یا لمع الادله از امام الحرمین ابوالمعالی عبدالملك بن عبدالله جوینی شافعی (٤۱۹-٤۷۸) که امام فخرالدین رازی (٤ یا ٥٤۳-٦۰٦) معالم خویش را بر این لمع املا نمود و شرف‌الدین بن تلمسانی املاء کوتاهی بر آن کرده است (بنگرید به: کشف الظنون - فهرس الخزانة التیموریة چاپ دارالکتب المصریة ۱۳٦۹/۱۹٥۰ ج ٤ ص ۱۱٥ ش ۳٥۸/۱٥ مجامیع) - از شریف ابی المعمر یحیی بن محمد بن طباطبا علوی حسینی م ٤۷۸ نیز شرح اللمع یاد شد.

ومسئله‌هائی بر آن بیافزود وخرده گیریها که از آن کرده‌اند ردنمود و گویا بسخنان قاضی عبدالجبار همدانی مینگرد .

او ازنگارنده لمع بنام «شیخنارض» یا «شیخنا ابوالحسن‌رض» یادمیکند(۱۶ب ۵۸ب ـ ۶۸ الف ۸۷الف ـ ۱۶۳الف) باز میگوید : «وغرضنا الان التعرض لشرح کلام شیخنا فی‌اللمع‌ـ۶۷ب» نیزمیگوید: بدعت گذاران‌درباره لمع شیخ ماجستجو هاکردند وخرده ها گرفتند و اوهم پاسخها بدانها داده است . اینـان بنگارشهای گسترده و کلان اوننگریستند چون میدانستندکه در آنها هرچیزی آمده و خرده از آنها نتوان گرفت . (۵۸الف)ما بخرده‌هاکه بدعت گذاران بر«شیخنارضی‌الله‌عنه» درلمع گرفته‌اندپاسخ‌میگوئیم (۵۸الف‌ـ۶۸ب)ـ او گزارنده‌لمع را «القاضی‌الجلیل ابی‌بکر رضی‌الله‌عنه» میخواند (آغاز) و میگوید : « علیه عول‌القاضی فی‌الشرح ـ ۸۳ب» ازسخنانش پیداست‌که قاضی جزشیخنا میباشد (۱۶ب ـ ۶۸الف ـ ۲۱۵ب ۲۱۶ الف وب» چه میگویدکه قاضی رض بپیروی ازشیخ ما در آغاز « شرح کتاب اللمع» خویش نخست خدارا ثابت نموده آنگاه حدوث جهان را روشن بساخت. گرچه اینکار پسندیده است مگراینکه مانخست آشکار میداریم که جهان نبود و پیدائی گرفت‌سپس‌بود آفریننده‌را هویدامیسازیم(۱۶ب)ـازهمه این‌سخنان‌برمیآید که ایندفتر گزیده و گلچینی است از گـزارش ابویکر باقلانی متکلم نامور اشعری (۴۰۳ه) برلمع‌رهبراشعریان‌باافزوده‌ها ودیگر گونگی‌هائی‌و گزیننده‌پس‌ازباقلانی میزیسته است .

دراین گزیده داردکه استاد ابوبکر رضی‌الله عنه ازقاضی پیروی نمود وپیداست که دوتن را میخواهد (۹۱الف ـ ۸۱ب ۱۹۸الف) نیزداردکه اودفتری درتأویل خبرهای دشوار نوشته است (۱۵۹الف) وبرقـاضی مقدم میباشد (۲۰۸ الف) پس گزیننده پس‌از استاد ابوبکر میزیسته است . و ازآن‌ابن فورك (پورك) محمدبن حسن‌بن فـورك انصاری سپاهانی متکلم اصولی جـدلی زاهد واعظ شافعی دشمن گرامیان (کشتهٔ بزهر در۴۰۶) ونگارندهٔ «مشکل‌الحدیث» یا« مشکل‌الاثار » را

میخواهد. در گ۲۳٤ الف یادی ازعبدالجبار همدانی م٤١٤یا٤١٥ میکند ودر گ ۲۲۵الف میگوید : «هذا مایذکره شیخی ابوالقاسم الاسفراینی رض ... وفیماذکره وجه من المناقشة» پس او شاگرد اسفرائینی بوده است و او همان استاد ابوالقاسم عبدالجبار بن علی بن محمدبن حسکان اسکاف اسفرائینی (شهرکی درنیشابور) اشعری (م٤٥٢) میباشد که دراصول استادامام الحرمین واز فقیهان ومتکلمان بزرك بشمار آمده یگانهٔ روزگار خویش وپیشوای دویره بیهق بوده درفتوی وتدریس بر دیگران برتری داشت .

نیز میگوید: «وذکر بعض المختصین به وهوالقاضی ابوجعفر السمنانی رحمه‌الله ۲۳۹الف» وازاو ابوجعفر محمدبن احمد قاضی متکلم فقیه اشعری سمنانی (۳٦۱-٤٤٤) ازشاگردان وشناختگان باقلانی رامیخواهد وپیداستکه پس ازاوهم میزیسته استوی نگارشی دارد بنام «البیان عن اصول الایمان والکشف عن تمویهات اهل الطغیان» که فهرست مطلبهای آن در Introduction á la théologie musulmane از L . Gardet و M.M. Anwati چاپ پاریس بسال ۱۹٤۸ آمده (ص ٥-۱۸٤) ودرص ۷-۳٦٥و۹-۳۷۸ نیز درباره آن بررسی گردید ونسخهٔ آن درمکتبه عثمانیه حلب بشماره ۵۷۷ هست .

نیز گزیننده میگوید استاد ابواسحق رض (۱۹الف - ٦٦الف -۹۲ب - ۱۵۰ب -۱۵۳الف - ۱۵۸ب - ۲۲۵الف - ۲۳٦ب) واز آن ابواسحق ابراهیم بن محمدبن .. مهران اسفرائینی محدث حافظ (م عاشورای ٤۱۸)را میخواهد. اودر اسفرائین بخاك سپرده شد ونگارنده «الجامع الحاوی (جامع الحلی والخفی) فی اصول الدین والرد علی الملحدین» میباشد که کتابی است بزرك ودر پنج مجلداست وجوینی در« الارشاد الی قواطع الادلة فی اصول الاعتقاد» چاپ مصر بسال ۱۹۵۰ص ۳۳۳ از آن میآورد (نیزهامش همان ص۳۳) وشاهپور اسفرائینی درالتبصیر (چاپ ۱۹٤۰ مصرص۱۱۹) از آن و«المختصر فی الرد علی اهل الاعتزال والقدر» هموی‌اد کرده وهردورا بسیارمیستاید. پیداست که استادابواسحق شیرازی (٤۷٦م) دراینجا

خواسته نشده .

دربارهٔ شیخ امام رکن‌الاسلام ابوالمعالی عبدالملك‌بن عبدالله بن یوسف جوینی (۴۱۹ـ۴۷۸) گاهی میگوید : « ادام‌الله سعادته» (۴۹ب) و گاهی : «رضی‌الله‌عنه» (۸۱الف)

این دانشمند هنگام گیرو دار معتزلیان و اشعریان بحجاز رفته در مکه ومدینه چهارسال بماندو درس گفت وفتوی داداز اینرو ویرا امام‌الحرمین نامیدندسپس در روزگار الب‌ارسلان (۴۵۵ـ۴۶۵) و نظام‌الملك (۴۰۸ ۴۵۵ـ۴۸۵) که‌خراسان آرام گشت بنیشابور رفت وسی‌سال در آنجا بزیست ودرمدرسه‌ایکه‌نظام‌الملك برای‌او ساخت درس‌میگفت‌واز پیشوایان‌و گرانمایگان‌سیصدشاگرد داشت. اورا بجزارشادوبرهان نگارشی است بنام«شامل» که بخشی‌از آن درکوپرولو Köprulü وقاهره‌هست وفهرست مطلبهای آن درهمانکتاب Introduction ص۴ـ۱۸۱ آمده‌است(۱).

نگارنده ایندفترکه نامش نادانسته است‌پس ازقفال‌شاشی م۳۶۵و بافلانی م۴۰۲ وابن فورك م۴۰۶ وعبدالجبار م۴۱۴یا۴۱۵ وابواسحق اسفرائینی م۴۱۸ میزیسته وشاگرد ابوالقاسم اسفرائینی م۴۵۲ بوده وشاید سمنانی (۳۶۱ـ۴۴۴) وابواسحق شیرازی م۴۷۶ را دیده‌باشد. وی درروزگار جوینی (۴۱۹ـ۴۷۸) وپس ازاو زنده بود . پس اوپیش از ۴۵۲ وپس از۴۷۸ میزیست واینفتررا درسال ۴۷۸ واندکی پیش وپس از آن بپرداخت چه اودر مبحث اصل‌چهارم (۴۸ب‌تا۶۴الف) درانبات حدوث جهان بدلیل ناروائی نامتناهی بودن حادثها درگ ۴۹ب از جوینی بماننده زنده و در مبحث اثبات آفریننده (۶۴ـ۷۲) درگ ۷۱ الف بمانند درگذشته یاد میکند وپیداستکه آغاز دفترتا اصل چهارم پیش ازاینسال وبخشهای دیگر پس از آن بنگارش در آمد .

---

۱ ـ درباره سرگذشت ایندانشمندان بنگریدبه : ابن‌خلکان ج۱ ص۴۸۲ ـ انساب سمعانی ـ سبکی درطبقات ج۳ س۲۲۰ـ و دیگر کتابهای رجال ـ ذیل کشف‌الظنون ج۲ص۴۸۹ ـ حاشیهٔ ردمنطقیان ابن تیمیه ص۱۴۲

او در گ۹الف میگوید: «وقد بسطنا القول فی ذلك فی کتاب التلخیص فی الاصول» وسخن درباره قطع وظن وتصویب مجتهد است پس باید تلخیص در اصول فقه باشد. درالتبصیر ص ۱۲۰ ازاستاد امـام ابی منصور محمدبن الحسن بن ابی ایوب ابوبی نیشابوری م٤٢١ شاگرد ابن فورك وکتاب التلخیص اویـاد شده ومیگوید بهترین نگارشی است دررد بدعت گذاران وملحدان. پس آن در کلام بایدباشد و تلخیص گزینندهٔ ما بایددراصول فقه باشد. آنهم اوپس ازابوبی میزیسته است. در کشف الظنون دو تلخیص یادشده: «تلخیص الادلة لقواعد التوحید» ازابی اسحاق ابراهیم بن اسمعیل صغار پارسای حنفی بخاری (م٥٣٤ دربخارا) (سمعانی گ۳۵۳) و «تلخیص الاقسام لمذاهب الانام فی الکلام» ازشهرستانی (م ٥٤٨) .

دراینکتاب یاد میشود از: فیلسوفان (گ۵۲ب ـ ۷۲ب ـ ۸۱ب ـ ۸۳ب). و ترسایان (و مما ساله القاضی رضی الله عنه النصاری و طالب به) گ ۱۸۰ ب . و ملکانیان (ذهب الروم و هم الملکیه گ ۱۷۷ الف ـ ۱۷۸ الف) و نسطوریان (۱۷٦ب ۱۷۸الف ـ ۱۷۹الف) ویعقوبیـان (۱۷٦ب ـ.۱۷۸الف ـ ۱۷۹الف) و مرقیونیها (۵۲ب) واصحاب حلول(۱۷٤ب) ودیصانیان که روشنائی را زنده وتاریکی را مرده می پندارند (۵۲ب) ومجوس که روشنائی را قدیم وتاریکی را حادث میدانند (۵۲ب) وثنویان کـه روشنائی وتاریکی میگویند (۵۷ب) وملحدان (۵۱الف) و زندیقان (۱۸۱ب) ودهریان (۱۱۹الف ـ ۵۳الف ـ ٦۳الف ـ ۷۲ب) وطبایعیان(۵۱ب) وستاره شناسان (۵۳الف) ومعطلان (۷۳ب) وباطنیان (۸۱ب ـ ۸۳ب ـ ۱۸۱ب) وغالیان (۷۳ب) واهل تأویل (۹۰الف) ومعتزلیان بصره وبغداد که خرده گیریها از اشعری (شیخنا) کرده واز نادرستان (اهل زیغ) میباشند (۱٦ب ـ ۱۷الف ٦۸ب ـ ۱۵٤ب) وحشویان (۱۵۹ب) ومجسمان(۱۷۳الف) ومشبهان که مانند حنبلیان میباشند وکرامیان (۱۵۳الف ـ ۱۵٦الف ۱۵۷الف) .

نیز دارد : الاصولیون المنتمین الینا (۲۳٦ب) واهل حق دربرابر معتزلیان(۱۷ الف ـ ۱۹ الف ـ ۲۸ب ـ ۱۵٤ ب ـ ۱۵۹الف ـ ۱۷۰ الف) واز اینهـا اشعریان

خواسته شده .

ازایندانشمندان دراینجا یادکردید :

ابریقلس(۱) دهری (۵۲ب ـ ۶۳الف)ودارد : «قال (شیخنا) الحادث‌هوالمتاخر وربما ینبسط‌القول‌فیقول هوالمتاخر وجوده عن‌الازلی ورام باختیار هذه‌العبارة‌قطع شغبات لابن‌الراوندی ولا برقلیس اوردها یحیی‌الکندی فی‌بعض‌کلام‌الدهریة» (۶۳ الف) وهشام بن‌الحکم (م۱۹۹) شاگرد امام جعفر صادق وابی شاکرزندیق(رجال مامقانی) که میگوید خدا پرتوی است که مانند شبه‌سفید میدرخشد وباندازهٔ‌هفت بدست است وکوه ابوقبیس‌را نشان‌دادو گفت که خدا از آن اندکی‌بزرگترمیباشد. باز میگوید که او از عرش بزرگتر وباربر آن است . نیز گفته که شیئی جسم است (۱۷الف ـ ۷۳الف ـ۱۱۳الف) وداودجواربی مشبه شاگرد هشام‌بن سالم‌جوالیقی جوزجانی شاگرد صادق ع (۷۳ الف) و ابن زکریای پزشك (المتطبب) که پنج قدیم (زمان و مکان و نفس و عقل مبدع) گفته است وکیش او و مجوسان دیگر و اینگونه سخنان آنها الحادی است (۵۳ الف) و جهم بن صفوان خارجی شاگرد جعد بن درهم که در پـایان فرمانروائی امویان بسال ۱۲۸ کشته شد (۱۷ الف) و مقاتل بن سلیمان بلخی محدث مفسر مجسم م ۱۵۰ (۷۳الف) (الاعلام زرکلی) وصالحی معتزلی (۹۱ب در دوجـا) وثمامة بن اشرس قدری (م۲۱۳)که مأمون رامعتزلی ساخت ونظام بلخی‌بصری (۱۶۰ـ۲۲۱)وشبهه هاق او (۲۳الف ـ ۲۴ب ـ ۲۸ب) وابو یعقوب شحام بصری (۱۵۳ـ۲۳۳) شاگرد

---

۱ ـ همان‌پرکلس Proclus (۴۱۲ـ۴۸۵) که‌اورا لوکوئیس (ازمردم‌لوکیا = Lycie) ودیادوخوس پلاتونیکوس (جانشین پلاتون) میخوانده‌اندوفیلسوفی‌است نو پلاتونی که دراسکندریه فلسفه آموخته‌ودرچهل سالگی درآتن‌آنرا درس گفت‌وبجای سوریانوس رهبرآموزشگاه آنجاشد وسی‌سال درآنجا بمانـد وپس ازپلوتینوس از رهبران نامـورگروه نوپلاتونی بشمار است . او گزارشی برتیمائوس وپارمنیدس و نگارشهای هندسه‌دانان کهن نوشته و«پایه‌های خداشناسی» و«خداشناسی پلاتـون» دارد (لاروس سده ۱۹و۲۰) .

ابی‌الهذیل واستاد جبائی(١٦ب دوجا) وعبادبن سلیمان صیمری معتزلی (م نزدیك ٢٥٠) (٨٨ب ـ ٩١ب) وحسین‌بن محمدنجاربمی رازی متکلم‌جبری شاگرد بشر مریسی (م ٢١٨) ورهبر معتزلیان ری‌که بانظام‌گفتگو نموده وازعهده اوبرنیامدو ازاندوه بمرد (٢٤ب ـ ٧٤ الف ـ ٨٤الف) وابوالهذیل علاف بصری ز١٣٤ م٢٣٥ شاگرد شاگردان واصل (٨٨الف) وجبائی ازجبای خوزستان‌ز٢٣٥ م٣٠٣(١٧٩ الف ـ ١٩٢الف) وابوهاشم پسراوه ٣٢١ (١٥ب ـ ١٤٥ب ـ ١٤٦ب) وابن‌اخشید معتزلی بصری م٣٢٦ (٧٤ الف) وابن عیاش احمدبن محمد جوهری شیعی م ٤٠١ (قال‌ابن عیاش‌ان‌الاعتماد یولدالحرکة ویتجرد فیولد ـ ١٤٦ب) وابن‌مجاهد م٣٧٠ (ان‌ابن مجاهد رضی‌الله عنه من‌اشدالناس فی‌نفی‌الاحوال ـ ٨٤ب)وابوالعباس‌ناشئ معتزلی ازدستهٔ هشتم مانندکعبی و خیاط م ٢٩٠ (١٧الف ـ ٨٨ب) وکعبی بلخی م٣١٩ که درنخشب مدرسه‌ای بنیادگذارد (١٧الف) و عبدالجبار(١) درباره سبرو تقسیم‌حاصر واینکه‌نبود دلیل نابودن‌چیزی‌را نمیرساند ودارد: «وقدرددعبدالجبار ذلك فی«المغنی» اکثر من مائة مرة وهذا تناقض» (٢٣٤ الف).

١ـقاضی ابوالحسن عبدالجبار بن‌احمد اسدابادی همدانی بغدادی معتزلی‌اصولی شافعی(م پایان ٤١٤ یا٤١٥ دری) مناظر باشیخ مفیدکه درروزگار اسناد ابواسحق اسفرائینی وصاحب عباد وسید مرتضی ورضی میزیست‌ومرتضی دررد مغنی اوشافی را نوشته ورضی شاگردش بوده والعمد فی‌اصول‌الفقه‌رانزدش خواند ودرمجازات‌الحدیث النبوی خود دوجا ازش یادنمود وگفتار اورا آورد. قاضی بدرخواست صاحب پس‌از ٣٦٠ ازبغداد بری‌آمد ودرس میگفت وقاضی‌القضات همه‌ری‌گشت ونزداو بودکه با اسفرائینی برخورد نمود. گویند چهارصد نگارش دارد واین است برخی از آنها: تنزیه‌القرآن من‌المطاعن (چاپ قاهره در١٣٢٩) وطبقات‌المعتزله (چاپ‌هند) ونقض اللمع وامالی وعلم‌الکیمیا وتثبیت دلائل‌النبوة درخرده‌گیری ازباطنیان (بنگرید به: دیباچهٔ ناشر تنزیه ـ اعلام زرکلی ج٢ص٤٧٦ ـ ریحانة‌الادب ج٣ص٢٧٠ ـ روضات الجنات ص٢ـ٤٢١ ـ تاریخ بغداد ج١١ص٤ـ١١٣ ـ دیباچهٔ کوثری برکشف اسرار الباطنیه یمانی ص٩.

و نیز از قفال چاچی(۱) (واطلق القفال الشاشی . . . فانه رضی‌الله عنه‌لایسلك مسلك‌المعتزله ... وانتصر الاستاد ابواسحق رضی‌الله عنه‌له ـ ۲۳٦ ب) .

از قاضی باقلانی این نگارشها(۲) در اینجا یادگردید : التقریب والتقریر هر دو اصول (۲۲٥) والتمهید در کلام ومیگوید که قاضی در آن ترسایان‌را ردنمود و گفت که درالنقض‌الکبیر والهدایة علی‌التمهید آنچه می‌باید از آنان خرده گرفتم (۲۳۹ ب ـ ۱٦۸ ب ـ باقلانی تمهید را در یکم شعبان ۳۷۲ نوشته و در ص ۷۸ ـ ۹٦ آن از ترسایان خرده گیری شده است) و از النقض (٥٤ الف ـ ۲۱۹ الف) .

والنقض‌الکبیر (۱٦۸الف)که با هدایة هـر دو در کلام ورد برترسایان است و الهدایه در کلام والهدایة علی‌التمهید (هدایة‌المسترشدین چنانکه در کشف‌الظنون آمده است) (۷٤ب ـ ۹۲الف ـ ۹٥الف ـ ۱٦۸الف ـ ۲۱۹الف ـ۲۳۹ب)ومایعلل ومالایعلل در کلام (۲۱۹الف) وکتاب العلل که همه‌مباحث آن درباره علتها دراین

---

۱ ـ چند دانشمند نام قفال دارند :

۱ ـ امام ابوبکر محمدبن علی‌بن اسماعیل قفال چاچی (شاشی) محدث فقیه اصول شافعی (۲۹۲ ـ ۳٦٤) وهمین ماناخواسته شده .

۲ ـ شیخ‌امام قاسم‌بن محمد قفال‌شاشی نگارندهٔ‌التقریب فی‌الفروع که امام‌الحرمین آنرا تلخیص نمود .

۳ ـ ابوبکر عبداله بن احمد قفال مروزی فقیه شافعی (م٤۱۷یا٤۲۷) کـه محمود سبکتکین‌را باخواندن نماز بروش شافعیان وحنفیان شافعی کرد .

٤ ـ ابوبکر محمدبن احمد قفـال شاشی فقیه شافعی (م٥۰۷) نگارندهٔ « العمدفی فروع‌الفقه‌الشافعیه» برای عمدة‌الدین مسترشد پسرمستظهر .

۲ ـ شاهپور اسفرائینی م ٤۷۱ در تبصیر ص ۱۱۹ میگوید که باقلانی نزدیك به پنجاه هزار برگ نگارش دارد واینده‌فترها را برشمرد : هدایـه و نقض‌النقض‌والنقریب فی الاصول والکتاب‌الکبیر فی‌الاصول درده هزار برك والکسب‌والتمهیـد او«الانتصار فی‌دفع مطاعن‌القرآن» نیز نوشته که بیمانداست‌ونسخه‌ای‌ازآن‌در کتابخانه‌قرامصطفی پاشا درآستانه هست که اندکی ازپایان‌را ندارد (زیرهمان صفحه) ـ درپایان‌تمهید درص۹ـ۲٥۷ فهرست نگارشهای اودیده میشودونام تقریب وهدایه که دفتریست کلان والاحکام والعلل ونقض‌النقض ونقض‌الفنون جاحظ وشرح‌اللمع برده شده‌است .

تحریر ما آمده است و نگارندهٔ در گ۱۰۶ب میگوید : « علی ما نوضحه فی کتاب العلل» وهمان بخشی را میخواهد که بنام «القول فیما یعلل وما لا یعلل» میباشد و در آنجا همه «کتاب العلل» باقلانی را با افزوده‌هائی از خود آورد (۲۰۶الف تا ۲۱۶ب) در گ۱۸۹ب میگوید : «ارتضاه الاستاد ابو بکر رض فی کتاب له تصفح فیه احکام العلل للقاضی» وچنین برمیآید که ابن فورك دفتری دارد که در آن به «احکام العلل» باقلانی نگریسته است .

نیز میگوید : «حکی الاستاذ فی دقیق(۱) الجامع» و « ذکر الاستاذ ابو اسحق رض فی الجامع طریقه» (گ۱۲۰الف ـ ۲۳۳الف) واز آن «جامع الجلی والخفی فی اصول الدین والرد علی الملحدین» رامیخواهد که نگارش شیخ ابی اسحاق ابراهیم بن محمد بن ابراهیم بن مهران اسفرائینی شافعی اشعری فقیه اصولی نامبردار باستاذ (م نیشابور ٤١٨) میباشد (کشف الظنون ج۱ص۳٦۱ـ۳۸٤) و شاهپور اسفرائینی م٤٧١ در تبصیر ص۱۱۹ میگوید که مانند آن نوشته نشده است .

باری این دفتر گاهی بنگارش در آمد که بازار جنك و ستیز و گفتگوهای پیروان سنت ومعتزلیان یایکدیگر ازیکسوی و با فیلسوفان ازسوی دیگر گرم بود وبخوبی روش واندیشهٔ اشعریان رامیرساند .

آغاز: نسمله. لااله الاالله ، عدة للقاء الله . الحمدلله رب العالمین والصلاة علی محمد واله. هذا . وقداستدعی طائفة یتعین اسعافهم، تحریر کتاب یتعلا عن المختصرات وینحط عن المبسوطات ، من جلة التصنیفات ، فی علوم الدیانات . فصادف الاختیار و

---

۱ ـ لطیف ودقیق مسئله‌هائی است فلسفی که دردفترهای کلامی برای پیوستگی آنها با اعتقادات آمده است . اشعری جلددوم مقالات الاسلامیین را به «اختلاف الناس فی الدقیق» آغاز کرد وخود چنانکه گذشت سه کتاب درلطیف ودقیق دارد. خیاط در انتصار در آنجا که ازابی الهذیل علاف (۱۳۱ـ۲۲۷) نام میبرد ازغامض ولطیف کلام یاد میکند(ص۷) شیخ مفید در «اوائل المقالات ازلطیف گفتگو نمود (ص۱و۲و۷۲تا۱۱۱ چاپ دوم) ابن حزم اندلسی م٤٥٦درفصل ازلطائف سخن راند (ج٥ص۲تا۱۳٦) واحمد بن یحیی بن مرتضی زیدی یمنی م۸٤۰ بخشی ازبحر زخار را بنام ریاض الافهام فی اللطیف من الکلام بدینگونه مسائل اختصاص داد .

الایثار «شرح اللمع» للقاضی الجلیل ابی بکر رضی الله عنه . ونحن ، ان شاء الله ، نوضح مشکلات الفاظه ؛ ونقرب ما اوجزه (من الابواب) بطریق البسط ، مع اجتناب التطویل وان اضطرت الحاجة الی الحاق ابواب ومسائل؛ الحقناها. واول مایصدور الکتاب به، فصول فی النظر : یرشد به الشادی ، ویستعین بها المنتهی . وبالله التوفیق . القول فی حقیقة النظر . . .

انجام : لان من شأن کل مقلد، ان یتمکن المقتدر من الاضراب عنه ولاوجه للعاقل فی الاضراب من عقله . و هذا لم اقله نقلا . وانما ذکرته قیاسا و اعتبارا . وفیه نظر . والله اعلم .

بخشهای این نگارش: «در بارهٔ نظر ۱الف. درستی نظر و خرده گیری از منکران (معرفت بروش اشعریان) ۲الف. حدوث جهان (شئی-وجود) ۱٦ب- هستی ها ۲۱ب- اثبات عرضها (اصل ۱) ۳۰ب- حدوث عرضها (اصل ۲) ۳۸ب- ناروائی بی عرض بودن گوهرها (اصل ۳) ٤٤ب — حادثها ناگزیر آغاز و انجام دارند (اصل ٤) ٤۸ب — بود آفریننده ٦٤الف — بیمانند بودن ۷۲ب — دو مثل ۱۷٤الف — دو غیر ۱۸۷الف — کتاب توحید، واحد و یگانه ۹۰ب- فصل ۱، یگانگی خدا و دلیل تمانع ۹۲ب — فصل ۲، روشهای معتزلیان در نپذیرفتن آن دلیل ۱۰۳ب — فصل ۳، توانا بودن قدیم ۱۰۸ب - جسم ۱۱۰ب — اکوان ۱۱۱الف- کمترین جسمها ۱۱۳ الف — ناتوانی معتزلیان در اثبات جسم نبودن خداوند قدیم ۱۱۵ب — خرده گیری از شبهه های مجسمان ۱۱۷ — خرده گیری از آنها در اینکه میگویند خدا جسم است ومؤلف نیست ۱۱۹الف — اکوان ۱۲۰الف — جنبشها ۱۲۷الف — اجتماع وافتراق ۱۲۸ ب — ناسازگاری سخنان جبائی و پسرش درباره تألیف ۱۳٤الف — سخنان ناسازگار معتزلیان درباره اکوان ۱۳۷الف — اعتماد ۱٤۰ب — قدیم راجهت ومحاذی نیست ۱٤۸الف — شبهه های مخالفان ۱۵۳ الف - تاویل برخی از کتاب وسنت ۱۵۹الف — خرده گیری از ترسایان ۱٦۸الف — اقنومها ۱٦۹ب — یکی شدن لاهوت و ناسوت ۱۷۱ب — شبهه های ترسایان درباره اتحاد ۱۷۵ب — سخنان ترسایان درباره گوهر، واقنوم نبودن آن ۱۷٦ب — خرده گیری از ترسایان دراینکه

بچندخدا میگویند ۱۸۰الف — پرسشهائی از آنها (ازباقلانی) ۱۸۰ب — سخنانی از انجیل ۱۸۱الف — کتاب صفات ۱۸۱ب - بود خدای قدیم ۱۸۱ب — بی آغاز بودن او ۱۸٤ب — پرسشهای دهریان و پاسخ آنها ۱۸۵الف - توانائی ودانائی وزندگی خدا ۱۸٦الف — کتاب علل (حال وعلت ومعلول) ۱۸۷ب — چیستی علت ۱۹۳الف — چگونگی اختلاف علتها ۱۹٤ب — بحثهای کلی درعلت (مایعلل ومالایعلل) ۱۹٦ب پذیرفتن علت و نپذفتن آن ۲۰٦ الف — وصفهای برخاستهٔ ازحدوث ۲۱٦ب — حد ۲۲٤ب. دلیلهای عقلی و نقلی ۲۳۱الف. مائیت وحددانائی ۲۳٦ب. دانائیهای گوناگون ۲۳۹ب — ۲٤٤الف».

[۷٦۰]

۳۵۰ این نسخهٔ گرانبهای بسیار کهن و بیمانند بخط نسخ و عنوانهای آن درشت‌تر میباشد. در کنار برگ ۱۳۰الف از آمدی وشریف گرگانی وشرح مواقف او یادگردید درگ ۱۳۷ب نیز حاشیه دیگری دارد بهمان نسخ ریز. نسخه ۲۵ کراسهٔ ده برگی است وشماره آنها تا کراسه ۲٤ درگوشه‌های بالائی وچپ رویهٔ هر یکی از برگهای دهم از ۱۰ تا ۲۳۰ نوشته شده است و از اینجا برمیآید که یك برگ از آغاز نسخه که شاید نام کتاب و نگارنده آن‌را میرساند افتاده است.

(۳۲۴۶ب) — کاغذ ترمه سمرقندی - جلد تیماج زرد تازه

اندازه : ۱۹×۴۷و۱۳×۲۱س۲۴

[٦۱۹] تحریر القواعد الکلامیه فی شرح الرسالة الاعتقادیه (عربی)

دانشمند عبدالرزاق پسر ملامیر گیلانی رانکوئی که درشیراز زاده ودر آنجا میزیسته است بدرخواست شاگردان خود برقواعدالعقاید خواجه طوسی گزارشی بدین نام برای محمدزمان‌خان (نسخهٔ ما) نگاشته‌است. نگارنده ذریعه (ج۳ص۳۸۸) میگوید که آنرا برای محمودخان فرمانروای کوه گیلویه نوشته ونسخه‌ای از آنرا درکتابخانه مولی محمدعلی خوانساری درنجف دیده‌ام که شاید بخط خود رانکوئی بوده و آنرا درشب چهارشنبه غدیر ذی‌حجه سال ۱۰۷۷ بپایان رساند - دردیباچه نام نگارنده و گزارش، یادشده و نام متن «قواعدالعقاید»، وازطوسی دانسته شد.

آغاز: بسمله. الحمدلله الذی تقدس بقدیم صفاته وتنزه عن صفات المخلوقین

بذاته وانطق بتوحيده طوامير آياته ... فان . . . عبدالرزاق بن ملا ميرالجيلانی الرانكوئی الشيرازی مولداومسكنايقول ان احدی المقالات... هوالمعارف الدينية.

انجام : ويكون لهالذات ضعيفة بحسب ادراكها لذاتها ولمالابدمنها (متن) من البديهيات والوجدانيات. قدكمل شرح هذه الرسالة بحمده... علی يد مؤلفه عبدالرزاق الجيلانی الرانكوئی الشيرازی مولد اومسكنا... فی عشية ليلة الاربعاء وليلة يوم الغدير من شهر ... ذی الحجة الحرام من سنة سبع وسبعين بعدالالف من الهجرة النبوية . . . عليه من الصلوات ازكارها ومن التحيات انماها واله الطيبين الطاهرين المعصومين الابرار صح ٥ .

[٧٦١]

٣٧٨ ابن نسخه بخط تعليق وروی متن خط سرخ كشيده شده وحاشيه‌هائی دارد با (منه وفقه اله تعالی) وبرخی جاها خط خورده ودرست آن نوشته شده وپيداست كه نسخه اصل ميباشد وبايد همان باشد كه بنوشته ذريعه نگارنده رياض آنرا نزد استاد علامه مجلسی ديده است . مگر اينكه غلطهائی در اين نسخه ديده ميشود مانند : الرسالة الموسومة بالقواعد العقايد (گ١ الف) ـ سمينه تحرير قواعد الكلامية فی شرح الرسالة الاعتقادية (گ٢ب) ـ در گ١ الف دارد : «نسخهٔ اصل بخط مصنف» وپس ازعنوان : «بخطه الشريف» وباز : «للحقير محمدباقر بن محمدتقی» (خط شريف مجلسی) . نيز: «مالكه المجازی القاضی ... (خوانده نشد) شهر ربيع المولود من شهور ١٢٦٥ بامهر «عبداله بن ابراهيم موسوی؟» .

(٣١٢٥) ـ كاغذ سپاهانی ـ جلد تيماج سرخ ضربی

اندازه : ٩ر٥×١٦ر٥ و× ١١ر٥ س ١٨

[٦٢٠] **تحفة الاخوان در طريق اهل ايمان** (فارسی)

اين نگارش در اثبات روش اماميان و تناقضهای چهار مذهب است (ذريعه ج ٣ ص ٤١٤) .

آغاز: حمد وثناء نامحدود وشكر وسپاس نامعدود مرحضرت صانع حكيم .

انجام : ودلايل بر امامت اهل البيت بيشتر از آن است كه بقلم درتوان آورد و بدين قدر اختصار كرده شد والحمدلله رب العالمين .

[٧٦٢]

این نسخه ۳۵ دفتراست وبخط تعلیق گ۱۱۰ب- ۱۲۸ب . ازگ۳الف تا
۱۰۱۵ ۱۷۱الف بیك خط است ودرگ۱٤٥ب پایان تاریخ منظوم چهارده‌معصوم
نوشته شده ودارد : «وقدتم فی ۱۵شهرذی‌القعدة الحرام سنة ۹۱۳ثلث‌عشر
وتسعمائة‌الهجریة . ٥

[٦٢١] تحفهٔ شاهی و عطیهٔ الهی (فارسی)

مولی زین‌الدین علی‌بدخشی تجریدطوسی‌را برای سلطان محمد قطب شاه
(۹۸۹—۱۰۲۰) بپارسی گزارش نمود ودر ج۲سال۱۰۲۳ آنرا بپایان رساند(ذریعه
ج۳ص٤٤۳). ۱۰

[٧٦٣]

این نسخه‌بخط تعلیق ومتن بنسخ‌وشنگرف میباشد وتنها بخش الهی‌رادارد
۳۳۸ تاپایان کتاب وچنین‌است: «باشدوحال آنکه ثابت کردیم حدوث‌را (درمبحث
توانائی خدا وپیش ازترجمه عبارت والواسطة غیرمعقوله) ــ تمام‌شد ترجمه
۱۵ شرح تجریدوتمام بحقیقت وقتی‌شود که پسندیده‌آید درنظر... المؤید من‌عندالله‌همایون
اعظم ... امیدکه ... ازدریای فیض مآثر خاطرمقربان درگاه الهی بروجود خاکی‌این
بنده کثیرالتقصیرمترشح گردد. درماه فلان‌بتاریخ فلان‌مرقوم گردید. والله‌اعلم بالصواب
والحمدلله رب‌العالمین .

(۱۷۹گ) - کاغذ ترمه سمرقندی — جلد تیماج کهنه ضربی
۲۰ اندازه :۱۷×۵ر۲٦و۱۰×۵ر۱۸س۱۵

[٦٢٢] التحفةالوجیزه (تحفةالاصول) (عربی)

علامه میرزا عمادالدین (سدهٔ۱۱) این رساله‌کوتاه را دراصول دین نگاشته
است تابتوان بآسانی یادسپرد .

[٧٦٤]

۲۵ این نسخه شماره ۱ دفتر بخط‌نسخ درشت معرب وترجمه پارسی‌آن درمیان
٤۱۱ سطرها بخط‌تعلیق وشنگرف‌میباشد وحاشیه‌های «منه»دارد بخط‌شکسته و
نویسندهٔ آن نگارنده رساله را شناساند و چنین است : « وارکان الاسلام
اوجزت‌لتذکرعقول اهل‌الیقین (دیباچه)ــ ویترقرق‌الایمان‌فی‌الایمان . تمت‌تحفةالاصول
من علم‌الکلام فی‌اصول‌الدین و ارکان‌الاسلام بتوفیق‌الله، الملك‌العلام، فی‌سنة۱۰۹۱»

نسخه آغاز ندارد ومیان دیباچه وخود رساله ونیزمیان بحث نبوت ومعاد افتادگی دارد : گ١الف ـ ٤الف .

(همه دفتر ٥٥گ) — کاغذ سمرقندی — جلد تیماج مشکی فرسوده

اندازه : ٥ر٨×١٥ وه‌ر٥×١٠ س١٥

٥ [٦٢٣] تحفة الوشائح فی بدائع السنائع (عربی)

حاشیه‌ای است برتحفهٔ وجیزه (ش٤١١/١) وگاهی شعرهای پارسی هم درآن دیده میشود . نگارنده آن‌همان‌میرزا عمادالدین میباشدکه‌تحفه‌را ازلوامع‌اللوائح خودگزین نموده است .

آغاز: بسمله وحمدوصلوة . اما بعد فهذه تحفة‌الوشائح من‌حواشی الوجیزة فی ١٠ علم‌الکلام التی اجملت متنامن لوامع‌اللوائح .

انجام : آنچه دردات بنده پنهان است ـ نطقش آنرا بیان‌وبرهان‌است ـ بهمین است ختم‌حق‌کلام ـ یابد ازعلم هرعمل اتمـام . تمت‌حواشی‌التحفة‌الوجیزة فی‌علم الکلام ، لشرح مسائله علی اقوم‌الاقوام ، وشرح دلائله علی انظم‌النظام .

[٧٦٥]

١٥ این نسخه شماره٢ دفتر وبخط نسخ باعنوانهای شنگرف وبرخی جاهااعراب
٤١١ دارد. وحاشیه‌هائی درآن هست بخط تعلیق و شنگرف بهمان خط مترجم ش ١ ایندفتر (تحفهٔ وجیزه) گ٤ب ـ ١٥٥الف .

[٦٢٤] الانخاف من‌جیش‌اسامة (رسالة فی...) (عربی)

ازملا میرزامحمدبن حسن شیروانی(م١٠٩٨) فیلسوف کلامی‌فقیه جدلی‌شاگرد ٢٠ دانشمند خوانساری (آقا حسین م١٠٩٩)که درروزگار شاه‌سلیمان صفوی(١٠٧٧ ـ ١١٠٥) وبدستور اواز نجف بسپاهان آمده بود وآرامگاهش درطوس میباشد. او دراین گفتار در این مسئله تاریخی که متکلمان شیعی وسنی درباره امامت‌بدان می‌نگریستند سخن بمیان آورد : کـه ابوبکر وعمر می‌بایست بدستور پیامبر بـا سپاهیان اسامه باشندچرا ازآن سرباز زدند وهمین نافرمانی خود مایهٔ‌کفرمیباشد ٢٥ وچنین‌کسانی شایستگی جانشینی‌پیامبر وفرمانروائی برمسلمانان نخواهندداشت. شیروانی دراینجا بسخنان قاضی‌القضاة (عبدالجبار همدانی) و سید مرتضی مینگرد

ودر میان آندو داوری میکند .

آغاز: قالت الامامیة ان ابابکر کان فی جیش اسامة فتاخره مخالفة الرسول...

اقول ومما یدل علی انه کان فیها مخاطبته ایاه بالامیر حتی مات .

انجام: والانکار لامارة اسامة والجحود للنبوة متعللا بالمذکورات من معدن واحد ویفرع علی اصل واحد وتشابهت الاحوال واستقربت بلافرق. الی هنا انتهی کلامه ادام الله ظلال افاداته ومیامن برکاته .

[٧٦٦]

این نسخه شمارهٔ ٢ دفتر و بخط تعلیق با نشانه‌ها وعنوانهای شنگرف میباشد.

١٣٦ گ٥٣ب ـ ١٠١ب . دو نسخه ازاین درطوس هست (ج٤ش٦١٤ ـ ٦١٥)و آغاز در آنجا چنین میباشد : «الحمدلله اولا بادیا وثانیا تالیا ... وآله سادات الانام» ـ نام رساله ونگارنده آن در پشت نسخهٔ ما (٥٣الف) دوبار یادگردید :

[٦٢٥] **ترجمة الفصول فی الاصول** (عربی)

رکن الدین محمد بن علی فارسی گرگانی حلی نجفی (نیمه دوم سده٧) فصول پارسی خواجه طوسی را که بروش کلامیان (١) نگاشته برای اینکه چندان میان عراقیان تازی زبان شناخته نبود بتازی درآورد تا تازیان بآسانی دریابند وایرانیان بدان ارج نهند . اوشاگرد علامه حلی بوده ومبادی اورا بسال ٦٩٧ گزارش نمود

١ ـ طوسی در این نگارش در مسئله‌هائی مانند موجب بودن خدا ویکی بودن آفریدهٔ آفریننده یکتا وآگاه نبودن خدا از جزئی زمانی وحسن وقبح عقلی وامتناع حشر اجساد برفیلسوفان رد میکند ـ این رکن الدین جز ابوالفضائل سیدرکن الدین حسن بن محمد بن شرفشاه علوی حسینی استرابادی موصلی شاگرد خواجه طوسی و سرور یاران او میباشد . این موصلی شاگرد آمدی وفیلسوف ومتکلم واصولی نحوی بوده قواعد العقاید طوسی را بدستور پسرش گزارش نمود وشافیه ابن حاجب را شرح کرد وبرکافیه اوسه گزارش بزرك بنام بسیط ومیانین بنام وافیه که متداول بوده وکوچك نوشت ودر ١٤ صفر ٧١٥ درگذشت. سال مرگش را ٧١٧ و٧١٨ نیز نوشته‌اند اوهفتاد واندسال بزیست پس رکن الدین گرگانی سیدنبوده وگویا طوسی راهم ندیده باشد بنگرید به: بغیة ـ الوعاة سیوطی مصر١٣٢٦ ص٢٢٨ ـ روضات الجنات ص٢٢٣ ـ کشف الظنون (کافیه ـ شافیه) ـ ص٤٥٨ همین فهرست که ازدیباچهٔ آقای هنری کربین بهره برده‌شد .

(ذریعه ج۲ص۴۲۳).

این کتاب درچهار فصل وهریك چند اصل است .

آغاز: بسمله . امابعد حمدالله الواجب وجوده، الفائض علی سائر القوابل جوده... فان علم الکلام وان کثرت اسراره ... الاان زبدته ... قدضمنها . . . نصیر الملة والحق والدین ... الطوسی ... فی وریقات قلیلة ... وسماها بالفصول فی الاصول الاانها لکونها فارسیة لم یعرفها العربی وعاقها مع فصاحتها العجمی؛ فلذلك غاب شمسها فی اکثر الافاق ولم یطلع بدرها فی العراق؛ فرایت عندذلك ان اجردها عن ثیاب الفاظهـا واحلیها بکسوة الکلمات العربیة لیعم طلبة العلم نفعها ویعظم عندالعجم وقعها . . . وهی موضوعة علی اربعة فصول .

انجام : ان من نظر بعین عقله و شاهد هـذاالحکم فی تنبهه یجب علیه ان یعرف غرض الخالق من خلقه بفضله ولایضیعه بتفریطه وجهله والاشقی وخسرخسرانامبینا، وفقنا الله واياكم (بسعادة الدار) لدارالاخرة بمحمد و آله (وعترته) الطاهرین والحمد لله رب العالمین (آمین رب العالمین برحمتك یاارحم الراحمین) .

[۷۶۷]

۲۸۲[۱۵] این نسخه شماره ۳ دفتر وبخط نسخ علی اکبر قزنچاهی ۱ شوال بسال ۱۰۳۶ (۱۳۶ درنسخه) گ۱۳۱ب ـ ۱۴۰ب .

[۷۶۸]

۱۰۸۸ این نسخه شماره ۲ دفتر وبخط تعلیق وعنوانها بنسخ تـاریخ ۱۱۹۸ میباشد . گ ۸ب ـ ۱۳ الف . درگ ۱۳الف نیز بندی ازکشکول نوشته شده .

۲۰ [۶۲۶] ترجمه فصول مختاره (فارسی)

شیخ مفید دانشمند شیعی(۳۳۸ـ۴۱۳) دونگارش داردکه درآنها گفتگوهاکه با دانشمندان کرده وخرده گیریهاکه ازکیشهای دیگرنموده آورد یکی بنام«المجالس المحفوظة فی فنون الکلام» دیگری بنام « العیون والمحاسن» سیدمرتضی (۳۵۵ ـ ۴۳۶) شاگرد اودر روزگار استاد ازاین دوکتاب گزین نموده « الفصول المختارة » ۲۵ خودرا نوشت وآن دوبار یکی درعراق نزدیك۱۳۶۱ دیگری درچاپخانه حیدری

نجف بی‌تاریخ بچاپ رسید(۱) .

آنرا دانشمند آقا جمال‌الدین محمد خوانساری (م۱۱۲۵) بدستور حاجی احمد بیك معتمدالسلطنه بپارسی کرده ودر روز چهارشنبه ۲شوال ۱۰۷۸ بپایان رساند . این ترجمه دوجلد است نخستین ۷۰فصل ودومی ۵۱فصل میباشد ونسخه ما تا بپایان فصل۳۵ جلد۲ میرسد وفصل۳۵ درمتن تازی دیده نمیشود وپیداستکه ازفصل ۳۵ تا۵۱ جلد۲ بندهائی است که بر کتاب افزوده شد چنانکه درگ۸ الف فهرست‌یاد گردید. نگارنده ذریعه (ج٤ص۱۲۲) نسخه‌ای‌را دید که در۱۰۹۹نوشته شده بود .

آغاز: بسمله وبه نستعین. بخورمجالس هوشمندان مشکین مغز از آتش‌بی دودگل حمد چمن پیرائی است که ترجمه نواهای عندلیبان شوقش دستان غرائب قدرت اوست و نکهت مشام بزم افروزان عقل وخرد از نسیم انفاس تقدیس محفل آرائی است که تأویل کلام قصه پردازان عالم صنعتش تفسیر آیهٔ حکمت اواست .

انجام: «که موافق عموم قرآن‌وظاهر آن باشد اولی‌است ازحمل برخلاف آن. والله نسئل‌التوفیق . وهوحسبنا ونعم‌الوکیل . تمم کتاب‌الفصول ... علی‌ید . . . جمال‌الدین محمد شیرازی فی‌تاریخ یوم‌الاربعا۲۰شهرشوال۱۰۷۸» نام جمال‌الدین محمدبن‌الحسین خوانساری دردیباچه (گ۱۰الف) هم دیده میشود . درپایان جلد یکم گ۱۲۹ب‌نیز دارد: «تم‌الجلدالاول من کتاب‌الفصول بیدمترجمه ... جمال‌الدین محمدبن الحسین‌الخوانساری عفی‌عنهما ربهما» پس واژه شیرازی گویا سهوقلم‌باشد.

۱ــ نیز بنگرید به:حاشیه چرندابی براوائل‌المقالات‌مفید چاپ دوم تبریز۱۳۳۰ خ ص مب. این‌فصول ازرهگذر تاریخ رایهای کلامیان وگفتگوهای آنان با یکدیگر بسیار سودمند است وازکسانی‌مانند ابوبکراحمدبن سیار وابوعمر شرطی وقاضی‌ابو محمد عمانی وابوبکر دقاق وباقلانی یادشدکه با مفید گفتگوداشتند. ازگفتگو های دانشمندان پیشین مانند علی‌بن‌میثم باابوالهذیل علاف‌وضرار نیزهشام‌بن حکم باضرار درآن یادگردید . سخنانی ازخیاط وکعبی وشیخ اسماعیلی وشیخ زهدی و جاحظ و نظام ودیگران درآن آمده ومفید ازآنها خرده گرفت .

[٧٦٩]

٦٩٦ این نسخه بتعلیق در جدول زرین و لاجوردی دارای سرلوح زیبا میباشد و دو صفحه نخستین (فهرست) باحاشیه آب طلا و گل و بوته‌داراست. درگ۱ الف بنسخ نوشته شده که نسخه در۱۰۹٤ وقف شده وتولیت آن پس از واقف بامیر محمد خاتون‌آبادی‌میباشد. فهرست گ۱ب — ۹ب و کتاب۹ب-۲۷۱الف . این‌فهرست را مظفرعلی نامی نوشته که درآغاز نسخه‌ما دیده میشود واین نسخه تاپایان فصل۳۵ جلد دوم است وفصل ۳٤ آن‌برابر است‌با پایان‌کتاب فصول درچاپ دوم عراق وآغاز جلد دوم ترجمه درص۱۲٤ج۱ چاپ دوم‌دیده میشود .

(۲۷۱گ) — کاغذ ترمه سپاهانی -- جلد تیماج زرد ضربی مقوائی بابرگردان

اندازه : ۱۴×۲۵ و۸×۱۷ س۱۹

[٦٢٧] تسدید القواعد فی‌شرح تجرید العقاید (عربی)

شمس یاشهاب‌الشین محمودبن ابی‌القاسم عبدالرحمن‌بن احمد سپاهانی(٦٧٤-٧٤٩) تجرید الکلام طوسی راپس از ع-لامه حلی واسفرائینی گزارش نمود وآن همانست‌که بشرح قدیم نامبردار میباشد . اودر دیباچه پس ازستودن از طوسی و آمرزش‌خواستن ازخدای برای وی‌میگویدکه تجریدگزیده‌ومرموز بودوبدستور کسیکه نمی‌توانستم ازفرمانش سرباززنم بگزارش آن پرداخته خرده‌گیریهاکه بر بخش امامت‌آن میشودکرد نشان میدهم . سپاهانی ازدوگزارش پیش ازخ-ود از علامه حلی وشمس‌الدین محمد اسفرائینی بیهقی (که درروزگار طوسی میزیست) آگاه نبوده ویادی ازآنها نکرده است . درذریعه (ج۳ص۳۵۳) گویدکه دردیباچه او ازآندو یاد نمود .

متن پس از«الاصل» وگزارش پس از«الشرح» میآید وهمهٔ متن درآن‌هست .

آغاز: بسمله الحمدلله‌المتوحد بوجوب الوجود ... قال ... محمودبن ابی‌القاسم بن احمدالاصفهانی ... یقول لماکان اعلی مایسموالیه .

آغاز: هـذا آخر ماتیسرلنا . . . والمسئول من‌الله . . . ان یجعله ... ذخرالنافی یوم‌الدین .

[٧٧٠]

این نسخه گ۱الف ـ ۲٦٤ب دفتر وبنسخ باعنوانهای شنگرف و کهنه است
۲۸٤ وخط سه صفحه نخستین پیش از کتاب (درباره کنابهای کلامی) وبرگ٤ کتاب
ودو صفحه آخر دفتر شکسته تعلیق میباشد وسه صفحه نخستین ودوصفحه آخر
کتاب نونویس بخط تعلیق روشن است ودرسه صفحهٔ آغاز ودوصفحهٔ پایان دفتر سخنانی
است فلسفی و کلامی واز آسمان وجهان بحار مجلسی درآن آمده است. حاشیه هائی
بهمان خط شکسته دیده میشود .

درپایان نسخه دارد: «تم الکتاب بتمامه ...قد وقع الفراغ من الکتاب فی غرة شهر رجب سنة۷۷۱» واین باید تاریخ نسخه‌ای باشد که ازروی آن این نسخه را کامل کردند چه این عبارت بخط تازه نونویس میباشد .

(۲+۳۲٦٦ک) — کاغذ ترمه سمرقندی — جلد تیماج مشکی کهنه مقوائی
اندازه : ۱۳×۱۸ و۸×۱۲٫۵ س۱۹

[٧٧١]

این نسخه بنسخ کهنه با عنوانهای شنگرف میباشد و چنین است : « لصورة
۳۲۵ (ذلك) العضو لکان تلك الصورة مقارنة لمحل النفس الناطقة (مبحث دلیلهای
تجرد نفس — برابر باس۸ گ۱۳۷ب ش۲۸٤)ـ فذلك هو المنتهی وماالیه و
المبدء (مبحث حرکت در بحث اعراض ـ برابر باس۱۵ گ۱۸۷الف همان شماره) ـ» .

(۳۳۹ک) ـ کاغذ ترمه سمرقندی ـ جلد تازه شده
اندازه : ۱۳٫۵×۲۳ و۷٫۵×۱۴ س۲۳

[٦۲۸] تصحیح الاعتقاد (عربی)

رهبر دانشمند شیعی شیخ ابوجعفر محمدبن بابویه قمی (م۳۸۱ در ری) در نیشابور برای پیروان سخن میراند ودرانجمنی که پیران ومشائخ درروز آدینهٔ ۱۲ شعبان ۳٦۸ گرد آمده بودند ازاو درخواستند تاآئین امامیان را بآنان بشناساند . او درآن انجمن «کتاب اعتقادات» خویش را برای آنها خواند . شیخ مفید(۳۳٦ـ ٤۱۳)بدین دفتر نگریسته نکته‌هائی درباره آن ازآغاز تاانجام آورده ودربسیاری ازجاها ازآن خرده گرفت وبسا ازگفته‌های اورا نپذیرفت همین است که نام «تصحیح الاعتقاد» دارد و در تبریز دوبـار بسالهای ۱۳٦٤ و ۱۳۷۱ با اوائل المقالات همو بچـاپ رسید .

مفید در آن باقمی در آفریده شدن جانها پیش از تنها مخالفت کرده میگوید که خبر «ان‌الارواح مخلوقة قبل‌الاجساد بالفی عام فماتعارف منها ایتلف وماتناکرمنها اختلف» واحداست وتناسخیان وحشویان شیعی چنین گویند وجهان‌ذری میپندارند وگرنه میبایستی از آن جهان چیزی بیاد آید (اینجا سخن پلاتون درباره تذکر بیاد میآید) باز میگوید بقاء نفس باآیهٔ « کل‌من علیها فان » نمیسازد و رای فیلسوفان ملحد است که میگویند جان‌را پیدایش وتباهی نیست ورای تناسخیان که بتکرار نفوس درصور وهیاکل میگویند. این‌را ناصبیان بشیعه بستند واز آنان نکوهش کردند وزندیق‌شان خواندند. اخباریان ماساده وکودنند وبهر خبری میگروند و درست‌ونادرست آن‌رانمی‌شناسندومعنی آن‌را نمی‌یابند. روان گویا همان گوهریست که بااو سخن میگویند وفیلسوفان آنرا ساده مینامند (ص۳۲ ـ ۳۸ چاپ دوم) اینکه شیخ میگوید که همه امامان کشته شدند درست نیست و خبری که آوردند گزافه است همین اندازه میتوانیم بگوئیم که سه‌پیشوای نخستین وامام کاظم(ع) و گویا امام‌رضا(ع)را کشته باشندنه‌پیشوایان دیگر(ص٦٣) درباره حلاجیان‌میگوید که آنهاصوفی واباحی وحلولی وملحد وزندیق هستندو برای حلاج مانندمجوسان برای زردشت وترسایان برای راهبان خودآیت واعجاز می‌پندارند وازدین بسی دورترند تااینده گروه (ص٦٥) باز میگوید اینکه‌قمی مینویسد هرکس‌دانشمندان قم راکوتاهورز بداند خود غلو ورزید درست نیست چه‌ابن‌الولید قمی‌میگوید که «پیامبر را فراموش کننده‌ندانستن غلواست» پس اودراین‌باره تقصیر نمود وبسیاری از قمیان رادیدیم که امامان‌را ازپایگاه ارجمندشان پائین‌میآوردند و میگفتند که آنان بسیاری ازاحکام دین‌را نمی‌دانستند تادر دلهایشان بگذرد وگروهی از آنها هم درباره امامان پندار و گمان روا میداشتند. پس نشانه غلو نه آنستکه قمی پنداشت بلکه قدیم والهی و آفریننده دانستن آنها (ص٦٥).

مفید دراین گزارش از «تمهید ـ مصابیح‌النور ـ پاسخ پرسشهاکه ازشهرها بدو رسید ودر آنها درست ونادرست حدیثها را روشن نمود» یادکرد (ص۷۰) او در

« اجوبه مسائل سرویه» نیـزاز اشباح واظله وعالم ذرگفتگو نمود (رسائل چاپ نجف ص٤٤ وپس ازآن) چنانکه درارشاد ومقنعه خودهم برای بسیاری ازامامان مرگ طبیعی گفته است (حاشیه ٢ص٦٤چاپی) .

[٧٧٢]

٢٨٢ این نسخه شماره١ دفتراست وبخط نسخ درشت باعنوانهای شنگرف ازعلی اکبر قزنچاهی بسال١٠٣٦(درنسخه ١٣٦) گ١ب ـ ٢٦ب .

[٦٢٩] تقديس الانبياء و تمجيد الاوصياء (فارسی)

محمدبن سیداحمد علوی‌عاملی که بعبدالحسیب حسینی‌فاطمی نامبرداراست دراینکتاب ازخرده گیریها کـه درباره عصمت پیامبران کرده‌اند پاسخ گفته امامت پیشوایان شیعی را روشن ساخت وآشکار داشت که امامان معصوم میباشند ودلیل های عقلی ونقلی برای‌آن آورد .کتاب دریك فاتحه وچند تقدیس هر یك دارای چند تمجید ویك خاتمه میباشد . نام‌کتاب ونگارنده آن درمتن دیده میشود .

آغاز: بسماله . وهوالعزیزالعلیم‌الحکیم . سرهرنامه است نام خدا . بهتر از هرسخن کلام خدا ... شکربیقیاس وسپاس بااساس ذاتی‌را سزد.

انجام: واین‌مباحثرا درکتاب مناهج‌الشارعین .. بیان نموده‌ایم... حق‌تعالی جمیع مؤمنان‌را توفیق علم و(عمل) میسر گرداناد بالنبی والوصی وآلهما وصلی‌الله علی محمد وآله اجمعین ابدالابدین.

[٧٧٣]

٣٥٢ این نسخه بخط تعلیق باعنوانهای شنگرف وعبارتهای نازی بنسخ میباشد ازحیدرعلی‌بن کلب‌علی وانوسفادرانی درشنبه١٩ ذی‌قعده ١٠٦٩.

(٣٩٢گ) کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی‌کهنه فرسوده مقوائی

اندازه : ١٤ ـ ٥ر١٩ و٥ر٨ ـ ٥ر١٣س١٧

[٦٣٠] تلخيص الشافي (عربی)

شیخ ابوجعفر محمدطوسی(٣٨٥ـ٤٦٠) چون‌دید که‌مغنی عبدالجباروشافی سید مرتضی بی‌ترتیب است بدانها سامانی داده و پاکیزه ساخت وبدان تلخیص نام

داد که در دو جزء میباشد و باخود شافی بچاپ رسید و این جز «الاستیفاء فی الامامة»(۱) طوسی است و در رجب ۴۳۲ بپایان رسید. بهاءالدین محمدسبزواری نائینی سپاهانی (زاده در ۱۰۸۰ و زنده ۱۱۳۰) نیز شافی را یکبار بنام « ارتشاف الصافی من سلاف الشافی» و باره دیگر بنام « صفوة الصافی من رغوة الشافی» گزین نموده است. (ذریعه ج۲ص۳۴۴ وج۴ص۴۲۳).

[۷۷۴]

این نسخه بنسخ باعنوانها و نشانه‌های شنگرف از علی بن شمس در چهارشنبه ۷ محرم ۱۱۱۰ و ازروی نسخه‌ای نوشته شده که ابو نصر محمد بن ابی‌رشید رازی نجف نشین در ۵۳۲ آنرا نوشته بود. ۵۱۹

مهرجوادبن مرتضی حسنی حسینی طباطبائی در گ ۱ الف و سه جای پایان دیده می شود.

(۲۵۷ ک) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی با برگردان

اندازه: ۱۵×۲۱ و ۹٫۵×۱۵٫۵س۲۱

[۶۳۱] تنزیه الانبیاء والائمه (عربی)

سید مرتضی در اینکتاب روشن میسازد که پیامبران و پیشوایان شیعی از هر گونه گناه پاکند. وهیچ کار نکوهیده‌ای از آنان سر نمیزند. اودر پایان از کتاب امامت خود یادمیکند. اینکتاب در تبریز بسال ۱۲۹۰ بچاپ سنگی رسید. عبدالوهاب بن علی گرگانی (سده۹) نیز کتابی بنام «تنزیه الانبیاء» دارد که در آن بسخنان مرتضی نگریسته است. شهاب‌الدین شافعی رازی در رد آن «زلة الانبیاء» نوشته است (فهرست طوس ش ۴۲۸ ـ ذریعه ج۴ص۴۵۶).

آغاز: بسمله. الحمدلله کما هواهله ومستحقه ... سالت احسن‌الله توفیقك املاء الکلام فی تنزیه الانبیاء والائمة.

انجام: ولعلنا ان نستقصی الکلام فیه ونأتی علی مالعله لم نورده فی کتاب الامامة فی موضع نفرده له ان اخرالله تعالی فی المدة وتفضل بالتایید والمعونة وهوالمسئول

۱ ـ ابی‌سهل اسماعیل نوبختی دانشمند کلامی ایرانی و نگارنده «ابطال القیاس» نیز (الاستیفاء فی الامامة» دارد.

ذلك والمامول لكل فضل وخير قربا من ثوابه وبعد امن عقابه والحمدلله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد النبى و آله الطاهرين .

[٧٧٥]

٦٨٩ این نسخه شماره ١ دفتر و بخط نسخ با نشانه‌ها وعنوانهای شنگرف بتاریخ رمضان ١٠٠٨ گ١ب ـ ١٤٧ الف ـ دانشمند محمد بن عبدالنبی نیشابوری مینویسد که در دهه دوم ج٢ سال ١٢٠٥ آنرا خوانده‌ام (گ١٤٧ الف) وی چند جا حاشیه نوشت باز خط او در گ ١٤٧م الف با مهر «صل علی محمد» دیده میشود که نسخه را خریده است . صالح بن عبدالکریم کرزکانی بحرانی شیرازی محدث فقیه در ١٠٨٠ مینویسد که محمد کریم شوشتری آنرا نزد من خوانده و بپایان رساند و بدو اجازه میدهد (١٤٧ الف) وچندجا نشانه بلاغ او هست . در گ١ الف خط حاجی میرزا حسین بن محمد تقی نوری دیده میشود که نسخه از آن او شد ودرهمانجا نوشته است که در ٢ صفر ١١٣٠ این نسخه در لاهور بکتابخانه شاهی آمده ومهر شاهانه دیده میشود . و دارد که این نسخه در تاریخهای ٢٠ صفر ١٠٩٥ و ١٥ ج١ سال ١٠٩٨ و ١٩ ج٢ سال ١٠٩٩ و ١٩ ع٢ سال ١١٠١ و ١٢ صفر ١١٠٢ و ٢١ شعبان و ٢٦ شوال (٣٦ دلو) و ٢٤ ذی‌حجه ١١٠٨ و ١٣ ج١ سال ١١١١ و ٢٢ شعبان ١١١٥ و ٢١ و ٢٢ ع٢ و ٥ ذی‌حجه ١١٢٠ ملاحظه شده یا بعرض رسید .

از عرض کنندگان مهرهائی درآن هست : دومهر شاهی ـ ابوالحسن ـ محمد رضا ـ بهرام ـ ابراهیم خان ـ شرف الدین ـ محمد اشرف ـ وجز اینها که خوانده نشده است. محمد بن عبدالنبی نیشابوری (گ١٣٤ الف) مینویسد که گاهیکه بفارس میرفته‌ام درحله در نیمه یکم جمادی یکم سال ١٢٠٤ نزد شریف سیدسلیمان پزشك ادیب محدث حلی «کتاب المنثور والمنظوم» را که در گنجینه متوکل دوم عباسی بوده دیده‌ام . همین محمد بخط ومهر خود می‌نویسد که نسخه را خریدم (گ١٤٧ الف) .

[٦٣٢] حاشیه بر شرح عقائد عضدی (عربی)

دانشمند دوانی (٨٢٨ـ٩٠٨) بر «عقاید» دانشمند قاضی عضدالدین عبدالرحمن ایجی فارسی (مرده درزندان ٧٥٦) گزارشی نوشته ومولانا سید آقاحسین حسینی خلخالی (م١٠١٤) بدرخواست دوستان خویش براین گزارش حاشیه کرده و گفتار دوانی را استوار بداشت . او در آغاز میگوید که موشکافی وباریکبینی دوانی در

این گزارش مایه این شد که گروهی بیراه گردند ودسته‌ای هم میخواستند که کسی دشوارشهای آن را آسان کند . این بود که من بخواهش یاران بدین نگارش پرداختم وبهوشمندان درست‌اندیش ارمغان دادم وازتنك چشمان بخدای پناه میبرم .خلخالی این‌را دررد حواشی خانقاهی نگارش مولی یوسف بن محمد خان قره باغی محمد شاهی کوسج (م١٠٥٤) که درخانگاه حسینی سمرقند برای ابوحامد خلیل‌الله در ٩٩٩نوشته است‌بپرداخت . کوسج‌قره‌باغی دوباره‌درردا‌ین در١٠٣٣«تتمة‌الحواشی فی‌ازالة‌الغواشی» نگاشته است دردانشمندان آذربایجان آمده که خلخالی‌دوباره اورا رد نمود (ذریعه‌ج٦ص١٢٥ـش٩٢محلس) .

آغاز: بسمله .. الحمدلله‌الذی هدانا‌المنهج‌الرشید والمسلك‌السدید.

انجام: قوله‌لان احادالصحابة والتابعین کـانو یامرون بالمعروف . . . بل‌الامرفیه موکول الی اهل‌الاجتهاد . تم .

[٧٧٦]

این نسخه شماره٢ دفتروبخط تعلیق باعنوانهای شنگرف نزدیك١٠١٣گ٨١ ب ـ ١٥١الف‌میباشد. نسخه‌ای‌ازاین‌درطوس ش٥١٨هست‌وسال‌مرگ‌خلخالی دراین فهرست سال١٠١٤ دانسته‌شده‌وآن‌با رد کردن بررد کوسج‌پس‌از١٠٣٣ نمی سازد .

٣١٢

[٦٣٣] حسنیه (فارسی)

این نگارش درکلام شیعی ودریك دیباچه ودو باب است وازعزالدین بن‌جعفر بن شمس‌الدین آملی که بامحقق کرکی وقطیفی نزد علی‌بن هـلال جزائری درس خوانده ونهج‌البلاغه‌را برای آقاحسن وزیر مازندران در٩٤٤ بپارسی کرد . دراین رساله ازاو بنام «وکیل‌السلطنة بمازندران تاج‌الدین حسن» ستایش نمود (ذریعه‌ج٧ص٢٠) درنسخهٔ ماچنین چیزی دیده نمیشود ونامی ازآملی هم برده نشده‌است.

آغاز: بسمله . حمد بی‌حد وسپاس بی‌عدمرواجب‌الوجودیرا که نظام اصول از فیض جود اوست ... این رساله‌ایست مسمی برسالهٔ حسنیه دربیان اعتقاد(ات)قلبیه وذکر عبادات شرعیه .

انجام : ونیز باید که درهر صبح وشام بآنچه مقدور او باشد دعاء عدیله . بخواند والحمد رب العالمین والصلوة والسلام علی محمد وآله . الطاهرین .

[۷۷۷]

این نسخه شماره۲ دفتر وبخط نسخ باعنوانهای شنگرف میباشد گ ۱۶ب
۸۹۹ ۳۳الف . شماره۳آن کتابی است درهمه بابهای فقه بفارسی بهمان خط بتاریخ
۱۰۲۵ گ ۳۳ب-۲۳۷ب وشاید این هم از آملی باشد .

(همه دفتر ۲۳۸ گ) — کاغذ سمرقندی جلد تیماج زرد ضربی مقوائی
اندازه : ۱۳×۵ر۲۲ و۷×۱۵ س۲۳

[۶۳۴] حقائق المعارف (عربی)

دراین رساله ازاصول عقاید ازروی آیتها وخبرها بروش امامیان گفتگو میشود وعلی اصغر بن علی اکبر بروجردی آنرا بدرخواست برادران دینی نوشته ویك مقدمه وپنج مشکوة ویك خاتمه میباشد .

آغاز: بسمله الحمدلله الذی شرح صدورنا بمعارف حقائق اسرار محبته .

انجام: نعم یکفی لولم یکن من الاداء الندم مما فعل . هذا آخر ما اردنا ایراده وفقنا الله تعالی لایراد ما نقض مما اردناه فی مجلد آخر . کتب بیمناه الداثرة .. مصنفه... علی اصغر بن علی اکبر البروجردی فی شهر رجب المرجب من شهور سنة ۱۲۶۵ .

[۷۷۸]

این نسخه بنسخ باعنوانهای شنگرف وحاشیه‌هائی ازخود او در آن هست و
۳۶۲ خود آنرا در رجب ۱۲۶۵ نوشته است . درپایان دفتر دوصفحه ازالفبن علامه
دیده می شود .

(۸۵ گ) کاغذ فرنگی جلد تیماج زرد
اندازه : ۱۵×۵ر۲۱ و۱۰×۵ر۱۶ س۲۲

[۶۳۵] حیات النفوس (فارسی)

لطف‌الله بن محمد رفیع فارسی برای دوستان خویش دراین رساله ازاصلهای پنجگانه دین (توحید—عدل- نبوت- امامت--معاد) گفتگو نمود و آن دریک مقدمه وپنج باب است ودیباچهٔ آن بتازی میباشد . درپایان میگوید که درروزگار

محمد شاه‌قاجار(١١٩٣-١٢١١)درشیراززاده وفارسی‌را درآنجانزد پدرخوانده‌ام اوکه بسفررفت رفت من برای فراگرفتن علمهای ادب همراه او بودم . هنگامیکه منوچهرخان معتمدالدوله درسپاهان فرمانروائی میکرد من بدانجا شدم وپدرم از نزدیکان اوبود . من دست از آموختن دانش نکشیدم و این نگارش را بپرداختم وبمنوچهرخان ارمغان دادم .

آغاز: بسمله . الحمدللّٰه‌رب العالمین... فیقول .. ابن محمد رفیع‌الفارسی‌المدعو بلطف الله .

انجام : وظل عاطفتش برمفارق بندگان پاینـده بـاد الی یوم التناد اللهم طول عمرنا ... بحق محمد والهالطاهرین .

[٧٧٩]

٤١٢ این نسخه بخط نعلیق‌زیبا ودارای‌سرلوح وحاشیه‌زرین ودرجدول بزروعنوانها وعبارتهای تازی بشنگرف وشعرها برنك سبزمیباشد .

(٣٥١) کاغذ ترفی- جلد تیماج مشکی

اندازه : ١٣ - ٥ر٢٠ و٥ر٧ - ١٥س١٢

[٦٣٦] خلاصه (عربی)

قطب‌الدین سبزواری این رسالهٔ کلامی را در٨ باب (توحید ـ عدل ـ نبوت ـ امامت ـ وعدو وعید ـ آلام واعراض ـ اجال وارزاق واسعار ـ احـوال مکلفان پس ازمرك) نگاشته است .

آغاز: بسمله رب زدنی علما والحمدللّٰه‌رب‌العالمین... اعلم ان هذاالکتاب‌یشتمل علی مسائل یتعلق بعلم‌الاصول .

انجام : فلوکانوا مکلفین لم‌یکن خالصا من المشقة وذلك محال فثبت انهم غیر المکلفین بل‌منعمین مکرمین (تمت هذه‌الاجزاء الموسومة بالخلاصة فی معرفةالله و صفاته الثبوتیة والسلبیة ـ ش٥٦٢ طوس) .

[٧٨٠]

این نسخه شماره۲ دفتراست وبنسخ خوش معرب باحاشیه‌های تازی وبرخی
۸۷۹ عنوانها شنگرف ودروز آدینه یکم شوال۸۷۸ برای کمال‌الدین بن عبدالله
بن سعید گرگانی نویسنده شماره یکم نوشته شده‌ونام نویسنده‌خوانانیست.
نسخه بدینجا «لاینتفع المؤمن بایمانه‌وسایر طاعاته‌ولایندفع عنه‌بذلك الایمان» میانجامد
وبپایان نمیرسد وبرگهای ۱۱۵و۱۱۶ نیزباهم نمی‌پیوندند. گ ۱۰۵ب-۱۱۶الف.

[٦٣٧] دلالة النور علی نبوة النبی (عربی)

نگارنده گفتار میگوید که میخواهم گستاخان وستیزندگان‌را پاسخ دهم.

[٧٨١]

ابن نسخه شماره ۱۸ دفتر وبخط تعلیق ودریك صفحه (گ۲۳۲ب) میباشد
۱۰۷٤ وکم دارد وچنین است: «بسمله. اما بعدحمدالله علی‌اللهم(؟) له‌من‌الهدایة
وعصم عنه من‌الغواية ... فان سبيل من‌شيخ(؟) من‌العباد بالفطانة والرشادان
نحمد(؟) فی‌البحث عن‌احوال‌المعاد والتامل لمااخذه من‌الآباء والاجداد ـ وقد جعل‌الله
الی افحامهم طریقا ممایتداولونه فی‌ایدیهم من‌نص تنزیلهم واعماهم‌الله عند».

درفهرست آغاز دفتر(گ۱ب) پس ازیادکردن «تفسیر ابن‌زیله» شماره۱۷ابن
دفتر از۸رساله یاد میشود: «دلالت نورات برنبوت پیغمبر ماصلعم ـ رساله ازبعضی
زنادقه ـ رساله جواب‌آن ـ رساله قدر ـ رساله کیفیت حدوث صوت ـ فوائد لمسیح
الزمان‌المصری فی‌تدبیرالادویة المسهلة ـ فی‌ادویة‌المسهله وکیفیتها ـ فی‌نسخة‌فلونیا»
ونخستین آن باید همین نسخه‌ما باشد وهفت رساله دیگر دردفتر نیست وبجای‌آنهاهفت
برگ کاغذ سفید نوی‌گذارده‌شده است.

[٦٣٨] رجعت (رساله ...) (عربی)

بگفته شیخ مفید وسید مرتضی بیشتر دانشمندان امامی برجعت وبرگشتن
گروهی ازمردم درروزگارامام زمان‌گفته‌اندواندکی ازآنها آنرا بیازگشت‌دولت
شیعی تأویل‌کردند نه زنده شدن مردگان. خود مفیدهم ازکسانیست که برجعت
مردگان میگوید (اوائل‌المقالات چاپ دوم ص۱۳و۵۰) اودراجوبه مسائل سرویه
(رسائل ص۴۲)میگوید رجعت آئین خاندان پیامبراست وعامه مخالف آن‌میباشند.
دراین رساله نیز ازروی‌کتاب وسنت روشن‌گردیدکه رجعت هست. درآن

ازقطب راوندی وابوالفصل طبرسی در کتاب کبیر وابوالقاسم بلخی یادگردید.

آغاز: بسمله. الحمد لولی الحمد ومستحقه ... وبعد فقد سالت ... عمل رسالة اذکر فیها ادلة الرجعة بعدالموت عندظهور قائم آل محمد.

انجام: بل لااحد من المسلمین الاویجوز ان لایرجع وذلك یکفی فی باب الرجعة.

[٧٨٢]

این نسخه شماره ٧ دفتر است وبخط نسخ باعنوانهای شنگرف گ٦٦ب-٧٤ب

١٠٤٥ ازمحمدبن عبدالحسین آل حسینی نجفی که ش٦(خبرمولد علی)را درروز سه‌شنبه ٢٣محرم ١٠٥٦ درسپاهان نوشته است. درپایان دارد: «الی هنا وجدت من هذه الرسالة الشریفة یسرالله سبحانه وتعالی شانه علی بقیتها بایسرحال وانا الفقیر الی الله الغنی ابن عبدالحسین محمد آل الحسینی النجفی عفی عنهما بالنبی والوصی» چنین میرساند که نسخه ما بانجام نرسید واوهمه‌را نیافته‌است. حاشیه‌هائی دراین نسخه هست بشکسته تعلیق که به «مح» و «مح ع ل» پایان مییابد.

[٦٣٩-٦٤٤] رساله‌های کلامی (پارسی وتازی)

دراین کتابخانه شش رساله کلامی هست که اینك شناسانده میشود:

١ - گفتاریکه درکلام وبپارسی است ودرکنار رویه برگ نخستین وپشت برگ های ١٣١و١٣٢ نسخهٔ ما از آن فیلسوف داماد استرابادی دانسته شده وآغازوانجام هم در آن نیست واز نیمهٔ مطلب دوم میقات دوم آغاز و ازدانائی خداوند در آن گفتگو میشود. مطلبهای سوم تاهشتم درصفتهای دیگرخدا است و میقات سوم در صفتهای سلبی سپس «لطیفه افعالیه» میآید ودر آن کردارهای خدا یادمیگردد. رکن سوم درباره پیامبری میباشد ونبوت عام وخاص در آن روشن میگردد و شبهه‌هائی که دربارهٔ عصمت پیامبران کرده‌اند پاسخ داده میشود ودراثبات پیامبری محمدص آیتهای تورات وانجیل (دوعهد) گواه آورده شده است. درپایان باعنوان «لطیفة برهانیه فی اصول اعتقادیة» که آنهم خزددارای چند لطیفهٔ دیگر است ازمبحثهای کلی درباره اصول عقاید گفتگو میگردد. تنها لطیفه یکم آن (پنج اصل دین) در نسخه ما هست. این گفتار تا اندازه ای روان نوشته شده ومانند نوشته های داماد دشوار نیست. دربسیاری ازجاها آیتها وخبرها آمده وخیلی از آیتهای قرآن در

درآن تفسیرشده ویادمیشود ازفارابی وابن‌سینا واشراقیان وامام رازی وزمخشری وشیخ طبرسی وبیضاوی وخواجه طوسی وشارحان قدیم وجدید تجرید و از انشاء الدوائر محیی‌الدین . نگارنده ازخود درچندجا بنام «این کمینه» یـاد میکند . در جائیکه ازشبهه ازابن کمونه خرده میگیرد از حواشی وتعالیق خود برشرح تجرید نام میبرد . بازیاد میکند از«معلم قوانین حکمت یمانی ومقنن فلسفه ایمانی ادام‌الله تعالی وقرن بالمیامن ایامه ولیالیه» گرچه اینگفتار ریخت نگارشهای فارسی دیگر دامادرا ندارد ولی عنوانهای بابها مانند عنوانهای نوشته‌های دیگراوست .

[۷۸۳]

این نسخه بخط شکسته تعلیق درجدول‌زرین لاجوردی باعنوانهای شنگرف

۳۰۰ وچنین است آغاز وانجام‌آن : «اول وحدوث علم ثانی لازم‌آید وهر دو درحق تعالی محال است ـ چه کمال ذات فاعل بذاته چیزی است و کمال‌ذات فاعل بحسب فعل» درگ۱۰۱الف‌مبحث معادآمده‌ومیان دوبرگ۲۰۰و۱۰۱افتاده‌دارد.

(۳۱۴۳) کاغذ فرنگی جلد مقوائی پارچه‌ای ته‌میشن

اندازه : ۱۲ ۰ ۲۴ و۷ ۰ ۱۶س۲۱

۲ ـ درکلام بپارسی ودرآن ازمباحث طبیعی‌والهی ونبوت وامامت ومعـاد گفتگو گردید .

[۷۸۴]

این نسخه بخط‌تعلیق باعنوانهای شنگرف ازمحمد قاسم‌بن شیخ‌عبداللطیف

۲۸۷ الشریف که‌درروزچهارشنبه‌ششم رجب۱۱۲۹آنرا نوشته است. عنوان‌مطلب ها درهامش بشنگرف دیده میشود . از آغازآن نزدیك بیك برگ‌نیست که همان مقدمه باشد وچنین است آغاز وانجام‌آن : «غیرآن اول‌حکمت الهی دوم‌حکمت طبیعی سیم‌حکمت ریاضی ـ امیدکه حق تعالی همهٔ مؤمنین‌را توفیق ... روزی کندبمنه وجوده » .

(۳۴۴ب) - کاغذ سمرقندی - جلد مقوا

اندازه : ۱۸×۲۴ودر۱۳×۱۸س۱۷

۳ ـ درکلام بروش شیعی وبیشتر دراماست است ودر٤ باب (توحید ـ نبوت امامت ـ معاد) درآن ازکشاف‌زمخشری وتفسیربزرگ (ابو) علی طبرسی‌وکتابهای اخبار واصول چهـارگانه شیعی وازابن ابی‌الحدید وسعد تفتازانی وقوشچی وشاه

اسمعیل که میگویند اومذهب شیعی را آورده است (۱۲۳الف) یادمیگرددونوشته است که چنین نیست ومورخان آئین شیعی‌را بششصد هفتصد سال‌پیش رسانده‌اند. این رساله مانند حدیقةالشیعه نوشته شده ومانند جلد یکم آنست.

[۷۸۵]

۸۷۸ این نسخه شماره۸ دفتراست وبخط تعلیق درجدول لاجوردی وچنین است: «و مانندآن بلکه صفات حقیقیه اوهمه قدیم میباشند بلکه‌عین او... پنجم آنکه‌خدای تعالی دیدنی نیست ــ چه جای‌آنکه اجماعی باشد کـه ضروری نشده باشد مثل حرمت جماع درحیض. تمت‌الرسالة بعون‌الملك‌الوهاب» گ۹۸الف ــ۱٤۰الف.

٤ ــ درکلام شیعی وازتوحیدو پیامبری وامامت وامربمعروف درآن گفتگو می شود واز ابوعلی وحکمای اشراق وامام فخریاد میگردد.

[۷۸٦]

۳۳٤ این نسخه بخط تعلیق خوش درجدول زرین ولاجوردی میباشد وازآغاز ندارد وچنین است: «الفی‌الف سنة. این‌حدیث مفسراست بدان معنی کـه اول‌ارواح چنان آفریدآنکه اجساد واجسام ــ وتجویز وتاثیر وانتفاء مفسدکند. هذاآخر ماوردناه ایراده فی‌هذه الرسالة واحمدالله اولا وآخرا والسلام» برخی برگها پاره شده وصالی گردید.

(۱۷۰×۳۵۰) — کاغذ سپاهانی جلد متوا
اندازه: ۱۱ · ۵ر۱۹ و۷×۵ر۱۴س۱۴

٥ ــ نگارشی است بتازی درکلام ودرآغاز آن داردکـه این اصلها از امامان گرفته شده ولی بروش فلسفی درآن گفتگو میشود.

آغاز: بسمله. الحمدلله‌رب‌العالمین ... وبعد فان هذه اصول ملقاة من‌الائمة.

انجام: فاذن‌ماختلف فی‌العزائم کان‌للتقیة فافهم‌فانه اصل‌اصیل نافع‌جداوالسلام.

[۷۸۷]

۸۸۷ این نسخه شماره۱ دفتر وبخط تعلیق میباشد. گ۱ب ــ ۸ب.

٦ ــ نگارشی است از کلام بتازی ازمحمدبن عبدالفتاح تنکابنی که درنیمه‌روز پنجشنبه ۱٤ج۲ سال۱۱۰۲ آنرا بپایان رساند.

[۷۸۸]

این نسخه بخط تعلیق وحاشیه‌هائی دارد که به(منه) پایان مییابد وحاشیه‌های
۴۰۹ دیگر بخط شکسته. این نسخه شش فصل امامت ومقصد چهارم درمعاد جسمانی
را دارد وآغاز آن نیست وچنین است: «لاتمنع ان یولی امورهـا من کانت
النبوة فیهم ... الفصل الاول فیما ینعلق بامامة امیرالمومنین. الامامة فی الاصطلاح ریاسة
عامة فی امرالدین والدنیا نیابة عن النبی ـ وهومن اکثر الناس عشرة واقلهم حسنة قلیل
التهیؤ للسفر ظاهر الاغماض عن الرحیل والخبر الراجی رحمة ربه الغنی محمدبن عبدالفتاح
التنکابنی... فی ضحوة یوم الخمیس یوم الرابع عشر من شهر جمادی الثانیة من شهور ۱۱۰۲
...وجعلنا من حزبهم وزمرتهم بجوده وکرمه وبحقهم آمین رب العالمین» .

(۱۳۲ ق) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد متوا
اندازه : ۱۲×۱۸ و۶×۵ر۱۲ س۲۳

[۶۴۵] روضة فی فضائل علی (عربی)

علامه حلی دراین کتاب خبرهائیرا که درباره برتری امیرمومنان علی (ع)
آمده است آورده در آغاز آن خبریرا گفته که درجامع واسط درروز آدینه ۱۷ ذی
قعده ۶۵۱ ازتاج‌الدین نقیب هاشمیان برمنبر شنیده بود .

آغاز: بسمله وبه نستعین . کتاب الروضة. الفریدی هم صلی الله علیهم مع الکتاب
والکتاب معهم لایفارقونه حتی یردالحوض علیهم صلی الله ... اجمعین جعلنا الله وایاکم
ممن توالاهم وحفظ عهدهم... فانی قدجمعت فی کتابی هذا الذی سمیته الروضة تشتمل
علی فضائل امیرالمومنین علی .. ماتقلته الثقات راتفقت علیه الرواة .

انجام :ولولا ذلك من الادلة لکنت قتلتك ثم اجازها واعطاها وسرحها نسریحا
حسنا. رحمة الله علیها.

[۷۸۹]

این نسخه شماره ۴ دفتر وبخط تعلیق باعنوانهای شنگرف بنسخ ازاحمدبن عبادالله
۵۰۳ ساوی نجفی درکربلا درنیمه روز پنجشنبه ۱۱ شوال ۱۰۱۸ که میگوید همین
اندازه را یافتم ومقابله نمودگ ۱۵۱ ب ـ ۱۸۴ الف. یکی ازدارندگان نسخه
احمدبن زین‌العابدین حسینی کربلائی بوده است .

(همه دفتر ۳) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد متوا ته میشن
اندازه : ۱۸ × ۲۴ر۵ و۱۱ر۵ × ۱۷ س۲۳

[٦٤٦] زواهر الحکم (عربی)

ازمیرزا حسن قمی (م۱۱۲۱) فرزند و بهترین شاگرد مولانا عبدالرزاق فیاض لاهیجی قمی . او نگارنده شمع الیقین فی معرفة الحق والیقین است که در تهران بسال ۱۳۰۳ بچاپ رسید وجمال الصالحین که در ۱۱۲۰ آنرا بپایان رساند ومصابیح الهدی و مفانیح المنی درحکمت . این کتاب دارای یك مقدمه (درسه مقصد) وسه باب میباشد ودر آن ازطبیعی ونفس والهی ونبوت وامامت ومعاد بروش شیعی گفتگو میشود و ساده وروشن وکوتاه میباشد در آن از «مصابیح الهدی» (گ۷ب) یاد میشود . (ش ۷٤۳طوس- ذریعه ج۱ص۵۲) .

آغاز: بسمله . الحمدلله الذی انزل من سماء وجوبه وجوده ماء فیض فضل وجوده فسلکه ینابیع مسالك الاحسان فی ارض مهیات عالم الامکان .

انجام: ولعلها جمیعاً تؤل الی هذا. هذا آخرما اردنا ایراده فی هذه الرسالة والحمد لله اولا وآخرا واتفق الفراغ منها یوم (درنسخه ماپیش ازاین نیست) .

[۷۹۰]

این نسخه شماره۲ دفتراست وبخط نسخ با عنوانهای شنگرف وگاهی بی نقطه ازمحمدبن حسن راویجی درمدرسهٔ سلطانیهٔ کاشان هنگامیکه دانشجو بوده بسال ۱۲۷۰- درهامش گاهی از کتاب «روایع» دیده میشود . گ ٤ب-۷۱ الف. ۳۷۹

شماره۳ ایندفتر این لامیه است: «لم یشجنی رسم داردارس الطلل - ولاجری مدمعی فی اثر مرتحل» بنسخ معرب باشرح کلمه‌های دشوار درمیان سطرها گ ۹۲ب - ۹۸ب .

شماره٤ الفیه سیدعلیخان است. بنسخ گ۹۹الف وب . پنجم آن پاره‌ای ازقصیده میمیه «برده» ازشرف الدین ابی عبدالله محمدبن سعید دولاصی بوصیری (م٦۹٤) بنسخ گ ۱۰۱الف - ۱۰٤الف میباشد .

[٦٤۷] سراج الهدی فی بداء حقیقة البداء (عربی)

ابوجعفر محمدقاسم بن محمدرضا (گویا طبرسی وشیخ روایت دانشمند مهدی بن ابی ذرنراقی م۱۲۰۹ - روضات ص٦٤۸) دراین رساله بروش کلامیان شیعی از روی اخبار درباره بداگفتگو نمود. او کتابرا در۲۷صفر۱۱۱۱ نگاشته سپس نسخه

اصل را درراه مکه گم کرد و نسخهٔ دیگری یافت که پیش و پس شده وغلط داشت. آنرا بسال ۱۱۱۵ درست نمود وچیزهائی برآن افزود .

آغاز: بسمله. الحمدالله المقدم المؤخر الذی نزل الفصل الخطاب ویمحوما یشاء ویثبت وعنده ام الکتاب .

انجام: وانا ... ابن محمدرضا محمدقاسم الشریف ... والحمدلله والصلوة علی محمد وآله .

[۷۹۱]

۸۸٤ این نسخه شماره ٤ دفتر و بخط نسخ باعنوانهای شنگرف تاریخ ۱۷ محرم ۱۲۰۰ میباشد گ۱۲۲ب ـ ۱٤۸ الف . درپایان مهر «عبده ملك محمد» دارد .

[٦٤۸] **سرمایه ایمان** (فارسی)

ازفیاض گیلانی لاهیجی ملاعبدالرزاق م۱۰۷۲ که آنـرا پس ازگوهر مراد نگاشته است ودارای یك مقدمه کوتاهی است درمنطق وپنج اصل. این را در ۵ باب با دلیلهای روشن و ساده بشکل اول یا قیاس استثنائی برای نوکاران (۱) نگاشت .

این کتاب دربمبئی بسال۱۳۰٤ در۱۳٦ص چاپ سنگی شده است.

[۷۹۲]

٤۱۵ این نسخه بخط تعلیق باعنوانهای شنگرف که در۱۱۰۵ نوشته شده است .

(۱۴۲برگ) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلدتیماج سرخ فرسوده
اندازه : ۷×۱۲در ۱۳ × ۱۸در۱۲س

[٦٤۹] **سعدیه** (عربی)

علامه حلی(٦٤۸ـ۷۲٦)این کتابرا برای خواجه‌سعدالدین (ساوجی‌دستور ووزیر اولجایتو وکشته دردهم شوال۷۱۱) نوشته ودر آن آنچه راکه یك شیعی‌در اصول وفروع باید باور بدارد آشکار ساخت ودلیلهای آنهارا آورد .

این دفتر در جنگی دارای بیست رساله درکلام وفلسفه و عرفـان وفقه در

۱ـ (نوکار) را بابا افضل کاشی بجای (مبتدی) بکار برده است .

تهران بسال ۱۳۱۵ از ص ۲ تا ص ۴۳ بچاپ رسید.

آغاز: بسمله الحمدلله المتفضل بجعل الانبیاء واسطه بینه وبین عباده .

انجام: فان الاخبار فی ذلك اکثر من ان تحصی والحمدلله رب العالمین .

[۷۹۳]

۵ این نسخه شماره دوم دفتر و بخط نسخ با نشانه‌های شنگرف میباشد ولطف‌الله بن
۱۰۸۵ شمس‌الدین مازندرانی در ۱ ج ۱ سال ۹۰۱ آنرا نوشت وحاشیه‌هائی بپارسی وتازی
درهامش ومیان سطرها دارد گ ۹ ب ـ ۵۲ الف .

[۶۵۰] **سفارشنامه** (عربی)

امام فخرالدین تبرستانی رازی (۵۴۴ـ۶۰۶) درپایان زندگی در خوارزم بسر
۱۰ میبرد ودر آنجا بیمار شد ودرشهر هرات درگذشت . اودرسختی بیماری در روز
یکشنبه ۲۱ محرم سال ۶۰۶ سفارش نامه ودستوری بشاگرد خویش ابراهیم بن ابی
بکر بن علی علی سپاهانی داده است که اینك شناسانده میشود . رازی دیری بیمار
بود تااینکه دریکم شوال همین سال درگذشت . اودراین سفارشنامه میگوید: مردم
اگرچه همینکه بمیرند ازدیگران دور میشوند مگراینکه دوچیز مردمی رابا این
۱۵ جهان می‌پیوندد یکی کار نیکی که دیگران بستایندوازخدای رستگاری کننده آنرا
بخواهند دیگری کارهائیکه زن وفرزند کنند ومظلمه وجنایتی که اداگردد. بدانید
که من دانش دوست بودم ودرهر چیزی راست یادروغ کتاب نوشتم. از خواندن
دفترها دریافتم که خدائی پاك وتواناودانا ومهربان هست. من روش کلامی وفلسفی
گرفتم ولی اینها همان سودی رامیدهند که قرآن میدهد این است که قرآنرا برگزیدم
۲۰ وهرچه آن وخبر درست میگوید می‌پذیرم . آنگاه رازی از آنچه نوشته است
پوزش میخواهد ومیگوید که در نگارشهای خویش جز آوردن بحثهای گوناگون
وتند ساختن هوش اندیشندگان نخواسته بودم اگرچه بدهم نوشته باشم. شمااگر
سخنان خوبی در آنها یافتید مرا آفرین گوئید .

آغاز: نسخة ماکتب الاستاد الفاضل فخرالدین الرازی فی بیان اعتقاده عندموته ـ
۲۵ بسمله عونك یالطیف . قال یقول العبد الراجی رحمة ربه ... محمدبن عمربن الحسین

الرازی وهو فی آخر عهده بالدنیا واول‌عهده بالآخره ... انی‌احمدالله بالمحامدالتی ذکرها اعظم ملائکته .

انجام : والمهم الثانی وهواصلاح امر الاطفال والعورات . فالاعتماد فیه علی الله تعالی والحمدلله‌رب العالمین .

« درنسخهٔ چاپ شده درعیون‌الابناء خزرجی (ج۲ص۲۷-۲۸) پس ازعبارت «الله تعالی» دارد : «نم‌علی نائب‌الله محمدالله‌م اجعله قرین محمدالاکبر فی‌الدین والعلو... وهذامنتهی‌وصیتی. . وبالاحسان‌جدیر» نزدیك بده سطروازین‌بندپیداست که‌همه‌سخنان‌رازی آورده‌نشد. دراین‌بندرازی کارفرزندان‌رانخست‌بخداسپس‌بشاه محمد (علاءالدین‌خوارزمشاه۵۹۶-۶۱۷) آنگاه‌بکسی که‌ناءبرده نشده‌میسپارد و میگویدفرزندم‌ابی‌بکررا که‌نشانه‌هوش‌وزیرکی‌اوپیداست‌خوب‌بپرورید‌وبشاگردان ودوستان میسپاردکه مرك اورا نهـان بدارند و او را درکوهی که‌نزدیك روستای مزداخان است بخاك سپارند. پاره‌ای ازاین سفارشنامه در دیباچهٔ «اعتقادات فرق‌المسلمین والمشرکین» امام‌رازی (ص۲۴) نیزدیده میشود .

[۷۹۴]

۱۰۳۵ این نسخه شماره۱۴ دفتراست وبخط شکسته تعلیق ص۱۵۸.

[۶۵۱] **سیف‌الائمة** (فارسی)

هنری مارتن Henry Martin انگلیسی کشیش که پاتر (Pater = پدر) یا پادری خوانده میشد برکتابیکه فیلیپ Philippe پادری درفرنگ در رد بـر اسلام نوشته بود افزوده رساله‌ای‌ساخت ودردسترس مسلمانان گذارد. دانشمندان نیز بخرده‌گیری آن پرداختند .

نخستین‌باردانشمنداحمدبن محمد مهدی‌بن ابی ذرنراقی کاشانی(۱۱۸۵یا۶ ـ ۱۲۴۴یا۵) بدستور عباس میرزای قاجار برآن ردی بنام سیف‌الامه نوشته و در آن نصوص عبری تورات راگواه آورد . اودر دیباچه ازفتحعلیشاه قاجار بی‌اندازه ستایش نمود وکتابرا درنیمه روزشنبه ۱۷صفر ۱۲۳۳ بپایان رساند . این‌کتاب در

تهران بسال ١٢٦٧ بچاپ سنگی رسید .

پس از او آخوند ملا محمد تقی کاشانی فقیه آشنای بعبری و سریانی درردبر ترسایان وهمین هنری مارتن «هدایة المسترشدین» رابپارسی نوشته و آنرادر ٢٤ محرم ١٣٠٣ بپایان رساند. آنرا میرزا محمودخان مدیرالدوله متولی آستانه طوس درتهران بسال ١٣١٢ بچاپ سنگی رساند (١) .

[٧٩٥]

٩٣٠ این نسخه بخط نسخ درجدول شنگرف ولاجوردی ازغلامعلی بن محمد کاشانی در روز ١٦ صفر ١٢٦٦ ـ ازگ ١ الف تا ٢٢ الف فهرست وفرهنگی است از واژه های عبری که در کتاب آمده و اعراب و املاء وترجمه آنها. ابن را پسر نراقی نوشته تاآنها راغلط نخوانند . خود کتاب ازگ ٢٣ب است تـا ٢٢٧ب وچنین است : «بسمله الحمدلله الذی من علی عباده بارسال السفراء المقربین ... چنین گوید ... احمد بن محمد مهدی بن ابی ذر نراقی ... که دراین عهدمیمون ـ تمام شداینکتاب ... بخامهٔ ...

---

١ ـ درهمین روزگار کتابی دیگر نیزدررد اسلام نوشته شده وآن ینابیع الاسلام سن کلر تیزدال (Saint Clair Tisdall) است بپارسی که درلاهور بسال ١٨٩٩ بچاپ سنگی رسید وانگلیسی آن بنام «The original sources of theQuran» درلندن بسال ١٩٠٥ چاپ شد. اودر این کتاب ریشهٔ قصص قرآن رادر کتابهای آسمانی زردشتی و کلیمی و عیسوی یـافته ودر همان زبانها آورده است چنانکه سیدرسکی Sidersky در کتاب Les origines des Legendes musulmanes dans le Coran et les Vies des prophètes ریشه‌های آنهارا در کتابها دینی یهود وترسا یافته است. این کتاب درپاریس بسال ١٩٣٣ بچاپ رسید. شیخ حسین بن عبدالعلی تبریزی توتونچی در رد بر ینابیع الاسلام ومیزان الحق پفاندر R.C.G. Pfander «ازالة الوسواس والاوهام عن قدس ساحة الاسلام» نوشته ودر ٢٦ صفر ١٣٤٦ آنرا بپایان رساند وآن درتبریز بسال ١٣٥١ چاپ سربی شد . شیخ احمد شاهرودی نیز «ازالة الاوهام فی جواب ینابیع الاسلام» نوشته که درایران بسال ٢٣٤٤ چاپ گشت. این میزان الحق هم دررد براسلام است ویکبار در کلکته باطریق الحیات ومفتاح الاسرار هردو دراثبات کیش مسیحی بخط تعلیق از ١٨٣٣ تا ١٨٥٠ بچاپ رسید وباره دیگردر لندن بخط نسخ بسال ١٨٦٢ چاپ گشت. (نیز بنگرید به: فهرست طوس ج ١ ش ٧٩ حکمت وج ٤ ش ١٢٣ و ٦٦٨ ص ٢٧٧ و ٣٦٥ وش ٣٥٠ ص ٢٢٠ نیز ص ٣٦٤) .

احمدبن محمد مهدی‌بن ابی ذر نراقی تجاوزالله عنهم بمحمدوآله الاطهار .

(۳۲۲۷ک) — کاغذ سمرقندی ــ جلدروغنی‌گل و بوته‌دار زمینه سرخ ودورو
اندازه : ۱۳ر × ۲۱ر و ۸×۱۶س۱۹

[۶۵۲] سیف‌المؤمنین فی‌قتال‌المشرکین (فارسی)

علیقلی جدیدالاسلام در روزگار شاه سلطانحسین بدستور «مولانا فاضل بهاء الدین‌محمد» دراین‌کتاب بریهودونصارا ردنمود وروشن ساخت‌که متون عبری و یونانی ولاتینی سفرپیدایش باهم ناسازگار وتحریف‌درآنها هست. دردنبال این‌چهل سوره ازتورات راکه میگوید علی(ع) بتازی درآورده بود بپارسی کرد و۱۲ فصل ازحکمت سلیمان راکه‌گواه برامامت امیرمؤمنان ودرستی آئین شیعی میداند نیز پارسی نمود . جلدهای دوم تاپنجم آن ترجمه وتفسیر چهارکتاب دیگر ازپنج‌سفر تورات است ومیخواهد ازآنها خرده‌گیرد . دردیباچه آن‌تاریخ تورات را آورد . اومیگویدکه‌من ترسا بودم وپادری (کشیش وپدر) واسلام آوردم چون دیدم‌که ترجمه عربی تورات‌درست نیست‌آنرا بااصل‌لاتینی برابرکردم تابتوان برترسایان رد نمود . نسخه‌ای ازاین درطوس (ش۷۵۹) هست .

آغاز: بسمله . بهترین نغمه‌که عندلیب زبان دربوستان زندگانی بآن ترنم تواند نمود .

انجام: ودرآن مذهب باطل‌مانده بمیرند بجهنم زیراکه ضرری بمانخواهد داشت الاصحاح۲ (نسخه ماکم دارد) .

[۷۹۶]

۶۵۳ این نسخه بخط سنخ باعنوانها ونشانه‌های شنگرف میباشد .

(۳۲۷۶ک) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی
اندازه : ۲۳ × ۳۵ر و ۱۳ × ۲۵ س۲۲

[۶۵۳] شافی (عربی)

سید مرتضی (۳۵۵-۴۳۶) دراینکتاب از «المغنی‌فی‌الامامة» قاضی‌عبدالجبار معتزلی همدانی رازی (ه۴۱۴یا۴۱۵) خرده‌گرفت. ابن‌ابی‌الحدید مدائنی درشرح

نهج‌البلاغه درجزء ۱و۲و۱۲و۱۳و۱۶و۱۷ سخنان ایندورا آورده و درباره آنها داوری نمود .

دانشمند مجلسی دوم شافی وتلخیص شیخ طوسی‌را تصحیح نمود ودرپایان رجب ۱۰۹۷ از آن بیاسود (ش۴۲۲طوس) ایندو کتاب دررجب ۱۳۰۱ در تهران بچاپ سنگی رسید (شافی ص۲ـ۲۹۵ وتلخیص ص۲۹۶ـ۴۷۹) .

[۷۹۷]

۵۱۸ این نسخه بخط نسخ و نسخه بدلها درکنار صفحه ها و روی عبارتهای مغنی خط سرخ کشیده شده و عنوانها بشنگرف است . حاشیه هائی از مولانامحمد شفیع دربرگهای جداگانه نوشته‌شده ومیان برگها هست وحاشیه‌هائی هم‌دارد که بنشانه‌های «عس مياح‌س» پایان می‌یابد . دربرگ ۸الف حاشیه‌ای ازمحمدبادیا مازندانی هست . محمد جواد واعظ بن‌جلال‌الدین محمدبن شیخ اسدالله‌بن عبدالمجید بسال ۱۳۳۹ دارنده نسخه بود. درگ ۱ الف ورویه برگ پیش ازآن داردکه نسخه ازآن میرمحمد معصوم خاتون آبادی بوده است .

(۳۷۲ک) ـ کاغذ ترمه سپاهانی ـ جلد تیماج ساده مقوائی دارای برگردان
اندازه : ۱۵ ۲۵ و۸ ۱۵ س۲۳

[٦٥٤] شرح باب حادیعشر (عربی)

شیخ فاضل ابی عبدالله مقداد سیوری (م ۸۲٦) باب حادیعشرعلامهٔ حلی‌رابنام «النافع یوم‌الحشر فی‌شرح باب حادیعشر» گزارش نمودکه درتبریز بسال ۱۳۰۸ چاپ شد .

[۷۹۸]

۳۲۳ این نسخه شماره۱ دفتراست وبخط نسخ خوش باحاشیه‌هائی ریزتر وعنوان‌قال واقول وعنوانهای دیگر بشنگرف گ۱الف ـ ۱۹ب وچنین‌است :«اقول‌للعلماء فی‌اثبات‌الصانع طریقان (ص۸ چاپی) ـ ومن‌ذلك‌الثواب والعقاب وتفاصیلها المنقول من‌جهة‌الشرع ـ درفصل۷ درمعاد هفت صفحه مانده بآخر همین چاپ».

(همه دفتر۷۰ک)ـ کاغذ ترمه سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ ضربی
اندازه : ه‌ر۱۴×ه‌ر۱۹ و۸×۱۳ س۱۸

[٦٥٥] شرح باب حادیعشر (معین‌الفکر) (عربی)

دانشمند متکلم‌عارف شیعی‌محمدبن علی‌بن ابی‌جمهوراحسائی بدرخواست دوستان درهنگام درس‌این گزارش را املانمود ودر شام‌سه‌شنبه۲۵ذی قعده۹۰٤ در مدینه مجلس املای آن بپایان رسید ونام آن «معین‌الفکر» وبقال واقول میباشد.

آغاز: بسمله. اعلم انما ابتداء المصنفون فی اوایل کتبهم بالبسمله لوجوه.

انجام: وهذا جهدالمقل فلعله لایکون علی‌اسماعهم مللا وکان ذلك منافی اوقات متعددة ومجالس متباعدة وآخرها عشیة یوم‌الثلث الخامس عشرین من شهر ذی‌القعدة الحرام سنة اربع وتسعمائة بالمدنیة ... اذکنت مجاورا بها فی‌تلك السنة فکتبنا مااتفق‌علی‌هذه‌الرسالة بالتماس‌جماعة‌الاصحاب والله‌الموفق‌للصواب والحمدلله وحده ... باملاء مؤلفه‌الفقیر الی‌الله الغفورعبده محمدبن‌علی‌بن ابی‌جمهورالاحسائی عفی‌الله عنه وعن‌والدیه وجمیع‌المؤمنین والمؤمنات.

[٧٩٩]

این نسخه بخط نسخ درشت باعنوانهای شنگرف ومتن زبرخط سرخ تاریخ بامداد یکشنبه ٢٦ج٢سال١٠٨٧ میباشد. درپایان دارد: تم وکمل هذا الشرح صبح یوم‌الاحد سادس وعشربن شهرجمادی الاخرفی‌سنة سبع‌وثمانین بعد الف من‌الهجرة‌النبویة‌علیه الف الف‌السلام والتحیة».

٣٥٣

(٢٢٢گ)کاغذ فرنگی‌ـجلد تیماج زرد

اندازه: ٥ر١٣× ٢٠ و٧×٥ر١٤ س١٨

[٦٥٦] شرح باب‌حاد یعشر (عربی)

ابوالفتح‌بن مخدوم خادم حسینی عربشاهی درنیمه محرم۹۵۵ این گزارش‌را بپایان رساند.

آغاز: بسمله وبه نستعین. فاتحة‌کل کتاب عظیم ودیباجة‌کل کتاب کریم. نحمدك یامن دل‌علی ذاته‌بذاته.

انجام: الهم افتح بالخیر و اختم بالخیر ... و اتفق الفراغ عن نقله من المسودة الی‌البیاض علی یدمؤلفه ... ابی‌الفتح بن مخدوم‌الحسینی ... فی‌اوسط‌شهر

محرم‌الحرام سنة ٩٥٥ .

[٨٠٠]

٣٤٦ این نسخه بخط نسخ خوش دردوستون چلیپا هریك دردو بخش وعنوانها ومتن بشنگرف ازمحمد اشرف پسرمحمد هادی درشنبه٢٤ صفر ١٠٨١

(٣٥٨ـ١) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج مشکی بیاضی

اندازه : ٥ر١٧ ١٩ و٩ ٠ ٥ر١٤س٢٤

[٦٥٧ـ٦٥٩] شرح توحید صدوق (عربی)

فیلسوف قاضی سعیداء قمی برتوحید ابن‌بابویه بروش عرفانی و فلسفی و کلامی گزارشی نگاشته که دراینکتابخانه سه‌جلد آن هست .

[٨٠١]

٥٩٧ این نسخه جلدیکم وبخط تعلیق وحدیثها زیر خط سرخ و بنسخ وبا عنوانهای شنگرف که محمد حسین‌بن علیشاه زنوزی تبریزی درطوس شب دوشنبه١٠ذی حجه سال١٢٠٤ آنرا نوشت .

آغاز: بسمله . سبحانك وحنانیك یاسبوح یاقدوس . . . وبعد فهذا علق مضنون الاعن عبادالله... هذا اصول اصول‌الدین ... اسداه ... محمدبن محمد مفیدالمدعو بسعید الشریف‌القمی اوفات مطالعة کتاب‌التوحید لشیخنا صدوق .

انجام: هذاآخر ماارد‌نا ایراه فی‌المجلدالاول من شرح توحید شیخنا‌الفقیه‌القمی... ونتلوه . . . فی‌المجلدالثانی ــاب تفسیر سورة‌التوحید والحمدلله وحده والصلوة علی محمد وآله .

(٣١٩٣ـ) کاغذ فرنگی جلد تیماج مشکی سادة مقوائی

اندازه : ١٨ ٢٩ و١٠ ٥ر١٩ س٢٤

[٨٠٢]

٥٩٨ این نسخه ش١ وجلددوم وبخط نسخ با عنوانهای شنگرف میباشد وابوالقاسم شریف درتهران درشام آدینهٔ ٢٧ شعبان نوشتن‌آنرا بپایان رساند وخودآنرا مقابله کرد . قمی این‌جلدرا دربین روزچهارشنبه ٥روزگذشته ازمحرم١٠٩٩ بانجام رساند. چنین است‌آغاز وانجام‌آن : «بسمله الحمدلله وسلام علی‌عباده ... فهذا هوالمجلدالثانی من‌شرح کتاب‌التوحید ... تصنیف... محمدبن مفیدالملقب بسعیدالشریف القاضی القمی ــ یساعدنا علی‌الوصول الی‌اقصی مبالغ تلك‌الاخبار انه الرؤف‌البار ... وملهم‌الاسرار وافق‌الفراغ فی‌عصر یوم‌الاربعاء لخمس مضین من‌محرم الحرام مبتدأ

الف وتسع وتسعین . . . والحمدلله واتفق الفـراغ من الانتساخ عصر الجمعه و هو السبعة والعشرین من شعبان المعظم علی ید ابو القاسم الشریف فی دار الخلافة طهران. اللهم اغفر. قد بلغ قبالا بنفسی وجهدی ...» گ۱ب۲۰۲الف. شماره ۲ همان اسرار الصلوة همین قمی است که درس۴۰۷ اینفهرست شناسانده شده(ش۲) ودر آغاز قمی ازخود نامبرده واندکی بانسخه پیش جدائی دارد ونویسندهٔ آن (ابوالقاسم شریف) ازخود نامبرد وبخط نسخ میباشد گ۲۰۳ب۲۰۷الف پیداستکه قمی آنرا پس از۱۰۹۹ نگاشته است.

(همه دفتر۲۰۷ گ) کاغذ سپاهانی جلد تیماج حنائی ضربی متوالی

اندازه : ۱۷ · ۲۷ و۵ر۱۰×۱۹ س۲۵

[۸۰۳]

این نسخه جلد سوم وبخط نسخ میباشد وچنین است : « بسمله الحمدلله ولی الحمد... اما بعدفهذا .. هو المجلد الثالث من شرح کتاب التوحید لشیخنا الصدوق القمی رضی الله عنه تصنف ... محمد المدعو بسعید الشریف القمی ـ وعلی اهل بیت الحکمه والولایة . وقد اتفق الفراغ بعون الله وتوفیقه من هذا المجلد الثالث من کتاب شرح التوحید بالخیر والعافیة» .

۵۹۹

(۱۹۹گ) کاغذ سپاهانی جلد تیماج حنائی ضربی متوالی

اندازه : ۱۱ × ۵ر۱۷ و۷ · ۱۲س۲۰

[۶۶۰] شرح صحائف الهیه (عربی)

صحائف در کلام وبسیار شیوا ورساواستوار ودارای دومقصد است(۱ـ مبادی دریك مقدمه وسه قسم و۲درمسائل در۱۹ صحیفه) ودر آن یکدوره کلام بروش متاخران و آمیختهٔ با فلسفه دیده میشود و چنین است آغاز آن : «الحمدلله الذی استحق الوجود والوحدة بالذات و ابدع بحکمته انواع الماهیات ... وبعد فان العلوم وان تنوع اقسامها... لکن اشرفها مرتبة... هو العلم الالهی... وسمیته بالصحائف الالهیة» نگارنده در آغاز میگوید که من دیری دراندیشه‌های تاریك فیلسوف منشان سرگردان بوده‌ام تااینکه راه راست بمن نموده شد وبنگارش این دفتر بپرداختم و گزیدهٔ مبحثهای عقلی را در آن یادکرده از بیشتر سخنان فیلسوفان خرده گرفتم و گفتارهای تازه‌ای هم در آن آوردم و درباره پیامبری بهترین آفریدگان و پاسخ بیهودان وترسایان نصوص تورات وانجیل را گواه ساختم(۱) درچندجا ازامام ودر

۱ـ نسخهٔ پاکیزه و کهنه‌ای ازصحائف الهیه از آن دانشمند گرامی آقای حکمت آل آقا

بقیه حاشیه درصفحه بعد

فصل۱ صحیفه۳ قسم۲ مقصد۱ از نگارنده «الواح» (که درهامش نسخه آقای حکمت آل آقا نوشته شده که از آن سهرودی شهید خواسته‌شده) یادشده و گفته است که نگارنده الواح برهان ترسی‌را ساخته است . درفصل۱ صحیفه۱ قسم‌سوم مقصد ۱ از محمد شهرستانی یاد گردید .

چلبی در کشف‌الظنون (ج۱ص۷۷) میگوید که صحائف در کلام و دارای یک مقدمه و۶صحیفه و یك خاتمه است و آغاز آنرا چنانکه درنسخه دیده‌شده یاد می کند. گویا اوچون دیده که مقصد۱ دارای مقدمه وقسم۱ دارای ۶ صحیفه است و خانمه‌ای هم دردنبال برخی‌ازفصلها هست. بخشهای آنراچنین یادنمود . اودرهمان جا (ج۱ص۶۸) شمس‌الدین محمدبن اشرف سمرقندی (م۶۰۰) نگارندهٔ آداب البحث والمناظره‌وقسطاس‌المیزان (چاپ‌شده کلکته در۱۸۵۴) رانگارنده‌صحائف میخواند . بازمیگوید که صحائف درتفسیر ازشمس‌الدین محمد سمرقندی است که احمدبن محمود قرمانی اصم م۹۷۱ آنرا بانجام رساند . نیزمیگوید که « معارف » شرح «صحائف» گزارشی است به «قال‌واقول» ازسمرقندی و آغاز آنرا مانند نسخه طوس‌میآورد. برو کلمن دردنبال سرگذشت امام‌الهدی ابواللیث نصربن محمد بن احمدبن‌ابراهیم‌فقیه‌سمرقندی(م ۵یا۳۷۳یا۳۸۳یا۳۹۳)ازالمعارف فی‌شرح‌الصحائف یاد نمود (ج۱ پیوست‌ص۲۰۷۴و۹۵۴ـ نیزمعجم‌المطبوعات) ـ درصحائف بارها ودر شرح آن (نسخهٔ ماگ۶۹ب) ازامام وملخص اویـاد شده پس ایندو دیری پس از ابواللیث سمرقندی بنگارش در آمده است .

بگفته چلبی فاضل علاء یاشمس‌الدین ابوالعلاء یا ابوبکر محمدبن احمدبهشتی اسفرائینی فخرخراسان گزارنده « آداب‌البحث» سمرقندی نیز گزارشی بر«صحائف»

بقیه حاشیه صفحه قبل

دیده‌ام که یکی‌ازپیروان علاءالدوله سمنانی درپشت‌آن بخطخود یادی ازسمنانی نموده است وعبدالرحمن‌بن علی‌بن‌مؤید درادرنه درع۱ سال۹۰۳ وعلی‌بن امرالله‌بن‌محمددر شعبان ۹۷۰ آنرا داشته‌اندودر۱۲۹۹ وقف شده وازپایان کم دارد (تافصل۲صحیفه۱۵ مقصد۲ برابر باگ ۱۴۱ب نسخهٔ ما) ـ نیز بنگرید به : کشف‌الظنون درصحائف ـ معجم‌المطبوعات درسمرقندی .

نوشته است . اوماناهمان باشد که عزالدین حسین کرکی در اشراق الحق (ش ۲/۲۹۳) ویرا درشمار دانشمندان شیعی بنام «شمس الدین محمد بهشتی » نگارندهٔ « تفرید الاعتماد فی شرح تجرید الاعتقاد» آورد . در ذریعه (ج۳ص۳۵۳ وج٤ص۲۱٤) از تعرید الاعتماد» شمس الدین محمد بیهقی اسفرائینی دانشمند روزگار خواجه طوسی یاد گردید .

در آستانهٔ طوس (ج۱ش۲٤٥ص۷۷) نسخه‌ای از «معارف» درشرح صحائف سمرقندی هست و گفته نشد از کیست وچنین است : «رب یسر وتمم بالخیر. الحمد لله الذی لیس لوجوده بدایة ولالوجوده نهایة- فهذه هی خلاصة سبیل السلوك وزبدة اصول الوصول لیهتدی بها الی معارج السالکین ویستدرج منها الی مدارج العارفین» (نیز کشف الظنون) نسخهٔ ماهم گزارشی است ازهمان صحائف الهیه ولی گزارنده آن سنی است نه شیعی . چون آغـاز آن نیست نمیتوان گفت از کیست . چنانکه دیده‌ایم چلپی گاهی صحائف را ازسمرقندی و گاهی معارف را ازاو میداند و نسخهٔ ما هم پیدا نیست که همان معارف باشد .

[۸۰٤]

٤۲٦ ابن نسخه بخط نسخ کهنه باعنوانها ونشانه های شنگرف و حاشیه هم دارد متن هر بندی باانداختن میانهٔ آن پس از «قال» وشرح پس از «اقول» آمده و چنین است: «وفیه نظر عرفنه فی المنطق وهوانا لانسلم امتناع التعریف بالرسم (درامتناع تعریف وجود ازفصل۱ قسم۱ مقصد۱ ومقدمه را ندارد) ـ ویؤید ذلك مـا قاله الشیعة ان اکثر الناس یبغضون علیارض لانه قتل اقاربهم فلهذا انکر النص الذی یدل علی امامته ومنعوا حقه وحینئذ یکون خلافة کل من الخلفاء الاربع حقا» مبحث امامت به پایان نمیرسد ومبحث معادرا هم ندارد ونسخه تامبحث اخباریکه درباره خلیفه‌ها آمده وحکومت درباره آنها انجام میگیرد (فصل۳صحیفه۱۹ مقصد۲) ـ دراین نسخه(٦۹ب) ازملخص وسخن ابی البرکات دراینکه زمان اندازهٔ هستی است یادشد (٦۹ب-۷٦الف) مانند خود متن .

(۱٦۱ک) ـ کاغذ سمرقندی- جلد تیماج مشکی مقوالی

اندازه : ۱۱×۲۰و۸×۱٦س۲۵

[٦٦١] شرح طوالع الانوار (عربی)

قاضی عبدالله بن عمر بیضاوی شیرازی (م تبریز ٥٨٥) مفسر متکلم اصولی طوالع (١) را در کلام نوشته است . قاضی برهان عبیدالله بن محمد بیدلی شریف فرغانی عبری که در تبریز بکار داوری میپرداخت و در ٧٤٣ در گذشت برای شاگردان خـود گزارشی بر آن نگاشته و بشهاب الدین مبارکشاه ارمغان داد . دراین گزارش همه متن نیامده و بندهائی از آن یادشده روشن گردید .

آغاز: بسمله و به نستعین وعلیه نتوکل رب تمم بالخیر احمدالله حمدایتقاصرعن ادراك غایته عقول العلماء ویعجز عن بلوغ نهایته السنة الفصحاء .

انجام : ومحاملها وتاویلاتها مذکور فی کتاب نهایة العقول من ارادالاطلاع علیها فلیطالعها (ش٨١٧ طوس)

[٨٠٥]

٢٧٢ ابن نسخه بخط تعلیق و نا پاره از مبحث امامت میباشد وچنین است انجام آن : والجواب عن الوجه السادس انما ذکرتم من الفضائل فی حق علی معارض بمثله فی فضائل ابی بکر ... فان المراد بالاتقی ههنا اما ابو بکر او علی باتفاق المفسرین والثانی وهو کون علی .

١ ـ دانشمندانی چند برطوالع گزارش نوشتند: عبدالصمد بن محمود فارابی که در ٧٠٧ بپایان رساند ـ قاضی برهان فرغانی عبری ـ شمس الدین محمود سپاهانی (٦٩٤ ـ ٧٤٩) بنام «مطالع الانظار» و برای ملك ناصر محمد بن فلاون که در آستانه در ١٣٠٥ بچاپ رسید (ش١٠٢ مجلس و٢٣٤ و١٠٠٨ و١٠٠٩ طوس) ـ زین الدین عبدالرحمن بن محمد قزوینی بغدادی جلالی م٨٣٦ ـ شمس الدین محمد بن احمد بسطامی م٨٤٣ ـ مولی خواجه زاده م٨٩٣ ـ جلال الدین دوانی (بردیباچه طوالع) ـ محیی الدین محمد طبل باز م٩٠٦ ـ قاضی زکریا بن محمد انصاری م٩٢٦ ـ عصام الدین اسفرائینی م٩٤٣ غیاث الدین منصور دشتکی م٩٢٨ ـ احمد بن مصطفی طاشکبری زاده م٩٦٩ ـ شمس الدین آملی م ٧٥٠ بنام تنقیح الافکار ـ زین الدین ابوالحسن علی معروف بابن شیخ العربیه موصلی حدیثی ـ حاجی پاشا ایدنی بنام مسالك الکلام فی مسائل الکلام ـ یوسف حلاج که پس ازسعد میزیست (کشف الظنون) درمجلس تهران گزارشی است که گفته نشد از کیست (ش٩٣) .

(۱۱۵برگ) — کاغذ ترمه سمرقندی — جلد تیماج زرد ساده وتازه است
اندازه : ۱۵×۲۵ و۹×۱۸س۲۴

[۶۶۲] شرح طوالع الانوار (عربی)

قاضی میرحسین منطقی میبدی یزدی (م نزدیك ۹۰۹) نیز برطوالع الانوار بیضاوی گزارشی نوشته است .

[۸۰۶]

۱۰۴۶ این نسخه شماره۳۱ دفتر و بخط تعلیق رجبعلی بن جوادعلی نزدیك ۱۰۶۲ ک ۱۴۳الف وب و باره‌ایست ازشرح میبدی برطوالع‌الانوار دررستاخیز تن و چنین است : «البحث‌الثانی فی‌حشرالاجساد . اجمع‌المليون علی انه‌تعالی‌یحیی الابدان ـ ولاشبهة فی‌ان هذه‌الحالة هی‌الغاية القصوی من‌مراتب‌السماوات » درهامش ۱۴۳الف گفتاری است از شریف گرگانی درتقسیم حکمت وسخنی ازغزالی دراینکه دررستاخیز روان بتن دیگرمیرود وبتن اینجهانی برنمیگردد واینکه چنین تناسخی هم درشرع رواست .

[۶۶۳] شرح عقائد نسفی (عربی)

نجم‌الدین‌ابوحفص عمر نخشبی(نسفی م۵۳۷)رساله‌ای درعقائد نگاشته‌است سعدالدین‌تفتازانی‌شافعی(۷۱۲ـ۷۹۲)شاگرد قطب‌رازی‌وعضدالدین ایجی گزارشی آمیخته برآن نوشته ودرشعبان ۷۶۸بپایانش رساند وآن‌در اسلامبول بسال۱۳۱۵ بچاپ رسید .

[۸۰۷]

۳۳۶ این نسخه بخط نعلیق شکسته خوش درجدول زرین ولاجوردی و متن بنسخ روشن زیرخط سرخ میباشد و سرلوحی زیبا دارد .

(۵۸برگ) — کاغذ سپاهانی — جلد تیماج‌مشکی
اندازه : ۱۱×۱۷و۵ر۶×۱۲س۱۷

[۶۶۴] شرح فصول (عربی)

ترجمه‌تازی رکن‌الدین گرگانی‌ازفصول طوسی‌را عبدالوهاب‌بن علی‌حسینی استرابادی بدرخواست دوستان ازروزشنبه۲۱محرم تا۲۰ صفر۸۷۵گزارش نوشته است .

آغاز: وعليك الاعتماد يـاكريم نحمدك الله على ماوفقنا لادراك فصول الكلام ... الفصل الاول فى التوحيد اى فى بيان ان الله تعالى موجود واحد ... اصل ... كل من ادرك شيئاً . الادراك قديطلق على كون حقيقة الشىء حاضرة عندالمدرك سواء كان بنفسها اوبمثالها فيتناول العلم الحضورى والانطباعى .

انجام: وخسرخسرانابينا . وصارمن الذين ينادون من مكان بعيد ... هذا مانيسر لنافى شرح هذه الرسالة ... مع تراكم الغموم وتلاطم امواج الهموم .. ولنختم الكلام ... وكان الافتتاح بتأليفه يوم السبت الحادى والعشرين من شهر محرم والاختتام بعشرين صفر فى سنة خمس وسبعين وثمان مائة والحمدلله رب العالمين .

[٨٠٨]

٣٢٠ این نسخه شماره ١ دفتر و بنسخ ومتن زیرخط سیاه یاسرخ باعنوانهای شنگرف میباشد گ ١الف ـ ٥٣ب . وچنین است انجام آن : «هداية ... اعادة المعدوم ... محال والا ... لزم تخلل العـدم فى وجود واحد ... فيكون ... الواحد اثنين وهو محال ... والجواب انه لامعنى لتخلل العدم ههنا سواء انه كان موجود ازمانا ثم زال عنه ذلك الوجود» ازمبحث ازمبحث اعاده معدوم فصل ٤ درمعاد برابر با س٨ گ ٦٢الف ش٢/٣٢٣ و نزدیك به ٩ برك ندارد .

(همه دفتر ٣٦٠ گ) کاغذ فرنگی جلد تیماج مشکی ضربی

اندازه : ١٥×٢١ و ٨×١٤ س ٢٠

[٨٠٩]

٣٢٣ این نسخه شماره ٢ دفتر و بخط تعلیق ومتن زیرخط سرخ وحاشیه‌های «منه» دارد و نیز حاشیه هائی ازقاضی و دیگران که نـام برده نشده گ ٢٠ب ـ ٧٠ ب (٩×١٤ س ١٩) .

[٦٦٥] **شرح المواقف السلطانيه** (عربی)

قاضی متکلم عضدالدین عبدالرحمن ایجی (٧٠٠ یا ٧٠١ ـ ٧٥٦) مواقف خویش را برای غیاث الدین محمد وزیر ابوسعید بهادرخان از ٧١٦ تا ٧٣٦ نگاشته است.

شمس الدین محمدبن بهاءالدین یوسف کرمانی م ٧٨٦ در ٧٦٧ (ش ١٥١ ص ٤٧ ج ١ وش ٨٥٣ ص ١٩٤ ج ٤ طوس) وسیف الدین ابهری بر آن گزارش نوشتند . گزارنده دیگر دانشمند میرسید شریف علی گرگانی (گرگان ٧٤٩ ـ شیراز ٦ ع ٢ سال ٨١٦) میباشد. او شاگرد قطب رازی بوده و بگفتهٔ سیدمحمد نوربخش (٧٩٥ ـ ٨٨٩) ومحمدبن ابی

جمهور بسال ٨٧٨ درمجلس سوم رسالهٔ مناظرهٔ بافاضل‌سنی هروی (ش٨٧٨/٨گ ٩٤ ب وش ٩٤٤/٢ گ ٥٧ ب) در نهانی آئین شیعی داشت ولی برای دلجوئی از درباریان امیرتیمورگورکان (٧٧١-٨٠٧) ودربرابر سعدالدین تفتازانی (م ٧٩٢) وشاید برای رفع تهمت رفض واعتزال که سادات‌بدان دچار بودند اوروش حنفیان را برشافعیان برتری دادواینهم روی‌این بودکه تیموراورا ناگزیرکرده بودکه‌یکی ازاین دوروش‌را برگزیند ازاینجا بودکه اوبگزارش‌مواقف پرداخت وهمان شرح سیف‌الدین‌ابهری راآمیخته ساخت واندکی ازمواقف راروشن‌نمود وآنرا نزدیك بشامگاه شنبه آغاز شوال٨٠٧ درسمرقند بپایان‌رساند (مجالس‌المؤمنین ونسخه‌ما) بخشی ازشرح‌میررا سوارنزن(Soerensen) باملاحظاتی بلاتینی‌درلایپتسیك‌بسال ١٨٤٨ بچاپ رساند وهمه آن بارها درآستانه ولکناو ودهلی ومصر از ١٢٣٩تا ١٣٢٧ چاپ‌گردید (کشف‌الظنون ـ معجم‌المطبوعات).

[٨١٠]

٣٨٧ این نسخه‌ازگزارش‌میربنسخ‌وعنوانها درشت‌تر درمتن وهامش‌ومتن زیرخط سرخ‌میباشد. صفحه یکم بتعلیق ونونویس‌است. حاشیه‌هائی داردکه برخی به «منه» پایان‌مییابد. برگ ٣٠ سفید ونسخه دراینجاکم دارد. نسخه خطبه میررانداردوازشرح آغازمیشود. نویسنده‌آن احمدبن‌محمداست‌که درسه‌شنبه ١شوال ٨٨٥ آنرانوشت. فهرست‌کتاب وصفحه یکم بخط دیگر است.

(٤٢٤گ) — کاغذسمرقندی جلد تیماج مشکی‌ساده فرسوده

اندازه :١٨ · ٢٦و١١ ١٦س٢٤

[٦٦٦] الصراط‌المستقیم الی‌مستحقی‌التقدیم (عربی)

زین‌الدین‌ابی‌محمدعلی‌بن‌محمد ..بن‌یونس‌عاملی‌نباطی‌بیاضی‌عنفجوری‌ادیب شاعرکلامی (م٨٧٧)که ازشیخ ناصربن ابراهیم احسائی عاملی‌دانشمند شیعی واز خاندان بویه (م٧٥٣) اجازه داشته بود این‌کتاب‌را درکلام بروش شیعی وآمیخته باآیتها وخبرها وتاریخ نوشته‌ودر٢٥ع٢سال ٨٥٤ آنرا بپایان رساند. اودردیباچه از٥٢ کتاب یادمیکندکه ازروی آنها این‌را نگاشت و ٢٢٤ کتاب دیگرکه ازآنها

بهره برده بود. دراینکتاب ۱۷ باب است: « خدا وصفتهای او وفعل او که بی‌غرض نخواهد بود واختیار وازادی مردمی- باطل بود جبر- پیامبر-جانشین‌او- کرامتهای جانشین- شرائط آن - برتریهای آن- شناساندن آن‌از روی قرآن- نص‌پیامبر دراین‌باره- نص‌اودرباره فرزندان وصی - نشانه‌های آنها -کسانیکه برآنها ستم روا داشتند- نصرت دین وصی - رد شبهه‌های دشمنان - چهاررهبر خطاکارند - نکوهش‌ازراویان حدیثها - پاسخ ازخرده گیریهاکه درباره پیروی‌ازامام کرده‌اند».

آغاز: بسمله . اللّٰهاحمد حمدالایضاهی علی وجوب وجوده ... و بعد فلماکان کمال‌الایمان بمعرفة ائمةالزمان بمنطوق شریف‌القران .

انجام لنصف وثلث من‌ربیع آخراتی - لاعوام ذق‌ندتمام جماله .

[۸۱۱]

۹۷۷ این نسخه بخط نسخ‌خوش باعنوانها ونشانه‌های شنگرف ازمحمد یحیی درروز شنبه صفرسال ۱۰۸۷ میباشد . درهامش پایان شعرهائی درستایش از کتاب و نگارنده‌آن بتعلیق خوش هست . محمدمهدی بن‌رضی‌الدین محمد هروی‌دارنده نسخه بوده ومهراوهم هست. نیزمحمد صفی‌بن محمدتقی دربروجرد ج۱سال ۱۲٦۸ - مجدالدین بن صدرالافاضل در۱۷ خرداد ۱۳۲۲خ نسخه‌را بواقف یادگار داده‌است . حسنعلی‌بن‌محمدصادق‌مجلسی‌الماسی‌مینو بسد که‌اینکتاب نگارش‌بیاضی‌است‌ومجلسی‌در فهرست‌از آن‌بادنمود. (همه‌اینهادرگ۱الف). (ش۱۳۰ص۲۷۵ج۱فهرست‌سپهسالار)

(۴۰۱گ) -- کاغذ سمرقندی - جلدتیماج مشکی زرکوب

اندازه : ۱۷ · ۲۵ و۵ر۹ · ۱۷س۱۸

[٦٦۷] علاقةالتجرید (فارسی)

سید امیر محمد اشرف بن عبدالحسیب بن احمدبن زین‌العابدین علوی حسینی عاملی (م ۱۱٤۵) نگارنده فضائل‌السادات گزارشی برتحرید خواجه طوسی بنام بالا نوشته‌است. دردیباچه نام‌او و نام‌گزارش‌دیده‌میشود . اودرپایان شرح«والامکان یعطی جوازالعدم» ازشرح علامه وحاج محمود یاد میکند (گ۱۱۹ الف) همچنین درجاهای دیگر (گ ۳۵ب - ۳٦ب - ۲۷الف - ۱۰۳ب) .

آغاز: بسمله . حمد مرخدایراکه‌تجرید علائق جسمانیه وتهذیب اخلاق‌ایمانیه

را صراط‌المستقیم ابواب جنان .

انجام: پس قول آن حضرت‌است‌من ابتلی‌بشیء من‌هذه‌القاذورات فلیسترها بستر‌الله وایضا سیرت آنحضرت ص چنین بوده . تم‌الکلام بخیرالمرام انشاالله . تم .

[۸۱۲]

۲۵۵ این نسخه بخط نسخ ومتن زبرخط سرخ و عنوان قال بشنگرف میباشد . دربرخی ازجاها که تصحیح شده روی عبارتهای نادرست خط کشیده شده‌و این میرساند که نوشته خودعاملی است ولی دربرخی از جاها نسخه بدلها درهامش دیده میشود که گویا بخط دیگری‌است .

(۱۳۲ک) کاغذ سمرقندی جلد تیماج سبز مقوائی تازه

اندازه : ۱۸×۲۴ و۸×۱۸س۲۱

[۶۶۸] **عوائد المزید** (عربی)

دانشمند محمد جعفراسترابادی دراین رساله که دارای ۱۵ عائده است از برخی ازمسئله‌های کلامی گفتگو نمود .

آغاز: بسمله . الحمدلله علی‌نواله ... فیقول ... محمدجعفرالاسترابادی هذه رسالة مساة بعوائدالمزید .

انجام : و عدم کونه علی‌سبیل المبالغة کماهوالتعارف فی‌الالسنة تم بالخیر والسعادة فی‌سنة ۱۲۴۵ .

[۸۱۳]

۳۱۹ این نسخه شماره۳ دفتر بخطنسخ باعنوانها ونشانه های شنگرف ازهمان بسطامی‌نویسنده شماره یکم میباشد. گ۱۱۶ب ـ۱۲۱الف . درکنار گ ۱۰۷الف بخط تعلیق دارد: «روز زلزله‌نوشته شد. روزشنبه دوم ماه‌شوال المکرم ۱۲۴۵» .

[۶۶۹] **الفرائدالبهیه فی‌شرح‌العقائد البهائیه** (عربی)

فاضل‌حاجی مولی عبدالله بن نجم‌الدین‌قندهاری که درکابل‌وطوس میزیست درجوانی بررساله اعتقادیه شیخ بهائی گزارشی نگاشته ودلیل و برهان برای آن

آورد ودرشب یکشنبه ۷شوال ۱۲٤٤ آنرا بپایان رساند. اعتقادیه‌بهائی دو ترجمه پارسی دارد که در فهرست طوس (ش ۳۵۵ و ۳۵٦ ص ۲٦ و۲۷ج ٤) شناسانده شده است .

آغاز: بسمله... الحمدلله‌الذی وفقنا لتبیین‌العقائدالدینیة وتدوین‌المقاصد الیقینیة

انجام : ای‌عن‌الصغائر والکبائر والارجاس والنقائص‌البشریة بنص رب‌العالمین . وبعد ماختم‌الشیخ ... والحمدلله اولا و آخراً وظاهراً و باطنا .

[۸۱٤]

این نسخه بخط تعلیق خوش باعنوانها ونشانهٔ های شنگرف ومتن در بالای هر
٤۰۱ صفحه ومیان شرح زیرخط نوشته شده وحاشیه هائی ازخود قندهاری درهامش
هست . سرگذشت اوازمطلع‌الشمس (ج۲ص٤۰۱) درپشت برگ نخستین دیده میشود . نویسنده نسخه همان قندهاری است وپسراو عمادالوعظین (عمادخطیب) بخط خود درپشت همان برگ بسال ۱۳۲۷ نوشته و گواهی دادکه این گزارش از پدر او است .

(۳۸۸ص) - کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ

اندازه : ۱۱ · ۱۸ و۷ · ۱۳س۱۵

[٦۷۰] فرج‌المهموم فی‌تاریخ علماء النجوم (عربی)

دانشمند ابن‌طاوس ابوالقاسم علی‌بن موسی (۵۸۹-٦٦٤) اینکتاب راکه در ده باب‌است‌نگاشته ودر آن‌روشن‌نمودکه‌نجوم وستاره‌شناسی‌درست‌است‌وبسیاری از دانشمندان شیعی بدان آشنا بوده وبسی ازفرزانگان اسلامی پیش‌بینی‌های درستی کرده اند و پیامبران و پیشوایان از این دانش بیگانگی نداشتند . نام بسیاری از کتابهای ستاره‌شناسان‌که بدست او رسید دراینکتاب دیده میشود وفهرست خوبی است برای نام‌آنان ونگارش آنها . اوبرای درستی ستاره شماری واحکام نجوم‌از حدیثها نیز گواه میآرد ومیگویدکه منکران پنداشتندکه ستارگان در علم نجوم آفریننده دانسته شده واین بادین نمیسازد . چنین نیست بلکه ماآنها راآیتها و نشانه‌هائی میدانیم . او ازشبههٔ منکران نیز پاسخ میگوید.کتاب درروز سه‌شنبه۲۰ محرم۶۵۰گویا درکربلا بپایان رسید ودرنجف بسال۱۳٦۸ بچاپ رسید .

[۸۱۵]

۸۴۸ این نسخه بنسخ باعنوانهای شنگرف‌میباشد . پس ازسرآغاز یك برگ‌سفید گذارده شده ونتوشته‌اند ونسخهٔ دراینجا افتاده دارد .

(۳۱۱۱ف) — کاغذسپاهانی ــ جلدتیماج سرخ ساده‌مقوالی

اندازه : ۱۵ · ۲۱و۵ر۸×۱۶س۱۹

[۶۷۱] فناء الموجودات قبل القیامه (رسالهٔ فی...) (عربی)

محمداسمعیل مازندرانی خواجوئی(م۱۱۷۳) دانشمند متکلم پارسانگارندهٔ «ابطال‌الزمان‌الموهوم» و«الردعلی‌الصوفیه» بپارسی(روضات ص۳ـ۳۱) دراینگفتار روشن ساخت که همه‌چیزها بجزخداوند پیش ازرستاخیز نابود میشوند.

آغاز: بسمله. بعد حمدالله‌المتوحد بالعزوالبقاء ... اقول وانا‌العبد ... محمد بن‌الحسین بن‌محمد رضا الشهیر باسمعیل‌المازندرانی .

انجام : وارشدنا وایاك الی مافیه صلاحنا فی‌البدایة والنهایة . هذا جملة ما خطربخاطری‌الفاتر وذهنی‌القاصر .. والصلوة علی نبیه‌و آله مابقی‌الغدووالاصال .

[۸۱۶]

۸۹۱ این نسخه شماره۲ دفتراست وبخط نسخ باحاشیه «منه‌رحمه» بتعلیق‌شکسته گ۳۹ب ـ ۱۷۴الف . شماره ۱آن «رضاعیه» است بنسخ که ابوالحسن بن محمدرضا دامغانی در۱۰۷۸آنرا نوشته است .گ۱الف ــ ۱۳۸الف .

(همه‌دفتر۳۷۴ف)ــ کاغذ فرنگی‌ــ جلد مشکی‌فرسوده

اندازه :۱۷ · ۲۲و۵ر۱۰ · ۱۷ س۲۱

[۶۷۲] قواعد (عربی)

کمال‌الدین میثم‌بن علی‌بن میثم بحرانی (م۶۷۹) در اینکتاب از بسیاری از مباحث کلام‌بروش شیعی گفتگونمود ودر ۶۷۶آنرا بپایان رساند. درآغازمیگوید علم اصول دین را کـه برترین دانشها است بیاموختم و اکنون بدستور ابوالمظفر عبدالعزیزبن جعفر این‌رساله‌کوتاه رانوشتم .

آغاز: الحمدلله‌الولی‌الحمیدذی‌العرش‌المجید... فلماکان شرف‌العلم بشرف المعلوم .

انجام : اعنی طبقة الاولیاء و باللّٰه التوفیق والعصمة وبه الحول والقوه والحمدللّٰه رب العالمین اتفق فراغ مصنفه ومؤلفه ... سنة ست وسبعین وستمائة

[٨١٧]

این نسخه شماره ١ دفتراست و بخط تعلیق محمد حسین گلپایگانی بسال ١٣٢٧
٥ ٢٩٧ گ ١ ب ـ ٧٦ ب. در پایان دارد : «ووقع الفراغ من تحریر. فی الخامس والعشرین من شهر جمادی الاولی ١٣٢٧» .

| ٦٧٣ | کاشف الحق (فارسی)

درسر گذشت امامان و اثبات امامت آنها دفتری بنام «حدیقة الشیعه»(١) بپارسی هست که شیخ محمدبن حسن حرعاملی م ١١٠٤ در امل الامل (ص ٤٦٠) و شیخ سلیمان
١٠ بن عبداللّٰه ماحوزی بحرانی (نزدیک ١٠٧١ ـ ١١٢١) و شیخ عبداللّٰه بن صالح سماهیجی اخباری م ١١٣٥ و شیخ یوسف بن احمد درازی بحرانی م ١١٨٦ نگارنده حدائق در لؤلؤتی البحرین (چاپ سنگی بی‌شماره) و میرزا عبداللّٰه افندی تبریزی سپاهانی در ریاض العلماء و نوری (١٢٥٤ ـ ١٣٢٠) درمستدرک الوسائل (ج ٣ ص ٥ ـ ٣٩٣) آنرا از دانشمند پارسا احمدبن محمداردبیلی دانسته‌اند . او در نجف میزیسته و شاه عباس
١٥ یکم (٩٨٥ ـ ١٠٣٨) گرامیش میداشته ودرهمانجا درصفر ٩٩٣ درگذشت(٢) .

١ ـ حدیقه دردوجلد و نخستین آن درسر گذشت پیامبر بایدباشد مگراینکه از جلد یکم آن سراغ ندادند . درآستانه طوس (ج ١ ص ٣٢ ش ١٠٣ اخبار) نسخه‌ای ازجلددوم آن هست وهمین جلدیکبار درتهران بسال ١٢٦٥ بخط تعلیق وباره دیگر بسال ١٢٧٠ درایران وسوم بار درتهران کارخانهٔ اللّٰه قلیخان بخط ابوالقاسم الشریف بن میرزامحمد
٢٠ رضای خوزانی سپاهانی وپدراو در ١٥ شعبان ١٣٠٣ در ٢٨٧ ص بچاپ سنگی رسید. کتابی بنام عقایدالاسلام بعربی چاپ عبدالصمدبن احمدتبریزی بسال ١٣٢١ در ١٤٤ ص دیده شده که ترجمان آن محمدبن نقی میگوید کـه آن بترکی عثمانی ازمولی محقق اردبیلی بوده است ودراثبات خدا وپیامبر وامام میباشد و بروش کلامیان بـااستدلال نوشته شده و نباید اینرا بجای جلدنخستین حدیقه پنداشت .

٢٥ ٢ ـ اردبیلی زبدة البیان فی براهین احکام القران (ایات الاحکام) را چنانکه درفهرست سپهسالار ج ١ ص ٨٣ آمده در ٩٨٩ نگاشته است ولی در طوس دو نسخه هست که

بقیه حاشیه درصفحه بعد

دراینددفتر ازخود اردبیلی ونگارشهایش هم یادگردید وبدانها بازگشت داده شد و نوری درمستدرك همه آنجاها رابرشمردودرهامش ص١٠٠ طرائق الحقائق میرمعصوم علیشاه م١٢٤٤ نیز برخی از آنها آمده ودر روضات ص٢٤هم یادگردید(١).

نگارندهٔ روضات الجنات(١٢٢٦-١٣١٣) ونویسندهٔ طرائق الحقایق (ص٩٩) ومحشی ذریعه ج٦ص٣٩٤ آنرا ازاردبیلی ندانستند زیرامحقق سبزواری م١٠٩٠ گفته که حدیقه ازمعزالدین اردستانی است ودرفهرست نگارشهای او ازاین کتاب یاد نکردیدومولی محمود خراسانی گوید که حدیقه درهندنوشته شده وردبرصوفیان را پس ازآن نگاشتندودرمیان آن گذاردند وهمه را ازاردبیلی وانمود کردندوملا شاه محمد شیرازی همان اردستانی را دیده وازو پرسید واو آنرا ازخود دانست. بگفتهٔ حاج محمد جعفربن حاج صفرخان همدانی درآغاز مرآت الحق اردبیلی در حاشیه تجرید بوحدت وجود گرائیده ودوراست که ازصوفیان نکوهش کرده باشد.

بقیه حاشیه صفحه قبل

یکی در٩٦٢ ویکی در٩٨٩ نوشته شده است (ج١ش٦و٧ص٢-٣ تفسیر وج٤ص٤٠٢) اومجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشادالاذهان را در کربلا رمضان ٩٧٧ آغاز وجلد یکم آن را درنجف ١٠ع١ سال٩٧٨ بپایان رساندو کتاب درنیمه روز یکشنبه٢صفر٩٨٥ انجام گرفت (فهرست سپهسالار ج١ص٤٤٢-همین شرح ارشاد چاپ سنگی ایران ازمحمد تقی خوانساری بسال١٢٧٢).

١ - دراصل یکم حدیقه ص٣ دارد: «دررسالهٔ اثبات واجب یادکرده ایم» که در گ١٢س١٣ کاشف الحق چنین آمده: «مولانا احمد اردبیلی دررسالهٔ اثبات واجب فرموده» درص٤دارد: «مادراثبات واجب درباب اجماع چندکلمه سودمند یادکردیم» که درگ١٤ الف کاشف نیامده است. درشرح نزول سوره هل اتی به شرح ارشاد فقه بازگشت شده (ص٢٣) وآن هم در کاشف الحق نیامده است (گ٣١ب س١٠) نوری در مستدرك میگوید که درشرح ارشاد چنین چیزی دیده نشده مگراینکه درباب صدقه که اکنون دردست نیست باشد. درباره ابوهاشم کوفی درص٢٠٨ بازیادی اززبدة البیان میکند. درص٢٢٣ میگوید: «ومؤلف اینکتاب... احمد اردبیلی گوید مرا گذار باصفهان افتاد». درص٢٨٧ دارد «این فقیر دررسالهٔ که هم بفارسی نوشته است» واین درپایان کاشف الحق دیده نمیشود.

آنهم نسخه‌ای ازحدیقه که پیش از۱۰۷۸ نوشته شده باشد دیده‌نشده کـه درآن نگارنده‌را اردبیلی پنداشته‌باشند. مجلسی نیزحدیقه را از اردبیلی ندانست و خبر های‌ضعیفی‌هم‌در آن آمده که‌ازاردبیلی گرایندهٔ بخبرهای عالی‌السندبسیار دوراست (نوری گوید که درهنگام رد تمسك بچنین خبرها رواست) عبارات اینکتاب هم در کاشف‌الحق دیده‌میشود وبزبان پارسی‌است وازاردبیلی پارسی‌نوشتن دورمیباشد. سید ابراهیم‌بن امیرمعصوم قزینی درحواشی امل‌الامل بنام متمم‌الامل نیز آنرا از اردبیلی‌ندانست گویا دشمنان صوفیان که برای کمك بمیرلوحی دشمن مجلسی‌یکم ۱۲رساله در نکوهش ازابی مسلم خراسانی نوشته ودرنکوهش ازصوفیان توضیح المشربین واصول فصول‌التوضیح نگاشته‌اند این‌بخش ازحدیقه‌راکه درردبرصوفیان است ساخته ودرکتاب اردستانی گذارده وهمه‌را ازاردبیلی نشان دادند. این‌بخش بساخت نامهٔ جداگانه‌ای در نزد محدث نوری درنسخه‌ای نوشتهٔ ۲۸ شوال۱۱۶۹ بوده وبگفته هموآنرا درروزگار اردبیلی نوشته وازحدیقه گزین کرده‌اند.

گویااین‌بخش ازمحمد طاهربن محمدحسین شیرازی نجفی قمی اخباری‌م۱۰۹۸ شیخ‌الاسلام وامام جمعه باشد. اوکسی بودکه نماز آدینه را درنبود امام ناروا می دانست ودشمن دومجلسی وفیض بود وشاه‌سلیمان (۱۰۷۷ـ۱۱۰۵) میخواست او را بکشد. اوحکمة‌العارفین والفوائدالدینیة فی‌الردعلی‌الحکماء والصوفیه نوشته‌که مجلسی یکم‌اورا ردنمودگرچه فرزندش‌اینرا نپذیرفت. قمی‌قصیده‌رائیه‌ای‌درستایش علی(ع) ونکوهش صوفیان داردکه خودآنراگزارش نمود وهر دو بپـارسی است (ذریعه ج۳ ص۴۱۷).

قطب‌الدین نیریزی م نزدیك ۱۱۷۳ درالحکمة‌العلویه (ش ۳۶۴/۳) میگوید که اردبیلی دربرخی کتابها ودرتفسیر « الذین یتفکرون فی‌خلق‌السموات‌والارض » در آیات الاحکام بروش صوفیانه رفت وبخش نکوهش از صوفیان حدیقه از ملا معز اردستانی دشمن صوفیان است‌که درآن حدیثهای ساختگی خودرا آورده است‌ـ این راهم بایددانست‌که دراین‌بخش ص۲۸۶ ازمرك میرمخدوم م۸یا۹۹۵ ونواقض

او (نوشتهٔ در ۹۸۸) یادمیشودوهمین میرساندکه آن‌ازاردبیلی م۹۹۳ نخواهد بود.

درطرایق‌الحقائق ص۹۹ ازبستان‌السیاحه حاج زین‌العابدین شیروانی آمده که ازمولا محمد باقرخراسانی نگارنده ذخیره درباره حدیقه پرسیده‌اند او گفت درفهرست نگارشهای اودیده نشد و آن ازمعزاردستانی است ونکوهش صوفیان‌را هم بر آن‌افزودند. درهمان بستان چاپ ایران ۱۳۴۲ ص ۲۹ دارد « مصنف کتاب حدیقه وصاحب تبصره ودیگران مانند مولانا محمدطاهر قمی ...» ودرص۵-۲۴از گفتهٔفخر العلماء مولانا احمد کابلی درپاسخ‌پرسنده‌ای چنین آمده که« برخی‌ازامامیان دشمن صوفیان‌چنین گفته‌اند» آنگاه سخنان‌اردبیلی درحدیقه(ص۹-۲۰۸) رانوشته است اودرص۳۳۵ بستان آنچه راکه درص۲۰۸ حدیقه درباره دسته های صوفیان آمده ردنمود ونامی ازاردبیلی نبرد و آن سخن رااز «علمای ظاهر» دانست . همو درریاض‌السیاحه چاپ ۱۳۳۹ ص ۱۲۰ خبرهائی از پیامبر وعلی(ع) در ستایش از تصوف آورد ودرص۱۲۶ میگویدکه هفده دسته‌ای‌که برای صوفیان شمرده و آنرا ازرساله‌ای ازسید مرتضی میدانند درست نیست (بسخن نگارندهٔ حدیقه مینگرد) چه این‌رساله (تبصرة العوام) ازسید نمیباشد چنانکه اردستانی حدیقه را نوشته و بنام اردبیلی شهرت داد(۱) - باری‌حدیقه بساخت کاشف‌الحق در آمده ومیرمیران معزالدین‌محمدبن‌ظهیرالدین‌محمدحسینی اردستانی‌شاگردابن‌خاتون محمدعاملی دکنی‌این کتاب‌رادریکسال‌ونیم‌درحیدرآبادبسال۱۰۵۸ نوشته وخودبدان‌نامی‌نداده وازخودنیزنامی‌نبرده‌است (درپشت‌نسخه۹۲۷طوس‌وپایان نسخه‌ماکسی آنراچنین نامیده‌است) این‌دانشمند درحیدرآباد میزیست . کاشف‌الحق اوهمان حدیقه‌است تنهاسه‌سطر ازخطبه وچندسطر پایان آنرا برداشت ودر آغاز آن‌دیباچه‌ای‌بنام قطب شاه سلطان عبدالله شیعی (غلکنده ۱۰۲۰-۱۰۸۳) افزود ودرپایان ازشاه اسماعیل

۱۰ - نیز بنگرید به: طرائق ص۹۴و۹۹- ذریعه ج۴ص۱۵۰و۴۲۲ و۴۹۵ وج۶ ص۶-۳۸۵ - فهرست طوس ج۱ش۱۰۳ اخبارص۳۲وج۴ش۹۲۷ص۲۱۸-قصص‌العلماء تنکابنی ص۲۴۷- جلال‌الدین امیرسید بن‌محمدبن غیاث‌الدین محمدحدیقه‌راگزین نمودواو گویاهمان‌جلال‌الدین‌محمدبن‌محمد کاشانی باشد که مناظره احسائی‌وهروی‌را بسال۱۰۰۱ بپارسی کرد .

یکم(۹۰۷ـ ۹۳۰)بستود(گ۳٦٥ب)و بیتهائی درستایش از کتاب وشاه عبدالله درپایان گذارد. بخش نکوهش ازصوفیان هم در آن نیست. هرجائی که اردبیلی در آن گفته که در چنین وچنان کتابم گفته‌ام بجای آن «گفته است» آمده یا آنرا انداخته است ودارای یك مقدمه ویك باب در ۱۲ فصل ویك خاتمه در دو اصل میباشد درس۱۳ گ۱ الف کاشف الحق ازعبارت «امید که ازفاتحه تاخاتمه بنحویکه قابل خواندن وشنیدن اهل فضل و کمال باشد ...» برابر است باس۸ص۱ حدیقة الشیعهٔ چاپ۱۳۰۳ ودرس۱ گ۳٦٥ب عبارت «شهرهای مشهور که ازروزیکه بناشده هرگز بوی تسنن بمشامشان نرسیده وچون قم وکاشان وسبزوار ومشهد» ازحدیقه است بادیگر گونگی(س۱ص۲۸۷) وازاینجا بـاندازهٔ بیست سطر آن آورده نشد ودو صفحه خود اردستانی افزوده وکتاب را بپایان رساند وبیتی چنددربارهٔ انجام گرفتن کتاب وتاریخ آن وستایش ازشاه عبدالله آورد، است.

درگ۲۷۸ب س ۱۱ و۱۲ جائی است که داستان پیدائی دولت عباسی وکار های ابوسلمه وابومسلم ونکوهش ازصوفیان که نزدیك به بیست صفحه حدیقه را گرفته است (ص۲۰۳ـ۲۲۳) باید باشد واردستانی آنـرا انداخت وعبارت را دیگر گونه ساخت وبجای عبارت «وایضا مذکواست که حمادبن عیسی از آن حضرت استدعـا نمود که خانهٔ خوب وزن نیکو واولاد صالح ازجهت اوازخدا درخواست کند... ودرحج آخرین درجحفه بجهت غسل احرام غرق شده برحمت خدا رفت (اینجـا داستان صوفیان آمده) اگرچه مقالات وعقاید زشت وافعال ناشایستهٔ صوفیه بیشمار است واخبار واحادیث درمذمت ایشان بسیار لکن چون این مختصررا بیش از این گنجایش نبود بهمین چندکلمه اقتصار نمود وازجملهٔ مواعظ ونصایح ...» بدینگونه آورده است: «و در حج آخرین درجحفه برحمت خـدا رفت وچون کرامات و معجزات راحدی نیست بهمین قدراکتفا نمود وازجملهٔ نصایح ومواعظ ...» گ۲۷۸ب س ۱۱ ـ ۱۲.

درگ۲ الف وب نزدیك بسه سطر «چنانچه مقبول فرق انام ... موجود دروجود

الاپیمری» آمده که درحدیقه نیست ودر گ ۳الف س۵ـ۸ دو بیت ازمولوی باتفسیر آن آمده که درحدیقه دیده نمیشود. نیز در گ۲۹الف بیتی از مولوی آورده شد و در گ۳۱ب برعبارت حدیقه ص۲۳افزود واز آن کاست. در گ۳۲الف نیز ازعبارت حدیقه (ص۲٤) کاسته است. اردستانی بارها بیتهائی ازمولوی وحافظ ودر گ ۱۲ س۷ مصرعی ازشیخ‌عطار آورده است درهمینجا عبارتی از احقاق‌الحق شوشتری دیده میشود که درحدیقه نیست (ص۹) و پیداستکه او اینکتاب رادرست از روی حدیقه ساخته و گاهی عبارتهای آن‌را فشرده و کوتاه کرد و در برخی جاها چیزهائی بر آن افزود ودرسر گذشت امام زمان و کسانیکه ازشهرها بیاری او میآیند نام کسانی را انداخت ودر بسیاری ازجاها عبارت‌را بر گرداند آنچنانکه درمعنی اثری نکند یا معنی درست دیگری‌را برساند مانند گ۱۲الف س۱۳ که عبارت‌را دیگر گون ساخت و گ٤الف پایان فصل ۱ که یك سطر حدیقه‌را نیآورد چه در آن برساله اثبات واجب اردبیلی باز گشت داده شده (ص٤چاپی) باید گفت که ایندفتر نمونهٔ آشکاری است از کتابهای ساختگی ومجعول. حاجی نوری درمستدرك ج۳ ص۳۹٤ میگوید که نگارنده کاشف‌الحق مردی بود که برای دنیا بهند رفته بدربار قطب شاه راه یافت واز حدیقه دزدیده اینکتاب را ساخت.

آغاز: حمدیکه حامدان ملاء اعلی وذاکران کرمغبرا ازادای آن‌عاجز آیند (نسخهٔ ش ۹۲۷ تاریخ ۱۰۹۸ وش۹۲۸ طوس).

انجام: وازجمله‌معاونان... آنحضرت باشند بحق‌محمد و آله‌الطاهرین آمین یارب‌العالمین.

بیت گفته:

شکرحق‌را که‌این‌خجسته کتاب — که درو نیست، غیرصدق‌وصواب

بود پنجاه هشت بعد هزار — که بپایان رسید این گفتار

شکر که این‌نامه بپایان رسید — پیشتر از عمر بپایان رسید

[٨١٨]

این نسخه بخط تعلیق ازمحمدسلیم بن حاجی محمد امین متولی درروز آدینه‌دوم
٥٢٤ ذی‌حجه بسال ١٢٢٠ میباشد که مینویسد : «تمت کتاب کاشف‌الحق ... » واز
دیباچه جزیك سطرونیمی پیش ندارد وچنین است : «صحرای محشروتوشه‌آن
٥ راه پرخطر گردد ... واین رساله... مرتب شود برمقدمه وبابی وخاتمه . مقدمه‌دربیان
مقصود ازلفظ امام وبیان احتیاج بوجودآن» سپس فهرست باب وخاتمه آنگاه مقدمه
میآید . درپایان (گ٣٦٥ب) ازشاه اسماعیل صفوی وشاه «غفران پناه» هند (حیدر
آباد) یاد میشودودرهمانجا ودرگ٣٦٦الف ازشاه دوست نوازدشمن گدازشاه‌عبدالله
نام برده شده است .

١٠ (٣٩٦٦ک) کاغذ فرنگی- جلد تیماج ضربی مقوائی
اندازه : ١٨ · ٢٧ و١٢×٥ر٢١س١٩

[٦٧٤] **کشف‌الانوار** (فارسی)

دراین گفتار امامت علی(ع) بروش شیعی ازروی آیتها وخبرها روشن میگردد.

آغاز: بسمله . الحمدلله‌الذی جعلنا من‌المؤمنین‌الذینهم عن‌اللغومعرضون ... از
١٥ این کلمات استنباط میشودکه مابین اسلام وایمان عموم وخصوص مطلق‌است .

انجام : ذات‌نایافته ازهستی‌بخش -کی تواندکه‌شود هستی‌بخش. وصلی‌الله‌علی
محمد و آله .

[٨١٩]

این نسخه شماره١دفتراست‌وبخط تعلیق خوش وعبارتهای‌تازی بنسخ‌وشنگرف
٢٠ **١٢٨** س١-١٢٠ درطوس‌نسخه‌ای بشماره٢٣٤ ازاین هست‌و« کشف‌الاسرار» نامیده
شده‌گویا نگارنده این و« کشف‌المعاد» یکی‌باشد .

(همه دفتر ٣٩٢ک) -کاغذ فرنگی - جلد تیماج مشکی مقوائی حاشیه پارچه سرخ
اندازه : ١١٥×١٧ و٥ر٦×١١س١١

[٦٧٥] **کشف‌الفوائد فی‌شرح قواعدالعقائد** (عربی)

٢٥ علامه حلی بخواهش فرزندخود فخرالمحققین برقواعدالعقاید،خواجه‌طوسی‌این
گزارش را نگاشته است و آن در تهران بسال ١٣٠٥ با چند رساله دیگر بچاپ
سنگی رسید .

[٨٢٠]

٢٩٩ این نسخه بنسخ با عنوانهای شنگرف از زکریابن عبدالله در ۲۵ رجب ۱۰۶۳ میباشد .

(۳۲۹۹)- کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج سرخ

اندازه : ۶ × ۵ر۱۴و۵ × ۵ر۱۰س۱۴

[٦٧٦] کشف المعاد (فارسی)

دراین گفتار ازرستاخیز ازروی آیتها وخبرها گفتگو گردید وبمنکران پاسخ داده شد .

آغاز: بسمله . ربنا انك جامع الناس ليوم لاريب فيه ... مخفی نماناد مستقبل ومآل امور خلق درمعاد بواسطهٔ اختلاف اقوال موجب تحیر گردیده .

انجام : آرامگاه ایشان خواهد بود . ربنا اتمم لنا نورنا واغفرلنا انك علی کل شیء قدیر .

[٨٢١]

١٢٨ این نسخه شماره۲ دفتر وبخط تعلیق خوش وعباتهای تازی بنسخ وشنگرف میباشد ص۱ـ۵۶ ـ نسخه‌ای ازاین درطوس (ش۹۴۴) هست ونگارنده این و« کشف الانوار » بایدیکی باشد .

[٦٧٧] کشف الیقین فی فضائل امیر المؤمنین (عربی)

علامه‌حلی بدستور شاهنشاه‌محمد خدابنده اولجایتو(۷۰۳ـ۷۱۶)این کتاب را درباره برتری امیرمؤمنان علی(ع) نگاشته ودر آن چندفصل است وباالفین‌همو درتبریز بسال ۱۲۹۸ بچاپ سنگی‌رسید .

آغاز: بسمله . الحمدلله القديم القاهر العظيم القادر الحليم ... فان مـرسوم السلطان الاعظم .

انجام : ولنقتصر علی‌هذاالقدر فی‌هذاالمختصر.. لان‌فضائله کثيرة لاتحصی والحمدلله‌رب العالمين وصلی‌الله‌علی سيدنا محمد ... وسلم کثيرا .

[٨٢٢]

ابن نسخه شماره١ دفتر و بخط نسخ باعنوانهای شنگرف یـا بسیاه درشت و از
٥٠٣ برك٢٢ تعلیق میباشد . برگهای ١ تا١٥ افزوده شده واندازه آن چنین است
«١٥/٥ × ٢٢ و٩/٥ × ١٥ ص٢١ » نویسندهٔ نسخهٔ مانند دیگر شماره‌ها احمد
٥ بن عبدالله ساوی نجفی در کربلا در نیمهٔ روز شنبه١٢ رجب١٠١٦ میباشد . گ١ب ـ
٥٤ الف . نسخه مقابله گردید . احمدبن زین‌العابدین حسینی کـربلائی دارنده نسخه
بوده است .

[٦٧٨] کفایة‌الاثر فی النصوص علی‌الائمة الاثناعشر (عربی)

علی‌بن محمدبن علی خزاز قمی شاگرد صدوق وابی‌المفضل شیبانی نصوصی را
١٠ که ازیاران پیامبر و امامان درباره‌دوازده امام آمده‌است آورد دردیباچه‌میگوید
چون دیدم دشمنان دراین باره سخت خرده گرفتند تـاجائیکه برخی ازشیعیان در
شك افتاده ونص براامامان رانپذیرفتند و گفتندکه دراین‌باره ازپیشینیان چیزی‌بما
نرسید این بودکه من اینکتاب‌را نوشتم .

آغاز: بسمله‌الحمدلله‌الموحد بالقـدم‌المنفرد بالازل المتعزز بالبقاء المذل عباده
١٥ بالفناء لم‌یصحبه فی‌اولیته وقت‌ولازمان ولایضمنه قطرولامکان

انجام: وعـرف‌الحق من‌الباطل والصدق من الکذب والله‌الموفق للصواب والله
المرجع والمآب والحمدلله‌الکریم‌الرحیم‌الوهاب والصلواة والسلام علی نبینامحمد
وآله الی یوم‌الحشر والحساب .

[٨٢٣]

٢٠ ٥٠٣ این نسخه شماره٣ دفتر و بخط نسخ‌وعنوانها درشت بشنگرف یالاجورد ونشانه
هاشنگرف‌ازاحمدبن عبدالله ساوی نجفی درشب‌چهارشنبه١٣ ذی‌قعده١٠١٧ گ
١٢١ب ـ ١٥١الف ومقابله گردید .

[٦٧٩] کلام (رساله در..) (فارسی)

این رساله درکلام شیعی است ودر٢٨ فصل میباشد وفصل ٢٨ آن در امامت و
٢٥ خاتمه آن دو مقاله است نخستین درامر بمعروف ونهی ازمنکرودوم درپندوا درز

ونسخه ما چنین است :

آغاز: دال است برنفی و تأکید . پس رؤیت از آن مسلوب باشد ... فصل بانجدهم دربیان‌انتفاء الم ولذت از ذات‌مقدس .

انجام : وباین دعا مداومت نمائی ... اللهم یا ارحم‌الراحمین . هذا یقینی و اعتقادی مع دلائله‌التی وفقتنی لادراکها ... فانه رؤف بالعباد وهوارحم‌الراحمین .

[٨٢٤]

٨٩٩ این نسخه شماره١٥ دفتر وبخط نسخ بـا عنوانهای شنگرف نزدیك ١٠٢٥ میباشد گ١الف ـ ١٦الف . این‌نسخه ١٣فصل نخستین وبخشی ازفصل١٤ را ندارد .

[٦٨٠] **الکلام والرؤیة (رسالة فی ...)** (عربی)

نگارنده این رساله ازکلام نفسی ودیدنی بودن‌خدا گفتگو میکند ونخست کلام نفسی خدا را اثبات سپس نشان میدهد که کلام نفسی چیست آنگاه سخنان مخالفان‌را میآورد پس ازاین‌بمبحث دیدنی بودن‌خدا میرسد و پیداستکه نویسنده کتاب اشعری‌است. ازشرح مواقف ایجی ومیرسید شریف‌گرگانی ومحقق تفتازانی یاد میکندودر(برگ١٢الف) مینویسد: «قلت لبعض مشاهیردیارنا» درهامش دارد: «المراد منه خضربك» پس نویسنده درروزگار خضربك میزیسته است . درآستانه طوس (ش٦٩٠) رساله دیگری درهمین دومسئله از ابن خطیب رومی محیی‌الدین محمدبن تاج‌الدین (م ٩٠١) هست که برای سلطان بایزید خان (٨٨٦ ـ ٩١٨) نوشته است .

آغاز: بسمله و به‌ثقتی، فی‌علم‌الکلام وفیه ثلثة مباحث. فی‌اثبات کونه‌متکلماً وتعیین‌الکلام النفسی‌الذی اثبتوه(؟!) اهل‌الحق ومغایرته المعبارات والعلم والارادة .

انجام : یجوزان یقع‌الرؤیة حال‌التکلم وحیاً اذا الوحی‌کلام بسرعة وهولا ینافی‌الرؤیة فلادلیل‌فیه‌علی ماذکروا اصلا. تمت‌الکتاب .

[٨٢٥]

١٠٨٦ این نسخه بتعلیق نوشته شده و نشانه‌ها در آن بشنگرف است .

(٣٦١ ف) - کاغذ ترمه سمرقندی جلد ندارد .
اندازه :١٣×در١٧ و٥٦×در١٢س٢١

٥ [٦٨١-٦٨٧] **گفتار های سیدمرتضی** (عربی)

ازدانشمند ادیب کلامی‌فقیه شیعی‌علم‌الهدی سیدمرتضی ابوالقاسم‌علی‌بن‌الحسین موسوی (٣٥٥-٤٣٦) پاسخها و گفتارهائی بیادگار ماندکه در آنها از پیامبری و پیشوائی و آفریدن هستی ازنیستی‌وجهان ذروستایش و نکوهش ازپرندگان‌ودامها وخوردنیها وزمینها (که آنرا نمیپذیرد) و گردآوردن قرآن و حجیت خبر واحد ١٠ ودیگر مسئله‌های کلامی وفقهی گفتگو نمود. اودر این رساله‌ها سخنانی دارد که دانشمندان پس ازوی آنها رانپسندیدند .

دراینکتابخانه هفت گفتار اوهست .

١ - پاسخهائی است که او بکسی داده ودر آن ازپیامبری وپیشوائی و آفرینش چیز ازناچیز وجهان ذروبدی وخوبی جانوران وجمادات وجمع قران وخبرواحد ١٥ یاد گردید . در دیباچه از پرسنده میستاید که این‌مسئله‌ها را هوشمندانه وخوب برگزید ومیگوید که پرسش‌بهمان اندازه دانش‌پرسنده‌را میرساندکه پاسخ‌زیرکی پاسخ‌دهنده‌را. پس‌ازپاسخ‌پرسش١٥ازمردمی گفتگو میکندودر آن سخنان‌ابوسهل نوبختی در(کتاب فی‌الانسان) وابن راوندی ونظام را ردمیکند و روش کلامی او بخوبی دراینجا پیداست . در آن‌ازشافی خود یادنمود(گ٦الف)درمسئله٧ آشکارا ٢٠ میگویدکه اعجاز قران ازروی صرفه‌است(١) .

---

١ - بیرونی در«الهند» میگوید که بید (Veda = ودا) راگروهی از هندوان گویند معجزاست و کسی نمیتواند مانندآن بسراید. دانشمندان‌آنها میگویندکه مردم میتوانند مگراینکه چون‌آن‌رااز بس بزرك میشمارند یارای چنین کاری را ندارند (ص٦١) پس‌گویا این‌صرفه را متکلمان ازبرهمنان‌گرفته باشند . از آنها نخسین بار

بقیه حاشیه درصنحه بعد

٢٥

آغاز: بسمله وبه‌نستعین الحمدلله علی‌البصیرة فی‌دینه والارشاد الی یقینه... فانی وقفت علی‌المسائل‌التی تضمن‌الکتاب الوارد ذکرها .

انجام : چنانکه درنسخهٔما هست : ولیس‌العلم بالحی‌القادر متعلقا بالاجزاء التی یدخلها الزیادة . والنقصان وانما یتعلق بالجملة (گ۱ب ـ ۵۱الف) .

۲ ـ پاسخ بپرسش درباره خبرواحد در۹ فصل . درپرسش از سید نام برده شد (گ۵۲ب ـ ۸۱الف ـ برخی جاهای نسخه سفید است) .

آغاز: بسمله وبه‌نستعین. بحمدالله نستفتح کل قول‌ونستعین علی‌کل عمل... وقفت علی‌المسائل‌التی سالت احسن‌الله توفیقك .

انجام : ویغنی‌عن‌ذلك کلهٔ مابیناه ورتبناه. وقداجبنا عن‌هذه‌المسائل‌بمااتسع له وقت ضیق . تمت‌المسائل واجوبتها بحمدالله ورحمته .

۳ ـ پاسخ بهشت پرسش درباره اینکه چرا آفریننده گوهر راگوهر نسازد وگرنه رواست آنرا بساخت عرضی مانندسیاهی درآورد ودرباره توانائی وزندگی وعرض وپیش‌بینی ستاره‌شناسان وکردارستارگان وخواب‌ودرباره اینکه اندیشنده ونگرنده تادرشك نباشد بدانائی نخواهد رسید ودرباره خبر واراده . او در اینجا بفیلسوفان میتازد وجهان جان را یاوه میداند ومیگوید آنچه آنـان درباره جان گفته‌اند روشن نیست (۱۰۰الف) وسخن صالح قبه‌را از«مقالات» میآورد که: «هر چه‌درخواب‌میبینند راست ودرست است» سپس‌میگوید که این‌گفتار مانند سخنان سوفسطائیان نادان است (۹۸ب) (گ۸۲ب ـ ۱۰۴الف) .

بقیه حاشیه صفحه قبل

نظام بصری معتزلی (۱۶۰ـ۲۲۱) سپس‌هشام‌بن عمرو فوطی بصری (م نزدیك۲۱۸) وعبادبن‌سلیمان صیمری (م نزدیك۲۵۰) وابوالحسن اشعری وابواسحق نصیبی‌اشعری وشیخ مفید (۳۳۸ـ۴۱۳) وسید مرتضی وشیخ طوسی (۳۸۵ـ۴۶۰) وجوینی (۴۱۹ـ۴۷۸) درالعقیدةالنظامیه ص۵۶چنین گفته‌اند (بنگرید به: شرح تجرید قوشچی،ص۳۹۶ چاپ سنگی چاپخانه ملاعباسعلی کتابفروش بسال۱۳۰۱ واوائل‌المقالات مفید چاپ‌دوم تبریز بسال۱۳۳۰خ‌ص۳۱ـو۱۲۱و۱۲۲ ومسئله۳۴ ازمسائل عکبری مفید) .

آغاز: بسمله و به نستعین . قال سیدنا الشریف السید الاجل الاوحد المرتضی ذوالمجدین علم‌الهدی تغمده‌الله برضوانه : وقفت علی‌ماانفذه‌الاسناد ادام‌الله عزه من المسائل ... ابتداء بان قال : امانعم‌الله تعالی علی‌الخلق بدوام بقاء سیدناالشریف ... المرتضی علم‌الهدی .. فالالسن تقصر عن اداء شکرها .

انجام .حتی یؤثرماقلناه من‌المقارنةلاول‌جزء من‌اجزائه. تمت‌المسائل‌والجواب بعون‌الملك‌الوهاب . والحمدلله رب‌العالمین . آمین

٤ ـ پاسخ باین پرسش که آیا باید ماه را دید یابشمارش بس نمود . او میگوید که همهٔ‌دانشمندان‌ما بجزدسته‌ای ازپیروان حدیث بدیدن‌ماه میگویند واز گفتارش پیداست که یهودان نیـز در این‌باره دو گروه بوده‌اند . باز میگوید که اخباریان خواستند آیت «کتب علیکم‌الصیام کما کتب علی‌الذین‌من‌قبلکم ... ایا مامعدودات» راگواه گیرندوروزه مسلمانان‌رابا روزه یهودیکی‌سازند چه‌یهود بشمارش‌میگرایند نه دیدن ماه پس در اسلام‌هم دیدن آن بایستنی نیست ـ این مسئله را نخستین‌بار ابن ابی‌العوجاء آورد (ص۲۱۵اینفهرست) واسماعیلیان هم‌بدان آشنابودند .(١٠٤ ب ـ ١٢٥ الف) .

آغاز: بسمله وبه‌نستعین . الحمدالله علی‌وافرالجباء وباهرالعطاء ... وقفنی‌احسن الله توفیقك علی ماانفدته من‌الکلام المجموع فی نصرةالعدد فی‌الشهور والطعن علی من‌ذهب الی‌الرؤیة .

انجام : وتعذر استدراك فرضه علیه وهـذاکله واضح لمن‌تامله بعین الانصاف . تمت‌الکتاب بحمدالله تعالی .

٥ ـ متفردات امامیان‌که ١١٠ مسئله‌را یادمیکند وبرای همه آنها دلیل‌میآورد واجماعی میداند . میگویدکه دانشمندان‌ما میگفته‌اندکه بکار بستن قیاس و خبر واحدرا خرد ناروا میداند وچنین نیست زیراشاید خرد آن‌را روا بدارد و تنها در دین ناپسندیده باشد . سید اینگفتار را نزدیك‌بربیع یکم سال ٤٢٠ بپایان رساند (١٢٥ ب ـ ١٤٧ الف) .

آغاز: قد اجبت عن المسائل الواردة فی شهر ربیع الاول من سنة عشرین و اربعمائة بما اختصرت الفاظه .

انجام : والکلام فی هذه المسئلة طویل . وهذه جملة کافیة وسنبسطه فی مسائل الخلاف انشاءالله تعالی . تمت المسائل بحمدالله وعونه .

٦ ـ گفتاری است ازهمو و۹ مسئله فقهی است . (١٤٧ ب ـ ١٥٦ ب) . ٥

آغاز: بسمله وبه نستعین . قد اجبت ادام‌الله لکم السلامة واسبق(؟)علیکم ـ الکرامة .

انجام ویطلق فیه انه مکاتب وهذا بین لمن تأمله . تمت المسائل بحمدالله تعالی وعونه .

٧ ـ پاسخهائی است ازهمو در٦٦ مسئله فقهی . (١٥٧ب ـ ١٦٦الف) . ١٠

آغاز: بسمله. نحن ـ اطال‌الله بقاء سیدنا الشریف الاجل المرتضی علم الهدی... وکبت اعداه وحسدته ـ فی دیار متاخمة لدار الکفر .

انجام: حلت لهم الصدقة مع المنع من هذا الخمس . والله الموفق للصواب. تمت المسائل والرسائل بحمدالله وعونه وحسن توفیقه .

[٨٢٦ـ٨٣٢] ١٥

این نسخه‌ها شماره‌های ١ تا٧ دفتر است وبخط نسخ بـا عنوانهای شنگرف
١٠٨٠ سلیمان بن مولانا مبارک بن ابراهیم بن عبدالله بن معین‌الدین قریشی میباشد وبرخی جاها سفید وعبارات ناقص است .

[٦٨٨] گفتگوی حسن بصری باشمعون (فارسی)

حسن بصری(٢٢ـ١١٠)باشمعون آتش‌پرست گفتگوئی نموده ودر آن درستی ٢٠ آئین اسلام‌را روشن نمود اینك پارسی آن دراینجا شناسانده میشود .

آغاز: نقل است که حسن بصری همسایهٔ داشت آتش پرست نام او شمعون دربیماری مرگ افتاده .

انجام : گفت خداوندا معلوم است که کارتو بغلط نیست . گبرهفتادسالدرا ٢٥ ...(بریده شده) مؤمن هفتادساله راکی محروم کنی .

دوستان را کجا کنی محروم تو که با دشمنان نظرداری

[٨٣٣]

این نسخه شماره ٢ دفتر بخط تعلیق شکسته و بخشی از آن مورب نوشته شده است
١٠٣٨ گ ١٩ الف . در پایان دارد : «تاریخ بسم شعبان المعظم در اکبر آباد قلمی اقل
خلق الله خاك قدم فقرای باب الله محمد باقر اصفهانی» .

[٦٨٩] گوهر مراد (فارسی)

از فیاض ملا عبدالرزاق بن علی بن حسین گیلانی لاهیجی (م ١٠٧٢) فیلسوف متکلم شیعی شاگرد صدرای شیرازی که با فیض کاشانی هر دو شوهر دختر ملاصدرای شیرازی بوده‌اند و شیرازی اورا فیاض و کاشانی را فیض خوانده است .

اوروش استادرا در فلسفه ندارد و خودش مشرب دیگری گرفته است (ریحانة الادب ج ٣ ش ٣٧٠) این کتاب برای شاه عباس دوم صفوی (١٠٥٢ - ١٠٧٧) پیش از «سرمایهٔ ایمان» نوشتهٔ در ١٠٥٨ نگاشته شده و در یك مقدمه و سه مقاله و یك خاتمه است و یك دوره کلام را بفارسی دارد و در سال ١٢٧٧ در ایران بچاپ سنگی رسید .
(دیباچه سرمایهٔ ایمان - فهرست طوس ج ١ ش ١٤٤)

[٨٣٤]

این نسخه بخط نسخ روشن با عنوانهای شنگرف و شکلهای زیبا و سرلوح زیبا
٢٧٦ دارد بطلا و لاجورد و شنگرف و در جدولی است زرین و در ١٠٩٤ ابراهیم بن حاجی محمد حسین خراسانی خانه‌ای استرابادی آنرا نوشت .

(٢٥٨ برگ ... کاغذ سپاهانی - جلد ترنجی
اندازه : ١٧×٢٨ و ١١×٢٠ س ١٩

[٦٩٠] اللوامع الالهیة فی المباحث الکلامیه (عربی)

دانشمند شیخ ابو عبدالله مقداد سیوری حلی (م ٨٢٦) در این نگارش بسیار شیوا و رسا در ١٢ لامع از کلام بروش دانشمندان شیعی گفتگو نمود و در روز چهارشنبه ٢٩ ج ١ سال ٨٠٤ آنرا بانجام رساند و خود آنرا چنین نامید .

آغاز: بسمله السجات لجلال مبدع انطق بآیات وجوب وجوده هویات الاشیاء و اغرق فی تیار بحار الوهیته عقول العقلاء واحرق فی انوار جمال کبریائه اجنحة افکار العلماء .

انجام : والعفو عند کرام الناس مأمول . والحمدلله وحده والصلوة علی من لانبی بعده و آله الطاهرین الاکرمین و وقع الفراغ من تصنیفه یوم الاربعاء تاسع عشرین شهر جمادی الاول من سنة اربع و ثمانمائة هجریة و کتب مصنفه العبد مقداد بن عبدالله الاسدی غفرالله له ولوالدیه ولمن صنفه له ولمن ینتفع به ولوالدیهم ولکافة المؤمنین اجمعین بمحمد واله المعصومین . رب اختم بالخیر ـ هـذا آخر صورة خط المصنف رحمه الله. والسلام والدعاء .

[۸۳۵]

۳٦۸ این نسخه شماره ۱ دفتر و بخط نعلیق خوش باعنوانهای شنگرف و با حواشی میباشد. صورت خط سیوری در پایان بتعلیق شکسته دیگر میباشد گ ۱ ب ـ ۱۵۸ الف . بالای دو برگ نخستین بریده و وصالی شد و در برگ دوم چند کلمهٔ متن رفته است .

در پایان نسخه سخنانی است از شیخ بهـائی و از تفسیر عروة الوثقی نگارش همو (۱۵۹ب ـ ۱٦۰ الف) و گفتاری از بابا افضل کاشانی درباره کمال علمی و عملی نفس ناطقه (۱٦۰ب) همه اینها بخط شکسته است. درروی برگ پیش از یکمی محمدرحیم نامی بخط خود نوشته و کتابرا از سیوری دانست و در گ ۱ الف رباعی هست کـه در تاریخ ۱۲۷۵ نوشته شده .

همهٔ دفتر ۳٦۲گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج زرد ساده ته آن سرخ .
اندازه : ۱۲ در ۲۱ و ٦×۱۳ س ۱۷

[٦۹۱] مالا یسع المرء جهله (عربی)

مأمون (۹۸ـ۲۱۸) فضل پسر سهل ذی الریاستین را نزد امام رضا(ع) (۱٤۸ ـ ۲۰۳) فرستاد و از او درخواست که اصول و فروع دین را برای او بنگارد امام دوات و کاغذ خواست و این گفتار را بنوشت و امامان پیشین را تا پدر خویش در اینجا برشمرد.

آغاز: نام خدا و ستایش او و درود بر پیامبر ، حدثنا ابوعبدالله الحسین علی بن الفضل ... ان المـأمون بعث الی الامام ... و کتب بسم الله الرحمن الرحیم . اول الفرائض شهادة ان لااله الاالله .

انجام : والاصرار علی الصغائر من الذنوب والسلام علی من اتبع الهدی .

[٨٣٦]

١٠١٥ این نسخه شماره۳۳ دفتر و بخط تعلیق میباشد گ۱۰۰الف-۱۰۵الف.

[٦٩٢] مشرق الانوار الملکوتیه فی بیان عقائد الذریة المصطفویة (عربی)

دانشمند محمد بن علی‌بن عبدالنبی‌بن محمدبن سلیمان مقـابی بحرانی در این کتاب که در٦باب است از کلام بروش شیعی گفتگو نمود و بهمان حدیثها بس کرد ودلیلهای فیلسوفان‌را بیهوده دانست. اومیگوید که‌خواندن نگارشهای گمراه کننده دردین‌و آئین نارواست ودر استدلال باندیشه‌های خرد نباید گرائید. این نگارش را اودر بامداد ١٤ج١سال ١١٦٩ بپایان رساند.

آغاز: بسمله. الحمدلله‌المحتجب عن‌ابصارخلقه بانوار عزته، فلم یدرك‌لاحدمن خلقه‌الابآثار قدرته.

انجام: لایلتفت الیها فی‌مقابلةالنص الصحیح‌الصریح مع انها مزیفة بادنی تأمل فتامل. وقدتم‌التصنیف ... وقد فرغ مؤلفه ... سنة ١١٦٩ حرره محمد بن علی... المقابی‌البحرانی. غفرالله‌له ... وصلی‌الله‌علی محمد واله‌الطیبین‌الطاهرین.

[٨٣٧]

٦٩٥ این نسخه شماره۱ دفتر وبخط نسخ بانشانه‌ها وعنوانهای شنگرف از راشدبن عبدالله‌بن حسن‌البازیاری در١٦ج٢سال ١١٦٩ نزدیک یکماه پس از نگارش مقابی. گ۱ب - ٣٦٣ب.

[٦٩٣] مصائب النواصب (عربی)

معین‌الدین میرزا مخدوم محمدعلی حسینی شریفی (٩٤٧ -مکه ٩٩٥یا ٩٩٨) دانشمند حنفی‌فرزندمیرشریف عبدالباقی نواده داعی صغیرحسن‌بن قاسم فرمانروای آمل (٣٠٤-٣١٦) میباشد.

پدر اوفرزند دخترشریف دوم بوده واین شریف کسی استکه دستور کشتن‌شیخ الاسلام هروی‌را داد وعلی‌بن عبدالعالی محقق کرکی (٩٤٠ه) گفته بود چرا پیش

پیش ازمناظره کشته‌اید . همین شریف صدراعظم شاه اسماعیل یکم صفوی (۹۰۷-۹۳۰) دشمن عثمانیان و پسر شمس‌الدین محمدشیعی (م ۸۳۸) پسر میر سید شریف علی حنفی گرگانی استرابادی شیرازی (۸۴۰-۸۱۶) بوده‌است(۱). نیای پدری میرزا مخدوم پاشا روزبهان نگارنده ابطال نهج‌الباطل است(روضات ص۵۰۰) مادرمیرزا مخدوم دختر میرزا شرف‌حسن قاضی جهان سیفی وزیرشیرازی قزوینی است. پدر اوشریف سوم میرعبدالباقی گاهی امیر و گاهی وزیر شاه تهماسب یکم صفوی(۹۳۰ ۹۸٤) و نیای او وزیراسماعیل یکم‌شده بود

این میرزامخدوم ازشاگردان عبدالرحمن‌بن‌زیاد زبیدی مالکی وابن حجر مکی‌مصری (۹۰۹-۹۷٤) بشمارمیآمده سنی ودشمن شیعی گشت. اواستادو وزیر شاه اسماعیل دوم صفوی (۹۸٤-۹۸۵) بوده و باگروهی قلندران نقشبندی اورا از آئین شیعی بدر بردند وهمین اسماعیل‌است که دوانی (۸۲۸-۹۰۸) برای اورساله‌ای درنارواثی متعه‌نوشت. این‌شاه ازاین پس دستورداد که برسکه ها نام امامان نگارند نکنند. میرزامخدوم نخست خطیب بوده بسنیان دشنام میداد ودرروزگار اسماعیل دوم سنی گشت وپس از برکنار شدن ازکار و مرگ اسماعیل بدربار عثمانی رفت و گفت که من‌شافعی بودم وحنفی گشتم . آنان‌اورا مفتی وقاضی‌مکه وعراق کردند ومدرس مدرسه مرجانیه بغدادشد ودر۹۸۷ درآنجا بقضا وفتوی میپرداخت(۲) .

۱ــ درلب‌التواریخ یحیی‌قزوینی ص۲۵٦ آمده که‌درجنك چالدران میان‌اسماعیل یکم صفوی وسلطان‌سلیم عثمانی (۹۱۸-۹۲٦) رجب‌سال ۹۲۰ میرعبدالباقی ومیرسید شریف ازسرداران سپاه اسماعیل بوده و کشته شدند . شوشتری درمجلس۷مجالس المؤمنین می‌نویسد که بگواهی سید محمد نوربخش لحساوی خراسانی (۷۹۵-۸۸۹) وشیخ محمدبن ابی‌جمهور (زنده در۸۹۵و۹۰۱) میرسید شریف گرگانی شاگردقطب رازی شیعی وابن میثم بحرانی و بگواهی مولانا خضر رازی حبلرودی نجفی شاگرد شمس‌الدین محمد، اووپسرش هردو شیعی بوده‌اند .

۲ ــ گویند میرزامخدوم پدرسید محمدناصبی پدرمیر ابوالفتح‌شرقی شربفی‌شبعی (۹۷٦م دراردبیل) نگارندهٔ آیات‌الاحکام یاتفسیرشاهی بنام تهماسب‌یکم (۹۳۰-۹۸٤) میباشد (روضات ص۵۰ــ ریحانة الادب ج۲ص۲۲٦) !!

او کتابی کلان درخرده گیری از آئین شیعی نوشت سپس از آن گزین کرده نواقض الروافض بساخت ودر ۹۸۸ بسلطان مرادسوم عثمانی (۹۸۲-۱۰۰۳) ارمغان داد. نواقض را محمدبن عبدالرسول برزنجی کردی (م ۱۱۳۰) گزین و کوتاه نمود (کشف الظنون).

قاضی نورالله شوشتری (۹۵۶-۱۰۱۹) مصائب النواصب را به(قال اقول)درخرده گیری ازنواقض بنام شاه‌عباس یکم صفوی (۹۸۵-۱۰۳۸)در۱۷ شبانه‌روز بپرداخت ودررجب ۹۹۵ آنرا بپایان رساند واین شاه‌هم این ارمغان را برکتابخانه آستانه طوس وقف نمود(۱). دررایت پنجم میرمخدوم گوید که شیعیان آرامگاه بسیاری ازدانشمندان شایسته‌را ویران ساختند وخواستند بدن آنها رابسوزانند مانندقاضی بیضاوی وقطب‌الاقطاب ابواسحاق کازرونی وعین‌القضاة‌همدانی ونیز آرامگاه‌مجتهد اعظم وامام اقدم‌را خوار بداشتند. شوشتری گوید که این بدستور نیای تو شریف پیشین بوده است. (گ۲۳۹ب).

۱ - ابوعلی‌محمد گیلانی (۱۱۵۹-۱۲۱۵) نواده‌شیخ‌رئیس ونگارندهٔ منتهی‌المقال ردی بر نواقض بنام عذاب‌النواصب علی‌الجاهدالناصب نوشت (ش۸۹۱ طوس) مصائب النواصب رامحمد اشرف‌بن عبدالحسیب‌بن سیداحمد عاملی سپاهانی نواده سیدداماد و شاگرد مجلسی ونگارندهٔ فضائل‌السادات بخواهش احمدبیك بوزباشی بسال ۱۰۷۰ بپارسی کرد (ش۲۶۰ج۱ص۸۳فهرست طوس).

علاءالملك محمد علی پسرقاضی نورالله هم آنرا بدستور سلطان محمد قطب شاه (۹۸۹-۱۰۲۰ م ۱۰۳۵) بپارسی کرد همچنین میرزامحمدعلی مدرس رشتی‌چهاردهی (۱۲۵۲-۱۳۳٤) نواقض ومصائب هردورا بسال۱۳۰۸ بپارسی نمود.

یکی ازدانشمندان روزگار شاه عباس یکم بنام محمدتقی حسینی هم آنرا بپارسی درآورده بود.

بنگرید به: فیض‌الاله فی‌ترجمة‌القاضی نورالله از جلال‌الدین حسینی که باصوارم مهرفه درتهران بسال۱۳۲۷خ بچاپ رسید - روضات‌الجنات ص۵۰و٤۷٦ - عالم‌آرا ص۱۱۵ - فهرست‌آستانه طوس ش۱۰۰۳ (تاریخ۱۰۵۱ درلاهور) و۱۰۰٤ (سال ۱۲۸۵) و۱۰۰۵ و۱۰۰٦ که دراینها ٤ نسخه ازمصائب شناسانده شده نیز ش۱۰۵۹

بقیه حاشیه در صفحه بعد

درروایت چهارم میرمخدوم گوید که شیعیان نوروز را گرامی میدارند بااینکه دانشمندان این را کفر میدانند گ۲۳۷ب و آنها بصوفیان بدمیگویند و شهید درمکاسب دروس تصفیه باطن را ناروا دانست گ۲۰٦ب دراینجا یادی ازامیرفضل‌الله استرابادی شیعی پارسامیشود . نیزمیگوید که آنها متعه و تحلیل امه را روامیدارند ومن چون از متعه سخت بازمیداشتم قزلباش ریختند تامرا بکشند ومن با عبدالعالی بن علی درباره متعه گفتگو کردم گ ۲۱۲الف وابن عبدالعالی قبله شهرها را برگرداند ۲۲۵ الف (۱۹۹ب) دراینکتاب یاد میشود از: میرعلی شیر نوائی که ملانباتی شاعرشیعی براو چیره بود ودوانی دربارهٔ نباتی گفته: «اوملاء شاعران وشاعر ملایان است» گ۲۱۵ الف ومصباح‌الشریعه صادق(ع) ۲۰۹الف وحیل شرعی محمدبن شجاع شاگردمحمد بن حسن ۲۱۳ الف وحلیه ابوالمحاسن رویانی که اهل قبله را کافر نمیدانست ٥٤ ب ومغیث الخلق فی تعیین المذهب الاحق ابوالمعالی جوینی ۳۹ب ومستظهریه وسرالعالمین غزالی ٥۱الف ۹۷ب ومقالات اشعری ٥٤الف والنقض عبدالجلیل رازی ۲۱۹ الف در حاشیه و نامه های قطب‌الدین محیی شیرازی ٥۱ ب و نکت الادله انصاری ٥٤ب وتفسیر سیدمعین‌الدین اشعری شافعی ایجی ۲٤الف وروضة‌الاحباب بفارسی ۳۰ب و گزارش فارسی شقشقیه پدر شوشتری ٤۰ب وشرح منازل‌السائرین ابن قیم حاشیه ۱٦٦ب وتنفیذ‌القواعد سیوری حاشیه ۱٥٤ الف و گزارش کشف‌الحق و نهج

بقیه حاشیه صفحه قبل

آنجا درباره نواقض وش۱۰٦۰ درباره رسالهٔ حرمت متعه دوانی ـ مجله دانش ش۳ سال دوم دی۱۳۲۹ خ ص۲۱۰ ـ ترجمه دانشمند چهاردهی را نواده او دانشمند گرامی آقای مرتضی مدرسی چهاردهی درتهران بسال۱۳٦۹ بچاپ رساند وسرگذشت میرمخدوم از روضة الصفویة گنابادی وعالم آرا و گفتار شهاب الـدین تبریزی و دیگران درآنجاهست ـ شوشتری دردیباچهٔ همین نواصب اندکی ازسرگذشت میرمخدوم را آورد ومی نویسد که اسماعیل دوم بر اثر افیون و زندانی بودن و ازترس دشمنان نیرنگی باخنه بآئین سنیان گرائید و بمیرمخدوم وزین‌العابدین کاشی دستور داد تااین کیش را میـان مردم رائج سازند وفرجام کاراین شد که برخی خواستند اورا ازشاهی بیاندازند، بابکشند. او دریافت ودشمنان را بازبداشت ومیرمخدوم نیزازآنها بوده وتامرگ شاه‌درزندان بسر میبرد .

الصدق ازخواجه ملاصاعد سنی‌سپاهانی ٦٦ب و ٩٠ب و ٢١٥الف وتعلیقات‌شوشتری برشرح قاضی ایجی ١٩الف .

اینکتاب دارای٨مقدمهٔ و٦جند(١ آیات ٢ احادیث٣دلیلها در١٥ صف٤٠نکوهش ها در٢٣طایفه ٥ بدیها در٧رایت ٦ گفتگوی دوفقیه حجازی وعراقی درباره‌مذهب) شوشتری در بسیاری ازجاها نثروشعر فارسی از خود ودیگران آورده است . میر مخدوم درروایت٧جند٥ گ١٤٣ب ازبیش از١٥سال پیش ازاین‌که جوان بوده‌است یاد میکند که چله می‌نشست و نوشته‌های صوفیان‌میخواند ومیرساندکه دراینهنگام پیش ازسی‌سال دارد ومیگوید که درتاریخ ٧٢در٢٥ سالگی ازحج نخستین خود برگشته بشام رسیدم . ازاینجا برمیآید که او در٩٤٧ زاده است . باری نواقض و مصائب ازشاهکارهای جدال دینی است و نکته های تاریخی دربردارد مانند جشن «بابا شجاع‌الدین» در٢٦ ذی‌حجه در کاشان گ٢٤٠ ب و تعزیه‌خوانی در عاشورا که شوشتری میگوید کار نادانها است .

آغاز: بسمله وبه ثقتی. نحمدك یامن‌جعلنا من‌الفرقةالناجیةالامامیةالاثناعشریه ووفقنا لرفض سنن سنها بغاةالاموية و بغاث‌العدوية .

انجام : والبراءة عن‌اعدائهم‌البغاةاللئام . فبذلك فلیعمل‌العاملون ... فمن‌ابتغی وراء ذلك‌فهوالغاون .. وفی‌طغیانهم یعمهون .

[٨٣٨]

٦٥١ این نسخه‌را محمد امین حسینی بنسخ بانشانه‌های شنگرف از روی نسخهٔ نوشته شدهٔ ازروی خط شوشتری نوشته وبآن برابر کرد (گ١ الف) واین محمد امین‌ازپدر بمیربزرگ مرعشی‌وازمادر بدست‌غیب میرسد ونیاکانش‌درمازندران بوده وخود او در فارس‌زاده ودر سپاهان‌میزیست. گ٢٤٥ الف سفید است . درگ ٢٥٦ب دوحدیث بخط شکسته داردکه درشب شنبه دوم شوال و٢١حمل سال١٢٧٧در نماز خانهٔ ارك‌مرحوم وکیل نوشته‌شد. حاشیه‌هائی ازخود شوشتری دراین نسخه‌هست با «منه رحمه‌الله» درکنارگ ٦ب سخنی ازشوشتری دیده میشود که درآن کارهای نکوهیده پیروان سنت‌را یادمیکند .

در کنارگ ١٩٢ الف تا ٢٣٦ الف حاشیه هائی داردکه به « شاه م ح » و

«ملا» یا «مولانا شاه محمد دارابی» و گاهی با «دام افاداته» یا «دام‌ظله» یا «دام ظله السامی» پایان‌میپابد و در گ ۲۳۵ب دارد «من افادات استاد ما و مولانا شاه‌محمد دارابی دام‌ظله‌السامی» . ابن دارابی شاگرد شیخ بهائی (۹۵۳-۱۰۳۰) و اسناد قطب نیریزی (۱۱۷۳۰) بوده است (ص ۴۳۲ همین فهرست) .

در گ ۱الف نام کتاب و شوشتری بنسخ نوشته شده و نام و مهر دو دارنده نسخه آمده که پاك کردند و درست خوانده نمیشود . بسیاق دارد که بنتهای نسخه نزدیك ۷۵۰۰ است و نیز: «تخمین کتابت این نسخه چنانچه بنده با کاتب حساب نموده و باحتیاط وملاحظه طرف اوهفت هزار و پانصد بیت - عدد اوراق مکتوبه دویست و پنجاه ودو و نیم ورق» نیز «عده اوراق ۲۵۲» و نام «میر محمد امین» و بهای کتاب بسیاق . در ۲۵۶الف صورت خط شوشتری دارد: «فدانفق اتمام اصل المسودة بیدمؤلفه... نورالله بن شریف الحسینی الشوشتری ... فی سبعة عشر ایام بلیالیها من شهر رجب ... سنة خمس و تسعین و تسعمائة هجریه والحمدالله علی توفیق الاتمام والصلوة ... اکمل السلام» .

(۳۲۵۶ ک) کاغذ سپاهانی- جلد تیماج مفوائی با حاشیهٔ زرین

اندازه : ۱۱ ۱۹ و۵٫۵×۶٫۵×۱۲٫۵ س ۱۷

[۶۹۴] مصابیح الهدی (عربی)

ازدانشمند شریعتمدار حاج ملامحمد جعفر استرابادی (م ۱۲۶۳) در کلام بروش شیعی که برای فتعلیشاه قاجار (۱۲۱۱-۱۲۵۰) دریك مقدمه و پنج باب نگاشته و بسال ۱۲۳۷ آنرا بپایان رساند .

آغاز: بسمله . الحمدلله الذی ینتهی الیه سلسلة الممکنات واوجد العالم الذی لایخلو من الحرکات .

انجام: قدخرجت عن المیعاد فی بعض الابواب لکونه مقام الاطناب ومزال اقدام اولی الالباب ... وقد فرغت من تألیف هذه الرسالة ... فی السبع الثانی من العشر الثالث من الثلث الثانی من السدس الرابع من النصف الثانی من العشر العاشر من الثلث الثالث من العشر الثالث من الالف الثانی... فی سنة ۱۲۳۷ (شمارهٔ ۷ پاك شده ودرست خوانده نمی شود)

[٨٣٩]

٣١٩ این نسخه شمارهٔ ۱ دفتر و بخط نسخ باعنوانها و نشانه‌های شنگرف ازمحمدحسن بسطامی مزجی خراسانی دزدهه نخستین ماه دهم سال ۱۲٤٥ میباشد . گ ۱ ب ۱۱۲ الف . در پایان دارد : «وقد وقع لی الفراغ من تحریر هذه النسخة الشریفة فی العشر الاول من الشهر العاشر من السنة الخامسة من العشر الخامس من المائة الثالثة من الالف الثانی ... وانا ... محمدحسن البسطامی المزجی الخراسانی الهم اغفرلی ... یوم یقوم الحساب فی سنة ۱۲٤٥ .

(همهٔ دفتر ۱۲۱ گ) کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مقوائی سوخت ضربی
اندازه : ۱۵٫۵ × ۲۱ و ۹ × ۱۵٫۵ س ۳۰

[٦٩٥] ملل و نحل (عربی)

امام ابوالفتح محمدبن ابوالقاسم عبدالکریم بن ابوبکر احمد شارستانی (شهرستان ٤٧٩ـ٥٤٨) بسال ٥٢١ برای سیدمجدالدین ابوالقاسم علی بن جعفر موسوی نقیب ترمد ملل و نحل خویش را نوشته و در آن ازدین ایرانی و هندی و یهودی و ترسائی و تازی یاد کرد و سخنان فیلسوفان و متکلمان را آورده است بگفته امام رازی نزدیك بسال ٥٨٢ درمناظرات (چاپ هند بسال ۱۳٥٥ ص ۲٥) او سر گذشت فیلسوفان را ازصوان الحکمه ابوسلیمان سگزی منطقی و سخنان کلامیان را از الفرق بین الفرق استاد ابی منصور بغدادی (م ٤۲۹) که سخت متعصب بوده است و آئین تازیان را ازادیان العرب جاحظ گرفته است و کاریکه خود کرده است همان ترجمهٔ چهارفصل حسن صباح خراسانی (٤۸۳ـ٥۱۸) میباشد که غزالی از آن بپارسی خرده گیری نمود ـ غزالی درفضایح الباطنیه (بند ۱۲) نیز بسخنان حسن نگریسته است . پاره‌ای ازاین فصول درتبصرة العوام (ص ۱۸۳) هم دیده میشود . آنچه شهرستانی درباره آئین هند گفته است با گفتار ابن ندیم درفن ۱ و ۲ مقاله ۹ فهرست و شرف الزمان طاهر مروزی پزشك در طبایع الحیوان نزدیك بسال ٥۱٤ مانند میباشد (چاپ گزیده آن در لندن بسال ۱۹٤۲) اینکتاب در تهران بی کم و کاست بسال ۱۲۸۸ بخط نسخ کلب علی قزوینی و درهند درچاپخانه عثمانیه دردوجلد بسال ۱۲٦۳ بچاپ سنگی رسید و امین مدنی حنفی نیز آنرا بسال ۱۲۸۸ چاپ سنگی نمود و دوبار درمصر در کنار فصل ابن حزم یکی درمطبعه ادبیه بسال ۲۱ـ۱۳۱۷ در ۵ جلد دیگری درمطبعه محمدعلی

صبیح نیز در ۵ جلد بسال ۸-۱۳۴۷ وهمچنین جداگانه در ۳ جلد در مطبعه حجازی قاهره ۹-۱۳۶۸/۱۹۴۸ بچاپ رسید .

ویلیام کورتن Coréton در لندن بسال ۱۸۴۶ آنرا چاپ نمود وازروی همین دوباره در لایپتسیك بسال ۱۹۲۳ چاپ شد- نسخه‌ای از آن گویا نوشته خود شهرستانی در اسکوریال بشماره ۱۵۲۵ هست (دیباچه پارسی خجندی ص۲۳) .

خواجه خجندی سپاهانی (م۸۵۰) در ۸۴۳ آنرا برای شاهرخ در سپاهان بنام تنقیح الادلة والعلل بپارسی کرد. خجندی گذشته ازاینکه برترجمه خود افزوده واز مخالفان خرده گرفت چون گفتار ابن‌سینا در نسخه او نبود ونسخهٔ دیگری هم دردسترس نداشت آنرا بپارسی نکرد . این پارسی در تهران بسال ۱۳۲۱خ بچاپ رسید .

بنوشتهٔ ریو (add۲۳/۵۳۶ص۱۳۹) مصطفی بن شیخ خالق دادهاشمی عباسی ملل ونحل را بپارسی درآورد وآنرا در آگره درپنجمین سال شاهی جهانگیر بسال ۱۰۲۰ آغاز ودررجب ۱۰۲۱ بپایان رساند وتوضیح الملل نامید. اومیگوید که گفتار ابن‌سینا در ترجمه خجندی نیامده وآن ترجمه هم دشوار است وهم سخن شهرستانی در آن دیگرگونه شده وازمخالفان نیز خرده گیری گشت این بود که جهانگیر آنرا نپسندید ودستور داد که من دوباره بپارسی آسانی درآورم . او نسخهٔ بدی در لاهور داشت وگفتار ابن‌سینا را هم بپارسی نکرد وخرده گیریهای خجندی را هم آورد .

ملل ونحل رانوح افندی پسر مصطفی م۱۰۷۰ بترکی وهاربروکر- Haarbrucker در ۱-۱۸۵۰ بآلمانی درآوردند(۱) .

درملل ونحل از گفتار جیهانی درباره آئین زردشتی آمده که در نسخهٔ ماگ۹۴ الف-۹۶الف ودرچاپ ایران ص۲۰-۱۱۷ هست وخجندی هم آنرا ترجمه نمود ص۹-۲۵۴ ولی در دوچاپ کنار فصل ابن حزم (ج۲ص۸۰) و(ج۲ص۶۵) ودرچاپ ۱۳۶۸ مصر

۱ - نیز بنگرید به: معجم المطبوعات (شهرستانی)- کشف الظنون ج۲ص۵۱۷ دیباچه ترجمه خجندی ص۲۳-۵۵-۵۸ وخود آن ص۳-۴۷۲ که از گفته‌های ریو پاره‌ای دراینجاها دیده میشود - پارسی گزیده‌ای از شهرستانی دیده‌ام که در دکن بسال ۱۰۱۳ نوشته شده بود .

(ج۲ص۷۲) ندیدهام و بنوشتهٔ دیباچه نگار تنقیح ص٤-۲۳و۲۵٤ در چاپ لندن و آلمان هم نیست .

[٨٤٠]

این نسخه بنسخ مجدول بلاجورد وشنگرف ازحبیب‌الله بن محمدشیرازی در ذی حجهٔ سال۹٦۲ میباشد آغازآن پس از فهرست بخش یکم (بخط تعلیق درگ ۱ب) درگ ۲ الف چنین است : و غلط و انفرد عن اصحابه بخمس مسائل - الخیاطیة والکعبیه .

انجام: هذا ماوجدته من‌مقالات اهل‌العلم و نقلته علی‌ماوجدته فمن صادف فیه خللا فی‌النقل فاصلحه اصلح‌الله تعالی حاله وسدد اقواله وافعاله والله‌حسبنا وهوالمعین .

(۵۳۲۵) - کاغذ سپاهانی آبی - جلد یماج منوالی
اندازه : ۱٦ - ۲۷ و۵ر۹ ۱۹س۱۹

[٦٩٦] ملل و نحل (عربی)

درکتابهای دین‌شناسی وملل ونحل دوخبر از پیامبرص یاد کردند . یکی آنکه پیروان من۷۳ گروه خواهند شد وهمه آنها گمراهند وبآتش دوزخ دچار خواهند گشت مگر یکدسته که رستگار میباشند دیگر اینکه همهٔ آنها رستگارند مگر یکدسته که بدوزخ میروند . در برخی از روایتها آمده که آن یکدستهٔ رستگار پیروان سنت وجماعت هستند . نیز آمده که آن یکدستهٔ گمراه زندیقان میباشند . مقدسی دراحسن‌التقاسیم (چاپ بریل بسال۹۰٦ ص۳۹) هردو خبررا یاد نمود . امام رازی درمفاتیح‌الغیب (ج٦ص۱۹۳) نیزهردو راآورد ومانا میخواهد در آنها شك کند ابن‌حزم اندلسی درفصل (ج۳ص۲٤۸)دومی وخبر «ان‌القدریة‌والمرجئة مجوس هذه‌الامة» را آورده ونادرست دانست بااینکه اودرابطال قیاس بچنین خبری تمسك نمود . متن این‌خبرها در شماره دسته‌ها واینکه رستگار یاگمراه کدامند اختلاف دارند . گذشته ازاینکه دانشمندان درسند اینها شك کرده‌اند متن آنها میرساندکه اشعریان وپیروان سنت دربرابر اهل‌رأی وقیاس و معتزلیان و زندیقان

از این گونه خبرها ساختند(۱) .

دراین رسالهٔ مامذهبهای فلسفی‌وفرقه‌های دینی‌با جمال‌شمرده شده وصحت روایت‌نخستین روشن گردید. گویا ازدانشمند محمدجعفر استرابادی باشد. در آغاز دارد که پیش ازارسطو همهٔ فیلسوفان‌روش اشراقیان داشتند ومیزانی‌برای سنجش فکر دردست نبودتا اینکه اومنطق‌را آورد .

آغاز: بسمله. روی‌عن‌النبی ص‌انه قال‌ستفرق امتی علی‌ثلث و سبعین فرقة ، فرقة ناجیة والباقون فی‌النار . بیان ذلك ان‌اولاد آدم .

انجام: وامة عیسی علی‌اثنین وسبعین فرقة . هدانا‌الله الی‌سواءالسبیل .. و آله الطاهرین (کتبه فی۱۲٤٥) .

[۸٤۱]

۳۱۹ این نسخه شماره۲ دفتراست وبهمان خط و نویسندهٔ شماره‌یکم بسال۱۲٤٥ میباشد . گ۱۱۲الف ـ ۱۱٦ ب .

[٦۹۷] **مناظرهٔ احسائی وهروی** (عربی)

دانشمند ابن ابی جمهور شمس الدین محمدبن زین‌الدین ابوالحسن علی احسائی هجری (زنده در۸۳۸ تا ۹۰٤) صوفی وفیلسوف‌و کلامی‌وشیعی بوده‌است. او دررالئالی‌العمادیه فی‌الاحادیث الفقهیه را در استراباد درروستای گلپان وسرو کلات بسال۸۹۹ نگاشته ودر۹۰۱ آنرا پاکنویس نمود . زادالمسافرین خـود را درمیان راه‌طوس پرداخته وبرای نقیب‌میرمحسن‌بن محمدرضوی‌قمی درطوس‌بسال ۸۷۸ برآن گزارشی بنام «کشف البراهین» نوشته‌است. اورا بجزشرح‌باب حـادـ یعشر وغوالی‌اللئالی‌و نثراللئالی، المجلی فی‌مرآت المنجی‌در کلام وعرفان وفلسفه است‌که درنجف درج۲سال۸۹٥بدرخواست شاگردان‌آنرا پرداخته ودرطوس‌بسال ۸۹٦ پاکنویس‌کرد و آن در۱۳۲۹ بچاپ رسید . ایندانشمند درکرك نوح نزدیك

۱ ـ بنگرید به: دیباچهٔ کوثری بر الفرق بین‌الفرق بغدادی‌والتبصیر فی‌الدین‌اسفرائینی ـ مختصرالفرق رسعنی ص۱٥ حاشیهٔ۱ـ تاریخ بغدادخطیب‌ج۱۳ص۳۰۷ـ‌اعتقادات‌فرق المسلمین رازی ص۷٤ ـ تبصرةالعوام ص ۲۸ ـ بیان الادیان ص۲۳ .

بسال ۸۷۷ شاگرد علی‌بن هلال جزائری عراقی (زنده ۹۰۹) شاگرد ابن فهد حلی عارف فقیه شیعی (۷۵۷-۸٤۱) شده بود . ازشرف‌الدین حسن‌بن عبدالکریم فتال غروی درعراق‌هم بهره‌برد(۱). اوروش‌اشراقی‌دارد. ابن‌ابی‌جمهور بادانشمندی‌سنی درخانهٔ‌همان‌سید میرمحسن بن‌محمد رضوی قمی که‌میزبان‌هردو بود و بدرخواست او درشهر طوس بسال۸۷۸ درسه مجلس مناظره نمود و درباره امامت علی (ع) و ابوبکر با او گفتگو کرد . دومین درمدرسه‌سلطان‌شاهرخ‌در بود ملاغانم‌مدرس‌بوده است.ایندانشمند هروی‌ازمردم کیژ (کیش)ومکران‌بوده‌و نزدیك‌بشصت‌سال‌درهری میزیست وبادائی همان قمی ازهرات آمده بود تادرطوس احسائی را ببیند چون آوازه دانشش بدانجا رسیده‌بود . دراین گفتگو دانشمند هروی سرانجام‌خاموشی گزید وپاسخی‌نتوانست بگوید. احسائی درآن ازدانشمندان شیعی مانند مفید و رضی ومرتضی‌وشیخ‌طوسی وطبرسی وعلامه‌حلی وسیدشریف ورکن‌الدین گرگانی ونصیرالدین کاشی‌یاد میکند ونکته‌های تاریخی فراوانی درآن هست .

احسائی میگوید که من‌اکنون نزدیك بچهل سال دارم (ش۲/۹٤٤ گ۲ ب‌وش ۸۷۸/۷ گ ۹۰الف) پس اونزدیك بسال۸۳۸ زاده‌شد ومیدانیم که تا۹۰٤زنده‌بود. درباره نادرست بودن خلافت عمر سخن او وهروی تا بجائی کشیدکه شنونده‌ای حیدری که درآن انجمن بود گفت : « والله راست میگوید شیخ عرب . اگر مرد صحبت پیغمبر کرده بود بیست‌سال ، واوبی ادب؛ خرمیشود» سپس خود احسائی آنرا چنین ترجمه‌کرد : «والله صدق الشیخ العربی . اذاکان رجل یصحب رسول‌الله ص، عشرین سنة ، وهوبلاادب ؛ یکون حمارا » (ش۲/۹٤٤ گ۵۱ ب‌وش۸۷۸/۷ گ ۸۹ الف که تنها همان‌عبارت تازی‌را دارد)خود احسائی‌این سه گفتگورابدرخواست

۱- بنگرید به : روضات‌الجنات ص۲۰و۲۱و۳۸۹و۵۹۷ - مستدرك‌الوسائل ج۳ص ۳٦۱ - ذریعه‌ج۸ص۱۳۳ - مجالس‌المؤمنین مجلس۵ - فهرست طوس ج۱ش۲۲٤ و ۲٤٦ خطی و۵۲چاپی ص۱٦ وج٤ش ٤۰۱و۹۸۲ و۱۰۳۷- فهرست مجلس‌ش ٤٤ - در فردوس‌التواریخ نوروزعلی بسطامی چاپ تبریز بسال ۱۳۱۵ ص۳۰۷ وپس ازآن پارسی همین مناظره آمده است .

کسی گرد آورده بساخت این رساله در آورد .

شوشتری درمجالس المومنین درسر گذشت همین احسائی پاره‌ای ازاین گفتگو را بپارسی آورد. جلال‌الدین محمدبن محمد کاشانی آنرا بپارسی کرد ودر ۱۹ شعبان ۱۰۰۱ درهند آنرا بپایان رساند (فهرست کتابخانه بهار هندج ۱ ش ۱۱٤ ص ۸۸) .

آغاز: الحمدلله حق حمده ... سالتنی اطال‌الله بقاك عما کان بینی و بین‌الهروی فی بلاد خراسان من المجادلات فی المذهب .

انجام : و نستغفرالله من الزیادة والنقصان والسهو والغلط والنسیان والحمدلله رب‌العالمین . . وحشرنا فی زمرتهم اجمعین .

[۸٤۲]

۸۷۸ این نسخه شماره ۷ دفتراست و بخط تعلیق درجدول لاجوردی گ ۷۸ ب ـ ۹۷ ب (۷×۱۳ س ۱۹) درآغاز آن چنین دارد : «بسمله. الحمدلله‌الذی اذهب عنا الحزن...هذه مناظرة‌الشیخ‌السعید المغفور محمدبن جمهوراللحساوی والملاء الهروی فی بلدة خراسان فی‌المشهدالشریف‌الرضوی ... الحمدلله حق حمده» و پایانش اینست : «باتفاق الکل‌فعلم انهم‌المعنیین بالایة دون غیرهم» برابربا س ٦ گ ٦۱ ب ش ۹٤٤/۲ و پاره‌ای ازمجلس سوم‌را ندارد (باندازهٔ ده‌صفحه) .

[۸٤۳]

۹٤٤ این نسخه شماره ۲ دفتراست و بخط تعلیق باعنوانهای شنگرف ازمحمدشریف بن ابوتراب داود درپایان ج ۲ سال ۱۰۹۳ که ازروی نسخه نادرستی نوشته است. گ ٤۰ ب ـ ٦٦ الف . آغـازش چنین است : « هذ، مناظرة‌الشیخ ... محمدبن جمهورالاحساوی والملاء الهروی ... الحمدلله حق‌حمده» .

[٦۹۸] **مناظره جبائی با دانشمند سنی** (عربی)

دانشمند عزالدین حسین‌بن عبدالصمد جبعی عاملی (۹۱۸ـ۹۸٤) شاگرد شهید دوم وسیدحسن بن‌جعفر کرکی وازشناختگان دربار تهماسب یکم صفوی (۹۳۰ـ ۹۸٤) وشیخ‌الاسلام قزوین وهرات با دانشمندی سنی درحلب بسال ۹۵۱ دربـاره پیروی ازابوحنیفه یا امام صادق(ع) وامامت گفتگو نموده ومیگوید که درباره برخی مسئله‌های کلامی وفرعی مانند رؤیت و قضاوقدر ومتعه ومسح نیز با اوسخن گفتم

واو شیعی گشت. (فهرست طوس ج٤ ص٢٥٨ ش١٠٣٨) .

آغاز: بسمله وبه نستعین . الحمدالله علی ماانعم فکفی ... فهذه صورة بحث وقع لهذاالفقیر .

انجام : و صارمن خـواص الشیعه . ولله الحمد اولا وآخرا . . . ولعنةالله علی اعدائهم اجمعین .

[٨٤٤]

٩٩٤ این نسخه شماره٣٠ دفتراست وبخط تعلیق بـانشانه های شنگرف گ٣١ ب ـ ٣٧ ب .

[٦٩٩] مناظره رکن‌الدوله با صدوق (عربی)

رکن‌الدوله حسن‌بن بویه دیلمی (٣٢٢ـ٣٦٦) باابن بابویه صدوق (م٣٨١) در امامت گفتگوئی نموده وخودرا طرفدار سنیان نشان‌داد. اوابن بابویه راکه دررری رهبری شیعیان داشت وخراسانیان نیزبدو بازمیگشتند نزد خود خواست وبـا او دربارهٔ کسانیکه شیعیان برآنها دشنام میفرستند ودربـارهٔ امامت گفتگو کرد(١) . شیخ جعفر دوریستی (درشتی رازی)شاگرد مفید ومرتضی وطوسی آنرا دردفتری جداگانه گرد آورده وشوشتری درمجالس المؤمنین درسرگذشت ابن بابویه آنرا بپارسی کرد .

آغاز: مناظرةالملك رکن‌الدولة للصدوق‌بن بابویه. قال‌الملك ایهاالشیخ‌اختلف الحاضرون فی‌القوم‌الذین یطعن علیهم‌الشیعة .

انجام : وهذا یدل علی ان‌عثمان افضل من‌ابی‌بکر . فقدانتقضت روایتکم .

---

١ ـ ابن بابویـه درعیون اخبارالرضا ص٣٨١ میگوید که در ٣٥٢ ازرکن‌الدوله خواستم که بطوس روم وامام رضارا زیارت کنم . اوازمن درخواست تادرآنجا او را دعا نمایم. من‌رفتم وبرگشتم وبدو گفتم که درآنجا بیاد تو بوده‌ام . ابن‌بابویه‌درشعبان همین سال درنیشابور میزیست (ص١١ و١١٦) ودر٣٥٤ درکوفه ودر رجب ٣٣٩ در قم بسرمیبرد (ص١٤٤و٣٩٣) ودر٣٥٥ ببغداد رفت .

[٨٤٥]

٩٤٤ این نسخه شماره ۳ دفتر است و بخط تعلیق باعنوانهای شنگرف ازمحمدشریف بن ابوتراب داود در آغاز شعبان ۱۰۹۳ گ٦٦الف ـ ۷۱ب .

[۷۰۰] مناظرهٔ مأمون (عربی)

مأمون عباسی (۱۹۸ـ ۲۱۸) امام رضا(ع) (۱٤۸ـ۲۰۳) را از مدینه بمرو برده درروز پنجشنبه ۵ رمضان ۲۰۱ ولایتعهد بدوسپرد وبرای دلجوئی ازاوانجمن مناظره برپا میکرد ودر آن گاهی امام درمسئله های کلامی و گاهی خود او درباره خلافت علی(ع) بامخالفان گفتگو میکردند و آنان راملزم میساختند . ابن‌بابویه‌در عیون‌اخبارالرضا(۱) ص۳۱۲ و۱۰٦ میگوید که مأمون میخواست تاامام در برابر دانشمندان درماند وخود هم اگر گاهی درباره امامت سخن میگفت برای این بود که او را بفریبد ولی امام بیاران میفرمود که فریب مخورید همو است که مرا خواهد کشت .

دریکی ازاین انجمنها بود که دانشمند یحیی‌بن‌اکثم‌قاضی‌مروزی (م۲٤۲) بدستور مأمون نزدیك بچهل‌تن ازدانشمندان محدث‌ومتکلم راگردآورد ومأمون خود با آنان درباره امامت علی(ع) سخن گفت وروشن ساخت که نخستین خلیفه اوست. آنها خاموش ماندند وپاسخی نتوانستند بگویند . اودر پایان بفضل پسر سهل سرخسی مجوسی نومسلمان (کشتهٔ در۲شعبان۲۰۲ درشصت سالگی) زیر

---

۱ ـ ابن‌بابویه قمی (م۳۸۱) این کتابرا برای گنجینه صاحب عبادطالقانی(۳۲٦ ـ ۳۸۲) پس از۳۵٤ نوشته است (ص۱٤٤چاپ سنگی ایران۱۳۱۷) درآن چندمناظره دیده میشود : گفتگوی امام رضا درانجمنی بابود مامون با جاثلیق وراس‌الجالوت و سران صابئی وهیربدبزرگ وپیروان زردشت ونسطاس رومی ومتکلمانی مانندعمران صابی که فضل پسرسهل آنهارا درآنجا گردکرد ـ گفتگوی همو با پیروان دینهای یهود ونصارا ومجوس‌وبا علی‌بن محمدبن‌الجهم درباره عصمت با ر د مامون ـ گفتگوی او با فقیهان ومتکلمان درباره امامت ـ گفتگوی او با سلیمان‌مروزی متکلم خراسان‌درباره توحید بابود مأمون ـ گفتگوی او با مامون بابود همان ابن جهم در باره عصمت (ص۸۷ـ۱۰۰ و۱۰۷ـ۱۰۸ و۳۲٤ـ۳۲۵و۱۰۰ـ۱۰٦و۱۰۸ـ۱۱٤) .

وفرمانده خویش گفته که اینان همین‌اندازه میدانستند و بس. کسی‌ مپندارد که‌شکوه من آنانرا ازپاسخ دادن بمن‌بازداشت . این گفتگو درص۳۱۲-۳۲۳ عیون آمده است وتاریخ آن باید ۲۰۱یا۲۰۲ باشد شوشتری درمجالس‌المؤمنین درسر گذشت مأمون نوشته که چنین‌مناظره درطرائف‌ابن طاوس نیز آمده است .

آغاز: باب ذکرمایتقرب به‌المامون الی‌الرضاع من‌مجادلة المخالفین فی‌الامامة والتفضیل . حدثنا ابن عبدالله‌بن تمیم‌القرشی .

انجام: قال فخرجنا متحیرین خجلین . ثم‌نظر المأمون الی‌الفضل بن‌سهل فقال‌هذا اقصی‌ما عندالقوم فلایظن ظان‌ان جلالتی منعتهم من‌النقض علی . والله‌اعلم .

[۸٤٦]

۱۰۸۰ این نسخه شماره۱۰دفتر است وبخط نسخ گ۲۰۱ب ـ ۲۱۰ب.

[۷۰۱] منتخب نورالعیون (فارسی)

دانشمند محمدباقر شریف قمی «نورالعیون» را در کلام شیعی نوشته‌ودانشمند علی‌اکبربن عبدالعلی کرمانی آنرا گزین نموده دردوباب‌هریکی یك کتاب گذارد. نخستین آن۱۲ تنویر ودرنبوت وامامت ورجعت میباشد . اودرطریق دوم تنویر۱۲ باب یکم که ازفضائل سادات گفتگو میکند ازصواعق‌محرقه ابن‌حجرعسقلانی‌چنین میآورد که مأمون هنگامیکه میخواست خلافت بدودمان علی(ع) واگذار نماید دستور داد که‌فاطمیان پوشاك سبز بپوشند وعباسیان‌سیاه ودیگران‌سفید دربر کنند. مأمون ازاین واگذاری خلافت برگشت ولی‌این نشانه درخاندان علی بماندوآنها بهمین بس کردند که پارچهٔ سبزی در دستار بگذارند . سپس میگوید که در ۷۷۳ پادشاه شیعیان فرمودتـا علویان دستارسبز برسربندند او درهمینجا ازنقابت سید مرتضی وابن طاوس وداد گاه خصوصی هاشمیان یادمیکند ومیگوید سزاوار است که دیگران‌زن‌علوی نگیرند یاآنکه گرامیشان‌بدارند وشایسته است باداشتن‌زنی علوی زن‌دیگری نه ازاینخاندان نگیرند. اگرهم گرفتند آنرا رهاکنند . اگرعلوی را رها ساختند آندیگریرا دوباره عقدکنند . گرفتن زن‌دوم‌علوی نیزشایسته‌نیست

وبهتراست آنرا هم رهاکنند (گ۱۰۱) درنسخهٔ ما ازباب دوم نشانی نیست مانا آنرا ننگاشته است .

آغاز: منتخب کتاب نورالعیون من مؤلفات محمدباقرالحسینی الاصفهانی بسمله بعد ازحمد خـدا ودرود برپیغمبر راهنما وائمهٔ هدی . این منتخبی است از کتاب نورالعیون من مؤلفات مولینا محمد باقرالشریف الحسینی الاصفهانی ابن محمد تقی الشریف الرضوی القمی مشتمل بردو بـاب و هرباب یك کتاب ... تنویراول دربیان احتیاج کافهٔ انام درجمیع ایام بپیغمبر یاامام منصوب ازجانب حکیم علام .

انجام : وسنوح این مقدمه درمیان اهل آن امصار درغایت اشتهاراست میرزا قوام‌الدین محمد قزوینی گوید سلام علی خیرالانام وسیدی ـ شفیع ذنوب الخلق فی العرصات... سلام علیهم ماتکلم ناطق ـ وما رفع الاصوات فی العرفات ـ بحمدالله . . . که منتخب نورالعیون باتمام رسید و ذخیرهٔ یوم لاینفع مال ولابنون گردید علی‌ید مالکه وهو علی اکبربن عبدالعلی الکرمانی فی رابع والعشرین شهرجمادی الاخرمن شهود سنة۱۲٦۸ فی دارالدوله کرمانشاهان .

[۸٤۷]

۸۸۹ این نسخه شماره ۲دفتر است وبخط شکسته تعلیق گزیننده ودارنده نسخه همان کرمـانی در۲٤ج۲ سال۱۲٦۸ درکرمانشاهان گ۳۳ ب۱۱۳ ب. او سه شمارهٔ دیگراین‌دفتررانیز نوشته است: یکی آب حیات کبیر دیگری منتخب النمائیل که ریخته‌خامهٔ اواست ودرآغاز آن‌میگوید که درسال۱۲٦۹ درکرمانشاهان باسختی وبیچارگی وبیکاری زندگی‌میکنم ناگزیر پس ازنگارش و گزین نورالعیون بنگارش این کتاب پرداختم . اودر این کتاب داستانهائی آورد ودرپایان آن نامه‌ای راکه بیکخان امیرمعصوم بیك فرمانروای وراورد (ماوراءالنهر) بخانهای خراسان‌در شعبان ۱۲۰۲ نوشته ودرآن ازشیعیان نکوهش کرد ودشنام گفت آورد وپاره‌ای از پاسخی راکه آقا محمد رفیع بن عبدالواحد بدستور امیرمحمدخان بدوداده است و نسخه بپایان نمیرسد . جواهرالاخبار (شماره٤دفتر) هم بخامهٔ اواست که در۱۲٤۸ نگاشته‌است

[۷۰۲] **منهاج الکرامة فی معرفة الامامة** (عربی)

علامهٔ حلی (٦٤۸-۷۲٦) ایندفتررا درامامت وبرای سلطان محمد خدابنده

اولجایتو پادشاه مغولی ایران (٦٨٠ ٧٠٣ـ٧١٦) نگاشته و آن درشش فصل و بایستی میان سالهای ٧٠٣و٧١٦نوشته شده باشد . عبدالرحیم‌بن محمدتقی‌تبریزی ومیرزا محمدعلی مدرس درصفر١٢٩٦ آنرا بچاپ سنگی رساندند (خشتی ٩١ص وبنام منهاج‌الکرامه فی‌انبات‌الامامه)ودرمنهاج ابن‌تیمیه نیز آمده وبچاپ‌رسید .این کتاب برپیروان سنت بسیار گران‌آمده وبخرده‌گیری از آن پرداختند . نخستین‌بار دانشمند حنبلی ابن تیمیه حرانی (٦٦١ ـ ٧٢٨) درخواست‌گروهی که کتابرا بدو بنمودند و گفتند که حلی آنرا برای‌خدابنده نوشت‌وازسنیان بدگفته است‌وشایسته است باسخ داده شود پذیرفته دربرابر آن «منهاج‌السنةالنبویة فی‌نقض‌کلام الشیعة والقدریة» را در٤جلد نوشته است‌که دربولاق مصربسال٢ـ١٣٢١بچاپ‌رسیده‌ودر کنار آن« بیان‌موافقةصریح‌المعقول‌لصحیح‌المنقول» اومیباشد. ابن‌تیمیه‌دردیباچه‌آن میگوید که‌یکی‌ازرهبران‌رافضی روزگار مااین‌کتاب رابرای خواندن فرمانروایان بکیش خویش نوشته و باطنیان ملحد هم‌که در نهان روش فیلسوفان صابئی بیدین دارند بدو کمك نمودند . نیزمیگوید که او آنرا « منهاج‌الکرامة فی‌معرفة‌الامامة » نامید خوب است‌که آنرا «منهاج‌الندامه» خوانند (ص٣منهاج‌الکرامه وص٥ ج ١ منهاج‌السنه) . این دانشمند سلفی‌حنبلی که میگوید همه مردم‌جهان تاپایان‌روزگار بایستی ازرهبران‌گذشته اوپیروی کنند درآغازبسیاری ازرفتارها واندیشه‌های‌شیعی را یاد ونکوهش میکند وپس ازیادکردن مفید وکراجکی وموسوی و طوسی می گوید که‌شیعیان‌درمعقول سخت‌ناآگاه ودرمنقول بسیار دروغگو وپیرو معتزلیان و قدریان ومجسمان وجبریان میباشندو آنان ترکان دشمن اسلام وترسایان‌ویهودان را بکشور های مسلمانان راه دادند و آئین آنها باکیش یهود و ترسا مانند است و روش‌رفض وجهمی‌درالحاد میباشد این‌نگارش او گذشته‌ازسخنان نادرست‌تاریخی وکلامی دشنامهای فراوان دارد (١) .

١ ـ حلی درفصل٢وجه٤ص٢٢ چاپی گفتار ابن‌جوزی راگواه میآورد. ابن‌تیمیه‌در اینجا (ج٢ص١٣٣) میگوید اگر ازآن ابوالفرج عبدالرحمن(٥٩٧ه) را میخواهد او

بقیه حاشیه درصفحه بعد

چلبی در کشف‌الظنون از نگارش حلی یکبار بپیروی ازابن کثیر بنام «منهاج الاستقامه فی‌اثبات‌الامامة» یاد نمود و گفت که ابن کثیر (اسمعیل قرشی م ٧٧٤) گوید اودر معقول ومنقول گمراه است وابن تیمیه آنرا پاسخ داد. بازمیگوید که «منهاج‌السلامه الی معراج‌الکرامه» ازحلی‌است وزین‌الدین سریحابن محمدملی در«سدالفتیق‌المظهر رصدالفسیق» بدو پاسخ گفت وازواژه «فسیق» ابن‌المطهررا می خواهد. درباره «منهاج‌السنة النبویة» میگوید که آنرا ابن‌تیمیه بروش «منهاج - الاستقامه» نوشته‌وتقی‌الدین سبکی(م٧٥٦)درباره‌اش گوید که آنرا دیده‌ام وخوب ازآن خرده گرفت. مگراینکه‌ابن‌تیمیه‌خوددر آن آشکارا گفته که‌حادثهارا آغازی نیست‌و آنها درذات‌خداوند هستند.(ج٢ص٩-٥٤٨- معجم‌المطبوعات درابن‌تیمیه)

منهاج‌ابن‌تیمیه‌رادانشمندی‌شیعی‌بنام«الانصاف‌والانتصاف‌لاهل‌الحق‌من‌الاسراف» بخوبی خرده‌گیری نمود و آن بروش «قوله - قولنا» دریك مقدمه (وصیت) و یك بحث (اعتقاد امامیان وسنیان) و١٧ مقام (خرده‌گیری وپاسخ) ویك خاتمه (حکم وقواعد)میباشد(ش٣٦٧ج٤طوس)نویسندهٔ نسخهٔدانشکده‌حقوق‌ازهمین «الانصاف» پنداشت که آن‌نگارش شیخ خلیل‌بن ظفربن خلیل‌کوفی اسدی میباشد. از ذریعه (ج٢ص٣٩٩)پیداست که‌اوچنین نگارشی دارد وپاسخهائی‌هم بزیدیان‌واسماعیلیان وقرمطیان داده است ولی پیش ازمنتجب‌الدین قمی (٥٠٤ - اندکی پس‌از ٥٨٥) میزیسته و گویا در روزگار شیخ طوسی بوده است. پس نمیتواند نگارندهٔ این «الانصاف» باشد.

بقیه حاشیه ازصفحه قبل

چنین نگفت واگر نوه او ابوالمظفر یوسف‌بن قزاوغلی (م٦٥٤) نگارندهٔ مرآت الزمان واعلام‌الخواص درباره دوازده امام رامیخواهد اوگاهی بسود شیعیان وگاهی بسود حنفیان وبرای‌یکی ازفرمانروایان چیز نوشته‌وبسخنان اونتوان گرائید. او باندرز گران وواعظان میماندکه بهرشهری روند بکیش آنجا درمیآیند وخود دینی ندارند نیزمیگوید که عبیدالله‌بن میمون قداح یهودی‌زاده وپرورده مجوس بوده است (نیزج٤ ص٢١٢) بازدر ج١ص١٣١ میگوید که‌مفید درمناسك مشاهد رواداشت بحج‌قبورمانند کعبه روند (برای سرگذشت حلی و ابن‌تیمیه بنگرید به البدایة و النهایة ابن کثیر ج ١٤ص١٢٥و١٣٢).

سید مهدی کاظمی فاضل قزوینی نگارشی بنـام «منهاج الشریعه فی الرد علی ابن تیمیه» دارد در دو جلد که نخستین را در ۱۳۳۷/۲/۲ بپایان رساند و هر دو در چاپخانه علوی نجف بسال ۷ـ ۱۳٤٦ بچاپ رسید .

[۸٤۸]

۸۷۹ ه این نسخه شماره ۱ دفتر است و بنسخ خوش با اعراب و با حاشیه های پارسی و تازی در میان سطرها از کمال الدین بن عبدالله بن سعید گرگانی در نیمه رجب ۸۷۸ گ ۲ب ـ ۱۰٤ب .

[۸٤۹]

۱۰۸۵ این نسخه شماره ۳ دفتر و بنسخ لطف الله بن شمس الدین مازندرانی نویسندهٔ شماره ۲ و با اعراب و همانگونه حاشیه‌های پارسی و تازی و در روز یکشنبه پایان ج ۱ سال ۹۰۱ بانجام رسید. چنین است آغاز و انجام نگارش حلی : «الحمدلله العلیم الواحد الکریم الماجد المقدس بکماله عن الشریك ـ فهذا آخر ما اردنا اثباته فی هذه ـ المقدمه» گ ۵۳ب ـ ۱۲٤ الف .

[۷۰۳] نامهٔ طوسی ببحرانی (عربی)

طوسی در اینگفتار ببحرانی پاسخ میدهد و همانست که در ص ۱۸۰ این فهرست شناسانده شده .

[۸۵۰]

۱۰٤٦ این نسخه شماره ۳ دفتر است و بخط شکسته تعلیق و عبارتهای قال و اقول بنسخ درشت از محمد شریف پسر محمد قائمی روز شنبه ۲ ع ۲ بسال ۱۰۵۹ گ ۲۵ب ـ ۳٦ب . و آغاز و انجام در این نسخه چنین است : « بسمله حمدالك یا مفیض الخیر والجود والصلوة علی صاحب مقام المحمود و آله خیر المخلوقین فی دائرة الوجود . الاول فی قسمة العلم الی الاقسام التی ینبغی ان یکون ... (۲٤ مسئله را فهرست میدهد) فینبغی ان نتکلم فی هذه المسائل لیکون ذخرا لی فی المعاد وحجة لی علی العباد قال صاحب الرسالة اعلم ادام الله هدایتك ان المتکلمین اطلقوا القول بان العلم تابع للمعلوم ـ قال صاحب الرسالة فینبغی ان نتکلم فی هذ المسائل . اقول الذی هو ممهد فی هذا الباب مستغن عن ایراد هذه المسائل. وانما اوردت هذه المسائل اقتفاء لکلام اهل البحث عند هذه المسائل . ولنختم الکلام هنا والله ولی التحقیق و بیده ازمة التحقیق» نامه ودیباچه ش ۳۸۹/۳ و ۱۰۲۲/۸ را ندارد و نسخه ایست جداگانه .

[٧٠٤] نفی الحیز والجهة (رسالة فی...) (فارسی)

امام فخرالدین رازی دراین گفتار از خداوند نفی حیز وجهت نموده است .

آغاز: رسالة فی نفی الحیز والجهة لفخرالدین الرازی ـ قوله تعالی لااله الاهو الحی القیوم . ویقرر ذلك ان الله تعالی هو القیوم .

انجام: واین منافی آنست که فقرو احتیاج مخصوص بممکنات است . والله اعلم بحقائق ذاته وصفاته والصلوة علی خاتم الانبیاء و آله العظام الاصفیاء . تمت الرسالة.

[٨٥١]

این نسخه شماره ١ دفتر و بخط تعلیق میباشد . گ٢ب ـ ٣ب. پس از این در
١٠٨٨ گ٣ب پاره ایست از اداب المریدین شیخ ضیاءالدین ابی النجیب عبدالقاهر بن
عبدالله سهروردی م٥٦٣ دراین که تهی دستی بهتر از توانگری است و در گ
٤الف پاره ای از فتوحات محیی الدین اندلسی و از شرح خطبه طوالع ازدوانی .

[٧٠٥] نهج الحق و کشف الصدق (عربی)

علامهٔ حلی این کتاب را در ردبرسنیان درهشت مسئله (ادراك ـ نظر ـ صفات خدا ـ نبوت ـ امامت ـ معاد ـ مسئله های اصول فقه شیعی ـ مسئله های فقهی شیعی) نگاشته است. پاشاروزبهان وخواجه صاعدبدین دفتر نگریستند (ص٥٤١ و ٦٢٠ اینفهرست)

آغاز: الحمدلله الذی غرقت فی معرفته افکار العلماء وتحیر فی ادراك ذاته انظار العقلاء ... اما بعد فان الله تعالی حیث حرم فی کتابه .

انجام: وفیما اوردناه فی هذا الکتاب کفایة لمن له ادنی تحصیل و کیف من یستغنی عن کثیر التنبیه بالقلیل والله الموفق للصواب والله المرجع والمآب .

[٨٥٢]

این نسخه شماره ٢ دفتر است و بخط تعلیق وعنوانهای آن بنسخ درشت سیاه
٥٠٣ یاشنگرف از احمدبن عبادالله ساوی نجفی در کربلا درشام پنجشنبه ٣٠ ع ١
سال ١٠١٧ گ٥٥ب ـ ١٢٠الف .

[٧٠٦] نهج المسترشدین فی اصول الدین (عربی)

علامه حلی بدرخواست پسرخویش فخرالمحققین در این کتاب گزیده ای از

همه مبحثهای کلام (امور عام ـ خدا ـ پیامبر ـ امام ـ رستاخیز) را آورده و آن در ۱۳ فصل و هریك چندمبحث است . درمبحث ۱ فصل ٤ (۳الف) بکتاب الاسرار خود بازگشت میدهد .

اینکتاب را اوپیش از ۷۰۲ بپایان رساند (ش ۱۰٦٥ طوس) .

نجم‌الدین خضر بن شمس‌الدین محمدبن علی‌رازی حبلرودی پس ازاینکه از استاد خود (شمس‌الدین محمدبن سیدشریف گرگانی م ۸۲۸) دور شده وازشیراز بنجف رسیده بود درهمانجاگاهیکه هنوز استاد زنده بود پرداخت باینکه گزارشی‌برای اینکتاب بنویسد و آنرا بنـام تحقیق‌المبین در مدرسه رتبیه درحله سیفیه نزدیک بیامداد یکشنبه سیم ذیقعده ۸۲۸ بپایان رساند (ش ۳۹۷ ج ٤ طوس ـ روضات‌الجنات ص ۲٦٤) .

آغاز: بسمله . الحمدلله المنقذ من الحیرة والضلال و المرشد الی سبیل الصواب فی المعاش والمال ... فهذا کتاب نهج‌المسترشد فی اصول‌الدین لخصت فیه مبادی ـ القواعدالکلامیة ورؤس المسائل‌الاصولیة ... اجابة لسئوال‌الولدالعزیزمحمد .

انجام : ومن ارادالتطویل فعلیه‌بکتابنا الکبیرالمسمی‌بنهایة‌المرام فی‌علم‌الکلام ومن ارادالتوسط فعلیه‌بکتاب منتهی‌الوصول والمناهج‌وغیرهما من کتبنا (المشهورة کنظم‌البراهین والمعارج ـ بخطریزتر ومیـان دو سطر) والسلام ، والحمدلله علی بلوغ ماقصدناه وحصول ماارد‌ناه . والصلوة والسلام علی‌اشرف‌الانبیاء وعترته‌الطیبین

[۸۵۳]

این نسخه شماره ۱ دفتر و بخط شکسته تعلیق ریزوعنوانهـا بنسخ وشنگرف و برخی جاها سفیدگذارده شده وحاشیه‌هائی دارد شکسته تعلیق ازشرح‌سیوری (ارشادالطالبین) گ ۲ب ـ ۱٤ب . ۱٤ شماره دیگراینده‌فتر درحدیث وفقه‌است وبخط تعلیق ونسخ ونویسنده شماره ۱٦ آن اسدالله حسینی رضوی درتاریخ ۱۲۲٦ می باشد ودرگ ۲ الف خط خطیب صدیق بسال ۱۲۳۰ دیده میشود .

همه دفتر ۳۱۷٦ گ) — کاغذ فرنگ — جلد تیماج‌سرخ ضربی

اندازه : ۱۵٫۵×۲۱٫۵ ودر ۹×۱٦ س ۲۴ (بیاضی)

[٧٠٧] وجیزه (عربی)

دانشمند شبر عبدالله بن محمد رضای نجفی کاظمی (١١٨٨-١٢٤٢) نگارندهٔ تفسیر که در تهران بسال ١٣٥٣/١٣١٤ بچاپ رسید در این رساله اندکی از اصول وفروع دینی را آورده و آنرا درروز شنبه ٢٢ ذی قعده ١٢٢٠ بپایان رساند.

آغاز: بسمله و به نستعین. الحمدلله الذی لامن شیء کان و لامن شیء کون ماقد کان... فیقول... عبدالله بن محمدرضا الحسینی ... هذه رسالة و جیزه ونخبة عزیزه قد تضمنت معرفة الحکمتین اللتین یحل بهما الفوز بالسعادتین.

انجام: وجعل مستقبل حالنا خیرا من ماضیه. تمت الرسالة فی یوم السبت بعد الزوال ثانی و عشرین من ذی القعدة سنة ١٢٢٠ و الحمدلله اولا ... وصلی الله علی محمد و آله.

[٨٥٤]

٤١٠ این نسخه بخط نسخ با عنوانهای شنگرف ازدرویش بن کاظم درشب ١٤ ذی حجه ١٢٣١.

(٣١٢٠ ف) — کاغذ فرنگی جلد تیماج سرخ ساده

اندازه: ٥ر١٥ × ٥ر٢١ و ٩ × ٥ر١٥ س ١٥

[٧٠٨] هادیة العوام (عربی)

این گفتار دراصول وفروع دین است بروش شیعی.

آغاز: بسمله. الحمدلله اللطیف بعباده، العامر بنواله، الامر بسئواله ... و بعد فهذه رسالة وجیزة موسومة بهادیة العوام مرتبة علی کلام ومقام وختام.

انجام: وقدامر تنابرد الودایع فردعلی عندحضور موتی، برحمتك یا ارحم الراحمین.

[٨٥٥]

١٠١٥ این نسخه شماره ٤٢ دفتر و بخط تعلیق میباشد. گ ١٧٠ ب - ١٧١ الف. در برگ ١٧١ ب تفسیر «سبحان الله والحمدلله ولااله الاالله والله اکبر» است از شمس الدین محمد بن مکی شهید یکم.

[٧٠٩] **هدایة الطالبین فی معرفة الانبیاء والائمة الهادین** (فارسی)

دانشمند حاج ملاهادی سبزواری (١٢١٢-١٢٨٩) در این دفتر از پیامبری و امامت در دو باب گفتگو نمود و آنرا در ٨ رجب ١٢٧٤ بپایان رساند. نسخه‌ای از آن در مجلس (ش ٧٨٨) هست.

آغاز: بسمله. سپاس ایزدیرا که آنجا که او موجود است هیچ موجودیرا وجودی نیست.

انجام: هر یك از این ممکنات علاوه برقیام قائم بذانه بقول مطلق. فهوالقیوم تعالی شأنه والقائم قائم به ... وقد فرغت من تألیف الرسالة فی الیوم الثامن من شهر رجب المرجب سنة اربعة وسبعین بعد المائتین والالف من الهجرة النبویة ١٢٧٤.

[٨٥٦]

٢٦٥ این نسخه بخط تعلیق حسن تقدیسی تفرشی درمحرم سال ١٣٦١ میباشد.

(٣٩٣ ـ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ تازه
اندازه: ١١×١٨ و ٨×١٢ س ١٣

گفتار پنجم

فلسفه عملی

آرایش خوی یا فرهنگ - کتخدائی یا خانه‌داری - کشورداری (تهذیب اخلاق یا حکمت خلقی - تدبیر منزل یا حکمت منزلی - سیاست مدن یا حکمت مدنی[1])

۱- برای این نامها بنگرید به: نگارشهای بابا افضل کاشانی ج۱ چاپ دانشگاه ص۹۵-۹۶- ۲۶۱ - اخلاق ناصری چاپ هندص۹ - اخلاق جلالی ص۱۸ - دیباچه آقای همائی بر اخلاق ناصری.

[۷۱۰] آئینه شاهی (فارسی)

فیض کاشانی «ضیاءالقلب» خویش راکه در شناختن جان وپرودن آن است ازروی خرد وطبع وشرع وعرف وعادت بنـام «آئینه شاهی» برای شاه عباس دوم بسال۱۰۷۶ بپارسی کرد وآنرا دردوازده‌باب گذارد: «شناختن خرد، شرع، طبع، عادت، عرف، شناختن خودکه فرمانبراین پنج‌است، مرتبه‌های همان‌پنج، چرا آنها برمردمی‌چیره‌اند، اگرآنها باهم‌نسازندکدام برتراست، اگرآنهابایکدیگرپامیزند چگونه میتوان ازهم جداساخت، برخی از داده‌های خداکه دراینجاکمك خواهد بود، چگونه ازخدا یاری توان‌خواست» کاشانی خردرا برتر از شرع میداند آنهم خرد پیامبران وپیشوایان. این رساله بـا ترجمةالصلوة والفت نامهٔ اودر چاپخانه موسوی شیراز بسال۱۳۲۰خ بچاپ رسید.

آغاز: سپاس شایسته وستایش بایسته‌سزاوار نثارپروردگاری‌که رسوم‌شرع را مطابق مقتضای عقل‌کامل‌گردانید.

انجام: چون در دلم محبت ایشان‌گرفته جا. تمت‌الرساله والحمد اولا و آخرا درتاریخ تصنیف برسم تعمیه‌گفته شد. آئینه‌جان برگیر ازممکن غیب دل— کائینهٔ شاهی‌را تاریخ شودحاصل (۱۰۷۶).

[۸۵۷]

۳۱٤ این نسخه‌شمارهٔ دودفتر وبخط تعلیق میباشد گ۱٦ب - ۳٦الف.

[۷۱۱] اداب ارسطو (عربی)

برای نگارشهای‌ارسطوسه‌فهرست‌دردست‌هست‌یکی ازدیوگنوس‌لائرسیوس دوم‌ازکمنام‌گویا«هسوخیوس‌ملیتوسی»سوم ازقفطی وخزرجی‌که ازبطلیموس‌رومی گرفته‌اند. دربارهٔ این‌سه فهرست‌در Le systéme d'Aristote از Hamelin

ص۱۳ـ ۱۷ بررسی شده است . داستان نشر کتابهای ارسطو در جغرافیای سترابن (ج۳ص۵ـ۵۳) دیده میشود. در «زندگی مردمان نامور» پلوتارخوس داستان نگارش های ارسطو و نامه‌نگاری او با اسکندر درباره نشر کتابهای سماعی در میان تـودهٔ مردم آمده (ترجمه فرانسوی Alexis Pierron چاپ پاریس در ٤جلد بسال ٤ـ ۱۸٤۳ج۲ص ٦ـ٦۳۵وج۳ص٤٤٦) ازین کتابها وهمچنین فهرست ابن ندیم پیداست که پندهائی بارسطو نسبت داده‌اند و برخی از آنها بتازی در آمده است. درجاویدان خرد مشکویهٔ رازی ازاینگونه پندها وسخنان آمده است و نمیتوان باور کرد که ازارسطو باشد (دیباچه بدوی برجاویدان خرد ص٤۲) .

این گفتار دردو بند درجاویدان خرد ص۷۰ـ۲٦٦ بچاپ رسید و بسیار بآغاز ادب صغیر ابن مقفع که دررسائل البلغا ص٤ـ۳۷ بچاپ رسیده‌مانند میباشد (ش٦۳٤/۱٦ مجلس) .

آغاز: بسمله هذا آداب ارسطوطالیس . کتبها فی صحیفة کان یعلمها اسکندر . لکل انسان حاجة والی کل حاجة سبیل ومن اصابه انجح ومن اخطاه خاب وحاجة الانسان خیر الدنیا والاخرة والسبیل الی ادراکها العقل والعقل نوعان غریزی ومستفاد.

انجام: غیر حاسد للاصحاب ولامخادع للاخیار ولامتحرس بالاشرار ولامشاغب للمدارس ولاملاح للسطان ولامرج للولایة . تمت آداب ارسطوطالیس . والحمدلله واهب العقل .

[۸۵۸]

۲۵۳ این نسخه شماره ۱۵ دفتر و بخط تعلیق میباشد گ۹۵ب ـ ۹٦ب .

[۸۵۹]

٤۰۲ این نسخه شماره ۳ دفتر و بخط تعلیق میباشد گ۵۲ب ـ ۵۳ب .

[۷۱۲] **اداب متعلم حکمت** (فارسی)

درتتمهٔ صوان الحکمه بیهقی ص ۲۰ گفتاری از فارابی درباره روشی که جویندهٔ

حکمت باید داشته باشد آمده واین نسخهٔ مانیزمانند همان است وبپارسی و آغاز آن ترجمهٔ گزیده‌ای است از آغاز همان متن تازی .

آغاز: حکما فرموده‌اند که هر که درعلم حکمت شروع نماید باید که شاب وصحیح المزاج باشد .

انجام: وهیچ سفری بهتر ازسفر عقل درملکوت نیست وفقنا الله وایاکم بحرمة من لانبی بعده .

[۸٦۰]

٤٣١ این نسخه شماره ٤ دفتراست و بخط تعلیق محمدعلی درمحرم ۱۳۰۲ گ ۱۱۷ ب ۱۲۰ ب .

[۷۱۳-۸۱٤] **ابواب الجنان** (فارسی)

دانشمندادیب شاعر رفیع الدین محمدبن فتح الله واعظ قزوینی (م ۱۰۸۹) شاگرد ملاخلیل قزوینی میخواست ابواب الجنان خودرا درپند واندرز وسخنزانی دینی و درهشت باب هر یکی دریك جلد بنویسد . نخستین را در روزگار شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷) ودومی را پس ازمرگش ودرروزگار شاه سلیمان یکم (۱۰۷۷-۱۱۰۵) بسال ۱۰۷۹ نگاشته است ودیگرننوشت . پسرش محمد شفیع آنرا بپایان رساند. این کتاب نمونه‌ایست ازنثر شیوا ودشوار آن زمان . جلدیکم درتبریز بسال ۱۲٦۱ ودرتهران بسال ۱۲۸۱ (هردوجلد) ودرهند بچاپ رسید (ذریعه ج ۱ ص ۷٦ فهرست طوس ج ۲ ش ۱ اخلاق چاپی) درمجلس نسخه‌ای ازاین هست (ش ۷-٥٦٦) .

[۸٦۱]

٥٢١ این نسخه جلدیکم وبخط تعلیق خوش تاریخ ۱۲٦٥ ودارای سرلوح بسیار زیبا بشنگرف وزرولاجورد ورنك سبزمیباشد. صفحه ۱ حاشیه‌دارد باگل و بوته ودیگرصفحه‌ها دردوجدول بزرولاجورد وشنگرف وعبارتهای تازی بشنگرف است .

آغاز: بهترین زلال مقالی که سرخیل کاروان فنون محاورات تواند بود .

انجام: برامزجه قلوب دردمندان سازگار وگوارا گردانیده توفیق را بروجه صواب کرامت فرماید. بمنه وکرمه آمین یارب العالمین برحمتك یاارحم الراحمین.

امیر فیروزکوهی در۱۳۱٦ این نسخه راداشته وبهای آن‌را سی تومان دانست.
(۱۷۱گ) ــ کاغذ ترمهٔ سپاهانی ــ جلد روغنی‌گل وبوته‌دار دورو وضربی باپوشهٔ تیماجی.
اندازه: ۲۱×۳۵ و۱۲×۲۵س۲۰

[۸٦۲]

۵۲۰ این نسخه جلددوم وبخط نسخ بانشانه‌ها وعنوانهای شنگرف ازعلیقلی فرزند کربلائی‌علی پسرکربلائی حسین در۳۰ رجب وروز خمسهٔ سال۱۱۲۸ میباشد
آغاز: زلال مقالی که از چشمه ساردل بجدول زبان جاری و بوستان جانفزای دین وایمان بآن آبیاری تواندشد.
انجام: درفقیهٔ مرویست که درسجده آخرین این نماز گوید «یامن‌لبس‌العزوالوقار اسئلك بمقاعدالعزة».
(۱۴۲گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج مشکی ضربی
اندازه: ۲۱ ، ۵ر۳۰ و۱۴×۲۲س۲۰

[۷۱۵-۷۱٦] احیاء علوم‌الدین (عربی)

دانشمند محمد غزالی طوسی (۴۵۰ـ۵۰۵) درسال۴۸۴ درمدرسهٔ نظامیهٔ‌بغداد بتدریس پرداخت ودر ذی‌قعده۴۸۸ برادرش احمد را جانشین خویش ساخته خود بسوی مکه رهسپارگشت ودر۴۸۹ بدمشق رفته سپس باورشلیم آمدوباز بدمشق برگشت وده سال درشام مانده است. وی‌باسکندریه نیز رفته ومیخواست بدیدار یوسف‌بن‌تاشفین پادشاه مرابطی‌مراکش (۴۸۰ـ۵۰۰)برسدکه‌اومرد. غزالی‌دیری بپارسائی وجهانگردی بپرداخت. در همین روزگار بودکه احیاء العلوم‌می‌نوشت. ببغدادکه برگشت آنرا درپند واندرزها که میداد میخواند (شرح زبیدی براحیاء ج۱ص۷ـ۸) پس غزالی احیا را درروزگار پارسائی وگوشه‌گیری (۴۸۹ ـ ۴۹۹) نگاشته است. چنانکه خود او درمنقذ میگوید ازرجب ۴۸٦ اندیشهٔ پارسائی و کناره‌جوئی درسرش افتاد باندازه‌ایکه درخود توانائی ماندن بغداد ندید وبیمار گشت وحج رابهانه ساخت وازآنجا بیرون رفت وبتصوف گرائید (تعریف‌الاحیاء بفضائل‌الاحیاء شیخ عبدالقادر درکنار شرح زبیدی ج۱ص ۳۷ وپس‌ازآن) (۱).

۱ــ غزالی مانند اورلیوس اوگوستینوس(Aurelius Augustinus) پاك

بقیه حاشیه درصفحه بعد

غزالی باحیاء بسیار ارج مینهادودر پاسخ خرده گیریهاکه مغربیان کرده‌اند «الاملاء فی‌اشکالات‌الاحیاء» نوشته‌است (زبیدی‌ج۱ص۳۸)واز آن پیداست که بهمان‌سخنان وپرسشهای خراسانیان‌که پیش شاه بداوری رفته بودند نیزمینگرد (ص۱۹۰ همین فهرست) وگویا آنرا نزدیك ۵۰۳نوشته باشد.

غزالی خود درمقاصدالفلاسفه (آغازالهی) درباره سیاست میگوید: «وهذا علم‌اصله‌العلوم‌الشرعیه» ودرتهافت‌الفلاسفهٔ او که‌پس‌از آن‌نوشته‌ودرتاریخ۱۱محرم ٤٨٨ بپایانش‌رساندص۳-۳۵۲دارد: «وعلم‌الاخلاق‌طویل‌والشریعة بالغت‌فی‌تفصیلها ولاسبیل فی‌تهذیب الاخلاق‌الابمراعات قانون‌الشرع فی‌العمل حتی لایتبع‌الانسان هواه» پس اوچنین میخواهدکه گذشته ازویران ساختن بنیاد فلسفه‌یونانی علم‌عملی را نیز ازروی شرع بنویسد اینست‌که دراحیا شالوده‌دیگری برای اخلاق‌وسیاست وتدبیر منزل ریخته‌ورنك دین بدوداده است‌مگراینکه اودراین‌کتاب روش عرفان پیش‌گرفت وازقوت‌القلوب ابوطالب مکی ورسالهٔ قشیری (زبیدی ج۱ص ۳۰) و ذریعه‌راغب‌بهره بردودرآوردن‌اخبار و آثارهم چندان پابندشرایط‌محدثان‌نبوداین بودکه فقیهان ازاو خرده‌هاگرفتند و دانشمندان درباره اودوگروه شدند. سخنان دوست ودشمن‌رادردیباچه زبیدی می‌بینیم. ازنگریستن نگارشهای غزالی برمیآید

(۳۵٤-٤۳۰) وهیرونیموس (Eusebius Sophronius Hieronymus)یا جیروم Jérome پاك (۳٤۰-٤۲۰) که نخستین ازاندیشهٔ مانوی ونوپلاتونی ودومی از فلسفه سیسرون واندیشه‌های بت‌پرستان برگشته پارسا وترسا شدند او هم دراثر کشمکش ونبردهای فیلسوفان وباطنیان و عارفان باپیروان سنت خسته شده خواست زندگی بی‌آلایشی دورازمردم زمان پیش‌گیرد ومسائل دین‌را روی‌ذوق‌عرفانی‌دریابد غزالی مانند دکارت شك‌را پایهٔ یقین‌دانست (پایان میزان‌العمل که میگوید: اذالسلوك هی‌الموصلة الی‌الحق فمن‌لم‌یشك‌لم ینظرومن لم‌ینظرلم یبصرومن لم‌یبصر بقی‌فی‌العمی والضلال) سیدمرتضی نیزپیش‌ازاوچنین گفت(ص۱۱٦اینفهرست) اورا درگرایش‌بحس وبداهت مانند هیوم انگلیسی ودر ناتوان یافتن خردمانندکانت‌آلمانی پنداشتند.

(بنگرید به: ترجمه تازی تاریخ فلسفه اسلامی دبوئر ازابوریده ص ۲۱۸ — تاریخ فلسفه اسلام لطفی جمعه ص٦-۷۵).

که اودرزندگی علمی چهاردوره راگذراند : ۱از۴۷۸تا۴۸۴که وجیز را نوشت و فقیه بود۲از۴۸۴تا۴۸۸که مقاصد وتهافت‌واقتصاد ومستظهری نوشته نگاهبان‌سنت ودوستدار دربار عباسی بوده ونظام‌الملك راخوشنود میساخت وبـاپندار واندیشهٔ باطنیان فاطمی مصروصباحیان میجنگید۳از۴۹۲تا۴۹۵که باحیاء ومستصفی‌وکیمیا میپرداخت واندیشهٔ عرفانی دینی داشت۴از۴۹۵تا۵۰۵که سرانجام بطوس آمد و دراین زمان بودکه بنگارش مانند جواهرالقرآن و مشکات‌الانوار پرداخته است (متون ماسینیون ص۹۳) وبگفته وات درروزنامهٔ آسیائی لندن ش۱و۲سال۱۹۵۲ ص۳۰و۴۴ دورهٔ پس ازاحیا هم دوبخش میشود دریکی همان عقل بکار میآمد و مانند الجام وفیصل وقسطاس نوشته شده ودر دومی‌که پایان زندگی او است ذوق هم درکاراست واباحیه ومنقذ ومشکات بنگارش درآمد. متن احیادرتهران بسال ۱۲۹۳ وبارها درمصر ودرلکناؤ بسال۱۲۸۱ بچاپ رسید .

[۸۶۳]

این نسخه دارای نیمه نخستین احیاء است وبخط نسخ درجدول زرین‌ولاجوردی
۳۹۰ باعنوانهای شنگرف ودارای‌دوسرلوح زیبای‌زمینه‌گل وبوته لاجوردی واحمد
بن احمدبن شرف‌الدین کازرونی درروز سه‌شنبه ۲۴ رمضان سال ۸۹۳ نوشتن آنرا بپایان رساند .

درگ۱الف بخط تعلیق فیض‌کاشانی از« الریاض‌الموثقة فی‌مرتبة اصحاب‌السنة » امام‌رازی‌آمده که اگرمعتزلیان بنوشته‌های‌فراوان جاحظ که‌بیشترش‌یاوه‌است‌می‌نازند شایسته است‌ما هم بنوشته‌های فراوان وبسیار پسندیدهٔ غزالی بنازیم.

نیز ازآغاز جلد ۵ کشکول که شیخ بهائی ازپدر خود ازیکی ازبزرگـان آورده است که خطا بیات غزالی از برهانیات ابوعلی دلنشین‌تر و جان بهتر آنرا می‌پذیرد . بازبخط همان مولی محسن فیض نوشته شده : کـه حکیم صدرالدین محمدبن ابراهیم شیرازی (اطال‌الله بقائه) بدوگفته بودکه میرزا ابراهیم همدانی از شیخ احمد اردبیلی آورده است که«اگر همه کتابهای جهان ازمیان برود واحیاءالعلوم بماندچندان‌زیانی باسلام نخواهد رسید ولی اگراحیا ازمیان رود زیان بسیاری‌بدان خواهد رسید»فیض میگوید که این ازاردبیلی شگفت‌انگیزاست چه مبحث امامت که ازایمان است در احیا نیامده ولی درباره «المحجة‌البیضاء» ماکه بـاآن احیا را کامل نمودیم چنین سخنی

درست خواهد بود- دربارهٔ میرزا ابراهیم‌همدانی ازاجازات بحاراز سیدعلیخان(سلافه ص٤٨٨) درهمین برگ چنین‌آمده : «شاه عباس روزی خواست شیخ بهائی را ببیند نزدش رفته هزارها کتاب درآنجا بدید . ازاو پرسید کسی در جهان هست که این همهٔ کتابهارا ببادسپرده باشد ؟ بهائی پاسخ‌داد نه. اگر باشد همان میرزا ابراهیم خواهد بود. این دانشمند در١٠٢٦درگذشت » همه اینها بخط‌کاشانی است . خط و مهر دارندگان نسخه(محمدابراهیم‌قزوینی ومحمد زکی در١١٤٢وحاج‌علی‌نجار وسعدان) دیده میشود (١الف - ٣٣٧الف) .

(٣٣٧گ) - کاغذ سمرقندی- جلد تیماج سرخ مقوائی

اندازه : ١٧×٢٥ و١٢ ، ٥ر١٧س٢٥

[٨٦٤]

٣٩١ این نسخه نیمه دوم احیاء است وبخط نسخ در جدول زرین و شنگرف و با عنوانهای شنگرف ویك سرلوح زرین که همان‌کازرونی درنیمهٔ روز آدینه ٢٣رمضان٨٩٤ نوشتن‌آنرا بانجام‌رساند همان‌گفتار بهائی در کشکول نیز درگ١ الف بخط‌تعلیق آمده ومهروخط محمد ابراهیم قزوینی درگ١الف وب‌ودر ٤٢٩ الف وب دیده میشود .

(٤٢٩گ) - کاغذ سمرقندی- جلد مانند بالا

اندازه : ر١٧ ، ٢٥ و١٢×٥ر١٧س٢٥

[٧١٧] اخلاق (رسالهٔ...) (عربی)

شیخ رئیس دراین رساله کوتاه میخواهد بگوید که چگونه مردمی خوش خوی ونیکرفتار میگردد وچندین‌فضیلت خلقی‌رامیشناساند ودرآغازآن از «کتب احصاءالعلوم» یادمیکند . این‌رساله مانند « تهذیب‌الاخلاق » یحیی‌بن عدی یعقوبی م٣٦٤ (چاپ شده دررسائل‌البلغاء) است وکوتاه‌تر ازآن ودرآن بروشی علمی از اخلاق‌بررسی‌نشده‌است. ایندانشمندان در اینگونه نگارشها از- DeVirtuti bus etVitiis یانکوئیها وبدیهای‌ارسطو بهره برده‌اند .

قنواتی درش٢٤٦چندین نسخه ازاین رساله راشناساندکه درآغاز وانجام با هم یکی‌نیستند این‌رساله درتسع رسائل مصر١٣٢٦ بچاپ رسیده وآمیختگی در آن هست چه درص١٥٢ تا١٥٤س٩ کلمه١٨ اینچاپ بخشی ازاین رساله است واز آن‌پس‌تاص١٥٦ازرسالهٔ عهدشیخ‌رئیس که درکنارشرح هدایه شیرازی‌ص ٨-٣٣٦

دیده میشود آمده ودنبالهٔ این رسالهٔ اخلاق درص۱۴۳س۲ کلمهٔ۹ تاص۱۵۱اینچاپ هست که جزء رساله عهددانسته شد. بگفته ناشرشرح‌هدایه ص۳۳۵ درچاپ‌مطبعة الجوائب نیزچنین آمیختگی‌دیده میشود. این‌رساله درمجموعة‌الرسائل‌بسال۱۳۲۸ ودرکنار شرح هدایه شیرازی ص۵-۳۳۴ و۷-۳۵۱ نیزبچاپ رسید.

آغاز: بسمله‌المعتنی بامره‌المحب‌لمعرفة‌الفضائل وکیفیة اقتنائها لتزکو بهانفسه

انجام نسخة‌ما:ولهذاالکلام ذکرفی‌موضعه- یعنی کتاب‌المبدءوالمعاد. تم‌الکتاب فی‌الاخلاق والحمدلله حق‌حمده. آنگاه‌دارد: «هیئة‌یصدر بهاعن‌النفس‌افعال‌بسهول عن غیرتقدم روية. جالینوس: الخلق حال‌للنفس داعية الی ان‌یفعل‌الانسان افعال بغیر روية ولااختیار. وصلوته علی‌محمد وآله اجمعین» که نویسنده افزود.

[۸۶۵]

۱۰۷۴ این نسخه شماره۱۶ دفتر وبخط تعلیق ریزمیباشد گ۲۲۱الف- ۲۲۶ب.

[۸۶۶]

۱۰۷۹ این نسخه شمارهٔ۲۲ دفتروبخط تعلیق میباشد ص۱۲۳-۱۲۹.

[۷۱۸] **اخلاق (رسالهٔ..)** (فارسی)

این رساله دراخلاق وبا اخبار وآیات آمیخته است.

[۸۶۷]

این نسخه شمارهٔ۱۱ دفتروبخط تعلیق میباشدگ۱۰۰الف - ۱۳۸ب. نسخه‌در

۱۰۳۶ آغاز وانجام ومیانه کم دارد وبرگها هم پس‌وپیش شده وچنین است:«درویش است که بدانچه دارد قناعت کند - ویکی از دلائل سوء خاتمت نفاق‌است».

[۷۱۹] **اخلاق (رسالهٔ...)** (عربی)

رساله‌ای‌است کوتاه‌وشیوا درچهار مقاله: اخلاق‌نظری-حفظ‌واکتساب اخلاق- سیاست منزل - تدبیر مدن.

آغاز: بسمله‌وبه نستعین الحمدلله‌علی‌نواله .. وبعد فهذه مختصرة فی‌علم‌الاخلاق ورتبته علی اربع مقالات‌المقالة الاولی فی‌النظری منه. الخلق ملکة تصدرعنه‌الافعال

الانسانية بسهولة من غير روية ويمكن تغيرها للتجربة ولورود الشرع به واتفاق العقلاء

انجام : وقضاء حوائج الناس ولزوم العادات من التعازى والتهانى والعيادات و اظهار الفرح لفرحهم والغم لغمهم بحيث لايخرج الى حد النفاق .

[٨٦٨]

١٠٣٥ . شنگرف گويا ازديباجى نزديك ١١٠٠ ص٩٥-٩٧ . ٥ اين نسخه شماره٥ دفتراست وبخط تعليق شكستهٔ ريز بانشانه‌ها وعنوانهاى

[٧٢٠] **اخلاق ناصرى** (فارسى)

خواجهٔ طوسى فيلسوف (٥٩٧- ٦٧٢) اين كتاب را درسه مقاله نوشت در نخستين آن كه در اخلاق است تهذيب الاخلاق وطهارة الاعراق مشكويهٔ رازى را بپارسى كرد ودر دومى كه ازتدبير منزل بررسى ميكند رساله تدبير منزل شيخ رئيس را بپارسى برگرداند(١) ودرسومى ازاراء مدينه فاضله فارابى بهره برد ودرپايان آن پنديكه افلاطون بارسطو داده ودر جاويدان خرد مشكويه (ص٩-٢١٧) متن تازى آنرا مى‌بينيم بپارسى آورده‌است. خواجه تدبيرمنزل بروسن(چاپ شده درمجموعه اربع رسائل نشريسوعى دربيروت بسال١٩٢٣) رانيز ديده بود . طوسى آنرا بنام فروانروای كهستان ناصرالدين ابوالفتح عبدالرحيم بن ابى منصور بسال٦٣٣ نگاشته

١- مشكويه درطهارة الاعراق از قرآن وسخنان پيامبر وعلى و كليه ودمنه و طب روحانى رازى پزشك ودفع الاحزان كندى وديگر نوشته‌هاى اوواخلاق نيقوماخوس وفضائل النفس ارسطو وجمهورى افلاطون واخلاق جالينوس (چاپ شده درمجلد٥ جزء ١ مه١٩٣٧ ازمجله كلية الاداب جيزه) و« تعرف المرء عيوب نفسه» همو و كتاب بروسن (Bryson) بهره برده‌است (بنگريد به: ابن مسكويه، فلسفته الاخلاقية ومصادرها از دكتر عبدالعزيز عزت مصر١٩٤٦) تدبير المنزل يا السياسة شيخ رايسوعى درمجله مشرق بيروت بسال١٩٠٦(٩) ودر «مقالات فلسفية قديمة» درهمانجا بسال١٩١١ بچاپ رساند (قنواتى ش٢٥٣) ومجله مرشدهم آنرا درمطبعة الفلاح بغداد بسال $\frac{١٣٤٧}{١٩٢٩}$ در٤٧ص بغلى بنام «تدابير المنازل او السياسات الاهليه» چاپ نمود ودانشمند گرامى آقاى محمد نجمى زنجانى همين رابا بخش زناشوئى پايان شفا بپارسى كرد كه در چاپخانه ايران تهران ١٣١٩خ بچاپ رسيد .

وپس ازرهائی اززندان‌الموتیان (درروزیکشنبه‌یکم ذی‌قعده ٦٥٤) اوخطبهٔ‌دیگری درآغاز آن گذارده‌وسفارش کرد که خوانندگان خطبه‌نخستین‌را بردارند واین‌یکی را بجای آن‌بگذارند. نگارنده ذریعه (ج١ص٣٨٠) نسخه‌ای‌را دیدکـه در ٦٧٦ نوشته شده وخطبه نخستین‌را درپایان آن گذارده بودند. طوسی درسال ٦٦٣ سی سال پس ازنگارش آن (ص١٤٧ چاپ ساغر دربمبئی بسال١٢٦٧) روی یادآوری امیر عبدالعزیز نیشابوری بخشی دربارهٔ نگاهداشت حقوق‌پدر ومادر دردنبال‌فصل ٤مقاله٢ افزود. پیداست که‌خواجه آنرا درروزگار علاءالدین محمدبن‌حسن(٦١٨ ـ٦٥٣) هفتمین‌جانشین حسن‌صباح‌وهنگامیکه درالموت بازداشته بودنگاشته‌است این‌استکه‌درفصل١مقاله٣ (ص١٥٧) ازاساس وناطق یـادکرد . سلطان‌العلما خلیفه سلطان سید امیرعلاءالدین حسین‌حسینی آملی سپاهانی (م١٠٦٤) داماد شاه‌عباس یکم ووزیر اووعباس دوم تاهنگامیکه درگذشت بدستور شاه‌صفی در١٠٥١اخلاق ناصری‌رابعبارت‌مأنوس‌تری درآورد وفاضل‌عبدالرحمن‌بن عبدالکریم برهان‌پوری برای عالمگیر شاه (اورنك زیب ١٠٦٩ـ١١١٨)گزارشی برآن نوشت (ذریعه‌ج٤ ص٤٩١) این‌کتاب دربمبئی بسال١٢٦٧ و درکلکته بسال ١٢٦٩ ودرلکنائو بسال ١٢٨٦ ودرلاهور بسال ١٨٦٥ وگزیده آن‌با دیباچه آقـای همائی درتهران بسال ١٣٢٠خ بچاپ‌رسید. درموزه بریتانیا نسخهٔ تاریخ٦٨٠آن هست (فهرست ریوج٢ ص٤٤٢ وص٨٥٦ دربارهٔ نسخه‌ایکه هردو خطبه‌را دارد وج٤ ص١٤٧) .

[٨٦٩]

این نسخه شماره٢ دفتراست وبهمان‌گونه‌خط شماره یکم‌آن ازهمان‌کارزازی در ١ ج ١سال ١٠٧٣ گ ٩٩ب ـ ٢٢٦ الف . دراین نسخه همـان خطبه دوم آمده است . ٨٩٤

[٨٢١] **افراض‌السیاسة فی‌اغراض‌الریاسة** (فارسی)

دانشمندان‌خاوری درنگارشهای‌اجتماعی‌خویش‌چندروش پیش‌گرفته‌اندگروهی مانند ابن‌مقفع وجاحظ دستورهاوپندها ورفتارهای خردمندان وفرمانروایان‌پیشین

را درنوشته‌های خودمیآوردند یااینکه بساخت افسانه وداستان خوهای نیك‌یا بدو دادگری یاستمکاری رانشان‌میدادند مانندکلیله ودمنه وسندبادنامه که بیشتر اینها ریشه ایرانی و هندی دارد . دسته‌ای از اندیشهٔ خردمندان یونانی پیروی نموده از روی نوشته‌های سیاسی واجتماعی افلاطون وارسطو بروش منطقی وعلمی کتاب‌می نوشتند.درمیان آنان نیز کسانی بودندکه درزندگی سیاسی آزمایشهائی‌اندوخته‌و بروشهای بزرگان آشنا بوده‌اند ایندسته مانند غزالی درنصیحةالملوك ونظام‌الملك طوسی درسیرالملوك یاسیاست‌نامه (بسال ٤٨٥) وعنصرالمعالی درقابوسنامه (بسال ٤٧٥)مسئلهٔاجتماعی راپیش کشیده‌برای‌اثبات آن گواهانی ازسخنان بزرگان دینی و سیاسی میآوردند این کتاب «اغراض‌السیاسة» نیزچنین‌است و بهاءالدین محمد بن‌علی‌بن محمدبن‌الحسن ظهیری‌نویسندهٔسمرقندی صاحب دیوان رکن‌الدین الپ قتلغ‌تنکابلکا ابوالمظفر قلج‌طمغاج‌خاقان پسرجلال‌الدین قلج قراخان فرمانروای خانی ترکستان نزدیك٥٥٨ آنرا پس‌ازمرك سنجر (٥١١-٥٥٢) و بنام همان قلج طمغاج نوشته‌است‌این‌فرمانروا همانست که‌رضی‌الدین نیشابوری‌م٥٩٨ اورامیستود .

سمرقندی سندباد نامه‌راکـه ابوالفوارس قناوزی در سال٣٣٩ بدستور نوح منصورسامانی‌ازپهلوی‌بپارسی‌ساده شیرین‌ترجمه کرده‌بودبنام‌همو وقلج‌طمغاج‌خاقان پسرمسعود بن‌الحسین‌نزدیك ٦٠٠ بپارسی‌ساختگی زمان‌خوددر آورد (چاپ‌احمد آتش دراستانبول‌بسال١٩٤٨ باترجمهٔتازی) او کتاب‌دیگری داردبنام «سمع‌الظهیر فی‌جمع الظهیر» .

سمرقندی دراغراض ازچندین فرمانروا ودانشمند مانند جمشید و فریدون ومنوچهر وپیشدادیان دیگرواسکندر و بطلیموس وافلاطون وارسطو و فورهندی وفغفور چین‌وخاقان خزروچند پادشاه‌ساسانی وچند امیرتازی ونصر احمدسامانی وسیف‌الدوله وعضدالدوله وعلاءالدوله ومحمود غزنوی والب‌ارسلان وسنجر پسر ملکشاه یادکرده وبستود ودستورها وروشهای آنانرا آورد. سبك نگارش او بس دشوار وشعرهای پارسی وتازی در آن دیده میشود. خودسمرقندی گزارشی بر آن

نوشت(۱) .

آغاز: حمدوثنا مبدعی‌راکه عدم خزانهٔ ابداع اواست وشکروسپاس موجدی‌را که نیستی وسیلت اختراع اواست .

[۸۷۰]

۱۰۷۲ این نسخه بخط تعلیق درجدول زرین‌ولاجوردی باعنوانها بزرولاجورد وبرخی عبارتهای تازی آن‌هم بهمان دو رنك وروی شعرهـا خط زرین کشیده شده و سرلوحی دارد بشنگرف ولاجورد وزر . نسخه بـا«عنوان سلطان سنجربن ملکشاه پادشاهیکه مراکب او مناکب کواکب گردون بود ... » که آخرین عنوان فهرست است پس ازچهار برگ بدینجا پایـان میبابد : « وطشت زر بر گرفتند وآن مردمان ازجملهٔ منعمان» وچندان کم ندارد . سه برگ سفید وبرگ٤ نیست. علی‌محمد بن هادی حسینی سپاهانی دولت‌آبادی درشعبان ۱۳۱۷ نسخه را توسط یمین‌السلطان خرید .

(۳۱۸۵ـ) کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ زرکوب دورو
اندازه : ۱۵×۲۵٫۵ و ۹×۲۰٫۵س۱۷

[۷۲۲] پندداذبه (فارسی)

داذبه یا ابن مقفع(۲) دراین نامه بپسرخویش پندوئندرز میدهد .

آغاز: از رسالهٔ ابن‌مقفع که درنصیحت پسر خود نوشته وآنرا رئیس المحققین

---

۱ ـ نیز بنگرید به : کشف‌الظنون ـ حاشیهٔ قزوینی برچهارمقاله ص۱۷٦ـفهرست موزهٔ برینانیا ج۲ص۷٤۸ .

۲ ـ فرزانه ایرانی داذبه چون‌چندان بسفیان معاویه ارجی نمینهاد او هم کینهٔویرا دردل گرفت‌وسرانجام‌ویرا در۳٦سالگی بسال۱٤۲ نامردانه بکشت. ایندانشمندراسخنان شیوا ودلربا بسیاراست . ادب کبیرا و درجواهرالحکما بـا بهجة المجالس ابن‌عبدالبر اندلسی درمصر بچاپ رسید ودررسائل‌البلغا ص٤۰ـ۱۰٦ نیزدیده میشود. درجاویدان خردمشکویه ص۲۹۳ـ۳۲۷ بجزدوصفحهٔ دیباچهٔ آن آمـده وپارسی همین را نگارندهٔ کنوزالودیعه (ش۳۹٤گ۲۳۹الف ـ۲۵۱الف) آورده‌است وهمهٔ آنرا محمدهادی‌بن محمدحسین‌قاینی بیرجندی‌باترجمه پارسی‌دردیماه۱۳۱۵خ درچاپخانه آفتاب‌تهران‌بچاپ رساند. ادب‌صغیر اودرمکتبه ومطبعةالطلبة قاهره چاپ شده ودررسائل‌البلغاص٤ـ۳۷ (چاپ سوم) هم‌دیده میشود . سخنان واندرزهای دیگراوهم دراین رسائل هست .

نصیرالملة والدین‌الطوسی بفرمودهٔ ناصرالدین عبدالرحیم ترجمه نموده کلمهٔ چند انتخاب‌نموده از کتاب آداب پادشاهان بقلم آمد. ای‌پسر بدانکه اول‌حقی که‌حقتعالی برما واجب است(؟) آنستکه درادای شکراو شرط تعظیم رعایت کنیم.

انجام: هرکه شروع نمائی ازسرانصاف وبصیرت کن که اگرخلاف آن‌ظاهر شود مستحق نباشی که دلهای مردم. ۴۴

[۸۷۱]

۲۸۳ این نسخه شماره۲ دفتراست وبخط‌نسخ باعنوانهای شنگرف تاریخ ۱۲۸۶ گ۷۶ب ـ ۸۵ب.

[۷۲۳] پندفرزانه بفرزند (فارسی)

دراین‌گفتار فرزانه‌ای بفرزندخود اندرز میدهد وباید ازمتاخران باشد.

آغاز: این وصیت‌نامهٔ حکیمی است که پسرخودرا گفت: بدان ای‌فرزندکه خالقی است که ترا وهمهٔ خلق‌را مرجع بااواست.

انجام: مرگ‌را بیادآر ودرهرچه باشی خدایرا فرومگذار. تمت‌الوصیة. والحمدلله اولا وآخرا.

[۸۷۲]

این نسخه شماره۱۷ دفترو بخط تعلیق میباشد ص۱۶۳.

۱۰۳۵ دردنبال۵بیت است ازفارابی:

نظرت بنورالعقل(الله)اول‌نظرة فغبت عن‌الاکوان وارتفع‌اللبس
و ما زال قلبی لائذا بجمالکم وحضرتکم حتی فنت فیکم‌النفس
وزیتونةالفکرالصحیح اصولها مبارکة اوراقها الصدق والقدس
فروحی زیتی‌والخیال زجاجتی وعقلی مصباحی ومشکاته الحس
فصار بکم لیلی نهارا وظلمتی ضیاء ولاحت‌من‌جنابکم(خیامکم)الشمس

(بنگرید به: ص ۱۱۲ همین فهرست درباره سخن ابن‌سینا وص۱۰ج۲ خزرجی درباره شعراودرتفسیرآیه‌نور. آملی درجامع‌الاسرار (ش۳۴۱ گ۱۲۸ب و۲۷۸الف) همهٔ این بیتها راآورد ونگفت ازکیست).

وشش بیت ازحسین منصور حلاج‌ره:

قل لاخوانی روانی میتا — فرثونی وبکوالی حزنا
اتخالـونی بـانی میت — لستذاك المیت والله انا
انافی الصورة هذابدنی — کان لبسی وقمیصی زمنا
انا کنز وحجابی طلسم — من تـراب فتنحی للفنا
انا عصفور وهذا قفصی — کان سجنا فالفت السجنا
اشکرالله الذی سرحنی — وبنی لی فی المعاد ولنا

وسه بیت ازشیخ رئیس ره :

لو کنت تعلم کلما علم الوری — حقا لکنت صدیق کل العالم
لکن جهلت فصار عندك کل من — یهوی خلاف هواك لیس بعالم
والعقل اضحی ضاحکا متعجبا — مما تقول وانت شبه النـائم

ودو بیت ازابی العباس لوکری که دستورداده برسنگ آرامگاهش بنویسند :

الجسم یبلی اذاطال الزمان به — والنفس تبقی وهذا غایة الناس
لاتیـأسن عن النفس التی بقیت — ان کنت عن جسمك البالی علی باس

ودو بیت ازعضدالدوله :

وقالوا افق عن لذة اللهو والصبی — وقد لاح شیب فی دجاکـ عجیب
فقلت اخلائی ذرونی و لـذتی — فان الکری عند الصباح یطیب

و دو بیت از گمنام : «لغیره فی هذاالمعنی» .

و قائلة خل النصابی لاهله — فان الصبا بعد المشیب جنون
فقلت لها کفی عن اللوم واقصری — لذیـذ الکری عندالصباح یکون

[٧٢٤] پندنامه (فارسی)

در نسخهٔ ۸۸۱/۲ اینکتابخانه پاره‌ایست از آخر یك کتاب که درپند و اندرز و بپارسی وبندبند میباشد .

ازآغاز آنچه هست: آنست که چون برعیب تواطلاع یابد دراظهار آن نکوشد.

انجام : بعیب بدگو مردپاك دامن معیوب نگردد .

[٨٧٣]

۸۸۱ این نسخه شمارهٔ ۲ دفتر وبنسخ میباشد ودرپایان دارد : «والله اعلم ... کتب فی مدرسة رزم‌سارية بدارالسلطنه قزوین یوم السبت تاسع عشرشهر جمیدالثانی سنة ۱۰۰٤ اربع والف» گ۳الف ـ ٥ب .

[٧٢٥] پندنامه (فارسی)

این نامه درپند و اندرز است بفرمانروایان و گواه تاریخی در آن آمده و بدرخواست دوستی نگاشته شد .

آغاز: الحمدلله الکافی . حسب الخلاق وحده ... بعد ازحمد وثنای خداوند عالم ... درنصیحت ارباب ملك ومملکت شروع کنیم .

انجام : بعافیت و دنیا و آخرت برمراد . والله رؤف بالعباد .

[٨٧٤]

۱۹۲ این نسخه بخط تعلیق خوش در جدول زرین ولاجورد تاریخ شب۱۸ شعبان ۱۲۸٤ میباشد وجای عنوانها سفید وسرلوحی دارد بزرولاجوردبسیارزیبا.

(۴۲۰ ـ کاغذ فرنگی آبی ـ جلد تیماج سبز وقوالی

اندازه : ۱۰×۱۶٫۵ و۶٫۵×۱۱٫۵س۱۰

[٧٢٦] تحصیل السعادة (عربی)

این کتاب که درص۸۹ اینفهرست شناسانده شده از فارابی است و در آن از فضیلت وسعادت بررسی نموده مدینه فاضله‌را نشان داد ودر اینجا است که امام و شاه وفیلسوف و آئین گذار رایکی میداند (ص٤٢و٤٦چاپ‌هند) این کتاب درنسخهٔ ما «فضائل‌الانسانیه» نام دارد .

[٨٧٥]

۲٤۰ این نسخه مانند چاپ هند وشماره ۱۰ دفتر وبنسخ میباشد گ ٦١ الف ـ ۷۳ الف .

[٧٢٧] التحصین فی صفات العارفین (عربی)

دانشمند فقیه عارف ابن‌فهد ابی‌العباس احمدبن محمدحلی (۷۵۷ ـ ۸٤۱) اینکتاب‌را درسه قطب نوشته ازروی خبرهای شیعی روشن نمود که گوشه گزینی‌و مردم‌گریزی رواست . این کتاب درکنار طهارة الاعراق مشکویهٔ رازی با ترتیب ـ السعادات همو (ص۳۹۲ـ٤۲۱) ودرکنار مکارم‌الاخلاق طبرسی باهمان دو کتاب هردو درایران بسال۱۳۱٤بچاپ رسید.

[٨٧٦]

این نسخه شماره دفتر و بخط تعلیق رجبعلی بن جواد علی نزدیك ١٠٦٢ میباشد
١٠٤٦ گ١٣٨ب ـ ١٤٢الف . چنین است: «الحمدلله‌الذی تجلی لعباده فشغلهم عن الشهوات ـ ولیکن هذا ما نعلقه فی‌هذه الاوراق ... وان‌الله بکم لرؤف رحیم و صلی‌الله علی اکرم المرسلین ... وسلم تسلیماً کثیراً کثیرا . .

[٧٢٨] تحفة‌الملوك فی‌السیر والسلوك (فارسی)

ازسید جعفربن سیدابی اسحاق موسوی علوی دارابی بروجردی کشفی م١٢٦٧ (نگارندهٔ «سنا» که در١٢٦١ آنرا نوشته است) دارای سه‌طبق هریك درچند تحفه ویك خـاتمه (حقیقت خرد ـ پیوستگی آن باهستیها ـ نشانهٔ خرد ـ حکم خرد درباره سیاست‌وتدبیر) که بنام فتحعلیشاه قاجاروبدرخواست پسرش شاه زاده‌محمد تقی میرزا شهنشاه نوشته ودر٢٣٥ . آنرا بپایان رساندودرتهران بسال١٢٧٣بچاپ رسید (ذریعه‌ج٣ص٤٧١ ـ فهرست طوس‌ج٢ش٧اخلاق چاپی) .

[٨٧٧]

این نسخه بخط نسخ باعنوانهای شنگرف وشکلها ودائره‌ها برنك زردوسیاه
٤٢٠ ولاجورد و زرین وجدولها برنك سیاه و شنگرف تاریخ ١٢٣٥ که در ١٢٤٨ وقف گردید (گ١ الف) .

(٥٧٠گ) — کاغذ فرنگی ـ جلدتیماج مشکی
اندازه : ١٧×٢٤ و٥ر١٠×١٥س١٨

[٧٢٩] تحفة‌الوزراء (فارسی)

رساله‌ای بنام «تحفة‌الوزراء» یا«تحفة‌السلاطین» یا «تحفة‌الملوك درنصیحت‌وبندو بست» ازخواجه عبدالله هروی عارف م٤٨١ وهمچنین ازچندربهان‌برهمن‌پتیالی یا لاهوری هست (فهرست دیوان هندج٢ص١٣٦) درکشف‌الظنون (ج١ص٢٤٧) از «تحفة‌الوزرا» نگارش ابی‌القاسم احمدبن عبیدالله بلخی م٣١٩ و ازکتابی بدین نام درچهل باب هریك دارای چهارپند یادنموده ومیگویدکه بپارسی‌است وکوتاه. در ذریعه (ج٣ص٤٨٠) از«تحفة‌الوزراء والسلاطین» یا «چهل‌باب» یاد میشودکه آغاز آن چنین میباشد: «چهار چیزنگاهدار پادشاهی است. رعایت دین، وزیربا تمکین،

اعمال حزم، ابقاء عزم» و آن درایران بسال ۱۲۸۲ بچاپ رسیده ونگارش جلال‌الدین محمد اصفهانی است. درص ۴۷۰ آن بازاز «تحفة الملوك والوزراء» دیگری یادشده ونوشته استکه آن‌هم بپارسی وجزاین است . این نسخهٔ ما نیز درچهل باب باید باشد وهریك دارای چهاربند است که ازنوشته‌های دانشمندان پیشین گزیده شده، وچنین است آغاز آن پس ازنام خدا وستایش او: «اما بعدبدانکه حکما از کتب قدما اختیار کرده‌اند ... باب اول چهار چیز پادشاهی وسلطنت را از آفت نگاهدارد» مانا از نسخه‌ایکه ذریعه نشان میدهد گسترده‌تراست. چاپ عکسی زیبائی از آن درچاپخانه مجلس تهران ازروی خط عماد حسنی بسال ۱۱۴۲ درتاریخ ۱۳۱۴ خ شده که با نسخهٔ ما درپایان یکی است وچهل باب میباشد.

[۸۷۸]

۲۸۳ این نسخه شماره ٤ دفتراست وبنسخ تاریخ ۱۲۸۸ وتنها ۳۹ باب را دارد و بدینجا پایان مییابد: «چهارم رحم وشفقت برخلق خدای‌تعالی. تمت پند والنصایح من الکانب بتاریخ چهارشنبه ماه صفر المظفر ۱۲۸۸» ۳۸۹ب‌الف—۱۹۴الف.

(۳۸۹ب) کاغذ سپاهانی - جلد تیماج سرخ متوالی

اندازه: ۱۴×۵/۲۱و۵/۷×۱۵س۱۸

(۷۳۰) ترجمهٔ مکارم‌الاخلاق (فارسی)

رضی‌الدین ابونصرحسن‌بن فضل‌طبرسی (تفرشی) ازدانشمندان شیعی‌سده ششم وفرزندامین‌الاسلام ابوعلی مفسرنگارندهٔ مجمع‌البیان (م۵٤۸) این کتاب‌را در درزمان پدر دراخلاق در ۱۲ باب بروش محدثان شیعی نوشته[۱] و نسخهٔ ما ترجمهٔ پارسی آنست که ترجمان آن دانسته نشد (ش۴۳۵ج۵ فهرست طوس - ذریعه ج٤ ص۱۳۸) سبك زبان تازی دراین ترجمه آشکار میباشد.

۱- ابوعلی طبرسی کتابی دارد بنام «الاداب الدینیة للخزانة المعینیة» درخوی ورفتار پیامبر ودودمان او که برای سلطان معین‌الدین ابونصر احمدبن فضل‌بن محمد نوشته است. پسرش رضی‌الدین مکارم‌الاخلاق را دردنبالهٔ همان نگاشته ویسراوابوالفضل‌علی «مشکوة الانوار فی غررالاخبار» را دردنبالهٔ این یکی ساخته است. مکارم‌الاخلاق دوبار با کم وکاست در مصر و یکبار همهٔ آن درایران بسال ۱۳۱٤ بچاپ‌رسید (طوس ج۲ ص۳٤٤ وج۵ ص۳۲۰و۷۲٤)

آغاز: بسمله‌حمد وثنای بیحدقیومی‌راکه‌عقول ذریات آدم ازادراك کنه ذات‌او قاصر است وشکر وسپاس بیعد آنقدیمی را که آثار قدرت‌او درتکوین مکونات ظاهراست.

انجام: دیگر مثل این سخنان مگوی بدرستی که دمیدهٔ شیطانست برزبان تو. والله‌اعلم بالصواب.. وقد وفینابماشرطنا .. ومانوفیقی الابالله علیه توکلت والیه‌انیب وصلی‌الله علی‌محمد .. وسلم تسلیماً کثیراکثیرا.

[۸۷۹]

۸۹٤ آن‌نسخه شماره۳ دفتراست بهمانگونه خط‌کارزاری درشماره‌های ۱و۲ آن در دوشنبه ۱۷ ذی‌حجهٔ۱۰۷۳ گ۲۲۷ب-۳۷٦ الف.

[۷۳۱] **التنبیه علی سبیل‌السعادة** (عربی)

این‌کتاب‌که در ص ۹۰ اینفهرست شناسانده شده از فارابی است‌که در آن از سعادت و شقاوت و کردار نیك وبد و هنر فلسفی گفتگو نمود نام‌آن درنسخه ما «التنبیه علی‌اسباب‌السعادة» میباشد.

[۸۸۰]

۲٤۰ این‌نسخه مانند چاپ هندو شماره۱۱ دفتر وبخط‌نسخ نوشته شده‌است گ۷۳ب ۸۰ب

[۷۳۲] **جواهرالاسرار** (فارسی)

دانشمندمولی‌حسین‌بن‌علی‌واعظ‌کاشفی‌بیهقی(م۹۱۰)این‌کتابرا که‌خود جواهر-الاسرارواخلاق‌محسنی‌نامیده‌ودرچهل‌باب‌است برای‌شاه‌سلطانحسین‌میرزاپسرمیرزا منصور پسرمیرزابایقرای خراسانی‌بادشاه‌هرات(۸۷۳-۹۱۱) وپسراو محسن‌میرزا نگاشته وتاریخ انجام آن برابربا «اخلاق‌محسنی» وسال۹۰۰ میباشد. دراین‌کتاب مسئله های اخـلاق وسیاست و تدبیر منزل بهم آمیخته و گواههای دینی وتاریخی درآن آمده است.

این‌کتاب چندین‌بار بچاپ‌رسید (ذریعه ج۱ ص۳۷۸ - فهرست‌ریو ج۲ص٤٤۳) از آنهااست چاپهای سال۱۲۸۲ و۱۲۹۸ و۱۳۱۳ (هند) و۳۱-۱۳۲۹ تهران

[٨٨١]

٤١٩ این نسخه بخط تعلیق زیبا درجدول زرین وشنگرف ولاجورد دارای سرلوح ازعلیقلی پسر احمد تبریزی بسال ۱۰۰۸ (درنسخه ۱۰۸) میباشد.

(۳۱۱۱ ـ کاغذفرنگی ـ جلد تازه‌شده

اندازه: ۱۸/۵×۲۸/۵ و ۱۱×۱۹ س ۱۹

[٨٨٢]

٨٦٢ این نسخه شماره ۳ دفتر است که یکم آن رساله ایست در نامه‌نگاری ودوم مونس الاحباب یا دیوان شهاب‌الدین عبدالله م۹۲۲ و بخط نعلیق در جدول زرین ولاجوردی باعنوانهای شنگرف میباشد. این نسخه تا قسم۲ باب۴۰ (شرط ۱۹ وزارت)راداردو برابر است باس۵ ص۳۲٤ چاپ تهران ونزدیك بشش صفحه در آن کم است. ازبرگ پایان آن اندکی پاره شده وکاغذ چسباندند ـ گ۳۱ب ـ ۲۲۲ب

(همهٔ دفتر ۳۲۲۲ ـ کاغذفرنگی ـ جلد تیماج قهوه‌ای ضربی زرکوب

اندازه: ۹/۵×۱۵ و ۵/۵ ۰ ۹ س۱۴

[٧٣٣] العق المبین و حدیقة المتقین (عربی)

این نگارش درست مانند احیاء غزالی والمحجة البیضاء فیض و آمیخته‌ایست ازعرفان واخلاق وفلسفه وخبرهای شیعی وسیدخلف بن عبداللطیف بن حبیب موسوی مشعشعی آنرا بپرداخت.

[٨٨٣]

٥٧٤ این نسخه جلد آخرین وسوم واز کتاب ششم آغاز وبخط نسخ میباشد وروی عنوانها خط کشیده‌شده وچنین است: «الکتاب السادس فی ذکر بیان صفتین ینبغی للسالك المحافظة علیها و هی النقوی والورع ـ وثبتنا مع اهل الخیر فی کتابك وقطره من تیار عبابك وجدا مع متولهیك وطلابك. انتهی کلامه ادام‌الله بالسعادة والخیر ایامه و رفع‌الله فی علیین درجته و مقامه ... بلغ مقابلة بنسخته الاصلیة ... من الارجاس قدطهرا»

درگ۱ الف (پشت کتاب) ظهیرالدین علی نفرشی در ۱۰۷۲ چنین نوشته: وجدناوالحمدلله تعالی بمعونة من لطیف التدبیر مکنو باعلی ظهر الصفحة الاولی من ذلك الکتاب المستطاب التی اطبق علیها بهذا الورق الذی کتبنا علیه ذینك السطرین ماهذه صورته:

هذا الکتاب تصنیف السید السند خلاصة السادات والعلماء المتبحرین ونقاوة الفضلاء المحققین السید خلف ولد السید الکبیر العریف السید عبداللطیف بن حبیب الموسوی المشعشعی ایده‌الله تعالی ورزقه سعادة الدارین وقد ارسله الی علی سبیل الهبة الشرعیة وکتب الفقیر

الی الله الغنی الحسین بن حبیب الحسینی الکرکی العاملی عامله الله بلطفه الخفی.

ایضاً : هذا هو المجلد الثالث من کتاب حق المبین و حدیقة المتقین وهو آخر الکتاب من تصانیف سیدنا المشار الیه بعثه الی الفقیر علی سبیل الهبة والتملیك وانا الفقیر الی الله الغنی الحسین بن حبیب الحسینی الکرکی

وکتب ذلك العبد المفتقر الی رحمة ربه الغنی ابن.... (رویش کاغذ چسبیده) النفرشی رحمه الله ظهیر الدین علی فی شهور سنة ۱۰۷۲

زیر اینها بخط دیگری دارد : « وکتب المفتقر محمد بن حاجی صفر » پس چنین برمیآید که نسخه را نگارندهٔ آن سید خلف بحسین بن حبیب کرکی بخشید. و برای او فرستاده بود و کرکی بخط خود نام کتاب و نام اورا در آنجا نوشته سپس کاغذی روی آن خط چسپانیده شده وظهیر الدین علی نفرشی نوشتهٔ کرکی را دوباره در آنجا نوشت.

درگ۱ الف خط ومهر ابوجعفر محمد بن علی بسال ۱۰۹۳ وخط ومهر دارندهٔ نسخهٔ ابواسمعیل محمد بن علی نفرشی بسال ۱۰۷۲ دیده میشود. مهر ابوجعفر در پایان هم هست ودرست خوانده نمیشود.

(۳۸۴گ) - کاغذ فرنگی — جلد تیماج مشکی ساده مقوائی

اندازه: ۲۰×۳۰ و ۱۳×۲۳ س ۲۳

[۷۳٤] حقایق (عربی)

فیض کاشانی (۱۰۰۷-۱۰۹۱) یکسال پیش ازمرگ خویش در ۱۰۹۰ ازمحجة البیضاء خود گزین نموده و این کتاب حقایق را بنگارش درآورد که در ۱۰۹۹ بچاپ رسید دردیباچه آن میگوید: دراینجا رازهای نهفته دین را چنانکه از قرآن وگفتار پیامبر وپیشوایان دریافتم نوشتم وازنگارشهای دانشمندان دینی بویژه احیاء غزالی برای روشن کردن آن رازها آوردم .

[۸۸٤]

۳۹۲ این نسخه بنسخ باعنوانها ونشانه‌های شنگرف بتاریخ ۲۲ رجب ۱۰۹۱ میباشد ونورالدین محمد بن مرتضی درع۲ سال ۱۰۹۳ آنرا بانسخهٔ خط مصنف برابر نمود. فهرست درآغاز نسخه دیده میشود و سید محمد بن عبدالغفار رضوی درع۱ سال ۱۱٦۰ ومحمدرضا کاشانی ازدارندگان نسخه بوده‌اند ومهر آنها هست.

(۱٦۹گ)- کاغذ فرنگی — جلد تازه شده

اندازه: ۱۳×۲۱ و ۷×۱۴ س ۲۰

[٧٣٥] دفع الغم من الموت (عربی)

رازی پزشك درطب روحانی (فصل ٢) ازترس ازمرگ گفتگو نمود ومشکویهٔ رازی درطهارة الاعراق (ص ٧٠-٤٦٦ چاپ ایران) نیز از آن سخن راند. درخطابه منطق شفا (فصل ٢ مقاله ٣) ازترس بررسی گردید وریشهٔ سخنان آنها گفتار ارسطو است درباره دلیری وترس درفصل ٥ دفتر ٢ خطابه وباب ٧ و ٨ دفتر ٣ اخلاق نیقوما- خوس وباب ١٩ دفتر ١ اخلاق بزرك وباب ١ دفتر ٣ اخلاق اودموس

این رسالهٔ ماکه مهرن آنرا بچاپ رسانده (جزء ٣ رساله ٤) بگفتهٔ قنواتی و گواهی نسخه‌ها ازشیخ الرئیس میباشد مگراینکه یسوعی آنرا در «مقالات لبعض مشاهیر فلاسفة العرب» دربیروت بسال ١٩١١ چاپ کرده وازمشکویه دانست وهمهٔ آنهم بجز چهارسطرپایان «والرجل الذی یتصدق عن اخیه المیت... شبیه شیئی واحد» درهمان طهارة الاعراق آمده است. قنواتی باز از «دفع الغم والهم» یادمیکند وازشیخ رئیس میداند که جز این رسالهٔ ما میباشد (ش ٢٢٣ و ٢٢٤) درفهرست طوس (ج ٤ ش ٥٩٠) از «رسالة فی ان لامخافة فی الموت» در ٤ ص نامبرده شده وآغاز وانجام ونگارندهٔ آن یاد نگردید.

آغاز: بسمله الحمدلله رب العالمین .... لما کان اعظم مایلحق الانسان من - الخوف هوالخوف من الموت

انجام: فلایفضل المتصدق ذلك الفصل الابمشاکلة تلك النفس وعلی هذا ایضا شبه بشئی واحد (والحمدلله رب العالمین)

[٨٨٥]

٨٦٢ این نسخه شماره ١٠ دفتر وبخط شکسته تعلیق با نشانه‌های شنگرف میباشد. گ ١ ب-٨ ب.

[٨٨٦]

٨٧٦ این نسخه شماره ٨ دفتراست و بخط شکسته تعلیق تاریخ شب یکشنبه ع ١ سال ١٣٠٦ گ ٧٠ ب-١٧٥ الف.

[٨٨٧]

١٣٠٨ این نسخه شماره ١٧ دفتر وبخط نسخ میباشد. گ ١٤٢ ب-١٤٣ ب. درپایان دارد: «تمت الرسالة والحمدلله وحده بلغ مقابلة بعون الله وحسن توفیقه»

[٧٣٦] **دیوان مظالم** (فارسی)

ازدانشمند جلال‌الدین محمد دوانی (۸۳۰ـ۹۰۸) که درلار گاهیکه از مرز و بوم خویش دور شده بود برای نظام الدین ملك علاءالملك فرمانروای آن سامان نگـاشته‌است (نیز مجالس‌المؤمنین) دراین نامه برای روشن کردن گفتار خویش نمونه‌هائی ازکردارخلفا آورده‌است.

آغاز: بسمله‌وبه‌نستعین.وله‌الحمد علی‌افضاله‌العمیم.. وبعداین‌بعض‌مسائل‌است متعلق بدیوان‌مظالم که ازکتب معتبره مثل احکام سلطان که اقضی‌القضاة‌ابوالحسن ماوردی که امام عصربود تصنیف‌کرده ... ودیگرکتب‌وقواعد استنباطمی رود.

انجام: وبعض ائمهٔ کشف وتحقیق گفته‌اند که مهدی موعود مدار احکام برآن خواهدنهاد. اللهم وفقه وسائر ولاةالاسلام لاجراءالاحکام ونظم مصالح‌الانام. تمت.

[۸۸۸]

۱۰۲۱ این نسخه شماره ٦ دفتر است وبخط تعلیق علی‌بن مسافر در تبریز بسال ۹۳۹ گ۱۳۸الف-۱۴۳ب.

[٧٣٧] **الذخیرة لاهل البصیرة** (عربی)

ازگفتارزبیدی دراتحاف (ج۱ص۴۱) وچلبی درکشف‌الظنون برمیآیدکه احیاء غزالی‌را برادرش ابوالفتوح احمد (م۵۲۰ درقزوین) بنام لباب‌الاحیاء گزین وکوتاه نمود وچلبی بازاز«الذخیرة فی علم البصیرة» گزیده همان ونگارش همو یادمیکند. پس‌ازاو ابی‌العباس‌احمدبن‌موسی‌موصلی(م٦٢٢) آنراگزین کرده وگزیدهٔ کوچکتر دیگری‌هم دارد سپس محمد بن سعید یمنی و ابی ذکریا یحیی‌بن ابی‌الخیر یمنی و محمدبن عمربن عثمان بلخی بنام «عین‌العلم» وعبدالوهاب‌بن علی خطیب‌مراغی بنام «لباب‌الاحیاء» ودربیت‌المقدس گزیده وکوتاهی ازآن‌ساختندکه این‌یکی‌را زبیدی داشته بود. شمس‌محمدبن علی‌بن جعفر عجلونی بلالی(م۸۲۰) پیرخانگاه سعید ـ السعداء مصر وجلال‌سیوطی ودیگران‌هم احیاءرا گزیده وکوتاه ساختند (بغزالی نامه نیز بنگرید ص۲۲۳)

[٨٨٩]

٣٩٦ این نسخه که «الذخیرة لاهل البصیرة» نامیده شده بخط نسخ باعنوانهای شنگرف حسین بن علی بن احمد عابد ینبوعی است که نیمه روز آدینه ششم ماه جمادی یکم سال ۸۷۲ آنرا بپایان رساند. از آغاز کمی افتاده دارد وچنین است: « ان ووجدت من علماء الوقت من یتصدی لتصنیف کتاب یحذو فیه حذوه ویتلوفی استنباط غرائب المعانی تلوه » ازدیباچه واندکی از آن افتاده است.

در کنار گ ۳ب از تفسیر قشیری دیده میشود. نسخه بدلها و تصحیحات درهامش آمده است. پایان آن چنین است: « ویستعملنا فیما یقربنا الیه ویزلفنا لدیه. وهو حسبنا ونعم الوکیل وصلی الله علی سیدنا محمد وآله وسلم. وجدت ما هذا مثاله: تم المختصر ـ المرسوم بالذخیرة لاهل البصیرة فی شهر شعبان المبارك سنة تسع وتسعین وخمسمائة ـ وکان الفراغ من رقمه ظهر الجمعة سادس شهر جمادی الاولی احدی شهور سنة اثنین وسبعین وثمانمائه بخط... حسین بن علی بن احمد العابد الینبوعی ... والحمدلله رب العالمین وسلم تسلیما». ازاینجا پیداستکه کتاب درماه شعبان سال ۵۹۹ بنگارش درآمد پس باید از همان ابی العباس احمد موصلی (م ۶۲۲) باشد. دردیباچه دارد که « کتابها بپرداختم واکنون سالم ازچهل گذشت. دراین نگارش علمهائی که امام ابوحامد در دفترهای خویش بپراکند گرد آوردم ودر ٤ اصل گذاردم: ۱ خودشناسی ۲ خداشناسی ۳ گیتی شناسی ٤ رستاخیز» درپایان دیباچه کتاب را بنام بزرگی که نامش را نمی برد اختصاص میدهد ـ هرچهار اصل در نسخهٔ ماهست. برخی جاها حاشیه دارد یکی از ابوالحسن بن محمد رضوی در گ ۵ ب. در کنار گ ۳۷ الف باز از تاریخ شعبان ۸۷۲ یاد میشود.

(۳۷ برگ) - کاغذ سمرقندی ـ جلد مقوای رنگ آمیزی شده فرسوده
اندازه: ۱۷/۵×۲۵/۵ و ۱۲×۲۱ س ۲۹

[۷۳۸] الذریعة الی مکارم الشریعة (عربی)

از دانشمند ادیب ابوالقاسم حسین بن محمد بن مفضل بن محمد سپاهانی که (م ۵۰۲) که براغب نامبردار است. فخررازی درتاسیس التقدیس اورا همانند غزالی و ازپیشوایان سنت بشمار آورده وشیخ حسن بن علی طبرسی دراسرار الامامه اورا از فرزانگان شیعی امامی پنداشت. اورا بجزمفردات تفسیر بزرگی است که بپایانش نرساند وبیضاوی درانوار التنزیل خویش ازآن بهره برد. گویندکه غزالی ذریعهٔ او را بسی ارج مینهاده وهمیشه باخود میداشت (روضات ص ۲٤۸ ـ الکنی والالقاب

ج۲ ص۲٤۰ - اعلام زرکلی ج۱ ص۲۵۸) او در ذریعه بروش‌علمی آمیختهٔ با دین ازاخلاق وسیاست گفتگونمود و پیداستکـه غزالی دراحیاء ازاو گرفته‌است. این کتاب بارهٔدوم بسال ۱۳۰۸ درمصر بچاپ رسید.

[۸۹۰]

۳۹۵ این نسخه بخط نسخ با عنوانهای شنگرف از طهماسبقلی نیمه ع۲ سال ۱۰۵۰ میباشد که برای‌خود نوشته‌است و جلال‌الدین بن مؤیدالدوله در ۲٤رجب بسال ۱۲۸۷ دارندهٔ آن‌بود وخطاو درگ۱الف‌ومهرش درپایان دیده‌میشود نیز خط او در رویه برگ پیش‌از کتاب بتاریخ بامداد سه‌شنبه ۱ ع۲ سال ۱۲۸۸ هست.

(۳۱۴۱) - کاغذ سمرقندی - جلد تیماج قهوه‌ای کناز وته آن تیماج زرد وکهنه

۱۰ اندازه: ۱۳٫۵×۲۴ و ۸٫۵×۱۵ س۱۹

[۷۳۹] الرسالة النصیریه (عربی)

خواجه طوسی دراینگفتار روشن میسازد که فیلسوف چندان بخوشی های تن نمی‌پردازد واینکه چه‌اندازه ازآنها درزندگی میباید.

آغاز: بسمله. ان کان الرجل الحکیم غیرحریص علی اللذات البدنیة . وانمایلتمس

۱۵ منها بالمقدار الذی یضطرالیه فبالحری ان یبعد عن الاهتمام للریاسة اوللمال

انجام: و یکون لها لذات ضعیفة بحسب ادراکها لذاتها ولما لابد منه لها والله تعالی اعلم.

[۸۹۱]

۱۰٤۶ این نسخه شماره۱۳ دفتر وبخط تعلیق بانشانه‌های‌شنگرف وبرخی ازکلمات‌زیر خط‌سرخ میباشد. درپایان دارد: «تمت‌الرسالة‌النصیریة حشره‌الله‌تعالی مع خیر- البریة» گ ۱٦۱الف-۱٦۲الف

[۷٤۰] ساز و پیرایهٔ شاهان پرمایه (فارسی)

این‌گفتار درسیاست و کشورداری است واز باباافضل کاشانی‌که مبصرالسلطنه حسین‌بن محمود سپاهانی درکاشان بسال ۱۳۱۱ آنرا با سیب نامه وشرح حی‌بن

۲۵ یقظان جسته ودوتای نخستین را درچاپخانه خورشید تهران بچاپ‌رساند ودر۱۳۸ نشریه دانشگاه نیز چاپ‌شد ونسخه‌ای ازآن بهمین‌نام بشماره ۶۲۳/۲ وبنام‌پادشاه نامه بشماره۱٤ر٦۲۱ درمجلس‌هست ونسخه‌های‌ما یکسان نیستند.

[٨٩٢]

٤٠٢ این نسخه شماره ١٠ دفتر است و بخط تعلیق تاریخ ١٠٧٩ گ ٩٧ ب ـ ١٠٥ ب و در کنار گ ٩٧ ب فرهادمیرزا بخط خود در تاریخ ٢٢ رجب ١٢٨١ چنین نوشت: افضل چوزدیده‌ها نهان‌خواهد شد ـ دردیده اهل دل‌عیان خواهدشد ـ گویند که کدخدای این‌خانه چه‌شد ـ چون کدبرود چه‌ماندآن خواهدشد .

[٨٩٣]

٤٣١ این نسخه شماره ١٩ دفتر است و بخط تعلیق محمدعلی بسال ١٣٠٢ گ ٢٦٤ ب ـ ٢٨٦ ب. واژه‌های تازی دراین نسخه کمتراست .

[٨٩٤]

١٠٣٦ این نسخه شماره ١٠ دفتر است و بخط تعلیق ملامحمد علی رودباری سال ١١٠٤ گ ٨٩ الف ـ ٩٧ ب .

[٧٤١] السراج المنیر (فارسی)

این نگارش ازمحمد شریف بن شمس‌الدین محمد است که در ١٢٠٢ (ج ٢ ص ٣٥١ فهرست طوس) یا ١٠٣٢ (ج ٢ ص ٣٣٨ فهرست مجلس) آنرا بپایان رساند و در بمبئی بسال ١٢٦٥ بچاپ سنگی رسید(١) .

آغاز: ستایش کریمی راکه حلهٔ خلقتش زیوریست زیبنده و رشحهٔ محبتش گوهریست ارزنده .

انجام : پس سلیمان گفت پسر ازآن‌تست . متصرف شوکـه این زن دیگر کاذب است بیت :

شکر که این‌نامه بپایان‌رسید ـ پیشتر از عمر بپایان رسید (فیسنة ١٢٣٣) .

---

١ ـ ایندفتر در ٢٠ لمعه است : ١ـ شرایط ادب ٢ـ حیا ٣ـ فوائد حلم ٤ـ مناقب عدل ٥ـ محامد احسان ٦ـ حلاوت صبر ٧ـ عذوبت عشق ٨ـ چاشنی محبت ٩ـ مکارم سخاوت ١٠ـ محاسن شجاعت ١١ـ مراعات صحبت ١٢ـ مرارت ادبار ١٣ـ نتایج خاموشی ١٤ـ قناعت ١٥ـ ذل‌طمع ١٦ـ ثمره فتوت ١٧ـ حسن تدبیر ١٨ـ شآمت ظلم ١٩ ـ مذمت خدعه ٢٠ ـ ملامت حسد ـ چنانکه خود میگوید (گ ٦ ب) درپایان هریک داستانی درخورآن آورده است .

[٨٩٥]

١٢٦ این نسخه بخط تعلیق خوش‌تاریخ ١٢٣٣ وآیتها بنسخ و درجدول زرین و لاجورد باعنوانهای شنگرف وسرلوح زیبا درآغاز .

(١١٠گ) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج متوالی ضربی زرکوب

اندازه : ٥ر٩×١٨ ودرد×٥ر١٢س٩

[٧٤٢] السیاسات المدنیه (عربی)

این کتاب که درص٩٧ اینفهرست یادشده از فارابی است ودرآن پس از آوردن بخشی ازجهانشناسی وبحث درباره جسم‌وعقل ونفس رشتهٔ سخن‌را بانسان‌وسعادت او ومدینه‌های فاضل وجاهل وفاسق وضال ونوایت میکشاند وپیروی از ارسطو و افلاطون دولتهای گوناگون راشرح میدهد .

[٨٩٦]

٢٤٠ این نسخه شماره٩ دفتر وبنسخ میباشد گ٤٢الف ــ ٦١ب. وچنین‌نامیده شده «مبادی‌الاجسام والاعراض» .

[٨٩٧]

٢٥٣ این نسخه شماره٢ دفتر وبخط تعلیق ریزحیدربن علی‌هاشمی عاملی بسالهای ٦ ــ١٩٧٥میباشد . گ١٤ب ــ ٤٤الف. درآغاز دارد: «قال‌الحکیم‌الفیلسوف‌ابو نصرمحمدبن محمدالفارابی» ودرپایان‌آن : «تمت‌الرسالة‌السیاسة‌المدینة الملقب بمبادی‌الموجودات تصنیف‌المعلم‌الثانی ابونصرمحمدبن محمدالفارابی» ــ این دو نسخه مانند چاپ هنداست .

[٧٤٣] شرایط‌الایمان (منتخب راه صواب) (فارسی)

فیض‌کاشانی دراین‌گفتار آئین درست واستواررا شناساند و آنـرا بسال ١٠٦٢ بپایان رساند

آغاز: بسمله. منت خدایرا جل‌شأنه که مستعدان کمال‌ایمان‌را ازظلمات جهالت بیرون آورده... چنین‌گوید محمدبن مرتضی‌المدعو بمحسن ... این منتخبی‌است‌از کتابی که قبل از این نوشته بودیـم مسمی براه صواب مشتمل بردوازده سئوال و جواب ازآن دوازده برپنج اقتصار شد وبشرایط‌الایمان موسوم گردید .

انجام : واکتساب اخلاق پسندیده ودر تضاعیف آن . والله‌المستعان وعلیه التکلان. والحمدلله‌رب‌العالمین‌والصلوة‌علی‌محمد واله‌الطاهرین کتب شرائط‌الایمان وصارهذاالکلام تاریخه بحذف‌المکرر والحمدلله اولاو آخرا .

[۸۹۸]

۳۱٤ این‌نسخه ٤دفتر وبخط تعلیق میباشدگ۵۷ب ـ ۷۰ب. ۵

[۷٤٤] **شرح‌صدر** (فارسی)

این‌گفتار درسرگـذشت فیض‌کاشانی وداستان دانش ودانشمندان است در دومقاله و ریختهٔ خامهٔ خوداوست‌که درتاریخ ۱۰٦۵ آنرا بانجام رساند و آن‌در ش۸سال۱مجلهٔ جلوه ص۳۹۳ـ٤۰۹ دربهمن۱۳۲٤خ ازروی نسخهٔ مابچاپ رسید.

[۸۹۹] ۱۰

۳۱٤ این‌نسخه شماره۳دفتروبخط تعلیق میباشدگ ۳۷ب ـ۵٦ الف .

[۷٤۵] **طریق تربیة‌الاولاد** (عربی)

این نامه ازدانشمند دوانی (۸۳۰ـ۹۰۸) است‌که بدستور میرمیران در ۲۱ محرم‌سال۹۰٤آنرا بپرداخت ونشان دادکه فرزند راچگونه بایدپرورد وچه‌کتابی آنها بخوانند و کدام دانش را فراگیرند اودر اینجا ازکتابهای سنیان نام‌میبرد. در ۱۵ آغاز از«لوامع‌الاشراق‌فی‌مکارم‌الاخلاق» یادمیکند ومیگویدکه درآن ازپروردن فرزند بسزاگفتگوکردم . درپایان بفرزندان همو (ابوعلی حسین وابی‌عبدالله‌محمد وابی‌المعالی عطاءالله) اجازه روایت‌کتابها میدهد .

آغاز: بسمله وبه نستعین . الحمد لولی‌الحمد . والصلوة والسلام علی من‌له السبق‌فی‌مضمار‌الکمال .. فقداشارالی‌حضرة‌السید .. الملقب‌بمیرمیران... قال‌محمد... ۲۰ انی‌اکتب‌فی‌هذه‌الوریقات‌طریق تربیة‌الاولاد واستدراجهم فی‌مدارج‌التعلیم‌والارشاد.

انجام : قال‌ذلك وکتبه ... ابوعبدالله محمدبن اسعدبن محمدالدوانی فی‌ـ الحادی‌والعشرین‌من‌الشهر‌الاول‌من‌السنة‌الرابعة‌من‌المائة‌العاشرة‌من‌مائی‌سنی‌الهجریة

النبوية ... و آخر دعوانا ان الحمدلله رب العالمين .

[٩٠٠]

١٠١٥ این نسخه شماره ٢٣ دفتر و بخط تعلیق میباشد. گ ٥٤ الف ـ ٥٦ الف .

[٧٤٦] ظفرنامه (فارسی)

گویند که ظفرنامه بزبان پهلوی بوده و در روزگار نوح پسر منصور سامانی (٣٦٦ ـ ٣٨٧) بپارسی کرده‌اند . در نسخه‌ها ابن‌سینا را ترجمان این پارسی پنداشتند و آن در پاورقی‌های تقویم سال ١٣٠٧ میرزا محمد علیخان تربیت (ص ٤ ـ ٢٧) و گزیده‌های پارسی Chrestomathie persane شارل شفر CharlesScheffer ج ١ سال ١٨٨٣ ص ٢ ـ ٧ بچاپ رسید اودر دیباچه میگوید که ظفرنامه را دوترجمه ترکی است یکی ازسده ١٥ و ١٦ که در کتابخانه ملی پاریس هست دیگری از سنان بیك دفتردار که برای بایزید پسر سلطان سلیمان ساخته است .

قنواتی درش ٢٨٦ نسخه‌های آنرا شناساند . در کشف‌الظنون (ج ٢ ص ١٠٤) آمده که آن پرسش و پاسخ انوشیروان است و بزرگمهر، که شاه آنرا گردآورد و ابن‌سینا وزیر نوح سامانی بدستور او آنرا ازپهلوی بپارسی برگرداند .

اینگونه پندها جسته‌جسته در کتابهای پارسی و تازی بسیار دیده میشود . گویا ایرانیان شعوبی برای اینکه دربرابر تازیان نمایشی ازفرهنك نژادی خویش دهند و خوی و رفتار نکوهیده فرمانروایان روزگار خویش را هم بنمایانند این پندها را بتازی درآوردند و سپس بپارسی شده است (١)

چنانکه دردیباچهٔ نسخهٔ ما آمده ظفرنامه پرسشهائی است از بزرگمهر و پاسخ های استادش و انوشیروان ازبزرگمهر خواسته بود که سخنانی کوتاه و پرمغز و سودمند برای او فراهم آورد و او پس ازیکسال آنها را گردکرد و «ظفرنامه» نامید و بنوشیروان داد. اوهم بفرمود که بآب زر آنها را بنویسند و همیشه باخود میداشت و میخواند.

---

١ ـ بنگرید به: دیباچهٔ بدوی برجاویدان خرد ـ قابوسنامه چاپ آقای نفیسی ص ٢٣٥

آغاز: ظفرنامهٔ خواجه ابوذرجمهر بسمله وحمد. اما بعدروایت میکندکه درعهد انوشیروان هیچ چیز ازحکمت عزیزتر نبود وحکمای آن‌عصر همه متقی و پرهیزکار بودند یك‌روز انوشیروان ابوذرجمهرحکیم راطلب فرمود.

انجام: گفت ظلم بر مظلومان. تمت کلمات حکمت امیر بعون الله الملك العزیز. م

[۹۰۱]

۲۸۳ این‌نسخه شماره۳ وبخط نسخ ۱۲۸٦ میباشد. گ۱۸٦الف ـ ۸۸ب.

[۷٤۷] **عدالت (رساله در...)** (فارسی)

فرزانه دانشمندجلال‌الدین‌دوانی (۸۳۰ـ۹۰۸) این‌نامه‌را درداد‌گری‌بروش علم اخلاق وعرفان دریك مقدمه وشش مقاله ویك خاتمه نگاشته است. شوشتری درمجالس‌المؤمنین‌میگوید‌که‌دوانی انموذج‌العلوم رابنام‌سلطان‌محمود (یکم‌بایقرا) پادشاه‌گجرات (۸٦۳ـ۹۱۷) نوشته وبامیرشمس‌الدین محمدبن سید جعفربن سید امیرشمس‌الدین محمدبن سیدالمحققبن شاگرد خود برای اوفرستاد. شاه در برابر هزار درهم برای دوانی فرستاده بودکه بدریا ریخت وچیزی شایسته از آن‌بدوانی نرسید. این بودکه اودوباره «رساله درتحقیق عدالت»رابنام همو نگاشته وبرایش فرستاد. دوانی‌دردیباچه آن بچگونگی آن درهمها اشارتی لطیف نمود. پادشاه نیزاین باره هزار درهم دیگر باارمغانهائی برای دوانی فرستاده بود. شوشتری باز میگویدکه دوانی «رسالهٔ درعدالت» را بنـام یکی ازفروانروایان عراق نگاشته و همراه همان میرشمس‌الدین محمد بنزد اوفرستاد.

دردیباچهٔ نسخهٔ ما (گ۳٤ب) دارد‌که‌کتاب بنام سلطان ابوالمظفر ...بهادر خان میباشد. کتاب درپایان سالنامه پارس بسال ۱۳۲٤ خ بچاپ رسید.

آغاز: بسمله. سپاس بیقیاس مالك‌الملکی راکه پادشاه نفس ناطقه درسواد خط سویدای قلب صنوبری برعرش روح حیوانی استوا داده.

انجام: اگر بگوش‌هوش استماع‌رود. بیت: دهقان‌سالخورده چه‌خوش‌گفت

باپسر ... الهم اهدنا الصراط المستقیم ... غیرضالین ولامضلین آمین بحق النبی وائمة ـ المعصومین . تمت الرسالة بحمدالله والمنة .

[٩٠٢]

١٠٢١ این نسخه شماره ١ دفتر وبخط تعلیق با عنوانهـای شنگرف علی بن مسافر در تبریز نزدیك بسال٩٣٩میباشد . گ ٣٣ب-٣٧ب.

[٧٤٨] گنوزالودیعه من رموز الذریعه (فارسی)

فرزند شمس الدین حسن ظافر ذریعهٔ راغب سپاهانی را در روزگار ابوالفوارس شاه شجاع مظفری (٧٦٠-٧٨٦) بپارسی شیوا ودشواری گردانده ودرپایان آن سه نمط افزود .

١٠ ١ـ حکم تازیان (پندهای پیامبر وعلی وقس بن ساعده) .

٢ـ اندرز های فرزانگان یونانی مانند پند افلاطون بارسطو (ص ٢١٧—٢١٩ جاویدان خرد وپایان اخلاق ناصری) وسفارش ارسطو باسکندر (ص٢١٩ ـ ٢٢٥ جاویدان خرد) وترانهٔ زرین فوثاغورس .

٣ـ پندهای آذرپاد فرزانه بهپسرخویش (برابر باص٢٦ـ٢٨ جاویدان خرد) و
١٥ سخن دیگراو(ص٦٧جاویدان خرد)واندرز اووگفتار ابن مقفع در«ادب کبیر» بجز دیباچهٔ آن ـ او دردیباچه ازپادشاهان ایران وهفت آتشکده پارسیان یاد نمود ودر انجام ازپدرخویش نامبرده واورا علامه عصرخواند .

آغاز: احسن کلامی که بذریعهٔ انوار معانی آن قلوب ارباب تحقیق منور شود ، وابین نظامی که بوسیلت فوائح فحاوی آن مشام عقول اصحاب توفیق معطر
٢٠ گردد .

انجام : درجوار بارگاه عرش مجید که مطاف نفوس مطهرانبیا و اولیـا ومقصد اقصی ارواح منور صدیقان وشهدا است سلوت وطمأنینت یابدانشاءالله العزیز . ربنا آتنا من لدنك رحمة وهیئی لنامن امرنارشدا وصل اللهم علی من انزلت علیه ولایشرك بعبادة ربه احداوعلی آله الطیبین ... المنتجبین . تم الکتاب .

[٩٠٣]

٣٩٤ این نسخه بخط شکسته تعلیق باعنوانهای شنگرف میباشد ـ نسخه‌ای ازاین درموزه بریتانیا هست (فهرست ریوج٤ش ١٤٦ص٧ـ١٠٥) .

(٣٢٥٣ک)ـ کاغذ ترمه سپاهانی ـ جلد تیماج زرد تازه .

اندازه : ١٦×٢٥ و٩ر٩×١٨س٢١

[٧٤٩] کیمیای سعادت (فارسی) ٥

دانشمند غزالی طوسی «احیاء علوم‌الدین» خویش‌را دراین نگارش پـارسی گزین نمود ومیان ٤٩٠و٥٠٠ وپیش ازمستصفی ومنقذ آنرا بپایان رساند ودرچهار عنوان آن خود وخدا وگیتی ورستاخیزرا شناساند ودرچهار رکن آن از عبادات و معاملات ومهلکات ومنجیات سخن‌راند. غزالی‌راگزیده‌ایست ازهمین پارسی بهمین نام بزبان‌تازی‌که بچاپ‌رسید . این‌پارسی درلکناو بسال١٢٨٢(١٨٦٥م) ودربمبئی ١٠ بسال١٨٨٢م ودرایران بسال١٣١٩خ بچاپ رسید(١) .

[٩٠٤]

٣٩٣ این نسخه بنسخ بـا عنوانهای شنگرف و لاجورد و دارای سرلوح زرین و لاجوردی میباشد وبدینجا : «پیداکردن کفران هرنعمتی‌که باشد ویرا از راه حکمت بگرداند» ازاصل٢رکن٤ پایان مییابد . ١٥

(٣٣٤٥ک) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج مشکی مقوائی

اندازه : ٥ر١٧×٥ر٢٤ و٥ر١١×٥ر١٨ س١٩

[٧٥٠] لوامع‌الاشراق فی‌مکارم‌الاخلاق (فارسی)

فیلسوف دانشمند دوانی (٨٣٠ـ٩٠٨) این‌کتاب راکه درسه‌لامع‌وهریك‌در چند لمعه است برای بهادرخان سلطان اوزون حسن‌بیك آق قوینلو(٨٧١ ـ ٨٨٢) ٢٠ وسلطان خلیل پسراو (٨٨٢ـ٨٨٣) نوشته وسه بخش فلسفه عملی‌را درآن آورد وچنانکه خود میگوید آنرا ازروی اخلاق ناصری طوسی بپرداخت (ص٤١ـ٣٢١ چاپ١٢٨٣)ودربرخی‌جاها ازآن‌کاست مانند آئین میگساری وگاهی‌هم‌چیزهائی برآن افزوده است مانند پاره‌ای از سرالاسرار ارسطوکه در پایان آورد چنانکه

١ـ نیز بنگرید به: غزالی نامهٔ آقای همائی ص٢٢٨ ـ شرح‌احیاء زبیدی‌ج١ص٤٢.

سخنانی ازفارابی وابن‌سینا وسهروردی وغزالی نیزدر آن دیده میشود (ص۲۲۹ ـ ۴۱ـ۲۹ـ۶۷ـ۲۲۲) این کتاب را و.ف. تامپسن(W.F.Thomson) بانگلیسی درآورده و در لندن بنام Ptactical philcsophy of muhammedan people بسال۱۸۳۹ بچاپ رساند وخودآن درکلکته بسال ۱۸۱۰ و در چاپخانه منشی نولکیشور Navalkishor بسال۱۲۸۳ چاپ شد (فهرست ریو ج ۲ ص ٤٤٢).

[۹۰۵]

۸۹٤ این نسخه شماره۱دفتر است وبخط تعلیق خوش درجدول زرین وشنگرف و لاجورد ازمحمد مظفربن محمد، باقرالشریف کارزاری‌درذی‌حجه ۱۰۷۷ گ۱ب ـ ۹۸ الف.

(همهٔ دفتر۳۳۷۶ک) ـ کاغذ ترمهٔ سپاهانی ـ جلد تیماج‌سرخ‌ساده متوالی
اندازه :۱۶×۳۰ و۹×۲۱س۱۹

[۷۵۱] ماهیةالحزن (عربی)

شیخ‌رئیس دراین‌نامه ازاندوه‌وپیدائی ودرمان آن گفتگو نمود. قنواتی(ش۲۱۷) ازگفتهٔ ارگین Ergine فهرست نگار ترك میآوردکه آن بچاپ رسیده ومیگوید که‌من آنراندیده‌ام. مشکویه رازی‌درپایان طهارةالاعراق ازدرمان‌اندوه سخن‌راند وبندی از «دفع‌الاحزان» کندی بغدادی‌را آورده است. محمدزکریاء رازی درفصل ۱۲ طب‌روحانی اززدودن اندوه گفتگو کرد.

آغاز: بسمله وحمد وصلوه ـ نبین ماالحزن واسبابه لیکون اشفیته معلومة. فنقول‌الحزن الم نفسانی یعرض لفقدالمحبوبات وفوت المطلوبات لایکادیعری احد من هذه‌الاسباب.

انجام: بل یرضی بکل‌حال یکون فیه‌لیسلم من‌الم‌الحزن انشاءالله تعالی.

[۹۰۶]

۱۳۰۸ این نسخه شماره۱۸دفتروبخط نسخ بانشانه‌های شنگرف میباشد.گ۱٤٤ الف درپایان دارد: «تم.بلغ من‌اوله الی‌آخره بعون‌الله»

فارابی ایندفتررا دربغداد آغاز ودرپایان ۳۳۰ بشام برده ودر ۳۳۱ دردمشق بانجام رساند وپاکیزه ساخت سپس بازبدان نگریسته بخش بندی نمود پس ازاین کسی ازاو خواست که فصلهائی درآن گذارد تابدانندکه ازچه درآن یادمیشود او درمصر بسال ۳۳۷ فصلهایشرا درست نمود وآن‌شش بخش میباشد (خزرجی ج۲ ص۹ ـ۱۳۸) فهرست آن در۱۸ باب درآغاز نسخهٔما ودر۱۹ باب درآغازچاپ مصر دیده میشود .

اودر پایان آن‌ازکشورهای گوناگون: «مدینه‌فاضله، جاهله، فاسقه، ضروریه متبدله، ساقطه، مکارمه، جماعیه» مانند «السیاسات‌المدینه» خودیادکرد ودر اینجا ازجمهوری پلانون (بند ٤٤٥ پایان دفتر٤ وبند ٥ـ٥٤٣ آغازدفتر٨) واخلاق‌نیقوماخوس (فصل۱۰ دفتر۸)واخلاق اودموس (ف۹و۱۰د۷) واخلاق کبیر (ف۳۱د۱) وسیاست(ف٤و٥د۳)وخطابه(ف٤و٨د۱) ارسطوبهره‌برد. درخطابه‌شفا(ف۱و۳م۲) و تلخیص خطابه ابن رشد (ص۱۲۳و ۱۵۹ج۲ علم‌الادب ، مقالات لمشاهیرالعرب یسوعی) نیزنامی از اینها برده شد .

هرودتس درتاریخ (دفتر۳ بنام تالیا بند۸۰ وپس ازآن) مینویسدکه هفت تن ازبزرگان ایرانی پس ازکشته شدن‌مغ گردآمده ازمیان آنها اوتانس‌خواستار دموکراسی (فرمانروائی مـردم) ومگابوزوس خواستار اولیگارشی (فرمانروائی خاندانها) وداریوش دوستارپادشاهی شده هریك‌برای درستی اندیشهٔ خویش سخن راندند وچهارتن دیگرنیز دراین درباره سخنی بمیان‌آوردند(۱) پس ایرانیان نیز ازاین بحث بیگانه نبودند .

افلاطون دربند۵۲۱الف جمهوری میگویدکه نیکوترین کشورآنست که نیازمندان درآن فرمانرانند نه توانگران دارندهٔ زربلکه کسانیکه درنیکخوئی و

۱ـ بنگرید بترجمه‌های فرانسوی وانگلیسی این‌تاریخ و ترجمهٔ گزیده پارسی وحید مازندرانی چاپ تهران ۱۳۲٤خ ص۳ـ۱٦۰ .

خردمندی توانگر باشند و نه بی‌نوایان تهی‌دستی که برای جستن کام خویش آتش جنك خانگی را روشن سازند .

ارسطو درك۲ب۳ف۱۰سیاست میگوید : برخی ازنگارندگان برترین‌دستور را آن میدانندکه ریشه‌های دستورهای دیگر در آن باشد و ازدستورلاکدمونیا کـه آمیخته‌ای‌استازالیگارشی‌وپادشاهی ودموکراسی میستایند(گویا از آن‌ارخوتاس را میخواهدکه درروزگار او بوده‌و پاره ازسخنان اورا دیگران آورده‌اند ودرهمین زمینه است ـ ترجمهٔ‌احمدلطفی سید ص۱٤٥) .

همو درکتاب٤ سیاست ازبهترین کشوریا جمهوری فاضل گفتگو نمود و آنـرا حکومتی دانست‌که بهترین زندگی را برای افراد بیاورد وهردم در آن خوشبخت باشند .

فارابی در«مبادی اراء اهل‌المدینةالفاضلة» و «السیاسات المدینة» بسخنان هردو فیلسوف مینگریست وجنبه‌شیوعی و برابری زن‌ومرد «جمهوری»را نیاورد وبیشتر ازفرمانروائی شایستگان‌نه ازروی ارث‌که دربند۴۲۳جمهوری‌دیده میشود گفتگو نمودگرچه اینگونه فرمانروانی باحکومت استبدادی تازیـان سازگاری نداشت . فارابی‌درست‌بروش پلاتونیهاکه‌نخست ازهستی وشناخت‌سخن‌رانده سپس‌بشناسائی طبیعت پرداخته آنگاه بخلق وسیاست رسیده سرانجام ازدین وهنر یاد میکردند ، رفته نخست بود خدا را روشن ساخته سپس بجهان شناسی پرداخت آنگاه بروان شناسی رسیده ورشتهٔ سخن‌را بمرد برتر یابپیامبر وچگونگی وحی کشاند. درپایان ازشهرنشینی واجتماعی بودن مردم گفتگو کرده آشکارساخت‌که رهبرکشور باید چگونه باشد وسرانجام ازنیك وبدکشورهای گوناگونی‌که میتواند در روی زمین بنیادگردد سخن‌راند . او۱۲خصلت‌برای فرمانروا یادمیکند چنانکه دردفتر٦بخش علوم ناموسی اخوان صفا (ج٤ص۱۸۲) آمده‌است. پس‌اودراین‌مورد بمشرب‌شیعی نزدیك است چنانکه شیخ‌رئیس درپایان شفا نیز بهمین روش رفته است .

فارابی رهبرکشوررا چنان وصف میکنندکه با پیشوای معصوم شیعی سازگارتر

میباشد ازاین‌رو است که ابن‌رشد اندلسی درتلخیص خطابه میگوید: «... رئاسة‌ـ الاخیار... وهذه تعرف بالامامیه ویقال انها کانت موجودة فی‌الفرس‌الاول فیماحکاه ابونصر» ازاین‌جا چنین برمیآید که فارابی گذشته ازنگارشهای افلاطون وارسطواز دستورهای سیاسی ایرانی نیزبهره برده وگفتار فرزانگان یونان ودانشمندان ایران را باروش شیعی سازگارساخت واین‌هم دورنیست‌زیرا افلاطون دربند a ٥٧٦ کتاب ٥ ٩جمهوری ازکشور جمهوری بنام‌پادشاهی یادنموده وبهترین‌کشور نزد او آنست که اریستوکراسی باشدودر آن سررشته کارهارا نیکان‌دردست‌گیرند وهمان‌است کـه فارابی ازآن بمدینه فاضله وشیخ رئیس بسیاسة‌الاخیار یاریاست شریف وابن رشد بریاسة‌الملك یاریاسة‌الاخیار (دوبخش سیاست جودت تسلط) تعبیر نموده‌اند. افـلاطون درکتاب «سیاسی» بند٣٩و٤٠و٤١ (٣٠٠ـ٣٠٤) میان اریستوکراسی و ١٠ پادشاهی جدائی نهاده ودرنامه هفتم بند d ٣٢٦ باز ازسه دولت تیرانی والیگارشی ودموکراسی ودولتی‌که برپایه دادگری وبرابری نهاده شده باشدیاد نمود بـاز در کتاب نوامیس بند٧١٠ ازدولتهای تیرانی ومنارشی و دموکراسی والیگارشی یـاد کرده وگفت‌که حکومت‌کامل آنست‌که آئین‌گذاردرستی درآن‌باشد ونیرومندان ١٥ کشوربا آن همکاری کنند.

[٩٠٧]

این نسخه شماره١٣دفتروفهرست آن‌شماره١٢آن وبنسخ روشن نوشته‌شده ٢٤٠ است.گ٨١الف ـ ١٠٦الف.

آغازچنین‌است: احصاءالابواب‌التی فی‌مختصرکتاب‌المدنی. الباب١فی‌الشئی الذی‌ینبغی‌ان‌یعتقدفیه‌انه‌هوالله‌ـالاراءالتی‌فیهاآراءالملل(منهاینبث‌الملل)الضالة(فهرست ٢٠ ١٨باب‌کتاب)هذاکتاب‌الفه ابونصرالفارابی‌وهومحمدبن محمدفی‌مبادی‌آراء اهل‌المدینة الفاضلة. بسمله‌الموجودالاول هوالسبب‌الاول لوجود سایرالموجودات ـ وانجام چنین: ولایجعل شیئامحالااصلا. تم‌الکتاب بعون‌رب‌الارباب ومسبب‌الاسباب‌ـدربارهٔ چاپهای اینکتاب بنگرید به‌ص٨٢همین فهرست.

[٧٥٣] محاسبهٔ نفس (رسالهٔ ...) (فارسی) ٢٥

دراین‌رساله ازمحاسبه نفس بروش عرفانی گفتگوشده ودرآن ازشیخ‌عبدالله

خفیف (ابوعبدالله محمد بن خفیف بن اسفکشاذ دیلمی نیشابوری شیرازی عارف م ۳۷۱) یاد گردید .

آغاز: بسمله ... احمد واصلی واسلم . اعلم یا اخی وحبیبی ... اینکه از کلمات یکی از اکابر است که فرمود سرمایهٔ تودل است ووقت تو .

انجام : که خوش گفت آنکه گفت: هر نکته مشکل که ترا درپیش است؛ از حق طلب، از کس نه ، گرت تمکین است. کوشش مدار تا زجائی گوید ؛ کانرا ره و رسم آشنائی اینست . وهو حسبنا ونعم الوکیل .. و وصلنا واياكم الى ذروة الكمال انه لماشاء فعال .

[۹۰۸]

این نسخه شماره ۲۳ دفتر وبخط تعلیق محمد علی بسال ۱۳۰۲ میباشد .گ ۳۹٦ ب ـ ٤۰۱ الف . این رساله در دنبال رساله های بابا افضل در ایندفتر نوشته شده است .

٤۳۱

[۷٥٤] **محاسبة النفس** (عربی)

دانشمند علی بن طاوس حلی (٥۸۹ـ٦٦٤) این نامه را درچهار باب هریك درچند فصل در باره محاسبه نفس پارسایان از روی خبرهای شیعی نگاشته و در دیباچه می گوید گرچه درنگارشهایم این مطلب را گنجاندم ولی شاید بدست نیازمندان نرسد این بود که جداگانه بدین نامه پرداختم . بجز کتابهای شیعی از تاریخ نیشابور حاکم نیز میآورد . این نامه بچاپ هم رسیده (طوس ج۲ ص۳٤٦) .

آغاز: بسمله . یقول علی بن موسی بن جعفر بن محمد الطاوس العلوی الفاطمی ... احمدالله جلّ جلاله الذی ابتدانی بالجود والوعود و ربانی بظهور الاباء والجدود ... فانی رایت الایات والروایات شاهدة بماتقضی محاسبة الانسان لنفسه .

انجام: وهذا آخر ماارد ناذکره فی هذه الابواب فیما یقتضی الاستظهار والسلامة من الغفلات والعتاب یوم الحساب فبشر عبادی الذین یستمعون القول ... هم اولوالالباب والحمدلله رب العالمین وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین .

[٩٠٩]

٨٨١ این نسخه شماره۳دفتر و بخط نسخ باعنوانهای شنگرف نزدیك بسال ١٠٠٤ گ۳ب-۱۱ الف. شماره چهارم دفتر تفسیری است از شهید یکم بر «سبحان‌الله والحمدلله ... والله اکبر» بهمان خط گ۱۱ب - ۱۲الف .

[٧٥٥-٧٥٧] المحجة البیضاء فی احیاء الاحیاء (عربی) ٥

دانشمند فرزانه‌شیعی فیض کاشانی (١٠٠٧-١٠٩١) ازروی احیاء علوم‌الدین غزالی طوسی این کتاب‌را نوشته و با انداختن داستانهای صوفیانه واخبار نادرست‌و آوردن خبرهای شیعی بجای روایتهای سنیان آنرا زنده نمود ودرست هم توانست ازعهده آن‌برآید. این‌نگارش مانندا حیاء دارای چهار بخش‌است : «عبادات -عادات مهلکات- منجیات» هریك درده کتاب. اودرآغاز بخش نخستین میگوید:«که‌غزالی احیاء راهنگامی نوشت که هنوزشیعی نشده‌بود ومن آنرا دراین کتاب پاکیزه‌ساخته خبرهای شیعی درآن میآورم وچیزهائی هم برآن میافزایم . غزالی چنانکه ازسر- العالمین اوبرمیآید درپایان زندگی‌بآئین شیعی گرائید وابن‌جوزی هم بدان‌گواهی داد » .

[٩١٠]

١٠٥٣ این نسخه ربع عبادات وبخش یکم کتاب است وبخط نسخ پاکیزه با نشانه‌ها وعنوانهای شنگرف ازمحمد شفیع فیروزآبادی قاینی درپایان محرم١١١٤ وچنین است : «بسمله وبه‌نستعین‌الحمدلله تعالی‌اولا حمدا کثیراً دائماً متوالیاً -هذا آخرالکلام‌فی کتاب‌ترتیب‌الاوراد ... وبتمامه تم‌ربع‌العبادات من‌المحجه‌البیضاءفی تهذیب‌الاحیاء ویتلوه ... فی‌ربع‌العادات کتاب اداب‌الاکل‌والحمدلله اولاوآخراًوظاهراً وباطناً» نسخه‌ای ازاین ربع‌بخط نسخ‌خوش پیش از١١١٧ وازربع عادات بخط نسخ تاریخ١١٠٠ نزد دانشمند گرامی آقای‌حکمت آل‌آقا هست.

(۳۲۰۳ک) —کاغذ سپاهانی — جلد تیماج ضربی سرخ مقوائی فرسوده

اندازه : ۱۸×۱۴ و۳ ×۱۸ س۱۷

[٩١١]

١٠٥٤ این نسخه ربع مهلکات وبخش سوم‌آن وبخط نسخ در جدول شنگرف و با عنوانهای شنگرف تاریخ ١٢٨٦ میباشد وچنین است: «بسمله الحمدلله‌الذی

تتحیردون ادراك جلاله القلوب والخواطر ـ هذا آخر الکلام فی کتاب ذم الغرور بتمامه تم ربع المهلکات من المحجة البیضاء فی احیاء الاحیاء ویتلوه... فی ربع المنجیات کتاب التوبة والحمدلله... بمحمد واله ... الطاهرین» بخط تعلیق دارد «فی یوم الجمعه رابع وعشرین شهر ذی قعدة الحرام سنة ١٢٨٦... قلمی شد ... »

(٣٢٣٠ک) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج زردضربی متوالی
اندازه: ٥/٢١×٥/٣١ و ١٤×٢٢ س ٢٢

[٩١٢]

٣٩٧ این نسخه ربع منجیات وبخش چهارم آن وبخط نسخ درجدول و با عنوانهای شنگرف که درشوشتر بامداد روز یکشنبه ٢٩ رمضان سال ١٢٨٦ نوشته شده و چنین است : « بسمله الحمدلله الذی یتحمیده یستفتح کل کتاب وبذکره یصدر کل خطاب وان یتفضل علینا کما هو اهله بمنه وسعة جوده ورحمته . اللهم عاملنا بعفوك ولا تعاملنا بعدلك وتم کتاب ذکر الموت وما بعده من المحجة البیضاء فی احیاء احیاء علوم الدین وهو الکتاب العاشر من الربع الرابع الذی فی المنجیات وبتمامه تم کتاب المحجة بکتبه الاربعین جمیعا والحمدلله رب العالمین وصلی الله علی محمد وآله اجمعین» در پایان همان خط تعلیق ش ١٠٥٤ که تاریخ را میرساند دیده میشود واینده نسخه بیك خط است .

این بخش بازپسین را مهدی بن محمد ابراهیم خوانساری درتهران چاپخانه آقامیرزا علی اصغر بسال ١٣٤١ ازروی خط سلمان بن ملا احمد طالقانی مرجانی تاریخ ١٣٢٦ بچاپ سنگی رساند .

(٣٣٤٧ک) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج ضربی متوالی
اندازه: ٥/٢١×٥/٣١ و ١٤×٢٢ س ٢٢

[٧٥٨] مرصاد العباد من المبدء الی المعاد (فارسی)

این نگارش درپنج باب ودرسلوك عرفانی واخلاق است که نجم الدین دایه ابوبکر عبدالله بن محمد بن شاهاور رازی برای سلطان علاءالدین کیقباد یکم (٦١٦ـ٦٣٤) فرزند کیخسرو پسر قلج ارسلان سوم از فرمانروایان سلجوقی آسیای کوچك نگاشته وآنرا دررمضان ٦١٨ درقیصریه آغاز ودرروز دوشنبه یکم رجب سال ٦٢٠ درسیواس بپایان رساند. این عارف درتهران زاده وشاگرد شیخ ابوسعید مجدالدین شرف بغدادی و پیرو شیخ نجم الدین کبری بوده وبسال ٦٥٤ در شونیزیه بغداد درگذشت .

گزیده‌ای ازهمین کتاب بپارسی بنام «تلخیص مرصادالعبادفی کشف سرالایجاد» درتهران بسال ۱۳۰۱ باندازه بغلی چاپ‌سنگی شده ازآن نجم‌الدین کبری پنداشتند. دیباچه‌ای درسرگذشت همو نیز باآن هست. گزیده‌ای ازآن بتازی نیز دربرلین هست (ش۳۰۰۶ فهرست اهلورث)(۱).

[۹۱۳]

۴۰۴ این نسخه بنسخ وچاپ سنگی سال۱۳۱۲ تهران‌است باآغاز وانجام یاتذکره خواجه طوسی بسال۱۳۱۴ وشمس‌العرفا حسین عارف پیروشاه نعمة‌الله بخط خود برآن حاشیه نوشته ونسخه را تصحیح نمود.

(۲۷۲+۱۴ص) ــ کاغذ فرنگی ــ جلدتیماج متوالی

اندازه: ۱۷×۲۳

[۷۵۹] مسکن‌الفواد عند فقدالاحبة والاولاد (عربی)

دانشمند پارسای شیعی زین‌الدین‌بن علی‌بن‌احمد عاملی‌جبعی (۹۱۱-۹۶۶) این‌نامه را دردلجوئی ازآسیب زدگان و داغ دیدگان دریك مقدمه و چهارباب و یك خاتمه نوشته ودلیلهای عقلی وحدیثها درآن آورده ودر نیمه روز آدینهٔ یکم رجب ۹۵۴ آنرا بپایان رساند. این‌نامه درتهران بسال ۱۳۱۰ با «اوزان‌المقادیر» مجلسی بچاپ رسید و میرزا اسماعیل خان مجدالادباء خراسانی آنرا بپارسی کرد که درطوس بسال۱۳۲۱ بچاپ سنگی‌رسید (فهرست طوس ج۲ص ۳۴۶و۳۵۰)

[۹۱۴]

۱۰۱۷ این نسخه شماره۲دفتر بخط‌نسخ حسین‌بن مسلم‌بن حسین‌بن محمدشهیر بابن شعیر عاملی نزدیك۹۵۴ است. اوهمانست که ش۱ دفتر (منیة‌المرید) را هم نوشته وشاگرد شهید میباشد. دراین‌نسخه ازمقدمه هست‌واندکی ازباب‌دوم وسوم وچهارم. باب۱ درآن نیست وبدینجا میانجامد: «عن‌السائب‌بن یزید ان‌النبی‌ص

۱ــ بنگرید به: مرصادالعباد چاپ سربی شمس‌العرفا درتهران بسال ۱۳۱۲/۱۳۵۲

فهرست طوس ج۲و۴ ــ فهرست مجلس ج۲ ــ فهرست ریوج ۱ ص۳۸ وج ۴ش ۱۷ ــ نفحات‌الانس جامی.

لمامات ابنه الطاهر ذرفت عينه ... فقال ص العين تذرف وان الدمع يغلب» در گ ۷۳ ب بخط دیگری دارد «تمت ۹۵٤» ـ گ ۵۹ب ـ ۷۵ب . در گ ٦۹ الف دارد : « تم بلغ قراءة وفقه الله تعالی» و بخط همان شهید است . علی بن محمد حسین موسوی شوشتری در ۱۵ ج ۲ سال ۱۲٦۸ (گ ۱ الف) وعلی بن حسین بن محمدعلی بن زین الدین موسوی و علی محمد موسوی (رویهٔ برگ پیش از آن) ازدارندگان نسخه بوده‌اند .

(همهٔ دفتر ۷۵) — کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج زرد تازه

اندازه: ۱۴×۵ر۱۸ و ۵ر۸×۱۳س۱۷

[۷٦۰] من لا یحضره الانیس (فارسی)

ازشیخ محمدبن حاج ملامؤمن هروی مدرس آستان طوس که در آن بفرزند خویش هدایة‌الله اندرزهائی میدهد خودمانی وخانگی وبسیار ساده وپندها جدااز هم وپیوستگی ندارد ودیباچه‌ای در آن هست. زندگی آن روزگار بخوبی از آن پیدا است .

آغاز: نورچشم ازباب اینکه به‌بچه ها بگوئی کتاب من پشت کتابش هم حاشیه دارد و کتابهای شمانداردا سم این حاشیه‌را حاشیه پشت کتابی بگذار... بسمله. نور چشم هدایة‌الله بموافقت بعضی ازطلاب محض اینکه نگوئی چرا کتاب من پشت کتابی ندارد گوش‌نما (گ ۲ب) .. بسمله الحمدلله الذی عرفنی نفسه ... نورچشم هدایة‌الله اولا خداوند عالم تورا عالم ربانی نموده بکمال عمرطبیعی رساند بمحمد ... و ثانیاً آگاه باش ... (گ ٤ب) .

انجام : اطفأ السراج فقدطلع الصبح وتمت کلمة ربك صدقا وعدلا (۵۲ الف) .

[۹۱۵]

این نسخه بنسخ وعنوانهای «نورچشم» بشنگرف وحاشیه‌ها بتعلیق است نویسندهٔ آن ابوتراب موسوی گلپایگانی بسال ۱۳۲۱ میباشد . حاشیه‌هائی در آن هست بخط همو که پندهائی است بنام «نورچشم» ـ در پایان خط تعلیق نگارنده (هروی) دیده میشود : « هذا بعض مقالاتی فی اللیل الالیل وانا العبد الاقل خادم کشیك الاول فی آستان المقدس الرضوی الشیخ محمدبن جناب الحاج ملامؤمن الهروی اوتیا کتابهما یمینیا وحو سباحسابا یسیرا» .

۱۳٤

(۳۵۳ گ) — کاغذفرنگی — جلدتیماج سبزیك‌لاوضربی
اندازه: ۱۵×۲۲و۵ر۷×۵ر۱۳س۱۳

[۷٦۱] منهاج‌النجاة (عربی)

نگارش فیض کاشانی (۱۰۰۷-۱۰۹۱) که بدرخواست یاران و بروش غزالی نوشته و آنچه راکه همگان می‌باید بدانند ومایهٔ رستگاری در رستاخیز است در آن گزارش داده ودر۱۰٤۲ بپایانش رساند (کشف‌الحجب ص٥٦٦) .

ایندفتر کوچك دارای یك‌مقدمه‌ودومقصد (اعتقادات کلامی- اعمال‌وعبادات فقهی وخلقی) هردو درپنج باب وهریك چند هدایه میباشد .

درهدایهٔ دوم باب طاعات قلب مقصددوم ازاعتقادات خواجه طوسی(ص۵۳۱ اینفهرست) وشرح ارشاد اردبیلی یادکرده ودرپایان همین باب‌به‌المحجة البیضاء فی تهذیب الاحیاء خویش بازگشت داد .

اینکتاب باخلاصة‌الاذکار وبشارة‌الشیعة ومرآة‌الاخره وضیاءالقلب درتهران در۱۳۱۱ بنسخ چاپ سنگی شد (ج٤ص۳۵۷طوس) نیز با علم‌الیقین وعین‌الیقین او (۱۳۰۳) وسرگذشت فیض از مسیح‌بن علی‌اکبر حسینی سمنانی (۱۳۱۲) ومرآة الاخرة او (۱۳۰۳) بکوشش آقا مشهدی عباس کتابفروش در تهران بسال ۱۳۱٤ بنسخ چاپ سنگی شد .

آغاز: الحمدلله‌الذی‌هدانا للدین‌القویم‌والنهج‌المستقیم ... فیقول... محمدبن المرتضی‌المدعو بمحسن ... هذاکتاب منهاج‌النجاة .

انجام: وایاك‌ثم‌ایاك ان‌تکون من‌الفریق‌الثالث فتهلك هلاکالایرجی‌فلاحك ولاینتظر صلاحك (انتهی کلامه اعلی‌الله مقامه . هذاانتهاء منهاج‌النجاة) .

[۹۱٦]

۱۰۹۲ این نسخه بنستعلیق باعنوانها ونشانه های شنگرف از محمد سنجر بن محمد کاظم‌در۱۷جمادی‌دوم سال۱۰۷۱میباشدوچهارجاحاشیه‌دارد که به«منه‌مدظله العالی - منه - منه‌دام‌ظله-منه‌مدظله» پایان میباید گ۱ الف-۱۲الف -۲۵ ب - ۲٦الف» وشعر هائی بپارسی درکنار برگها دیده میشود . نزدیك بیك‌صفحه از

دیباچه‌را ندارد وچنین است آغاز آن : «والکف عن المعاصی الواضحة الفاضحة ...فهنا مقصدان... المقصدالاول» .

(۳۶۲ه) کاغذ سمرقندی -- جلد تیماج سرخ ضربی دریکسوی
اندازه : ۱۱ر۵×۱۸ر۵ و ۶ر۵×۱۲ر۵س۱۸

۵ [۷۶۲] منیةالمرید فی ادب المفید والمستفید (عربی)

این دفتر که روش آموزش وپرورش دانشمندان دینی را بخوبی نشان میدهد از دانشمند شیعی شهید دوم زین‌الدین‌بن علی‌بن احمد عاملی جبعی(۹۱۱-۹۶۶)می باشدکه درنیمهٔ روزپنجشنبه ۲۰ع۱سال ۹۵٤ آنرا بپایان رساند ودریك‌مقدمه و٤ باب ویك خاتمه میباشد . شهید در آن هر گونه دستوریکه دانشجویان از آغاز کار
۱۰ تاگاهیکه بپایگاه روایت ونگارش وتدریس یاقضاوت یا افتاء برسند باید بکار بندند آورد . این کتاب چنانکه شهید دردیباچه میگوید پاره‌ایست از«منارالقاصدین فی اسرار معالم‌الدین» اوکه بنوشتن آن میپرداخت وبپایان‌نرسیده بود. شهیدچنانکه دردیباچه میگوید دراین نگارش از سخن خـدا وپیامبر وپیشوایان وفرزانگان و دانشمندان بهره برده است.

۱۵ منیةالمرید رادردنبال روض‌الجنان همین شهید در شرح برارشاد الاذهان علامهٔ حلی، حاج‌شیخ‌محمدرضا تهرانی بسال۱۳۰۷ بخط نسخ بچاپ سنگی رساند وپیش ازآن دربمبئی درمطبع حسینی بسال۱۳۰۱بچاپ رسیده بود بازدرتهران کتابخانه بوذرجمهری آنرا بسال۱۳٦۸ بچاپ‌رساندکه بانسخهٔ ماهم برابرشده وکلیشهٔ خط شهیدوخط نویسندهٔ نسخهٔما درپایان‌آن دیده میشود. منیةالمرید درمجله آموزش
۲۰ وپرورش درش۵سال۱تاریخ مراد ۱۳۰٤ ص۲۰-۳۲ شناسانده شده و گزیده‌ای از آن بپارسی در آن دیده میشود(۱) .

۱ــ درباره آموزش وپرورش اخوان‌صفاومشکویه‌درطهارة‌الاعراق‌وترتیب‌السعادات وابن سینا درسیاست وغزالی دراحیاء وجزآن وابن‌خلدون درمقدمه ودانشمندان‌دیگر سخن رانده‌اند . نویسندگان درایةالحدیث نیز بخشی ازآنرا آورده‌اند. مانند مقدمه
۲۵ یاکتاب علوم‌الحدیث ابن‌صلاح ابی‌عمر عثمان شهرزوری شافعی م ٦٤۳ دربـارهٔ اداب

بقیه حاشیه درصفحه بعد

[۹۱۷]

۱۰۱۷ این نسخه شماره۱دفتراست وبخط نسخ باعنوانها ونشانه‌های شنگرف ازحسین بن مسلم بن حسین بن محمد شهیر بابن شعیر عاملی که ماناشاگرد شهید است و درنیمهٔ روز پنجشنبه ۲۳ج۱ سال۹۵٤ درست دوماه وسه‌روز پس از نگارش شهید آنرا بپایان رساند. درروبهٔ برگ نخستین شهید نام‌خود «زین‌الدین بن علی بن احمد شامی عاملی» ونام کتاب «منیة المرید فی‌ادب المفید والمستفید» را بخط خود نوشته و زیر آن تاریخ۹۵۹ دیده میشود. درکنار صفحه‌ها چندجا بخط شهید دارد «بلغ سماعا وفقه‌الله تعالی» گ۷ب ۱۲ب۲۵الف ۲۹الف ۳۲الف۳۷الف٤۳الف ودرکنار گ۵۸ الف درپایان کتاب باز بخط همودارد که این کتاب‌را او(همین‌نویسندهٔ نسخهٔما) درچند هنگام ازمن‌شنیده ونزدمن آنرا درست نموده‌که بازپسین آنها تاریخ روزپنجشنبه۲ذی قعده سال۹۵٤میباشد. شهیددراینجا ازخود بمانند بالا یاد میکند. کلیشهٔ همین‌خط در پایان چاپ ۱۳۶۸ آمده است. درگ ۱٤ب و۱۵ الف‌حاشیه‌هائی بخط تعلیق دارد که بنام «صالحره» میانجامد:

نسخه ازآغاز داردتا امر۸قسم۲ نوع۳باب۱ (برابر باس۷ص٤۳ چاپ ایران) آنگاه میرسد بامر۱۸قسم۳نوع۳باب۱ (س۱٤ص۵۱) تااندکی ازآغاز باب۲(س۹ص ۵۳) سپس اندکی ازباب٤ (میانه مسئله۱تا میانه مسئله٦برابر باس۲۵ص٦۸تاس۲۱ ص٦۹) میآید آنگاه‌میرسدبمیانهٔ‌مطلب۱خاتمه (س۹ص۷۸) تاپایان کتاب پس‌افتادگی نسخه‌بسیار است. گ۱ب-۵۸الف.

بقیه حاشیه صفحه قبل

محدث وطالب حدیث (چاپ مطبعه‌السعادة مصر۱۳۲٦) والتقریب والتیسیر لمعرفة‌سنن البشیرالنذیر ازمحیی‌الدین یحیی‌نووی دمشقی شافعی (٦۳۱-٦۷٦) (چاپ‌شده درآغاز شرح کرمانی برصحیح بخاری).

صوفیان هم از پرورش مرید واداب‌آن یاد کرده‌اند. درکتابهای فقهی جسته گریخته برخی ازآن دیده میشود. گفتاری نیزدرجاویدان خرد مشکویه (ص۸-۲۷۰) بنام «وصیة افلاطون فی‌تادیب‌الاحداث» ترجمه اسحاق‌بن حنین آمده است.

پیش ازشهید درمیان شیعیان خواجه طوسی «اداب‌المتعلمین» نوشته و در میان سنیان بویژه قاضی‌القضاة شیخ الاسلام بدرالدین محمدبن ابی اسحاق ابراهیم‌بن ابی الفضل سعدالله‌بن جماعه حموی‌شافعی پارسای محدث مفسر خطیب شاعر(حماة ع۲سال

بقیه‌حاشیه درصفحه بعد

[٧٦٣] **میزان الملوك** (فارسی)

نگارشی است در کشورداری آمیختهٔ باآیات واخبار ودرده باب: «دادگری ـ خلافت ـ پادشاهی وفرمانروائی ـ رفتار شاهان بامردم ـ رفتاروزیران ونوابان و نویسندگان ودیوانیان ـ رفتاردانشمندان ومفتیان واندرزگران و داوران ـ رفتار توانگران ـ رفتار دهگانان وسران وکشاورزان وروستائیان ـ رفتارسوداگران و بازرگانان . رفتارپیشه‌وران و هنرمندان .

بقیه حاشیه ازصفحه قبل

٦٣٩ ـ مصرج۱سال۷۳۳) رامیتوان نامبرد کـه «تذکرة‌السامع والمتکلم فی آداب العالم والمتعلم» را در٥باب نگاشته ودر١٤ ذی‌حجه سال٦٧٢ بپایانش رساند.شهید گویا این کتاب‌را دردست داشت وبسیاری ازجاها ازآن بهره برد (بنگریدبه : ص٢٥ و٣٢ و٣٣و٦٩و٧٤ منیهٔ چاپ ایران وص١٧و٣١و٣٤و١٦٤و١٩١ تذکره چاپ‌دائرة المعارف عثمانی دکن در١٣٥٣) .

تذکره ومنیه ازرهگذر ترتیب منطقی وبخش‌بندی مطلبها بسیار پسندیده وسخنان خشك‌وظاهری قابسی وزرنوجی‌درآنها دیده نمیشودچنانکه زرنوجی میگوید:«وینبغی ان لایکون فی‌الکتاب شئی من‌الحمرة فانها صنیع‌الفلاسفة لاصنیع‌السلف » (اهوانی ص٢٢٠ وحاشیه تذکره ص١٩١) ولی درآندو داردکه شایسته است نشانه‌ها وعنوان های کتاب‌را بسرخی نوشت ومتن‌را باسرخی ازشرح جـدانمود (ص١٩١ تذکره وص ٧٤ منیه) .

ایندانشمندان نیزدربارهٔ آموزش وپرورش نگارش دارندکه ازرهگذر تاریخ آن بسیار ارزنده است :

١ـ محمدبن سحنون مالکی مغربی قیروانی م٢٦٥ در«اداب‌المعلمین ممادون محمد بن‌سحنون عن‌ابیه» درنه بخش وبسیارکوچك که‌استادحسن‌حسنی عبدالوهاب درتونس بسال١٣٤٨ در٦٤ص با٣٨ص دیباچه خودبچاپ رساند . قابسی ازآن بهره برد.

٢ـ فقیه ابوالحسن علی‌بن محمدبن خلف قابسی قیروانی مالکی (٣٢٤ـ ٤٠٣) در «الرساله‌المفصلة لاحوال‌المعلمین والمتعلمین » که احمد فؤاد اهوانی‌آنرا با دیباچه‌ای بنام « التعلیم فی‌رای القابسی » در قاهره مطبعة لجنة‌التالیف والترجمه والنشر بسال

بقیه حاشیه درصفحه بعد

جعفربن اسحاق آنرا بنـام « میزان‌الملوك والطوائف وصراط المستقیم فی سلوك الخلائف» وبدرخواست حسام‌السلطنه محمد تقی‌میرزا نگاشته است.

آغاز: بسمله . الحمدلله رب‌العالمین بالربوبیة‌الظاهرة ... و بعد ... جعفربن ابیه اسحق بعرض اهل‌مودت‌ووفاق میرساندکه این‌مختصری است ... دربیان‌میزان درمملکت‌داری‌ملوك واهل‌خلافت... که بطلب... شاهزاده...حسام‌الدین‌والسلطنة... محمدتقی میرزا ... بقلم دوزبان تحریر ... میبابد .

انجام : بی‌جمال یوسف وبی‌عشق‌یعقوب‌ازگزاف‌ـ توتیائی‌نایدازهرپیرهن‌ـ الحمدلله‌رب‌العابدین .. واختم‌لنا ... خاتمة خلفائك ... آمین یارب‌العالمین .

بقیه حاشیه از صفحه قبل

۱۳٦٤/۱۹٤٥ در۲ — ۲٤۰و۲٤۲ـ۳۱۸ص بچاپ رسانید این کتاب چنانکه از نامش پیدا است درباره آموزش کودکان و کوچك است .

۳ ـ ابن عبدالبر جمال‌الدین یوسف‌بن عمر قرطبی نحوی محدث (۳٦۸ـ٤٦۳) در«جامع بیان‌العلم وفضله وماینبغی فی‌روایته وحمله» ازاین مسئله یاد نمود (چاپ‌مصر بسال۱۹۲۸) .

٤ ـ برهان‌الدین زرنوجی ۵۹۱م کتاب کوچکی دارد بنام « تعلیم‌المتعلم طریق التعلیم» که چندان دقیق نیست‌وسخنان عامیانه وظاهری درآن‌هست ودرمطبعه‌رحمانیه بسال۱۹۳۱ در ۷۹ص‌بچاپ رسید وبلاتینی‌هم ترجمه گردید .

۵ـ ابن‌عدیم ابوحفص کمال‌الدین‌عمرفقیه محدث‌حلبی(۵۸٦ـ٦٦۰) در«الدراری فی‌ذکرالذراری» چاپ مطبعة‌الجوائب قسطنطنیه در۱۲۹۸.

٦ ـ ابی‌الفرج‌زین‌الدین عبدالرحمن‌بن احمدبن‌رجب‌بغدادی دمشقی حنبلی(۷۰٦ ـ ۷۹۵) در«فضل‌السلف علی‌الخلف» چاپ مطبعه منیریه ازهر .

۷ ـ شیخ‌الاسلام ابی‌زکریا انصاری (م۹۲٦) در«اللؤلؤالنظیم فی‌روم‌التعلیم» که درآن ازغزالی بهره برد .

۸ ـ احمدبن حجرهیتمی (م۹۷۳) در«تحریرالمقال فی‌اداب واحکام‌مایحتاج‌الیه مؤدبوالاطفال» .

بقیه حاشیه درصفحه بعد

[٩١٨]

این نسخه بخط نسخ باعنوانها و نشانه‌های شنگرف در پنجشبه ۹ ع ۱ و در روزگار
۳۵۹ نگارنده نوشته شده است و در پایان دارد: «من تألیفات مولانا ... آقائی آقا سید جعفر مدظله العالی».

(۳۱۰۴ ک) - کاغذ فرنگی- جلد تیماج سرخ پاکیزهٔ ضربی
اندازه: ۱۳×۲۱ و ۷×۱۷ س ۱۷

[٧٦٤] نزهة الاحباب فی معاشرة الاصحاب (عربی)

این نامهٔ درزیبا شناسی ودستور زناشوئی وهمنشینی وخنیاگری و میگساری و خرید برده ودرمان بیماریهای جنسی مردانه و زنانه میباشد و در آن میان دوگونه عشق سنجش شده در گزارش هر مسئله‌ای از عقل و شعر و حدیث و گفتار دانشمندان گواه آورده شده ودرباره زیبائی برهان ریاضی نیز دیده میشود (جملهٔ ۷ جزء ۱ گ ۱۸) شعر ابی العلاء معری نیز در آن آمده است. نامه در دو بخش است: ۱- علم در ۱۲ جمله (گ ۱- ۷۰) ۲- عمل در ۱۲ جمله (۷۱- ۱۰۴) که در این بخش بهداشت جنسی و درمان بیماریهای آن دیده میشود. جمله‌ها رویهم شصت باب دارند. نگارندهٔ آن ابونصر سموئل بن ابی البقا یحیی بن عباس مغربی اسرائیلی حاسب میباشد. او از مردم مغرب ازپدری آشنای بفلسفه وروزگاری در بغداد بوده سپس بفارس آنگاه دردیار بکر و آذربایگان زیسته دردستگاه پهلوانیان کار کرده است. کیش یهودی

بقیه حاشیه ازصفحه قبل

۹ - برهان الدین اقصرائی در «رسالة فی التربیة والتسلیك».

۱۰- شمس الدین انبابی در «ریاضة الصبیان» که «رسالة ناديب الصبيان» را ازمشکویه درآن آورد.

(بنگرید به: دیباچه اهوانی برقابسی - حواشی تذکرة السامع).

دانشمند عارف ابن الحاج ابوعبدالله محمد بن محمد بن محمد عبدری فاسی مالکی که پس ازهشتاد واندسال درقاهره در ۷۳۷ درگذشت در «مدخل الشرع الشریف علی المذهب» که در ۷۳۲ بپایانش رساند از آموزش وپرورش وآموزگار ودبستان گفتگو نمود (چاپ دوم درمطبعه وطنیه اسکندریه ۱۲۹۳ درسه جلد ص ۵۲-۱۷۹ و ۳۱۶-۳۵۸ ج ۱ و ص ۲-۳۳ و ۱۵۵-۱۷۹ ج ۲).

داشت ودرذی‌حجه۵۵۸ بآئین‌اسلام گرائید وازیهودیان‌خرده گرفت وتحریف‌تورات را روشن نمود. بسیارزیرك بود ودرریاضی ازدانشمندان زمان‌خویش برتری یافت وهندسه میدانست ودرجبر ومقابله سرآمد شد ودراین هنرنامه‌ها بپرداخت و در آنها از همزمان خویش ابن‌خشاب عبدالله‌بن احمد بغدادی نحوی آشنای بریاضی (م۵۶۷) خرده گرفت. او پزشکی هم میدانست و بفلسفه دانا بود. سال مرگش را ۵۶۷و۵۷۰و۵۷۶و۵۹۸ نوشته‌اند (۱). ولی‌ازسرگذشت‌اووتاریخ نگارشهایش‌پیدا است‌که از۵۵۸ تا۵۷۰ بنوشتن کتابهای علمی میپرداخت فرزندانش هم درمراغه پزشك بوده‌اند.

باری این‌دانشمند اسرائیلی درپایان این‌نامه‌که دربشت نسخهٔ‌ها بخط‌کهنی «نزهةالاحباب فی‌معاشرةالاصحاب» نامیده شده میگویدکه درعلمهای عقلی نامه‌ها

---

۱ - بروکلمن نام این‌نگارش را«نزهةالاصحاب فی‌معاشرةالاحباب» یادمیکند ومیگویدکه نسخه‌ای ازآن درلایپتسیك ش۷۷۴ وبرلین۶۳۸۱ وگوتا ۲۰۴۵وپاریس ۳۰۵۴ واسکوریال ۱/۸۳۰ وایاصوفیا۲۱۲۱ هست.اینست‌نگارشهای‌دیگراو: التبصیرفی علم‌الحساب-الاجوبةالفاخرةرداعن‌الملةالکافرة-غایةالمقصودفی‌الردعلی‌النصاراوالیهود -افحام‌الیهودکه‌درروزآدینهٔ سال۵۵۸ بپایانش رساند (فهرست مجلس‌ج۲ش۵۹۳/۴- قاهره ج۶ص ۱۱۳) - بذل‌المشهود فی‌اقناع‌الیهود - الباهرفی علم‌الحساب - المجیز المرضوی‌فی‌الحساب-فی کشف‌عوارالمنجمین‌وغلطهم‌فی‌اکثرالاعمال‌والاغلاط که‌دراروپا واسلامبول‌وقاهره نسخه‌ای‌ازاینهاهست(تاریخ بروکلمن‌ج۱ص۶۴۳وپیوست‌ج۱ص۸۹۲)

خزرجی (ج۲ص۳۰) این‌نامه‌ها رااز او میداند : المفیدالاوسط در پزشکی که در۵۶۴ برای وزیر مؤیدالدین ابی‌اسماعیل حسین‌بن‌محمدنوشت - رسالةالی‌ابن خدود درمسئله‌های حساب وجبر- اعجازالمهندسین که درصفر ۵۷۰ برای نجم‌الدین ابی‌الفتح شاه غازی ملك‌شاه‌بن طغرلبك (گویا نجم‌الدین الپی ارتقی فرمانروای ماردین۵۴۷- ۵۷۲) بپرداخت - الردعلی‌الیهود- القوامی درحساب هندی که‌در۵۶۲ نوشت -المثلث القائم‌الزاویة که بسیارخوب وبرای‌شریف‌حابی نگاشته‌است-المنبر درمساحت جسمهای گوهر های آمیخته برای دریافت نادانستهٔ آن - کتاب فی‌الباه (نیزاعلام زرکلی ج ۱ص۳۹۴) درتاریخ قفطی ص۱۴۲ اورا سموئل‌بن یهوذا میخواند ومیگوید که ماناز اندلس میباشد ونامه‌هائی درپزشکی دارد.

نوشتم مگر اینکه دیدم کسی خریدار آنهانیست ناگزیر مانند مردم شدم و بدین نامه پرداختم . درجمله۲ جزء۱ میگوید که پیری هشتادساله ازدربانان اتابك نصرة الدوله بنام حاجب ماهرو دردژ رویندز (روئیندژ) درشعبان۵٦۲ بنزدمن آمد (گ۵الف) نیزمیگوید که زیستن درشهرهای مکه ومدینه وبغداد برنیروی باه میافزایدوسفارش میکند که «اخبارالنساء» ابن حاجب نعمان و«جوامع اللذة» ابی نصر کاتب را بخوانید درهمینجا شعری ازسعدالدین ابوعبدالله بن شبیب مشرف مخزن در بغداد میآورد که برای اوخوانده است (پایان جمله۱ جز۲ گ۷۲الف) .

بگفته چلبی سموئل این نامه‌را برای ابوالفتح نورالدین محمدبن فخرالدین قره ارسلان ازفرمانروایان ارتقی حصن کیفا (۵۷۰ - ۵۸۱) نوشته است (در نسخهٔ ما نامش دیده نمیشود) .

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی جعل رحمته للمذنبین ملاذا . وخلق لعباده آلاما و ملاذا وفطرغرائز البشر علی الصبوة الی اتباع الشهوة تسخیرا لضعیفهم وقویهم .

انجام : علی ان فصول هذا الکتاب الهزلیة ، غیرخالیة من فوائد جدیة ، ومواعظ خلابة ، للقلوب الصدیة ؛ ولامنفکة عن نصیحة نافعة ، وغیرة رادعة ، وتثقیف وادب . واستغفرالله ممایحبط العمل لدیه. واستوفقه لمایقرب الیه. تم الکتاب .

[۹۱۹]

٤٧٦ این نسخه بنسخ کهنه بااعراب وباعنوانهای شنگرف یابخط درشت‌ترمیباشد.در میان نسخه برخی جاها بخط نستعلیق تازه‌تر وپایان هم بدین‌خط است که‌دارای تاریخ پایان شوال سال۱۰۲۲ میباشد . ونام نویسنده‌دراینجا خوانده نمیشود.خط صفحه۱ کهنه وفرسوده شده وبخوبی خوانده نمیشود.

پایان باب۳جمله۹جزء۱۰ (ادب المشاربة) ونیمهٔ نخستین باب٤همین‌جمله (ادب السماع) ازنسخه افتاده است (میان گ۳۵و۳٦) همچنین دنبالهٔ باب۵ همین جمله(ادب المنادمة) وآغاز باب ٦ آن (ادب المضاجعه) نیست (میان گ۳۷و۳۸) نیزدنبال باب۷ این جمله (ادب المجامعة) وهمهٔ۵باب جمله دهم (خریداری برده) وباب۱جملهٔ۱۱ جزء۱۰ (خویهای پسندیدهٔ زن) وباب ۲(خویهای زشت او) وآغاز باب سوم (پندها بمردیکه میخواهد زن بگیرد) ازهمین جمله در میان برگهای ۳۸و۳۹ افتاده است .

(۱۰۵گ) ــ کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج ضربی مقوائی
اندازه : ۷ر×۱۲ر و ۵ر×۱۱ر۱۸س

[۷٦٥] وسیلة النجاة الموصلة الی سبیل الهداة (فارسی)

ازمحمدبن عبدالنبی‌بن نعمة‌الله بحرانی کرمانی‌که برای فرمانروای کرمان مرتضی قلیخان پسرمحمد اسمعیل‌خان نوری‌نگاشته ودراصول وفروع‌دین واخلاق میباشد ومانند احیاء غزالی ونوشته‌های فیض کاشانی آمیختهٔ باآیتها وخبرهااست.

آغاز: بسمله سپاس‌مبرا ازقیاس پروردگاریرا بایدکه‌انوار حقیقت‌را ازصبح ازل پرتوافکن ساخت .

انجام: برتوفیق این‌کتاب مستطاب درهر باب الحمدلله‌رب‌العالمین ...حاصل شد فراغ ازاین‌کتاب . . درروز پنجشنبه بیست ونهم‌شهرشعبان المعظم ازسنهٔ هزار ودویست ونود و پنج هجری بردست ... محمدبن عبدالنبی کرمانی از آل نعمة‌الله بحرانی ... حامدا مصلیا مستغفرا . تمت .

[۹۲۰]

٦٢٢ این نسخه‌شماره۱و بنسخ دردوجدول که کوچکتر آن دوبرنك سرخ‌ولاجورد وبزرگترلاجوردی تنهاوحاشیه‌ها میان آندواست ومتن درجدول کوچکتر . نویسندهٔ آن ملاحسین معلم‌ماهانی میباشدکه درروزگار کرمانی بسال۱۲۹٦ آنرا نوشته ونامش درشماره۲ دیده میشود. گ۱ب ــ ۲۳۰الف وفهرست آن پیش از آن‌آمده است . شماره دوم دو مطلب است (ذکر ــ دعا) درچند فصل وخود کرمانی میگوید که آنراپس از«وسیلة‌النجاة» نوشته‌ام وپیوست آنست وچنین میباشد :«بسمله الحمدلله‌رب‌العالمین ... اما بعدچنین گوید بنده خاطی جانی محمدبن عبدالنبی‌بن‌نعمة‌الله البحرانی ـ ومسلمین همگی بگذشتند برطوائفی که غیرایشانند . الحمدلله‌الذی‌جعل‌ختام هذاالکتاب ... ولاحول ... العظیم» گ۲۳۱ب ــ ۲۳۹ب .

(۲۴۹گ)ــ کاغذفرنگی ــ جلدتیماج سرخ‌ضربی مقوائی
اندازه: ۲۱×۳۴ و ۱۲ر×۲۴س۳۷

پایان بخش یکم ازجلد سوم

تااینجا گفتار پنجم از فهرست کتابهای فلسفی
کتابخانه دانشگاه تهران که استاد دانشمند ارجمند
جناب آقای سید محمد مشکوة بیرجندی بخشیده اند
بپایان رسید و گفتار های دیگر نیز از این پس
خواهد آمد .

گردآورنده و نگارندهٔ این فهرست: محمد تقی
دانش پژوه ـ از آمل تبرستان ـ تهران، یوسف آباد ،
کوی کارمندان .

فروردین ماه ۱۳۳۲ خورشیدی .

انتشارات دانشگاه تهران

۱ - وراثت (۱)	تألیف دکتر عزت‌الله خبیری
۲ - A Strain Theory of Matter	» » محمود حسابی
۳ آراء فلاسفه دربارهٔ عادت	ترجمهٔ » برزو سپهری
٤ - کالبدشناسی هنری	تألیف » نعمت‌الله کیهانی
٥ - تاریخ بیهقی جلد دوم	بتصحیح سعید نفیسی
٦ - بیماریهای دندان	تألیف دکتر محمود سیاسی
۷ - بهداشت و بازرسی خوراکیها	» » سرهنگ شمس
۸ - حماسه سرائی در ایران	» » ذبیح‌الله صفا
۹ - مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات پارسی	» » محمد معین
۱۰ - نقشه برداری جلد دوم	» مهندس حسن شمسی
۱۱ - گیاه شناسی	» حسین گل گلاب
۱۲ - اساس‌الاقتباس خواجه نصیر طوسی	بتصحیح مدرس رضوی
۱۳ - تاریخ دیپلوماسی عمومی جلد اول	تألیف دکتر حسن ستودهٔ تهرانی
۱٤ - روش تجزیه	» » علی‌اکبر پریمن
۱٥ - تاریخ افضل - بدایع الازمان فی وقایع کرمان	فراهم‌آوردهٔ دکتر مهدی بیانی
۱٦ - حقوق اساسی	تألیف دکتر قاسم زاده
۱۷ - فقه و تجارت	» زین‌العابدین ذوالمجدین
۱۸ - راهنمای دانشگاه	—
۱۹ - مقررات دانشگاه	—
۲۰ - درختان جنگلی ایران	» مهندس حبیب‌الله ثابتی
۲۱ - راهنمای دانشگاه بانگلیسی	—
۲۲ - راهنمای دانشگاه بفرانسه	—
۲۳ - Les Espaces Normaux	تألیف دکتر هشترودی
۲٤ - موسیقی دورهٔ ساسانی	» مهدی برکشلی
۲٥ - حماسه ملی ایران	ترجمهٔ بزرگ علوی
۲٦ - زیست شناسی (۲) بحث در نظریهٔ لامارك	تألیف دکتر عزت‌الله خبیری
۲۷ - هندسه تحلیلی	» دکتر علینقی وحدتی

۲۸- **اصول گداز و استخراج فلزات** جلد اول — تألیف دکتر یگانه حایری
۲۹- **اصول گداز و استخراج فلزات** » دوم — » » »
۳۰- **اصول گداز و استخراج فلزات** » سو — » » »

۳۱- **ریاضیات در شیمی** — » دکتر هورفر
۳۲- **جنگل شناسی** جلد اول — » مهندس کریم ساعی
۳۳- **اصول آموزش و پرورش** — » دکتر محمد باقر هوشیار
۳۴- **فیزیولژی گیاهی** جلداول — » دکتر اسمعیل زاهدی
۳۵- **جبر و آنالیز** — » » محمدعلی مجتهدی
۳۶- **گزارش سفر هند** — » » غلامحسین صدیقی
۳۷- **تحقیق انتقادی در عروض فارسی** — » » پرویز ناتل خانلری
۳۸- **تاریخ صنایع ایران** ـ ظروف سفالین — » » مهدی بهرامی
۳۹- **واژه نامه طبری** — » » صادق کیا
۴۰- **تاریخ صنایع اروپا در قرون وسطی** — » عیسی بهنام
۴۱- **تاریخ اسلام** — » دکتر فیاض
۴۲- **جانورشناسی عمومی** — » » فاطمی
۴۳- **Les Connexions Normales** — » » هشترودی
۴۴- **کالبد شناسی توصیفی (۱)** ـ استخوان‌شناسی — » دکتر امیراعلم ـ دکتر حکیم‌ـ دکتر کیهانی ـ دکتر نجم‌آبادی ـ دکتر نیک‌نفس ـ دکتر نامینی

۴۵- **روان‌شناسی کودک** — » دکتر مهدی جلالی
۴۶- **اصول شیمی پزشکی** — » » آ. وارتانی
۴۷- **ترجمه و شرح تبصرهٔ علامه** جلداول — » زین‌العابدین ذوالمجدین
۴۸- **اکوستیک** « صوت» (۱) ارتعاشات ـ سرعت — » دکتر ضیاء الدین اسمعیل بیگی
۴۹- **انگل شناسی** — » » ناصر انصاری
۵۰- **نظریه توابع متغیر مختلط** — » » افضلی‌پور
۵۱- **هندسه ترسیمی و هندسه رقومی** — » احمد بیرشک
۵۲- **درس‌اللغة والادب (۱)** — » دکتر محمدی
۵۳- **جانور شناسی سیستماتیک** — » » آزرم
۵۴- **پزشکی عملی** — » » نجم‌آبادی
۵۵- **روش تهیه مواد آلی** — » » صفوی گلپایگانی
۵۶- **مامائی** — » » آهی
۵۷- **فیزیولژی گیاهی** جلددوم — » » زاهدی

۵۸- فلسفه آموزش و پرورش	تألیف دکتر فتح‌الله امیرهوشمند
۵۹- شیمی تجزیه	» » علی‌اکبر پریمن
۶۰- شیمی عمومی	» مهندس سعیدی
۶۱- امیل	ترجمهٔ غلامحسین زیرک‌زاده
۶۲- اصول علم اقتصاد	تألیف دکتر محمود کیهان
۶۳- مقاومت مصالح	» مهندس گوهریان
۶۴- کشت گیاه حشره کش پیرتر	» مهندس میردامادی
۶۵- آسیب شناسی	» دکتر آرمین
۶۶- مکانیك فیزیك	» « کمال جناب
۶۷- کالبدشناسی توصیفی (۲) - مفصل شناسی	تألیف دکتر امیراعلم- دکتر حکیم- دکتر کیهانی - دکتر نجم‌آبادی- دکتر نیك نفس
۶۸- درمانشناسی جلد اول	تألیف دکتر عطائی
۶۹- درمانشناسی »دوم	» » »
۷۰- گیاه شناسی - تشریح عمومی نباتات	» مهندس حبیب‌الله ثابتی
۷۱- شیمی آنالیتیك	» دکتر گاگیك
۷۲- اقتصاد جلد اول	» » علی‌اصغر پورهمایون
۷۳- دیوان سیدحسن غزنوی	بتصحیح مدرس رضوی
۷۴- راهنمای دانشگاه	—
۷۵- اقتصاد اجتماعی	تألیف دکتر شیدفر
۷۶- تاریخ دیپلوماسی عمومی جلد دوم	» » حسن ستوده تهرانی
۷۷- زیبا شناسی	» علینقی وزیری
۷۸- تئوری سینتیك گازها	» دکتر روشن
۷۹- کارآموزی داروسازی	» » جنیدی
۸۰- قوانین دامپزشکی	» » میمندی‌نژاد
۸۱- جنگل‌شناسی جلد دوم	» مهندس ساعی
۸۲- استقلال آمریکا	» دکتر مجیر شیبانی
۸۳- کنجکاویهای علمی و ادبی	—
۸۴- ادوار فقه	» محمود شهابی
۸۵- دینامیك گازها	» دکتر غفاری
۸۶- آئین دادرسی در اسلام	» محمد سنگلجی
۸۷- ادبیات فرانسه	» دکتر سپهبدی
۸۸- از سربن تا یونسکو- دو ماه در پاریس	» » علی‌اکبر سیاسی
۸۹- حقوق تطبیقی	» » حسن افشار

۹۰- **میکروب‌شناسی** جلد اول	تألیف دکتر سهراب-دکتر میردامادی
۹۱- **میزراه** جلد اول	» دکتر حسین گلزی
۹۲- » » دوم	» » » »
۹۳- **کالبد شکافی**	» » نعمت‌الله کیهانی
۹۴- **ترجمه وشرح تبصره علامه** جلد دوم	» زین‌العابدین ذوالمجدین
۹۵- **کالبد شناسی توصیفی (۳)** - عضله شناسی	» دکتر امیر اعلم-دکتر حکیم
	دکتر کیهانی-دکتر نجم آبادی- دکتر نیك نفس
۹۶- » » (۴) - رگ شناسی	» » » »
۹۷- **بیماریهای گوش وحلق وبینی** جلداول	تألیف دکتر جمشید اعلم
۹۸- **هندسهٔ تحلیلی**	» دکتر کامکار پارسی
۹۹- **جبر و آنالیز**	» » »
۱۰۰- **تفوق وبرتری اسپانیا**	» » بیانی
۱۰۱- **کالبدشناسی توصیفی** - استخوان‌شناسی اسب	تألیف دکتر میر بابائی
۱۰۲- **تاریخ عقاید سیاسی**	» » محسن عزیزی
۱۰۳- **آزمایش وتصفیه آبها**	» » محمد جواد جنیدی
۱۰۴- **هشت مقاله** تاریخی وادبی	» نصرالله فلسفی
۱۰۵- **فیه مافیه**	» بدیع‌الزمان فروزانفر
۱۰۶- **جغرافیای اقتصادی** جلد اول	» دکتر محسن عزیزی
۱۰۷- **الکتریسیته وموارد استعمال آن**	» مهندس عبدالله ریاضی
۱۰۸- **مبادلات انرژی درگیاه**	» دکتر اسمعیل زاهدی
۱۰۹- **تلخیص‌البیان‌عن‌مجازات‌القران**	» سید محمد باقر سبزواری
۱۱۰- **دو رساله** - وضع الفاظ وقاعده لاضرر	» محمود شهابی
۱۱۱- **شیمی آلی** جلداول تئوری واصول‌کلی	» دکتر عابدی
۱۱۲- **شیمی آلی** «ارگانیك» جلداول	» دکتر شیخ
۱۱۳- **حکمت‌الهی** عام و خاص	» مهدی‌قمشهٔ
۱۱۴- **امراض‌حلق‌وبینی وحنجره**	» دکتر علیم مروستی
۱۱۵- **آنالیز ریاضی**	» دکتر منوچهر وصال
۱۱۶- **هندسه تحلیلی**	» دکتر احمد عقیلی
۱۱۷- **شکسته بندی** جلد دوم	» دکتر امیر کیا
۱۱۸- **باغبانی (۱)** باغبانی عمومی	» مهندس‌شیبانی
۱۱۹- **اساس‌التوحید**	» مهدی آشتیانی
۱۲۰- **فیزیك پزشکی**	» دکترفرهاد
۱۲۱- **اکوستیك** «صوت» (۲) مشخصات صوت - لوله - تار	» » اسمعیل‌بیگی
۱۲۲- **جراحی فوری اطفال**	» » مرعشی

۱۲۳- **فهرست کتب اهدائی** آقای مشکوة(۱)	تألیف علینقی منزوی تهرانی
۱۲٤- **چشم پزشکی** جلداول	» دکتر ضرابی
۱۲۵- **شیمی فیزیك**	» » بازرگان
۱۲٦- **بیماریهای گیاه**	» » خبیری
۱۲۷- **بحث در مسائل پرورش اخلاقی**	» » سپهری
۱۲۸- **اصول عقاید و کرائم اخلاق**	» زین‌العابدین ذوالمجدین
۱۲۹- **تاریخ کشاورزی**	» دکتر تقی بهرامی
۱۳۰- **کالبدشناسی انسانی(۱)** سر و گردن	» » حکیم و دکتر گنج‌بخش
۱۳۱- **امراض واگیردام**	» » رستگار
۱۳۲- **درس‌اللغة والادب(۲)**	» » محمدی
۱۳۳- **واژه نامه گرگانی**	» » صادق کیا
۱۳٤- **ثبت یاخته‌شناسی**	» » عزیز رفیعی
۱۳۵- **حقوق اساسی** چاپ پنجم (اصلاح شده)	» » قاسم زاده
۱۳٦- **عضله و زیبائی پلاستیك**	» » کیهانی
۱۳۷- **طیف جذبی و اشعه ایکس**	» » فاضل زندی
۱۳۸- **مصنفات افضل‌الدین کاشانی**	» » مینوی و یحیی مهدوی
۱۳۹- **روان‌شناسی**	» دکتر علی‌اکبر سیاسی
۱٤۰- **ترمودینامیك (۱)**	» مهندس بازرگان
۱٤۱- **بهداشت روستائی**	» دکتر زوین
۱٤۲- **زمین شناسی**	» دکتر یدالله سحابی
۱٤۳- **مکانیك عمومی**	» » مجتبی ریاضی
۱٤٤- **فیزیولوژی** جلداول	» » دکتر کاتوزیان
۱٤۵- **کالبدشناسی و فیزیولوژی**	» دکتر نصرالله نیك‌نفس
۱٤٦- **تاریخ تمدن ساسانی** جلداول	» » سعید نفیسی
۱٤۷- **کالبدشناسی توصیفی(۵)** قسمت‌اول سلسله اعصاب محیطی	» دکتر امیر اعلم-دکتر حکیم دکتر کیهانی-دکتر نجم‌آبادی-دکتر نیك‌نفس
۱٤۸- **کالبدشناسی توصیفی(۵)** قسمت دوم اعصاب مرکزی	» » » »
۱٤۹- **کالبدشناسی توصیفی (٦)** اعضای حواس پنجگانه	» » » »
۱۵۰- **هندسه عالی** (گروه و هندسه)	تألیف دکتر اسدالله آل‌بویه
۱۵۱- **اندام‌شناسی گیاهان**	دکتر پارسا
۱۵۲- **چشم پزشکی (۲)**	» » ضرابی
۱۵۳- **بهداشت شهری**	» » اعتمادیان
۱۵٤- **انشاء انگلیسی**	» پازارگادی
۱۵۵- **شیمی آلی** (ارگانیك) **(۲)**	» دکتر شیخ
۱۵٦- **آسیب شناسی** (گانگلیون استلر)	» » آرمین
۱۵۷ **تاریخ علوم عقلی در تمدن ساسانی**	تألیف دکتر ذبیح‌الله صفا
۱۵۸ **تفسیر خواجه عبدالله انصاری**	بتصحیح علی‌اصغر حکمت

۱۵۹	**حشره شناسی**	تألیف دکتر جلال افشار
۱۶۰	**نشانه‌شناسی** (علم‌العلامات)	« « محمدحسین میمندی‌نژاد
۱۶۱	**نشانه‌شناسی بیماریهای اعصاب**	« « صادق صبا
۱۶۲	**آسیب‌شناسی عملی**	« « حسین رحمتیان
۱۶۳	**احتمالات و آمار**	« « مهدوی اردبیلی
۱۶۴	**الکتریسته صنعتی**	« « محمد مظفری زنگنه
۱۵۶	**آئین دادرسی کیفری**	« « محمدعلی هدایتی
۱۶۶	**اقتصاد سال اول** (چاپ‌دوم اصلاح‌شده)	« « علی‌اصغر پورهمایون
۱۶۷	**فیزیك (تابش)**	« « روشن
۱۶۸	**فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة** (جلددوم)	« « علینقی منزوی